خاطرات فرید

میرزا محمد علیخان فرید الملک همدانی

از ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۴ هجری قمری

گردآورنده:
مسعود فرید (قراگزلو)

انتشارات زوار، تهران، شاه آباد

خاطرات فرید

میرزا محمد علیخان فرید الملک همدانی

از ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۴ هجری قمری

گردآورنده:
مسعود فرید (قراگزلو)

انتشارات زوار - تهران - شاه آباد

شماره ثبت ٦٤٤ مورخ ٥٤/٦/٣

چاپ تابش

میرزا محمد علی خان فریدالملک نویسندهٔ خاطرات
(این عکس درلندن گرفته شده)

میرزا محمد علی خان فریدالملک در محبس قزوین
(این عکس مقارن آزادی اززندان ناصرالدین شاه گرفته شده)
(۱۳۰۹ هجری قمری)

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

یادداشتهائی از روزنامه‌های پدرم

مقدمه

پدرم مرحوم میرزا محمد علی خان ملقب بفریدالملك پسرمرحوم محمدخان حاجیلو ازخانوادهٔ قراگزلو بسال ۱۲۶۷ هجری قمری درقریهٔ قرخلر واقع در۳۵ کیلومتری‌همدان متولد شد. و تا سال ۱۲۹۱ درمولد خود با والدین و اقوام میزیسته است.

درپائیز۱۲۹۱ بقصدکاریابی بهمراهی حبیب‌الهخان عموزاده باکاروان از راه نوبران عازم تهران شد و درمنزل شیرعلی‌خان سرهنگ توپخانه عموی خود منزل میکند و پس‌از مدتی توقف‌وارد خدمت‌توپخانهٔ (مبارکه) میشوند وچندی‌بمشق تیراندازی‌خمپاره‌میپردازند. تا اینکه آجودانباشی توپخانه‌متوجه خوبی خط و سواد پدرم شده نوشتن احکام و کتابچهٔ مطالب عرایض‌کل توپخانه را که هرماه میبایستی بعرض شاه (ناصرالدین شاه) برسد باو رجوع مینماید.

درآن اوقات وزارت جنك با نایب‌السلطنه امیرکبیر بوده است.

مراجعت بهمدان

در سال ۱۲۹۲ پدرم برای انجام پاره‌ای از کارهای‌شخصی بهمدان مراجعت میکند . در آن سال عزالدوله حکمران همدان بود . در حکومت نامبرده ارازل شهر یك نفریهودی را به نفت آلوده وآتش میزنند و وقوع‌آن قضیه سبب‌عزل عزالدوله ونصب شاهزاده‌الله‌اقلی میرزا ایلخانی بحکومت همدان میشود.

ایلخانی‌درحین عبورازتهران بهمدان‌بقرخلرمیرود ودرآنجاپدرم و سایرخویشاوندان باو معرفی میشوند.

۲ ـــــــ

جالب و آموزنده است.

ازآنجائیکه مندرجات روزنامه‌های مذکور نمایشگر وقایع سیاسی و اجتماعی و رسوم و عادات متداولهٔ قریب نیم قرن از زمان میباشد (خصوصاً ذکر گفته‌های میرزا ملکم‌خان سیاستمدارمعروف که شاید درجای دیگری منتشر نشده باشد) درصدد برآمدم با حذف‌مطالب عادی و تکراری قسمت‌ها، نکات و ماجراهای جالب را اقتباس و دراینجا بـرشتهٔ تحریردر آورم ودرضمن بعضی ازشخصیت‌های این مدت زمان‌را(که غالباً درضیافت‌ها ومجالس شرکت داشته‌اند) یامصدرشغل مهمی‌بوده‌اند معرفی‌نمایم.

مسعود فرید(قراگزلو)

تهران ـ مرداد ۱۳۵۱

اولین سفر لندن (همراه میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله)

سفر بلندن با میرزا ملکم‌خان

شنبه هفتم شعبان‌المعظم ۱۲۹۹ هجری ـ نزدیك ظهر متوکلا علی‌اله ازطهران بعزم لندن حرکت شد. اشخاصیکه درملازمت جناب اجل ناظم‌الدوله بودیم: سرکاراسکندرخان برادرجناب معظم‌الیه وحاجی محمدخان و عیسی‌خان کارگذار خارجهٔ تبریز و بنده بـودم . با درشکهٔ پستخانه روانه شده اول‌مهمانخانهٔ میان جوب بعد به حصارك و از آنجا به‌ینگی‌امام آمدیم. شب را درینگی امام ماندیم ازتهران تا ینگی امام۱۲ فرسخ است. ینگی امام جزو بلوك ساوجبلاغ طهران حساب میشود. این دفعهٔ سوم بودکه من دراینجا منزل کردم.

هشتم(شعبان) صبح ازینگی امام حرکت‌کرده به‌کونده وازآنجا بقشلاق وازقشلاق بـه شهرقزوین رسیدیم ودرمهمانخانهٔ دولتی منزل کردیم مقرب الخاقان‌آقا باقرارباب‌که مباشر مهمانخانه بود پذیرائی خوب‌کرد.

جناب‌ناظم‌الدوله بدیدن نواب والاملك‌آراکه حکمران قزوین بودند تشریف بردند. بعد نواب والا هم‌ازجناب معظم‌الیه بازدیدکرد.

بنده هم نـواب محمد حسین میرزا و سرکار علی محمدخان همشیره زادهٔ نواب والا ایلخانی را دیدن‌کرده خداحافظی‌کردیم.

شب را درقزوین مانده صبح ازآنجا با اسب چاپاری روانه شدیم. اول بمزرعه‌که‌پنج فرسخ ازقزوین مسافت بودآمدیم. بعد ازدو ساعت توقف ازآنجا راه افتاده ازگدوك مشهور خرزان‌گذشته با اسب مفلوك چاپارخانه بهزار زحمت و پیاده‌شدن به‌پاچینه رسیدیم. شب را درپاچینه بسربرده صبح بازبا اسب چاپاری راه‌افتاده به‌منجیل‌آمدیم. درحین‌عبورپل، لوشان را هم دیدیم. منجیل جای قصبه مانندی است‌آقای میرزا طاهرمستوفی گیلانی آمـد درآنجا خدمت جناب ناظم‌الدوله رسید. طرف عصرازمنجیل راه افتاده از پل منجیل بـواسطهٔ تندی باد بصعوبت‌گذشتیم، این پل درروی رودخانهٔ مشهورسفیدرودواقع‌است. باری همه‌جا ازکنار

رودخانه که معبرسخت و سنگلاخ و سنگی بودآمدیم. ازرودبار که قصبه‌مانندی است گذشته با هزار زحمت به رستم‌آباد رسیدیم شب را آنجا ماندیم پشهٔ موذی درآنجا فراوان است. یك‌آب انبارخوبی که بانی آن مرحوم حاج ملاصادق مجتهد گیلانی مشهور بشریعتمدار در رستم‌آباد هست که برای مسافرین مثل‌آب حیات است. همچنین یك‌کاروانسرائی‌هم‌ازبناهای مرحوم شاه عباس درآنجا دیدیم ولی نیم‌آباد. شب را دررستم‌آباد گذراندیم. صبح چهارشنبه یازدهم ازآنجا روانه شده به‌کهدم‌آمدیم. درآنجا رئیس پستخانه رشت‌با اجزاءخودباستقبال جناب‌ناظم‌الدوله‌آمدند. امامزاده هاشم‌دردوفرسخی‌کهدم دیده شد. غذای مختصری درآنجا صرف بعد روانه شدیم. جناب والی‌گیلان عبداله‌خان، درشگه برای جناب اجل ناظم الدوله با جمعی ازاجزاء وعمال حکومت من‌جمله میرزاتقی وزیر و محمدخان عموزادهٔ خود راکه برای استقبال فرستاده بود رسیدند. با جلال و تشریفات حکومتی وارد شهررشت شدیم ودر دارالایاله منزل‌کردیم. از کهدم تا رشت راه را مثل خیابان درست کرده‌اند و خوب راهی بود. دو شب دررشت توقف شد ازعلماء جنابان میرزا عبدالباقر مجتهد وآقای شیخ جواد مجتهد و غیره و از اعیان سرکارمیرزا محمد علی خان امین‌دیوان و غیره‌ازجناب اجل‌دیدن نمودند.

رشت جای با صفا و طراوتی است . بطوریکه جناب ناظم‌الدوله میفرمودند برای پایتخت ایران رشت از اغلب شهرهای ایران شایسته‌ترو بهتراست.

۱۳ (شعبان) ازرشت روانه شده به پیربازارکه دریك فرسخی شهرواقع است‌آمدیم. شاهزاده ابوالفتح میرزا رئیس تلفنخانه و آقای میرزا تقی وزیر و علی‌اکبرخان بیگلربیگی هم محض مشایعت جناب‌ناظم‌الدوله‌آمدند. درپیربازارتوی‌کرجی نشستیم این‌اول دفعهٔ‌کرجی نشستن من بود. بمرداب رسیدیم بعد به‌پراخود مخصوص همایونی رفتیم‌کشتی‌کوچك‌ظریفی بود. تقریباً یکساعت درمرداب سیرکرده تا انزلی رسیدیم. دراسکلهٔ انزلی‌کشتی‌های باری وکرجیهای زیاد دیده شد.

باری درانزلی درعمارت دولتی‌که مشهور بعمارت معتمدی است منزل کردیم. بانی این عمارت مرحوم منوچهرخان معتمدالدوله بوده است.

انزلی جای با صفائی است خصوص عمارت شمس‌العماره که بحکم اعلیحضرت‌همایونی ناصرالدین شاه ساخته شده خوب مزین و منظرش دریا است و درحیاط‌آن درختهای نارنج منظم‌کاشته‌اند خیلی باشکوه بنظرآمد.

خلاصه دوشب درانزلی توقف‌شد. شب‌آخردراواخرشب حالم خیلی منقلب‌شد بطوریکه خواب نتوانستم بکنم بحمداله تا صبح حالم خوب شد.

یکشنبه۱۵ـ با وجودیکه دریاکولاك ومنقلب بود ازانزلی حرکت‌کرده اول بکرجی نشستیم. محض احترام جناب ناظم‌الدوله هنگام حرکت‌یك تیرتوب خالی‌کردند. دریاخیلی

تلاطم داشت علی‌الخصوص دهنهٔ انزلی که مشهور به بدی و خطرناك است. بعد از تفضل الهی بهرقسم بود بکشتی بزرگ روسیه رسیدیم. چون هیچ بکرجی و کشتی ننشسته بودم دریا مرا گرفت سرم بنای دوران گذاشت. شبهم آرام نشدم عیسی‌خان که ازطهران همراه بود درمقابل لنگرگاه آستارا مرخصی ازجناب اجل حاصل کرده به تبریزرفت. قیمت بلیط کشتی ازانزلی تا بادکوبه ازاین قراربود: قمرهٔ اول ۱۳ منات ـ قمرهٔ دوم ۱۰ منات قمرهٔ سوم هفتمنات (قمره مقصودکابین است)

دوشنبه ۱۶ درکشتی بودیم روی دریـا. تفصیل کشتی و سیرو سیاحت آدمهای مختلف آن زیاد است و در اینجا موقع شرح و بسط نیست.

بالاخره سه شنبه ۱۷ قبل از ظهر بسلامتی به بادکوبه رسیدیم.

بادکوبه میرمعصوم‌خان قونسول ایران با چند نفر ازصاحبمنصبان روسی در در اسکله حاضر و جناب ناظم‌الدوله را استقبال و احترام نمودند. کالسکه‌هم در اسکله حاضر بود ما را با اسباب و بنه به هتلی موسوم به‌ایطالیا واردکردند. قبل ازاینکه من در هتل منزل بکنم خیال میکردم که جناب ناظم‌الدوله درخاك ایران‌همه‌جا مهمان بودند و احتیاج به بعضی لوازم سفرازقبیل آبداری و قبل منقل و چادر وغیره که در سفرهای خاك ایران بود لازم نداشتند اما در خاك خارجه البته لازم خواهند داشت و خیلی تعجب میکردم که چرا جناب ناظم‌الـدوله آبـداری و قبل منقل وآشپزخانه همراه ندارند. وقتیکه در بادکوبه به هتل وارد شده وضع آنجا را دیدم گفتم واقعاً جناب اجل‌کار با حکمت کرده‌اندکه اسباب زحمت برای خود قرارنداده‌اند زیراکه در هتل همه چیزرا بهتر از خانهٔ خود شخص حاضر و مهیاکرده‌اند.

شهربادکوبه خیلی بی‌صفا است یعنی درخت و سبزه ندارد و پرباد و خاك است باین جهت وجه تسمیه‌اش خیلی مناسب است گذشته ازگرد و باد ومگس، درتابستان هوای گـرم‌و کثیفی دارد. و چاه معدن نفت وآتشکدهٔ زردشتی‌ها درآنجا است.

درهتل بادکوبه غذا درسرمیز و باکارد و چنگال صرف شد وازرسم غذاخوری‌خودمان خارج شدیم.

چهارشنبه ۱۸ـ دربادکوبه توقف شد وجناب ناظم الدوله قلمه‌بیگی ورئیس قزاقها و میرمعصوم را درهتل به ناهار دعوت‌کردند. ناهـار مکملی صرف شد تقریباً دوساعت صرف ناهارطول‌کشید. همین روزجناب اجل ازحاکم بادکوبه دیدن نمودند.

پنجشنبه ۱۹ـ ازبادکوبه با اسبهای چاپاری روانه شدیم از قراریکه گفتند راه‌آهن آنجا هنوزدرست روبراه نشده. باری ازبادکوبه به سارك آمدیم و از دوسه چاپارخانهٔ دیگر گذشته نزدیك غروب به جنگلی رسیدیم مسافت هرچاپارخانه را بچاپارخانهٔ دیگر ۱۲ورس قرارداده‌اندکه دو فرسنگ و نیم ایران است وکرایهٔ ده اسب هراسب نیم‌منات درهرمنزل‌داده شد. چهارنفرقزاق هم همیشه همراه ما بودند. هرچاپارخانه‌که اسب عوض میکردیم قزاقها هم عوض میشدند.

شب درجنگلی ماندیم یك‌کاروانسرا ازبناهای مرحوم شاه عباس درآنجا دیده‌شد.

(دراینجا بواسطهٔ‌ازبین‌رفتن‌بقیهٔ‌اوراق پراکنده، دنبالهٔ‌شرح‌مسافرت‌تالندن‌قطع‌میشود)

وقایع مدت اقامت در لندن

(۱۲۹۹-۱۳۰۶)

(بصفحهٔ آخر مقدمه مراجعه شود)

چون مرحوم پدرم گزارش روزانهٔ خود را بدواً در دفترچهٔ تقویم یادداشت بعد بکتابچه منتقل میکرده وتاریخ تقویم میلادی بود اینست که تاریخ ایام بهمان صورت نقل شده و دربعضی جاها تاریخ هجری قمری را هم ذکر کرده‌اند.

مفاد نامهٔ ملکم‌خان بامین‌الدوله

چهارشنبه چهارم صفرالمظفرعربی ۱۳۰۱ وپنجم دیسمبر ۱۸۸۳ ماه فرنگی است.

سه روزبودکه مشغول تحریرات سفارت سنیه بودم . ازقول جناب اجل ناظم‌الدوله بجناب امجد امین‌الدوله میرزاعلی‌خان :

بنیان مطلب جناب اجل از نشرانوار علوم وترقیات فوق‌العاده درفرنگستان ومتروك بودن بعضی رسومات مذهبی و قواعد مضرانهٔ ملل قدیم ومنسوخ شدن‌آن تعصب و قیودات جاهلانهٔ‌آن عهد ومیان‌آمدن این‌آئین‌های تازه ملل فرنك بود. بعد مجملی‌ازتفصیل عقاید وسلیقهٔ‌تازهٔ‌آنها بیان فرموده بودند؛ مثلاً میگویند سلیقهٔ‌تازهٔ عامهٔ علماء وحکماء وبزرگان دول فرنك‌آن است‌که بحکم ترقیات فوق‌العادهٔ دنیا دراین عهد تمام‌کرهٔ زمین حق و ملك همه بنی‌نوع‌انسان شده‌است. حالاهیچ دولت نه انگلیس نه فرانسه و نه‌چین دیگرحق ندارد بگوید این ملك مال من‌است ومن‌آنطوری‌که میخواهم اداره میکنم. این حرف اگرهم در عهد چنگیزصحیح بود حالا نامربوط است. میگویند خداوند عالم این دنیا وتمام نعمات آن را ازبرای زندگانی وآسایش‌همه مخلوق‌این‌دنیاآفریده‌است وکل‌بنی‌نوع انسان‌را درنعمات

وفواید ملك دنیا شریك وسهیم قرارداده. میگویند خداپرستی ثواب دنیا وآخرت، یك‌رنگی با عموم ملل، رأفت نسبت بعامهٔ مخلوق و آبادی برای تمام دنیا و تربیت بنی‌انسان است. مثلاً میگویند شکر ینگی دنیا ، چای چین، ابریشم ایران، آهن روس ذغال سنگ انگلیس برای همهٔ دنیا آفریده شده است تمام دول روی زمین هرمتاعی و حاصلی‌که دارند میباید بوسایل تجارتی با هم معاوضه‌کنند دادوستد داشته باشند واز یکدیگر بهره وفایده ببرند. هرگاه یك اداره ازترقی ملت و دولت خود و از شراکت تجارت عامه بالنسبه بسایر دول عقب بماند وملت خود را درفقر وفلاکت نگاهدارد بعقیدهٔ تمام علما وبزرگان ملل فرنك آن اداره بد اداره‌است، بلکه دشمن‌عالم انسانیت ومخرب‌آبادی‌دنیا است. همچواداره نباید در دنیا باقی بماند.

در ضمن این مذاکرات اولیای دولت علیه ایرانی را ترغیب وتحریك نموده بودند که اسباب ترقی ملك وملت را ازقبیل ساختن راه‌آهن، دائرکردن دستگاه بانك و چرخ بخار و بکار انداختن معادن مملکت ایران که زیرخاك بی مصرف مانده حالا که وقت دارند فراهم بیاورندکه دولت و ملت ایران هم مثل سایر دول دنیا درتجارت عامه شریك و رابطهٔ تجارتی با همهٔ دنیا داشته باشد.

دراین باب بطوراصرار شرح مبسوطی مرقوم ولزوم این‌کارهای فوق‌العاده را واجب نموده بودند وصراحتاً مرقوم داشته بودند هرگاه اولیای دولت علیه اقدام باین‌کارهای‌فوق نکنند یکی‌ازدول فرنگ‌که همجوار ایران‌است بتحریك سایرملل فرنگستان‌وباقتضای دنیاپروری فرنگیان خواهدآمد واساس‌آبادی‌را درخاك‌ایران بجهت فایدهٔ‌آیندهٔ خود وسایرین برپا خواهدکرد واسباب تکمیل‌آبادی دنیا را فراهم خواهد ساخت. چنانکه خط راه‌آهن را ازیك طرف به بادکوبه وازطرف دیگربه بلوچستان وترکستان رسانده‌اند.

جناب ناظم‌الدوله از روی دولت خواهی خالص وملت‌پروری صادق بیك طوراصرار و التماس بزبانهای ملکمی خود مرقوم فرمودند تا چه نتیجه واثربیخشد.

نمایشگاه فلاحتی

پنجشنبه۱۳دیسمبرو۱۲ صفر به‌تماشای (اکسپوزیسیون مواشی)رفتم که بقول انگلیسها کتل شواست یعنی نمایش‌گاو وگوسفندپرواری. واقعاً منتهای پرورش را درباره این پرواریها بعمل آورده بودند وهمه‌کس ازعلیاحضرت ملکه‌گرفته تااعیان وکسبه‌گاو وگوسفند برای تماشا وفروش‌باینجا فرستاده بودند...

دیگر انواع واقسام اسباب زراعت وفلاحت وچندین جورتخم حبوبات و سبزیجات و علفهای جوربجور وتفصیل‌کاشتن‌آنها واسباب پاك‌کردن‌گندم و سایرحبوبات وآردکردن وتفصیل خوراك اسب وگاو وگوسفندکه چه قسم علف وحبوبات بآنهاباید داد. حتی‌ترکیب آخورهای‌آنها را هم ساخته بودند.

اسباب کره سازی چند جور دیدم. آنچه دراین‌دستگاه دیده شد همه اسباب ومایحتاج زارع، گله‌دار، سبزی‌کار واهل دهـات بودکه خیلـی بسهولت زمینی را شخم میکنند واز علفهای بیگانه پاك، بعد تخم میـافشاند تا بحد درومیرسد، درو مینمایند بعدآرد وبدرجهٔ نان میرسانند ...

تحصیل در فرنگستان

دوشنبه ۱۹ دیسمبر ۱۸ صفر: بعادت مقرره درسفارت حضورجناب اجل ناظم‌الدوله شرفیاب و ازفرمایشات حکمیانه و ترغیبات هنرپرورشان کامیاب شدم. لب وماحصل فرمایش‌ایشان‌درتحصیل علوم در فرنگستان بود. میفرمودندکسی‌که از ایران بفرنگستان میاید باید اوقات خود را صرف کسب‌کمالات فنون اهل فرنگستان بکند وعقب عقاید بی‌حاصل آنهـا نرود. چراکه پی‌عقیدهٔ اینها رفتن بی‌فایده وعمرخود ضایع‌کردن است.

میفرمودند مثلاً وقتیکه ازشخصی میپرسند پایتخت فرانسه‌کدام شهر است و درچـه نقطه واقع است جواب میگویدکه بعقیدهٔ من‌پاریس است باید بگویدبعلم‌الیقین بحکم علم و اطلاع قطعی پاریس است و از بزرگترین شهرهای مملکت و پایتخت فرانسه است بناهـای قشنگ وعمارات عالی‌وکوچه‌های تمیزومستقیم دارد وجاهای خوش‌گذرانی و تماشاخانه‌های خوب دراینجا هست. بعد ازتوصیف سکنهٔ شهر عدهٔ نفوس و صنایع خوب و حاصل مـرغوب آنجا را هم از روی اطلاع درست بگوید.

میفرمودند هرگاه چیزی‌که ازکسی میپرسند بگوید بعقیدهٔ من فلان است ایـن لفظ عقیده‌گفتن دلیل برمنتهای جهالت وبی‌اطلاعی‌آن شخص خواهد بود ...

کریستمس

سه‌شنبه۲۴ صفر۱۳۰۱ برابر۲۵ دیسمبر ماه‌فرنگی‌وعید میلاد مسیح است .

این‌عید نزد ملل‌عیسوی روزمبارك ومقدس است هرکسی‌به‌اندازهٔ قوه واستطاعت خود درتزئین و آرایش لباس و خانه‌اش سعی میکند و بدید و بازدید یکدیگـر میروند. هدیه‌های قشنگ وکارت‌های عید مبارکی برای یکدیگرمیفرستند.

ازبابت خوراك هم امروز مخصوصاً غذاهای رنگینی تـرتیب میدهند. مثلاً در اکثر خانه‌هابلکه عموماً گوشت غاز وکریستمس پودینگ باید حتماً پخته وبخورند.

بعضی ازدوستان وآشنایان برای من‌کارت وهدیه فرستادند من هم محض همرنگـی جماعت از ایشان پیروی‌کردم .

مراسم اول ژانویه

چهارشنبه سوم ربیع‌الاول۱۳۰۱ـ دوم جنیوری۱۸۸۴فرنگی‌است . دیروز اول سال نو ۱۸۸۴ بود اول جنیوری هم نزد ملل عیسوی روز مبارك وعزیزی است مثل عید نوروز ایرانیهاست . بـاز برای همدیگر هدیه وکارت تبریك میفرستند.

۱۰ ـــــــ

رسم مذهبی آنها است که بنی‌اعمام از پسر و دختر با همدیگر عروسی نکنند واکثر نمیکنند ولی این اوقات بعضی این قاعده را ازمیان برداشته‌اند.

زندگی در پانسیون

هفتم جنیوری ۱۸۸۴ـ ساعت سه‌طرف عصر ازخانه‌ای که ۱۵ ماه‌در آن بودم بخانه‌ای در کوچه کلارندن آمدم. در بردینك هاوس (مقصود پانسیون است) آدمهای جورو ناجوردیدم با بعضی از اینها آشنا شدم.

آنچه فهمیدم این است که در بردینك هاوس منزل کـردن برای اشخاص متوسط مناسب است که درلندن اقامت موقت داشته باشند نه‌دائمی مثلاً یك هفته یایك‌ماه، ولی اگر کسی بخواهد شش‌ماه یایك سال ودوسال بماند بجهت مجبوریت درحرکات ومتابعت با طبیعت‌های مختلف در بردینك‌هاوس به انسان خوش نمیگذرد.

دراین مدت بچندین ملاحظه‌طوری رفتار کردم که روزآخر بخوشی ازآن خانه‌بیرون آمدم تا ببینم درخانه(آپارتمنت) چه خواهد گذشت.

دراین جورخانه‌ها انسان مختاریت بیشتردارد هرطور بخواهد میتواند رفتـار کند و تغییر درغذا و وقت غذا وغیره بدهد.

یازدهم جنیوری(۱۳ع۱ـ۱۳۰۱) است امروزسفارشنامه‌ازقول جناب اجل ناظم‌الدوله دربـاب دستگاه اسلحهٔ چرخی که تازه اختراع شده و مسیو چیزدل میخواهد بـایران ببرد بشاهنشاه زادگان معظم حضرت والاظل‌السلطان وحضرت والانایب‌السلطنه نوشتم.

اظهارات ملکم‌خان راجع بمقایسهٔ بعضی ازقوانین فرانسه‌و انگلیس واهمیت ایجاد ارتباطات

بیستم جنیوری ـ در سفارت از فرمایشات جناب اجـل ناظم‌الدوله که مشتمل بر بعضی ازقوانین انگلیس وفرانسه بود مطلع شدم. میفرمودند فرانسویها دراجرای قانون‌خود مجبوریت دارند. مثلاً اگر بخواهند راهی احداث کنند که معبرعامه باشد وچند باب خانهٔعالی یا غیرعالی هم طوری واقع شده باشندکه مانع عبورعامه وباعث تنگی کوچه باشد آن خانه‌ها را بی‌رضای صاحبش مجبورند خراب نمایند و راه عامه را موافق اندازهٔ معمول وسعت بدهند.

اما قانون‌انگلیس برخلاف آن است‌دراین قبیل‌امورمجبور نیستند وهمچوخانه‌هارا اگرچه‌مانع عبور ومرورهم باشد خراب‌نمیکنندو میگذارند بماند تاخود صاحب‌خانه بصرافت‌طبع ملتفت بشودکه خانهٔ او اسباب تنگی کوچه واشکال عبورعامه است آنوقت خود صاحب خانه راضی به تخریب خانه میشود.

درممالك اروپا مقدم‌ازهمه‌کارها بساختن وتسطیح راه‌های خودمیپردازند وازوم این کارراواجبتر ازهمهٔ‌کارها میدانند (وانصافاً خوب ملتفت شده‌اند) زیرا اگرراه نباشد هیچ قسم‌کاری از پیش نخواهد رفت. راه عبور ومرور ونقل امتعه‌که آسان شد مرابطه و مراوده زیاد خواهد شد.رابطه‌که زیادشد معامله ودادوستد وبصیرت بیشتر خواهد شد همچنین مزید

۱۲ ـــــــ

مقدس تولیت حضرت امام رضا (ع) را داشت دوباره بطهران احضار و وزیرامورخارجه شد.

۷ مارس ـ دیشب با سرکارمیکائیل خان و. . . به تماشاخانه رفتیم اسب بازی تماشا کردیم یك دخترو یك کاکاسیاه خیلی خوب اسب بازی مینمودند. درحین دویدن اسب درکفل اسب رقاصی وانواع بازیها کردند. یك اسبی را تعلیم داده بودند بصدا وآهنگ سازمیرقصید خیلی اسباب تعجب بود.

اظهارات ملکم خان راجع به نشر علوم واختراع خط جدید

۱۱ مارس ـ جناب اجل ناظم الدوله امروز بعضی فرمایشات حیرت‌انگیزاز ترقیات ممالك فرنگستان و عقب ماندن ممالك شرق از علوم این عهد میفرمودند. میفرمودند محل تعجب است که اهالی آسیا خاصه ایرانیها در هوش و ذکاوت هیچ ازاروپائی‌ها کمتر نیستند بلکه بیشتر فطانت دارند ولی نمیدانم چرا باید اینها اینقدر ترقی کرده باشند وآنها آنقدرعقب بمانند. میفرمودند نقص عمدهٔ مملکت ما نداشتن علم واشکال آموختن آن است. بسکه من مملکت ایران را دوست میدارم تمام عمرخود را صرف این کرده‌ام بلکه یك اسبابی برای ترقی ایران پیدا کنم. پس اززحمات زیاد همچو فهمیدم که اول ط ترقی مملکت ایران انتشارعلوم در آنجا است و نشرعلوم هم موقوف بخواندن و نوشتن است برای حصول این مقصود خط جدیدی اختراع کردم که یادگرفتن آن بسیارآسان باشد که هرکس الفباء عربی و فارسی را بشناسد هم بتواند بخواند و هم مطلب بفهمد شاید این خط درآنصفحات منتشر و اسباب تسهیل آموختن علوم و ترقی ایرانیان بشود.

انتصاب محمودخان ناصرالملك بوزارت خارجه

۱۴ مارس ـ ازایران خبرتلگرافی بسفارت علیه رسید که جناب اجل ناصرالملك در جای مرحوم میرزا سعیدخان بوزارت جلیلهٔ امور خارجه برقرارشد.

سلام درقصر سلطنتی

امروزدرملازمت جناب اجل ناظم الدوله بسلام درباری رفتم که سلام مردانه وزنانه بود حضرت والا ولیعهد و حرم محترمه‌شان ازجانب اعلیحضرت ملکه درقصر بکینگ هام پلیس سلام منعقدفرموده بودند. در اطاق سلام اول محترمهٔ حضرت والاولیعهد بعد خواهرشوهر نکرده حضرت ولیعهد پرنسس بی‌تریس بعد خود ولیعهد ایستاده بودند امسال هم به ترتیب پارسال سلام سلطنتی برپا شده بود. مثل سال گذشته خانمهای خوش‌اندام سینه‌سیمین باگل و ریاحین و اطوارشیرین قصر شاهانه را بهشت برین کرده بودند.

جناب اجل ناظم الدوله میفرمودند این همه بزرگان و اشراف دنیا که از داخله و خارجه درسلام حاضرشده بودند عقل هیچیك ازآنها بیشتر ازعقل وزرای ما نیست اما اینها علم و اطلاعات ازاموردنیا دارند و هرکاری میکنند ازروی اطلاع و دانش میکنند و ما عقل

۱۴ ـــــــ

مقایسهٔ زنان ایرانی بازنان انگلیسی

۱۷ رجب ۱۳ ماه می ۱۸۸۴ ـ بایك لیدی (خانم) انگلیسی که از زنهای باعلم و اطلاع بود صحبت میکردم ازاحوالات زنهای ایرانی میپرسید که آنهاهم مثل ماباخط وسواد هستندوهمه میتوانندبخوانند و بنویسند و همچنین مثل ماها درحرکات خودآزاد هستند یا نه؟

گفتم زنهای ایرانی در هیچ اطوار مثل شما نیستند و زن باسواد خیلی کم پیدا میشود تعجب میکرد که چطورمیشود زن بی‌علم وسواد باشد میگفت زن بی‌سواد چطور دردنیازندگی میکند؟ (دیگر نگفتم زنهای ایرانی سهل است مردهاهم اغلبشان یعنی ازصدنفردونفر خط وسواد ندارند.) دراین ضمن مرا بیادگرفتن زبان انگلیسی ترغیب میکرد . میگفت شماهم مثل ما انگلیسیها درهرکاری ایستادگی داشته باشید تاکار ازپیش ببرید. رسم ما اینست بهرکاری که میچسبیم دیگرول نمیکنیم تاآن‌را به‌آخر برسانیم.

۱۹ رجب ۱۳۰۱ ـ ۱۵ ماه می ـ دیشب به‌اکسپوزیسیون سلامتی رفتم که امسال‌تازه بازکرده‌اند درهمان‌محل اکسپوزیسیونی است که پارسال اکسپوزیسیون ماهی‌بود ولی وضع امسال بمراتب باصفاتروبهتراست . ازخوردنی و پوشیدنی و اسباب خانه وآلات هرکاری و آنچه لازمهٔ زندگی انسان است درآنجا بطورقشنگ ترتیب داده‌اند.

عقاید وزرای انگلیس راجع بایران

۱ شعبان ۱۳۰۱ ـ ۲۷ ماه می ـ در سفارت علیه بعضی تلغرافات نوشتم من جمله تلغرافی در خصوص اراضی پشتکوه و قطورسرحد دولت علیهٔ ایران با عثمانی و نیزیك تلغراف اسف‌آمیزازقول‌جناب ناظم‌الدوله مشتمل براقوال و عقایدوزرای انگلیسی درضعف ارادهٔ ایران و غلبهٔ روس برحدود خراسان .

۷ شعبان ۱۳۰۱ ـ ۲ جون روز دوشنبه باصطلاح انگلیسی‌ها (وت مندی) است. این روز را درلندن مثل میلاد مسیح میشمارند و عموم اهالی لندن تعطیل میکنند.

۳ جون ـ مشغول تحریریك کتابچه بودم‌ازقول جناب‌اجل ناظم‌الدوله بجناب‌امجدامین‌الدوله درباب‌لزوم تحصیل هفتادکرورمالیات ازایران‌بتدابیرو اصولی که درممالك‌انگلستان معمول است و فراهم‌آوردن شرایط و لوازم این مقصود.

درخانهٔ وزیرجنگ

۱رمضان ۱۳۰۱ ـ ۲۵جون ـ شب درخدمت جناب اجل ناظم‌الدوله بعمارت (رایل اکادمی) که محل و مجمع انواع علوم و فنون دنیا است رفتیم. عمارت را با گلهای گوناگون و چراغهای زیاد خیلی خوب‌آراسته بودند و جمعیت زیادی‌هم ازمرد و زن همه با لباس‌شب آمده بودند. واقعاً خیلی صفا و شکوه داشت.

ازآنجا بخانهٔ جناب وزیر جنگ که دون شیرهاوس میگویند رفتیم . این عمارت از عمارات مشهورو معتبرلندن حساب میشود. درآنجاهم اززن و مرد مملو و اقسام میوجات و

۹۶ ـــــــ

تنظیم کتابچهٔ اصول از طرف ملکم خان و ارسال آن برای امین‌الدوله

درسفارت علیه بمقابلهٔ کتابچهٔ اصول و ردیف کـردن جزوه‌های آن مشغول بودیم این کتابچه جامع علوم عالیه وتربیت‌ومشتمل برقانون مملکت‌داری وزندگانی دردنیا استو نتیجهٔ زحمات یك عمرجناب اجل ناظم‌الدوله است.

۱۱ اغوست ـ کتابچهٔ اصول تمام ومقابله‌وبرای‌جناب میرزاعلی‌خان امین‌الدوله بطهران فرستاده شد . این کتابچه بسیار مطول و واقعاً جامع‌اصول زندگانی است.

وبا در فرانسه

ناخوشی وبا درصفحات فرانسه از قراریکه در روزنامه‌ها مینویسند قدری تخفیف یافته ولی باکثر جاها سرایت‌کرده است.

حمامهای لندن

۱۹ اغوست ـ حمامهای لندن چند قسم است یك قسم‌آن بحمام‌ترك مشهوراست‌که مثل حمامهای استانبول ساخته‌اند یك جوردیگرحمام عمومی اینجا است حجره‌وارساخته‌اند هـرکس حمام میرود بـاید بلیط بگیرد قیمت بلیط ازشش پنس تا سه پنس است (سه پنس پنجشاهی ایران است). هـر حجره حوضچهٔ پرازآب پاکیزه داردکه حوله وآینه و شانه‌هم میگذارند ولی شخص بـاید خودش خود را شستشو نماید.

نزاع فرانسه وچین

۲۶ـ ازقرارمشهور و روزنامه‌های لندن این اوقات دولتین فرانسه و چین باهم درجنگ و جدال هستند.

اعزام اولین سفیر ازآلمان بایران

۲۸ـ درروزنامهٔ استاندارد نوشته بودندکه قونسول جنرال ازدولت آلمانیا به ایران میرود. این واقعه‌برای ایران‌وآلمان هردوتازگی دارد. تا حال دولت‌آلمان درایران سفیرنداشت پارسال جناب اجل ناظم‌الدوله‌که به برلین تشریف برده بودندگفتگوی این مسئله را از جانب دولت علیهٔ ایـران با جناب اشرف پرنس بیسمارك صدراعظم دولت آلمان نموده و قرارشده بود برای ارتباط و اتحاد دولتین ازآلمان بایران سفیربرود و از ایـران نیزسفیر بآلمان بیاید.

نمایشگاه صحت

۲ سپتامبر ۱۸۸۴ دیشب بهمراهی میس می‌هال و یك لیدی دیگر به اکسپوزیسیون صحت رفتیم تماشای چراغانی کرده نغمات خوش موزیك شنیدیم.

بعد به بساط چینی‌ها رفتیم‌که ازمتاع چینی و تصویرچینی‌ها ازهمه رقم چیده بودند. ازآنجا برای شنیدن سازوآوازچینی‌ها رفتیم خیلی مضحك بود یکی ازسازهاشان یك قسم از اقسام تاربود و یك جوردیگرهم‌مثل نقارهٔ بزرگ یك‌نفرآوازمیخواند وهم میرقصیدانگلیسیها محض تماشا دورآنها جمع شده بودند وحال‌آنکه اطوارآنها خیلی بی‌مزه و اسباب‌مسخره

بود. اسباب عیش ایرانی بالنسبه بچینی‌ها خیلی بهترو با شکوه‌تراست. هرگاه کسی بتواند یك دستگاه مطرب و سازن ایرانی را از همه جور در همچو جاها بیاورد مبلغ‌ها فایده خواهد برد.

دکانهای گل‌فروشی لندن خیلی نقل‌دارد. اینجارسم‌است‌وقتی که‌خانمهاو آقایان به‌مهمانی یا تماشا میروند گلی بسینه میزنند بعضی خانم‌های معتبردسته گل بسیاربزرگ دراین مواقع دست میگیرند. چنانچه خودم معاینه دیدم در سلام علیاحضرت ملکه و مهمانیهای بال سلطنتی خانم‌ها همه دسته گل دست گرفته وارد مجلس میشوند.

راه‌آهن ایران

۱۵سپتامبر- دریکی‌ازروزنامه‌های لندن که مختص‌باخبار کمپانی‌ها است نوشته بودندکه یك کمپانی‌روسی قرارشده ازدریای خزرتاخلیج فارس خط آهن بکشد دیگر صدق و کذب این مطلب درست معلوم نیست.

ازقرارمشهورملاقات سه امپراتور (امپراتورروس - پروس و اتریش) این اوقات در درمحلی‌که متعلق بدولت روس است اتفاق خواهد افتاد.

۲۸سپتامبر- روزیکشنبه بود بکلیسای (سون اوکس) رفتم. کلیسای منقحی‌بودی. روز مخصوصی بودکه طاقنماها و ستونهای کلیسا را باگل و میوجات‌آراسته بودند. میگفتند در آخرفصل میوه رسم است یك‌روزبرای تشکرازنعمت‌های خدای تعالی هرکس بقدرقوه ازگل و میوه برسم هدیه بکلیسامیاورد. پس‌ازآنهرچه گل و میوه جمع شده تماماً به‌بیمارخانه‌ها برای ناخوش‌هاکه بی‌چیزو فقیرندمیبرند ازاین رسم خیلی خوشم‌آمد. تقریباً یکساعت‌ونیم با عیسویها مشغول عبادت و استماع موعظه بودم.

ناول‌پارك

۲۹ سپتامبر- برای گردش به (ناول پارك) رفتم باغ بسیاربزرگ و قدیمی است هفت میل دور باغ است و یك عمارت یعنی یك قلعهٔ بسیارمحکم‌کهنه داردکه میگویند قریب هفتصد سال است بنا شده است. ازانجا بکرون هتل رفتم هتل خوب و باصفائی است. روزی با یك لیره وپنج‌شلینگ که تقریباً چهارتومان پول ایران است تا ده شلینگ ونیم (۱۵ قران) یك نفر میتواند در این هتل گذران کند.

۳۰ سپتامبر- اکسپوزیسیون صحت درلندن بسته‌شد. ازقراریکه دربعضی روزنامه‌های معتبرلندن نوشته بودند چهارمیلیون نفربه‌تماشا و دیدن‌آنجا رفته‌اند و مبلغ سه هزارلیرهٔ انگلیسی‌که تقریباً نودهزارتومان پول ایران است پس‌ازمصارف،فایدهٔ شرکاء اکسپوزیسیون شده است.

اظهارات

۸ نوامبر- از جمله تلغرافات سفارت یکی تلغراف تفصیل ملاقات جناب ناظم‌الدوله باجناب لرد دوفرین فرمانفرمای‌جدیدهندوستان

فرمانفرمای هندوستان راجع بعثمانی وایران

بود مجملی ازتقریرات فرمانفرمای معظم‌الیه از این قراراست که میگفتند عثمانیها احمق هستند حالا دیگرجای هیچ امید از جنس عثمانی باقی نمانده وکارآنها گذشته است اماجنس ایرانیها ازاولین جنس دنیا است و ما اهل فرنگستان ازجنس ایرانی هستیم. ازجمله غرائب تاریخ اینست که‌عموماً طوائف قدیم‌محو شدند درمیان‌آنهمه انقلابات دنیا هنوزایران درقدرت جوانی باقی و استعداد همه‌جورترقی را دارد. ولی‌آبادی ایران‌موقوف براین است که اولیای دولت علیه یك حرکتی بکنند رابطه و تجارت مملکت خودشان را با ممالك فرنگستان وسعت بدهند.

تشریفات انتصاب شهردار لندن

۱۰ نوامبر۱۸۸۴ـ به‌تماشای کبکبه وجلال حاکم جدید (شهردار) لندن رفتم‌که بزبان‌انگلیسی همچوروزی را (لرد میرشو) میگویند. رسم حکومت لندن اینست‌که هرسال باید در روز معینی حاکم شهر عوض شد . و متداول است‌که روزاول حکومت حاکم جدید باید از عمارت (گیلدهال) حرکت بکند و تمام جلال و تشریفات سلطنتی برای او قراربدهند وبا آن شوکت و عظمت دولتی و ملتی از کوچه‌ها و معابر شهر عبور بدهند . از قراریکه من دیدم خیلی تماشا و تعریف داشت. ازتمام طبقات از نظام و غیرنظام و رؤسای اصناف شهرو کمپانیها و غیره هریك درسلك خود با لباس مخصوصی‌آمده گذشتند. تقریباً یکساعت عبور پیش‌روان حاکم طول کشید بعد دنبال همه حاکم با کالسکهٔ هشت اسبه که کالسکهٔ مخصوص سلطنتی است‌آمده گذشت.

۱۳ نوامبر ـ در روزنامهٔ دیلی نیوز نوشته بودند دولت ایطالیا میخواهد در طهران پایتخت ایران قونسول جنرال برقرارکند.

تعویق پرداخت مقرری سفارت

۱۸ نوامبر ـ بجهت تعویق مقرری امسال دستگاه سفارت علیه و اجزاء این روزها بسیارمفلوك است تأخیرمقرری سفرا در ممالك خارجه اسباب اقسام ذلت اجزاء سفارت و باعث بدنامی اولیای‌آن دولت است. سفیرهرملکی درممالك خارجه هرقدرمعتبر و باشوکت باشد اسباب اقتدار و اعتبارآن ملك خواهد بود درانظارمردم خارجه. اگرچه شرط عمدهٔ اعتباردولت درمکنت و ثروت مملکت است.

اظهارات ملکم‌خان راجع باختلافات مسلمانان و عیسویان

۲۰ نوامبر ۱۸۸۴ ـ جناب ناظم‌الدوله بعضی فرمایشات در باب اختلاف عقاید مسلمانان با عیسویان و ضدآراء ایشان میفرمودند . و اضافه نمودندکه هردو حق دارند زیراکه این مطالب ذهنی هردو ملت شده و ممکن نیست ازقلبشان بیرون برود.

میفرمودند بازایرانیهاکمتربرضد فرنگیها هستند تا عثمانیها. با

اینکه مملکت عثمانی خیلی نزدیکتر از ایران است بممالك فرنگستان و رابطه تجارتیشان هم بالنسبه بایران با فرنگستان بیشتر است بازمخالفت عثمانی‌ها از ایرانیها زیادتر است با فرنگیها. میفرمودند بنا باقتضای سبك و سلیقهٔ طرفین هر کدام درجای خود تقصیری ندارند زیرا که ازطفولیت اینطور بار آمده‌اند.

پرداخت خسارت لردزاده بیك‌خانم

میس فورتیسکیو نام که ازخوشگل‌های مشهور لندن واهل بازی است چندی قبل یکی ازلردزاده‌ها باو عشق پیدا کرد و مدتی باهم عشق‌ورزی مینمودند تاکار بجائی رسید که لردزاده وعده و قول داده بود او را تزویج کند. بعد باغوای بعضی اقوام لردزاده او قول خود را انکار کرد . میس مرقومه بعدالت‌خانه عارض و بحکم عدالت‌خانه ده‌هزار لیرهٔ انگلیسی از لرد خسارت گرفته بمشارالیها دادند. این تفصیل‌را خیلی مشروح درروزنامه‌های لندن بیان کرده بودند.

۲۵ نوامبر (پنجم صفر ۱۳۰۲) موافق تقویم ایرانی. روزمولود مسعود اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران ناصرالدین‌شاه است. تلغراف تبریك بانضمام یك پیشکش از جانب جناب ناظم‌الدوله بخاکپای همایونی بتوسط جناب ناصرالملك عرض و تقدیم شد.

نمایش (صحنهٔ زنده)

۱۱ دیسمبر ۱۸۸۴ـ بدلالت میس لاسلت (صاحبخانه) بمدرسهٔ (لنزدون رود) رفته ویك تماشای ندیده کردم. وآن این بود که شاگردهای مدرسه درایام نزدیك عید میلاد مسیح جمع میشوند وخود را شبیه میسازند یعنی مثل شبیه تعزیه خوانی ایرانی دراین جاتلفظ فرانسه این‌جوربازی‌ها را تابلو ویوان Tableau Vivant میگویند یعنی نمایش صحنهٔ زنده. من دو قسم شبیه سازی حضرات را دیدم. یکی شبیه طفولیت حضرت موسی در میان زنبیل و دیگر شبیه مادرحضرت موسی. باین طور که یك طفل دوساله را درزنبیل گذاشته ویك زنی هم به لباس وهیئت مادرحضرت موسی بخیال خودشان ساخته بودند و این شبیه‌هامثل صورت مقوائی بی‌حس وحرکت خود را نگاهداشته بودند یکی دیگرشبیه (کوین مری) که ملکهٔ اسکاتلند بوددرست کرده بودند. درحالتی که کوین الیزابت ملکهٔ انگلیس حکم بقتل کوین مری‌داد ومیرغضب‌بالای سراوبا تبری در دست ایستاده که سرملکهٔ اسکاتلند را قطع کند. دو نفرزن دیگرهم بحالت‌آن ملکهٔ مغضوبه گریان بودند. درآن‌عهد مقصرینی که مستوجب قتل میشده‌اند در انگلیس سراو را با تبرقطع میکرده‌اند. یا بطورسخت‌ترازاین مقصررا سیاست میکرده‌اندآن اوقات مردم این صفحات خیلی وحشی‌تر ازحالای اهل‌آسیا بوده‌اند.

امر ناصرالدین شاه به‌بررسی کتابچهٔ

۲۰ دیسمبر ـ بعضی خبرهای خویش از ایران رسید که مرا قلباً مسرور کرد. یکی تلغرافی بود که‌جناب‌ناصرالملك بجناب‌اجل‌ناظم‌الدوله اخبار نموده بودند که حسب‌الامر اقدس اعلی کتابچهٔ اصول

اصول

درمجلس دربار اعظم مکرر قرائت شد وامرهمایونی اینست که عقیدهٔ خود را دراجرای مطالب کتابچهٔ اصول هرچه هست با تلغراف یا پست بخاکپای مبارك معجلاً عرضه دارید...

۴ جنیوری ۱۸۸۵ـ جناب اجل ناظم‌الدوله بعضی فرمایشات در باب اجرای مطالب کتابچهٔ اصول که بطهران فرستاده‌اند فرمودند. فرمودندازطهران راه اجرای آن اصول را سئوال کرده‌اند.

۶ جنیوری ـ روز دوازدهم بعد از میلاد مسیح است که تعیش عامهٔ ملت مسیحیه و تشریفات و رسوم عید میلاد واول سال نو وتعطیل ایشان تمام میشود. چنانچه درایران رسم است سیزدهٔ عید نوروز تعطیل وتفرج عامه است.

درمیان انگلیسها رسم است درآن روز یك قسم نان نرم ونازك پراز شیرینی میپزند که اسمش را پنی‌کیك میگوند وشب‌آن را میخورند.

ازقراریکه شنیدم میان‌آن نان یك انگشترمیگذارند پس از قسمت‌کردن پنی‌کیك آن انگشتر، قسمت هرکس شد بقول زنها آن‌شخص زود عروسی خواهدکرد.

نامزدی دختر کوچك ملکهٔ ویکتوریا بشاهزادهٔ آلمانی

پرنسس بی‌ترث دختر کوچك علیاحضرت ملکهٔ انگلیس به پرنس هانری‌که یکی ازشاهزادگان‌آلمانی است نامزد شد.

۷ جنیوری ـ در خدمت اسکندرخان گردش‌کنان تا رجنت استریت پیاده رفتم. من یك حواله داشتم ببانگ بردم نصف پول کاغذی و نصف طلاگرفتم. وقتیکه شخصی حواله را ببانگ ببرد فوراً بدون هیچ معطلی هرقسم پول بخواهد بی عیب میدهند. دیگرمثل صرافهای ایران شخصی را سرنمیگردانند وپول قلب هم نمیدهند. پول طلارا هم‌با ترازومیکشند ومعطل پول شمردن نمیشوند.

۱۰جنیوری ـ مشغول نوشتن تتمهٔ مسودهٔ عریضه بخاکپای اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی‌که دو روز قبل دادند بودم. مضامین این عریضه مربوط بمطالب کتابچهٔ اساسی و کتابچهٔ اصول بودکه چندی قبل بطهران فرستادند.

۱۳ جنیوری ۱۸۸۶ـ دیشب با حاجی محمدخان به‌کاون‌گاردن رفتم تماشای اسب بازیهای متخلف‌کردم. اسب‌بازها زن ومردبودند حقیقتاً هنرهای عجیب وحرکات حیرت‌آمیز بکاربردندکه تماشا داشت.

جنگ قوای انگلیس با مهدی سودانی

۲۲ جنیوری ـ از قراریکه درروزنامه‌های لندن خبرمیدهند جنگ عظیمی میان‌قشون‌انگلیس وقشون مهدی‌درسودان واقع وچند نفراز صاحبمنصان‌معتبر انگلیسی بقتل رسیده‌اند ولی‌فتح‌با قشون‌انگلیسی بوده است.

۳۱ جنیوری ـ به تحریر یك کتابچهٔ مفصل از قول جناب اجل ناظم‌الدوله بجناب امجد ناصرالملك مشغول بودم. کتابچهٔ مزبورمشتمل برچهار قسمت بود:

اول ـ درمسائل پلیتیك (سیاست) خارجه و داخله دولت بهیهٔ انگلیس ومسئلهٔ مصر.

دوم ـ بسن‌رشددرسیدن نواب‌اشرف‌والاپرنس‌آلبرت ویکتورپسرحضرت‌ولیعهدانگلیس بود (سن رشد درمیان انگلیسها ۲۱ سال است).

سوم ـ ترتیب ونظم دستگاه‌های حمل ونقل درفرنگستان وسهولت حمل‌بارواماانت از ممالك‌اروپا بهمه جای دنیا الا بایران وشرح این نقص بزرگ واشکال این‌کار درایران.

چهارم ـ درباب سفارت ایران دربرلین‌وتجدید دوستی فیمابین‌دولت عثمانی‌وانگلیس بسفارت حسین فهمی پاشا وموسوروس پاشا سفیر عثمانی مقیم لندن .

۴ فبروری ـ با سرکاراسکندرخان بعضی صحبتها داشتم وایشان از راه التفات مرا ملتفت بعضی نکات‌کردند. باینطورکه من ازروی صداقت بی‌ملاحظه خواهش دوستانهٔ یك شخصی را انجام داده بودم اما غافل از اینکه آن‌کار خلاف مصلحت شخص من بوده است. از متنبه ساختن باین مطلب سرکار اسکندرخان را تشکر گفته ویك تجربهٔ خوبی هم برای خود حاصل‌کردم .

قتل‌ژنرال‌گوردون و سقوط خرطوم

۷ فبروری ۱۸۸۵ـ خبرافتادن خرطوم بدست مهدی سودانی باعث هیجان عظیم درمیان مردم انگلیس شده. از قرار روزنامه‌های لندن جنرال‌گوردون‌کشته شد. این جنرال (ژنرال) خیلی مرد مدبر و با اطلاع از امور دنیا مدتی هم درچین اقامت داشته ودریك جنگی خدمت بزرگی بدولت چین‌کرده است. جنرال مذکور نزد انگلیسها وچینیها خیلی قرب و منزلت داشت.

۱۴ فبروری ـ یك شخص هندی حاج عبدالرسول نام درسفارت بود درباب مهدی و جنگ سودان‌باجناب اجل ناظم‌الدوله صحبت میکرد. میگفت چندی قبل هیچ اسمی‌ازسودان درمیان نبود. یعنی قابل ذکرنبود. حالا بجهت اتحادوغیرت ملت اسلامیه‌آن مشت خاك‌بدون استعداد درمقابل‌چهاردولت مثل دولت‌انگلیس وایطالیا وحبشه ومصرایستاده مقاومت میکند و غالب هم میشود. جناب‌اجل گفته‌های حاج مزبور را تصدیق نموده فرمودند: غلبهٔ مهدی یك جزءکوچکی‌از آثاراتحاد ونمونهٔ مختصر ازنفاق ملتی است...

۱۵ فبروری ـ سرکار اسکندرخان مژده دادند سرکار ابوالقاسم خان بلقب مشیرـ حضور همایون ملقب شده‌اند. همین لقب اول لقب جناب ناصرالملك بودکه‌سرکارابوالقاسم خان بلیاقت وشایستگی وارث لقب جدامجدشان گردیده‌اند.

۲۰ فبروری ـ ازروی مسودهٔ جناب اجل یك کاغذی بوزارت جلیلهٔ امور خارجه نوشتم بتوضیح مواجب دیوانی سرکار میکائیل خان بودکه دوسال متجاوز است برقرارشده

هنوزیك دینارنرسیده است.

وقت عصر باسر کاراسکندرخان گردش مختصر وصحبت مفصل در یك واقعه میکردیم که آن واقعه دوماه قبل اتفاق‌افتاد وراجع بشخص محترم ظاهرساده‌ای بود. بعد ازاینکه اعمال وافعال خفیهٔ شخص مزبورمتدرجاً بروزکرد وپرده ازکارش برداشته شد معلوم گردیدبیچاره راه خطائی رفته وخود راگرفتار مخمصه‌های بیشمـار نموده است. علی‌ای برحالش افسوس خوردیم واز افعالش انگشت تحیر مکرر گزیدیم شخص تا میتواند راستی و درستی را نباید ازدست بدهد بقول عوام راستی رستگاری‌است وبقول عرب،النجاة فی‌الصدق. اهل این‌زمانه را درست شناختن‌کار مشکلی‌است. حتی‌الامکان با هرکس با احتیاط باید راه رفت.

۲۳ فبروری ـ بعدازمراجعت ازسفارت برای‌گردش بباغ بزرگ هاید پارك رفتم. دراینجا سواری واسب دوانی زنها ومردها را تماشاکردم.

دراین اوقات‌که دولت انگلیس چه درآفریقا یعنی درمصر وسودان و درآسیای وسطی یعنی افغانستان‌گرفتار اشد مشکلات است ودرهرطرف مجبوراً درتهیهٔ جنگ میباشد باوصف چنان‌گرفتاری دولت، ملت انگلیس‌درکمال‌آرامی مشغول خوش‌گذرانی وفکر زندگی‌خود میباشند. شاهد ومصدق این مقال احوال وکردار مردم لندن است‌که معاینه بچشم خوددیده ومیبینم.

عقیدهٔ ملکم‌خان راجع‌بایرانی‌ها

۲۵فبروری ـ جناب اجل ناظم‌الدوله ازگرفتاری میرزاحسین‌خان وفریب خوردن ایشان از رفیقشان خیلی اظهارتأسف میفرمودنـد. میفرمودندکمترکسی ایران و ایرانی را بقدرمن دوست دارد.وکم شخص هست‌که بقدر من از خلق ایرانی بترسد. زیرا اگر خوبی از دستم برآید در حق‌آنها بکنم ازکج نیتی به بدی حمل میکنند بدی هم درحق‌کسی‌کردن بداست. دراین صورت حتی‌الامکان اجتناب اولی است. کتاب تاریخ ایران موسوم بتاریخ سرجان‌ملکم‌را مدتی بودیك دوستی ازبمبئی برای‌من‌خواسته بودآوردند. مؤلف‌کتاب مزبور سرجان ملکم‌است‌که درعهد خاقان مغفورفتحعلی شاه (که هفتادوپنج‌سال قبل باشد)ازجانب دولت انگلیس درایران سفیر بوده تاریخ ایران را بزبان انگلیسی نوشته بعد جناب میرزا اسمعیل متخلص بمیرزا حیرت دربمبئی‌آن‌را بفارسی ترجمه‌کردانصافاً برای مملکت ایران تاریخ خوبی است.

۲ مارچ ۱۸۸۵ـ در ملازمت جناب اجل ناظم‌الدوله سرکـار میکائیل خان وآقای اسکندرخان‌بسلام‌حضرت ولیعهدانگلستان‌رفتم مثل هرسال درقصرسنت جیمزSaint James منعقد بود.

زمزمهٔ بروزجنگ

۴ مارچ ـ این اوقات همهمهٔ جنگ انگلیس و روس در میان مردم افتاده واسباب هیجان خلق شده است.حتی‌انگلیس درپارلمنت‌اعلان

تدارك جنگ داد. ازقرارمذکورهر گاه‌این جنگ دربگیرد یکی‌ازحوادث عظیم‌دنیا خواهد بود وبرای ایران هم مایهٔ مرارت و گرفتاری‌کلی خواهد شد.

اعطاء نشان‌بمن

۲۱ مارچ ـ روزعید نوروز ایرانی و اول موسم بهار بود. جناب اجل ناظم‌الدوله باسم عیدی یك قطعه نشان شیروخورشید از درجهٔ چهارم بمن مرحمت فرمودند.

۲۸ مارچ ـ درساعت ۱۰ و ۲۰ دقیقه ازایستگاه ویکتوریا به سون اوکس رفتم. میس طامسن به ناهار دعوتم‌کرده بود بعد از ملاقات دوستان آنجا و صرف غذا ساعت ۵ ونیم از سون اوکس بلندن مراجعت‌کردم. مسافت تقریباً ۲۴ میل بود (پنج فرسنگ ایران).

نمایشگاه ژاپنی‌ها

۳۱ مارچ ـ شب بتماشای اکسپوزیسیون ژاپنی‌ها رفتم از هرقبیل متاع ژاپنی وخلق‌آن مملکت را ازطفل سه چهار ساله و مرد وزن پنجاه شصت ساله با لباس مخصوصشان دیدم. اقسام صنعتگر از قبیل چینی‌ساز، نقاش،حکاك، قلاب دوز وغیره همه ژاپنی ومشغول‌کاربودند. بعد بمحل طرب و تماشای بازی ژاپنی رفتم. سازوآوازشان تعریفی نداشت امارقص دوسه دختر هفت هشت ساله بی‌مزه نبود. بعد ازآن بندبازی وحقه بازی وکشتی‌گیری‌کردند. بند باز و حقه باز خیلی چست وچالاك بازی‌کردند. الحق خیلی درکار خود ماهربودند.

۲ اپریل ۱۸۸۵ـ هوای لندن روشن وصاف وکمی باد بود . از قرار روزنامه‌های اینجا جنگ میان روس‌وانگلیس امید است موقوف شود.عجالتاً‌این‌اوقات ترك‌جنگ‌کرده‌اند ولی ازطرفین درتهیه وتدارك هستند.

جنگ افغانها با روسها

۹ اپریل ـ از قرار خبرروزنامه‌های لندن قشون روس و افغان در حوالی بالامرغاب وپنجده‌باهم جنگ‌کرده پانصدنفرازافغانهادراین معرکه بقتل رسیده‌اند.

وقوع این قضیه ملت انگلیس را خیلی مشتعل ساخته. این واقعه را مقدمهٔ جنگ مابین روس وانگلیس تعبیرمیکنند.

ملاقات پروفسور براون

۱۲ اپریل ـ وقت‌عصر حسینقلی خان،میرزا نصرالله ومستر برون (پروفسور برون‌که بعداً نویسندهٔ معروفی شد) بمنزل من‌آمدند تا ساعت هفت مشغول صحبت بودیم مستربرون جوان انگلیسی تربیت شدهٔ باعلمی است.زبان فارسی میداند ومینویسد؛ ترکی عثمانی‌کمی حرف میزند. حالادرمریضخانه تحصیل علم طب میکند.

گلستان بخط جدید

۱۶ اپریل ـ از قرار روزنامه‌های لندن جنگ انگلیس و روس‌این اوقات موقوف شده است.

۱۸ اپریل ـ جناب اجل ناظم‌الدوله فرمودند ازروی‌کتاب گلستان

جدیدبخط بنویسم که حروف از روی‌آن برای چاپ ترتیب بدهند.

۲۱ اپریل ـ درخدمت سرکار اسکندرخان گردش‌کنان تاکوچه وبازاررجنت استریت رفتیم دکانهای مزین واسباب‌های بسیار قشنگ تماشاکردیم. دریك جائی‌عمل‌آوردن جوجه درتخم مرغ بقوهٔ حرارت دیدیم. جوجه‌های‌کوچك وبزرگ عمل‌آمده بود .

موزهٔ مادام توسو

۲۸ اپریل ـ شب با علی‌آقا و میرزا نصرالله به تماشای موزهٔ جدیدالبنای مادام‌توسورفتیم. اشکال ومجموعه‌های مومی سلاطین، بزرگان و مشاهیرانگلستان وغیره همان‌ها بودندکه در موزهٔ قدیم دیده بودم چیزیکه‌اضافه شده بود شکل مهدی سودانی بود.

تغییری‌که درچندین مجسمه‌ها داده بودند این بودکه مجسمهٔ اعلیحضرت ناصرالدین شاه را ازجرگهٔ امرای افغانستان برداشته درجزء سلاطین‌انگلستان گذاشته بودند. بنای‌این موزهٔ جدید خیلی عالیترازقدیمی است.

بودجهٔ انگلستان

۲۹ اپریل ـ ازقراریکه سرکار میکائیل خان بموجب روزنامه‌های لندن میفرمودند جمع وخرج مالیاتی دولت انگلیس را دراین سال بمیزان آورده‌اند .

دخل وخرج دولت عبارت ازششصدکرور لیره شده‌که‌هرلیره سه تومان ایرانی است. امسال برای بعضی مخارج فوق‌العاده از قبیل جنگ سودان وغیره برهریك لیره دو پول سیاه برمالیات اضافه‌کرده‌اند.

درکلیسای کاتولیك

۳ ماه می ـ با میس‌می بکلیسای کاتولیك‌ها رفتم. طرز عبادت و حرکات آنها با طایفهٔ پروتستانها فرق دارد. وضع کاتولیك‌ها را درتعظیم و تکریم بیشترازپروتستانها دیدم . مثل اینکه کاتولیك‌ها زانو بزمین میزنند، با خضوع و خشوع تمام حرکت میکنند و بخورات‌میسوزانند. صورت حضرت عیسی‌ومریم رابا علم‌وطوق وتخت مزینی دراطراف و درون‌کلیسامیان مردم با شمع و چراغ ودسته‌گلها بااحترام‌میگردانند. پروتستانهااین‌کارها را نمیکنند یك لیدی پیش من نشسته بود و در دست اویك تسبیح دیدم‌که تاآن روز ندیده بودم.

نمایشگاه‌اختراعات

۴ ماه می ـ اکسپوزیسیون اختراعات در لندن بـا حضور حضرت ولیعهد انگلستان باز شد و دارای دو قسمت است. یکی اختراعات وصنایع‌ازقبیل چرخ بخارو‌ریختن توپ وتفنگ‌وکشتی‌سازی وغیره.

قسمت دیگر مخصوص‌آلات واسباب ساز ازقبیل پیانو، ارگ وغیره.

خبرصلح بین روس وانگلیس درمیان مردم شایع است.

۵ماه می ۱۸۸۵ـ بموجب روزنامه‌های لندن قرارصلح روس‌وانگلیس باختتام رسیده.

جمعیت لندن

۲۰ ماه می ـ شب درخدمت جناب اجل ناظم‌الدوله وسرکارمیکائیل خان ساعت ده ونیم با لباس شام (بسواره) رفتم. خانه مزین و با چراغهاو گل‌آراسته بود. فرش اطاقها ازفرش ایران بود یك کشیش پیری با من طرف صحبت شد ازتشریف‌فرمائی اعلیحضرت شاهنشاه‌ایران بیان میکرد بعداز عظمت وکثرت نفوس لندن صحبت‌کرد میگفت تحقیقاً هرهفته یك هزار نفر بـرخلق لندن اضافه میشود وحالا تقریباً چهارمیلیون جمعیت لندن است

سجع مهر محمدشاه

۲۱ ماه می ـ شخصی ازجناب اجل ناظم‌الدوله خواهش کـرده بود سجع مهرشاهنشاه مغفور محمد شاه را برای او بفرستد. سجع‌مهر این بود: (محمد شاه غازی صاحب تاج ونگین‌آمد ـ شکوه ملك‌و ملت رونق آئین و دیـن آمد)آن را بـا خط خـوش نوشتم عصر به‌اکسپوزیسیون اختراعات‌رفتم‌که امسال تازه‌بازکرده‌اند چراغهائی‌که امسال دیدم بهتر از پارسال بود باین معنی‌که همهٔ‌چراغها با الکتریسته (برق) روشن‌شده‌بود.

انتصاب ناصرالملك بحکومت همدان

۲۵ماه‌می امروزدوشنبه راانگلیسها(وتمندی) یعنی مرطوب‌مینامند ازقضا باران فراوانی باریدکه وسائل راواقعاًمرطوب‌کرد. ازقرار روزنامهٔ‌ایران‌نواب والاعزالدوله ازحکمرانی‌ولایت‌همدان معزول و حکومت آنجا بجناب اجل ناصرالملك وزیر امور خارجه محول شده است .

کلیسای وستمینستر

۲۶ماه می‌ـبکلیسای وست مینستر که ازکلیساهای قدیم ومعتبرلندن است رفتم درآنجا مدتی سیاحت‌کردم. اکثر سلاطین انگلستـان‌و معاریف‌آن مملکت درکلیسای مزبور دفن شده‌اند. شکل هریك را در روی قبرآنها مجسمه ساخته‌اند. محلهٔ وست‌مینستر ازمحله‌های معتبرلندن وعمارت پارلمنت وبعضی بیوتات دولتی وبناهای عالی درآن محل واقع است.

محاسن خط جدید ملکمی

اول ماه جون ۱۸۸۵ (مطابق ۱۵ شعبان‌المعظم ۱۳۰۲) جناب اجل ناظم‌الدوله مسوده‌ای موسوم به بیان برای دیباچهٔ‌گلستان‌خط جدید دادند بنویسم. مضمون این‌بیان درباب معایب خط حاضرملل اسلام و اصلاح معایب‌آن در خط جدید بود و سهولت تحصیل سواد وعلوم زیرا اشکال‌آموختن علم درممالك اسلام بجهت مشکلی خط است. و عدم نشرعلوم در عامهٔ ملل اسلام‌هم عایق و مانع ترقی‌آن ممالك شد...

این روزها هوای لندن خیلی مساعد است و باین واسطه مهمانیهای بزرگ‌هم در این ماه اتفاق میافتد و همهٔ بزرگان و اعیان درشهرهستند. رسم مهمانیهای اینجاهم به انواع و اقسام است (بال ـ کنسرت ـ سواره).

ازقرارروزنامهٔ دیلی نیوز لندن مأموریت سفارت برلین ازجانب دولت علیهٔ ایـران بعهدهٔ جناب اجل معین‌الملك مقررشده است.

اسب دوانی دربی

۳ ماه جون ـ به (اپسم) بـه تماشای اسب دوانی رفتم از قـراریکه میگفتند این اسب‌دوانی بزرگ انگلستان‌است. این‌روزرا انگلیسیها (دربی دی) میگویند. محل اسب‌دوانی بسیارباصفا همه سبزودرخت بود و چشم‌اندازوسیعی داشت جمعیت و ازدحام خلق بطوری بود که درعمرم ندیده بـودم. مردم ازهمه طبقه‌آمده بودند . حضرت ولیعهد با زن و دو پسر و سه دخترشان و (دوك اف ادینبرو) برادرولیعهد تشریف‌آورده بودند. درساعت دوبعد ازظهراسب‌دوانی‌کردند. مسافت اسب‌دوانی را سه میل‌که سه ربع فرسنگ ایران باشد قرارمیدهند. دراین اسب‌دوانی خیلی شرطها میبندندکرورها برد وباخت میشود. ازقراریکه شنیدم مدت این اسب‌دوانی یك‌هفته طول میکشد.

ضیافت وزیرخارجه

۶ماه جون۱۸۸۵ـ شب را درعمارت وزارت خارجه برحسب دعوت محترمهٔ جناب‌لردگرانویل وزیرامورخارجه موعود بودیم. انبوهی ازمرد و زن، ازاعیان داخله و سفرای خارجه بـودند بعد حضرت ولیعهد با متعلقهٔ محترمه‌شان‌آمدند. وضع این مهمانی همانطوربودکه دو سال قبل درهمین مکان دیده و در روزنامهٔ یومیهٔ خود نوشته‌ام . فرقی‌که داشت ایندفعه من بیناتر ازآن دفعه بودم .

خبر تلگرافی هواشناسی از آمریکا

۸ ماه جون ـ روز بارانی بود . طوری باران شدت داشت‌کـه در کوچه‌هاآب ازهرطرف مثل‌نهرجاری‌بود. **هفت هشت روز قبل از آمریکا تلغرافاً** خبرداده بودندکه باران شدید و بـاد سختی درلندن خواهدآمـد و آب دریا طغیان خواهدکرد وراست شد. از قراریکه میگویند استخراج این **مطالب در مسئله هوا** هـرچه ازامریکا پیش ازوقت اطلاع میدهند صورت وقوع میبابد و رد نمیکند.

سلام ولیعهد در قصر سنت جیمز

۹ ماه جون ـ بعد ازظهردرملازمت جناب اجـل ناظم‌الدوله بسلام ولیعهد بقصرسنت جیمز رفتیم. حضرت ولیعهد باشخاص معتبربرسم اینجا دست حرکت میدهند ولی سایرین تعظیم کـرده میگذرند و آجودان مخصوص اسامی یك یك اشخاصی راکـه از حضور ولیعهد میگذرند بآوازبلند ازروی‌کارت‌آنها قرائت میکند.

استعفای گلادستون

۱۰ ماه جون ـ وزرای حالیهٔ دولت انگلیس‌کـه ازدستهٔ لیبرالند و جناب مستر گلادستون صدراعظم حالیه رئیس‌آنها است در سر مسئلهٔ مالیات درپارلمنت مغلوب شدند و استعفاکردند. ازقراریکه شنیدم

درعزل و نصب وزراء رسم دولت انگلیس اینست که یك‌سال‌دوسال بیشتروکمتردودسته برضد یکدیگرمباحثات میکنند تا درمجلس‌بدلایل واضحه تقصیرشخص وزیررا ثابت میکنند بعداز آنکه مغلوب کـردند معزولش میکنند. عزل و نصب وزراء بواسطهٔ رشوه و دلخواهی نیست دلائل و برهان قاطع درکاراست.

استثناء در عزل و نصب نظامیان

اما درحق صاحبمنصبان از اعلی درجه تا ادنی درجه رسم اینست که احدی ازملکه تاصدراعظم هیچکس نمیتواندآنها را ازمنصب وادارهٔ نظامی خارج کند منصب نظامی را هـرکس تحصیل کند مثل ملك موروثی و حق مطلق او خواهد بـود . دلیل این مطلب را اینطور گفتند چون صاحبمنصبان نظامی جان خود را درراه دولت و ملت گذاشته‌اند لـذا درپاداش این سمت‌ایشان، دولت وملت‌آنهارا ازانداختن منصب‌ودرجه استثناء کرده‌اند. صاحبمنصب‌های بزرگ که نوکرهای مخصوص سلطنت هستند مثل ناظروامیرآخوروایشیك‌آقاسی وپیشخدمت‌باشی و قوشچی باشی دروقت تغییروزراء عوض میشوند.

ضیافت بال سلطنتی

۱۲ماه جون ـ شب درملازمت جناب اجل ناظم‌الدوله باتفاقسرکار میکائیل‌خان وآقای اسکندرخان بالباس رسمی به‌مهمانی بال‌سلطنتی رفتم بقصر(بکینگ‌هام) شکوه و تزئینات رنگین قصراز گلهای‌معطر الوان و چراغهای فراوان همانطور مرتب بود که دو سال قبل دیده و در روزنامهٔ خود نوشته‌ام .

نظافت ولطافت خانمها باآن اطوارشیرین وحرکات دلنشین‌بمراتب بهترازهرتزئینات قصرباشکوه و جلوه و مفرح‌تر بود.

خانوادهٔ سلطنت، اعیان و ارکان انگلیسی و سفرای خارجه ازمرد و زن بالباس‌رسمی هرکس با نشان و زیورخود حاضربودند. پس از انقضای دو مجلس رقص یکی قبل از ساپر (شام) و یك مجلس بعد ازآن انجمن فرح‌بخش بانجام رسید. قـریب ۳ ساعت از نصف شب گذشته مردم متفرق شدند.

موزهٔ کنزینگتون

۱۷ ماه جون ـ برحسب دعوت آشنای خود مستر هاردی بـه موزهٔ کنزینگتون رفتم برای استماع درس (سخنرانی) فنون و ادبیات که باصطلاح انگلیسی لکچرمیگویند.شخص مزبورمدرس بود. بعضی اشکال قدیم کشیده دردیوارنصب کرده بودند.

آنهارا تعریف میکردکه درچه تاریخ و درچه مملکت پیدا شده صورت یك گردن‌بند زنانه بود مدتی ازترکیب و دانه‌های‌آن بیان‌کرد. بعد ازختم این مجلس به تماشای مـوزهٔ نچرل هیستری (موزهٔ تاریخ طبیعی) رفتم. این موزه‌هم مخصوص ملت و دخول آنجا مجانی است .

این موزه خانه ازحیث بنا خیلی تعریف دارد و عمارت آن بسیارعالی است.
(دراینجا ازمحتویات موزهٔ تاریخ طبیعی بتفصیل ذکر کرده‌اند)

۱۹ ماه جون ـ برحسب فرمایش جناب اجل ناظم‌الدوله باتفاق اسکندرخان برای تماشای اسب‌دوانی (اسکت) رفتیم عبوراً شهر وقلعه (ویندزر) راکه یك قصرسلطنتی معتبری درآنجاواقع است دیدیم. علیاحضرت ملکهٔ انگلستان اغلب اوقات درآن قصرتوقف مینمایند.

۲۰ ماه جون ـ از قرار مشهور جناب لرد سالیسبوری بصدارت

انتصاب لرد سالیسبوری بصدارت

انگلستان برقرارشد معظم‌الیه رئیس دستهٔ محافظه‌کار (کانسرواتیو) است برضد دستهٔ لیبرال که رئیسشان مستر گلادستون بود.

دو قطعه‌کارت دعوت مهمانی جناب ایشیك‌آقاسی باسم بنده بسفارت فرستاده بودند یکی به مهمانی بال سلطنتی در ۲۶ این ماه و یکی دیگر بکنسرت در ۳ ماه آینده.

۲۴ ماه‌جون ـ بهمراهی آقاعلی‌آقا بعمارت بلوربرای دیدن‌فستیوال

فستیوال هندل

هندل رفتیم (هندل اسم شخصی است‌که بانی و سازندهٔ این موزیك وکنسرت‌بود) ازقراریکه میگویند این مجلس ازکنسرت‌های‌بزرگ و مشهور انگلستان است و هرسه‌سال یك دفعه این مجلس را برپا میکنند و مدت چهار روز امتداد میدهند. ازقرارمشهورسازنده و خوانندهٔ این‌کنسرت‌مرکب ازچهارهزارنفرمرد وزن بودند. ازآوازخوانهای مشهورانگلستان مادام‌آلبانی،مسترسنت‌لی، مسترادوارد لاید، مادام تریب لی و مادام والریا درآنجا بودند ونغمات دلنشینی سرودند. بااینکه ما ازعلم موسیقی هیچ سررشته نداشتیم خیلی حظ کردیم.

۲۶ ماه جون ـ ۱۲ رمضان ۱۳۰۲ ـ برحسب دعوت شب بمحل بال سلطنتی بقصر بکینگ‌های رفتیم. (راجع باین قبیل مجالس قبلا شرح داده شد) جناب لردگرانویل که ازوزارت خارجه معزول شده و تقریباً هفتاد سال دارد با دخترخود میرقصید و علی‌الظاهر هیچ بآدم معزول نمیماند.

اول ماه جولای ۱۸۸۵ (۱۷ رمضان ۱۳۰۲)

کنسرت سلطنتی

۴ماه جولای ـ سرکاراسکندرخان درمنزل بنده‌را سرافرازفرمودند ازاوضاع دیشب (کنسرت سلطنتی) وضدیت اطواروحرکات‌انگلیسها با وضع ایرانیها بعضی صحبت‌ها کردیم. من جمله یکی‌این بود اهل موزیك وآواز خوانها که باصطلاح ما اهل طرب محسوب میشوید در نزد انگلیسها طوری محترم هستندکه مثل حضرت ولیعهد و زنش بآنها درمجلس عام تعارف واحترام میکنند والتفات مینمایند. برای تشویق وترقی این جماعت وسایرین‌ازهرطبقه باشند مجلس‌ها ترتیب‌میدهند تحسینات میکنند وامتیازات میدهندکه هرکس درکارخود ساعی وجاهدباشد و علم خود را بکمال برساند اما

درایران برخلاف انگلستان خواننده و سازنده‌هارا مطاربه مینامند و برحسب قانون مذهبی اهل غنا محسوب میشوند و مردودند و همچنین درباقی‌کارها وضع ایران با انگلستان نقطهٔ مقابل است.

معالجهٔ روانی

۱۰ ماه جولای ـ ازسفارت بمنزل آمـدم . یك دکتر برای دیدن مریضه‌ای آمده بود ملاقاتش کردم وازتجویز وطبابت اوخیلی خوشم آمد. باین تعبیر که مریضهٔ مزبور به‌تماشاخانه موعود بود وبجهت انقلاب‌حالش میخواست رفتن تماشاخانه راموقوف کند. بعدازاینکه دکترمریضه را دید خانم مزبوره را مجبوراً به‌تئاترفرستاد. گفت‌رفتن تماشاخانه و دیدن اوضاع آنجا برای مرض شما بهترین معالجات است واقعاً همانطورشدکه دکترمیگفت. همین دکتر گفت دوادادن بمریض را هیچ اعتقاد ندارم‌باید حالت مریض را خوش نگاه داشت و طوری اسباب فراهم‌آورد که شخص مریض خود را ازخیال ناخوشی بکلی بیرون بیاورد و تصورنکند ناخوش است.

۱۳ ماه جولای ۱۸۸۵ ـ درقصر سنت جیمز سلام حضرت ولیعهد انگلستان بـود در ملازمت جناب اجل ناظم‌الدوله با سرکارمیکائیل‌خان رفتیم...

تمام وزرای جدیدکه ازدستهٔ لیبرال و تازه روی کار آمده‌اند درسلام حاضر بودند ، رئیسشان (مارکویست سالیسبوری) است‌که هم صدراعظم ووزیرامورخارجه است شخص‌موقر با فطانتی بنظرآمد.

ضیافت درخانهٔ صدراعظم

۱۵ ماه جولای ـ یکساعت بـه نصف شب مانده برحسب دعـوت (مارچنیس سالیسبوری) زن‌صدراعظم حالیهٔ انگلستان با لباس شام بخانهٔ ایشان به(سواره) رفتم. دستگاه ملوکانه دیدم. درراهرو مرتبهٔ بالا زن محترمه صدراعظم ایستاده بودند او را احترام کرده باطاق بزرگ رسیدم دیدم پرازجمعیت است از زن و مرد برسم این مملکت همه ایستاده هرکس با کسی‌آشنائی‌داردتعارف‌واحوالپرسی‌میکند. بعدازچنددقیقه جناب‌اجل ناظم‌الدوله‌آمدند باهم دراطاقها گردش‌کرده ازعطر گلها، رفتارخانم‌ها، جلوهٔ چراغها وصدای موزیك حظی بردیم و پس ازصرف شام درمرتبهٔ تحتانی بمنزل برگشتیم.

بی‌تکلفی و سادگی وزراء

۱۶ ماه جولای ـ عصربرحسب رسم اینجا بخانهٔ جناب اشرف‌صدر اعظم‌که دیشب مهمان‌بودم رفتم‌کارت‌دادم. درمراجعت ازآنجابین‌راه جناب‌مستر گلادستون‌صدراعظم‌سابق‌انگلستان رادیدم‌درکوچهٔ‌پیکادلی پیاده میرفت درکمال بی‌قیدی ولی بصدراعظم معزول میماند. گرچه صدراعظم یا هربزرگی اینجا چه درحالت معزولی و چه منصوبی درحرکات و رفتار بیرون مثل سایرمردم مینمایند و ظاهراً فرقی ندارند اظهارشوکت و جلال را کنارگذاشته قید را بکلی ازمیان برداشته‌اند. و این حالت برای انسان حقیقتاً خیلی اسباب راحت خواهد بود

اگر بتواند بی‌قید حرکت کند.

خود خواهی انگلیسها

۲۲ ماه جولای ـ برسم یومیه بسفارت رفتم. عصرسرکاراسکندرخان و مسیو حکیموف بمنزل مـن تشریف‌آوردند. یك تجربه امروز از حالت انگلیسیها برای‌من حاصل شدوآن اینست‌که اغلب ایشان‌اکثر اوقات راحت خود را برراحت دیگران تـرجیح میدهند بخصوص نسبت بخارجه خیلی‌کم مراعات میکنند و چندان غریب‌نواز نیستند حتی برهمدیگر که ازیك مملکت هستند اعتنائی ندارند هرکس نفع‌وآسودگی خودرا اول ملاحظه‌میکند بعد بدیگری نوبت میدهد بلکه میتوانم بگویم دراین‌ولایت، فرزند راحت وآسایش خود را برپدر و مادر ترجیح میدهد.

۲۳ ماه جولای ـ عروسی پرنسس بی‌ترث دخترکوچك علیاحضرت ملکهٔ انگلستان با پرنس هنری یکی ازشاهزادگان ژرمنی (آلمانی) است درجـزیرهٔ وایت انجام گرفت. کاغذی بسرکار والا عبدالحسین میرزا نصرت‌الدوله نوشته به تبریزپست‌کردم.

۲۵ ماه جولای ـ دیروزدرسفارت جزو آخر کتاب گلستان را مرور کردم (مقصود کتاب‌گلستان بخط جدید است‌که میرزا ملکم‌خان چاپ‌کرده بود)

عصر باتفاق میس و مس برودی‌آمریکائی بـا دونفر دوست‌آنها دکتر برون و عیالش مهمان من بودند بعمارت بلوررفتم پس ازگردش‌کامل وصرف غذابلندن برگشتم.

ضیافت درخانهٔ لرد سالیسبوری

۲۸ ماه جولای ـ بعادت هرروز درساعت۱۱ بسفارت رفتم تلغرافی بود مبنی برملاقات جناب اجل‌ناظم‌الدوله با جناب لردسالیسبوری صدراعظم و وزیرخارجهٔ‌انگلستان دربارهٔ مصالح‌دولت ایران وبعضی خطرات وحشت‌آمیزآن مملکت. شب‌برحسب‌دعوت بخانهٔ‌صدراعظم رفتم وتنهـا بودم. مثل دفعهٔ اول ابتدا بمحرمهٔ صدراعظم احترام کردم بعد باطاق بـزرگ وارد شدم. آنجا جناب صدراعظم بودند به بنده اظهار التفات فرمودند برسم اینجـا دست دادند. پس ازآن‌کلنل استوارد مرادید ازآنجاکه لباس من ایرانی بود بدون سابقـه پیش آمد بنا‌کرد بزبان فـارسی حرف زدن احوال جناب ناظم‌الدوله را پرسید بعد از مسافرت خود بایران وافغانستان تعریف‌کرد. میگفت مدتهاازجانب دولت انگلیس درصفحات خراسان وفارس‌وافغانستان مأموریت داشتم. بعد ازملاقات‌کلنل، سرهنری رالنسون راکه بیست وپنج سال قبل‌درطهران سفیرانگلیس‌بود دیدم. ایشان هم‌باکمال فصاحت بزبان فارسی‌احوالپرسی ازجناب ناظم‌الدوله نمودند.

۲۹ ماه‌جولای ـ روزنامهٔ اختر که‌دراسلامبول بطبع میرسید چندی بود موقوف شده بود باز دوباره طلوع کرده‌انتشارش داده‌اند یك نسخه‌بعنوان من فرستاده بودند.

باغ‌وحش لندن

اول ماه اغوست ۱۸۸۵-۱۹ شوال ۱۳۰۲- باتفاق میس و مس کوپر کانادائی بباغ‌وحش رفتم از رجنت پارك عبور کردیم . باغچه‌های قشنگ منظم، گلهای رنگارنگ دیدیم . بعد وارد باغ وحش شدیم جانورهای عجیب وغریب بری و بحری وحشی و غیروحشی ازپرنده و درنده بانواع مختلف تماشا کردیم. طعمه دادن بشیرها و پلنگ‌ها و ببرها را هم دیدیم ازدحام غریبی بود . بعد در همان روی صندلی نشسته موزیك خوبی گوش کردم .

اتمام چاپ گلستان بخط جدید ملکمی

۱۰ اغوست - علی‌الرسم بسفارت رفتم. کتاب گلستان که با خط جدید ملکمی چاپ میکردند باتمام رسیده جلد کرده بودند دیدم واقعاً از هرحیث یعنی خطاً وطبعاً و وضوح و بی‌تردید خواندن کتاب ممتازی شده است. هرگاه این خط معمول شود ناسخ همهٔ کتب چاپ قدیم اسلامی خواهدشد. زیرا هرکس این خط جدید ملکمی را ببیند طبعاً میل میکند که هر چه کتاب چاپی بخطوط اسلامی دارد از نو با این خط چاپ کند زیرا هرچه بااین‌خط جدید چاپ شود بدون‌هیچ اشتباه وسهولت خوانده خواهد شد. دیگرلفظ گل به گل وخرم به‌خرم وهمچنین کرد به گرد و گرد مشتبه نخواهدشد وهرکلمه معنی و صدای خود را خواهد داد وکذلك الف مفتوحه مثل احمد با الف مکسورهٔ اسفندیار و الف ولامی که نوشته میشود و تلفظ نمیشود از هم جدا هستند. حقیقتاً خط سهل و آسانی است برای یادگرفتن مبتدی و ترکیب حروف‌هم هیچوقت تغییر نمیکند تاکسی نبیند نمیداند مخترع این خط چقدرزحمت کشیده واوقات صرف کرده. مختصراً برای چاپ کتب‌اسلامی بهتر ازاین خط نمیشود.

جناب اجل‌ناظم‌الدوله میفرمودند بیست وپنجسال عمر صرف ومبلغ‌ها پول خرج این خط گلستان تازه کرده‌ام.

فوت مهدی سودانی

۱۴ ماه اغوست - از قرار روزنامهٔ اختر طبع اسلامبول مهدی نام که درسودان خروج کرد ومدتی بودباقشون‌انگلیس درجنگ‌وجدال بودآبلهٔ سیاه درآورده وبهمان مرض وفات یافته است. قبل‌ازفوت، برادرزادهٔ خود عبدالهدی نام را قائم مقام خود قرارداد و شمشیرش را بکمراوبسته است.

کیو گاردن (باغ نباتات)

۱۵ ماه اغوست - طرف عصر به کیو گاردن محض تفرج رفتم. خلق لندن ازمردوزن، کوچك وبزرگ این اوقات همه جور تفرج‌میکنند بعضی درباغات وچشمه‌زار وبرخی در روی آب رودخانه تیمز در قایق‌رانی اوقات خوش میگذرانند. بزرگان واعیان شهر هم اکثر به ییلاقات وکنار دریا رفته‌اند.

۲۰ اغوست ۱۸۸۵- درخدمت میکائیل‌خان بدیدن سرکارمقرب‌الخاقان حاج میرزا

حسین‌خان کارپردازدولت علیهٔ ایران درطرابوزن رفتیم. ایشان درخدمت جناب اجل معین‌الملك سفیر کبیر دولت علیهٔایران مقیم اسلامبول محض سیاحت بفرنگستان‌آمده. معزی الیه شخص خوش محاورهٔ با علم وفضل بنظر آمدند. پسر مرحوم میرزا معصوم خان وزیر امور خارجه ایران هستند. ازقراریکه میگفتند بعضی‌کتابها درصرف ونحو فارسی وغیره تألیف نموده‌اند زبان فرانسه هم میدانند.

موزهٔ انگلیس (بریتیش میوزیم)

۲۴ اغوست ـ بعادت مقرره بسفارت رفتم. بعدازصرف ناهارسرکار حاج میرزا حسین‌خان را به موزهٔ بریتانیا (بریتیش میوزیم) بردم گردش مفصل وسیاحت مختصر کردیم. از دیدن جسد وبعضی اعضاء مرده‌های قدیم مصروهیاکل سنگی خیلی کهنه وبعضی ظروف سفالین بسیارعتیق وپاره‌ای اسباب وآلات‌آهنی وغیره حیرت نمودیم. بالاترازهمه عظمت‌کتابخانه و کثرت عدد مجلدات‌کتب این موزه خانه‌است. ازقرار تقریر یکی ازمستحفظین‌آنجا تقریباً دومیلون جلدکتاب دراین‌موزه‌کتاب هست ازهمه قسم وازهمهٔ زبان‌های مختلف دنیا. اشخاص چند ازمرد وزن پیروجوان دیدم نشسته غرق مطالعهٔ‌کتب بودند.

قصر آلبرت

۲۶ اغوست ـ طرف عصر باتفاق‌آقا علی‌آقا به‌آلبرت پلیس رفتیم. این عمارت راهم مثل‌عمارت بلور بناکرده‌اند ولی قدری‌کوچکتر. موزیك خوبی میزدند. موزیکانچی‌ها همه لیدی (خانم) و یانك لیدی (خانم جوان)بودند حتی معلمه‌شان. درهمان عمارت درجائی نوشته بودند اینجاسری هست هرکس بخواهدآن سررا بداند سه پول حق دخول باید بدهد. ما رفتیم. دختری دیدیم در روی یك تخته ازکمر ببالایش معلوم است ولی ازکمر به‌پائین هیچ معلوم نیست و حرف میزند. دختردیگری بودبدنش الکتریسته (برق) داشت وقتیکه شخصی دستش‌رابدست وصورت او میمالید خوب حس میشد مثل‌آهن رباکه‌آهن را جذب بکند دست انسان رافشار میداد. خیلی چیزعجیبی بود.

الکساندر پلیس

۲۹ اغوست ـ پیش از ظهر بسفارت رفته یك جلد ازکتاب‌گلستان خط جدید را اصلاح‌کردم. بعدازصرف‌ناهار باعلی‌آقا به(الکساندر پلیس) رفتیم. ازمحلهٔ (نوتینگ هیل‌گیت) تا عمارت‌مزبور با راه آهن یکساعت متجاوز راه است. عمارت الکساندر بنای بسیار عالی ومنظر بسیار با صفا و وسیعی دارد. بعضی سیاحتها درآنجاکردیم. من جمله دریك جائی تفصیل جنگ سواستوپل معروف بودکه خیلی خوب نقش میدان جنگ راکشیده بودند. قشون فرانسه وانگلیس و عثمانی برضد دولت روس درآن نقطه میجنگیده‌اند. بعضی تصاویر از روستای قبایل اعراب الجزیره هم دیده شد.

بعضی حقه‌بازی‌کردند. یك دختری چندکبوتر را تعلیم داده بود و میرقصاند بعضی

بازیهای دیگر ازقبیل بندبازی وغیره را دیدیم .

اول ماه‌سپتامبر ۱۸۸۵ مطابق ۲۱ ذیقعده۱۳۰۲ ودهم سنبله‌است. امروز هوا درلندن خوش گذشت .

۵ سپتامبر ـ باران خیلی شدیدی‌آمد بعد هوا صاف وآفتاب شد.

شورش خراسانی‌ها برضدآصف‌الدوله چند خبر ازقرار ذیل از ایران بسرکاراسکندرخان نوشته بودند: شورش اهل خراسان بجناب‌آصف‌الدوله ـ دروغ شدن معدن نقره درمیانج ـ کشته شدن پسروکیل لشکر درشمیران.

۸ دسامبر ـ بنای درس فرانسه‌را پیش میسوکاردول گذاشتم . شب بعد ازصرف غذا بملاقات‌آشنایان امریکائی رفتم. چند نفر جوان خوشرو از زن ومرد درآنجا دیدم که‌بازی (گوبنك) میکردند.ازوضع بازی‌و وضع معاشرت‌آنها خیلی محظوظ شدم. کاغذی ازکاپیتان بیفورت بمن رسید. تفصیل شکایت از نوکرهایش بود نوشته بود رسم نوکرداری در ایران خیلی بهترازانگلستان است زیراکه درایران نوکرخلاف بکند تنبیه میکنند، چوبش‌میزنند اما دراین مملکت نوکرآزاد است وقتی یك خلافی از اوبروزکند نمی‌توان چوبش زدچون اسباب اذیت‌آقا میشود .

تماشاخانهٔ‌دورلین ۱۹ سپتامبر (۹ ذیحجهٔ۱۳۰۲)شب باتفاق میرزا نصرالله و علی‌آقا به‌تماشاخانهٔ دورلین‌رفتیم. اسم بازی هیومن نیچر (طبیعت انسان) بود حقیقتاً بسیارخوب اکت‌کردند . درآخر تفصیل جنگ سودان انگلیسها با عربها و برگشتن قشون انگلیس از مصر بلندن بود . واقعاً درنشان دادن شبیه سازی سحرکردند وپرده‌های خوش منظرعجیب نشان دادند.

۶ اکتوبر ـ (۲۶ ذیحجهٔ۱۳۰۲) بواسطهٔ بدی‌هوادرمنزل بمرورکتاب جغرافی‌بودم. درتفصیل جغرافی چنین نوشته بود : سه اختراع بزرگ در دنیا باسم چینی‌ها مشهور است یکی اختراع چاپ دوم ملاحی سوم ساختن باروت.

۱۴ اکتوبر(۵ محرم‌الحرام ۱۳۰۳) برسم یومیه بسفارت رفتم روزبارانی وهواتیره بود بطوریکه بگردش نرفتم. از روی یك‌کتاب ترکی عثمانی مسوده میکردم بعضی مثل‌های خوب داشت. من جمله یکی این بود:

(الدن گلن خیری دریغ اتیمة) یعنی هرخوبی‌که ازدست برمیاید مضایقه مکن.

۳۱ اکتوبر ـ بقاعدهٔ معمول بسفارت رفتم قبل از ظهر طوری دومان شدکه چراغ لازم بود . از قراریکه شنیدم طایفهٔ عیسوی‌که مذهب کاتولیك دارند دراین شب بمزارستان رفته در سرقبر مرده‌شان چراغ روشن میکنند وگل میچینند . این رسم بیشتر در ایطالیا معمول است .

روز یکشنبه اول نومبر ۱۸۸۵ (۲۲ محرم ۱۳۰۳)

روزمقدس ملت علوی است باین معنی که دراین روز بیادگار بزرگان ملت خودیعنی حواریون حضرت عیسی عبادت وخوشحالی میکنند.

سود بانکی

۵ نومبر ـ خبرتازه عروسی سرکارآقای موسی‌خان پسر بزرگ سرکاروالاایلخانی ومأموریت سرکار میرزا رضاخان‌پسر گرانمایه بسفارت دربار دولت‌آلمان بود. جناب ناظم‌الدوله مختصری از قواعد و رسم پول دادن به‌بانك وسند گرفتن‌بیان‌فرمودند. میفرمودند دربانك انگلند صدپنج تا صدسه بدارندهٔ سند بانك منفعت میدهند ودرفرانسه صد سه ربح‌میدهند.

۱۰ نومبر ـ بعادت مقرره بسفارت رفتم . هوای روز لندن بطوری دودی و نمناك و و کثیف بود که نوشتن و خواندن حتی کارکردن بی‌چراغ ممکن نبود. از قرار مشهور ماه نوامبردراین صفحات اغلب اوقات همینطورها هواکثیف است. من‌که حالاچهار نوامبر است درلندن هستم هوا را همین قسم‌کثیف دیده‌ام.

کتابچهٔ قوانین اساسی

۱۳ نوامبر ـ جناب اجل ناظم‌الدوله مسودهٔ یك‌کتابچه‌که مربوط بقوانین اساسی دولت و قوانین ادارهٔ مملکت بود دادند بنویسم. ابتدای‌کتابچهٔ مزبور را باین مضمون شروع فرموده بودند: در دول منظم دو قانون هست یکی قوانین اساسی دولت‌و دیگر قوانین ادارهٔ مملکت. قوانین اساسی‌دولت ازقوانین ادارهٔ مملکت بکلی جداست. پس ازآن بیان شرایط سلطنت مشروطه وسلطنت مطلق بود.

شورش بلغارها

۱۶ نومبر ۱۸۸۵ـ این روزها در تمام روزنامه‌های لندن‌گفتگوی شورش بلغاران واغتشاش سمت شرقی‌اروپا وجنگ‌انگلیسها باپادشاه برمه است. برمه مملکتی است درسمت شرقی هندوستان اسم پادشاه آنجا سیباست.

فوت پادشاه اسپانیا

۲۶ نومبر ـ در روزنامه‌های لندن خبرفوت پادشاه مملکت اسپانیا بودکه دیشب فوت‌کرد اسمش‌آلفونس دوازدهم مدت سلطنتش‌تقریباً یازده سال اولادش سه دخترکه هیچکدام بحد بلوغ نرسیده.

۲۸ نومبر ـ طرف عصرعلی‌آقاآمد با ایشان قدری ازایران صحبت داشته وازعدم ترقی وعقب ماندن آن ملت ودولت ازسایردول افسوس خوردیم‌که حقیقتاًوضع زندگانی ما درآبادی بالنسبه بسایرین خیلی بدوخراب ومحتاج اصلاح است.

اظهارات‌ملکم‌خان راجع بایام

اول دیسمبر ۱۸۸۵ مطابق ۲۳ ماه صفر ۱۳۰۳ ودهم قوس علی‌الرسم بسفارت رفتم. جناب اجل ناظم‌الدوله میفرمودند پدرم گاهی حرفهای خوب میزد وقتی‌که من طفل‌بودم و درتهران درس

طفولیت خود میخواندم یك کتابخانهٔ کوچکی داشتم ودرآنجا چندین قسم کتابهای لغت بزبانهای مختلف جمع بود ومعلمین متعدد داشتم. یك روزی پدرم گفت: کسیکه دراین کتابخانه بااین کتابها ومعلمها آدم نشود دیگر هیچ آدم نخواهدشد. درآخر گفتند هرکس درلندن آدم نشود در هیچ جای دنیا آدم نخواهد شد .

جنگ عرب و بلغار

۳ دیسمبر ـ اجتماع مردم انگلستان دررای دادن ایشان در انتخاب اجزاء پارلمنت هنوز بپایان نرسیده. ازقراریکه شنیدم هر هفت سال یك مرتبه اینطور مردم انگلند اجتماع کرده رای میدهند.

جنگ میان صربستان وبلغارستان وصربیان مشهوراست.

عزاداری پادشاه اسپانیا

۵دیسمبر ـ درملازمت جناب اجل ناظم‌الدوله، سرکارمیکائیل‌خان وآقای اسکندرخان یکساعت بظهر مانده با لباس رسمی بمجلس تعزیهٔ پادشاه اسپانیا رفتیم مجلس تعزیه را درکلیسای کاتولیك‌ها برپاکرده‌بودند. بمناسبت اینکه ملت‌اسپانیا مذهب کاتولیك دارند. تمام دیوارها وستونهای توی کلیسا را سیاه پوش و دربیرون کلیسا بیرق سیاه نصب نموده در وسط آن بقعه مانندی ساخته بودند ودر میان بقعه شبیه‌یك مقبره واطرافش گلدان وشمع‌های فراوان چیده بودند . تمام سفرا و وزیر مختارهای خارجه واکثر بزرگان انگلیس حضور داشتند پس ازآنکه همه مدعوین حاضر شدند کشیشها دسته شمع مومی آورده بحضار کلیسا تقسیم کردند. بعد شمع‌ها را روشن نمودند تقریباً یکساعت متجاوز دعای کشیش‌ها طول کشید وما سرپا ایستاده بودیم و شمع دردست داشتیم تا اینکه مجلس ختم شد. سفیر اسپانیا هم از حضارپذیرائی میکرد. درمجلس تعزیهٔ اینجا رسم است که دستکش سیاه باید پوشید. سفیر تازهٔ عثمانی رستم پاشا را هم درآنجا دیدم پیرمرد قد خمیده بود.

شکست صربیها

۱۵ دیسمبر ـ از قرار اخبار روزنامه‌های لندن پرنس الکساندر حکمران بلغارستان بقشون پادشاه صربستان شکست فاحش داده است .

طرف عصرعلی‌آقاآمد . مشغول صحبت محنت‌انگیز ایران شدیم واقعاً یا آن استعداد طبیعی‌که در ملك و ملت ایران هست اینطور ازعلوم وترقیات دور بودن جای خیلی افسوس دارد .

زبان چینی

۱۷ دیسمبر ـ عصر برحسب دعوت کپیتان بیفورت بملاقات ایشان رفتم. درباب تحصیل خود درزبان چینی میگفت چینی زبان مشکلی است .

مثلاً اگر بخواهند لفظ آفتاب بنویسند یك شکلی مینویسند اسمش را مشرق میگذارندویك ترکیب دیگر مینویسند درخت مینامند بعد این دوشکل مزبور را باهم متصل

میکنند وازآن استخراج لفظ آفتاب مینمایند. وهم چنین کلمهٔ خواستن را یك شکل مغرب ویك مردم مینویسند بعدآن دوشکل راکه ترکیب کردند (خواستن) میشود دلیل را هم این قراردادندکه بعقیدهٔ اهالی چین زنهای مغرب زمین بالنسبه از زنهای سایراقالیم خوشکل ومقبولترهستند بواسطهٔ خوشکلی آنها تمام مردم دنیاآنها را مایل وخواهان هستند لذا لفظ مغرب و مردم راکه ترکیب کردند خواستن استنباط میشود وهمینطورکلمهٔ خانواده را از لفظ پشت بام ولفظ بچه خوك مرکب میسازند.

تماشاخانهٔ الحمراء

۲۶ دیسمبر ـ شب را بدعوت سرکاراسکندرخان باتفاق حسینعلی خان، میرزا نصرالله، حاجی‌خان وعلی‌آقا به تماشانهٔ الحمراءرفتم. چون روز باکسینگ دی انگلیسها بود از درهرتماشاخانه‌که گذشتم ازدحام غریبی بود خیلی بصعوبت داخل تماشاخانه شدیم. ازحسن اتفاق جای خوبی گرفتیم وتماشای خوب کردیم. خصوصاً دراکت آخری عدهٔ زیادی دختر بقدریك فوج با لباس نظام که شبیه بلباس‌نظام چند مملکت آلمانیا، اطریش، فرانسه، روسیه، عثمانی وچند دولت دیگر بود آمده مشق کردند . منظرهٔ بسیار خوبی داشتند. نصف شب بازی تمام شد ما هم بمنزل برگشتیم. شب‌خوشی گذشت.

راه‌آهن ایران

۴ جنیوری ـ کتابچه که ازجانب جناب اجل ناظم‌الدوله بوزارت جلیله امورخارجه مینوشتم باتمام رساندم. مطالب کتابچهٔ مزبور از وضع حالیهٔ دولت انگلیس و انتخاب اجزاء پارلمنت و غلبهٔ دستهٔ (حزب) لیبرال بردستهٔ (کانسروتیو) محافظه‌کار بود اما نه غلبهٔ مطلق. و دیگرلزوم ساختن راه‌آهن درایران بود و جناب اجل اجرای این‌کارعمده را برعهده گرفتند تا چه جواب از طهران بدهند.

۶ جنیوری ـ یك برف سنگینی درلندن افتادکه دراین چهارزمستان‌که اینجا بودم اینطوربرف درلندن ندیدم مثل برف سنگین تهران بی‌کم و زیاد بعد ازساعت شش عصر مه و دومان بسیارغلیظی شد بطوریکه چراغهای گاز کوچه و معابر دیده نمیشد و عبور و مرور مشکل بود. سه سال قبل ازاین یك دفعه همچو دومان درلندن دیده بودم و بس.

شورش خراسان

۱۲ ماه جنیوری ـ درروزنامه‌های لندن شورش اهل خراسان را بجناب آصف‌الدوله نوشته بودند . حالا این دفعهٔ دوم یا سوم است که خراسانیها بجناب معظم الیه شوریده‌اند،

ملکم‌خان از تمایلات خود صحبت میکند

۱۴ جنیوری ـ دیروز باد بسیارتند و باران شدیدی بود برفها را آب‌کرده خبراین باد و طوفان را چهار روز قبل از امریکا تلغراف کردند.

بعادت مقرره بسفارت رفتم جناب ناظم‌الدوله بعضی فرمایشات که دلیل بربلند همتی و نیك‌نفسیشان بود بیان‌فرمودند.

میفرمودند در دنیا هرکس به یك چیزی مایل شده و عمر خود را درپی تحصیل آن صرف میکند. مثلا یکی به نقاشی یکی به بنائی یکی بـه تجارت میل میکند و همچنین بسایرفنون. یکی دیگربه پول‌جمع کردن عشق پیدا میکند. عشق و حظ‌من‌هم درچیزنویسی است و نیت اصلی من اصلاح خرابی ایران و متمول شدن اهل‌آن سامان است و بس که از ازفقرو مسکنت علمی و مالی بیرون‌آمده مثل فرنگستان معمورباشد.

۱۵ جنیوری ـ برسم مقرربسفارت رفتم جناب اجل یك مسوده در بـاب اصلاح خط ملل اسلامی دادند رونویس بکنم‌که ازروی‌آن با حروف جدید بطبع برسانند.

گشایش پارلمان

۲۱ جنیوری ـ وقت عصربتماشای عبور علیاحضرت ملکه که برای بازکردن پارلمنت (مجلس) تشریف‌میبردند رفتم. عبور مـلکه را وقتی دیدم‌که از پارلمنت برمیگشتند بـا تشریفات سلطنتی و خیلی مجلل. علیاحضرت درکالسکهٔ قبه‌دار کـه هشت اسب قـزل یك رنگ بسته بودند با پرنسس بی‌تریس‌دختر کوچکشان نشسته تاج شاهی‌هم برسرداشتندآمده وگذشتند.

کالسکه‌های بسیارهم شش اسبه مال شاهزاده‌ها و بزرگان عبورکـردند. سواره نظام مخصوص‌که اینجا (لایف‌گارد) میگویند با اسبهای ممتاز یك رنگ و یك اندازه با یراق و اسباب خوب درعقب و جلوکالسکه‌ها میآمدند و میگذشتند پلیس و سرباز سواره زیـاد دیده شد. جمعیت زیادی هم به تماشاآمده بودند. از قراریکه شنیدم این دفعهٔ دوازدهم است که علیاحضرت ملکهٔ ویکتوریا درمدت سلطنتشان‌که قریب پنجاه سال‌میشود بباز‌کردن پارلمنت تشریف برده‌اند.

موضوع صحبت کشیشها

۲۴ جنیوری ـ در ساعت هفت شب بـرای گردش بیرون رفتم. از اطراف صدای ارگ‌کلیساها وآوازخوش معبدان‌را شنیده میل‌برفتن کلیساکردم. ازحسن اتفاق یك معبد خـوبی رفتم. دیدم جمعیت کثیری ازمرد و زن پیروجوان مشغول عبادت هستند. بعد از اتمام دعاکشیش سرمنبررفت مشغول مـوعظه شد. تقریباً بیشتر ازیکساعت وعظ کرد. حرفهای کشیشهای حالیه در کلیساها چندان در مسائل مذهبی نیست همینقدر یك اشاره از حضرت مسیح و حواریـون میکنند بعد مسئلهٔ معاش و زندگانی را بمیان آورده از اعانت بفقراء، مساکین و بیمارخانه‌ها و مستحقین و غیره صحبت مینمایند.

۲۸ جنیوری ـ عصرکاپیتان بیفورت را ملاقات‌کردم‌کاپیتان مشارالیه از تغییروزرای حالیهٔ دولت خودشان اظهاردلتنگی میکرد. میگفت بخت‌دولت انگلیس برگشته‌که صدراعظم آن دوباره مستر گلادستون میشود.

فبروری ۱۸۸۶ (۶ ربیع‌الثانی ۱۳۰۳) عصر بملاقات کپیتان بیفورت

عقاید سوسیالیست‌ها

رفتم. میگفت گروهی در آلمان ، فرانسه، اطریش، بلژیك و بعضی ممالك دیگر هستند که آنهارا بزبان انگلیسی سوشلیست (سوسیالیست) میگویند و عقیده‌شان اینست که تمام مردم باید درهرچیز مساوی باشند نه اینکه یکی غنی و دیگری فقیر باشد. دراین باب کتابها چاپ و منتشر کرده‌اند و باز مشغول ترویج این مسلك هستند. کپیتان مزبور بعضی ازعقاید آنها راکه‌در کتابهایشان خوانده‌بود برای من بیان کرد. من جمله اینکه میگویند پس ازاینکه همهٔ مردم درزندگی یکسان شدند باید تمام مردم در شبانه روزیك دفعه ازدولت غـذا داشته باشند یعنی در سفرهٔ دولت غذا بخورند. دیگر اینکه اطفال همه باید مجبوراً و مجاناً تربیت شوند. کارگـرها و صنعتگرها در شبانه‌روز بیش از هشت ساعت کار نکنند.

۲ فبروری ـ بعادت یومیه بسفارت رفتم. دیدم درآنجا مشغول تهیه و تدارك پذیرائی ضیافتی بزرگ هستند. ازقرارمعلوم جناب مستروینستون سفیرامریکاکه مأمور دربار ایران است و جناب مسترطامسون‌سفیرانگلیس مقیم تهران باجمعی دیگر بصرف غذا دعوت‌شده‌اند.

قبولی ساختمان راه‌آهن

۶ فبروری ـ برسم هرروز بسفارت رفتم یك تلغرافی ازطهران آمده که عین دستخط همایونی بود درباب قبول‌شدن ساختن راه‌آهن در ایران بتوسط جناب اجل ناظم‌الدوله.

۷ فبروری ـ ازجناب اجل ناظم‌الدوله شنیدم میفرمودند دیشب در یك جائی مهمان بودم که سیصد نفرازاعیان‌زادگان انگلیس و سفرای خارجه و غیره درآن مجلس حضور داشتند. پس‌ازصرف غذا برسم اینجا هرکس ازجای خود برخواسته نطق کرد بعد نوبت بمن رسید برخاسته بزبان فرانسه نطقی‌کردم. حضارمجلس ازنطق من تعجب و خیلی تحسین‌کردند بطوریکه حضرات بیك بارنطق اکتفانکردندوباصرارآنها پاشده دوباره نطق‌کردم. پس ازاتمام مجلس پنج لیره‌هم دادم چون این مجلس‌را محض اعانت یك بیمار ـ خانه ترتیب داده بودند.

شورش کارگران در لندن

۹فبروری ـ درملازمت جناب اجل ناظم‌الدوله‌بسلام حضرت ولیعهد انگلیس بقصر سنت جیمز رفتیم . (تفصیل سلام تقریباً همان است‌که چند بارقبلاً ذکر شد) ازوزرای تازهٔ دستهٔ لیبرال فقط لرد روزبری را شناختم.

دیروز و امروز بعضی از اراجیف وکارگرهای لندن جمع شده (باسم اینکه ما بی‌ـ کار وبی چیزهستیم یاکارونان بما بدهید یا خون میریزیم) شورش‌کرده درمحلهٔ پیکادلـی بچندین باب دکانهای معتبر جواهرفروشی وغیره ریخته شیشه‌هارا شکسته واسباب دکان‌را

غارت کرده‌اند بلکه بکالسکه‌های عابرین هم دست اندازی کرده ازطلاوجواهر آلات خانم‌ها وساعت بغلی مردها را به یغما برده‌اند .

۱۱ فبروری ۱۸۸۶ـ یك تلغرافی ازطهران درباب ساختن راه آهن درجواب جناب ناظم الدوله رسیده بود. از مضامین آن تلغراف امیدواری هست که انشاءالله این کار بزرگ که سرچشمهٔ آبادی است سر بگیرد. ازقراریکه روزنامه‌های لندن مینویسند تقریباً یکصدهزارلیره انگلیس بصاحب دکانها که پریروز اراجیف چاپیدند خسارت رسیده است.

۱۴ فبروری ـ روزیکشنبه و باصطلاح انگلیسها روز (والنطین) است در این روز میان انگلیسها رسم است هر کس بدوست وآشنا و رفیق خود مثل عید میلاد مسیح ورقهٔ کارت و هدیه میفرستند.

۱۹ فبروری ـ عصر حاجی خان ومیس کیت صاحبخانهٔ قدیم من مرا دیدن کردند. برای معالجهٔ گوشم که چند روزاست قدری سنگین شده، بعضی از زنها گفتند روغن زیتون را نیم گرم یك قطره پیش از رفتن برختخواب بگوشم بچکانم مفید خواهد بود. و همینطور کردم .

مالیات درانگلستان

۲۰ فبروری ـ مسیو کاردول آمد درسم داد. درضمن ازبعضی قواعد ورسوم انگلیسها صحبت داشت. میگفت دراین مملکت ازاعلی تاادنی هر کس موافق درجه ومکنت خود بدولت مالیات میدهد. مثلاً از کالسکه ونوکر واسب وسگ دراینجا مالیات میگیرند. حتی بعضی ازمتشخصین که نوکرهاشان زلف سفید مصنوعی میگذارند سالی هریك یك لیره انگلیسی باید بدولت مالیات بدهند. همچنین کمپانی‌های معتبر که راه آهن دارند یاصاحب یك دستگاه تجارت وکارخانجات هستند از روی عایدی سالانهٔ خود ازقرار صدی پنج مالیات بدولت میدهند تحقیق مداخل و منافع دستگاه کمپانی‌ها قواعد مخصوص دارد که نمیتوانند تقلب کنند.

طبع چند کتاب عربی بخط جدید

۲۴ فبروری ـ چندبسته ازکتاب عربی موسوم باقوال علی علیه السلام که باخط جدیدچاپ شده بود نوشتم که به بعضی جاها برای پاره‌ای اشخاص بفرستند . این نسخه‌های عربی که باین خط جدید چاپ شده حقیقتاً ازحیث کاغذ وچاپ و وضوح خیلی تعریف دارند. یعنی بدون هیچ حدس وقیاس صحیح خوانده میشوند .

۲۵ فبروری ـ پاکت‌های زیادی برای عید مبارکی بطهران نوشتم . این کارت‌های تبریك که نقش گل وبوته دارند و با این خط جدید باکلمات خوش مضمون چاپ شده در ایران خیلی تازگی خواهد داشت زیراکه این اولین دفعه است که برای عید کارت فرستاده فرستاده میشود. واقعاً کارمهمی با حرفهٔ پسندیده است. متداول شدن کارت درایران هم یکی ازیادگارهای جناب اجل ناظم الدوله است.

سلام ملکهٔ ویکتوریا

۴ مارچ ـ دوساعت بعد ازظهر درملازمت جناب اجل ناظم‌الدوله بسلام علیا حضرت ملکه رفتیم . ملکه هیئتاً کوتاه قد وفربه هستند. بیش از یك ساعت در اطاق سلام نماندند باین معنی که خسته شدند وجای خود را بعروسشان دادند.

نمایشگاه هندی

شب به اندین ویلج (دهکدهٔ هندی) رفتم. اندیان ویلج جائی است که ازهندی‌های بومی ازصنعتگر وبازیگر وآوازه خوان وغیره و بعضی امتعه وصنایع هندوستان درآنجا دیده شد. بعد شبیه مجلس جشن شاهزاده‌های هندوستان‌را درآوردند. بعضی سازهای هندی نواختند که پاره‌ای ازآنها به‌کمانچه وسه‌تارایرانی‌شبیه بود. بعدآوازخوانی کردند تحریرصوت هندیها خیلی بایرانیها شباهت دارد. رویهم رفته تعریفی نداشتند وبی‌مزه هم نبودند.

اظهارات ملکم‌خان راجع بقوانین کلیسا و مباحثات دانشمندان

۷ مارچ ـ بمناسبت روزیکشنبه و تعطیل ملت مسیحه جناب اجل ناظم‌الدوله بعضی‌فرمایشات در باب کلیساو کشیشهافرمودند. میفرمودند نزد عقلای این عصر اقوال کشیشها راکه حواریون در زمان قدیم چنین وچنان گفته‌اند هیچ اعتباری‌نیست. حکمای این عهد ازقواعد وقانون واختراعات وعلوم حالیه صحبت میکنند و برای هرمسئله دلیل وبرهان میخواهند ودرسرهرمسئله مهم دوسه سال بلکه ده‌سال گفتگو میکنند. مثلاً درفرانسه درسرمسئلهٔ طلاق دادن زن که بقانون وشریعت مسیحی‌حرام است تقریباً ده سال است‌که مباحثه دارند. بعضی منکر طلاق هستند وبرخی طلاق را خوب وجایز میدانند وهمچنین درسایرمسائل.

عزل ناصرالملك و نصب مشیرالدوله بوزارت خارجه

۸مارچ ـ طرف عصردراثنای گردش‌سرکاراسکندرخان وحاجی‌خان راملاقات‌کردم. اسکندرخان خبرعزل جناب ناصرالملك از وزارت امورخارجه و نصب جناب اشرف یحیی‌خان مشیرالدوله را بجای ناصرالملك دادند.

۱۸ مارچ ـ یك تلغراف بسیارخوبی ازجانب اعلیحضرت همایونی ازطهران رسیده بودکه نسبت بجناب اجل ناظم‌الدوله اظهار مرحمت فوق‌العاده مبذول و در انجام عمل راه‌آهن ایران باکمال شوق واشتیاق تأکید بلیغ فرموده بودند . خداکند انشاءالله این‌کار بزرگ زود انجام‌پذیرشود .

۱۹ مارچ ـ بعادت یومیه بسفارت رفتم. درتلغراف دستخط همایونی‌که دیروز رسید این مضمون را بجناب ناظم‌الدوله اخطار فرموده بودند:

تلگراف تشویق ناصرالدین شاه بمیرزاملکم خان راجع براه‌آهن

«این را بدانید که ما میدانیم ومنظورداریم. تو همان شخصی هستی که تلغراف‌را بایران‌آورده‌ای . این کار بزرگ با معنی از تو در ایران مانده است. بدواً از اطاق به اطاق کشیدی حالا درتمام مملکت جاری است. و همچنین قطع داریم که راه‌آهن ایران هم بدست دولتخواهی تو به ایران خواهد آمد و این مملکت راهم‌دارنده این امتیاز بزرگ خواهدکرد ومورد کمال مرحمت خواهید شد .»

۲۱ مارچ ۱۸۸۶ـ روزعید نوروزایرانی وتحویل شمس به برج حمل و آغاز فصل بهار است هوای لندن دراین دوسه روزه قسمی تغییرپیداکرده که با لباس تابستانی می‌توان دربیرون گردش کرد. درسفارت نیمه روز عید گرفتند وتشریفات عید را فراهم‌آورده بودند. جناب ناظم‌الدوله عوض شاهی اشرفی ایرانی‌یك لیره انگلیسی بمن عیدی التفات فرمودند.

ایجاد راه پستی از روسیه

۲۵ مارچ ـ یك کاغذی ازسرکارحاجی میرزا محمدخان‌پیشخدمت خاصه برای من رسیده بودکه بیست روزه پاکت مزبور از طهران بلندن آمده. باین معنی چهارپنج روز زودتر از سابق. از قرار مذکور راه پست ایران بفرنگستان را ازتبریز موقوف واز انزلی وبادکوبه قرار داده‌اند باین جهت کاغذ ازراه انزلی چهارپنجروز زودتر باینجا میرسد.

نمایشگاه ژاپنی

۲۷ مارچ شب برحسب وعده به (جاپانیزویلج) (دهکدهٔ ژاپنی) رفتم‌وضع وبنای امسال‌آنجاکه بعدازسوختن پارسال تازه ساخته‌اند خیلی بهتر و قشنگتر دیده شد مثل پارسال صنعتگران ژاپنی از هر طبقه بودندوکارمیکنند. همچین شعبده‌باز ورقاص وکشتی گیر وغیره بازی‌کردند. خالی‌از تماشا نبود برای یك دفعه دیدن عیب ندارد و بیشتر از یك دفعه حرکات وکمالات ژاپنی‌ها هرچه خوب و دلپسند باشد درلندن جلوه‌نخواهد داشت اما ژاپنی‌ها بالنسبه بسایر ممالك آسیا ازهرجهت خیلی ترقی‌کرده پیش‌آمده‌اند وسزاوار تحسین هستند.

یك نسخه رسالهٔ سرکار اسکندرخان نشانم دادندکه جناب میرزایوسف خان مستشار الدوله در وجوب اصلاح خط اسلامی نوشته و درآخرآن رساله ازکتاب گلستان که‌با خط جدید ملکمی چاپ شده خیلی تحسین‌کرده بودند .

اول اپریل ۱۸۸۶ مطابق ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۰۳

اظهارات ملکم‌خان راجع باصلاح پول و رساندن

بعادت یومیه بسفارت رفتم. خدمت جناب اجل ناظم‌الدوله رسیدم . میفرمودند اگر عمل راه‌آهن ایران سرگرفت ومن بطهران رفتم دوکار خواهم‌کرد. یکی معیار پول حالیهٔ ایران راکه الان‌مغشوش است درست میکنم زیراکه اغتشاش عیار مسکوکات ایران ضررش

حقوق سفرا برای ایران از وباوطاعون بدتر است. دوم مواجب سفرای دولت علیه را برعهدهٔ خود میگیرم ومیرسانم بجهت اینکه تأخیر ایصال مواجب سفرای ایران در ممالك اجنبی یك بدنامی و رسوائی بزرگی است برای دولت‌علیه وباید رفع شود.

قایق رانی ۳اپریل ـ با اسکندرخان برای گردش بیرون‌آمدیم. دیدم جمعیت زیادی برای تماشای قایق‌رانی دسته دسته به بیرون شهر میروند. این روز قایق‌رانی هم یکی از روزهای بزرگ لندن است. مثل روز اسب دوانی مردم زیادی بتماشا میروند.

۴ اپریل ـ پاکتی از ایران ازسرکارعبدالله خان (بعداً مساعدالسلطنه وامیرنظام‌شد) پسرمرحوم مصطفی قلی‌خان اعتمادالسلطنه رسید خبرتازه اعطای‌لقب میرپنجه بامنصب درجهٔ سرتیپ اولی در حق ایشان بودکه بعد از مراجعت ازسرخس مورد این مراحم ملوکانه شده‌اند. در این روزهاکاغذ از طهران تا بلندن شانزده روزه میرسد.

فوت‌میرزایوسف مستوفی‌الممالك ۱۰اپریل ـ خبرفوت جناب صدراعظم ایران میرزا یوسف مستوفی الممالك را شنیدم. این شخص درایران اباًعن‌جد محترم ودر دربار ایران مقامات عالیه داشته‌اندهمین مرحوم چند مرتبه برتبهٔصدارت رسیده ومعزول شد. درآخربا منصب صدراعظمی ازدنیا رحلت‌کرد. یك پسری دارد میرزا حسن‌خان ثانی هنوزبحد بلوغ نرسیده و منصب مستوفی الممالکی دارد.

۱۹ اپریل ـ عصردوباره بسفارت رفته بعضی مسوده‌های قرارنامهٔ عمل راه‌آهن‌ایران که درسنهٔ ۱۸۷۳ مسیحی‌که سیزده سال قبل باشد جناب ناظم‌الدوله نوشته بودند پاك‌نویس کنم .

۲۰ اپریل ـ قرارنامهٔ راه‌آهن ایران راکه دیروز شروع بنوشتن آن کرده بودم امروز باتمام رسید. بعضی تلغرافات طهران راجع براه‌آهن را نوشتم.

۲۱ اپریل ـ مشغول تحریرسوادامتیازنامهٔ بانك دولت عثمانی بودم. سفیرتازهٔاسپانیا کارت خود را باسم من درسفارت‌گذاشته بود. چون رسم است هرسفیریا وزیرمختاری‌که تازه وارد پایتخت هرمملکتی میشود برای سفرای خارجه و اجزاءآنها بجای دیدن کردن کارت میدهد.

۲۳ اپریل ـ روزجمعه وتعطیل مذهبی عمومی بودکه انگلیسها (گودفرایدی)مینامند وباعتقاد ملت مسیحه‌درهمچو روزی حضرت عیسی(ع) مصلوب شده پیش پدرش بآسمان رفت. از قراریکه شنیدم دراکثر ولایات ملل عیسویه امروز عزاداری میکنند. اماانگلیسها برخلاف به انواع عیش‌ها وتفرج مشغول میشوند.

حاجی‌خان عصری‌آمد با هم گردش کنان بجائی رفتیم که اسمش (وارم وود اسکریب) بود انواع حقه بازی را میکردند. جمعیت زیادی ازعوام مرد وزن‌آمده بودند. اسب دوانی بجورهای مختلف کردند. مثلاً یك مرد دواسب را جفت میدواند خودش ایستاده یك پای‌آن مرد روی یك اسب وپای دیگرش پشت اسب دیگر وافسار اسبها را دست گرفته در کمال تندی اسبها را میتاخت. یك بالن بزرگی هم بهواکردندکه بقدرکمند بسیار بزرگی بود خیلی تماشا داشت.

قرارداد بانك

۲۸ اپریل ـ مشغول نوشتن قرارنامهٔ بانك شدم که درسنهٔ ۱۲۹۲ سواد این قرارنامه نوشته شده بودکه درایران بانك ترتیب بدهند ولی سرنگرفته.

اول ماه می ۱۸۸۶ (۲۶ رجب ۱۳۰۳)

اظهارات ملکم‌خان راجع بایجاد مؤسسات وشرکت‌ها

پنجم ماه می ـ جناب اجل ناظم‌الدوله بعضی فرمایشات در قواعد و طریقهٔ احداث مؤسسات بزرگ ازقبیل ساختن راه‌آهن و تشکیل بانك وکمپانی وغیره میفرمودند. میفرمودند (هرکاری مقدمات و مخارجی دارد. مثلاً اگرمن درلندن بیك‌کمپانی بگویم هرگاه شما ازتبریز تا قزوین راه‌آهن‌بسازید سالی ده‌کرور منفعت خواهد نمود. آنها قول ما را باور نخواهندکرد مگراینکه یك مهندس معروف انگلستان قول ما را تصدیق بکند. مهندس معتبر فرنگستان هم‌تا مبالغی حق‌السعی نگیرد وآن محل را بازدید نکند قول‌کسی را تصدیق نخواهدکرد. فرضاً اگر ما بخواهیم راه‌آهن از تبریز تا قزوین ساخته شود باید این مقدمات را انجام دهیم تا بیایند با اطمینان خاطر در ایران راه‌آهن بسازند.)

ضیافت وزیرخارجه

۸ ماه می ـ شب برحسب دعوت بعد ازساعت ده بوزارت خارجه رفتم. بعد ازورود محترمهٔ لرد (روزبری) پذیرائی نمودند. عیال لرد مزبور از خانوادهٔ دوچیلد است زن متمول وهیکلاً قطوری است خود لرد هم جوان با بنیه وخوش سیمائی بنظر آمد . ازقراریکه جناب ناظم‌الدوله میفرمودند آدم زیرك وبا شعوری است و بسیار خوب حرف میزند. چنانکه از وضع مهمانی معلوم بود این دفعه وزارت امورخارجه را بهتر ومزین‌تر ازهردفعه زینت داده بودند . در ساعت یازده ونیم حضرت والاولیعهد بامحترمه‌شان وسایرشاهزادگان تشریف‌آوردند.جناب اجل ناظم‌الدوله هم باحبیبهٔ مکرمه‌شان سلطان خانم‌تشریف داشتند. جمعیت غفیری‌ازسفرای خارجه و وزراء واعیان با خانمهاشان بودند. بعد ازنصف شب مجلس خاتمه یافت.

امتیاز راه‌آهن

۱۱ ماه می ۱۸۸۶ مسودهٔ یك امتیازنامه باسم بارون رویتر بود که دولت علیهٔ ایران برای ساختن راه‌آهن درایران باو داده بود

ایران آنرا مینوشتم باتمام رسید.

به بارون رویتر ۱۲ ماه می ـ برسم عادی بسفارت رفته بنوشتن سواد امتیاز وقرار نامهٔ راه‌آهن ازطهران بشاهزاده‌عبدالعظیم پرداختم. روزهفتم‌شعبان ۱۳۰۳ حال چهار سال‌تمام است‌که من ازطهران درملازمت جناب ناظم‌الدوله بیرون‌آمده درلندن توقف دادم.

امتیازراه‌آهن شاهزاده عبدالعظیم ۱۵ ماه می ـ مشغول‌نوشتن‌امتیازنامهٔ راه‌آهن ازطهران تاشاهزاده عبدالعظیم بودم شب به اکسپوزیسیون تازه رفتم که بانگلیسی Colonial Indian Exhibition موسوم کرده‌اند. این اکسیوزیسیون بازدرهمان محلی است‌که سه‌سال متوالیاً اکسپوزیسیون بود وهرسال بیك‌اسم نامیده‌اند. اکسیوزیسیون امسال مرکب‌ازامتعه وصنایع تمام ولایات وممالك متصرفه‌دولت انگلیس است ومخصوصاً یك‌قسمت متاع‌وصنایع‌هندوستان است. گذشته ازامتعه وصنایع هیکل انسان و حیوانات هرولایت را هم از هرقبیل از موم ساخته وآدمها را بوضع خودشان لباس پوشانده بودند. موزیك وفواره‌هاکه‌آب رنگ برنگ بهوامیجست مثل‌هرسال بود. جمعیت‌کثیری مرد وزن ازهرطبقه بتماشاآمده بودند.

نمایشگاه مستملکات انگلیس جناب ناظم‌الدوله ازوضع اکسپوزیسیون امسال بیان میکردند و میفرمودند. بردر ودیوار آن نوشته‌اند این اکسپوزیسیون از امتعهٔ اتباع دولت انگلیس است و دولت انگلیس مرکب از هفتصدکرور خلق است. میفرمودند هروقت داخل آنجا میشوم بی‌اختیار ازخود میپرسم‌که این یك مشت خلق انگلیس آیا چه‌کرده‌اندکه هفتصدکرورخلق دیگر راکه هیچ چیزشان‌کمتر ازاینها نیست مطیع خود ساخته‌اند؟

۲۱ ماه می ـ برای هواخوری بپارك رفتم. خلق انبوهی از مرد و زن در گردش بودند. حقیقتاً وضع زندگانی خلق انگلیس خیلی خوب طوری است. هرکس بخیال خود درحرکات وسکناتش‌آزاد و بی‌قید است ولی نه‌آنطورکه بخواهد بمردم‌آزارو اذیت‌برساند. در این مملکت احدی را قدرت یك کلمه حرف بی‌قاعده بکسی نیست تا چه‌رسد به اذیت رسانیدن.

جنگ عثمانی با یونان از قراراخبار روزنامه‌های لندن در سرحد یونان عساکرعثمانی با لشکریونان شروع بجنگ‌کرده‌اند تا عاقبت‌کارشان بکجا انجامد.

۲۸ ماه می ـ یك بسته‌که مرکب بود ازکتاب گلستان و چند نسخهٔ عربی و فارسی و ترکی با خط جدید ملکمی چاپ شده باسم‌سرکار حاج حسینقلی‌خان جنرال قونسول بمبئی نوشتم‌که بفرستند.

مهمانی وزیرخارجه

۲۹ ماه می ـ شب بنا بدعوت خانم محترمهٔ وزیرامورخارجه‌جناب لـرد روزبری یکساعت و نیم بـه نصف شب مانده بعمارت وزارت خارجه رفتم. وضع مهمانی همان قسمها بود که پیش دیده بـودم. این مهمانی جشن مولود علیاحضرت ملکه بود. وقت رفتن و عبور ازکوچه و بازاردراکثرجاها یعنی سرودرها چراغانی رنگ‌های الوان دیدم.

اول ماه جون ۱۸۸۶ (۲۷ شعبان ۱۳۰۳)

ملاقات با مستر برون (پروفسورمعروف)

طرف عصر مستر برون Brown (پروفسور بـرون معروف) و حاجی‌خان بدیدنم‌آمدند تقریباًسه‌ساعت با ایشان مشغول‌صحبت‌های متفرقه بودیم مستربرون جوان انگلیسی است‌کـه فارسی را خوب حرف میزند.

شب درساعت‌ده با لباس رسمی بمهمانی بال سلطنتی به قصربکینگ‌هام رفتم. این دفعه تنها بودم.

اخباری از ایران درروزنامهٔ شرف

۱۰ ماه جون ۱۸۸۶ ـ هوای لندن قبل از ظهر مثل زمستان اینجا تیره شد.

دو نسخه روزنامه شرف‌ازایران، سرکارمیرزا حسین‌خان برای من فرستاده بودند.

خبرهای تازه‌که نوشته بودند اینها بودند: ورود جناب نصرت پاشا بطهران‌که‌حامل نشان ازجانب اعلیحضرت سلطان عثمانی برای اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران.

ریاست والا شاهزاده رکـن‌الدوله درمجلس شورای‌کبری ، وزارت داخله بـا جناب قوام‌الدوله میرزا عباس‌خان. نیابت‌وزارت استیفاء با جناب‌آقای وزیردفترهدایت‌الله. شیوع خط جدید ملکمی درطهران.

انتحار پادشاه باواریا

۱۵ماه جون ـ این روزهاکاروزرای‌حالیهٔ دولت انگلیس‌که‌لیبرالها باشنددرسرمسئلهٔ ایرلند زار ودرمسند حکومتشان‌متزلزل‌هستند. از قراراخبار روزنامه‌های لندن پادشاه باواریا (آلمان جنوبی) کـه وزرای دولت باواریا او را ازسلطنت خلع کرده بودند خـودش را بدریاچه انداخته و خفه شده است طبیب پادشاه‌هم‌که‌آنجا حضورداشته خواسته بود پادشاه‌را ازآب نجات دهد او هم خفه شده است. پادشاه مزبورجوان بود.

شایعهٔ ساختمان راه‌آهن ایران بوسیلهٔ آمریکائیها

۱۷ماه جون ـ قبل‌ازسفارت بملاقات‌هسترهاکس‌نام‌کشیش‌آمریکائی که تازه ازهمدان‌آمده بود رفتم . ازولایت همدان اظهار خرسندی میکرد.

درروزنامهٔ استاندارد دیدم‌که وزیرمختار دولت مجتمعهٔ امریکا مقیم

طهران باجازهٔ اعلیحضرت شاهنشاه میخواهد از خلیج فارس تا طهران راه‌آهن بسازد و اجازه‌هم از اعلیحضرت همایون حاصل‌کرده وعمل‌را قطع نموده بعدجناب اشرف‌مشیرالدوله وزیرامورخارجه **بیست هزار تومان حق‌السعی** از وزیر مختار امریکا مطالبه نموده و این فقره باعث نقص‌کار و تعویق عمل شده است.

۱۸ ماه جون ـ جناب اجل ناظم‌الدوله درباب راه‌آهن ایران‌بعضی صحبتهافرمودند که دوباره ازطهران دراین باب تلغراف رسیده‌که آیـا این عمل راه‌آهن را انجام داده‌اید؟

نمایش نظامی

۱۹ماه جون‌ـ ازطهران تلغرافاتی‌حسب‌الامرهمایون ازجناب امین‌الدوله درباب راه‌آهن ایران رسیده بـود . طرف عصر به تماشای (رویال میلیتاری تورنمنت) Royal Military Tournament (نمایش نظامی شاهانه) رفتم. درآنجا لشکرسواره و تـوپخانهٔ شاهانه مشق نظامی میکنند. توپچی‌ها و سوارها خیلی خوب و چالاك حرکت میکردند. مثلا عراده‌های توپ چهار اسبه را در حین تاخت سریعاً از میان میخهائی که بفاصلهٔ یك زرع و نیم بزمین کوبیده بودند میگذرانیدند بطوریکه چرخهای توپ ابداً بمیخها نمیخورد. بعد ازآن مشق جنگ‌کردند. ازجمله سنگربندی‌کرده و روی رودخانه بجلدی پل مصنوعی ساختند و با طرف مقابل یعنی با دشمن خود جنگیده و برآنها غالب‌آمدند. واقعاً خیلی ماهرانه وچالاك حرکت‌میکردند و بعینه میدان جنگ را محسوس نمودند.

ازقراریکه شنیدم و درپرگرام چاپ شده بود اغلب این سواره نظام و توپچی‌ها از فرقهٔ (والانتیر) بودند یعنی‌کسانیکه بمیل خـود داوطلبانه داخل سلك نظام شده‌اند. بعد از جنگ سوارهٔ هوسار Hussard که سوارمخصوص سلطنتی‌است به‌آهنگ موزیك مشق‌کردند. ازحرکت و مشق سوارهٔ هوساربیشترازهمه لذت بردم.

سال پنجاهم‌سلطنت ملکهٔ ویکتوریا

۲۰ ماه جون ـ امروزاول‌سال پنجاهم‌سلطنت علیاحضرت ویکتوریا ملکهٔ انگلستان و امپراطریس هندوستان است. در تواریخ انگلیس هیچ‌ملکه‌ای بقدراین ملکه درانگلستان سلطنت نداشته است.

کنسرت سلطنتی

۲۳ ماه جون ۱۸۸۶ـ شب با سرکارمیکائیل‌خان به‌کنسرت سلطنتی رفتیم. مثل هردفعه مزین و منظم و از خواننده‌های مشهور مـادام ادلیناپتی ـ مادام البانی و مادام تربلی و غیره‌آوازخواندند مادام پتی دوباره بشخص فرانسوی شوهرکرده الان‌هم خیلی خوشگل بنظرمیرسد. همین مادام در هرمجلس **پانصد لیره** میگیرد وآوازمیخواند. ازقراریکه شنیدم پول را هم اول میگیرد.

۲۷ماه جون ـ ازقراریکه شنیدم سرکارمیکائیل‌خان‌میفرمود تلغرافی ازطهران رسیده وتأکید در رفتن‌جناب ناظم‌الدوله بایران‌نموده‌اند. جناب ناظم‌الدوله خودشان‌هم فرمودند که بایران رفتنی شدیم.

غذای ایرانی برای پروفسوربرون ۳۰ ماه جون- مسترهاکس امریکائی و مستربرون (پروفسوربرون معروف) و حاجی‌خان درمنزل بنده بغذای ایرانی موعود بودند.

اول ماه جولای ۱۸۸۶ (۲۷ رمضان ۱۳۰۳)

جناب اجل ناظم‌الدوله مسودهٔ بقیهٔ کتابچهٔ دیروزرا دادند بنویسم. این کتابچهٔ قانون تأسیس کمپانی (شرکتها)، قواعد، شرایط و تکالیف آن است.

قصر همپتن کورت ۷ ماه جولای - برحسب وعده بمیس لاسلت صاحبخانهٔ قدیم خود باتفاق‌چند نفرخانم‌کانادائی، مستراسکات ومستر گبز بعمارت همپتن کورت رفتیم. تقریباً سه ساعت و نیم با قایق بخاری روی رودخانهٔ تیمزسیر کردیم. دربین راه جاهای با صفا زیاد دیده شد. یك کارخانهٔ کشتی‌سازی درکنار رودخانه دیدیم. درهمپتن‌کورت قصر بسیارعالی قدیمی دیدیم که سیصد و پنجاه سال قبل بنا کرده‌اند. عمارت باشکوه و درمحل باصفائی واقع شده منظرهٔ خوبی دارد و بسیار پاکیزه نگاهداشته‌اند دراطاقهای زیادی گشتم همه پرازتصاویر، اطاق مخصوص پادشاه انگلیس وزنش را دیدیم که تخت و رختخواب را با اطاق آن عهد هنوز حفظ کرده‌اند. چندین قسم‌تصاویر مختلف ازقدیم و جدید دیده شد. یکی ازچیزهای غریب یك درخت بسیاربزرگ انگوربود. گفتند یکصد و بیست سال قبل‌کاشته شده. در یك اطاق مخصوص محفوظ بود . از قراریکه سرایدار نقل میکرد این درخت در چهل سال قبل دو هزارو پانصد پوند و این اواخر ۱۲۰۵۰ پوند انگورحاصل میداده که هرهفت پوند عبارت ازیك من تبریزاست. انگور این مو مخصوص علیاحضرت ملکه است.

مجلس بال درقصر بکینگهام ۱۰ ماه جولای - دیشب بقصربکینگهام به‌بال رفتیم وضع مهمانی مثل هرسال‌آراسته وباکمال شکوه بود درساعت یازده ونیم شروع برقص نمودند. بعد از صرف شام دوباره بنای رقص را گذاشتند . در رقص دوم اغلب جوانها باقی میمانند و پیرها پس از شام بمنزل میروند. شاهزاده فوش مری پسربزرگ میکادو پادشاه ژاپن هم‌آنجا بود. ساعت دو و ربع از نصف شب گذشته مجلس بال ختم شد .

حق‌القدم دکتر ۱۱ ماه جولای - احوال اسکندرخان، که از چند روز قبل حالت فلج پیداکرد، بالنسبه قدری بهتربود. دیروزیك دکتر موسوم به سنت اندروکلاك برای دیدن حال اسکندرخان آمد و ۲۵ لیره حق‌القدم گرفت. ازقراریکه شنیدم ازطبیب‌های مشهور لندن است‌که طبابت مستر گلادستون صدراعظم حالیه با او است.

تئاتر ۱۷ ماه جولای - شب به تئاتر کاون گاردن رفته تماشای اپرای ایطالیائی (فوست)راکردم. تمام‌مکالمات بازیکنان بزبان‌ایطالیائی

کاون گاردن

وبا آهنك موزیك بود . گرچه از گفتگویشان هیچ نفهمیدم ولی از دیدن اطوار وشنیدن سازوآوازخیلی‌حظ کردم. زیرا که خوانندههای مشهور ونوازندههای ممتاز انگلیس آنجا بودند . مثل مادام‌آلبانی وغیره.

روش اطباء در معالجه

۱۸ جولای ـ امروز دو دفعه بسفارت رفتم. بملاحظهٔ حالت اسکندر خان مدتی‌آنجا نشستم. دکترسفارت (آمبله) اسکندرخان را بحکم ازاطاق بیرون برد درباغچه نشاند. اطبای معتبر اینجا مریض را خیلی‌کم با استعمال دوا معالجه میکنند. بلکه بیشتر به تغییر هوا و تفرج و اکل غذا و خوشحال نگاه داشتن مریض را علاج مینمایند . بعد از تجربههای زیاد طبیبهای فرنگستان صحت بدن را در ورزش، در وقت معین غذاخوردن و گردش‌کردن وخوابیدن وهمیشه مواظب حال خود بودن دانستهاند.

۳۱ ماه جولای ـ در روزنامهٔ (اطلاع) منطبع طهران مضمون یك مراسله بود در باب کتاب گلستان بخط جدید ملکمی. نویسندهٔ‌آن مراسله بعضی اعتراضات و ایرادات درباب خط مزبورنوشته بود امضای مراسله (محیی ملت ومبقی دولت) بود .

یکشنبه اول ماه اگست ۱۸۸۶ (۲۹ شوال ۱۳۰۳)

جناب اجل ناظم‌الدوله درتهیهٔ تشریف بردن بهایران هستند. ازقراریکه میفرمودند بنده هم تا پاریس همراهشان خواهم رفت.

۳ اگست ـ از قرار اخبار روزنامهها باز وزرای انگلیس تغییر کردهاند . دولت حزب‌آزادی طلب (لیبرال)معزول ودستهٔ محافظه‌کاران منصوب خواهند شدازپارسال‌تاکنون سه دفعه وزاری انگلیس تغییر کردهاند .

۷ اگست ۱۸۸۶ جناب اجل ناظم‌الدوله بملاقات جناب لرد سالیسبوری صدراعظم جدید و وزیر امورخارجهٔ تازه تشریف بردند وسرکار میکائیل‌خان را در غیاب خودشان شارژدافرخواهند گذاشت .

عزیمت بپاریس با ملکم‌خان

۹ اگست ـ درساعت‌هفت ازسفارت حرکت‌کرده بهایستگاه ویکتوریا رفتهازآنجاساعت‌هشت بکالسکهٔ بخار(قطار) نشسته به دوور رسیدیم درآنجا بکشتی‌رفتیم ساعت۱۲ بساحل‌کاله رسیدیم. دوباره بکالسکهٔ بخارنشسته درکمال سرعت‌کالسکه حرکت میکرد ربع‌ساعت بساعت شش عصربپاریس‌رسیدیم. وقتیکه از دریا بخاك فرانسه داخل‌شدیم هوا ومملکت و وضع مردم بکلی تغیرکرد بخصوص هوا خیلی صاف وآفتاب بود بطوریکه چشم خیره میشد زیراکه دراینمدت چهارسال هوای باین‌پاکیزگی ندیده‌بودم. باری درملازمت جناب اجل‌ناظم‌الدوله درهتل لوورکه ازمهمانخانههای معروف پاریس است‌منزل گرفتیم .

۱۰ اگست ـ گردش‌کنان بخیابان مشهور شانزلیزه رفتم یك خیابان وسیع باشکوهی

دیدم که هیچ ندیده بودم حقیقتاً وضع عمارات و بناها و نظم کوچه‌های پاریس دخلی بلندن ندارد . اغلب عمارات پاریس از سنگ و عالی ساخته شده خلق پاریس هم خیلی عیاش بنظر آمد .

۱۱ اگست بهمراهی میسو کاردوئل بگردش وتماشای بعضی جاها و بناهای معروف پاریس رفتیم. من‌جمله یك منارچدن که بفرانسه (تولون دژوید) میگویند دیدیم. ازقراریکه مسیو کاردوئل تعریف میکرد این بنا از توپهائی است که فرانسه در جنگ از دشمن گرفته وبحکم ناپلئون این منار را ساختند.

کلیسای نتردام

بعد بکلیسای (نوتردام) رفتیم که بنایش ۱۲۰۰ سال قبل شده ویك مخزن مخصوصی هم در آن کلیسا بود که بعضی اسبابهای نفیس و لباسهای زردوز جواهر نشان کشیش‌ها و بعضی ازسلاطین فرانسه آنجا بود. چند مجسمهٔ کشیش‌ها رادیدم ازقراریکه گفتند همهٔ صاحبان آن مجسمه‌هارا بقتل رسانده‌اند مگریکی ازآنها در رخت خواب به اجل خود فوت کرد.

موزهٔ لوور

ازکلیسا بیرون آمده به مرده خانه که نعش مرده‌های نامعلوم را آنجا میگذارند وبقوهٔ برودت اموات را چند روز نگاه میدارند رفتیم. جنازه‌ها را اینجا میگذارند تا مردم بیایند به‌بینند شاید مردهٔ نامعلوم‌را کسی بشناسد. ازآنجا بعمارت عدلیه که‌درآنجا مردم‌را محاکمه‌میکنند رفتم. ازاینجا بیرون آمده بموزهٔ لوور رفتیم که تصویرها وپرده‌های نقاشی زیادگران بها چیده شده بود . عمارت‌این‌موزه اول یکی ازقصورسلطنتی بود حالاموزهٔ ملی کرده‌اند. تماشای این‌نگارخانه یك روزدوروز بلکه یك ماه ویکسال نیست باید انسان مدتها اوقات صرف تماشای آنجا بکند تا چیز بفهمد.

۱۳ اگست ـ درخدمت جناب ناظم‌الدوله شاهزاده محمد میرزاراکه درسفارت دولت علیهٔ ایران صاحبمنصب هستند ملاقات کردم همچنین آقای میرزا سید حسین حکیم‌باشی که از اهل کاشان هستند برای تحصیل طب بپاریس آمده‌اند آنجا دیدم. شب قبل از رفتن بکنسرت درمیدان نزدیك شانزلیزه دوربین بزرگی گذاشته بودند برای تماشای ماه اتفاقاً مهتاب شب صافی بود (۱۲ ذیقعده ۱۳۰۳)رفتم باآن دوربین بماه نگاه کردم. صفحهٔ آن مثل سطح زمین پست وبلند بود که بعضی ازجاهای آن روشن وبعضی سایه مینمود.

پاله رویال

۱۴ اگست ـ با مسیو کاردوئل به پاله‌رویال رفته غذا خوردیم. بعضی ازخانه‌ها وکوچه‌های پاریس را هم‌عبورآدیدیم خیلی‌تنگ وبدساخته بودند .

موزهٔ گرون

پس ازآن بموزهٔ گرون به تماشای مجسمه‌های مومی رفتیم . وقتیکه انسان آن مجسمه‌ها رامیبیند حیرت میکند ومشتبه میشود که‌آیا این

اجسام زنده هستند یا مصنوعی فرقی که با آدم زنده دارند فقط غیر متحرك بودن است. باری شبیه ناپلئون اول ـ آتش زدن شهر مسکو ـ؛ تیرخوردن جنرال گوردن وقونسول دولت اطریش درشهر خارطوم شبیه مهدی سودانی و بعضی از نهیلیست‌های روس و گرفتارشدن آنها در دست پلیس وتصویر امپراطورهای حالیهٔ پروس، روس واطریش وملکهٔ حالیهٔ انگلستان ورئیس جمهوری حالیهٔ فرانسه مسیو گریو وغیره... را دیدم بسیارخوب ساخته بودند یعنی بهتر ازموزهٔ مومی لندن. ولی موزهٔ مومی پاریس خیلی کوچکتر ازموزهٔ لندن است.

عزیمت ملکم‌خان بآلمان

۱۵ اگست ـ ساعت قریب بهفت جناب ناظم‌الدوله به کسینگن (آلمان) تشریف بردند. من هم منزل خود را از هتل لووربهتلی که شاهزاده محمد میرزا وحکیم‌باشی منزل داشتند تغییردادم .

۱۶ اگست ـ بعدازصرف غذا باشاهزاده حکیم باشی درباغ نزدیك هتل که اسمش باغ لوکزامبورك است گردش کردیم .

موزهٔ تروکادد

محل سفارت ایران درنقطهٔ خوب پاریس نزدیك تروکادد واقع است[1] یك موزهٔ خوب هم که چند سال قبل اکسپوزیسیون بود در همان حوالی است. چیزهای بسیارقدیم درمیان موزه دیدم: چند جسد مرده که خیلی قدیمی و بطور نشسته دفن شده و بریسمان پیچیده شده بودند ـ شبیه خانه های اولیه ـ رخت خواب مردمان آن زمان وچیزهای دیگر .

بعد ازتماشای موزه بگردش (بواد بولنی) که ازبهترین گردش گاه‌های پاریس است . حقیقتاً دروسعت وصفا وپاکیزگی بی‌نظیر است.

طاق ظفر

طاق‌ظفر راکه ازبناهای ناپلئون اول است وازسنگ ساخته شده نیز دیدیم. این طاق تقریباً هفتاد زرع ارتفاع دارد وتصویرجنگ‌های ناپلئون اول را در دیوارهای آن خیلی خوب حجاری کرده‌اند.

۱۹ اگست ـ شب درساعت نه با سرکار شاهزاده وحکیم‌باشی وحسینعلی‌خان به تماشای بال عامه که موسوم به (ژاردن دبولیراست) رفتم. پول دخول آنجا مردها نفری دو فرانك و زنها مجانی است مجلس رقص خوب وزنهای خوشگل فراوان بود.

ضرابخانه

۲۰ اگست ـ بعدازصرف غذادرخدمت شاهزاده وحکیم‌باشی به تماشای ضرابخانه رفتیم . ضرابخانه عمارت بسیارمحکم وظریفی بود. اول باطاق موزهٔ آنجارفتیم. درآن اقسام مسکوکات قدیم وجدید هرولایتی را به ترتیب چیده بودند. بعد باطاق دیگر رفتیم که بعضی آلات واسباب سکه زنی ومجسمهٔ سر ناپلئون بناپارت مشهور بود. این مجسمه سروگردن ناپلئون است که بعد ازفوت کرده برداشته ومجسمه ساخته‌اند. بعد قسمت‌های مختلف کارخانهٔ سکه زنی رفتیم که همه آلات با

۱ـ (وزیرمختار ایران درآن موقع نظرآقا بوده‌است).

قوهٔ بخارحرکت میکند.

تئاترعدن

۲۴ اگست ـ عصر با شاهزاده محمد میرزا در باغ لوکزامبورك گردش وشب‌باتفاق حسینقلی‌خان به تئاترعدن رفتیم‌این تماشاخانه ازتئاترهای معروف پاریس و دروضع وبنا خیلی‌عالی است.وبمنزلهٔ تئاترالحمراء لندن است. یك شعبده بازی هم دیدیم یك دختر آورد روی صندلی نشاند بعد تورسیاه رنگی روی اوکشید که تمام بدنش پوشیده شد. بعد شخص شعبده‌باز دستی بصندلی زد ودخترغائب شد وصندلی خالی ماند. بعد بازیهای با ایما واشاره‌کردند وبقول خودمان لال بازی درآوردند ودرآن حالت رقصهای زیاد بچند قسم‌کردند.

اپرا

۲۵اگست ـ شب بهمراهی حسینعلی‌خان به‌گراند اپرا رفتم . وضع وعمارت‌این‌اپرا ازهرحیث خیلی عالی وازقراریکه شنیدم اول‌اپرای دنیا است ومتعلق بدولت است من اینطوربنای عالی تا حال ندیده بودم. اسم‌بازی‌آفریکن بود.خوانندگان ونوازندگان ممتازفرنگستان خواندند ونواختند. بعد دومجلس رقاصها با لباس‌های پاکیزه رقصیدند. پردهای بسیارخوب نشان دادند . بعد از انداختن پرده باطاق سالن نشیمن رفتیم و خیلی اطاق و پله‌های این عمارت را تماشا کردیم . واقعاً انسان حیرت میکند . اطاق نشمین از اطاقهای قصر سلطنتی مجللتر بنظر آمد. پله‌هائی‌که داخل اپرا میشود خیلی دیدنی است از قراریکه شنیدم شش‌کرور فرانك خرج‌این پله‌ها وستونهای راهروشده‌است.بالاخره هرکس‌بخواهد وضع گراند اپرای پاریس را بداند باید ببیند.

میدان سوارکاری

۲۶ اگست ـ شب به تماشای اسب بازی به (هیپودرم) رفتم . جای بسیاروسیع خوبی بودمثل میدان سرپوشیده. بانواع مختلف اسباب بازی‌کردند.اسبهای بسیارخوب‌درآنجادیده‌شدزنهای خوشکل‌سوار شده واسب‌ها به‌آهنگ ساز درکمال خوبی میرقصیدند . یك دختری باکالسکهٔ دواسبه وارد میدان‌شد وبندبازی‌کرد. بعد یك شکارگاه درست‌کرده شکارچیان چند ازمرد وزن با تازی بمیدان‌آمدند . پس ازآن یك مرال شاخ‌دار به تاخت داخل میدان شد سگها دنبالش‌کردند و سوارها به تعاقب آنها اسب تاختند تا مرال راصیدکردند . بعد ازعبور مرال و سگها و شکارچیها از میدان مرال شکارشده را آوردند. باری وضع شکار وشکارگاه را بخوبی نمایش دادند.

اول سپتامبر ۱۸۸۶ (مطابق ۳۰ ذیقعده ۱۳۰۳)

امروزازپاریس عازم لندن شدم.

ساعت هفت صبح شاهزاده محمد میرزا و حکیم باشی و حسینقلی خان محض مشایعت تااستاسیون تشریف‌آوردند. ساعت هشت وبیست دقیقه قطارازایستگاه شمالی‌راه افتاد. ساعت

یازده بشهر آمیتن رسیدیم. چهارپنجدقیقه کالسکهٔ بخارایستاد غذای مختصری درآنجاصرف شد. بعد ترن حرکت کرد ازشهر بولونی گذشتیم. ساعت یك ونیم بعداز ظهر بـه بندر کاله رسیده بکشتی رفتیم. نزدیك ساعت دو کشتی حرکت کرد. دریا خیلی آرام وهوا بسیار مساعد بود ونسیم خوش وفرحناکی میوزید. ساعت سه ونیم بساحل (دوور) رسیدیم . هنگام بیرون رفتن ازکشتی عملجات گمرك هر کس ازقبیل صندوق وچنته هرچه داشت بازوبازدید کردند. دوباره به ترن نشسته درکمـال تندی راه طی کرده ساعت شش و ده دقیقهٔ عصر در لندن از استاسیون ویکتوریا بیرون آمدیم. بحمدالله دراین سفرپاریس ازهرجهت خیلی خوش گذشت و دوباره سلامت بلندن برگشتم.

۲سپتامبر ـ بعادت مقرره بسفارت رفتم سرکارمیکائیل خان فرمودند جناب اجل ناظم‌الدوله امروز ازوینه به اودسا حرکت خواهند کرد.

تماشاخانهٔ آکواریوم

۱۳ سپتامبر ـ روز وشب را در همراهی شاهزاده محمد میرزا و حکیم باشی (که ازپاریس آمده‌اند) گذراندم. هوای بسیار مساعدی بود. روز را بباغ وحش شب را به تئاتر اکواریوم رفتم. یك دختر بندباز هنرهای عجیب وغریب ظاهر کرد . من جمله در روی طناب سوارحلقه وچرخی آهنی شد مثل اینکه روی زمین باشد درکمال جلدی و چابکـی حرکت کرد وهمچنین یك توپ کوچکی روی سه چرخه سوارکرده بود درروی ریسمان که اقلاً صد پا از زمین بلند بود راه رفت. حقیقتاً هنراوخیلی اسباب تحسین بود.

اول اکتبر ۱۸۸۶ (مطابق دوم محرم ۱۳۰۴)

ورود ملکم‌خان بطهران

۲ اکتبر ـ خبر ورود جناب اجل ناظم‌الدوله با همراهان بطهران تلفرافاً رسید.

کناردریا سسکس

۱۱ اکتبر ـ دو ساعت سه دقیقه کم بظهرمانده از لندن بعزم کنـار دریا با راه‌آهن و دوساعت ازظهر گذشته به سنت لنورد رسیدم. از لندن تااینجا ۶۲میل است که تقریباً ۱۶ فرسخ میشود. اسم این بلوك به (سسکس) مشهور وازبلوکات خوب انگلند محسوب میشود. از قراریکه میگویند شکارپرنده از قبیل قرقاول وغیره وخرگوش در این صفحات زیاد است. هرچه عبوراً دیدم همه درخت و سبزه وخیلی دره وتپه بـود. سنت لنورد و (هستینگز) Hastings متصل بهم وکنار دریا واقع شده‌اند. مهمانخانه‌های عالـی ودکانهای معتبر روبدریا ساخته‌اند. جای بسیار باصفا ومعمور بنظر آمد. اسم صاحبخانهٔ من مستر وود وارداست مرد متعارفی است و زن کدبانوئی دارد .

۱۲اکتبر ـ باتفاق صاحبخانه به‌تماشای بتل‌آبی رفتیم. تقریباً ربع ساعت باکالسکهٔ بخار مسافت بود. بنای بتل‌آبی قلعه مانند است. توی آن آثار یك کلیسا بودکه ویلیم کانکرر

(فاتح معروف نورماند) پس ازجنگ مشهور هستینگز ساخته. نشانهٔ کلیسا و مسکن مانکها یعنی کشیش‌های آن عهد دیده شد. همه ازآجروطاق و گنبد ساخته شده بود. درمحوطهٔ این قلعه لرد کلیفتون‌منزل ییلاقی داردکه درسال سه چهارماه درآن اقامت میکند. بعدازسیاحت بتل آبی بعمارت‌ییلاقی‌لردبرسی رفتیم. اسم‌عمارتش‌نارمنت‌کورت‌است ازبتل‌آبی‌تاآنجا سه‌میل راه بود . این سه میل راه را پیاده رفتیم . خیلی جای با صفائی است درآنجا بلیط داده داخل عمارت شدیم . اطاقهای متعدد راگشتیم. همه با اسبابها واثاثیهٔ خوب و ممتازمزین و مرتب بود. بعد ازدیدن عمارت به تماشای اصطبل رفتیم. درجای خود تعریف اصطبل بیشتر ازعمارت لرد بود. خیلی با سلیقه ساخته شده وپاکیزه نگاه داشته‌اند. برای هرکدام از اسب‌ها جای مخصوص‌ساخته‌اند واسم‌هراسب را بدربچه‌ای‌که بالای‌آخورنصب شده نوشته‌اند. این لردولیدی برسی‌حالا یکی ازمتمولین انگلستان حساب میشوند. چند سال‌قبل باکشتی مخصوص موسوم به‌سن‌هم خود با خانواده‌اش یازده ماه سفرکرده هندوستان، چین و ژاپن و بعضی جزایررا سیاحت‌کرد. لیدی‌برسی روزنامهٔ سفرخود را درکتابی نوشته وچاپ‌کرده است. ازقراریکه شنیدم پدر لردبرسی‌یکی‌ازعملجات راه‌آهن بود. رفته رفته ازبرکت راه آهن‌ومساعدت بخت صاحب‌مکنت‌زیادمیشود. حالاپسرش‌جزو لردهاوبزرگان انگلندمحسوب است. پس ازسیاحت عمارت واصطبل لردبرسی بمنزل برگشتم.

۱۳ اکتبر- صبح برای‌گردش بیرون رفته درکنار دریاکه‌گردشگاه خوبی‌ساخته‌اند قدم زدم جمعیت زیادی‌ازهمه قبیل درگردش بودند عصرهم بحمام‌آب دریا رفتم حمام‌خوبی دارای‌آب‌گرم وسرد همه جور برای شناکردن وغیره در لب دریا ساخته‌اند.

۱۴ اکتبر- قبل ازظهر پیاده با دو رفیق انگلیسی برای‌گردش بطرف مشرق رفتیم. مسیرما تپه وماهور وجاهای بسیاربا صفا وخرم درکناردریا بود خیلی شبیه‌بمازندران ایران .

۱۶ اکتبر - دیروز بواسطهٔ شدت باد و باران در منزل معتکف وازگردش بازماندم قبل ازظهرهوا طوری منقلب ودریا بقسمی متلاطم وطوفانی بودکه اهل اینجا میگفتندکمتر وقتی هوا ودریا را باین انقلاب دیده‌ایم. موج‌دریا درکناره تقریباً ده ذرع بلکه بیشتربهوا میجست منظرهٔ جالبی بود. طرف عصرهوا بهتر و دریا هم قدری‌آرام گرفت . شب مهتاب ستاره‌ها نمایان وکوچه‌ها خشك شد. منهم برای‌گردش تا (پیر)رفتم.(پیر) یك جای‌بزرگ بسیارقشنگ مثل‌کلاه فرنگی‌است‌که ازچوب وآهن توی دریا ساخته‌اند و روزوشب دو دفعه درآنجا موزیك میزنند حق دخول خیلی‌کم‌است بطوریکه غنی وفقیرمیتوانند بروند درآنجا وقت بگذرانند. وموزیك خوب بشنوند. برای اکل وشرب هم همه چیزآنجا هست.

۱۸ اکتبر - صبح درسنت لنورد هوای بسیارخوبی بود.با دو نفر لیدی آشناگردش مختصری بعمل‌آمد. دو ساعت و ربع از ظهر گذشته بلندن روانه شدم . نزدیك ساعت شش

بمنزل رسیدم .

فوت ابوی (جد نگارنده)

۲۶ اکتبر- صبح کاغذی ازاخوی محمد حسن‌خان ازهمدان رسید خبربسیار ناگواری داشت یعنی فوت ابوی را نوشته بود از وقوع این‌قضیهٔ جانسوزکمال حزن وملال روی‌داد وبی‌اختیارگریه برمن مستولی شد. سرکار عالیه پرنسس (خانم ملکم‌خان) بجهت استماع خبر فوت ابوی مرا تسلیت و تعزیت فرمودند.

۲۹ اکتبر- قبل ازظهرمسیوکاردوئل‌آمد بعضی صحبت‌های متفرقه‌کردیم. مختصری از رسم عروسی فرانسوی‌ها نقل‌کرد. میگفت هر دختری بقدرکفاف پول ومال نداشته باشد هیچکس اورا تزویج نمیکند ولازمهٔ شوهرکردن دختر درفرانسه بسته باستطاعت دختراست والا بی‌شوهرخواهد ماند .

اول ماه نومبر ۱۸۸۶ مطابق ۴ صفر ۱۳۰۴

۴ نومبر- سرکارمیکائیل‌خان فرمودند دیشب ازجناب ناظم‌الدوله ازطهران تلغراف رسیدکه مرا و فریدون‌خان وشما را بجهت بذل مراحم ملوکانه تهنیت گفته‌اند.

تدوین کتاب لغت

۶ نومبر - در وقت معین بسفارت رفتم . با سرکار میکائیل‌خان درباب نوشتن‌کتاب لغت بسه زبان‌که عبارت ازفارسی وانگلیسی و فرانسه باشد حرف زدیم‌که انشاءالله شروع ونوشته شود.

۹ نومبر - روزخیلی سردی‌گذشت. این اوقات درساعت چهارونیم بعد از ظهرهوا خوب تاریك میشود. روز تولد حضرت ولیعهد انگلستان پرنس دوگال وهمچنین روز تغییر کلانتر یا حاکم شهر لندن است. امروز در لندن یکی‌از روزهای بزرگ است برای تماشا یعنی درتشریفات این‌کلانتر. هرسال رسم است حاکم شهررا عوض میکنند و در هرتغییر (لردمیر) منتهای تشریفات وتجملات سلطنتی را برای اوفراهم میاورند .

(در بقیهٔ روزنامهٔ نوامبر مطلب جالبی جز وقایع عادی یومیه نبودکه نوشته شود. و روزنامهٔ ماه دسامبر را هم پیدا نکردم بنابراین دنبالهٔ روزنامه ازاوائل‌ژانویه ۱۸۸۷ادامه خواهد یافت).

جنیوری (ژانویه) ۱۸۸۷ (۵ ربیع‌الثانی ۱۳۰۴)

۴جنیوری - عصرازمسترفین (سابقاً درایران، قونسول بود) بازدیدکردم . ازایران بزبان فارسی صحبت‌کردیم. عکسهای متعدد ازعمارات دولتی ایران وییلاقات شمیران و بناهای قزوین و بعضی اشخاص ایران داشت نشان داد . قدری هم ازسفر خراسان و طرف افغانستان خود وتفصیل دهنهٔ ذوالفقارموضع ترکمانها صحبت‌کرد. میگفت ترکمانها چای سبز را میجوشانند عوض قند نمك وعوض شیردنبه بچای میریزند ومیخورند ومیگفتند خودم دیدم‌که اینطورچای خوردند.

۶ جنیوری ـ شب باتفاق صاحبخانه به تماشای اولمپیا رفتم. بازی

تماشاخانهٔ اولمپیا اسب را تازه از پاریس بلندن آورده‌اند وضع این تماشاخانه ازهر جهت شبیه هیپودروم پاریس است‌ولی‌بنای اولمپیا ازحیث بنابزرگتر است و با چراغهای الکتریسیته روشن و خیلی با صفا است . اسب‌بازی خوبی کرده و رسم شکاربعمل‌آوردند.

۲۲جنیوری ـ عصردرمنزل مشغول نوشتن‌کتاب‌لغت بودم. پاکتی ازجناب‌ناظم‌الدوله ازاسلامبول رسید مرقوم فرموده بودند بحضوراعلیحضرت سلطان شرفیاب وبصرف غذادعوت شده بودند و مورد کمال التفات گشته‌اند و نشان درجه اول مجیدی هم بمعزی الیه اعطاء فرموده‌اند.

۲۸ جنیوری ـ تلغرافی از طهران از وزارت جلیلهٔ امورخارجه در باب بی‌اعتدالی افاغنه درسرحد خراسان و ولایت جام رسیده بود.

تلغرافی‌هم ازجناب اشرف ازاسلامبول رسیده بودکه بطرف‌لندن حرکت فرموده‌اند.

۳۱ جنیوری ـ پاکتی ازسرکار اسکندرخان از طهران رسید و در جوف آن روزنامهٔ شرف نمرهٔ ۴۶ بودکه تصویرجناب اشرف ناظم‌الدوله را با شرح حالشان درج‌کرده‌بودند.

سه شنبه اول فبروری ۱۸۸۷ (۶ جمادی‌الثانی ۱۳۰۴)

۲ فبروری ـ کاغذی ازمیرزا عبدالخالق‌خان از اسلامبول رسید. ازقراریکه میکائیل خان فرمودند دیشب ازجناب‌اشرف ناظم‌الدوله‌کاغذ رسیده مرقوم‌فرموده‌بودندکه‌اعلیحضرت سلطان درملاقات دفعهٔ دوم یك قوطی سیگارمرصع محض یادگاربجناب ناظم‌الدوله مرحمت فرموده‌اند.

۱۰ فبروری ـ برسم یومیه قدری زودتربسفارت رفتم. جناب اجل

مراجعت ملکم‌خان ودادن نشان مجیدی ناظم‌الدوله تشریف‌آورده پس ازمنتهای التفات و روبوسی یك نشان مجیدی عثمانی ازدرجهٔ سوم‌که‌این‌سفراسلامبول ازاعلیحضرت‌سلطان گرفته بود مرحمت فرمودند.

از قراریکه شنیدم یك نشان برای سرکار میکائیل‌خان و یکی هم برای سرکاراسکندر خان‌آورده‌اند.

۱۴ فبروری ـ سرکار میکائیل‌خان فرمان ولقب پرنس سرکارآقای فریدون‌خان (پسر میرزا ملکم‌خان) با منصب آجودانی حضورهمایونی ایشان راکه این سفر جناب ناظم‌الدوله درطهران صادرنموده بودند نشان دادند.

۱۶ فبروری ـ شب با صاحبخانه بکنسرت رفتیم. این‌کنسرت را یکی ازکشیش‌های محله منعقدکرده بودکه پول دخول هرچه جمع بشود صرف فقرا و مساکین نماید درلندن ازاین قبیل مجالس برای اعانت بفقرا خیلی برپا میکنند.دراین‌کاردوفایده هست یکی اینکه

مردمان غنی ازاستماع سازوآواز محظوظ و دیگر اینکه اشخاص فقیر از رسیدن وجه اعانت مسرورمیشوند. حقیقتاً این‌کار کاربسیارخوبی است.

زلزله در نیس

۲۵ فبروری ـ از قراریکه در روزنامه‌ها خبر داده‌اند، در ایطالیا و در شهر نیس فرانسه زمین لرزهٔ شدیدی شده تقریباً دو هزارنفر تلف شده است.

سه شنبه اول مارچ ۱۸۸۷ (۳ رجب ۱۳۰۴)

سلام ولیعهد

بعد ازظهر با لباس رسمی در ملازمت جناب اشرف ناظم‌الدوله بسلام حضرت والا ولیعهد رفتیم. مثل هرسال درقصرسنت جیمزسلام منعقد شد. جمعیت خیلی بودچون اول سلام سال‌نو فرنگی است ازانجهت ازهمه طبقات مردم احضارشده بودند.

۲ مارچ ـ شب بخانه جناب لرد سالیسبوری صدراعظم موعود بودم یکساعت به نصف شب مانده با لباس شب آنجا رفتم . وضع و دستگاه مثل دفعهٔ اول بود که پارسال دیدم و در روزنامه نوشته‌ام .

سفارت فوق‌العادهٔ حسام‌السلطنه

۳ مارچ ـ تلغرافی از طهران در باب سفارت نواب والا ابوالنصر میرزا حسام‌السلطنه برای تهنیت سال پنجاهم سلطنت علیاحضرت ملکهٔ انگلستان ازجانب اعلیحضرت شاهنشاه ایران بود.

۵ مارچ ـ قبل ازظهر بسفارت رفتم و مشغول نوشتن تلغراف رمزی درباب جاشك (جاسك) واقع در مملکت فارس شدم . جاسك متعلق بایران است و چند سال است که انگلیسها بدون حق تصاحب‌کرده و بعضی بناها درآنجا ساخته‌اند.

اظهارات ملکم‌خان راجع به‌قواعد آبادی کشور

جناب اشرف ناظم‌الدوله مختصری در قواعد آبادی و ترقی مملکت بیان فرمودند:

« میفرمودند درهرولایتی‌که عمال و مباشران‌آنجا مقصودشان جلب منفعت و مداخل شخصی باشدآن مملکت هرگز منظم نخواهد شد و به‌آن اشخاصی‌که مصدرهرکار هستند بهیچ قسم اطمینان نتوان کرد اگرچه صدق بگویند . ولی اگر خیال اشخاص مداخل نباشد هرچه بگویند و هرچه بکنند میتوان مطمئن شد و قولشان را باورکرد.

۸ مارچ ۱۸۸۷ ـ شب بمرور بعضی‌کاغذهای پنج شش سال قبل‌که در طهران و زنجان توقف داشتم مشغول بودم. وقتیکه وضع وسلیقهٔ‌آن اوقات خود را درایران با این وضع‌حالیه که درلندن دارم مطابق میکنم واقعاً مات میشوم‌که چقدرها فرق دارد.

۱۰ مارچ ـ جناب اشرف ناظم‌الدوله‌بعضی فرمایشات دراختلاف سلیقهٔ طبقات‌مردم میفرمودندکه هرکس یك‌سلیقهٔ مخصوصی دارد. مثلاسلیقهٔ پادشاه یك مملکت اینست‌که‌هرچه

قوه و قدرت دارد صرف ازدیاد لشکرو وسعت مملکت میکند وجنگهائی میکند. سلیقهٔپادشاه دیگراینست که بهمان ملك خود قانع و خودرا برای استیلای ممالك خارجه بمخمصه وجنگ گرفتارنمیکند، هیچکدام را هم نمی‌شود گفت عاقل نیستند و مذمتشان کرد.

تاریکی در وسط روز

۱۵ مارچ ـ یکساعت بظهر مانده تا یکساعت از وسط روز گـذشته هوای لندن بطور فوق‌العاده مثل شب تاریك شد. مه و دومان نبود. چراغهای کوچه را روشن کردند برف هم درکمال خوبی میبارید . دراین مدت پنج سال اقامت درلندن هیچ همچو روزی‌که وسط روز یك دفعه تاریك شود ندیده بودم.

۱۷ مارچ ـ شب برحسب دعوت با صاحبخانه میس بیشاپ بمنزل مستر شاپ برای شنیدن ساز وآواز و تماشای رقص رفتیم . اهل مکتب (مدرسه) که شاگردهای عیال مستر بیشاپ و همه دختربودند پیانو زدند آوازخواندند و رقصیدند . تقریباً بیست سی‌نفر بودند دخترهای خوشگل‌هم درمیانشان‌بود. تا ساعت یك‌ازنصف شب گذشته آنجا بودیم. شب‌خوش گذشت.

چاپ کتاب حافظ بخط جدید

۱۸ مارچ ـ بـرسم یومیه بسفارت رفتم . جناب اشرف در مرور و تصحیح کتاب حافظ که بخط جدید ملکمی چاپ میشود سفارش بلیغ فرمودندکه خیلی باید دقت کرد.

۲۱ مارچ ـ روز عید نوروز و اول سال ایرانی بود بسفارت رفتم تهیه را مثل‌هرسال درآنجا آماده کرده بودند. جناب‌اشرف ناظم‌الدوله بعد از ادای رسم عید فرمان نشان مجیدی عثمانی سرکار میکائیل‌خان و بنده راکه از اسلامبول رسیده بودمرحمت فرمودند.

۲۲ مارچ ـ سال نودم عمر اعلیحضرت امپراتور آلمان گیوم بود از قراریکه در روزنامه‌ها خبر داده بودند جشن بسیار با شکوهی در شهر برلین برای روز عید مولود امپراطور گرفته‌اند.

ضیافت صدراعظم

۲۳ مارچ ـ شب بعدازساعت ده بخانهٔ صدارت باب لرد سالیسبوری رفته بعد از صرف سوپر (شام) و سیاحت مرد و زن بسیار بمنزل مراجعت شد .

تئاتردورلین

۲۸ مارچ ـ شب به‌تئاتردورلین رفتم. باصطلاح انگلیسیها(پنتومیم) بازی میکند . و اسم بازی (چهل دزد) بود که از قصه‌های کتاب الف لیل ترتیب داده‌اند. بعضی از اسامی بازیگرهاکه شبیه دزدشده بودند قاسم ـ علی بابا بود و لباسشان هم شبیه بلباس اهل مشرق و همچنین زن علی‌بابارخت زنهای مشرق را داشت خیلی با مزه بود . درآخر بازی تماشای خوبی دادند باین طور که

شبیه اهالی تمام ممالك متصرفهٔ انگلیس را درلباس مخصوصشان دسته دسته مرتب کرده بودند و بمجلس آمدند.

دوشنبه یازدهم اپریل ۱۸۸۷ (۱۴ شعبان ۱۳۰۴)

روز دوم ایستر ملت مسیحیه و آرزوهای مقدس آنها است . مردم لباس پاکیزه نو میپوشند مخصوصاً درمیان زنها رسم است کلاه تازه بسرمیگذارند.

عصرمستر برون (بعداً پروفسور برون معروف) با حاجی خان آمدند صرف چای شد.

تاریخ ظفر نامه

یك تاریخ ایران موسوم بظفر نامه در کتابخانهٔ بریتیش میوزیم است مستر برون در فهرست کتابهای فارسی دیده بود . مؤلف ظفر نامه حمدالله مستوفی قزوینی است که ازاول تاریخ هجری تا سال هفتصد وکسری ازهجرت گذشته را به نظم درآورده. از قراریکه شنیدم این کتاب را انگلیسها در شیراز بدست آورده پول گزافی به بهایش داده‌اند.

۲۵ اپریل ـ بعد از ظهر درملازمت جناب اشرف ناظم‌الدوله بسلام حضرت ولیعهد رفتیم. مثل هردفعه وزرای داخله واعیان انگلیس از هرطبقه بودند. از آشنایان و دوستان آقای میرزا حسینعلی‌خان نواب شیرازی وفین صاحب‌را دیدم که تازه معرفی شدند.

۲۸اپریل ـ عصر بدیدن سرکار میرزا حسینعلی‌خان رفتم. درپیکادلی گردش میکردیم دراین بین میرزا محمدعلی‌خان که ازمتمولین وخانواده‌های نجیب هندوستان است ملاقات شد. بعدحمیدبیك‌افندی که جزوصاحبمنصان‌سفارت عثمانی‌است وپدرش درایران سفیرعثمانی بود و خودش هم درطهران مدتها اقامت داشته و زبان فارسی را خوب حرف میزند تصادف شد. در بازار سرپوشیده که محل و مجمع خوشگل‌ها است قدری راه رفتیم بعد بمنزل برگشتم .

۳۰اپریل ـ یك‌تلغراف رمزدرباب راه‌آهن‌ایران بوزارت خارجه بودکه بایدفرستاده شود. پاکتی‌ازآقای تقی‌خان رسید فوت حاج میرزا هادی مجتهد همدانی را نوشته بودند.

مجلس بال‌سلطنتی

سه‌شنبه ۱۴ ماه می ۱۸۸۷شب برحسب دعوت به‌مهمانی بال‌سلطنتی بقصر بکینگ‌هام رفته وضع با شکوه قصر وجلوهٔ نازنین خانم‌های سینه سیمین را مثل هرسال سیاحت کرده بر آن اطوار مقبول رشك خوردم .

حضرت ولیعهد با فامیل سلطنتی، ولیعهد دانمارك، امپریال دیوك روس و چند نفر از شاهزاده‌ها وراجه‌های هندوستان حضور داشتند. که ساعت از نصف شب گذشته مجلس تمام ومردم متفرق شدند.

۱۸ماه‌می‌ـ سرکارمیکائیل‌خان ونواب حسینعلی‌خان ومسترچرچیل وآقای حسینقلی خان وحاجی‌خان درمنزل بنده به‌ناهار بغذای ایرانی موعود بودند. شب با حسینقلی‌خان

به تئاتر پرنس اف ویلز رفتیم. درسفارت کتاب حافظ چاپ خط جدید را مقابله کردم.

سلام ولیعهد

۲۱ ماه می ـ درملازمت جناب اشرف ناظم‌الدوله و سرکارآقای میکائیل‌خان بسلام حضرت ولیعهد بقصر سنت جیمز رفتیم. در این سلام جمعیت زیادی بودازجمله راجه‌های هندوستان که برای جشن سال پنجاهم سلطنت علیاحضرت ملکه بلندن آمده‌اند. لقب شخصی که از حیدرآبادآمده این است (**نواب امیراکبر آسمان جاه بهادر**).

جشن مولود ملکه ویکتوریا در وزارت خارجه

۲۴ ماه می ـ شب برحسب دعوت کانتس (کنتس) اف سالیسبوری خانم صدراعظم و وزیر امورخارجه بعمارت وزارت خارجه رفتم. این جشن مولود علیاحضرت ملکهٔ ویکتوریا است. ازدحام زیادی ازمردوزن بالباس‌شب‌بود. عمارت‌راهم که باگل وچراغهای زیادخیلی خوب آراسته‌بودند خیلی‌شکوه داشت. گرچه جلوهٔ‌خانم‌های حوروش بیشتراز گل وچراغها بود.

وارویك

۲۷ماه می ـ بعد ازظهرساعت دو وچهل دقیقه ازلندن راه افتاده با راه‌آهن به‌کنل‌وارس‌آمدم درخانه میس ویکسان آشنای خود منزل کردم. ازلندن تااینجا سه‌ساعت و۳۵دقیقه مسافت است باراه‌آهن. این ناحیه را وارویك‌میگویند و در وسط انگلند واقع شده است.

روز بعد با میس ویکسان به‌کلیسا رفتیم. دراینجاچند نفردختر مشغول‌آرایش‌کلیسا بودند چون فردا یکی از روزهای محترم مذهبی است ورسم است‌کلیسا را زینت میدهند.

یکشنبه۲۹ ماه می ـ بعدازصرف غذابا میس ویکسان و دخترخواهرش ویك نفردیگر بگردش رفتیم. یك قلعه خرابه‌که سیصد چهار صد سال قبل ساخته شده دیدیم که درعهد الیزابت ملکه انگلند ساخته‌اند. آنوقت ملکه انگلند گاهی دراین قلعه منزل میکرده است قلعهٔ بسیارمحکم و با سنك بنا شده طرف عصر بکلیسا رفتیم.

۳۰ ماه می ـ قبل ازظهر باران‌کمی میبارید‌بعد هوا بهترشد. با صاحبخانه وهمیشره زاده‌اش و یك خانم دیگر میس‌می نام درکالسکهٔ رو بازنشسته تا شهر لیمینگتن و وارویك راندیم چون‌روزتعطیل‌عامه بود مردم زیادی بگردش‌آمده بودند. لیمینگتن شهرجدید النباء وجای پاکیزه‌است وارویك شهرخیلی قدیمی وبناهای قدیم دارد.

قلعهٔ وارویك

۳۱ ماه می ـ قبل از ظهر با میس ویکسان به تماشای قلعه قدیم وارویك رفتیم این قلعه متعلق به (ارل‌اف وارویك) است. تقریباً سیصد چهارصد سال قبل با سنگ ساخته شده. در پانزده سال قبل یك طرف عمارت‌آتش گرفته خراب شده بودازنوساخته‌اند. اطاقهای متعدد دارد پرازتصویر وبعضی‌آلات جنگ‌که درقدیم دراین مملکت استعمال میکرده‌اند. چیزهای عتیق نفیس‌خیلی دیدیم من‌جمله یك میزکه صفحهٔ‌آن با سنگ‌های قیمتی منقش است گفتند ده هزار لیره قیمت

دارد. بنظر این قلعه واقعاً خیلی تعریف دارد و کم جائی این طور بنظر با صفا دیده میشود.
روزبعد ازکنل‌وارس با راه‌آهن روانهٔ لندن شدم.
یکشنبه ۵ ماه جون ۱۸۸۷ (۱۰ شوال ۱۳۰۴)
عصر با حاجی محمدخان به پارك رفتیم. بجهت مساعدت هوا جمعیت زیادی ازمردو زن درپارك تفرج میکردند. موزیك هم میزدند. صفای باغ‌آهنگ فرح‌بخش موزیك وجلوهٔ خانم‌های انگلیس وآزادی و آرامی خلق یك شکوه دیگری در چشم ما محسوس میکرد که بیان نمیشود نمود مگر شخص بچشم خود ببیند.

مهمانی درسفارت چین

۸ ماه جون ـ شب برحسب دعوت بسفارتخانهٔ دولت چین رفتیم. جمعیت زیادی ازمرد وزن موعود بودند.وزیرمختارچین با چندنفر اجزاء خود درراهرو ایستاده مدعوین را پذیرائی میکردند. وضع مهمانی مثل مهمانی سواره‌که اینجا معمول است بود. گل‌های زیاد وچراغهای شمع کافوری دراطاقها ترتیب داده‌حتی بدیوارهای اطاقهاهم دسته‌های گل نصب کرده بودند.

استقبال از حسام‌السلطنه

پنجشنبه ۱۶ ماه جون قبل از ظهر باتفاق سرکار نواب میرزا حسینعلی‌خان ومستر چرچیل‌به (دوور) برای استقبال نواب مستطاب والا حسام‌السلطنه رفتم. سرکارشاهزاده را استقبال کردیم. ازجانب دولت‌انگلیس‌حاکم دوور و یك دسته سرباز باموزیك سرکار والا را پذیرائی‌کرد شلیك توپ نمود و تشریفات لازمه را بعمل آوردند . ساعت شش عصر بلندن رسیدیم . جناب اشرف ناظم‌الدوله با سرکار میکائیل‌خان بایستگاه ویکتوریا تشریف‌آورده بودند بعد ازآنجا به هتل الکساندرآمده منزل‌کردند. همراهان سرکار والا حسام‌السلطنه از این قراراست : سرکار حاجی میرزا علی‌خان مستشار میرزا جانس خان مترجم میرزا محمدخان نایب دوم ویك نفر نوکر شخصی حاجی عطا قلی‌بیك.
۱۸ماه‌جون جناب‌اشرف ناظم‌الدوله فرمودند امروز عصرجناب میرزا محمدعلی‌خان معاون‌الملك ازپاریس بلندن خواهدآمدکه باید منزل برای ایشان معین‌کرد.
۱۹ ماه جون ـ خدمت جناب‌آقای معاون‌الملك رسیدم‌آخوند ملامحمد مسیو هم در خدمت‌ایشان بفرنگستان‌آمده‌اند. جناب اشرف ناظم‌الدوله فرمودند فردا با جناب‌معاون‌الملك وسرکار میکائیل‌خان‌بکلیسای وست مینسترابی‌برویم برای عبادت وتشکرسال‌پنجاهم سلطنت علیاحضرت ملکهٔ ویکتوریا.

مراسم درکلیسای وستمینستر

سه شنبه ۲۱ ماه جون ـ صبح ساعت هفت و نیم با لباس رسمی تنها به وست مینسترابی رفتم جای نشیمن خوبی داشتم. کلیسا را خیلی خوب‌آراسته بودند جمعیت بقدری ازمرد وزن ازطبقات مختلف از

بمناسبت سال پنجاهم سلطنت ملکهٔ ویکتوریا

اغلب ممالك فرنگ و دنیا زیاد بود که یك جای نشستن درکلیسا خالی نبود . صحن کلیسا را برای شاهزادگان و بزرگـان معین کرده بودند. وسط کلیسا برای علیاحضرت ملکه و خانوادهٔ سلطنت که پنجاه نفر مرد وزن بودند. اول شاهزادگان خارجه با احترام واردکلیسا شدند بعد سلاطین وملکه‌ها وشاهزاده‌ها که با ملکه نسبت داشته وارد شدند. پس ازآن علیاحضرت ویکتوریا باتمام خانوادهٔ سلطنت تشریف‌آوردند . جلو علیاحضرت آرچ بیشاپ اف کنتربری (Archbishop of Canterbury) یعنی مجتهد بزرگ با اتباعشان با لباسهای مخصوص بودند . در عمرم منظر و مجلس بـه‌آن موقری ومزینی ندیده بودم حقیقتاً خیلی خیلی‌شکوه‌وعظمت‌داشت. باری رسم عبادت‌را چنانکه درملت مسیحیه‌پروتستانها معمول است بعمل‌آوردند. بعدازختم عبادت اولاد ودامادهای ملکه: اول ولیعهد انگلیس بعد ولیعهدآلمانیا وغیره دست ملکه را بوسیدند ملکه هم روی‌آنها را بوسید پس‌ازآن شاهزاده خانم‌ها که عروس‌ها ودخترها ونواده‌های ملکه باشند یك یك‌آمده دست ملکه را بـوسیده و ملکه هم روی ایشان را بوسیدند مجلس ختم شد. دربیرون کلیسا هم خانوادهٔ سلطنت وملکه راکه باکالسکهٔ سلطنتی عبور میکردند خوب تماشاکردم.

امروزکرایهٔ درشکه درلندن بواسطهٔ‌کثرت جمعیت یك برهفت افزوده شده بود.یعنی بجای دوشیلنگ ونیم **بیست و یك شیلنگ** کرایه میگرفتند.

اکسپوزیسیون امریکا

۲۳ ماه جون ـ ازقراریکه شنیدم جناب ناظم‌الدوله شاهزاده حسام‌السلطنه‌جناب معاون الملك واتباع نواب معظم‌الیه به‌اکسپوزیسیون امریکائیها تشریف برده‌اند .

۲۷ماه جون ـ ازسفارت بمنزل جناب معاون‌الملك وباایشان به‌اکسپوزیسیون امریکا رفتیم. تقریباً پنج‌ساعت دراینجا گردش وتماشاکردیم جناب معاون‌الملك‌قدری خریدکردند. ملکهٔ جزیرهٔ هاوائی راکه محض‌تبریك جشن(جوبیلی) علیاحضرت ملکهٔ انگلستان به لندن آمده دراکسپوزیسیون دیدم. زن‌قوی الجثهٔ سیاه چهره‌کمی شبیه حبشی‌ها است.

ضیافت شهردار لندن و قصر سلطنتی

۲۸ماه جون باجناب‌آقای معاون‌الملك ببازار رفتیم چندلوله‌تفنگ اعلاخریدکردنـد. شب هم به بیگلر بیکی (شهردار) شهر لندن در عمارت حکومتی مهمان بودیم جناب معاون‌الملك سرکار میکائیل خان وبنده‌رفتیم. تمام شاهزادگان وبزرگان خارج وداخل بودند. تقریباً ده هزارنفرجمعیت بود.

۲۹ ماه جون ـ طرف عصردرقصربکینگهام بعصرانه موعود بودم رفتم حقیقتاً باغ از شکوه خانمهای خوشگل‌وکثرت گلهای گوناگون ونغمهٔ موزیك مثل‌بهشت بود.جای دوستان خالی دراین ضیافت عصرانهٔ شاهانه شش هزار دعوت داشتند.

۳۰ماه جون ـ ازقرارتلغرافطهران اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ایران بعد ازسیزدهٔ

عید نوروز عزیمت سفر فرنگستان خواهند فرمود.

نواب‌والا حسام‌السلطنه وجناب اشرف ناظم‌الدوله امشب درقصر علیاحضرت ملکه در ویندزر بصرف شام موعود هستند.

شنبه دوم جولای ۱۸۸۷ (۵ ذیقعده ۱۳۰۴)

بعد از سفارت خدمت جناب مؤیدالملك رفتم دوسه روزاست از پاریس بلندن آمده‌اند جناب حاج پیرزاده هم همراهشان است . شب را به تئاتر پولیان رفتم سرکار نواب والا حسام‌السلطنه‌هم آنجا تشریف داشتند. در تئاتر آدم قد بلندی بودکه او را بلندترین آدمهای دنیا میدانند وحقیقتاً این طور بود ولی صورتاً بآدم ناخوش و علیل میماند.

۴ جولای ـ قبل از ظهر بسفارت میرفتم دیدم جناب اشرف ناظم‌الدوله با جنابان معاون‌الملك و مؤیدالملك و میکائیل خان درکالسکه نشسته بتماشای امپریال انستیتو که سنگی است‌که بیادگارسال پنجاهم سلطنت علیاحضرت ملکه در محل مخصوصی مینشانده‌اند میروند. بعد ازظهر درخدمت جناب معاون‌الملك به تماشای حیوانات باغ‌وحش رفتم.

بال سلطنتی

۶جولای ـ شب به مهمانی بال سلطنتی‌موعود بودم درملازمت جناب اشرف ناظم‌الدوله رفتم. تمام خانوادهٔ سلطنت وشاهزاده‌های خارجه بودند .

۸جولای ـ پیش ازظهر بسفارت رفتم دیدم درتهیهٔ مهمانی هستندکه جناب صدراعظم لرد سالیسبوری وبعضی‌ازبزرگان اینجا ونواب والا حسام‌السلطنه درسفارت ایران موعوداً حضور خواهند داشت.

رژهٔ قشون انگلیس

۹ جولای در خدمت جناب معاون الملك به اولدشان برای تماشای سان قشون انگلیس رفتم. تقریباً ۴۵ هزار نفر لشکر سواره وپیاده وتوپچی‌ازنظامیان‌ثابت وداوطلب درحضور علیاحضرت ملکه ازسان گذشته. صحرائیکه قشون سان میداد اسمش لانگ ولی بود وخیلی پرگرد وخاك بطوریکه ازکثرت گرددرست‌نمیشد دید. شب هم درسفارت دعوت داشتم‌جناب مؤیدالملك وحاج‌پیرزاده هم موعود بودند . جناب حاج پیرزاده قصیده‌ای‌که درتعریف پاریس و لندن گفته بودند خواندند .

۱۱ جولای ـ باتفاق سرکار والا حسام‌السلطنه و جناب معاون‌الملك و میرزا حسینعلی خان بدکان تفنگ‌فروشی رفتیم چند لوله تفنگ مارتینی خریدند. بعد با معاون‌الملك چند جای دیگررفتیم عصربخانهٔ فینی صاحب بعصرانه موعود بودم سرکار شاهزاده حسام‌السلطنه و جناب ناظم‌الدوله و عده‌ای مرد و زن از دوستان فینی صاحب هم موعود بودند.

(تادوشنبه۱۸اوقات باتفاق شاهزاده‌حسام‌السلطنه، معاون‌الملك ومؤیدالملك به‌تماشای نقاط دیدنی لندن یا مهمانیها وکنسرتها و تئاتر میگذرد.

آقایان معاون‌الملك و مؤیدالملك قبلا درروز ۱۸ همراهان حسام‌السلطنه لندن را ترك میکنند و خود شاهزاده حسام‌السلطنه یك هفتهٔ دیگردرلندن توقف مینماید)

مراجعت حسام‌السلطنه

۲۵ جولای ـ شاهزاده حسام‌السلطنه را تا استاسیون ویکتوریا مشایعت کرده بسلامتی بپاریس تشریف بردند . سرکار شاهزاده از رفتن ازلندن اظهارتأسف میفرمودند در این سفر انگلستان بنواب معزی الیه خیلی خوش گذشت.

اعدام قاتل

۲۱ اگست ۱۸۸۷ (۴ محرم ۱۳۰۵) ـ امروز یك شخص قاتل که زنی راکشته بود درلندن قصاص کردند در باب این قتل و قاتل در این مدتها مذاکرات و تحقیقات زیاد بعمل نیاوردند تااینکه بهرتدبیری است خود قاتل را باقرارمی‌آورند بعد حکم بقصاصش میدهند. طریق سیاست قاتل اینست که در جای مخصوص مقصررا خفه میکنند. ولی نه درملاء عام. یك اسبابی است که شخص مقصر را در روی تخته سرپا وامیدارند و حلقه ازدو طرف بچیزمحکمی بسته شده بگردن اومیگذارند بعد یك‌دفعه تختهٔ زیرپایش را میکشندآنوقت بدن او آویزان شده خفه میشود.

عزل مشیرالدوله

پنجشنبه اول سپتمبر۱۸۸۷ (۱۵ محرم ۱۳۰۵) دوخبرتازه شنیدم: یکی عزل جناب یحیی‌خان مشیرالدوله از وزارت خارجه و نصب جناب قوام‌الدوله (میرزا عباسخان) دیگر فوت حاجی محمد خان جنرال‌قونسول درشهرجاوه. این‌حاجی محمدخان ازاقوام جناب معین‌الملك و دراین اواخر جنرال قونسول دولت علیهٔ ایران درمصر بود.

قصر بلور (این قصر بعداً دریك آتش‌سوزی منهدم شد)

۳ ماه سپتمبر ـ درخدمت سرکارمیکائیل‌خان بعمارت بلوررفتم . در عمارت مزبور اکسپوزیسیون گل ومیوه بود. اقسام گلها ومیوه‌های فرد اعلی خیلی فراوان چیده شده جمعیت زیادی هم ازمرد و زن بودند. طراوت ولطافت گلها ونزاکت وظرافت خانمها با هم‌آمیخته یك عالمی دیگر داشت . سازوآواز هم بود . شب هم باغ عمارت را چراغان‌کردند و یك مجلس رقص بسیار ممتاز هم دربیرون قصر یعنی زیرآسمان برپاکردند. درحقیقت دیدن داشت. پانوراما یعنی دورنمای شهررم پایتخت ایطالیا را هم درآنجا دیدم.

۶ ماه سپتمبر ـ در روزنامهٔ تایمز دیدم ازطهران تلغراف رسیده‌که نواب اشرف والا رکن‌الدوله مأمور ایالت خراسان شده‌اند اگراین خبرصحیح باشد این دفعهٔ سوم است که نواب‌معظم‌الیه درآن سامان فرمانفرمائی‌کرده وخواهندکرد.

از قرار اخبار روزنامه‌های لندن درشهر اکستر انگلند یك تئاتر درحین بازی آتش گرفته تقریباً یکصد وچهل نفر از تماشاچیان راه مفرشان بسته شده سوخته و زیرآوار

مانده‌اند . از این خبر خیلی متأثر شدم

۱۵ ماه سپتمبر - بهمراهی میرزاکریم خان‌برادرآقا میرزا مهدیخان بعمارت سلطنتی سنت جیمز برای تماشای هدایا و تحف علیاحضرت ملکه رفتیم که امسال بمناسبت جشن پنجاهم سلطنت‌ایشان پیشکش و تعارف فرستاده‌بودند .

دراطاقهای متعدد محض‌تماشای عامه چیده بودند هرکس برود تماشاکند. ازهرقبیل اسباب‌از طلا آلات وپشمینه وابریشمی وکتب وتصویروآلبوم بود.

عدهٔ زرتشتی‌ها درهندوستان

۱۸ ماه سپتمبر- جناب اشرف‌ناظم‌الدوله‌که دیشب ازسفرمراجعت فرموده‌اند بباغچه تشریف آوردند. بعد ازصرف غذا بمنزل نواب سرسالارجنگ ببازدیدمیرزا اسمعیل خان ونواب میرجهاندارعلی‌خان رفتم . ازآنجا بامیرزا اسمعیل‌خان وسهرابچی صاحب که‌آدم بااطلاع وفارس هست به‌هایدپارك رفته گردش کردیم . سهرابچی ازفارس‌هائی است که دربمبئی‌درهندوستان ساکن‌است میگفت در هزارودویست سال قبل ۱۲۵ نفرفارس ازایران بهندوستان هجرت کرده بودند حالا عدد نفوس فارس‌ها در هندوستان به‌پنج لك رسیده‌که هرلك صدهزاراست‌وپانصد هزارمیشود اغلب‌آنها اززن ومرد تربیت شده وباعلم هستند. میگفت حالا کم‌کم فارس‌ها میل میکنند بایران بروند . بعضی‌هم رفته‌اند . اگر از جان و مال خود خاطرجمع ومطمئن باشند وطولی نمیکشد که خیلی فارس از هندوستان دوباره بایران مراجعت‌کنند .

۲۲ سپتمبر- شب باآشنای خود میس‌آلین‌کریس به‌اکواریوم رفتم تماشاهای‌مختلف کردیم. چیزیکه‌تازگی‌داشت تربیت چندگرگ‌روسی بودکه معلم آنها مردی بودبا تازیانه هرچه حکم میکرد گرگها عمل میکردند .

شنبه ۸ اکتبر۱۸۸۷ (۲۲ صفر ۱۳۰۵)

وقت عصر گردش‌کنان تاراستابازار وست‌بورن‌کرد رفتم .

سرکارمیرزامهدیخان‌رادربین گردش ملاقات‌کردم. بعدباایشان صحبت‌کنان‌بمنزلشان رفتم . صحبت‌های شیرین خیلی شد درحین‌گفتگو دوسه شعری خواندند بسکه مناسب و مربوط بودند من یادگرفته اینجا مینویسم.

یاد داری که وقت زادن تو — همه خندان بدند وتوگریان
آنچنان زی‌که حین مردن‌تو — همه گریان بوند وتوخندان

شنبه ۵ نومبر۱۸۸۷ (ربیع‌الاول ۱۳۰۵)

مثل هرروزبسفارت رفتم . جناب اشرف صحبت‌های مطول درباب عدم ترقی وعدم تکمیل علوم اهالی مملکت ایران فرمودند .

یکشنبه ٦ نومبر ـ درخدمت جناب اشرف ناظم‌الدوله ازسفارت

اظهارات ملکم‌خان راجع بعقائد علماء مسیحی

بیرون آمده قدری پیاده راه رفتم . درضمن صحبت درباب مذهب عیسوی‌فرمودندکه‌بعضی‌ازحکماوعلماشان‌اگردرظاهرعیسوی‌هستند ولی درباطن‌عقایدشان‌برخلاف عامهٔ ملت‌عیسوی‌است . باین معنی که علمای حالیه ملت‌مسیحیه حضرت عیسی‌را پسرخدا نمیدانند وهمچنین بخدایان ثلاثه قائل نیستند.

راجع بآکادمی فرانسه

۸ نومبر- جناب اشرف ناظم‌الدوله بعضی فرمایشات درخصوص آکادمی‌یعنی مجلس‌دانشمندان‌فرانسه فرمودندکه چهل نفرازعلما متبحردرآن عمارت ملی جمع وکارآنها فقط اصلاح زبان مملکت خودشان است . درحقیقت استاد زبان فرانسه هستند · هرکس اشتباه یاتردیدی دراملاء ومعنی یك لفظ داشته باشد بآن مجلس رجوع میکند و حرف‌آن مجلس برای او حجت قاطع خواهد بود ·

جناب اشرف میفرمودند (یك وقتی‌درطهران‌بودم خیال داشتم بعضی ازفضلاء و وعلماءکه ازدولت وظیفه میگیرند وکاری ندارند آنها را جمع کرده یك مجلس ترتیب بدهیم واسمش‌را انجمن دانش بگذاریم‌که‌کار آنها منحصر به‌اصلاح زبان فارسی وتصنیف کتب مفید برای سهولت‌دانستن معنی‌واملاء الفاظ فارسی باشد ولی این خیال سرنگرفت میفرمودند این‌کاردرایران ازکارهای خیلی لازم وواجب است باید انشاءالله همچومجلس ترتیب داده شود·)

تسلیم سردارایوب خان افغانی بانگلیسها

۱۱ نومبر- درسفارت جناب اشرف ناظم‌الدوله درباب مقیم‌شدن سردارایوب‌خان افغانی درمشهد مقدس بدولت انگلیس فرمایش فرموده دراین ضمن ازحرکات اولیای دولت علیه ایران درایام توقف‌ایوب‌خان درطهران‌نسبت به‌اوهم بعضی بیانات فرمودند

سفرشاه باروپا

۱۲ نومبر- ازقراریکه مذکورشد اعلیحضرت اقدس شاهنشاه‌ایران درچهارم اپریل آینده ازطهران عزیمت فرنگستان خواهند فرمود وچهارماه سفرشان دراروپا طول خواهدکشید . عصرهم بسفارت رفتم یك تلگرافی ازطهران درباب تسلیم شدن ایوب‌خان بدولت انگلیس وخیال روانه کردن او بهندوستان رسید.

اظهارات ملکم‌خان راجع بانتظام

۱۸ ماه‌نومبر- علی‌الرسم یومیه بسفارت رفته ازبعضی فرمایشات حکمت آمیزجناب‌اشرف‌ناظم‌الدوله‌بهره یافتم، (میفرمودندانتظام هرمملکت‌وآسایش آن اول موقوف‌برپیداکردن یك قانونی‌است

مملکت که آن‌قانون بهترین ومفیدترین قوانین‌برای آن ملك باشد . بعداز مقررکردن اینطورقانون درانتخاب حکمران یامدیران آن ولایت و برای اجرای هر مسئلهٔ دولتی مشورت نموده و مردم آن ملك را در دادن رای آزاد و مختار نمایند که هرچه میخواهند بگویند ماذون باشند بطوریکه هرطبقه مردم ازعلما و وزراء و تجار و اصناف زارع و غیره در خیـال و ادای حرف خـود آزاد مطلق باشند . همچنین در مصالح و حفظ حقوق آن مملکت و جنگ و صلح با دول دیگر یك راهی را انتخاب نمایند که آن راه‌بهترین و مناسبترین راه ها بـرای آن مملکت باشد . آنوقت انتظام چنان ملك روزبروز بیشتر و ترقی ملت و مملکت ساعت بساعت بدرجـهٔ اعلی خواهد رفت .

۲۵ماه نومبر- تلغرافی‌از طهران رسیدکه سفراعلیحضرت اقدس همایونی‌بفرنگستان یکسال عقب افتاد .

۲۹ ماه نومبر ـ این اوقات رئیس جمهوری فرانسه مسیوگریوی در کار استعفـا کردن و وزرای آنجا هم معزول و ادارهٔ دولتی فرانسه خیلی مغشوش است ·

اول دسامبر ۱۸۸۷ (۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۰۵)

طرف عصر سرکار میرزامهدی‌خان برای‌وداع بمنزل آمدند · فردا عازم لیورپول و از آنجا بکشتی نشسته بسلامتی بهندوستان خواهند رفت - از قراریکه میگفتند بیست وهشت روز باید روی دریا باشندکه به بمبئی برسند .

عبیدزاکانی ۲ ماه دسامبر ـ درسفارت جناب اشرف فـرمودند منتخبات شیخ عبید زاکانی را درکتابخانه تفحص‌کرده پیداکنند . شیخ زاکانی از اهالی قزوین و مرد حکیم و فاضلی بود چون آن ایـام ایـران بواسطهٔ غلبهٔ ترك‌ها اغلب جاهل بوده‌اند حکیم مزبور بهر زبان که میخواستند علم و فضل و شرایط انسانیت را باهالی بفهمانند ممکن نمیشد آخـرالامر خود را بجنون زده آنوقت هرچه خواسته نسبت بپادشاه و وزراء میگفته . خیلی هزلیات خوبی‌گفته .

این شعر از عبید زاکانی است :

رو مسخرگی پیشه کن و مطربی‌آموز تا داد خـود از کهتر و مهتر بستانی

استعفای رئیس جمهوری فرانسه یکشنبه ٤ ماه دسامبر ـ از قراریکه درسفارت شنیدم مسیوگریوی رئیس جمهوری فرانسه استعفا داده و مسیو سادی کارنوبجای‌او برقرار شده است .

نامهٔ ۸ ماه دسامبر (سواد مرقومات جناب اشرف ناظم‌الدوله‌بوزارت جلیلهٔ امور خارجهٔ طهران راجع بعمل مواجب و تصدیق خدمات

میرزا ملکم خان بنده است)

بوزارت خارجهٔ راجع بپدرم (این بیچاره میرزا محمدعلی‌خان‌که نه قوم من است و نه حالت این را داردکه بمن رشوه توسط بدهد چرا باید باین شدت از اجر خدمات خود محروم بماند . در اقسام مجالس و بمضامین مختلف از روی انصاف و بحکم وظیفهٔ دولتخواهی اصرارها کردم‌که این شخص نجیب ومستعد قابل هرنوع‌توجه اولیای دولت علیه‌است عمر خودرا درخدمت‌دولت صرف‌کرد برحسب خط و ربط و نکات چیزنویسی درتمام ایران کمتر منشی‌هست‌کـه بپایهٔ‌کمالات او باشد . شش سال است بدرستی و دولتخواهی‌که بالاتر ازآن نباشد در این سفارت مشغول‌خدمت است. زبان انگلیسی را بهتراز اغلب متعلمین‌مخصوص یادگرفته است و باطمینان عرض میکنم که در میان یك‌کرور نوکر دولت دو نفر نمیتوان پیداکرد که به نجابت ودرست کاری و دولتخواهی این شخص باشد . اگر با همهٔاین تصدیقات بیغرضانه و با آن‌فرمان و مواجب که بامضای مبارك شاهنشاه روحنـا فداه رسیده و باآن توجه مخصوصی‌کـه عموم وزرای حاضربعرایض من دارند از برای‌آن منشی بی‌نظیر بقدر ذره‌ای فایده حاصل نشود پس دیگر چه‌جای امیدی خواهد بودکه از صنوف چاکران دولت فضل ومعقولیتی ظهورکند و اگر دولت محرك ومشتری فضل وهنرنباشد پس در دائره این دول‌که‌اسلحه و قدرتشان همه از فضل وهنر است چه امید پیشرفت خواهد داشت).

جمعه۹دسامبر۱۸۸۷ـ از قراریکه در روزنامه‌ها دیدم‌یك‌قطعه نشان‌استاراف‌ایندیا (ستاره هندوستان) ازجانب علیا حضرت‌ملکهٔ انگلیس بحضرت‌والا ظل‌السلطان‌اهدا شد .

تماشاخانهٔ اولمپیا ۱۰ ماه دسامبر ـ شب به تماشای اسب بازی و چندین بازیهای دیگر به اولمپیا رفتم. این تماشاخانه را پارسال بازکردند ·آنچه از حیوانات تربیت یافته دیدم اینها بودند : گاو ـ اسب ـ فیل سگ ـ تازی. حقیقتاً طوری اینهارا آموخته‌اندکه انسان ازدیدن متحیر میماند . عربهای زیادی از بزرگ و کوچك اهل الجزیره بودند مردها اسب‌دوانی و دخترها رقص‌کردند.

راه‌آهن در سطح تماشاخانه کشیده وکالسکهٔ بخار راه انداختند. خیلی چیزهادیدم که دیدنی بود بخصوص چندنفر ژیمناستیك یعنی ورزش وجست وخیز بانـواع و اقسام کردند بطوری جلد و چابك معلق‌های‌گوناگون میزدندکه انسان تعجب میکرد .

اظهارات ملکم خان راجع بانتقال ۱۲ ماه دسامبر ـ جناب‌ناظم‌الدوله بعضی فرمایشات درباب‌اشکال آوردن‌پول از ایران بفرنگستان‌فرمودند. میفرمودند (دراینمدت بهرکس در ایران ازشاهزاده تاوزراء حتی برادر خود و به‌تجار معتبرگفتم مقرری مرابگیرند بفرستند همه هرقدرتوانستند ازپول

پول باروپا

من خوردند . یك بانکی درایران نیست‌که‌آدم پولش را به آن بانك بسپاردکه بتوسط‌آن وصول و ایصال تنخواه بشود . دیگر میفرمودند درجمهوری‌امریکا امسال بعداز وضع مخارج دولت و تمام دوائر دولتی ۲۸ میلیون لیره‌که تقریباً دویست‌کرور تومان میشود اضافه آمده و هر قدر هم وزراء از مالیات داخلهٔ مملکت تخفیف میدهند بازهرسال ذخیرهٔ دولت بیشتراز خرج‌آن میشود.

درآمد جمهوری آمریکا

حالا میان وزرای آنجا گفتگو هست‌که این‌پول علاوه را چه بایدکرد که‌از آن برای ملت فایده حاصل شود .

۲۲ ماه دسامبر ۱۸۸۷ ـ عصر برای‌گردش بیرون رفتم بازار و دکانها وکوچه‌ها ازکثرت ازدحام جمعیت عبور و مرورمشکل‌بود . این‌اوقات عین شدت خریداری‌خوراکی و پوشاکی وهدایا است‌درلندن . وشدت شغل‌پستچی‌هاکه‌دقیقه‌ای نمیتوانند بیکار بمانند.

۲۳ ماه دسامبر ـ جناب اشرف ناظم‌الدوله میفرمودند مخصوصاً

بعضی نصایح و نکات‌اجتماعی ازملکم‌خان

این وصیت مـرا آویزهٔ گوش خود کرده هرگز فراموش نکنید : (در هر امری همیشه مقصود اصلی را منظور کرده بفروعات آن هیچوقت اعتنا نکنید .)

(اگر یك‌کاری بیك شخصی رجـوع میکنید یا ازکسی خـواهش مینمائید باید انجام‌آن را بدرستی و موافق‌مقصود خودبخواهید اگر طرف مقابل بخواهد بعضی عذرها و موانع قرار داده شاهد و بینه بیاورد گوش نداده اوقـات خـود را عبث بشنیدن حرفهای او ضایع نکنید)

۲۸ ماه دسامبر ـ درخدمت جناب ناظم الدوله صحبت از حکما و شعرا و مصنفین ایران شد . فرمودند (هریك از حکماء و شعرای معروف ایران به نثر و نظم درهرعلم و فنی و نصیحت‌کتابها نوشته‌اند . مثلا تحسین از عدالت و انصاف‌کرده و توبیخ ازظلم و بی‌اعتدالی نموده‌اند. همچنین سخاوت و احسان را تمجید و بخالت و لئامت را مذمت کرده‌اند و قس‌علی‌هذا تمام‌صفات حسنه را مستحسن و اعمال سیئه را نکوهش‌کرده‌اند اما در این دوسه هزار سال یك نفر از میان آنها برنخواسته‌که چارهٔ رفع این معایب را از ملت و مملکت کرده از اعتدال و عدالت سخن بگوید و بمردم بنمایدکه راه رفع معایب از مملکت این و طریق استقرار امنیت و عدالت چنین است . سبب را هم جناب اشرف میفرمودند واضح است‌که ازترس‌سلاطین مسلط بوده‌است) ولی درممالك اروپ برخلاف این هرکس هرچه خیر خلق خدا میداند بی‌ترس بوسائل مختلف بمردم میفهماند تا (عیب را رفع و محسنات را در ملك خود جاری سازند).

جنیوری (ژانویه) ۱۸۸۸ (۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۰۵)

پنجشنبه ۱۹ جنیوری ـ ازقراریکه شنیدم دیروزجناب سردروموندولف که ازجانب دولت انگلیس بوزیر مختاری دربار ایران مامور شده از معروفین انگلند و جزء اعضاء پارلمنت بوده در دوسال اخیر هم در اسلامبول و مصر مأموریت سفارت فوق‌العاده داشتند .

نمایش با ایماء و اشاره

۲۰ جنیوری ـ شب به تئاتر دورلین رفتیم اسم بازی (پوسراین بوت) بود این جور بازیهای با ایما و اشاره را که ضمناً خنده‌دار است (پنت میم) میگویند . حقیقتاً از تماشای‌شکوه این تئاتر و بازیگر های خوش منظر و اطوار با مزه خیلی لذت بردم و دوستان حقیقی را یادکردم. بعد از نصف شب که بمنزل برگشتم دیدم در همسایگی هم مهمانی بال است .

فوت محمودخان ناصرالملك و انتصاب‌حسام‌الملك بحکومت کردستان

۲۶ جنیوری ـ درسفارت خبرفوت‌محمودخان ناصرالملك همدانی را شنیدم ازقراریکه سرکارمیکائیل خان میفرمودند لقب ناصرـ الملکی‌را با مواجب ناصرالملك مرحوم‌را بسرکارآقای ابوالقاسم خان مشیر حضور نوهٔ آن مرحوم مرحمت فرموده‌اند .

بقراراطلاع روزنامه‌های ایران ایالت‌کردستان‌هم ضمیمهٔ‌حکومت کرمانشاهان بعهدهٔ جناب حسام‌الملك‌محول گشت .

چهارشنبه اول فبروری ۱۸۸۸ (۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۰۵)

در روزنامه ها خبر تاره راجع بعشق پرنس اسکار پسر پادشاه سوئد بیك دختر که درخانوادهٔ سلطنت خدمتگزار بود نوشته ومجلس‌شیرینی‌خوران او را اطلاع داده‌بودند.

۹ فبروری ـ امروز پارلمنت (مجلس) درلندن بازشده مثل هرسال اعضاء پارلمنت با رسوم معمول در عمارت دولتی حاضر و جمعیت زیادی از مرد و زن نیز محض شنیدن نطق وزرا حضور داشته‌اند .

طرف عصریك معلمهٔ تازه آمد درس‌فرانسه دادخودش انگلیسی است ولی‌درتدریس فرانسه ماهر بنظر رسید .

۱۱ فبروری ـ روزنامهٔ ایران آمده بود ودرآن تفصیل زندگی مرحوم محمودخان ناصرالملك وفوت او درهفتاد سالگی ومحول شدن مواجب وسیورغال آنمرحوم بالقب ناصرالملکی بجناب ابوالقاسم‌خان‌مشیرحضورنوهٔ‌مرحوم‌بوددیگرخبرتشریف‌فرمائی‌اعلیحضرت همایونی بمدرسهٔ دارالفنون وامتحان شاگرد ها و بذل خلعت وانعام و اضافه مواجب بصاحبمنصبان وشاگردان بود.

۱٤ فبروری ـ درسفارت جناب اشرف ناظم‌الدوله فرمایشات

نظرات ملکم‌خان راجع بپول

متفرقه فرمودند من جمله درفوائد پول داشتن میفرمودند(بعقیدهٔ من دوفایده ازآن برای انسان متصور ومترتب‌است . یکی اینکه برای آسایش‌زندگی ازبابت‌خوراك وپوشاك ومنزل واسباب‌تجمل دیگر اسبابی بجهت اجرای مقاصد انسان است. اما اولی درنظرمن چندان اهمیت ندارد همینقدرانسان بقدر اندازهٔ‌گذران معاش داشته باشد کافی است ولی‌دوم‌که برای اجرای مقاصد است اهمیت دارد· زیرا اگرکسی‌پول داشته ودراجرای مقاصد عالی‌که فایدهٔ‌عامه درآن باشد صرف‌کند خیلی خوب است)

شنبه ۱۸ فبروری ۱۸۸۸ - شب در سفارت مهمانی باسم سردرومندولف بود . ازمهمانها کسانی‌را که‌شناختم رانسون صاحب سیرلمیزدان‌که دوسال قبل مأمور تحدید حدود افغانستان بود. دیگروزیرمختار اسپانیا مقیم لندن وچند نفر ازمستشارهای هند و جمعی‌هم ازخانم‌ها بودند .

ضیافت‌درخانهٔ صدراعظم

۲۲ فبروری ـ دوساعت به‌نصف شب مانده بخانهٔ صدراعظم لرد سالیسبوری‌به‌مهمانی سواره رفتم. مثل همیشه جمعیت زیادازمرد وزن بودند . این‌دفعه چراغهای تالاربالکتریسیته (برق)روشن وخیلی باشکوه مثل روزبلکه روشنتربود .سازهم مینواختند . بعد ازساعتی‌گردش باطاق شب‌چره خوری رفته تغییرذائقه‌داده بمنزل مراجعت‌کردم .

چهارشنبه ۷ مارچ ۱۸۸۸

بعد ازظهر درخدمت جناب اشرف ناظم‌الدوله وسرکارمیکائیل‌خان بسلام‌حضرت ولیعهد انگلیس بقصرسنت جیمزرفتیم . درساعت دوبعد ازظهر سلام منعقد مثل هرساله وزرا ، سفرا و امرا واعیان دولت انگلیس درسلام حاضرشده بودند.

فوت‌ویلهلم اول قیصر آلمان

جمعه ۹ مارچ ـ خبرفوت ویلهلم اول امپراتور آلمان رسیدکه درسن ۹۱ سالگی ازدنیا رفته‌است . امروزسلام علیا حضرت ملکه بود بجهت خبرفوت امپراتورآلمان موقوف شد . همچنین ضیافت وجشن سال بیست وپنجم عروسی حضرت ولیعهد انگلیس نیز موقوف‌گردید .

شنبه ۱۰ مارچ ـ امروز سفرای خارجه درلندن میبایست در خانهٔ حضرت‌ولیعهد انگلیس بجهت سال بیست‌و پنجم عروسی اوکه برسم‌اینجا (عروسی نقره) میگویند تهنیت و در منزل سفیرآلمان تعزیت فوت امپراتور آلمان را بگویند .

امروزعلاوه برروز عروسی‌نقرهٔ ولیعهد انگلیس‌روز عیدمولود اعلیحضرت‌الکساندر سوم امپراطور روس‌هم بودکه ۴۳ سال از عمرشان‌گذشته ·

ولیعهد آلمان که در سان رمو واقع در ایطالیا ناخوش بود بعداز فوت پدرش از آنجا با اسم امپراطور ببرلین‌حرکت‌کرده‌است ولی این امپراطور بیچاره بواسطهٔ ناخوشی سرطان و سوراخ‌کردن حلق از تکلم عاجز است و جواب مردم را بانوشتن میدهد .

۱۳ ماه مارچ ـ در سفارت خدمت جناب اشرف ناظم‌الدوله صحبت از رفتن بنده بایران بمیان‌آمد . فرمودند میروی انشاءالله زود برمیگردی .

تشییع قیصر آلمان

۱۶ مارچ ـ از قرار خبر روزنامه‌ها امروز جنازهٔ امپراطورآلمان را در برلین دفن‌خواهندکرد. خیلی ازسلاطین‌اروپ وشاهزادگان و ولیعهد انگلیس و روس برای تشییع جنازه حاضر بوده‌اند.

۲۰ ماه مارچ ـ عید نوروز ـ دیشب برف خوبی باریده بود دوباره در لندن زمستان شد .

سلام ولیعهد

۲۱ ماه مارچ ـ بعد از ظهر درملازمت جناب اشرف ناظم‌الدوله بسلام حضرت‌ولیعهد رفتم . مثل‌هردفعه سلام در قصر سنت‌جیمز منعقد شده بود . بعضی از سفرا محض احترام فوت امپراطور آلمان علامت عزا در لباسشان داشتند . بعد ازمراجعت از سلام بسفارت رفتیم جناب ناظم‌الدوله میفرمودند:آلمان که عبارت از چند مملکت‌کوچك و هریك پادشاه مخصوص داشت قبل از امپراطور مرحوم هرکدام از پادشاهان خود را حکمران کشور خودشان میدانستند بعد امپراطور همه را متحد وتمام ولایت های کوچك را مملکت آلمان موسوم ساخت . همچنین مملکت ایران که از رودخانهٔ سند تا قفقاز و ترکستان همه ملك ایران خوانده میشود . خیلی ممکن است یك پادشاه مقتدری افغانستان ، غزنین ، ترکستان ، ارمنستان و عراق عرب همه را تحت یك حکومت آورده حدود ایران را مثل قدیم‌معین نماید زیرا همهٔ این ولایات جزء ایران بود و ایران خوانده شده منتها طوائف مختلفه هرکدام دریك نقطهٔ ایران حکومت‌کرده وآن نقطه را ایران‌گفته‌اند مثل اینکه زندیه در فارس و صفویه در اصفهان و قاجاریه در استرآباد حکمرانی‌کرده‌اند .

۲۳ ماه مارچ ـ در روزنامهٔ مصور گرافیك ورود امپراطور جدید آلمان ، تشییع امپراطور مرحوم،مجلس عقد پرنس اسکار پسر پادشاه سوئد با میس‌مانك در بورن موث واقع در انگلند و دیگر مجلس وداع سردار ایوب خان افغانی با اتباعش در مشهد مقدس باکلنل مکلین انگلیسی‌بود .

فوت صارم‌الدوله

۲۹ ماه مارچ ـدرساعت پنج و نیم صبح نزدیك طلوع چون‌هوای صاف و خوبی بود بگردش رفته تقریباً دو ساعت گردش کردم . از ایران روزنامه رسیده بود خبر تازه فوت صارم‌الدوله و دیگر

تفصیل سفر جاجرود همایونی بود .

۳۰ ماه مارچ با مسیو وارطان به‌آلبرت هال رفتیم . چون روز (گودفرایدی) یعنی روز مصلوب شدن حضرت عیسی است درآلبرت‌هال کنسرت مذهبی منعقد بود.

شنبه ۷ اپریل ۱۸۸۸

استیلای روس درآسیای وسطی

روزنامهٔ هفتگی دیروز طیمز را مرور میکردم تفصیلی را ازنمو استیلای دولت روس در آسیای وسطی یعنی در خاك ترکستان اشاره‌کرده بود . باینطورکه‌درسال۱۸۶۸ مسیحی مطابق۱۴۱۳۵ کیلومتر مربع ازخاك و ۲۰۰ هزار نفوس آن مملکت را استیلا کرده بود و بعد بسال ۱۸۸۵ مسیحی یعنی در مدت ۱۷ سال مساحت به ۱۶۳۶۷۳۵ کیلومتر مربع زمین با ۲۰٫۳۹۲٫۸۴۸ نفوس را جزء مستملکات خود ساخته است .

تجمل خانم های انگلیسی

۸ اپریل در سفارت خدمت سرکار پرنسس (خانم ناظم الدوله) رسیدم. ضمن صحبت پرنسس‌ازتمول واسباب انگلیسها میفرمودند یك خانم دوست من است . همیشه باید صد جفت کفش داشته باشد و قیمت بعضی از این کفش‌ها دوازده لیرهٔ انگلیسی تقریباً چهل تومان ایران است و همچنین سایر اشیاء .

۱۶ اپریل ـ یك تلغراف‌رمز ازروی مسودهٔ‌جناب‌اشرف بوزارت جلیلهٔ امور خارجه نوشتم که مطلب آن برای ایران خیلی مهم و برای اولیاء دولت علیه محل خیلی اعتنا بود . (ح . ط . ا .) . عصر باتفاق یك‌آشنا بباغ کیو رفتیم هوا خیلی مساعد وباغ درکمال صفا و باطراوت بود .

۲۲ اپریل ـ تلغراف رمزی (درباب حاضر بودن بعضی کمپانی‌ها در شروع‌بعضی امور در ایران که فایدهٔ عامه داشته باشد) به‌طهران فرستاده شد .

۲۷ اپریل ـ این روزها اغلب اخبار روزنامه ها راجع بحرکت علیا حضرت ملکهٔ ویکتوریا از شهر فلورانس و عبور ازخاك اوستریا (اتریش) وملاقات امپراطور آنجا و رفتن ببرلین و دیدن داماد دخترشان امپراطور و امپراطریس آلمان و ملاقات مخصوص با پرنس بیسمارك صدر اعظم است .

اظهارات ملکم‌خان راجع بروش تربیت دراروپا

دوشنبه ۳۰ اپریل ۱۸۸۸ ـ یکساعت بعدازظهر در خدمت جناب اجل ناظم‌الدوله بسلام حضرت ولیعهدرفتم. شب‌برخلاف‌معمول بسفارت رفتم . در ضمن صحبت فرمایش بسیار جامعی راجع‌بامور فرنگستان فرمودند : میفرمودند (درتمام فرنگستان برای وضع زندگی سه کار میکنند یکی اینکه اطفال‌را صنعت های مختلف

یاد میدهند مثل نقاشی و آهنگری و معماری و غیره هر چیزیکه اطلاق صنعت قائل میشود .

دوم دیانت که فرنگیها (مرالیتی) میگویند که از صفات ذمیمه مثل دروغ و دزدی وآدم‌کشی و غیره اجتناب نموده و مرتکب کارهای خیرشده دستگیری‌فقرا و عجزه وغیره بشوند .

سوم‌که از هردو افضل است این است که یك اسبابی فراهم آورده‌اندکه خیالات و همت مردم را بلند میکند . باینطورکه آن اشخاص طالب نام نیك میشوند و درتحصیل نیکنامی از جان ومال مضایقه نمیکنند بعبارة اخری‌تمام امور ممالك اروپ شامل این سه چیز است . صناعت دیانت و علو همت .)

جمعه چهارم ماه می ۱۸۸۸

درسفارت، جناب‌اشرف فرمایشاتی در باب منسوخ شدن پول نقره در فرنگستان فرمودند عصر بنا بخواهش آقامیرزا حسین شریف برای دیدن ایشان به‌کلوب رفتم .

شنبه ۵ ماه می ـ عصر بگردش رفتم ازدحامی در ماربل آرچ دیدم‌که برضد وزیر مالیه‌که مالیات شراب وکالسکه وگاری را اضافه‌کرده هیاهوئی داشتند .

قالی ومخمل ایران

سه‌شنبه ۸ ماه می ـ مسیو حکیم‌اف در سفارت بود میگفت یك شخص فرانسوی یك قالی ابریشمی کهنه از ایران آورده و این روزها در پاریس به ۱۳ هزار فرانك فروخته است و همچنین یك شخص یهودی یك تخته مخمل کاشان‌که باندازهٔ سجاده بودو کار قدیم در اسلامبول به بیست لیره خریده و بلندن آورده است در اینجا تا دویست لیره که تقریباً هفتصد تومان پول ایران است میخرند نمیدهد . میگوید سیصد لیره .

دورنمای نیاگارا

۹ مای می ـ بعد ازظهر به‌تماشای دورنمای نیاگارا رفتم حقیتاً هرکس آن‌دورنما و آن آبشار وسایه‌وآفتاب‌را ببیند ابداً باآبشار و پرتو آفتاب واقعی نمیتواند تمیز بدهد .

۱۱ ماه می ـ در ملازمت جناب اشرف و سرکار میکائیل خان بعد ازظهـر بسلام حضرت ولیعهد رفتم ، میرزا حسین شریف هم بسلام آمده بود با لباس هندی و عمامـهٔ افغانی ازقراریکه میگفت عیالی اهل هند در بمبئی دارد و بتازگی از او پسری متولدشده و اسمش را جلال‌الدین گذاشته .

نمایشگاه ایتالیا

۱۲ ماه می ـ (اول رمضان ۱۳۰۵) درخدمت جناب ناظم‌الدوله باز شدن اکسپوزیسیون‌ایطالیائی در لندن‌رفتم . پرده‌های‌تصویر و مجسمه‌های کار ایطالیا را دیدم . تقریباً یکساعت‌ونیم گشتیم.

شنبه۲۶ ماه می- از وصول یك‌تلغراف طهران‌ازجناب قوام‌الدوله مافوق تصور مسرور شدم . مفاد تلغراف مزبور از قرار تفصیل ذیل بود :

اعطاء امنیت جانی و مالی بایرانیان

(به اهالی مملکت ایران امنیت جانی و مالی پریروز داده شد و فرامین بجمیع ولایات‌صادر شد وبسفرا هم کاغذ رسمی نوشته‌شد)

امیدوار است‌که این‌کار عمده‌که منشاء وسبب آبادی و ثروت مملکت است ازیمن نیت خیر همایونی و مواظبت اولیای دولت علیه روزبروز محکم‌گشته و شرائط آن‌بعدل و انصاف مجراگردد انشاءالله .

۲۸ ماه می - شب بمنزل یکی از دوستان می‌رفتم عبور از در یك کلیسا افتاد جمعیتی درکلیسا جمع و خانم‌های سفید پوش و طور سفید بسر انداخته از کلیسا بیرون میایند پرسیدم چه خبر است‌گفتند (کنفرمیشن) است (بمعنی تأیید) که قسیس‌ها درکلیسا پسرها ودخترهای برشد رسیده‌را دست بسرشان‌کشیده تصدیق‌برشدشان نموده وتقدیسشان میکنند .

۳۱ ماه می - شب با آشنائی به اکسپوزیسیون انگلیس و دانمارك که درلندن‌دائر شده رفتم .

دعوت بوزارت خارجه و مجلس بال‌سلطنتی

شنبه ۲ماه جون ۱۸۸۸ - در ساعت ۱۰ شب برحسب دعوت بوزارت خارجه بجشن مولود علیاحضرت ملکه رفتم . محترمهٔ سالیسبوری با پسرش مدعوین را پذیرائی میکردند .

چهارشنبه ٦ ماه جون - شب برحسب دعوت بمهمانی بال سلطنتی بقاعدهٔ هرسال بقصر بکینك هام رفتم وضع چراغانی وآرایش‌گلهای‌گوناگون مثل هرسال بود . حضرت ولیعهد با محترمه‌شان و اعلیحضرت پادشاه سوئد و خانوادهٔ سلطنت تشریف داشتند . دو ساعت از نصف شب‌گذشته مجلس رقص و شام ختم شد .

جمعه۸ ماه جون- در ملازمت جناب اشرف ناظم‌الدوله بسلام حضرت ولیعهد رفتم وقت شام میرزا مهدیخان و میرزاکریم‌خان‌که از اسکاتلند آمده بودند بدیدن آمدند باهم به‌اکسپوزیسیون ایطالیا رفتیم پس ازسیروگشت آنجا نزدیك نصف شب بمنزل برگشتیم یك تئاتر ندیده در اکسپوزیسیون دیدم که از مقوا بازیگر ساخته بودند و مثل‌آدمهای بازیگر حرکت میکردند . این کار محصول ایطالیا است .

۱۳ ماه جون - در روزنامه‌های لندن شدت ناخوشی اعلیحضرت فردریك امپراطور آلمان را خبر داده بودند .

جمعه ۱۵ ماه‌جون ۱۸۸۸ - از خبرفوت فردریك سوم امپراطور

فوت فردریك امپراطور آلمان آلمان‌که داماد ملکهٔ‌انگلستان بودمتأثرشدم. ازقرارمشهورشخصاً آدم سلیم وصلح طلب‌واطوارش‌بهترازتمام شاهزاده‌های فرنگستان بوده. مدت‌امپراطوری‌او تقریبا سه ماه‌طول‌کشید باحالت‌ناخوش که هرروزمنتظرمرگ بود . (امروزدرساعت ۱۱ صبح وفات‌کرده است)

سه شنبه ۱۹ ماه جون ـ دیروز جنازهٔ امپراطور آلمان‌را دفن کردند . امپراطور متوفی ازقرار مشهور خیلی آدم نیك نفس و محبوب‌القلوب تمام اروپ بود درسن ۵۶ سالگی درگذشت . بواسطهٔ احترام امپراطور مرحوم مهمانیهای سلطنتی امسال موقوف و مهمانیهای بزرگان اینجا هم به تعویق افتاد . هوای لندن خیلی خنك تقریبا مثل زمستان است .

۲۰ ماه جون ـ دریکی از روزنامه‌های ایران‌که تازه رسیده بود

دریاچهٔ ساوه تفصیل جغرافیای دریاچهٔ ساوه‌که درقدیم به‌بحیرهٔ ساوه مشهور و درروزولادت حضرت‌ختمی مرتبت(ص)که ۱۳۵۷ سال قبل‌باشد خشکیده بود نوشته بود . از قرار دستخط اعلیحضرت شاهنشاه ایران‌که بآنجا تشریف برده‌اند تفصیل آنرا اینطور مرقوم فرموده‌اند که این دریاچه مابین طهران و قم واقع وشش سال است‌که تازه تشکیل یافته‌است. ازطهران تااین دریاچه ۱۴ فرسخ وازقم ۱۲ فرسخ است .

۲۱ ماه جون ـ درروزنامهٔ استانداردکه اغلب مطالب واخبارممالك خارجه درآن درج میشود ، ترجمهٔ فرمان امنیت مالی وجانی‌که ازجانب اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران بولایات ایران‌صادرشده خواندم خیلی مشعوف‌گشته اعلیحضرت همایونی‌را قلباً دعا وثنا گفتم اگرانشاءالله شرایط ولوازم آنهم بعمل بیاید خوب است .

یکشنبه ۲۴ ماه جون ـ جناب اشرف ناظم‌الدوله بالباس رسمی بکلیسای آلمانی که مجلس عزای امپراطورآلمان‌را برپا نموده‌اند تشریف بردند .

سه شنبه ۲۶ ماه جون ۱۸۸۸ ـ جناب ناظم‌الدوله درباب رفتن من بایران بعضی فرمایشات فرمودند . ازقول‌ایشان سفارش‌نامه‌ای راجع بخودم بجناب اکرم قوام‌الدوله وزیرخارجه نوشتم .

۳۰ ماه جون ـ سوادنامهٔ اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران بعلیا حضرت ملکهٔ انگلیس در باب پذیرفتن جناب سردرومندولف وزیرمختار دردربارایران نوشته شده بود نوشتم . درواقع جواب‌نامهٔ ملکه بود.

چهارشنبه ٤ جولای (۲۳ شوال ۱۳۰۵)

شب برحسب دعوت بوزارت خارجه به‌سواره رفتم مثل هردفعه و وکلاء وسفرا با

خانمهاشان آمده بودند . کاغذی باعکس میس‌مونك معشوقهٔ پرنس اسکار ولیعهد سوئد برای آقای میرزا فروغی (پدر ذکاءالملك) بطهران فرستادم.

۲۷ شوال ۳۰۵-۸جولای - طرف‌عصر بخانهٔ مسیودبرناردکه ازاجزاء وزارت‌امور خارجه انگلیس است رفتم. یك‌کتاب روزنامهٔ مصور فرانسه که در۱۸٤۷ چاپ شده‌نشان دادکه درآن تصویر مرحوم میرزا محمد علی خان که ازجانب دولت علیهٔ ایران بسمت ایلچی‌گری بپاریس آمده بود . همین میرزا محمد علی خان یك سفرهم در۱۸۱۸ بپاریس آمده بود وزبان فرانسه‌را خوب حرف میزده .کلاه بلند وجبه لباسش بود .

۳۰ شوال - ۱۱ مـاه جولای - شب بکنسرت‌ادیسن‌هـال رفتم · این اوقات در روزنامه‌ها قصهٔ طلاق دادن اعلیحضرت میلان پادشاه صربستان زن خودرا ومشاجرهٔ فیما بین زن وشوهررا مطرح قرارداده‌اند.

هوا مثل زمستان سرد ودربعضی‌جاهای انگلستان کمی برف باریده است. تابستان باین سردی وبارانی انگلیس‌ها خیلی‌کم خاطردارند .

۹ ذیقعده جمعه ۲۰ ماه جولای - بقرار معمول یومیه بسفارت رفته خدمت جناب ناظم‌الدوله وسرکارمیکائیل‌خان رسیدم بعضی صحبت‌ها از رفتن من بایران شد فرمودند سه ماه درایران توقف وبعدازسه ماه مراجعت بلندن‌شود انشاءالله ·

۱٤ ذیقعده۲۵ ماه جولای - تمام روز باران بود . محض‌امضاء رساندن پاسپورت خود پیش قونسول جنرال دولت‌روس‌رفتم. منزلش درشهرمانند تجار اینجا است‌پاسپورت را دادم‌امضاء ومهرکردند یك شیلینك وهفت پنس هم رسوم دادم·

۱۹ ذیقعده۳۰ ماه جولای - برای وداع بمنزل مسترچرچل رفته وبامادام‌چرچیل وبچه‌هایش وداع کردم.شب‌به‌اکسپوزیسیون ایطالیا وبعدبادونفر ازآشنایان به‌تآتر(رومن کولوسیم) رفتم . وضع بازیشان اسب تـازی و کشتی‌گیری وبازی شمشیر وسپر برسم قدیم بود .

۲۰ ذیقعده ۳۱ ماه جولای . دراین چند روزه مشغول وداع بادوستان وآشنایان درتهیهٔ حرکت ازلندن‌بایران بودم. مخصوصا درخدمت سرکارپرنسس (جناب ناظم‌الدوله چند روز قبل بـرای تغییرآب وهوا بآلمـان تشریف بـردند) و سایرین یك یك وداع بعمل آمد .

چهارشنبه اول اگست ۱۸۸۸ (۲۳ ذیقعده ۱۳۰۵)

حرکت ازلندن بپاریس

ساعت ۱۱ صبح ازلندن بسلامتی بعزم ایران حرکت شد. سرکار میکائیل‌خان تاایستگاه(ویکتوریا) تشریف آوردند. دربین راه در کالسکهٔ بخاریك واقعهٔ ندیده دیدم‌که دراین سفرخیلی بمن ضرروارد آمد. درتوی کالسکه

جمعی بودند ورق‌بازی میکردند یك جوان آمریکائی درچند دقیقه چهل لیره باخت . بهرحال بکنار دریا رسیده به‌کشتی موسوم بپاریس رفتم . حال من قدری منقلب شد . ساعت ده شب بپاریس‌رسیدیم . حضرت‌والا شاهزاده محمد میرزا تاایستگاه تشریف‌آورده بودند باتفاق بمنزل ایشان آمدیم.

۲۵ ذیقعده- ۳ اگست - در خدمت سرکار شاهزاده محمد میرزا به استانبول رفته صندوقهای مرا بازدیدکردند به‌انبارسپردیم وبلیط‌کشتی هم برای من از مارسی‌تاباطوم‌از دستگاه کمپانی (مسارژی) گرفتم. طرف عصرباتفاق شاهزاده خدمت جناب نظر آقا وزیر مختاررسیدم. این اولین ملاقاتم باوزیرمختاربود خیلی اظهارلطف فرموده وعده گرفتند فردا درییلاق برای صرف غذا خدمت ایشان برویم.

ملاقات نظرآقا سفیر ایران درفرانسه

(۲۶ ذیقعده ۳۰۵) شنبه چهارم اگست- دراتفاق شاهزاده محمد میرزا خدمت جناب‌وزیرمختار (نظرآقا) رفتم تمام روزدرملازمت ایشان‌گذشت غذای ایرانی‌کشك بادنجان ودولمهٔ‌کلم صرف شد. عصرمحضرتفرج‌باکالسکه به(سن‌ژرمن) رفتم جای بسیارباصفائی بود ومنظر بسیار وسیعی داشت نصف شب بپاریس برگشتیم .

۲۷ ذیقعده یکشنبه‌پنجم اگست - درخدمت شاهزاده محمد میرزا بموزهٔ لوورفتیم بعضی سنگ‌ها وکاشی‌هاکه از شهرشوش‌ایران پیداکرده آورده بودند دیدم از جمله چیز تعریفی‌یك سرستون بودکه ازسنك شبیه‌گاو دوسرساخته بودندکه خیلی بزرگ بود.

۲۸ ذیقعده‌دوشنبه ششم اگست- آقای‌میرزا حسین‌شریف ازلندن آمد روزدرخدمت شاهزاده وایشان بصحبتهای متفرقه‌گذشت . شب بتماشاخانهٔ (هیپودرم) رفتیم . یك دخترهفت هشت ساله ژیمناستیك خوب بازی‌کرد .

بعد تفصیل وضع ورسوم ملت روس‌را بازی‌کردند ازقبیل دعا خواندن درکلیسا و یخ بازی و شبیه جنگ دولت روس وعثمانی وغیره .

گردش درپاریس

۲۹ ذیقعده سه‌شنبه هفتم اگست - روزباتفاق سرکارشاهزاده و آقا میرزا حسین شریف بتماشای دورنمای جنگ فرانسه باآلمان رفتیم . حقیقة وضع‌جنگ این دوملت درنظر شخص بعین مجسم وحالات قشون شکست‌خورده وطرف غالب‌خیلی خوب‌محسوس میشد . بعدازآن بدیدن موزهٔ موسوم به (گرون) رفتیم‌که مجسمه‌های مومی سلاطین ومردمان مشهور ومعروف دنیارا از هرطبقه ساخته و آنجا گذاشته بودند . حقیقة درفرانسه دراین مجسمه سازی سحر کرده‌اند یعنی مجسمهٔ مومی را باانسان متحرك خیلی باشکال و دقت میشود تشخیص داد.

۳۰ ذیقعده‌چهارشنبه ۸ اگست ـ باتفاق آقا میرزا حسین شریف ومیرزا عبدالرحیم برادرآقا میرزا عبدالکریم طبیب طهرانی شب‌را به‌اپرا رفتیم . پرده‌های خوب ازبناها وآثار قدیم مصرمثل گنبد (اهرام) وغیره نشان دادند. سازوآواز خوب هم شنیدیم .

پنجشنبه ۹ اگست (اول ذیحجه ۱۳۰۵) ـ بهمراهی سرکارشاهزاده محمد میرزا ومیرزاعبدالرحیم‌بموزهٔلووروازآنجابه‌جنگل‌بوادبولونیBois de Boulongne رفتیم شب هم به‌ژاردن دوپاری رفتم .

جمعه ۱۰ اگست در خدمت سرکارشاهزاده محمدمیرزا وآقامیرزا حسین‌شریف‌برای یادگار عکس سه‌نفری گرفتیم . شب در یك‌غذاخانه واقع در خیابان شانزلیزه صرف غذاهای‌خوب‌کرده بعدباتفاق بتماشاخانه‌رفتیم.

یکشنبه۱۲ اگست‌درخدمت شاهزاده‌به‌تصحیح‌کتابی که‌درفوائدراه آموزی‌نوشته‌اند مشغول وشب‌هم به تماشای ژاردن و تویلری رفتیم.

عروسی درپاریس

۹ ذیحجه شنبه ۱۸ اگست ـ ازقراریکه شاهزاه محمد میرزا از وضع عروسی وعزای اهل پاریس بیان فرمودند معلوم میشود اجرای عقد ونکاح هرکس باید باطلاع دولت ودرخانهٔ کدخدای محله‌واقع شود . همچنین هرکس میمیرد باید بااطلاع گماشتگان دولتی اموال ومخلفات‌او درمیان ورثه تقسیم شود . ولی بعضی‌ها که خیلی مقدس و مذهبی هستند عروسیشان در کلیساباحضورکشیش‌ها میشود. شب‌باسرکارشاهزاده به‌تئاترفرانسوی رفتیم قصهٔیك خسیس ویك حکیم وحرکاتشان بامزه بود (ازنمایش‌نامه‌های مولیر)

۱۴ ذیحجه ۱۳۰۵ چهار شنبه ۲۲ اگست

تعیین تخلص (بینش)برای‌پدرم

درخدمت شاهزاده والا محمد میرزا درپاریس خیابان تروکادرو گردش میکردیم هر دو خواستیم‌یك تخلص برای امتیازاسم‌خود انتخاب نمائیم. بنده برای شاهزاده تخلص‌کاشف و سرکارایشان برای بنده **بینش**را انتخاب‌فرمودند .

۱۴ ذیحجه ۳۰۵ـ پنجشنبه ۲۳ اگستـ شب ساعت ده باسرکاروالا شاهزاده‌محمد میرزا وداع کرده وازپاریس‌حرکت‌کردم. میرزا عبدالرحیم‌ویك‌شخص ایرانی‌هم‌تااستاسیون برای مشایعت آمده بودند.

۱۵ ذیحجه ۳۰۵ جمعه ۲۴ اگست ۱۸۸۸ ساعت هفت شب بمارسی‌وارد شدم مسافت ازپاریس تامارسی۸۰۰۰ میل است تمام این مسافت هرچه دیدم تمام زراعت و باغات بود. مارسی‌درجنوب فرانسه بندرگاه‌معتبری است .

۱۶ ذیحجه ۳۰۵ شنبه ۲۵ اگست ـ ازهتل بکشتی کمپانی مساژری موسوم به (نی من) Niemen آمدم . چون بلیط کشتی را که درپاریس گرفته بودم نمره‌اش معین نشده بود، بعدازورود بکشتی گفتند باید بلیطرا ببرید دردستگاه کمپانی مساژری نمره‌را تعیین نمایند. باهزارزحمت بایك بلد بی‌انصاف رفتیم وبلیط را دادم نمره گذاشتند

حالاکه یك ونیم بعد از ظهراست درکشتی نشسته‌ام دوساعت ونیم دیگر حرکت خواهدکرد .

ازمارسی به‌استانبول

(۲۱ ذیحجه ۳۰۵) پنجشنبه ۳۰ اگست ـ طرف عصرازبغازداردانل که به‌ترکی چاناق قلعه میگویند گذشتیم .

شش روزاست که‌دردریای سفید (مدیترانه) مشغول هستیم سه‌روزوسه شب دریابسیار متلاطم و احوال اغلب کشتی نشین‌ها منقلب و از خوردن غذا محروم ولی دو روز است هوا مساعد و دریا آرام حالت ماها هم خوش است .

گروههای مختلف که دراین کشتی هستند ازاین قراراست : انگلیسی ـ آلمانی ـ امریکائی ـ فرانسوی ـ سویسی ـ یونانی ـ ترك ـ عثمانی من هم ایرانی بودم .

این اشخاص ازطبقات مختلف بودند . زنها بااطفال شیرخوار وغیره یك شخص اسلامبولی بودکه دو خواهرداشت تقریبا ۱۵ و۱۸ ساله‌که هردودرژنو مشغول تحصیل زبان بوده‌اند . زبان فرانسه ، انگلیسی ویونانی وارمنی میدانستند.

جمعه ۳۱ اگست ـ (۲۲ ذیحجه ۱۳۰۵)

قبل ازظهروارد بغازاسلامبول شدیم . آقای آقا محمد طاهرمدیراختر باپسرش بکشتی برای دیدن من آمدند . باتفاق مشارالیه خدمت جناب اجل آقای معین‌الملك بسفارتخانهٔ ییلاقی که یالی میگویند رفتیم . سرکارمیرزا حسینعلی خان معتمدالوزاره‌راکه ازجانب دولت علیه مامور سفارت دولت امریك‌بودند درخدمت جناب معین‌الملك دیدم. دیدم‌که چند روزدیگربمحل ماموریت خودشان عزیمت خواهند فرمود .

چون‌امروز روزولادت اعلیحضرت سلطان‌عثمانی‌بود جمیع کشتی‌ها وبازارهارا آئین‌بندی‌کرده وتهیهٔ چراغانی دیده بودند . واین مضمون‌را دراغلب جاها نوشته بودند (پادشاهم چوق یاشا) یعنی پادشاهمان جاوید باد یازیاد زندگی‌کند.

شنبه اول سپتامبر ۱۸۸۸ (۲۳ ذیحجه ۱۳۰۵)

درخانهٔ مدیرروزنامهٔ

دیشب در خانهٔ آقا طاهر (مدیر روزنامهٔ اختر) مهمان بودم یك شخصی حافظ افندی نام پدرزن پسر آقا طاهرهم آنجا بود. از قراریکه شنیدم این شخص از اهل محبت یعنی (بکتاش) است .

اختر

میگفت این طایفه هفت روز بماه محرم مانده تا هفت روز از عاشورا گذشته محض احترام به اهل‌بیت طاهره غذای پختنی نمیخورند بلکه هیچ آتشی در خانه‌شان روشن نمیشود موافق تقریر آقا طاهر از ربع اهل اسلامبول ثلث آن از این طایفه یعنی اهل محبت هستند و یك ثلث طوائف مختلف‌از قبیل سنی وغیره.

فرقهٔ بکتاشیه

شیخ حاجی عباسعلی نام تاجر تبریزی‌آمد دیدن کرد پس از آن باتفاق بسرای خان‌والده رفتیم‌که تجار ایرانی منزل دارند خیلی جای پست و ناتمیزی بود.

بعد ازآن با مشایعت آقا طاهر، مسیو وارطان وحاج عباسعلی‌به کشتی آمدم.

ساعت چهارونیم عصر کشتی از بغاز اسلامبول بطرف باطوم حرکت‌کرد.

یکشنبه ۲ سپتامبر(۲٤ذیحجه ۱۳۰۵) در روی‌دریای سیاه باکشتی کمپانی‌مساژری مشغول سیر هستم دریا هم بد نیست ولی من احوال خوشی ندارم.

دوشنبه ۳ سپتامبر ـ ساعت ۱۲ صبح کشتی به سمسون رسید. در مدت۳۱ساعت ۳۷۵ میل‌که عبارت از ۹٤ فرسخ باشد مسافت طی شد. سمسون جزو ایالات عثمانی است و جای بسیار خوب و در محل مرغوبی واقع است از یك نفرمامور گمرك‌عثمانی که در کشتی بود شنیدم در سمسون سالی پانصد هزار لیره فقط دولت عثمانی گمرك میگیرد. در این ایالت محصول ابریشم و توتون ممتاز و گندم عمل میاید ولی از بی‌مواظبتی‌دولت‌اهالی آنجاخیلی‌فقیرو بی‌چیزند. سه نفرپاپای(قسیس)فرانسوی‌هم‌درکشتی بود که از مارسی همراه بودند و در اینجا بیرون آمدند بروند دربلوکات مثل‌کشیش‌های ینگی دنیا (امریکا) مردم را بدین و آئین خود دعوت‌کنند. از قراریکه شنیدم این پاپاها که در فرانسه هستند بطایفه (دوز) مشهورند و کمپانی‌های معتبری دارند وخیلی‌متمول هستند . اغلب مایهٔ کمپانی‌های فرانسه مال این طایفه است.

از استانبول به باطوم

سه شنبه ٤ سپتامبر ـ طرف عصر یعنی ساعت پنج بعد از ظهراز طرابزون به باطوم رسیدیم . در طرابزون احمدخان نایب قونسولگری دولت علیه را دیدم طرابزون در دامنه کوه واقع و بندرگاه یکی از ولایت‌های‌عثمانی است از این بندرگاه تا باطوم باکشتی بخار هشت ساعت راه است. باطوم را شش سال قبل از این‌که بفرنگستان‌میرفتم دیدم چندان آبادی نداشت ولی حالا آبادی بناهای تازه از منزلگاه و غیره خیلی هست. چیزی که در باطوم برای مسافرین خیلی اسباب زحمت است بازدید گمرکچی‌های روس

است از اسباب و اثاثیه مسافر که واقعاً خیلی سختگیری کرد وبا وحشیگری جستجو کرد مسافر را زحمت زیاد میدهند. من‌جمله من خیلی خیلی زحمت دیدم.

چهارشنبه ۵ سپتامبر ۲۷ ذیحجه ۱۳۰۵ - دیشب از هتل خود که به هتل اروپ مشهور است به قونسولگری ایران رفته میرزا علی‌اکبرخان را دیدم. این پیرمردمتعارف است. اظهار کسالت میکرد نیم ساعت نشسته به منزل برگشتم . هوا در باطوم بطوری گرم است که در حقیقت‌اذیت میکند و غرق در عرقم. باید یك روز برای‌امضاء پاسپورت بوسیله رئیس پلیس و قونسول در اینجا معطل شد.

جمعه ۷ سپتامبر ۱۸۸۸ (۳ ذیحجه ۱۳۰۵)

بادکوبه

امروز ساعت پنج عصر به بادکوبه رسیدم در این ترن که من بودم حاکم بادکوبه هم بود که از تفلیس به بادکوبه میآمد در بین راه بعضی‌جاها مثل استاسیون مشکی‌وغیره بعضی‌صاحبمنصبان واعیان باستقبال میآمدند . از باطوم تا بادکوبه با راه آهن تقریباً در ۳۲ ساعت آمدیم که ۱۵ ساعت از باطوم به تفلیس وهفده ساعت ازتفلیس ببادکوبه .

در شش‌سال قبل که‌درخدمت جناب‌ناظم‌الدوله بلندن‌میرفتم ازبادکوبه به‌تفلیس‌یعنی این ۱۷ ساعت راه را در چهارشبانه‌روز با کمال زحمت با اسب چاپاری طی کردیم . هوا از باطوم تا بادکوبه‌خیلی‌خیلی گرم شده است.

عزاداری دربادکوبه

شنبه ۸ سپتامبر (اول محرم ۱۳۰۶) - دربادکوبه هستم . بعداز صرف چای از هتل‌اروپ بقنسولخانهٔ دولت علیه رفتم خدمت سرکارمیرزاآقابابایك کارگذار دولت علیه رسیدم . ایشان شخص بسیار معقول و مهربانی بنظرآمد . شب در قنسولخانه مهمان سرکار کارگذار بودم میرزاجلیل برادر زاده میرزا معصوم‌خان قونسول سابق با یك‌نفر دیگر بودند . شب صدای طبل شنیدم . گفتند مسلمانها برای جمع‌شدن مردم وسینه‌زدن وعزاداری حضرت امام حسین (ع) این طبل را میزنند. از قراریکه شنیدم نصف بیشتر اهالی بادکوبه مسلمان هستند واغلب رسومشان مثل اهل آذربایجان است بخصوص در تلفظ ولباس پوشیدن وغیره . چندنفرآخوند معمم ومعبا دیدم چون مدتی بودندیده‌بودم بنظرم خیلی غریب آمد.

(ازاینجا ببعد چون روزنامه درایران نوشته‌شده ازذکرتاریخ میلادی‌که دردفترچه تقویم انگلیس است خودداری میشود).

پنجشنبه ۷ محرم ۱۳۰۶ - وقت عصروارد رشت شدم و علامت

رشت ـ قزوین تهران

عزاداری‌حضرت‌سیدالشهداء رادر این‌شهردیدم . روز بعد خدمت سرکارنواب والاحسام‌السلطنه حکمران ولایت گیلان رسیدم.

یکشنبه ۱۰ محرم(عاشورا) ـ طرف عصروارد قزوین‌شدم بعداز دوساعت‌وملاقات عبوری آقاباقرحکمران ومحمدحسین‌میرزا بادرشکه (طرمطاس) روانهٔ طهران‌شدم.

دوشنبه ۱۱ محرم ـ عصر وارد طهران شده در خانهٔ آقای تقی‌خان منزل کردم . خدمت سرکارنواب والا ایلخانی رسیدم بی‌اندازه اظهار مرحمت فرمودند .

شرفیابی بحضور ناصرالدین‌شاه

سه‌شنبه ۱۲ محرم ـ قبل‌ازظهر خدمت جناب اجل قوام‌الدوله رسیدم فرمودند ظهردرب‌خانه حاضر باشیدکه حضور اعلیحضرت اقدس همایون ببرم.

همانوقت حاضر وبهمراهی جناب قوام‌الدوله و آقای معاون‌الملك در اطاق موزه بحضور انورهمایونی‌مشرف و مورد الطاف خسروانه‌شدم ، بعداز پاره‌ای فرمایشات فرمودند :

(در مدت شش‌سال اقامت لندن درزیر تربیت میرزا ملکم‌خان باید ملکم ثانی شده باشی . ملکم ثانی هستی؟)

پنجشنبه ۲۳ محرم ۱۳۰۶ ـ طرف‌غروب جناب معاون‌الملك‌فراشی‌عقب‌من‌فرستاده بودندرفتم ملاقاتشان نمودم فرمودند مژده‌چه‌میدهیدکه عمل‌محل مواجب شما گذشت . اعلیحضرت همایون در فرمان دستخط فرمودند ومحل مواجب‌راهم‌معین‌فرمودند . خیلی تشکر کردم .

صدور فرمان مواجب

چهارشنبه ۲۹ محرم ۱۳۰۶ ـ دیروزخدمت نواب والاعزالدوله رسیدم . صبح امروز سرکار اسکندرخان سرتیپ دیدن نمودند . سرکار نواب والا ایلخانی‌هم تشریف آورده چند دقیقه نشستند . ایشان فرمان مواجب مرا ازجناب قوام‌الدوله وزیر امورخارجه گرفته‌آوردند . فرمان‌ودستخط مبارك‌همایونی‌راکه بمرکب قرمز توشیح ومحل مواجب‌را معین فرموده بودند زیارت کردم . آقامیرزاحسین‌خان حکیم‌باشی‌هم آمدند ساعتی نشسته رفتند .

فوت حاجی‌ملا علی کنی

پنجشنبه ۳۰ محرم ۱۳۰۶ ـ در خانه سرکار آقاخان سرتیپ تلغرافخانه‌با عده‌ای بقیمه‌پلو موعود بودیم . خبرآوردند جناب حجةالاسلام حاجی‌ملاعلی‌کنی در سن ۸۶ سالگی مرحوم شده‌اند. این‌مرحوم ازعلمای افضل واعلم طهران بود . شب باتفاق آقای تقی‌خان بخانهٔ معاون الملك رفتیم . جناب‌امین‌الدوله وجمعی دیگر آنجا تشریف داشتند

شام ماکولی صرف شد .

۱۳ اکتبر ۱۸۸۸ (۷ صفر ۱۳۰۶) - صبح باتفاق چندنفر از دوستان با ترن بشاهزاده عبدالعظیم رفتیم ودرآنجا صرف غذا نموده مراجعت کردیم . این‌اول‌دفعه بود که در ایران بکالسکه بخارنشستم .

سه‌شنبه ۱۶ اکتبر (۱۰ صفر ۱۳۰۶) - دیروز خدمت جناب اجل قوام‌الدوله رسیده مرخصی همدان گرفتم بعد بمنزل آقای صدیق‌الملك رفتم · امروز از سرکار والا ایلخانی‌هم‌مرخصی‌حاصل‌کردم · شب‌با حضورآقای‌میرزا فروغی (پدر مرحوم‌ذکاء الملك) وآقامیرزا هدایت گذشت.

حرکت بهمدان

چهارشنبه ۱۷ اکتبر (۱۱صفر) - یکساعت از آفتاب گذشته از منزل آقای تقی‌خان با اسب چاپاری بسمت همدان حرکت کردم آقامیرزا فروغی ، آقامیرزا سیدمهدی‌وحاجی‌عباسخان هم‌حاضر بودند با ایشان وداع بعمل آمد.

شب‌را در قریهٔ پیك ماندم ازطهران تا اینجا ۱۴ فرسخ است . در شانزده‌سال‌قبل هم با کاروان اینجا آمدم .

روزبعد به نوبران رسیدم‌جناب علاء الدوله وجناب اعتضادالدوله درباب رسیدگی بعمل هرزگی علی‌خان نایب‌الحکومهٔ ساوه با رعایای خلیفه کندی در نوبران تشریف دارند ·

شنبه ۲۰ اکتبر (۱۴ صفر) - دیشب در زرق ماندم . بعدازظهر بسلامتی وارد همدان ودر منزل سرکار آقامیرزا اسدالله مشیر پیاده شدم . جناب آقای شریف‌الملك و حاج‌عمو وچندنفر دیگر دیدن نمودند .

عضدالدوله‌حاکم همدان

چهارشنبه ۲۴ اکتبر (۱۸ صفر۱۳۰۶) - دیروز خدمت حضرت والا عضدالدوله حکمران همدان شرفیاب شدم بعداز مراجعت دیدم سرکار والاشاهزاده‌حاج‌محمدمهدی میرزا بدیدن‌بنده تشریف آورده‌اند . . .

در ده مرادبیك بجناب شریف‌الملك بصرف ناهار موعودبودم. آقای‌مشیروعلی‌خان نایب‌الحکومهٔ حاجیلوهم بودند . هوا خیلی خوب ودره خیلی صفا داشت .

جمعه ۲۶ اکتبر ۱۸۸۸ (۲۰ صفر ۱۳۰۶) - جناب حاج ذوالریاستین وآقامیرزاموسی‌صدروآقامیرزا اسمعیل‌بدیدن تشریف آوردند. امروز مسترهاکس‌امریکائی بدیدن آمد .

سه‌شنبه ۳۰ اکتبر (۲۴ صفر) - دیروز از همدان بعربلو آمدم

قرخلر نزدیك عربلو اسب لگدزد و برمن صدمه وارد کرد. امروز که بارانی بود باتفاق فضلعلی‌خان سلطان و عنایت‌الله‌خان و دوستعلی‌خان ومادر علی‌خان واخوی و فتحعلی‌خان همشیره‌زاده از عربلو بقرخلر آمدیم. تقریباً ۱۲ سال بود که از قرخلر بطهران وزنجان وبعد طهران وازآنجابسفر فرنگستان رفته‌بودم. درحین ورود، قرخلر درنظرمن خیلی خراب آمد وقوم وخویش زیاد خوشحال شدند.

کبودراهنك چهارشنبه ۱۰ ربیع‌الاول (۱٤ نوامبر) ـ دیروز باتفاق سرکار فضلعلی‌خان محض دیدن بکبودراهنك رفتیم سرکار حاجی شیرعلی‌خان و حاج‌حبیب‌الله‌خان وامان‌الله‌خان رادیدن کردم.

دیشب‌را درکبودراهنك ماندم‌لازمه‌مهربانی ومیزبانی را بعمل آوردند ولی‌بواسطه قیودکهنه مرا ازدیدن محبوبه بازداشتند[1] و باین جهت‌خیلی اسباب رنجش‌خاطرم شد.

(در ظرف چندروز تا ۱٤ ربیع‌الاول برای بازدید اقوام بدستجرد، بویوك‌آباد رفته‌اند).

چهارشنبه ۸ ربیع‌الثانی (۱۲ دسامبر) ـ سرکار عم‌مکرم‌موسی‌خان و بنی‌اعمام و بعضی خانم‌ها برای بازدید بعضی اجناس که باید فردا باشرینی و میوجات برای مجلس عقد وزرمثقالی برسم‌معمول ازقرخلر بکبودراهنك‌ببرند بجهت صبیه مرحوم مهرعلی‌خان آمده بودند.

اولین ازدواج پدرم شنبه ۱۱ربیع‌الثانی ۱۳۰٦ (۱۵دسامبر۱۸۸۸) ـ دیروزبمبارکی عقد نکاح‌محترمه‌ملك‌خانم‌برای‌سرکارفضلعلی‌خان‌سلطان‌جاری‌شد. امروز از خوانین سرکاران مهدیقلی‌خان و عنایت‌الله‌خان و دوستعلی‌خان ونادعلی‌خان‌اخوی وچندنفر ازخوانین اسباب‌مجلس عقد وزرمثقالی را بکبودراهنك بردند برای صبیه مرحوم مهرعلی‌خان‌من‌هم‌جناب حاج‌ـ ملایوسف را در اجرای صیغه نکاح وکیل‌کردم که فردا مراسم عقد بعمل آید.

۲۲ ربیع‌الثانی (۲٦ دسامبر) ـ دیروز مشغول نوشتن کاغذهای دعوت عروسی بودند ازقول عم‌مکرم موسی‌خان بطایفه ودوستان شهری‌ودهات. برای ملاقات محبوبه کاغذ نوشته شده بود جواب رسیدکه خیلی مشتاق دیدارم اما قمردرعقرب‌است وساعت خوب نیست. این جواب خیلی باعث خندهٔ من‌شد. خلاصه عقیده بعضی از اهالی این ولایت به تقویم‌ایرانی خیلی محکم است.

جمعه ۲٤ ربیع‌الثانی ـ ابتدای عروسی فضلعلی‌خان سلطان وبنده

۱ـ مقصود نامزد مؤلف‌کتاب است.

عروسی است وبرسم متداول میان طایفهٔ خودمان ترتیب عروسی را دادند .

شب دوداماد بحمام رفتیم حناسر گذاشته باساز وسرناومطرب ورقاص ازحمام بیرونمان آوردند.

شنبه ۲۵ ربیع‌الثانی ـ امروز بنا است بکبودراهنك عقب عروس بروند . از اقوام وقبیله هرکس بیك ملاحظه ازرفتن بآنجا ابا دارند . من‌هم بواسطه بعضی خیالات حواسم خیلی پریشان است

صمدخان و دوستعلی‌خان با بعضی از خواتین با هزارزحمت وگفتگو برای آوردن عروس بکبودراهنك رفتند .

مراسم عروسی یکشنبه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۰۶ (۳۰ دسامبر ۱۸۸۸) ـ روزبرف وبوران شدیدی بودوبواسطهٔ آمدن عروس ازکبودراهنك وهمراهان در این هوای سخت خیلی پریشان بودم بالاخره بحمدالله دراین بوران صدمه بآنها نرسیده درپنج ساعتی شب خسته وکوفته واردشدند ولی خیلی زحمت کشیده بودند . قبل ازورود عرس ازکبودراهنك عروس سرکار فضلعلی خان راهم بمنزل ما بردند.

بعدازورود عروسها ما دوداماد را برسم اینجا به اجاق برده سه سجده کردیم ودر حین سجده دوسه لگد هم به پشت ما زدند ولباس دامادی پوشیدیم پس ازآن هریك از مارا بحجله برده با عروس دست بدست دادند وعروسی ختم شد.

در آخر تقویم انگلیسی سال ۱۸۸۸ پدرم این شرح را نوشته‌اند:

ازاین تاریخ ببعد روزنامه توقف ایران را درکتابچه جلد بنفش که تا ۲۷ شعبان ۱۳۰۶ هجری ومقارن سفر دوم فرنگستان است نوشته‌ام باید این چندورق روزنامه را باآن کتابچه جمع کرده در یکجا نوشت .

متاسفانه کتابچه‌ای که بآن اشاره کرده‌اند بدست نیامد . ممکن است در ضمن گرفتاری بحبس یا در نتیجه نقل وانتقالات ازبین رفته باشد.

بنابراین گزارش ازتاریخ فوق ببعد که شامل سفردوم به اروپا ومراجعت وگرفتاری وحبس ایشان است در دست نیست وناچاربقیه روزنامه از تاریخ استخلاص پدرم ازحبس قزوین که درکتابچه جداگانه نوشته شده ادامه خواهد یافت.

چون در حبس با مرحوم حاج سیاح باصطلاح هم‌زنجیر بوده‌اند یادداشت های ایام محبس را بطور خلاصه از کتاب خاطرات مرحوم حاج سیاح که بطبع رسیده اقتباس میکنم .

گرفتاری پدرم وحبس قزوین

در حاشیهٔ دفترچهٔ روزنامهٔ پدرم که پس از استخلاص از حبس قزوین نوشته‌اند (سلخ‌ربیع‌الثانی ۱۳۱۰) این‌جمله‌را بامداد یادداشت‌کرده‌اند (قصهٔ حبس‌قزوین وتفصیلات آن داستان مفصلی است کتاب علیحده لازم دارد) .

از جملهٔ فوق اینطور استنباط میشود شرح حال خودرا راجع بحبس قزوین در نظر داشته‌اند بنویسند ولی یا مجال نکرده‌اند ویانوشته‌اند وبدست نگارنده نرسیده . تصور میکنم حدس اول بیشتر مقرون بحقیقت باشد زیرا در چند مورد که اشخاص از ایشان توضیحاتی راجع باین‌موضوع خواسته‌اند وجواب شنیده‌اند توصیه‌کرده‌اندکه‌پدرم‌خاطرات خودرا بنویسد .

در هرحال چون این‌قسمت اززندگانی پدرم جالب وعبرت‌انگیز است حیف دانستم اشاره‌ای در این زمینه نکنم. نظرباینکه مدرك‌صحیح‌وخاطراتی در این‌خصوص نداشتم از کتاب (خاطرات حاج‌سیاح) که اخیراً بطبع‌رسیده استفاده میکنم .

پدرم پس‌ازدستگیرشدن مرحوم‌حاج‌سیاح (۱۶ رمضان ۱۳۰۸ هجری‌قمری) بدستور ناصرالدین‌شاه وکامران‌میرزا بازداشت گردیده اول درتهران بعد در قزوین قریب‌دوسال با هفت‌نفر دیگر زندانی میشوند.

مندرجات کتاب فوق‌الذکر شامل‌مطالب دیگری راجع بزندگانی مرحوم‌حاج‌سیاح است ودر اینجا فقط آنچه مربوط بحبس حضرات و مقدمات آن است اقتباس میشود . قسمت‌های کلی آن مشترك بین همهٔ زندانیان است وبعضی قسمت‌هاهم اختصاصاً مربوط بپدرم میباشد.

اقتباس از خاطرات حاج سیاح محلاتی

مرحوم حاج‌سیاح در خاطرات خود پس از دستگیری آقاسیدجمال‌الدین ـ اسدآبادی در بست حضرت عبدالعظیم و ضرب و شتم و تبعید او بطور اهانت‌آمیز (جمادی‌الثانی ۱۳۰۸) بخارج از ایران مینویسد: دراین اوقات که واقعهٔ‌سیدجمال‌الدین قدری کهنه شده بود وماه رمضان رسیده وقت اجتماعات وبیکاری مردم بود، میرزا-ملکم‌خان در لندن روزنامه قانون‌را طبع میکرد وبوسایل مخفیه برای کسانیکه اهلیت داشتند میفرستاد. روزنامه ابونظارهم در پاریس طبع میشد و برای من این روزنامه‌ها مخفیانه میرسید. روزی میرزانصرالله‌خان برادرزن صاحبدیوان‌که از محارم بود روزنامه قانون‌را درمنزل من‌دیده خواهش‌کرد دادم مطالعه‌کند چون باو اطمینان داشتم. درآن روزها ورود این روزنامه‌ها وظلم درباریان وفاجعه سیدجمال‌الدین حرارت آزادی‌خواهان را سرشارکرده‌بود چند مکتوب بدون امضاء در طی‌چندجمله محرمانه به‌پیشنهادمن تهیه یکی بشاه ویکی بعلماء ویکی خطاب بملت نوشته شده بود در چند صدنسخه بهرطرف فرستاده شد.

دردنبالهٔ انتشار مکاتیب فوق ابتدا میرزارضای کرمانی‌که ملازم آقاسیدجمال‌الدین بودو ازاوطرفداری میکرده دستگیر میشود. نامبرده را نزدکامران‌میرزا میبرند وباتهدید بشکنجه و سست‌کردن او اقاریری از او میگیرند واسامی اشخاص را میبرد (میرزارضا برای خلاص از شکنجه با مقراض شکم خودرا میدرد ولی بوسیلهٔ جراحان معالجه میشود).

شب ۱۶ رمضان ۱۳۰۸ وزیرنظام وعبدالله‌خان والی ومعین نظام حاج‌سیاح را از منزلش بخانه‌کامران‌میرزا میبرند واورا درزیرزمینی حبس میکنند وبزنجبر میکشند.

تا پنجم ماه شوال هرروز حاج‌سیاح را با تهدیدات استنطاق میکنند و در این‌روز ۱۲ نفر دیگررا وارد زندان کرده کند و زنجیر میکنند و از آنهاهم استنطاق بعمل‌میآید.

روز اول ذیقعده ۱۳۰۸ محبوسین را از ارك‌بباغ کامران‌میرزا در امیریه میبرند البته میان کالسکه روپوشیده واسکورت‌سوار.

در کامرانیه محبوسین‌را پیاده کرده باطاق میبرند (در این حین صدای راه‌رفتن یك‌دسته سرباز بلند وکم‌کم نزدیك شد صدای چکمه‌ها از پله‌ها بلند گردید. معین‌نظام در جلو فوج خاصه که بفرم اتریشی جوانان زیبا با لباس خیلی پاك عالی قشنك بودند

تفنگ‌های ته‌پر دردوش ظاهرشدند. تا رسیدند معین‌نظام مارا نشان داد و خودش رفت. سربازها تفنگ بدست روبماایستادند. همه‌راخوف گرفته نفس‌ها قطع‌شد. میرزاحیدرعلی که از همه جوانتر بود نزدیك بود ازهوش رفته بیفتد. میرزامحمدعلی‌خان[1] دلداریش داد وگفت نترس خیال بدی نیست. میرزانصرالله‌خان بالکنت زبان گفت نمیدانم بدین کاشی‌ها تیمم جایز است؟ گفتم اینان مسلمانند مارا کنار جوی میبرند وضوگرفته نماز میخوانیم. میرزا محمدعلی‌خان بزبان شیرینی گفت: «آقایان شما مسلمان ما مسلمان مرحمت‌کنید مارا بکنار جوی برسانید وضوگرفته نماز بخوانیم بشما دعا کنیم» یکی از سربازها بمیرزا محمدعلی‌خان گفت یك‌یك بیائید بنوبت‌وضوگرفته برگردید.

بهرحال تاهنگام غروب آفتاب با این‌وضع وحشتناك بودیم گفته‌بودند شاه خواهد آمد نه شاه‌آمد نه‌کامران‌میرزا. غروب صدای کالسکه آقا آمد سربازها سلام نظامی دادند پیشخدمتی دوان دوان آمدگفت آقا ایستاد محبوسین را میخواهد. همه‌را باصرار وتعجیل زیاد بردند من‌که عاجز ازرفتن بودم (حاج سیاح خودرا ازپنجره انداخته وپایش معیوب شده بود) فراش پشت‌سرهم میآمد. رسیدیم جلوقصر دیدم آقارو تراشیده زینت تمام نموده سرخاب مالیده لباس عالی‌کفش براق دستکش سفید ازکبر وناز راست‌نایستاده بهرطرف کج میشود خصوصاً مرا باآن‌حال زار دید گفت حاجی ببین خودت را بچه‌حال انداختی؟ حالا سعدالسلطنه شمارا میبرد قزوین یکی دوماه نگاه میدارد تنبیه شده برمیگردید اینجا ....

پس‌حکم کرده مرا سرسلسله قرار داده زنجیر کردند بعد حاجی میرزا احمد را پس‌حاجی ملاعلی‌اکبر وحاجی ابوالحسن وحکیم ومیرزا رضارا بدلیجان سوارکرده یك‌نفر نایب‌فراش‌خانه‌شاهی بهمان دلیجان سوار نمودند. دردلیجان دیگر میرزانصرالله‌خان و میرزا فرج‌الله‌خان ومیرزا محمدعلی‌خان ومیرزا حیدرعلی‌را زنجیر نموده سوار کردند. آقاباقر سعدالسلطنه ومیرزا محمدخان امین‌خاقان بدرشکه سوارشده ازدنبال روانه‌شدند. پرده‌های دلیجان را در شهر و دروازه انداخته بودند و چیزی دیده نمیشد اینقدر معلوم که سواران مسلح دردوطرف راه‌مستقیم ایستاده ودلیجان‌هارا ازطرف قزاقان مسلح‌احاطه کرده‌بودند عابرین را ازسرراه دور میکردند ....

دوساعت ونیم ازشب رفته مارا در شاه‌آباد پیاده کردند .... تختی در اینجا بود لیکن کسی‌قدرت نداشت برآن بنشیند زیرا چندنفر بیك زنجیر بسته بزمین افتادیم. دوشاخه برای رفع سنگینی زنجیر زدند باز اذیت میکرد. چای برای همه آوردند خوردیم.

---

۱ - مؤلف‌کتاب وپدرمن.

در این بین امین‌خاقان پدر ملیجك وارد میشود وبا حاجی‌سیاح و سایر محبوسین واردصحبت شده علت گرفتاری آنهارا میپرسد وجوابهائی میشنود که برای احتراز از تطویل ازذکر آنها صرف‌نظر میشود .

پس ازآن شامی آوردند وهمه را با زنجیر بیرون‌برده‌بهمان‌حال درزنجیرلحاف‌دادند بسته بهم افتادیم . مستحفظان دور ما بیچارگان را احاطه‌کرده بودند سبحان‌الله چه‌حال بدی وچه‌شب سختی گذشت وبروز رسید . صبح زود چای داده وباز بطریق دیروزسوار کردند . سعدالسلطنه سرتیپ قزاق را با صدنفر قزاق برگردانید باقی مامورین راهمراه برداشته التزامی‌برای حفظ محبوسین از هرخطر نوشته‌داد . براه افتاده باسرعت میراندند تا بحصارك وارد گردید بهمان نحوسواره‌بهریك‌فنجانی‌چای‌داداسبان‌راعوض‌کردبرسرعت افزود تا وارد ینگی امام شدیم . آنجابهریك یك‌پیاله چای دادندوچون برای‌سعدالسلطنه نان وپنیر وکره وسرشیر آوردند بهریك ازمحبوسین لقمه نان و پنیری دادند . اسبان‌را عوض‌کرده بهمان‌سرعت‌راندند.... بهمین طریق نیم‌ساعت بظهر مانده وارد قشلاق‌شدیم ودر آنجا پیاده‌کردند و باطاقی بردند روی صندلی نشستیم . یك‌نفر از مستحفظین گفت مگر اینهارا نباید بازکرد ؟ بااین‌حال چگونه بمستراح بروند ؟ امین‌خاقان که بعدازآن صحبت‌حکیم باما در لجاجت بود آدم او مشهدی‌حسین گفت باید بهمین‌حال بسته بروند. در این‌حال ناهار حاضر کردند چلو و خورش و ماست وکره ، طعام زیاد بود . کسی از محبوسین دست دراز نکرد گفتند چون بااین وضع بمستراح رفتن سبب زحمت ورسوائی است غذا نمیخوریم . مشهدی‌حسین آدم امین خاقان رفته حال را بسعدالسلطنه گفت خواهش‌کرد زنجیررا بردارند . اوگفته بود «بلی بردارند بی‌زنجیرناهارخورده بمستراح رفته دست و رو شسته نماز بخوانند » مشهدی‌حسین فراش شاهی گفت من نمیگذارم نایب‌السلطنه بمن‌حکم‌کرده‌که اینان تا قزوین بهمین طوربسته بمانند . سعدالسطنه گفت ازمن قبض گرفته‌اند خودم میدانم چطور ببرم . زنجیررا برداشتند . بواسطه حرکت و هوای راه رفتن رفیقان خوب غذا خوردند . پس‌از غذا و شستن دست ورو مجدداً بنحو سابق سوارکرده تند رانده تابه‌کمنده رسیدیم. سعدالسلطنه وامین‌خاقان در آنجا پیاده‌شده چای خوردند بماهم نفری یك‌فنجان داده روانه شدند . سوار سرخ پوشی درجلومیرفت برای همه موجب خیال شد که او میرغضب است . با این‌وضع تا یك‌فرسخی قزوین‌تند راندند همه‌جا کالسکه سعدالسلطنه در دنبال بود آنجا بسرعت تمام رانده گذشت . دلیجان ما بنحو سابق میرفت تا داخل خیابان قزوین شد بسیار تند راندند و پرده‌های دلیجان را نیزافکندند . در جائی دلیجان‌ایستاد پرده‌برداشته‌شد ودیدیم عالی‌قاپوی‌قزوین است . فراش‌زیادی بصف ایستاده ومردم را دور کرده‌اند . سعدالسلطنه و امین‌خاقان‌هم حاضرند . پس مارا پیاده‌کرده ازدالان بسیار طولانی بعمارت وسیعی داخل کردند مراکه

طاقت راه‌رفتن نداشتم‌فراشان چسبیده میبردند تا همه مارابیك اطاق وسیعی برده دراطراف ودرها چاتمه وقراول گذاشتند . چون دیدند زنجیر سنگینی میکند چوبهای دوشاخه‌زدند مشهدی‌حسین فراش میخواست مانع شود گفت سعدالسلطنه اذن نمیدهد . گفتند خیر ، اومسلمان وماهم مسلمان ما مثل طهرانی‌ها بیرحم نیستم‌که بی‌جهت اینهارا زنجیر کرده تخفیف عذاب هم نکنیم . بهرحال بهریك از ما در ورود دوفنجان چای دادند . و آنجا محبس ماشد. مشهدی‌حسین فراش‌شاهی تقاضای صدتومان‌پول وخلعتی داشت و میخواست سعدالسلطنه حسن خدمات اورا نوشته اضافه‌مواجب برای او بخواهد و منصب سلطانی هم باو بدهند . ازمن پرسید چه حدس میزنید اینهارا بمن میدهند ؟ گفتم سعدالسلطنه عاقل است . نزدیك غروب زنجیرهای‌مارابرداشتند نماز ظهر و عصر و مغرب و عشارا خواندیم . شب وقت خواب زنجیرهارا باز کردند مشهدی‌حسین خواست مانع شود باو گفتند تواینجا حق فضولی نداری وباید در نزد اینان‌هم نمانی . بمشهدی‌حسین گفتم گمان دارم انعام سعدالسلطنه بتواینجا باشد که زنجیرهارا بتو داده بگوید بسلامت‌برو . باری شب همه‌راخلیلی (کند) کردند حتی پای معیوب مرا و محرمانه بگوش ما گفتند چون هنوز امین‌خاقان در قزوین است سعدالسلطنه بملاحظهٔ او لابد است سختگیری نماید . بهرحال در اذیت زیاد بودیم . صبح زنجیرهای طهران را برداشته بمشهدی حسین‌دادند ببرد طهران وزنجیر جدیدآوردند. ماهم‌بمشهدی‌حسین گفتیم: نایب بسلامت‌خلعت‌مبارك! صبح برای نماز بیرونمان بردند بعدبازخلیلی کردند . قدری که آفتاب بالاآمد چندنفر آمده گفتند باید بدستور نایب‌السلطنه محبوسین را جابدهیم. پس‌من ومیرزامحمدعلی‌خان ومیرزارضا در یك‌اطاق ومیرزانصرالله‌خان‌ومیرزا فرج‌الله‌خان در یکی وحاجی‌ملاعلی‌اکبر وحاجی‌ابوالحسن دراطاق‌دیگر محبوس شدیم . در جلو هریك از منزل‌ها چاتمه وقراول مقررشد وقدغن کردند که کسی از قراولها باکسی از ما سخن نگوید ودرهاراهم‌برروی ما بستند . اطاقهاهم هیچیك در پهلوی هم نبود بلکه بین آنها یك‌اطاق فاصله بود و در هراطاق یك‌گلیم کهنه وبرای هرنفری یك لحاف ویك‌بالش بود ودر هراطاق یك‌خلیلی و یك‌زنجیر مهیا . ناهار مرتب میدادند و بهرنفر دوفنجان چای . فراشباشی سعدالسلطنه آمده ازطرف او احوالپرسی کرده گفت میگوید پس‌ازاینکه امین‌خاقان پدر ملیجك از اینجا برود این سختی‌ها برطرف میشود . پس مقررکردندکه در وقت نماز یك‌یك‌اطاقهارا بازکرده وزنجیر وخلیلی را برمیداشتند وبمستراح میبردند بعدازوضو ونماز باز زنجیر و خلیلی کرده قفل نموده کلیدهارا بنایب‌جعفرقلی میدادند این‌نایب‌جعفرقلی را فراشباشی معین نموده وسپرده بود دروقت لزوم بیرون بردن یکی ازمحبوسین قفل‌را بازکرده‌ببرد. این‌پیرمرد که بدست خود زنجیر وخلیلی مینهاد پیر بود بارنك ریش وابرو وسرمه‌کشیدن چشم خودرا جوان نشان میداد . قدری‌هم لنگ بود و تسبیح در دست داشت .

وقت‌زنجیر کردن ما تسبیح را بکمربند میکرد . بعداز رفتن او در دفعه اول من ازرفقا پرسیدم این را چگونه حدس میزنید ؟ میرزا رضا گفت آدم بدی بنظر نمیآید . میرزامحمدعلی‌خان‌هم گفت ظاهراًنبایدآدم بدی باشد . گفتم بنظر من غیرازاینهامیآید. صبح محمداسمعیل فراش آمده زنجیرها وخلیلی‌هارا با زمیکرد پرسیدم این‌نایب‌جعفرقلی چگونه آدمی است ؟ گفت در نزد سعدالسلطنه بسیارمعتبراست واگر ازفطرت اومیپرسید ازخودش بپرسید میگوید. کسانیکه قلیان‌کش‌بودند بی‌طاقت شده بودند من نایب‌جعفرقلی را خواستم گفتم نایب هیچ‌حبس شده‌ای ؟ گفت برای چه میپرسی ؟ گفتم من ابداً اهل دخانیات‌نیستم لیکن رفیقان من قلیان‌کش هستند و بی‌طاقت شده‌اند . گفت من مقصر دولت بودم آدم کشته بودم در دنبالم بودند از دیوار هفت‌زرعی خودرا انداختم پایم لنگ شد گرفتار گردیدم هفت‌سال در انبار شاهی‌ماندم کسی بنزدم نمیآمد پایم لنگ‌ماند. در سال گرانی خیلی بما غذا کم میدادند ازگرسنگی بازوی کسیکه در زنجیر نزدیک‌من بود بدندان گرفته خواستم بخورم فریاد کرد آمدند بازویش‌را نشان داد . ماروز وشب درزنجیر وخلیلی بودیم . بواسطه این‌کار چند چوب بمن زده آن شخص‌را ازمن دور کردند وبیرون رفت . **میرزا محمدعلی‌خان** گفت:

من دیوانه بوده‌ام که در لندن جلیس میرزاملکم‌خان را گذاشته آمدم و خودرا دچار زنجیر وخلیلی محبس ایران‌کردم که درآن ممالك اگر بگویند کسی باور نمیکند . من گفتم دیوانه‌تر از تومن بوده‌ام که سلطنت حقیقی وآزادی وسیاحت و احترام درنزد تمام بزرگان تمام ممالك را ازدست داده آمده در این خاك آغشته بخون مظلومان و جاهلترین ممالك جهان گرفتار عیال واولاد ومبتلای زنجیر ظلم‌وبیداد شدم .

میرزارضا گفت سبب‌گرفتاری همه شما من‌شده‌ام که بعهدوسوگند چنین ناپاکان لامذهب بی‌شرف کذاب کامران‌میرزای‌بی‌غیرت اطمینان‌کردم بخواست خدا اگر ازاینجا خلاص شدم مادرش را بعزایش مینشانم . گفتم میرزا رضا بس‌است مارا تا اینجا کشیدی بیشتر ازاین بچاه عمیقتر نینداز . ساکت شو !

اگر این‌حرف‌های تو بگوش این فراشان برسد امید حیات همه ما قطع خواهدشد. گفت انشاءالله بمردانگی زبان بسته بازو خواهم‌گشود . گفتم بس است اگر بما رحم نمیکنی به‌خودت رحم‌کن. گفت ظلم ازاین بالاتر میشودکه ما را باین‌روز سیاه‌نشانده‌اند وعیال و اولاد ما بیکس از زندگی ومرگ ما خبر ندارند و هر روز به‌مصیبتی و عزائی گرفتارند. **میرزا محمدعلی‌خان** گفت شما دیدید درحضور همه بیگناهی مرا تصدیق کرد وبعد دچار این‌همه عذابم نمود !

فردا خبرآوردندکه امین خاقان رفت و برای‌ما سخت نخواهدبود. واقعاً هم‌روزها

کمی خلیلی‌میکردند لیکن زنجیر باقی بود .

روزی آمده گفتند شمارا بحمام میبرند . میرزا رضا گفت حمام امیری نباشد !

گفتم نترسید محض‌احسان است . اگر بخواهند مارا بکشند حاجت بحمام ندارند. بعد آمدند اهل هراطاق را علیحده و یکان یکان با مستحفظ بحمام بردند چون پیراهن‌وزیر جامه عوضی‌نداشتیم همانکه‌داشتیم‌در حمام‌شسته‌خودهم‌تنظیف نمودیم بعد از بیرون‌آمدن ناهار مفصل خوبی دادند . همیشه سعدالسلطنه ناهار وشام خوب میداد . ناهار نان‌خاصه وخورش متعدد میداد مارا بحمام مخصوص خودکه بسیار پاك بود برد . دلاك مخصوص او خدمت میکرد . به رفیقان گفتم این سعدالسلطنه است‌که با نیت‌خود باما رفتارمیکند و آن پسرشاه بود غذا و حمام اورا دیدید . با اینکه این اختیار آزادی و رفاهیت ما را ندارد و اومختار بود. پس‌ازچند روز مادر میرزا نصرالله خان ازطهران برای او رختخواب وپول ولباس فرستاده بود . محمد اسمعیل فراش‌قدری با ما مانوس شده سلام ما را بیکدیگرتبلیغ‌میکردپیراهن و زیرجامه وجورابی برای **محمدعلی‌خان** از طرف میرزا نصرالله رسانید . من‌هم استدعا کردم جواب آوردکه دیگر باقی نمانده . واقعاً نظیر حال‌افتادن بزمین و نمردن به‌من رخ داد. میرزا محمدعلی‌خان زبان انگلیسی میدانست . برای میرزا نصرالله خان ومیرزا فرج‌الله‌خان پول آورده بودند مبلغی ازآن را به‌نایب جعفرقلی داده اورا واسطه‌کردند سعدالسلطنه رخصت دادکه اورا بنزد آن دو نفر بردند برای‌تعلیم انگلیسی به ایشان . من خیلی دلتنگ شدم باز او انیس خوبی بود ماندم بامیرزا رضاکه ساکت نبودوگاهی‌ازوطن‌خواهی وملت پرستی (که ازسیدجمال‌الدین شنیده بود) میگفت وگاه من‌به‌او نصیحت میکردم‌که احتیاط را ازدست ندهد لیکن‌پروای زبان نداشت .

متأذی بودم . روزی‌گفتم تو این‌جاهلان را نمیشناسی . اینان روی‌آجرمیخوابند و نان ازخود میخورند و با این‌جان‌کندن مشعوفند که خدام حاکم محسوبند . اگرشاه بایشان امرکند بدون سابقه عداوت وپرسیدن جهت مارا هلاك میکنند. گفت‌گمان ندارم تا این‌درجه خر ونادان باشند . اسمعیل نام سربازکه قراول بود و درجلو اتاق ما بود اورا صداکردم گفت نایب‌قدغن‌کرده نمیتوانم بیایم . گفتم کاری نیست زود برگرد . آمد پرسیدم اگرسلطان فوج تو امرکند با چاقو سر مارا ببری یا با تفنگ بکشی‌چندروز مهلت میدهی ؟

گفت هیچ ! مگر سلطان بمن مهلت میدهد ؟ پس فوراً بیرون رفت.

به میرزا رضاگفتم فهمیدی بزرگان و علمای مملکت این مردم عوام را چگونه به‌بندگی خود تربیت‌کرده خدا را ازیادشان برده وانسان را حیوان‌کرده‌اند ؟

محمد اسمعیل فراش‌آمد گفت برادرمیرزاحیدرآمده چند دست لباس وپول آورده خواهش‌کرده ملاقاتی‌کند . رخصت ندادند ازدور دیدکه زنده است روز دیگر گفتند برادر عیال حکیم آمده اوهم چند دست لباس آورده اورا هم ازدور نمایاندند حکیم زنده است درهر پانزده روز قراولها را عوض میکردند . برای اینکه مبادا آشنا شویم وبرای ما کاری بکنند . بدبختانه میرزا رضا وقتیکه میخوابید نفیر سختی داشت‌که من منزجرشده خواب بچشمم نمی‌آمد و دربیداری ازتندی که داشت با صدای بلند هزارفحش به شاه و نایب‌السلطنه وزن وکسان ایشان میداد . گاهی به‌آن‌دونفرکه به‌تهمت بابی‌گری‌گرفتار شده بودند دشنام میداد . ایشان میگفتند ما به آتش شما سوخته‌ایم ما راگرفته‌اند تا گرفتن شما محل‌اعتراض نشود. محمد اسمعیل حرفهای مارا از اطاقی به‌اطاقی میرسانید لیکن ملاقات با یکدیکر و سخن‌گفتن باهم بشدت ممنوع بود . روزی نایب جعفرقلی حاج میرزا احمد را دشنام داد بتقصیر اینکه با چشم و ابرو به دیگران اشاره میکنی و گفت با این قفل‌وزنجیر شما ما شب آسوده نمیخوابیم . قزوین‌هفده محله است هرشب دسته‌ای ازیك محله دردورارك کشیك میگذاشتند. بعضی سربازان نیك سیرت ازاین‌حال ما متأسف بوده زیاد دلسوزی میکردند لیکن چه میتوانستند کرد . درجائیکه زیاده‌از پانزده روز مرخص بنگاهبانی ما نبودند این نگاهبانی تحمیلی باین بیچارگان بود و راه دخلی‌برای صاحب منصب ایشان که ازبسیاری پول میگرفت و مرخص میکرد . چنانچه درتمام امور این‌است .

ما همیشه میپرسیدیم ازما دربیرون چه میگویند ؟ میگفتند شهرت دارد که شما جمهوری میخواهید وقبر جمهور هم درشام است لیکن ازشما تعریف وتمجید میکنند .

مدتی باین وضع گذشت‌روزی گفتندازطهران تلگراف‌شده‌که یکنفررا ازتبریزمیاورند باید اوهم با محبوسین درحبس بماند .

معلوم شد محبوس جدید میرزا یوسف خان مستشارالدوله است‌که ازطهران حکم شده اورا درقزوین زندانی کنند .

دهم محرم بودسعدالسلطنه‌مجلس‌تعزیه دایرکرداطعام مینمودوصدای روضه‌خوانی وگریه‌کنندگان بگوش ما میرسید . وقتی میرزا رضا را برای قضای حاجت بیرون بردند فریادکرد: ای‌کسانی‌که برای قضیه ۱۳۰۰ سال پیش گریه میکنید برای‌ماگریه بکنیدکه بی‌تقصیر ما را حبس و زنجیرکرده‌اند عیال و اولاد ما ازما بی‌خبر و احدی بدیدن ما نمیاید باز اسرای کربلا را دیدن میکردند خرما و نان میدادند آخر ما مسلمانیم .

داد وفریاد او بگوش سعدالسلطنه ومجلسیان رسید . سعدالسلطنه نایب جعفرقلی

را خواسته تندی کردکه چه خبراست ؟ او گفت یکی دونفر از زندانیان پیراهن و زیرجامه ندارند لباس میخواهند . گفت حق دارند بگیرید بدهید . پس به مجلسیان گفته بود ازاین محبوسان گویا دونفر بابی هستند باقی آدمهای خوب ومتدین مخصوصاً یکی حاجی سیاح است که هفت دفعه به‌مکه مشرف شده . گفته بودند پس‌چرا اینهارا حبس کرده‌اند؟ گفته بود اغراض بزرگان با یکدیگر سبب گرفتاری این بیچارگان شده . من هم مبتلا شده‌ام . مستشارالدوله به‌میرزا رضا سفارش‌کرد این دادوبیداد تو کجا بگوش‌شاه میرسد و اگر رسید چه‌فایده دارد ؟ سکوت کن . نایب جعفر آمد چند چوب به میرزا رضا زد ناسزا گفت او هم باصدای بلند دشنام به شاه و حرم او وحکومت و درباریان گفت . باز مستشارالدوله سفارش کردکه چرا بی‌جهت خودت را به زحمت می‌اندازی ؟ سکوت بهتر است . باید به خدا واگذاشت تا چه مقدرکرده باشد ...

باین وضع روز وشب میگذشت هوا رو به سردی گذاشت اطاقها سرد بود ولباس گرم نداشتیم. سعدالسلطنه دید با این‌حال‌ماها درسرمای زمستان هلاك می‌شویم تلگراف کرد به‌تهران‌که «زمستان میشود وهوا سرد است اگر اینان خلاص‌شدنی هستند مرخص شوند واگر خواهند ماند باید تدارك زمستان دید والا تلف میشوند» جواب آمده بود اینانرا به‌مهمانی‌نفرستادندتوچای، پلو و گوشت‌ونان برای آنان پهن‌کردی اینان‌خلاصی ندارند خائنانند . لقمه نان خشك سد رمق بیشتر ندهید . هرکدام سرد آسوده شده است دو دسته جاسوس داشتیم : فراشان برای سعدالسلطنه سربازان برای نایب‌السلطنه و هردو دسته به ملاحظه یکدیگربرما سخت میگرفتند بعدازاین تهدید و امر کامران میرزا که اینان مهمان نیستند مقصرند مردند بجهنم !

روزی‌صبح حسب‌المقرر زنجیروخلیلی‌از پا برنداشته برای نماز بیرون نبردند . تا آفتاب‌طلوع کرد . چای‌که مقرراً میاوردند نیاوردند . چون بخوردن چای عادت شده بود خیلی سخت گذشت خصوصاً میرزا رضا بی‌تابانه به فراش‌گفت چای‌که ندادید باری یك قلیان بمن‌برسانیدبیحال‌شدم . ازپولیکه ازمستشارالدوله بمامیرسید میرزا رضا ذغال و تنباکو و قلیانی مرتب کرده درگنجه مخفی داشت گاهی میکشید ولی چون در خلیلی بودیم دست نمیرسید فراش گفت «دیگر چای و قلیان بشما داده نمیشود . نایب‌السلطنه با تلگراف منع‌کرد و دستور داده بشما تنگ بگیرند تا یك‌یك از سختی بمیرید» گفتم خداوند انتقام بکشد ما چه‌کرده‌ایم ؟ هنگام ظهر ناهار آوردند سابقاً ناهار مرتب خوبی میدادند . دیدیم یك قرص نان وآبگوشت بسیار مختصری است . میرزا رضا خواست نخورد گفتم برای که قهر میکنی ؟ گفت میخواهم نخورم بلکه بمیرم . گفتم تو شکم پاره‌کردی من خودم را پرت‌کردم نمردیم باید اجل موعود برسد . نان را خوردیم .

همه روزه درمجموعه برای قراولان طعام باقی می‌ماند آن روز چیزی‌نماند . خجلت‌کشیده عذرخواستیم . ایشان بما دلسوزی‌کرده دعاکردند و گفتند ما ازخدا خلاصی شما را میخواهیم . میرزا رضا سر به آسمان بلندکرد گفت انشاءالله اگر خلاص شدم شر این ظالم را رفع میکنم . گفتم تو دیوانگی را ترك نمیکنی ؟ اگر این سربازان حرف‌های ترا شنیده و ببزرگان رسانیدند ببین‌کار ما به‌کجا خواهد انجامید . کشتن ماها درنظر ایشان مثل کشتن مورچه است . چندعدد لوبیای سرخ وسفید داشتیم‌که در روی آجر خط‌کشیده گاهی بازی دوز کرده خودرا مشغول میساختیم آنرا نیز ازما گرفتند . ازهمه دردبدتر بیکاری و تمام را در فکر عیال و اطفال بودن‌است هنگام عصرهم چای ندادند . خلاف عادت اسباب صدمه شد . میرزارضا ازبی‌قلیانی قدری تنباکوجوید فایده نکرد . پول دادیم قدری چای خشك خریدند خوردیم تسکینی‌شد . دردهٔ محرم بااینکه میترسیدند مردم هجوم کرده ماراخلاص‌کنند باز هفته‌ای‌یك‌روز زنجیر وخلیلی رابازکرده چندساعت بیرون میبردند در آفتاب‌گردش‌کرده لباس میشستیم . میرزارضا گفت : افسوس دیگر مارا بیرون نمیبرند والا خودرا در آب تلف‌میکردم . خدایا وسیله‌ای‌کن چاقوئی برسان خودم را راحت کنم . نزدیك غروب میآمدند بقدری زنجیررا برمیداشتندکه نماز ظهر وعصرومغرب وعشارا متصل بهم میخواندیم باز میبستند . سربازی با چشم‌پراشك ازگریه گلوگیرشده آمد گفت : چه‌واقع‌شده که متصل میآیند تأکید میکنند بشما سخت بگیریم؟ میگویند نگذارید جان‌بگیرند ومواظب باشید خودرا تلف‌نکنند ومبادا فرارکنند. اگر یکی فرار کند شمارا میکشند واهل وعیال شمارا اسیرکرده خانه‌تان‌را آتش میزنند. گمان‌دارم قصددارند شمارا بکشند . شام راخیلی‌دیرمیآوردند بسیار مختصر و رخصت دست‌شستن نداشتیم از این‌جهت قاشقی گرفته با آن غذا میخوردیم . وقتیکه بکنار آب میرفتیم‌می‌نشستیم‌ازبیم‌اینکه مبادا باقاشق‌خودرا تلف‌کنیم‌آن‌راهم ازماگرفتند. میرزارضا یك‌جام شیشه‌دررا شکست‌که‌شایدباشیشه خودرا تلف کند لیکن امکان نداشت . از این سختی‌ها همه‌کاهیده وضعیف ورنگ‌ها مثل‌مرده‌شده‌بود . رخصت‌دادندکه هرکس پول‌دارد باپول‌خود چای‌وغیره خریداری کند. عیال سعدالسلطنه که دل‌رحیمی‌داشت و مقدسه‌بود ازحال‌ما مطلع‌شده تعهدکرده‌بودکه‌چای وتفاوت‌خرج محبوسین‌را ازخودبدهد . روزی با کمال یأس نشسته‌بودیم ناگاه چای آوردند و گفتند ناهارهم مثل سابق خواهدرسید و سعدالسلطنه برای‌شما تهیه‌کرسی‌ولحاف وآتش‌هم‌میکندهمه‌دعای‌خیر باووزنش‌کردیم‌بعداز چندروزخبر آوردندکه اشخاص‌ازطرف‌شرکت‌رژی ازطهران‌آمده دکاکین تنباکوفروشان‌را بسته هرچه‌تنباکوداشتند ضبط کردند . فروش‌تنباکوبایشان منحصرخواهدشد و بسته‌هاکرده نمره‌زده قیمت‌خواهندگذاشت . جمعی نزد سعدالسلطنه آمده ازاین‌کار تظلم مینمایند او

میگوید این امر طهران است و علاجش بدست من نیست . بعد از دو سه روز گفتند در طهران آشوب شده در خصوص تنباکو وازطرف علما ومردم اقدام بضد شاه شده‌است...

فردای آن روز آمده گفتند لباسها را بپوشید میخواهند عکس بردارندعکاسیکه آمده بود روسی بود بزبان روسی گفت ای خدای من ! من دنبال حرف اورا گرفته و بروسی گفتم یا ما را خلاص کن یا مرگ بده او متحیر شده گفت چه تقصیرکرده‌ایدکه باین عذاب‌الیم گرفتار شده‌اید ؟ گفتم تقصیری‌که بما نسبت میدهند این‌است‌که میگویند اینها قانون و تعیین تکلیف خواسته‌اند . نایب جعفرقلی دید ما بزبان روسی حرف میزنیم بعکاس گفت تو اینجا آمدی عکس اینها را برداری نه اینکه مشغول صحبت باشی. زودکار خود را انجام ده عکس‌هارا برای‌شاه میفرستند . پس از من ومیرزا رضا در حالیکه بیك زنجیر بسته و از هریك یك پا در خلیلی بودیم عکس‌برداشتند . نایب‌رضاقلی هم در پشت سر ایستاده بود پرسیدم از همهٔ محبوسین عکس برداشتند ؟ گفتند بلی میرزا رضا گفت عکس برداشتندکه بکشند؟ گفتم ظن من براین است‌که نمیکشند ، بهرحال‌همه محبوسین مضطرب بودند که بچه وضع کشته خواهند شد ناهارآوردند کسی نتوانست بخورد لیکن در وقت مقرر چای آوردند قدری اسباب تسکین گردید ...

در این بین ملك‌التجار را هم از طهران میآورند ودرآن محبس زندانی‌میکنند.

حاج سیاح بوسیله یك سرباز مخفیانه کاغذی بمنزلش مینویسد و لباس و پول میخواهد .

سربازها عوض شدند این دسته هم چون سابقاً کشیك داده بودند وآشنائی پیدا شده بود برای ما کرسی نهادند . سرخك‌ها که در خلیلی کهنه بودند بجان آمده بما صدمه میزدند پیغام بسعدالسلطنه دادیم که خلیلی بس نبود سرخك ها ما را میکشند . گفته‌بود والله من از اول‌گفتم حاج سیاح خلیلی نمیخواهد سلطان سربازها بنایب‌السلطنه راپورت داد او حکم کرد بسختگیری،من هم چاره ندارم . پس گفت آن خلیلی کهنه‌را بردند و خلیلی که برای مستشارالدوله تهیه کرده بودند آوردند که هرشب یکی از ما را خلیلی کنند .... در همان روزها آشوب طهران بقزوین سرایت کرد . مردم قزوین بازارها را بسته در شاهزاده حسین بستی شده و گاهی درب خانهٔ حکومت غوغا میشد . ملك‌التجار (که مستخلص شده بود) در رفع غائله کوشید وبعد از سه روز که اصلاح‌شد بطرف طهران حرکت کرد .

پس‌ازچندی سعدالسلطنه از حکومت قزوین معزول میشود و پسرش میرزارحیم خان تا ورود حاکم جدید نیابت میکند و حسام‌السلطنه بحکومت قزوین منصوب‌میشود درظرف این‌مدت بجای زندانبانان سابق سربازان مأمور حفاظت محبوسین میشوندحجرات

و صحن را آب و جارو کرده و سربازها در چاتمه‌ها بطور استقامت حاضرشده‌بکند و زنجیر ما کمال دقت و رسیدگی کرده گفتند حسام‌السلطنه میآید . حسام‌السلطنه آمده اول بمنزل مستشارالدوله رفت پس ازآن بحجرهٔ ما آمد چون مرا میشناخت سر خود را بلند نکردکه مبادا چشمش به چشم من افتد سلام‌کرده‌جواب گفتم ... زیاد توقف‌نکرد، نام‌هریك‌را خواند .... من همینقدر گفتم شاکرم که بجزای‌گناهی‌گرفتار نیستم. بمیرزا رضا گفت برخیز او گفت چگونه برخیزم گردن در زنجیر پا بکند . نواب والا شما از خانوادهٔ سلطنت هستید آیا جزای دو کلمه فضولی این است ؟ آیا خدائی نیست که نایب‌السلطنه بقرآن قسم یاد کرده مرا فریب داد و جمعی بیچاره را گرفتار کرده‌که از اهل و عیال بی‌خبر و اسیر مانده‌اند شاهزاده شمارا بخدا سوگند میدهم برای‌ما خلاصی هست یانه ؟ گفت گمان ندارم ، خودکرده را علاج‌نیست . پس بحال خجلت زدگی‌روانه شد . میرزا رضا خیلی بخودش فحش داده نفرین کرد . شاهزاده بحجرهٔ آن دونفرکه‌متهم ببابی بودن بودند نرفت . بعد از رفتن او کلیددار گفت من نگاه میکردم اول در منزل مستشارالدوله بعد در منزل شما شاهزاده سربلند نکرد . پس از رفتن بدارالحکومه از کسانش پرسیدندبرای‌این بابی‌ها خلاصی‌هست‌یانه ؟ تند شده‌گفت‌شما اینها را نمیشناسید چرا تهمت میزنید؟ یك دو نفر ایشان را من خوب میشناسم وقتیکه بخانهٔ من میآمدند تا دم در استقبال میکردم . در حضور مردم امرکرده بود مجموعهٔ دیگر از شیرینی‌ها برای ما آوردند . رستم سلطان و رستم وکیل آدمهای غلیظ و متکبری بودند با محبوسان خوب سلوك نمیکردند . شاهزاده بسربازان پیغام دادکه با احترام با ما رفتار کنند . و گماشته‌اش مخصوصاً برای احوالپرسی‌نیامد . میرزا رضا بگماشته گفت«سعدالسلطنه‌آبدار بود اما حسام‌السلطنه پسر عموی شاه و نجیب است بما مرحمت کند» گفتم این پیغام را این مرد نمیتواند گفت و اگر بگوید هم فایده نخواهد داشت زیرا پسر شاه و شوهر خواهر خود را نمیرنجاند که از ما توسط کند و اگر هم بکند قبول نخواهند کرد . یك روز میرزا رضا بجعفر کلیددار دو سه بار گفت زنجیر را باز کن میخواهم بمستراح بروم او اعتنا نکرد به میرزا رضا فریاد کرده بادشنام آمد و سربازی گماشت که بااو برود ، در مراجعت میرزا رضا که از این سختگیری بجوش آمده بود ابریق گلین و سنگینی را که در دست داشت با نهایت تندی بسر خود کوفت بطوریکه ابریق خرد شد لیکن سر او بواسطهٔ موهایش‌که‌درازشده بود نشکسته ورم‌کرد و فحش زیادی بشاه‌ونایب‌السلطنه و حاکم داد . وکیل و دیگران آمده اورا مجبوراً باطاق برده حبس کردند . میگفت : من از جان گذشته‌ام مرا فریب دادند این بیچارگان را هم من باسیری دادم آخر ما چه

تقصیر کرده‌ایم ؟ باز داد و فریاد کرده بسر میزد . صدا را حسام‌السلطنه شنیده بود یك نفر فرستاد گفت هیاهو بکار نمیخورد اسیری و آزادی شما در دست من نیست . میرزا رضا گفت برو بگو من ازجان گذشته‌ام، مردان بدتر از زنان .... مرا فریب دادند و سبب حبس این مردان محترم شده‌ام اینك من هم بشاه و حرم شاه و شاهزادگان فحش میدهم و فریاد میکنم مرا بکشند ازاین زندگی خلاص شوم . از من پرسیدند شماپیغامی دارید گفتم من ازهم زنجیری میرزا رضا و تندی او به تنگ آمده‌ام مرحمت بفرمائید همراه مرا عوض کنند . گفتند کدام را میخواهید گفتم میرزا عبدالله حکیم را همراه من کنند . پس از کسب اجازه میرزا عبدالله را هم حبس من‌کردند .... خود حسام‌السلطنه آدم نجیبی‌بود باما مهربانی میکرد مطلع شدکه بما چای خوب نمیرسانند مقرر کردماهانه چای و قند بدهند . بعد از چند روز دستهٔ قراول عوض شد از دست دو رستم خلاص شدیم. من وقت‌مرخصی‌برای‌قضای حاجت بهمهٔ محبوسین گفتم باید باین‌فوج که‌ازطهران رسیده‌اند نفهمانیم که بما سخت میگرفته‌اند . چوبی‌که به‌خلیلی‌کوبیده بودند کنده دور انداختیم پا ازخلیلی‌بیرون آمد وگفتم روز ورود ایشان هریك به بهانه‌ای‌بمنزل یکدیگر برویم تا بفهمانیم که ممنوع نبوده و زیاد سختگیری نکنند .

ماه‌رمضان سنهٔ ۱۳۱۰قمری (فروردین۱۲۷۲) وارد میشد امید داشتیم‌بملاحظهٔ ماه مبارك بما سخت نگیرند. سلطان این فوج خداقلی‌سلطان آدم بسیارخوب وخداشناس بود . پسرش علی‌اکبر خان آمد ما را تحویل گرفت باکمال معقولیت وما از رفتارایشان خیلی خوشنود شدیم . میرزا نصرالله‌خان برای گذراندن وقت‌با شیشه، از چوب،آلات شطرنج ساخته بود و تاری هم ساخته بودکه گاه مشغول میشد . وقت غروب زنجیر ما را برداشتند که شب را بی‌زنجیر و خلیلی خوابیدیم . از سربازان بخداقلی سلطان گفته بودند که آدم دین‌دار نمیتواند حال این محبوسان را ببینند . همه اهل دین و علم و پیرمرد بعضی مکرر حج بیت‌الله کرده تقصیری ندارند . فردا خداقلی سلطان بمحبس‌آمد تا چشمش بما افتاد بگریه افتاد بسیار گریست ما هم گریان شدیم . اظهار مهربانی‌کرد سفارش ما را بپسرش نمود و نوکر بسیار رحیم دل متدین داشت‌کربلائی علی نام باوهم گفت میخواهی پدر و اجدادت آمرزیده شوند باین مظلومان خدمت کن . او هم بحجرهٔ همه آمده سلام و مهربانی کرده گفت کاغذ بهرجا میفرستید نوشته بدهید سلطان و من میفرستم . چون ماه رمضان بود قدری توسعه در خرج ما دادند . خداقلی سلطان ما را وادار کرد بکسان خود کاغذ بنویسیم و حتی کاغذهائی بعلمای شهر نوشتیم . شب‌ها زنجیر و خلیلی نمیکردند ولی من بدوستانم گفتم این شخص و کسانش کسان خوبی

هستند . اگر فهمیده شود ما شب زنجیر و خلیلی نداریم برای او بد میشود . لهذا خواهش کردیم زنجیر میکردند و قفل کوچکی میزدند وقتی‌که ایمن از تفتیش بودیم باز میکردیم ویا از خلیلی بیرون میآوردیم . در مدت قراولی آن دسته بسیار خوش گذشت همینکه مدت اینها تمام شد خداقلی سلطان آمد مارا وداع کند گفت دستهٔ حسن بیك خواهد آمد . خواهش کردیم سفارش مارا بحسن بیك بکند گفت او شخصی بسیارخوب وبا دیانتی است سفارش لازم ندارد .

حسن‌بیك آمد ازهمه دیدن کرد و دلداری دادگفت بکسان‌خودکاغذمینویسید؟ گفتیم تاحال دو سه دفعه مخفی با زحمت زیاد نوشته‌ایم . حکایت سید جعفر را گفتم زیاد تعجب کرد . درمدت مأموریت حسن بیك خیلی بما خوش گذشت چند بار بوسیلهٔ او بکسان خود کاغذ نوشتیم برای ما خوردنی میفرستاد . کند و زنجیر ما را در شب موقوف کرد و ما را بنوبت شب در وقت سحر بمنزل خود میبرد و چای میداد .

چون نوبهٔ ایشان سرآمد بما وایشان مؤثر شد . وقت وداع حسن بیك درمنزل من گفت شما را بخدا میسپارم و خودم هم رفته استعفا خواهم کرد زیرا من نوکری دولت‌میکردم برای اینکه درحفظ بیضهٔ‌اسلام خدمت‌کرده‌باشم حال میبینم باید عون‌ظالم باشم و شریك ظلم حاضر نیستم باین درجه اطاعت کنم . گفتم مثل تو دراین دستگاهها لازم است برای رفع ظلم چه طاعت بهتر از رفع ظلم است گفت نه‌نه طاقت دیدن مظلوم‌را ندارم . پس با چشم گریان تمام محبوسین را وداع کرده برای هرحجره مرغ ذبح شده فرستاد . واقعاً رفتن این شخص پاك فطرت برای ما مصیبت تازه بود . این دسته نیز عوض شدند دسته‌ای آمدکه سردستهٔ ایشان حاجی ابراهیم نام وکیل‌آدم‌ظاهرالصلاح‌بنظر میآمد شارب زده سبحه در دست ذکر درلب داشت قدم میزد . ماهم در اول به آزادی حرکت میکردیم لیکن‌هریك که‌بیرون میرفت‌اعتراض میکرد وما نشنیده محسوب‌میداشتیم. شب رسید آمده بدست خود زنجیر و خلیلی و قفل کرده بعد دست‌کشیده استحکام آن‌را ملاحظه کرد . بعد از ساعتی‌که خواب مرا ربوده بود مجدداً آمد بدست خود قفل را ملاحظه کرد مبادا محکم نباشد . میرزا عبدالله حکیم گفت اسم شما چیست ؟ گفت حاجی ابراهیم . گفت پس حج بیت‌الله نموده و سفر کرده‌ای بگو ببینم آیا خبیث‌تر از خودت درجائی دیده‌ای ؟ بسیار برآشفته گفت ما باید پادشاه را اطاعت کنیم شما چرا یاغی شده‌اید ؟ باید جزای خود را ببینید پس لندلندکنان بیرون رفت .

در آن روزها میرزا حسن گماشتهٔ حسام‌السلطنه بقچه آوردکه مقداری پول و لباس از خانه برای من فرستاده بودند . چون قبلا سپرده بودم روی پارچه کاغذ نوشته

و آن را میان رو و استر لباس بگذارند . آن را پیدا کرده خوانده بعد شستم . وسعتی در کار پیدا شد . یك روز میرزا محمدعلی خان آمده گفت یك نفر از ولایت ما بـرای دیدن وضع حال من آمده و کاغذ آورده ولی ازترس خود را معرفی نکرده‌چطورمیدانید من نشانی فرستاده بواسطه آن کاغذ را از او بگیریم؟ گفتم اگر زمان خداقلی سلطان یا حسن بیك بود عیب نداشت این دسته رئیسشان حاجی ابراهیم است که تا مبال دنبال ما جاسوس میگذارد و دلش میخواهد ما همیشه در حبس و زنجیر باشیم . بگذار نوبهٔ کشیك این دسته که اغلب مردمانی بیرحم هستند منقضی‌شود بلکـه دستهٔ خداشناسی‌پیـدا شود شما حکایت سید جعفر را دیدید ؟ گفت آیا شما انتقام دست غیب را نشنیدید کـه پسر سعدالسلطنه در ایوان کی بنـاگاه بچه مرض بدی بهلاکت رسیـده ؟ گفتم مردن او جز اینکه پدر ومادرش‌را دلسوخته‌کرد با اینکه خوب بودند بحال ما چه فایده‌کرد ؟ بهرحال من از این دسته ایمن نیستم صبرکن . لیکن بیچاره چون مدتی‌بود ازخانه وکسان خود خبر نداشت تاب نیاورده اسمعیل‌نام سرباز راکه از دیگران بهتر دانسته بود خواسته باو گفت . ببین در اینجا از اهل همدان کسی هست مرا بشناسد ؟ اسمعیل رفته یك نفر را دیده بود . او آدم خامی نبوده گفته بود من همدانیم و اسمم بهرام است سه ماه است‌در قزوینم . گفته بود میرزا محمدعلی‌خان‌را میشناسی ؟ بهرام‌گفته‌بودکدام میرزامحمدعلی خان ؟ کجائی است و چه علامت دارد ؟ اگر برای من خبر آوردی شاید بشناسم . او آمده بود نزد میرزا محمدعلی خان‌که بهرام خان نام همدانی بسراغ شما آمده میگویـد اگر نشانی بدهید کاغذیکه آورده‌ام میدهم . میرزا محمدعلی خان با اسمعیل پیش آمـده تفصیل را گفتند . من بدقت بقیافهٔ او نگریسته جز خبث و بدفطرتی چیزی نـدیده بزبان انگلیسی بمیرزا محمدعلی خان گفتم من اطیمنان ندارم این آدم دروغ میگوید از طرفی میگوید بهرام خان گفت در ولایت ما خان بسیار است کدام میرزا محمدعلی خـان و از طرفی میگوید گفت نشانی بیار کاغذ را بدهم . ایندو باهم نمیسازد آن بیچاره را گرفتار نکنی بگذار سه ماه مانده قدری هم بماند بلکه‌آدم محل اطمینانی پیدا شود بیچاره‌میرزا محمدعلی خان بسکه بی‌خبر مانده بود طاقت نیاورده دو هزار دینار باسمعیل سرباز داده و نشانی گفته بودکه من یك پسر دارم نامش چیست و خانه‌ام در کجا است تا باین‌نشان کاغذ را از بهرام خان که خویش او بـود بگیرد . اسمعیل رفته نشانی‌ها را گفتـه آن مرد بیچاره باز احتیاط کرده گفته بود این آن میرزا محمدعلی‌خان نیست او چندین زن و اولاد دارد . اسمعیل باز آمده میرزا محمدعلی خان برنشانی‌ها افزوده وبرای‌او اطمینان داده که من بعـد از عروسی بلندن رفتم یك پسر دارم نامش هاشم خان است کاغـذ را

بده . آن مرد بیچاره که سه ماه زحمت‌ها کشیده در مسجدها خوابیده و باکمال احتیاط عمل نموده کاغذ را نزد تاجری امانت گذاشته بوده بعد از این اصرار و اطمینان کاغذ را از تاجر گرفته باسمعیل‌ناپاك میدهد . آن پست فطرت گرفته نزد مصطفی‌خان‌سرتیپ میبرد آن بی‌انصاف هم کاغذها را گرفته بنایب‌السلطنه تلگراف میکندکه بهرام خان از همدان آمده و کاغذها آورده و خیالات درسر داشته‌اند !

از بخت بلند قبلهٔ عالم کاغذها بدست ما افتاده حالا بفرمائید تکلیف چیست ؟ نایب‌السلطنه تلگراف را نزد شاه برده و حسام‌السلطنهٔ از همه جا بی‌خبر بناگاه تلگراف تشدد از طهران رسیده که تو چگونه حاکم قزوینی واز محبوسین اطلاع داری که بهرام خان همدانی با نقشه و دستورالعمل آمده وبرای محبوسین کاغذها آورده ؟ البته‌بهمراهی سرتیپ بهرام خان را دستگیر و حبس کرده تفصیل را بعد از تحقیق بمرکز اطلاع بده . میرزا محمدعلی خان در انتظار بودکه اسمعیل میآید و کاغذ میآورد ، روز وشب گذشت و خبری نشد فهمیدیم خیانت شده از سرباز دیگر خواهش کردیم‌که اطلاع دهد . آیا بتازگی کسی را بحبس حکومت برده‌اند ؟ فردا خبرآوردکه یك نفر بهرام خان که پیرمرد شکستهٔ پریشانی است سرتیپ گرفته بحبس حکومت بردند کاغذیکه داشته حسام‌السلطنه خوانده چیزی نداشته‌که سبب مؤاخذه باشد فوشته بودند وقتیکه تو در لندن بودی‌کاغذ و خبر تو بیشتر بما میرسید . الان که در قزوینی‌ابداً از تو خبری نداریم مردم چیزها میگویند شب و روز ما تاریك شده آب و نان ما همیشه آلوده باشك ما است با هیچ وسیله نتوانستیم از تو خبری بدست آوریم لابد مانده بهرام خان‌پیرمرد را فرستادیم شما را بخدا و پیغمبر و قرآن و هرچه شریف است قسم میدهیم‌که دوکلمه بخط خودت بنویس ما بدانیم تو زنده هستی همین مارا بس است . هاشم‌خان در رحم بود شما رفته‌اید حالا راه میرود و بابا میگوید باو چه جواب بدهیم ؟ بنویسید گناه شما چه بوده ما در اصلاح آن بکوشیم . بعد از عروسی رفتید . باین عروس بیچاره و این طفل عزیز چه بگوئیم ؟ حسام‌السلطنه بعد از خواندن کاغذ میگوید این چیزی نبوده که تلگراف‌بکنی و پیرایه‌ها ببندی او میگوید من در خدمت دولت کار کوچك و بزرگ را فرق نمیگذارم خیانت بود نمیتوانستم‌کتمان‌کنم . بدبخت دروغ میگفت بخیال اینکه ازاین‌راه‌برمنصب و مواجبش بیفزایند این کار را کرده بود . حسام‌السلطنه کاغذ را بطهران فرستاد و توسط میکند که بهرام نام مرد پیر پریشانی است قابل این تفصیلات و حبس نیست و سپرده بود که در محبس هم باو سخت نگرفته خرجش را بدهند تا از طهران خبر برسد. بیچاره میرزا محمدعلی خان جوان در زندان و زنجیر بس نبود دوری اهل و عیال بس

نبود گرفتاری این پیرمرد هم سر بار مصیبت او شد . توسط حسام‌السلطنه هم فایده‌نکرد.

خبر دادند در خراسان وبا شیوع پیدا کرده بعد خبر رسید که از نیشابور و سبزوار گذشته بشاهرود رسیده کم‌کم نزدیك طهران شده در ایوان‌کی پسر سعدالسلطنه را که مدتی در غیاب پدرش نایب‌الحکومهٔ قزوین بود ربوده . ما از پریشانخاطری پدر و مادرش غمناك شدیم . چند روز نگذشته بود خبر آوردندکه پس از فوت میرزا عیسی وزیر،عبدالله خان در شمیران خلعت وزارت پوشیده سوار شده که بطهران برود بمرض وبا مبتلا شده در بین راه همه کسان از او گریخته و او تنها در وسط راه افتاده مرده کسی نعش اورا برنداشته جانوران صورت اورا خورده‌اند . اجمالا محقق شد که وبا در طهران بیدادمیکند . ۱

کم‌کم وبا از طهران عبور کرده بقزوین رسید . حسام‌السلطنه با اهل و عیال بدهات قزوین گریخت . بهرام بیچاره را باطاق ما آوردند . بعضی سربازان پست‌فطرت که مانع بودند تا بیکدیگر نزدیك رویم آن پیرمرد ضعیف را دور از ما بخو کردند . بعد خلیلی زده بروی خاك مذلت انداختند . دستهٔ قراول عوض شد خداکرم سلطان‌رفت علی‌کرم سلطان آمد که او هم تسبیح در دست اظهار تقوی میکرد . ازاین‌اظهار تقدس‌کنندگان هرگاه از روحانیان یا دیوانیان باشند باید حذر کرد . خداکرم نام سربازی بما اظهار خدمت کرده گفت اگر کاغذ بنویسید من میفرستم با اینکه این دروغ‌ها را مکرر دیده بودیم سوگند های او و اصرار حکیم سبب شد من از سلامتی خود ورسید امانت مختصری نوشته باو دادم ودو قران هم بخودش دادم رفت و برگشت و گفت قهوه‌چی شاهزاده‌کاغذ را از من‌گرفته‌نمیدهد . بالاخره پنج قران از ماگرفت‌تا همان‌کاغذ را بما برگردانید . وبا در قزوین هم زیاد شیوع یافته خوف و اضطراب مردم را گرفت روزی بهرام خان صبح زود برخواسته بخو را گشودند بیرون رفته وضو گرفت بعد از نماز

---

۱ ـ در این اوقات که ناصرالدین شاه عازم عتبات بوده و از همدان عبور میکرده شنیدم برادربزرگم راکه دوساله بوده خویشان بسر راه شاه برده عریضه برای خلاصی پدرم بدستش داده بودند . وشاه وعدهٔ خلاصی داده . بطوریکه دریادداشت‌های مرحوم حاج سیاح ذکر شده همین کار را وا داشته‌اند پسر نه سالهٔ او همایون سیاح در موقع عبور شاه از محلات عراق کرده و شاه گفته است در طهران بشرط یادآوری مرخص میکنم .

(یادداشت نگارنده)

گفت وبا بمحبس هم آمده دونفر از قراولهای ما مرده‌اند . گفتم نترس خدا حافظ است. بیچاره بعد از طلوع آفتاب گفت سرم درد میکند گفتم‌چون روی خاك میخوابی وروپوش نداری سرما خورده‌ای . رسم تشریفات بزرگانیکه برای تماشا یا تجسس بمحبس‌میآمدند این بود که مارا محکم زنجیر وخلیلی نمایند تا بزرگان بدانند که حکم استبدادی‌جاری است . گفتند سرتیپ برای دیدن اسیران میآید . پس زنجیر و خلیلی مارا سخت کردند بعد معلوم شد دروغ است . علی‌کرم سلطان بدجنس خبیث می‌آمده . این آدم باخباثت زیاد بی‌غیرت هم بود . بآواز بلند دشنام میشنید و بروی خود نمیآورد . گفتند دخترش با وبا مرده در حالش تغییری دیده نشده بود . سربازی آمده گفت بهرام خان بوبا مبتلا شده و تنها بروی آجرها افتاده کسی نزدیك او نمیرود بوکیل پیغام دادم که یا یك نفر بفرستید باین بیچاره کمك کند یا مرا باز کنید خودم پرستاری بکنم . جواب داد دارو و طبیب نیست حتماً میمیرد تو را هم بوقت باز میکنم . بسیار حیران ماندم انسان چه موجود غریبی است آن خداقلی سلطان و حسن بیك این رستم سلطان و علی‌کرم هردو دسته دریك صنف وکار . ما را نزدیك ظهر اززنجیر و کند بازکردند من ومیرزامحمدعلی خان مشغول پرستاری آن پیرمرد غریب‌بیچارهٔ اسیرآواره شدیم . پاکیزه‌اش‌کردمخاکستر زیاد برایش ریختیم یخ گرفتیم . دوائیکه میرزا عبدالله حکیم گفت پول دادیم خریدند وتا غروب مشغول بودیم . غروب‌حکیم ملاحظه کرده و گفت علاج بردار نیست . علی‌کرم سلطان فرار کرده بود . هنگام خواب آمده امر کرد ما را باطاق خودمان که جنب جای بهرام خان بود برده کند و زنجیر کنند . من هرقدر التماس و اصرار کردم ای بندهٔ خدا امت پیغمبر شیعهٔ علی که سبحه در دست داری و رو بقبله میکنی این مرد بیچاره میمیرد بگذار تا مردن آبش دهیم رو بقبله کنیم دست وپایش را بکشیم قبول‌نکرد و گفت حکم شده شما را با سختی نگاهداریم و زنجیر و خلیلی کنیم . او هم بایدزنجیر و خلیلی شود . پس مارا برده زنجیر و خلیلی کردند . بیچاره بهرام خان را هم زنجیر گذاشته بخو زدند . آب یخ نزدیك او گذاشته بودیم دستش نمیرسید ونمیتوانست‌بخورد فریاد میکرد العطش و علی‌کرم میشنید و اعتنا نمیکرد . میرزا رضا گفت مثلی بگویم . یك نفر با زنش براهی میرفت دچار یك راهزن بیرحمی شد که همه چیز ایشان را گرفت. حتی زن را هم تمام لخت کرد تنها زیرجامه ماند . اصرار کرد آن را بگیرد . مرد وزن التماس کردند فایده نکرد . دراین حال یك نفر پیدا شد . دزد میگفت ازاین مرد میپرسم اگر گفت زیرجامه را هم بگیرم میگیرم والاخیر . از آن شخص پرسید او گفت بگیر ! آن مرد دست‌بردکه زیرجامه را درآورد بناگاه برقی زد و اورا خاکستر کرد . آن مرد

گفت من گفتم زیرجامه‌را بگیرد تاظلم بانتها رسد و خداوند انتقام کشد برادران بگذارید این ظلم را هم بکنند خداوند هرچه صبور است غیور هم هست .

صدای ناله والعطش بهرام‌خان بیچاره همه ما را بی‌طاقت کرد میرزا رضا فریاد کرد ای علی‌کرم پدرسوختهٔ نانجیب بدتر ازشمر نالهٔ این بیچاره را کامران میرزای‌شقی نمیشنود تا از تو خوشحال شود اما خدا میشنود و جزای تو را ببدترین وجه خواهد داد . علی‌کرم اعتنا نکرد جوابی نداد . سایرین هم دشنام دادند و نفرین کردند جواب نداد . او براحت خفت وما همه گوش بصدای آن مرد بیچارهٔ چون مارگزیده بخود میپیچیدیم . نزدیك صبح صدای بهرام خان بیچاره ضعیف شد . صبح‌که ما را گشودند نزد او رفته آب دادیم . بیچاره متصل میگفت خدایا کو عدل تو ؟ چرا این مردم پاك اسیر این ظالمانند ؟ پس رو بمن و میرزا محمدعلی‌خان‌کرد و گفت دمی مرا تنهابگذارید میخواهم با خدای خود سخن گویم . ما چند دقیقه بیرون رفتیم . با صدای حزین و ضعیفی ما را خوانده‌گفت . من عرض خودم را با خدا تمام‌کردم . فرمود اینان‌را خلاص میکنم و انتقام از ظالمان میکشم . پس ازآن ساعتی نگذشت که از اضطراب افتادگفت مرا رو بقبله کنید . رو بقبله‌کرده من نتوانستم بمانم . گریه‌کنان بیرون آمدم . بعداز من میرزامحمدعلی‌خان‌آمده‌گفت تسلیم‌کرد . بحسام‌السلطنه‌اطلاع دادند آمده‌استشهادی کرده ورقه را جمیع‌اعیان ومعروفین مهرکردندکه بهرام‌خان مرد برای‌اینکه‌نایب‌السلطنه مؤاخذه نکند و نگوید گریزانده‌اید ! پس ماها را در اطاقها زنجیر و خلیلی کرده چند نفر حمال نعش اورا بردند لباس‌هایش بفقرا داده شد . حال‌زار آن غریب بماها زیاد اثر کرده قیاس کردیم‌که اگر ما هم بمیریم همین وضع خواهد بود .

نوبهٔ کشیك علی‌کرم تمام شد . از رفتن او مشعوف شدیم . گفتند دو دختر داشت هردو بوبا مردند ...

روزی در سربازها بهم‌خوردکی وتهیهٔ سفر دیده شد سئوال کردیم بعضی‌گفتند فوج را خواسته‌اند یکی محرمانه گفت درخمسه حاکم خمسه معتمدالدوله بود باجمعیتی زیاد بسر جهانشاه‌خان رفته خواسته اورا بگیرد او یاغی شده با کسان خود جمعیت‌حاکم را متفرق کرده و خود حاکم از پا گلوله خورده و دستگیر و حبس گردیده بلکه‌نسبت‌ها میدهند که جهانشاه خان بسر او فضیحت آورده . الان بفوج ما امر شده بدفع او برویم و بما تفنگ میدهند که بجنگ او برویم . نصرالملك سرکردهٔ این‌دوفوج بود خواسته‌بود بدیدن ما بیاید تشریفات او هم این شد که مارا محکم زنجیر و خلیلی کردند او با مصطفی خان سرتیپ آمدند چون با من آشنا بود گفت هرگاه مطلبی باشد اظهاردارید . گفتم مطلب‌ها تمام شده و جز یأس باقی نمانده . مسئلهٔ جهانشاه خان را گفتند اصلاح

شده و اصل قضیه این‌بوده‌که جهانشاه امیرافشار مدتی درطهران‌بوده بوطن‌خودبرمیگردد میان ایل در وسط راه عمه‌اش باستقبال آمده گویا نسبت بد بزن اوکه دخترعمویش بود میدهدکه شاید با جوانی‌که پیشخدمت‌او بوده درغیبت امیر راه داشته . امیرافشار باحال منقلب وخشمگین‌وارد خانه شده باگلولهٔ بسینهٔاوزده هلاك‌میکند بعد آن جوان‌پیشخدمت را هم با گلوله زده مقتول میکند خبر بشاه میرسد . معتمدالدوله اویس میرزا را حاکم خمسه کرده و جمعیتی از طهران باو داده و امر کردندکه دو فوج سرباز خمسه که از غیر افشار هست در تحت حکم او جهانشاه‌خان را مقتول یا دستگیرکنند . معتمدالدوله با جمعیت زیاد بیشتر از دوهزار نفر بعنوان ولایت گردی با مظفرالدولهٔ سرتیپ وسایر اعیان خمسه بطرف خانهٔ جهانشاه خان حرکت کردند. جهانشاه خان هم از سوارو ایل خود قریب هفتصد هشتصد نفرکه از شجاعان بودند اسلحه داده و خودش باستقبال آمده از پول و اسب و هدایای زیاد برای معتمدالدوله مهیا نموده وچادر و خیمه برای‌حاکم و تمام همراهان و قشون او برپا کرده وکسان خود را درنزدیکی و میان غله های بلند بکمین نشانده و سپرده بودکه هرگاه بخواهند مرا بگیرند یا بزنند همینکه گفتم‌بزنید، بزنیدو ازجمعیت‌باك نکنید. معتمدالدوله پیش‌از اینکه‌صرف ناهارکند ومردم راحت‌شوند گماشته فرستاده جهانشاه خان را ازچادرش احضارکرده میخواهد زنجیرکند جهانشاه‌خان میگوید ناهار صرف فرمائید عصر خودم شرفیاب میشوم . متعاقب هم فراش میفرستداو هم لابد مسلح شده و جمعی با خود برداشته تا چادر شاهزداه رسیده کسان را در بیرون گذاشته خود وارد شده در حضور میایستد شاهزاده میگوید اعلیحضرت شاه حکم فرموده شما را بطهران ببرند . جواب‌داده حاضرم خودم بحضور شهریار میروم. شاهزاده‌میگوید خیر باید زنجیر شوی ودر زنجیرت ببرند و امر میکند زنجیر بیاورند . جمعیت مسلح‌که در چادرها حاضر کرده بود هجوم میکنند . جهانشاه خان هم بکسان خود میگویدبزنید! بناگاه جمعیت‌او از بیرون وکسانیکه درمیان‌علفها و زراعت پنهان بوده‌اند حمله‌میکنند. این جمعیت سرباز و سوار بیشتر از دوهزار نفر دست به تفنگ میکنند . غوغا و جنگ و هرج و مرج شده کسان جهانشاه خان در ظرف یکساعت تمام جمعیت را متفرق‌ساخته چندین نفر مقتول و مجروح شده و سرتیپها گریخته بودند و معتمدالدوله که از پا گلوله خورده و بکمك کسان خود سوار کالسکه شده خواسته بطرف زنجان بگریزد گماشتگان جهانشاه خان اورا دستگیر ساخته با بعضی دیگر بکرسف برده بودند . اورا دو سه شب نگاهداشته و هرچه توانسته از دارائی خود بجاهائیکه محل اطمینان بوده فرستاد پنهان کرده بود . از کرسف با چند نفر خواص خود بطرف رشت حرکت کرده و

شاهزاده را بچند نفر داده بود که بزنجان ببرند. در راه سیم تلگراف‌را بریده از رشت بپادکوبه و ازآنجا به تبریز رفته درخانهٔ حاجی میرزا جواد که بزرگترین و رئیس علماء آذربایجان بلکه ایران بود پناهنده شده اورا واسطه کرده و چون امین‌السلطان بااو زیاد دوستی داشت بالاخره شاه را راضی کردندکه اورا عفو کرد بطهران خواست . اوهم بقم رفته از عفو و مرحمت شاه اطمینان یافته بطهران آمده تقدیمی کاملی داده موردمرحمت واقع شده بسر خانه و ایل خود رفته همان منصب سابق و اقتدار قدیم باو تفویض بلکه برترقی او افزوده شده است .

حسام‌السلطنه‌که از وضع اسیری وحبس طولانی و بی‌تقصیری ما متأثر ودلتنگ بود محض اینکه برای ما خلاصی هست یاخیر تلگرافی بطهران کرده بود که اگر ماندنی هستند لباس ندارند مقرر شود برای اینـان لباس تهیه شود جواب داده بودند مانـدنی هستند لباس تهیه کنید . او فرستاده بود ماهوت و چلوار و لوازم لباس آورده بودند و خیاطحاضر کرده‌درحجرهٔمیرزا نصرالله‌خان سایرین‌را حاضر کردندکه باندازهٔهر کس‌لباس‌بریده شود . بمن هم گفتند من گفتم اگر ما خلاص خواهیم شد حاجت بلباس اینها نخواهدبود و اگر کشته خواهیم شد همین لباسی که داریم بماند بس‌است . لیکن حسام‌السلطنه گفته بود موافق من هم یکدست لباس‌بریده‌بودند. پس‌از اتمام لباس‌ها را آورده توزیع کردند. حکیم گفت معلوم میشود باز زمستان ماندنی هستیم . گفتم هرچه خدا مقدر کند همـان خواهد شد . کم‌کم هوا خنك شده بود ماهم یك حجره را مثل حمام کرده آب گرم کرده در آنجا شستشو میکردیم .

روزی حاجی ملاعلی اکبر در آنجا مشغول شستشو بود مـدتی گذشت بیرون نیامد و صدای خودش با ظرف آب شنیـده نشد . حاجی ابوالحسن احتیاطاً باطاق رفتـه میبیند حاجی ملا علی‌اکبر افتاده بناگاه فریاد کرده حاجی ملا علی‌اکبر مرده بیائید . تمام را رخصت دادند بیرون آمـدیم حاجی ملاعلی‌اکبر را که مانند مرده بخاك افتـاده بود برداشته باطاق بزرگی بردیم معلوم شد دود ذغال و اطاق کوچك اورا گرفته آب سرد و مالش داده و سرکه دادند بوکـرد بزحمات بهوش آمد چون مستعد گریه بودیم بهانـه بدست آمد گریه‌ها کرده همه در آن اطاق ناهار خوردیم . سرتیپ شنیده بود که ما در یك جا غذا خوردیم تغیر وتشددکرده‌بود گفته بودندچون حاجی ملاعلی‌اکبر مشرف‌بموت بود بسر او جمع شده بودند . گفته بود هریك بمیرد بدرك . باری با این سختی‌هـا و ناامیدی و غربت و کربت روز و شب میگذشت .....

(٦ جمادی‌الاخرهٔ ١٣١٠ قمری دی ماه ١٢٧١ شمسی)

صبح شبی‌که با غم و غصه گذرانده بودیم یك نفر دوان دوان آمد .

ماکه ازهمه جانومید وهمیشه‌درانتظار خبرشربودیم‌دیدیم‌جعفرقلی‌بیك‌است وارد شد گفت‌برخیزید سعدالسلطنه آمده درمهمانخانه است وشما را میخواهد خلاص‌شده‌اید! مژده دهید باور نکرده‌گفتیم خلاص شدیم بالکلیه و همیشگی ؟ گفت بلی‌بلی مرخصید. چنان تغییرحالت بمن عارض و بهت مرا گرفت‌کـه زبانم از قوهٔ نطق افتاد تمام اعضاء از حرکت ماند مثل شخص بیهوش چند دقیقه مانده بی‌اختیار بسجده افتادم پس‌از شکرها لباس پوشیده برخاستم از دریکه بیست ودو ماه پیش از این زیر بغلم را گرفته با پـای لنگان با دیگران بزنجیر بسته وارد کرده بودند و دیگر بیرون نرفته ودر آمدن بیرون‌را هم ندیده بودیم با رفیقان با پای خودم آزاد ازآن در بیرون آمدیم ..... پس‌ازعبور از خیابان رسیدیم بمهمانخانه‌که خود سعدالسلطنه این خیابان و مهمانخانه را احداث کرده از پله‌ها بالا رفتیم ..... سعدالسلطنه مرا جنب خود نشاند و بسیار مهربانی و انسانیت کرده عذر ایام گذشته را خواسته گفت من درمدت حبس شما بنزد شما نیامدم برای این بود که شرمنده بودم نتوانستم درخلاص شما کاری بکنم ومیدانستم بی‌تقصیرهستند . وقتیکه درطهران شمارا میدادند بقزوین‌بیاورم بشاه عرض‌کردم که نباید اینها بآن درجه مقصرباشند شاه‌گفت‌اگربدانی‌اینان چه‌کرده‌اند الان خواهش میکنی‌که بدهم درهمین‌باغچه بدست خود سرآنهارا ببری . خصوصا این حاج سیاح ناپاك که حرامزادگی دنیارا جمع کرده اینان تیشه بریشهٔ سلطنت زده‌اند حالا باید درقزوین حبس باشند ودرنهایت باین‌ها سخت بگیری بلکه ازسختی یك یك تلف شوند .

این دفعه که حکومت‌اینجارا بمن دادند عرض‌کردم درحالیکه محبوسین‌درآنجا درحبس باشند من نمیتوانم بقزوین بروم شاه‌گفت برواز‌آنجا بنویس آزادکنم .

امین‌السلطان اشاره‌کرد که قبول نکن دیگران هم بمن‌گفته بودند . من عرض کردم مرحمت اعلیحضرت اقتضا میکند که ماموریت‌من‌اول این‌باشدکه آن‌دفعه بردم این دفعه رسیده رهاکنم . امین‌السلطان هم مساعدت کرد وشاه قبول‌کرد .

نایب‌السلطنه حاضربودگفت گرفتاری اینان بدست من‌شده استدعا دارم‌خلاصی آنها هم بدست من باشد .

شاه‌گفت ازقزوین بیاورند نزد تو تو خلاص‌کنی؟پس مرا مامور کردند شمارا بامیریه بفرستم . من یك نفر همراه شما میکنم‌که شمارا بامیریه ببرد مبادا اسباب خیال شما شود . اکنون آزادید بروید درشهر گردش‌کنید بحمام بروید ومهیا شوید که فردا حرکت نمائید . پس گفت جناب‌حاج عبدالله‌خان والی‌که اصرار داشت ازشماکاغذ بگیرد

درجائی مرد که‌کسی نعش اورا برنداشت . روباه صورتش‌را خورده بود من شمارابحمام میفرستادم‌غذای خوب میدادم. سربازها بطهران‌راپورت میدادند وازآنجابمن‌ایرادمیکردند درمجلس سعدالسلطنه‌جمعی بودند بما اظهار مهربانی میکردند . من جمله حاج حسین‌آقا پسرحاجی امین‌الضرب که جوان معقولی است‌که ازمکه برگشته بود . بازسعدالسلطنه گفت بهرجا برویدمختارید جزناهار وشام‌که باید درمنزل من باشید وخرج‌کرایه راه‌بشما داده خواهد شد ...

محبوسین آزاد شده پس از رفتن بحمام وگردش درقزوین وملاقات امام جمعه برای‌وداع باسعدالسلطنه میروند وصندوقداراو بهریك‌پنج‌تومان خرج راه میدهد(مرحوم حاج سیاح‌نوشته گفتم من حاجت ندارم جزئی وجهی دارم)

در سرای عرابه‌چیان دو عرابه بود که نصف ما بیکی و نصف دیگر بدیگری سوار شدیم وکیل‌باشی هم سوار گردید و چند سوار هم همراه ما از خیابان عبورکردیم این راه راکه با ذلت و نومیدی آمده بودیم شروع کردیم با شعف وخرسندی طی‌کنیم. وجهی‌که صندوقدار پس ازکم کردن ده یك داده بود برفیقان قسمت کرده نزدیك غروب وارد کمنده شده چون آبادی نزدیك بود درخانهٔ رعیتی منزل کردیم از هرقبیل طعام و نان و شیر دهاتی خریده با لذتی صرف نموده برای راه هم آذوقهٔ یك روزه خریده فردا حرکت‌نموده هنگام عصر وارد مهمانخانهٔ قشلاق شدیم . همه‌چیز مهیا بود . بادلخوشی گفتگو از وضع ورودمان بمنزل وحالی که در وقت اسیری داشتیم میکردیم .

شب دیگر را در ینگی امام مانده روز سوم وارد حصارك شدیم ناهاری‌خورده بعد از ظهر روانهٔ شاه‌آباد شده شب را درآنجا ماندیم . از شهر جمعیت زیادی‌باستقبال حاجی حسین‌آقا پسر حاجی‌امین‌الضرب‌آمده بودند . صبح زود وکیل‌باشی سواری‌فرستاد نزد نصرالملك سئوال کندکه اسرا را باید کجا وارد کرد . بامر نایب‌السلطنه گفته بود باید بامیریه بیاورند سه ساعت از روز گذشته از دروازهٔ اسب دوانی وارد شدیم هرکس از اقربا و کسان اسرا مطلع شده باستقبال آمده بودند . نصرالملك چندنفر سوارفرستاده بود . رسیدیم بامیریه از همان درکه با تشریفات کنـد و زنجیر بیرون رفته بودیم آزاد وارد امیریه شدیم نصرالملك خودش هم دم در بود گفت آقا بدوشان‌تپه در حضور شاه است آدم فرستاده‌ام خواهد آمد ما را برد باطاق وسیع وعالی همه منتظر مرخصی‌بودیم بعضی از اقربا و دوستان آمدند .....

یك ساعت از شب رفته آمده گفتند آقا آمده در بیرون میان باغ است شمارا میخواهد برخاسته بحضور رفته تعظیم وسلام‌کردیم با هرکس سخن گفت بمن گفت‌حاجی

چاق شده‌ای گفتم در موقع بی‌گناهی چریده‌ام . گفت باز میـل داری بقزوین بروی ؟ گفتم اگر انصاف شما تقاضا کند . میرزا رضا گفت من‌بیچاره دو حبس داشتم یکی کند و زنجیر خودم یکی ملامت گرفتاری دیگران‌که من سبب شدم . گفت تو مرد دلالی‌هستی برو پی کار دلالیت . چه‌کار بکار شاه و دولت داری . شاه عزیزالسلطان را عزیز کنـد بتو چه؟ نمی‌دانی‌این سخنان خطر جانی دارد ؟ گفت من کار باین کارها نداشتم حضرت والا واداشتید حالامیفرمائید برو دنبال‌دلالیت. چشم اطاعت دارم ..... بعدنایب‌السلطنه رو بهمه کرده گفت امروز ندانستم شما وارد میشویـد بشاه عرض نکردم در همین جا بمانید تـا از شاه مرخصی شمـا را بگیرم . پس رو بنوکـران کرده گفت ناهار و شام بدهید . یکی از نوکران خوش نفس گفت روز هم ناهار نخورده‌اند گفت چرا و رفت .

ما را بردند باطاق روبروی اطاق اول و برای همه رختخواب هم آوردند باز مواظب حرکات ما بودند .

روز بعـد نصرالملك از طرف نایب‌السلطنـه برای گرفتن پول از محبـوسین جداگانه‌باهریك واردمذاکره‌میشود بالاخره بعد ازچند روز ازهریك‌دویست‌تومان‌میگیرند و بتدریج مرخص میکنند پدرم چون اهل طهران نبوده از ایشان سند میگیرند بعد ایشان و مرحوم حاجی سیاح وملا علی‌اکبر را بمنزل امین‌السلطان میبرند که او اجازهٔ مرخصی بدهد . از ده نفر محبوسین حاجی ابوالحسن ومیرزا رضای کرمانی را مجدداً بانبارشاهی (زندان) میبرند .

(نقل از کتاب زندگانی سید جمال‌الدین اسدآبادی)

(تألیف آقای صفات‌الله جمالی)

در کتاب فوق‌الذکر که از طرف یکی از بستگان سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف بافغانی نوشته شده (و طی آن دلائل و اسنادی ارائه داده مبنی براینکه سید جمال‌الدین اسدآبادی و ایرانی‌است نه‌افغانی) نامه‌ای بعربی و فارسی چاپ شده است‌که سید درآن اشاره بمرحوم پدرم (میرزا محمدعلی خان)که هنوز لقب‌فریدالملکی‌را نداشته نموده است .

در این نامه که سید جمال‌الدین پس از تبعید از ایران (در حدود سال ۱۳۰۹ هجری) ازبصره بمرحوم حاج میرزا حسن مجتهد بزرگ زمان (معروف بمیرزای شیرازی) نوشته از مظالم ناصرالدین شاه واتابك (امین‌السلطان) بسختی انتقاد وازمیرزای‌شیرازی خواسته است فتوائی برعلیه ناصرالدین شاه صادر نمایدکه شیعیان از او اطاعت ننمایند. نامه خیلی مفصل است . در اینجا فقط قسمت اخیر آن راکه راجع بحبس و آزار مرحوم پدرم و چند نفر دیگر است نقل میکنم :

(قسمت عربی)

... ولاشك ان‌حبرالامم قد سمع مافعله‌اولاء الکفر و اعوان‌الشرك بالعالم الفاضل الصالح الواعظ الحاج الملافیض‌الله الدربندی‌وستسمع‌قریبا ماصفدالجفاء والطغاء بالعالم‌المجتهد البار الحاج سید علی‌اکبر الشیرازی و ستحیط علماً بما فعله بحماة المله والامه من قتل و ضرب و حبس

ومن جملتهم الشاب الصالح الميرزا رضا الكرمانی الذی قتله ذلك المرتد فی الحبس والفاضل الكامل البار حاج سیاح والفاضل الاریب المیرزا فروغی والاریب النجیب المیرزا محمدعلی خان والفاضل المقنن اعتماد السلطنه وغیرهم ....

ترجمه

.... مسلماً پیشوای مذهب از رفتار زشتی که جاسوسان کفر و یاران مشرکین با دانشمند پرهیزکار واعظ حاج ملا فیض‌الله دربندی نموده‌اند مطلع است و قریباً از بدرفتاری که نسبت بدانشمند مجتهد نیکوکار حاجی سید علی‌اکبرشیرازی مرتکب‌شده‌اند مطلع میشوی همچنین از کتك‌کاری و حبس و کشتار پیشوایان ملت آگاه خواهی شد که از جملهٔ آنها جوان پاکدامن میرزا محمدرضای کرمانی است و این مرد خارج از دین اورا در زندان تا پای مرگ برد و از جملهٔ آنها فاضل ارجمند حاجی سیاح و فاضل دانشمند میرزافروغی وخردمندنجیب‌میرزامحمدعلی‌خان وفاضل‌قانون‌گذار اعتمادالسلطنه وغیره میباشند ....

آزادی ازحبس قزوین

پس‌از خلاصی ازحبس طهران وقزوین(که قریب دو سال بطول انجامید) پدرم ازقزوین به‌طهران وازطهران بهمدان میرود . درآنجا مرحوم ساعدالسلطنه (حاج امیر-نظام بعدی)که ازخویشان بود اظهار تمایل میکند که پدرم همراه ایشان بفارس برود. درآنموقع مرحوم ساعدالسلطنه‌که ریاست فوج فدوی را داشت مامور فارس شده بود .

اینك ازیادداشت‌های پدرم‌جریان مسافرت وتوقف درشیراز ومراجعت ازآنجارا ذیلا اقتباس میکنم .

مختصر شرح حالی است بعد ازمرخصی ازحبس قزوین ورفتن بطهران وازطهران بهمدان وازهمدان بشیراز

سلخ ربیع‌الثانی ۱۳۱۰ جناب باقرخان سعدالسلطنه بحکمرانی قزوین مقرر و بمقر حکومت وارد شد . بندهٔ بی‌تقصیرونه نفر دیگررا که مدت یکسال ونیم درقزوین بحکم دولت حبس‌بودیم احضارکرده مژده خلاصی داد وگفت‌اعلیحضرت‌همایونی‌شماهارا مرخص فرمودند باید امروز گرمابه بروید شستشو بکنید و حاضر شوید که فردا شما را روانه طهران بکنم . فردای آن روز یك نفر وکیل باشی فوج قزوین باپنج نفر سوار قراسوران بادلیجان ماهارا روانه طهران‌کرد .

بعد از سه روز درطهران بباغ امیریه حضرت والا نایب‌السلطنه امیرکبیر و وزیرجنگ واردمان‌کردند . هشت نه‌روز هم بخیال سرکیسه‌کردن ماهارا آنجا حبس نظر نگاهداشته دو نفرسه نفر ، هشت نفر ازده نفررا مرخص نموده ودونفررا بانبار شاهی

فرستادند .

بعد از سه ماه اقامت طهران ودوندگی زیاد برای برقراری مواجب مقطوع بامرحمت حضرت اجل میرزا علی‌اصغرخان صدراعظم وتقویت نواب والا ناصرالسلطنه امورم جزئی اصلاح شده ومرا بحضرت والا شاهزاده رکن‌الدوله حکمران فارس سپرده بموجب حکم مامورشیرازم نمودند .

دوم شعبان ۱۳۱۰ ازطهران‌بچاپاری بهمدان آمده که چند روزی مانده بستگان واهل وعیال‌را دیدن کرده بچاپاری بشیرازبروم . قریب یك ماه درخانه توقف کردم دو روز بحرکت وسفرشیراز مانده‌بودازطهران ازسرکارناصرالسلطنه تلگراف رسیدکه‌حضرت والا رکن‌الدوله ازحکومت شیراز معزول وجناب نظام‌السلطنه بحکومت آنجا منصوب . شده . این فقره اسباب فسخ عزیمت من بفارس‌گردید . چندی درخانه ماندم ولی‌بواسطه بعضی گرفتاریها واتفاقات آسمانی خیلی درخانه بمن بد گذشت بعد جناب ساعدالسلطنه امیرتومان درتهران بریاست قشون فارس مامورشده بهمدان آمدندکه امورولایتی‌رامنظم وفوج فدوی‌را حرکت‌داده بشیرازبروند . دراین ضمن میل فرمودند که من‌هم همراهشان بفارس بروم .

۱۷ شوال ۱۳۱۰ باین عزم از خانه وداع کرده بهمدان آمده درخانه آقای امین‌الرعایا منزل‌کردم . نواب والاعضدالدوله هم بحکمرانی همدان تشریف آورده‌اند . جناب ساعدالساطنه برای رسیدگی بامور فوجی وملکی دربین راه شورین و همدان چادر زده‌اند .

جمعه ۲۰ شوال ۱۳۱۰- به‌سنگستان منزل سرکار فضل‌الله‌خان میرپنج آمدیم این اولین سفر من به‌سنگستان بود . وضع عمارت واثاثیه ونظافت وسلیقه سرکار میرپنج خیلی تعریف دارد . منظره بالاخانه وایوان وعمارت تازه‌ای که ساخته‌اند خیلی باشکوه ومصفا است. شب هم رسول‌خان افغانی رباب وتار خوب زد پسرش کاظم‌خان هم ضرب خوب‌گرفت . یك نفر درویش افغانی هم بود اشعار خوش مضمونی میخواند . ازجمله :

ما یار نداریم و غم یار نداریم — جز نام علی با دگری کار نداریم
ما شاخ درختیم پر از میوهٔ توحید — هررهگذری سنگ زند باك نداریم
ما طوطی هندیم چشیدیم شکررا — چون زاغ سیه میل بمردار نداریم

شنبه ۲۶ شوال ۱۳۱۰ ببازدید مسترهاکس‌ومستر واتسن امریکائی‌که درهمدان اطفال یهود وارامنه‌را تدریس میکنند رفتم . سرکارعبدالله‌خان و طاهرخان یاوررا دیدن کرده سرانجام وداع بعمل آمد و از همدان به آبشینه خانهٔ ییلاقی جناب حسینعلی خان

ضیاءالملك آمدم. عمارتی که جناب ضیاءالملك ساخته‌اند خیلی باسلیقه وخوش‌طرح ساخته‌شده آب روان همیشه ازجلو عمارت جاری است . عصر باسرکار مهدی‌خان میرپنج درپارکی که تازه احداث شده گردش کردیم .

دوشنبه ۲۸ شوال- قبل ازناهارازآبشینه درخدمت جناب ساعدالسلطنه حرکت کرده به گنبد ملکی ایشان که سه فرسخ ونیم مسافت داردآمدیم اردو چند روز درگنبد اطراق خواهد کرد که سربازها جمع شوند .

دراین چند روزه‌ازخوانین اطراف وازشهرعده‌ای برای دیدن‌جناب‌ساعدالسلطنه آمدند . غیرازرعایا که‌برای عرض وداد میآمدند ازدراویش گردن‌کلفت باپوست ومنتشا وسادات وملاهای مفت‌خور وتنبل‌هم خیلی آمده ورفته‌اند . حرف عمومشان این است که خیال بزیارت مشهد مقدس یاعتبات عالیات یامعصومهٔ قم داریم خرجی وپاکش وکفش نداریم بده بعشق علی درراه مولی بزیارت برویم که مولی علمت کند ، بعشق پیرت‌سبز شوی وازاین قبیل اصطلاحات .

سه شنبه ۷ ذیقعده ۱۳۱۰ - ازگنبد حرکت ازآق‌تپه گذشته به‌نیشرآمدیم اهل آق‌تپه یك گوسفند قربانی سربریدند وزنها درپشت بامها جمع شده حین عبور عقب‌سر جناب ساعدالسلطنه آئینه بدست‌گرفته آب میپاشیدند واسپند دود میکردند . شب‌را در نیشرکه شکارگاه و ییلاق خوبی است میهمان آقامیرزا عبدالعظیم و اخوان مالکین نیشربودیم .

چهارشنبه ۸ ذیقعده - از نیشر حرکت وازگاوخانه عبورکردیم . درعرض راه جناب ساعدالسلطنه و جمعی خوانین خدابندلو تیراندازی کردند ، در سراسب وپیاده ، جناب ساعدالسلطنه خوب نشانه زدند یك لیره عثمانی سرکار علی‌خان سرتیپ و یك لیره هم بنده نازشصت دادیم .

ظهر به (کردخورد) رسیدیم ناهار و شام مهمان آقای میرزا علی‌خان بودیم. کردوخورد دارای تقریباً چهارصد خانوار محصولش ۸۰۰ خروار غله دو هزار تومان نقد و سیصد تومان مالیات نقد دیوانی‌است . نزدیك‌کردوخورد یك دریاچهٔ کوچك‌هست و در وسط آن خرابه‌ای‌است موسوم به قزقلعه‌سی (قلعهٔ‌دختر) ونزدیك‌آن دریاچهٔ‌خشکی و یك خرابهٔ دیگر بنام اوغلان قلعه‌سی جناب ساعدالسلطنه یك سرداری ترمه شمسه‌دار کشمیری بمیرزا علی‌خان خلعت دادند .

جمعه ۱۰ ذیقعده - ازکردوخورد به ده‌چال‌ملکی مرحوم فرمانفرماناصرالدوله آمدیم سواره سه ربع ساعت مسافت است . در اول ورود یك سرباز تنکابنی که فرار

کرده‌بود گرفته آوردند جناب ساعدالسلطنه تازیانه زیادی باو زدند . عصر موزیکان‌چیها وبالابانچی‌هارا سان دیدند. ده‌چال‌مال جلیل خان سرتیپ بیات بوده‌که بمرحوم‌فرمانفرما رسید . جلیل‌خان همان است‌که میرزا تقی‌خان امیرکبیر را مغضوباً به فین کاشان برده و اورا بحکم شاه درآنجا کشتند .

یکشنبه ۱۲ ذیقعده ـ از ده‌چال حرکت و پس‌از عبور از دیزآباد و رودخانهٔ قره‌چای نزدیك ده رازکردان در صحرا چادر زده بودند فرود آمدیم . این‌ملك و اغلب دهات‌بلوك(شرراه) متعلق بمرحوم‌فرمانفرمااست‌که ازقرار مشهوربیشتر این املاك را پول نداده و متصرف شده بود . مثلا یك کرور املاك را به پنجاه هزار تومان از دست صاحبانش بیرون آورده و حالا روزگار هم از دست او خارج کرده مثل املاك بلاصاحب مینماید . اهل شرراه خیلی شرور و دزد هستند علی‌الخصوص این ایام در دزدی طغیان کرده کار و کاسبی خودرا گذاشته مشغول راهزنی هستند ، حالا بحکم دولت امان‌الله خان میرپنج فوج فراهان قدری دست و پای این دزدها را بریده .

دوشنبه ۱۳ ذیقعده ـ اردو حرکت کرد . قبل از ظهر بساروق وارد شدیم ساروق دهی بزرگ ومتعلق باولاد مرحوم‌میرزاعلی قائم‌مقام‌است باغات و اشجار زیادی دارد . از اینجا تا سلطان‌آباد (اراك فعلی) شش فرسنگ است .

سه‌شنبه ۱٤ ذیقعده ـ از ساروق اردو بطرف سلطان‌آباد پایتخت فراهان عراق حرکت کرد ، جناب اجل ساعدالدوله سردار حبیب‌الله‌خان تنکابنی حکمران‌عراق چندین سوار برای استقبال جناب ساعدالسلطنه فرستاده بودند با احترام وارد سلطان‌آباد شده بقلعهٔ حکومتی فرود آمدیم و پس از ناهار به اردو آمدیم . متاع فراهان قالیچه و فرش است‌که از ایران گذشته بفرنگستان هم برای فروش میبرند . هوای خوشی دارد . سلطان‌آباد (اراك) تازه آباد شده قریب ۸۰ سال است‌که سپهدار مرحوم اینجا را شهر ساخته کوچه‌ها و بازارش وسیع و باقرینه ساخته شده هفت قنات دارد قنات ناصرالدوله از همه پرآبتر است . مالك معتبر عراق اول جناب حاج آقا محسن مجتهد دوم حاج صمصام‌الملك سوم اولاد مرحوم ناصرالدوله فرمانفرما است .

اهل سلطان‌آباد هم دو گروه هستند گروهی مرید حاج آقا محسن و گروهی مرید جناب آقای ضیاء . از قرار معلوم‌آقا ضیاء هیچ بضاعت‌ندارد .

۵شنبه ۱٦ ذیقعده ۱۳۱۰ ـ طلوع آفتاب از سلطان‌آباد حرکت شد . پس از وداع با جناب سردار (حکمران) ایشان هم با ما بتماشای اسب‌دوانی آمدند . اسب سردار بنام خرسان و اسب ساعدالسلطنه (مفتاح) قوشه (مسابقه) گذاشتند اسب مفتاح

پیش افتاد .

پس از طی چهار فرسخ و نیم به گیلی رسیدیم این ده متعلق بنواب عالیه بانو عظمی خواهر حضرت والا ظل‌السلطان و متعلقهٔ مرحوم صارم‌الدوله است .

جمعه ۱۷ ذیقعده ـ ازگیلی روانـه و پس‌از عبور از حسن‌آبـاد و یك گردنـه بدهکدهٔورچه که درجلگهٔ وسیعی‌بود رسیدیم.

اهالی این ده از مرد و زن مثل سگ پاچه میگرفتند مردمی شرطلب بودندحین عبور جناب ساعدالسلطنه هنگامه برپا کردند کم مانده بود در میانه‌آدمی کشته شود اما بحمدالله‌بخیر گذشت . دربین راه سرگذشت حبس‌قزوین خودم‌را برای جناب ساعدالسلطنه بیان میکردم . از ورچه تا خمین پنج و از گیلی تا خمین هفت فرسنگ و نیم است خمین پایتخت کمره و کمره دارای صد قریه و مزرعه است . سرکار والا حشمت‌الدوله مالك چند پارچه از دهات معتبر آنجا است و فوج کمره هم با شاهزاده حشمت‌الدوله است . روز شنبه ۱۸ در خمین اطراق شد وعصر علیقلی خان سرتیپ حـاکم کمره بدیدن جناب ساعدالسلطنه آمد .

دوشنبه ۲۰ ذیقعده ۱۳۱۰ ـ دیشب اردو کوچ کرده و بشش فرسخی نزدیك قوقه آمدیم و اردو در ده نیوان افتاد . این دهات جزو بلوك گلپایگان و شصت پارچه آبادی است ویك فوج داردکه جزو اداره حضرت والا ظل‌السلطان است .

سه‌شنبه ۲۱ ذیقعده ـ از خمین‌به قریهٔ «در»آمدیم‌که پنج فرسنگ راه‌است‌جناب ساعدالسلطنه با چند نفر نوکـر بچاپاری باصفهان رفتند ومن هم بحکم استخاره ایشان ماندم با اردوبروم .

مطلبی‌که فراموش کردم بنویسم اینست‌که شب‌ها از صدای زنگ یابو و قاطر باروبنه و قیل وقال اهل اردو وعرعر خرهای سربازها یك دقیقه آسوده نبوده‌ام . یك‌باب کاروانسرا که بسیار محکم از آجر و سنگ بنا شده و حالا خراب است ازبناهای سلاطین صفویه است . در عهد محمد شاه یکصد و پنجاه تومان مالیات دیوانی باین کاروانسرا بسته‌اند که از اهل ده میگیرند . با وجود اینکـه کاروانسرا خراب شده و قابـل استفاده نیست هرچه پیش هرکس داد و فریاد کرده‌اند کسی بدادشان‌نرسیده .

چهارشنبه ۲۲ ذیقعده ۱۳۱۰ ـ نصف شب دیشب اردو از در حرکت کرد . من وهمراهان‌که سرکار طاهرخان یاور، میرزا صادقخان سرهنگ و میرزا جوادخان یاور بودند دنبال اردو راندیم . یك ساعت بعد از طلوع آفتاب بقریهٔ خنداب رسیدیم. باغات انگور زیاد دیدیم ولی جای اردو را دریك محل خشك و بی‌آب وعلف معین‌کرده‌بودند.

از در بخنداب پنج فرسنگ است راه بیشترش صاف و هموار و کمش سنگلاخ بدی است اینجا هم جزو گلپایگان است .

سرکار آقای حسینقلی‌خان میرپنج (پسر ساعدالسلطنه و امیرنظام دوم) بمبارکی در خنداب سرمشق سربازان آمد .

از خنداب بقریهٔ حسنی که دو فرسنگ و نیم راه است آمدیم . میان خنداب و حسنی دهکدهٔ بزرگی است بنام دهق که متجاوز از هزار خانوار سکنه دارد . دهق جزو خاك اصفهان است باغات و زراعت زیادی دارد . دردهق ازیك دروازهٔ سنگی که یك‌زرع و نیم عرض ودو زرع تقریباً طول دارد عبور کردیم . در کاروانسرای عهد سلاطین صفویه که خراب شده تخته سنگ های بزرگ بکار برده‌اند . از حسنی تا اصفهان ۱٤ فرسخ است هفت فرسخ بچال سیاه و هفت فرسخ از چال سیاه بشهر اصفهان . در خنداب کوهی نمایان بودکه برف داشت . گفتند اسم کوه‌دالاده است . خیلی کوه بافایده‌ای است من‌جمله بته‌گز خیلی خوب اصفهان در آن کوه است . سه چهار سال است حضرت والا ظل‌السلطان دهات جلگهٔ آن کوه را خریده‌اند گز هم هیچ بار نمیدهد .

جمعه ۲٤ ذیقعدهٔ ۱۳۱۰ ـ دیشب اوایل شب ازحسنی راه افتاده هفت‌ساعت تمام اسب راندیم یکساعت از طلوع آفتاب گذشته وارد چال سیاه شدیم .

جلگه های متعدد بی‌آب و علف در این صفحات دیده شد . یك کاروانسرای بسیار محکم در عهد شاه سلیمان صفوی مرحوم شیخعلی خان اعتضادالسلطنه در سنهٔ ۱۰۹۸ با آجر و سنگ بنا کرده‌که خیلی تعریف دارد . سنگ های یك پارچهٔ بزرگ‌بکار برده‌اند از جمله چهارچوب دروازهٔ کاروانسرا از سه پارچه سنگ ساخته شده‌که ارتفاع دو طرف چهارچوب سه زرع عرض‌آن است خیلی‌قشنگ حجاری کرده‌اند بالای‌چهارچوب بشکل طاق حجاری شده است . با اینکه ۲۱۲ سال است بنا شده چندان خرابی ندارد . سالی پنجاه تومان اجارهٔ این کاروانسرا است .

یکشنبه ۲٦ ذیقعده ـ ازچال سیاه به عم شیروان چهار فرسخ وازآنجا باصفهان دو فرسخ‌است . طبق پاکتی‌که جناب ساعدالسطلنه مرقوم فرموده‌بودند روزجمعه بچاپاری روانه شیراز شده‌اند .

موقع ورود باصفهان از بزرگی سواد شهر و بناهای زیاد با استحکام این شهر حظ و حیرت کردم . و از خراب شدن بناهای عالی این شهر مثل عمارت آئینه‌خانه و هفت دست و هشت بهشت وپل‌های زاینده‌رود خیلی خیلی تأسف خوردم بامخارج گزافی که باین بناها کرده‌اند چرا مواظبت نشده و اینطور ویران گردیده . تالارها و اطاقهای

آئینه‌کاری حالا مطبخ و طویله گردیده . (گرچه اوضاع دنیا همیشه مقتضی این کاربوده و خواهد بود) عمارات سلطنتی وبناهای معتبر اصفهان ازمساجد و مدارس و غیره حقیقة قابل تعریف است و میتوان صنعت نجاری و بنائی خصوصاً کاشی‌کاری‌ها و حکاکی‌که در فولاد میکنند با بعضی صنایع فرنگستان مقابل نمود . مثلا اگر آئینه‌کاری و نقاشی قدیم اصفهان‌که در سقف و دیوارهای‌اطاقها و تالارهای عمارات و سنگ های مرمربکار برده‌اند در تالار و عمارات چراغ برق مانند فرنگستان بکاربرده میشد یك برصدبرجلوهٔ آن عمارات میافزود .

سه‌شنبه ۲۸ ذیقعده ۱۳۱۰ ـ از اصفهان حرکت کرده به‌قلعه شور سه فرسخی اصفهان آمدیم . قلعه شور یك باغ و عمارت و یك کاروانسرا دارد آبش خیلی‌کم و شورمزه است گفتند متعلق بحضرت والا ظل‌السلطان است .

چهارشنبه ۲۹ ذیقعده ـ ازقلعهٔ شور به مهیارکه پنج‌فرسخ سنگین مسافت است آمدیم . مهیار جای بزرگ و قصبه مانند بوده ولی بواسطهٔ کم‌آبی خراب شده اینجا سابقاً ۱۰ هزار شتر داشته‌اند حالا بسه هزار رسیده است .

پنجشنبه ۳۰ ذیقعده ـ از مهیار به قمشه که پنج فرسنگ مسافت و راه هموار است‌آمدیم. درنیم فرسخی‌قمشه امام زاده‌ای هست‌که دربلندی بکوه چسبیده بنام‌امامزاده محمدجعفر پسر حضرت امام موسی کاظم ع مشهور بشاهرضا بقعه و بارگاه باروحی دارد رواقش‌راکه سهام‌الدوله آئینه‌کاری کرده بعد آن‌را حك و صارم‌الدولهٔ سرتیپ کرده‌اند . قمشه قصبهٔ بزرگ و شهرکوچکی است‌که اطرافش برج و بارو است گیوه های خوب و اسباب سفالین میسازند.

در خاك اصفهان هنوز نان خوب نخورده‌ایم آبش اغلب جاها شور است‌هوای روز هم خیلی گرم میشود . اهل‌اصفهان را گرچه ملاقات‌نکرده‌ام ولی ازاطوار مردمان حول و حوش چنان مینمود که اهل اصفهان متعارف، خوش مزه وتنگ چشم‌هستند ولی کاسب و باهنر .

جمعه اول ذیحجهٔ ۱۳۱۰ ـ نزدیك صبح از قمشه روانه شده بمنزل مقصودبیك که چهار فرسخ مسافت‌است وارد شدیم . مقصود بیك یك کاروانسرا دارد وپنجاه‌شصت خانوار در دامنهٔ کوه واقع شده و متعلق بجناب نظام‌السلطنه است .

شنبه ۲ ذیحجه ـ شب گذشته چهار ساعت از شب رفته از مقصودبیك حرکت بین راه شتردار زیادکه بارشان قند وقماش بود دیده شد . بعد بار و بنه وتخت وکجاوه و کالسکه و درشکه شاهزاده رکن‌الدوله‌که از شیراز بطهران میرفت دیدیم . بعدازهفت

ساعت راه‌نوردی وارد ایزدخواست که اول خاك فارس است شدیم . از مقصود بیك تا ایزدخواست شش فرسخ مسافت است . وضع ایزدخواست طور غریبی است روی تپه با خانه های کوچك و توی هم ساخته شده و راه آن منحصر بیك راه است . حالا کم‌کم خانه‌های تازه میسازند بد نیست . یك کاروانسرای شاه عباسی هم دارد که هنوز خراب نشده . ایزدخواست دارای سیصد چهارصدخانوار سکنه‌است وهزار وششصدتومان‌مالیات نقد دیوانی . ازاینجا راه شیراز دوتا میشود یکی از گرمسیر و دیگری ازسرحدامام‌زاده سید علی از اولاد امام موسی کاظم ع که در اول‌آبادی ایزدخواست گنبد وبارگاه دارد قیمت زمین زراعت در ایزدخواست محل یك من تخم‌افشان چهار تومان است . تفصیل مسافرت از ایزدخواست بشیرازنبود فقط اسامی منازل ومسافت آنها بیکدیگر باین‌ترتیب ذکر شده است .

ایزدخواست بشولکستان پنج فرسخ ـ شولکستان به آباده ۵ فرسخ ـ آباده بسورمق ۳فرسخ ـ سورمق‌بخان‌خره ۷فرسخ ـ خان‌خره‌بده‌بید ۵فرسخ ـ ده‌بیدبخان‌کرکره ۳ فرسخ ـ خان‌کرکره بمشهد مرغاب ٤ فرسخ ـ مشهد مرغاب بقوام‌آباد ٦ فرسخ ـ قوام‌آباد بسیوند ۲ فرسخ ـ سیوند بکناره ۵ فرسخ ـ کناره بزرقان ٤ فرسخ ـ زرقان بشیراز ۵ فرسخ . (جمعاً از همدان بشیراز ۱٤۰فرسخ) .

۱۲ ذیحجةالحرام ئیلان ئیل ۱۳۱۰ با فوج فدوی بسلامتی وارد شیرازشدیم. از شهر از اهل نظام وغیره باستقبال آمده بودند . در منزل محمدحسن خان سرهنگ (اخوی) منزل کردم . هوا خیلی گرم است .

۳ صفر ۱۳۱۱ ـ نواب والا سهام‌الملك مهدیقلی میرزا رضاخان عرب کطی‌را با اعوان و انصارش قلع و قمع نمود و اهالی از شر تعدیات او آسوده و دعاگو شدند. علی‌نقی‌خان داماد او نیزکه در رشادت مشهور بود درآن جنگ کشته شد .

بانی باغ ارم

٤ صفر ۱۳۱۱ ـ حاج‌نصیرالملك برادر جناب میرزا فتحعلی‌خان صاحبدیوان در شیراز وفات کرد . مرد مدبر و متمول و ممسکی بود . یك مسجد در شیراز بناکرده ویك باغ مشهور به باغ ارم که ناتمام است .

قلع وقمع رضا خان عرب

یکشنبه ۱٤ صفر نواب والا حاج سهام‌الملك با کبکبهٔ تمام وارد شیراز و سر رضاخان را آوردند . کوهی نام برادر رضا خان و سایر پسرها و عیالش را اسیر کرده با نظام و سوار وارد شهر نمودند . تمام اهالی شهر از زن و مرد شاد و خندان بتماشا آمده بودند .

٤ ربیع‌الاول ۱۳۱۱ - شب خدمت نواب والا شاهزاده مهدیقلی میرزا حاجی سهام‌الملك رسیدم وتا بعد از شام در خدمت سرکار شاهزاده بودم .

منزل سرکار شاهزاده در باغ مشهور بباغ شیخ بودکه حالا میرزا حسینقلی خان نواب مالك آنجا است . سرکار شاهزاده از وضع سابق شیراز که ۲۲ سال قبل با مرحوم سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه باینجا تشریف آورده بودند صحبت میفرمودند که آن اوقات مردمان بزرگ‌ازقبیل حاج‌قوام ومرحوم مشیرالملك ومحمدقلی‌خان‌ایلخانی و خانواده های معتبر و ارباب کمال در شیراز زیاد بوده و منافع حکومت و اجزاء او هیچ دخلی‌بحالا نداشته.

مجلس برای تنظیف شهر و اظهارات‌یکی از تجار

۵شنبه ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۱ - درعمارت‌کلاه فرنگی باغ ایالت مجلسی مرکب از علماء وشاهزادگان واعیان وتجار معتبر منعقد شد که رؤسای مجلس جنابان اجل ساعدالسلطنه (رئیس قشون فارس) و سعیدالملك بودند . در باب تنظیف کوچه و بازارهای شهر شیراز گفتگو کردند که قراری در نظافت و پاکیزگی داده شود . صحبت زیاد کردند ولی در آنمجلس قرار قطعی معین‌نشده موقوف باجلاس ثانوی شد . بعضی از اعیان راضی باین کار بوده ولی یکی از معتبرترین تجار شیراز شنیدم میگفت میخواهید برای ما بدعت بگذاریدکه مصارفی تعیین کنید برای تنظیف شهر بعد رفته جزء مالیات بشود بگیرند بخورند و شهر را هم پاکیزه نکنند .

مجلس ثانی هم مرکب ازهشت نه‌نفر ازاعیان شیراز درمنزل‌جناب‌ساعدالسلطنه منعقد شد بعد از گفتگوهای زیاد و اقسام شقوق آخر عمل تنظیف شهر بجائی نرسید .

دوشنبه ۱۹ ربیع‌الثانی - جناب‌اجل‌نظام‌السلطنه صاحب اختیار فارس احضارم فرمودند . در خدمت جناب ساعدالسلطنه امیرتومان در عمارت خلوت رفتم معلوم شد برای امتحان آقازاده مکرم آقا میرزا حسین خان پسر بزرگ جناب نظام‌السلطنه دردرس فرانسه است بقدر سه ربع ساعت در حضور جناب صاحب‌اختیار نشسته آقای‌میرزاحسین خان امتحان داد قدری (ورب) صرف کرد قدری لغت فارسی سئوال شدگفت کمی هم حرف زد در حرف زدن خیلی کند بود و خجالت هم میکشید . ولی ماشاءالله پسر باهوشی است .

سان قشون فارس

۲۹ ربیع‌الثانی - جناب اجل نظام‌السلطنه صاحب اختیار وجناب اجل ساعدالسلطنه امیرتومان و جناب سعدالملك قوام لشگر فتح‌الملك و جمشید خان سرتیپ و سایر صاحب منصبان متوقفین شیراز بمیدان‌توپخانه وسربازخانه فوج فدوی‌آمده میدانها در کمال آراستگی‌بود توپچی

و سرباز فوج فدوی وچند نفر از فوج خوی مشق کردند . فوج‌فدوی خیلی خوب‌مشق کرده موزیك نواختند . انصافاً وضع نظام شیراز از هرحیث خیلی منظم بود . صد و پنجاه تومان هم صاحب اختیار بافواج انعام دادند .

شنبه ۸ جمادی‌الاول ۱۳۱۱ - بملاقات جناب فخامت نصاب میرزا رضا خان بنان‌الملك‌که از جنرال قونسولگری مصر استعفا کرده بود در منزل سرکار حاج‌اسمعیل ناظر جناب اجل نظام‌السلطنه منزل داشتند رفتم ملاقاتشان نمودم . اول آشنائی من با جناب معظم در لندن پنجسال قبل اتفاق افتادکه بندگان اعلیحضرت اقدس همایون ناصرالدین شاه بسفر فرنگستان تشریف آورده بودند .

سه‌شنبه ۱۱ جمادی‌الاول - طرف عصر جناب‌آقای ساعدالسلطنه امیرتومان و سرکار حسینقلی خان میرپنج فرزند جناب معظم درس زبان انگلیسی شروع نمودند .

متلك امام‌جمعهٔ شیراز

جمعه ۱٤ جمادی‌الاول - جناب مستطاب آقای امام‌جمعهٔ شیراز و جناب میرزا رضاخان بنان‌الملك و سرکار میرزا حیدرعلی خان نواب و میرزا رضاخان داماد بنان‌الملك‌که از مصر آمده بود در منزل جناب اجل ساعدالسلطنه بصرف ناهار مهمان بودند من‌هم بودم صرف ناهار شد . جناب امام صحبت های بامزه و احادیث خیلی فرمودند از جمله این بودکه یك واعظی سر منبر رفته از مناقب حضرت ولایت مآب صلواةالله علیه خیلی بیان مینماید درآخر منقبت حضرت میگویدکه حضرت مرتضی علی ع شبی هفتاد مرتبه هم جماع میفرمود . یك پیره‌زنی درآن مجلس بوده بآواز بلند دستهایش را بالا کرده میگوید یاعلی بفریادم برس .

عصر پنجشنبه ۵ جمادی‌الاخره - ۲۲ قوس - هوای خوشی بود وباران نم‌نم میآمد باتفاق سرکار میرزا صادقخان سرهنگ گردش‌کنان بحافظیه رفتم .

وضع قبر حافظ

تقریباً بیست دقیقه‌ازشهر بآنجا مسافت دارد در محل خوبی‌واقع شده تمام شهر شیراز از آنجا پیدا است . مقبرهٔ خواجه حافظ علیه‌الرحمه در میان قبرستان است یك محجر آهنی باطراف سنگ قبر خواجه گذاشته‌اند . سنگ قبر مرمر یك پارچه و غزل «ای‌دل غلام شاه جهان‌باش وشاد باش» درآن خیلی خوب حجاری شده است .

بعضی مقابر دیگر هم هست که پوشیده شده و اطاق ساخته‌اند . ایوان خوبی هم هست‌که بباغچه نگاه میکند . در باغچه درخت نارنج وکاج و انار بسیار است .

متصل باین باغچه، باغچه‌ای‌ساخته‌اندکه قبرمرحومان‌قوام‌الملك میرزاعلی‌محمد

خان و حاج نصیرالملك حسنعلی خان در آنجا است . در شب های جمعه تفرج‌گاه عموم است .

باغ تخت

جمعه ٦ جمادی الاخره ـ قبل از ظهر باتفاق تقی خان اخوی بتماشای عمارت وباغ نارنج به‌باغ‌تخت رفتیم . تقریباًنیم‌ساعت از شهر بآنجا مسافت است باغ تخت درپای کوه واقع و باغ بسیار وسیعی است اشجارش را بیشتر بریده برده‌اند تك تك درخت میوه دارد . در دو خیابان‌که بعمارت میرود درخت کاج و سرو وچنار قدری باقی است . عمارت هفت‌طبقه ساخته شده در طبقهٔ پائین که چند پله میخورد ببالا میرود یك دریاچه (استخر) بسیار بزرگی است اطرافش باغچه ودرختهای نارنج وکاج‌است . طبقهٔ دوم تا هفتم حوضهای قشنگ و درختهای یاس و نارنج است . سنگ حوض‌ها را بطرزهای مطبوع کشکولی و شکل دیگر تراشیده نصب کرده‌اند . هرکدام از حوضها فوارهٔ کوچکی دارد در طبقهٔ بالاکه مرتبهٔ هفتم است اطاقهای متعدد وایوان ویك حیاط خوبی است‌که حوض وباغچه و درخت دارد .

واقعاً عمارت باین خوش‌وضعی و باین منظر و چشم‌افکن خیلی کم دیده شده است اما هزار حیف‌که بنا هرچه هست خراب و ویران شده حوضها و استخر هیچ آب نداردکه سه چهار سال بگذرد و تعمیر نشود همه بنا منهدم خواهد شد .

دوشنبه ٨ جمادی‌الاخره ـ فخرالحاج حاجی میرزا عبدالله صراف که از جمله دوستان است دعوت بصرف ناهار نموده بود عدهٔ دیگر هم بودند . عملهٔ طرب ملاآقائی تارزن مشهور با دسته‌اش بودند . روزی گذشت بد نبود . ناهار کامل وغذاهای مأکول تهیه دیده بود . پنج روز است علی‌الاتصال شبانه روز باران میبارد .

بارندگی شدید

چهارشنبه ١١ جمادی الاخره ـ امروز هفت شبانه روز است که لاینقطع درشیرازباران‌میآید بطوریکه مردم‌ازتردد وعبور بازمانده حتی اهل بازار دکان‌هاشان را بسته‌اند .

موج زن کوه وکوچه لجهٔ آب — خاکیان همچو مردم آبی
پیر و برنا به برزن و بازار — هریکی در شنا چو مرغابی

ازقراریکه‌اهل‌اینجا میگویندکسی‌خاطرنداردکه پانزده هنگام متوالیاًباران‌بیاید. خیلی بخانه‌ها و دکان‌ها خرابی‌رسانده . آباده‌راکه قصبهٔ بزرگی‌است سیل‌برده مردم آنجا را بی‌خانه و لانه کرده حتی عمارت حکومتی و تلگرافخانه و پست‌خانه را باران خراب کرده است ...

چهل تن عصر پنجشنبه ۳ رجب ۱۳۱۱ - باتفاق سرکار میرزا صادقخان سرهنگ و میرزا جواد خان یاور سواره بحافظیه و از آنجا به چهل‌تن وبعد به هفت تن رفتیم . هوا خیلی مساعدبود درحافظیه جمعیت زیاد از مرد و زن بودند .

چهل تن حیاطی است دورش‌را دیوار آجری کشیده طاقنما ساخته‌اندباغچه‌های قشنگ دارد و چهل سنگ مزار پهلوی هم گذاشته شده است از قراریکه میگویند این چهل نفر از عرفا بوده‌اند . بالای حیاط چند اطاقی هم بود .

هفت تن از آنجا بهفت‌تن رفتم . صفای هفت‌تن از چهل‌تن و حافظیه‌بیشتر و محلش بلندتر واقع شده منظر وسیع و درختهای‌کهن ازکاج و سرو و ایوان‌بزرگ با دو ستون سنگ یك پارچه دارد. در ایوان چند تصویرهم دیده شدکه میگفتند شبیه شیخ سعدی وخواجه حافظ و شیخ صنعان‌است.

دروازهٔ قرآن این هفت‌تن از بناهای مرحوم خلدآشیان کریم‌خان وکیل وبنای محکم خوبی است . از هفت تن به زیر دروازه قرآن رفتم . یك قرآن هفده منی در بالاخانهٔ آنجا گذاشته شده میگویند این قرآن خط ثلث و خط پسر امیرتیمور گورکانی است .

سه‌شنبه ۱۵ رجب ۱۳۱۱ - در شیراز برف افتاد و هوا را سرد کرده‌پست هم وارد شد . کاغذی از نادعلی خان اخوی رسید نوشته بود در ۱۸ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۱۱ مطابق ٦ جدی خداوند دختری بمن عطا فرموده اسمش را شرف‌جهان نهاده‌اند. خداوند انشاءالله خوش قدم و اهل، باوسعت رزق و عاقبت بخیرش نماید .

یکشنبه ۲۰ رجب - پس‌از رفتن سرکار میرزا علیرضاخان سرتیپ و رئیس پست که بنا بوعده بمنزل آمده بودند تنها ماندم . دیدم بهترین رفیق برای انسان‌کتاب‌است. کتابی موسوم به‌تربیت‌که مرحوم میرزا تقی‌خان سرتیپ مدیر روزنامهٔ فرهنگ فارسی در قواعد تعلیم و تربیت اطفال نوشته در منزل بود مشغول خواندن آن شدم . دیدم الحق خیلی خوب تألیف کرده باحترام و بذکر خیرش یاد کردم . خدایش بیامرزد شخص باعلم و باغیرت و ترقی‌خواهی بوده است . هرگاه معلمین از روی همان قاعده متعلمین‌را تعلیم دهند هرآینه از مکتب‌خانه‌ها و مدرسه‌های ممالك ایران هم جوانهای باعلم و هنر زیاد بیرون خواهدآمد . بواسطهٔ نشر علوم‌که سرمایهٔ آبادی هرمملکت‌است ایران هم معمور وشریك آبادی دنیا خواهد شد . بعقیدهٔ حکما وعقلای این‌عصر، معموری هرملك‌موقوف به نشر علوم درآن ملك است و نشر علوم هم منوط بداشتن سواد است‌که مرادنوشتن

و خواندن باشد چه آنکه سواد بمنزلهٔ کلید ابواب علوم است . اما هزار حیف که تحصیل سواد در ایران با این خطکه هست بسیار دشوار است تا خط حالیهٔ ما اصلاح نشود تحصیل علم آسان نخواهد شد . باید مقدم برهمه، اسباب تحصیل علم را سهل کرد تا علم میان عامه شیوع پیدا کند . وقتیکه علم شیوع پیداکرد آن‌ملك‌آباد ومعمور خواهد گردید .

خلعت‌پوشان نظام‌السلطنه

چهارشنبه ۲۳ رجب ۱۳۱۱ - روز خلعت پوشان حضرت اجل صاحب اختیار مملکت فارس نظام‌السلطنه بود . باکمال شکوه و انتظام خلعت مبارك تن‌پوش همایونی را استقبال کرده بمیمنت و اقبال خلعت را زیب پیکر نموده بعد بسلام نشستند .

رسم خلعت پوشان هرفرمانفرما در شیراز آن است‌که تمام اصناف شهر طبقه بطبقه باید باستقبال بروند و همچنین تمام طبقات نوکردیوان از توپچی و سوار و سرباز و صاحبمنصبان با لباس رسمی و خود ایالت باید بقدر ربع فرسخ خارج از شهر استقبال کنند . فوج درجزین هم تازه وارد شیراز شد سرکار این فوج سرکار میرزا مصطفی خان میرپنج نوادهٔ دختری مرحوم حاج معتمدالدوله پسر مرحوم قوام‌الدوله است .

حکومت رکن‌الدوله

سه‌شنبه ۵ رمضان ۱۳۱۱ - ایالت مملکت فارس تغییر کرد با وجودیکه امر حکومت سال نو حضرت اجل‌نظام‌السلطنه صاحب اختیار با دیوان گذشته بود تلگرافی از حضرت اشرف والا رکن‌الدوله‌بجناب‌اجل ساعدالسلطنه امیرتومان رسید باین‌مضمون «حکومت فارس و بنادر بما مرحمت شد شما باید درانتظام امور شهر و توابع وبلوکات کمال اهتمام را بنمائیدکه مردم درآسایش بوده از احدی صدا بلند نشود . ریاست قشون کماکان‌بعهده کفایت شما است» . روزبعدهم تلگراف نایب‌الحکومگی جناب‌ساعدالسلطنه از صدراعظم و رکن‌الدوله میرسد .

جمعه ۲۲ رمضان ۱۳۱۱ - صبح از خواب برخاسته شلیك توپ شنیدم معلوم شد سرکار نواب والا عین‌الملك نایب‌الایالهٔ فارس با تشریفات واحترامات بعمارت‌ایالتی وارد شده‌اند و شلیك توپ محض احترام ایشان است .

امروز جناب اجل نظام‌السلطنه صاحب‌اختیار از شیراز بطهران حرکت‌خواهند فرمود تشریف آوردن شاهزاده نایب‌الایاله و تشریف بردن جناب صاحب اختیار عبرتی

است براوضاع روزگارکه اعتباری براقتدار و حکمرانی نیست دراین‌صورت حتی‌المقدور انسان درحال قدرت باید ملاحظهٔ‌عواقب امورخودرا بکند وبامردم زیردست بطور رأفت و گشاده روئی رفتار کند .

مکافات عمل

.... در این مدت عمر و سیاحت های خارجه و داخله چیزی را که در دنیا به تجربه رسانده و عقیده دارم اینست که مکافات حتمی است هرکس درعالم زندگی بهرعملی ازخیر وشر مرتکب شود سزای عمل خود را بلاشك خواهد دید اعم از اینکه خوب باشد یا بد چنانکه خواجه حافظ علیه‌الرحمه فرموده (هرکس آن درود عاقبت کارکه کشت) .

جمع‌آوری‌مال

یك‌مسئلهٔ دیگر اینست‌که هرکس دردنیا مال جمع کرد وبمصارف خیریه نرساند و برخود تنگی داد و لئامت کرد و نخورد و نخوراند بعد از فوت او آن مال اندوختهٔ او که بهزار زحمت و جان کندن جمع کرده بدست یك آدم مبذر و مسرفی خواهد افتاد که در مدت قلیلی هباء منثورا میشود این نکته هم از نکات بزرگی است که اغلب حکماء و عقلا تصدیق کرده‌اند .

دوشنبه ۲۳ شوال ۱۳۱۱ روز چهلم عید نوروز است در شیراز این روز را تیرماه مینامند و رسم است در اینجا عموم اهالی تعطیل کرده برای تفرج بیرون میروند مثل سیزده عید نوروز و درآب سعدی خود را میشویند .

سه‌شنبه ۱۳ ذیقعده ۱۳۱۱ - جواب تلگراف جناب‌اجل ساعدالسلطنه بخاکپای اعلیحضرت‌اقدس‌همایون شاهنشاهی‌که درباب استعفا ازبیگلربیگی‌گری شیراز عرض‌کرده بودند رسید و قبول استعفا فرموده بودندکه قبول استعفای ترا از بیگلربیگی‌گری شیراز فرمودیم ولی تو نباید از خدمت و نظم مملکت فارس استعفا بکنی و باید درکمال‌اهتمام مواظب نظم باشی بیگلربیگی‌گری شهر عجالة بمعتمدالسلطان محمدحسن‌خان فراشباشی حضرت اشرف والا رکن‌الدوله روحی فداه محول شد .

تمجیدازحکومت معتمدالدوله

۲۹ ذیقعده ۱۳۱۱ - بملاقات جناب مستطاب حقایق انتساب آقا علی آقا پسر مرحمت‌مآب حاج آقا محمد که از سلسلهٔ علماء و عرفای شیرازند رفتم . صحبت از حکومت رضوان مکان فرهاد میرزا معتمدالدوله و سلطان اویس میرزا معتمدالدولهٔ ثانی در فارس شد .

از درست گفتاری و حقیقت‌رسی و بزرگواری حاجی معتمدالدوله خیلی تعریف

کردند و همچنین از مردم داری و حسن رفتار معتمدالدولهٔ ثانی تحسین نمودند شش‌سال حاجی معتمدالدوله و چهار سال معتمدالدولـهٔ ثانی در فارس حکمرانی کرده پدر و پسر هردو نام نیك در فارس گذاشته‌اند و مردم خیلی در رفاه بوده‌انـد از حیث عـدل و داد و ارزانی و فراوانی اجناس و امنیت و درست قولی حکمران .

یکشنبه ۱۳ ذیحجه ۱۳۱۱ - ۲۷ جوزا و ۱۶ ژوئن ۱۸۹٤ - یکسال تمـام است‌که وارد شیراز شده‌ام یعنی با فوج فـدوی‌که مأمور بتوقف اینجا است وقت ورود جناب اجل حسینقلی خان نظام‌السلطنه حکومت فارس را داشتند والحق نام نیك دراینجا بیادگار گذاشته خوب حکومت‌کرده بیشتر مردم فارس از ایشان خشنود هستند . دیروز قوام‌الملك‌که چندی بود در طهران بود و مردم شیراز بایشان شورش کرده بیرون‌نموده بودند واردشیرازشد. یعنی‌جناب امام‌جمعه‌اغلب مردم‌را بوعده ونوید وپول دادن وتملق کردن رام کرده و میانهٔقوام‌الملك را با اهل شهر اصلاح نمود . اهالی شهر از اعیان و غیراعیان جمع کثیری قوام‌الملك را استقبال نموده جناب امام‌جمعه قوام‌الملك را خدمت حضرت والا عین‌الملك نایب‌الایاله آورده بعد از آنجا بزیارت حضرت شاه چراغ (ع) وسید محمدعلی میرحمزه برد از آنجا هم بخانهٔ مرحوم‌حاجی نصیرالملك و ازآنجا بخانهٔ شهری رفت .

راز ونیاز بدرگاه خالق‌بی‌نیاز

شنبه ۳ محرم۱۳۱۲ - تا دوساعت ازشب‌گذشته میرزامحمدعلی خان پسرجناب‌قوام‌الملك وسلطانعلی‌خان‌سرهنگ‌پسر منتصرالملك و میـرزا علی‌اکبر خـان مشهور به ناپلئون در خـدمت جناب ساعدالسلطنه بودند . بنـده یکساعت هم بعد از رفتن حضرات ماندم و صحبت های متفرقه کردیم . بعد ازآن بمنزل آمدم تك و تنها نشسته با حالت خوش مشغول راز و نیاز بدرگاه حضرت خالق بی‌نیاز شدم گفتم: «ای آفرینندهٔ بی‌انباز و ای‌دانای‌کل راز با بیچارگان دمساز برمستمندان بی‌برگ وساز نظری‌انداز ازدرگاهت مران و از منت دونان این جهان برهان . نیك سیرتان را برخوردار و بدگوهران موذی را خوار بدار و قاضیان و حکمداران را عدل و انصاف عطا کـن . دل های اهل صفا را باهم مهربان و متفق گردان . نفاق را ازجهان بردار و عاقبت کار مردمان خوش‌کردار را ختم بخیر کن . عاشقـان شیفته را بمحبوب و معشوقشان برسان سالکان طریقت را بحقیقت هدایت کن . این بندهٔ شرمنده‌ات و هیچ بنده را محتاج خلق نکن آنقدر وسعت معیشت کرامت فرماکه اسباب آسایش جندین هزار بنی‌نوع و مخلوق گردد اینقدرتوفیق عنایت کن‌که بی‌یادگار و آثار خیر عامه از دنیا نرود . خداوندا این عرایض بی‌ریایم‌را

مقرون باجابت گردان ای قادر سبحان» .

مناجات اهلی شیرازی

خدایا توئی آگه از حال من — عیانست پیش تو احوال من
توئی از کرم دلنواز همه — به بیچارگی چاره ساز همه
بود هرکسی‌را امیدی بکس — امید من‌از رحمت تست بس
اگرنامه‌ام ازگنه پاك نیست — چولطف‌توباشدمراباك‌نیست
مراچشم برلطف وانعام‌تست — امیدمن از رحمت عام تست
که دارم من عاصی روسیاه — بعفو تو امید بیش‌از گناه
اگر پرسیم از بدو ناصواب — بجزاشك‌حسرت‌ندارم‌جواب
بفضل‌توام هست‌حاجت‌بسی — گنه‌کارتر نیست از من‌کسی
گنه‌کارم ورفته‌کارم زدست — گرم‌نیست‌طاعت‌امیدازتوهست
به‌بخشای‌برمن‌که بیچاره‌ام — گرفتار نفس ستمکاره‌ام

از : نظامی گنجوی

جز این‌نیستم چاره‌ای درسرشت — که سر برنگردانم از سرنوشت
رهی پیشم آور که انجام کار — تو خشنود باشی و ما رستگار

از اول محرم ۱۳۱۲ تا دهم در باغ ایالت روضه‌خوانی بود جمعیت زیادی ازمرد و زن‌باستماع روضه میآمدند. معتمدالسلطان محمدحسن‌خان‌فراشباشی وبیگلربیگی مباشر این کار بود و مجلس منظمی بود . بیست و پنجم محرم منزل را تغییر داده بخانهٔ جناب ناظم‌الاطباء آمده این خانه را بماهی چهار تومان ونیم پول سفید اجاره نمودم .

ورود رکن‌الدوله

شنبه ۹ صفرالمظفر ۱۳۱۲ ـ یکساعت بغروب مانده حضرت اشرف والا رکن‌الدوله فرمانفرمای فارس با تشریفات تمام و مستقبلین از تمام اهل شهر و امرا و عظام و سرکردگان نظامی واعیان وغیره بمقرایالت نزول‌اجلال فرمودند . بقدریکساعت درباغ روی تخت نشسته بعلماء و اعیان شهر و امراء و تجار اظهار لطف وتفقد فرمودند .

اظهارات سیاح روسی‌راجع به‌ترکمن‌ها

پنجشنبه ۱٤ صفر - درمنزل جناب ساعدالسلطنه نزدیك غروب حاج میرزا بزرگ تاجر با یك نفر سیاح روس (تومانسکی)که مهمانش بود آمدند . این سیاح از عشق‌آباد بسیاحت ایران‌آمده سی و دو سال سن داشت . از رفتار دولت روس با ترکمن‌های آنصفحات صحبت میکرد . میگفت تمام ترکمنان که باطراف

پراکنده شده‌بودند جمع شده مشغول رعیتی‌هستند ودست‌از تطاول ودزدی برداشته‌اند .

۲۲۲ هزار چادر ترکمن قلمی و مالیات بده هستند وهرچادری رویهمرفته‌چهار منات و نیم مالیات میدهند که سه منات مال دولت و یك منات و نیم هم مالیات محلی آنها است‌که بدون مأمور خودشان در موعد مالیات را میاورند میپردازند . از قراریکه این شخص سیاح میگفت شش زبان را حرف میزند : روسی ، فرانسه ، فارسی ، عربی، ترکی عثمانی و اطریشی .

وضع بقعه شیخ سعدی

پنجشنبه ۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۲ - باتفاق سرکاران میرزا علی‌رضا خان سرتیپ پستخانه و طاهرخان سرهنگ بدیدن بقعهٔ شیخ سعدی‌علیه‌الرحمه‌رفتیم. حیاط منقح وباغچه‌باصفاکه‌مشجربدرخت سرو و کاج و نارنج بود دیدم بقعهٔ شیخ ساده و بی‌زینت بود محجری دور مزار کشیده‌اند . یك نفر آخوند ریش سفید آنجا مکتب‌داری میکند یك‌نفر سید هم متولی‌بود . محفظه‌ای ازخاتم‌آوردکه مرحوم سلطان اویس میرزا معتمدالدوله ثانی داده ساخته‌اند . توی محفظه یك کلیات سعدی بود . بخط خوب نوشته شده و بعضی تصاویر چینی هم درآن کتاب مرتسم بود . هرچه نگاه کردیم تاریخ نداشت که در چه زمان نوشته شده . در اغلب اوراق آن نوشته‌بود ابوالفتح‌خان‌پسرکریم‌خان زند این کتاب را وقف کرده . یك جلد هم قرآن خطی بود بخط ثلث و نسخ یك رشته قنات که دو سنگ آب دارد از پهلوی بقعهٔ شیخ میگذرد وآب گوارائی است وبه آب سعدی مشهور است . بقعهٔ شیخ در محل خلوتی واقع شده است . چند خانوار رعیت هم دارد. متعلق به آقای میرزا فتحعلی خان صاحبدیوان است .

سه‌شنبه ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۲ عید مولود حضرت ختمی مآب بود صبح بمنزل جناب ساعدالسلطنه امیر رفتم اغلب از اعیان وغیره بدیدن آمده چندین نفر از شعرا قصیده آورده خواندند و صله گرفتند . در این روز مبارك نام‌گذاری فرزند سوم جناب ساعدالسلطنه بود جمعی از محترمین بصرف ناهار موعود بودند .

جناب آقای امام جمعه ، جناب معین‌الشریعه ، جناب مشیرالسلطنه ، جناب قوام لشگر، سرکار حاج‌وکیل فضلعلی خان ، سرکار مستشار نظام ، سرکار میرزامصطفی خان میرپنجه ، سرکار میرزا اسمعیل خان برادر جناب مستشارالملك، سرکار میرزا محمدقلی لشگر نویس حاج میرزا ابراهیم صراف . جمعی هم از متفرقه بودند .

بعد از ناهار چند اسم نوشته درلای اوراق قرآن مجید گذاشته ، جناب آقای امام جمعه دعا خوانده قرآن را باز نمودند اسم علیقلی بیرون آمد . ومولودرا بمبارکی باین اسم موسوم نمودند . آقای علیقلی خان ملقب بمنصور علی شد .

(بعد از مرحوم امیرنظام ملقب بسردار اکرم و داماد وثوق‌الدوله شد)

گرانی اجناس شیوع تب‌نوبه

پنجشنبه ۱۹ ربیع‌الاول ـ عصر بعیادت سرکار حاجی عبدالحسین خان عطاءالدوله و ازآنجا بعیادت جناب حاجی عزالملك رفتم . حاجی عزالملك مبتلای تب ونوبه بودند که حال در تمام فارس شیوع دارد . خانه‌ای نیست که کسی باین درد مبتلا نباشد گرانی اجناس و ناخوشی تب ونوبه عامهٔ این مملکت را خیلی پریشان ومستأصل کرده است .

عصر پنجشنبه ۲۵ ربیع‌الاول ـ در گلخانه و باغ حاجی میرزا کریم صراف شیرازی هستیم . دیروز برحسب دعوت جناب آقای معین‌الشریعه در ملازمت جناب ساعدالسلطنه و حضرت اشرف والا عین‌الملك نایب‌الایاله نزدیك غروب اینجا آمدیم . از شهر شیراز تا این گلخانه سه ربع با کالسکه مسافت است . الحق حاج میرزا کریم زحمت زیاد کشیده گلخانه را با سلیقه ساخته اطاقهای متعدد مفروش وبا ملزومات آن دایر نموده‌که مسافر از بابت اسباب منزل معطل نمیماند و هرکس بخواهد در گلخانه منزل کند مجاز است و مجانی است . جناب مستطاب آقای امام و حاجی میرزاعلی‌اکبر تاجر هم بودند .

چون حضرت والا شاهزاده و جناب ساعدالسلطنه بعزم شکار آمده بودند علی‌الطلوع با جناب معین‌الشریعه وسایر اهل شکار بشکارگاه تنگ سرخ تشریف‌بردند.

جنگ‌چین و ژاپن

۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۲ ـ تلگراف احضار جناب اجل ساعدالسلطنه حسب‌الامر حضرت اشرف صدارت عظمی رسید که با فوج فدوی مرخص هستند . بفاصلهٔ چهار ساعت از حضرت والا امیرکبیر نایب‌السلطنه نیز تلگراف رسید که جناب اجل امیر حسب‌الامر خودشان بچاپاری ازجلو بروند وفوج‌هم بعدازرسیدن عوض مرخص‌شود . ازقرار مشهور فوج مخبران همدان‌ابوابجمعی امیرالامراءمهدیخان منصورالدوله عوض‌فوج‌فدوی‌حرکت کرده میآید. این‌اوقات جنگ میان دولتین چین وژاپن مورد مذاکره‌دراروپاو سایرممالك دنیا است باختلاف روایت‌گاهی ژاپنی برچینی غلبه کرده وگاهی چینی غالب و ژاپنی مغلوب میشود . اساس این نزاع بواسطهٔ‌کره‌است .

نایابی هیزم و ذغال

این اوقات در شیراز بواسطهٔ نایابی ذغال وهیزم بخصوص و گرانی سایر اجناس خیلی سخت میگذرد . نایابی‌هیزم بدرجه‌ای است‌که‌از بعضی ازمردم محترم‌شنیدم برای‌پختن دوا برای مریض هیزم دست‌نیامده پنجرهٔ‌کهنهٔ‌شکسته بمصرف رسانده‌اند . وهمچنین

زغال برای درست‌کردن چای وآتش قلیان درخانهٔ معتبرین پیدانمیشود دکانهای حدادی وچلنگری بواسطهٔ نبودن زغال معطل مانده کار نمیکنند.

خلعت‌پوشان رکن‌الدوله

جمعه ۳ جمادی الاول ـ وقت عصر است منزل نشسته صدای شلیك توپ شنیدم معلوم شد حضرت والا رکن‌الدوله فرمانفرمای مملکت فارس با تشریفات معموله و جلال ایالتی باستقبال خلعت جهان قیمت اقدس همایون‌شاهنشاه تشریف‌فرما شده‌اند. تمام اعیان شهر و امراء عظام و سرکرده‌های نظامی شهر هم باستقبال رفته‌اند .

فوت امپراطور روس

خبر فوت اعلیحضرت الکساندر سوم امپراطور روس رسید که بناخوشی آنفلوانزا دنیا را بدرود گفته است .

مشاجره‌بین دو پیشنماز

جمعه دهم جمادی‌الاول ـ با جناب ساعدالسلطنه امیر بباغچهٔ مرحوم حاج محمد مهدی نقل مکان شد که انشاءالله از اینجا بطهران یا همدان عازم شویم .

بعد از صرف ناهار جناب آقای‌امام‌جمعه با جمع کثیری قریب ۵۰۰ نفر وارد باغ شدند از قراریکه معلوم شد امروز با جناب حاج سید علی‌اکبر مجتهد در خصوص رفتن مسجد وکیل مشاجره داشتند یعنی طرفین میخواستند همدیگر را مانع از دخول مسجد بشوند از طرف ایالت هم سرباز وسوار اطراف مسجد گذاشته هردوآقایان را مانع از دخول بمسجد شدند . ازقرار مشهور ادای نماز جمعه در مسجد وکیل ابًاعن جد بالوراثه حق جناب آقای آقاشیخ یحیی امام‌جمعهٔ فارس است .

سرکار آقای مهدیخان منصورالدوله با فوج مخبران همدان بسلامت وارد شیراز شدند از صاحبمنصبان فوج مخبران مقرب الخاقان حسین خان سرتیپ مهاجرانی و شفیع‌خان سرتیپ فامنینی را میشناسم و بدیدنشان رفتم همینطور جناب منصورالدوله . مقرب‌الحضرة آقا میرزا عبدالعظیم سررشته‌دار فوج مخبران‌که در قریهٔ نشر ساکن است این سفر آمده با ایشان هم آشنا هستم .

مراجعت ازشیراز

شنبه ۹ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۱۲ ـ بعون الهی در خدمت جناب ساعدالسلطنه از شیراز حرکت شد . روزنامه را منزل بمنزل بشرط حیات خواهم نوشت .

وضع لباس اهل شیراز و آب و هوای آنجا و متاع وصنعتگرش

لباس مردانهٔ شیرازیها :

قبای چاك‌دار دامن‌کوتاه ویقه وسردست قبارا حاشیهٔ ترمه یا غیرترمه‌میگذارند شال بسیار کلفت بکمر میبندنـد . مردها زیر جامهٔ بسیار گشاد برمیکنند خصوصاً مردم خارج شهر . تجارشان عمامه های خیلی کوچك بسر میگذارند اغلب مردم از هرطبقه عبا میپوشند .

توصیفی از مردم شیراز

نوکرباب و مردم خارج از شیراز کارد یا خنجر بکمر میبندند . کلچهٔ حاشیه‌دار زیاد میپوشند . مردمان وسط و کدخدایان‌دهات و ایلات که کیخا میگویند کلاه نمد بسر میگذارند . زلفشان‌هم خیلی بلنـد است . کسبـه دیر در بـازار مینشینند و عصـر زود برمیچینند . حالت اکثر اهالی شیراز به خوش استقبالی و بدبدرقگی مشهور است. شاعر هم در شیراز زیاد است در خاتم سازی ، زرگری ، قلمزنی خیلی ماهرند . در چلنگـری و نقاشی بد نیستند . در نجاری ، حجاری وبنائی خوب‌کار میکنند خصوصاً آیینه‌کاری .

در میان ایلات قشقائی وعرب قالیچه های خوب میبافند ولی درفارس‌برخلاف عراق تاروپود قالی و قالیچه هردو را پشم میکنند .

طرح قالیچه های قشقائی وعرب با طرح قالیچهٔ عراق فرق دارد قالیچهٔقشقائی بهتر از مال عرب است . پوست بره هم در فارس تجارت بزرگی است .

محصول زراعتی و سردرختی فارس : گندم، جو، برنج ، ذرت، اقسام‌حبوبات

مرکبات چندین قسم از نارنج و لیمو و نارنگی و اقسام مختلف خرما ، بادام، گردو از میوجات سردسیر و گرمسیر همه قسم موجود است و عمل می‌آید .

معدن‌سنگ نزدیك‌بشهر شیرازاست وخیلی‌بکارمیبرند. خانه‌ها وعمارتهای‌شیراز اغلب از سنگ و آجر ساخته شده ، کوچه‌ها تنگ، بد وکثیف است .

(بطوریکه قبلا ذکر شد مرحوم پدرم روز شنبه ۹ جمادی‌الاخره۱۳۱۲ از شیراز حرکت کرده و ۲۹ همان ماه یعنی پس از بیست روز وارد اصفهان شده‌اند چون قبلا منازل بین راه ومسافت‌آنها ونکات‌جالب موقع‌عزیمت ذکر شده وبعلاوه نکتهٔ قابل ذکری‌جزرفتن‌به‌تخت‌جمشید وملاحظهٔ‌آثارباستانی‌آنجادرشرح‌مسافرت‌دیده‌نشد، لذاازشرح مسافرت‌موقع برگشتن خودداری‌میشود. بیست‌روز هم دراصفهان توقف میکنند وسه‌شنبه ۱۸ رجب از اصفهان حرکت میکنند . بواسطهٔ فصل زمستان و باریدن برف و سرما و خرابی راه خیلی بسختی طی طریق میکنند (در یکی از منازل برودت هوا به ۲۷ درجه زیر صفر میرسید) و روز جمعه ۲۸ رجب پس از تحمل زحمات و سرمای شدید و برف بسلطان‌آباد (اراك) میرسند.

اول‌شعبان ازسلطان‌آباد ازراه ساروق و دیزآباد عازم همدان‌شده وپنجم شعبان وارد همدان میشوند . حاکم همدان عضدالدوله بوده . پدرم بواسطهٔ کسالت و موانع دیگر چندی (از تاریخ ورود بهمدان ۵ شعبان تا ۱۰ شوال که در قریهٔ لتگاه بوده‌اند موفق بنوشتن روزنامه نمیشوند فقط روش وقایع را ذکر کرده‌اند) .

فوت‌میرزای شیرازی

در اواخر شعبان ۱۳۱۲ از همدان خبر رسید جناب حجةالاسلام حاجی میرزا حسن شیرازی اعلی‌الله مقامه در سامره ۲۵ شعبان لبیك حق را اجابت فرموده‌اند. این خبر محنت‌انگیز اسباب‌تأسف همهٔ مسلمانان گردید از قرار خبر تلگرافی و مکتوبی چندین‌روز در مساجد مثل دههٔ عاشورا مردم مجالس عزا برپا نموده سفره میداده‌اند .

بقول بزرگان حالیه دراین عصر چنین وجود محترم شریفی با این اقتدار و خوشبختی در سلسلهٔ علماء خیلی کم دیده شده بلکه بظهور نیامده احکام آن مرحوم‌در تمام ممالك ایران خیلی نافذ و جاری بود میتوان گفت حکم حکام شرع برحکم حکام عرف غالب میآمد و میچربید . سن ایشان میان هشتاد و نود بود .

حکومت‌امیرنظام گروسی

خبر تشکیل ایالت مرکزی برای حضرت‌اجل میرزا حسینعلی‌خان امیرنظام و عزل جناب حسام‌الملك از حکومت کرمانشاهان در قریهٔ لتگاه رسید . حکمرانی کرمانشاهان ، همدان ، ملایر ،

نهاوند، تویسرکان جزو ایالت‌مرکزی‌بحضرت‌امیرنظام محول گردید . حکومت کردستان هم عوض کرمانشاهان بجناب حسام‌الملك امیرتومان مرحمت شد .

چهارشنبه ۱٤ شوال ـ درلتگاه هستم صبح جناب‌آقای ساعدالسلطنه امیربشهر کالسکه فرستادندکه نواب والا عضدالدولـه حکمران همدان و جناب عبدالحسین خـان امیرتومان‌فرزندحضرت اجل امیرنظام‌فرمانفرمای‌ایالت مرکزی به لتگاه تشریف‌بیاورند. دو ساعت بغروب مانده حضرت والا شاهزاده و آقای امیرتومان بـا جمعیت زیاد تشریف آوردند سرکار فضل‌الله خان انتصارالملك و سرکار علی خان میرپنج اسدآبادی و جمعی از صاحبمنصبان کرمانشاهی و گـروهی قریب سیصد سوار وارد لتگاه شدنـد این قبیل مهمانها و تشریفات در ایران خصوصاً در دهـات خیلی اسباب زحمت و خسارت است هنوز این عادت قدیم باقی و مایـهٔ زحمت و خسارت فوق‌العاده برای میزبان است کـه رئیس هرطایفه در تغییر هرحکومت ناچار باید متحمل شود . خصوصاً در این عصر کـه هرسال بلکه هرشش ماه حکام ولایات را تغییر میدهند . این‌سرعت تغییر هم برای‌حاکم وهم برای محکوم اسباب صدمه و باعث خرابی ولایت و خسارت مالك و رعیت است . حضرت والا شاهزاده و جناب امیرتومان و این سوارها برای رفتن باستقبال حضرت اجل امیرنظام به لتگاه آمده‌اند . از قرار معلوم پس‌فردا تشریف خواهند آورد .

شنبه ۱۷ شوال ۱۳۱۲ - دیروز حضرت اجل امیرنظام با استقبال اعیان واهل شهر و کسبه و اصناف با کبکبه و شوکت تمام وارد همدان شدند .

ملاقات امیرنظام

امروز حضورشان شرفیـاب شدم اظهـار التفات فرمودنـد . سن ایشان میان هفتـاد و هشتاد و محـاسنشان سفید ضعیف‌الجثـه و لاغراندام خیلی خوش بیان دارای کمالات و معلومات خارجه و داخله هستند ، درتقریر وبخصوص در تحریر و انشاء بی‌نظیرند. از سرگذشت و قضیهٔ حبس من در قزوین سئوالات فرمودند جواب مجملی عرض کـردم فرمودند خوب است داستان قزوین و گرفتـاری خود را مثل تـاریخ بنویسی چون قابل نوشتن است .

چهارشنبه ۱۹ ذیقعده ـ جنـاب آقای ساعدالسلطنـه امیرتومان حضرت اجـل امیرنظام و حضرت والا عضدالدوله با جمعی دیگر را در باغچه آقا یوسف امین‌الرعایا بصرف ناهار دعوت نموده بودند . مدعوین از قرار ذیل بودند .

حضرت اجل امیرنظام ، حضرت والا عضدالدوله ، نواب والا مؤیدالسلطنـه

حاجی محمدمهدی میرزا شکوه‌الملك ، افتخارالولاة خسرو خان والی (کردستان) ضیاءالملك ، شریف‌الملك ، ناهار در چادرهائیکه اطراف حوض برپا کرده بودند صرف شد .

خلعت‌پوشان عضدالدوله

دوشنبه پنجم صفر ۱۳۱۳ - در قریهٔ شورین منزل جناب ضیاءالملك خلعت‌پوشان حضرت والا عضدالدوله حکمران‌همدان بود . حضرت والا سیف‌الدوله و جناب شریف‌الملك و سرکار معتضد نظام واعیان همدان برای خلعت پوشان درشورین‌بودند. پس از ناهار در خدمت امیرزاده شیخ حسن میرزا و علی‌خان سرتیپ و حسن‌خان مشهور بخدا بحوضخانه جناب اجل حسام‌الملك رفتم آنجا ناهار صرف و راحت نمودیم دو ساعت بغروب مانده بمنزل ضیاءالملك برگشتیم . حضرت والا حکمران خلعتشان‌را پوشیده سوار شده ماهم باتفاق ایشان بقلعهٔ حکومتی همدان وارد شدیم . خلعت پالتو ترمه با سردوش الماس بود . حضرت‌والا حکمران درایوان حکومتی روی صندلی بسلام جلوس نمودند . تشریفات و رسوم خلعت پوشان بعمل آمد . رقاص و مطرب و میمون‌باز و پهلوان میل‌گردان قدری بازی کردند و موزیك نواختند بعد سلام شکست ومردم متفرق شدند .

غائلهٔ عباس خان‌چناری

۲۳ صفر ۱۳۱۳ - مأمورینی‌که برای دستگیری عباس‌خان‌چناری مأمور شده‌اند و رئیس آنها ولیخان و شاه‌مراد خان چنار دولی است این سواران در دهات خیلی غارت و تاخت وتاز کرده مردم را متوحش ساخته‌اند جناب‌ساعدالسلطنه محمدخان‌نایب‌آجودان‌باشی را مأمور نمودند رفت‌که حضرات را مانع از غارت اهالی و دهات شوند .

جمعه ٦ ربیع‌الثانی - سرکار علی‌خان سرتیپ باجمعی سوار دو ازشب گذشته بی‌مقدمه بقرخلر تشریف آوردند . معلوم شد برای تحقیق و گرفتن سارقین کوریجانی آمده‌اند . دو سه روز قبل قافلهٔ بهاری را مابین قرخلر و کوریجان زده بودند . سرتیپ کاغذی بسید نصرالله خان نایب کوریجان نوشته احضارش کردند برای تحقیق این فقره سید نصرالله خان بقرخلر آمد . سرتیپ محرمانه جعفرنام و دزدهای کوریجانی را از سید نصرالله خان خواست ولی او از تسلیم جعفر امتناع کرد . سرتیپ تفصیل را بجناب ساعدالسلطنه راپورت دادند. روز بعد علی بیك شیرازی بحکم جناب‌امیر بقرخلر آمد که سید نصرالله خان راکت بسته به لتگاه ببرد . سرکار علی خان سرتیپ وهمراهان سید نصرالله خان را تحت‌الحفظ بلتگاه بردند .

یکشنبه ۲۲ ربیع‌الثانی ـ خبر تازه‌که از طهران نوشته بودند

انقلاب درترکیه

هیجان مسلمانان و ارامنه در اسلامبول و طرابزان و سایر ولایات عثمانی و آفتابی نشدن سلطان عثمانی و خفه کردن پنجاه نفر از قراولان مخصوص خود و عزل ارتین‌پاشا قائم‌مقام وزارت خارجه و گرفتار شدن او و انقلابات زیاد درآن مملکت . (از تاریخ بالا تا ۱۵ شعبان ۱۳۱۳ پدرم گاهی در دهات و گاهی در شهر و اغلب با مرحوم ساعدالسلطنه (امیرنظام بعدی) میگذرانند و چون از طهران ایشان بنا بتلگراف نایب‌السلطنه احضارمیشوند پدرم نیز بهمراهی‌ایشان از راه نوبران و قم عازم طهران میشوند . نظر باینکه موضوع جالبی در عرض راه نیست که نوشته شود فقط بدرج قسمتی ازآن که شامل مسافرت با درشکهٔ چاپاری ازقم بطهران است اکتفا میشود تا وضع مسافرت آن قدری روشن شود .

وضع چاپارخانه بین‌قم وطهران

۲۳ شعبان ـ درشکه‌ای راکه از قم‌بطهران به‌بیست ویك تومان کرایه‌شده‌بود، جناب امیر و بنده ومیرزاجوادخان سرهنگ‌درآن نشستیم وچهارساعت ازدسته‌رفته‌راندیم . ازقم بمنظریه‌چهارفرسخ مسافت‌است‌دردوساعت ونیم‌طی‌شد. مختصرغذائی درمنظریه‌صرف شد . اسب درشکه را عوض کردند واز اسب های منظریه بستند . بسکه حیوانها لاغر و مفلوك بودند هرچه سورچی باسب‌ها شلاق زد و فحش داد فایده نبخشید بعد از دو ساعت معطلی از آنجا روانه شدیم و مقداری از راه را پیاده طی کردیم . واقعاً وضع چاپارخانه از فلاکت اسب‌ها و اندراس اسباب‌آنها دیدنی وتماشائی است خلاصه‌یکساعت از شب دوشنبه ۲۵ شعبان گذشته با حال خسته وارد کوشك نصرت شدیم . از منظریه بکوشك نصرت پنج‌فرسخ است . دریای تازهٔ ساوج (مقصود دریاچه حوض سلطان‌است) هم درحین عبور دیده شد دریاچه خوبی شده است . در کوشك نصرت مهمانخانه بود ولی هیچ چیز درآنجا یافت‌نشد . بقدر نیم‌ساعت درآنجا بجهت عوض کردن اسب‌معطل شدیم و یکساعت ونیم ازشب گذشته باد بسیار تند سردی میوزید بعلت مفلوکی‌اسب‌ها و ناشی بودن سورچی درشکه از حرکت ماند . مختصر، شب تاریك، هوا سرد ودرشکه مندرس و اسب‌ها مفلوك معلوم است بما چه گذشته . دراین بین از حسن اتفاق دلیجان پست رسید جناب امیر و بنده و میرزا جواد خان سرهنگ هرسه رفتیم دردلیجان‌نشستیم. تکان دلیجان را نمیتوانم بیان کنم‌که چقدر صدمه زد . در ساعت شش از شب گذشته باکمال خستگی و سرما خورده وارد قلعهٔ محمدعلی خان شدیم . از کوشك نصرت باین منزل چهار فرسخ مسافت و راهش پست وبلند و ناهموار است . شب‌را دراین‌منزل صبح

کردیم . یك نفر فرنگی ناظم پست‌خانه‌های عرض راه و اینجا ملاقات شد (با این وصف روز دوشنبه ۲۵ شعبان وارد حضرت عبدالعظیم و روز بعد عازم طهران میشوند) .

چهارشنبه ۲۷ شعبان ۱۳۱۳ ـ صبح بمنزل جناب فخرالملك رفته خدمت جناب ساعدالسلطنه رسیدم ناهار هم آنجا صرف شد . عصر بمنزل (خیابان علاءالدوله خانهٔ مرحوم سیف‌السلطنه) آمدم این خانه‌را ماهی بیست و پنج تومان کرایه کرده‌اند ازحیث وسعت بنا خوب است ولی مخروبه است وآب هم‌ندارد .

شنبه‌اول رمضان ـ آقای میرزا بهاءالدین پسر مرحوم حاجی ذوالریاستین بدیدن آمد بعد درخدمت جناب ساعدالسلطنه بعمارت شهری حضرت صدارت عظمی‌رفتیم قریب سه چهار ساعت در باغ نشسته و جمعی از وزراء از قبیل جناب مشیرالدوله‌حاجی محسن خان وزیر عدلیه و تجارت و اقبال‌الملك وغیره نیز منتظرانه نشستند تا دو بغروب مانده حضرت صدارت از اندرون بیرون تشریف آوردند با بعضی اشخاص حرف زده و تعارف نموده بدون مکث بکالسکه نشسته دربخانه تشریف‌بردند بعدازاخطار درخصوص رسیدن عریضهٔ جناب ساعدالسلطنه بعمارت صدارت عظمی رفته و عریضهٔ خودم را هم دادم فرمودند میرزا محمدعلی خان کجا بودی ؟ عرض کردم همدان بودم فرمودند با ساعدالسلطنه بودی؟ جواب دادم بلی پس از ملاحظهٔ عریضه فوراً جوابش را در همان عریضه مرحمت فرمودند .

۱٤ شوال ـ بعد از ظهر جناب اجل ناصرالملك بمنزل جناب اجل آقای ساعدالسلطنه تشریف آورده قریب دو ساعت نشستند صحبتهای اتفاق‌آمیز ومحبت‌انگیز فرمودند و فقط شئون خانواده را از جمله فرایض دانسته صفا و مهربانی واتفاق فیمابین خوانین همدان را لازم میشمردند که نفاق و کدورت را باید ازقلب بیرون آوردکه نام نیك چندین صد سالهٔ خوانین قراگزلوی همدان باقی و بردوام بماند .

چهارشنبه ۸ ذیقعده ـ بدیدن سرکار محمدباقرخان معتضد نظام‌که از جانب جناب اجل حسام‌الملك برای جشن سال پنجاهم سلطنت اعلیحضرت همایون ناصرالدین‌شاه بطهران‌آمده‌اند رفتم بنی‌عم مکرم فضلعلی خان یاور اول توپخانه هم ازجانب جناب ضیاءالملك بدارالخلافه آمد .

قتل‌ناصرالدین شاه

جمعه ۱۷ ذیقعده ۱۳۱۳ ـ اعلیحضرت اقدس همایون ناصرالدین شاه قبل از ظهر بزیارت حضرت عبدالعظیم (ع) مشرف شده و در آنجا مهمان حضرت صدارت میرزا علی‌اصغرخان‌امین‌السلطان بودند . قریب چهار ساعت بغروب مانده ماها در منزل خوابیده بودیم مارا بیدارکردند

خبر دارند که اعلیحضرت همایون را در حرم مطهر تیر زده‌اند ولی کاری نشده و بشهر معاودت فرمودند . آن خبر موحش اسباب وحشت و اضطـراب مردم و انقلاب شهـر گردید و موجب تأسف عمومی‌شد . جناب ساعدالسلطنه هم همان ساعت دربخانه تشریف بردند بعد از مراجعت بمنزل که دوساعت از شب‌گذشته بود فرمودند آن ظالـم خبیث که تیر انداخته‌کاری شد . قاتل قسی‌القلب در حرم مبارك گرفتار شده بشهرش آوردند .

این پادشاه مهربان چهل ونه سال و سی‌و چهار روزسلطنت باشوکت و اقتدار نمود آثار خوب از تلگراف و پست و مدرسه دارالفنون و راه‌آهن شاهزاده عبدالعظیم در ایـران بیادگار گذاشت سه سفرهم محض سیاحت بفرنگستان رفت یك سفر بزیارت عتبات‌عالیات نجف اشرف وکربلای معلی مشرف شده یك سفر هم بمشهد مقـدس رفت . عروسی پسر اعتماد حضرت‌که در همسایگی بود ناقص ماند وجشن سال پنجاهم سلطنت مبدل بعـزا گردید . اف براین دنیاکه هیچ اعتماد را نشاید . از قرار مذکور قاتل شاه شهید میرزا رضای‌کرمانی بودکه بمکافات خود خواهد رسید .

سه شنبه ۲۸ ذیقعده ـ روز یازدهم‌تیر خوردن‌شاه شهیداست شهرطهران بلکه تمام ممالك ایران از حسن تدبیر وکفایت حضرت اشرف میرزا علی‌اصغرخان صدر اعظم در نهایت امن و امان و نعمت ازهرجهت فراوان و مردم آسوده ولی همه‌چیز خیلی‌گران و برای فقرا و ضعفا گذران زندگی سخت شده است .

سرکار اجل ساعدالسلطنه که این اوقات بمنصب جلیل سـرداری نائل شده‌اند بمنزل من تشریف آوردند . در این بین سرکار نصرت الملك سردار تیموری و سرکار آقا تقی خان همشیره زاده مرحوم حاجی ایلخانی آمدند همگی صحبت و اظهار تأسف از واقعه شهید شدن شاه شهید مینمودند.

ماده تاریخ قتل شاه

در تاریخ شهادت شاه شهید ناصرالدین شاه و جلوس اعلیحضرت همایون مظفرالدین شاه به تخت پادشاهی این شعر را گفته‌اند .

شدکشته ناصرالدین ، شه شد مظفرالدین
از صدر اعظم آمد سال جلوس یقین

ایضاً تاریخ وفات : بتاریخ فوتش خردگفت باغم لعاش سعیدا و مات شهیدا

یکشنبه ۲۵ ذیحجه ۱۳۱۳ مطابق مـاه ژون ۱۸۹۶ موکب اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه مظفرالدین شاه غفلتاً بدون استقبالچی بپایتخت نزول اجلال فرمود.

دوشنبـه ۲۶ ذیحجـه ۱۳۱۳ ـ در مـراجعت از بـازار از ارك قـدیم

جلوس مظفرالدین شاه

عبور میکردم دیدم تمام‌طبقات نظام ازسرداران وامیران وسایرین با لباس رسمی و تمام ارباب قلم از مستوفیان و لشکرنویسان با شال وکلاه بعمارت تخت مرمر بسلام میروند ازدحام غریبی‌بود.

امروز روز جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت همایون شاهنشاه مظفرالدین شاه خلدالله ملکه در تخت سلطنت ایران است .

اعدام میرزا رضای کرمانی

چهارشنبه دوم‌ربیع‌الاول ۱۳۱٤ ـ میرزا محمد رضای‌کرمانی‌قاتل شاه شهید را درمیدان مشق با حضور ارکان و اعیان دولت و افواج منصوره و ازدحام زیاد بدارش کشیدند . این تصنیف را بچه‌های طهران در کشتن میرزا رضا ساخته‌اند و میخوانند .

سگ سیاه را کشتند قاتل شاه را کشتند

شیخ‌شیپور

پنجشنبه دهم‌ربیع‌الاول ـ شب درمنزل نواب والا شاهزاده حاجی سهام الملك بودم حضرت سردارهم تشریف داشتند . شیخ شیپور آمد ، شیخ شیپور ازنزاع دونفرسیدمشدی طهران وصلح وآشتی دادن آنها درخانه خود بیان‌کرد .

وضع چوب هشت پله خودش که در هر پله یك آلتی مثل جاقو و قیچی و قلم در آن‌گنجانیده و بمناسبت هرآلتی شعر و تصنیفی خواند خیلی با مزه بود .

بندگردان این‌را میخواند (رنگ دگر ـ طرح دگر)

عزیمت بهمدان

جمعه ۱۱ ربیع‌الاول ـ از منزل شاهزاده حاجی سهام‌الملك در خدمت جناب ساعدالسلطنه سرداربعزم همدان حرکت‌شد شاهزاده والا هم برای مشایعت تشریف آورده در عرض راه بمنزل جناب مستشارالملك‌که از وزارت شیراز برگشته دو روز است وزیر طهران شده رفته دیدن نمودند ازآنجا بحضرت عبدالعظیم آمدیم در بی‌بی زبیده خدمت جناب زبدةالسالکین آقا میرزا عبدالکریم درویش‌خراسانی رسیدیم . آقا میرزا عبدالکریم سید خوش سیما و آدم وارسته دیده شد .

توقف در دارالخلافه طهران شش ماه و چهارده روز طول کشید در این مدت تغییرات خیلی‌عمده و غیر منتظره از قبیل شهادت شاه شهید ناصرالدین‌شاه به تخت‌نشستن اعلیحضرت همایون مظفرالدین شاه و بهمخوردن اوضاع سلطنت پنجاه ساله شاه شهید اتفاق افتاد . فاعتبروا یا اولی‌الابصار .

منهم عزم همدان دارم نورچشمی نادعلی‌خان اخوی درتهران میماند .
جناب ساعدالسلطنه که‌امیرتومان بودند بمنصب سرداری نایل شدند وبمبارکی الان بریاست قشون عربستان و لرستان و بروجرد تشریف میبرند .

اغتشاش در همدان

در ۱۵ ربیع‌الاول باتفاق جناب ساعد السلطنه از شاهزاده عبدالعظیم حرکت و ۲۷ ماه بهمدان وارد ، روز یکشنبه ۲۷ بمنزل اجاره‌ای که خانه ناظر حضرت والا عضدالدوله است فرود آمده بحمدالله بوصال مخدرهٔ منظوره که قریب هشت ماه معقوده‌ام شده بودند بعداز فضل خدای متعال رسیده و سجدهٔ شکر بجای آوردم . در بین راه خبر اغتشاش همدان میرسد باین معنی‌که آقایان کبابیان با آخوند ملاعبدالله در نزاع و جدال هستند زد و خورد هم شده از طرفین سر و دست زیادی شکسته است .

واقعهٔ کشتن شیخ تقی درکردستان و سربریدن میرزا یعقوب بامر امیرنظام

از اول ربیع‌الثانی ۱۳۱٤ تاکنون ۱۳ ماه است روزنامه ننوشته‌ام . دو قضیه حسرت و اسف‌انگیز این روزها شنیده شد یکی کشته شدن آقا شیخ تقی همدانی در کردستان بدست اهل تسنن و بلوای آنجا و شورش بحکومت و عزل جناب‌حسام‌الملك از کردستان و ضمیمه شدن آنجا بولایات وادارهٔ حضرت امیرنظام و یك واقعه هم که در همدان اتفاق افتاد و آن این بودکه‌میرزا یعقوب نام پسر میرزا رحیم جدیدالاسلام بتقصیراینکه بازن‌فاحشه فعل شنیع کرده بحکم امیرنظام میرزا یعقوب را که سناً جوان بود در قلعهٔ کهنه سربریدند و بعد خانهٔ اورا غارت کرده آتش زدند وبا خاك یکسانش کردند . حالا واقعاً میرزا یعقوب مقصر و مستوجب این جزا بود یا نبود خدا عالم است .

۱۳ ربیع‌الثانی ـ حضرت امیرنظام از همدان بعزم کردستان و حکمرانی آنجا حرکت فرمودند این اشخاص را هم مخلع نمودند . جناب شریف‌الملك لباده ترمه کشمیری جناب میرزا محمدرضای وزیر همدان ایضاً . حاج میرزا نصرالله مباشر عاشقلو شال محرمات(راه‌راه) کرمانی.

سه‌شنبه جمادی‌الاول ۱۳۱٤ ـ تلگرافی از طهران برای حضرت والا

معافیت امین‌السلطان از صدارت

حکمران رسید که دستخط تلگرافی از جانب اعلیحضرت همایونی مشعر برمعافی جناب اجل میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان از مسند صدارت بود .

یکشنبه هفتم رجب ۱۳۱٤ ـ باتفاق محمدحسن خان سرهنگ اخوی از شهر بلتگاه آمده خدمت جناب اجل نظام‌السلطنه و حضرت ساعدالسلطنه که‌از بروجرد تشریف آورده بودند رسیدم .

مختصر روزنامه سفر عربستان[1] در خدمت حضرت سرداراکرم والی عربستان و بختیاری

درراه خوزستان

شنبه ۱۸ محرم ۱۳۱۵ هجری مطابق تخاقوی ئیل ترکی و ۱۹ ژوئن ۱۸۹۷ مسیحی بعداز وداع با اهل‌بیت وبعضی از دوستان و آقایان و مرخصی از جناب اجل آقـای فخرالملك حکمران سه بغروب از همدان با میرزا جواد خان سرهنگ بقریهٔ گنبدکه اردو زده شده بود عازم ودو ساعت از شب گذشته وارد شدیم . از همدان تا گنبد پنج فرسخ مسافت است و راه هم پست و بلند وناهموار سه روز در گنبد اتراق شد .

سه‌شنبه ۲۱ محرم ـ نزدیك غروب حرکت کرده چهار ساعت از شب رفته از راه های کج و معوج و دره و تپه در شب تاریك گذشته بقریهٔ طاس‌بندی که از دهـات ملایر است وارد شدیم . از گنبد تا طاس‌بندی سه فرسخ مسافت است . این اولین سفر من بسمت ملایر ، بروجرد ، خرم‌آباد و عربستان است . چون رسم من در اسفار چه در سفر فرنگستان وچه در داخلهٔ ایران نوشتن روزنامه بود علیهذا در این سفر هم خیـال دارم بشرط حیات سرگذشت خود را بنویسم . هرقدر در خاك خارجـه مسافرت سهل و آسان است برعکس در خاك ایران بواسطهٔ بدی راهها و سختی عبور از گردنه‌ها و پست و بلندی جاده‌ها سخت مشکل است .

۱ـ درآن تاریخ خوزستان بعربستان معروف بود .

ملایر

چهارشنبه ۲۲ محرم سه ساعت از آفتاب گذشته از طاس‌بندی روانه شده بدولت‌آباد که مقر حکومت ملایر است آمدیم . از طاس‌بندی بملایر تقریباً پنج فرسخ است راه‌چندان بد نیست هموارش بیشتر است .

در پارك حضرت اشرف والا شاهزاده سیف‌الدوله حکمران منزل شد . اردو را هم نزدیك پارك برپا کردند . جمعی از خوانین حاجیلو و خدابندلو هم محض مشایعت تا ملایر آمدند اسامی ملتزمین حضرت سردار اکرم از این قرار است :

جناب آقای حسینقلی خان ساعدالسلطنه (فرزند معظم‌له) . آقای میرزا سید محمدعلی‌خان مستوفی، آقای میرزا علی خان کردخوردی ، مهدیخان فراشباشی، قنبرعلی خان پسر مرحوم کریم خان سرهنگ خدابندلو تفنگدارباشی ، قنبرعلی خان برادر زاده حیدرعلی خان خدابندلو اردل باشی ، میرزا حاجی‌آقا پیشخدمت باشی ، علی‌بیك‌شیرازی شاطرباشی ، میرزا یوسف خان صندوقدارباشی چند نفر هم از صاحبمنصبان‌فوج، عبدالله خان سلطان برزوخان سلطان و الله‌ویردی خان سلطان و حنیفه سلطان ، علی‌محمد خان سرهنگ موزیکانچی (موزیك) هم بعد آمده به‌اردو ملحق شدند . جناب جلاءالملك و سرکار محمد امین خان سرهنگ و جناب حاجی محمدشفیع و حاجی محمدهادی هم ملتزم بودند . جناب جلاءالملك و محمدامین خان سرهنگ از دولت‌آباد مرخص شده رفتند .

حضرت والا شاهزاده سیف‌الدوله در احداث این باغ خیلی زحمت‌کشیده سلیقهٔ خوب بکار برده بناهای خوب احداث‌کرده‌اند. یك سنگ ونیم آب‌که ازتنگهٔ‌کوه آورده‌اند در این پارك جاری است . همه قسم اشجار نشانده دریاچه فواره‌دارکه دوزرع آب‌جستن میکند ساخته‌اند . این پارك در دامنهٔ کوه واقع وازشهر دولت‌آباد بقدر یك میدان‌اسب دورتر واقع است . توی شهر نرفتم ولی از دور معلوم بودکه اغلب خانه‌ها از خشت گلی ساخته شده است .

نزدیك غروب آفتاب از دولت‌آباد روانه شده پنج ساعت از شب‌گذشته بعداز دو دفعه‌گم‌کردن راه به کهکدان رسیدیم . ازدولت‌آباد باین‌منزل‌تقریباً پنج‌فرسخ‌مسافت است . شبانه از یك ده معظمی عبور شد اسمش سامن‌است . راه از ملایر باین‌منزل‌قدری مسطح و قدری پست و بلند و یك رودخانهٔ بزرگ هم بین راه هست که پلش خراب شده است.

بروجرد

پنجشنبه ۲۳ محرم ۱۳۱۵ ـ از کهکدان روانه شده به بروجرد آمدیم. دربین راه قریه‌ای بود اسمش یوسفعلی‌که حد میان ملایر و بروجرد است . از دو درهٔ طولانی گذشتیم یك فرسخ و نیم به

بروجرد مانده سوار زیادی استقبال آمدکه حکومت فرستاده بود . نزدیك شهر بروجرد سرکار حشمت‌السلطان فرزند مرحوم حمزه میرزا حشمت‌الدوله حکمران و جناب حاجی صمصام‌الملك سرکردهٔفوج کزازکه مامور عربستان‌است باجمعی ازاعیان واشراف بروجرد استقبال آمدند . نواب احتشام‌الممالك که با حضرت سردار اکرم سابقه داشتند اول از همهٔ مستقبلین آمده شرفیاب شدند .

از کهکدان تا بروجرد چهار فرسخ سنگین است . فوج کزاز در اول شهر صف کشیده در ورود حضرت سردار اکرم موزیك نواختند . خیلی باشکوه وجلال وارد شهر بروجرد شده در اردوی واقع در دروازهٔ قبرآقاکه محلهٔ صوفیان باشد فرودآمدیم. هرکس در چادر خود منزل گرفت . ده روز در بروجرد برای فراهم‌آوردن مال بجهت حمل آذوقه اتراق شد زیرا باید آذوقهٔ ده منزل را دربروجرد تهیه کرده همراه برداشت چون در منازل عرض راه خاك بروجرد و لرستان و عربستان آذوقه پیدا نمیشود .

سرکار میرزا علی خان صدر همدانی در بروجرد ملحق باردو شدند ، حضرت والا شاهزاده حشمت‌الدوله حکمران بروجرد ولرستان و آقایان علماء و اعیان بروجرد همه از حضرت سردار اکرم والی عربستان دیدن نمودند . علمای معروف بروجرد جناب شریعتمدار حاجی آقا محمد و حاجی آقا یعقوب و حاجی آقا مهدی هستند. جناب حاجی ابوتراب هم از متمولین و نجبای بروجرد است .

اغلب ملاکین و اعیان بروجرد از طائفهٔ سادات طباطبائی هستند .

شهر بروجرد در دامنهٔ کوه کرو واقع است این کوه ارتفاعش از کوه الوند بیشتر است در قلهٔ کوه برف بود . شهر از بناهای قدیم و ابنیهٔ آن اغلب از خشت خام و کمتر آجر است بنای مشهور که قابل ذکر باشد مسجد شاه است که از بناهای خاقان مغفور فتحعلی‌شاه‌است . محصول بروجرد و توابعش گندم و جو وتریاك ومیوجات است.

با آقای حاجی محمد شفیع بکاروانسرای حاجی خداداد حجرهٔ حاجی باقر تاجر اصفهانی رفتیم بطوریکه او میگفت متاع بزرگ بروجرد تریاك است و در همین کاروانسرا روزی دوهزار تومان تریاك خرید وفروش میشود همچنین تجارت‌قالی‌بواسطهٔ نزدیکی عراق خوب رونق دارد . از اینجا به تبریز و روسیه حمل میشود .

تکایای خوب در باغات ساخته‌اند . باغات هم بشهر نزدیك و معتبرین هریك در باغات تکیهٔ خوب ساخته‌اند . هوای تابستان بروجرد از همدان گرمتر وشب خنکتر است ولی از قرار مشهور بهار بروجرد خیلی تعریف دارد . در وصف بهار بروجرد این

شعر کافی است :

گرچه صفاهان بهشت روی‌زمین است　　لیك نیرزد بیك بهار بروجرد

روز حرکت از بروجرد به تکیه آمدیم از تکایای قدیم بود . چون در ایران رسم است که در دیوار اطاقها و منازل هرکس چیزی مینویسد و دیوار اطاق سفید شده را بخطهای گوناگون ضایع میکنند در این تکیه یك رباعی نوشته بودند از مضمونش خوشم آمد در اینجا مینویسم :

صد خانه اگر بطاعت آباد کنی　　به زین نبود که خاطری شاد کنی

گر بنده کنی ز لطف آزادی را　　به زانکه هزار بنده آزاد کنی

بهرحال نواب والا حشمت‌السلطان و امان‌الله خان سرهنگ و میرزا حسینعلی خان شوشتری نایب‌الحکومهٔ بروجرد و جمعی دیگر برای مشایعت حضرت سردار اکرم به تکیه آمدند ، یکساعت بغروب مانده از بروجرد حرکت شد . فوج پشتکوه و فوج کمره حسب‌الامر حکومت محض احترام نزدیك قلعهٔ حکومت صف کشیده حضرت سردار اکرم از میان دو صف گذشتند و محض وداع خدمت حضرت حکمران تشریف بردند . بعد از وداع روانه شدیم .

مابین راه قریب یك فرسخ از بروجرد دورتر دسته دسته از فقرا و دراویش و گداها جمع شده از سردار پول میگرفتند . در کمتر ولایتی از ولایات ایران اینقدر گدا وفقیر و سید سائل دیده‌بودم . ایشان را یکدقیقه درمنزل‌آسوده نمیگذارند بالاخره‌حضرت سردار اکرم وجناب حاجی صمصام‌الملك ذوالفقارخان بافوج مخصوص کزاز ونواب‌والا احتشام‌الممالك علی‌محمد میرزا فرزند مرحوم احتشام‌الدوله خانلر میرزا ، پنجاه‌نفرسوار کشیك‌خانه و صد سوار افشار شاهسون ابوابجمعی جهانشاه‌خان امیرتومان با هاشم‌خان سرهنگ سوار و پانصد نفر سرباز فوج فدوی از بروجرد بیرون آمدیم . راه صاف بود راندیم .

از سراب زارن گذشته قریب سه ساعت از شب گذشته به یك ده قشلاق مانندی که اسمش سراب حلواپزان بود آمدیم اردو در آنجا افتاده بود . از بروجرد تا این مکان دو فرسخ و نیم مسافت است . بسیار جای بدی بود آذوقه چیزی پیدانمیشد اغلب اهل اردو بی‌شام و مالشان بی‌آذوقه ماند و بدگذشت .

دوشنبه ٤ صفر ۱۳۱۵ ـ یکساعت از آفتاب گذشته از سراب حلواپزان (در اصطلاح الوار بمعنی خوران است) سوار شده راه افتادیم در جلگه‌ای‌که‌سیلاخور پائین مینامند راندیم . دهات خوب ییلاقی از دور دیده میشد . تا نزدیك قریهٔ چالان چولان

حاجی احمد خان منصورالسلطنه با سوار یاراحمدی باستقبال حضرت سردار اکرم آمدند منصورالسلطنه پیرمرد و ریش سفید بلندی داشت . از قراریکه گفتند درسیلاخور پائین مالك چند پارچه ده و صاحب علاقه است . نزدیك چالان چولان رعیت زیادی جلو آمده دهل و سرنا آورده مینواختند مثل اینکه عروسی‌است . حین عبور از میان ده زنها به پشت بام آمده کل میزدند . (کل صدائی است از دهان بیرون می‌آورند و دست را دم دهان نگاه میدارند) این دهل و سرنا و کل زدن زنها علامت اظهار شادی است که برای احترام بزرگان بجا می آورند و درمیان الوار رسم است . ازچالان چولان‌که ده معتبری بود گذشته یك پل بزرگ روی رودخانه بروجرد دیدیم و بعد به کلنگانه آمده منزل کردیم . از سراب حلواپزان تا کلنگانه چهارفرسخ مسافت‌است . حاجی‌محمدشفیع و حسینعلیخان و حاجی محمدهادی از کلنگانه مرخص‌شده بهمدان رفتند .

سه‌شنبه ۵ صفر ۱۳۱۵ - صبح از کلنگانه روانه شده از گردنه بسیار طولانی و سختی که موسوم به گردنهٔ رازان است عبور نمودیم . پسرهای رضاخان سرتیپ که مالك رازان است و خود سرتیپ باستقبال حضرت سردار آمدند ایشان و همراهان را به ناهار دعوت‌کردند . باغ وچمنی‌داشت رفتیم ناهار آنجا صرف‌شد واستراحت نمودیم بعد از صرف چای عصر روانه شده بسراب زاغه آمدیم . سرحد خاك بروجرد بالرستان مابین رازان و سراب زاغه است . سنگ زیادی برای نشانه مابین دوتپه ریخته‌اند .

از کلنگانه تا سراب زاغه قریب پنج‌فرسخ مسافت است‌که در ظرف پنج‌ساعت سواره طی شد . یکساعت از شب گذشته بسراب زاغه وارد شدیم ، اینجا اردوگاه حکومت بروجرد و لرستان است که برای وصول مالیات از الوار حکومت اردو میزند و ازلرها مالیات میگیرد . در سراب زاغه چند خانه خالی و بلاسکنه بود که ایلات در زمستان‌آنجا منزل میکنند وتابستان بچادر میروند.

خرم‌آباد

چهارشبه ٦ صفر ۱۳۱۵ - طلوع آفتاب از سراب زاغه روانه شده تا نزدیك‌تنگ‌زاهد راندیم. این محل دزدگاه وخطرناك‌است آقا رضاخان و کاظم خان از روسای ایل سگوندکه هردوریش‌بلند داشته با چندین سوار آمده حضرت سردار اکرم والی عربستان را استقبال نمودند و اسب بازی و تیراندازی کردند . از تنگ زاهد گذشتیم فاضل خان و حسن خان که به حسن گدا مشهور است باستقبال آمدند و سوارهای آنها هم اسب بازی و تیراندازی کردند . هوا در این محل خیلی گرم شد .

تقریباً نزدیك ظهر خسته و گرما خورده بشهر خرم‌آباد وارد شدیم . از

سراب زاغه تا خرم‌آباد شش فرسنگ مسافت است . اغلب راه سنگلاخ و دره ماهور و جنگل درخت بلوط است و نهر های آب جاری است . اردو را در کنار نهر کرگانه زده از قراریکه میگفتند آب این نهر بهترین آبهای خرم‌آباد است . در ابتدای شهر جناب حاجی میرزا محسن خان مظفرالملك سربازخانهٔ خوبی از آجر ساخته پل را تعمیر کرده و بعضی آثار خوب گذاشته است چند بنا وآثار قدیم در خرم‌آباد تعمیر شده ازجمله‌قلعهٔ حکومتی است موسوم بفلك‌الافلاك که روی تپهٔ بلندی ساخته شده و در وسط شهرواقع است . یکی دیگر منار بسیار بلندی است میگویند منار مسجدی بود که حضرت امام حسن (ع) ساخته بود ولی ازمسجد اثری نیست .

دیگر یك تخته سنگ مربع دو ذرع طول ویك ذرع و چارك عرض که بزمین نصب شده دیدم اطراف آن بخط کوفی حجاری شده یکی دو سطر آن را خواندم : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم فی‌عهد ..... معین‌الاسلام چون بواسطهٔ باران و مرور زمان خط آن محو شده بود درست خوانده نشد . در میان آن سطوربفرمایش مظفرالملك (که‌از جانب شاهزاده ظل‌السلطان در لرستان و عربستان حکومت داشته) ذکر شده و تاریخ‌آن سنهٔ ۱۳۰۱ هجری بود .

شهر خرم‌آباد بواسطهٔ اشجار زیاد و آبهای جاری وسبزه خرم بنظر میآید ولی از قرار مشهور آب‌وهوایش تعریف ندارد یعنی سالم نیست و تب و نوبه میآورد. برنج خوب در خرم آباد بعمل میآید بهتر از مازندران . زراعت آنجا بیشتر شلتوك و ذرت و گندم و جو و صیفی‌کاری است صنعت یدی قابلی ندارد . نایب‌الحکومهٔ‌خرم‌آباد نواب‌والا شاهرخ میرزا بود از جانب نواب اشرف‌والا حشمت‌الدوله با محمدعلی خان رئیس ایل سگوند که سرتیپ است خدمت حضرت سردار اکرم آمدند . سه شب در خرم‌آباد توقف شد .

شنبه ۹ صفر ۱۳۱٤ از خرم‌آباد حرکت‌کرده بمنزل شهنشاه‌که دوفرسخ‌مسافت است آمدیم ، زمین مسطح و دهات چندی در یك جلگهٔ وسیع واقع است وآبهای‌جاری زیاد است . بعد بگردنهٔ شهنشاه که خیلی مرتفع است میرسیم . مرحوم ناظم خلوت از پای گردنه تا خرم‌آباد خیابان ساخته ودرگردنه هم راه را درست‌کرده که بآسانی‌میشود عبور کرد . درشهنشاه امامزاده‌ای است‌و چند خانوار هم سکنا دارند . مهتاب شب و هوای خوبی بود خوش گذشت .

یکشنبه ۱۰ صفر ۱۳۱۵ - صبح از منزل شهنشاه روانه شده از میان کوه وکتل و ماهور که همه درخت بلوط و پسته جنگلی بود عبور کرده به تنگ چشمك آمدیم که

چهار فرسخ مسافت بود . همه درخت و جنگل در اغلب جاها مرحوم ناظم خلوت راه‌را درست کرده و بنائی هم کاروانسرا مانند در تنگ چشمك ساخته که محل بسیار خوبی است و آبی در نزدیك قلعه جاری است ولی قلعه از بی‌مواظبتی رو بخرابی است . میر نامداران که از میرهای طایفهٔ دیرکوند است با جمعی به استقبال آمدند بعضی‌صحبت‌ها در باب امنیت راه از لرستان تا عربستان با حضرت سردار نمودندکه خاك هرطایفـه از الوار برای حفظ راه از طرف دیوان (دولت) بخود آنها سپرده شده و بسوار و پیاده مواجب داده و سه دسته قراسوران برقرار شود :

۱- دستهٔ جودکی از شهنشاه تا سرکل مرکب از ۱۲ سوار و ۸۰ پیاده ۲- میر نامداران با برادرهایش از سرکل که پای گردنهٔ کیالان است تا قلعهٔ رزن ۲۰ سوار و چهل پیاده . ۳- دستهٔ میرتقی خان از قلعهٔ رزن تا بلارود ۲۰ سوار و ٤۰ پیاده که بهرسواری سالی چهل تومان و پیاده بیست تومان مواجب از دیوان داده شود و از رؤسا التزام گرفته شودکه مواظب‌بوده قوافل را باکمال امنیت عبور دهند. رویهمرفته ۵۲ سوار و ۱۳۰ پیاده از خرم‌آباد تا دزفول قراسوران قرار داده شود مواجب آنها تقریباً ٤٦۸۰ تومان میشود . بهرحال حضرت سردار اکرم رؤسای دیرکوند را که پنج شش نفر بودند مخلع فرمودند . لباس و وضع رؤسای الوار این طور است :

ریش و زلف بلند ، شال کلفت بکمر میبندند ، قبای‌کمرچین کلاه نمد سیاه‌کوتاه و عبای نازك پشمی هم بعضی دوش میگیرند و شلوار گشادی دارند همیشه مادیان‌سوار میشوند . عباسخان جودکی که از خرم‌آباد همراه بود دو سه تنگ دوغ و ماست و سه چهار بره و بزغاله و قدری برف در تنگ چمشك تقدیم و یکطاقه شال خلعت گرفت.

دوشنبه ۱۱ صفر ۱۳۱۵ از تنگ چمشك روانه شده از میان جنگل و سنگلاخ و تپه ماهور که راه چندان معلوم نبود عبور کرده بمنزل دوذیخی‌که پل‌شکسته موسوم است آمدیم . اینجا اسمش منزل است ولی هیچ‌نمونه‌ای ازمنزل ندارد نه‌آبادی نه‌آذوقه هیچ چیز پیدا نمیشود مگر نهر آبی‌که میگذرد . دراینجا خسروخان برادر سهراب خان دیرکوند آمد خدمت حضرت سردار اکرم شرفیاب شد .

در این منزل دو نفر از سربازان فوج خلج باهم نزاع کرده یکی آن دیگری را با تیرتفنگ زد ولی کاری نبود سرباز مجروح را بخسروخان دیرکوند سپردندکه پس از معالجه روانه عربستان نماید .

سه‌شنبه ۱۲ صفر - در مهتاب شبانه از پل شکسته روانه شده کوه و کتل و جنگل را طی کرده بگردنهٔ مشهور دهلیز رسیدیم. ماه هم غروب کرد . درمیان سنگلاخ

و درختهای جنگل راه بسیار سختی را طی میکردیم . درطلوع فجر ببالای گردنه‌رسیدیم. حضرت‌سردار اکرم‌برای‌ادای‌نمازصبح پیاده شدند . تمام اهل‌اردو از سرباز وسوار قاتی همدیگر شده در سرازیری گردنه بجای سختی دچار شدند کـه باید یك نفر یك نفر از آنجاگذشت خیلی اسباب معطلی شد هرچه سوار بود ناچار پیاده شده جلو اسب ها را کشیده در میان سنگلاخ سخت سرازیرآمدیم . قریب سه‌ساعت طول کشید تا این‌گردنه بی‌پیر طی شد . بعد از آنهم تمام راه خیلی سخت و عبارت ازکوه و کتل و جنگل‌بود باکمال خستگی میآمدیم . شکار های کوهی گله گله در چند جا دیده شد چنـد نفر از سوارها تفنگ انداختند ولی هیچکدام نزدند بالاخره دوسه ساعت از آفتاب‌گذشته بجائی رسیدیم گفتند اسم اینجا قبر بیک علی است . دربین راه آفرینه و آب سرد که منزلگاه است در مهتاب دیدیم جاهای‌باصفا و پرآبی بودند ولی قبر بیک علی‌جای‌بسیار بد گرم دور از آب و جای خطرناکی بود .

از پل شکسته تا قبر بیک‌علی گفتند شش فرسخ است ولی ما این مسافت را هشت‌ساعته طی‌کردیم . بواسطهٔ کسالتی که عارض جناب آقای ساعدالسلطنه‌شد حضرت سردار فرمودند جمعی زبده سوار قبل از حرکت اردو اول شب راه افتاده و جناب آقای ساعدالسلطنه‌را در پالکی‌گذاشته ازگردنهٔ کیالان که بعظمت و سختی راه مشهور است قبل از طلوع آفتاب عبور دهند . باین تفصیل یکساعت از شب گذشته ازقبربیک علی روانه شدیم . از میان کوه وکتل‌های فراوان و گردنهٔ کیالان وجنگل‌که هیچ راه‌نمایان نبود میرفتم . چند مرتبه بارهای چند قاطر بزمین‌افتاد و برای دوباره بارکردن‌آنهامدتی معطل شدیم . خلاصه با این وضع میآمدیم که آفتاب نزده از گردنهٔ کیالان بگذریم ولی راه را گم کردیم یعنی سید عباس نام مکاری دزفولی که مال کرایه داده بود و بلـد و هادی ما بود راه را گم کرد . بالاخره همه خسته و مانده درجائی نزدیك کـوه کیالان فرود آمدیم که هوا روشن و راه پیدا شود . بعد از طلوع آفتاب جلو دارها که برای پیدا کردن راه رفته بودند پیدا شدند معلوم شدکه خیلی از راه دور افتاده‌ایم . بهـزار زحمت پس از طی راه سنگلاخ بسیار سخت بمنزل سرگل کـه پای گردنهٔ کیـالان است رسیدیم ، بطوری خسته بودیم که قادر بحرکت نبودیم . سرگل جای باصفائی بود آب جاری خوب وگل‌های‌خرزهره و مو و سبزه اطراف نهر بود . بچشم ما خیلی جلوه‌کرد. ماها که با حضرت سردار آمده بودیم قدری راحت شدیم . ولی باقی اردو که با جناب صمصام‌الملك عقب بودند نرسیده بودند . معلوم شد آنها هم راه را گم‌کرده‌اندحضرت سردار دستود دادند مقدار زیادی مشك‌آب برای سربازان ببرند . اگر این آب نرسیـده

بود عده‌ای تلف میشدند ازقبر بیک علی‌تاسرگل پنج فرسخ‌راه بد وسنگلاخ‌است، مقارن ظهر عقب مانده اردو با حال فلاکتی رسیدند .

بعد از غروب شیپور کوچ زدند روانه شدیم که شبانه در مهتاب از گردنهٔ کیالان بگذریم گرچه مرحوم ناظم خلوت این راه را ساخته و خیلی سخت نیست ولی زیاد سربالا است .

درخت‌های جنگلی صحرا را آتش زده بودند و از بالای گردنه منظرهٔ چراغانی و آتش بازی مفصلی را داشت . سربالائی گردنه را با زحمت زیاد طی کردیم . دو سه بار قاطر افتاد و عده‌ای از مالها معیوب شدند . در سر گردنه قدری مکث کرده بعد سرازیر شدیم ولی ناچار پیاده شده وجلو اسب‌ها را گرفته براه ادامه دادیم وضع سخت این گردنه را هرکس بخواهد بداند باید ببیند . طلوع صبح بمنزل برنج‌زار رسیدیم . از آنطرف گردنهٔ کیالان تا برنج‌زار شش‌ساعت طول‌کشید وحال آنکه دوفرسخ مسافت است . این طرف کیالان اول منطقهٔ گرمسیر است . روز را با زحمت شب کردیم در برنج‌زار آثار کاروانسرائی از بناهای مرحوم ناظم خلوت هست ولی خرابه است . حال جناب ساعدالسلطنه قدری بهتر شده ولی بکلی رفع کسالتشان نشده .

گرمی و حرارت آفتاب در این منزل بدرجه‌ایست که لحیم آفتابهٔ برنجی آب شد حال من هم دو روز است خوش نیست همچو گرما تاحال ندیده بودم .

شب پنجشنبه ۱٤ صفر ۱۳۱۵ از برنج‌زار حرکت‌کردیم باز راه کوه وکتل و سنگلاخ وگاهی هموار بود . دربین راه منزل موسوم به پل زال را دیدم در کنار رودخانهٔ بزرگی که آب صاف و گوارائی داشت پیاده شده طلوع صبح بود چای صرف کرده سوار شدیم . راه مسطح شد . دوساعت ازآفتاب‌گذشته بمنزل موسوم بقلعهٔ رزن رسیدیم. هوا خیلی‌گرم بود وماهم‌خسته،از برنج‌زارتا قلعهٔ رزن‌شش‌فرسنگ مسافت‌است. در رزن قلعه هم ساخته شده است . اردو نزدیك قلعه که نی‌زار طولانی دارد افتاد . در آنجا حاجی سلطان نامی را که از دزفول بعنوان سیورساتچی فرستاده بودند آمد قدری هندوانه و بادنجان آورده بود . در این منزل هندوانه نوبر کردیم . هوا خیلی گرم بود روزشمد را مکرر آب زده رو میانداختیم دو سه دقیقه بعد خشك میشد.

شب جمعه ۱۵ صفر ۱۳۱۵ - چهار پنج ساعت ازشب گذشته که مهتاب بود از قلعهٔ رزن روانه شدیم راه بیشتر مسطح بود بعضی جاها هم سنگ و سخت . در صحرا اغلب‌جاها گیاه‌های خشکیده‌را آتش‌زده بودند صحرا روشن شده بود قریب طلوع فجر به تك تك آب رسیده پیاده شدیم . میرزا صادقخان نایب‌الحکومهٔ شوشتر با چند

نفر از اهالی‌شوشتر و دزفول باستقبال آمدند تك‌تك آب‌جای باصفائی است وآب باریکی آبشار مانند از ۲۰ ذرعی میریزد آب گوارائی دارد ، یکساعت از طلوع آفتاب گذشته سوار شده بمنزل حسینیه آمدیم . از قلعهٔ رزن تا حسینیه پنج فرسخ مسافت است .
جمعی از خوانین و اعیان دزفول و شوشتر تا اینجا باستقبال آمده بودند. از قراریکه گفتند در این مکان باد سموم که موجب هلاکت است در فصل تابستان اغلب اوقات میوزد .

از اینجا بدزفول هفت هشت فرسخ مسافت است . بهزار زحمت روز را شب کردیم . یکی دو ساعت از شب رفته میرزا صادقخان سرتیپ و من با جمعی سوار و بلد روانه شدیم جناب ساعدالسلطنه را هم‌که حال درستی نداشت و سوار پالکی بود همراه بردیم .

تا رودخانهٔ بلارودکه تقریباً سه فرسخ از حسینیه مسافت است باز راه سخت و ناهموار و سنگلاخ است بعد از آن هموار میشود . شب مهتاب بود . من با میرزا صادقخان بواسطهٔ غلبهٔ خواب کنار جاده پیاده شده بقدر یکساعت روی زمین خوابیدیم بعد بیدار شده براه افتادیم تا بصالح‌آباد که دو فرسخی دزفول است رسیدیم .

جوی آب خوبی از آب بلارود میگذشت . در اینجا چادرهای پیش خانه را برپا کرده بودند . پیاده شدیم وضو ساختیم و هندوانه صرف‌کردیم . هندوانهٔ صالح‌آباد دراین صفحات مشهور است . قریب طلوع آفتاب نزدیك کوشك که مقر حکومت است پس از ادای نماز وارد دزفول‌شدیم .

رودخانهٔ‌بزرگی(کارون) ازجلوشهر دزفول‌جاری‌است وبایدازپل‌گذشت وداخل شهر شد . دروازهٔ بزرگی هم طرف شهر هست که شبها میبندند واحدی نمیتواند از آنطرف رودخانه داخل شهر شود . وقتیکه داخل شهر شدیم از کوچه‌های کثیف عبور کرده بخانه آقای رضای مستوفی فرود آمدیم . شب هفت فرسخ راه پیموده خیلی‌خسته بودیم . از همدان بدزفول ۷۸ فرسخ است .

دزفول

یکشنبه ۱۷ صفر ۱۳۱۵ - دو ساعت از آفتاب گذشته بود در دزفول وارد خانهٔ آقای رضای مستوفی شده پس از صرف قدری هندوانه به شوادان رفته راحت کردیم ، منزل سرکار طاهر خان سرتیپ هم در بیرونی آقارضا بود من آنجا رفتم.عمارت آقا رضا بدعمارتی‌نیست حیاطش مانند حیاط مسجد است تمام ازآجر ساخته شده ودیوارهای بلندی دارد. آب از گاو چاه میکشند . برای خوردن سقا ازرودخانه‌میآورد.

آب رودخانهٔ دزفول آب گوارائی است . تمام خانه‌های دزفول از آجر ساخته شده و دیوارشان خیلی بلند است . اما کوچه‌ها بقدری کثیف و بد است که انسان از بوی تعفن با اشکال عبور میکند . جهت اینست که تمام‌مبالهای خانه‌ها بکوچه میریزد .

دوشنبه ۱۸ صفر ۱۳۱۵ - حضرت سردار اکرم صاحب اختیار عربستان با اجلال بدزفول وارد و درکوشك که مقر حکومت است نزول فرموده بسلام نشستندتوپ شلیك و موزیك نواخته شد . اردو سه قسمت‌شد : قسمتی در کنار رودخانه چادر زدند، قسمتی در کوشك در ملازمت ایالت‌بودند بعضی هم درشهر اوقات میگذراندند. شب‌ها را در چادر آقای میرزا محمدعلی خان مستوفی بسر برده و روزها به کلك نشسته پس از عبور ازرودخانه بکوشك میرفتیم . نزدیك ظهر میآمدیم در کنار رودخانه در (کت)ناهار صرف نموده خواب روز را درآن میکردیم . کت مانند غاری است که در بغل دیوارهٔ رودخانه درست میکنند. تا یکساعت بغروب‌مانده در کت بودیم‌بعدباز بکوشك‌میآمدیم. اغلب اوقات باد گرمی که بباد سموم یا سام مشهور است میوزید . مثل شعلهٔ آتش صورت شخص را میسوزاند . از گرمی هوای دزفول هرچه بنویسم کم نوشته‌ام بهرحال بعد از مغرب مجدداً از کوشك مراجعت کرده بچادر میآمدیم . در عمرم چنین‌سفر سخت و هوای گرم و مکان کثیف ندیده بودم . توقف در دزفول تقریباً یك‌ماه طول کشید .

نفوس دزفول از قرار تخمین سی هزار نفر است از علمای دزفول یکی جناب شریعتمدار آقای شیخ محمدطاهر است که قریب نود سال دارند و در ورع و تقوی و علم و فضل مقبول عامه و شخص بزرگواری است بواسطهٔ کبرسن کمر فلج دارند و قادر بحرکت نیستند ولی‌مشاعرشان بجا و همه روزه مجلس درس دارند بعد جنابان‌حاجی سید حسین ، شیخ محمدحسن انصاری دامادمرحوم شیخ مرتضی‌انصاری، شیخ‌محمدحسن برادر جناب شیخ محمدطاهر و جناب امام جمعه را میتوان نام برد .

از سادات مشهور،مشهوربداعی‌جناب‌آقا سیدعبدالرحمن‌که قریب‌الاجتهادومرد مقدس باتقوائی است اغلب با ایشان محشور بودم .

عموم اهالی دزفول اعتقاد و اخلاص غریبی بجناب آقا شیخ محمدطاهر دارند .

از تمام ارباب عمائم دزفول وشوشتر ازسید و ملا پناه میبرم بخدا . ازاعیان و (اقادات)های دزفول‌بجز آقا میرزا طاهر مستوفی وآقا محمدرضای مستوفی ومحمدخان و برادرهای او کسی را ندیدم یعنی نشناختم .

تمام خانه‌های دزفول از آجر است و دیوارهای بلند دارد . عمارتهای عالی همه شوادان دارند که در تابستان دو سه ساعت از آفتاب گذشته میروند بشوادانها که

سی‌چهل و بعضی‌جاهاپنجاه پله باید پائین‌بعنی زیرزمین رفت و نزدیك غروب بیرون آمد والا محال است از شدت گرما روی زمین ودر اطاقها زیست کرد . شب‌ها اغلب مردم کنار رودخانه صفه درست کرده‌اند آنجا میروند میخوابند ولی کنار رودخانه را پر از کثافت وفضولات کرده‌اندکه ازبوی تعفن نمی‌شود خوابید . پست‌خانه و تلگرافخانه هم در دزفول است . محصول ومتاع دزفول نیل وپنبه و نی‌قلم است . شنیدم سالی قریب صدهزار تومان نیل از دزفول بخارج میرود . نی‌قلم‌هم معلوم است‌که قلم تمام ایران از اینجا میرود و منحصر است . گندم و جو وشلتوك‌کاری میکنند . ازمیوجات هندوانه و ازمرکبات لیموی شیرین و نارنج بعمل می‌آید . خیارچنبر را میگذارند زرد و بزرك میشود بعد میخورند وزن آن به‌یك من ونیم تبریز میرسد .

جمعه ۱۹ ربیع‌الثانی تخاقوی ئیل ۱۳۱۵ هجری مطابق۱۷سپتامبر۱۸۹۷ میلادی ازمهمانی منزل جناب صمصام‌الملك برگشته میخواهم روزنامه ورود به‌شوشتررا بنویسم یك ماه متجاوز است‌که درخدمت حضرت سردار اکرم والی عربستان و بختیاری وارد شوشترشده در قلعهٔ سلاسل‌که مقرحکومت و ازبناهای مرحوم احتشام‌السلطنه پسرمرحوم احتشام‌الدوله خانلرمیرزا وآبادشده حضرت نظام‌السلطنه وزیر عدلیه وتجارت حالیه‌است منزل داریم · رودخانه شوشتر ازپای قلعهٔسلاسل میگذرد . هرکس از دزفول به‌شوشتر میاید باید ازاین رودخانه بگذرد پل رودخانه خراب شده و باید با کلك‌گذشت. میگویند این‌پل ازآثار شاهپور است. اسب‌ها را زین گرفته به آب زدند ما هم به کلك نشسته گذشتیم · قاطرهای حضرت سردار راکه دو روز قبل آورده بودند سه رأس از آنها را آب برد .

بهرحال ایالت روز ورود به‌سلام نشستند وتوپ‌انداختند و نقاره‌خانه زدند· فوج مخصوص‌که ازجمعی جناب صمصام‌الملك باچند دسته ازفوج فدوی‌که اینجابودند واعیان شهر باستقبال آمده بودند .

قلعه حکومت اینجا جای وسیعی است اجزاء حکومت هرکس منزلی گرفتند میرزا صادق‌خان سرتیپ نایب‌الحکومه پذیرائی کرد و به منازل بعضی اجزاء و اطاق ایالت مجموعه شیرینی فرستاد . تا دو سه روز بعداز ورود هوای شوشتر بهتر از دزفول بود ولی بعد خیلی‌گرم شد متصل غرق عرق بودیم وکاری نمیشدکرد · خورد وخوراك‌خیلی کم داشتیم و داریم . خلاصه زندگی پرصدمه تاحال برما گذشته ازهوای‌گرم و مگس فراوان و باد شرجی‌که شرقی باشد یافت نشدن میوه وکثافت شهر وغیره همه شاکی و دل‌تنك هستند. کسالت جناب‌آقای ساعدالسلطنه هم مزید برعلت شده چندی است دچار

پیچش شده و اطبای اینجا هنوز نتوانسته‌اند معالجه نمایند دراین دوروزه والی هویزه‌که مولا طعمه‌خان باشد معزول و بجای او عبدالله‌خان را منصوب نمودند . در این مدت یك ماه‌که ایالت وارد شوشتر شده‌اند اغلب کارهای رؤسا و مشایخ وولات اعراب که‌اینجا جمع شده بودند حضرت ایالت فی‌نفسه بدون وساطت اجزاء و احدی فیصل‌داده هریك‌را به مقر ریاست و حکومت خود باحکم و خلعت معموله روانه فرمودند بجزعمدةالامرا شیخ خزعل‌خان حاکم محمره که وکیل او حاجی‌محمدعلی وکیل‌التجار اینجا است ووکیل کارهای شیخ خزعل‌خان است همه مشایخ و والیها خودشان شرفیاب شده قرار اقساط مالیاتی داده مخلع شده رفتند وتفصیل آن ازاین قرار است :

حکومت محمره وسرحدداری شط‌العرب و کارون شیخ‌خزعل‌خان‌باعطاء سه‌وصله خلعت شمشیر سر وته طلا لباده ترمه یك طاقه شال برای عمامه .

حکومت وریاست دحلا و هندیجان وجراحی و بندر معشور به میرفضل‌خان بایك طاقه شال عمامه ولباده ترمه

حکومت وشیخیت فلاحیه شیخ جعفرخان شیخ‌المشایخ بایك طاقه شال عمامه و لباده ترمه تن پوش .

حکومت و والی کوی هویزه بمولا عبدالله خان باعطاء یکطاقه شال عمامه و لباده ترمه .

ریاست وشیخیت آل‌کثیر شوشتر به شیخ صرخان بایکطاقه شال .

تفویض زراعت نهر هاشم بقبیله نعمت سیف‌السادات .

حکومت بندر ناصری برای شیخ عبودخان برادرزاده شیخ خزعل‌خان .

ابداً راه توسط برای هیچیك ازاجزاء بازنیست ومنحصر بشخص ایالت است تمام امور ازجزئی یاکلی باخودشان است از این گذشته هیچکدام از رؤسای در خانه اختیار برکار خود ندارد : مثلا منشی اختیار دادن حکم وگرفتن رسوم ازکسی ندارد وهمچنین مستوفی دردادن برات وصندوقدار ازخلعت وفراشباشی ازحبس وکذلك فعلل وتفعلل‌همه موقوف برأی واجازه شخص‌ایالت است دراینصورت حالت اجزاء درهمچوحکومت‌معلوم است چه‌خـواهد بود . مقرری مختصری برای بعضی اجزاء قرار داده‌اند که آنـرا بزحمتی میرسانند .

آثار قدیم شوشتر ـ بند میزان‌که مرحوم محمدعلی میرزا ساخته واقعاً درمتانت و استحکام بی‌نظیر است ازقرارمشهور ١٤ سال مدت بنای آن طول کشیده و مبلغ گزافی خرج آن شده طول این‌بند ٤٦٠ ذرع عرض آن دربعضی جاها ٣٠ ذرع بعضی‌جا ٢٠

و بعضی جا ۱۰ ذرع است وقتیکه پل درست بوده آب به میاناب شوشتر که باغات زیاد ازمرکبات و درخت‌کاری بوده میرفته بعدازخراب شدن پل‌که در ده یازده سال‌قبل اتفاق افتاد تمام اشجار باغات میاناب خشکیده وحالا هیچ رقم میوه درآنجا یافت نمیشود از قراریکه میگویند معادل یك کرور ضرر به‌شوشتر واردآمده . دو دانك آب رودخانه از طرف جنوبی شهر که بلیطین میگویند جاری است‌که شهر شوشتر درمیان این دو نهر مثل جزیره واقع شده و اطرافش آب است وازخارج ممکن نیست‌کسی داخل شهرشود. درنزدیك این‌بند بقعه سیدمحمد گیاه‌خوار است‌که تفصیل حال او درتذکره شوشتر بیان شده است .

دوشنبه ۱۲ جمادی‌الاولی ۱۳۱۵ مطابق ۱۱ اکتبر ۱۸۹۷ - حضرت ایالت‌شروع بروضه‌خوانی در قلعهٔ سلاسل فرموده بعداز روضه به مردم سفره دادند .

پنجشنبه ۱۶ جمادی‌الاولی - صبح باستماع روضه رفتم ازجمله ذاکرین جناب میرزا حسینعلی‌شوشتری بودکه بواسطه چاقی مشهوربه ببرالذاکرین است وخوب روضه میخواند صدای غرا ومؤثری دارد . یکی‌هم جناب حاجی‌ملاجعفر واعظ بود خوب حرف میزد آدم مقدس ونایب مرحوم آقا شیخ محمدطاهر است . یك نفر هم سلطان‌الذاکرین میرزا احمد دزفولی است . بهرحال بعداز اتمام و ختم روضه بمردم‌که قریب سیصدنفر بودند ازهمه طبقه ناهار دادند . چون دو روزقبل کاپیتان برتن (ازصاحبمنصبان‌انگلیس مأمور هندوستان که بعزم سیاحت بایران‌آمده) خدمت حضرت ایالت شرفیاب ویکدستگاه ساعت هشت روزکوك تقدیم نموده بود و امروز میخواست‌که با جهاز شوشان بناصری وازآنجابمحمره و مراجعت بهندوستان کند حضرت ایالت بعضی تحف ایران (یك قالیچه بسیار اعلی کار عراق با یکدست فرش‌شوشتری برای اوفرستادند ومن هم ازطرف ایشان برای احوالپرسی او رفتم بیچاره تب‌کرده بود وحالت درستی نداشت . ازهدایای‌حضرت ایالت خیلی تشکرکرد و یك ساعت نقره شکاری دسته‌کوك هم باصرار محض یادگار بمن داد.

۲۵ جمادی‌الاولی ۱۳۱۵ اول‌برج عقرب سه هفته میگذردکه پست مقررعربستان نیامده چهل روز است ازطهران و۳۲ روز است ازتهران وکسان کاغذ نرسیده ازبی‌خبری از حال بستگان و دوستان خیلی نگرانم یعنی اغلب همراهان بهمین حال هستند وهیچ علت نیامدن قاصدپست معلوم نیست . اغتشاش‌راه لرستان ونرسیدن پست‌وبی‌خبری ازکسان‌صعب‌تر ازتمام سختیها وصدمات عربستان است. خدا هیچ‌بنده‌اش را مبتلای‌صدمه این ولایت نکند . گرچه انسان ازحکمت و تقدیرات الهی بی‌خبر است شاید همین‌حالت

عین صلاح است و ما نمیدانیم بحمدالله علی کل حال .

هوای شوشتر سه چهارساعت ازشب گذشته خوش ومعتدل است تا یکساعت بظهر مانده بعد گرم وخفه می‌شود . هنوز درپشت بامها میخوابیم و دراطاق بواسطه گرما نمی‌شود خوابید . حضرت ایالت درتهیه و تدارك اردوکشی بسمت ناصری وهویزه و بنی‌طرف هستند وخیال دارند انشاءالله همین روزها با اردوحرکت‌کنند . ولی امسال بواسطه نیامدن باران و قلت محصول فراهم‌آوردن آذوقه برای اردو خیلی مشکل شده است بخصوص کاه‌که خرواری دوتومان است و یافت نمی‌شود. سالهای سابق ازقراریکه میگویند نگاهداشتن مال درعربستان خیلی‌آسان بوده و هیچ خرجی‌نداشته . کاه ازصحرا مفت میاورده‌اند جو هم خروار تبریزی یك‌تومان، یك‌تومان وپنجهزار بود حالامشکل‌تر ازهمه‌چیز درعربستان مال نگاهداشتن است خصوص در ناصری (اهواز) و هویزه که هیچ علوفه‌یافت نمیشودگندم هم خروار تبریزی هفت تومان هشت تومان الی۱٤تومان است . درنقاط مختلف عربستان مثلا درمحمره و هویزه گرانتر است یعنی جو خرواری پنج الی شش‌تومان است . سرکار معتمدالسطان طاهرخان سرتیپ‌که بانصف فوج فدوی که در دزفول بودند یك هفته است به شوشتر آمده‌اند .

پنجشنبه ۲ جمادی‌الثانیه ۱۳۱۵ هفتم عقرب است . سه روز است هوا درشوشتر عصرها بقدری گرم است‌که به ۳۷ درجه رسیده است .

سه شنبه ٦ جمادی‌الثانیه ـ خبر فوت مرحوم خلدآشیان آقا شیخ محمدطاهر حجةالاسلام عربستان رسید . شیخ مرحوم ازاعلم علما و در زهد و تقوی بی‌عدیل بود اهالی عربستان ارادت غریبی بآن مرحوم داشتند . سن آن مرحوم قریب نود سال بود.

چهارشنبه ١٤ جمادی‌الثانیه ۱۳۱۵ مطابق ۱۰ اکتبر ۱۸۹۷ ـ روز عید مولود مسعود اعلیحضرت همایونی شاهنشاه مظفرالدین شاه است در قلعهٔ سلاسل‌حضرت سردار-اکرم اسباب جشن و تشریفات این‌عید سعید را فراهم آورد . دیشب هم میرزا صادقخان سرتیپ نایب‌الحکومه شوشترهم اسباب آتش‌بازی و سایر تشریفات را ازقبیل‌شیرینی، شربت وچراغانی بوجه احسن فراهم‌آورده بود . حضرت ایالت خیال دارند فردا باردو تشریف برده و یك شب آنجا مانده بسمت ناصری حرکت فرمایند . هوا شب‌ها خوب شده نسیمی می‌وزدولی‌بعدازظهروعصر هواقدری خفه‌وبه‌قول شوشتری‌ها شرجی‌میشود. شرجی یعنی شرقی دراین صفحات قاف را بدل به‌جیم مینمایند مثل اینکه قریه را جریه می‌گویند.

پنجشنبه ۱۵ ج ۲ ـ مطابق ۲۰ عقرب بسلامت درخدمت حضرت ایالت با اردو ازشوشتر بسمت بندر ناصری (اهواز) وهویزه وبنی‌طرف حرکت‌کرده درکنار شهر اردو برپا شد . ازابتدای ورود به‌شوشتر تا امروز سه ماه و دو روزکم است . دراین مدت توقف شوشتر گرماها خوردیم عرقها ریختیم حالاکه هوا رو به‌خوبی است میگذاریم ومیرویم سجاف بیابانها تااین‌سفر چه مدت طول بکشد وچطور بگذرد . خدا دانا است .

دوشنبه ۱۹ جمادی الاخره ـ دوساعت و نیم بغروب مانده روانه منزل کنادشدیم میگویند پنج فرسنك مسافت است. حضرت سردار اکرم جلوتر راندند من‌باعده ازعقب میرفتیم بواسطه تاریکی راه را گم‌کردیم ازدور چراغهائی نمایان شد دونفر سوار فرستادیم خبر بیاورند بعد فانوس امدادی را روشن‌کرده بطرف چراغها از بیراهه راندیم دربین راه یك نفر ازسوارها آمد و خبرداد چراغها مال اردو است .

سه ساعت ونیم ازشب‌گذشته باردو رسیدیم دیدیم حضرت سردارمدتی است وارد شده‌اند ولی سوارها و سربازها وهمراهان درصحرا راه را گم‌کرده ویلان مانده بودند که بعد آمدند . ازجمله غرائب این است‌که شب ۱۹ ج ۲ که دربلیطین خارج شهر شوشتر بودیم هوا بطوری سرد شدکه آب یخ‌کرد و اسباب تعجب اهالی شوشتر و ما شد . کسی یاد نداشته دراین فصل آب درشوشتر یخ‌کند .

٤شنبه ۲۱ جمادی الاخره ۱۳۱۵ ـ بعد ازصرف چای اردو ازکناد حرکت‌کرد تا بنه‌داود تقریباًدوفرسخ ونیم مسافت بود وازآنجا تاقریه سید حسن‌که منزل‌بود دوفرسخ‌و نیم دیگر راه طی‌کردیم .

درکنار رودخانه بلیطین‌از این جریه (قریه)ها زیاداست همه عرب هستندومثل‌ایلات زندگی می‌کنند .

پنجشنبه ۲۲ جمادی الاخره ـ یکساعت ازآفتاب‌گذشته از قریه سیدحسن روانه شدیم . بین راه باران گرفت وهوا مثل بهار تازه ومفرح شد تند راندیم و بمنزل بندقیر رسیدیم . دربندقیرکه دوفرسخ باقریه سیدحسن فاصله دارد سه رودخانه‌که عبارت از رودبلیطین و میاناب شوشتر و رود دزفول باشد یکی میشود و شط کارون را تشکیل می‌دهد .

چون درابتدای ورود بعربستان جغرافی این‌مملکت را در روزنامه‌ها ننوشته‌ایم دراینجا مختصری اشاره می‌شود.

عربستان مملکتی است از اضلاع جنوبیه ایران طولش از شمال به‌جنوب تقریباً شصت‌فرسنك عرضش ازمشرق به‌مغرب به‌چهل فرسخ میرسد . ازجانب مشرق متصل

است به کهکیلویه از سمت جنوب به‌خلیج فارس ازطرف مغرب بعراق عرب ازطرف‌شمال به‌جبال لرستان . اسم اصلی این‌مملکت خوزستان و درزمان سلف جزء بابل وامپراطوری ایران بود . تا اواخر خلافت خلفای عباسی خیلی آباد و بعداز انقراض دولت عباسیان روبه خرابی نهاده است . آب رود کرنگ‌که منبع آن ازکوه‌های بختیاری است از وسط این‌مملکت‌عبورنموده به‌شط‌العرب می‌پیوندد .عربستان(۱) مشتمل برچند ایالت کوچك است‌که به دوقسمت منقسم می‌شود.

ایالات شمالی وغربی کرنگ : شوشتر ـ دزفول ـ هویزه و محمره

ایالات شرقی وجنوبی‌کرنگ : رامهرمز ـ جراحی ـ اهواز ـ فلاحیه و ده ملا

قبل‌ازظهور شاه اسمعیل‌که ممالك ایران بین ملوك‌الطوایف منقسم بود آب‌کرنگ را بین مملکتین عراق (۲) وفارس قرارداده بودند .

ایالات شرقی وجنوبی جزء فارس وایالات شمالی وغربی ازعراق بوده و در زمان محمدشاه غازی منوچهرخان معتمدالدوله گرجی ایالات شرقی وجنوبی را ازفارس‌منتزع وضمیمه‌عربستان حکومت‌خودنمودکه اکنون‌هم‌ضمیمه عربستان است .

جمعه ۲۳ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۱۵ ـ صبح آفتاب خوبی بود ولی دیشب چادرها را شبنم زده خیلی سنگین کرده بود . دوساعت ازروزگذشته ازبندقیر سوارشده بعداز ظهر به قریه ویس‌آمدیم . ازبندقیر به ویس سه فرسنك مسافت و راه مسطح وکالسکه‌رو است دراغلب جاها جاده ازکنار شط کارون میگذرد . ازقریه سید خلف‌که بین راه واقع شده گذشتیم . ازبندقیر باین‌طرف درتحت حکومت شیخ خزعل‌خان حاکم محمره است ویس ده آباد و پرجمعیتی است تقریباً ۲۰۰ خانوار سکنه دارد . میگویند در ویس صورتهای خوشکل پیدا میشود . رنك مردمش گندم‌گون است .

اردو درکنار شط‌کارون زده شده . فردا به‌بندر ناصری خواهیم رفت .

ناصری (اهواز)

شنبه ۲۴جمادی‌الاخره ـ دوساعت‌ازآفتاب بالاآمده از ویس روانه شده بصحرای اهواز که یك فرسخ و نیم بناصری مانده رسیدیم. شیخ عبودخان سرهنگ نایب‌الحکومهٔ ناصری برادرزادهٔ شیخ خزعل خان حاکم محمره با دویست سیصدسوار عرب طایفهٔباوی

---

(۱) عربستان مقصود خوزستان است .

(۲) مقصود ازعراق، عراق عجم یاقسمت شمالی ایران است .

و اعیان ناصری استقبال‌آمدند . مستر ویت ناظم‌سیم تلگراف عربستان هم جزء مستقبلین بود . اغلب از اعراب که جزء مستقبلین آمده بودند رئیس و صاحب خانواده بودند لباسشان قبای بلند صوف و زری‌سجاف‌قرمز و عبای یقه زر دوز منگوله‌دار باچپیه‌داگال (چفیه‌وعقال) و همه مادیان سوار . درکنار رودکارون ناهار صرف شد بعد بطرف‌ناصری راندیم و یکساعت و نیم بغروب مانده حضرت والی با جلال وارد بندر ناصری و در عمارت دیوانی نزول نمودند .

ناصری هفت هشت سال است‌آباد شده و بانی آن جناب نظام‌السلطنه حسینقلی خان مافی است که فعلا وزیر عدلیه و تجارت است . در این قلیل مدت معمورهٔ خوبی شده دکان وبازار و تلگرافخانه دارد . از ویس تا ناصری چهار فرسنگ‌مسافت است.

یکشنبه۲۵ جمادی‌الاخره ۱۳۱۵ ـ جناب سید نعمت‌سیف‌السادات و پسرهایش و جمعی دیگر بدیدن آمدند . از قراریکه سیف‌السادات میگفت از ناصری تا خانه‌اش‌دو فرسخ ونیم مسافت است . شیخ عبودخان نایب‌الحکومه ناصری هم بدیدن آمد جوان خوش‌سیما، ریش‌کمتر دارد و سنش میان بیست و پنج و سی بنظر آمد . میرزا علی اکبر خان کارگذار ناصری با احمد خان سلطان فوج فدوی نیز دیدن‌کردند . میرزا علی‌اکبر خان میگفت سه سال است در اینجا کارگذارم و از احوالات تاریخی اهواز با اطلاع است و تاریخی بنام تاریخ بهادری‌از حالات سلاطین ایران وسرگذشت‌خود ووضع بعضی ولایات ایران راکه دیده تألیف‌کرده واقعاً قابل چاپ است .

از قراریکه‌کارگذار میگفت‌لفظ اهواز، اخوازبوده‌که‌جمع‌خوز باشدکه‌خوزستان است و خوز بمعنی پنبه است . دراین ولایت پنبه زیاد بعمل میاید باین جهت خوزستان میگویند . در قدیم اهواز هفت شهر معتبر و معمور بود ، حالیه علامات و آثار آبادی درصحرای اهواز زیاد است . وقتیکه باران تند میاید روز بعد اهالی اهواز ازکوچك و بزرگ بصحرا میروند چیزهای‌کهنه از قبیل نگین‌های قدیم،سکه کهنه و سنگ‌های قیمتی پیدا میکنند . در زمان خلفای عباسی اهواز را بواسطه کثرت‌محصول سلةالخبز ومجمع‌المال مینامیده‌اند .

شنبه ۲ رجب‌المرجب ۱۳۱۵ـهفت روز است‌که در ناصری متوقفیم . قسمتی از اردو آنطرف رودخانه در امینیه چادر زده‌اند بندر ناصری در سمت غربی شط کارون و پانصد ششصد قدمی‌اهواز در محل خوبی‌واقع شده و بسد مشهور اهواز خیلی نزدیك است . عمارت دیوانی ناصری عبارت از سه بالاخانه سه قسمتی و چند اطاق تحتانی و لوازم‌دیگر است .تلگرافخانه‌هم‌دارد. دو کاروانسرا نظام‌السلطنه با شرکت معزالسلطنه

و یکی‌هم‌معین‌التجار ساخته. سه راسته بازار خوب هم نظام‌السلطنه و معزالسلطنه‌ویکی هم معین‌التجار بناکرده‌اند. دکاکین متعلق بنظام‌السلطنه و معزالسلطنه‌اغلب اجاره‌نشین دارند و هر دکان را ماهی یك تومان کرایه داده‌اند ولی مال معین‌التجار مستاجر ندارد و خالی مانده‌است . کمپانی لنج و کمپانی هوتس‌که تبعه انگلیس هستند دستگاه معتبری دارند هرکدام بوضع بناهای فرنگی ساخته‌شده. خانهٔ لنج مال نظام‌السلطنه و خانه هوتس متعلق بمعین‌التجار است .

اهالی شوشتر و دزفول و غیره خانه‌های خوب از سنگ‌ساخته‌اند اگر خشك سالی نشود در مدت قلیل بندر معتبری خواهد شد . بندر ناصری را اگر مقر حکومت عربستان قرار بدهند چون درمرکز ولایت واقع شده مناسب و قابل است و خیلی زود شهر معتبری خواهد شد .

یکشنبه ۳ رجب ۱۳۱۵ با بلم از شط کارون گذشته به امینیه مقابل ناصری که اردو زده‌اند رفتیم · قبل ازحرکت از ناصری شیخ علی شیخ طایفهٔ باوی‌که از طوایف معتبراعراب‌است با پسرش و چند نفر دیگرآمده خدمت حضرت ایالت رسیدند وهرکدام بیك طاقه شال مخلع شدند · از قرار تقریر شیخ عبودخان نایب‌الحکومه ناصری طائفه باوی قریب سه‌هزار خانوار و درحوالی ناصری ساکنند در موقع ضرورت جنگ ممکن است هزار سوار آماده کنند شیخ حسین پسر شیخعلی از سوارهای نامی اعراب است.

چهارشنبه ٦ رجب ـ در اردوی کنار شط کارون هستیم هوا بعداز باران وباد تندی‌که دوسه‌روز قبل عده‌ای از چادرها را خواباند آفتاب خوبی شد.

میرزا حمزه گماشتهٔ شیخ خزعل خان حاکم محمره و شط‌العرب با جهاز بخار موسوم‌به‌کارون‌آمد خدمت‌حضرت ایالت شرفیاب شد. توپ سلام از جهازکارون‌انداختند از اردوهم‌جواب دادند . میرزا حمزه بارخانه‌ای‌از همه چیز بایك مادیان خوب از جانب شیخ خزعل خان آوردپیشکش‌کرد .

شنبه ۹ رجب ـ نیم ساعت ازآفتاب‌گذشته اردو درحرکت بسمت نهر هاشم و قریه سیدعلی‌است درچادر سرکار طاهرخان‌سرتیپ نشسته درشرف حرکت هستیم تماشای شط‌کارون و نیکرهٔ شعاع آفتاب که روی آب افتاده خیلی جالب است .گرچه هواخیلی رطوبت دارد و چادر ها مثل این‌است‌که به‌آب افتاده باشد با این‌حال خیلی هوای‌فرح‌ـ انگیزی است · میگویند منزل امروز پنج فرسخ است· چهار بغروب مانده ازامینیه‌حرکت و در دو فرسخی بیك نقطه رسیدیم‌که اردو افتاده بود اسمش را رمله میگفتند . آب‌آنجا منحصر بدو چاه بودکه آبش خوردنی نبود·

صبح یکشنبه دهم رجب ۱۳۱۵ ـ هوا بحدی مه و دومان بودکه آفتـاب هیچ دیده نمیشد · از رمله سوار شدیـم بطرف سد ناصری و نهر هاشم که دو فرسخ فاصلـه داشت آمدیم . حضرت سردار اکرم بشکار دراج تشریف برده مراجعت‌کردند . درکنار رود کرخه پیاده شده ناهار صرف کردیم . پائین‌تر از سد ناصری سد دیگری هست که سابقاً از موالیان هویزه ساخته بوده وقتیکه سد ناصری خراب نشده بود این رود تـا صحرای هویزه جاری‌بوده و مقدار زیادی غله از زراعت گندم و شلتوك بعمل میامده و برای بنی‌طرف مقدار کمی آب میرفته حال که چند سال است سد ناصری خراب شده دیگر هیچ آب از نهر هاشم نمیرود . در واقع هویزه خراب وبنی‌طرف آباد شده است.

بعد از صرف ناهار از کنار رود کرخه بطرف قریهٔ سیدعلی طالقانی‌که مشهور بقریهٔ سادات است آمدیم . اردو هم این طرف آب افتاده و برای رفتن بقریهٔ سیدعلی با بلم عبور میکنند .

دوشنبه ۱۱ رجب ـ هوا آفتاب و خوش است . چون در این محـل اتراق است تا اینکه حضرت ایالت عمل مالیات پارساله و امساله بنی‌طرف را تمام کنند اردومشغول تنظیف و سکو بستن برای چادرها هستند .

گرچه بنی‌طرف در دادن مالیات امساله حرفی ندارند و میگویند میدهیم گفتگو درسر باقی مالیات پارساله است که ۱۸ هزار و سیصد تومان است ، حرفشان اینست‌که نظام‌السلطنه عوض مالیات چهار هزار گاومیش و هشت هزار گاو ما را بغارت برده‌اند گویا اغراق میگویند اینقدرها مالشان نرفته است. اسم مسکن بنی‌طرف‌خفاجیه و بسطین است . از اینجا تا خفاجیه دو فرسخ و به‌بسطین‌هفت‌فرسخ است. بنی‌طرف هر سال مقدار زیادی شلتوك عمل میآورند رئیس وشیخ این طایفه دو نفر است یکـی شیخ منیشه و دیگر شیخ سهبان‌که خیلی صاحب بضاعتنداز‌قراریکه‌شنیدم این دو شیخ‌صد هزار تومان از رعیت مالیات میگیرنـد و فقط ۲۲ هزار تومان‌بدیوان مالیات میدهند آنهم‌باین‌طور· دراین‌صفحات هرعرب پابرهنه‌که وضعش‌یك قران‌نیست ونمیارزد تفنگ ته‌پر شصت هفتاد تومانی بدوش دارد .

چهارشنبه ۱۳ رجب ۱۳۱۵ ـ دیشب آتشبازی خوبی‌که یاور صادقخان یاور قورخانه تهیه دیده بود آنطرف آب مقابل چادر ایالت نمودند . چون اعراب این قریه هیچ آتش‌بازی ندیده بودند وقت رفتن موشك و نارنجك بهوا خیلی اظهار تعجب و قیل وقال میکردند که مایهٔ‌خنده و این حالت اعراب بیش از آتش‌بازی تماشا داشت .

سید نعمت سیف‌السادات و میرزا حمزه پیشکار شیخ خزعل هم آمـده باردو ملحق شدند .

سه ساعت از شب گذشته در چادر با میرزا محمدعلی‌خان مستوفی نشسته بودیم شام آوردند دراین بین صدای تفنگ شنیدیم ودو گلوله با صفیر از بالای‌چادرها گذشت ، معلوم شد این گلوله‌ها از طرف چادر سیف‌السادات و بوسیلهٔ همراهان او برای سگ هار انداخته شده خدا رحم کرد باهل اردو نخورد حقیقتاً اعراب خیلی وحشی هستند و انسانیت را بو نکرده‌اند .

چهارشنبه ۲۰ رجب - دیروز از بنی‌طرف بلم های پراز سیورسات ازقبیل‌برنج و جوجه و کره برای اردو آوردند . آذوقه رساندن از دزفول و شوشتر در این سال قحطی با کرایه گزاف خالی از اشکال نیست . عمل مالیات بنی‌طرف هنوز حل نشده حضرت ایالت ازطهران‌کسب‌تکلیف کرده‌اند . این اوقات از بوشهر خبر رسید ازدولت حکم شده هرچه تفنگ فروش در بوشهر بوده چه مال تجار داخله و چه خارجه همه را ضبط دیوان قریب چهار هزار تفنگ ضبط شده ولی وقت این قدغن‌ها گذشته زیرا الان تمام قبائل اعراب عموماً صاحب تفنگ ته‌پر هستند . هرعرب بی‌بضاعت‌که روی پوشال میخوابد و نان‌برنج یا طبخ که هیچ حیوانی نمیتواند بخورد میخورد با یك پیراهن بلند یك تفنگ پنجاه شصت تومانی در دوش و قطار پراز فشنگ درکمر دارد ، همچنین تمام الوار و ایلات بختیاری و فارس . مقصود این است تمام ایلات ایران از عرب و عجم وترك و لر صاحب تفنگ ته‌پر شده‌اند و این قدغن مثل نوش‌دارو بعد از مرگ سهراب است . جنگ دولت با این ایلات وبا قشون فعلی با این اسلحه و تفنگ های زنگ‌گرفته خالی از اشکال نیست . مثلا همین طایفهٔ بنی‌طرف دوازده هزار تفنگچی دارد . اگرایالت بخواهد با این استعداد کم با استعمال قوهٔ قهریه باقی‌مالیات سنهٔ ماضیه را بگیردمشکل است کاری از پیش ببرد . مگر با مدارا و مهلت و تخفیف بشود کاری کرد . حالا در مقام ضرورت ایلات ایران بهتر از قشون نظامی‌بدرد میخورند .

شنبه ۲٤ رجب ۱۳۱۵ - کاغذی ازمسیو دمرگان رئیس میسیون فرانسه از بروجرد رسیده بود و از مادام لامبر ومسیو ژوکه‌خواسته بود که بعضی ازاسباب وآلات ازفرنگستان همراه بیآورند وبحاکم محمره سفارشات لازمه بشود . حضرت ایالت میرزا محمدخان کارگذار سابق ناصری را مأمور این‌کار کردند . ازقرار مذکور مسیودمرگان نایب وزارت‌معارف فرانسه است و برای کشف بعضی معادن و ترتیب پاره‌ای‌صنایع در ایران آمده .

از بنی‌طرف خبر رسید پسر بزرگ منیشه که شیخ بنی‌طرف است ناخوش بوده فوت شده چند روز قبل آمدند ملا رجبعلی جراح شوشتری را که در اردو بود برای

معالجهٔ او بردند امروز برگشت‌از وضع عزاداری‌اعراب تقریرات غریب میکرد. میگفت آنمرحوم هشت نه زن داشته هرکدام از آنها به نوبه بمجلس عزا که جمعیت کثیری مرد بوده میآمده (درحالیکه جنازه را میان مضیف گذاشته بودند) خطاب بجنازه بآواز بلند این کلمات را میخوانده‌اند : تو کجا رفتی مرا بکی سپردی ؟ چرا همراهت نبردی ؟ من خودم را میکشم . اقربای زنانه میت رویشان را سیاه کرده و گل بسرشان مالیده‌بودند. اعراب چند صد نفری که با تفنگ حاضر بوده‌اند سر تفنگها را بزمین گذاشته همینکه یکی از زنها بمجلس میآمده و این مضمون را میگفته اعراب متفقاً بهوا جسته وتفنگها را خالی میکرده‌اند .

سه‌شنبه ۲۶ رجب ۱۳۱۵ - در چادر سرکار طاهرخان سرتیپ بودیم‌تقی‌سلطان فوج فدوی که از کهنه صاحبمنصبان آن فوج است از سفرهای خود بخراسان واسترآباد تعریف میکرد . این تقی سلطان رسم دارد همیشه در سفر چند مرغ نگاه میدارد وازتخم آنها استفاده میکند در همچو جاها که خورش حتی پنیر و ماست پیدا نمیشود تخم مرغ را خورش قرار میدهد . میگفت در سفر استرآباد چهارصدمرغ واردك داشتم. تخم‌مرغ و جوجه اینقدر فراوان بوده که باغلب صاحبمنصبان تعارف میدادم .

پنجشنبه ۲۸ رجب - صبح حضرت سردار اکرم از جلو چادرهای اجزاء وفوج فدوی عبور وبهرنفر ازسربازان پنج قران‌انعام دادند . تقریباً سیصد تومان‌انعام‌سربازان حاضر شد .

بعد از مغرب در چادر نشسته بودم دیدم پردهٔ چادر بالا رفت شخصی با چکمه و شلوار وارد شد گفت از طهران میآیم و احکامی آورده‌ام . بعد از چند دقیقه معلوم شد نواب والا دکتر حیدر میرزا هستند و از آشنایان قدیم میباشند که هشت سال در پاریس یکدیگر را دیده بودیم . از ورود سرکار شاهزاده بی‌نهایت مسرور شدم و نعمت غیرمترقبه برای من بود . پس‌از تحقیقات فرمودند از طرف دولت علیه مأمور هستم که با جناب مسیو دمرگان رئیس میسیون فرانسه در انکشافات و حفریات آثار قدیمهٔ تمام مملکت ایران همراه‌باشیم این میسیون امتیاز انحصاری ازدولت ایران گرفته‌اند وبرای اجرای امر آمده‌اند در خرابه های شوش مشغول اکتشاف باشند . فرمان مبارك که در این‌مسأله صادرشده زیارت گردید که از حضرت ایالت امضاء بگیرند. درخدمت شاهزاده شب خوش گذشت وازگذشته‌ها یاد نمودیم .

شنبه سلخ رجب ۱۳۱۵ - نواب والا دکتر حیدر میرزا امضاء فرمان‌راگرفته کارهای راجع باین مسئله را با حضرت ایالت بانجام رسانیده عازم دزفول شدند .

دیشب چهار رأس اسب و دو چاتمه تفنگ از اردو دزدیده بودند . تفصیل گزمه‌ها و قراولان اردو در شب اینست : نزدیك غروب یك وکیل‌اسم شب از خان فراشباشی گرفته‌بقراولان چاتمه‌ها میدهد. ساعت سه ازشب‌شیپور قرق میکشندکه هرکس اسم شب‌نداشته‌باشد و از میان اردو عبورکند قراول میگیرد . بعد از ساعت سه گزمه‌ها بایك نفر وکیل و چهار پنج نفر سرباز دیگر دوراردو تا صبح میگردند. هر وقت این گزمه‌ها پای چاتمه میرسند قراول پای چاتمه با صدای بلند بزبان ترکی‌میگوید: گلن‌کیم (یعنی آینده کیست) وکیل میگویدگزمه. قراول میگوید وکیل پیش گزمه هالت (ولی عوض پیش میگوید وکیل پیچ گزمه‌هات) وکیل جلو میرود اسم شب را بقراول میگوید میگذرد . تا صبح همینطور میگردند شب‌ها صدای عرعر خرهای سرباز که در اردو هستند. عوعو سگهای قریهٔسادات ، لحلح عربها و وق‌وق شغالهای‌بیابان نمیگذاردکسی بخوابد . این تفصیل حال شب اردو است .

پیش از غروب دم در سراپرده موزیك سلام مینوازند غروب آفتاب و طلوع صبح هم یك تیر توپ شلیك میکنند . مؤذن های متعدد هم در اردو هست صبح و ظهر و مغرب اذان میگویند خوش صوت و بدصدا هردو هست . اسباب عیش و تفریح هیچ قسمش‌در اردویافت‌نمیشودمگرموزیکچی‌ها وبالابانچی‌ها بعضی‌اوقات‌درچادرهای خودشان صدائی بلند میکنند وبس .

یکشنبه غرهٔ شعبان‌المعظم ۱۳۱۵ ـ حضرت ایالت با جمعی بشکار دراج رفته بودند و شکار فراوانی آوردند . دیشب از ناصری تلگرافی از حضرت اشرف وزیر اعظم رسید که متضمن دو خبر بود یکی اظهار مراحم ملوکانه دربارهٔ حضرت ایالت و اعطای خلعت از تن‌پوشهای مبارك و بقای حکومت در سال نو در عربستان یکی هم اعطاء منصب صدارت عظمی بوزیر اعظم آقای میرزا علی‌خان امین‌الدوله که سالهابود آرزوی این مسند را داشتند .

سه‌شنبه ۳ شعبان ۱۳۱۵ هوا بطوری سرد و باد سخت بودکه آب‌یخ‌کرد . سه‌هزارتومان ازمالیات بنی‌طرف راکه‌آقای‌رضا مستوفی فرستاده بود تحویل دادند ازاین قرار باید چندین روز در اینجا منتظر وصول بقیهٔ پول بود .

جمعه ٦ شعبان ـ میرزا حمزه گماشتهٔ شیخ خزعل خان را حضرت ایالت با لبادهٔ ترمه مخلع ومرخص‌کردند . باد سردی میوزد اغلب اردو در چادرهاشان‌کرسی گذاشته‌اند ماهم کرسی علم کرده‌ایم از چندی پیش باحضرت سردار اکرم صحبت‌فرستادن جناب ساعدالسلطنه به فرنگ برای تحصیل بود . نظر بسابقهٔ توقف چند ساله وآشنائی

بآنجا از من خواستند همراه ایشان بروم . امروز نیز در این خصوص مذاکره شد و فرمودند انشاءالله تا آخر ماه بروید .

شنبه ۷ شعبان ـ باد سخت و سردی میوزد آب در تنگ در میان چادر یخ کرد بواسطهٔ سردی هوا وکمی آذوقة خیلی باهل اردو سخت میگذرد . چادرپوش جناب صمصام‌الملك را باد بهوا برد اغلب چادرها را پاره پاره کرد . از جمله چادرپوش سرکار طاهرخان سرتیپ .

شنبه بیستم شعبان ـ از ۱۳ تا ۱۵ ماه باران شدیدی بارید وآب‌کرخه طغیان کرد نزدیك بود اردو را آب بگیرد حضرت سردار اکرم دستور دادند سربازها با بیل خندقی اطراف اردو کندند . تاحال ۱۷ هزار تومان از مالیات بنی‌طرف وصول شده اگر بقیه را هم در ظرف این چند روز بدهند ماه رمضان بیك آبادانی میرفتیم . امروز باز حضرت سردار اکرم ازسفر فرنگ مذاکره وفرمودند انشاءالله باید ماه رمضان‌بروید.

شنبه۲۲شعبان۱۳۱۵ـآتش‌بازی شب‌پانزدهم که‌شب‌مولودحضرت‌صاحب‌الامر(ع) است‌وباید بشود بواسطهٔ باران ونرسیدن آتش‌بازی نشد امشب قضای آن را بجاآورده آنطرف رودکرخه بساط‌آتش‌بازی چیده بودند موزیك‌هم اینطرف در سراپرده مینواخت .

سه‌شنبه ۲٤ شعبان‌المعظم ۱۳۱۵ ـ دو سه روز است هوا خوش میگذرد . حضرت سردار اکرم نسخه یادداشت‌هائی دادندکه وقایع جالبی درآن بود و من خلاصه از مطالب آن را در اینجا ذکر میکنم :

تفصیل یاغیگری محمدتقی‌خان بختیاری چهار لنگ و گرفتار شدن او دردست مرحوم‌منوچهرخان معتمدالدوله حکمران عربستان در سال ۱۲۵۷ .

واقعهٔ جنگ محمره بین دولتین انگلیس وایران در سال ۱۲۷۲ وفتح انگلیس‌ها و شکست مرحوم خانلر میرزا احتشام‌الدوله که در عربستان حکومت داشت . حکومت حاجی جبارخان در محمره در سنه ۱۲۷۵ .

گرفتن احتشام‌الدوله شیخ فارس و فرستادن اورا بسلطانیه باردوی شاه شهید ناصرالدین شاه .

تفصیل حال طایفه کعب و حکمرانان فلاحیه . انتقال حکومت عربستان‌بحاجی علی خان ضیاءالملك که بعد بلقب اعتمادالسلطنه ملقب شد در سنهٔ ۱۲۷٦ و گرفتن ضیاءالملك حاجی جابرخان و فرستادن اورا بشوشتر و عزل ضیاءالملك درسنهٔ ۱۲۷٦ و نصب فرهاد میرزا معتمدالدوله به ایالت عربستان و ملقب شدن حاجی جابرخان‌بلقب نصرت‌الملك‌وکیفیت‌حکومت‌مرحوم‌حمزه میرزا حشمت‌الدوله‌درعربستان۹۵-۱۲۹۲عزل

حشمت‌الدوله و ضمیمه شدن عربستان به ایالات حضرت والا ظل‌السلطان درسنهٔ ۱۲۹۷ و حکومت‌های احتشام‌السلطنه ابراهیم میرزا ومیرزا محسن‌خان‌مظفرالملك وجعفرقلیخان قجر از جانب ظل‌السلطان در عربستان فوت حاجی جابرخان در ذیحجهٔ ۱۲۹۷ ونشستن شیخ خزعل خان بجای پدر در حکومت محمره و شط‌العرب .

تغییر ادارات ظل‌السلطان در شوال ۱۳۰۵ و رسیدن حکومت عربستان به نظام‌السلطنه حسینقلی خان مافی‌که حالیه وزیر عدلیه اعظم است . همان سال هم سردار اکرم با فوج فدوی مأمور عربستان بوده‌اند .

یکشنبه ۷ رمضان ۱۳۱۵ ـ باد سرد تندی میوزید . از شدت برودت باد و بی‌آذوقگی مال و حیوان اعراب و خیلی از طیور در صحرا تلف شد .

دوشنبه ۸ رمضان ۱۳۱۵ ـ پس از دوماه اردو ازکنار رود کرخه حرکت‌کرد. مالیات هذه‌السنهٔ بنی‌طرف گرفته شد باقی سنهٔ ماضیه را ندادند . نزدیك ظهر از مقابل قریهٔ سادات راه افتادیم . چون بلد همراه نبود در وسط راه چند دقیقه مکث شد تا اینکه از اعراب هویزه را سوار رفت و آورد، به‌حوری رسیدیم‌آب زیاد داشت عربها بلدبودند واز گدار گذشتند ماهم‌گذشتیم . دربین راه لاشهٔ مال و حیوان و گوسفند و الاغ‌که از لاغری و سرما تلف شده بود ، زیاد دیدیم . نزدیك غروب بهویزه رسیدیم ازقریهٔ‌سادات بهویزه چهار فرسخ مسافت است .

فلاحیه

سه‌شنبه ۹ رمضان ـ در هویزه اتراق شد سرکار امیرعلی خان بختیاری پسر مرحوم حسنعلی خان ایلخانی دیشب واردشد برای شرفیابی خدمت حضرت ایالت آمده . عصرهم بدیدن بنده‌آمدند. شخص با محبت و متعارفی است سی الی ۳۵ ساله بنظر آمدند . کلاه نمد سفید که مختص بختیاریها است در سر و لباده شال شیروان بطانهٔ خز دربرداشت .

مختصری‌از وضع جغرافیائی فلاحیه که در دوورق نوشته‌ام دراینجا مینویسم:

محصول عمدهٔ فلاحیه برنج و خرما است کمی گندم‌وجو میکارند متاعی‌که بخارج میبرند برنج و خرما و پر مرغ آبی و پشم است . عبای خوب درآنجا میبافندکه معروف است .

هوای فلاحیه خیلی بد است بخصوص موقع وزیدن باد شرقی که خیلی متعفن و تولید رطوبت لزج میکند . هوای فلاحیه از تمام نقاط عربستان از شوشتر دزفول و محمره و اهواز گرمتر و کثیف‌تر است . اهالی فلاحیه از چهار طایفه‌اند و تقریباً ده دوازده هزار خانوار میباشند .

طایفهٔ عساکره ـ ابوقیس ـ مقدم وضنافره .

خوراکشان بیشتر گوشت ماهی و برنج . آب رود فلاحیه‌نسبت بسایررودهای عربستان بدطعم است علت آن زیاد بودن ماهی است که طعم آب را تغییر داده .

هویزه

پنجشنبه ۱۱ رمضان ۱۳۱۵ ـ اردو در هویزه اتراق دارد محل اردو نزدیك‌شهر هویزه در جای مسطحی واقع ودرکنار آب‌حور است‌که آب آن دربهار وزمستان زیاد ودرتابستان خشك‌میشود. شهر یا قصبهٔ هویزه ازآثار و بنای قدیم است‌دکان، بازار وکاروانسرا دارد مسجدآجری هم دارد ولی رو بخرابی است حمام ندارد . بواسطهٔ آبادی بسطین و خفاجیه‌که مسکن بنی‌طرف است اغلب خانوارهای هویزه کوچیده میان بنی‌طرف رفته‌اند بطوریکـه قبلا اشاره کردم بواسطهٔ خراب شدن سد ناصری آب کرخه که سابقاً به هویزه میآمـده حالا به بنی‌طرف میرود . دهنه و رکاب هویزه که در ایران مشهور بخوبـی بوده حالا یك نفر چلنگر یا آهنگر پیدا نمیشود هرچه سعی‌کردم چند جفت دهنه و رکاب بخرم پیدانشد همهٔ صنعتگران میان بنی‌طرف رفته‌اند .

در هویزه تقریباً هزار خانوار و چهار پنج هزار نفوس باقی مانده اغلب‌متمول هستند و یك نفر گدا در آنجا پیدا نمیشود اگر هم بی‌چیز باشند گدائی را عار میدانند . پارسال در عید فطر هرچه سعی کرده بودند یك نفر مستحق پیدا کنند فطره باو بدهندپیدا نشده بود .

والی حالیه مولا عبدالله خان است که بضمانت شیخ خزغل خان حضرت‌ایالت اورا والی و مولا طعمه خان پسر مولا مطلب را که والی بود معزول ودر شوشتر حبس فرمودند . والی حالیه خیلی بی‌چیز و بی‌کاره است برعکس مولا طعمه خان صاحب چیز است . شیخ محاوی شیخ سی‌سالـه حضور حضرت ایالت شرفیاب و بیك طاقـه شال مخلع شد . از قراریکه گفتند هنگام ضرورت دو سه هزار تفنگچی از هویزه بیـرون میآیـد .

دوشنبه ۱۵ رمضان ـ سرکار امیرقلیخان بختیاری تشریف آورده دوسه ساعتی مشغول صحبت‌های متفرقه شدیم . فردا اردو از هویزه بطرف‌ناصری حرکت‌خواهدکرد.

ازرك

سه‌شنبه ۱۶ رمضان ۱۳۱۵ ـ سه ساعت از آفتاب گذشتـه از هویزه حرکت کـردیم بیـن راه حضرت سردار اکرم و سرکـار امیرقلیخان و سایرهمراهان‌که تیراندازبودند دراج فراوانی شکـار کردند مسیر ما از کنار رود کرخه که حالا خشك است بود ، قبل از خراب شدن سد

ناصری آب‌کرخه از همین بستر جاری بوده . پس‌ازطی مسافت زیاد که قریب‌هفت ساعت طول کشید با کمال خستگی ودهان روزه با گرمی هوا یکساعت بغروب مانده وارد اردو شدیم . اسم این مکان ازرك بفارسی و ازرق بعربی است فاصله بین هویزه و ازرك‌شش فرسنگ است .

چهارشنبه ۱۷ رمضان ـ یکساعت و نیم از روز گذشته از ازرك روانه شده در بین راه گله آهوی زیادی دیده شده سواران از اطراف دنبال آهو تاختند ولی نتوانستند شکار کنند . پس از چهار ساعت و نیم طی مسافت به امینیه که در کنار رود کارون و مقابل ناصری واقع است وارد شدیم . از ازرك بـه امینیه پنج فرسخ است .

امینیه

جمعه ۲۶ رمضان ـ اردو در امینیه متوقف است بین این چندروز یك‌روز با بلم ازآب شط کارون گذشته بناصری بحمام رفتم‌قریب سه ماه بود بواسطهٔ بودن در اردو حمام نرفته بودم . شب‌را در عمارت دیوانی که سرکار امیرقلیخان بختیاری منزل داشت با سرکار طاهرخان سرتیپ و میرزا محمدعلی خان مستوفی بسر بردیم شیخ عبودخان سرهنگ هم پذیرائی کرد .

خداکرم‌خان بختیاری که از عتبات عالیات برگشته بود با جهاز مال میر وارد ناصری شد از سرمای صفحات عراق عرب مذاکرات غریب میکرد . میگفت برف بارید آب یخ کرد و مردم عربستان از دیدن برف خیلی تعجب میکردند از گرانی مأکولات خیلی شکایت داشت . هیزم از همه چیز نایاب‌تر و گرانتر بود میگفت یك‌من پنج قران هیزم خریدم .

دوشنبه ۲۹ رمضان ۱۳۱۵ ـ از امینیه در خدمت حضرت سردار اکرم والی عربستان و بختیاری باتفاق عده‌ای از همراهان با جهاز کارون که میرزا حمزه از جانب سرکار شیخ خزعل خان آورده بود عازم محمره شدیم . تقریباً دو ساعت ازآفتاب‌گذشته جهاز (کشتی) راه افتاد در بین راه بعضی ازجریه (قریه) هاواوبه چادرنشین دیدیم . از یك آبادی تازه موسوم بمظفریه که مرحوم شیخ مزعل خان معزالسلطنه احداث نموده گذشتیم بازار و مسجد و کاروانسرای‌آن دیده شد از مظفریه بناصری تقریباً چهار فرسخ مسافت است .

یکساعت بغروب مانده جهاز لنگر انداخت حضرت سردار اکرم پیاده شده با جمعی بشکار رفتند . میرزا عبدالمجید بهبهانی‌که از اجزاء شیخ خزعل خان‌است دارای کمالات و بزبان انگلیسی آشنا است . کتاب غرائب عوائد ملل‌که مرحوم میرزا حبیب

اصفهانی تألیف کرده میرزا عبدالمجید داد خواندم . در آن از عادات و وضع زندگانی ملل و ولایت‌های مختلف بیان شده . بعد نسخهٔ مجموعةالمعاهدهٔ بین‌الدول را که خود میرزا عبدالمجید جمع کرده دیدم از جمله معاهدهٔ ترکمان‌چای (۱۲۴۳) عهدنامهٔ صلح انگلیس و ایران در جنگ محمره (۱۲۷۲) وغیره بود .

جهاز راه افتاد و سه ازشب گذشته لنگر انداخت و شب را درجهازروز کردیم.

محمره وفیلیه

سه‌شنبه غرهٔ شوال ۱۳۱۵ - صبح جهاز راه افتاد بعدازسه‌ساعت سیر باول نخلستان که حفاریه موسوم است رسیدیم . هرجا که آبادی بود اعراب با جمعیت بیرون‌آمده یزله میکردندبرمیجستند چیزی هم بزبان عربی میگفتند بعد از جستن و یزله کردن تفنگ را بهوا میانداختند این اطوار محض احترام و شادمانی است . بعد بمحمره وصاحبقرانیه که از احداثات نظام‌السلطنه است رسیدیم .

در اینجا شط کارون و شطالعرب یکی شده بدریا میرود .

قدری‌که ازمحمره گذشتیم عمدةالامرا شیخ‌خزعل خان با جهاز موسوم به‌ایران و جمعیت کثیری اعراب در جهاز ناصری باستقبال حضرت ایالت آمدند و شلیك توپ کردند . محاذی محمره هم توپچیان مأمورمحمره شلیك توپ نمودند. نزدیك ظهر به‌فیلیه رسیدیم حضرت ایالت با بعضی از ملتزمین بقلعهٔ شیخ خزعل خان تشریف بردند من‌هم بعد بآنجا رفتم . دراطاق آینه جاسم پسر هفت هشت سالهٔ خزغل خان‌را بحضورحضرت ایالت آوردند قدری عربی حرف زد پسر شیرینی بود . یکطاقه شال بته جقهٔ کشمیری با کیسهٔ پول سفید که تقریباً صد تومان بود برای ایالت تقدیمی گذاشته شش مجموعهٔ شیرینی هم در اطاق چیده بودند .

چهارشنبه ۲ شوال ۱۳۱۵ - صبح عمدةالامرا شیخ خزعل خان بهمراهی‌میرزا حمزه بجهاز دیدن من آمدند . شیخ خزعل خان سناً میان سی و پنج وچهل وآدم خوش سیمائی است . در عربستان ایران خانوادهٔ مرحوم حاجی جابرخان نصرت‌الملك پدرشیخ خزعل‌خان ازخانواده‌های معتبر وصاحب سفره محسوب ودرمکنت وثروت‌ازخانواده‌های نمرهٔ اول واگرنباشد دوم‌میتوان‌شمرد. شیخ‌خزعل‌خان در خانه و سفره‌بازی‌داردخانه‌اش اغلب پراست‌ازاعراب.برنج روغن وگوشت‌وقند وغیره خروارخروارمصرف میشود.عصر ویس قونسول‌انگلیس مقیم محمره‌موسوم به‌مستر ملك‌دوال باسرکار عمیدالوزاره‌کارپرداز محمره خدمت ایالت شرفیاب شدند .

پنجشنبه ۳ شوال - صبح برای رفع قدری کسالت که داشتم از منزل بیرون

رفته باغات و یونجه‌زار ونخلستان فیلیه را سیر کردم . باغ‌زیاد ویونجه‌زار وسبزی‌کاری ودرخت توت و هلو دیدم زیاد کاشته‌اند تمام این‌باغات ازآب شط‌العرب سیراب‌میشود. طرف عصرآب شط مدمیشود یعنی‌آب‌بالا میآید و طرف صبح جزر میشود یعنی مینشید. اهالی فیلیه از حیث آب خیلی آسوده‌اند همینقدر یك نهری بکنند مادام‌العمر از زحمت آبیاری راحت هستند .

صاحبقرانیه

یکشنبه ٦ شوال ۱۳۱۵ - شش‌روزاست درفیلیه‌مهمان‌عمدة‌الامرا شیخ خزعل خان حاکم محمره و شط‌العرب هستیم . دو ساعت از روز گذشته با حضرت سردار اکرم و جناب ساعدالسلطنه در بلم نشسته عازم صاحبقرانیه و محمره شدیم . شطی که از بصره میآمد و در صاحبقرانیه با شط کارون یکی میشود دو طرف آن نخلستان است و سیر با بلم دراین‌شط خیلی‌باصفا است . نزدیك صاحبقرانیه حضرت سردار و جناب ساعدالسلطنه پیاده شده بحمام رفتند .

صاحبقرانیه و حمام و انبار و بناهای دیگر از قبیل توپخانه و سربازخانه از احداثات حسینقلی خان نظام‌السلطنه است . حیف که رو بخرابی است .

دکتری‌که از بوشهر برای قرنتینه بصاحبقرانیه آمده بودحضرت سرداراکرم‌را استقبال کرد . این دکتر اهل هندوستان و انگلیسی‌دان‌است .

باتفاق احمد خان سلطان بلم نشسته بمحمره که ربع ساعت مسافت است منزل سرکار عمیدالوزاره‌کارپرداز دولت علیه ایران آمدیم . ایشان ومیرزا حسین‌خان‌سرهنگ تلگرافخانه هردو را ملاقات ساعتی نشسته به فیلیه برگشتیم .

محمره برای بندرگاه خیلی محل‌قابلی‌است ولی خیف آنطوریکه بایدآبادنیست. محل صاحبقرانیه بجهت تردد کشتیهای خارجه و برای قراول و توپچی گذاشتن بهتر از محمره است . در محمره ساختن کاروانسرا و حمام عمومی خیلی لازم است محمره تلگرافخانه دارد ولی‌پست‌خانهٔ ایرانی ندارد . کاغذ پست را درصاحبقرانیه به‌پست‌خانهٔ انگلیس میدهند .

سه‌شنبه ۸ شوال ۱۳۱۵ - هنوز در فیلیه مقیم و مهمان شیخ خزعل خانیم . جناب محمدباقرخان عنایت‌السلطنه بدون مقدمه از بصره آمدند . معلوم شد از عتبات عالیات همراه اندرون جناب اجل آقای حسام‌الملك همدانی و سرکار غلامعلی خان پسر کوچك ایشان و جناب افتخارالملك به بصره آمده و از راه بوشهر خیال رفتن همدان را دارند . از ملاقات آقای عنایت‌السلطنه که نعمت غیرمنتظره بود خیلی مسرور شدم . چون بواسطهٔ قرنتینه عثمانی رفتن ازفیلیه به بصره مشکل و ممنوع است حضرت ایالت

فرمودند یکی از جهازهای عمدةالامرا شیخ‌خزعل را ببرند در نزدیکی قرنتینه نگاهدارند و از آنطرف حضرات با بلم بیایند بعد بجهاز نشسته بفیلیه بیایند تا قرار رفتن آنها را بهمدان بدهند .

قرار شده جناب ساعدالسلطنه وبنده یکشنبه‌آینده با جهاز انگلیسی‌نیل ببوشهر و از آنجا بفرنگ برویم .

شنبه ۱۲ شوال ۱۳۱۵ ـ حضرت سردار با تشریفات لازمه برای خلعت‌پوشان بعمارت صاحبقرانیه تشریف برده در آنجا ببالاخانه رفته خلعت تن‌پوش همایونی را زیب پیکر نمودند · فرمان مبارك را که برای بقای حکومت عربستان درسال نو شرف صدور یافته بود آقا رضای مستوفی قرائت کرد . در دو اطاق شیرینی و شربت چیده بودند . جنابان صمصام‌الملك ، ساعدالسلطنه ، غلامعلی خان عنایت‌السلطنه ، افتخارالملك ، احتشام‌الممالك ، امیرقلیخان بختیاری . مهدیخان فراشباشی ، عمیدالوزاره شیخ خزعل خان و رضا مستوفی و جمعی دیگر حضور داشتند ولی هرکس با لباس معمول‌آمده بود. بعد از فراغت قرار رفتن حضرات متعلقان جناب آقای حسام‌الملك را بهمدان بعد از مشاورات و مذاکرات زیاد منتهی به استخاره از کلام‌الله مجید استخاره نمودند از راه لرستان روانه کردن خوب آمد که با استعداد سرباز و سوار مهرعلی‌خان سرتیپ سگوند انشاءالله روانه‌شان کنند و رفتن از راه بوشهر را موقوف داشته .

روزنامهٔ سفر سوم بفرنگستان

شب یکشنبه ۱۳ شوال ۱۳۱۵ هجری مطابق ٦ مارس ۱۸۹۸ بسلامتی و توفیق یزدانی سه ساعت از شب گذشته باتفاق جناب آقای حسینقلی‌خان ساعدالسلطنه من و احمد خان سلطان خدابندلو پس از وداع از حضور سردار اکرم و همراهان و صاحب‌خانه عمدةالامرا شیخ خزعل خان با جهاز ناصری متعلق بشیخ معزی‌الیه متوکلا علی‌الله روانه شده مهتاب شب خوبی بود . ساعت چهار بکشتی موسوم به چندا متعلق بکمپانی بریتیش ایندیا وارد شده درفرست کلاس (درجه اول) منزل گرفتم .

این‌سفرسوم من‌است بفرنگستان . دوسفر را از راه رشت وقفقازیه واسلامبول رفتم این سفر را از عربستان و دریای هند میروم .

گرچه قلباً چندان مایل باین مسافرت نبودم ولی بواسطهٔ خلاصی از عربستان و صدمات جسمانی و روحانی که درمدت توقف‌آنجا بمن رسیده بود این سفر را فوزعظیم دانستم تا بعد چه پیش آید .

بلیت کشتی از محمره به کراچی قمرهٔ اول با خوراك هرنفری ۱۷۳ روپیه و هرروپیه ۳/۹۰ قران است . ساعت هشت شب کشتی راه افتاد بحمدالله هوا مساعد است ویس‌قونسول‌انگلیس مقیم محمره بجهاز آمده دیدن کرد و کاپیتان جهازراکه اسمش‌ناخدا کندل بود معرفی کرد . ناخدا آدم کوتاه قدی است دو طرف صورت خود را میتراشد در چانه ریش دارد .

بوشهر

صبح یکشنبه ۱۳ شوال ـ کشتی در مقابل‌فائو که خاك عثمانی است و قلعه در آنجا ساخته‌اند لنگر انداخت . پست را تحویل داد بعد حرکت کرد . از محمره تا فائونقریباً بیست میل مسافت

است . کشتی در هرساعت ده میل مسافت طی میکند . یکساعت از نصف شب دوشنبه ۱٤ شوال گذشته کشتی به فاوی ایستگاه کشتی محاذی بوشهر رسیده لنگرانداخت . الان که یکساعت و نیم بظهر دوشنبه است . در کشتی هستیم . جناب آقای حاجی ملك‌التجار بوشهر (حاجی محمدمهدی) و آقای میرزا احمدخان کارپرداز حالیه‌که بامن سابقهٔ دوستی دارند برای دیدن جناب ساعدالسلطنه و بنده تشریف آورده پس از ساعتی رفتند .

میرزا رحیم‌خان‌سررشته‌دارفوج فدوی و میرزا غلامحسین شریك ارباب جمشید تاجر فارس هم بکشتی آمدند و بعضی میوجات ، مرکبات و حلویات جناب حاجی ملك و میرزا رحیم خان بجهت توشهٔ راه جناب ساعدالسلطنه فرستاده بودند .

با جناب ملك قرار شد ورود خود را بکراچی و لندن بتوسط ایشان بحضرت سردار اکرم ببوشهر تلگراف شود از محمره تا بوشهر با کشتی بخار ۲٤ ساعت مسافت است چون این کشتی هرساعت ده میل راه طی میکند فاصله ۲٤۰ میل میشود هرسه میل یك فرسخ ایران است از بوشهر به بندر لنگه از قرار گفتهٔ کاپیتان ۳٦ ساعت مسافت است .

بطوریکه کاپیتان کندل تقریر میکرد کشتی چندا بیست ودو سال قبل در شهر گلاسکو ساخته شده و ٦۵ هزار لیرهٔ انگلیس خرج برداشته (۳۲۵ هزار تومان پول ایران) پس از وضع تمام مصارف کشتی از مواجب عملجات و مصارف تعمیر و ذغال وغیره سالی صدی ۱۲ بکمپانی بریتیش ایندیا منفعت میدهد ، همین کمپانی ۱۰٤ فروند از این قبیل کشتی دارد . از قراریکه کاپتیان میگفت حالا بهتر از این کشتی را بچهل‌هزار لیره میتوان خرید بواسطهٔ اینکه‌عمله وکارگر نسبت بسابق ارزانتر شده است نظم و نظافت کشتی تعریف دارد . عملجات تماماً هندو هستند غذایش هم بد نیست .

بعد از مغرب پست بوشهر را بجهاز آوردند و کشتی حرکت کرد .

سه‌شنبه ۱۵ شوال ۱۳۱۵ ـ هوا بحمدالله در کمال اعتدال و دریا آرام‌است . جناب ساعدالسلطنه امروز زلفشان را قدری کوتاه کردند . احمد خان هم بایشان تاسی کرد .

بندرلنگه

چهارشنبه ۱٦ شوال ـ نزدیك طلوع آفتاب کشتی در بندر لنگه لنگر انداخت از بندر بوشهر تا بندر لنگه ۳۲۰ میل‌مسافت‌است که در ۳٦ ساعت طی شد .

بندر لنگه عمارتهای خوب و نخلستان زیاد دارد و تاجرنشین است . اهالی آنجا اغلب اعراب و عرب زبانند . عمارت حکومتی را نظام‌السلطنه در اینجا ساخته شیخ قضبان نام هم عمارت خوبی بنا کرده است . از بوشهر تا جاسك‌بنادر وجزایرزیادی در خلیج فارس هست که بعض اسامی آنها از این قرار است :

بندر دیر ، کنگان ، بندر خان ، بندر تونیك ، بندر سیالو ، بندر اختر ، بندر طاهری،عسلو ، طین ، سیگو،بندرخارك (مال‌قوام‌الملك) ، بندر سوقو ، جزیرهٔ قیس(مال قوام‌الملك) ، بندر بستانی ، بندر شامی ، جزیرهٔ شیخ مذکور خان تمام این‌بنادر وجزائر طرف مغرب دریا واقع و جزو خلیج فارس است و طرف شرقی دریا بحرین و خاك عثمانی است .

در همین دریا نزدیك بندر لنگه و بندرعباس مروارید از دریا بیرون میآورند دیروز از جزیرهٔ شیخ مذکور خان گذشتیم . این همان شیخ مذکوری است که مرحوم حاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا در ایام حکمرانی مملکت فارس اورا گرفت و کشت و اموال زیادی از او بغارت برد .

الان کشتی مشغول بار بیرون دادن و بار گرفتن است دریا قدری منقلب است یك بلم که بار شکر و جو ازکشتی‌گرفته میبرد غرق شد سرنشینان آن بلم را بلم دیگر رفت گرفت ولی بارها با بلم بآب فرو رفت .

دو ساعت بغروب مانده کشتی از لنگه حرکت کرد .

بندرعباس

پنجشنبه ۱۷ شوال ۱۳۱۵ - نزدیك طلوع آفتاب به بندرعباس رسیدیم از بندر لنگه تا بندرعباس ۱۲۰ میل مسافت‌است تقریباً در ۱٤ ساعت آمدیم . هوا منقلب و باران میبارد .

بندرعباس از بندرهای معتبر خلیج فارس است این بندر از احداثات مرحوم شاه عباس صفوی است‌که پرتغالی‌هارا بیرون کرد و این‌بندر را باسم خود موسوم‌ساخت.

نخل خرما و عمارات اینجا هم مثل بندر لنگه بنظر آمد ولی از قرار مشهور اهالی لنگه متمول‌تر از اهل بندرعباس هستند . عمارت حکومتی در بندرعباس پیدابود. کوه معروف هرمز یا هرمزان از لنگرگاه بندرعباس پیدا است و ده میل تا بندرعباس مسافت دارد . این جزیره خاك قرمزی دارد برای رنگ کردن کشتی وغیره از اینجا بفرنگ میبرند . نمك هم دارد که بهندوستان میبرند .

جزیرهٔ قشم هم نمایان است در قدیم آباد بوده و ۱٦۰ پارچه قریه داشته حالا هم رعیت و حشم دارد . کوه بسیار مرتفعی پشت بندرعباس است که در آنجا مرکبات

بعمل میآید پشت این کوه ناحیهٔ لارستان فارس است .

دو ساعت بغروب مانده پنجشنبه ۱۷ شوال کشتی از بندرعباس حرکت کرد . یك‌کشتی‌ایرانی‌بنام‌حسینی‌در بندرعباس لنگر انداخته‌بود از بمبئی میآمدبواسطهٔ ناخوشی طاعون در بمبئی جهاز مزبور را قرنتینه کردند .

بعد از حرکت از بندرعباس از نزدیك کوه هرمزان گذشتیم یك قلعهٔ کهنه مشهور بقلعهٔ پرتغال دیده شد . در عهد قدیم دولت پرتغال آن قلعه را ساخته بعد دولت هلند آنرا گرفته و دولت ایران در زمان شاه عباس صفوی‌آن‌رامتصرف شد .

جاسك

جمعه ۱۸ شوال ۱۳۱۵ ـ جهاز چندا لنگر انداخت از بندرعباس تا جاسك یکصد و سی میل مسافت‌است . دیشب تا صبح رعد و برق و باران و تلاطم دریا خالی از اذیت نبود .

جهاز جنگی ایران موسوم به پرس‌پولیس در نزدیك جاسك لنگر انداخته‌بجهت واقعهٔ کشته شدن یك نفر تلگرافچی انگلیسی که از طوایف بلوچ اورا کشته‌اند . حال دولت علیه جهاز جنگی را با سرباز و توپچی برای تنبیه بلوچها و دستگیری قاتل‌مأمور جاسك نموده .

اهل جاسك بیشتر فارس زبانند تلگرافخانه معتبر و مفصلی انگلیسها در جاسك ساخته‌انداز طرف‌دولت‌ایران‌هم تلگرافخانه‌ساخته‌شده . جاسك آبادی مختصری‌دارد ولی برای بندر جای خوب و قابلی است .

کاپیتان جهاز پرس‌پولیس که از اهل آلمان است بجهاز چندا آمد . انگلیسی حرف میزد از نرسیدن مصارف جهاز و مرسوم عملجات آن خیلی شکایت داشت عملجات جهاز ایران مرکب از عثمانی ، آلمانی و ایرانی‌است .

چهار ساعت بغروب مانده کشتی از جاسك حرکت کرد دریا متلاطم بود .

مسقط

شنبه ۱۹شوال ۱۳۱۵ ـ ساعت‌شش‌صبح‌فرنگی به‌مسقط رسیدیم. تقریباً ۱۸ ساعت ازجاسك تامسقط طول کشید (۱٤۰میل‌مسافت است) دو سه روز است احمدخان را دریا گرفته حال ندارد غذا ابداً نمیخورد جناب ساعدالسلطنه حالشان بد نیست و درغذا امساك میکنند .

شهر مسقط در میان کوه ودریا واقع شده . یك شهری هم مقابل مسقط هست اسمش مطرح است . چند قونسولخانه دیده شد که متعلق بانگلیس، فرانسه وعثمانی‌است عمارت سلطان مسقط از کشتی نمایان بود . اسم سلطان مسقط سید فیصل است ۳۲سال دارد مذهب او مسلمان سنی‌است با خانوادهٔ سلطان زنگبار منسوب است مسقط‌بندرگاه

معتبری است اهلش عرب و سنی مذهبند . دو کشتی جنگی انگلیسی در بندر مسقط لنگر انداخته‌اند از قرار مذکور بجهت حمایت قونسول انگلیس آمده‌اند . یکی از کشتی‌های جنگی انگلیسی همان روز که ما بودیم ببوشهررفت . ازقراریکه گفتند بواسطهٔ گفتگوی قونسول فرانسه مقیم بوشهر کـه خانه‌اش را دزد زده و همچنین اسبـاب خانهٔ قونسول انگلیس را کـه در بوشهر سرقت کرده بودند با حاکم بوشهردرگفتگو هستند این جهاز ببوشهر رفته .

یکشنبه ۲۰ شوال ۱۳۱۵ ـ هفت‌روز بعید نوروز ایرانی مانده وقت عصراست بحمدالله هوا در کمال اعتدال و دریا در نهایت آرامی است جهاز چندا بسرعت در سیر است . با جناب ساعدالسلطنه روی عرشه نشسته‌ایم و ایشان حظی دارند .

دوشنبه ۲۱ شوال ـ نزدیك ظهر است هوا مساعد و دریا آرام . دیشب باد مساعدی وزید و سه ساعت زودتر از معمول کشتی بکراچی خواهد رسید .

از مسقط تا کراچی از قرار گفتـهٔ کاپیتان کندل ٤٤٠ میـل است . در هوای مساعد در ٤٨ ساعت طی میشود . یك ساعت بعد ازظهر وارد لنگرگاه کراچی شدیم .

سه‌شنبه ۲۲ شوال ـ هنوز درکشتی چندا مشغول‌تحقیقات دربارهٔ جهازی‌هستیم که بانگلستان برود که از این جهاز بیرون برویم . مستر پستان‌چی فارسی‌که بـا میرزا علی مترجم ایرانی ساکن مدرس آشنائی داشت و درکراچی دلال کمپانی‌هـای کشتی‌رانی است ملاقات شد او گفت کشتی موسوم بـه سیتی‌لین پنج روز دیگـر یکسر به‌لیورپول میرود . این خبر را فوزی عظیم دانسته باتفاق ایشان رفتیم کشتی‌را دیدیم وپسندیدیم . قرار شد پول بدهیم بلیت بگیریم . در این کشتی جز فرست‌کلاس و عرشهٔ‌کشتی درجهٔ دوم نبود . قمرهٔ اول با خوراك از کراچی‌به‌لیورپول ششصد روپیه بدون خوراك پانصد روپیه طی شد ، پول روپیه بقدر کفایت نداشتم هرچه پول‌بود لیرهٔ عثمانی‌بود خواستیم با روپیه عوض کنیم نگرفتند به قیمت نازل میخواستند بهرحال با هزارزحمت و تحقیقات زیاد از بانکهای مختلف واز یك صراف که زرگر بود لیرهٔ عثمانی را از قرار ۱۳ روپیه ونیم عوض‌کردیم . لیره را بقیمت طلا خرید. طرف عصر از کشتی چندا بجهاز سیتی‌لین نقل مکان کردیم . این کشتی از هرحیث از کشتی‌که درآن بودیم بزرگتر وبهتر است . یك رجحانش این است که این کشتی چراغ الکتریکی دارد و آن نداشت غـذا هم خیلی بهتر ازآن کشتی میدهند . جناب ساعدالسلطنه که هیچ از این قسم غذاها نخورده و زن و مرد باهم دور میز نشستن را ندیده بودند خیلی تعجب میکردند . بعدازاین وضع‌های ندیده خیلی خواهند دید .

کراچی

چهارشنبه ۲۳ شوال ۱۳۱۵ - باتفاق کاپیتان کشتی کالسکه نشسته برای گرفتن لباس بشهر کراچی رفتیم . تلگرافی‌هم‌توسط ملك‌التجار بوشهری برای حضرت سردار اکرم مخابره کردیم . برای هرکلمه تلگراف یك روپیه و چهار آنه تقریباً هفت قران پول ایران گرفتند . بعد بدکانی رفته پارچه انتخاب کردیم و دادیم برای جناب ساعدالسلطنه و احمدخان و من بدوزند . بنا شد دو روزه بدهند . از لنگرگاه کراچی تا شهر یك فرسخ‌مسافت است‌کرایهٔ رفتن و برگشتن کالسکهٔ دو اسبه ازلنگرگاه کراچی تا شهر سه‌الی چهار روپیه یعنی‌تقریباً ۱٤ قران ایران.

شنبه ۲٦ شوال ۱۳۱۵ مطابق ۱۸ مارس ۱۸۹۸ - پنج شش روز است در کراچی معطل هستیم که کشتی بارگیری خود را تمام کند . در این چند روز اتصالا بار گندم و پشم و پنبه با جراثقال داخل انبارهای کشتی میکنند . از قرار تقریر ناخدا ٤۲۰۰ تن بار بکشتی آورده‌اند . چندین جهاز دیگر بزرگتر از این کشتی در کراچی لنگر انداخته اغلب بارشان گندم است . بواسطهٔ ناخوشی طاعون و اغتشاش بمبئی که در این نزدیکی مسلمان‌ها سه چهار نفر از فرنگی‌ها را کشته‌اند اغلب فرنگی‌ها ازآنجا میآیند که باروپا بروند .

کراچی واقعاً بندرگاه‌معتبری شده‌است . تجارتخانه و انبار زیاد درست‌کرده‌اند واگن‌های بخاری برای بارکشی زیاد است . در شهر بناهای خوب از خانه و دکان و خیابانهای وسیع بطرز فرنگستان احداث کرده‌اند ولی اغلب ناتمام بود . شهر و بازار قدیم کراچی کثیف و تنگ است . اهالی اینجا اغلب هندو و کمتر فارس هستند . کارگر و عمله تماماً هندو هستند و علی‌الاتصال کار میکنند در واقع فرنگی‌ها کارفرما و اهالی مزدورند .

مردان هندو اغلب میان دوابروشان رنگ‌قرمز مالیده‌بودند زنهاحجاب‌ندارند. انواع و اقسام کلاه‌ها و چندین قسم عمامه و عرقچین درسر مردم اینجا دیده میشود .

مردهای هندو شلوار و تنبان ندارند پارچهٔ سفیدی مثل قطیفه بپای خود پیچیده‌اند . زنهای هندو پابرهنه‌اند و خلخال نقرهٔ خیلی کلفتی بپا دارند . از دماغشان مثل زنهای اعراب از نقره و طلا به بزرگی نعل اسب یا کوچکتر چیزی میآویزند یا بدماغشان میچسبانند .

یك روز محض ادای تکلیف بدیدن قونسول دولت علیه ایران مسافت زیادی با کالسکه طی کرده بقونسولخانه رسیدم . یك خانهٔ محقرکاسبانه بود . جوانی راه‌اطاق

را نشان داد رفته نشستم . یك تصویر کوچك از اعلیحضرت‌مظفرالدین شاه بدیواراطاق نصب شده بود . سه چهار صندلی و یك میز هم بود . بعد از چند دقیقه شخصی آمد که ریش و زلف انبوهی داشت معلوم شد قونسول است اسمش را پرسیدم گفت میرزا صادق است از شکل و وضع بفارس‌ها شبیه‌بود . ازجنرال قونسول حالیهٔ ایران دربمبئی سئوال کردم هیچ خبر نداشت میخواستم از تفاوت وصرف‌لیرهٔ عثمانی با روپیه ومطالب دیگر سئوال کنم دیدم مثل خودم از همه چیز بی‌اطلاع است . صرف‌نظر کرده عاجلا مراجعت‌کردم . یك روز باتفاق جناب ساعدالسلطنه و احمدخان بباغ‌وحش‌کراچی‌رفتیم. انواع و اقسام حیوانات سبع و وحشی دیده شد خالی از تماشانبود .

دخول این باغ برای عامه مجانی است .

شب یکشنبه ۲۷ شوال ۱۳۱۵ - قریب دو ساعت از شب گذشته جهاز سیتی‌لین از کراچی حرکت کرد . از قراریکه میگویند بیست و پنج شش روز دیگر انشاءالله به لیورپول که از شهر و بندرگاه‌های معتبر انگلستان است خواهد رسید .

از محمره تا کراچی مطابق تفصیلی که نوشتم ۱۳۹۰ میل انگلیسی است که تقریباً پانصد فرسخ ایران میشود .

دوشنبه ۲۸ شوال ۱۳۱۵ - روز اول سال و عید نوروز سلطانی و اول سال ایت ئیل ترکی است در ایران مردم بعادت معمول هرکس باندازهٔ قوهٔ خود تشریفات این عید مبارك را فراهم آورده مشغول دید و بازدید هستند . امسال قسمت من این‌بوده که در دریا و در کشتی از لذائذ ملاقات دوستان محروم‌باشم . جناب‌آقای ساعدالسلطنه درس انگلیسی میخوانند قرار داده شد روزی ده لغت انگلیسی با صرف یك فعل حفظ کرده پس‌بدهند .

هوا خیلی خوش و دریا صاف و خالی از صفا نیست . یك‌خانم جوان انگلیسی که از مسافرین کشتی است مشغول مشق پیانو و خواندن آواز است بدصوت هم‌نیست.

چهارشنبه سلخ شوال یا غرهٔ ذیقعدهٔ ۱۳۱۵ - چهار شبانه روز است جهاز لاینقطع با سرعت ده میل در ساعت در حرکت است از قرار تقریر ناخدا از کراچی تا کانال سوئز ۲۶۶۰ میل است . دو روز است هوا بطوری گرم شده که متصل عرق میریزیم . کاپیتان میگوید چهار پنج روز هوا همینطور گرم خواهد بود . محتمل است این نقطهٔ دریا بخط استوا نزدیك باشد .

عرقی‌که میکنیم لزج و چسبنده است مثل اینکه لعاب سریش و شیره بدن مالیده باشند . هرچه دست را با صابون میشوئیم فایده ندارد .

عدن

شنبه سوم ذیقعده و ۲۵ مارس ـ عصر دیروز از نزدیك کوههای عدن گذشتیم . از قرار گفتهٔ کاپیتان امروز صبح داخل دریای سرخ یا بحر احمر شده‌ایم واز نصف شب باینطرف کشتی بسمت شمال سیرمیکند. هوا از قراریکه میگویند دراین دریابدتر از هوای دریای هند است.چند کوه و جزیرهٔ کوچك دیده شدکه‌بعلت‌بدی‌هوا هیچ سکنه نداشت چهار پنج روزدراین دریا سیر خواهیم‌کرد . امروز دریا خیلی منقلب و متلاطم است .

چندین کشتی دیده شد بعضی از آنها را گفتند ازکشتی‌های جنگی دولت‌آلمان است که بسمت چین میرود . کاپیتان میگفت این نقطه دریای سرخ که بعضی کوه‌ها در آن دیده میشود برای عبورکشتی خیلی خطرناك است باید با احتیاط گذشت .

از مقابل شهر موکو یا موکاکه جزو عربستان عثمانی‌است قهوهٔ خوب امروز درآنجابعمل‌میآیدگذشتیم. میگویند قهوه موکا خیلی امتیاز دارد و قهوهٔ اغلب‌ممالك‌دنیا را از اینجا میبرند .

بحراحمر (دریای سرخ)

چهارشنبه ۷ ذیقعدهٔ ۱۳۱۵ مطابق ۳۰ مارس ۱۸۹۸ - پنج روز است کشتی در دریای سرخ رو بشمال حرکت میکند . ازدیروز هوا خنك شده باد تندی هم میوزد .

بعضی از کوه‌ها و جزیره‌های بلاسکنه امروز دیده شد حتی با دوربین هم علامت آبادی و سبزه دیده نمیشود کوه‌ها سنگ و تپه‌ها رمل است .

یکی دو علامت چراغ دریائی در دریا دیدم‌که درآن‌چراغ میگذارند تاکشتی‌ها از خطر برخورد با سنگ های زیرآبی محفوظ باشد .

کانال سوئز

صبح پنجشنبه ۸ ذیقعده ۳۱ مارس کشتی بکانال سوئز رسید . برای اینکه دکتر بیاید مسافرین کشتی را ببینند دو سه ساعت ایستاد . بواسطهٔ شیوع ناخوشی طاعون در بمبئی هرکشتی‌که‌از آنجا و کراچی میآید دراینجا بازدید میکنند .

سوئز شهری کوچك در اول خاك مصر و تحت حکمرانی خدیو است . آبادی سوئز از دور قشنگ بنظر آمد . یك آبادی کوچك‌که در اول کانال واقع و ربع فرسخ از سوئز دور است ، اسمش را بانگلیسی (پورت ابراهام) میگویند .

دکتر آمد مسافرین کشتی را دید بحمدلله هیچکس دراین کشتی ناخوش نبود . دو ساعت و ربع بظهر مانده داخل کانال شدیم . این کانال که بلفظ ترکی عثمانی و اعراب همان قنال است بمعماری و طراحی مهندس بزرگ فرانسوی لسپس احداث‌شده و

دو دریا راکه عبارت از دریای سرخ و مدیترانه باشد بهم متصل کرده‌اند طول کانال ۸۷ میل و عرضش در بعضی جاها سی ذرع بعضی جاها چهل و عمق ۱۶ الی بیست ذرع است .

این کانال متعلق بیك کمپانی است‌که شرکاء آن تبعهٔ انگلیس وفرانسه (بیشتر انگلیسی) هستند . شهر اسمعیلیه هم از کانال دیده شد . در وسط کانال بودیم آفتاب غروب کرد . شب چراغهای برقی در کنار کانال و هرکشتی هم که ازکانال عبور میکند باید چراغ‌ها را روشن‌کند .کشتیها مخصوصا خیلی بااحتیاط وآهسته ازکانال‌عبورمیکند.

شب‌جمعه ۹ ذیقعدهٔ ۱۳۱۵ ـ نصف شب کشتی به بندر پرت سعید رسید بنا بود چند ساعتی در اینجا توقف کند و ذغال بگیرد ماهم پیاده شده شهر پرت سعید را تماشا کینم . ولی وکیل کمپانی این کشتی قبل از وقت ذغال تهیه کرده بمحض رسیدن کشتی همان شب آورد تحویل داد دیگر کشتی معطل نشد . بهرحال کشتی قبل از طلوع فجر جمعه از پرت سعید راه افتاد و مجال نشد پرت سعید را تماشا وسیاحت کنم .

شنبه ۱۰ ذیقعده ـ دیروز داخل دریای مدیترانه شدیم . کشتی بسمت مغرب در حرکت است . دریا قبل از ظهر خیلی منقلب شد موجهائی مثل کوه در دریا جولان میدهد . گاهی موج توی سطحهٔ کشتی میریزد جهاز باین‌عظمت وسنگینی را چنان‌تکان میدهدکه ایستادن در سطحه مشکل است .

روزهای شنبه وقت عصر رسم است تمام عملجات جمع میشوند ومشق‌کارهائی را که باید انجام دهند میکنند . کمپانی ماهی ۱۲ روپیه تا سه لیرهٔ انگلیسی بعلمجات و ۲۰ لیره بناخدا مواجب میدهد . کرایهٔ این کشتی هردفعه که سفر میکند شش هزار لیرهٔ انگلیسی‌است .

در زیر امواج دریای مدیترانه

دوشنبه ۱۲ ذیقعده ۱۳۱۵ ـ دیشب بواسطهٔ انقلاب‌دریا خواب راحت نشد . گرچه تلاطم دریا دیروز خیلی شدید بود وموجهای بزرگ کشتی را بالا میبرد و پائین می‌آورد ولی امروز انقلاب دریا پنجاه مرتبه بیشتر و شدیدتر از دیروز و پریروز شده . امواج مثل کوهی که قلهٔ آن برف گرفته باشد از کف دریا سفید شده سلسله‌وار پیوسته بهم بکشتی حمله آورده عرشهٔ کشتی زیر لطمات امواج میماند. دراطاق سرمیزمشغول غذا خوردن بودیم از دریچه دیدیم سقف اطاق زیر موج دریا ماند خداوند تفضل‌فرمود آب‌که‌ازیك طرف آمد از طرف دیگر بدریا ریخت .

در این هنگامهٔ خطرناك جناب آقای ساعدالسلطنه میلشان‌کشیده‌بمحلی‌که‌متصل

بعرشهٔ کشتی‌است بتماشا بروند وحال اینکه با این امواج‌وباد تند درعرشهٔ‌کشتی‌راه‌رفتن خالی از خطر نیست .

سه‌شنبه ۱۳ ذیقعده ـ دیشب انقلاب دریا و تکان کشتی قیامت کرد . درقمره خوابیده بودیم یك دفعه شنیدیم موجی مثل کوه با صدای مهیبی روی کشتی افتاد و کشتی را زیر خود گرفت و سنگینی کرد و تصور میرفت کشتی را متلاشی خواهدکرد. لاینقطع از این امواج هولناك با قوت روی عرشهٔ کشتی میریخت . هرطور بود شب را صبح کردیم . نزدیك طلوع آفتاب دریا بالنسبه قدری ساکت شد . کاپیتان میگوید دو روز دیگر به الجزایر که از متصرفات دولت فرانسه است خواهیم رسید . نزدیك‌غروب از مقابل جزیرهٔ مالتا گذشتیم کوه‌های آنجا خوب نمایان بود . شب چهاردهم ماه است اگر دریا منقلب نبود خیلی صفا داشت گرچه اینطورش هم خالی از تماشا نیست .

چهارشنبه ۱٤ ذیقعده ـ امروز دریا قدری آرام گرفته از جزیرهٔ پنتلاریاکه‌کوه مرتفعی دارد واز جزایر ایطالیا است گذشتیم . خانه‌های زیاد و سفید رنگی دیده شد دو سه کلیسا هم نمایان بود . از قرار مذکور این جزیره درقدیم محبس سیاسی ایطالیا بوده و مقصرین مادام‌العمر دراین جزیره محبوس بوده‌اند . دراین‌جزیره میوه عمل‌میآید مثل انگور سیاه اسمش کرنت است طعمش میخوش ترش است .

الجزیره

جمعه ۱٦ ذیقعده ۱۳۱۵ مطابق ۸ اپریل ۱۸۹۸ - قبل ازطلوع فجر کشتی در بندر الجزیره لنگر انداخت‌که آذوقه بگیرد. شهر الجزیره شهری است بسیار خنك که در سینهٔ تپهٔ طولانی واقع شده پراز درخت و سبزه است عمارات خوب بسلیقه و وضع فرانسه ساخته‌اند . پشت بامها را سبزه دستی کاشته‌اند جای با روح و صفائی است . اهلش عرب هستند . فرانسه آنجا را بغلبه تسخیر کرده .

دکتری با یك نفر مأمور نزدیك کشتی ما آمدند از بلم پیاده نشدند . گفتند احدی اجازه ندارد از کشتی بساحل بیاید هرکس هرچه لازم دارد آدم مخصوص حاضر است باو سفارش بدهند از شهر بیاورد و همین کار را کردند .

آب را با لولهٔ لاستیکی بکشتی آوردند ذغال کشتی هم تمام شده بود ۱۸۰تن آورده بانبار کشتی ریختند . تمام حمال‌ها عرب و اهل الجزیره بودند . اینها هم مثل هندوهای هندوستان که عملهٔ انگلیسها شده‌اند مملوك فرانسوی‌ها هستند .

اروپائی‌ها بقوهٔ علم و صنعت و اتحادی‌که دارند ازخانهٔ خودشان‌که درمغرب زمین است اینهمه مسافت خشکی و دریا را طی کرده آمده‌اند در ممالك آسیا و آفریقا

باهالی آنجا در خانه وملك اجدادیشان باکمال تسلط و اقتدار فرمانروائی میکنند . آری ثمرهٔ دانش و اتحاد این چنین ونتیجهٔ جهالت ونفاق همین است . این وضع را مثل‌آفتاب روشن‌میبینیم و عبرت نمیگیریم . خداوند انشاءالله‌ای‌ذره شعور وغیرت بما عنایت کند. بهرحال کشتی بعد از گرفتن ذغال و آب و آذوقه وقت ظهر از الجزیره راه افتاد و اهل کشتی بواسطهٔ قدغن هیچیك نتوانستیم بساحل رفته شهر الجزیره را تماشا کنیم .

شنبه ۱۷ ذیقعدهٔ ۱۳۱۵ - دریا قدری منقلب شد ولی هوا خوش است از دور کوههای مملکت اسپانیا را دیدیم . نزدیك غروب کوههای بسیار مرتفع اسپانیا نمایان‌شد در قلهٔ آنها برف بود . اسم کوه را سیرانوادا گفتند . ارتفاعش ۱۱۵۰۰ پا است.کوه باین بلندی و عظمت کم دیده بودم .

جبل طارق

یکشنبه ۱۵ ذیقعده‌بعد ازطلوع آفتاب‌ازتنگهٔ جبل‌طارق(جیبرالتار) گذشتیم. کوه بلندی جلو آن بود بعضی قراوالخانه‌ها و خانه ها روی آن ساخته بودند شهر در پهلوی‌کوه قرارگرفته . جهازات زیادی درآنجا دیده شد .

اقیانوس اطلس

سه‌شنبه ۲۰ ذیقعده مطابق ۱۲ اپریل ۱۸۹۸ - بعدازظهردیروز داخل دریای محیط آتلانتیك شدیم کشتی مابین مغرب و شمال میرود . انقلاب این دریا بیشتر ازمدیترانه است احوال‌مسافرین را خیلی منقلب کرده طوری کشتی اینطرف و آنطرف میشودکه راه رفتن در اطاق و عرشه خیلی مشکل است . خواب‌وخوراکی دربین نیست هیچ‌سکون و آرامش نداریم .

دیروز جهازات چندی از سواحل پرتغال میآمد . امروز هیچ کوه و خشکی نمایان نیست .

جمعهٔ ۲۳ ذیقعده ۱۰ اپریل - در این سه چهار روز دریا منقلب بود بحمدالله سفر دریا تمام و کشتی‌رانی بآخر میرسد . هوا خیلی خوش و دریا آرام است . امروز داخل دریای‌انگلستان شدیم بعضی نقاط ساحلی پیدا است یك‌کشتی خیلی بزرگ بادو دودکش متعلق بآمریکاکه ازنیویورك میآمد امروز از نزدیك ما گذشت بطوریکه‌کاپیتان میگفت این کشتی در شبانه روز ۶۰۰ میل طی میکند وجای هزار نفر مسافر دارد .

لیورپول

شنبه ۲۴ ذیقعده ۱۳۱۵ - بحمدالله سلامت بلیورپول رسیدیم اهمیت وعظمت شهر لیورپول و ورود جهازات به‌داك (ایستگاه کشتی) و کثرت کشتی‌ها درآنجا دیدنی است و نوشتنی نیست .

بعد از صرف زیر قلیانی (صبحانه) درکشتی براهنمائی نمایندهٔ کمپانی ویلیام‌واتسن بنده و جناب ساعدالسلطنه بشهر رفته مختصر خرید کرده به داك برگشتیم . مأمورین گمرك آمده اسبابها و صندوقهای مسافرین جهاز را خیلی بمعقولیت دیدند و نشان کردند. ماها چیزی همراه نداشتیم که گمرك بده باشیم . مگر قالیچهٔ جناب ساعدالسلطنه ویك سجادهٔ کردستانی مال من . برای این وصله هم چیزی نخواستند . بعد با کاپیتان و اهل جهاز خداحافظی کرده باستاسیون آمده بلیط کلاس دوم برای لندن گرفتیم نفری یك لیره و یك شلینك که تقریباً پنج تومان و نیم پول ایران میشود . دو ساعت از ظهر گذشته‌ترن (قطار کالسکهٔ بخار) راه افتاد در چهار ساعت و ۲۵ دقیقه بلندن رسید . چون دیروقت بود در مهمانخانه منزل گرفتیم .

سفر ما ازمحمره بلندن ۴۱روزطول کشید. از این چهل و یك روز پنج روز در کراچی توقف شد باقی همه را در دریاها راه پیمودیم .

لندن

دوشنبه ۲۵ ذیقعده ـ دیروز در لندن تعطیل عامه بود هیچ کاری نمیشد صورت داد . برای دیدن جناب علاءالسلطنه وزیر مختار دولت علیه رفتیم منزل نبودند . هوای لندن مثل همیشه دود وتیره‌است.

سرکار حسینقلی خان نواب شیرازی منشی اول سفارت دولت علیه ایران‌بدیدن آمدند . باتفاق ایشان بمحلهٔ کنیزینکتن رفتیم منزل پیدا کنیم که از هتل بیرون بیائیم .

سه‌شنبه ۲۷ ذیعقدهٔ ۱۳۱۵ ـ از مهمانخانهٔ یوستین بمنزل جدیدکه ارلزکورت واقع است نقل مکان کردیم . ورود لندن را توسط جناب ملك‌التجار بوشهری‌بحضرت سردار اکرم تلگراف کردم . برای مخابرهٔ هرکلمه یك‌شلینك و نه پنس‌گرفتند .

۲۰ ذیحجه ۱۳۱۵ مطابق ۱۲ مه ۱۸۹۸ ـ کاغذی از نادعلی خان اخوی از طهران رسید این خبر تازه را نوشته بودکه حضرت اجل آقای نظام‌السلطنه وزیر عدلیه اعظم فرمان لقب شما را بمهر حضرت‌اشرف صدراعظم (میرزا علی خان امین‌الدوله) رسانیدند و شما ملقب به لقب فریدالملك شدید .

شنبه ۲۲ ذیحجهٔ ۱۳۱۵ مطابق ۱۴ می ۱۸۹۸ ـ از ذیقعده تاکنون مجال روزنامه نگاری نشده . تقریباً پانزده روز در لندن متوقف و همهٔ اوقات را برای پیدا کردن مدرسه مناسب برای جناب آقای ساعدالسلطنه بوده آقای آقاحسین اعتماد التجار شیرازی هم همراهی میکردند . تا اینکه‌درایست بورن مدرسه مناسب‌ایشان‌پیداکرده قرار ومدار مدرسه را با مستر کوك مدیر مدرسه داده حال ده دوازده روزاست به ایست‌بورن

که از سواحل انگلستان و بهترین جاهای کنار دریا است آمده جناب ساعدالسطنه در مدرسه مشغول تحصیل و بنده و احمد خان در پانسیون (ترینیتی‌منشن) منزل داریم .

در ایام توقف لندن دو سه مرتبه با جناب ساعدالسلطنه بدیدن جناب اجل علاءالسلطنه وزیرمختار دولت علیه رفتیم . آقایان مکرم محمدخان (دکتر علاء بعدی) و حسین خان (علاء معروف) پسران جناب وزیر مختار بمنزل آمدند یك روز هم خود جناب وزیر مختار تشریف آوردند و یك شب آقای ساعدالسلطنه و بنده را بشام و تماشاخانه دعوت فرمودند . عمدةالاعیان آقا حسین آقا اعتمادالتجار پسر مرحوم حاجی علی‌اکبر تاجر شیرازی که در لندن تجارتخانهٔ معتبری دارند و از دوستان قدیم است مکرر دیدن آمده یك شب هم بقیمه پلو وغذای ایرانی دعوت‌کردند باآقای‌ساعدالسلطنه و احمدخان رفتیم .

ایست بورن

چهارشنبه ۱۶ ذیحجهٔ ۱۳۱۵ - باد خیلی تندی در ایست‌بورن میوزد و دریا هم خیلی کولاك است گردش در بیرون چندان لذتی ندارد .

جناب ساعدالسلطنه در مدرسه موسوم به سنت‌ونتر مشغول تحصیل مقدمات انگلیسی‌شده‌اند . قرار مدرسه را باین ترتیب با مستر کوك دادم‌که برای هرترم از سه ترم سال پنجاه لیره برای منزل و خوراك و حق‌التعلیم و پول رخت‌شوئی وغیره (جز مصارف ایام تعطیل و قیمت لباسی که با خود جناب ساعدالسلطنه است) بگیرد .

پنجشنبه ۲۷ ذیحجهٔ ۱۳۱۵ - ۱۹ می ۱۸۹۸ مستر گلادستون که شخصیت درجهٔ اول انگلستان بود و چندین سال صدارت کرده بود در لندن فوت‌کرد . تقریباً نود سال در دنیا زندگی کرده و رئیس حزب لیبرال بود .

دوشنبه غرهٔ‌محرم ۱۳۱۶مطابق۲۳ می ۱۸۹۸ - دوروز قبل آقای‌اعتمادالتجار از لندن بدیدن آمدند . دیروز باتفاق ایشان و جناب ساعدالسلطنه و دو سه نفر از هم‌منزل‌ها با کالسکه بحوالی ایست‌بورن بگردش رفتیم هوا خیلی مساعد و منظرهٔ بسیار زیبا بود . دیشب مستر کوك‌رئیس‌مدرسهٔ جناب ساعدالسلطنه از اعتمادالتجار و بنده و احمدخان بشام دعوت کرد خیلی‌خوش‌گذشت . مستر کوك آدم بامحبت وبقول‌انگلیسها جنتلمن است .

دوشنبه ۳۰ می ۱۸۹۸ - ۹ محرم ۱۳۱۶ - در انگلستان این دوشنبه را وت‌مندی میگویند و امروز تعطیل عمومی است هوا مساعد و مردم از هرقبیل زن و مرد پیر و جوان بزرگ و کوچك از هرطبقه در سیر و گشت و تعیش هستند . واقعاً

هرکس در اینجا باشد و وضع راحت و آسایش مردم را ببیند برقدرت خدای متعال و صفت و ذکاوت و شعور طبیعی انسانی هزار درجه به اعتقادش افزوده خواهد شد و ایمانش بریگانگی و حکمت و رأفت خداوندی کاملتر خواهد گردید . خداوند تمام نقاط روی زمین را همینطورها منظم و امن و مردمانش را باغیرت و مسلمان واقعی و در آسایش نگاه دارد .

۱۰ محرم ۱۳۱۶ - باتفاق سرکار حسینعلی خان نواب بلیط کشتی گرفتیم به جزیرهٔ وایت برویم تا شهر برایتن رفتیم دریا منقلب و هوا نامساعد بود در برایتن بلیط راه‌آهن گرفته به ایست‌بورن برگشتیم .

جمعه ۱٤ محرم - ۳ جون ۱۸۹۸ - طرف عصر با جناب میرزا حسینعلی‌خان نواب بمدرسه بدیدن جناب ساعدالسلطنه رفتیم از آنجا به پارادایس‌هیل (تپهٔ بهشت) رفتیم. حقیقتاً درخضارت و طراوت و خوش منظری نمونه‌ای از بهشت است.

دوشنبه ۱۷ محرم - ٦ جون - قبل از ظهر از ایست‌بورن بلندن آمده باز در خانهٔ کول‌هرن‌رد نمرهٔ۱۷ منزل کردم بعد بسفارت رفته جناب‌اجل‌علاءالسلطنه راملاقات کردم . در روزنامهٔ تایمز استعفای حضرت اجل امین‌الدوله را از صدارت خبرداده بود.

کمبریج و ملاقات‌با پروفسور برون

سه‌شنبه ۷ جون ۱۸۹۸ مطابق ۱۸ محرم ۱۳۱٦ - دو ساعت و نیم با ترن حرکت کرده ساعت چهار بعد از ظهر بدارالفنون کمبریج رسیدم از لندن‌به‌کمبریج ۵۷ میل‌است. جناب‌دکتربرون (پروفسور ادوارد برون شرق‌شناس معروف) را ملاقات و از ملاقات خیلی مسرور شدم .

قریب نه سال بود که ایشان را ندیده بودم . در پیمبروك کالج منزل کردم . این کالج از مدارس قدیم است از قراریکه دکتر برون میگفتند چهارصد وپنجاه سال است این مدرسه ساخته شده . مؤسس مدرسه کنتس‌اف پیمبروك بوده و موقوفاتی هم برای این مدرسه معین کرده است .

شب‌جمعه ۲۱محرم-۱۰ جون - جناب میرزا حسینعلی‌خان‌نواب بنده و آقای حسینقلی خان‌را بصرف شام دعوت نموده‌بودند. بعد از صرف شام درمهمانخانهٔ‌تروکدرو بعمارت کوئینزهال بتماشا بردند . در آنجا ساز و رقص بود .

خانمهای نجبا با لباسهای گوناگون گل و سیگار و شیرینی باهل مجلس میفروختند و حاصل آنچه میفروختند و پول بلیت دخول را صرف یك نمازخانه خواهند کرد . اینهم یك قسم اعانت و خیرات این مملکت است که هم ثواب میبرند و هم حظ

و لذت تحصیل میکنند .

روز جمعه خدمت جناب علاءالسلطنه وزیر مختار رسیدم . از قراریکه میفرمودند وزارت مالیه بحضرت نظام‌السلطنه و وزارت داخله بجناب اجل امین‌الملك محول شده .

شنبه ۳۰ محرم ۱۳۱۶ - ۱۹ جون-پریشب شام منزل اعتمادالتجار بودم از آنجا به‌نمایشگاه ارلزکورت‌رفتیم. درآنجا چرخ فلکی صدذرع‌ساخته بودند واطاقك‌هائی بآن آویخته بودکه با حرکت چرخ بالا میرفت واز بالا منظرهٔ لندن خیلی تماشائی بود. امروز هم برای گردش به هایدپارك رفتم جمعیت کثیری از زن ومرد و پیر و جوان با لباسهای پاکیزه مشغول گردش بودند .

سه‌شنبه دوم صفر ۱۳۱۶ - ۲۱ جون - طرف عصر بسفارت دولت علیه رفته از جناب آقای وزیر مختار ملاقات کردم . آقاخان محلاتی‌نوادهٔ مرحوم آقاخان‌محلاتی آنجا بود . جوان بیست وپنج، سی ساله است ریش میتراشد و لباسش هم‌مثل انگلیسها است. فارسی‌خوب‌حرف‌میزد صحبتهای‌متفرقه‌از ایران و ضعف اسلام و لزوم اتحاد شیعه و سنی در میان بود .

پنجشنبه ۱۷ صفر - ۷ جولای - دو هفته در ایست‌بورن بودم . باجناب آقای ساعدالسلطنه وداع نموده بلندن برگشتم که انشاءالله بایران برگردم .

بطوریکه روزنامهٔ دیلی‌گرافیك نوشته بود کشتی فرانسوی موسوم به بورگنی چهارشنبه‌گذشته در آتلانتیك موقعی که‌از نیویورك به‌لهاور میامده دچار مه غلیظ شده وبا ۵۶۱ مسافر غرق شده است از قراریکه روزنامه‌ها مینویسند عملجات‌کشتی درموقع غرق‌خیلی‌بمسافرین صدمه زده بلکه عده‌ای‌را بدریا انداخته‌اند . این واقعه ملال‌انگیز باعث تأسف عمومی گردیده است .

سه‌شنبه ٦ ربیع‌الاول ۱۳۱٦ - دیشب در سفارت دولت علیه ایران مهمان جناب آقای علاءالسلطنه وزیر مختار ایران بودم . جناب آقاخان نوادهٔ مرحوم آقاخان محلاتی نواب میرزا حسینعلی‌خان وآقای‌حسینقلی‌خان‌نایب سفارت ومیرزاعبدالغفارخان منشی‌باشی و آقا محمدصادق تاجر کاشانی هم بودند . غذای ایرانی خیلی ماکولی از چلو و خورش بادنجان و باقلا ترتیب داده بودند.

صحبت مجلس از مذاهب و ملل مختلف دنیا و ازترقی و تنزل ممالك شرق و و غرب بود . اواسط جولای دزد طراری مبلغ هزار لیرهٔ انگلیسی از بانك‌اینگلند با آن استحکام و انضباط چنان دزدیده که همهٔ اجزاء بانك و هرکس شنید تعجب کرد .

دوشنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۱۶ - اول اگست ۱۸۹۸ - امروز بنك‌هالیدی و روز تعطیل عامه است . بسفارت سنیه رفته خدمت جناب علاءالسلطنه رسیدم .

دیروز خبر فوت پرنس‌بیسمارك معروف که اول شخص دیپلمات دنیا محسوب میشد به لندن رسید . تولد او در سال ۱۸۱۵ بوده ۸۳ سال در دنیا زندگی‌کرده مدتها صدراعظم دولت آلمان بود . اتحاد دولت‌های کوچك و تشکیل امپراطوری آلمان و شکست دادن دولت فرانسه در سال ۱۸۷۰ از تدابیر و کارهای مخصوص اوست .

دوشنبه ۲۶ ربیع‌الاول ۱۵ اگست - باجناب ساعدالسلطنه در هتل الکساندرا شام را مهمان جناب اشرف پرنس ملکم‌خان که بلندن تشریف‌آورده‌اند بودیم . ازقرار خبریکه در روزنامهٔ تایمز درج شده بود حضرت اشرف میرزاعلی‌اصغرخان امین‌السلطان از قم احضار شده و بصدارت تعیین شده‌اند و جناب اشرف میرزا علی خان امین‌الدوله معزول گردیده‌اند .

حرکت ازانگلستان

یکشنبه سوم ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - ۲۱ اگست ۱۸۹۸ - ساعت هشت و پنجاه دقیقه شب بامید و توکل الهی بقصد ایران از لندن از راه برلین و خاك روسیه روانه شدم . محض التفات و مهربانی اشخاص محترم ذیل تا ویکتوریا استیشن بمشایعت آمدند .

جناب ساعدالسلطنه - سرکار حسینقلی‌خان نواب نایب سفارت - احمد خان سلطان - جوادآقا تاجر تبریزی در ساعت مذکور باآقایان وداع کردم وترن‌حرکت‌کرد. در ساعت ده و نیم شب به کوینزبوروکه بندر انگلستان است رسیده از ترن به کشتی منتقل شدیم . بعد از ساعتی کشتی راه افتاد . ساعت پنج صبح‌که آفتاب تازه طلوع کرده بود به فلشینگ سرحد خاك هلند رسید و دوباره از کشتی به ترن رفتم . فلشینگ شهر باطراوت وصفایی‌است درگمرکخانهٔ آنجا چندان‌ایرادی به‌بارهای مسافرین‌نگرفتند. راه‌آهن‌هلندیها از راه‌آهن انگلستان راحت‌تربنظر رسید . ترن ازصحرا وکشت‌زارهای‌سبز و خرم بطرف آلمان پیش‌میرفت .

برلن

دوشنبه ٤ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - ۲۲ اگست ۱۸۹۸ ساعت‌نه‌بشهر کوخ سرحد آلمان رسیدیم اسبابهای مسافرین را بگمرك‌خانه برده دیدند و اسباب زحمت نشدند . ناهار در اطاق غذاخوری راه‌آهن صرف شد . کلاه سفری من درآنجا جا ماند . ساعت هفت بعدازظهر بشهر برلین رسیده در مهمانخانهٔ نزدیك به استاسیون راه‌آهن منزل گرفتم . کرایهٔ اطاق خواب‌شبی

سه مارك و نیم معادل سه شلینك و نیم و یك تومان ایران است . پول شام را از قرار نفری سه مارك گرفتند .

از لندن تا برلین ۶۵۲ میل مسافت و ۲۲ ساعت راه است . شهر برلین‌خیلی آباد و پاکیزه ، مردمانش با تعارف ، پلیس و سربازهایش رشید ، خوش لباس و باهیبت است . صنایع آلمانیها هم از دول همسایه پست‌تر نیست و روز بروز رو بترقی است .

سه‌شنبه ۵ ربیع‌الثانی - ۲۳ اگست - بسفارتخانه دولت‌علیهٔ‌ایران رفتم‌جناب میرزا احمدخان مؤیدالسلطنه وزیر مختار به ییلاق تشریف برده بودند . آقای میرزا اسمعیل خان دبیرالممالك پسر حکیم‌الممالك نایب سفارت تشریف داشتند. جوان باذوق و آراسته‌ای‌هستند. سفارتخانهٔ ایران درجای معتبر برلین واقع و خانهٔ بسیار عالی است نزدیك بعمارات وزارت جنگ و ادارهٔ نظامی آلمان و قریب بمنارهٔ ظفرکه برای یادگار فتح آلمان در جنگ با دولت فرانسه ساخته‌اند . توپهائیکه از فرانسه گرفته‌اند دور آن مناره‌نصب کرده‌اند . بیشتر مبل و پرده‌های اطاق پذیرائی سفارتخانه کار و صنعت ایران بود از قبیل مخمل کاشی و قلاب دوزی رشت و خاتم‌سازی شیراز وقالیچهٔ عراق که همه را بوضع خوش ترتیب داده‌بودند .

چهارشنبه ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - بهمراهی آقای دبیرالممالك بگردش‌خیابانها و سیاحت بازار و دکاکین و عمارات عالیه و مهمانخانه‌ها وقت‌گذراندیم . ازجمله‌جائی رفتیم‌که مجسمه‌های مومی از اشخاص مشهور دنیا گذاشته ولباس هم پوشانیده بودند. بطوری خوب ساخته شده بودکه با انسان زنده مشتبه میشد . شبیه‌پرنس‌بیسمارك‌معروف را در تخت‌خواب در حالت نزع ساخته بودند که اعلیحضرت امپراطور حالیهٔ آلمان ویلهلم دوم بعیادت آمده بود . در یك مجلس هم شکست فرانسه و دستگیرشدن‌ناپلئون سوم بود که ناپلئون بحال بد و مبهوت مانند کسی که مغلوب و اسیر دشمن شده باشد با پرنس بیسمارك صدراعظم‌آلمان روی صندلی مقابل هم‌نشسته بودند.

شب هم باتفاق آقای‌دبیرالممالك بتماشای اکسپوزیسیون هندیها رفتیم اقسام حیوانات و طرح عمارات هندوستان و مرد و زن و اطفال دهاتی هندیها را سیر کردم .

پنجشنبه ۷ ربیع‌الثانی ۲۵ اگست - با آقای دبیرالممالك بتماشای تابلوهای نقاشی رفتیم . تصویرهای بسیار ممتاز در دیوارهای چندین اطاق بزرگ وکوچك نصب شده بود . محل این عمارت جای بسیار باصفائی است باسبزه و درخت و آب جاری . در دو سه نقطه موزیك مینواختند . درچندین جا هم رستوران و جای آشامیدن مهیابود

این باغ محل‌تفرج‌عمومی اهالی برلین است. پول دخول باغ نیم مارك‌است‌که به پول ایران یك ریال ونیم میشود .

ساعت هفت و نیم با آقـای دبیرالممالك وداع گفته با ترن از برلین روانـه ورشو شدم .

تقریباً سه ساعت از نصف شب گذشته قطار راه‌آهن به الکساندروف سرحـد روسیه رسید. شب‌را خواب نکرده با حال‌کسل‌گرفتار‌گمرکخانهٔ روسیه شدم واقعاً برای مسافرین ورود بخاك روسیه و گذراندن اسباب سفر ازگمرکخانه زحمت فوق‌العاده دارد مثل روز قیامت وانفسا است. حقیقتاًاجزاء گمرکخانه روسیه بمسافر خیلی‌زحمت‌میدهند. از برلین تا الکساندروف قطار تقریباً در هفت ساعت آمد . الان که قریب چهار ساعت از نصف شب گذشته تـازه ازگیر گمرکچیهای روس خلاص شده بواگن آمـده و منتظر حرکت قطار هستیم . سفر درهرخاك‌که باشد خالی‌از زحمت نیست اگرچه‌درفرنگستان . در خاك ایران ومشرق زمین پناه برخدا . ساعت ٤ از نصف‌شب قطار ازالکساندروف راه افتاد .

ورشو

جمعه ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۱٦ - ۲٦ اگست ۱۸۹۸ - ساعت هشت و نیم صبح قطار بشهر ورشو رسید . چون من هیچ زبان روسی نمیدانم کار از این جهت قدری سخت است . عجالتاً در هتل یوروپ طبقهٔ سوم منزل کرده باید در اینجا معین کنم از کدام راه باید بایران بروم . از برلین تا ورشو با معطلی‌ترن در الکساندروف‌واستاسیونهای دیگر تقریباً ۱۳ ساعت طول کشید . برای راهنمائی و پیدا کردن هم زبان درشگه کرایـه کرده بمنزل قونسول ایران رفتم . گفتند بخارج شهر رفته اگر هم بود فارسی نمیدانسته زیرا کـه این قبیل قونسول‌ها در هرولایتی که اسمشان را قونسول ایران گذاشته‌اند ازاهل همان ولایت هستند و ازطبقهٔ تجارند . منتها پولی بوزیر مختار دولت علیه ایران میدهنـد و قونسول میشوند ویك نفر فارسی‌دان هم دردستگاهشان پیدا نمیشود . این‌قبیل‌قونسولها نه بدرد ایران میخورند و نه بدرد ایرانی‌ها چنانکـه در کراچی وغیره مکرر این جـور قونسول‌ها را دیدم . بهرصورت یك نفر از آنجا همراه برداشته بیك دکان تجارتی رفتم که از تجار تفلیس پیدا کنم آنجا هم یك نفر بود ترکی قفقازی مختصری میدانست بکار من نخورد . بهتل برگشتم یك نفر پیرمرد ماك‌ماهون نام‌که انگلیسی میدانست پیداشد. برای‌من فرج بعد از شدت بود .

ماك‌ماهون میگفت میرزا ملکم خـان و حکیم طولوزان را میشناسد و بآنها

خدمت‌کرده‌است با او برستوران‌رفته پس‌از صرف‌غذا برای خرید بلیط راه‌آهن پطروسك رفتیم هوا حالا که تابستان است شبها خیلی خنك‌است بطوریکه من پالتو بدوش گرفتم در قدیم پولند (لهستان) مملکت معتبری بوده و پادشاه مستقل داشته . در سال ۱۸۳۰ دولت روسیه آنجا را مسخر کرده حالا تابع دولت روس هستند و از جانب روسیه یك فرمانفرما در عمارات سلطنتی قدیم حکمرانی میکند .

شنبه ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - بعضی جاهای معروف و آثار قدیم ورشوراباتفاق مالك‌ماهون کالسکه نشسته رفته تماشا کردم . از جمله باغ ساکسنی گاردن - مجسمه مارشال پاسکویچ سردار روسی که لهستان را مسخر کرده وهمچنین مجسمهٔ زیگمان سوم پادشاه پولند (لهستان) که در عهد خود خیلی فتوحات کرده یك صلیب هم در دست گرفته است .

قصر سلاطین لهستان در ورشو روبروی رودخانهٔ وست‌جولا واقع است . بعداز سیاحت شهر قدیم و جدید ورشو بهتل برگشته حساب هتلچی را بانضمام انعام خدمه داده سه ساعت بعد از ظهر با درشکه به گار مشهور به گار مسکو آمدم از شهر تا گار مسافت زیادی است . مالك‌ماهون مترجم تا گار آمد آخرکار وقت وداع حرکت خنکی کرد . بهرحال سه ساعت و نیم بعد از ظهر قطار از ورشو حرکت کرد .

یکشنبه ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - ۲۸ اگست - وقت ظهر به کیف رسیدیم‌تقریباً بیست ساعت و نیم در راه بودیم . در اینجا واگن عوض شد . یك ساعت بعد از ظهر قطار از کیف برای خارکف حرکت کرد .

شهر کیف جای باصفا ، سبز و خرم و پردرخت است رودخانهٔ بزرگی هم در نزدیکی کیف جاری است و قطار از روی پل همان رودخانه گذشت .

ازدیروز درعرض راه علی‌الاتصال آدمهای مختلف از مرد و زن وپیر وجوان به اطاق‌های قطار میآیند و میروند . من مثل اشخاص لال در کنجی نشسته خاموشم . ندانستن زبان در خارجه خیلی مشکل است . مسافر یا باید خودش زبان بداند یامترجم داشته‌باشدگرچه مترجم داشتن هم‌کار دشواری است . این سفر در ورشو محتاج‌بمترجم شدم . یك شبانه روز در وقت غذا خوردن وبا کالسکه بگردش رفتن بامن بود . اینقدر ناز کرد که زله شدم ولی ناچار بتحمل بودم سعی داشت هرچه بتواند مرا بیشتر محتاج خود کند و خرج بتراشد . پیرمردی پرحرف و قصه‌گو بود دراول ملاقات خیلی‌متعارف بود آخر طور دیگری شد .

در این صفحات تازه زراعت را چیده‌اند و گندم جیده شده در صحرا خیلی دیده شد .

دوشنبه ۱۰ ربیع‌الثانی ۲۹ اگست ـ ساعت هفت و نیم صبح قطار بخارکف رسید. الان در رستوران استاسیون مشغول صرف صبحانه ومنتظر حرکت قطار به‌روستوف هستم . از کیف تا خارکوف قطار تقریباً در ۱۸ ساعت رسید. دوساعت در استاسیونهای عرض راه معطلی داشتیم .

خارکف هم شهر آباد و خوبی است ولی در صفا و شکوه مثل کیف نیست . ساعت ده و نیم صبح قطار از خارکف بطرف روستوف حرکت کرد .

یك‌جوان روسی تقریباً بیست‌ساله امروز هم‌سفر شد حسن اتفاق زبان‌انگلیسی و فرانسه میدانست میگفت زبان ایطالیائی و آلمانی هم میدانم . جوان باکمال‌وزیرکی بنظر آمد . ساعت پنج و نیم بعد از ظهر در استاسیون زالوا که استاسیون معتبری‌است غذا صرف شد . از خارکف باین طرف را روسیهٔ‌کوچك مینامند .

۳شنبه ۱۱ ربیع‌الثانی ـ ۳۰ اگست ـ دیروز و دیشب قطار همه را درروسیهٔ کوچك سیر میکرد . صحرا تمام سبز و خرم و زراعت و درخت است .

قبل از ظهر باستاسیون تاگان‌روگ‌رسیدیم . از تاگان‌روگ‌که گذشتیم دریای آزوف نمایان شد . قطار دارد از کنار رودخانهٔ دون میگذرد . دو ساعت بظهر مانده بشهر روستوف رسید .

شهر روستوف در کنار رودخانه واقع شده وجای باصفائی است . جهاز زیادی در رودخانه دیده شد . گفتند کار این جهازات حمل گندم و حبوبات است . من بقطار دیگر که به پطروسك میرود منتقل شدم ، چند دقیقه گذشت خانمی آمد هم‌سفر شد از خانم پرسیدم فرانسه میدانید گفت میدانم از من بهتر فرانسه حرف میزد خداوند باز همزبان رساند یکی‌رفت ودیگری آمد . خانم‌آلمانی است در ورشو کتاب مکالمه‌آلمانی بانگلیسی‌خریده بود فرصت غنیمت دانسته چند دقیقه در واگن اوقات خود را صرف‌یاد گرفتن زبان آلمانی کردم .

یك ساعت بظهر مانده قطار از روستوف حرکت کرد .

از ورشو تا روستوف واگونها و استاسیونها خوب بود واز روستوف باین‌طرف پست‌تر شد . خانم آلمانی که هم‌صحبت بود یك ایستگاه بعد از روستوف پیاده شد ومن ماندم با یك زن و شوهر پیرکه روی تخت دراز کشیده پیوسته مشغول خوردن بودند . در یك استاسیون دیگر آن زن و شوهر بیرون رفته یك جفت زن ومرد جوان‌که‌حرکات عشقبازی از آنها ظاهر بود بجای آن زن و شوهر آمدند و مشغول عشقبازی شدند بطوری‌که پسر برای دختر غش میکرد . خالی از تماشا نبود .

چهارشنبه ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - ۳۱ اگست ۱۸۹۸ - ساعت هشت صبح در یك استاسیون باز قطار عوض شد و من بواگنی دیگر نقل مکان کردم و قطار بطرف پطروفسك براه افتاد .

پطروفسك

از طول راه ومکرر واگن عوض‌کردن خسته شدم . بیشتر ازندانستن زبان روسی‌دلتنگم. سه‌ساعت‌بغروب‌مانده ترن به‌پطروفسك رسید . من بادرشگهٔ‌کرایه به‌مهمانخانه (هتل) اروپ آمده منزل گرفتم .

شهر پطروفسك در کنار دریای خزر واقع شده پر بی‌صفا نیست باغ ملی هم نزدیك این هتل است شب چراغها در باغ روشن و موزیك نظامی مینوازد . گرچه‌بعد از لندن این قبیل جاها جلوه ندارد . یك جوان انگلیسی در این هتل منزل دارد. جوان بامحبتی است ساعتی با او صحبت شد . از قراریکه میگفت از جانب یك کمپانی برای تفتیش‌معدن‌نفت‌آمده معدن‌شناس وجغرافی‌دان‌است‌زبان روسی ویونانی و فرانسه وترکی عثمانی بلد است .

از قرار معلوم باید سه چهار روز اینجا معطل کشتی شدکه‌به‌انزلی‌برود مسلماً بملاحظاتی خوش نخواهد گذشت .

هتل اروپ بحساب مهمانخانهٔ خوب پطروفسك است و محل خوبی در کنار دریا دارد ولی از بعضی جهات ناقص و ناتمیز است . در روسیه بالنسبه بسایر ولایات فرنگ مهمانخانه‌ها کثیف است خصوصاً مستراح‌های آنها . خدمتکاران عموماً در انجام فرمان‌خیلی‌سنگین ودیرحرکت‌هستند هروقت‌برای‌شخصی چیزی میخواهند بیاورندجواب میگویند (سیچاس) یعنی همین حالا بعد از یکساعت معطلی و انتظار اگر همان چیز را آدم‌بخواهد و بگوید چطور شد باز بلاتأمل میگویند (سیچاس). دراین‌چندروز توقف در پطروفسك یك نفر انگلیسی بنام مستر لیستر که از طرف یك کمپانی نفت اینجا کارگذار است با من آشنا شد .

جمعهٔ ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - ۲ سپتامبر ۱۸۹۸ - در پطروفسك معطل و حال خوش ندارم . اگر یك جوان اسکاتلندی اینجا نبود وبامن مصاحبت نمیکرد خیلی بد میگذشت . از قرار تقریر همین جوان کار راه‌آهن پطروفسك تا بادکوبه‌که‌تقریباًسیصد میل است باتمام رسیده و سال آینده این خط برای مسافرت مفتوح خواهد شد . خطوط آهن در همه جای دنیا اسباب ترقی و آبادی شده هزار حیف‌که ایران ازاین‌نعمت بالفعل محروم است .

فتح‌اللهیوف ایرانی راکه اصلش آذربایجانی و در پطروفسك تجارت دارد دیدم

بطوریکه میگفت ۲۸ سال است در اینجا مشغول تجارت است وتقریباً ۸۰۰ هزار روبل مکنت دارد . آدم خوب و غیرتمندی بنظر آمد . بواسطهٔ عقب ماندن ایرانیها از سایر مملکتهای دنیا خیلی اظهار تأسف میکرد .

شنبه ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - یکساعت بعدازظهر پس‌ازدادن حساب هتلچی و انعام خدمتکاران از مهمانخانه بکشتی آمدم و بلیط یکسره از اینجا بانزلی گرفته شد. درجهٔ اول ۲۵ روبل و ۴۰ کوپك کرایه تا خوراك .

در این کشتی اینقدر جمعیت مسافر از مرد و زن کوچك و بزرگ زیاد است که در سطحهٔ آن نمیشود حرکت کرد . کشتی ساعت چهار بعد از ظهر از پطروفسك بطرف بادکوبه حرکت کرد .

یکشنبه ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ -۴ سپتامبر ۱۸۹۸ - چهار ساعت‌بظهر مانده تاحال دریا آرام و کشتی راحت میرود ، حال من بواسطهٔ زکام و سرماخوردگی خوب نیست .

اغلب مردمان این صفحات مسلمان شیعه اهل قفقاز و ترك زبانند آذربایجانی هم پیدامیشود . همه بحال ایرانیها تأسف میخورند و میگویند حیف از استعداد مملکت و هوش اهل ایران که در همه چیز از سایرین خیلی عقب مانده .

ساعت چهار عصر کشتی بسلامت ببادکوبه رسید باید اینجا کشتی را عوض کرد وبا جهاز دیگر بانزلی رفت . از پطروفسك تا بادکوبه ۲۴ ساعت از دریا مسافت است نزدیك غروب از این کشتی به کشتی دیگر که بانزلی میرود منتقل شدم ساعت۱۱ شب کشتی حرکت خواهد کرد . سرکار میرزا عبدالله خان نواب رشتی کار گذار دولت روس و مستأجر شیلات رشت هم باین کشتی آمد ملاقات شد . ایشانهم بانزلی‌میروند.

دوشنبه ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - دیشب ساعت ۱۱ کشتی از بادکوبه حرکت کرد . این کشتی خیلی محقر ومسافر هم درقمرهٔ اول بجز میرزا عبدالله خان ومن‌کسی نبود . کشتی در آستارا و لنکران تقریباً پنج ساعت لنگر انداخت .

سه‌شنبه ۱۹ ربیع‌الثانی - باآقای میرزا عبدالله‌خان نواب سلامت بساحل‌انزلی رسیدیم ، ایشان در انزلی ماندند . من قایقی کرایه کرده ازمرداب انزلی گذشته‌براحتی وسرعت به پیربازار رسیدم . قریب چهار ساعت عبور ازمرداب طول کشید . ازپیربازار اسب‌کرایه کرده برشت آمدم . پس ازورود برشت دیدم درکوچه‌های شهر جمعیت‌زیاد است پرسیدم چه خبر است‌گفتند حضرت والا شاهزاده شعاع‌السلطنه وارد میشوند وعازم فرنگستان هستند . چند دقیقه گذشت موکب حضرت والا با مستقبلین و فراشان درجلو

برید برید و ایست گویان تشریف‌فرما شدند . منهم دریك‌خانه‌که اسمش مهمانخانه‌است منزل‌کردم . کرایهٔ اطاق با خوراك روزی دو تومان است .

پنجشنبه ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - باتفـاق میرزا باقرخان پسر سرکار میـرزا علیرضا خان سرتیپ پستخانه دراین گل و شل کوچه‌ها برای گردش تا تلمبار (نوغان) کرم ابریشم که متعلق به یونانی‌ها است رفته تماشا کردم . از قراریکه گفتند این یك دستگاه تلمبار روزی صد نفر عملهٔ مرد و ۱۵۰ نفر زن کارگر دارد . جای زن و مرد علیحده است بمردها روزی دو قران و بزنهـا یك قران پول سیاه اجرت میدهند . چنـد دستگاه از این تلمبارهـای نوغان یونانیها دایر کـرده اسباب آبادی شده و خیلـی هم فایده میبرند.

جمعه ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - طرف عصر سرکار میرزا جوادخان نایب‌املاك جناب ناصرالملك بدیدن آمد یکی دو ساعت باصحبت ایشان گـذشت و قرار حرکت من از رشت بهمدان داده شد . سه روز است لاینقطع در رشت باران میبارد بواسطـهٔ گل کوچه‌ها از منزل نمیشود بیرون آمد ، شهر باین سبز و خرمی بجهت کثافت کوچه‌هـا مثل منجلاب است .

چهار پنج سال است بواسطهٔ عوض شدن تخم کرم ابریشم،نوغان رشت‌خیلی خوب شده تخم کرم پیله را یونانیها از اسلامبول آورده تخم خراسان بکلی منسوخ‌شده یونانیها و اهل‌رشت چندین دستگاه تلمباردایر کرده‌اند قرارشان اینطور است : یونانیها و هرکسی‌که تخم پیله دارد برعایای رشتی میدهند دروقت محصول‌که ابریشم عمل میآمد سه قسمت میکنند یك قسمت مال دهندهٔ تخم ، یك حصه مالك زمین و یك سهم‌هم بهرهٔ رعیتی است‌که تخم‌ها را خوابانده و کرم پیله عمل آورده است . این اوقات اهالی‌رشت بواسطهٔ خوب عمل آمدن‌نوغان‌وگرانی برنج‌خیلی متمول شده‌اند . ولی چه فایده با این تمول اسباب آبادی و نظافت نمیشوند مثلا کوچه‌ها چراغ ندارد ودر موقع بارندگی‌از زیادی گل تردد نمیشود کرد . در شهری مثل‌رشت یك مهمانخانه نیست.

دوشنبه ۲٤ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ - دوساعت بغروب مانده ازرشت روانهٔ همدان شدم . دیشب در دوشنبه بازار کـه سه فرسخی رشت است گـذراندم . منزلگاه بـد و کثیفی است . یك ساعت و نیم بظهر مانده از دوشنبه بازار راه افتاده از زیادی گل در راه بقدری سخت گذشت که حد ندارد .

بالاخره سه بغروب مانده بهزار زحمت و اشکال بمنزلگاه موسوم به امامزاده هاشم رسیدیم . در اینجا بیگلربیگی رشت منزلگاه و اطاقهای خوبی ساخته از قراریکـه

گفتند این کاروانسرا را سالی پانصد تومان اجاره میدهند . از رشت تا امامزاده هاشم هفت فرسخ چاپاری و شش فرسخ معمولی است .

۳شنبه ۲۵ ربیع‌الثانی ـ نزدیك ظهر است در امامزاده هاشم سیر عبور قوافل سکاری را میکنم که بار هاری خشکبارکه باصطلاح سبزه میگویند از قزوین و جاهای دیگر باکمال زحمت و سختی برشت میبرند .

یکساعت از ظهر گذشته از امامزاده هاشم راه افتاده نزدیك یك فرسخ آمدیم تا پای کوه رسیدیم که سفیدرود نمایان شد راه خوب بود . گرچه روسهاکه راه‌شوسه از انزلی بقزوین را میسازند قسمت بیشتر این راه را ساخته ومشغولند ولی هنوزناقص است و تمام نشده در راه دو سه جا پل شکسته بارهای الاغدارهای بیچاره درعرض راه میان گل افتاده است . از قضا بار رفیق راه من هم افتاد بقدر یکساعت طول کشید که بانهایت زحمت درجای سراشیب که جنگل و باتلاق بود بارش را دوباره بار کردند . با مشقتی برستم‌آباد رسیدیم . از امامزاده هاشم تا رستم‌آباد سه‌فرسخ بیشتر است .

چهارشنبه ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ ـ از رستم‌آباد روانه شده همه را از کنار سفیدرودآمدیم . اغلب راه‌که کوه وسنگ بوده راه‌سازهای روسی سنگ‌هارا شکسته‌اند. در عرض راه رودبار را دیدیم . جای پرمیوه و اغلب درخت‌ها زیتون است یك نفر فرنگی تمام زیتون رودبار را میخرد در کارخانه روغن آن را میکشد و بروسیه میفرستد .

شنیدم سالی سی چهل هزار من شاه زیتون میخرد . رودبار ملك محتشم‌الملك رشتی است . طرف عصر به منجیل رسیدیم . پل منجیل خراب و پل فعلی چوبی است . حین‌عبور از پل‌باد بسیارتندی میوزید وچیزی نمانده بودمال وآدم را برودخانه‌بیاندازد. از رستم‌آباد تا منجیل پنج فرسنگ است .

جمعه ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ ـ منزل درچاپارخانهٔ منجیل‌است . دیروزسکاری لنگ کرد . سه ساعت از نصف شب گذشته سکاری آمد خبر کردکه حاضر رفتن شوید. دو ساعت قبل از طلوع صبح از منجیل روانه شدیم . هرزویل دهی است بالای منجیل که راه‌سازهای روسی منزلشان آنجا است . بسکه راه میان منجیل بد و سنگلاخ وجوی آب بود اسب من میان جوی رفت و نتوانست بیرون بیاید به پشت افتاد و مرا بزمین زد . خداوند تفضل فرمود آسیبی نرسید ولی آن مواضع که بزمین خورد درکمال شدت درد میکند . مسافت از منجیل تا پاچنار را که منزلگاه است چهار فرسخ میگویند . سکاری در پاچنار نیفتاد وبه ده ملاعلی رد شدیم . از منجیل تا ده ملاعلی شش فرسخ

است . راه همه سنگلاخ و آب . این مسافت را در نه ساعت و نیم طی کردیم .

سفر درایران‌برای انسان سخت‌ترین سخط هااست. این‌نه‌ساعت‌ونیم‌هردقیقه‌اش سالی گذشت . راه شوسه را روسها تا ده ملا قطعه قطعه ساخته‌اند از قراریکه یك نفر از عملجات روس که زبان ترکی میدانست میگفت اغلب عملجات که روس بوده‌اند بواسطهٔ سختی راه و از ترس ناخوشی تب فرار کرده‌اند . باقی‌هم در حال فرارند . قریب بیست سی نفر از عمله‌ها بمرض تب و نوبه تلف شده‌اند . در فصل زمستان‌عبور از این راه ممکن نیست .

اگر این راه شوسه‌ساخته شود تردد آسان خواهد شد . رئیس پست‌خانهٔ منجیل میگفت ده‌ماه بموعد تمام شدن راه مانده و فرنگیها مجبورند تا ده ماه راه را تا قزوین تمام کنند و از قزوین بهمدان راه را ادامه بدهند ،

شنبه ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۱۶ ـ علی‌الطلوع از ده ملا روانه شده آهسته آهسته در میان درهٔ ملاعلی آمدیم راه خیلی بدی بود بیك قهوه‌خانه رسیدیم اسم آنجا را یوزباشی چای گفتند . جای باصفائی است . پس از عبور از یك فضای مختصر باز میان دره افتادیم . سکاریهای همدانی متصل بمال‌های مفلوك و چلاق خود باین مضمون‌ها فحش میدادند : صاحب مرده ـ سگ پدر صاحب ـ گل بیلم سرت ـ ای بدمسب دبرو ـ خلاصه دو ساعت ازظهر گذشته بمنزل رسیدیم . تقریباً هشت ساعت و نیم در راه‌بودیم. از نیکی به ورسنج هفت فرسخ‌راه است .

دوشنبه غره یا دوم جمادی الاولی ۱۳۱۶ ـ صبح از ورسنج روانه شده بقریهٔ قرخ‌بلاغ‌آمدیم. از دور قریهٔ حصار را دیدم‌گفتند کاروانسرائی ازبناهای‌شاه‌عباسی در آنجا هست و آباد است از ورسنج تا قرخ‌بلاغ چهار فرسخ سنگین است . بیشتر راه هموار و در کنار رودخانه پست و بلند میشود . امروز از اوچ‌دره‌گذشتیم‌گفتند این‌محل بواسطهٔ دزد خطرناك و مکان قطاع الطریق است . در رودخانهٔ اینجا ماهی قزل‌آلا پیدا میشود .

سه‌شنبه سوم جمادی‌الاولی ـ از قرخ‌بلاغ راه افتاده با کاروان به آوه خاك خرقان‌آمدیم. از قرخ‌بلاغ به آوه چهار فرسخ‌است درمیان راه تپه‌ای موسوم بهداش‌آتان محل دزد است میگویند دزدهای اینجا از ایل زرگر است، عابرین و قافله راکه جمعیت زیاد نداشته باشد دزدها لختشان میکنند .

آوه قریب ۲۵۰ خانوار دارد دو دانگش ملك حسینقلی خان صدرالسلطنه وبقیه خورده مالك است . محصول امسال در این دهات کم بوده و خیلی ارزن کاشته‌اند .

از خاك قزوین باینطرف بلکه از رشت هرجاکه منزل کرده‌ام همه‌جا مریض از همه جور زیاد دیدم . در این صفحات هیچ‌طبیب ندارند غذا و دوا هم همینطور. بیشتر نفوس این مملکت بواسطهٔ نبودن طبیب و پرستار و دوا در دهات تلف میشوند . از بدی و کثافت منازل و یافت نشدن مایحتاج پناه میبرم بخدا به‌تحریر وتقریر نمیآید.

چهارشنبه ٤ جمادی‌الاولی ـ سه ساعت از نصف شب گذشته از آوه بین دره و تپه‌های زیاد و راه بد گذشته بقریهٔ ماهنیان ملکی میرزا خدادادخان یمین نظام و از آنجا بقریهٔ رزن رسیدیم . از آوه تا رزن پنج فرسخ مسافت است ولی با کاروان در نه ساعت طی شد .

پنجشنبه۵جمادی‌الاولی۱۳۱٦ـ ازقریهٔرزن‌روانه‌وقت‌ظهرسلامت به‌کبودراهنگ رسیده در خانهٔ سرکار حاجی حبیب‌الله خان‌خاله‌زاده منزل کردم معلوم شد محمدحسن خان اخوی باچندنفر باستقبال من بقزوین رفته‌اند ودرعرض راه ایشان‌را ملاقات‌نکردم.

شنبه۷ جمادی‌الاول ـ دیروز از کبودراهنگ بداق راق‌آباد بعد بعین‌آباد واز آنجا بقرخلررفته از دیدن اقوام و بنی‌اعمام مسرور شدم .

امروز باتفاق فضل‌الله خان بکوریجان بعد به لتگاه رفته جنابان اجلال‌الممالك و منصورعلی‌خان پسران حضرت سردار اکرم را ملاقات نزدیك غروب واردهمدان‌شدم. مسافرت از رشت به همدان ١٤ روز طول کشید . از این ١٤ روز سه روز بین راه سکاری لنگ کرد در واقع یازده روزه از رشت بهمدان آمدم ولی خیلی با زحمت و صدمهٔ زیاد .

تاکنون که ۲٤ صفر ۱۳۱۷ است روزنامهٔ خودرا بواسطهٔ بعضی گرفتاری‌هاو پریشانی حواس بواسطهٔ فوت فرزندی سلیمان نتوانسته‌ام بنویسم .

امروزمجملی از آنچه‌بخاطردارم‌می‌نویسم

۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۷ بمناسبت عید مولود حضرت ختمی‌مآب (ص) خدمت جناب مظفرالملك و نواب والا مشکوةالملك و جناب شریف‌الملك و جنابان شریعتمداران آقای آقاحسین و آقای آقاابراهیم رسیدم .

خشکسالی

امسال از کمی آب و خشك‌سالی در همدان اغلب باغات و یونجه‌زارها خشکیده و بیشتر یونجه‌زارها را ول کرده‌اند و درختهای میوه خشك‌ومیوه‌ها فاسدگردیده‌اند . نرخ گندم‌بحمدالله درهمدان این روزها رو به‌تنزل‌است نان یك من یك قران وگندم خرواری نه تومان‌ونیم الی ده تومان است .

فوت‌حاجی محسن خان مشیرالدوله درپاریس و تغییر وزراء

پنجشنبه ۱٦ ربیع‌الثانی ـ پنج روز است ازعربلو بشهر آمده‌ام مشغول‌دید وبازدید هستم بعضی تغییرات و اخبار شنیدم ازجمله فوت حاجی محسن‌خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه در پاریس و مشیرالدوله شدن میرزانصرالله‌خان مشیرالملك با شغل‌وزارت خارجه عطای منصب سپهسالاری بحضرت والا امیرخان سردار وزیر داخله ، حکومت طهران دبیرالملك ، وزارت خارجه جناب آصف‌الدوله،وزارت‌عدلیه بوزیر دربار امین‌خلوت ، وزارت‌لشکر بجناب قوام‌الدوله .

سه‌شنبه پنجم جمادی‌الاول ۱۳۱۷ ـ امسال حال مردم‌این صفحات خیلی‌بدتراز پارسال است دیروز دکان و بازار را مردم همدان بستند و بطهران تلگراف کرده‌اند که ما این حکومت‌را نمیخواهیم . این مسئله درحکومت جناب‌اجل مظفرالملك دراین‌ولایت واقعهٔ‌تازه است تاحال مردم همچو جرأتی نکرده بودند .

شورش اهالی همدان علیه مظفرالملك حاکم

چهارشنبه ۸ جمادی‌الاول ـ جناب مظفرالملك بواسطهٔ شورش اهل همدان و اتفاق علماء و تجار شبانه بی‌خبر سوار شده بشورین تشریف بردند . پس از دو سه روز روانه طهران شدند شاهزاده مظفرالسلطنه سردار مظفر بحکمرانی همدان منصوب گردیده‌اند .

سه‌شنبه اول شعبان۱۳۱۷ـ بدیدن‌سرکار والا شاهزاده‌عبدالجواد میرزا رئیس تلگرافخانهٔ همدان که تازه از طهران برگشته رفتم وبعد بمنزل جناب‌آقائی و آقای ضیاءالسلطان لشگرنویس رفته ناهار را در آنجا صرف کردم . بعضی صحبت‌ها از تأسیس مدارس جدید در طهران و تعلیم اطفال بمیان آمدکه این اوقات مدارس چندبوضع جدید این دوره احداث شده و اطفال را از هرقسم علم و صنعت یاد میدهند و این فقره خیلی اسباب امیدواری است .

یکشنبه ۲۷ شعبان ۱۰ جدی (دیماه)ـ در همدان هوا بواسطهٔ زیادی برف بقسمی سرد است که در اطاق آب یخ میکند . یك شنبه گذشته ودوشنبه سه شبانه روز لاینقطع برف آمد . تقریباً یك زرع برف یکدفعه افتاد هیچکس همچو برفی در همدان بخاطر ندارد .

فوت امیرنظام گروسی درکرمان

یکشنبه‌پنجم رمضان ۱۳۱۷ـ تلگرافاً خبررسید میرزاحسینعلی‌خان گروسی امیرنظام فرمانفرمای کرمان و بلوچستان درشهر کرمان این جهان را بدرود گفته ، امیرنظام تقریباً نزدیك نود سال در دنیا باحترام زندگانی کرد . آدم بزرگ‌منش بااستخوان وباکمال وازامرای بزرگ دولت علیه بود در انشاء و املاء وخوش‌خطی مشهور و بی‌نظیر و مالی نداشت . چندین سال بااقتدار در آذربایجان پیشکار بود .

گرانی گندم و اجناس

بواسطهٔ سردی هوا و بی‌بضاعتی مردم براهالی این شهر خیلی سخت میگذرد . قیمت گندم بخرواری بیست تومان و جو پانزده تومان رسیده . گوشت یك من چهار قران نخود یك من سه‌قران و نیم روغن زرد یك من یك تومان ، برنج یك من‌پنجهزار دینار (پنجقران) روغن چراغ یك من پنج الی شش قران چیزی که ارزان است بالنسبه زغال و هیزم است زغال خرواری پنج الی‌شش تومان، هیزم خرواری یك تومان الی۱۸قران.

حکومت کرمان بجناب حسام‌الملك مرحمت شد .

ضیافت از ظفرالسلطنه حکمران

دهم شوال ۱۳۱۷ ـ دیشب حضرت والا ظفرالسلطنه حکمران در منزل نواب والا نصرت‌الممالك نایب‌الحکومه مهمان بودند . اشخاص ذیل هم حسب الفرمودهٔ حضرت والا موعود بودند من هم بودم . شاهزاده شکوه‌الملك ، شاهزاده عبدالجوادمیرزا رئیس تلگراف ، منتصرالملك نصیرلشکر ، آقا میرزا محمدخان ، منشی‌باشی میرزا سید تقی خان ، بهمن میرزا ، تا شش ساعت از شب گذشته مدعوین بودند. نصرت‌الممالك ازهرحیث تهیه خوب از ماکولات ومشروبات ومیوجات دیده‌بود.

سقوط جسم آسمانی با صدای‌مهیب

دوشنبه ۲۵ شوال ـ قبل از ظهر صدای مهیبی در همدان شنیده شد مثل اینکه چندین تیر توپ یکدفعه خالی شد . اقوال‌مختلف بود . بعضی گفتند باروت‌کوب خانه آتش‌گرفته یا عمارت‌خراب شده وپاره‌ای گفتند سنگ ترکانده‌اند .

بعد از تحقیق معلوم شد همهٔ اینها بی‌اصل است و چیزی که متفق‌الرأی محقق شد صحیهٔ آسمانی و تصادف ابخرهٔ ارضی باهوا بوده است بعضی‌ها هم دیده بودند یك آتش و دودی متحرك مثل قرص آفتاب از سمت جنوب حرکت نموده و بشمال فرو رفت و این صدای مهیب شنیده شد. قطعاً سقوط احجار آسمانی بوده. ازقرار تلگراف همین صدا در نوبران که ۱۸ بلکه ۲۰ فرسخ بهمدان است شنیده شده‌است .

حاکم اشرفی عیدی میداد

چهارشنبه۱۹ ذیقعده۱۳۱۷ـ روز عید نوروز و اول‌سال‌سیچقان‌ئیل ترکی برسم معمول با سرکار والا محسن میرزا خدمت حضرت والا ظفرالسلطنه حکمران رسیدیم مردم دسته دسته برای تبریك عید شرفیاب میشدند . وقت مرخصی بهمه اشرفی عیدی مرحمت فرمودند . بحقیر یك اشرفی تومانی و یك عدد پنجهزاری طلامرحمت فرمودند بهمهٔ مردم از هرطبقه عالی و دانی متجاوز از هزار تومان عیدی دادند .

حرکت مظفرالدین‌شاه باروپا

پنجشنبه ۱۲ذیحجه ـ ازقرارخبرتلگرافی‌طهران موکب‌اعلیحضرت اقدس مظفرالدین شاه بعزم سفر فرنگستان امروز از دارالخلافه حرکت فرموده در غیاب اعلیحضرت حضرت والا شعاع‌السلطنه برقرار و امور دوائر دولتی راجع برئیس همان اداره شده . امور کشوری بجناب وزیر داخله دبیرالملك ، لشگری بحضرت والا امیرخان سردار سپهسالار ، امور خارجه بجناب مشیرالدوله‌وقس علیهذا . اسامی‌ملتزمین رکاب حضرت صدارت عظمی میرزا علی‌اصغرخان حضرت والا نایب‌السلطنه کامران‌میرزا

جناب ناصرالملك و جناب حکیم‌الملك‌باقی ملتزمین در سرحد معلوم خواهد شد .

اخوان‌صفاء

۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ - از محرم تاکنون سرگذشت و روزنامه ننوشته‌ام محرم وصفر اوقات باستماع روضه و سوگواری گذشت، مگر شب چهاردهم محرم کـه جناب عنایت‌السلطنه حضرت والا حکمران را با اخوان‌الصفاء وجمعی ازاعیان در سنگستان مهمان نمودند بنده هم موعود بودم . یك‌شب ویك روز در سنگستان مهمان جناب عنایت‌السلطنه بودیم . اواخرمحرم با اخوان‌صفاء برای وداع بـا عنایت‌السلطنه بسنگستان رفتیم . جنـاب عنایت‌السطنـه به بروجرد خدمت حضرت والا عین‌الدوله فرمانفرمـای عربستان و لرستـان و بروجرد سرخدمت خود رفتند .

در اواخر محرم یك روز جناب اجل آقای بهاءالملك در آبشینه واول‌ربیع‌الاول میرزا صادقخـان معین‌الممالك در باغچهٔ مرحـوم آقایوسف امین‌الرعایـا از حضرت والا حکمران با خوانین عظام و اخوان‌صفاء بصرف ناهار دعوت کردند .

در ماه ربیع‌الاول فتح باب مهمانی شد .

۹ ربیع‌الاول جناب اجل آقای احتشام‌الدوله یکشبانه روز مهمانی کلانـی در شورین دادند که بسیاری از مهمانیها را شکست داد . بعد جناب ضیاءالملك در آبشینه، جناب انتصارالملك در سنگستان جناب ذوالریاستین و شجاع‌السلطان درباغ ذوالریاستین مهمانی دادند .

حضرت والا شاهزاده حکمـران و نواب والا مشکوةالملك هم در قلعهٔ کهنـه یکشبانه روز مهمانی دادند اسامی مدعوین از قرار ذیل است :

حضرت والا حکمران ، شکوه‌الملك ، بهاءالملك ، ضیاءالملك ، انتصارالملك، احتشام‌الـدوله ، منتصرالملك ، نصرت‌الممالك ، حـاجی مسعودالدولـه وزیر ، میرزا تقی خان منشی باشی . میرزا بزرگ خان ، ذوالریاستین ، شجاع السلطان ، آقا میرزا محمدخان ، بهمن میرزا ، شیخ حسن میرزا ، معین الملك ، بنده فرید .

سوء قصد در پاریس بمظفرالدین‌شاه

از قرار خبر تلگرافی طهران ۵ ربیع‌الثانی درپاریس (ورسای) که یکی از عمارات دولتی فرانسه‌است شخص مجنون و مجهولی به کالسکه اعلیحضرت همایون مظفرالدین شاه تیر طپانچه خالـی میکند ولی‌تیرش بخطا رفته و خود اوگرفتارمیشود. برای‌سلامتی اعلیحضرت همایونی در طهران چراغانی نموده‌اند .

۲۹ دلو (بهمن) ۲۱ ژانویه ۱۹۰۱ میلادی .

تولد مسعودفرید

شب یکشنبه ۲۸ رمضان‌المبارك ۱۳۱۸ چهارساعت ازشب گذشته با آقای محمدولی خان درخدمت سرکار اشرف والامحسن‌میرزا میرپنجه نشسته بودم مژده‌آوردندکه خداوند مولود ذکوری‌بمن عنایت فرموده خداوند انشاءالله خوش قدم و خوش‌اقبال و اهلش نماید بحق اولیای حق سلام‌الله علیهم اجمعین .

فوت ملکه ویکتوریا

غرهٔ شوال ۱۳۱۸ مطابق ۲۲ ژانویه۱۹۰۱خبرفوت علیاحضرت ویکتوریا ملکهٔ انگلستان و امپراطریس هندوستان بهمدان رسید ۸۲ سال دردنیا زندگانی‌کرد و شصت و سه‌سال سلطنت نمود . ادوارد هفتم پسر بزرك ملکه‌که ولیعهد بود جانشین اوشده‌است.

شب پنجم شوال۱۳۱۸ برحسب‌استخاره که‌جناب‌شریعتمدار مجتهدالزمان‌آقای آقاسیدعبدالمجید ازکلام‌الله مجید نمودند اسم نورسیده بمبارکی مسعود(نگارنده) موسوم لقب‌هدایت‌الله، کنیه‌ابوالقاسم شد. جنابان مستطابان آقای شیخ‌الاسلام آقای‌امین‌الشریعه بروجردی آقای آقامیرزا باقرقوام‌السادات آقای‌انتظام‌الواعظین‌وجمعی‌دیگرحضورداشتند. خداوندانشاءالله پیروصالح وخوش‌اقبالش‌کند .

عزل‌احتشام‌السلطنه از حکومت کردستان

عصر بمنزل جناب شریف‌الملك رفتم . جناب اجل احتشام‌السلطنه معزولا ازحکومت کردستان برگشته به‌تهران میروند .

(از پنجم شوال ۱۳۱۸ تا ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۰ دنبالهٔ روزنامه قطع شده و چندین صفحه درکتابی‌که یادداشت‌ها بآنجا نقل شده سفیداست . ظاهراً روزنامه این‌مدت در موقع انتقال یادداشت‌ها در دست نبوده و معلوم میشود در ظرف این مدت پدرم به تهران آمده و اینك بقیهٔ روزنامهٔ سفر لار) .

سفر لار درطهران

دوشنبه ۲۹ربیع‌الثانی۱۳۲۰ - سه‌روزاست باجناب‌عنایت‌السلطنه وارد لار شده‌ایم قرخ‌بلاغ که اسم این مکان و معروف به‌یورت خانلرخانی‌است‌اسم بامسمائی دارد از دامنهٔ‌کوهها درینجا است چشمه‌های‌فراوان‌جاری وآبش‌مثل‌یخ‌سرد وگوارا است.پس‌ازصرف ناهار و استراحت جناب عنایت‌السلطنه و بنده محض تن‌شوئی میان آب رودخانه رفتیم تقریباً سه ساعت و نیم بغروب مانده بود . آب رودخانه خیلی سرد نبود صدمه نزد .

در این دو سه روزه هرروز بعد از ظهر باد تندی در این دهنه که چادر زده

شده برمیخیزد و بی‌صدمه نیست . دیروز جناب عنایت‌السلطنه دوبره ودو مشک دوغ ایلاتی برای جناب وزیر مختار اطریش که در همسایگی چادر دارد فرستادند وزیر مختار پنج تومان انعام بحامل داده بود . امروز هم جناب وزیر مختار سه شیشه مشروب فرنگی با پیغامات محبت‌آمیز برای جناب عنایت‌السلطنه فرستاد که در این صحرا جز این ارمغانی نداریم جناب عنایت‌السلطنه هم معامله بمثل نموده پنج تومان انعام دادند فرنگی‌ها از مرد و زن بعضی سواره بعضی پیاده برای صید ماهی و تفرج‌بکنار رودخانه رفتند وهرروز همین کار را میکنند . حسن‌شاه هم دیروز و امروز تفنگ‌بدوش انداخته شکار پرنده رفت ولی دست خالی برگشت .

شب گاهی بصحبت گاهی ببازی شطرنج گاهی با شوخی و مزاح حسن شاه بامیرزا سید علی‌خان گذشت و شوخی این دو نفر آخر بکلاه یکدیگر را پاره‌کردن‌کشید و کلاه یکدیگر را تکه پاره کرده مقوا و ماهوت کلاه را بباد دادند .

سه‌شنبه سلخ ربیع‌الثانی ۱۳۲۰ ـ هوا خیلی معتدل وروح‌افزا بود . امروزکه قلب‌الاسد است بعد از صرف ناهار در لار با لحاف خوابیدیم . بنه جناب معیرالممالك هم باین یورت آمده ولی هنوز خودشان نیامده‌اند . حضرت والا نایب‌السلطنه هم در لار تشریف دارند نزدیك این یورت و درچشمه غلغلی اطراق فرموده‌اند .

چند نفر از کدخدایان ایلات خدمت جناب عنایت‌السلطنه آمده هریك بره و مشك ماست آورده بودند .

چهارشنبه غرهٔ جمادی‌الاول ـ بنا بود با جمعی از تفنگچیان ایلات هداوند و سوری بشکار جرگه برویم ولی چون دیر شده بود موقوف شد . دیروز شارژدافرآلمان چهار میش و بز کوهی شکار کرده بود .

شنبه چهارم جمادی‌الاول ـ از لار از راه لواسان و لتیان بطرف طهران‌حرکت کردیم ، شب را در لواسان گذرانیده و روز بعد عازم طهران شدیم .

اطاق‌نگارستان

دوشنبه ۱۳ جمادی‌الاول ـ طرف‌عصر باجناب‌آقای عنایت‌السلطنه برای تماشای اطاق‌نگارستان که تصویر سلام مرحوم‌خاقان‌مغفور فتحعلی شاه است رفتیم ، مشهدی حیدرعلی نام سرایدار آمدهادی شد و ما را باطاق مزبور برد . اطاقی است رو بمشرق که از سقف تا پائین همه منقش وتصویرخاقان مغفور و۱۲ نفر ازپسران خاقان از قبیل مرحوم عباس میرزانایب‌السلطنه وحسنعلی میرزا فرمانفرما ومحمدتقی میرزا رکن‌الدوله و سایرین همه سرپا ایستاده‌لباس قبای بلند کلجهٔ ترمهٔ آستین کوتاه و شال کمرکلفت با شمشیر و زلفهای بلند . صورت

خاقان با پسرهایش سمت بالای اطاق‌است دوسمت طول اطاق از تصاویر بزرگان واکابر واعیان دولت‌علیه وسفرای خارجه بوده و اسامی‌تصاویر هم‌نزدیك مابین‌شانه وهرتصویر نوشته شده است ·

نقاش اسمش عبدالله است در سنهٔ ۱۲۲۸ هجری این تصاویر کشیده شده است. از اشخاصی که اسمش خوانده شد مرحوم حاجی میرزا شفیع صدراعظم ، مرحوم میرزا عبدالوهاب خان معتمدالدوله مرحوم‌میرزا فتحعلی‌خان‌ملك‌الشعرا مرحوم محمدحسین‌خان قراگزلوی عاشقلو وزیر لرستان و عربستان ، مرحوم نصرالله خان حاجیلو ایضا سردستهٔ سوار مرحوم عبدالحسین‌خان ناظر ، سفیر عثمانی ، سفیر فرانسه ، سفیر انگلیس سرجان ملکم که تاریخ برای ایران نوشته است . لباس وزراء و ارکان اغلب شال‌کلاه وکلیجهٔ ترمهٔ بته‌دار و قبای بلند و همه ریش بلند بجز چند نفر از پسرهای خاقان مغفور یك نفر جوان بی‌مو درمیان صد نفر متجاوزکه درصف سلام ایستاده‌اندنبود. این اطاق‌قابل‌دیدن و تاریخی است هزار حیف که رو بانهـدام است و تعمیر نمیکنند. عمارتهـای زیـاد در نگارستان هست که همه خراب و ویران شده است . حوضخانهٔ خوب داردکه سرسرهم آنجا است .

آب قنات حاجی علیرضا علی‌الاتصال از آنجا میگذرد . جای‌خیلی افسوس‌است که عمارت باین خوبی و تصاویر اشخاص بزرگ عهد خاقان مغفور عنقریب مضمحل و منهدم خواهد شد . در خارجه این قبیل عمارات عالیه و اشکال و تصاویر سلاطین سلف و بزرگان و معروفین را خیلی محفوظ و خوب نگاه میدارند . باجناب عنایت السلطنه هرچه تماشا کردنی بود دیده و بربی‌اعتباری دنیا فاعتبرو یا اولی‌الابصار گفته با تأسف تمام از باغ نگارستان که قریباً اثری از نگارها وبنایش باقی نخواهد آمد بیرون‌آمدیم.

حوالهٔ مواجب

سه‌شنبه ۲۱ جمـادی‌الاول ۱۳۲۰ ـ تلگرافـی حضـرت اجـل مشیرالدوله وزیر امور خارجـه در باب مواجب من که حوالـهٔ شیراز است بجناب آصف‌الدولـه حکمران فارس مرقوم فرمـوده بودند به تقی خان اخوی دادم برد تلگرافخانـه مخابره نمود تا چه نتیجه ببخشد . بعـد ازکسر تومانی یکقران هفتاد ویك روز بعدازرؤیت بهفت‌قسط حواله داده‌اندبلکه‌تخفیفی در قسط بدهند .

پنجشنبه ۲۳ جمادی‌الاول از منزل جنـاب ضیاءالحکمـاء بمنزل سرکار حاجـی میرزا محمود خان میرپنج همدانی رفتم . جناب ممتازالسلطنه پدر جناب ممتازالدولـه و چند نفر آنجا بودند . ممتازالسلطنه پیرمرد خوش‌رو وبااطلاعی است صحبتهای متفرقه

از مأموریت های خود در وزارت خارجه و کارگذاری درکردستان وغیره وفواید زراعت در ایران نمودند · میگفتند درخت‌کاری بادام خیلی بافایده و کم‌زحمت است . اگر در وقت غرس نهال بادام گودی بزرگ و محاذی ریشهٔ نهال تکه سنگی گذاشته شود ریشه را چهار انگشت بالای سنگ قرار داده خاك بریزند وقتیکه نهال درخت بشود ریشهٔ آن سنگ را احاطه میکند بواسطهٔ سردی سنگ‌که در زمین است آن درخت بادام خیلی کمتر محتاج آب میشود . ممتازالسلطنه در شهر تهران‌نو که سمت دروازه قزوین است و تازه‌آباد شده‌صاحب مستغلات زیاد ازدکاکین وکاروانسرا ومهمانخانه وقهوه‌خانه هستند و ازکسب و معاملات فایده خوب میبرند .

ذکاءالملك و کمال‌الملك

پنجشنبه سلخ جمادی‌الاول ـ سرکار آقا تقی‌خان را ملاقات و از آنجا بمنزل جناب ذکاءالملك رفتم در این بین جناب‌کمال‌الملك نقاش باشی آمدند . بعضی صحبت‌ها از تألیفات ویکتور هوگو حکیم متبحر بزرگ فرانسه بمیان آمد من‌جمله از کتاب موسوم بمیزرابل.من تا عصر منزل جناب ذکاءالملك بوده از صحبت‌ها و اندرزهای سودمندشان لذت بردم .

جمعه ۱۵ جمادی‌الاخره ـ دیروز روز مولود اعلیحضرت اقدس‌مظفرالدین‌شاه‌بود مثل هرسال و رسم معمول‌جشن عیدمولود شاهنشاه ایران‌را درطهران گرفته‌شب‌چهاردهم آتش بازی مفصلی در خیابان‌الماسیه‌کردند . بازارهارا آئین بسته چراغانی نمودند.میدان توپخانه‌را یك طرف تلگرافخانه ویك سمت پست خانه و یك‌جانب‌را بانك شاهنشاهی و یك نقطه‌را سرکارمهندس باشی وزیراحتساب بطورخیلی قشنگ آئین بسته چراغان کرده بودند· رسم‌سلام‌را هم بجاآوردند . حضرت والا شاهزاده شعاع‌السلطنه‌که نایب‌السلطنه شده‌اند وزراء و وزرای مختار دول متحابه مقیمین طهران را پذیرائی نمودند جناب مشیرالدوله وزیرامورخارجه هم شب پانزدهم درعمارت شهری خودشان وزرای مختار واجزاء وزارت‌امورخارجه‌را دعوت به‌سواره نموده ضیافت شایانی دادند ·

مراجعت مظفرالدین‌شاه ازسفر اروپا

جمعه ۲۱ رجب ۱۳۲۰ ـ طرف عصر تقریباً دوساعت ونیم بغروب مانده موکب اعلیحضرت همایون مظفرالدین‌شاه ازسفر دوهفت ماهه اروپا به پایتخت نزول اجلال فرمودند · اهل تماشا اززن‌و مرد از باغ شاه‌که بیرون‌شهر است تا میدان توپخانه و خیابان امیریه مملو بود · وزرای مختار خارجه درباغ‌شاه شرف‌اندوز حضور همایونی شده مرخص شدند . اعلیحضرت همایونی ناهاررا در مهرآباد مهمان

جناب‌اجل‌معیرالممالك بودند . پس‌ازصرف ناهار به باغ‌شاه تشریف‌فرما و درآنجا وزرای مختاررا پذیرائی‌فرمودندباجاه وجلال بشهرتشریف آوردند. حضرتین والا شعاع‌السلطنه ونایب‌السلطنه و حضرت اتابك اعظم دریمین ویسار کالسکه همایونی می‌آمدند .

سلام خاص

سه‌شنبه ۲٤ ذیحجه ۱۳۲۰ - هوا ابر وباران بسیار شدیدی در کار باریدن است درمنزل غنوده خیال حرکت بجائی نداشتم‌یعنی الحق روز حرکت هم نیست از روز گذشته کارت دعوت سلام خاص نوروز ازجناب اجل‌ظهیرالدوله وزیرتشریفات رسیدکه با آب طلا چاپ شده باین مضمون :

«در روز سه‌شنبه ۲٤ ذیحجه چهارساعت ازروز گذشته سلام خاص نوروزی در حضور همایون اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلدالله ملکه منعقد است ، ظهیرالدوله وزیر تشریفات باکمال احترام ازجناب فریدالملك زید اجلاله دعوت مینمایدکه دوساعت قبل بالباس تمام رسمی‌دردرباراعظم حاضر شوند) . باضیق وقت باکمال عجله لباس‌سلام پوشیده دربخانه رفتم · دروزارت خارجه مدتی نشسته با سایر اجزاء منتظر خبر شدیم . تااینکه خبرآوردند بیائید ، باران هم درکمال تندی میبارید . رفتم در عمارت گلستان دراطاق آئینه بحضور مهر ظهور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شرف‌اندوز وتعظیم و کرنش‌بجاآورده‌ازکیسه‌ای‌که دلمه‌شاهی سفیدباشد شخصی‌که درحضور مبارك‌ایستاده‌بودو دلمه میدارد یك دلمه هم بمن داد و ازحضور مبارك‌گذشتیم . دراین سلام‌خواندن‌اسامی اشخاصی‌نبودوبعلاوه مرتب‌هم‌نبود اجزاء ادارات‌قاتی‌هم ازحضورمیگذشتند. اعلیحضرت همایونی درصندلی جلوس فرموده بودند . بعضی ازارکان و وزراء حضورداشتند .

بعد ازگذشتن‌ازحضورهمایونی بدون‌درنگ‌بیرون‌آمده درشکه جناب ادیب‌السلطنه را که آورده‌بودم نشسته باکمال تندی باران بمنزل مراجعت‌کردم .

مأموریت کارگذاری کرمانشاه

یکشنبه پنجم صفرالمظفر ۱۳۲۱ - درتعقیب اطلاعیکه جناب اشرف مشیرالدوله وزیرامورخارجه موقع ملاقات ۲۵ محرم‌راجع بمأموریت‌کرمانشاه (کارگذاری) دادند مشغول تهیه سفروگرفتن احکام مأموریت خود هستم.

امروز باتفاق جناب ثقةالملك مدیر اداره عثمانی خدمت جناب شمس‌الدین بیك‌سفیرکبیر دولت عثمانی رسیده معرفی‌شدم . ازبیاناتشان جناب‌سفیر شخص‌فاضلی‌بنظرآمد شمه‌ای‌از ماهیت و کیفیت حال بشر و طبایع مختلفه وعادات ملل متنوعه و ایمان وعلم‌وفلك محیط ومحاط بیان نمودند مقصودشان آن بود که بشرباجنس

بشر ونوع خود باید دراین عالم سازش داشته باشد . درظرف یکساعت که آنجا بودم از اظهارات ایشان خیلی استفاضه کرده باجناب انورافندی باشی کاتب سفارت عثمانی هم آشنا شدم بعد ازظهر بوزارت امورخارجه رفته ازحضرت اجل مشیرالدوله مرخصی حاصل روی بندمرا بوسیدند وبنده هم دستشان را بوسیدم فرمایشات لازمه وتعلیمات این مأموریت را مختصراً فرمودند. بااجزاء وزارت خارجه اشخاصی که بابنده لطف داشته وداع کردم.

عزیمت بکرمانشاه

سه شنبه هفتم صفر ۱۳۲۱- بعدازوداع باآقایان دوستان یکساعت بغروب مانده بخواست وعون الهی ازطهران حسب الامر بسمت کارگذاری مهام خارجه کرمانشاهان حرکت کرده بحضرت عبدالعظیم آمدم . اخوان مکرم تقی خان وستارعلی خان هم همراه بودند این سفر بنده درطهران تقریباً ۱۶ ماه طول کشید . این اولین سفرمأموریت من درداخله ایران است تاتقدیرسرنوشت چه باشد . فرزندی محمد هاشم هم دراین سفرهمراه است .

روزنامه مسافرت ازطهران بکرمانشاه

چهارشنبه هشتم صفر ۱۳۲۱ - یکساعت از دسته گذشته از حضرت عبدالعظیم (ع) بسمت مقصد که کرمانشاهان است روانه شده محمدحسن خان قراسوران باشی و پنجاه باشی هم همراه هستند .

از حضرت عبدالعظیم بطرف رباط کریم میرویم ازچندپارچه ده دربین راه عبور شد . صحرا همه جا سبزوخرم است کمی باد میوزد ولی گرم است . دونفرسید برخوردند وگفتند عزم زیارت خراسان داریم . رسم است هرجا مسافری ببینند دور او جمع میشوند وپول میخواهند وچاره جزدادن پول نیست . ازطهران تاقاسم آباد سه فرسخ سنگین واز قاسم آباد تارباط دو فرسخ میگویند . بعد از رسیدن به رباط معلوم شد سه فرسخ است .

پنجشنبه ۹ صفر ۱۳۲۱ - صبح ازرباط کریم روانه شده برحیم آبادکه شش فرسخ است آمدیم آنجا پیاده شده غذا صرف کردیم جای بدی است آبش هم شور است . بعداز صرف غذا ازرحیم آباد بصدرآباد آمدیم . اغلب اهالی آنجا سادات هستند . درخانه سید مجتبی منزل کردیم .

جمعه دهم صفر- صبح باسید مجتبی وداع کرده روانه کشك شدیم . ازصدرآباد تاکشك پنج شش فرسخ مسافت وراه هموار است . یك کاروانسرا مرحوم شاه عباس دردانك ساخته که محل عبورمسافرین قزوین ورشت بقم وکاشان واصفهان است ازقراریکه میگویند دزدگاه است وقطاع الطریق درآن کاروانسرا منزل میکنند .

شنبه ۱۱ صفر- بین الطلوعین ازکشك حرکت کردیم . همه جا سبزوخرم ودرختهای

میوه‌شکوفه‌کرده .قریب پنج‌ساعت اسب‌رانده به‌بی‌بران رسیدیم‌وپس ازصرف‌غذا بنوبران رفتیم . امروز نه‌ساعت اسب رانده‌وخسته شدیم .

یکشنبه ۱۲ صفر- پس ازپرداخت حساب صاحب منزل که هرچه دلش‌خواست حساب‌کرده ومطالبه انعام هم نمود یکساعت ازآفتاب گذشته ازنوبران حرکت‌کرده پس طی دوفرسخ به‌دوخان رسیدیم . پس ازصرف ناهـار درمنزل میرزا یحیی سحر ازدوخان روانه ده دوان ملکی جناب حسام‌الملك شدیم . ازنوبران تاده دوان شش هفت فرسخ‌است امروز پنج روز است ازطهران بیرون آمده‌ام .

دوشنبه۱۳ صفر ۱۳۲۱ - صبح ازده دوان روانه شده‌درقریهٔ سرای‌پیاده وپس‌از صرف غذا ومختصراستراحت بعین آباد رفتم . شب‌را درخدمت سرکاران عبدالرحمن‌خان وطاهرخان سرتیپ مفتح‌الدوله گذراندم .

سه شنبه ۱٤ صفر - باتفاق سرکار طاهرخان سرتیپ به‌دان دان‌آباد دیدن‌جناب جلاءالملك‌رفتیم . تاعصرآنجا بودیم - سه بغروب مانده روانه‌قرخلر وازملاقات‌بنی‌اعمام مسرورشدم .

چهارشنبه ۱۵ صفر- سه ساعت‌ازروز گذشته‌بمعیت عده‌ای‌ازاقوام‌که تاکوریجان بدرقه‌کردند حرکت‌وپس ازصرف‌ناهاردرلتگاه بعدازمغرب سلامت وارد خانه شده ازدیدار فرزندی مسعود و متعلقان سرورشدم .

پنجشنبه ۱٦ وجمعه ۱۷ صفر - درهمدان متوقف بعضی از آقایان که ازورود بنده مطلع شده بودندبسرافرازیم تشریف آوردند . شب شنبه ۱٦ درمنزل جناب‌عنایت‌الملك موعود بودم جنابان منتصرالملك ، آقامیرزا محمدخان ، نواب‌والا نصرت‌الممالك وجناب بشارت‌السلطان رئیس تلگرافخانه و آقا میرزا حسین پسر میرزا علی عزب دفتر هم بودند مجلس حالی بود خوش‌گذشت .

شنبه ۱۸ صفر - یکساعت ازروز رفته ازهمدان حرکت بین راه به‌آقای میرزا بزرگ‌خان‌که عازم همدان بودند برخوردم . ایشان فسخ عزیمت نموده باتفاق بگندجین رفتیم درآنجاآقای‌حاجی‌میرزا محمودخان میرپنج‌هم‌تشریف‌داشتندشب‌را درآنجا گذرانیده وصبح دوساعت بدسته مانده روانه پس ازعبورازاسد آباد بمندرآباد آمدیم . پس‌ازصرف غذا عازم کنگاور ودوساعت بغروب مانده بمقصد رسیدیم .

در کنگاورکه قصبهٔ بزرگ معموری‌است دریك کاروانسرا منزل شد . جمعیت زیادی از مرد و زن در آنجا بودند . امروز هشت فرسخ طی‌شد (ازگندجین به اسدآباد سه فرسخ و از اسدآباد تا کنگاور ۵ فرسخ) .

دوشنبه ۲۰ صفر ۱۳۲۱ - از کنگاور سوار شده پس از طی دو فرسخ به آقای حسین خان مهاجرانی شجاع‌السلطان که از عتبات مراجعت میکرد برخورد کردم . پس از عبور از گردنهٔ بیدسرخ و سراب بیدسرخ کـه جای باصفائی است بصحنه رسیدم . در آنجا ناهارصرف وپنج بغروب‌مانده بطرف‌بیستون‌راندیم . میرزاحسن‌خان‌منشی‌کارگذاری باستقبال آمده بود باد وطوفان شدیدی شد وباران مختصری‌آمد . چند نفرازقراسورانها را سرکار انتخاب دیوان قراسوران باشی حسب الامر ایالت و چند نفر از اهل بیستون باستقبال فرستاده بودند مرا بمنزل انتخاب دیوان بردند . شب را درآنجا بسر بردم .

ورودبکرمانشاه

سه‌شنبه ۲۱ صفر - ازبیستون روانه وبحصارسفیدآمدیم . جناب ادیب‌الحکماء و بعضی از اجزاء کارگذاری باستقبال آمدند . در اینجا ناهار صرف وطرف عصر روانه کرمانشاه شدم . نواب والا شاهزاده اکبر میرزا ، ایرج میرزا سالار نظام،شاهزاده قاسم میرزا کشیکچی‌باشی‌وسرکار شیخ مهدی‌خان باسوار زیاد از جانب حضرت والا شاهزاده فرمانفرمای ایالت کرمانشاه باستقبال آمدند باتفـاق وارد شهر شده خدمت حضرت ایـالت رسیده پس از نیم ساعت آمده ورود خود را بحضرت اشرف مشیرالدوله تلگرافاً اطلاع دادم .

شنبه ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۱ - از ۲۲ صفر تـا امروز بواسطهٔ دید و بازدیـد مردم و اشتغال بانجام و ترتیب امور کارگـذاری مجال نوشتن روزنـامه نشده اغلب وقت من بسئـوال و جـواب و اظهارات شهبندری و عرایض عثمانی‌گذشته و یك فقره هم اجاره املاك جناب‌آقای امام جمعه‌سلطان‌العلماء بدونفر تبعه روسیه‌است‌یک فقره هم ارباب طلب مرحوم حاجی عبدالرحیم وکیل‌السفـاره است که جمعی ازآن‌مرحوم ادعای طلب‌میکنند وفعلا دستشان بجائی بندنیست .

ازعلماء عظام ، شـاهزادگان فخام واعیان وتجار داخله وتبعه خارجه وغیره بدیدن آمدند من هم متدرجاً ببازدید مردم رفتم .

خلعت پوشان آقا شیخ هادی

پنجشنبه ۲۱ ربیع‌الاول - محض دعوت خلعت‌پوشان جنابان‌آقای آقا شیخ هادی مجتهد وپسرشان آقا رحیم مجتهد بخانه‌شان‌رفتم یك حلقه انگشتر الماس برای جناب آقا هادی ویك‌عصای مرصع برای جناب آقا رحیم ویك عبای سلسله دوزی برای جناب صدر ازطرف اعلیحضرت اقدس همایون مظفرالدین شاه مرحمت‌شده بود نواب‌والامحتشم‌الدوله که ازطرف ایالت حامل‌بودند آورده زیب‌پیکرآقایان نمودند. خطیب‌هم فرامین‌مبارك‌را

درسرمنبر قرائت‌کردند. جمعیت زیادی ازطبقات مردم برای تبریك آمده بودند .

شب گذشته هم درایالت مهمان حضرت والا شاهزاده فرمانفرما بودم مهمانی سرمیزبود وهمه فرنگی بودند .

مهمانی ازشاهزاده فرمانفرما والی و جمعی در کارگذاری

شب یکشنبه ۲ ربیع‌الثانی ـ حضرت والا شاهزاده فرمانفرما ایالت جلیله باجمعی درکارگذاری بشام سرمیز موعود بودند : (حضرت والا فرمانفرما ـ محتشم‌الدوله ـ اکبرمیرزا ـ شاه‌مراد میرزا رئیس تلگراف ـ خسروخان افتخارالولاة ـ سعیدالسلطان‌نایب‌الحکومه، احمد بك‌وکیل‌باشی‌شهبندری ـ مسترفرکسن‌رئیس بانك اجنت قونسول انگلیس ـ ادیب‌الحکماء) بارن‌دول رئیس‌گمرك و پست‌کرمان هم موعود بود بواسطه‌کسالت‌معذرت خواسته بود درکرمانشاه مهمانی‌سر میز خالی اززحمت واشکال نیست .

ورود کریم‌بیك باش‌شهبندرعثمانی وضیافت درمنزل ظهیرالملك

جمعه ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۱ ـ مطابق ۳ ژویه ۱۹۰۳ قبل ازظهر بدیدن سعادت‌مآب‌کریم‌بیك افندی باش شهبندر عثمانی‌که تازه‌از اسلامبول واردکرمانشاه شده‌بود رسماً رفتم . سه روزاست‌که‌باش شهبندر واردشده . روز ورود ایشان ازایالت جلیله و کارگذاری یدك وسواربرای‌استقبال فرستاده شد . امام جمعه سلطان‌العلماء آقا رحیم مجتهد هم آمده بودند . ازآنجا بخانه جناب‌ظهیرالملك به‌صرف‌ناهارموعود بودم‌رفتم حضرت ایالت وجمعی ازشاهزادگان تشریف داشتند. وضع خانه واثاثیه جناب ظهیرالملك‌بواسطه قدمت خانوادگی برخانوادهای این بلد مزیت‌داده ناهارماکول وفراوانی تهیه دیده بودند. [1]

دوشنبه ۲٤ ربیع‌الثانی سرکاروالاشاهزاده سعیدالسلطان نایب‌الایاله درطاق‌بستان به‌ناهاردعوت‌کرده‌بودند باتفاق نادعلی‌خان اخوی فرزندی هاشم وعلی‌خان‌رفتم.

دوشنبه ۲ جمادی‌الاول ـ دیشب برحسب‌دعوت ایالت جلیله‌بدارالایاله‌رفتیم جمعی از شاهزادگان شاهزاده منصورالسلطنه ومحتشم‌الدوله، افتخارالولاة و بارون‌دول رئیس‌گمرك وپست وجناب‌کمال‌الوزاره بودندسماع حضور میرزا حبیب سنتوری هم‌بود سنتورمیزد .

---

۱ ـ در مدت توقف پدرم درکرمانشاه‌بواسطه‌موقعیت‌محل غالباً مهمانی‌هائی‌میدادند ویابمیهمانی‌هائی میرفتند که فقط بذکرضیافت‌های مهم یاجالب اکتفا میشود

نمونه‌ای ازیك محاکمه در کارگذاری

سه‌شنبه ۱۰ جمادی‌الاول بقصد دعاوی حاج‌سید محسن بسطام با آقا محمداسمعیل پسرمرحوم حاجی‌محمدعلی مشیرالتجار که‌طرفین چندین‌بارباهم مراجعه داشتندمشغول رسیدگی شدم . دریك فقره منجربقسم شد حاجی‌سیدمحسن درمحضرحاکم شرع‌رفت وقسم‌یاد کرد ومامورکارگذاری صدتومان‌ازآقا محمداسمعیل‌گرفت وبسید دادکه‌گذشتن این‌عمل بواسطه‌لجاجت طرفین‌ازغرائب‌بود. دوساعت بغروب‌مانده(یکشنبه ۱۵ جمادی‌الاول ۲۱) برای‌امتحان دادن‌مدرسه اسلامیه‌که مدیرآن جناب شیخ‌سعیداست دعوت‌کرده بودندرفتم حضرت‌والا فرمانفرماوعده‌ای بودند،شاگردها برای‌امتحان حاضر شدند،عده‌ای‌که فارسی‌خوان‌بودنداز‌کتاب‌گلستان قرائت‌کردند وخوب امتحان ندادندبعد فرانسه‌خوانهارا حضرت والا امتحان فرمودند امتحان فرانسه‌را خوب دادند ولی ترتیب امتحان خوب نبود چون اول امتحان دادن شاگردهای مدرسه بودخیلی نواقص داشت . اگر پایدار بماند ومواظبت شود بتدریج درست‌خواهد شد .

جمعه ۲۰ جمادی‌الاول ـ برحسب دعوت سرکار والا شاهزاده محتشم‌السلطان ناهار بمنزل ایشان رفتم ایالت جلیله و عده‌ای دیگر هم بودند . عمارت شاهزاده محتشم‌السلطان در کرمانشاه از عمارات عالیه و خوب بنائی است آب جاری و فواره‌ها و حیاط وسیع دارد . ناهار بسیار مفصل و ماکولی ترتیب داده بودند . اهل طرب هم بود .

ضیافت دردارالایاله

شب شنبه ۲٤ جمادی‌الاول ـ با عده‌ای از فرنگی‌ها شام در دارالایاله دعوت داشتیم . بعد ازمغرب کریم بیك باش شهبندر چند نفر از اتباع عثمانی را جمع کرده بایالت آورده بود که من و این عده امنیت میخواهیم و حال آنکه در اینجا ناامنی برای احدی نیست این حرکت کریم بیك را حضرات مدعوین که حضور داشتندخیلی توبیخ و سرزنش نمودند .

گل‌زدن بکلاه

عصر بمجلس فاتحه‌خانهٔ جناب وثوق‌الممالك لشگر نویس باشی رفتم که پدرش فوت شده بود چیز غریبی دیدم‌که صاحب عزا و متعلقان او برکلاهشان‌گل زده بودند معلوم میشود درکرمانشاه رسم است هرکس بمیرد بستگان گل بکلاه میمالند تا علامت عزاداری باشد .

مولود شاه و خلعت‌پوشان فرمانفرما

دوشنبه ۱٤ جمادی الاخرهٔ ۱۳۲۱ - روز عید میلاد اعلیحضرت اقدس‌همایون‌شاهنشاه مظفرالدین‌شاه‌دارالایاله‌را زینت داده بودند جناب بهجت‌الملك‌که‌حامل خلعت همـایونی برای حضرت والا فرمانفرما حکمران بود وارد و حضرت والا خلعت‌جهان قیمت را زیب پیکر فرمودند. سلام عام‌منعقد گردید،خطیب باشی‌خطبه خواند مردم ازهمهٔ طبقات‌حاضر بودند موزیك سلام‌نواخت. با لباس‌رفتم بواسطهٔشرفیاب شدن و عرض تبریك باش شهبندر ،کریـم بیك و احمد بیك شهبندر ومسیو رابینوویس قونسول‌ورئیس بانك‌وبارون دول رئیس‌گمرك‌وپست‌خانه‌با اجزا قبل‌ازظهرشرفیاب شدند.

شب هم آتشبازی و موزیك بود . بعد ازآن حضرت ایالت جلیله با اجزاء و شاهزادگان و اعیان بازارها و کاروانسراها را که چراغانی و آئین بسته بودند گـردش فرمودند وبه تجار و کسبه اظهار تلطف فرمودند . بعد از مراجعت ازبازار و سربازخانه و مریضخانه که همه را چراغان کرده‌بودند تشریف بردند . بعد بنای آتش‌بازی شد در میدان توپخانه آتش‌بازی نمودند و مـوزیك نواختند . پس از آن بسر میز شام تشریف برده شام خیلی ماکول و مفصلی صرف شد ، ساعت چهار از شب گذشته مجلس بخوشی و خوبی ختـم شد . دراین شب تمام طبقـات از شاهزاده‌ها و مستوفیان و دارالانشاء و سربازخانه هرکس در مجلسی علیحده صرف شام نمودند .

خلعت‌پوشان‌های متعدد

چهارشنبه ۱٦ ج ۱ - عصر دیروز نیم‌ساعتی بگمرکخانه بمجلس جشنی کـه مسیو بونتان نـایب رئیس گمرك بمناسبت مولـود اعلیحضرت‌شاهنشاه منعقد نموده بود بعدبرای تبریك‌خلعت‌پوشان جناب امین‌الممالك (سرداری باشمسه مرصع) و از آنجا به تبریك خلعت‌آقای معین‌الرعایا رفتم .

امروز نیز برای تبریك حاجی حسن خـان کلانتر و حسینیه آقـای امام‌جمعـه بمناسبت انگشتری که اعلیحضرت همایونی بوسیلهٔ آقای بهجت‌الملك برای‌ایشان‌فرستاده بودند رفتم . اتفاقـاً آن مجلس هم مجلس عزای عیال جنـاب رئیس‌العلماء و هم تبریك خلعت حضرت امام‌جمعه بود .

موضوع حمل جنازه بعتبات و اظهارات فرمانفرما

شنبه ۱۹ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۱ طرف‌عصر بدارالایاله‌رفتم‌چنـد نفر از آقایان علماء با اتباعشان آمدند صحبت‌های متفرقه دربعضی مسائل و عقاید بمیان آمد از جمله حمل جنائز بعتبات عالیات‌که بعضی از علماء جایز نمیدانند و بعضی جایز میداننـد . حضرت والا فرمانفرما فرمودنـد من بهمه گفته‌ام و حـالا هم در محضر شماها میگویم و وصیت میکنم اولا من مسلمان پـاك و حضرت

ختمی‌مآب محمد مصطفی (ص) را خاتم پیغمبران و حضرت ولایت‌مآب علی‌مرتضی(ع) را با یازده فرزندش امامان برحق میدانم و عقیده‌ام را صحیح میدانم با وجود این‌تفصیل وصیت میکنم هرگاه من در کرمانشاه یا هرجای دنیا بمیرم بفاصلهٔ سیصد قدم ازآن نقطه که مردم مرا دفن کنند و بهیچ جا جنازه‌ام را حمل نکنند هرکس هم هرخیالی دربارهٔمن میکند بکند که با آن همه مکنت چرا وصیت‌نکرده جنازه‌اش‌را حمل عتبات عالیات‌بکنند.

در آن سه چهار سال توقف عتبات وضعهای بد و بی‌احترامی‌ها از یهود وغیره نسبت بجنازه‌های مردم دیدم که از این خیال منصرف شدم . درآن مجلس قبالهٔ چند پارچه ملك واقع در اسدآبادکه جناب بهجت‌الملك از جناب میرزا علی‌مستوفی همدان به‌شانزده هزار تومان باسم خود خریده بودند در حضور آقایان معظم به حضرت والا فرمانفرما منتقل نمودند .

استعفای اتابك

٤شنبه ۲۳ ج ۲ ـ امروز تلگرافی ازطهران (بندگان اعلیحضرت همایونی) بایالت جلیله رسید مبنی براینکه حضرت اتابك اعظم استعفا داده من‌بعد عرایض و مطالب ایالتی مستقیماً بخاکپای اقدس همایونی عرض شود این خبر و تغییر تازه تمام امور دوائر دولتی و مملکتی و ارتباط خارجه را با دولت ایران ناچار تغییرات کلی خواهد داد .

جمعه ۲۵ ج ۲ ـ ۱۳۲۱ برحسب دعوت جناب آقای امام‌جمعه سلطان‌العلماء بمنظریه یك‌فرسخی کرمانشاه رفتم . حضرت والا فرمانفرما وجمعی‌ازعلماء وشاهزادگان دعوت داشتند. منظریه جای خوش منظر و خوش آب و هوا است عمارت خوبی‌هم تازه احداث نموده‌اند از قراریکه شنیدم اتابك اعظم بعزم مکه از طهران حرکت کرده‌اند (۳ رجب) .

ورود اولین قونسول روس بکرمانشاه

سه‌شنبه۲۷شعبان۱۳۲۱ـ ازایالت‌جلیله‌نواب‌والاسالارنظام باچند سوار و یدك برای استقبال مسیو نیکولسکی قونسول دولت بهیه روس مأمور کرمانشاه (اولین قونسولی است که دولت روسیه برای کرمانشاه تعیین کرده) و از طرف کارگذاری برادر مکرم میرزا نادعلی‌خان نایب‌کارگذاری‌را با میرزا حبیب‌الله‌خان و میرزا اسدالله خان با چند نفر سوار تا پل قره‌سورفتند . مسیو نیکولسکی دو و نیم بغروب مانده وارد شهر شدند . دو ساعت بعد از ورود،من از قونسول دیدن نمودم . بقدر نیم ساعت نشسته مشغول صحبت شدیم قونسول زبان فارسی خوب حرف میزد ولی خانمش فارسی نمیداند از قرار معلوم قونسول و خانمش اهل پطرزبورغ هستند و تازه

عروسی کرده‌اند . سن قونسول از قراری که میگفت ۳۵ سال است و پنج سال است بایران آمده .

چهارشنبه ۲۸ شعبان ـ دو ساعت بغروب مانده با لباس رسمی بدارالایاله رفتم قونسول هم با لباس خدمت حضرت ایالت شرفیاب شد حضرت والا فرمانفرما هم لباس رسمی پوشیده‌شمشیر مرصع حمایل‌انداخته‌بودند . قونسول تقریباً یکساعت‌نشست.

ضیافت در قونسولگری روس‌بمناسبت اسم‌گذاری امپراطور

شنبه ۲۹ رمضان ۲۱ ـ چهار ساعت بغروب مانده محض تبریك اسم‌گذاری اعلیحضرت امپراطور کل روسیه بقونسول‌خانه‌رفتم. دو روز قبل هم از کارگذاری رقعه دعوت بشاهزادگان و اعیان و محترمین شهر نوشته شد .

حضرت والا شاهزاده فرمانفرما ، سرکار والا منصورالسلطنه ، جناب افتخارالولاة و افخم‌السلطنه وسعیدالسلطان نایب‌الایاله و جمعی دیگر برای تبریك آمدند . بمسیو نیکولسکی قونسول و خانمش تبریك گفتند . قونسول تهیهٔ شیرینی و میوه دیده بود و تعارف کرد چون ماه رمضان و روزه بودیم چیزی اکل و شرب نشد .

(افتخارالولاة کردستانی که طبع شعر داشته بمناسبت این مجلس شعری‌سروده که بی‌مناسبت نیست در اینجا ذکر شود . ولی تمام شعر یادداشت نشده فقط دو سه بیت آن در دست است :

بکرسی‌جلوه‌گر مادام قونسول — ربوده عقل و دین از جمله امروز
بیاض گردن همچون بلورش — مصفاتر ز کافور است امروز
. . . . . — فریدالملك ناجور است امروز [1]

مهمانی ازوزیر مختار انگلیس

سه‌شنبه ۲۳ شوال ۲۱ ـ جناب سرهاردینگ وزیر مختار دولت فخیمهٔ انگلیس مقیم طهران را که از بوشهر برگشته وارد کرمانشاه شده بودند قبل ازظهر درمنزل مستر رابینو رئیس‌بانك شاهنشاهی دیدن کردم . ایشان‌هم نزدیك غروب با مستر جرج چرچیل که همراهشان آمده ببازدید بکارگذاری آمدند . وزیر مختار آدم خوش‌محاوره و متعارف و سن ایشان میان چهل و پنجاه است . شب چهارشنبه را هم وزیر مختار در دارالایاله مهمان حضرت والا بودند من هم موعود بودم . مسیو نیکولسکی قونسول روس ، مسیو مولیتور رئیس گمرك و پست موسیو بونتان مفتش گمرك ، احمد بیك شهبندر، مسیو رابینو رئیس بانك شاهی با چند نفردیگر حضور داشتند . شام‌ماکولی

۱ـپدرم روزه بوده است.

درسرمیز صرف شد .

بعد ازشام ادیب‌الحکماء آمد بوزیرمختار معرفی شد · وزیرمختار زبان‌فرانسه وآلمانی وعربی حرف میزند . تاساعت چهار ازشب‌گذشته دردارالایاله بودم بعد مجلس بخوشی ختم شد .

تلگرافی ازمیرزا هادی خان سرهنگ تلگرافخانه ازطهران رسید خبرحزن‌انگیز فوت جناب میرزا فضل‌الدین مشهوربجناب، برادر میرزا اسدالله‌خان نایب‌کارگذاری کرمانشاه‌را مخابره نموده بودخیلی‌اسباب تأسف شد · میرزا فضل‌الدین جناب آدم‌فاضل وباعلم وکمال وحقوق شناس وباوفائی بود خداش بیامرزد اودر۲۱ شوال این جهان‌را بدرود گفته است .

پنجشنبه ۲۵ شوال ۱۳۲۱ جناب وزیرمختارانگلیس ازکرمانشاه حرکت‌نمودند میرزانادعلی‌خان اخوی‌تایك میدانی‌شهربایدك بدرقه‌نمود . عصربرای تعزیت‌بمنزل جناب آقا ابوالقاسم رئیس‌العلماء رفتم ازآنجا برای تبریك عید نوروز سال روسی بدیدن جناب قونسول روس رفتم . روز اول سال جدید روسی ۱۳ ژانویه است .

جناب سرهاردینگ وزیرمختارانگلیس توسط مسیورابینورئیس بانك شاهنشاهی کرمانشاه واژنت قونسول انگلیس‌درعوض یادگاری‌که من برای ایشان فرستاده بودم‌یك یادگاری قشنگی برای من‌داده بودندکه خالی ازتعریف نیست ·

فوت امام جمعه طهران

شنبه ۱۹ ذیقعده ۱۳۲۱ ـ صبح جناب مستطاب آقای آقامحمود که ازعلمای بلد هستند بدیدن تشریف‌آوردند فرمودند درحسینیه مرحوم آقای حاج آقا مجلس‌فاتحه‌برای فوت‌امام جمعهٔطهران‌که ظهیرالاسلام لقب داشتند منعقد شده است . همین امام جمعه دراواسط شوال گذشته از زیارت بیت‌الله وعتبات مراجعت‌نموده بکرمانشاه آمد بااحترامات وتشریفات تمام‌سه‌شب مهمان حضرت ایالت بودند . جناب آقا سید جلال پسردومشان هم همراهشان بود.

در۱۶ این ماه جهان‌را بدرودگفته‌اند. تقریباً ۷۰ سال داشته ودرطهران‌املاك ومستغلات بهم بسته بود .

یکشنبه ۲۷ ذیقعده ـ پس ازادای‌فریضه بدیدن وتسلیت جناب‌کمال‌الوزاره‌پسر جناب مشاورالملك کارپرداز بغداد رفتم که عیال جوان و محبوبه او فوت شده بود حقیقتاً بحال پریشان وافسردگی کمال الوزاره حالت رقت بمن دست داد نیم ساعتی آنجا نشسته دلجوئی نموده بمنزل‌برگشتم دیدم جمعی‌ازقبیل راغب افندی وعمدةالتجار میرزا فتح‌الله‌رئیس‌التجار که هردو قیم صغار مرحوم حاجی عبدالرحیم وکیل‌السفاره

هستند وبعضی ازارباب طلب‌وبدهکار حاجی عبدالرحیم مرحوم حاضرشده‌اندکه باحضور قیم‌ها ومأمورین ایالت درکارگذاری باین امورسیدگی شود .

نزاع روس وژاپن

این اوقات نزاع بین دولت روس وژاپن درکره شهرت دارد.ولی هنوز جنگ شروع نشده واحتمال قوی میرود میان‌این دو دولت جنگ واقع شود .

تیرخوردن دست نادعلی

شب شنبه دهم‌ذیحجه ۲۱-شب شنبه‌دهم وشب عید اضحی است قریب‌سه ساعت‌ازشب گذشته واقعه‌وحادثه‌روزجمعه نهم‌را باحال فکار مینویسم . تاسه ساعت بغروب مانده حال‌خوشی گذشت . ناهاررا درمنزل‌جناب خسروخان والی افتخار الولاة مهمان بودم شاهزاده شاه مرادمیرزا رئیس تلگراف جناب حاج شیخ‌علی کلیددار ونادعلی‌خان اخوی هم موعود بودند . ناهارماکولی صرف شد سه بغروب مانده بانادعلی‌خان بمنزل آمدیم من ااندرون‌رفتم ساعتی گذشت گفتند ادیب‌الحکماء بیرونی آمده بیرون رفتم دیدم میرزا نادعلی‌خان بامیرزا عبدالله‌خان مصمم‌سواری هستند . حضرات رفتند وسوار شدند من و ادیب‌الحکماء مشغول صحبت‌های متفرقه شدیم تقریباً سه ربع ساعت گذشت یکدفعه دیدم میرزاجان جلودار سراسیمه واردشد گفت یك دست نادعلی‌خان‌را تفنگ برد . بعد ازچند دقیقه نادعلی‌خان ناله‌کنان‌وفریادزنان آمد ومیگویددستم رفت . حال من بی‌اندازه‌منقلب وپریشان گردید جناب‌ادیب‌الحکماء دستمالی‌راکه بدست‌نادعلی‌خان بسته شده بودوخون جاری بود بازکرد من طاقت نگاه‌کردن نکردم ادیب مشغول پاك‌کردن خون وبستن‌زخم شد دراین بین جناب حاجی میرزا محمودخان دکترحضرت ایالت وآقا میرزا عبدالله‌خان دکترکه درجراحی ماهروپسر میرزا محمد دکتراست آمدند . دوباره دستمال دست‌نادعلی خان‌را بازکردند ونگاه‌کردندازنوشستشو کرده‌دوائی که‌لازم بود زدند وبعضی گوشت‌هاراکه بایست بریدند معلوم شدکه انگشت سبابه ، انگشت شصت وانگشت ابهام را تمام تفنك برده. تفنك دولول سرپری‌که تازه خریده بود از وسط چنان ترکیده‌که لوله ازهم باز شده‌بود . تادوساعت ونیم‌ازشب گذشته دکترهامشغول‌شستن وبستن زخم بودند . جناب افتخارالولاة ، امین‌الممالك ومعین‌الرعایا وشاهزاده سیف‌الله میرزا ازطرف حضرت‌والا ایالت باحوالپرسی آمدند .

. شب عید قربان این قضای ناگهانی بمیرزا نادعلی‌خان اخوی حالم‌را خیلی پریشان وعیدرا باهل خانه‌سیاه کرد . بازجای شکرش‌باقی است که این صدمه بدست چپ

وارد شده فعلانه‌هوش دارم ونه‌حواس هیچ منتظرنبودم‌روزنامه امروزرا اینطوربنویسم .

چون قضا آرد برون از چرخ سر عاقلان گردند جمله کور و کر

ازکلام بزرگان است :

الفلك قسی والحوادث‌سهام فاین تفرون یعنی‌چرخ یافلك مثل کمانی است و حوادث تیرها پس کجا فرارمیکنید ؟ بااین تفصیل حزم واحتیاطرا نباید ازدست داداسب تازی وتیراندازی بدون ضرورت باعث بس خطرها وخارج ازعقل است .

شنبه ۱۰ ذیحجه ۲۱ که عید قربان بودبواسطه اغتشاش حواس وصدمه وارده برمیرزا نادعلی‌خان اخوی‌عید نکرده‌تمام روزرا درمنزل مشغول پذیرائی مردم‌که بعضی برای احوالپرسی نادعلی‌خان وبعضی بجهت عید میآمدند بودم . اغلب ازاعیان شهر و شاهزاده‌ها و مأمورین خارجه‌آمدند . جناب عبدالکریم بیك‌باش شهبندرعثمانی،احدبیك شهبندر،راغب افندی ، خلیل‌افندی‌کاتب ، جناب نیکولسکی قونسول روس جناب‌مستر رابینوقونسول انگلیس ، ازشاهزادگان‌نواب والا عمادالسلطان اکرم‌الدوله ، محسن‌میرزا عباسقلی میرزا ، صمصام‌السلطان ، بهاءالسلطان‌فرخ‌خان ایلخانی وفتح‌السلطان ، نواب والا سعیدالسلطان نایب‌الدوله‌بااجزاء شان مؤیدالوزاره جناب حاجی مجیرالملك منشی‌باشی‌ـ نواب والا مرات‌السلطان وحاجی میرزا محمودخان منشی ومیرزا فتح‌الله‌خان ، جناب حاجی شیخ‌علی‌کلیددار ، سردارحیدرقلی‌خان ومحمدجعفرخان ، پسران سردارنور‌ـ محمدخان افغان .

ازطبقه تجارجنابان حاج محمد صراف همدانی ، حاج‌علی‌محمد تاجرهمدانی آقا شعبان تاجرهمدانی .

شنبه ۲٤ ذیحجه ۲۱ ـ دراین دو هفته مشغول مداوای میرزا نادعلی خان اخوی (که اوائل حالش مغشوش وبواسطه تب هذیان میگفت) و پذیرائی اشخاصی‌که باحوالپرسی میآمدندبودم. سه روزاست‌بحمدالله‌زخم‌دست‌روبالتیام ومزاجش روبه‌بهبودی است ولی هنوزگاهی پرت حرف میزند .

جنگ روس وژاپن دیروز عصر ببازدید قونسول روس رفتم بعضی اخبار تلگرافی از پطرزبورغ‌را در باب‌جنگ روس و ژاپن که فارسی چاپ شده‌بود قونسول داد خواندم .

دولتین روس و ژاپن درنزدیك کره شروع بجنگ کرده باینطور که دوکشتی روسی‌را غفلتاً چهارده کشتی ژاپنی احاطه‌کرده‌جنگ مختصری شده ولی هنوز وضع‌جنگ وغالب ومغلوب‌درست معلوم‌نیست.

دوشنبه ۳ محرم‌الحرام ۱۳۲۲ - اول سال عجم وتحویل شمس به برج حمل بعبارت اخری عید نوروزاست . بواسطه بودن دهه عاشورا عید نکردند ولی مأمورین خارجه مقیمین کرمانشاه علی‌الرسم بدون لباس رسمی ازایالت جلیله دیدن نمودند .

طرف عصرهم بکارگذاری آمدند . بامسیونیکولسکی قونسول روس یکنفرطبیب روسی که تازه بکرمانشاه وارد شده حضورایالت جلیله آمده بود . ترکی آذربایجانی و روسی حرف میزد،دوطرف صورتش را تراشیده درچانه ریش گذاشته بود . حال نادعلی خان اخوی بازامروز عصرمنقلب وازصدمه ودرد زخم دست داد وفریاد وبی‌تابی میکند باوجوداینکه هرچه هردقیقه میخواهدحاضرومهیا وچند نفرنوکرمواظب خدمت وهمشیره والده نورچشمی صادقخان شب‌وروز پرستاریش میکند بازنارضی واظهار دلتنگی‌وشکایت میکند خداوند انشاءالله زود شفایش بدهد .

مرض‌وبا درعتبات

جمعه ۱٤ محرم ۱۳۲۲ ده روز است‌روزنامه‌ننوشته یعنی‌تازه‌ای هم نبود مشغول مواظبت حال نادعلی خان هستم‌دوروز قبل حاجی دکترخان نشترزد بعضی جراحات‌که دورزخم جمع شده و اذیت میرساند منفجرگردیده نادعلی‌خان قدری آسوده شد .

طرف عصر بدیدن جناب‌حاجی واثق‌السلطنه نواده مرحوم میرزا آقا خان‌صدر-اعظم‌که عازم عتباتند رفتم گرچه این روزها برحسب حکم دولتی رفتن زوارمنع وقدغن شده (بواسطه مرض وبا) بعد بدارالایاله رفتم مسیو دومرگان فرانسوی‌که ازطرف‌مجلس معارف فرانسه مأمورکشف اشیاء عتیقه وحفر بعضی بناهای قدیم ایران وچند سال است درخرابه‌های شوش کارمیکند بادونفر دیگر خدمت حضرت والا فرمانفرما آمدند.

وبادر کرمانشاه

دوشنبه ۲٤ محرم - دراین یکی دوهفته بقول اطباء دوسه نفر مبتلا بوبا شده فوت کرده‌اند باین جهت بحکم طهران ازطرف ایالت‌جلیله‌درتنظیفات شهر وسداین ناخوشی‌موهوم خیلی‌مواظبت دارند وقرنطینه هم دربیستون‌قرارداده‌اند ولی بحمدالله دو سه روزاست یك‌نفرمتبلانشده است . فرزندی مسعود ومتعلقان هم ازقرارکاغذ امروزکه ازکربلا ۱۵ این‌ماه ازسرکار سرتیپ رسیده ازآنجا حرکت‌کرده‌اندوهمچنین جناب مشاورالملك‌کارپرداز بغداد هم‌نوشته بودند مسعود وهمراهان درکاظمین (ع) بوده‌وبواسطه طغیان آب معطل شده‌اندتاچه‌وقت بسلامتی بکرمانشاه وارد شوند .

جمعه ۱۲ صفر ۱۳۲۲ - یکشنبه هفتم فرزندی مسعود باوالده‌اش‌که باجناب مستطاب آقائی وحاج‌شیخ‌اسدالله همدانی همسفربودند ازعتبات عالیات بسلامتی مراجعت

کردند میرزانادعلی‌خان اخوی وفرزندی‌هاشم تادوفرسخی استقبال رفتند . جناب‌شجاع‌السلطان همدانی هم باحضرات‌وارد شدند . جناب حاج صدرهمدانی وجناب آقائی،حاجی شیخ اسدالله باآقا زاده‌شان درکارگذاری بصرف‌شام موعود بودند باجناب آقای آقارحیم مجتهد تشریف آوردند ، صبح آن شب هم جناب شجاع‌السلطان بصرف ناهار آمدند. از وضع‌خدام ورفتار آنها بازوار واخذپول بانواع مختلف اززوار صحبتها نمودند .ماحصل خدام وزیارتنامه‌خوانها بخصوص‌صاحبان خانه‌که زواردرآن منزل میکنندزوار غریب را باصرار والحاح میچاپند وهرچه بآنها میدهند قانع نمیشوند .

جمعه ۱۹ صفر ـ بواسطه جراحت آمدن اززخم دست نادعلی‌خان اخوی‌وطول کشیدن جراحت‌دکتر اسکات انگلیسی‌وحاجی میرزا محمودخان‌دکترحضرت والافرمانفرما ودکتر هاکوپیان جراح هرسه متفقاً رأی دادندکه بازعمل یدی‌کرده دوباره بدست‌نادعلی خان چاك بزنند اگر استخوان معیوب باشد بیرون بیاورند دکتر اسکات ودکترهاکوپیان آمدند ، عمل‌کردند چند ریزه استخوان معیوب ازمخ بیرون آوردند بنادعلی‌خان صدمه زیادی زدند .

سید صالح

۲۹ صفر ۲۲ طرف عصر بخانقاه جناب عمدةالسالکین آقای آقا سیدصالح بروضه‌رفتم‌ازوضع‌مجلس‌روضه ایشان‌که اغلب‌ازدراویش وفقرا وبی‌ریا بود خوشم آمد .

جناب آقـای‌سید صالح‌را تاآن روز ملاقـات نکرده بودم شخص مرتاض ساکت دیدم‌سناً هم‌قریب هفتاد بنظرآمد .

فوت مادرزن من

دیروز تلگرافی‌ازجانب ایالت‌جلیله‌درباب‌قرنطینه سرحد کرمانشاه بحضرت اشرف شاهزاده عین‌الدوله وزیراعظم مخابره‌شد. ازدوم ربیع‌الاول پنجروز بود ننه‌خانم (مـادرزن من) بناخوشی وبا مبتلا بودسناً بین هفتاد وهشتادبیچاره ازچشم هم نابینابوددیشب دوساعت ازشب‌رفته ،از زحمت زندگی راحت‌واین جهان‌را بدرودگفت خداش بیامرزد .

شنبه ۵ ربیع‌الاول ۲۲ جزخبرشیوع ناخوشی‌وبادرکرمانشاه‌واطراف‌ورفتن‌اغلب مردم به بیرونها وجنگ میان دولتین روس وژاپن خبری نیست .

دیروز عصر درخدمت ایالت‌جلیله به‌تماشای بنـای مریضخانه‌که تـازه احداث فرموده‌اند رفتیم اگر بسلامتی تمام شود آثارخیریه خوبی خواهد شد .

استادغلامرضای عارف

جمعه ۱۱ ربیع‌الاول ۲۲ ـ طرف عصر بدیدن میرزا محمودخان مشاورالملك‌که‌کارپردازبغداد وبدارالخلافه‌احضار شده‌بود رفتم . ازصحبت‌های شیرین ایشان حظ‌کردم سناً هفتاد سال دارند شخص

بااطلاع تجربه‌کرده‌وسالمی هستند. واینطورازاغلب مردم که ایشان‌را میشناسندشنیده‌ام قدری ازمرحوم استادغلامرضا اعلی‌الله مقامه معروف بجناب استاد صحبت شدکه ٥٤سال قبل جناب مشاورالملك درقم‌بآن مرحوم دست ارادت داده بودند مرحوم مغفور حاجی‌ـ میرزا علی نقی بیوك آبادی اعلی‌الله درجاته‌را هم‌خوب‌میشناختند .

شمه‌ای‌ازخواب مرحوم‌استاد تعریف فرمودند که ازخود آنمرحوم شنیده بودند که درعالم‌رؤیا حضرت امام ثامن (ع)رادیده وازحضرت‌رضوی خانه‌ای‌برای خوداستدعا نموده‌حضرت هم درهمان حرم مطهردم درپائین نقطه‌ای‌را معین فرموده‌بودند . سه دفعه ازحضرت رضا (ع) این مطلب‌را سئوال نموده درهرسه دفعه همان نقطه‌را حضرت نشان داده بودند وبعد ازمرحوم شدن جناب استادرا درهمان نقطه بخاك سپرده‌اند .

فوت‌میرزا علیخان امین‌الدوله

یکشنبه ١٣ربیع‌الاول ١٣٢٢ـ دیشب‌ساعت قریب دوخبرآوردند بیچاره محمد حسین میرزا شاهزاده افغانی‌که‌چند روزبود ناخوش بود درآخرناخوشیش بوبا مبدل شدواین جهان‌را بدرودگفته است ازاین‌خبرخیلی متأثرشدم · بواسطه خوردن نمك فرنگی‌که‌خودش بدون اجازه‌نصیرالاطباء که‌معالج‌او بودقی واسهال‌کرده آخرخاك‌کرمانشاه اورا ازکربلا کشاند اینجا آورد . دوروزقبل‌خبر فوت حاج‌میرزاعلی‌خان امین‌الدوله‌را هم درلشت‌نشاء گیلان از طهران نوشته بودند تقریباً شصت وسه چهار سال دردنیا زندگی‌کرده . درایام سلطنت ناصرالدین شاه از منشی حضوری بمقامات بزرگ رسید تـادرعهد اعلیحضرت مظفرالدین شاه شش‌ماه صدارت‌کرده وبعد معزول شده بگیلان رفت . تحریرات‌وانشاآت آنمرحوم مستغنی ازتعریف است یکی‌ازآثار آن مرحوم‌که مفید بحالت دولت وملت‌است تأسیس پستخانه‌ایران‌است آدم مدبرعاقل‌بااطلاع حوش سلیقه‌بود .اسم پارك‌وبنیان‌پارك‌را اول‌آن‌مرحوم درایران‌معمول‌کرده ویادگـارگذاشت وهمچنین‌مدرسه‌رشدیه‌ویك‌مریضخانه هم درطهران ازآثـار آن مرحوم است درکهریزك طهران هم‌کارخانه قند سازی بناکرد ولی دایرنشد . راه نیفتاده‌خراب شد

جمعه ٢٥ ربیع‌الاول ـ ناخوشی وبا هنوزکم وبیش باقی روزی سه تـاپنج نفر مبتلا وفوت میشوند . سه چهارروز قبل حضرت والا شـاهزاده فرمانفرما اسب کرنگ پیشانی سفیدکه داود خان ایلخانی کلهر پیشکش ایشان کرده بود برای بنده فرستادند استاد حاجی زین‌دار بـاشی یك جلودار و یك مهتر اسب‌را آوردند انعام مرسوم بآنهـا اطاعت شد .

ورود کاپیتن کاف اولین قونسول انگلیس

سه شنبه ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ - اوایل جولای ۱۹۰٤ - کاپیتن کاف ازجانب دولت بهیه انگلیس مأمور قونسولگری کرمانشاه شد وباتشریفات معموله واردکرمانشاه گردیدقونسول سناً ۳٤سال قداً بلند وصورتاً خوش سیمازبان فارسی‌راکم حرف میزندفرانسه میداند مدتی درهندوستان مأموریت داشته .

ازقرار مشهور درعراق عرب مرض وبا شدت‌کرده وازهمدان بطهران‌وقزوین وعراق هم سرایت‌کرده . درهمدان،بروجرد وملایر معرکه‌کرده حتی دردهات همدان .

شیوع وبا درطهران وولایات

۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۲- خبر تازه جز شیوع مرض وبادراغلب بلاد ایران خاصه طهران ، شمیرانات ، اصفهان،شیراز ، همدان ، ملایر،تویسرکان، بروجرد وعراق نیست درمجالس فقط صحبت از این مرض است ولی این اوقات بحمدالله در همه جا تخفیف کلی یافته .

اشغال پرت آرتور بوسیله ژاپنی‌ها

موضوع دیگرجنگ‌روس وژاپن‌درشرق‌اقصی است که‌درروزنامه‌ها مطرح است از قرار مندرجات روزنامه‌ها پیشرفت بادولت ژاپن بود ونزدیك است پرت‌آرتوررا ژاپونیها تصرف‌کنند. اسم‌سردار بزرگ روس «کوراپاتکین» واسم سردار قشون ژاپنی ژنرال‌کوروکی است . هنوز فتح و غلبه قطعی هیچیك‌معلوم نیست همینقدر معلوم شده‌که ژاپونیها ازروی غیرتمندی واتفاق صحیح ازجان ومال‌گذشته جنگ میکنند . حتی درروزنامه‌ها نوشته‌اند زنهای ژاپنی‌هرچه زیور آلات طلا وجواهرات دارند باکمال میل میفروشند وبمصارف جنگ میدهند .

جشن برافراشتن بیرق انگلیس درکرمانشاه

جمعه ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۲ مطابق پنجم اوت ۱۹۰٤ برحسب دعوت جناب فخامت‌نصاب مستر کاف قونسول انگلیس طرف‌عصر بالباس رسمی بقونسولخانه دولت فخیمه انگلیس رفتم‌که جشن وتشریفات برافراشتن بیرق انگلیس درکرمانشاه منعقد شده بود بتوسط‌کارگذاری ازتمام طبقات ازشاهزادگان واعیان وارکان و تجار دعوت شده بود . قونسول روس وشهبندرعثمانی بالباس رسمی رئیس‌گمرك ورئیس بانك شاهنشاهی را هم خود مستر کاف دعوت کرده بود . همه آمدند صرف شربت و شیرینی نمودند . یك دسته موزیکانچی مخصوص ایالت بایکدسته سرباز بالباس سلام محض تشریفات بودند . حضرت ایالت هم باپالتو ترمه‌کشمیری باسردوشی الماس درجه اول وشمشیر مرصع مکلل بالماس تشریف آوردند . ازهرجهت‌مجلس خوش‌گذشت .

شنبه ۸ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۲- دیشب درباغ مشهوربباغ ظهیرالملك که فعلا متعلق بورثه مرحوم حاج عبدالرحیم وکیل‌السفاره است مهمان جناب عبدالکریم بیك باش شهبندربودم . وقت مغرب رفتم حضرت والا شاهزاده فرمانفرما تشریف آوردندبعد فخامت نصاب مستر کاف قونسول انگلیس‌بادکتر ویلیام آمدند . پس ازآن فخامت نصاب مسیونیکولسکی قونسول روس آمد بعد جناب حاج میرزا محمودخان دکترحضرت‌والا اسمعیل تاجرباشی عثمانی باآقا هدایت پسرمرحوم حاج عبدالرحیم‌که هشت نه ساله بود آمدند . مجلس بدی نبود مجمع اهل انگلیس وروس‌وترك عثمانی وایرانی بود ولی‌اغلب زبان فرانسه باهم صحبت مینمودند . ساعت دو ونیم ازشب گذشته سرشام رفتیم. موقع صرف شام بقانون ورسم اروپا شربت بسلامتی یکدیگرصرف شد .شب خوشی گذشت.

جشن ولادت پرنس آلکسی ولیعهد روسیه

شنبه ۸جمادی‌الاخرهٔ ۲۲- طرف‌عصرمحض‌دعوت‌مسیونیکولسکی قونسول روس برای جشن وتبریك ولادت پرنس آلکسی‌پسروالا- گهراعلیحضرت امپراطورروس وولایت عهدبالباس‌رسمی‌بقونسول- خانه روس رفتم . ایالت جلیله وشاهزادگان عظام واعیان واهل نظام وبعضی ازتجارمحترم ومأموربن خارجه بالباس رسمی‌آمدند موزیك هم مینواخت .

پنجشنبه ۱۳ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۲ - طرف عصرمجمعه شیرینی فرنگی ویك مجمعه قند و چای از قونسول خانه روس آوردند . مجمعهٔ شرینی فرنگی از قول خانم قونسول برای خانم کارگذار وقند چای هم از قول قونسول برای کارگذار بود . این شیرینی برای‌تبریك عید مولود اعلیحضرت همایون مظفرالدین شاه است بایدکارگذارهم درعید مولود اعلیحضرت‌امپراطورروسیه تلافی‌کرده‌شیرینی بقونسولخانه برای قونسول وخانم قونسول‌بفرستد .

جشن ولادت مظفرالدین شاه

جمعه ۱٤ جمادی‌الاخرهٔ ۲۲ - عید مولود اعلیحضرت همایونی مظفرالدین شاه بود دردارالایاله‌مجلس جشن‌وسلام منعقد ، قبل ازظهر بالباس رسمی‌رفتم دیدم سلام عمومی شکسته بعضی از شاهزادگان عظام هستند وشعرا قصیده میخوانند خیلی صحبت‌از اشعاروتاریخ ایران شد .

حضرت والا فرمانفرما فرمودند درایام حکومت‌کرمان من ادیب کرمانی‌را که شاغر خوش طبعی بود وا داشتم یك تاریخی برای ایران به‌نظم آورد از عهد کیومرث

تاعهد شاه شهید ناصرالدین شاه قاجاربوزن شاهنامه واسم کتاب‌را هم سالارنامه موسوم نمود کتـاب را آوردند درمجلس خواندند خیلی خوب بنظم کشیده بود یکساعت بظهر مانده مأمورین خارجه بالباس رسمی برای تبریك آمدند بعد از صرف شربت و شیـرینی حضرات رفتند بنده‌را حضرت والا برای ناهار نگاهداشتند بعد از ناهار بمنزل برگشتم وخودرا بالباس شب برای رفتن بدارالایاله محض دعوت شام سرمیز وتماشای آتش‌بازی حاضرکردم . پس ازادای فریضه مغرب‌وعشاء اول برای‌تماشای آتش بازی به‌تلگرافخانه وبعد باتفاق سایر مدعوین دوساعت ونیم از شب گذشته سر میز شـام رفتیم[1]

سه شنبه ۱۸ ج ۲- ۱۳۲۲- صبح قبل ازطلوع آفتاب برحسب عـادت‌که چهار پنج روزاست قرارداده‌ام‌برای رفع درد پشت سوار شده‌گردش رفتم فخرالحاج‌حاج‌محمد-علی صراف همدانی برای‌ورزش او هم همراه آمد تقریباً یکساعت ونیم‌گردش‌کرده‌بمنزل برگشتم-چای صرف‌کرده بیرونی رفتم . بعضی‌ها ازقبیل‌خطیب‌الممالك ، وثوق‌الممالك مظفر نظام وحاج عبدالرحیم اصفهانی آمده ساعتی نشستند .

فوت مسیو روك بلژیکی بمرض‌وبا

جمعه ۲۸ ج ۲ - خبر آوردند برادرجناب وثوق‌الممـالك لشکر نویس باشی مرحوم شده بعد ازنیم ساعت ازدارالایاله خبررسید مسیوروك بلژیکی مفتش‌گمرك‌که تازه باعیالش بکرمانشاه آمده بود بناخوشی وبا درگذشت .

چند روز است ناخوشی وبـا بـازطلوع‌کرده وروزی پنج‌شش نفر مبتلا وفـوت میشوند . حاج میرزا محمودخان دکتر ایالت آنچه‌میدانست ومیتوانست درمعالجه‌مسیو روك‌کوشید ولی مفید نیفتاد . میگفت هرچه میدانستم کردم واعتقادم ازدوای فرنگی و ایرانی بکلی فسخ‌شد . (چون قضا آید طبیب ابله شود)

فوت‌افخم‌السلطنه بمرض وبا

جمعه ۵ رجب ۱۳۲۲ دوساعت ازآفتاب‌گذشته برای‌تشییع‌جنازه افخم‌السلطنه جوان مرگ پسر نواب‌والامنصورالسلطنه رفتم . این شاهزاده جوان‌هم‌دیروز نزدیك‌غروب بمرض وبا این‌جهان‌را بدرودگفت ودل جمعی‌را سوزاندبرسم معمول‌این ولایت‌تمام اقربا ونزدیکان ونوکرهاگل بکلاهشان زده جنازه‌را ازمسجد باکتل وعلم وبیرق وموزیك و

۱- دراینجا ترتیب نشستن اشخاص‌را سرمیز وبعد نطق رسمی نمایندگان خارجی وتوست‌راباشربت‌بسلامتی سلاطین متبوعه ذکر کرده‌اند .

سورناودهل حرکت داده بمسجد عمادالدوله آوردند وبدخمه گذاشتند .ازعلماء وشاهزادگان واعیان شهر همه درتشییع جنازه حاضرشده بودند . بعد ازمسجد عمادالدوله بخانه سرکار والا منصورالسلطنه آمده قهوه وقلیان صرف ویك جزء قرآن خـوانده بمنزل برگشتم . سن آنمرحوم میان بیست وسی سال وجوان خیلی مؤدب ومتعارفی بود . عصرجمعه هم مادر مرحـوم افخم السلطنه بواسطه شدت هم وغم ازاین قضیه هـائله پیش پسر شتافته از این دنیا رفت .

شکست بزرگ قشون روس

سه شنبه ۹ رجب ۱۳۲۲ - ۲۰ سپتامبر ۱۹۰٤ این اوقات هنوز اخبار طلوع مجددناخوشی درصفحات عراق عرب (بغدادو کاظمین و سامره) وبعضی ازولایات ایران ازقبیل خراسان آذربایجان ومازندران منتشر است . درکرمانشاه وهمدان هم تك تك مردم مبتلا وفوت میشوند . علاوه براین اخبار، خبر بزرگ همان جنگ روس وژاپن است که این اوقـات هوش وحواس تمام عقلا وبزرگان دول روی زمین متوجه این جنگ است . از قرارخبر تلگرافی که رسیده درنزدیك شهر (لیااولانك) مابین قشون روس و ژاپن جنگ عظیمی واقع وشصت هزارنفر ازطرفین بقتل رسیده وشهرموکدن که پایتخت منچوری است بتصرف ژاپونیها درآمده وروسها درنقاط مختلف که قشون دارندعقب نشسته‌اند . همچنین کورو- پاتکین سردارکل قشون روس هم بتدابیری خودرا عقب کشیده همچو جنگ بزرگی دردنیا خیلی نادر بلکه اتفاق نیفتاده . انگلیس‌ها که درتبت جنگ داشتند اهالی بودائی آنجارا شکست داده وبه پایتخت آنها که تاحال هیچ خارجی بآنجا پا نگذاشته وارد شده‌اند . از قراریکه درروزنامه تربیت مورخه ۲۷ جمادی‌الثانی درج شده یك کرور قشون فعلادرمیدان جنگ روس وژاپن مشغول محاربه‌اند وبا ۱۳۰۰ عرابه توپ گلوله رد وبدل مینمایند.

رسالهٔ میزان المعرفه

شنبه ۱۳ رجب ۲۲ - عید مولود حضرت ولایت مآب بود علی- الرسم بدارالایاله رفتم سلام مختصری بود . سرباز موزیك وبعضی اعیـان شهر بـودند حضرت والا ازخطیب الملك وشعراکه برای خطبه ذیقعده آمده بودند عذرخواستند .

رساله میزان المعرفه وبرهان الحقیقة رامرورمیکردم ازمضمون فصل ذیل خیلی خوشم آمد لهذا در روزنامه خود درج میکنم و ازخداوند متعال توفیق میخواهم که درعمل کردن آن موفقم گرداند .

. میفرماید : مدار آدمیت منحصربآداب ظاهر وسلوك باطن است واین هردولازم

وملزوم یکدیگرند . باید آداب آدمیت را کما هی بدانی وعمل‌کنی وموانع آدمیت‌را ازهردو وجه یعنی صورت ومعنی‌از خود رفع ودفع نمائی‌وهرچه تذکر شخص برانسانیت خود بیشترباشد ضبط آداب ظاهروباطن آن بیشترشود ودرهرمقام بکاربرد وتوفیق‌ازخدای خواهدکه اصل توفیق است وبهتر اینکه ما بیان اعمال وافعال باطنی‌راکه سلوك اهل عرفان است درترقیم وتسطیرمقدم داریم وبعد بشرح آداب ظاهرکه دخیل مدنیت است پردازیم .

دربیان اوصاف واعمالیکه متعلق بسلوك تصوف واصول‌توحید وعرفان است. اول دراعمال مراعات اکل است : یعنی بسیار نخورد ، حرام‌ومشتبه نخورد، بامست و ومجنون‌ونجس‌هم غذانشود ، برخوان‌بخیلان‌ومتکبران وبداعتقادان‌بعمد ننشیند، چیزیکه سکروسستی وقساوت قلب وخرافت عقل آورد نخورد .

دوم مراعات نوم است : بی‌هنگام وبسیارنخوابد بامردم ناآزموده دریك‌مکان نخوابد درجای بیم ومواضع تهمت ومحل دیوانگان وجانوران نخوابد .

سوم مراعات‌کلام است :

سخن بیجا وبسیارووقاحت وطعن‌وتمسخر وغرض وتملق ودروغ واصراروجدل نگوید بیش ازقدر عقول وآنچه مردم باورنکنند نگوید ، گوش‌به‌تهمت و غیبت وسخنان فتنه‌انگیزومذمت اهل‌دولت ودیوان‌ندهد ،پرده هیچکس‌را بهیچ‌عیبی ندرد . زبان‌به‌نفرین کسی نگشاید . اگر بخواهم همه‌را به‌تفصیل نویسم مطلب مطول شود وملالت آرد . بهتر اجمال و اختصار است ودرتصوف اصل اعمال خدمت پیراست ودیگرتعظیم شعائر وادای حقوق وحفظ امانات‌ودوام طهارت ورعایت ونوازش ایتام ، توکل درامور،شفقت باخلق ، ادب درکلام ، عطا درمقام ، تأمل درجواب، ایثار برمسکین ، تواضع باکرام ، قصور درشهرت ، اندازه درمعاش ، مخالفت بانفس،تجاهل باخصم ، تقدم درسلام ، صبر درمصائب ،صدق بارفیق ، وفا بعهد ، تخفیف درلباس ، وقار درروش ، سرعت درخیر تعطیل درانتقام ، اصرار درطاعت، سعی دراخلاص ، حکمت درافعال ، اکرام بامهمان ، دلجوئی ازغریب ، خوشروئی‌باعیال ، فروتنی باحاجتمند ، شکیبائی درگرسنگی ، تفضل برزیردست ، شوق براحسان ، شکر برنعمت ، رضامندی ازمنعم ، انس باذکر ، طفره از غوغا ، نصرت برجهاد،مزاح بندرت ، تلطف براطفال ، فرار ازطمع ، پرهیزازخواهش ، اکثاردرفکر،تقلیل درمراوده ، ترس ازتفاخر، یاد ازمرگ ، درستی درحساب ، سکوت بانادان،سازش بانااهل ، تفقد بامریض ، ترحم برضعیف ، رقت برمظلوم ، استقامت در

قدس، رغبت برصوم ، موافقت بایار، خلطه‌باهم‌جنس ، مشورت باخبره ، غیرت برناموس مسافرت باتوشه ، مناجات‌درخلوت، تحاشی‌ازفتنه، پرسش‌ازآشنا ، دیانت باخلق،ندامت ازگناه ، تنظیم درسرای‌خانه، اعتماد بررزق ، اکتفا بقسمت ، مؤاخذه بموقع ، نصیحت بمطیع ، تعدیل دراحکام، تساوی‌درحدود ، مروت باشریك ، انصاف باطرف ، شجاعت‌در حرب، دوری‌ازغماز، عبوس دررزم ، ثبات دردین ، فریاد درنبرد ،گذشت‌برمغلوب،قهر برظالم ، مداهنه بازن ـ اگرکسی‌متذکرانسانیت خودهمیشه باشدهیچ‌نکته‌ای درمقام‌خود ازاو ترك نخواهد شد واگرکسی‌گوید صاحب این محامدرا بچه علامت توان شناخت گوئیم مقصود ازاین رساله انتقال هرکس است برآدمیت خود نه‌آدمیت غیر. اگرخودرا یافتی دیگری‌را هم توان یافت‌به‌بوالهوس تمیزمحسوس نتوان داد تابمعقول چه‌رسد.

فتح قشون ژاپن

سه شنبه۷ رمضان ۱۳۲۲ ـ ازقرار اخبار روزنامجات بعدازجنگ لیااولانك‌بازجنگ بسیارسختی میان‌دولتین روس وژاپن‌دراطراف رودخانه شاهو واقع‌شده‌که شش شبانه روزجنگ ادامه پیداکرده هشت فرسخ عرض وطول میدان جنگ بوده وتقریباً سی‌هزارنفر ازقشون روس تلف و مجروح شده ونصف آن هم ازلشکر ژاپنی مجروح وتلف گردیده است . ازقرار تلگراف مخبررویتر ازتوکیودرجنگ‌شاهوژنرال‌کوراپاتکین‌دویست‌هزارپیاده‌نظام‌و۲۶هزارنفرسواره نظام و۹۵۰ عراده توپ دراختیارداشته وباوجود این فتح باژاپونیها شده است ·

سه شنبه ۲۱ رمضان ۱۳۲۲ ـ ایام رمضان اغلب امور درایران مثل ایام تعطیل درتعویق‌وتعطیل‌است‌واغلب‌مردم‌روزها راشب‌وشب‌راروزمیکنندیعنی‌روزراتاعصر میخوابند وشب‌را تاصبح بیدارند این ایام بچندین‌مسجد رفتم‌که اسامی امام نمازومقتدای مساجد ازاین قراراست .

جناب‌امام جمعه سلطان‌العلماء درمسجدجامع وجناب‌آقا میرزا محمدعلی‌مشهور بمظلوم بعد از نماز وعظ میکند ·

جناب آقا محمد مجتهد درمسجد خود نمازمیخواند وجمعیت اقتداکنندگان این امام ازامام‌های دیگر بیشتراست ·

درمسجد عمادالدوله جنابان حاج عبدالحسین وآقامیرزا محمدعلی وعظ میکنند وروضه میخوانند وعلم‌الهدی پیشنمازاست .

مسجد مرحوم شیخ عبدالرحیم جناب‌آقا شیخ‌هادی‌پسرآن مرحوم نمازمیخواند آقای آقاعلی‌آقا مجتهد مشهور به‌آقا علی‌جان درمسجد کوچکی نزدیك خانه

خود نمازمیخواند وموعظه میکند .

جناب آقای آقا ابوالقاسم رئیس‌العلماء درمسجد مشهور به‌نواب نماز میخواند وآقای آقا شیخ‌علی وعظ میکند وروضه میخواند .

درمسجد مرحوم حاجی شهبازخان جناب آخوند ملاحسین نمازمیخواند .

سه‌شنبه ۵ شوال۱۳۲۲-صبح دوساعت‌ازآفتاب گذشته مستر رابینو مدیر بانك‌شاهنشاهی بامسترفیرلی که تازه واردشده وموقتاًبجای مستررابینومدیر بانك‌خواهدبودآمدندبه‌مدجنابان حاجی‌سیداسدالله وحاجی‌سید حبیب‌الله تاجربدیدن آمدند باایشان مشغول‌صحبت بودیم که غفلتاً جناب عبدالکریم بیك باش شهبندر ورود نمود و

نمونه‌ای از مزاحمت ودخالت مامورین خارجی

حالاً متغیربود معلوم شد ازمسیو مولیتور رئیس گمرك دلتنگ است بواسطه اینکه رئیس گمرك ده دوازده نفرازاجزاء گمرك وقراول بحجره خواجه منشی تاجرکلیمی تبعه عثمانی فرستاده‌ومطالبه پانزده تومان جریمه ودوتومان حمالی نموده‌وبخواجه منشی گفته‌اند یا باید این ترجمان‌را بدهی یادرب حجره ترا مأموریم قفل‌کنیم بهرحال باصرارباش شهبندر متفقاً بمنزل سالارمنصور نایب‌الایاله رفته ماجرا بایشان بیان شد ازآنجا خدمت حضرت ایالت رفتیم‌وتاوقت عصر باین سئوال وجواب مشغول بودیم .

دوشنبه ۱۱ شوال ۲۲ مطابق ٦ دکابرروسی و۲۰ دسامبر۱۹۰٤ .

(بمناسبت روزاسم‌گذاری امپراطور روس مجلس جشن وشامی درقونسولخانه روس منعقد بود چون قبلا تفصیل آن داده شده تکرارنمیشود)

جمعه ۱۵ شوال ۲۲ - ناهاربشهبندرخانه‌موعود بودم آنجا رفتم . دانش‌افندی دکترصحیه عثمانی ومسیو سدی معلم اطفال‌یهودی‌ها (منظور مدیر مدرسه آلیانس‌است) آنجا بودند . دوبغروب مانده منزل آمدم مسیونیکولسکی قونسول روس بادکتر صحیه روس ببازدید آمدند . دراین بین مستر استیس ومسترموشی‌آمدند . مستراستیس باخانمش ازاهل امریکاومامورهمدان هستند ودرمدرسه‌امریکائی‌ها درهمدان میباشند مستراستیس‌و عیالش بجای دکترحمس‌که پیشتردرهمدان بود آمده‌اند برای معالجه اطفال ینگی‌دنیائی‌ها وسایر مردم .

افتتاح مریضخانه فرمانفرما

سه‌شنبه ۱۹ شوال ۲۲ - برحسب دعوت حضرت والا فرمانفرما والی کرمانشاه دربروجرد ولرستان (دوایالت اخیر بتازگی جزء حکومت شاهزاده فرمانفرما شده است) برای افتتاح مریضخانه تازه احداث حضرت والاطرف عصر بمریضخانه رفتم. مأمورین خارجه مقیمین کرمانشاه‌که دعوت شده بودند آمدند. وضع مریضخانه ازهرجهت مرتب دواخانه وطبیب مهیا شده. حضرت والا بانی این اساس نطقی فرمودندکه نواب والا- جلال‌الممالك منشی‌ومترجم‌گمرك قرائت‌کرده بهریك ازمأمورین خارجه یك نسخه ازنطق را دادند. هشت نفرمریض هم آورده دراطاق‌ها خوابانیده بودند.

مهمانی ناصرالدوله درطاق بستان

جمعه ۲۲ شوال ۱۳۲۲ - بنا بدعوت ایالت جلیله باتفاق آقای شجاع‌السلطان بطاق بستان رفتیم. هوا خیلی معتدل وخوش‌شده یك ماه ازفصل بهاررفته بود. حضرت والا شاهزاده فرمانفرما و سرکار والا ناصرالدوله (که تازه بکرمانشاه آمده‌اند) وچند نفر دیگربودند. ناهارچلوکباب‌صرف شد. معلوم‌گردید این مهمانیرا سرکار والاناصرالدوله داده‌اند. پس ازصرف ناهار حضرت‌والا فرمانفرما قدری تیراندازی نمودند سیب‌را بهوا میپراندند وحضرت والا درهوا میزدند.

دراین بین قونسول روس‌ورئیس‌گمرك باخانم هاشان آمدند. خانم‌ها باندرون خدمت حضرت علیه عزت‌السلطنه رفتند دوساعت بغروب مانده بشهرآمدیم. شب‌را جناب حاج‌مجیرالملك وسرکارشجاع‌السلطان ومعتضد دفتروخطیب‌الملك درکارگذاری تشریف داشتند بد نگذشت.

پنجشنبه ۲۸ شوال ۱۳۲۲ - صبح باتفاق میرزا نادعلی‌خان اخوی خدمت جناب مظفرالملك (حاکم بروجرد ولرستان‌که اخیراً معزول وبکرمانشاهان آمده) رفتم. دیشب درمنزل قدوة‌العرفا آقای آقاسیداسمعیل اجاق‌بشام موعود بودم نادعلی‌خان‌اخوی فرزندی‌هاشم همراه جمعی‌ازقبیل آقایان‌افتخارالولاة نصیردیوان حاجی‌مجیرالملك‌شاهزاده محمدباقر میرزا و محسن میرزا فرخ‌خان ایلخانی و غیره بودند. شام مفصلی تهیه شده بود.

لخت کردن ومجروح کردن ویس قونسول انگلیس بوسیله‌الوار

جمعه ۷ذیقعده ۱۳۲۲ - صبح دکترویلیام ویس‌قونسول‌انگلیسی‌و مستورالین که‌دربندرناصری(اهواز)عربستان‌قونسول‌بودمودرلرستان لرهای طایفه دیرکوند سرش ریخته زخمش زده دست چپش‌گلوله خورده واستخوان صورتش‌راباسنگ‌شکسته‌بودند ومدتی درهمدان بمعالجه‌مشغول والتیام یافته اینجا آمد وعازم بغداد است. مستر

رالین سناً قریب بیست سال ، جوان کوتاه قد و صورتش مونروئیده . ازقراریکه برای مسترفیرلی مدیربانك تلگراف رسیده‌پرت آرتوررا ژاپنی‌ها ازتصرف‌روسهاخارج کرده‌اند .

عزیمت‌شاهزاده فرمانفرمابلرستان

سه‌شنبه۷ذیقعده۲۲ ـ باروبنه‌حضرت‌والا فرمانفرما بمنزل‌سلیمانیه رفت‌سه‌ساعت‌ازروزرفته‌حضرت‌والاباسواران‌وملتزمین رکاب‌بسمت بروجرد و لرستان حرکت کردند بااغلب ازشاهزادگان واعیان برای مشایعت ایشان تانیم فرسخی شهررفتیم . روزبعد هم‌جناب آقای مظفرالملك برای وداع اینجا تشریف آوردند ساعتی نشسته بعزم بروجرد حرکت فرمودند .

پنجشنبه ۲ محرم ۱۳۲۳ ـ ساعت شش از دسته‌گذشته بدارالایاله رفته باتفاق جناب سالار منصورنایب‌الایاله ومسیومولیتور رئیس‌گمرك درخدمت شاهزاده‌محمدحسین‌میرزا دراین طرف پل قره‌سو باستقبال نواب والا فیروز میرزا نصرت‌الدوله پسربزرگ حضرت والا فرمانفرمارفتیم . تمام اعیان وکسبه واصناف دسته دسته بیرون شهراستقبال آمده‌گوسفند قربانی‌کردند .

بارندگی شدید ونرخ اجناس

یکشنبه ۵ محرم ۲۳ ـ دیروز بازباران آمدکوچه‌ها گل شد . از دیروز باران وبرف ممزوجاً مثل‌ناودان ازآسمان میآید بطوریکه حرکت ازمنزل خیلی‌مشکل ورفتن بمجالس روضه غیرممکن‌است همچو بارندگی متوالی وبشدت‌کم دیده‌ام ازشدت وکثرت‌بارندگی حال مردم ووضع‌کوچه‌ها مناسب این رباعی است :

موج زن کوه ودشت لجه آب — خاکیان همچو مردم آبی
پیر و برنا بخیمه وخرگاه — هریکی درشنا چو مرغابی

تسعیرگندم وجو این روزها ترقی‌کرده‌گندم خرواری‌شش‌تومان‌ونیم جوخرواری هشت تومان رسیده خیلی‌کم یاب‌است روغن‌گوسفندهم‌ترقی‌کرده یك‌من ۱۲ قران‌ونیم‌شده

تصرف موکدن توسط ژاپنی‌ها

سه شنبهٔ ١٤ محرم ۱۳۲۳ مطابق ۲۱ مارس ۱۹۰۵ .

روز نوروز سال عجم وسه ساعت وپنجاه وهفت دقیقه بازیج‌هندی ازروزنوروزگذشته شمس تحویل برج حمل شد واول فصل بهار است . بواسطه احترام عزاداری حضرت سیدالشهداء (ع) و ماه محرم مراسم معموله عید نوروز بعمل نیامد یعنی دراغلب ممالك محروسه ایران درماه محرم وصفرعید نوروز نخواهندگرفت .

ازقرار مذکور شهر موکدن‌را هم ژاپونیها از تصرف روسها گرفته ولادیوستك راهم محاصره‌کرده وبروسها شکست عظیمی وارد آمده است .

جنك بین‌مسلمانان وارامنه دربادکوبه

شنبه ۱۸محرم ۲۳ ـ بعد ازظهرجناب عبدالکریم‌بیك‌باش شهبندر عثمانی آمد نیم ساعت نشست ورفت . دوسه ساعت بغروب‌مانده هم فخامت نصاب مسیو وافلار رئیس جدیدگمرك وپست باتفاق بارون فالون مفتش‌گمرك بدیدن آمدند .

ازقرار اخبارروزنامه‌ها دربادکوبه مابین مسلمانان وارمنی جنك وخونریزی سختی شده‌وهزارها ازطرفین‌کشته شده واغلب تجارازآنجابجای دیگری‌هجرت کرده‌اند اغتشاشات داخلی روسیه درپطرزبورغ ومسکو وورشو وقفقازیه بهمه‌جا سرایت کرده وخیلی هرج ومرج وامنیت برداشته شده جنك روس وژاپن‌هم هنوزباقی است .

کبوده

جمعه ۲۲ صفر ۱۳۲۳ ـ دوساعت ازآفتاب‌گذشته باتفاق جناب میرزاسالك‌وجناب‌خطیب‌الملك بقریه‌کبوده رفتیم تقریباً یك‌ساعت وربع ازشهربآنجامسافت‌است‌هواخیلی‌فرح‌انگیزوصحرا سبز وخرم بود. کبوده باغ واستخری دارد مرتبه مرتبه حوض ساخته‌اند این‌استخر ازبناهای‌مرحوم آقای حاج‌آقای مجتهد است‌یك قلعه هم‌دارند وبانی آن مرحوم‌میرزا هادی‌خان مرحوم است که زمانی درکرمانشاه کارگذاربوده است .

حرکت شاه به‌اروپا

طرف عصر جناب سالار منصور نایب‌الایاله باتفاق آقای‌معتضد دفتر وسرهنك قزاق تشریف آورده یکساعتی نشستند . هوا بنای باریدن گذاشت فوراً سوار شده به‌دنگشاکه‌مشغول تعمیرهستند آمدیم‌دربین‌راه جناب سالارمنصورفرمودندبموجب‌تلگراف عمومی امروزاعلیحضرت همایون مظفرالدین شاه بعزم مسافرت فرنك درطهران بباغ شاه نقل مکان فرموده وحضرت ولیعهددرغیاب اعلیحضرت مقیم وامورداخله مملکت راجع‌بجناب مشیرالسلطنه،امور خارجه بحضرت مشیرالدوله وزیرامورخارجه است .

گرانی وسختی معیشت

چهارشنبه ۲۷ صفر ۲۳ ـ طرف عصرباتفاق سرکار والا محتشم‌السلطان ومعین‌الرعایابرای‌عیادت‌جناب‌امام جمعه وبیشتربمنظور جمع آوری اعانه برای فقرا و ضعفا که از اطراف‌بشهرکرمانشاه ریخته‌اندوکوچه‌هاپرازفقیرشده‌وازبی‌قوتی‌خون‌گوسفندراجوشانیده میخورند رفتم . بهرحال مطلب درخدمت جناب امام‌جمعه عنوان شد دراین بین جناب سالار منصور نایب‌الایاله هم تشریف آوردند عجالتاً قرارشد ماهی شصت خروارگندم یا قیمت آن ازشاهزادگان وبزرگان وعلماء واعیان شهرجمع ویك‌دکان خبازی دایرشودکه

بفقراء ومستحقین که ازبیرون ازالوارواکراد آمده‌اند نان داده شود .

دخالت روحانیون درکارها

پنجشنبه ۲۷ ربیع‌الاول ـ صبح بعقدکنان نواده دختری سرکاروالا محتشم‌الدوله‌برای پسرجناب حاجی‌سیدعلی تاجررفتیم تمام‌آقایان علماء عظام وشاهزادگان تشریف داشتند . مجلس ختم شد ولی غوغا وازدحام بزرگی ازعوام برضد معین‌الریاعا دردرب حسینیه مرحوم آقای حاجی‌آقای‌مجتهدکه مجلس عقد آنجا بودگرد آمده یاعلی میکشیدند وولوله مینمودند بازارهارا هم بسته بودند . شورش درسر این‌شده‌که دیروز آدم جناب آقارحیم باآدم معین‌الرعایا درسرخریدن پشم دعواکرده بودند . بعد ازآن جناب آقارحیم این جمعیت‌را فراهم آورده برضد معین‌الرعایا برآمده‌اند اغلب مردم شهر هم همراه جناب آقا رحیم هستند. بهرحال مابین آقایان‌امام جمعه‌وسایرعلماء وسالارمنصور نایب‌الایاله پیغام رد وبدل وقراربراین شد عجالتاً معین‌الرعایا ازکارحکومتی خلع شود وجناب سالار هم رقعه‌ای به‌آقای‌امام‌جمعه نوشتندکه هرچه آقایان صلاح میدانند رفتار خواهم‌کرد . مجلس آقایان بهم‌خورد ومتفرق شدند .

فتح ژاپونی‌ها دردریا

ازقرار اخبار واصله بازژاپن فتح نمایانی‌کرده با۴۷ فروندکشتی روسی‌که ازدریای بالتیك بطرف‌دریای هند وژاپن رفته بود جنك کرده وشکست داده است گویا این آخرین شکست روس باشد . عده‌کشتی‌های ژاپن ۲۷ فروند بوده است .

استقبال از جنازه مادرشاه

سه شنبه ۲ ربیع‌الثانی ۲۳ ـ یکساعت ازآفتاب‌گذشته باتفاق شاهزاده شاه مراد میرزا رئیس تلگرافخانه ونادعلی‌خان اخوی باستقبال جنازه مرحومه شکوه‌السلطنه مادراعلیحضرت‌مظفرالدین شاه رفتم . حامل جنازه جناب آقای حاجی میرزا مسعود شیخ‌الاسلام قزوینی است‌تقریباً نیم فرسخ ازشهر خارج شده به‌تیپ سوارارد‌ووجنازه‌رسیدیم . سرکاروالا شاهزاده محمد‌حسین میرزا فرزند حضرت والا فرمانفرما وجناب سالار منصور نایب‌الایاله وجمعی از شاهزادگان باستقبال آمده بودند . بااحترامات لازمه جنازه‌را بمسجد عمادالدوله بردند که ازآنجا بطرف عتبات حرکت داده شود .

سلیمانیه

سه شنبه ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ـ ۲۰ ژون‌فرنگی ۱۹۰۵ برحسب دعوت جناب حاج ظهیرالملك امیرتومان باتفاق مستررا بینومدیر بانك شاهنشاهی بقریه سلیمانیه رفتم ازشهر تاسلیمانیه قریب پنج فرسخ مسافت است بادرشکه سه ساعته رفتیم عمارت وباغ خوبی جناب ظهیرالملك

احداث نموده‌اند درکنار رودخانه گاماساب واقع‌ومنظرخوبی دارد . سرکار مقتدرالسلطان سلیمان‌خان پسرجناب ظهیرالملك هم آنجا بود دوشب ودوروزدرآنجا توقف شدازهرحیث خوش‌گذشت .

ازقرار اخبار تلگرافی اعلیحضرت همایونی مظفرالدین شاه ازخاك روسیه عبور فرموده‌باملتزمین رکاب بخاك بلژیك وفرانسه نزول اجلال فرموده‌اند ·

جمعه ۱۷ جمادی‌الاول ۲۳ـبرحسب دعوت جناب سالار منصور نایب‌الایاله بمنزل ییلاقی ایشان که متصل به‌دلگشا است برای‌صرف ناهار رفتیم ، عده‌ای بودند . یك شخص هم تازه از بغداد آمده که طوطی و دو کبوتر تعلیم داده بود آورد تعلیم خودرا نشان داد . ازجمله اسم چندشهر معروف‌را درروی‌کاغذ نوشته بودمثل‌شام، حلب واسلامبول‌وغیره آنهارا بهم‌مخلوط‌کرده درجائی ریخت بعد باهل مجلس‌گفت‌اسم هرشهری‌را میخواهید بگوئید طوطی ازمیان آن‌کاغذها جداکند · جناب سالار اسم شام‌را گفتند وطوطی همان کاغذکه اسم شام بود جداکرده وهمچنین دوسه ورقه دیگر.

چند قطعه عکس هم بودکه حضرت والا فرمانفرما ازلرستان فرستاده بودندعکس رؤسای اشرار دیرکوندکه بلفظ لری (میر) میگویند باصطلاح خودشان میرهای طایفه‌را دستگیرکرده‌زنجیر وکندشان نموده‌اند بهمان هیبت عکس آنهارا انداخته فرستاده‌اند .

واقعاً کاربزرگ وخدمت شایانی است‌که بدولت‌کرده‌اند .

شنبه ۲۵ جمادی‌الاول ـ یك هفته است هوای کرمانشاه خیلی‌گرم وخفه است بواسطه‌گرما شب‌ها نمیشود خوابید ·

سوء قصد بسلطان عبدالحمید

امروز سعادت مآب‌عبدالکریم بیك‌باش شهبندر بکارگذاری آمداز قراریکه مذکور داشت دراسلامبول روز جمعه درحین تشریف بردن اعلیحضرت سلطان‌عبدالحمید بمسجد شخصی نارنجك باعلیحضرت‌میپرانند· نارنجك‌ترکیده چند نفرهمراهان اعلیحضرت مقتول و مجروح میشوند ولی بوجود اعلیحضرت سلطان بهیچوجه صدمه وارد نمیآید · هنوزمعلوم نشده آنشخص ازچه طایفه وگروه است .

قیمت نان

چهارشنبه۲۹ جمادی‌الثانی ۲۳ ـ طرف عصر حسب‌الدعوه‌بمنزل جناب آقای امام‌جمعه رفتم. مجلس درآنجا مرکب ازشاهزادگان وآقایان واعیان برای قرار تغییرگندم ونان شهرمنعقد شده بود اشخاص ذیل حاضرشده بودند .

جناب امام جمعه ـ محتشم‌الدوله ـ معتضد دفترـ محتشم‌السلطان ـ حاج‌آقا ولی ـ امین‌الممالك-حاجی حسینخان کلانترـ معین‌الرعایا ـ عبدالله‌خان فراشباشی ـامین-

اصناف . پس ازمذاکرات اینطورقراردادند شصت دکان خبازی درکرمانشاه دایرشود هردکانی روزی ۲۵۰ من گندم که ماهی ۲۷۰۰ خروار باشد ملاکین عموماً بلا استثناء بدهند وازه۱۵ رجب گندم خرواری پنج تومان ونان یکمن ده شاهی فروخته شودتایکسال تسعیر گندم ونان‌بهمین میزان باقی بماند ، نوشته قرارداد بخط جناب معتضد دفترتهیه و آقایان مهر کردند .

جمعه غره‌رجب‌المرجب ۱۳۲۳ اول سپتامبر ۱۹۰۵

دیشب جناب‌عبدالکریم بیك‌باش شهبندربمناسبت سال جلوس سلطان‌عبدالحمید جشن وضیافت بشام‌درشهبندرخانه ترتیب داده بود . مدعوین بشام ۱۲ نفربودند .

(چون قبلا تفصیل این ضیافت‌هارا نوشته‌ام تکرارنمیکنم) .

سید صالح نام عرب تبعه عثمانی یك دستگاه فونوگراف آورده بودکوك کرده اقسام آوازهای عربی وترکی عثمانی وفارسی باسازپس میداد وخیلی واضح‌وشمرده .

سه شنبه ۱۲ رجب ۱۳۲۳ درباغ دلگشا(که اخیراً بدستور شاهزاده فرمانفرما تعمیرشده) بحضرت والا نصرت‌الدوله بصرف ناهارموعودم باتفاق سرکار والا شاه مراد میرزا رئیس تلگراف وجناب افتخارالولاة رفتم. تاعصربودیم وخوش‌گذشت .

پنجشنبه ۱۴ رجب - مغرب‌گذشته بود باجناب عبدالکریم بیك باش شهبندر مشغول صحبت بودم ازطرف جناب سالارمنصورنایب‌الایاله پیغام آوردند سالارفرموده‌اند جناب باش شهبندر وشما برای تماشای چراغانی وجشن ورود اعلیحضرت همایونی از سفرسوم فرنگستان بخاك ایران (آستارا) بمیدان توپخانه بیائید باتفاق‌باش شهبندر رفتم . حضرت والا نصرت‌الدوله وجمعی بودند . پس ازصرف شربت و شیرینی بمنزل برگشتم .

این اوقات زوار عتبات عالیات ازاطراف برای زیارت میآیند (ازآذربایجان و خراسان ویزد وگیلان وغیره) بعضی روزها عدد زوار به ۵۰۰ میرسد .

صلح روس وژاپن وشرایط آن

این روزها درروزنامه‌ها مژده‌صلح جنك روس وژاپن‌بعد ازیکسال ونیم محاربات سخت منتشر واسباب مسرت عامه مردم‌گردیده . وزرای مختار طرفین درشهر پرتسموث ینگی دنیا درمجلس جناب مستر روزولت رئیس‌جمهوری امریکامشغول مذاکره‌هستندوشرایط صلح‌را۱۲شرط قرارداده‌اند ده شرطرا دولت‌روس‌قبول نموده دوشرط‌آن‌راکه‌یکی‌خسارت جنك ودیگر واگذاشتن جزیرهٔ ساخالین بژاپن‌است هنوز دولت روس‌قبول ننموده وزرای مختار طرفین موضوع‌را موکول برأی اعلیحضرتین امپراطور روس و ژاپن نموده‌اند که

جواب برسد ازآن قراررفتارنمایند. ازقرارروزنامه‌های اخیر اعلیحضرت میکادوامپراطور ژاپن ازخسارت وغرامت جنك ونصف ساخالین صرف‌نظر فرموده و الحق آن علوهمت و بلندنظری‌اعلیحضرت‌میکادو بیشتر ازفتوحات ژاپن درانظاراسباب افتخاروشرف آن دولت گردیده است .

مراجعت مظفرالدین شاه ازسفرسوم فرنك

شنبه ۷ شعبان ۱۳۲۳ ـ موکب اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه ازسفرسوم‌فرنك بطهران نزول‌اجلال‌فرموده‌اند . شب‌یکشنبه درمیدان سربازخانه‌آتشبازی‌مفصلی شد.حضرت والانصرت‌الدوله وجناب سالارمنصور نایب‌الایاله تشریف داشتند .

پنجشنبه ۲۶ شعبان ـ بعزم استقبال حضرت والا فرمانفرماکه از سفرده ماههٔ لرستان مراجعت فرموده‌اند بعد ازظهرسوار شده عـازم سلیمانیه شدم . توی شهر اسب سکندری‌خورد بزمیم زد دست راست وزانوی‌چپم خیلی صدمه خورد .

اسب‌را عوض‌کرده روانه‌شدم. نیم ساعت ازشب‌گذشته بسلیمانیه رسیده‌خدمت حضرت والا رسیدم . پس ازصرف شام بمنزل جناب عمیدالسلطان رفتم ولی ازصدمه درد دست تاصبح راحت نبودم .

وزارت مالیه ناصرالملك

شنبه ٦ رمضان ۲۳ ـ ازطهران خبررسید وزارت مالیه بحضرت اجل ناصرالملك و حکومت طهران بحضرت علاءالدوله واگذار شده است.

جشن در قونسولخانه انگلیس

شب شنبه پنجم شوال ۲۳ ـ برحسب دعوت‌کاپیتن‌کاف قونسول انگلیس بقونسولخانه رفتم این دعوت رسمی برای جشن ولادت اعلیحضرت پادشـاه انگلستان و امپراطور هندوستان ادوارد هفتم است ساعت دوونیم ازشب‌گذشته رفتیم‌مدعوین بشرح زیربتدریج آمده وسه ساعت ازشب‌گذشته سرمیزشام رفتیم .

(حضرت والا فرمانفرما ـ جناب‌سالارمنصور ـ مسیونیکولسکی قونسول روس وخانمش رئیس بانك وخانمش. باش‌شهبندر ـمستروپلیام‌دکترانگلیسی. دکترروس ـ مسیو وافلار کارگذار)

شام (باهمه لوازمـات ازمشروبات و ماکولات وشیرینی ومیوجات) صرف شد درآخرشام حضرت والا شاهزاده فرمانفرمـا برخواسته برحسب معمول بسلامتی پادشاه انگلیس‌گیلاس شربت نوشیده وسایرین هم متابعت‌کردند .

بعد قونسول انگلیس بسلامتی اعلیحضرت مظفرالدین شاه‌گیلاس نوشیده همه

باایشان همراهی کردند . پس از آن باز قونسول برخاسته بسلامتی اعلیحضرت سلطان عبدالحمید سلطان عثمانی و بعدازآن بسلامتی امپراطورروس گیلاسی نوشیدند. بعدازسلامتی سلاطین هرکس دوستانه بسلامتی همدیگرنوشیدند . بعد من بسلامتی حضرت والافرمانفرما شربتی نوشیده و کاپیتن کاف هم بسلامتی کارگذارنوشید . ساعت شش ازشب مجلس متفرق شد.

روزشنبه جشن رسمی درقونسولخانه انگلیس برگزارشد .

ولادت پادشاه انگلستان درنهم نوامبراست چون مصادف با ۱۱ رمضان بود کاپیتان کاف قونسول انگلیس جشن‌را دررمضان موقوف وبماه شوال انداخت .

اغتشاش درروسیه

چهارشنبه ۹ شوال ۲۳ - ازقرارمشهور این اوقات داخله روسیه خیلی مغشوش است حتی تلگرف روسیه‌را درتلگرافخانه ایران قبول نمیکنند باوجودیکه اعلیحضرت امپراطور روس اعلان داده که سلطنت روسیه مشروطه بشود ووکلای ملت‌هم درامور دولتی داخل درمجلس دوما باشند ورأی بدهند بازهم ملت‌راضی نشده اسباب اغتشاش درهمه‌جای روسیه فراهم میآورندکه مقاصد اصلیه خودرا حاصل نمایند .

یکشنبه ۱۳ شوال ۲۳ چون ازوزارت جلیله خارجه درجواب عریضه‌ام مرقوم فرموده‌اندکه برای تأسیس بنای کارگذاری وتذکره‌خانه مراتب بخاکپای همایونی عرض شد مقررفرمودند(بااطلاع گمرك کرمانشاه کارگذارمصارف بنائی کارگذارخانه‌رامعین کنند بعرض مبارك برسد تاامربساختن‌آن بشود)استاد محمد معمارباشی‌را فرستادم آمد.معمار-باشی مصارف بنائی‌را ازقرارذرعی ۳تومان‌ونیم‌الی‌چهارتومان‌برآوردکرده تقریباًپنجهزار تومان خواهد شد . (این بنا ساخته نشد)

جشن وضیافت درقونسولگری روس

چهارشنبه۲۳-شوال‌مطابق ۲۰ دسامبرمسیحی ۱۹۰۵-شب گذشته محض‌جشن‌اسم گذاری‌اعلیحضرت‌امپراطورروس قونسول‌روس‌بشام دعوت‌کرده‌بود سه‌ساعت‌ازشب گذشته‌بالباس رسمی رفتم.مدعوین به‌ترتیبی‌که معین شده بود نزدیك ساعت ٤ ازشب سرمیز شام رفتند هرکس درصندلی‌که‌جا تعیین شده بود قرارگرفت .

موزیك‌مخصوص ایالتی هم‌نواخته میشد.درآخرشام‌طبق‌معمول‌تست‌بعمل آمد. ازسرمیزبرخواسته‌باطاق‌پذیرائی‌رفتیم ساعتی‌هم آنجانشسته‌استماع پیانو(بوسیله خانم‌قونسول)وویولون (قونسول) کرده ساعت نزدیك‌هشت‌ازشب بمنزل‌مراجعت شد.

پنجشنبه غره ذیقعده ۱۳۲۳ - سه چهار روزاست که درتلگرافخانه مذاکره حکومت‌کرمان برای حضرت والافرمانفرما است . یعنی حضرت والا فرمانفرما باحضرت

اتابك اعظم تلگراف حضوری دارند . حکومت کرمانشاه‌را هم برای حضرت حسام‌الملك امیرافخم میگویند ولی‌هنوزعمل ختم نشد است .

شورش درروسیه

دوشنبه ۵ ذیقعده ۲۳ـ ازقرار اخبارروزنامه‌ها داخله روسیه هنوز خیلی مغشوش وکارخانجات دراغلب شهرها بسته شده کارگران بیکارمانده‌اند حتی پست‌وتلگراف هم درخاك روسیه کار نمیکند و اغلب لشگریان روس ازبری وبحری داخل‌شورشیان شده‌اند .

انتصاب امیرافخم بحکومت کرمانشاه

سه‌شنبه ٦ ذیقعده ۱۳۲۳ ـ نزدیك غروب بدارالایاله رفتم جناب آقای امام جمعه وحضرت والا محتشم‌السلطان و امین‌الممالك در دیوان خانه بودند . دراین بین سرکاروالا شاهزاده رئیس‌تلگراف وارد بعضی تلگرافات آوردند . معلوم شد حکومت کرمانشاه و اسد آباد وکنگاوربحضرت‌اجل حسام‌الملك امیرافخم مرحمت‌شده باافواج‌این‌ولایت . تلگرافی‌حضرت‌امیرافخم باخیلی‌ادب وانسانیت‌بحضرت والا شاهزاده فرمانفرما مخابره نموده بودند . همچنین‌تلگرافی هم حضرت اشرف اتابك اعظم به‌آقایان وشاهزادگان واعیان شهرکرمانشاه درمحول شدن حکومت این ولایت بحضرت امیرافخم مخابره فرموده بودند .

مشایعت شاهزاده فرمانفرما

دوشنبه۱۲ ذیقعده‌ـ بعد ازظهربرای مشایعت حضرت والاشاهزاده فرمانفرما رفتم . جمعیتی‌کثیرازعلماء وشاهزادگان واعیان برای مشایعت آمده‌بودند . حضرت والا پس‌ازوداع سوارکالسکه شده بسلامتی‌تشریف بردند. عده‌ای‌بعنوان مشایعت‌تابیرون‌شهررفتند .

ورود غلامعلی ـ خان نایب‌الایاله که بلقب‌حسام‌ـ الملك ملقب شد

سه شنبه ۲۰ذیقعده۲۳ ـپنج بغروب‌مانده باستقبال جناب‌غلامعلی خان میرپنج نایب‌الایاله جدید پسردوم حضرت آقای حسام‌الملك امیرافخم والی جدیدکرمانشاه رفتیم تاآنطرف پل قرمسو باایشان تصادف شد . جناب آقای میرپنج وجناب عنایت‌الملك بعدازدیدن من ازکالسکه پیاده شده مصافحه بعمل آمد باتفاق تا پل قرمسو آمدیم ازآنجا شاهزادگان اعیان ونجبا ورؤسای شهر جمعی‌کثیر ازقبیل جناب اعظم‌الدوله شاهزاده اکرم‌الدوله سالارنظام وسایرین صف بسته بودند جناب نایب‌الایاله لجام اسب‌را کشیده ایستاده باهمه اظهارمهربانی واحوالپرسی نمودندپس‌از آن ازدروازه مشهور بدروازه یهودی‌ها وارد شهرشدند ازتمام طبقات اصناف شهر قربانی کشتند ازکوچه‌های پرازگل‌شهرگذشته وارددارالایاله شدیم الهام شاعر هم قصیده تبریك

ورود خواند ·

یکشنبه ۲۵ ذیقعده ۱۳۲۳ - شب پنجشنبه گذشته جناب عنایت‌الملك دراین منزل بیتوته صبح بدیوانخانه رفته خیال ملاقات حضرت والا فرمانفرماراکه درسلیمانیه هستند دارند .

طرف عصر بدارالایاله رفته تبریك لقب بجناب غلامعلی‌خان نایب‌الایاله گفتم چون دیشب تلگرافاً عطای لقب‌حسام‌الملکی‌راازجانب اعلیحضرت همایونی بجناب‌ایشان مخابره نمودند . سه ساعت‌بغروب مانده باتفاق ایشان برای دیدن باش‌شهبندر عثمانی‌و قونسول انگلیس وقونسول روس رفتم .

مسترمکلین رئیس بانك شاهنشاهی باخانمش درقونسولخانه روس بودند . مستر آرکلس نایب رئیس بانك هم باتازه عروسش که درهمین روزها عروسی کرده بعد ازچند دقیقه وارد شد مسیونیکولسکی قونسول روس بیان‌کرد عروسی مسترآرکلس دراینجااول عروسی فرنگیهاست‌که درکرمانشاه واقع شده·پس از صرف شوکولات وغلیان خداحافظی کرده بیرون آمدیم ·

دخالت خارجیان درامورایران

جمعه غره‌ذیحجةالحرام ۱۳۲۳ -قبل از ظهر خدمت جناب حسام‌الملك رفتم . بعد ازنیم ساعت دیگر کاپیتان‌کاف قونسول‌انگلیس باتفاق‌دکترویلیام ببازدیدنایب‌الایاله‌آمدند . میرزاعلی‌اکبرخان منشی قونسول‌را هم همراه آورده بودند · بعد ازرفتن قونسول میرزا علی‌اکبرخان منشی قونسول ازجانب قونسول برای نایب‌الایاله پیغام آورد که محبوسین لرستانی‌را درمحبس رفتم دیدم جایشان بد بود بآنها سخت میگذرد قدغن نمائید مکان آنهارا تغییربدهندومواظب حالشان باشندکه‌تلف نشوند . نفهمیدم مقصود قونسول بدون اطلاع نایب‌الایاله بمحبس حکومتی رفتن چه بود وچرا رفته . نایب‌الایاله جواب دادند مقصرین لرستانی‌را باید محکم نگاه داشت میگویم جای آنهارا تغییردهند .

ازدواج فرزندی هاشم

شنبه ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۳ - برای فرزندی‌هاشم‌خان مجلس‌عقدبرپا ودختر مرحوم میرزاکوچك‌خان‌را عقد بسته جناب مستطاب‌آقای آقا شیخ هادی وجناب آقای شیخ‌الاسلام بمبارکی صیغه عقد جاری نمودند جنابان آقا میرزا سالك وخطیب‌الملك وجمعی‌دیگر هم بودند . خداوند عاقبتشان‌را خیرکند .

شب یکشنبه عروس ودامادرا بمنزل سرکار سرتیپ اخوی بردند درآنجا محلی برای آنها مهیا کرده‌اند .

جمعه ۲۹ ذیحجه ـ ازقرارخبرتلگرافی، وزارت جنگ بحضرت والا شاهزاده امیر کبیر نایب السلطنه محول شده · وزارت تجارت بحضرت والا حاج سیف الدوله .

استقبال از امیرافخم

جمعه ۱۳ محرم ۱۳۲٤ باتفاق میرزا نادعلی خان اخوی بسلیمانیه پنج فرسخی باستقبال حضرت اجل امیرافخم حکمران کرمانشاهان وسرحددار عراقین رفتیم وخدمتشان رسیدیم تقریباً پنج سال بود حضرت امیرافخم را ندیده بودم . شب را درسلیمانیه مانده باجنابان افتخارالولاة خسروخان والی، وحاج ساعد همایون هم منزل بودیم . حضرت امیرافخم هم مهمان جناب اعظم الدوله بودند . خوب پذیرائی ومهمانداری نمودند .

یکشنبه ۱۵ محرم ـ دوساعت بغروب مانده حضرت امیرافخم بدون جنجال و استقبالچی بدارالایاله ورود فرمودند . قبل ازوقت کتباً و تلگرافاً فرموده بودند احدی ازاهل شهر باستقبال نرود مگرازشاهزادگان واعیان واشراف وتجاردرمیدان توپخانه دم پله جلوعمارت حکومتی حاضرباشند . وهمینطورهم کردند .

سه شنبه ۲٤ محرم ـ طرف عصر درخدمت حضرت امیرافخم بکالسکه نشسته باتجمل حکومتی ببازدیدباش شهبندرعثمانی رفتم . عبدالکریم بیك باش شهبندر واحدبیك شهبندر پذیرائی نمودند . درمراجعت بمریضخانه تازه احداثی حضرت والا فرمانفرما رفتیم ولی هیچ مریضی دراطاق مرض نبود . دکترعبدالله طبیب مریضخانه ومشهدی علی رضا مدیرآنجا بودند حضرت امیرافخم را باطاقها راهنمائی مینمودند دکترعبدالله عرض کرده ماهی هفتاد تومان حضرت والا فرمانفرما برای مصارف مریضخانه مرحمت میفرمایند سوای مواجب دکتر و پول ذغال و عمه تقریباً ماهی صد تومان از همه جهت مخارج مریضخانه میشود .

افسوس که دراین بلد قدر مریضخانه واین قبیل بناهای خیریه مجهول است

پنجشنبه ۲٦ محرم ۱۳۲٤ـ عیدنوروزملت ایران وابتدای سال یونت ئیل واول حمل است بواسطه احترام ماه محرم مردم عید نکرده لوازمات عید بجا نیاوردند.

صبح بدارالایاله رفته درخدمت جناب حسام الملك نایب الایاله بدیدن صدیق الحرم که ازخواجه‌های شاهی وازطهران آمده عازم عتبات عالیات بود رفته دیدن کردم. طرف عصرهم بازبدارالحکومه رفتم دیدم مسیووافلاررئیس گمرك باتمام اجزاء بدیدن عیدسال جدید خدمت حضرت امیرافخم آمده‌اند . دوساعت بغروب مانده درملازمت حضرت امیر افخم ببازدید مسیونیکولسکی قونسول روس رفتیم . درمراجعت شام را دردارالایاله صرف کرده بمنزل آمدم .

آقابخش (مرشد)

جمعه ٤ صفر المظفر- بااخوان گرام وجناب آقا شیخ حسین نجفی مصمم رفتن عمارت دلگشا شدیم . قبل ازحضرات بمنزل جناب میرزا سالك رفتم . بعد ازچند دقیقه دیدم جناب والا عبدالعظیم میرزاکه به‌آقابخش‌مشهور وپیرزاده‌جناب‌سالك است ورودنمودند ایشان خوش سیما وخوشرو وکلاه‌کردی برسروعبا بردوش داشتند مسکنشان هشت‌فرسخ تاکرمانشاه مسافت است درواقع درسرحدکرمانشاه ولرستان واقع است بعد از صرف چای باتفاق سرتیپ اخوی ومیرزا اسدالله‌خان ومیرزاعلی‌خان منشی به‌دلگشا رفتیم . جناب‌آقا شیخ حسین میرزا نادعلی‌خان اخوی وفرزندی هاشم آنجا بودند تاعصر آنجا ماندیم دو بغروب مانده بمنزل برگشتیم .

شنبه پنجم صفر ۱۳۲٤- صبح بدیدن نواب والا محتشم‌الدوله که تازه ازعتبات مراجعت‌کرده ودراین صفر مرحومه اشرف‌الحاجیه متعلقه‌شان فوت شده رفتم . جناب ظهیرالملك وجمعی ازاعیان شهرهم بدیدن آمده بودند .

نمونه‌ای ازمحاکمه درکارگذاری

ساعت سه ازدسته‌گذشته بمنزل برگشته برای‌تشکیل‌جلسه‌تسویه امورصغار مرحوم حاج عبدالرحیم وکیل‌السفاره حاضرشدم جناب عبدالکریم‌بیك باش شهبندر واحدبیك شهبندر ووکیل قیم‌عثمانی آقا سیدصالح‌معدل آمدند . دراین‌بین حاج‌تقی اردکانی که‌مستاجر کاروانسرای بزرگ وکیل‌الدوله است واحضار شده بود آمد . باش‌شهبندرمطالبه‌اجاره‌نامه ازحاجی‌مذکور نمود حاجی‌هم اجاره نامه‌را که ازمیرزا اسمعیل تاجرباشی قیم‌صغار گرفته بود ابراز داشت باش شهبندر اجاره‌نامه‌راگرفت وبغلش‌گذاشت گفت اجاره‌نامه‌را پس نمیدهم زیرا ساختگی است وتقلب‌کرده‌اند .گفتم صحیح نیست درمجلسی باحضور جمعی سندی ازکسی بگیرید وپس ندهید ولی پس نداد هرچه حاجی‌تقی التماس‌کرداجاره‌نامه‌را رد نکرد تااینکه‌ازمجلس برخواست ورفت . من گفتم‌اگروضع اینطوراست من‌حاضر برسیدگی این‌کارنخواهم بود . تااینکه آقای میرزا بزرگ‌خان مأمور ایالتی اجاره‌نامه‌را بملایمت از شهبندر گرفت وضبط‌کرد ساعت شش ازدسته‌گذشته مجلس متفرق شد .

فوت محتشم السلطان

یکشنبه ۱۳ صفر - شاهزاده محتشم‌السلطان که باحال ناخوش‌از عتبات مراجعت نموده بود لبیك حق‌را اجابت نمود ومرحوم‌شد. امروز بفاتحه آن مرحوم رفتم .

جمعه ۱۸ صفر - سه چهار روز است جناب آقای یمین‌الممالك

کارپرداز اول بغدادوارد کارگذاری شده قصد عزیمت بغدادرا دارند ولی کثرت بارندگی مانع شده . صبح جناب اجل امیرافخم وجمعی ازآقایان علماء و شاهزادگان نیزآمدند . وجناب میرزاحسن شیخ‌الاسلام قزوینی ، باش شهبندروآقای افتخارالتجارهم ناهار موعود بودند . تاعصرمشغول پذیرائی بودم .

شنبه ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲٤ ـ عید ولادت باسعادت حضرت ختمی مرتبت(ص) است دیشب دردارالایاله مجلس جشن وآتش بازی مفصل درمیدان سربازخانه برپا بود ازمأمورین خارجه مقیمین کرمانشاه حسب‌الفرموده‌ایالت برای تماشای آتش‌بازی‌وشربت وشیرینی دوستانه دعوت‌کرده بودم آمدند .

عزیمت فرزندی مسعود بهمدان

شنبه ۲٤ ربیع‌الاول ـ صبح مشغول راه انداختن سرکارسرتیپ اخوی ووالده مسعود بهمدان بودم وبسلامتی یکساعت و نیم‌از آفتاب گذشته‌روانه همدان شدندفرزندی مسعودرا هم همراه‌بردند میرزا نادعلی‌خان اخوی‌وفرزندی هاشم هم تاپل قرسو بمشایعت رفته مراجعت‌کردند .

دیروزدرباغ‌مظفرالسلطنه‌مهمان‌جناب اعتمادقاجاربودم‌سرکاروالا محتشم‌الدوله ومظفرالسلطنه باجمعی بودند .

شب دوشنبه۲٦ربیع‌الاول ـمعتمدالسلطان‌رضاقلی‌خان عراقی‌که ازخواننده‌های مرحومه مهد علیا (مادرناصرالدین شاه) بوده وتقریباً هفتاد سال دارد از عتبات مراجعت کرده دراین منزل بود . آدم خوش صحبت وشعردان وبامزه است سرکار شاهزاده‌محمدـ باقرمیرزا هم بودند . وقت بشعرخوانی وصحبت‌های متفرقه وادبیات‌گذشت ازجمله‌ابیات ذیل من‌کلام ابوطالب‌کلیم .

زگریه شام وسحر چند دیده‌ترماند — دعاکنیم‌که نی شام ونی سحر ماند
ز هجر برجگرم ماند داغ میترسم — جگر نماند واین داغ برجگر ماند
ازآن شراب‌بمن جرعه‌ای بده‌ساقی — که سر بماند و کیفیتش بسر ماند
خواص‌باده زآب حیات بیشتراست — علی‌الخصوص‌که‌درشیشه بیشترماند
ز غارت چمنت بربهارمنت‌هااست — که‌گل بدست تو ازشاخ تازه‌ترماند
کنید داخل اجزای نوشداروی‌من — ازآن‌گیاه که برگش به نیشتر ماند

جمعه ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲٤ ـ برحسب دعوت جناب ظهیرالملك صبح سواره بسلیمانیه رفتم حضرت امیرافخم وحضرت والا محتشم‌الدوله هم تشریف داشتند . روز هوا گرم ولی شب خنك بود وبهشه داشت باغ سلیمانیه بی‌اندازه باصفا وخرم بود.صبح

درخدمت حضرت امیرافخم وشاهزاده محتشم‌الدوله باکالسکه بشهر آمدیم درسلیمانیه اسمعیل‌خان‌پیشخدمت‌جناب ظهیرالملك عکس ازچهارنفرماگرفت .

یکشنبه ۱۷ ربیع‌الثانی ـ جنابان آقایان حاج میرزا عبدالوهاب پسر مرحوم حاج میرزا هادی همدانی وآقای حاج آقا رضا پسرمرحوم شیخ‌الاسلام وآقای حاج محمد مشهوربشمس که‌اززیارت مکه‌معظمه مراجعت‌نموده‌اندبکارگذاری آمدند وجناب‌شریعتمدار حاج آخوند مجتهد هم تشریف آوردند همگی بصرف ناهار موعود بودند . دوسه ساعت آقایان بصحبت‌های علم فقه واصول مشغول وازمسافرت‌راه مکه ومدینه بیانات نمودند.

انتصاب ظهیرالدوله بحکومت همدان

سه شنبه ۲۶ ربیع‌الثانی ـ دردارالایاله‌تغییرحکومت همدان یعنی عزل جناب یمین‌السلطان ونصب جناب اجل ظهیرالدوله وزیر تشریفات‌را شنیدم .

وصیت‌نامه امیرافخم

یکشنبه غرهٔ جمادی‌الاول ـ طرف عصر دردارالایاله بودم جناب حاج میرزا زین‌العابدین معلم،سه‌کتابچه که وصیت‌نامه حضرت امیرافخم بود ودررمضان ۱۳۲۳ درهمدان نوشته شده بودابراز کرد . حضرت امیرافخم‌فرمودند شما(بنده) هم مهرکنید دونسخه آن‌را مهرکردم دروصیت‌نامه تمام مایملك‌ومتروکات‌وعلاقجاتی‌راکه دارند معین وقسمت وراث‌را معلوم فرموده‌اند. درحصهٔ‌صبیه‌هایشان‌هرکدام‌شوهررفته‌انددهزارتومان‌وهرکدام شوهرنکرده‌اند ۱۴ هزارتومان معین‌فرموده‌انداز۱۴ هزارتومان دهزارتومان ارث‌وچهار هزارتومان جهاز وخرج عروسیشان باشد دوهزارتومان هم‌ازبابت حقوق‌همسرم که‌والدهٔ محترمه علیا مخدره امیرزاده‌خانم‌هستند مشخص‌فرموده‌انددروصیت‌نامه‌باین عبارت نوشته شده‌است«دوهزارتومان‌بمتعلقه فریدالملك‌بایدداده‌شود» [۱].

نزاع سینه‌زنها

یکشنبه ۱۵ جمادی‌الاول ـ ناهار درمنزل جناب مبصرالسلطنه رئیس تلگراف صرف شد . درآنجا شنیدم دسته‌های سینه‌زن که برای عزاداری وفات حضرت زهرا (ع) بمصلی رفته بودند در مراجعت باهم‌نزاع کرده‌اند(یعنی‌دسته‌حاج‌سیدبادسته‌معین‌الرعایا)چند نفرهم‌زخمی‌شده‌اند.

۱ـ درصورتیکه‌میرزا زین‌العابدین‌خان امیرافخم‌دوم درسال ۱۳۰۷ قمری که‌پدرش میرزا حسین‌خان امیرافخم‌اول فوت‌کرد میبایست چندین‌برابراین مبلغ را بمرحوم مادرم بابت‌حق خودش وخواهرم بلقیس خانم‌که بعداً مرحوم شد پرداخت میکرد ولی بزحمت در سال ۱۳۳۸ قمری فقط ۶ هزار تومان آن‌هم باقساط پرداخت کرد و مدت قریب سی سال باآن همه ثروت ازپرداخت دین خودداری نمود .

سراب

جمعه ۲۷ جمادی‌الاول ـ طرف عصر باتفاق جناب مبصرالسلطنه رئیس تلگرافخانه به‌سر سرآب رفتم که تمام باغات شهر کرمانشاه ازآن مشروب‌میشودوتاشهرتقریباًیك فرسخ‌مسافت‌است. سرسرآب دریاچه مانندی است که آب میجوشد ودونهر بزرگ ازآن منشعب میشود ازدوطرف دره که باغات واشجار است جاری است وآسیاهای زیادی هم ساخته‌اند بعضی دهات‌هم هست موسوم بسراب حاج علی‌خانی ـ سراب همت وسراب سعید وغیره دهات خوب و باصفائی است دریاچه سراب جای خوبی است وقابل همه قسم آبادی ولی چه فایده که مردم بی‌تربیت خیلی کثیف‌کرده‌اند . تانزدیك غروب‌آنجا مانده نادعلی‌خان اخوی‌ولقمان‌السلطان هم آمدند · بعد بشهر مراجعت‌کردیم · من خدمت حضرت امیرافخم رفتم‌دیدم حسین‌خان معین‌الرعایا مخلع شده است .

عزیمت علما از طهران بعنوان اعتراض

شنبه ٦ جمادی‌الثانی ۱۳۲٤ ـ عصرخدمت حضرت ایالت (امیر افخم) رسیدم معلوم شد برای ترتیب وتهیه شب عید مولود همایونی است‌که باید بمأمورین خارجه شام سرمیز داد وجشن گرفت‌وآتش بازی‌کرد . یك نفرسیددزفولی سید طاهرنام تازه‌وارد وخدمت حضرت‌ایالت رسید یك‌کرهٔ‌عربی باسه جفت رکاب‌ودهنه هویزه هم سوغات آورده بود تقدیم‌کرد یك جفت ازرکابهارا بایك دهنه به‌بنده التفات فرمودند . بعضی اخبارازعلمای طهران‌وحرکتشان بسمت عتبات عالیات واغتشاش‌پایتخت صحبت شد خداوندرا بخیرمبدل فرماید .

عزل عین‌الدوله وصدارت مشیرالدوله

دوشنبه ۸ جمادی‌الثانی ـ درمنزل جناب مبصرالسلطنه رئیس تلگراف خبرتازه شنیده شد وآن عزل اتابك عین‌الدوله‌ورئیس‌الوزراء شدن حضرت اشرف آقای مشیرالدوله وزیرامور خارجه بود . ازاین خبرهمه مشعوف شدیم زیرا که دراین مدت‌صدارت حضرت والا عین‌الدوله‌که تقریباً سه سال بود عموم طبقات مردم خصوصاً طبقات علماء ازسوء رفتارشان وارباب حقوق ازنرسیدن حقوقشان ازطبقه نوکر وغیرهمه‌دلتنك ورنجیده دل شده بودند فعلا اغلب مردم ازاین خبر دلخوش شده‌اند تا بعد چه شود · طرف عصر جناب حسام‌الملك بکارگذاری تشریف آورده ازترتیب‌وتدارك شب مهمانی عید مولود همایونی صحبت شد که انشاءالله برای شب ۱٤ اینماه همه‌چیز حاضرومهیا شود مباشراین‌کارهم نادعلی‌خان اخوی‌را معین نمودیم .

جشن وضیافت دردلگشا بمناسبت ولادت شاه

شب دوشنبه ۱۵ جمادی‌الثانی ـ دیروزحضرت امیرافخم‌حکمران دردلگشا بمناسبت عید ولادت اعلیحضرت همایون بسلام نشسته بودند مأمورین خارجه وعده‌ای آمدند شب هم مأمورین خارجه مقیمین کرمانشاه بصرف شام سرمیزدعوت شده بودند .

درسرسکوکه برای تماشای آتش‌بازی صندلی گذاشته وچراغ‌چیده بودند نشستند دریاچه متصل بسکوبود خیلی‌جای باصفائی شده‌بود . بعد ازورودمدعوین شروع بآتش بازی نمودند وموزیك‌نواختند . بواسطه مهتاب وطراوت هوا ودریاچه‌خیلی مصفا بود وآتش بازی خوب جلوه داشت . بعد ازاتمام آتش‌بازی سرمیزرفتیم. روی‌میز جای هرکس به‌ترتیب معین شده بود .

پس ازاتمام غذا طبق معمول نطقهائی شد ودرآخرهم بنده بسلامتی حضار نطقی ایرادکردم دربین شام مطرب‌ها ورقاص‌ها مشغول سازورقص بودند .

سه شنبه ۱۶ جمادی‌الثانی ـ نواب‌والا محسن میرزا تحویلدار تلگرافخانه بنده وجمعی‌را بصرف ناهار دعوت نموده بودند رفتم · رئیس تلگراف،تلگرافی ازحضرت صدارت عظمی آقای مشیرالدوله بمن دادندکه مضمونش این بود :

(کارگذاری مهام خارجه برحسب اراده قدسیه بندگان اعلیحضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه منصب نبیل صدارت عظمی به‌ابقای وزارت امور خارجه باین جانب تفویض ومرحمت شده است مشیرالدوله)

پناهندگی درسفارت‌انگلیس وتقاضای عدالتخانه

پنجشنبه ۱۸ جمادی‌الثانی ـ صبح وعصر بدارالایاله رفتم صبح حضرت ایالت بواسطه بعضی انتشارات اراجیف وهمهمه مردم تمام تجار معتبرورؤسای‌اصناف‌را دردارالایاله احضار وفرمایشات ملاطفت آمیزفرمودند که ازخیالات منصرف شده درکمال‌راحت مشغول‌کسب‌وکارخودباشند . حضرات هم متشکرانه‌ازدارالایاله رفتند . طرف‌عصرکه‌بدارالایاله رفتم مذاکره‌درباب علماءوآقایان طهران‌که ازدارالخلافه‌دلتنگانه‌ازدولت بعزم عتبات عالیات بیرون آمده‌بقم واردشده‌بودند بمیان آمد .ازقرارخبرتلگرافی که‌آقایان‌تهران به‌آقایان‌کرمانشاه مخابره نموده بودند میان اولیای دولت علیه وآقایان اصلاح شده ودرجناح حرکت به‌طهران بوده‌اند ولی تجار و کسبه وطلاب وعموم اصناف طهران‌که قریب ۱۲ هزارنفرند درسفارت انگلیس پناهنده شده‌اند هنوز درآنجا متحصن وحرفشان اینست‌که ما عدالتخانه ملتی میخواهیم . سفرای خارجه مقیم طهران دولت برقرارنماید والا ازسفارت‌خانه انگلیس بیرون نخواهیم‌آمد .

قونسول روس مسیونیکولسکی هم خدمت حضرت امیرافخم آمد اظهارکردکه تلگرافی ازوزیرمختارروس مقیم طهران بمن رسید که مابین دولت وملت ایران وعلماء طهران‌را باشرایط معینه بازحمات زیاد اصلاح دادم واین خبررا بایالت جلیله اطلاع بدهید .

تلگراف مظفرالدین شاه مبنی برقبول تشکیل مجلس عدالتخانه

شنبه بیستم جمادی‌الثانی ۱۳۲٤ - طرف عصردارالایاله بودم تلگرافی ازصاحبقرانیه مشحون بدستخط مبارك همایونی برای ایالت رسیدکه بتمام حکام ولایات هم مخابره شده باین مضمون (که محض حقوق ملت وآسایش عموم رعیت مجلس عدالتخانه قراردادیم که اجزای‌آن مرکب‌ازشاهزادگان وعلماء قاجاروطبقات تجار واعیان باشد که درهرامری‌که راجع بآن مجلس میشودمتفقاً ازروی صلاح وصرفه دولت وملت وبدون غرض مذاکره نموده انجام بدهند .) علماء وآقایان‌طهران‌که قم‌رفته بودند درشرف‌مراجعت بدارالخلافه بوده‌اند .وهمچنین‌پناهندگان سفارت‌خانه انگلیس درطهران‌که تقریباً ۱۲هزارنفرندازتمام طبقات مردم بوده‌اند بعداز استقرار عدالتخانه وشرایط آن متفرق‌گردیدند . صورت تلگرافی دیدم‌که اعلیحضرت پادشاه انگلستان وامپراطورهندوستان ادوارد هفتم‌باشخاص پناهندگان سفارتخانه انگلیس مخابره فرموده خیلی برأفت ومهربانی‌که حضرات متحصنین‌را برادرخطاب فرموده ووعده داده‌اند که ازبرادر ارجمندتاجدارم اعلیحضرت‌مظفرالدین‌شاه آسایش ورفع تعدیات شمارا خواهش خواهم نمود که شماها آسوده باشید .

درآن‌تلگراف نسبت‌بوزیرمختارانگلیس‌مقیم‌طهران هم‌که‌حضرات‌را درسفارتخانه راه داده وپذیرائی‌نموده خیلی اظهار التفات ورضایت فرموده‌اند .

جشن بمناسبت آشتی دولت وملت

سه شنبه ۲۳جمادی‌الثانی- طرف غروب بدارالایاله رفتم.درپشت بام مشرف بمیدان‌توپخانه‌اسباب‌آتش‌بازی وچراغانی چیده‌بودند. خدمت حضرت امیرافخم حکمران جمعی ازشاهزادگان ورئیس تلگراف حضورداشتند این جشن وآتش‌بازی برای صلح وآشتی ملت ودولت ایران ومراجعت علماء ازقم بطهران است . چون حضرت آقای امام جمعه درحسینیه خودشان چراغانی نموده تمام علماء واعیان شهررا بصرف شام دعوت نموده بودند حضرت امیرافخم پس از ادای نمازمغرب وعشاء بمنزل جناب امام جمعه تشریف بردند وزود برای مراسم آتش‌بازی مراجعت نمودند . بنده و آقای اعتضاد دیوان بنا بدعوت جناب امام‌جمعه رفتیم قریب دویست نفرحضور داشتند وحسینیه‌را چراغان کرده بودند پس ازقرائت قصیده تبریك جشن ، تمجید صلح دولت و

وملت وسیله میرزا قهرمان،قبل ازشام معذرت خواسته بمنزل آمدم دیدم حضرت والا محتشم‌الدوله وجناب‌مبصرالسلطنه ومیرزا بزرگ‌خان آنجا هستند . یکی دوساعت‌مشغول صحبت بودیم بعد تشریف بردند . انشاءالله این صلح مابین دولت وملت ایران عاقبت محمود واسباب آسودگی عموم وآبادی مملکت خواهد شد.

اصلاح بین اتباع عثمانی وباش شهبندر

شنبه ۱۱ رجب‌المرجب ۱۳۲٤ ـامروزکه‌روزجلوس اعلیحضرت سلطان عبدالحمیدخان پادشاه عثمانی بود طرف عصردرخدمت حضرت امیرافخم حکمران به‌باش شهبندرخانه رفتیم رسم تبریك بعمل آمد . امسال سال سی‌ویکم جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالحمیدخان‌است‌مسیونیکولسکی‌قونسول‌روس و کاپیتان کراس نایب قونسول انگلیس وجناب مبصرالسلطنه رئیس تلگرافخانه هم بودند .

دیروز باتفاق جناب‌حسام‌الملك نایب‌الایاله چند نفرازاتباع عثمانی‌که بین‌آنها باجناب باش شهبندرکدورت واقع‌شده‌بسفیرعثمانی وبابعالی شکایت‌کرده بودند حضرات‌را به‌باش شهبندر خانه برده‌باجناب باش شهبندراصلاح دادیم .

پنجشنبه ۱٦ رجب ۲٤ ـ درخدمت حضرت امیرافخم وجناب حاج ظهیرالملك وحضرت والا محتشم‌الدوله بکبوده‌که‌یك فرسخی شهر است‌رفتیم . دوشب ویك‌روزآنجا مانده صبح شنبه ۱۸ بشهربرگشتیم . غروب جمعه ۱۷ کاغذهای پست درکبوده رسید از قراریکه ازطهران نوشته بودندکارگذاری‌کرمانشاه‌را بجناب شریف‌الملك تبریزی‌داده‌اند واحکام مأموریت هم بایشان داده شده . حضرت امیرافخم بتوسط حضرت ناصرالملك وزیرمالیه حالیه‌بحضرت اشرف‌صدارت‌عظمی (مشیرالدوله) تلگراف رمزدرابقای‌مأموریت بنده مخابره نمودند . خودم هم بحضرت سرداراکرم که درطهران هستند این مسئله‌را تلگراف‌کردم تاخواست الهی جلت عظمته چه باشد هرچه پیش‌آید خوش آید .

ورود شریف‌الملك کارگذارجدید

یکشنبه ۲٦ رجب ۲٤ ـ جناب آقای شریف‌الملك تبریزی بسمت کارگذاری‌کرمانشاه‌واردودرکارگذاری‌منزل‌دارند مشغول‌پذیرائی میباشیم انشاءالله من‌هم درحال رفتن بهمدان هستم .

پنجشنبه غره شعبان ۱۳۲٤ ـ باجناب شریف‌الملك درکارگذاری نشسته مشغول‌تحویل‌ابوابجمعی‌خودهستیم .بحمدالله اززحمات‌کارگذاری‌کرمانشاه‌که‌خود میدانم خلاص شدم .

از۲۱ صفر ۱۳۱۱ تاامروز مأمورکارگذاری وریاست تذکره مشغول وبامردم این بلد حتی‌الامکان باحسن سلوك‌رفتارنمودم همینقدرشکرمیکنم‌که احدی ازبنده شاکی

ونارضا نیست نیکنامی‌را برجمع مال دنیا واذیت مردم ترجیح دادم ذخیره این سفرم در کرمانشاه همین است که نوشتم .

شنبه سوم شعبان ۱۳۲٤ - روزولادت باسعادت حضرت سیدالشهداء (ع)است جناب شریعتمدارآقاشیخ محمدحسین پیشنمازباتفاق جناب آقاسیدجمال‌الدین بدیدن‌تشریف آوردند . جناب آقا سیدجمال‌الدین‌فرمودند چندی‌قبل (دوماه) خوابی دیدم ازدحام‌غریبی درمیدان توپخانه‌کرمانشاه جمع شده وشما (فریدالملك) درروی صندلی نشسته‌اید. ازیك زن عفیفه پرسیدم‌کیست روی‌صندلی نشسته جواب داد فریدالملك است وآدم خوبی‌است شما پیش بروید یك قرآن‌کوچك نزد ایشان است بگیرید واین دلیل برانتزاع ازعمل‌کار-گذاری است وانشاءالله عاقبت بخیراست. عصربرای تودیع بقونسولخانه روس وانگلیس وباش شهبندری عثمانی رفتم .

سه شنبه ٦ شعبان - صبح بمنزل برای وداع بعضی دوستان و آشنایان وبعد بدارالایاله رفتم حضرت امیرافخم فرمودند امروزحرکت نکنم . ازآنجا آمدم دیدم جناب میرزا سالك سرکار احتشام‌الملك و جناب آقا میرزا رضای منجم وسرکاراعتضاد دیوان کردستانی آمدند . جناب آقا میرزا رضای منجم‌گفتند امروز ساعت برای حرکت خوب نیست . لهذا امروزحرکت موقوف شد .

مهمانی ظهیرالملك

شب پنجشنبه ۸ شعبان - برحسب دعوت بمنزل جناب اجل‌حاج ظهیرالملك رفتم حضرت حکمران وجناب حسام‌الملك نایب‌الایاله وشاهزاده محتشم‌الدوله جناب اعظم‌الدوله ومیرزا بزرگ خان‌هم تشریف داشتند . یکدسته مطرب اهل بصره که خواننده،نوازنده ورقاص عرب بودند تازه بکرمانشاه وارد شده آنجا آمده سازنواخته آوازخواندند و رقص‌کردند رقصشان خوب بود شب خوش‌گذشت تاساعت هشت‌ازشب‌گذشته نشستیم بنده درمنزل جناب اعظم‌الدوله بیتوته‌کردم .

حرکت ازکرمانشاه بطرف همدان

صبح پنجشنبه۹ شعبان ۱۳۲٤ بدارالایاله رفته باحضرت‌امیرافخم وداع بعمل آمد ایشان هم روی مرا بوسیدند . ساعت سه وربع ازآفتاب‌گذشته بکالسکه‌حضرت ایالت نشسته روانه شدم . چهار ونیم‌بغروب مانده سلامت‌به‌بیستون رسیدم . عصرباسرکارسرتیپ حیدرخان‌گردش‌کنان‌تاچشمه سرآب بیستون‌رفتیم‌وحجاری‌های قدیمی‌را که ازقرارمشهور صورت داریوش است وهمچنین وقف‌نامه مرحوم شیخعلی‌خان‌راکه بعضی از املاك حول وحوش بیستون‌را وقف‌کرده تماشاکردیم .

جمعه ۱۰ شعبان ۲٤ - صبح علی‌الطلوع ازبیستون روانه شده به‌صحنه‌آمدیم تقریباً ازبیستون تاصحنه چهارفرسخ مسافت‌است . بین راه زوارزیادی بعتبات میرفتند . اغلب دهات کرمانشاه خیلی بااستعداد وحاصل‌خیزاست ولی چه فایده که رعایای این صفحه خیلی تنبل وبی‌کاره‌اند . دونفرسوارقراسوران‌یك فرسخ همراه‌ماآمدند صحنه‌جای خوبی‌است وباغات زیاد وباصفادارد افسوس‌که منزل‌صحیحی ندارد ومردمش‌کثیف‌هستند وجای‌باین خوبی‌را خیلی‌کثیف نگاهداشته‌اند . صحنه مال جناب وزیردفتراست . عصر بامیرزا محمودخان مشیردیوان نایب و مستاجر وزیردفتربگردش لب رودخانه رفتیم بقرارمذکورصحنه وتوابع آن‌را پنج‌ساله ازجناب وزیردفتربسالی یکهزار وپانصد خروار جنس وسه‌هزارتومان‌نقد اجاره‌کرده است . مالیات‌دیوانی صحنه هزارتومان وهزارخروار جنس‌است . آقای مشیر دیوان بیان کرد مالیات سه چیزرا درصحنه برداشته‌ام :چهار صدتومان اجاره شیره‌خانه یکصد تومان قمارخانه،ویك‌صد تومان فاحشه‌خانه . از این ششصد تومان‌گذشته واین سه فقره‌را قدغن‌وممنوع کرده‌ام بنده هم تمجیدش‌کردم.

شنبه ۱۱ شعبان ۱۳۲٤ - علی‌الصباح ازصحنه حرکت‌کرده نزدیك‌کنکاور دیدم جناب مبصرالسلطنه رئیس تلگرافخانه کرمانشاه درصحرا مشغول ترمیم سیم تلگراف هستند . باتفاق بمنزل جناب حاج ساری اصلان آمدیم . ناهار آنجا صرف‌شد . شب هم درآنجا گذراندم .

یکشنبه ۱۲ شعبان - سرآفتاب باتفاق جناب مبصرالسلطنه ازکنکاورروانه شده بین‌راه درمندرآباد ناهارصرف شد . ازآنجا سوارشده سه ساعت بغروب مانده باسد آباد رسیدیم . ازکنکاور تااسدآباد بین پنج وشش فرسخ‌است .

جناب ساعد همایون حاکم اسد آباد شب درتلگرافخانه بدیدن آمدند شام هم آنجا صرف شد .

دوشنبه ۱۳ شعبان- صبح ازاسدآباد روانه شده بادوطوفان غریبی‌بود درگردنه اذیت‌کرد . از راه چوتاش آمدیم راه قدری سخت بود . دربین راه درقریه فیجان ملکی اولاد مرحوم حاج عبدالباقی ناهارصرف ، چهاربغروب مانده حرکت ویکساعت بغروب مانده سلامت وارد همدان شدیم . میرزاعلی‌اکبرخان سرهنك تلگرافخانه ، حسنخان‌یاور بعد محمد حسن‌خان ونادعلی‌خان اخوی باستقبال آمده بودند . این مأموریت‌کارگذاری بنده درکرمانشاه سه‌سال ونیم طول‌کشید .

سه شنبه ۱٤ شعبان - درمنزل پذیرائی واردین مشغول بودم . باتفاق جناب

مبصرالسلطنه ونادعلی‌خان اخوی خدمت حضرت آقای ظهیرالدوله حکمران رسیدیم . درباغچه آقا یوسف که فعلا دارالحکومه است وبصفائیه مشهورشده است .

پنجشنبه ۱۵ (۱۶) شعبان ـ دیروزبنا بدعوت جناب‌آقای شریف‌الملك بعروسی آقامیرزا ابراهیم‌اخوی‌زاده‌شان بناهارموعود بودم بعدبه‌شورین رفته خدمت جناب آقای احتشام‌الدوله رسیدم شب‌هم آنجاماندم. صبح بهدایت‌آقا میرزا اسدالله‌خان معززالسلطان منشی جناب آقای‌احتشام‌الدوله‌به‌تماشای قصر قجرعمارت ییلاقی‌جناب اجل حسام‌الملك رفتم‌گل‌کاری خوب کرده بودند . این عمارت درسرتپه واقع شده منظر خوبی دارد . ازقصرقجرمراجعت‌کرده‌به‌معلم‌خانه فرزندان جناب‌آقای احتشام‌الدوله رفتم . امیرزادگان مکرم آقای‌نصرت‌خاقان‌وآقای‌غلامحسینخان که ده دوازده‌ساله هستند مشغول‌درس،آثار نجابت ازناصیه‌شان هویدابود .ازآنجابمدرسه‌عمومی‌شورین‌که جناب آقا شیخ سعید مدیر آن‌است رفتیم . جناب‌مبصرالسلطنه‌ازمیرزانورعلی‌نام شاگرد مدرسه‌امتحان حساب‌نمودند خوب ازعهده برآمد . فرانسه وفارسی درمدرسه تحصیل میکنند .

بنای عدالتخانه بوسیله ظهیرالدوله

جمعه۱۶ شعبان ۱۳۲٤ـ یکساعت ازشب‌گذشته حضرت‌حکمران (ظهیرالدوله) بدون جنجال باآقای ظهیرالممالك بیازدیدتشریف آوردندقریب یکساعت بودندبعد ازصرف چای وقهوه بدون‌چراغ وآدم تشریف بردند . درهمدان بنای عدالتخانه ملی حضرت حکمران‌گذاشته مشغول ساختن عدالتخانه هستند[1] .

این‌روزها عمل‌نان‌درهمدان خیلی مغشوش‌وکمیاب است ومردم درهیجان‌ویاعلی گویان بتلگرافخانه هجوم آورده داد وفریاد میکنند . نان لواش یك‌من دوریال شده است

سختی امرنان

سه‌شنبه ۲۰ شعبان۲٤ـ دیروزجناب آقای‌شریف‌الملك وفرزندشان آقای سعیدالممالك تشریف آوردند .امروزمردم شهر ازبابت‌نان وآن غوغا آسوده‌شده آرام‌گرفتند ودکان‌هارا هم که بسته‌بودند بازکردند .

نزدیك غروب درمسجد خدمت حضرت حکمران رسیدم . جمعی هم ازهمه طبقات مردم بودند . یك طرف مسجد مجلس حکومت و یك طرف نماز جماعت بجای آوردند .

---

۱ ـ درآن‌ایام شش‌ساله‌بودم‌وبمدرسه‌میرفتم .درنظردارم‌برای‌ساختن عدالتخانه فوق‌الذکر (انجمن‌ایالتی) شاگردان‌مدارس‌ومردم هریك بایك دستمال‌گچ ویك دانه آجر برای‌شرکت درساختمان عمارت‌مزبور میرفتند .

دوشنبه ۱۰ رمضان ۲٤ ـ باتفاق نادعلی‌خان اخوی‌وفتحعلی‌خان یاور ازهمدان ازراه شوسه که تازه ساخته‌اند بقرخلرآمدیم .

چهارشنبه ۱۲ رمضان ـ باتفاق اخوان محمدخان‌سرتیپ ونادعلی‌خان وهمشیره زاده فتحعلی‌خان یاوربعین آباد بدیدن سرکار طاهرخـان سرتیپ مفتح‌الدوله رفته شب‌را درآنجا ماندیم .

درقرخلروعین‌آباد طرف عصر تعزیه میخوانند یاباصطلاح‌شبیه‌درمیآورندشبیه‌ـ خوانها اهل‌درجزین‌هستند برای اهل دهات وعوام یك نوع عزاداری حضرت خامس آل عبا (ع) است . ولی روضه‌خانی وموعظه‌درمسجد بهترازاین‌قسم عزاداری است .

جمعه ۱٤ رمضان ـ دوسه مجلس باخوانین قرخلردرخصوص آبادی ونظم‌امور رعیتی قرخلر وعربلومذاکرات شد شاید قرارقطعی صحیحی داده شود یك فقره‌را همه‌رأی داده وتصدیق‌نمودندکه‌مالکین دوسهم درقرخلربمانند ودوسهم دیگربعربلو بروندشرایطی هم معین نمودند افسوس‌که درآخرسرنگرفت وامور معوق ومختل‌ماند نفاق وخود رأئی بعضی مالکین‌ملك‌را خراب نموده وخیرخود وشرکای‌خودرااز نادانی نمیخواهند خداعقل وشعورکرامت فرماید .

آبشینه منزل آقای ضیاءالملك

دوشنبه ۹شوال‌المکرم ۱۳۲٤ ـ دوساعت ازآفتاب‌گذشته باتفاق سرکار والا محسن میرزا میرپنج وسرکار محمدحسن‌خان سرتیپ اخوی به‌آبشینه خدمت جناب اجل ضیاءالملك امیرتومان رفتیم متجاوزازچهارسال بودکه‌جناب معظم‌له‌را ندیده بودم دراین مدت حضرت ضیاءالملك‌سفراروپارفته تقریباً بیست ماه درسیروسیاحت بوده‌اند سه چهارساعت خدمتشان بودیم از وضع وترتیب زندگانی ومدنیت ونظم و پاکیزگی صفحات وممالك اروپ بیان فرمودند تااینکه حرف بوضع ایران وتشکیل‌مجلس‌شورای ملی وتفویض‌قدرت سلطنت‌که اعلیحضرت اقدس همایون مظفرالدین‌شاه بموجب دستخط در۱۷ شعبان۱۳۲٤ بمجلس شورای ملی فرموده‌اندکشید . جناب ضیاءالملك فرموده‌اند اعلیحضرت همـایون مظفرالدین شاه در۱۷ شعبان‌گذشته بطیب خاطر وبنفس نفیس خودشـان سلطنت خـودرا مشروطه قراردادند اوامرواحکام سلطنتی‌را بمجلس محترم شورای ملی تفویض فرمودند واین واقعه درایران تاریخی خواهد بود ودرتواریخ دنیا ثبت وضبط خواهد شد .

جناب ضیاءالملك فرزند مکرمشان حسنعلی‌خان‌را همراه برده درسویس بمدرسه سپرده ومشغول تحصیل شده‌اند .

شنبه ۱٤ شوال ۲٤ ـ میرزا قرابطخان اعزازالسلطـان مدیربـانك شاهنشاهی

همدان بدیدن آمد . جناب قوام‌السادات هم دراین بین تشریف آورده دوسه ساعتی نشسته رفتند .

مدرسه شورین

دوشنبه غره ذیقعده ۲٤ ـ بشورین منزل‌جناب حاج میرزا نصرالله برای دیدن جناب اجل آقای ضیاءالملك رفتم . ناهار هم آنجا صرف شد . مذاکره ازمدرسه‌شورین وقرارومدار وترتیب‌آن‌بمیان آمد . جناب شیخ سعید مدیرمدرسه هم‌آنجا بود مخارج مدرسه‌را ازهربابت معین‌نمودند که نصف آن‌را حضرت امیرافخم‌والی حالیه‌کرمانشاه ونصف دیگررا حضرت ضیاءالملك میدهند . تخمیناً مخارج مدرسه ماهی هشتاد تومان برآوردشد. ازخدمت آقای‌ضیاءالملك بدیدن جناب عبدالعلی‌خان منصورالدوله رفتم .

پیشنهاد مأموریت کرمان

جمعه پنجم ذیقعده ۱۳۲٤ ـ ساعت دو ازشب‌گذشته تلگرافی از حضرت اجل امیرافخم‌والی‌کرمانشاه باین مضمون برای‌این‌جانب رسید : «جناب فریدالملك ادیب‌السلطنه تلگرافی گفت مأمور کرمانید تمنای تبدیل‌کردم‌چهارصدگفتم لازم‌باشدبدهدامیرافخم.» بعدازرسیدن این تلگراف عزم‌رحیلم (به‌تهران) بدل باقامت شد . گفتم عرفت‌الله بفسخ العزائم . فردا که شنبه ششم‌است بنابود عازم طهران شوم به تعویق افتاد .

صحبت تأسیس بانك ملی

دوشنبه ۸ ذیقعده- ازپریشب تاامروز (۲ جدی) لاینقطع برف آمد سه مرتبه برف‌بامهارا ریختند امروزمشغول ترتیب‌کتابهای خودبودم . روزنامه موسوم به (مجلس) که ازمجلس ملی‌طهران و وقایع و مذاکرات آن نوشته میشود سه چهار نسخه آوردند واقعاً درایران تاکنون همچوروزنامه بامعنی وآزاد طبع ونشر نشده . درتأسیس بانك‌ملی که درایران میخواهند دایرکنند خیلی ترغیب و تشویق‌کرده ازفوائد آن نسبت بملت و دولت ومملکت شرح داده واسامی بعضی‌ازمؤسسین‌را هم نوشته بود . خداکند متمولین غیرتمند ایران همت نموده انشاءالله این بانك ملی‌را دائرنمایند .

چهارشنبه ۱۷ ذیقعده ـ تلگرافی ازحضرت اشرف پرنس‌علاءالدوله‌وزیر امور خارجه باین مضمون رسید. (جناب جلالتمآب فریدالملك دام مجده‌چون تغییرکارگذاری کرمان این اوقات اقتضا پیدا کرده و حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده فرمانفرمادام‌اقباله العالی‌رجوع این خدمت‌را بشما مناسب دانسته‌اند اگر باین مأموریت راضی هستید زود اطلاع بدهید والا مأموردیگری منتخب شود محمدعلی)

درجواب اینطور عرض‌کردم : «اگرتاعید مهلت مرحمت میشود حاضر خواهم بود امرامرمبارك است» ازحضرت والا فرمانفرما هم مکتوباً باپست دستخطی دراین‌فقره

رسید تاچه مقدورباشد .

این روزها مصمم رفتن طهران هستم تاخواست الهی چه باشد .

پنجشنبه ۱۸ ذیقعده ۱۳۲٤ (۳ ژانویه ۱۹۰۷)

تصویب نظامنامه مجلس عصرخدمت سرکاروالا محسن میرزا رفتم. ازقراریکه بیان نمودند تلگرافی ازطهران برای حضرت اجل آقای ظهیرالدوله حکمران رسیده بودکه نظامنامه مجلس شورای ملی در ۱٦ ذیقعده بصحه مبارك‌اعلیحضرت همایونی ووالاحضرت‌ولیعهد رسیده وتمام‌ملت‌باید ازاین عطای‌خسروانه شادمانی‌ها نموده جشن‌ها بگیرند واین جشن ملی تادولت ایران برقرار است وروزگار، بیادگار خواهد ماند ودرشانزدهم ذیقعده ۱۳۲٤ که نظامنامه مجلس ملی بصحه همایونی رسیده باید ملت ایران هرسال دراین روزجشن‌گرفته شادیها نمایند .

اولین انتخابات جمعه ۱۹ ذیقعده ـ برحسب دعوت حکومت جلیله برای انتخاب طبقه اشراف واعیان بدارالحکومه رفتم جمعی هم ازاعیان حاضر شده بودند درحضور حضرت حکمران هرکس درورقه اسم منتخب‌را نوشت بعد اوراق نوشته شده‌را جمع کرده بلند قرائت نمودند . اشخاص حاضراین سه نفرمحترم‌را انتخاب نمودند :«جنابان ذوالریاستین ومجدالممالك وحاج محمد شفیع» بعد مجلس متفرق شد. قبل ازرفتن بدارالحکومه جنابان مجدالممالك‌وسعیدالممالك و جناب قوام‌السادات اینجا تشریف داشتند .

شنبه ۲۰ ذیقعده ۲٤ ـ صبح آقای شفیع‌خان دیانی بعد حضرت اجل آقای ضیاءالملك باتفاق جناب قوام‌السادات ببازدید تشریف آورده نیم‌ساعتی نشستند تشریف بردند .

اینجانب بعون‌الله درتهیه حرکت به‌طهران هستم .

عزیمت بطهران دوشنبه ۲۳ ذیقعده ۱۳۲٤ ـ توکلت علی‌الله قبل ازظهرازهمدان بعزم طهران بطورمختصر حرکت‌کردم . دربین راه یك‌نفرگرگی را ریسمان‌بگردن انداخته نگاه داشته بود بقول عوام جلومسافر گرگ آمدن بفال نیك است تاچه مقدورباشد .

پس ازصرف ناهار درقهوه‌خانه ایلان داش عازم قرخلرشدم .

چهارشنبه ۲٤ ذیقعده ـ دیروز باتفاق اخوی‌ها سرتیپ ونادعلی‌خان وفرزندی هاشم‌خان ازقرخلر بعین آباد آمدیم . از کسالت جناب مفتح‌الدوله‌کدر ومتأسف شدم میرزا عبدالله کبود راهنگی‌طبیب معالج ایشان است . صبح بنی‌اعمام عظام عنایت‌الله

خان وعزیزالله خان وفضل‌الله خان و همشیره‌زاده‌ها فتحعلی‌خان یاور واسدخان بعین‌آباد آمدند دراندرون ازجناب‌مفتح‌الدوله که‌دربستر بودند خداحافظی بعمل آورده‌باتفاق‌محمد-حسن‌خان اخوی دوساعت ازروزگذشته ازعین‌آباد روانه شدیم . هوا خیلی مساعد بود. بین راه درابراهیم‌آباد که‌جناب مهدی‌خان‌امیرتومان تازه احداث‌کرده‌اندپیاده شده غذا صرف نموده راه افتادیم . دو ساعت ونیم بغروب مانده بقریه اصله که ازقراء درجزین است وارد شدیم. درخانه سرکارمحمدحسین‌خان سرهنك‌منزل نموده ازدیدارایشان‌وخاله مکرمه‌که چندین سال بود ندیده بودم خیلی مسرور شدم . از عین‌آباد تااصله چهار فرسخ است .

جمعه ۲۶ ذیقعده - دیروزکه پنجشنبه بود دراصله توقف شد . چون سرکار محمدحسین‌خان سرهنك هم عازم طهران بودند همسفرشدیم . امروزصبح ازاصله‌حرکت نموده درقریه آجرلوپیاده شده درخانه حاج محمود نامی ناهار صرف نموده راه افتادیم ودوساعت ونیم بغروب‌مانده بقریه قره‌دای‌رسیده‌درخانه حاج سبزعلی نامی منزل‌کردیم ازاصله تاقره‌دای سه فرسخ مسافت است .

شنبه۲۷ ذیقعده ۱۳۲٤ - صبح سرآفتاب ازقریه قره‌دای سوارشده درقهوه‌خانه دخان که سه فرسخ‌مسافت است باهمراهان پیاده شده صرف غذا نمودیم . چهاربغروب مانده‌ازآنجاحرکت ویکساعت‌ونیم‌بغروب‌واردنوبران‌شدیم . رودخانه میمنه دریك فرسخی نوبران بطرف مزدقان جاری است . بلوك فستق‌هم که جزء همدان است نزدیك همین رودخانه است . درتابستان اطراف این رودخانه خیلی مصفا وخوش آب وهوا میباشد مشهور است صورتهای خوب دراین نواحی یافت میشود .

ازقره‌دای تانوبران شش فرسخ مسافت است که امروزطی شد .

فوت مظفرالدین‌شاه

ازقرار اظهارآقای میرزا اسدالله‌خان رئیس تلگرافخانه نوبران اعلیحضرت مظفرالدین‌شاه‌در۲۲ ذیقعده‌ازدارفانی بسرای‌جاودانی شتافته‌واعلیحضرت همایون‌محمدعلی شاه درطهران به‌تخت‌سلطنت نشست. شاهنشاه مغفورمظفرالدین‌شاه یازده سال‌درایران سلطنت کرده ودرایجاد وتأسیس‌مجلس شورای ملی‌نام‌نیك ویادگارخیر گذاشت‌که هیچیك‌ازسلاطین ایران باین شرافت وسعادت ابدی نایل نشده بود .

دوشنبه ۲۹ ذیقعده ۲٤ - بواسطه برف وسرما دیروزدرنوبران توقف شدآقای سعیدالممالك‌که مأموراصلاح امورزعیتی املاك وفس‌جناب اجل آقای بهاءالملك بودنداز مأموریت مراجعت وبمنزل ما آمدند .

قیمت اجناس: نان‌یك من دوقران ، جوخرواری دوازده‌تومان‌ونیم، کاه خرواری ۲۵ قران یکساعت ازآفتاب گذشته ازنوبران روانه شده درکاروانسرای جمشیدآباد که تازه ارباب جمشید احداث‌کرده غذا صرف شد. هوا سرد وتمام صحرا ازبرف پوشیده‌شده است . چهاربغروب مانده ازقهوه خانه جمشید آباد حرکت نموده دوساعت ونیم بغروب بقریه سوسن تقی رسیدیم ودرخانه رعیتی بنام محمدعلی منزل‌کردیم ·

چهارشنبه غره ذیحجه۱۳۲٤ دیروزبواسطه‌کسالت این‌جانب درسوسن‌تقی‌توقف شد کوه مرتفعی نزدیك سوسن تقی واقع است ونمك مشهور پلنك‌آبادرا ازاینجا بجاهای دیگرمیبرند . محصول سوسن تقی بیشتربادام وگردو است .

صبح یکساعت ازآفتاب‌گذشته ازسوسن تقی روانه شده درآق دره دوفرسخی صرف غذا شد . پس ازعبور ازدورودخانه آق دره وقره چای بقریه ملك‌آباد که متعلق بحضرت والا نایب‌السلطنه است‌که قلعه مدوری‌است وخانه‌های رعیتی درمیان قلعه‌است رسیدیم . ازسوسن تقی تاملك‌آباد پنج‌فرسخ مسافت است اسم صاحبخانه‌که درآنجامنزل کردیم‌کربلائی باقراست .

پنجشنبه ۲ ذیحجه۲٤- شش ساعت بغروب مانده ازملك‌آباد سوار شدیم . هوا گاهی باران وگاهی باد بود . یکساعت‌ونیم بغروب بقریه تقررود وارد ودرخانه آشنای سرکارمحمدحسین‌خان سرهنك‌منزل‌کردیم . ازملك‌آباد تاتقررود چهارفرسخ سنگین‌وراهش هموار است .

قم

جمعه ۳ ذیحجه۲٤- یکساعت ازآفتاب گذشته از تقررود روانه شده یکساعت ونیم بغروب مانده بقم وارد ودرخانه آقا سیدعلی آشنای سرکار محمدحسین‌خان سرهنك که خانه پاکیزه دارد منزل نمودیم . از تقررود تاقم شش فرسخ مسافت‌است یك کاروانسرای سنگی درسه فرسخی شهر دیده شدکه‌خیلی قدیمی است ولی حالا خراب شده دراطراف آن شاهسون‌ها مشهور بطایفه زندیها منزل‌کرده بودند . زن ومردشان بواسطه مردن یکی ازکسانشان شیون میکردند وزنها مثل رسم‌کرمانشاه صورتشان‌را میخراشیدند .

دوشنبه ٦ ذیحجه۲٤- دراین‌سه روزه درقم متوقف درضمن زیارت آستان‌مقدسه ازمقابرشاه عباس ثانی صفوی ، خاقان مغفور فتحعلی شاه وعمارت شاهی‌که ازبناهای فتحعلی‌شاه ومتصل‌بصحن است وروبخرابی‌گذاشته‌دیدن‌کردیم . درعمارت اندرون تالاری بودکه تصویرمجلس سلام خاقان مغفورراکشیده بودند که بالباس آن عهد درتخت‌نشسته وتمام اولاد ونواده‌های خاقان صف بسته ایستاده‌اند ·

دیروز باآقای آقا سیدرضا مقدس بدیدن آقای حاج متولی‌باشی رفتیم آقایان میرزا خلیل سرکشیك وحاج صاحب نسق هم بودند .

صبح سرکارمحمد حسن‌خان سرتیپ اخوی بهمدان مراجعت‌کردند ومن‌باسرکار سرهنك منتظردلیجان‌طهران هستیم · پس ازراه انداختن اخوی خبرآوردند دلیجان‌طهران رسیدآماده عزیمت طهران باشید . باعجله دست وپارا جمع‌کرده باتفاق سرکارسرهنك از منزل آقا سید علی به‌مهمانخانه رفتم نفری سه تومان ودوهزارداده بلیط‌گرفته ساعتی در آنجا معطل شده پنج ساعت بغروب مانده بعون‌الله تعالی دلیجان نشسته روانه شدیم .

مهمانخانه اول منظریه بود چهارفرسخ مسافت داشت پیاده شدیم اسب‌هارا عوض‌کردند بعد ازمغرب روانه شده به‌کوشك نصرت آمدیم آنهم چهارفرسخ مسافت داشت . قسمتی ازپل‌بزرگ رودخانه را آب‌برده پل عاریه چوبی برای عبور بسته‌بودند اینطرف پل‌قهوه‌خانه بودکه خیلی تفصیل‌داشت . پوست پلنك وببروشکارکوهی وانواع واقسام طیوروشکاروکشکول ومن تشاواسباب درویشی‌خیلی جمع‌کرده بودند پس ازصرف شام درکوشك نصرت‌که جای باصفائی است ساعت هفت شب حرکت وصبح سه شنبه هفتم بقلعه محمدعلی‌خان آمدیم . دوساعت ازآفتاب‌گذشته ازقلعه محمدعلی‌خان روانه حسن آباد که مهمانخانه خوبی دارد شدیم ناهار درآنجا صرف شد بعد ازظهر بمنزل کهریزك آمدیم ودرمهمانخانه منزل‌کردیم . مسافت بین این مهمانخانه‌ها چهاروپنج فرسخ است . این راه قم‌راکه ازطهران ساخته‌اند خیلی ناقص ومعیوب است تعمیرات لازم دارد مهمانخانه‌هارا همه‌جا تعمیر کرده‌اند ولی چیزی برای خوردن پیدا نمیشود وضع دلیجان هم منظم نیست .

چهارشنبه ۸ ذیحجه ۲٤ ـ صبح ازحسن‌آباد روانه شاهزاده عبدالعظیم شده‌پس ازیکساعت توقف قبل ازظهربحمدالله بسلامت وارد طهران شدیم .

من درمنزل‌حضرت سردار اکرم وسرکارمحمدحسین‌خان سرهنك بمنزل جناب اجل بهاءالملك رفتند ·

پنجشنبه ۹ ذیحجه ۲٤ـ عصربمنزل حضرت‌اجل پرنس علاءالسلطنه وزیر امور خارجه رفتم اظهارالتفات فرموده ازگزارشات همدان وسلوك حضرت آقای ظهیرالدوله حکمران سئوالاتی فرمودند جواب عرض‌کردم . تاساعت دو ازشب خدمت جناب وزیر بودم بعد باتفاق جناب ثقةالملك مدیراداره عثمانی بیرون‌آمده قدری از راه‌را باهم قدم‌زدیم .

جشن ولایت عهدی سلطان احمد میرزا

جمعه ۱۰ ذیحجه ۲٤ ـ امروزجشن ولایت عهدی حضرت والا شاهزاده سلطان احمد میرزا فرزند ارجمند اعلیحضرت همایون محمدعلی‌شاه‌درعمارت سلطنتی برپا بود تمام رجال وارکان دولت وبزرگان مدعو وفرمان ولایت عهدی‌را قرائت نمودند

شب سه شنبه ۱٤ ذیحجه ـ باتفاق جناب ادیب‌السلطنه حضور صدارت عظمی «مشیرالدوله» رسیدم . جمعی ازبزرگان وعلماء واعیان حضور داشتند . تاقریب چهارساعت ازشب گذشته انجا بودم .

جمعه ۲٤ ذیحجه ۲٤ـ شب گذشته‌درمنزل‌جناب ادیب‌السلطنه میرزا حسین‌خان پیشکار ایالت‌کرمانشاه بودم آنجا بیتوته‌کردم . صبح جمعی ازاجزاء محترم وزارت‌جلیله امورخارجه ازقبیل جنابان مشارالسلطنه وثقةالملك ومفتاح‌السلطنه ودبیرمخصوص و مفتح‌الملك و معززالسلطان آنجا تشریف آوردند چای وشیرصرف نمودند وتشریف‌بردند بنده‌هم بمنزل‌جناب آقای عنایت‌السلطنه آمدم وتغییرمنزل دادم .

مجلس عقدآقای اجلال‌الممالك پسر سردار اکرم

امروز روزعقدکنان‌برای آقای‌اجلال‌الممالك محتاجعلی‌خان‌دومین پسر حضرت سرداراکرم است که دخترمرحوم انتصارالملك ربیبه وبرادرزاده جناب آقای‌عنایت‌السلطنه‌را بمبارکی عقد خواهندنمود حضرت سرداراکرم وجناب آقای ساعدالسلطنه هم قبل ازناهار بمنزل جناب عنایت‌السلطنه تشریف آوردند آقای حشمت لشگر هم بودند.

طرف عصر مدعوین محترم‌که باین مجلس عقد موعود بودند تشریف آوردند اسامیشان ازاین قرار است حضرت نظام‌السلطنه ـ حضرت ناصرالملك ـ حضرت وزیر مخصوص حاکم دارالخلافه ـ جناب‌حاج‌ناصرالسلطنه ـ جناب ساعدالملك ـ جناب وکیل‌الملك ـ جناب‌بهاءالملك‌ـحاج‌موقرالدوله‌ـ حسام‌السلطان ـ افتخارالملك ـ مجیرالسلطنه سعدالملك ـ مبشرالدوله‌ـ اعظم‌السلطنه‌ـ عمیدالسلطان. جناب‌مستطاب حاج شیخ‌فضل‌الله مجتهد باچند نفر اتباعشان وجناب حاج شیخ مهدی هم برای اجرای صیغه عقد تشریف آوردند . دراطاق پذیرائی منزل جناب‌عنایت‌السلطنه سینی‌های حلویات اعلی و میوجات وشربت‌های مخصوص مرتب چیده شده بود مدعوین صرف نمودند . درساعت دوبغروب مانده بمبارکی جناب شریعتمدارحاج شیخ‌فضل‌الله وحاج‌شیخ‌علی‌اکبرباتفاق حضرت‌سردار‌ـ اکرم وجناب عنایت‌السلطنه باندرون تشریف برده اجرای صیغه عقد نموده مراجعت کردند . انشاءالله خیلی مبارك وعاقبت محمود خواهد بود .

سه شنبه۲۸ ذیحجه ۱۳۲٤ - صبح خدمت جناب اجل محتشم‌السلطنه رسیدم. جناب آقا شیخ‌حسین نجفی‌راکه ازدوستان است‌آنجا ملاقات نمودم - ازقرارمذکوردستخط مشروطیت‌را اعلیحضرت‌همایونی بمجلس شورای ملی مرحمت‌فرموده‌اند . مسیونوزوزیر گمرك هم معرفی شد ·

جمعه دوم محرم‌الحرام ۱۳۲۵ - جناب آقای عنایت‌السلطنه چون روزتعطیل بود درمنزل ماندند . جناب اجل آقای ضیاءالملك‌آقای حسن شاه وسرکار غلامحسین‌خان میرپنج وجناب آقا میرزا مهدی خان منشی باشی‌همایونی هم برحسب وعده برای‌ناهار آمدند . بعد ازصرف چای عصرمجلس متفرق شد وبنده بمنزل حضرت وزیرامورخارجه پرنس علاءالسلطنه رفتم . تاقریب یکساعت ازشب گذشته آنجا بودم بعضی‌صحبت‌ها از مجلس شد جنابان ثقةالملك ومفتاح‌السلطنه وجناب میرزا احمدخان هم حضورداشتند . بعد، ازکثافت کوچه‌ها وخیابانها صحبت بمیان آمد حضرت وزیربه‌آقای میرزا احمدخان فرمودند مجلس ملی چرا هیچ ازتنظیف‌شهرکه ازهمه‌چیز امروز الزم است مذاکره‌ننموده قراری نمیدهند که درکوچه‌ها وخیابانهای شهر ازکثرت‌گل وشل عبورنمیشودکردآقای میرزا احمدخان جواب عرض‌کرد دراین فقره هم‌گفتگوخواهند نمود انشاءالله قراری خواهند داد · از دیروزکه غره محرم بود درتکیه دولت‌مشغول تعزیه خوانی وعزاداری شده‌اند ازسه ساعت بغروب مانده شروع مینمایند ویکساعت بغروب ختم میشود .

روضه منزل مشیرالدوله

جمعه ۹ محرم ۱۳۲۵ - باتفاق جناب مشکوةالممالك حاج میرزا محمدخان‌برای‌استماع روضه‌بخانه حضرت صدراعظم‌مشیرالدوله رفتیم. جناب اجل‌آقای مشیرالملك تشریف آوردند. این‌اشخاص هم بفاصله تشریف آوردند. جناب شیخ‌الرئیس - جناب‌حاج‌ملا- عبدالله مجتهد - سرداراکرم- صنیع‌الدوله رئیس مجلس-امین‌الدوله - قوام‌الدوله- سردار منصور-ساعدالسلطنه -آصف‌السلطنه - صدرالسلطنه - سلطان‌المداحین - اردبیل‌الشریعه پرنس علاءالسلطنه وزیرامورخارجه تادوساعت ازشب گذشته نشستند ولی صدارت عظمی تشریف نیاوردند .

احضارامین‌السلطان بطهران

جمعه ۲۳ محرم ۱۳۲۵ - تابعد ازناهار بیرون نیامدم جمعی از آقایان دوستان از قبیل آقای عمیدالسلطان آقای بدیع‌السلطان مستوفی،آقای‌شاهزاده‌مرآت‌السلطان وجناب‌محتاجعلی‌خان اجلال- الممالك‌تشریف داشتند .

ازقراریکه مذکورشدوکلای مجلس محترم شورای ملی دیروزبکلام‌الله قسم‌یاد

نموده‌اندکه بدولت مشروطه وملت ایران خیانت نکنندازجمله جنابان حجج اسلام آقاسید عبدالله‌مجتهدو آقای سیدمحمدمجتهدوجنابان‌اجل‌صنیع‌الدوله وسعدالدوله‌وسایروکلا.ازقرار مشهورحضرت میرزا علی‌اصغرخان‌امین‌السلطان ازطرف دولت احضاربدارالخلافه‌شده‌اند.

یکشنبه ۲۵ محرم۲۵ ـ ازمنزل حضرت سرداراکرم بمنزل جناب آقای تقی‌خان رفتم وباتفاق ایشان بمنزل آقای ذکاءالملك مدیرمدرسه علوم سیاسی واداره جریده تربیت رفتم ، اززیارت وملاقاتشان که سالها ندیده بودم خیلی‌محظوظ ومسرورشدم‌چون مریض بوده‌اند وسنشان هم قریب بهفتاد رسیده خیلی شکسته وبی‌بنیه شده‌اند قریب سه ساعت ازشب گذشته خدمت ایشان نشسته ازبیانات حکیمانه ومضامین مندرجه‌روزنامه تربیت که درخصوص دولت مشروطه ومستبدازقول حکیم دانشمند فرزانه فرانسه‌ترجمه نموده‌اند وروح‌القوانین نامیده شده قرائت نمودند لذت بردیم .

پنجشنبه ۲۹ محرم ۲۵ طرف‌عصر بوزارت جلیله‌امورخارجه رفته خدمت‌حضرت وزیرپرنس‌علاءالسلطنه‌رسیدم‌حضرت‌والاشاهزاده‌فرمانفرماهم‌تشریف‌داشتنددرباب‌مأموریت بنده‌بکارگذاری‌کرمان بعضی‌مذاکرات شد وحضرت والانسبت به‌بنده‌اظهارمرحمت‌فرمودند

عزل ظل‌السلطان

شنبه غره صفر۱۳۲۵ ـ تقریباً سه ازآفتاب‌گذشته بمنزل حضرت صدارت‌عظمی رفتم جمعیتی ازهرقبیل آنجا بودند . نزدیك ساعت چهار حضرت صدراعظم (مشیرالدوله) ازاندرون بیرون تشریف آورده بعرض بعضی ازعارضین‌رسیده‌بپاره‌ای‌هم تعارف بجاآورده باجناب مخبرالدوله‌سوار کالسکه شده بدرب خانه تشریف بردند .

بنده ازآنجا بمنزل‌جناب مظفرالملك‌برای عرض تسلیت‌بمناسبت فوت‌برادرشان ظفرالممالك رفتم .عصربرحسب وعده باتفاق جناب آقای میرزا مهدیخان منشی‌باشی همایونی بمنزل حضرت سرداراکرم رفتیم .درمراجعت‌گماشته یکی ازدوستان اظهارداشت حضرت والا شاهزاده ظل‌السلطان‌ازحکومت اصفهان معزول وحضرت نظام‌السلطنه‌بجای ایشان منصوب‌شدند . شاهزاده ظل‌السلطان‌قریب ۳۶ سال‌بود متوالیا دراصفهان‌حکومت داشتند این اوقات اهالی آن سامان بدارالخلافه تظلم‌کرده و عزل شاهزاده‌را مستدعی شده بودند .

استعفای مشیرالدوله

دوشنبه‌سوم صفر۱۳۲۵ ـ ازقرارمذکورحضرت اشرف‌مشیرالدوله ازصدارت عظمی‌استعفاداده‌اند وقبول‌شده . نزدیك غروب بمنزل حضرت وزیرامورخارجه رفتم جناب آقای معین‌الوزاره دومین پسرحضرت علاءالسلطنه وزیرکه ۱۲ـ۱۳سال مقیم لندن‌بوده‌اند

دیشب بدارالخلافه ورودنموده‌اند عده‌ای‌ازاجزاء وزارت امورخارجه وغیره بدیدن‌ایشان آمده بودند . پس از نیم ساعت حضرت‌وزیرخارجه ازاندرون‌باطاق بیرونی تشریف‌آورده مختصری ازاستعفای حضرت مشیرالدوله ازصدارت صحبت شد گفتند حضرت مشیرالدوله وجناب مؤتمن‌الملك هردو استعفا داده برستم‌آباد تشریف برده‌اند .

مصدق‌السلطنه

چهارشنبه ۵ صفر۲۵ ـ عصربرای معرفی میرزا اسدالله‌خان پسر مرحوم میرزا عبدالخالق‌خان وزیر بپارك حضرت والا فرمانفرما رفتم جنـاب والا شیخ سیف‌الدین وجناب آقـای مصدق‌السلطنه مستوفی خراسان‌که همشیره زاده حضرت والا فرمانفرما است‌آنجاتشریف داشتند . جناب مصدق‌السلطنه بابنده آشنا شده خیلی اظهارلطف فرمودند .

امروزوزارت عدلیه بحضرت والا فرمانفرما ووزارت درباربحضرت اجل‌وزیر مخصوص مفوض‌گردید ، حکومت‌کرمانشاه ازحضرت امیرافخم منتزع وبشاهزاده‌حاج‌ـ سیف‌الدوله مرحمت شد .

یکشنبه ۹ صفر۱۳۲۵ ـ دروزارت عدلیه خدمت شاهزاده فرمانفرما رسیدم‌دیدم مشغول رسیدگی بعرایض عارضین‌هستند. وقت‌ناهارسیدشاهزاده فرمودند جائی موعودم بصرف ناهار من‌میروم وصدردیوانخانه‌که نایب‌من هستند حضرات حضار مجلس‌رادرناهار پذیرائی خواهد نمود . مخصوصاً فرمودند بنده‌هم ناهاربمانم وماندم . بعد ازناهاربمنزل میرزا مهدی‌خان منشی همایونی وازآنجا بمنزل آقای مشیرالدوله رفتم شاهزاده مجلل‌ـ الدوله‌هم‌آنجا بود مبشرالدوله‌فرمودند فردادوشنبه‌تعطیل است بابعضی دوستان **پیکنیك** بباغ معینیه خواهم رفت شماهم بیائید . بعد بمنزل پرنس علاءالسلطنه وزیر امور خارجه رفتم جمعی بودند· ازجمله‌آقای میرزارضاخان مؤیدالسلطنه وآقای مخبرالسلطنه ازوضع حالیه ایران ومجلس شورای ملی صحبت مینمودند .

آقای وزیر امورخارجه بنده‌را بایشان معرفی نمودند بعد بمن فرمودند چه‌کار کرده‌ای که‌اینقدر برای‌خودمشتری‌پیدا نموده‌ای؟عرض‌کردم‌کاری‌نکرده‌ام‌آقای‌مخبرالسلطنه فرمودندفریدالملك بایداینطورباشد . تاساعت دوازشب‌گذشته درخدمت وزیربودم ·

باغ معینیه

دوشنبه ۱۰ صفر۲۵ـ تاسه‌ساعت‌ازروزگذشته باجناب‌عنایت‌السلطنه بودیم باتفاق بنابوعده دیروز بباغ معینیه‌که تقریباً پانصد قدم از خندق شهرمسافت است رفتیم . دیدیم جمعی ازآقایان هستندبعد

هم چند نفردیگر آمدند . معینیه دریاچه بسیارخوبی دارد وعلی‌الاتصال آب جاری است این باغ متعلق بجناب اجل آقای حاج امین‌الدوله است اشجارمیوه وغیره زیـاد دارد . مالك محترم‌باغ هم تشریف آوردند ناهار مفصل‌خوبی صرف شد . بحمدالله خوش‌گذشت حضرت امین‌الدوله بعد ازناهارتشریف‌بردند . ماهم‌نزدیك غروب پیاده‌گردش‌کنان بمنزل آمدیم . اسامی آقایان محترم که حضورداشتند ازقرارذیل است :

حاجی موقرالدوله وزیرطهران ـ حسام‌السلطنه ـ مجلل‌الدوله ـ مبشرالدوله معین خلوت-نظام‌السلطان ـ مصدق‌الملك ـ منشورالملك . طرف عصـر عمیدالسلطان و ومرات‌السلطان هم آمدندازقراریکه امین‌الوزاره بیان نمود این باغ بسرکاری ومباشری ایشان احداث شده است .

دیدن ازمجلس شوری

سه شنبه ۱۱ صفر۱۳۲۵ـ طرف عصر باتفاق آقای عمیدالسلطان وآقای حسن شاه بمجلس شورای ملی رفتیم . جناب مبشرالدوله هم آنجا بودند . مجلس منعقد ووکلاء مجتمع ومشغول مذاکره بودند. درفقره‌برگشت تیولات واجاره موقوفات حضرت رضا(ع) بخدام آستانه صحبت میکردندوکلا متفقاً رأی دادندکه باید تیولات برگردد یك فقره‌هم درمجلس شخصی اظهار کرد وزیردربارهمایونی هم‌وزیردرباروهم حاکم طهران باشدجایز نیست مقصودش این‌بود وزیردربارنباید حاکم طهران‌هم‌باشد دیگری‌گفت سی‌هزارتومان که آصف‌الدوله ازاضافه مالیات سیستان وتوابع خراسان برای‌کسان وبستگان خود تیول یامواجب‌گذرانده باید برگردد .

یك نفرازوکلاکه‌گفتند وکیل کردستان است نطق خوبی‌کرد . گفت هرفردی ازافراد ملت باندازه فراخور حال فرداً فرد صاحب‌قوه وقدرت است چنانکه برای‌هرقوم وطائفه رئیس لازم است‌که دراطاعت رئیسشـان باشند برای افراد ملت ایران هم رئیس لازم است ورئیسشان اعلیحضرت‌پادشاه است وتمام‌قوای افراد ملت باید درخزانه‌سلطنتی جمع باشد که درموقع اقتضاآن قوای ملت بکارانداخته شود حالا برهرفردی ازافرادملت لازم است هرضررونفعی‌که برای ملت ودولت میداند بدون درنگ بمجلس ملی اظهار دارد وغفلت وقصورنکند .

یکشنبه سلخ صفر ۱۳۲۵ ـ برحسب دعوت حضرت سرداراکرم بمنزل ایشان رفته روزیکشنبه ودوشنبه‌را درآنجاگذراندم . دردنباله‌مذاکرات قبلی بازصحبت ازمسافرت فرنگ بنده وآقازاده‌های سرداراکرم (برای تحصیل) بود قرارشد انشاءالله همیـن زودی

روانه شویم .

سه شنبه ۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ - درمراجعت ازتشییع جنازه مرحوم عیسی‌خان نواب بوزارت خارجه خدمت حضرت وزیر (علاءالسلطنه) رسیدم · صدور تذکره چهار نفرمسافرین فرنگ محتاجعلی‌خان اجلال‌الممالك و منصورعلی‌خان پسران حضرت سرداراکرم بنده ونورعلی‌خان‌را بموفق‌السلطنه رئیس‌کل‌تذکره‌محول فرمودند .

یکشنبه ۷ ربیع‌الاول۲۵ - باتفاق جناب ساعدالسلطنه بگردش رفته پس ازآن برای صرف ناهاربمهمانخانه مشهور (هتل د فرانس)رفتیم دراین بین‌بعضی‌ازآقایان‌راکه میشناختم وارد هتل شدند . بعد ازنشستن بهمدیگرمعرفی شدیم · اسامی ایشان بقرار ذیل بود ظهیرهمایون - وحیدالملك - مستشارالوزاره .

انجمن عراقیان

جمعه۱۲ربیع‌الاول۲۵ -برحسب دعوت‌بمنزل‌جناب موفق‌السلطنه رئیس‌کل تذکره فرزند جناب آقای یمین‌الممالك کارپرداز اول حالیه عراق عرب‌رفتم ناهارماکولی‌صرف شد . آقایان‌فاخرالدوله وموفق‌السلطان ومنتظم‌السلطنه‌هم آنجا بودند . عصربمنزل آمدم جناب عنایت‌السلطنه پیغام داده بودند بمجلس(انجمن عراقیان) بروم.رفتم دیدم انجمن‌منعقد ومشغول مذاکره هستندآقای صنیع‌الممالك‌راکه سابقاً زرگرباشی بود آنجا دیدم برای مصارف انجمن‌ازاهل انجمن پول‌جمع‌میکردند . هرکس‌بمیل‌خودمیزانی میگفت ومینوشتندبنده هم چهارتومان گفتم ماهانه بدهم. نود ویك تومان جمع شدتا۲۰۰ تومان باید جمع شود اگراتفاق‌بکنند وشرکت‌عراقیه‌قراربدهندکه‌بعضی کارخانجات ازنساجی وبلورسازی وریسمان‌ریسی‌وغیره دایر بکنند فایده‌کلی حاصل خواهد شد .

ازقراریکه‌مذکورشدحضرت‌میرزا علی‌اصغرخان‌امین‌السلطان امروزعصرازمسافرت سه چهارساله فرنگ،امریکا، چین‌وژاپن معاودت نموده‌اند وشرف‌اندوزآستان اعلیحضرت همایونی شده‌اند .

عزیمت باروپا باآقایان اجلال‌الممالك ومنصورعلی‌خان

پنجشنبه ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ - یکساعت ونیم بغروب مانده متوکلا علی‌الله ازمنزل‌حضرت سرداراکرم عازم سفرفرنگ شدم. این دفعه چهارم سفربنده‌است بفرنگ آقایان مکرم محتاجعلی‌خان اجلال‌الممالك و آقای منصورعلی‌خان هم برای تحصیل‌کمال و تربیت عازم فرنگ‌وهم‌سفرندنورعلی‌خان هم‌همراه‌است. دوساعت ونیم‌ازشب گذشته سلامت وارد منزل شاه آباد شده درمهمانخانه

منزل کردیم . شامی که سرایدار آنجا بمیل خود ترتیب دادیك بشقاب‌پلو دوازده قران وسه ظرف مربا ظرفی سی‌شاهی ودوظرف هم نیمرو درست کرده بود .مختصراً سه‌تومان گرفت پس ازصرف غذا راحت کردیم .

جمعه ۱۹ ربیع‌الاول- بین‌الطلوعین کالسکه حاضر کردند باهمراهان روانه‌شدیم بمهمانخانه حصارك رسیدیم . آنجا قدری مکث کرده حرکت شد ·بمنزل ینگی امام وارد آنجا غذائی صرف شد راه افتادیم . بمهمانخانه قشلاق و ازقشلاق به‌کوندج وازکوندج بقزوین رسیده چون دیروقت بود درمهمانخانه منزل کردیم . فاصله هرمهمانخانه چهار فرسنگ است مال‌های کالسکه اغلب لاغرومفلوك وراه هم بیشترخراب بود تعمیر لازم دارد . افسوس که کسی این مطلب‌را بدولت وملت اظهـارنمیکندکه اداره راه شوسه‌که بااتباع روسیه‌است مبلغی حق‌العبورازمکاری‌وکالسکه ودرشگه وگاری میگیردکه‌رویهم رفته شب وروزی هزارتومان میشود بچه جهت راه‌را تعمیرنمیکند ·

صبح شنبه ۲۰ ربیع‌الاول ۲۵- یکساعت ازآفتاب گذشته ازقزوین حرکت کرده تقریباً متجاوز از صد ورس راه طی کرده دوساعت ونیم ازشب گذشته وارد مندلج شدیم ازقراریکه‌متواتراً میگویند شهررشت مغشوش ودکان‌وبازاررا بسته‌اند خداوندامورات‌را اصلاح‌نماید. پس ازطی‌چهارپنج چاپارخانه(مهمانخانه) دوساعت‌ونیم ازشب گذشته‌بمنزل منجیل رسیدیم . این سفرعرض راه‌رابواسطه دایرشدن راه شوسه نسبت بهشت سال‌قبل که ازاین راه عبورکردم خیلی‌آبادتر دیدم . شب یکشنبه‌را درمهمانخانه منجیل‌سربردیم وضع مهمانخانه خوب‌بود منتهاهمه‌چیزگران . مهمانخانه متعلق باداره رئیس راه‌وروسها است دستورالعمل وقیمت غذا وکرایه منزل وتکلیف مسافررا نوشته بدیوارمهمـانخانه چسبانده‌اند .

بسته بودن بازار رشت بواسطه امضاء نشدن نظامنامه مجلس

یکشنبه ۲۱ ربیع‌الاول ـ صبح ازمنجیل حرکت‌کـرده بعد از طی مسافتی ازرستم آباد،امامزاده‌هاشم وکهدم‌که تقریباً ۹۷ میل‌است یکساعت ونیم بغروب مانده سـالماً برشت رسیدیم . وضع رشت نسبت بهشت سال قبل خیلی تغییرکرده وآبادشده‌است.دراغلب جاها عمـارات بوضع اروپ سـاخته شده ومتعلق بروسها است از قراریکه شنیده شد بـازارودکـان‌های رشت‌را مردم بسته‌اند میگویندکه نظامنامه قانون باید بصحه همایونی برسد وشاهزاده ظفرالسلطنه‌هم‌که تـازه برای حکمرانی گیلان معین شده است حاکم نباشد نمیدانم تاکی ملت ودولت صلاح خودرا ندانسته،متفق نخواهند شد . درآخر اجانب‌را برخود مسلط خواهند نمودافسوس

افسوس افسوس ازوضع داخراش ملت ودولت ایران‌که دانسته وفهمیده خودرا محکوم و اسیردیگران خواهندنمود . بنده‌که ازغصه حال چیزنوشتن ندارم . دررشت درمهمانخانه موسوم به‌آلبرت منزل‌کردیم . دواطاق‌کوچك هرکدام‌را دوازده قران درشبانه‌روزکرایه کردیم . سرکاروالا شاهزاده شاهمراد میرزا رئیس تلگرافخانه رشت بدیدن تشریف آوردند . شاهزاده‌ازازدحام مردم‌رشت به‌تلگرافخانه‌وخواستن قانون‌نامه ازدولت وحرف نشنیدن خیلی اظهار شکایت وداتنگی داشتند . ازقرارمذکور وزیراکرم را حکمران رشت معین نموده‌اند .

کرایه کالسکه طهران-انزلی

دوشنبه ۲۲ ربیع‌الاول ۲۵ - صبح درصدد عزیمت انزلی شدیم شاهزاده عباسقلی میرزا پسرشاهزاده رئیس بدیدن آمدند وگفتند باید ساعت چهار بغروب مانده دردهنه مرداب انزلی حاضرشدکه بابارکاس ازمرداب عبورنموده بانزلی رسید .

نورعلی یازده تومان تفاوت‌کرایه‌کالسکه چهارنفری‌را که درطهران بجای ۶۳ تومان ۷٤ تومان گرفته بود پس‌گرفت .

ازرشت بادرشگه‌که ۱۲ قران‌ونیم‌کرایه‌کرده بودیم به‌پیربازارآمدیم ازآنجاهم قایق چهارنفری (۱٦ قران)اجاره شدکه مارابه‌بارکاس‌برساند . یکساعت‌طول کشیدکه از پیربازار بدهنهٔ مرداب ببارکارس رسیدیم برای بارکاس هم نفری دوقران پرداختیم ودو ساعت بغروب مانده بانزلی رسیدیم .

تظاهرات درانزلی

درانزلی مردم اجتماع‌کرده یاعلی یاحسین میکشیدند ودکانهارا میبستند . بارهای‌کشتی‌را مانع شده‌ونمیگذاشتند بکشتی‌ها ببرند. خلاصه قیامتی بود. تاجر،کاسب‌وحمال همه درکارخود حیران . مثلا تاجری سیصد چهارصد بارازقبیل بادام،خرما ،پنبه وغیره داشت میبایست باکشتی حمل‌کند . نصف این بارهارا باحمال حمل‌کشتی نموده ونصف دیگررا حضرات مجاهدین (فدائیها) مانع شده نمیگذاشتند بکشتی ببرند . وضع انزلی‌را خیلی بد دیدم . پستخانه وگمرك‌را بسته بودند . هنگامه‌ای‌بود .

بهرحال وقتیکه‌بارکاس بانزلی‌رسیدمیرزا صادق نام ازاجزاء حاجی‌زین‌العابدین تقی‌اف دیده شد مذکورداشت امشب کشتی موسوم بلنکران متعلق به‌تقی‌اف به بادکوبه میرود اگرمیروید بااین‌کشتی‌بروید من هم فرصت‌را غنیمت دانسته باهمراهان عازم شدیم پاسپورت‌را دادیم قل[1]کشیدند اسباب هم نداشتیم که درگمرك‌خانه ببینند اجزاء گمرك هم یك‌نفر فرنگی ویك نفرایرانی آمدند خیلی انسانیت‌کردند تاکشتی همراه آمدند.بلیط

---

۱ - بضم قاف اصطلاحی بوده است بمعنی امضاء کردن.

کشتی نفری ۱۲ منات (منات ازقرار پنج قران) درجه اول گرفته شد بدون غذا . بعد از مغرب بسلامتی باهمراهان واردکشتی لنکران شدیم کشتی پاکیزه وبهترازکشتی مرکوری روسی بنظرآمد .

سه شنبه ۲۳ ربیع‌الاول ـ سه ساعت از روزگذشته کشتی بـآستارا رسید ولنگر انداخت مأمورین روسی وکماندان کشتی لنکران بکشتی آمد پاسپورت مسافرین واسباب آنهارا دیده‌برگشتند . حالاکه سه ساعت‌بغروب مانده‌کشتی‌درمقابل آستارا لنگرانداخته تاکی حرکت‌کند دریا هم بحمدالله آرام‌گذشته تابعد چه خواهد شد .

بادکوبه

چهارشنبه ۲٤ ربیع‌الاول‌ـ دوساعت بظهرمانده باهمراهان‌بسلامت واردبادکوبه‌شده ازکشتی‌یکسرباستاسیون آمدیم‌که انشاءالله‌روانه شهروینه بشـویم . وضع بادکوبه نسبت به‌پیش خیلی فرق‌کرده وآباد شده است .

بلیط راه‌آهن بادکوبه بوین

شب پنجشنبه ۲۵ ربیع‌الاول ـ یکساعت ازنصف شب گذشبه‌بعد ازگرفتن بلیط راه‌آهن برای وین پایتخت اطریش ترن راه افتاد از بادکوبه۸ حرکت‌شد . پول‌بلیط راه آهن درجه دوم نفری۴٦/٦۰ منات‌گرفتند . قریب ظهرازپطروفسك عبور وناهار بعجله وشتاب صرف شد . هوا دراین صفحات خیلی خنك‌وصحرا همه سبزوخرم شب تاساعت سه‌وچهار ترن درکمال سرعت درحرکت بود وماراحت‌کردیم چهارساعت ازنصف شب گذشته‌بیدار شدیم دیدیم ترن ایستاده پس ازتحقیق معلوم شد که دیشب ترن باترن دیگر بهم‌خورده وعیب‌کرده مشغول‌تعمیرهستند حالاکه روزجمعه ۲٦ است ترن ایستاده تاکی راه بیافتد ترن بین راه هشت ساعت‌لنگ‌کرده‌است . بعد ازهشت ساعت‌معطلی حرکت نمود.

جمعه ۲٦ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ـ راه طی‌کرده هرچه بنظرمیـآید سبـزه وزراعت واشجارمصفا هوا هم خنك وباد میوزد . دراین صفحات اغلب اهالی دهات ودهقان‌هستند مال وحشم (گاو ، ماده‌گاوگاومیش ومـادیان وخنزیر)نگاه میدارند . این دهـات جزء قفقازیه است .

شنبه ۲۷ ربیع‌الاول ـ نزدیك صبح بشهر رسیدیم و بایستگاه رفتیم در اینجا ترن عوض شد تامغرب دررستوف معطل شدیم ـ رستوف شهربزرگی است وسرحد مابین قفقازیه‌وخاك روسیه‌است ، بعد ازمغرب ترن برای ولاچسکی حرکت‌کرده .یوسف قاسم‌اف بادکوبه‌ای‌که‌جوانی‌بود میگفت‌مسلمانم وپدرم زنده واهل تبریزاست دررستوف ملاقات شد وخودرا ایرانی دوست جلوه داد .

شب یکشنبه ۲۸ وروزیکشنبه همه‌را ترن درحرکت بود تـاصبح دوشنبه ۲۹ بولاچسکی آخرخاك روسیه رسیدیم . دربین راه باجناب میرزاعلی‌اکبرخان وآقای میرزا رضاقلی‌خان پسرمدیر راه‌آهن شاهزاده عبدالعظیم ملاقات شد . هردوعازم فرنگند جناب میرزا علی‌اکبرخان درپـاریس برای معالجه و میرزا رضاقلی‌خان‌که جوان است درسویس برای تحصیل .

وین

سه‌شنبه غره ربیع‌الثانی۱۳۲۵ ـ دوساعت ازآفتاب گذشته‌بحمدالله سالماً باهمراهان بوینه رسیدیم و درهتل مشهور بهتل (پست) منزل شد .

ازولاچسکی تاوینه تقریباً بـاترن اکسپرس که هیچ‌جا درنگ‌نکرد بیست وسه چهارساعت مسافت بود . امروزدروینه‌لنگ‌انشاءالله فردا عازم مقصد خواهیم شد .صحرا همه‌جا سبز و خرم بود. بواسطه کم تجربگی همراهان بمن سخت میگذرد . چون‌دردنیا خوش وناخوش‌هرچه ازسر انسان میگذرد فراموش نخواهدکرداز این جهت این مسئله‌را مینویسم که درترن ولاچسکی تاوینه یك راننده‌ای داشتم‌که بلیط مسافرین‌را میدید اطریشی‌وآدم خیلی بدگوشتی بود وخیلی اسباب زحمت شد .

لوزان

چهارشنبه ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ـ دوساعت الاربع بظهرمانده از وینه پایتخت‌اطریش‌برای شهرلوزان واقع‌درخاك سویس‌باهمراهان روانه شدیم . درعرض راه جاهای خیلی باصفا دیده شد . صحرا سبز وخرم درخت‌ها همه شکوفه دارد ، کوههای برفـدار آبهای جـاری ، هوای‌لطیف. بعضی شهرهای بزرگ هم دیده روزچهارشنبه وشب پنجشنبه‌را درترن بودیم خواب‌هم نکردیم . درسرحد اطریش‌وسویس چمدان وکیف‌که‌همراه داشتیم‌گفتند بگمرك‌خانه‌بیاورید بردیم ولی هیچ نگاه نکردند . بهرحال پنجشنبه سوم ربیع‌الثانی یکساعت ازظهر گذشته شکرخدارا سالماً بـاهمراهان وارد شهرلوزان شدیم ولـی یك دفعه ملتفت شدیم‌که سه ایستگاه ازلوزان‌گذشته‌ایم . دراستاسیون سومی پیاده شده قریب سه ربع ساعت معطل شده مختصر غذائی هم صرف شد .

ترن‌که آمد بلیط‌گرفته بلوزان معاودت نمودیم . درمسافرت هیچوقت نباید از راه ومنازل ومحل مقصود نمود چون اسباب زحمت وضررمیشود .

درهتل‌کنتینانتال‌که نزدیك استاسیون است منزل‌کردیم . دو اطاق خواب‌کرایه شد هریك روزی نه‌فرانك. ازوینه بلوزان باترن اکسپرس تقریباً ۲۵ ساعت مسافت است همچنین ازولاچسکی تاوینه هم همینقدرمسافت است .

جمعه ٤ ربیع‌الثانی ۲۵ ـ مدیردومدرسه‌را ملاقات‌کرده بانگلیسی صحبت‌نموده درباب قرارومدار مدرسه مذاکرات شد جناب آقای حسنعلی‌خان فرزند ارجمند جناب اجل آقای ضیاءالملك‌که یکسال ونیم‌است درلوزان تحصیل میکنند بدیدن تشریف‌آورده ازملاقاتشان خیلی مسرور وچشمم روشن شد ماشاءالله خوب تربیت شده است ومشغول تحصیل میباشد ·

شنبه ۵ ویکشنبه ٦ ربیع‌الثانی ۲۵ ـ این دو روزهم تاقبل ازظهریکشنبه‌درهتل کنتینانتال متوقف و درضمن مشغول پیداکردن منزل مناسب وتعیین مدرسه برای آقایان اجلال‌الممالك ومنصورعلی‌خان‌بودم. شهرلوزان عمارتهای عالی‌وخوب دارد وهمه‌ازسنك بنا شده اغلب مهمانخانه است میتوان‌گفت نصف بیشترهتل است ازخارج برای تفنن واصلاح مزاج درتابستان از اهالی ممالك اروپ اینجا میایند (بیشتر ازانگلیس) . اهل اینجا اغلب زبان انگلیسی میدانند وفرانسه حرف میزنند مدارس هم خیلی زیاد است بجهت‌خوش آب وهوائی‌مردم اطفال خودرا برای تحصیل بسویس میفرستند . لوزان‌شهر بسیارتمیز وپاکیزه است‌وخیلی مواظب پاکیزگی ونظافت هستند وهمیشه مشغول بناهای تازه و بزرگند دراین دو سه روزه هواخنك، آفتاب دیده نشد بطوریکه میتوان لباس زمستانی پوشید .

این شهردرکنار دریاچه ژنو واقع شده وساحل دریاچه محل‌گردش مردم است . دو سه روزقبل تلگرافی‌بحضرت‌سرداراکرم‌بتهران‌کردم . قیمت‌کلمه ۱/۵۵ فرانك‌است‌که تقریباً سه قران‌ونیم بپول ایران .کرایه اطاق خواب یعنی یك تخت خواب از شبی سه فرانك‌کمتر نیست .

پنجشنبه ۱۰ ربیع‌الثانی ـ طرف عصرجناب‌مهدی‌خان‌امیرتومان(اخوی‌ناصرالملك) بدیدن تشریف آوردند باتفاق آقایان اجلال‌الممالك‌ومنصورعلی‌خان بگردش رفته چای و وشیرینی صرف شد . مدت مدیدی صحبت‌های ایران بمیان آمد وضع مردم این صفحات‌را که ازهرحیث درراحت‌وانتظام است‌باوضع مغشوش‌ایران مطابق‌میکردیم‌وتأسف‌میخوردیم.

مونترووزرخ هتل

جمعه ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ـ بعد ازظهرجناب آقای مهدی خان امیرتومان‌آدم فرستادندکه منتظرم‌بیائید به‌مونتروبرویم آقامیرزا ابوالحسن‌خان‌را دیدن‌کنیم. من هم رفته کناردریاچه بزرگ دیدم آقای امیرتومان منتظرندبلیط‌کشتی هم‌گرفته‌اند ده‌دقیقه بساعت دومانده حرکت‌کردیم. درچندین جا کشتی ایستاد بعضی‌ها ازکشتی خارج وبعضی واردشدندازیکی دوشهرمعتبر وجاهای باصفا گذشتیم‌که ازجمله یکی (وو) بود . تقریباً یکساعت و ربع طول‌کشید تا

به‌مونترو رسیدیم منزل میرزاابوالحسن‌خان درهتل وال‌مونت دربلندی سینه‌کوه واقع‌شده مسافت زیادی بود دوسه اطاق‌بهم وصل‌کرده مردم‌که میخواستند بالابروند درآن نشسته مثل آسانسوربالا میرفتند ماهم نشستیم ورفتیم . مدتی قدم زدیم تاهتل وال‌مونت‌را پیدا کرده آقای میرزا ابوالحسن‌خان‌را ملاقات کرده مسرورشدیم . یکی دو ساعت نشسته صحبت‌های متفرقه ازایران شد . میرزا ابوالحسن‌خان گفتند یك سئوال وجوابی ازقول‌دو نفرایرانی‌که درقهوه‌خانه پاریس باهم ملاقات‌کرده‌اند نوشته‌ام بایران فرستاده‌ام چاپ‌کنند سوادآن‌را برای ماخواندندبدننوشته‌بودند . بعد میرزا ابوالحسن‌خان تاجائیکه فونیکولر است برای مشایعت ما آمد . هتل میرزا ابوالحسن خان درصفا ومنظره وپاکیزگی تالی ندارد اطاقش‌را باغذا وهمه‌چیزروزی ۲۵ فرانك اجاره‌کرده بود . درسایرهتل‌ها ازروزی ۱۰ تا ۱۵ فرانك‌کرایه میدهند . هوا حقیقةمثل بهشت بود . درخدمت امیرتومان‌آمدیم ساعت ۷ بعدازظهربکشتی نشستیم غذا هم درکشتی صرف شد ساعت هشت وربع بلوزان رسیدیم . میگفتند پادشاه سیام امروزبرای‌گردش به‌مونترومیاید .

حقوق مدرسه

شنبه ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ مطابق ۲۵ماه‌مه ۱۹۰۷ قبل از ظهر دکترکومرمعلم‌را (مدیر مدرسه) دیدم‌که آقایان محتاجعلی‌خان اجلال‌الممالك و منصور علی‌خان‌را پیش مشارالیه بمدرسه بگذارم . قرارمداررا این طورقطع‌کردم‌که سالی هریکی هفتاد لیره انگلیسی درسه ترم (قسط) بدهند بجزلباس وپول جیب همه چیزازقبیل مصارف ایام تعطیل ومنزل ، خوراك ورختشوئی وتعلیم وتدریس دکترکومرباشد قرارشد یکشنبه بمبارکی بمدرسه بروند .

جنگ دولتیان وملیون درتبریز

دوشنبه ۱٤ ربیع‌الثانی ۲۵ ـ باآقای امیرتومان گردش‌کنان اب دریاچه رفتم مرخصی آقایان محتاجعلی‌خان ومنصورعلی‌خان‌را از مدرسه‌گرفته آنهاهم همراه بودند .

ازقراریکه آقای امیرتومان میفرمودند درروزنامه دیده بودند درتبریز میان مأمورین دولت ووکلای ملت جنگ بزرگی اتفاق افتاد قریب صدوپنجاه نفر بلکه دویست نفر ازطرفین مقتول وزخمدار شده‌اند . این فقره خیلی اسباب پریشانی شد .

لوزان ـ رم

سه شنبه ۲۲ ربیع‌الثانی۲۵ ـ قبل ازظهربلیط درجه دوم‌ازلوزان برم نفری شصت فرانك برای‌خودم ونورعلی‌خان‌گرفتم‌که‌انشاءالله پس فردا روانه شویم . امروزپاکتی‌ازحضرت پرنس ملکم‌خان (نظام‌الدوله) ازرم رسید که تأکید دررفتن بآنجا فرموده بودند . بعد ازظهربمنزل جناب

آقای امیرتومان رفتم از قراریکه میفرمودند شاهزاده سالارالدوله درلرستان یاغی شده جمعی سواره وپیاده ازاوارد ورخود جمع کرده وافواج همدان‌را هم ازطرف دولت مأمور بدفع ورفع غائله نموده‌اند .

چهارشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی - باتفاق صاحبخانه ونورعلی‌خان ازلوزان باکشتی بسیاحت شهرژنورفتم دوساعت باکشتی‌ازدریاچه‌مسافت است ویکساعت‌باراه آهن‌سه‌چهار ساعت آنجا مانده عصرمراجعت شد .

رم - گردش باتفاق پرنس ملکم خان - کلیسای سن پیر

پنجشنبه ۲٤ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ - ساعت۹و۲۰ صبح باتفاق نورعلی‌خان ازآقایان محتاجعلی‌خان ومنصور علی‌خان وحسنعلی‌خان خداحافظی‌کرده ازلوزان عازم رم پایتخت ایطالیاشدیم . توقف لوزان تقریباً ۲۲ روزطول‌کشید بجزدوروزهوای خوش دیده نشد. ترن درکمال تندی سیرمیکرد در(دومودوسلا)که سرحد مابین سویس وخاك‌ایطالیااست ترن‌ایستاد ومأمورین ایطالیاآمدند بلیط هارا دیدند دیگرباسباب وچمدان ما نگاه نکردند .گفتند توتون وسیگارهمراه دارید یانه گفتیم‌نداریم دیگرپاپی نشده رفتند . درخاك ایطالیابااندازه‌ای‌ازتونل‌گذشتیم‌که‌خسته‌شدیم بی‌اغراق‌میتوانم بگویم ازصد تونل متجاوزگذشتیم. شهرهای بزرگ‌هم دیده‌شد .ازجمله الکساندریا وجنوا دوسه نفر ایطالیائی دراطاق ترن باما همراه‌بودند بزبان فرانسه بیك زحمت حالی‌کردم‌که تونل‌های خاك شماکی تمام میشود خسته شدیم وازدود ذغال خفه میشویم . جواب داد درمملکت خودتان وقتیکه سفرمیکنید مگرازتونل‌های کوه‌های‌آنجا نمیگذرید ؟ حقیقتاً ازجوابش خجالت کشیدم‌گفتم ماباسب‌عبورمیکنیم‌قدری خندید وگفت پس‌معلوم است شما راه‌آهن ندارید باکمال خجلت گفتم داریم ولی خیلی‌کم‌است.شب‌را درترن راه طی‌کردیم صبح جمعه ۲۵ قریب چهارساعت بظهرمانده سالماً وارد شهر رم شدیم.حسب‌الفرموده حضرت‌پرنس‌نظام‌الدوله ازاستاسیون بمنزل ایشان آمده حضورشان رسیده روی‌بنده‌را بوسیدندحقیقتاً اززیارتشان چشمم روشن شد عجالتاً درهتل نزدیك‌بمنزل پرنس نظام‌الدوله منزل داریم .

طرف عصر حضرت پرنس بنده ونورعلی‌خان‌را بکاسگه نشانده بتماشای‌کلیسای مشهوردنیا سن پیربردند . واقعاً عظمت و زینت ونقاشی وبنائی آنجا بتعریف وتوصیف نمیگنجد و باید دید . این‌کلیسا درتحت ریاست پاپ است . عمارت پاپ هم‌که ازعمارات سلطنتی باشکوه‌تر است متصل باین کلیسا است . میدان بسیار وسیعی باستونهای‌سنگی وحوضها که آب فوران دارد درآن میدان است . مختصر میان‌کلیسا رفته حضرت پرنس

ملکم‌خان‌اسم بعضی ازمجسمه‌های حواریون وپاپهاکه قبرشان درآنجا بود بیان‌فرمودند یك‌مجسمه‌ازفولادبود فرمودندمجسمه شمعون است‌که روی‌کرسی نشسته پاهایش برهنه . یك پای اورا بسکه مردم بوسیده‌اند فولاد سائیده شده بطوریکه اثرونشانه از انگشت‌ها باقی نمانده است . بعضی خانه‌های چوبی (دکه) درتوی‌کلیسا بود فرمودند دراین‌دکه‌ها کشیشها مردم‌را میآورندازطرف پاپ‌گناهانشان‌را میبخشند خلاصه‌دامی برای عوام‌فریبی ساخته‌اند . بعد ازسیاحت سن‌پیربازکالسکه نشسته اغلب جاهای شهررم که همه دیدنی بود دیده به‌هتل مشهورگراند هتل‌که ازجاهای معتبراست‌رفته چای صرف‌کردیم.حضرت اشرف فرمودند این‌هتل خیلی معتبراست اغلب وزرای مختارخارجه همین‌جا منزل‌میکنند چند روز قبل هم علیا حضرت ملکه انگلیس برم آمده درهمین هتل منزل فرمودند. دررم هرچه بخواهی‌کلیسا زیادونقش‌حضرت عیسی ومریم وحواریون‌را باقسام مختلف‌ساخته‌اند بناهای قدیم ومجسمه خیلی‌زیاد است وشهربسیارقدیم معتبرومحترمی است حضرت‌اشرف نظام‌الدوله میفرمودند یك وقتی مجسمه‌های شهررم‌را شمرده بودند تقریباً سیصد هزار شده بود .

دنباله‌گردش باپرنس ملکم‌خان مجسمهٔ گاریبالدی ویلابورگز ویلاپنچیا

دوشنبه ۲۸ ربیع‌الثانی ۲۵ ـ امروزنیز حضرت نظام‌الدوله بنده ونورعلی‌خان‌راباکالسکه‌بگردش وسیاحت بردند . ازجمله‌بتماشای مجسمه‌گاریبالدی برد که دربلندی یعنی روی تپه باصفائی نصب کرده‌اند . این شخص بزرك وطن پرستی بوده‌که رم‌را از دست ایطالیائی‌ها خلاص نموده و همچنین ازتحکمات پاپ و اتباع او خلاصه مرد رشید وباغیرتی بود وبدولت وملت‌ایطالیا خدمت کرده وحالا ملت ودولت هم محض پاس حقوق اووتشویق سایر مردم که بوطن خودشان خدمت بکنند مبلغ‌های خطیر خرج‌کرده ومجسمه‌گاریبالدی‌را ساخته‌اند که روی اسبی سوار است و بشهر رم نگاه میکند دیروز هم دراینجا تولد اورا جشن گرفته بودند . از آنجا بباغ مشهور به ویلا برگزرفتیم . برگزاسم خانواده یك شاهزاده ایطالیائی است‌که خواهرناپلئون بناپارت زن این شاهزاده بوده . این ویلا باغ بسیار بزرگی است‌که اهالی رم آن‌را خریده وتفرج‌گاه اهل شهر قرارداده‌اند.چندین جا آبهای جاری وحوضهای فواره‌داربود که آب جستن مینمود . حالا اسم ویلا برگزرا ویلا هومبرت‌گذاشته‌اند . (هومبرت پدر همین اعلیحضرت پادشاه ایطالیا است) . از آنجا بباغ مشهور ویلاپنچیا که ازبناهای ناپلئون اول است رفتیم ، ناپلئون وقتی‌که اینجارا مسخرکرده این باغ‌را دربلندی ساخته‌که مشرف بشهراست . خیلی باصفا وگردشگاه

عمومی است . مجسمه‌های زیادی هم درویلابرگز وهم درویلا پنچیا دیده شد بعد از گردش مفصل‌منزل آمده درخدمت‌حضرت نظام‌الدوله ناهارصرف شد . دیشب هم‌معظم‌له دو بلیط تئاترفرستاده بودند به‌تماشاخانه ناسیونال رفتیم که اپرا بود ولی چه فایده‌هرچه میخواندند وحرف میزدند بزبان ایطالیائی بود وهیچ حالی نمیشدیم .

کاپیتول

سه‌شنبه ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ قبل ازظهر خدمت حضرت پرنس ناظم‌الدوله‌رسیدم . فرمودند بازدرروزنامه‌ها ازوضع‌اغتشاش‌ایران بد مینویسند . درکرمانشاه‌جنگی واقع شده چندین نفر کشته‌شده خیلی اسباب پریشانی‌حواس‌گردید ، درخدمت حضرت‌ناظم‌الدوله بیرون رفته‌گردش‌کردیم ازجائی عبوراً ازدورگذشتیم فرمودندبروید اینجارا که کاپیتول میگویند ببینید واین‌محل پارلمان قدیم رم بوده.درعهدقیاصره وبعدهاعمارت‌کاپیتول مشورتخانه دنیا بوده‌ومجسمه قیصرروم‌راکه‌باسب سوار است دراینجا نصب‌کرده‌اند . فرمودند پارلمانهای دول اروپ را ازروی پارلمان‌اینجاترتیب‌داده‌اند . طرف عصر بانورعلی‌خان بگردش رفتیم. عمارات قدیم وستونهای سنگی ومجسمه‌های شکسته زیادی ازآثارروم قدیم دیده شد .

عصربانورعلی بتماشای سینما توگراف‌که عکس متحرك بایدگفت رفتیم . همه حرکات اشخاص مانند تئاتراست منتها حرف نمیزنند وصدائی ندارد .

پنجشنبه غره جمادی‌الاول۱۳۲۵ مطابق ۱۳ ژویه ۱۹۰۷

کولیزه ـ کلیسای سن‌پل ـ حمام کاراکالا

قبل ازظهر باحضرت اشرف پرنس نظام‌الدوله باتفاق نورعلی‌خان سوارکالسکه شده‌بسیاحت بعضی بناهای قدیم وجدید رفتیم .اول بیك‌بنای خیلی قدیم‌که‌تقریباً هزار سال‌ازاحداث آن‌گذشته‌درعصر قیاصره ساخته شده محل تماشا مثل تئاتربوده رفتیم . اسم بنا کولیزه و جای مدور وخیلی مرتفعی است باید دیدکه بنای‌باین استحکام وعظمت چطور ساخته‌شده‌است. ازآنجا بکلیسای مشهوربه‌سن‌پل رفتیم بنایش‌خیلی قدیمی نیست حضرت اشرف فرمودند وقتیکه بافرخ‌خان مرحوم‌که بایلچیگری اینجا آمدیم ومن مستشاربودم این‌کلیسارا میساختند این‌کلیسا هم‌کمتر ازسن‌پیرنیست ستونهای سنگی غریب داردازیك پارچه سنك مثل آئینه شفاف بارتفاع ده چهارده ذرع چهارقطارستون وهرقطاری بیست ستون است . زینت ونقاشی‌وحجاری آن‌را باید دید بنوشتن نمیتوان‌فهماند میلیونهاخرج این‌کلیسا شده . ازاینجابجای‌دوری رفتیم‌که محل حمام قیاصره بود موسوم به‌کاراکالا از عظمت آن عقل مات است اگرچه خراب شده ولی آثارش معلوم است که یك بنائی‌است انسان ازتعریف عظمت واستحکام آن عاجزاست . از آنجا برگشته درخدمت حضرت

نظام‌الدوله ناهارصرف شد . بعد خدمت سرکار علیه پرنسس وهمچنین خانم محترمه ویکتوریاخانم دخترکوچك پرنس رسیدیم‌سوغات مختصری‌که عبارت ازیك انگشترفیروزه ویك سکه طلا وکلکسیون تمبرایرانی بودباانفعال بخانوادهٔ حضرت‌اشرف تقدیم‌وازقبول آن متشکرشدم ·

سینما

یکشنبه ٤ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ ـ قبل ازظهربیك بنای عالی‌که نمایشگاه نقاشیهای اعلی‌کار استادان ایطالیاوغیره است رفته نیم فرانك حق‌دخول پرداخته نقاشیهای خوب ومجسمه‌های مرغوب دیدیم . حالا دررم واغلب جاها سینما توگراف که درفارسی عکس متحرك باید معنی‌کرد دیده میشود فرقی‌که باتئاتردارد اینست‌که بی‌صدا است · این نمایش دررم خیلی رواج یافته پول دخول هم خیلی‌کم میگیرند ازهردونفری بیست‌سانتیم میگیرندکه بپول ایران دوعباسی میشود . دیشب بانورعلی‌خان دوسه‌جا تماشا رفته وحظ کردیم .

گله ودلتنگی پرنس ملکم‌خان

دوشنبه ۵ جمادی‌الاول ـ قبل ازظهر خدمت حضرت پرنس ملکم خان ناظم‌الدوله رسیدم‌بعضی‌فرمایشات ازوضع خودشان وعدم مساعدت‌دولت درکارهاشان بیان‌فرموده میفرمودند استعفاخواهم کرد وهمین‌روزها بجائی‌خواهم رفت .از ارتباط خودشان‌باسفرای کبار ووزیر مختارهای دول فرنك و دوستیشان باایشان فرمودند سی چهل سال است بااشخاص محترم‌مربوط هستم اشخاصی‌که درمنشیگری سفرا بودند حالا سفیرکبیرشده‌اند ومن بهمان‌کسالت وبطالت دراین مقام پوسیده مانده وچیزی نشدم باید ازنوکری دولت ایران استعفاکنم و دولتی‌که نتواند مرا درست نگاه دارد چاره‌ای‌جزاستعفا ندارم . طرف عصر بازخدمتشان رسیدم فرمودند (مژده) که‌جناب‌علاءالملك‌باپنج نفردیگر بسفارت‌کبرای فوق‌العاده ازوین‌تلگراف‌کرده‌که‌بایطالیا میآیند برای اعلان‌تاجگذاری سلطنت‌اعلیحضرت محمد علی‌شاه وحال آنکه سفرای‌کبار ووزرای مختارخارجه میدانند ومیگویند فرستادن این سفارت ازطرف دولت ایران بااین فلاکت حالیه هیچ لزوم ندارد درصورتیکه پول ندارندبمقرری وزرای‌مختاربدهند خیلی‌فرستادن این سفرا درانظارمردم قبیح آمده‌کاغذی هم بحضرت اشرف میرزا علی‌اصغرخان اتابك مرقوم داشته بودند قرائت فرمودند خیلی مضامین مؤثرداشت‌وبهترازآن نمیشود چیزنوشت تاچه اثرکند .

پیغام‌های پرنس ملکم‌خان

جمعه ۹ جمادی‌الاول ۲۵ ـ ازروزدوشنبه روزنامه ننوشته‌ام‌یعنی خبرتازه هم نبوده . روزها یکی دومرتبه خدمت حضرت پرنس نظام‌الدوله شرفیاب وازفرمایشات ایشان محظوظ میشدم . بعضی فرمایشات نسبت به بزرگان ایران‌که درطهران هستند فرموده‌اند

که پس ازابلاغ سلام وارادت عرض کنم که پنجاه سال است درفرنك همیشه زحمت کشیده درپیش سلاطین ووزرای فرنك ورجال بزرگ تاتوانسته‌ام شکوه وقدمت دولت ایران‌را جلوه داده سعی کرده‌ام که ایران هم جزء دول بزرگ معدود شود واهالی ایران درامن وامان وآسایش باشند برهرکس ازاهالی بزرگ دانشمند ایران واجب وحتمی است که امروز سعی دراستقلال دولت و آسایش ملت واقتدار سلطنت ایران نموده تاجان دارند بکوشند .

سفیر فوق‌العاده ایران

شنبه ۱۰ جمادی‌الاول ـ قبل‌ازظهرخدمت حضرت‌پرنس‌نظام‌الدوله رسیدم فرمودند دیشب جناب علاءالملك سفیرفوق‌العاده بااجزاء که همراه‌داشتند دو ساعت‌به‌نصف‌شب مانده وارد شدند میبایست لباس رسمی‌بپوشندنپوشیده بودند ولی ازطرف این دولت‌اشخاصی که باستقبال حضرات فرستاده بودند ویك دسته سربازباصاحبمنصب بالباس رسمی‌بودند من هم بالباس رسمی رفتم . قدری این نپوشیدن لباس رسمی درموقع ورود خوش نشد . بهرحال درگراند هتل منزل کرده‌اند . بنده هم رفتم خدمت جناب اجل علاءالملك‌رسیدم ربع ساعتی بعضی صحبت‌ها شد بعد رفتم از اشخاصی که همراهشان آمده بودند دیدن کردم . اسامی‌شان ازاین قراراست :

مترجم‌الممالك ـ ابراهم خان‌ممتازالممالك‌منشی‌اول سفارت فوق‌العاده‌ـ مهدیخان حسن‌السلطنه پسرممتحن‌الدوله . از قراریکه جناب علاءالملك فرمودند ازاینجا بدربار اسپانیا مأمورند که تاجگذاری اعلیحضرت محمدعلی‌شاه‌را بپادشاه آنجا اعلام نمایند.

شنبه دهم‌جمادی‌الاول ۱۳۲۵ ـ چهاربغروب مانده جناب علاءالملك باهمراهان ودونفر مهماندارکه‌یکی‌اجودان پادشاه ایطالیاویکی‌ازوزارت خارجه بود برای صرف‌چای وعصرانه بسفارتخانه ایران آمدندمنزل حضرت نظام‌الدوله بنده هم بودم . یك‌نفرفرنگی قونسول ایران ویك نفر فرنگی دیگرکه جزء اجزاء سفارت بوده‌آمده‌بود . فردا قرارشد که‌سفیرفوق‌العاده باتفاق حضرت نظام‌الدوله واجزاء حضور اعلیحضرت پادشاه ایطالیا مشرف‌شده ونامه‌ای‌که‌ازطرف اعلیحضرت‌محمد علی‌شاه آورده‌اند تقدیم‌کنند .

عزیمت ازرم

یکشنبه ۱۱ جمادی‌الاول ـ درتهیه‌حرکت ازرم هستیم . عصری برای وداع خدمت حضرت اشرف نظام‌الدوله (میرزا ملکم‌خان) رسیده‌وداع بعمل آمد ازسرکار عالیه پرنسس هم خداحافظی‌نمودم

تعریف شهررم واهلش باید علیحده نوشته‌شود .

شب دوشنبه ۱۲ جمادی‌الاول ۲۵ - دروقت معین ازهتل بیرون آمده به‌گـار رفتیم شانزده هفده روزدررم توقف شد من و نورعلی‌خان همه‌را بحضرت نظـام‌الدوله مهمان بودیم یعنی مخارج هتل‌را پرداختند .

تقریباً سیصدوپنجاه فرانك مخارج دوهفته شد (تقریباً هفتاد تومان) · یکساعت وده دقیقه به‌نصف شب مانده ترن حرکت‌کرد . شب دوشنبه وروزدوشنبه وشب‌سه‌شنبه ۱۳ درراه بودیم وطی مسافت میکردیم بـایك‌کشیش امریکائی وخواهرش درواگن آشنا شدیم کارت بهمدیگردادیم ازتونل‌های زیادی‌گذشتیم . سه شنبه ۱۳ ساعت هشت صبح که چهار بظهرمانده باشد سلامت وارد شهروینه شده درهمان هتل پست‌که سفراول‌منزل داشتیم منزل‌گرفتیم . ازسرحد ایطالیا ۱۲ ساعت بوینه مسافت بود .

وقت آمدن‌ازگاربهتل‌یك دفعه درشگه‌چی‌گفت‌قیصراست میآمد (یعنی‌اعلیحضرت امپراطور اطریش) دیدیم‌کالسکه دواسبه سوارویك نفر صـاحبمنصب جلوکالسکه نشسته وبس اعلیحضرت بدون هیچ خدم وحشم باکمال تندی عبورفرمود .

وین

چهارشنبه ۱٤ جمـادی‌الاول ۱۳۲۵ - قبل ازظهربسفـارت علیه ایران رفته خدمت جناب آقای میرزا اسحق‌خان مفخم‌الدوله‌وزیر مختاررسیدم . اظهارکمـال لطف‌را فرمودند چـای صرف وبعضی صحبت‌هاازورود جناب علاءالملك سفیرفوق‌العاده به‌وین شد دوشب متوالی بباغ‌مشهور وندیك رفتیم حقیقتاً برای تفرج وتماشا درتابستان نظیرندارد .

قصرشون برون

شب یکشنبه ۱۸ جمادی‌الاول - ۲ ژوئیه ۱۹۰۷یکساعت وپنج دقیقه‌ازشب گذشته‌بسلامتی‌ازشهروینه که‌واقعاً ازهرحیث‌درشهریت وعظمت کامل وخیلی آباد وپاکیزه است بـانورعلی‌خـان حرکت کردیم. امروزازکمپانی‌کوك بلیط ازوینه تابادکوبه‌گرفتم درجه‌دوم نفری یکصدوبیست‌و چهارکرون وهشتاد لیرکه بپول فرانك ۱۳٦ فرانك شد .

دیروزدرباغ‌شون برون‌که‌عمارت سلطنتی هم درآنجا است وباغ مختص‌پادشاه اطریش است ودریك محل باغ اقسام حیوانات را ازوحوش وطیور ازچرنده وپرنده‌ودونده ازهرقبیل جمع‌کرده باغ وحشی قرارداده‌اند رفتیم تماشاکردیم اهالی وینه هم ازهمه قبیل بزرك وکوچك خیلی آمده بودند حقیقة باغ شون‌برون دروسعت ونظـافت خیلی تعریف دارد خصوصاً دو فواره‌بود که ازهرکدام بارتفاع چهل ذرع آب فوران میکرد . درهمان باغ ومحل بلندی‌ناپلئون اول هنگام تسخیراطریش یك عمارت مختصری ساخته‌که‌ازآنجا

همه‌جای وینه پیدا است. ناپلئون اول هرجارا مسخر کرده آثاروبنائی گذاشته . مثل‌آنکه درشهررم هم یك‌باغ خوبی‌دربلندی ساخته‌که حالاتفرج‌گاه مردم است . غذا دررستوران نزدیك باغ شون برون صرف شد . عصرهم درقهوه‌خانه نزدیك باغ قهوه باشیرخوردیم شیراین محل خارج ازتوصیف‌است . شخصی‌همراه ما بود میگفت‌شیراینجا ازماده‌گاوهای اعلیحضرت امپراطوراست‌که درهمین چمن‌ها میچرندوشیرشان‌را باین قهوه‌خانه میفروشند رویهمرفته دروینه‌که چهارپنجروزماندیم بحمدالله خوش‌گذشت .

نقص ندانستن زبان بود . باکمال افسوس دیشب‌که ۱۸ جمادی‌الاول بود حرکت‌کردیم. چهارمنات‌ونیم‌درولاچسکی‌گرفتند یك‌بلیط دیگر دادند یك منات ونیم‌دیگر دررستوف گرفتند که ترن عوض میشود ویك‌سربادکوبه میرود . بعبارة اخری هرنفری ازوینه تابادکوبه یکصدوسی وشش فرانك وشش منات شد .

چهارشنبه ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ - چهارروز است از شهر وینه بیرون آمده شب و روزرا درخاك اطریش وروسیه درترن طی مسافت میکنم وچیزهای مختلف میبینم . اگرچه درخاك‌اروپ اسباب مسافرت‌را ازهرجهت‌خیلی آسان‌کرده‌اند ولی‌باوجود این باززحمت دارد خاصه درخاك روسیه دررسیدن بسرحد یك مملکت وورود بمملکت دیگر چنانکه ازخاك اطریش بخاك روسیه بولاچسکی رسیدیم درگمرکخانه بعد ازدادن زحمت زیاد دوکتاب مراکه‌حضرت پرنس ملکم‌خان داده‌بودند نگاهداشتند . وباین‌واسطه کتابهارا که میخواستم پس بگیرم چون زبان روسی نمیدانستم یکی ازاجزاء گمرك برد نزدیك خانمی‌که زبان انگلیسی میدانست حرفهای‌گمرکچی روسی‌را بمن وحرفهای مرا برای او ترجمه‌کند . آخرالامرکتابهارا نگاهداشتند که پس ازملاحظه بطهران بفرستند . بعد ازآنکه در ترن جاگرفتم دیدم همان خانم آمد ونوشته ازگمرك ولاچسکی آوردبمن داد وگفت این سند شما است اگر کتابهارا نفرستادند میتوانید ازگمرکخانه ولاچسکی مطالبه نمائید . این خانم خیلی زحمت کشید ومحبت کرد خیلی اظهار امتنان‌کردم ویك سکه طلای ناصرالدین‌شاهی باوعوض زحماتش یادگاردادم وخواهش‌کردم‌قبول‌کندوبعداز اصرارمن قبول‌کرد .

این خانم ژنوی وسویسی‌بود میگفت چهارزبان میدانم . انگلیسی ، روسی ، آلمانی وفرانسه‌خانم تربیت‌شده‌ای بودوازانسانیت اودراین موقع خیلی ممنون شدم .

بادکوبه

پنجشنبه ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ - پنج ساعت بظهر مانده بحمدالله سالماً بارفیق راه نورعلی‌خان وارد بادکوبه شده درهتل اروپ منزل‌کردیم ، هواگرم و بادتندی میوزید. میگویند کشتی

امروز از اینجا بانزلی حرکت‌خواهدکرد. بعدازدیدن شهررم و وینه وغیره شهربادکوبه مثل قصبهٔ خراب وکثیفی بنظرآمد . تا درخاك خودمان رشت و انزلی وطهران چه‌قسم بنظر بیآیند عصر پنجشنبه است هوا خیلی خفه و تیره وتار وگرم است . نورعلی‌خان رفت بلیط کشتی پست گرفته آورد . ساعت نه شب کشتی حرکت خواهد کرد . عجالة حال من‌هم مثل هوای بادکوبه خفه و گرفته است گرچه نباید دلتنگ شد . در هرحال باید شاکر وصابر بود زیرا که مدار روزگار همیشه در تغییر است گاهی زیبا گاهی‌زشت گاهی بهشت گاهی دوزخ برانسان میگذرد. گاهی‌درشهر وینه و رم باید گذران کرد و گاهی دربادکوبه . نشیب وفراز اغلب درکارهای دنیا هست وباید متحمل‌شد وشکرکرد وهرچه پیش‌بیاید خوش شمرد .

بهرحال انشاءالله امشب ازبادکوبه روانه ایران خواهیم‌شد تا درایران چه‌پیش‌آید ومقدرچه‌باشد. ازبادکوبه باینطرف روزنامه نوشته نشد . صبح که وارد بادکوبه شدیم شب همان‌روزکشتی‌حرکت میکرد . در کشتی جناب میرزاعلی‌محمدخان قونسول ایران دربادکوبه ملاقات شدکه‌برای مشایعت آقامیرزاآقاخان قونسول باطوم‌که بطهران‌احضار شده‌آمده‌بود . میرزارضاخان منشی‌سفارت ایطالیاراهم همانجا ملاقات‌کردم. ساعت ده‌شب کشتی‌حرکت‌کرد بحمدالله دریا خیلی آرام بود .

رشت ـ تهران

شنبه ۲٤ جمادی‌الاولی ۱۳۲۵ ـ سلامت وارد انزلی شدیم بقدر نیم‌ساعت درگمرك معطل وچای درمنزل نایب‌رئیس گمرك صرف ومیرزامهدیخان منصورالممالك که از آشنایان قدیم است آنجاملاقات بعد بکرجی‌نشسته به پیربازار آمدیم . اطوار بدکرجی‌بان ودرشگه‌چی‌هرچه تصور بشود اسباب اوقات‌تلخی گردید وخوشی‌های فرنگ ازدماغ بیرون آمد. در رشت بمهمانخانه آلبرت رفته شب آنجا ماندیم . مستررابینوقونسول دولت انگلیس (آشنای کرمانشاه) بدیدن آمد.

یك‌کالسکه میرزارضاخان ، بنده و نورعلی‌خان کرایه کرده روانه طهران شدیم . همهٔ‌راه‌را پول‌خرج‌کرده تا دیشب‌که شب‌چهارشنبه ۲۸ جمادی‌الاولی بوددوماه وده‌روز رفتن‌وبرگشتن این‌سفر طول‌کشیده ده‌روزه از وینه پایتخت اطریش‌بطهران رسیدیم .

دوشنبه ٤ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۵ ـ دیروز صبح‌حضرت آقای‌ناصرالملك‌وزیرمالیه‌را ملاقات وامروز بمنزل‌حضرت والا فرمانفرمارفتم خیلی‌اظهار مرحمت وروبوسی‌فرمودند. درآنجاسرکاروالاشاهزاده ناصرالدوله وشاهزاده اعزازالسلطان پسرمرحوم مهدیقلی‌میرزا سهام‌الملك‌را ملاقات‌کردم .

شاهزاده سالارالدوله را که درلرستان یاغی شده بود و ادعای سلطنت

آوردن شاهزاده سالارالدوله بطهران

میکرد شاهزاده حاجی‌سیف‌الدوله این دوروزه به طهران آورده درمنزل شهری اتابك‌اعظم میرزاعلی‌اصغرخان ورود داده‌اند تا چه‌حکم در حق شاهزاده بشود .

چهارشنبه ٦ جمادی‌الثانی ۲۵ - صبح باتفاق آقای ادیب‌السلطنهٔ رشتی خدمت حضرت حاجی محتشم‌السلطنه رفته بعد خدمت حضرت اجل ناصرالملك وزیرمالیه رفتم تا عصر خدمتشان بودم . مردم ازسادات وملا و ارباب حقوق ازتمام طبقات‌بحضرت وزیرمالیه خیلی‌مزاحمت میدارند وسماجت میکردند خصوصاً یك‌سیدجوان‌بعدازانجام مطالبش خیلی ابرام کرد بحدی‌که اوقات حضرت وزیرمالیه‌را تلخ نمودکه بوصف نمیآمد . حقیقة حضرت وزیرمالیه در حلم‌وحوصله افراط نموده‌اند .

جمعه ۸ جمادی‌الثانی ۲۵ - صبح به تجریش‌رفته جناب آقای معین‌الوزاره (علاء) پسر ارجمندوزیر امورخارجه را ملاقات‌کردم دوفقره پیغام بحضرت وزیر دادم که شاید تکلیف را معین نمایند پاکتی ازحضرت پرنس‌نظام‌الدوله بعنوان من بوزارت امورخارجه آورده بودند دادند.

عصر بمنزل حضرت مشیرالسلطنه رفتم‌شخص خوش‌محاوره و متعارف دیدم جناب صدرالسلطنه ویکی دونفر دیگر آنجا بودند . وضع مشیرالسلطنه بوضع قدیم است.

مهمانی در مجدآباد

دوشنبه ۱۱ جمادی‌الثانی-درخدمت‌حضرت‌سرداراکرم‌وحشمت‌لشگر بمهمانی جناب‌آقای‌حاجی ناصرالسلطنه بمجدآبادکه تقریباًیك‌فرسخ ونیم ازطهران مسافت دارد رفتم . مجدآباد منظر و چشم‌افکن وسیع وآب خوب وزیادی دارد. جمعی ازاقوام و دوستان جناب ناصرالسلطنه که‌اهل تبریزبودند حضور داشتند. جناب‌مستطاب اجل حاجی‌محتشم‌السلطنه با پسرشان نصیرالسلطنه‌هم درآخر ناهارآمدند . هرا گوم تا عصر آنجابودیم . دوساعت بغروب مانده برستم‌آباد منزل جناب سردار مؤید و از آنجا بقیطریه رفتم حضور حضرت اشرف اتابك برسم که پیغامات حضرت نظام‌الدوله ملکم‌خان را برسانم بناشد فردا بروم.

ملاقات اتابك درقیطریه

سه‌شنبه ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ - در رستم‌آباد شمیران منزل جناب ظفرالدوله سردار مؤید هستم . صبح در خدمت سردار اکرم بقیطریه رفتم و حضور حضرت اتابك اعظم مشرف شدم احوالپرسی واظهار مرحمت فرمودند وفرمورند در فرنگ بودی چرا دررم پیش پرنس‌ناظم‌الدوله میرزاملکم‌خان نماندی که تنها است و معاون لازم دارد عرض‌کردم اگر مرحمتی شود بازمیروم . فرمودند میفرستم . تا چه‌شود .

در قیطره چندنفر ازدوستان‌ازقبیل جناب‌ممتحن‌السلطنه ومشیر دیوان وآقامحمدعلی ارباب صراف را ملاقات کردم بعدازتشریف‌بردن حضرت اتابك بسلطنت‌آباد که باتفاق حضرت فرمانفرما وزیر عدلیه وجناب عضدالملك و سردار اکرم و جناب علاء الدوله و غیره تشریف بردند بنده‌هم باز برستم‌آباد معاودت کردم . بعد از یکساعت سردار اکرم با وزیر نظام وامین‌نظام محمدصادق‌خان که امیر توپخانه بود از سلطنت‌آباد برستم‌آباد آمدند غذا صرف‌کرده مشغول تخته‌بازی شدند . یکساعت بغروب مانده باز برای‌ملاقات حضرت اتابك به قیطریه رفتم دیدم هنوز از سلطنت‌آباد مراجعت نفرموده‌اند تا غروب معطل شدم تشریف نیاوردند درشگه نشستم قصد شهرکردم . از حسن اتفاق‌دیدم‌حضرت اتابك با جناب محتشم‌السلطنه هردو کالسکه نشسته تشریف میآورند . پیاده‌شدم احترام بجا آوردم . حضرت اتابك فرمودند کالسکه را نگاه داشتند چند دقیقه با بنده فرمایشات فرمودند وفرمودندبقیطریه برگرد تاشمارا ببینم . برگشتم شارژدافرآلمان‌هم آنجا بود وقتیکه اورفت من‌خدمت حضرت اتابك رفتم . فرمودند بیا . از چندچادر عبور فرمود بنده دنبالشان رفتم درجای خلوت فرمودند که صندلی آوردند نزدیك‌هم گذاشتند. روی صندلی نشستیم فرمودند پیغامات‌پرنس‌ملکم‌خان را بگو ببینم . پیغامات جناب‌پرنس ملکم‌خان نظام‌الدوله را مفصلا عرض‌کردم . خیلی اظهار مرحمت فرمودند و فرمودند پرنس‌ملکم‌خان تنهااست‌پیرمردشده‌باید معاونت‌کرد وشماراپیش‌ایشان‌فرستاد . تایك‌ساعت ازشب گذشته ازحضور اتابك مرخص‌شده بشهر معاودت کردم . آقای حشمت‌لشکر در قهوه‌خانه بین‌راه منتظر من‌بود ازآنجا باتفاق‌بمنزل آمدیم .

اولین‌جشن مشروطیت

شب جمعه ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ - بمیدان بهارستان که جلوخان مجلس‌شورای‌ملی است رفتم . برای جشن مشروطه‌شدن ایران تمام طبقات‌مردم‌ازکسبه وتجار واصناف واداره‌ها طاقنماهای مزین‌بسته وآتش‌بازی کامل‌نمودند. ازعلماء ووزراء ووزیرمختار-های دول‌خارجه واعیان وامرا که موعود بودند آمدند . حضرت اتابك اعظم‌هم تمثال همایون اعلیحضرت‌محمدعلی‌شاه‌را با دستخط تبریك برای اجزاء مجلس محترم شورای‌ملی آوردند قرائت شد. جمعیت‌زیادی قریب‌پنجاه‌هزارنفربود بااین‌ازدحام خیلی بآرامی‌گذشت این اولین جشن ملی است و تا دولت‌ایران پایدار است این جشن‌هم بیادگار و معمول خواهد بود.

صبح‌بعزم دیدن جناب سعدالدوله ازمنزل بیرون‌آمدم ، بمنزلشان رفتم گفتنددیشب بشمیران رفته‌اند . از آنجا بمنزل نواب والا کاشف‌السلطنه (شاهزاده‌محمدمیرزا) رفتم ایشان هم نبودند. بعدخدمت جناب آقای ضیاء الملك رسیدم وتا عصر آنجا بودم . عصر تنگ باتفاق غلامحسین‌خان ناصرالممالك برای‌گردش وتماشای جشن ملی بیرون‌آمدیم. درخیابان لاله‌زار دیدیم جلوخان عمارت حضرت اتابك اعظم میرزاعلی‌اصغرخان را آئین

میبندند . از آنجا عبورکرده ازدر عمارت حضرت والا شاهزاده ظل‌السطان گذشتیم آنجا راهم خوب آئین بسته‌بودند . تا بمیدان‌باغ بهارستان رسیدیم جناب آقامیرزاصادق‌خان ادیب‌الممالك را دیدیم درطاقنمای انجمن‌عرب وعجم نشسته‌اندماهم‌رفتیم آنجانشستیم. مردم متفرقه می‌آمدند من‌جمله جناب آقای ممتازالدوله ، جناب اردشیرجی رئیس طائفه زردشتی بعد باتفاق جنابان عنایت‌السلطنه وعمیدالسلطان برای تبریك بانجمنها رفتیم از قرارمذکور تقریباً صدطاق‌نماازطبقات‌مختلف‌مردم طهران ازمسلمان ، یهودی ، ارمنی‌و گبر طاقنما بسته آئین‌بندی کرده بزنده‌باد مشروطه و نیست باد استبداد مترنم بودند . دسته‌دسته صاحبان طاقنماها بطاقنماهای یکدیگر رفته در کمال بشاشت وخرمی بهمدیگر تبریك میگفتند ویکنوع اتحادملی وسرور معنوی ازبشرهٔ همه‌پیدا بود .

ازقراریکه شنیدم حضرت والانایب‌السلطنه از وزارت جنگ معزول و جناب اجل سپهدار بجای ایشان منصوب شده‌اند.

تجاوز عثمانیها در آذربایجان

سه‌شنبه ۲۶ جمادی‌الثانی۱۳۲۵ - ازقرار مشهورعثمانیهادرحدود آذربایجان درطرف ساوجبلاغ واطراف خوی‌تجاوز حدودی کرده بلکه باهالی آنجاها خیلی تعدیات کرده‌اند و اهالی ساوجبلاغ تلگرافات تظلم‌آمیز بدارالخلافه کرده‌اند و امرشده حضرت والا شاهزاده فرمانفرما با استقلال تمام به‌آذربایجان تشریف‌ببرند و این امر مهم را اصلاح نمایند . اوضاع حالیه ایران خیلی منقلب و مغشوش است خداوند اصلاح نماید یعنی بوسیلهٔ عقلا وغیرتمندان‌بی‌غرض ایران.

یکشنبه‌غرهٔ‌رجب‌المرجب - با جناب آقای تقی‌خان به تجریش منزل آقای باقرخان صیادالسلطنه حاکم تجریش رفته شب‌هم درآنجا بیتوته‌کردیم.

تقسیمات قشون‌ایران

سه‌شنبه ۱۰ رجب ۱۳۲۵ - ازقرار مذکور قشون ایران را بچهار قسمت تقسیم کرده‌اند : توپخانه و ذخیره و قورخانه را با افواج قزوینی وتنکابنی وحکومت‌استرآبادرا بحضرت‌سپهدار. یك‌قسمت افواج عراق بحضرت والاظفرالسلطنه‌وقسمت‌دیگر افواجی‌که‌جزء خود حضرت امیرنظام است بامیرنظام. وافواج خراسان وکرمان‌رابجناب اجل‌وزیر نظام داده‌اند . جناب اجل‌مستوفی‌الممالك‌هم وزیر جنگ یاوزیرلشکرمسئول است.

عفوسالارالدوله

شاهزاده‌سالارالدوله راهم ازمنزل شهری‌حضرت اتابك اعظم بباغ دولتی مشهور بعشرت‌آباد برده درآنجا محبوساً بماندواعلیحضرت ازتقصیرشان گذشتند .

یکشنبه ۲۲ رجب ۲۵ - بواسطهٔ کسالت (ابتلای به نوبه) در این

قتل اتابك میرزاعلی اصغرخان

چندروزه روزنامه ننوشته‌ام · الساعه که روزنامه را مینوشتم خبر وحشت‌انگیزی در خصوص اتابك‌اعظم میرزا علی‌اصغرخان شنیدم که در مجلس‌شورایملی اتفاق افتاد اگر صحت داشته باشد خیلی‌جای تأسف است . پس ازیکی‌دوساعت مطلب محقق شد که اتابك‌را یکساعت ازشب گذشته که ازمجلس شورایملی بیرون میآمده در حین رفتن توی درشگه دوتیر باو خالی میکنند میافتد . توی کالسکه گذاشته بمنزل می‌آورند چهار از شب گذشته فوت میکند. قاتل‌هم پس‌ازاین‌عمل فوراً خودش‌را باگلوله میکشد . کاغذی ازبغلش بیرون می‌آورند که درآن نوشته بود عباس ازجمله فدائیان نمرهٔ ٤١ از انجمن سری قاتل میرزاعلی‌اصغرخان. مرحوم میرزاعلی‌اصغرحان اتابك‌مقتول در عهدسه‌پادشاه ناصرالدین‌شاه ، مظفرالدین‌شاه واعلحضرت محمدعلی‌شاه چندین‌سال صدارت‌کرد .

مردسخی‌الطبع با علو همت و باگذشتی بود . هرقدر در عهد ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه با قدرت صدارت‌کرد... در عهد محمدعلی‌شاه بواسطه تغییر وضع درباری ومشروطه‌شدن دولت ایران با ضعف وخفت صدارت کرد ·

جمعه ۲۲ رجب ۱۳۲۵ - درباغ بیرون شهر جناب سالارمنصورکه حالا سردار - معتضدشده‌باتفاق جناب عنایت‌السلطنه بصرف ناهاررفتیم جمعی قریب بیست‌نفر از اجزاء حضرت والا فرمانفرما صاحب‌اختیار آذربایجان هم بودند .

تغییر وزراء

دوشنبه سلخ رجب - باتفاق جناب آقای ممتحن‌السلطنه بشمیران رفتیم معلوم‌شد چندوزیر باین‌شرح تغییریافته‌اند:

مشیرالسلطنه وزیر داخله - سعدالدوله وزیر امور خارجه - قوام‌الدوله وزیر مالیه - نیرالملك وزیر علوم - مشیرالملك وزیر عدلیه - مخبرالملك وزیر تجارت .

در تجریش بمنزل جناب وزیر امور خارجه رفته خدمتشان رسیدیم . تمام اجزاء وزرات خارجه آمده بودند . تا بعدازناهار آنجا بودیم .

احتشام‌السلطنه رئیس مجلس

پنجشنبه سوم شعبان‌المعظم ۱۳۲۵ - از قرار مذکور جناب احتشام‌السلطنه رئیس‌مجلس شورایملی‌شد· بمناسبت ولادت‌حضرت خامس‌آل‌عبا (ع) در طهران عید گرفتند اعلیحضرت‌همایونی‌هم‌در شمیران سلام نشسته‌بودند. در شهر توپ شلیك‌کردند.

حضرت حاج‌عبدالله‌خان‌امیرتومان بمن‌فرمودند از انجمن حسن‌آباد رقعه دعوت فرستاده‌اند خوب است شما ازجانب من‌بروید . دوساعت ونیم بغروب مانده دیدم جمعی ازعلماء وشاهزادگان و نجبا قریب سیصدنفر آنجا هستند . پس از تحقیق معلوم شد

جناب موقرالسلطنه پسرجناب ناظم‌السلطنه مؤسس این انجمن هستند . شربت و چای و قلیان بمردم دادند یکی دونفرهم نطق کردند . از جمله جناب ملك‌المتکلمین بود و آقاسیدحسن تقی‌زاده وجناب والاشیخ‌الرئیس‌هم حضورداشتند میخواستند موعظه‌کنندچون وقت دیربود موقوف بمجلس دیگرشد.

فوت میرزانصرالله‌خان مشیرالدوله

شنبه ۵ شعبان ۱۳۲۵ ـ دیشب میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله بمرض قولنج دوساعت ازشب گذشته این دنیا را بدرود گفتند . آدم نیك‌نفس و حلیمی بود در عهد مرحوم مظفرالدین‌شاه و اعلیحضرت همایون شاه حالیه صدارت نمود .

سه‌شنبه ۸ شعبان۲۵ ـ منزل جناب ادیب‌السلطنه رفتم ساعتی نشسته شب را بمنزل جناب آقای ذکاء الملك موعود بودم آنجا رفتم . آقای منتظم‌الحکماء میرزامهدیخان و آقامیرزا عبدالله برادر آقاحسینقلی تارزن هم آنجا بودند .

تحصن اعضاء انجمن مرکزی

سه‌شنبه ۱۵ شعبان ۲۵ که عید ولادت باسعادت حضرت حجة عجل‌الله فرجه بود ازمنزل جناب عنایت‌السلطنه باتفاق ایشان و جناب سراج‌السلطان وآقای سهم‌السلطان و آقای سیدنقیب بباغ بهارستان برای‌تبریك‌باجزاء محترم‌انجمن مرکزی که‌چندشبانه‌روز است آنجا متحصن شده‌اند رفتیم . دیدیم‌حوضخانه عمارت بهارستان پر از جمعیت است دسته‌دسته شاگردهای مدارس آمده تبریك میگویند که سه‌نفرهم از وکلای مجلس‌ملی و غیره برخاسته نطقی مبنی براتحاد دولت وملت نمودند وفریاد زنده‌باد ایران و شاهنشاه ایران وملت ایران وحجج اسلام وپاینده‌باد مجلس شورای‌ملی شنیده میشد.

جمعه ۱۸ شعبان ۲۵ ـ قبل از ظهر بمنزل حضرت سعدالدوله وزیر امورخارجه رفتم‌پاکتی‌هم‌ازحضرت حاجی‌امیرتومان خدمتشان دادم . فرمودند خیال نکنید درکارشما مضایقه‌کرده‌ام تعویق‌کارهاازبی‌پولی است .

جمعی از شاهزادگان امرا وارکان طهران‌درخانه جناب علاء الدوله جمع وهم‌قسم شده‌اند که با مجلس ملی متحد بشوند و عریضه توسط حاجی‌آصف‌الدوله و امیراعظم بحضور مبارك همایونی فرستاده‌اند . جواب اینطور صادرشد که هرطور میدانید صلاح است رفتار نمائید .

حضرات امراء عظام‌هم متفقاً بمجلس شورای ملی رفته با وکلای مجلس ملی‌متحد شدند وتلگرافات هم بولایات نمودند. این‌انجمن امرارا (انجمن خدمت) نامیده‌اندمدیرش سرکاروالا امیر اعظم است.

اجتماع اعضاء وزارت خارجه

دوشنبه ۲۱ شعبان ۱۳۲۵ - بعداز صرف‌چای آدم‌جناب‌بقاء الملك آمد که من‌آمده‌ام‌بمنزل‌جناب‌ممتحن‌السلطنه جناب‌ادیب‌السلطنه‌هم خواهندآمدشماهم‌بیائید. من‌هم‌رفتم‌دیدم‌جمع‌کثیری‌ازاجزاء وزارت امورخارجه قریب‌صدنفرازمدیران واجزاء آنها درآنجاجمع‌شده‌اند وازجانب وزیر امور خارجه حالیه دلتنك هستند و نمیخواهند تحت ریاست جناب اجل سعدالدوله باشند ازتقریرشان‌اینطور استنباط میشدکه رشته ارتباطشان باوزیرامورخارجه گسیخته شده . دیروزهم بعضی ازروساء بحضور اعلیحضرت همانونی مشرف و اظهار شکایت نموده‌اند واعلیحضرت همایونی‌هم وعده فرموده‌اند که اجزاء وزارت امورخارجه را آسوده فرمایند.

امروزهم مسوده عریضه بخاکپای همایونی نوشته پاك‌نویس نموده بمهر حاضرین رساندند که بوسیله جناب اجل مشیرالسلطنه وزیر داخله بحضور همایونی بفرستند.

عزل سعدالدوله

چهارشنبه ۲۳ شعبان - طرف عصر بخانه ممتحن‌الدوله که همه اجزاء وزارت خارجه‌جمع بودند رفتم بنده‌را در آن مجمع غائب نوشته‌بودند بعد حاضر نوشتند .

تا قریب سه‌ساعت از شب رفته آنجا بودم‌تا اینکه از طرف جنابان علاء الدوله و احتشام‌السلطنه پیغام آوردند که کار گذشت یعنی جناب سعدالدوله معزول و جناب علاء السلطنه بجای ایشان منصوب گردید .

پنجشنبه ۲۴شعبان۲۵ - از منزل‌جناب‌اجل وزیرامور خارجه جدید(علاءالسلطنه) بمنزل حضرت آقای ناصرالملك رفته مختصراً خدمتشان رسیدم اظهار لطف فرموده و فرمودند که میبایستی‌اغلب‌مرابیینید. ازآنجا ازمیدان بهارستان‌عبور کردم دیدم کالسکه زیادی است گفتند تمام وزراء وامرادرمجلس‌شورای‌ملی جمع‌شده‌اند برای قرائت‌نظامنامه اساسی و در مسئلهٔ قضاوت که راجع بوزارت عدلیه بوده جناب شریعتمدار آقاسیدعبدالله مجتهد ایرادی گرفته‌بودند ازطرف انجمن‌ها ووکلاء بجناب مشارالیه‌تاخت آورده مغلوب کرده وقدری از احترامش کاسته‌شده است .

چهلم‌عباس‌آقا قاتل اتابك

یکشنبه ۲۷ شعبان ۱۳۲۵ - صبح بمنزل جناب ممتحن‌السلطنه رفتم بعد بمنزل جناب آقای تقی‌خان رفته آنجا غذا صرف‌شد. در خیابان دروازه‌قزوین ازکثرت عبورکالسکه ، درشگه وتماشاچی هنگامهٔ غریبی‌بود پرسیدم‌چه‌خبر است گفتند روزچهلم عباس‌آقای صراف تبریزی قاتل مرحوم میرزاعلی‌اصغرخان اتابك مقتول است که جمعی‌ازتبریزیها و دیگران اتفاق‌کرده‌چله برای او گرفته‌اند تقریباً چهارصدتومان خرج این چله را تخمین

کرده یکصد تومان فقط ببهای گل داده‌اند. چهار طاق و مقبره برای عباس‌آقا درست خواهندکرد.

قرارداد روس وانگلیس راجع بایران

در روزنـامه حبل‌المتین تفصیل معاهدهٔ دولتین انگلیس و روس را در امور آسیا وقرارداد برای ایران‌مفصلا نوشته بود. عهدنامه در پطرز بورغ امضاء شد.

عکس‌های ایام زندان

پنجشنبه دوم رمضان‌المبارك ۱۳۲۵ برابر ۱۰ اکتبر ۱۹۰۷ - آقای میرزاجهانگیرخان مدیر و دبیر روزنامه صوراسرافیل را ملاقات نمودم . ایشان بعضی‌عکس‌ها نشانم داد . از جمله عکس جناب حاج‌سیاح محلاتی و مرحوم حاجی‌میرزا احمد کرمانی و میرزاعبدالله طبیب بود که با زنجیر و کند بودند که مرحوم ناصرالدین‌شاه درپای عکس‌ها بدستخط خود حضرات را معرفی کرده و تاریخ‌هم گذاشته بود (رمضان ۱۳۰۸) از دیدن این عکس‌ها با آن وضع و واقعهٔ قزوینی‌که ۱۶سال قبل در زمان ناصرالدین‌شاه اتفاق افتاد وگرفتاری خودم یادم آمد . آن زمان ایران‌را با وضع حالیه سنجیده دیدم تفاوت از زمین تا آسمان است وگفتم الحمدلله رب‌العالمین.

فوت‌ذکاء الملك فروغی

یکشنبه ۱۲ رمضان ۱۳۲۵ - دیشب ساعت پنج از شب گذشته خبر فوت جناب ذکاء الملك رسید بی‌اندازه متأثر شدم . قبل از ظهر باتفاق‌جناب دوام‌الملك‌بمنزل آن‌مرحوم رفتیم . به‌پسرهای فرزانه‌ایشان‌آقای میرزامحمدعلی‌خان وآقامیرزا ابوالحسن‌خان‌که هردو معقول وتربیت‌شده وباهنر وباعلم هستند تعزیت گفتیم . جناب آقای تقی‌خان و جمعی ازدوستان آن مرحوم آمدند بعد جناب اجل آقای مظفرالملك سرکار والا مؤید - السلطنه جناب‌حاج‌سیاح محلاتی‌وجناب انتظام‌السلطنه وجنابان سعدالملك ومجیرالسلطنه ومؤدب‌الملك وسعیدالاطباء و جمع‌کثیری آمدند ساعت سه ونیم بغروب مانده جنازه را محترماً حرکت داده به ابن‌بابویه بردند. بنده‌هم باتفاق جناب ادیب‌السلطنه وجمعی‌دیگر به‌ابن‌بابویه رفتم .

ذکاء الملك مرحوم‌هفتادسال سن‌داشت و شخص وارستهٔ ادیب چیزنویس‌بی‌همتائی بـود .

تصنیفات وقصاید وابیات خوب بیادگار گذاشت. روزنامه تربیت‌را چندسال‌نوشت در ادبیات بی‌نظیر بود . مدیر مدرسه علوم سیاسی بود . خداش‌بیامرزد وطن دوست هواخواه‌ترقی و زحمت‌کش بود.

دوشنبه ۱۳ رمضان ۲۵ - بمنزل آقای تقی‌خان رفته از آنجا باتفاق ایشان بخانه

مرحوم ذکاء الملك بمجلس فاتحه آن مرحوم رفتیم . مردم از بزرگان و محترمین و متفرقه می‌آمدند . جنابان اجل مشیرالدوله وزیر عدلیه و احتشام‌السلطنه رئیس مجلس شورای ملی و مؤتمن‌الملك ونجم‌الدوله وسایرین ازمدیر مدرسهٔ دارالفنون وشاگردهای مدرسهٔ علوم سیاسی آمدند افطارهم آنجا صرف نمودند تا ساعتی از شب گذشته حضرت اجل پرنس علاء السلطنه وزیر امور خارجه تشریف آورده مجلس فاتحه را ختم نمودند و نسبت بمیرزا محمدعلی‌خان و میرزا ابوالحسن‌خان پسران مرحوم ذکاء الملك خیلی اظهار ملاطفت و نیزوعده دادند آقای میرزامحدعلی‌خان مدیرمدرسهٔ سیاسی بوده ومواجب آن مرحوم‌را در حق ورثه‌اش برقرار نمایند.

تغییر کابینه

شنبه ۱۸ رمضان ۱۳۲۵ - از روز ۱٤ تا امروز روزنامه نوشته نشده واقعهٔای تازه‌هم نبوده مگر تغییر هیئت وزراء یعنی عزل کابینهٔ سابق ونصب هیئت جدید وزراء :

جناب اجل ناصرالملك وزیر مالیه ورئیس‌الوزراء - جناب صنیع‌الدوله وزیر داخله جناب مخبرالسلطنه وزیر عدلیه - جناب مشیرالدوله وزیر امور خارجه - جناب مستوفی‌الممالك وزیر جنگ - جناب مؤتمن‌الملك وزیر تجارت و صناعت و فلاحت و گمرکات - جناب نیرالملك وزیر معارف بمعاونت رضاقلیخان رئیس مدرسهٔ دارالفنون - جناب مهندس‌الممالك وزیر فواید عامه وطرق وشوارع . فعلا از قرار فوق کابینه وزراء پریروز منتخب شد تا چطور ازآب بیرون بیایند.

باعتقاد بعضی ازدانشمندان این هیئت تازهٔ وزراء بملاحظهٔ شخصیتشان ممکن است چندی دوام کند.

تجاوز عثمانیهادر آذربایجان‌وتحریك عشایر کرد

سه‌چهار روز است که از تبریز تلگرافات اسف‌انگیزی از حضرت وفرمانفرما درباب‌تجاوزات حدودی‌عثمانی رسیده‌که تقریباً سیصد پارچه دهات معمورساوجبلاغ وتوابع ارومیه را تصرف کرده‌اند خیال‌احداث‌وبنای‌قلعه‌دارند.تقریباًاغلب‌ایلات‌تخمیناًسی‌هزارتومان سوای‌غله‌مالیات‌دارندو بابهرهٔ مالکانهٔ‌آنهامتجاوزازصدهزارتومان میشود مأمورین عثمانی وعشایر ضبط کرده‌اند وحاکم گذاشته‌اند . فریق‌پاشا و عساکر عثمانی در این محالات گردش میکنند . این حرکات متعدیانه همسایهٔ هم‌مذهب نسبت بایران در چنان‌وقت تنگ وبی‌استعدادی الحق خیلی ظلم و بی‌انصافی است تا خواست الهی و تدابیر اعلیحضرت همایونی و خیراندیش وزراء و وکلای مجلس شورای ملی چه کند.

جناب صنیع‌الدوله وزارت داخله را قبول نکرده تبدیل بوزارت علوم نمود . وجناب حاجی آصف‌الدوله وزیر داخلـه شد . مهندس‌الممالک‌هم از وزارت فـوائـد خلع شد .

بهم‌خوردن مسجد سپهسالار

پنجشنبه ۲۳ رمضان ۱۳۲۵ - پس ازافطار باتفاق آقای عنایت‌السلطنه بمنزل جناب وزیر مالیه و رئیس‌الوزراء (ناصرالملک) رفتیم . چون سایر وزراء آنجا جمع شده و مذاکرات داشتند جناب رئیس‌الوزراء پس‌ازچنددقیقه‌مکث‌معذرت خواسته به‌اطاقی که وزراء بودند تشریف بردند .

بنده وعنایت‌السلطنه‌هم‌برای احیاء داشتن بمسجد سپهسالار رفتیم . جمعیت‌زیادی در حیاط وتوی مسجد نشسته بودند. دیدیم هرکس‌مشغول کاری است یکی چای‌میخورد یکی قلیان یا سیگار میکشد حتی بعضی میوه وشیرینی برای تغییر ذائقه آورده بودند . اول‌تجیری مابین مردها و زنها کشیده بودند . یك‌واعظی به منبر رفت گفتند اسمش شیخ‌علی است . مسئله موعظه در بین نبود بناکرد از سیاست ومشروطه و استبداد نقل کردن ، قریب یکساعت حرف زد . آخر اسم اعلیحضرت محمدعلی‌شاه را برد باعتقاد خودش دولتخواهی میکرد در این بین یکدفعه مسجد بهم خورد . تجیرراهم که فاصلهٔ میان مردها و زنها بود بعداز رفتن واعظ سرمنبر برداشته بودند . یك‌دفعه از در ایوان مسجد جمعی هجوم آوردند که دعوا است مردم بی‌خیال یك‌مرتبه وحشت کرده بهم ریختند واعظ هم خودرا از منبر پرت کرد . زن ومرد بنای فرار گذاشتند هنگامه غریبی شد .

در این‌بین اغلب قالیچه وکتاب دعا وقرآن ولاله هرچه داشتند گذاشتند رفتند . ارازل واوباش هرچه توانستند مال مردم را از قالیچه و عبا وغیره بردند . این واقعه هشت‌ساعت از شب گذشته واقع شد احیاء و شب‌نشینی بهم‌خورد همه متفرق شدند به بیچاره زنها که بچه همراه آورده بودند خیلی سخت گذشت . بعد معلوم شد دوسه‌نفر سید باهم دعوا میکرده‌اند یکی ازآنها خودرا بمسجد انداخته و جمعی از تماشاچیان هم اورا دنبال کرده بمسجد ریختندوباعث‌این‌غوغا شد وزود معرکه خوابید اما مبالغی‌اسباب مردم ازمیان رفت .

اغتشاش شیراز واسترآباد

پنجشنبه سلخ‌رمضان۱۳۲۵ - در این چندروزه طرف عصربمسجد سپهسالار که بمسجد ناصری موسوم است رفته اغلب دوستان را آنجا ملاقات مینمودم .

جناب‌اجل آقای محتشم‌السلطنه که مأمور تسویهٔ گفتگوی‌سرحدی

آذربایجان بودند این دوروزه‌بمحل‌مأموریت رفتند . این اوقات شیراز واسترآباد مغشوش وبی‌نظم شده تراکمه آمده از شاهرود و بسطام ۲۵ هزار رأس گوسفند بچپاول برده و چندین‌نفررا مقتول نموده‌اند. اغلب‌ولایات ایران فعلا خیلی بی‌نظم وهرج ومرج، رشتهٔ انتظام ازهم‌گسیخته، ملت نادان ودولت‌ضعیف، وزراء و وکلای مجلس ملی‌حیران و از ترتیب ونظم امور عاجز شده‌اند مگر دستی ازغیب بیرون آید وکاری بکند .

اولین قسم‌خوردن محمدعلیشاه در مجلس

سه‌شنبه ٦ شوال ۱۳۲۵ - امروز اعلیحضرت اقدس همایونی محمدعلی‌شاه با شوکت و تشریفات دولتی و جلال سلطنتی رسماً بمجلس شورای‌ملی تشریف بردند. وزراء ، امرا وارکان‌هم ملتزم بودند پس‌از ورود بمجلس و نطق شاهانه قسم یادفرمودند باین مضمون‌که «تمام هم خودرا درحفظ استقلال ایران مصروف‌حدود مملکت وحقوق ملت را محروس داشته قانون اساسی مشروطیت را مجری وبرطبق آن قوانین مقرره سلطنت نمایم.»

این اولین روزی است که پادشاه ایران بمجلس شورای ملی بباغ بهارستان نزول اجلال فرمودند. حجج اسلام با هیئت وکلای عظام مقدم مبارك را با کمال افتخار و احترام پذیرفتند . این‌واقعهٔ پسندیده از واقعات تاریخی ایران خواهدبود . این‌سه‌شعررا جناب میرزاتقی‌خان ضیاء لشگر بمناسبت ورود مسعود اعلیحضرت همایونی بمجلس شورای ملی سروده است :

بسوی مجلس ملی چو شاه راه گرفت — فلك برای شرف خاك راه مجلس شد
بود نه شرط ادب‌آن‌سخن‌که‌حافظ گفت — ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
رواست اهل‌سخن زین‌سپس‌چنین گویند — که آفتاب بتابید و شاه مجلس شد

صورت خطابه وقسم‌نامه محمدعلی‌شاه

بس شکر میکنم خدای تعالی‌راکه مقاصد قبلیه و تصورات دقیقه ما در ترقی دولت ایران از بیداری ملت ظاهر و بیمن توجهات امام عصر عجل‌الله فرجه استحکام مبانی و اساس مشروطیت بر دست ما جاری گردید و اینك نمایندگان ملت خودرا یادآوری میکنم که قلب‌السلطان بین‌اصبعی‌الرحمن همانا این‌نعمت‌وسعادت مشروطیت‌را بخواست‌خدا عنایت و درپیشرفت‌وصول این‌اساس مقدس دقیقه‌ای‌ازمساعدت غفلت نفرموده‌ایم. در این‌یك‌سال‌که مجلس مقدس‌شورای‌ملی تأسیس گردیده امنای‌دولت ووکلای ملت باجرای مکنونات ضمیر منیر شاهانه بذل جهد ورضای خاطر خطیر الطاف مظاهر مارا در جریان اصول مشروطیت جلب نمودندلاجرم برای تشویق ملت و تشیید اساس مشروطیت بمجلس شورای‌ملی خودمان حاضر شده وبدواً از زحمات نمایندگان از

وضع قوانین رضای‌خاطر همایونی را اظهار وبجهت‌مزید افتخار وترغیب فرزندان‌روحانی خسروانی وحسن جریان اصول مشروطیت وتکمیل مراحم پادشاهی باکمال‌میل قلبی‌قسم یادمیکنم که برطبق اصل سی ونهم ضمیمه قانون اساسی بوظیفه خودمان در این روز مسعود موفق شدیم . از خداوند ادعیهٔ خیریهٔ ملوکانه را در ترقی و سعادت دولت و ملت مسئلت مینمائیم.

صورت قسم‌نامه

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام‌الله مجید بآنچه نزدخدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خودرا مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت‌را محفوظ ومحروس بداریم . قانون اساسی مشروطیت ایران را نگاهبان و برطبق آن‌قوانین مقرره سلطنت نمائیم . ودر ترویج مذهب جعفری اثنی‌عشری سعی و کوشش تمام ودر تمام اعمال وافعال خداوند عزشأنه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت عظمت دولت ایران نداشته باشم و از خداوند متعال در خدمت ترقی ایران توفیق میطلبم واز ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد میکنم .

شنبه ۹ شوال ۱۳۲۵ - قبل‌ازظهر بوزارت امور خارجه رفتم تا بعد ازناهارآنجا بودم . بعد گردش‌کنان تا ادارهٔ روزنامهٔ صوراصرافیل رفتم ، یك سواد اعلامی بود از حضرت پرنس‌ملکم‌خان دادم به‌آقای میرزاجهانگیرخان در روزنامه چاپ بکنند.

انجمن اکباتان

دوشنبه ۱۱ شوال ۲۵ - عصر بمنزل جناب آقای عنایت‌السلطنه رفتم دیدم جمعی از اهالی‌همدان مقیم طهران درآنجا جمع‌شده‌اند و گفتگوی تشکیل انجمن هستند که موسوم بانجمن همدان یا اکباتان نمایند قریب ۳۰ نفر بودند . قرارشد نظامنامه انجمن را بنویسند تا روزجمعهٔ آینده حاضر نمایند.

استرداد نشانهای مظفرالدین‌شاه واتابك

پنجشنبه ۲۸ شوال - قبل‌ازظهر بوزارت خارجه رفتم بعضی از اجزاء را دیدم حضرت وزیر امورخارجه وقت صرف ناهارسرسفره تشریف آوردند در اطاق مدیرها دیدم نشانهائی از دول خارجه آورده‌اند معلوم شد نشانهائی‌که از دول خارجه از قبیل اسپانیا وبلژیك وغیره‌بمرحوم مظفرالدین‌شاه داده بودند حالاپس‌میگیرند. واز وزارت خارجه میخواستند پیش وزرای مختار آن‌دولت‌ها که مقیم طهران هستندبفرستند . گفتند نشانهائی‌هم‌که بمیرزاعلی‌اصغرخان اتابك مرحوم از دول خارجه داده‌اند پس‌گرفتند . از قرار معلوم رسم دول خارجه است که نشانهای

معتبر که بآدمهای بـزرگ دول دیـگر میدهند بعد از فـوت صاحب نشان ، نشان را پس‌میگیرند.

استعفاء وزراء

دوشنبه ۱۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵ - دیروز وضع تهران منقلب شد گفتند هیئت وزراء استعفا داده‌اند ولی قبول نشده. ملت بادولت بعضی ایرادات و گفتگو دارندوآنطوریکه باید باهم متفق‌نیستند. وتمام کارهای ایران بواسطهٔ نفاق واغراض بعضی اشخاص خیلی معوق و بی‌نظم مانده مردم در تکلیف متحیرند.

اجتماع در سنگلج وتوپخانه

دیروز جمعی از محلهٔ سنگلج وسایر محلات اجتماع کرده بمیدان توپخانه آمده حرفشان اینست که ما محمدعلی‌شاه‌را میخواهیم و مجلس مشروطه نمیخواهیم‌وانجمن‌هاووکلای مجلس‌از اعلیحضرت شاه تبعید امیرجنگ وسعدالدوله‌را جداً خواسته‌اند.

حالیه اوضاع خیلی مغشوش ومنقلب است خدا انشاء الله نفاق‌را ازمیان بردارد که دولت وملت با هم متفق شده امور مملکت‌را منظم و اهالی‌را آسوده نمایند .

حضرت والافرمانفرما از تبریز بطرف ساوجبلاغ ومیاندوآب برای جلوگیری‌عشایر اکراد حرکت کرده‌اند.

احضار ناصرالملك تشدد بوزراء زدن علاء الدوله بامرشاه

عصردوشنبه دهم‌است‌قبل‌ازظهر یکی‌دوجا بمنزل دوستان رفتم معلوم شد دیروز اعلیحضرت‌همایونی وزراء را احضار و جناب ناصرالملك‌راخواسته بودنددفعهٔ‌اول جناب‌ناصرالملك عذرخواسته بودندکه فرداشرفیاب میشوم دوباره‌میرشکاررابا ده‌نفر فرستادند جداًناصرالملك‌را احضار فرموده‌بودند بهرطوروزیرمالیه‌را برده بودند. اعلیحضرت بوزرای جدید که همه حاضر بوده‌اند تغیر فرموده مخصوصاً بجناب مخبرالسلطنه . در این بین جناب علاء الدوله‌راکه‌جزء وزراء هم نبوده‌باچوب‌دستی که اعلیحضرت داشته‌اند اینقدر زده بودند که چوب شکسته بود بعد بنوکرها حکم‌شده کتك زیادی زده بودند حتی حکم بانداختن طناب‌هم شده‌بود وزراء واعیان شفاعت‌کرده ازطناب گذشته حکم بزنجیر شده بود وهمان شبانه با سوار قزاق از شهر بیرون‌کرده بطرف قزوین برده‌اند.

حبس‌ناصرالملك وتوسط‌وزیرمختار

جناب ناصرالملك راهم تا پنج از شب گذشته حبس نموده بعد بتوسط وزیرمختار انگلیس مرخص‌فرموده باین‌شرط که در طهران نماند . ناصرالملك هم علی‌الطلوع با غلامهای سفارت انگلیس

انگلیس وتبعیدناصرالملك باروپا

باکالسکه چاپاری عازم فرنگ شده ورفتند.

از قراریکه آقای عمیدالسلطان تقریر میکردند و از تبریز امروز واردشدند در شاه‌آباد علاء الدوله رابا قزاقها دیده و اینطرف شاه‌آبادهم‌جناب ناصرالملك را دیده بود که با غلامهای سفارت انگلیس میروند · جناب مشیرالدوله هم ازوزارت امورخارجه معاف شدند هیئت وزرای جدید باز تغییرکرد وامور مجدداً مختل ومعوق شد .

اجتماع طرفداران شاه درمیدان‌توپخانه و مشروطه خواهان در باغ بهارستان ومسجدسپهسالار

سه‌شنبه ۱۱ و چهارشنبه ۱۲ ذیقعده ۲۵ اجماع میدان توپخانه که طرفدار آقاسیدعلی‌آقای یزدی هستند و جناب‌حاج‌شیخ‌فضل‌الله مجتهدراهم‌آورده با خود همراه‌کرده‌اند و مشروطه نمیخواهند و شاه‌را میخواهند هنوز متفرق نشده‌اند ...

روز سه‌شنبه‌هم گفتند یك‌نفر در وقت وعظ بجناب آقاسیدعلی طپانچه خالی‌کرده تیرش بخطا رفته مردم اورا گرفته و کشته‌اند ازقراریکه گفتند مقتول صراف بوده . وکلا و مجلسیان در مسجد سپهسالار و باغ بهارستان اجماع دارند جنابان آقاسیدعبدالله و آقامیرزامحمد مجتهد آنجا تشریف دارند واز انجمن‌هانیز جمعیتی آمده همه مسلح ومکمل ومنتظر دفاع هستند بازارهاراهم بسته‌اند . اجماع‌طرفین‌اسباب خرابی بیچاره کسبه ودرهم‌وبرهم‌بودن کارهای‌مردم گردیده‌است.

ازقراریکه غروب چهارشنبه ۱۲ شنیدم جناب شریعت‌مآب‌حاجی‌آخوندرستم‌آبادی حضور اعلیحضرت محمدعلی‌شاه مشرف وبمجلس‌هم رفته میانجی واقع‌شده بلکه انشاء الله اصلاح‌ذات‌البین نموده غائله‌را بخواباند. پست‌وتلگراف‌راهم تعطیل‌کرده‌اند.

سفیرعثمانی سعی‌میکند اختلاف را برطرف‌کند ولی‌موفق‌نمیشود

جمعه ۱٤ ذیقعده۱۳۲۵ ـ هنوز اجماع میدان توپخانه‌وبهارستان ومسجد سپهسالار باقی وبرضدیت همدیگربرقرار وآشوب‌پایتخت رفع نشده است · از قراریکه مسموع شد جناب شمس‌الدین بیك سفیرعثمانی باتفاق‌مأمورین‌خارجه حضوراعلیحضرت‌محمدعلی‌شاه برای اصلاح مشرف وهمچنین بمجلس شورای‌ملی‌رفته‌اندکه‌شاید فتنه‌را خوابانده ومردم متفرق بشوند . نزدیك بود اصلاح شود باز اصلاح نشده است · اینها همه از بدبختی و بی‌علمی است دادوستد بسته و کسبهٔ بیچاره از کسب و کار باز مانده‌اند. امان از بی‌علمی امان از نادانی .

ازقرار مذکور حضرت نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء ووزیرمالیه‌شاهزاده ظفرالسلطنه حاکم طهران وزیرجنگ ـ جناب وزیر همایون ـلقب بقائم‌مقام وزیرتجارت وگمرکات وفلاحت ـ جناب مشیرالدوله در سمت وزارت امورخارجه وجناب‌آصف‌الدوله دروزارت داخله ـ جنابـان صنیع‌الدولـه در وزارت علوم و مخبرالسلطنه در وزارت عدلیه باقی مانده‌اند .

ولی کلیهٔ امور مملکت بواسطهٔ انقلابات درهم‌وبرهم وامنیت سلب‌گردیده و دکان وبازار بسته شده‌است .

شنبه ۱۵ ذیقعده ـ وضع انقلاب شهر وگفتگوی دولت وملت باقی است .

مجلسیان وانجمن‌های طهران ودستهٔ دواتیان هریك با تفنگ واسلحه در محل‌های خود جمعند. گرچه اعلیحضرت بوزراء ومأمورین خارجه فرموده‌اند که حافظ امنیت‌من هستم مجلس‌شورای‌ملی چندی تعطیل بشود وازهردوطرف طرفـی ۱۳ نفر معین کنند در مجلسی بنشینند بـاهم گفتگو نمایند تا معلوم شودحق باکدام‌طرف خواهدبود آنوقت‌قرار صحیحی درقوانین‌شورای‌ملی‌داده‌شود .

اصلاح بین شاه و مشروطه‌خواهان معرفی کابینه جدید بریاست نظام‌السلطنه

دوشنبه ۱۷ ذیقعده۱۳۲۵ ـ در منزل آقـای میرزامهـدی‌خـان منشی‌باشی بودم آقای میرزا مصطفی‌خان مژده دادند که دیشب مابین دولت وملت بحمدالله اصلاح شد . هیئت وزرای جدیدهم در مجلس شورای‌ملی آمده ازاین‌قرار معرفی و پـذیـرفته شدند: حضرت نظام‌السلطنه وزیر مـالیه و رئیس‌الوزراء ـ حضرت والا ظفرالسلطنه وزیرجنگ که قزاقخانه وغلامان‌کشیك‌خانه‌هم جزء وزارت جنگ باشد ـ قائم‌مقام بوزارت تجارت ، باقی وزراء که عبارت ازوزیر امورخارجه، وزیرعدلیه ، وزیرداخله ووزیرعلوم باشند دروزارتشان برقرار باشند. قرآنی‌که اعلیحضرت همایـونی بجای دستخط خود مهر فرموده‌بودند ، رئیس‌الوزراء برئیس‌مجلس جناب احتشام‌السلطنه داده وهمچنین‌قرآن‌دیگر که‌رئیس‌مجلس ووکلامهرنموده‌بودند برئیس‌الوزراء داده بودند که ازاین‌تاریخ ببعدطرفین بهمدیگر تخلف نکنند ودولت‌وملت‌باهم در اصلاح‌امورمملکت واجرای اساس مشروطیت وقانون اساسی متحدباشند . شرط شده‌که جناب سعدالسلطنه باید تبعید شود واختتام این اصلاح موقوف بفردا که سه‌شنبه ۱۸ است شده که در عمارت کاخ مرمر در حضور وزراء ووکلای مجلس با اطلاع وحضور مأمورین خارجه مقیم دربار طهران ختم‌شود . خبراصلاح دولت وملت‌ایران دیشب بتمام ولایات تلگرافاً مخابرمشد.

توسط وزراء مختار

یکشنبه ۱۶ ذیقعده ـ هیئت‌وزرای کابینه ووزرای مختار خارجه (انگلیس ، روس ، فرانسه وآلمان) مابین اعلیحضرت‌محمدعلی‌شاه ومجلسیان افتاده مشغول اصلاح هستند . امیدوار چنان است که عنقریب اصلاح بشود ومردم بیچاره آسوده گردند.

چهارشنبه ۱۹ ذیقعده ۱۳۲۵ ـ دولتیان بامجلسیان بحمدالله اصلاح نموده‌ولی ختم‌غائله که میبایست‌دردربار با حضوروزراء ووکلاباشدموکول بفرداپنجشنبه‌شده‌است. دراین‌غائله مجلسیان بردولتیان غالب‌آمدند واساس مشروطه ومجلس‌شورای‌ملی‌محکمتر گردید .

اجتماع دارودسته حاج‌شیخ فضل‌الله در مسجدمروی

پنجشنبه ۲۰ ذیقعده ـ ازقراریکه شنیدم مجلس امروزی‌که بنابود با حضور وزراء ووکلای مجلس و سفرای‌خارجه در دربار منعقد شودبواسطه کسالت مزاجی اعلیحضرت همایونی موقوف‌شده‌است گفتندجناب حاجی شیخ‌فضل‌الله با دارودسته بمسجد مروی رفته باز دست‌از ادعا و حرف خود نکشیده میگوید ماها با مجلس ملی حرف داریم مجلس بکنندچهارنفر ازطرف مجلس وچهارنفر ازطرف ما حاضر شوند در نزد دونفر ثالث حرفهای طرفین را گوش بدهند هرکدام‌حق‌گفتیم حق باوبدهند. این‌فقره باز اسباب تأخیر اصلاح شده‌است.

جمعه ۲۱ ذیقعده ـ بعضی از آقایان دوستان از قبیل جنابان مساعدالملك ـ آقای تقی‌خان ودوام‌الملك وذکاء الملك ومیرزاابوالحسن‌خان اخوی ایشان در منزل این‌جانب بصرف ناهار موعود بودند تا عصر تنگ اینجا تشریف داشتند بحمدالله بدنگذشت.

قطع‌بعضی‌حقوق ومستمریات‌از طرف مجلس

چهارشنبه ۲۶ ذیقعده ـ اول ژانویه ماه فرنگی واول سال ۱۹۰۸ است‌دیشب در طهران برف‌کمی‌افتاد . ناهاررا با آقای‌دوام‌الملك در منزل جناب آقای تقی‌خان بودیم چندساعتی که آنجا بودیم کتابچه مقطوعی ارباب حقوق را از مواجب و مستمری وانعام وغیره که کمیسیون مالیه در پارلمان کسرکرده وچاپ نموده‌اند مرور میکردیم . تقریباً سه‌کرورونیم نقد وشصت وپنجهزار خروار غله و مقداری کاه از بودجه مالیه کسر شده است .

چهارشنبه ۳ ذیحجه ۱۳۲۵ ـ قبل ازظهر بمنزل حضرت والا ظفرالسلطنه وزیر جنگ وحاکم طهران رفتم . جناب اجل ضیاء الملك نایب‌وزیر جنگ‌هم آنجا بودند.

بعد جناب احتشام‌السلطنه رئیس مجلس شورای ملی تشریف آوردند . از قراریکه شنیدم دیشب چندنفر دزد یاالواط واشرار بخانه فریدون زردشتی‌رفته وبیچاره‌راکشته‌اند. فریدون مقتول جوان و متمول وآدم خوب سالمی بود. خیلی اسباب تأسف شد که چرا

پایتخت باین درجه بی‌نظم باشد .

یکشنبه ۷ ذیحجه ۱۳۲۵ - روز جمعه که پنجم ماه بود عصر بانورعلی‌خان بمنزل جناب عنایت‌السلطنه که مجمع انجمن اکباتان است رفتیم جمعی هم از اهل همدان آمدند .

بعضی کاغذهاهم از اغتشاش همدان باین انجمن نوشته‌بودند که خیلی ناامن‌است در شهر و بیرون همدان مردم‌را لخت میکنند مردم متوحش هستند از قراریکه سرتیپ اخوی نوشته بود دو اسب ویك‌قاطر مرا از قرخلر بسرقت برده‌اند .

واسطه‌شدن عضدالملك وشعاع‌السلطنه وملاقات آقایان بهبهانی و طباطبائی و چندنفروکلا ازشاه

چهارشنبه ۱۰ ذیحجه - از قرار مشهور بحمدالله اصلاح‌ذات‌البین که صلح واتفاق مابین دولت وملت باشد صورت گرفته باین‌طور که جنابان حجتین‌اسلام آقای سیدعبدالله و آقامیرزا سیدمحمد مجتهد با چندنفر از وکلای مجلس بحضور اعلیحضرت همایونی مشرف وتجدیدقسم بعمل آمده وجداً درانتظام مملکت واستحکام مشروطیت عهد بسته و متفق شده‌اند خدا کند که دیگر بهم‌نخورد .

از قراریکه مجدداً شنیدم اسباب این کار خیریت آثار یعنی اصلاح‌ذات‌البین شاهزاده‌معظم شعاع‌السلطنه ملك‌منصورمیرزا وجناب اجل آقای عضدالملك شده‌اند دامن‌همت وغیرت بکمرزده درپیشگاه همایونی‌آنچه گفتنی بوده گفته وکلمه‌ای‌ننهفته‌اند تا بندگان‌اعلیحضرت‌همایونی را با تمام قوای خود برای حفظ مملکت و آسایش ملك مصمم و آماده ساخته‌اند . از آن‌طرف‌هم دوشنبه ۸ دیماه حضرتین آقای آقاسیدعبدالله وآقامیرزاسیدمحمد با جناب اجل آقای احتشام‌السلطنه رئیس‌مجلس شورای‌ملی باتفاق جنابان مستطابان آقای حاجی امام-جمعه خوئی وآقامیرزا محسن وآقاسیدجعفر شیرازی وآقای حاجی سیدنصرالله‌که ازجمله وکلا هستند بحضور همایونی مشرف ومورد مراحم خسروانه گردیده هرمطلبی‌که راجع بآسایش ملت واستقلال سلطنت بوده گفته‌شده وطرفین تجدید قسم نموده‌اند.

محاصره فرمانفرما در ساوجبلاغ بوسیله اکراد کمك‌فریق‌پاشا

شنبه ۱۳ ذیحجه ۱۳۲۵ - ازقرار تلگرافاتی که از حضرت والا شاهزاده فرمانفرما از آذربایجان رسیده و در روزنامه ندای وطن و حبل‌المتین‌درج کرده‌اند عشایرمتمرد واکراد شاهزاده‌فرمانفرما را در ساوجبلاغ محاصره‌کرده‌اند وهمچنین اردوی شاهزاده‌را که میاندوآب است محاصره نموده‌اند باینطور که بایزیدآقا با سایر رؤسای عشایر متمرد با قریب دوهزار سوار میان ساوجبلاغ و

فرمانده عثمانی به‌متمردین

میاندوآب‌افتاده راه‌آمدوشدواردوی شاهزاده را با شاهراه‌مسدود کرده‌اند وکار بر حضرت والا فرمانفرما خیلی سخت‌شده و سوار وپیاده استمداد خواسته‌بندگان اعلیحضرت همایونی هم‌بنفس‌نفیس تلگرافات‌بسرکردکان وکدخدایان آذربایجان فرموده‌اند که عاجلا ازسوار وسرباز وکمك بشاهزاده‌فرمانفرما برسانند . از قرار مشهور از طرف فریق‌پاشا سرکرده عثمانی به‌عشایر متمرد اکرادامداد رسیده‌ومیرسد عجالتاً این‌فقره اسباب هیجان غریبی در طهران گردیده وزراء ووکلای مجلس شب‌وروز درکارندکه کمك بشاهزاده برسانند.

تعیین‌مظفرالملك به‌حکومت‌همدان

یکشنبه ۱٤ ذیحجه ۲۵ - عصر بمنزل جناب آقای مظفرالملك رفتم دیدم جناب اجل آقای ظهیرالدوله‌هم آنجا تشریف دارند . معلوم‌شد حکومت همدان را بجناب مظفرالملك داده‌اند.

اجتماع اعضاء وزارت خارجه در مجلس

دوشنبه ۲۲ ذیحجه ۲۵ - طرف عصر بر حسب اخبار بمجلس شورای ملی رفتم که قرار بود اجزاء وزارت خارجه آنجا جمع شده قسم یاد نمایند که به اساس مشروطه خیانت نکنند . اجزاء وزارت خارجه اغلب آمدند . جناب اجل احتشام‌السلطنه رئیس مجلس‌ملی هم تشریف آوردند وبحضار اظهار لطف نمودند. بعد بالاجماع بمدرسه ناصری (مسجدسپهسالار) رفتیم جناب‌مستطاب امام‌جمعه طهران وبعضی ازوکلا بودند. قرآنی‌آوردند ودر لایحه‌هم صورت قسم‌رانوشته بودند . فردآفرد قسم‌یادکرد . بعدازقسم هرکس اسم ولقب خودرا در کتابچه نوشته‌مهر کرد بنده‌هم مثل سایرین کردم.

چهارشنبه ۲٤ ذیحجه ۲۵ - برحسب دعوت‌بمنزل جناب‌صدرالمعالی رفتم جنابان سردار معتضد وحاجی معززالممالك و فخرالسادات شیرازی که از وکلای فارس است تشریف آوردند . جناب صدرالمعالی کتابی ترجمه کرده و داده چاپ کنند موسوم به (بوسهٔعذرا) رمان خیلی خوب وشرینی است .

تصرف‌ساوجبلاغ بوسیله قشون عثمانی

خبر تصرف قصبه ساوجبلاغ آذربایجان بوسیله عثمانی‌ها وبیرون شدن حضرت والا شاهزاده فرمانفرما از آنجا و رفتن بمیاندوآب اسباب یکدنیاتأسف شد این بی‌استعدادی دولت و اغتشاش داخلهٔ ایران‌وبی‌پولی‌وتجاوزات همسایه‌ها بغیرحق‌باین‌آب‌وخاك ونفاق و فساد در داخله وبی‌علمی معلوم‌نیست وضع مملکت واهالی‌بدبخت ایران را بچه‌روز سیاه‌خواهدانداخت .

هرچه‌وزرای دربار و وکلای مجلس میگویند همه حرف‌است و فعل نیست مگر مسبب‌الاسباب سبب‌غیبی برساند واسباب نجات شود والا بقول مشهورپل‌ایران‌آن‌طرف آب است .

اجتماع و سخنرانی در مجلس اصلاح

دوشنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۵ - صبح بمنزل‌جناب‌اجل احتشام‌السلطنه رفتم گفتند کسالت دارند . بعد ببازار رفته باتفاق آقامیرزاعلی تاجر همدانی بمنزل جناب عنایت‌السلطنه به انجمن اکباتان رفتم. چندنفر ازهمدانی‌ها بودند از انجمن اصلاح رقعه بانجمن اکباتان نوشته‌ویك‌نفر نماینده دعوت‌کرده‌بودند که بآنجارفته‌درمذاکرات بعضی مسائل حضور داشته باشد. بنده‌را از انجمن معین نمودند رفتم‌دیدم جمعی‌کثیر آنجا هستند وصولت نظام‌که جزء اعضاء بلدیه است ، نطقی‌طولانی کرد . آقای منطق‌الملك مدیر انجمن اصلاح هم جوابی بایشان دادند . صحبت در امور اداره بلدیه بود . بعد در مسئلهٔ سرحدی آذربایجان وتجاوات عثمانی وتصرف‌ساوجبلاغ و غیره گفتگو بمیان آمد . بازصولت دیوان و بعد مدحت‌الممالك و صدرالمعالی نطق کردند . جناب شریعتماب‌حجت‌الاسلام آقاسیدعبدالله جواب دادند جناب مستطاب آقای آقاسیدعبدالله فرمود بهترین شقوق اینست‌که عشایر متمرد ایران را که بطرف عثمانی‌ها رفته‌اند بهرتدبیر است باستمالت و وعده و وعید بطرف ایران برگرداند یعنی بتوسط رؤسای عشایر ایرانی‌که زبان آنهارامیدانند وبعضی رأی میدادند باید اعانه برای‌تشکیل قشون ازملت جمع کرد . بعضی‌دیگر در منع زوار ایرانی بعتبات عالیات عنوانی‌کردندکه خوب است‌این‌اوقات که عثمانی با ایران اینطور متعدیانه حرکت میکند واز حدود خود تجاوز مینماید عجالتاً دولت ایران‌هم رفتن زوار را بعتبات منع نماید . جناب‌آقاسیدعبدالله فرمود در این فقره باید مشاوره کرد وملاحظه‌حال حجج‌اسلام‌که در اماکن مشرفه هستند نمودکه با بودن‌آنها در آنجا منع‌زوار خوش‌نمانیست مگر اینکه بهرطور است‌حجج‌اسلام را بایران بیاوریم که در مشهد مقدس سکونت اختیار نمایند .

نتیجه این‌مذاکرات موقوف‌بمجلس‌دیگرشدکه در انجمن اصلاح باز از تمام‌انجمن‌ها هفتهٔ آینده حاضر شوند تا نتیجه‌گرفته‌شود . تا یکساعت ازشب‌گذشته همه بودیم بعد مجلس متفرق شد.

چهارشنبه ٤ محرم‌الحرام ۱۳۲٦ - طرف عصر باآقای تقی‌خان برای‌گردش‌بیرون رفتیم . از جلوخانهٔ مرحوم میرزاعلی‌اصغرخان اتابك عبور کرده از بی‌اعتباری دنیا عبرت‌کردیم. درحیات اتابك‌مرحوم در دهۀ عاشورا چه‌قسم‌عزاداری وروضه‌خوانی‌خیلی باشکوه مینمودند شبی ده‌خروار بیشتر کمتر برنج طبخ کرده بمردم شام میدادند چقدر

جمعیت و چه هنگامه میشد امسال دراین‌دهه عاشورا ابداً سروصدوائی درآن‌خانه‌نیست فاعتبروا یا اولی‌الابصار.

جمعه ٤ محرم ٢٦ - طرف عصر باتفاق آقای نورعلی‌خان بانجمن همدان یااکباتان منزل جناب عنایت‌السلطنه رفتم تا نزدیك غروب آنجا بودم .

جناب حاجی‌شیخ‌تقی وکیل‌الرعایا که یکی ازوکلای همدان است عنوان کرد که‌خوب‌است ازتمام انجمن‌هاازهریك، یك‌نفر نماینده دعوت شود بیایند باین‌انجمن‌مذاکره‌کنند. روزهائی که مجلس‌شورای‌ملی منعقد میشود ده‌نفر ازده‌انجمن در راهرو مجلس‌بایستند وساعت ورود وکلارا بنویسند که معلوم شود ازوکلا کدامیك بموقع وکدامیك دیرمیآیند . سایرانجمن اکباتان باین‌کار رأی دادند. قرار شد از انجمن کاغذ دعوت بانجمن‌ها نوشته شد.

چهارشنبه ٩ محرم ٢٦ - تا عصر در منزل بودم بعد به تکیهٔ انجمن شاه‌آباد رفتم جناب مستطابان ظهیرالدوله ومخبرالسلطنه وزیرعدلیه ووزیر نظام‌هم تشریف داشتند . جناب حاجی‌ملك‌المتکلمین وعظ سیاسی کرد وروضه خواند . بعداز اتمام روضه بخیابان ناصریه رفتم . تازه بخیابان ناصریه چراغ‌برق گذاشته‌اند و خیابان خوب روشن شده . اداره بلدیه میخواهد اغلب خیابان‌هارا چراغ برق بگذارند ومشغولنداست .

شمع در ۴۱ منبر

پنجشنبه ١٠ محرم١٣٢٦ - دیشب در خانه آقای‌معتصم‌السلطنه منبری در حیاط گذاشته بودند برای اینکه اشخاصی که شمع نذری دارند در شب عاشورا در چهل ویك‌منبر شمع روشن کنند باین‌منبرهم شمع‌بگذارند . متصل مردم‌می‌آمدند شمع روشن میکردند ومیرفتند. دونفر زن روبندداره‌م دیدم‌شمع آورده روشن‌کردند . بعضی از مردم پای پیاده (حتی برهنه) شب‌عاشورا چهل‌ویك‌منبررا میگردند و شمع روشن میکنند . در اغلب بلدان ایران میان شیعه‌ها این‌رسم‌معمول است.

در منزل حاجی‌سیاح ویادآوری ایام محبس

یکشنبه ١٣ محرم ٢٦ - چهارساعت از آفتاب گذشته از منزل بیرون آمده‌گردش‌کنان تا منزل جناب حاجی‌سیاح محلاتی رفتم. آقای میرزاهمایون‌خان‌پسرشان بود پذیرائی‌کرد . بعدازنیم‌ساعت جناب حاجی‌سیاح آمدند مشغول صحبت‌سرگذشت حبس درقزوین خودمان شدیم. چندعکس‌هم‌از عکس‌های قزوین‌بدست‌آورده‌بودند یك‌عکس‌بودکه عکس بنده ومیرزا نصرالله‌خان ومیرزافرج‌الله‌خان هرسه بودمن دروسط واقع شده بودم ریش وزلف هم خیلی بلند شده‌بود . اما عکس‌خود حاجی‌سیاح وآقامیرزاعبدالله طبیب‌وحاجی‌میرزااحمد مرحوم ومیرزاحیدرعلی ومیرزارضای کرمانی تنها بود . درزیرعکس‌ها ناصرالدین‌شاه بخط خود با مرکب آبی نوشته و تاریخ

گذاشته بود «رمضان ۱۳۰۸ قمری» ومعرفی هم ازعکس‌ها نموده بود.

تغییر بعضی از وزراء

پنجشنبه ۱۷ محرم - قبل‌ازظهر بوزارت امورخارجه رفتم خدمت حضرت مشیرالدوله وزیر امور خارجه رسیدم اظهار لطف‌فرموده احوال حضرت پرنس‌ملکم‌خان‌را پرسیدند بعدپاشدم مرخص شوم جناب وزیرفرمودند باشید ناهاربخورید بعد بروید .

جناب ادیب‌السلطنه میرزاحسین‌خان رشتی بجای جناب حسینقلی‌خان نواب که حالاجزء وکلای مجلس‌شده‌مدیرادارهٔ دول غیرهمجوارگردیده‌اند. جناب‌حاجی‌آصف‌الدوله ازوزارت‌داخله‌استعفا داده‌اند واین‌وزارت‌بحضرت‌نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء رجوع گردید. وزارت‌مالیه بجناب صنیع‌الدوله ، وزارت تجارت‌وگمرك بجناب مؤتمن‌الملك رجوع‌شده. جناب مخبرالسلطنه وزیر علوم وجناب میرزارضاخان مؤیدالسلطنه وزیرعدلیه‌شدند .

سوء قصد بمحمدعلیشاه

جمعه۲۵محرم ۱۳۲۶ - قبل ازظهر خدمت حضرت نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء (چندروزقبل میرزاحسین‌خان پسر منحصر بفردشان مرحوم‌شد) رسیدم‌جمعی‌ازمردمان‌مهم‌هم بودند . بعد بمنزل آقای ذکاء الملك‌وجناب حاجی‌سیاح رفتم .

بعدازظهر بعزم‌انجمن مسجد جامع‌که امروزمجمع انجمن رابط بود بیرون‌آمده‌بین راه آقای صدرالمعالی وآقامیرزامحسن‌خان‌هم ملحق شدند باتفاق رفتیم وارد انجمن‌رابط شدیم. جمعی ازنمایندگان انجمن‌ها مشغول‌صحبت بودند در این‌بین خبرآوردنداعلیحضرت همایونی با سوار ژاندارم وفراش‌وشاطر وکشیك‌خانه بعزم فرح‌آباد تشریف میبردند در کوچه‌ماشین‌خانه‌نزدیك‌خانه شاهزاده‌ظل‌السلطان نارنجکی به‌اتومبیل میاندازند باین‌خیال که اعلیحضرت در اتومبیل‌هستند از حسن‌اتفاق نبودند ودرکالسکه اسبی نشسته‌بودند. نارنجك اتومبیل‌را شکسته از قرارمشهور شش‌یانه‌نفر فراش وژاندارم راکشته وچندنفر زخمدار شده‌اند وبه‌اعلیحضرت‌آسیبی‌نمیرسد . این‌خبر اسباب پریشانی وتفرقه‌حواس‌مجمع انجمن گردید ومجلس متفرق شد.

چهار روز بعد چهارنفر ازمرتکبین که نارنجك برای اعلیحضرت همایونی انداخته بودندگرفتارشدند .

قتل قوام‌الملك شیرازی

دوشنبه ٦ صفر ۱۳۲٦ - از قرار خبر تلگرافی شیرازنعمت‌الله‌نام آدم معتمد دیوان‌حسین‌خان‌کواری قوام‌الملك را با رولور مقتول کرده وبعد خودش‌راهم در محبس‌کشته است ونیز در مجلس‌فاتحه قوام‌الملك حاجی‌سیداحمدنامی بسالارالسلطان پسربزرگ قوا حمله‌برده شلیك میکند. گلوله بران‌سالارالسلطان میخورد وهنوز زنده است.

اظهار اطاعت اکراد متمرد

سه‌شنبه ۷ صفر ـ تلگرافی ازحضرت والا شاهزاده‌فرمانفرما که‌از میاندوآب خطاب بجناب‌آقای مصدق‌السلطنه رسیده بود دیدم که شاهزاده مژده‌داده اظهار مسرت فرموده بودند بحمدالله رؤسای عشایر متمرد اکراد قریب هفتادنفر با آقایان همراه شاهزاده امامقلی‌میرزا امیرتومان نادماً بمیاندوآب آمده مورد رأفت ومهربانی‌شدندوابن مصرع‌را هم بمناسبت موقع در آخر تلگراف فرموده بودند . (بپای خویشتن آیند عاصیان بکمندت).

اغتشاش درشیراز

ازقرار خبر تلگرافی مردم حکومت شیرازرا محاصره‌کرده و جناب شریعتمدار شیخ‌محمدباقر اصطبهاناتی راهم که اعلم علمای فارس بوده در همان‌وقت‌که بسالارالسلطان تیرانداخته‌اند باگلوله‌مقتول ساخته‌اند . حاجی‌سیداحمدنام وشتکی‌که معین‌الاسلام لقب‌داشته وبسالارالسلطان تیرانداخته‌بود اوراهم مردم قطعه‌قطعه کرده بانفت آتش زده‌اند . فعلا شیراز نهایت اغتشاش را دارد ومعتمددیوان‌هم درحبس‌حکومت است.

پنجشنبه ۹ صفر ـ بمنزل جناب مصدق‌السلطنه رفته یکی‌دوساعت نشسته بصحبت متفرقه‌مشغول‌شدیم .

شنبه‌اول حمل ـ ۱۸ صفر ۱۳۲۶ ـ ۲۱ مارس ۱۹۰۸ ـ بواسطه ماه‌صفرمراسم عیدنوروز وسال‌نو آنطور که معمول است‌بجا نمی‌آورند . بعضی ازمردم بدیدن اعیان وبزرگان میروند.

قبل‌ازظهر بمنزل جناب ضیاء الملك نایب‌وزیرجنگ‌رفتم غذاهم آنجا صرف شد . بعدازظهر ازجانب مشیرالدوله‌وزیر امورخارجه ، مؤتمن‌الملك‌وزیر تجارت وگمرك‌دیدن کردم . ولی‌حضرت نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء تشریف نداشتند .

ازقرارمذکور حکومت فارس‌بحضرت والاظل‌السلطان‌وحکومت آذربایجان‌بشاهزاده نیرالدوله محول‌شده اگر تغییرنکند .

یکشنبه ۱۹ صفر ۲۶ ـ باران‌کاملی‌آمد. بعدازمغرب جنابان آقای‌ممتحن‌السلطنه و مصدق‌السلطنه باین‌منزل تشریف‌آورده‌ساعتی‌نشستند وتشریف‌بردند.

استعفای احتشام‌السلطنه ازریاست مجلس وانتخاب‌ممتازالدوله

یکشنبه ۲۶ صفر ۲۶ ـ از قرار مذکور جناب احتشام‌السلطنه از ریاست مجلس‌شورای‌ملی استعفا داده‌اند وقبول‌شده‌است . باتفاق جناب‌مجلل‌السلطنه بروضه‌مجمع انسانیت‌رفتیم. جناب‌ملك‌المتکلمین‌و جناب‌آقاسیدجمال‌خوب وعظ کرده وروضهٔ مؤثری‌خواندند. جناب مخبرالملك‌باکثریت‌آراء بریاست‌مجلس‌شورای‌ملی انتخاب شده‌اند.

ولی ایشان معذرت خواسته و در ثانی جناب ممتازالدوله باکثریت بریاست انتخاب شده‌اند .

شنبه ۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ - بعدازظهر بوزارت خارجه رفتم . در آنجا امروز مشغول استنطاق دونفر تبعه‌روسیه بودند که در ساختن نارنجك شریك بوده‌اند (یکی عبدالله‌زاده دیگری حیدرخان).

چهارشنبه ۲۷ ربیع‌الاول - طرف عصر جناب حاجی سیاح محلاتی بنابوعده‌ای که داده بودند آمدند وعکس محبس قزوین‌راکه در سنه ۱۳۰۹ عکاس روسی گرفته‌بود ازمحبوسین بی‌تقصیر قزوین که ازآن‌جمله بنده وحاجی‌سیاح وهشت‌نفر دیگرهم بودند عکس‌شش‌نفررا که بنده‌هم بودم آوردند . ساعتی باهم نشسته یادی ازآن‌ایام استبدادومظلومیت‌خودمان نموده بر حالت‌حالیهٔ مشروطهٔ ناقص مملکت ایران‌ومکافات‌منتقم حقیقی عبرت‌کرده لذت بردیم وشکر بجا آوردیم . بعد با جناب حاج سیاح بیرون آمده قدری قدم‌زدیم . بمنزل جناب ضیاءالملك‌رفتم شب‌راهم مرا نگاهداشتند جنابان عنایت‌السلطنه و سهام‌السلطان هم تشریف داشتند. صبح که بیدارشدیم معلوم شد شب دزد بمنزل جناب‌ضیاءالملك آمده و گرفتارشده‌است .

طرف‌عصر باتفاق جنابان مجلل‌السلطنه‌نوادهٔ‌مرحوم میرزاسعیدخان وزیرامورخارجه تمجیدالملك خواهرزادهٔ سرکار علیه ام‌الخاقان وآصف‌الوزاره بدیدن جناب آقای معتمدالملك‌رفتیم.

چهارشنبه ۲۷ ربیع‌الاول ۲۶ - طرف‌عصر بمنزل جناب آقای‌مصدق‌السلطنه رفتم درمسافرت خودشان بده‌ملکی که از آقای عزیزالسلطان خریده‌اند بیاناتی فرمودند.

جناب‌اجل مخبرالسلطنه بفرمانفرمائی مملکت آذربایجان حرکت نموده از رشت وآستارا رفتند این‌اوقات سرحد آذربایجان را مغشوش میگویند یعنی عشایر متمرد اکراد اطراف ارومی وخوی وسلماس را قتل وغارت میکنند .

استعفاء کابینه

شنبه غره ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ . شنیدم‌کابینه وزراء استعفاداده‌اند واوضاع مملکت ایران از هرحیث در کمال اغتشاش ودرهم‌وبرهم است میتوان گفت جسم مملکت ایران در احتضار است.

چهارشنبه ۵ ربیع‌الثانی - قبل‌ازظهر بمنزل حضرت نظام‌السلطنه رفتم.

یك‌روزنامه موسوم به تئاتر تازه منتشر شده یك‌نمره با روزنامهٔ ندای وطن برای من آوردند . مثل تئاتر قصه‌واطورپیشینیان‌را بطورپرده‌شرح داده مثلاپردهٔاول بالارفت فلان‌یافلان همچو صحبت کرد پردهٔ دوم و سوم همینطور تا قصه تمام میشود . حرکات زشت وزیبا ازهرکس صادر شده بیان میکند خوب‌را خوب وبدرا بد مینویسد که قارئین

متنبه شوند واخلاق خودرا پاکیزه وپسندیده کنند.

مخارج جشن میلاد شاه‌را بغارت‌زدگان آذربایجان تخصیص‌داده‌اند

جمعه ۱٤ ربیع‌الثانی ۲٦ - عید مولود اعلیحضرت همایون محمدعلی‌شاه است . دیشب‌را انجمن‌های طهران وکسبه بازار و بانك‌های انگلیس وروس چراغانی کرده‌بودند ولی‌جشن‌وعیدرسمی را بواسطهٔ قتل و غارت اهالی سرحد آذربایجان اعلیحضرت همایونی موقوف‌ومصارف جشن‌رابه‌ماتم‌زدگان وبی‌خانمان‌شدگان سرحد آذربایجان اعانه مرحمت فرمودند.

بی‌پولی

یکشنبه ۱٦ ربیع‌الثانی - دیروز دروزارت خارجه شنیدم استعفای حضرت نظام‌السلطنه از وزارت داخله و رئیس‌الوزرائی قبول‌شده‌است .

این‌روزها بواسطهٔ بی‌پولی چرخ ادارات دولتی ازکار افتاده و هیچ‌کاری از پیش نمیرود . یکی‌هم زودزود تغییر وزراء اسباب اختلال امور مملکتی شده عقول عقلا و تدبیر حکما ازاصلاح وضع حالیه ایران درمانده باصطلاح ما ایرانی‌ها که در وقت تنگ در این‌موارد میگوئیم: «مگر دستی از غیب بیرون آیدوکاری‌بکند».

دوشنبه ۱۷ ربیع‌الثانی - طرف صبح بمنزل جناب میرزامحمودخان مشاورالملك رفتم جناب اجل نیرالملك آنجا تشریف داشتند . صحبت از حضرت پرنس‌ملکم‌خان شد جناب نیرالملك فرمودند وقتی که پرنس ملکم‌خان در دارالفنون معلم ریاضی بوده سناً ده سال از من بزرگتر بود من حالا ۷۹ سال دارم و باید پرنس ملکم‌خان ۸۹ سال داشته‌باشد.

چهارشنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲٦ - یکی‌دوروزنامهٔ‌تازه‌که‌یکی‌موسوم‌به‌اقیانوس‌ودیگری شرف‌بود آوردند هردو خوب نوشته‌شده بود.

پنجشنبه ۲۰ ربیع‌الثانی - قبل‌ازظهربوزارت خارجه‌رفتم‌دیدم تمام‌اجزاء هستندولی کارنمیکنند بواسطهٔ نرسیدن‌حقوق‌وضع‌را خوب‌ندیدم.

پنجشنبه ۲۷ ربیع‌الثانی - در وزارت خارجه شنیدم جناب صنیع‌الدوله وزیر مالیه استعفاداده ودیگر گفتند جناب اجل امیر نظام را در اطاق نظام باحضور وزراء ووکلای مجلس در خصوص شکایت فوج‌ابوابجمعی خود که چندی است در مسجدشاه اجتماع کرده وشاکی هستند استنطاق مینمایند و امیر نظام از تمام شئون دولتی خود را خلع کرده است.

یکشنبه سلخ‌ربیع‌الثانی - برحسب وعده بمنزل سرکاروالا کاشف‌السلطنه‌که‌چندی است ازریاست بلدیه طهران استعفا داده‌اند رفتم . قدری ازایام گذشته در پاریس ولندن

صحبت کردیم . شنیدم حضرت وزیر امورخارجه (مشیرالدوله) و بعضی از وزرای دیگر استعفاداده‌اند . این اوقات کاریکه دردربار ایران خیلی رواج دارد همان پی‌درپی تغییردادن کابینه وزراء است وبس دیگر هیچ کاری از پیش نمیرود .

تقضای اصلاح دربار وطرد ۱۰ نفر

دوشنبه غره جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ ـ عصر از منزل جناب مساعدالملك بانجمن اکباتان رفتم . جناب آقای عنایت‌السلطنه و مساعدالملك هم تشریف آوردند . از قراریکه مذاکره شد اغلب امرا وبزرگان وزراء ووکلا و اعضاء انجمن‌ها در خانهٔ حضرت عضدالملك متفقاً اجتماع کرده جداً اصلاح دربار همایونی را مطالبه مینمایند از قبیل طرد امیربهادر ونه‌نفر دیگرتا اعلیحضرت چه‌بفرمایند.

سه‌شنبه دوم جمادی‌الاول ـ طرف عصر دربخانه رفتم دیدم درب وزارت خارجه ووزارت عدلیه بسته وحیاط تخت مرمرهم پر از غلامان‌کشیك‌خانه و سرباز سیلاخوری است هنوز مردم ازهمهٔ طبقات در خانه‌حضرت عضدالملك جمعند ودر انجام مقصودشان ایستادگی‌دارند . هنوز مابین اعلیحضرت وملت اصلاح نشده و تمام ادارات دولتی هم تعطیل‌نموده وامور کلا معوق ومختل است . نقداً بدبختی از اطراف، ایران وایرانیان را احاطه کرده است تا کی از این نکبت وفلاکت نجات یابند خدا دانا است .

شاه‌بااخراج ۶ نفر موافقت کرده

چهارشنبه سوم جمادی‌الاولی ۲۶ ـ بعزم دیدن جناب حاجی نبیل‌الملك رفتم نبودندبمنزل جناب آقای معدل‌السلطنه که باهم همسایه‌ونزدیك هستند رفتم بودند و خدمت هردو آقایان رسیدم . معلوم شد اجماعی که در خانه حضرت عضدالملك بودند متفرق شدند واعلیحضرت همایونی استدعای مردم را در اخراج شش‌نفر از دربار اجابت و آنها را بشرح زیر ازساحت خسروانه رانده‌اند:

امیربهادر جنك ـ امین‌الملك پسروزیردربارحسن‌خان ـ شاپشال‌خان‌ندیم‌السلطان ـ علی‌خان‌پیشخدمت ـ مفاخرالملك تبریزی ـ موقرالسلطنه .

ادارات دولتی‌هم بهمین‌واسطه در تعطیل بود.

رفتن محمدعلی‌شاه بباغ‌شاه وانقلاب شهر

پنجشنبه چهارم جمادی‌الاول ـ قبل‌ازظهر بعزم وزارت خارجه از منزل بیرون آمدم بمیدان توپخانه‌که رسیدم دیدم مردم‌بی‌مقدمه این‌طرف وآنطرف میدوند ومضطربند و علت معلوم‌نیست . دراین بین سوارهای قزاق سه‌عراده توپ وارد میدان توپخانه‌نمودند و این‌بیشتر اسباب اضطراب و هیجان مردم شد . گفتند بازارهارا بستند یك‌انقلاب غریبی در شهر روی داد . بعد معلوم‌شد اعلیحضرت همایونی بیمقدمه

سوارشده از شهر خارج و بباغ شاه تشریف بـرده‌اند و از آنجا خیال تشریف بـردن ییلاق‌را دارند .

جمعه‌پنجم‌جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ ـ دیشب منزل جناب آقای‌میرزا مهدی‌خان‌منشی‌ـ باشی بودم بعضی‌کتابهای خطی خوب وقدیمی دیدم وهمچنین پاره‌ای‌کتابها که خودشان استنساخ نموده‌بودندازجمله تحریرات حضرت پرنس‌ملکم‌خان دربعثت حضرت خاتم‌النبین محمدبن‌عبدالله (ص) وشرح حال آن‌حضرت‌بودکه خیلی خوب مرقوم شده بود . همچنین کاغذی بمرحوم آقاسیدصالح‌مجتهدعرب درباب فراموش‌خانه‌نوشته بودند حقیقةخواندنی بود . وکذلك کتاب رضوان درمقابل‌گلستان شیخ‌سعدی‌که میرزاآقاخان کرمانی (که در تبریز بحکم دولت سرش‌را با سردونفردیگر حاجی‌میرزاحسن‌خان وحاجی‌آقا احمدکرمانی بریدند) تألیف کرده وخوب گفته‌است .

ازاین‌کتابها خواندم ولذت بردم ولی‌حیف شرح‌حال حضرت ختمی‌مآب(ص) ناقص وناتمام است جناب منشی‌باشی ازبنده خواهش نمودند بحضرت پرنس‌ملکم‌خان بنویسم باقی نسخه‌را ارسال فرمایند.

شنبه ٦ جمادی‌الاولی ـ صبح جناب‌آقامیرزا محمدکرمانشاهی‌که ازنجبا است‌بمنزل آمدند ازدیدارشان مسرور شدم. عصرگردش‌کنان تامنزل سرکار اشرف والا بشیرالدوله عبدالجوادمیرزا رفته ملاقاتشان‌کردم تا نزدیك غروب آنجا بودم بعدگردش‌کنان بمنزل مراجعت‌کردم . الساعه که پاسی از شب گذشته وشب مهتابی است فریدانه در منزل مصفا نشسته بروزنامه‌نگاری مشغول هستم وقت غذاهم نزدیك است که مدجوع کرده برختخواب بروم . در دنیا متصل باید مکررات دید تا مرد .

اوضاع جهان بازیچه وهمیشه در تغییر است گاهی شب است گاهی روز وهمچنین تا آخر ناچار یك‌ضدی در مقابل دارد . غم است وشادی ، خار وگل ، نشیب وفراز العاقل یکفیه‌الاشاره وبر هیچ‌چیز دنیا اعتماد نیست.

توقیف سه‌نفر در باغ‌شاه

یکشنبه ۷ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ - خبر رسید اعلیحضرت همایونی که در باغ‌شاه تشریف دارند جمعی از رجال و ارکان که برای شرف‌اندوزی‌رفته‌بودند سه‌نفر آنهارا که شاهزاده جلال‌الدوله و جناب علاءالدوله و جناب سردار منصور باشند امر بتوقیفشان فرموده حبس نمودند .

انتشار اعلامیه

دوشنبه۸ جمادی‌الاولی ـ عصر باتفاق‌آقای تقی‌خان برای‌گردش بیرون آمدیم در بعضی معابر اعلانی بامضای اعلیحضرت‌همایون

(راه نجات) ازطرف‌شاه

محمدعلی‌شاه بدیوارها چسبانده‌بودند موسوم براه‌نجات وامیدواری ملت‌که مفادش همراهی با مشروطیت ورأفت برعیت و رفع ودفع مردمان مفسد مملکت وترغیب کسبه بکسب وشغلشان‌بود.

تغییربعضی از وزراء

سه‌شنبه ۹ جمادی‌الاولی - بوزارت خارجه رفتم معلوم‌شد حضرت علاءالسلطنه وزیر امور خارجه شده‌اند . جناب مشیرالدوله‌وزیر علوم، حضرت مشیرالسلطنه رئیس‌الوزراء ، جناب صنیع‌الدوله که وزیر مالیه بودباقی ـ جناب محتشم‌السلطنه‌بعداز مراجعت از ارومی وزیرعدلیه ـ جناب مؤتمن‌الملك وزیر تجارت‌وگمرك ـ به‌جناب‌مستوفی‌الممالك وزیرجنك باین‌طور درمجلس شورای‌ملی معرفی شده‌اند .

جناب‌مخبرالدوله رئیس ادارهٔ تلگراف . علی‌الاتصال کابینه وزراء در تغییراست‌و معلوم نیست تاکی اینطور خواهدبود .

چهارشنبه ۱۰ جمادی‌الاول ـ دیشب با جناب‌آقای‌عنایت‌السلطنه در عمارت‌جناب آقای بهاءالملك بسر بردیم . صبح از آنجا بدیدن بعضی از دوستان از جمله جناب حسینقلی‌خان نواب وسرکاروالا بشیرالدوله رفتم . بعدخدمت حضرت علاءالسلطنه وزیر امورخارجه جدید رسیدم . پس‌ازاظهار التفات بطورشوخی فرمودند (در شهری که شما باشید چرا بایدکارها اینطور باشد) عرض‌کردم از بنده خیلی بزرگترها هستند که‌کارهارا اصلاح نمایند . جناب‌مفتاح‌الملك‌رئیس‌وزارت‌خارجه دبیر مخصوص و آقای ناصرالوزاره حضور داشتند.

اجتماع انجمن‌ها در مسجد سپهسالار

گفتند باز انجمن‌ها در مدرسه ناصری (سپهسالار) اجتماع کرده‌اند براینکه اعلیحضرت همایونی بر خلاف قانون اساسی شاهزاده جلال‌الدوله وجناب علاءالدوله و جناب سردار منصوررا بدون تحقیق و اثبات تقصیر حبس و از طهران تبعید فرموده‌اند از قرار مذکور هرسه‌نفررا با پنجاه‌نفر سوار قزاق بطرف مازندران فرستاده‌اند که آنجا یا بفرنك یا خراسان بروند.

بستن بازار

سه‌شنبه ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ ـ سه‌چهارروز قبل‌که انجمن‌ها در مسجد ناصری جمع‌شده بودند تماماً متفرق شده‌اند ولی دوروز است بازارها را بسته ومردم استخلاص و معاودت جلال‌الدوله و علاءالدوله وسردارمنصور واخراج امیربهادر و شاپشال‌خان‌ندیم‌السلطان و امین‌الملك و علی بیك را از اعلیحضرت همایونی میخواهند . وزراء و وکلاهم در مذاکره

اصلاح هستند .

سه‌شنبه ۲۳ جمادی‌الاولی۱۳۲۶ مطابق ۲۳ژوئن۱۹۰۸ مطابق ۲سرطان (تیر) .

توپ‌بستن مجلس

واقعهٔ هولناك توپ‌بستن از طرف دولت بعمارت وباغ بهارستان که محل‌مجلس شورای‌ملی بود وتفنگ‌انداختن ازطرف مجلسیان بقزاق وسوار وسرباز وکشتار زیاد از طرفین وغارت بعضی از خانه‌ها. تقریباً دوساعت ونیم از آفتاب‌گذشته صدای توپ وتفنگ آمد تا بعدازظهر . هنوز که عصر است باز صدای تیرتفنگ میآید از قراریکه میگویند هرجاهم‌که مجلس انجمن بوده توپ‌بسته‌اند. آمدبسر ایران‌آنچه‌نباید بیاید. بواسطهٔ این‌واقعهٔ اسف‌انگیز ووحشت اهل شهر هیچ‌هوش وحواسی ندارم .

جنابان آقاسیدعبدالله وآقامیرزاسیدمحمد وبعضی ازوکلا را گفتند گرفته وبباغ‌شاه بردند همچنین جناب‌آقای شیخ‌الرئیس‌را .

توپ‌بستن به‌بعضی‌خانه‌ها وغارت آنها

چهارشنبه ۲٤ جمادی‌الاولی ۱۳۲٦ ـ تتمهٔ انقلاب وگرفت وگیر بعضی اجزاء انجمن‌ها وحامیان مجلس شورای‌ملی هنوز در کارند بعضی ازخانه‌هارا از قرار مذکور اول قزاق بعد سوار وپس‌ازآن سربازها غارت وپس‌ماندهٔ آنهاراهم اهل شهر خراب کرده حتی‌در وپیکر را برده ومیبرند . مثلا عمارت باغ بهارستان هرچه داشته ازمبل وغیره برده‌اند. بهارستان‌را خزانستان‌کرده‌اند . از قراریکه‌گفتند دیروز دیوانخانهٔ حضرت والا ظل‌السلطان و خانهٔ بانو عظمی‌را که نزدیك انجمن آذربایجانیها بوده توپ بسته وسوار وسرباز ومردم ریخته غارت‌کرده‌اند. خانهٔ جناب‌ظهیرالدوله‌راهم امروزتوپ بسته حصار بیرونی‌شان‌راخراب واسبابش را چپوکرده‌اند.

میگویند بعضی خانه‌های دیگرراهم فردا بتوپ خواهند بست. عجالتاً بیچاره مردم در اضطرابند. شنیدم بعضی‌مردم را حین عبور سرباز وسوار لخت میکنند.

اعدام مدیر صوراسرافیل وملك‌المتکلمین در باغشاه

پنجشنبه ۲۵ جمادی‌الاولی ـ بستن توپ بعضی خانه‌ها موقوف و صدای توپ شنیده نشد از قرار مذکور ملك‌المتکلمین و میرزا ـ جهانگیرخان مدیر روزنامهٔ صوراسرافیل را در باغ‌شاه خفه کرده‌اند. میگویند شهر بالنسبه آرام شده است. این‌روزها اخبار درست وصحیح کم است ازاین‌جهت هرخبری را نمیشودنوشت‌تا تاصدقش معلوم شود .

تعیین حکام جدید برای ولایات

سه‌شنبه هفده جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۶ - از قراریکه مسموع شد برای بعضی ولایات بشرح ذیل حکمران معین شد . حضرت‌والا نیرالدوله‌خراسان - حضرت‌والاعین‌الدوله‌فرمانفرمای‌آذربایجان- حضرت آصف‌الدوله حکمران فارس - جناب اجل اقبال‌الدوله حکمران اصفهان - حضرت امیرافخم حکمران عربستان و لرستان - جناب سردار افخم حکمران گیلان .

شنیدم جناب امیرجنك (امیربهادر) بمنصب سپهسالار اعظمی‌منصوب‌گردیده.

دوشنبه ۱٤ جمادی‌الاخره ۲٦ - جمعه گذشته حضرت حاجی امیرتومان پس از ده‌ماه مسافرت بهمدان حسب‌الاحضار وارد طهران در باغ‌شاه بحضور همایونی شرفیاب ومورد مرحمت قرار گرفته‌اند.

امروز در منزل صبح وعصر جمعی بدیدنشان آمدند . اسامی اشخاصی که آمدند و در نظرم است از این‌قرار است : حاجی‌حسین‌آقاامین‌دارالضرب ، حاجی‌معین‌السلطان، حاجی‌مبصرالسلطنه ، خاجی‌آصف‌السلطنه ، حاجی‌وکیل‌الدوله ، حاجی‌میرزامهدی‌خزانه ، مغرورخان‌خواجه ، شاهزاده شعاع‌السلطنه، ادیب‌السلطنه‌رشتی، جناب‌حاجی‌ناصرالسلطنه وزیرخزانه،حاجی موقرالدوله، نقیب‌شیرازی ، آقای‌میرزامهدی‌خان‌منشی‌باشی‌همایونی.

از قرارمذکور مقتدرنظام ومعین‌حضرت ودونفر دیگر که در ایام مشروطیت تبعید بکلات شده بودند دیروز با احترامات وتشریفات وارد طهران‌شدند.

فوت پرنس‌ملکم‌خان درسویس

یکشنبه ۲۰ جمادی‌الاخره - قبل از ظهر بوزارت خارجه رفتم . خبرحزن‌انگیزی شنیدم که جناب پرنس‌ملکم‌خان در سویس این جهان‌را بدرودگفته وبجهان دگر شتافته . از این خبر بی‌نهایت متأثر و متأسف شدم زیرا که خیلی حق تربیت در گردنم دارد . ازقرار مذکور قریب نودسال در دنیا زندگی کرد در عقل‌وتدبیر و چیزنویسی و سیاست در ایران بی‌همتا بود کتابچه‌ها و رساله‌های زیادی در رسوم مملکت‌داری وانتظام ادارات دولتی نوشته وبیادگار گذاشتند .

اولادآن مرحوم یك‌پسرموسوم به‌پرنس فریدون‌خان منتظم‌السلطنه وسه‌دختراست. دراین‌اواخر وزیرمختار دولت ایطالیا بود .

پنجشنبه ۸ رجب‌المرجب ۱۳۲٦ - دیروز جناب حسن‌شاه قطب‌الدوله‌که ازسفر شیراز مراجعت نموده‌اند بدیدن آمدند . مختصری از وضع توقف در شیراز و زحمات و خدمات‌خودرادرحکمرانی جناب‌اجل‌صاحب‌اختیاربیان‌نمودند . بعدازرفتن آقای‌قطب‌الدوله

جناب‌آقای میرزامحمدعلی‌خان ذکاءالملک‌مدیرمدرسه سیاسی بعیادت واحوالپرسی آمدند. چون‌چندروز است کسالت‌دارم.

فوت‌نظام‌السلطنه

جناب‌نظام‌السلطنه که چندروز مریض‌بود ازاین‌جهان بجهان دیگر شتافته خداش بیامرزد نظام‌السلطنه تقریباً هشتادسال بلکه بیشتر مراحل زندگانی راطی‌کرد وحکومت‌های‌بزرك رفته‌مدبر،درستکار صاحب‌قلم تندمزاجی بود وکارهایش منظم بود یك پسر غلامحسین‌خان که نوادهٔ پسری ویك‌دختر که همشیرهٔ غلامحسین‌خان باشد درخانه‌اش باقی‌مانده.

یکشنبه ۱۱ رجب ۲۶ ـ طرف عصر گردش‌کنان تا باغ حضرت والا شاهزاده فرمانفرما رفته خدمت شاهزاده نصرت‌الدوله رسیدم. از قرار مذکور حکومت‌کرمانشاهان بانضمام اسدآباد بحضرت والا فرمانفرما داده‌شده‌است.

دوشنبه ۱۲ رجب ـ بمنزل حضرت علاءالسلطنه وزیر امور خارجه رفته خدمتشان رسیدم. بقراری که از فرمایش ایشان مفهوم شد میخواهند بنده را دوباره بکارگذاری کرمانشاه مأمور نمایند.

پنجشنبه ۲۹ رجب ـ صبح بوزارت خارجه رفته جناب آقای مقرب‌السلطنه مدیر ادارهٔ عثمانی را ملاقات کردم در باب مأموریت‌کارگذاری کرمانشاه صحبت کردم جواب دادند در مأموریت شما حرفی نیست وکار تمام است همین‌دوسه‌روزه احکام‌آن را نوشته بمهرمیرسانم. منتظرم حضرت‌وزارت‌پناهی فهرستی‌که در این‌باب نوشته‌شده ازنظر انور اعلیحضرت همایونی گذرانده بصحهٔ مبارکه برسانند.

مأموریت دوم‌بکارگذاری کرمانشاه

شنبه غره شعبان‌المعظم۱۳۲۶ ـ صبح ازمنزل جناب مساعدالملك بیرون‌آمده بوزارت خارجه رفته جناب مقرب‌السلطنه مدیر ادارهٔ عثمانی را ملاقات‌کردم. فرمودند با شما کارداشتم پاکتی نشان دادند درجوف‌آن فهرستی بودکه حضرت علاءالسلطنه وزیرامور خارجه بحضور اعلیحضرت همایونی در خصوص مأموریت بنده بکارگذاری کرمانشاه‌عرض کرده ودستخط صادر وامضا شده بود «وزیرخارجه فریدالملك را بکارگذاری کرمانشاه روانه نمائید فی ۲۹ رجب ۱۳۲۶».

یکشنبه دوم شعبان ۲۶ ـ عصر بمنزل جناب اجل علاءالسلطنه وزیر امور خارجه رفتم فرمودندکارشما تمام، دستخط همایونی‌صادرشد عرض‌کردم دستخط زیارت‌شدمتشکرم فرمودند اسب چهارجلی سوارشده بمحل مأموریت بروید. تا قریب یکساعت از شب گذشته آنجا بودم جناب نصیرالسلطنه فرزند جناب اجل محتشم‌السلطنه حکمران ارومی وارد وازحال پدربزرگوارش مضطربانه‌بحضرت وزیر متظلم‌شدکه تکلیف محتشم‌السلطنه

راکه در ارومی محصور است معین نمائید.

صدارت مشیرالسلطنه

شنبه ۱۵ شعبان ۲۶ - روز ولادت باسعادت حضرت امام عصر عجل‌الله‌فرجه است در باغ شاه اعلیحضرت همایونی بسلام‌نشسته عیدگرفتند. تمام وزراء وارکان واهل نظام با لباس رسمی‌درسلام حاضر و بحضرت مشیرالسلطنه وزیر اعظم دستخط صدراعظمی و بحضرت‌اجل‌حاجی‌عبدالله‌خان امیرنویان لقب امیرنظام با خلعت جبهٔ‌شمسهٔ مرصع مرحمت گردید وفرمان امیرنظامی‌هم صادرشد.

سه‌شنبه ۱۸ شعبان - بوزارت خارجه‌رفته با جناب مقرب‌السلطنه قرارداریم‌باتفاق ایشان بمنزل جناب نصوحی‌بیک‌سفیرکبیرعثمانی رفته معرفی بشوم. همینطور کردم‌باتفاق علاءالوزاره بمنزل‌حضرت خارجه وازآنجا بسفارت‌عثمانی رفتم وبجناب‌سفیرمعرفی‌شدم. عزت‌آب فوادبیك نایب‌سفارت‌هم‌بودند. جناب نصوحی‌بیك‌مرد سالخورده محاسن سفیدی داشت ومؤدب ونجیب بنظر آمد. پدر مرحومش‌هم در ایران سفیر بود و در حضرت عبدالعظیم مدفون است.

عزیمت بکرمانشاه[1]

در همدان پس‌ازملاقات اقوام‌ودوستان جنابان ضیاءالملك، سرداراکرم ومظفرالملك حکمران همدان روز شنبه ۲۹ شعبان باتفاق مرحوم محمدحسن‌خان سرتیپ عمو واخوی عازم‌کرمانشاه میشوند.

دوشنبه ۲ رمضان ۱۳۲۶ - شب سه‌شنبه را در بیستون بسر بردیم گفتند جناب حاجی‌ظهیرالملك حکمران‌کرمانشاه در سلیمانیه ملکی‌خودشان نقل‌مکان‌کرده برای‌وصول مالیات بسنقر خواهندرفت.

صبح سه‌شنبه ۳ ازبیستون‌بدیدن جناب حکمران بسلیمانیه رفتم از ملاقات همدیگر مشعوف‌شدیم. پس‌ازصرف‌ناهار پنج بغروب مانده‌سوارشده وقت‌غروب بحمدالله سلامت‌وارد کرمانشاه‌شدیم.

مرحوم پدرم روز چهارشنبه ۱۹ شعبان باتفاق‌برادرم مرحوم‌هاشم‌خان از تهران وخط قم - عراق حرکت کرد و روز یکشنبه ۲۳ شعبان بهمدان میرسند. چون تفصیل مسافرت این مسیر مانندسفرهای گذشته بیان شده‌است ازذکر جزئیات‌صرف‌نظرمیشودفقط باید اضافه‌کنم که درقم با اعظم‌الدوله پسر ظهیرالملك کرمانشاهی وسالاراشرف برادرش وآقاعلی‌آقا مجتهد کرمانشاهی تا دیزج‌آباد همسفر میشوند. در اینجا حضرات جدا شده بکرمانشاه میروند وپدرم بسمت همدان حرکت میکند.

جنابان ادیب‌الحکماء معاون کارگذاری ومستشارالایاله واجزاء کارگذاری تا پل‌قره‌سو باستقبال آمده بودند سرکار والا شاهزاده محتشم‌الدوله هم‌درشگه فرستاده‌بودند. بعدازغروب تا چهار از شب گذشته جمعیتی از اعیان وارکان بدیدن تشریف آوردند. ازدیدارشان خیلی مسرور شدم.

دیدوبازدید درکرمانشاه

شب سه‌شنبه وچهارشنبه ۳ و ٤ رمضان ۱۳۲٦ - چون کارگذار‌خانهٔ دولتی در کرمانشاه نیست برای مأمورین تازه پیدا کردن منزل کار سخت ومشکلی است . دوساعت از شب گذشته الی پنج ازشب از آقایان وشاهزادگان واعیان که خبرشده‌بودند تشریف آوردند . از قبیل جناب اجل اعظم‌الدوله نایب‌الایاله جنابان آقای آقاشیخ‌هادی‌مجتهد وآقارحیم وآقاسیدحسن کزازی جناب‌عمدةالعرفاآقاسیداسمعیل اجاق وآقای سلطان‌العلماء وشاهزادگان وغیره.

اعلان انتخابات جدید

شب پنجشنبه ۵ رمضان هم جمعی بدیدن تشریف آوردند از جمله جنابان آقاعلی‌مجتهد ، آقامحمد صالح و غیره جناب معتضدالدوله پیشکارکرمانشاه مسیومولیتوررئیس گمرك‌کرمانشاه سرکاروالا عمادالسلطان - ارفع‌الممالك منشی قونسول روس ، آقامیرزاعلی‌اکبرخان منشی قونسول انگلیس خلیل افندی منشی شهبندری وجمعی دیگر . تا جمعه۱۳ شب‌ها بدید وبازدید مشغول بودم . درآن‌اوقات اعلان تلگرافی از طهران رسید و منتشر شد که دستخطی از طرف اعلیحضرت همایونی بصدراعظم حضرت مشیرالسلطنه صادرشد که بتمام ولایات ایران جز آذربایجان اطلاع بدهندکه در ۱۹ شوال باید وکلای بادیانت منتخب‌شده ومجلس منعقد گردد . عجالتاً امور مملکتی متزلزل است.

اغتشاش‌در کرمانشاه وجنگ اهالی باسوارهای ایل‌کلهر

شنبه ۲۱ رمضان ۲٦ - شهرکرمانشاه در کمال اغتشاش است . جهت اینست که دیشب سرکار محمدعلی‌خان ایلخانی سابق‌کلهر که پیرمرد بیچاره بی‌چیزی است‌سوارهای‌سردارمظفر پسرداودخان کلهر اول شب‌آن‌بیچاره را از راه‌عنادگرفته از شهرخارج‌برده‌اند باین‌جهت اهل شهرکرمانشاه‌هم اجماع‌کرده میخواهندسالاراقبال پسر داودخان را که سه برادرش هم همراه او است و در خانهٔ امین‌الممالك منزل دارند و نزدیك بکارگذاری است عوض محمدعلی خان ایلخانی سابق دستگیر نمایند . از دوساعت بظهر مانده تا

غروب علی‌الاتصال تیروتفنگ از طرفین بهمدیگر میکنند بچندنفرهم تیر خورده تلف شده‌اند.

آقای احمدخان‌ثقة الوزاره نایب‌کارپردازی سابق خانقین که منزلش در خانهٔ امین‌الممالك بود بکارگذاری آمد ولی آدمها ومالها واسبابش در خانه امین‌الممالك‌مانده ازترس نمیتوانند بیرون بیایند.

یکشنبه ۲۲ رمضان ۱۳۲۶ - شب گذشته برحسب لزوم به‌تلگرافخانه رفته دیدم جناب آقای اعظم‌الدوله نایب‌الایاله مشغول مخابره هستند . ضرغام‌الدوله سالاراقبال جوانمیر پسر داودخان سردارمظفر که‌با همراهان محصورشده‌کاغذی بمن نوشته وخواهش کرده بود بمنزل اوبروم با جناب اعظم‌الدوله شورکردم صلاح ندیدند . جواب نوشتم که ازطرف حکومت مطمئن شده بدارلحکومه بیائید تا کار شما اصلاح شود . مختصراً تا هفت‌ازشب گذشته در تلگرافخانه مشغول مشاوره ومذاکره بودیم . آخرالامر جناب آقاسیدحسن فرزند جناب مستطاب‌آقاسیداسمعیل‌اجاق‌را که با ضرغام‌الدوله خصوصیت و سابقه داشت واسطه قرار داده دوسه‌دفعه آقاسیدحسن رفت وآمد . محض‌اطمینان‌ضرغام جنابان‌شریعتمداران وجناب اعظم‌الدوله قرآن‌مهرکرده فرستادند به‌هزارقسم تدبیر ضرغام ودوبرادرش را بدارالحکومه آوردندواجتماع متفرق شد. ازقرار مذکور ۱۸ نفرازطرفین کشته‌شده‌اند یکی از معروفین کلهرها خان‌باباخان صمصام‌السلطان که داماد داودخان و خیلی‌شجاع بود مقتول گردید . از اهل شهر ده‌دوازده‌نفر کشته‌شدند . در این‌واقعه اهل کرمانشاه خوب اتحاد واتفاق کردند تا بر کلهرها غالب‌شدند حالیه ضرغام‌الدوله با یك برادرش وچندنفر ازکلهرها در دارالحکومه محبوسند تا قرار کار داده‌شود.

پنجشنبه ۲۶ رمضان ۱۳۲۶ - بر حسب دعوت بدارالایاله رفته خدمت جناب اعظم‌الدوله رسیدم . از بابت مالیات کلهر صحبت میکردند که ضرغام‌الدوله جوانمیر پسر داودخان با برادرش اینجا حبس است که قراری بدهند . مالیات کلهر ۲۲هزارتومان است . بقرار تقریر آقاسیدحسن که از پیش داودخان آمده بود او میخواهد دوازده الی چهارده‌هزارتومان‌بدهد .

شب جمعه ۲۷رمضان - در دارالایاله جمعی از آقایان واعیان جمع بودند راجع بمسئله داودخان کلهر سردارمظفر واصلاح‌کار او با اهالی کرمانشاه ومالیات اومذاکره مینمودند . به‌تصویب همه بعضی شرایط نوشتند که نزد سردار مظفر بفرستندکاغذی در این‌خصوص در جواب سردار مظفر نوشته ومهر نمودند.

دو شنبه ۱٤ شوال ۱۳۲۶ - کاپیتان هوارت قونسول انگلیس مقیم کرمانشاه

جشن در قونسولخانه انگلیس

جشنی بمناسبت ولادت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان (ادوارد هفتم) منعقد ودعوت‌ازاعیان‌شهر کرد . طرف‌عصر بالباس رسمی‌رفتم جناب اعظم‌الدوله‌نایب‌الایاله با سردار اجلال وفخیم‌السلطنه سالار اشرف وسرکار والامحتشم‌الدوله وجناب‌احمدبیك‌شهبندرهم آمدند.

تبدیل‌مشروطه به‌مستبده

شنبه ۲۶شوال ۲۶ ـ طرف عصر کاپیتان‌هوارت قونسول انگلیس بادکتر قونسولخانه ومیرزاعلی‌اکبرخان‌منشی بالباس رسمی بکارگذاری ببازدید آمدند . ساعتی نشسته صحبتهای متفرقه ازانگلیس وایران شد . قونسول گفت بدارالایاله ببازدید رفته‌بودم جناب اعظم‌الدوله نایب‌الایاله بیان نمودند که از طهران از جناب حاج شیخ فضل‌الله مجتهد وجناب امام‌جمعه طهران تلگراف رسید که دولت‌ایران بموجب‌خواهش بعضی ازمردمان از طبقه علماء واعیان واشراف از مشروطه مبدل‌بمستبده شد ، مشروطه متروك ومستبده برقرارشد.

خلعت‌پوشان سالارمحتشم واکرم‌الدوله

جمعه دوم ذیقعده ۱۳۲۶ ـ بر حسب دعوت بمنزل سرکار والا محتشم‌الدوله‌سردار محترم رفتم‌حضرت حکمران حاجی‌ظهیرالملك امیرتومان وجناب اعظم‌الدوله واعیان و اشراف تشریف داشتند معلوم‌شدکه‌خلعت‌پوشان نوابان‌والا اکرم‌الدوله ومحتشم‌السلطان است‌که پالتوسردوشی‌دار برای اکرم‌الدوله و همچنین پالتو ترمه با سردوشی الماس بجهت محتشم‌السلطان با لقب سالار محتشمی از طرف اعلیحضرت همایونی بتوسط نواب والا اسعدالدوله پسر سرکار والا شاهزاده محتشم‌الدوله مرحمت شده. شربت وشیرینی وموزیك ترتیب داده‌شده‌بود.

سان‌سرباز وتوپچی

جمعه غرهٔ ذیحجه ۱۳۲۶ ـ بنا بدعوت جناب سردار اجلال (پسراعظم‌الدوله) طرف‌عصر در سرآسیاب ملامیران‌به‌تیراندازی وسان سرباز وتوپچی وسواررفتیم .

چادرپوش برپا وجمعی ازاعیان‌واشراف وشاهزادگان و مأمورین خارجه از قبیل قونسول‌های روسی وانگلیسی‌وشهبندر آمده بودند . چندتیرتوپ‌به‌نشانه انداختند توپچی وسرباز وسواربه‌دفلیه آمده گذشتند . صرف چای وشربت هم‌شد.

شنبه ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۶ ـ تلگرافی از طهران رسید که حضرت اجل سعدالدوله بوزارت خارجه منصوب‌وحضرت علاءالسلطنه استعفا داده‌اند.

ایضا خبر تیرانداختن بجناب حاجی شیخ فضل‌الله مجتهد در طهران رسید ولی تیر خطا رفته ضارب دستگیر شده وتحت استنطاق بوده است.

شب یکشنبه ۲٤ ذیحجه ۲٦ ـ کاپیتان هوارت قونسول انگلیس با دکتر قونسولخانه وجمعی دیگر ازقبیل جنابان میرزا سالك ومعتضدالدوله وادیب‌الحکماء ومیرزاعلی‌اکبرخان منشی قونسولخانه بشام غذای ایرانی در کارگذاری موعود بودند . پس‌ازصرف‌شام‌رفتند. صحبتهای متفرقه‌شد. قدری‌فرزندی‌هاشم‌خان تار ومشهدی‌قلی نی‌زد.

زلزله‌هولناك در ایطالیا

جناب قونسول یك‌حادثه حزن‌انگیز خبرداد که دوهفته قبل در ایطالیا(سیسیل) زمین‌لرزهٔ هولناکی شده و یك‌شهر بکلی خراب و قریب نودهزار نفر نفوس تلف‌شده باین‌طورکه زمین شکافته و شهر فرورفته است . این‌فقره خیلی اسباب تأسف شد.

پنجشنبه ۲۸ ذیحجه ۱۳۲٦ـ طرف عصر مسترهاکس امریکائی که دوست‌بیست و سه‌چهارساله است وسالها است در همدان کشیش وواعظ مدرسهٔ امریکائیها است بامستر استدامریکائی که در کرمانشاه است بدیدن آمدند . با مستر هاکس قرار دادیم گاهگاهی باهم مکاتبه داشته باشیم . دکتر فانك امریکائی که ازهمدان آمده میخواسته بدیدن بیاید احوالش بهم‌خورده ومعذرت خواسته است .

روز بعد که باتفاق ادیب‌الحکماء ببازدید مسترهاکس ومستراستد رفتیم . زن‌مستر استدکه با شوهرش ازصحنه‌بکرمانشاه میآمده در عرض راه، کاکاوندها لختشان‌کرده‌بودند میگفت چرا حکومت مال مارا نمیگیرد . گفتم در خیال هستند بگیرند بدهند.

سه‌شنبه ۱۰ محرم‌الحرام ۱۳۲۷ ـ روزها و شب‌ها که ایام تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء ارواحنا فداه است بحسینیه‌ها و تکایا میرفتم سرکار سرتیپ اخوی هم همراه بود . دوسه‌روز عصرهارا بروضه دارالحکومه رفتم باقی را بحسینیه‌های آقایان از جمله حسینیه جنابان آقای‌امام‌جمعه، آقای آقاشیخ‌هادی مجتهد، آقای رئیس‌العلماء ، آقامحمدـ صالح یك‌شب‌هم بروضه منزل جناب آقاسیدکمال‌الدین مجتهد.

روزعاشوراهم بعادت معمولهٔ هرساله زیارت عاشورا خواندم عصر بروضه جناب حاجی‌سیدحسن کزازی رفتم . دوسه‌شب‌هم به تکایا از قبیل تکیه معین‌الرعایا[1] ، تکیه عبدالله‌خان بیگلربیگی و حاجی‌حسن‌خان‌کلانتر ومسجد وکیل‌الدوله که ترکها درآنجا

۱ـ این‌تکیه‌خیلی مجلل ومزین وشاید در ایران بی‌نظیر بود.

روضه‌خوانی میکنند. درکرمانشاه‌خوب تعزیه‌داری میکنند.

قتل آقابالاخان سرداردررشت

پنجشنبه ۱۹محرم ۱۳۲۷ - جناب‌خبیرالسلطان(بعدخبیرمعظم‌شد) و آقای میرزاعلی‌اکبرخان مأمور عدلیه برای دیدن بکارگذاری آمدند . خبرکشته‌شدن آقابالاخان سردار افخم حاکم‌گیلان درباغ مدیرالملک‌رشت بدست قفقازیها شایع است.

شنبه ۲۸ محرم ۱۳۲۷ - بر حسب دعوت بمنزل جناب نصیرالاطباء رفتم جناب میرزاسالک‌وسرکارسرتیپ‌اخوی وفرزندی هاشم‌خان‌بودند. جناب ادیب‌الحکماء که خانه خودش بود حضورداشتند . تلگراف لقب معاضدالملکی که از حضرت سعدالدوله وزیر امور خارجه بتوسط من برای ادیب‌الحکماء بود در آنجا قرائت شد وتبریک‌هم گفته‌شد. در مراجعت‌درمیدان‌توپخانه‌حضرت حاجی‌ظهیرالملک‌حکمران‌راملاقات‌کردم. اخبار ناگوار اغتشاش‌ولایات وبستن دکان وبازار در تهران انتشار دارد.

اغتشاش در ولایات

یکشنبه هفتم‌صفرالمظفر۱۳۲۷ - بارانهای‌کامل در این چندروزه آمد . اخبار ولایات که مردم بهمان حال سرگردانی و اغتشاش هستند باقی است از قرار مشهور در طهران و اصفهان و تبریز دکان‌هارابسته‌اند[1] .

تضمین وطنی

جیش ملی آید از سوی صفاهان غم مخور
نصر حق ظاهرشود زاخوان‌گیلان غم مخور
رفت اگر مجلس بباداز کیدگرگان غم مخور
یوسف گم‌گشته بازآید بکنعان غم مخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

۱- پدروبرادرم‌طبع شعر داشتند وگاهی بمناسباتی اشعاری میسرودند (تخلص‌پدرم بینش بود)درپشت جلد روزنامه سال ۱۳۲۷ ابیات زیرنوشته‌شده و تاریخ رجب ۱۳۲۷ کرمانشاهان ، در پایان‌آن قیدگردیده نمیدانم اثر خود ایشان است یا اقتباس‌کرده‌اند.

زتوهرجوری‌که‌شد شاها بما بر ماگذشت
فکر خود کن کاوفتاد از بام رسوائیت طشت
چرخ پرنیرنك چندی گر ترا همراه گشت
دورگردون گر دوروزی بر مراد ما نگشت
دائماً یکسان نماند حال دوران غم مخور
گر بهارستان خزان شد چندروزی عیب نیست
هر خزانی را بهار آید زپی بی‌شك وریب
باش کامیدت برآید سربرآر از چاك جیب
هان مشونومید چون واقف‌نه‌ای زاسرارغیب
باشد اندر پـرده‌بـازیهای پنهان غم مخور
ختر مشروطه فالش به‌شوددل بـد مـکن
باغ آزادی نهالش به شود دل بد مکن
مجلس شوری مآلش به‌شود دل بد مکن
این دل غمدیده حالش به‌شود دل بدمکن
این سر شوریده باز آید بسامان غم مخور
عنکبوت ظلم اگـر بـر گرد آزادی تند
بر رخ ما دست استبداد اگـر سیلی زنـد
ای وطن جامت گر از سنك حوادث بشکند
ای دل ارسیل فنـا بنیـاد هستی بـرکند
چون ترا نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور
باش تا بار دگر خندد گل و روید چمن
وزگل مشروطه گردد ملك چون کان یمن
سبزهٔ فر و عدالت روید از دشت و دمن
گـر بـهار عمر باشد باز در طرف چمن
چترگل‌برسرکشی‌ایمرغ خوشخوان غم‌مخور
ای نـگشته رهسپار کـوی آزادی بچم
راه آزادی است راه کعبه و مجلس حرم

جانب مقصود واز کید بداندیشان مرم

در بیابان گر بسوی کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

شهر رجب ۱۳۲۷ کرمانشاه

جنبش ضداستبداد در طهران وولایات

سه‌شنبه ۱۶ صفر ۱۳۲۷ - مطابق ۹ مارس ۱۹۰۹ و ۲۸ شباط رومی ۲۲۲۰ از هشتم اینماه تا امروز روزنامه یومیه ننوشته‌ام در مدت این چندروز جز اخبار متضاد خبری نبود . متصل از طرف دولت وملت واغتشاش ولایات برضد یکدیگر خبرهای بی‌اصل منتشر واز جانب حجج اسلام آقای آخوندملاکاظم خراسانی و آخوند ملاعبدالله مازندرانی احکام بولایات صادر که مالیات‌دادن بپادشاه غیرمشروطه حرام است و اطاعت اولیای همچو دولتی خلاف شرع و محاربه با امام زمان است . وجناب حجةالاسلام آقا سیدکاظم یزدی بر خلاف رأی این آقایان بر ضدمشروطه است .

فعلا عموم مردم بیچاره وپریشان وفقیر ایران در تکلیف خود حیران و سرگردان میباشند . تمام آذربایجان وگیلان واصفهان وشیراز وخراسان و استرآباد حامی‌مشروطه وبرضد دولت شده و اعتنا باحکام اولیای دولت ندارند امور مغشوش وراه داد و ستد مسدود و از ۲۲ محرم تا کنون دکاکین طهران بسته شده جمعی از مردم در حضرت عبدالعظیم وجمعی در سفارت عثمانی متحصن هستند . باز بالنسبه کرمانشاه امن و امان وارزاق فراوان ومردم شهر آسوده‌اند . از قرار تقریر زوارکه از عتبات عالیات‌مراجعت نموده‌اند در عراق عرب همه‌چیز گران وباران نیامده است.

دوشنبه ۱۵ صفر خبر رسید که ضرغام‌الدوله جوانمیر پسر داودخان سردار مظفر ایلخانی‌کلهر در مراجعت از پشتکوه ازپیش والی‌پشتکوه بین راه اسب زمینش‌زده گردنش شکسته وفی‌الفور ترك جان‌گفته است و از قرار تقریر اغلب مردم‌یك‌ولایت‌را ازشرخود آسوده کرده‌است .

دوشنبه ۲۲ صفر ۱۳۲۷ - قبل‌ازظهر بعیادت مسیوغاآن وکیل بانك استقراضی (بانك روسها) رفته ازآنجا بدیدن جناب سیادت انتساب حاجی‌سید که از زیارت عتبات برگشته بود رفتم . در مراجعت بدارالحکومه رفته جناب اجل ظهیرالملك حکمران را ملاقات ساعتی نشسته بعضی‌صحبت‌ها ازپیش‌نرفتن‌کار واغتشاش امور بمیان آمد.

شنبه۲۷صفر - طرف عصرمسیومولیتوررئیس گمرك باتفاق‌نواب والا لطف‌الله‌میرزا

نصرت‌السلطان آمده برحسب تلگراف وزارت امور خارجه تمبر و اوراق تذکره که در کارگذاری بوده‌تفتیش‌کردند . از اول حمل تخاقوی‌ئیل عمل تفتیش اداره تذکره ازطرف وزارت خارجه باداره گمرك سپرده خواهدشد.

یکشنبه ۲۸ صفر (اول‌سال شمسی تخاقوی‌ئیل) ۱۳۲۷هجری روز رحلت حضرت ختمی‌مآب(ص) وتحویل شمس ببرج حمل است بواسطه احترام روز رحلت حضرت رسالت پناه (ص) عیدنکردند.

چهارشنبه دوم ربیع‌الاول ۱۳۲۷ - بدیدن جناب‌دریابیگی که ازطهران آمده مأمور بوشهر وحکومت بنادر خلیج فارس است رفتم . ازقرارمذکور سیدعبدالحسین نام لاری جمعیتی دورخود جمع‌کرده اسباب اغتشاش بنادر فارس شده حتی گمرك بندرعباس راهم متصرف شده است .

غارت یهودیها بوسیله اهالی شهر

شنبه پنجم ربیع‌الاول ۱۳۲۷ - واقعه غیرمنتظره در کرمانشاه روی داده بلوای عام شد. اراذل و اوباش و اشرار هنگامه‌طلب بتحریك بعضی مفسدین یك‌دفعه از اطرف بمحله جماعت یهود حمله برده خانه‌های داخله و خارجه‌را غارت‌کردنددوسه‌خانه‌راهم آتش زده چندنفر یکی‌مرادنام‌مقتول و دیگران‌را مجروح کرده‌اند حادثه در سر این مسئله‌شد که پسر دوازده‌ساله میرزاسیدحسین‌خان تلگرافچی پیش‌عزیزنام جوراب‌باف مسیحی که ابتدا یهودی بود وبعد پروتستان شده شاگرد بوده و این پسررا دوروز قبل محض تربیت چندچوب زده‌بود وبعدازدوروز پسر فوت‌شده‌است . معلوم‌نبود که از ضرب چوب عزیزنام مزبور فوت شده یا علت‌دیگر.

بعضی ازسادات واشرار فتنه‌جو بهانه بدست آورده عزیزنام را متهم کردند که سیدزاده بدست یهودی بقتل رسیده وباید تمام یهودرا غارت کرد.

اجامر واوباش بتحریك مغرضین این خبررا انتشار داده مردم‌را بهیجان آوردند بطوریکه رشته‌امنیت از دست‌حکومت گسیخت . در دارالحکومه خدمت‌حضرت‌اجل‌حاجی ظهیرالملك‌حکمران بودم‌که‌جمعی‌ازآقایان عظام‌آقای‌رئیس‌العلماء وآقای‌امام جمعه و آقای آقا رحیم وآقای آقامحمدصالح‌تشریف‌آوردند ومتصل‌خبرمیآوردندکه‌تمام‌مردم‌بمحله‌یهود ریختندونمیتوان‌ازآنهاجلوگیری‌کردومشغول‌غارت‌هستند. آقایان‌همچوصلاح‌دیدندکه‌برای اسکات مردم ورفع شورش‌وبلوا عزیزنام مزبور را حقاً او باطلا قصاص نمایند بلکه این بلوا بخوابد .

عزیز در کارگذاری حبس‌بود . اورا بحبس حکومت آورده بفتوای علماء و

بحکم حکومت سرش‌را بریدند و نعش اورا بمیدان توپخانه بردند ولی افسوس که هیچ فایده نبخشید . اشرار و اوباش مشغول غارت خانه‌های یهودی‌های بیچاره بودند. اغتشاش شهر بالاگرفت جناب اجل ظهیرالملك وجناب اعظم‌الدوله با جمعی از علماء و اجزای حکومت توی شهر رفته مردم را طوری متفرق نمودند و بمیدان توپخانه برگشتندومردم آرام گردیدند .

یکشنبه ٦ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ ـ صبح برحسب‌وعده بمنزل جناب اجل حکمران‌رفتم. معلوم‌شد از همه‌طبقات مردم (علماء ، شاهزادگان ، اعیان ، اشراف و اصناف) برای اصلاح عمل وقرار جمع‌آوری اموال منهوبه یهود دعوت شده‌اند بعداز مذاکرات زیاد قرار براین‌شدکه اشخاص امین‌معین‌شود که در محلات‌اموال‌منهوبه یهودی‌هاراجمع‌آوری نمایند که بصاحبانش مسترد شود .

تهدید قونسول روس

دراین‌بین مراسله‌ای‌ازقونسولگری‌روس‌برای‌من‌رسید باین‌مضمون که چون‌دیروز از طرف حکومت‌جلیله نسبت بمراسله‌قونسولگری وحامل‌آن‌بی‌احترامی‌شده باید تا ۲٤ ساعت دیگر شخص‌حکمران باتفاق کارگذار بقونسولگری دولت بهیه روس آمده ترضیه بخواهد ببعض ملاحظات در این‌موقع باریك که این‌فقره‌هم‌باعث تولید زحمت‌ودردسر تازه نشود خواهش‌قونسولگری اجابت جناب اجل حاجی‌ظهیرالملك حکمران و سرکار اشرف والا شاهزاده محتشم‌الدوله وبنده هرسه بقونسولگری رفته از قونسول دیدن‌نموده در معنی جناب ظهیرالملك‌هم ترضیه خواسته‌وهم بازدید سال جدیدرا ادا نمودند . در واقع یك‌تیر ودونشان‌شد.

عصر بمنزل حاجی‌ظهیرالملك رفتم دیدم بـا کمال اهتمام مشغول انجام و ترتیب جمع‌آوری اموال غارت‌شده یهودی‌ها هستند واغلب‌مردم‌ظاهرآدرجمع‌آوری‌اموال‌منهوبه سعی وجهد دارند . مبلغی‌هم جمع شده است که پس‌از جمع شدن تمام اموال با حضور بعضی ازآقایان محترم معروف بصاحبانش مسترد شود.

سه‌شنبه ۸ ربیع‌الاول ۲۷ ـ باحضورشاهزاده‌محترم‌محتشم‌الدوله‌وجناب‌اعظم‌الدوله و جناب ظهیرالعلماوجناب احمدبیك‌شهبندرومیرزاعلی‌اکبرخان‌منشی‌قونسول‌انگلیس‌وغیره درکاروانسرای بیگلربیك که اموال غارت شدهٔیهودی‌هارا جمع‌کرده‌بودند مشغول‌بازدید وصورت گرفتن وتحویل‌دادن به‌یهودی‌ها بودیم .

اشخاصی که مشغول جمع‌کردن اموال‌منهوبه یهودی‌ها از خانه‌های مردم بودند جناب سردار اجلال،سرکار والااسعدالدوله و جناب یحیی‌خان سالاراشرف و کدخداها و

اجزائشان بودند.

سه‌شنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۲۷ - در مدرسهٔ آلیانس به تقسیم‌اموال منهوبه یهودی‌ها که درآنجا جمع کرده‌بودندمشغول بودیم حضرت والا محتشم‌الدوله وجناب اعظم‌الدوله وجمعی دیگرهم بودند . از یهودی‌ها خیلی از مرد وزن جمع شده بودند.

در ظرف چندروز اموال جمع‌آوری شده در منزل بعضی آقایان علماء تدریجاً تقسیم شده است.

جمعه ۲۵ ربیع‌الاول ۲۷ - بر حسب دعوت حضرت حکمران (ظهیرالملك) به‌کبوده رفتم . حضرت والا محتشم‌الدوله و جناب اعظم‌الدوله نواب والا اسعدالدوله (پسر محتشم‌الدوله) جناب معتضدالدوله وسرکار سالار اشرف (پسر ظهیرالملك) آقای نصیر دیوان‌هم بودند . آفتاب درخشندهٔ صحرا وسبزه خیلی صفا وجلوه داشت . شب‌در منزل آقای معین‌الکتاب مهمان بودم . تلگراف خبر ناخوشی نادعلی‌خان اخوی در عین‌آباد در همان مهمانی رسید خیلی پریشان‌شدم.

سه‌شنبه ۲۹ ربیع‌الاول ۲۷ - ناهاررا جنابان شریعتمداران آقای، آقاسیدکمال‌الدین وحاجی سیدمحمد مجتهدزنجانی درکارگذاری موعود بودند . جناب آقای آقابهاءالدین دامادآقاسیدکمال‌الدین، شاهزاده‌محمد باقرمیرزا وجناب‌معتضدالدوله‌وجناب‌میرزاسالك‌نیز تشریف داشتند.

جنبش آزادیخواهی در ترکیه

یکشنبه ٤ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ - از قرار مشهور این اوقات در اسلامبول میان ملت ودولت مخالفت افتاد وجنگی واقع وتقریباً سه‌هزارنفراز طرفین مقتول شده و عراق عرب‌هم خیلی مغشوش است . عثمانی‌هم حالت حالیه ایران را پیدا کرده است .

ورود قزاق به‌آذربایجان

دوشنبه پنجم ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ - ازقرار مذکور دوهزار قزاق یا سالدات‌روسی وارد جلفای‌تبریز شده برای رساندن آذوقه‌به‌اهالی تبریز و منع‌جنگ ملت با دولت و فراهم آوردن امنیت آن صفحات .

خلع سلطان عبدالحمید

پنجشنبه ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ - از قرار مسموع اسلامبول در حادثه بزرگی‌واقع وجمع‌کثیری مقتول در آخر قشون ازسالونیك وارد اسلامبول شده شهر را منظم و سلطان عبدالحمیدخان را از سلطنت خلع و سلطان‌محمد برادرزاده‌اش را در سلطنت برقرار کرده‌اند .

از شهبندری رقعه دعوت جشن جلوس اعلیحضرت سلطان‌محمدخان سلطان‌جدید

عثمانی‌رسیدکه جمعه ۹ در شهبندرخانه مجلس جشنی منعقد خواهدشد. ازطرف‌کارگذاری رقعه‌های دعوت باشخاص‌لازم نوشته وفرستاده‌شد.

سلطان محمدخان بسلطنت عثمانی انتخاب شد

جمعه ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ - حضرت والا محتشم‌الدوله وفرزند ارجمندشان شاهزاده اسعدالدوله محض عیادت تشریف آوردند (چندروز مبتلا بدل‌درد و در منزل مشغول استراحت و معالجه هستم) معلوم شد برای تبریك جلوس اعلیحضرت سلطان جدید عثمانی بشهبندرخانه رفته از آنجا مراجعت نموده‌اند . فرمودند جناب‌احمدبیك‌شهبندرمضمون‌تلگرافی‌که ازسفارت‌سنیه‌به‌شهبندری رسیده این‌طور بیان‌کرده‌که (سلطان عبدالحمیدخان ازسلطنت‌ساقط محض خواهش ملت و فتوای شیخ‌الاسلام سلطان‌محمدخان ولیعهد بسلطنت برقرار گردید) .

این‌واقعه از وقایع بزرگ دنیا وداستان تاریخی است . اگرچه در دنیا ازاین‌وقایع خیلی اتفاق‌افتاده وخواهد افتاد . سلطان عبدالحمیدخان سی واندسال در کمال استقلال واقتدار وعقل وتدبیر سلطنت مستبدکرد ودر این‌اواخر که هنوز یکسال نشده بصرافت طبع یا بملاحظه مشروطه‌بخشید . معلوم نیست علت چه‌شده باین‌زودی مشروطهٔ عثمانی منسوخ و بحال استبداد اولیه عود و سلطنت از سلطان عبدالحمیدخان یکدفعه خلع گردید.

انفصال مشیرالسلطنه ازصدارت

خبر انفصال مشیرالسلطنه از صدارت و تفویض بحضرت والا نایب‌السلطنه امروز تگرافاً رسید .

سه‌شنبه ۱۳ربیع‌الثانی۲۷- پاکتی‌ازجناب‌شجاع‌السلطان ازهمدان رسید که خبر فوت برادر ناکامم نادعلی‌خان را نوشته تسلیت داده و ورود محمدعلی‌خان‌سرتیپ‌اخوی‌رابهمدان‌اطلاع‌داده‌بود.

فوت مرحوم نادعلی‌خان

از این‌خبر ناگوار خیلی متأثر شدم اگرچه در دنیا پیر و جوان همه این راه را طی خواهند کرد . جز تسلیم و رضا چاره‌ای نیست . بعد از مغرب محض دعوت حضرت حکمران بتماشای آتش‌بازی شب مولود اعلیحضرت محمدعلی‌شاه رفتم . جمعی از شاهزادگان و مأمورین خارجه بودند از آنجا ببانگ شاهنشاهی رفتم که چراغانی کرده بودند.

دو تلگراف از وزارت امورخارجه بکارگذاری رسید باین مضمون کابینهٔ وزراء

تغییر کرد وحسب‌الامر اقدس اعلی تاتعیین وزیر امورخارجه این‌بنده امور وزارت‌خارجه را اداره وکفالت خواهم‌کرد. اسدالله مشارالسلطنه.

حسب‌الامر اقدس اجازهٔ افتتاح پارلمان وسنا صادر و حکم انتخابات هم‌داده شد ـ اسدالله مشارالسلطنه.

جمعه ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ ـ از بعدازظهر دیروز مجلس عزای برادر ناکامم نادعلی‌خان مرحوم برپا از تمام طبقات مردم تشریف آوردند . قبل‌ازظهر حضرت حاجی ظهیرالملك حکمران وجناب اعظم‌الدوله وازعلماء جناب حاجی‌آقاعلی‌اکبرمجتهدوآقاسید کمال‌الدین تشریف آورده مجلس ختم را برچیدند و جناب حاجی شیخ عبدالحسین روضه خواند.

دوشب است که درکرمانشاه برای استقرار وعطای مشروطه چراغانی نمودند .

ورود آقاسیدعبدالله بهبهانی

جناب مستطاب حجةالاسلام‌آقای آقاسیدعبدالله‌که تقریباًهفت‌هشت روز در بیزه‌رودمحترماًحبس بودند مرخص وامروز با احترامات و تشریفات وارد کرمانشاه شده در منزل برادر اعز اکرم خود جناب آقاسیدکمال‌الدین نزول نمودند . خیال دارند هرچه‌زودتر بعتبات مشرف‌شوند.

کابینهٔ‌جدید

دوشنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ ـ نزدیك‌غروب بتلگرافخانه رفته جناب خبیرالسلطان‌را ملاقات کردم . از قراریکه گفتند وزرای کابینهٔ جدید باین‌ترتیب انتخاب شده‌اند : حضرت والا فرمانفرما وزیر داخله ـ جناب مستوفی‌الممالك وزیر جنگ ـ جناب‌مشیرالدوله وزیرعدلیه ـ جناب مؤتمن‌الملك وزیر علوم ومعارف ـ جناب امیرنظام وزیرمالیه (درغیاب جناب ناصرالملك تا ایشان‌ازفرنگ مراجعت نمایند) مهندس‌الممالك وزیر معادن و طرق و شوارع ـ حضرت سعدالدوله رئیس‌الوزراء ووزیر خارجه .

یکشنبه ۲۵ ربیع‌الثانی ۲۷ ـ دیروز جناب امین‌الممالك که برای آوردن جناب آقای امام‌جمعه بماهیدشت‌رفته‌بودامروزایشان‌را همراه آورد(جناب‌امام‌جمعه‌که بمشایعت جناب آقای آقاسیدعبدالله بماهیدشت رفته بود عبدالله‌خان فراش‌باشی داودخان کلهر سردارمظفر ایشان‌را نگاهداشته و گفته‌بود سی‌هزارتومان اهالی کرمانشاه بفتوای امام جمعه ازمابغارت برده‌اند باید پس‌بدهند.از قرار مشهور عبدالله‌خان فراش‌باشی‌بدون‌اطلاع سردار مظفر مرتکب اینکار شده است)·

تلگراف سپهدار بشاه

فرزندی‌هاشم‌خان‌بینده‌تلگرافی نشان داد که حضرت اجل‌سپهدار محمدولی‌خان تنکابنی از قزوین با اجزاء انجمن ولایتی رشت و قزوین باعلیحضرت محمدعلی‌شاه ازراه دولتخواهی در اصلاح‌امور

مملکت‌ایران عرض‌واستدعانموده‌اند (خیلی باادب‌ومعقولیت)وده‌شرط در عریضه‌قرارداده استدعا نمودند که اعلیحضرت قبول واجابت فرمایند.

دارزدن قاسم‌آقا امیرتومان در قزوین

خبرکشته‌شدن حاجی میرزامسعود شیخ‌الاسلام قزوینی و دارزدن قاسم‌آقای امیرتومان بدست فدائیها و گرفتارشدن حاکم قزوین میرزا ابوالقاسم‌خان نوری منتشر است و این فقره در طهران و همدان وجاهای دیگر اسباب وحشت مردم شده است .

دوشنبه ۱۱ جمادی‌الاولی ۱۳۲۷ ـ سرکار والا اکرم‌الدوله رئیس پست بکارگذاری آمدند و مذکور داشتند بواسطه آمدن ایل‌کاکاوند راه مغشوش و پست دولتی که امروز میبایست حرکت کند توقیف شد و حرکت‌نکرد .

دیشب تلگراف تسلیت‌ازحضرت اشرف‌سعدالدوله‌رئیس‌الوزراء ووزیر امورخارجه برای بنده در مصیبت وارده رسید امروز جواب عرض‌کردم.

استعفای ظهیرالملک ازحکومت کرمانشاه وانتصاب ظهیرالدوله

سه‌شنبه ۱۲ جمادی‌الاولی ۲۷ ـ طرف عصر آقای معاضدالملک آمدند باتفاق سواره بگردش رفتیم . در مراجعت شنیدم‌حکومت کرمانشاه تغییرکرده استعفای حضرت حاجی ظهیرالملک قبول‌شده وبجای‌ایشان حضرت‌ظهیرالدوله برقرارگردید وجناب‌اعظم‌الدوله راهم نایب‌الحکومه قرار داده‌اند .

چهارشنبه ۱۳ جمادی‌الاولی ـ بنا بقولی روز وفات‌حضرت فاطمه زهرا (ع) است طرف صبح بحسینیه معین‌الرعایا باستماع روضه رفتم جمعیت زیادی از مرد و زن بودند روضه‌خوانهای زیادی خواندند .

سیداکبرشاه

جناب آقای سیداکبرشاه‌هم خوب وعظ نموده روضه خواند واقعاً در تقریر وبیان تالی ندارد . این اوقات روضه‌خوانی درکرمانشاه خیلی بیشتراز ایام عاشورا است.

ابیاتی از ادیب‌السلطنه

چهارشنبه ۲۰ جمادی‌الاولی ۱۳۲۷ ـ طرف عصر بعیادت جناب میرزاسالك‌رفتم . یك قصیده جناب‌میرزاحسین‌خان ادیب‌السلطنه سروده برای جناب سالك فرستاده بودند از وضع حالیهٔ مملکت ایران وحال سلطنت و رعیت خیلی مناسب و خوب واقع را بیان کرده‌اند مطلع قصیده ین بود :

شاه چو باشد خداپرست و مسلمان　　خلق در امنیتند و ملك بسامان
شه چو مسلمان بود کسی‌نتواند　　تافت سراز ربقهٔ شریعت یزدان
نیك وبدقوم‌خویش نیك بـدانـد　　چونان کاحوال گوسفندان چوپان
ورنه چوشه بی‌خبر بود ز رعیت　　دربر او عدل و ظلم باشد یکسان

. . . . . .

شنبه ۲۳ جمادی‌الاولی ۲۷ ـ امروز یکسال قمری است که در طهران بمجلس شورای‌ملی توپ‌بستند . امسال در ۱٤ ربیع‌الثانی باز مشروطه اعاده نموده اعلیحضرت همایونی محمدعلی‌شاه حکم بافتتاح پارلمان فرمودند . انشاءالله این‌دفعه پارلمان پایدار خواهدماند گرچه برهیچ‌چیز دنیااعتماد نمیتوان‌کرد ودنیا همیشه در تغییر است .

استقبال از ظهیرالدوله

یکشنبه ۲٤ جمادی‌الاولی۲۷ ـ باتفاق معاضدالملك تاسرپل‌قره‌سو باستقبال حضرت حکمران (ظهیرالدوله) رفتم در بین‌راه آقایان مستشارالایاله و ارفع‌الممالك با سوارهای قزاق قونسولگری روس ملحق شدند[1].

سرپل جناب اعظم‌الدوله باجمعی از اعیان‌شهر جمع‌بودند .قدری‌نشستیم‌تا حضرت حکمران‌با همراهان تشریف آورده با مستقبلین که‌معروف بودند تعارف نموده روانهٔ‌شهر شدند .

اعتراض بتوقف قوای‌روس در تبریز

دوشنبه دوم‌جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۷ ـ عصر بتلگرافخانه رفتم‌گفتند ازطرف عموم‌علماء خوانین واعیان همدان تلگرافی باهالی‌وآقایان واعیان کرمانشاه مخابره شده‌که توقف‌قزاق و سالدات روس در تبریز اسباب خیلی‌زحمت وصدمه اهالی شده است . در اسلامیت ووطن‌دوستی باید متفق‌شد وبجاهای لازمه تلگراف کرد واسباب اخراج قزاق‌های روس‌را ازتبریز فراهم‌کرد این تلگراف در مسجد جامع که‌روز اجتماع آقایان علماء واعیان در انجمن جامع اتحاد بود قرائت میشود و حاضرین بحال تبریزیها گریه میکنند .

سه‌شنبه سوم‌جمادی‌الاخره ـ اول سرطان وآثار تابستان نمایان است .

ازقرار مذکور امروزصبح‌حضرت حکمران (ظهیرالدوله) وعلماء فخام‌وشاهزادگان عظام واعیان‌شهردر منزل جناب آقای‌حاجی‌آقااکبر مجتهد مجتمع ودر فقرهٔ امنیت شهر و ترتیب مجلس انجمن‌ایالتی‌وغیره مذاکره طولانی کرده بودند. جناب‌آقای آقامحمدمهدی مجتهد سرمنبر رفته مردم را وعظ و نصیحت در اتفاق واتحاد عموم بلد شرحی بیان

۱ـدرآن موقع قونسولگری‌روس‌عده‌ای‌قزاق‌روس‌وقونسولگری انگلیس‌عده‌ای‌سوار هندی بعنوان‌مستحفظ داشتند .

فرموده‌بودند . خداوند گوش شنوا واثر عطافرماید .

انتخاب هیئت نظار

پنجشنبه ۵ جمادی‌الاخره ـ گفتند امروز در مسجد جامع شش نفر برای نظارت در تعرفه‌دادن بمردم کرمانشاه معین نمودند : امین‌الممالك ، استادمحمد معمارباشی ، شاهزاده‌محمد باقرمیرزا، حاجی‌سید ، معین‌الرعایا، میرزاابوالحسن‌خان .

جواب تلگراف اهالی کرمانشاه از سفارت سنیهٔ عثمانی بامضای محمد صدرالدین رسید وقرائت شدکه انتشار بعضی‌اخبار بی‌اصل است در انتخاب‌وکلا وانعقادانجمن‌ایالتی ساعی باشید! ...

شنبه ۷ جمادی‌الثانی ۲۷ ـ یکساعت بغروب مانده حضرت ظهیرالدوله حکمران تنها بکارگذاری‌تشریف آوردند. سرکارسرتیپ‌اخوی‌وفرزندی‌هاشم‌خان ومیرزااسدالله‌خان نایب‌کارگذاری را بحضرت‌آقا معرفی‌کردم. حقیقة حضرت آقا درحسن خلق وادب‌افراط فرموده‌اند.

سه‌شنبه ۱۰ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۷ ـ نزدیك غروب بدارالحکومه رفتم جمعی از آقایان علماء واعیان بودند در خصوص جواب تلگراف واصله از جناب‌اشرف‌حاج‌علی‌قلی‌خان سردار اسعدبختیاری از قم وجواب تلگراف اهالی مشهد مذاکره نمودند.

یکشنبه ۱۵ جمادی‌الاخرهٔ ۲۷ ـ از قراریکه شنیدم دیروز محمدصادق میرزا پسر شاهزاده‌محمدباقرمیرزا (دولتداد) با چندنفر دیگر بدون اطلاع بهمدان رفته‌اند از آنجا بقزوین یا پیش‌مجاهدین بروند.

در شهر کرمانشاه مشغول تعرفه‌دادن‌بمردم هستند که پس‌ازاتمام دادن‌تعرفه برای انتخاب وکلا واجزاء انجمن ولایتی از مردم رأی بگیرند.

حرکت سرداراسعد ازقم وسپهدار ازقزوین بطهران

ازقراراخبار منتشره‌عده‌ای‌سوار بختیاری‌بهمراهی‌جناب‌سرداراسعد ازقم‌وعده‌ای‌هم‌باجناب سپهدارازقزوین‌روبطهران‌حرکت‌نموده‌اند. اعلیحضرت همایونی نیز در سلطنت‌آباد شمیران تشریف دارند و عده‌ای‌قشون هم برای‌حراست اعلیحضرت درسلطنت‌آباد است.

سه‌شنبه۱۷جمادی‌الاخره ـ بقرارمذکورجناب‌حاجی‌ظهیرالملك‌هم بمسجدجامع رفته قسم یادنموده‌اندکه حامی‌قانون ومشروطه‌باشند دوسه‌روزقبل اغلب آقایان و اعیان نیز قسم قرآن یادنموده‌اند که باقانون اساسی مشروطه همراه بوده‌بهمدیگر خیانت‌نکنند . وضع‌طهران‌متزلزل‌ومردم متوحش‌هستند خداوند اصلاح نماید.

پنجشنبه ۱۹ جمادی‌الاخره ـ طرف عصر باتفاق باش‌شهبندر (عبدالکریم‌بیك)

بدارالحکومه خدمت‌حضرت حکمران(ظهیرالدوله) رفتیم. باش‌شهبندر از واقعهٔ‌اسلامبول وخلع سلطان عبدالحمیدخان که حالا در سالونیک‌در حبس ملت عمر میگذراند صحبت نمودند .

تلگراف سفارت روس‌راجع بجنگ آزادیخواهان با قزاق‌ها

از قراریکه حضرت آقای ظهیرالدوله فرمودند امروز قونسول روس بدارالحکومه آمده مضمون تلگراف رمز که ازسفارت‌روس رسیده‌اینطوربحضرت حکمران‌بیان‌نموده بودکه‌شنبهٔ‌گذشته نزدیك غروب جمعی از مجاهدین که ازطرف سپهدار عازم طهران‌بوده‌اند درحوالی پل کرج با قزاقهاکه از طرف طهران مأمورجلوگیری مجاهدین‌بوده‌اند تصادف نموده جنگ فیمابین واقع تقریباً دویست نفر ازمجاهدین‌مقتول‌یك‌نفر صاحبمنصب از قزاقها کشته وچندنفر هم زخمی میشوند دوعراده‌توپ‌که همراه‌مجاهدین بود قزاقها گرفته میبرند باقی‌مجاهدین فرار میکند.

منازعه وزدوخورد بین معین‌الرعایا وظهیرالملك

سه‌شنبه ۲٤ جمادی‌الاخرهٔ ۲۷ - در کرمانشاه اثر انقلاب و شورش ظاهرشد باین‌طورکه مردم شهر دوفرقه شده‌اند یکی‌برضد حسین‌خان معین‌الرعایا واعوان وانصارش که اغلب از اعیان و اشراف و رئیس آنها جناب حاجی ظهیرالملك است و فرقهٔ دیگر معین‌الرعایا وبرادرها ومتابعانش . رفته‌رفته انقلاب غلیظ‌ترشد و جناب ظهیرالملك جداً خارج‌شدن معین‌الرعایا وچندنفردیگررا از شهر خواستند واغلب مردم‌نیز هم‌رأی شدند وطرف‌مقابل در نرفتن ایستادگی نمودند. بعدازمغرب‌بدارالحکومه‌خدمت حضرت‌ظهیرالدوله حکمران رسیدم ازانقلاب شهرصحبت بمیان آمد در این بین جناب رضی‌الملك که ازطرف‌حکومت نزد جناب ظهیرالملك پیغام برده‌بودند مراجعت کردند . حضرت حکمران فرمودند بنده باتفاق رضی‌الملك خدمت جناب آقای آقامحمد مهدی مجتهد برویم شاید فتنه را بخواباند رفتیم ایشان منزل نبودند .

چهارشنبه ۲۵ جمادی‌الاخره - صبح بدارالحکومه رفتم . از طرف جناب حاجی ظهیرالملك پیغام آوردند معین‌الرعایا امروزعصر باید با برادرهایش بیرون برود والابقوهٔ جبریه از شهر بیرونش میکنیم . حضرت حکمران بنده وجناب رضی‌الملك را با پیغامات نیش‌ونوش پیش معین‌الرعایا فرستادند که مقتضی وقت اینست چندروزی بعزم گردش و تفریح از شهر بیرون بروید و اسباب بلوا نشوید.

با رضی‌الملك رفتیم حسینیه معین‌الرعایا دیدیم خود وبرادرهایش وجمعی دیگر مسلح ومکمل‌شده حاضر جنگ هستند . قدری در حسینیه گفتگو کرده بعد بخانهٔ کوچکی که نزدیك حسینیه است رفتیم.

معین‌الرعایا بی‌میل نبوداز شهر خارج شود یکی دوشرط داشت . در این بین دیدیم مشهدی‌حسن برادرش با تفنگ خودرا غرق فشنگ کرده وارد وقدری رجزخوانی کرد که تا جان داریم سه‌نفر برادر ازشهر بیرون نخواهیم رفت مگرخونمان ریخته شود. پس‌از رجزخوانی زیاد رفت باز مشغول صحبت ونصیحت شدیم معین‌الرعایا نرم‌شد که با احترام عریضه خدمت جناب حاجی‌ظهیرالملك بنویسد که ازاو گذشت‌نماید.

در این صحبت بودیم که یك‌دفعه اکبرخان معاون‌الرعایا برادر دیگر معین‌الرعایا با شاط وشوت زیاد وباد وبروت بالاتر از مشهدی‌حسن برادرش وارد وخیلی داد و قال کرد مثل اینکه تکیه‌اش بکوه‌الوند است وتمام کرمانشاه با او همراهند . اگر بنای‌جنگ شود فوراً طرف مقابل را مغلوب خواهندکرد . اکبرخان میگفت اگر ازطرف‌مقابل‌یك‌تیر توپ خالی شود فوراً توپ را میگریم با دوش کشیده میآورم اگر نیاورم چنین و چنان باشم .... بالاخره طوری دادوقال راه انداخت که بنده از مجلس برخاستم و مجلس بهم‌خورد .

از آنجاباتفاق رضی‌الملك بمنزل جناب حاجی‌ظهیرالملك رفتیم دیدیم‌ازدحام‌غریبی است ازتمام‌طبقات مردم اغلب‌مسلح‌هستند. بزحمتی به‌تالاررفتیم متفقاً اخراج‌معین‌الرعایا را مطالبه میکردند . ازاینجا بمنزل برگشتیم .

سه بغروب مانده‌صدای تفنگ شنیدیم معلوم‌شد جنگ شروع شده تا مغرب‌صدای توپ وتفنگ متصل‌میآمد ولی‌شب‌خبری‌نبود.

پنجشنبه ۲۶ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۷ ـ صبح‌ازطرف جناب آقای آقامحمدمهدی‌مجتهد پیغام‌آوردندعده‌ای‌ازآقایان علماء بمنزل جناب ظهیرالملك رفته‌اند شماهم بیائید . قصد منزل جناب حاجی ظهیرالملك‌راکردم ، نزدیك منزل ایشان معلوم‌شد آقایان ازآنجابقصد خانهٔ معین‌الرعایا رفته‌اند که هرطور هست اورا مردانه خارج شهر نمایند . من بدارالحکومه‌رفتم.

تحصن معین‌الرعایا وهمراهانش

در این بین میرزاعلی‌اکبرخان منشی قونسول انگلیس وارد و از طرف قونسول عنوان‌کردکه معین‌الرعایا و وثوق‌الممالك ومیرزا فتح‌الله رئیس‌التجار بی‌اجازه بقونسولگری آمده متحصن‌شده‌اند . قونسول پس از تبلیغ سلام گفتند مأمورین دولت فخیمهٔ انگلیس

درقونسولگری انگلیس ابداً باموردداخلی‌ایران مداخله نمیکنندو بهیچوجه‌مداخله‌نخواهند کرد حکومت هرطور صلاح میداند بفرستند اینهارا از قونسولگری ببرند.

پس از مذاکرات باز قرعهٔ فال بنام بنده زدند بناشد من با جناب رضی‌الملك و میرزاعلی‌اکبرخان بقونسولخانه برویم، رفتیم صحبت‌کردیم . قونسول گفت چون‌دولتین انگلیس وروس در بارهٔ امور ایران با اطلاع و مشورت همدیگر مداخله مینمایند لهذا تفصیل‌را بجناب قونسول روس اطلاع داده منتظر ورود ایشان هستم . چنددقیقه گذشت پاکتی آوردند معلوم شد ازقونسول روس است .

قونسول گفت که ما ابداً در این‌کار مداخله نمیکنیم و حمایت‌نداریم این حضرات را از اینجا ببرید . گفتم صحیح است ولی اینها برضایت از اینجا بیرون نخواهند رفت. بعنف و جبر هم اگر برده شوند اسباب بی‌احترامی قونسولخانه خواهد شد بهرحال از قونسولگری رقعه‌ای‌بجناب ظهیرالملك نوشتم تا قریب ظهر منتظرشدم جواب نرسید لذا از قونسول خداحافظی کرده بیرون آمدم. در قونسولخانه سه‌نفر متحصنین‌راملاقات‌کردم ولی آنهارا بحال‌بدی‌دیدم .

وقتیکه از دارالحکومه بقونسولخانه میرفتم صدای توپ و تفنگ متصل میآمد و مشغول تاراج خانهٔ معین‌الرعایا ورئیس‌التجار وغیره بودند.

آتش‌زدن وغارت تکیه وخانهٔ معین‌الرعایا در قونسولخانه دیدم که حسینیه معین‌الرعایارا هم آتش‌زده‌اند دودش بهوامیرود[1]. خانهٔ رئیس‌التجار بیچاره راهم که اول منزل این‌شهر حساب‌میشداثاث‌البیت آنرا غارت و هم آتش‌زده خراب نمودند . خانهٔوثوق‌الممالك ازغارت وخرابی مصون‌ماند .

اغلب مردم اشرار ووحشیان این‌شهر حقیقتاً خیلی نادان و ابداً انصاف بونکرده‌اندوغرض شخصی را برای خرابی یکدیگر خرج میدهند . گفتند خانهٔ حاجی‌شیخ‌عبدالحسین‌روضه‌خوان‌را هم غارت کرده مشغول خراب کردن هستند .

جمعه ۲۷ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۷ - صبح جناب حاجی ظهیرالملك پیغام فرستاده بودند ایشان را ملاقات کنم رفتم . میگفتند باید قونسول متحصنین را از قونسولخانه خارج‌کند تا بمجازات برسند . (دیگر نمیگویند باید تحقیقات کرد و تقصیرشان‌را ثابت نمود پس‌ازثبوت تقصیر جزا داد) خلاصه حرف حق نمیشود زد وپیش‌هم نمیرود .

۱- این‌حسینیه بسیار مجلل و مزین و وسیع وآئینه‌کاری‌شده بود و شاید درایران نظیر نداشت - نگارنده

از قراریکه مغرضین میگویند پناهندگان یك‌تقصیر بزرگشان اینست که مخل و مانع اجرای قانون مشروطه بودند وحال آنها منکر این مسئله هستند. بهرحال‌حساب‌در کار نیست زور و اغراض شخصی در کار است .

استعفای ظهیرالدوله

از منزل جناب ظهیرالملك بدارالحکومه رفتم دیدم حضرت ظهیرالدوله در کار استعفا وبمأمورین خارجه و آقایان نوشته‌اند که از امروز از حکومت استعفا داده‌ام دیگر کاری بمن رجوع نکنید . در این‌بین عده‌ای از اعیان‌وآقایان‌آمده و استدعا کردند در این انقلاب شهر استعفا ندهند.

خلع محمدعلی‌میرزا وانتخاب احمدشاه

شنبه ۲۸ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۷ - طرف عصر خدمت حضرت ظهیرالدوله حکمران رسیدم تلگرافاتی از طهران راجع به تغییر سلطنت رسیده بود ارائه دادند .

لب مطلب‌این‌بودکه‌جمعه۲۷ سلطنت از شاهزاده محمدعلی‌میرزا خلع وبحضرت والا سلطان احمدمیرزا ولیعهد محول گردید و حضرت والا عضدالملك موقتاً نایب‌السلطنه، حضرت سپهدار اعظم سپهسالار و حضرت سرداراسعد به‌وزارت داخله منصوب شده‌اند .

یکشنبه ۲۹ جمادی‌الاخره - عصر باتفاق سرکار محمدحسن‌خان سرتیپ اخوی بدیدن سردار مظفر داودخان ایلخانی‌کلهر که در باغ ظهیرالملك منزل کرده‌است رفتیم. سوار وپیادهٔ زیادی همراه آورده واین سوار وپیاده خالی اززحمت وخسارت برای اهل کرمانشاه نیست . دوسه‌نفر از پسرهای سردار مظفر همراهش آمده‌اند.

یکی از اینها تقریباً بیست سال داشت موسوم بسالاراقبال . پس از انجام تعارفات بیرون آمدیم.

مردم بی‌انصاف وحشی‌کرمانشاه هنوز دست از خراب‌کردن خانهٔ رئیس‌التجار و معین‌الرعایا و حاج‌شیخ‌عبدالحسین نکشیده ومشغول هستند .

تلگراف وزارت امورخارجه راجع به تغییر سلطنت

تلگراف ذیل ازوزارت امورخارجه رسید:

جناب جلالتمآب فریدالملك‌کارگذار خارجه‌زید مجده‌چون‌انقلابات اخیر ایران لزوم اعادهٔ نظم و تصحیح دوائر دولتی را بر عموم ایرانیان ثابت کرد وبملاحظهٔ اوضاع کنونی و انزجار قلوب از اعلیحضرت محمدعلی‌میرزا استقرار حقوق و اطمینان بدون تغییرسلطنت‌مقدور نبود لهذا در غیاب مجلسین سنا وشورای‌ملی

مجلس عالی فوق‌العاده جمعهٔ ۲۷ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۷ در طهران و در عمارت بهارستان تشکیل یافته و اعضاء آن که علما و رؤسای مجاهدین و شاهزادگان و اعیان و اشراف و وکلای سابق بودند باتفاق آراء اعلیحضرت محمدعلی‌میرزا را از سلطنت معاف ومطابق اصل ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی اعلیحضرت قویشوکت‌سلطان احمد میرزا را بمقام سلطنت منصوب ونیابت سلطنت موقتاً بحضرت‌مستطاب اشرف‌عضدالملك دامت‌شوکته‌تفویض نموده تابعد ازتشکیل پارلمان بنابمادهٔ ۳۸ قانون‌اساسی ازبابت‌نیابت سلطنت قرار قطعی داده شود . محض اطلاع آنجناب اعلام‌شد (مشارالسلطنه) .

دوشنبه غره رجب‌المرجب۱۳۲۷ - ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ .

بواسطهٔ استعفای حضرت ظهیرالدوله ازحکمرانی ونبودن حاکم اغلب امورمعوق ودرعهدهٔ تعطیل است .

امروزشنیدم داودخان رئیس ایل‌کلهر(سردارمظفر) خدمت‌حضرت آقای‌ظهیرالدوله مشرف وازآنجا ببازدید جناب‌حاجی ظهیرالملك رفته است وقت رفتن سوار وپیاده‌تفنگچی زیادی همراهش برده است.

چهارشنبه ۳ رجب ۲۷ - اغتشاش کرمانشاه بدرجهٔ کمال رسیده‌است.آذوقه‌هم از ترس سوار وپیادهٔ کلهر از اطراف بشهر نمیآورند .

صبح خدمت حضرت آقای ظهیرالدوله رسیدم‌هنوز در استعفاباقی وازطهران‌تکلیفی برای معظم‌له تعیین نشده . از قراریکه فرمودند وزارت عدلیه اعظم موافق خبرتلگرافی بحضرت والا فرمانفرما محول شده هنوز سایر وزراء مشخص نگردیده‌اند .

پنجشنبه ٤ رجب ۲۷ - ازقرار مذکور جمعی از آقایان واعیان شهر برای اصلاح مابین جناب اعظم‌الدوله (پسر جناب ظهیرالملك) وسردار مظفر بباغ ظهیرالملکی‌رفته بعضی مذاکرات نموده وقت مراجعت بشهر آدمهای بعضی از آقایان را لخت کرده‌اند و مال بعضی راهم کلهرها گرفته بودند. کلهرها در وحشیگری وسبعیت بطوریکه مشهور است نظیر ندارند از همین یك‌فقره معلوم است وقتیکه مردم بدیدن میروند لختش میکنند وشرم ندارند .

طرف عصر جناب ظهیرالملك آدم فرستاده بودند از ایشان ملاقات کنم رفتم دیدم گفتگوی سردارمظفر با اعظم‌الدوله است . جمعی از اهل‌کرمانشاه با تفنگ مسلح جمع و برای جنگ کردن با داودخان سردارمظفر حاضر شده‌اند . قرار شد امین‌الممالك با آقاسیدحسن بروند سردار مظفر را ببینند اورا راضی کنند از اینجا برود و تولید زحمت نکند.

جنگ اهالی شهر با کلهرها

جمعه ۵ رجب ۱۳۲۷ - شب گذشته اهل شهر با سردار مظفر طرف شده کاربجدال کشید تا صبح صدای تفنگ میآمد . آخرالامر داودخان ایلخانی فراراً از کرمانشاه رفت و نتوانست بماند اگر چندروزمیماند در این شهر قحطی میشد . بحمدالله شرشان از شهر کندهشد ولی بدهات ومردم خیلی خسارت وارد آوردند.

طرف عصر خبر دادندبعضی ازاراذل جمع شده میخواهند بخانهٔ امین‌الممالک بریزند وغارت کنند ولی مانع شده نگذاشتند. در کرمانشاه موضوع غارت خیلی شیوع پیدا کرده ومعمول شده مؤاخذه ومسئولیتی در کارنیست.

اجامر واوباش راه دغلی برای خود پیدا کرده‌اند . بیچاره مردم بهیچوجه امنیت ندارند .

شنبه ٦ رجب ۲۷ - بواسطه انقلاب شهر و اطراف و معین‌نشدن حاکم کارها معوق ومعطل‌است. آقا میرزاعلی‌اکبرخان منشی قونسولگری انگلیس‌ازطرف‌قونسولگری پیغام آورد دیشب بقونسولخانه سنگ انداخته‌اند نوکرها خبرشده فرار کرده‌اند قراول بفرستید یا اجازه بدهید به بغداد بنویسیم از قونسولخانهٔ آنجا قراول بیاید . امروز آقایان واعیان شهر نظم وامنیت شهررا بعهدهٔ جناب ظهیرالملک واگذاشته و ایشان‌هم قبول نموده‌اند .

جلوس احمدشاه

یکشنبه ۷ رجب ۱۳۲۷ - قبل از ظهر صدای نقاره‌خانه شنیدم پس‌از تحقیق‌معلوم‌شد اعلیحضرت اقدس‌سلطان احمدشاه‌چهارشنبه سوم اینماه از سلطنت‌آباد به طهران تشریف‌فرماشده و به تخت سلطنت جلوس فرموده‌اند . نزدیك مغرب خدمت حضرت آقا ظهیرالدوله رسیدم عجالتاً ازحکومت استعفا داده منتظر جواب تلگراف طهران هستند . وقت مراجعت بمنزل دیدم بازاررا چراغانی کرده‌اند.

جمعه ۱۲ رجب ۲۷ - از قرار مذکور تمام آقایان و اعیان و اشراف کرمانشاه خدمت حضرت آقای ظهیرالدوله شرفیاب ومستدعی شده‌اند که در حکمرانی‌این بلد باقی بمانندوحضرت‌آقاهم اجابت‌فرموده‌اند.

مهمانی ظهیرالدوله

دیشب حضرت آقای‌ظهیرالدوله در کارگذاری بصرف شام‌موعود بودند . جنابان ظهیر حضور و ناصرعلی‌خان فرزندان معظم‌له جنابان سردار اجلال و ساعد همایون رئیس عدلیه ، رضی‌الملک معتضدالسلطان واحتشام‌لشکر ، اشجع‌الممالک و ابوالقاسم‌میرزا هم بودند.

وقت مغرب بر حسب‌دعوت‌حکومت به تماشای آتش‌بازی جشن جلوس‌اعلیحضرت سلطان احمدشاه بمیدان توپخانه رفتم .

جشن جلوس سلطان‌احمدشاه

شنبه ۱۳رجب ۲۷ـ دردارالحکومه سلام‌وجشن‌جلوس‌اعلیحضرت سلطان احمدشاه بر پا بود ۱٤ تیر توپ بعدد سن پادشاه‌جوانبخت شلیك‌کردند.

دوساعت ونیم بغروب مانده نیز مأمورین خارجه مقیم کرمانشاه (برحسب دعوت کارگذاری) با لباس رسمی بدارالحکومه آمدند وحضرت آقای ظهیرالدوله از حضرات پذیرائی نمودند.

از طهران واقعهٔ استعفای محمدعلی‌شاه ورفتن به زرگنده سفارتخانهٔ ییلاقی روس وپناهنده‌شدن در آنجا وجنگ سه‌روز وسه‌شب مجاهدین از طرف ملت با دولتیان وغلبهٔ مجاهدین را مفصلا نوشته بودند.

فرار معین‌الرعایا

سه شنبه ۱٦ رجب ۱۳۲۷ ـ از قراریکه شنیدم خیال دارند معین‌الرعایا و میرزا فتح‌الله رئیس‌التجاررا از قونسولخانهٔ انگلیس بیرون بیاورند ودر عدلیه استنطاق کنند ولی بطوریکه گفته‌شد دیشب‌فراراً رفته‌اندولی هنوزمعلوم نیست بکدام سمت و بکجا رفته‌اند . وثوق‌الممالك رفیقشان در خانهٔ جناب آقاسیدکمال‌الدین متحصن‌شده است .

افتتاح انجمن‌ولایتی

چهارشبنه ۱۷ رجب ۱۳۲۷ ـ امروز درکرمانشاه انجمن‌ولایتی‌را باحضور حضرت آقای‌ظهیرالدوله حکمران و آقایان و اعیان و جمعیت کثیری افتتاح نمودند.

منتخبین جنابان آقای آقا محمدمهدی مجتهد ، آقای شیخ‌هادی مجتهد ، آقای حاجی‌آقااکبرمجتهد، آقای حاجی‌آخوندملاحسین، شاهزاده‌محمدباقرمیرزا، ابوالحسن‌خان وحاجی‌سیدعلی‌تاجر هستند باکثریت‌آراء انتخاب شده‌اند.

تهدید خوانین کلیائی

جمعه ۲٦ رجب ۱۳۲۷ ـ طرف عصر بباغ دلگشا خدمت‌حضرت آقای ظهیرالدوله حکمران رسیدم . میرزاصادق‌خان ناظرحضرت آقا که چندی قبل مأمور سنقر وکلیائی بود تازه مراجعت‌کرده و عریضه از خوانین کلیائی وسنقر در باب‌معین‌الرعایا ورئیس‌التجار که بکلیائی رفته پناهنده شده‌اند بحضرت‌آقا آورده که‌اشخاصی‌که حسینیه وخانهٔ معین‌الرعایا ورئیس‌التجاررا غارت وخراب کرده‌اند غارت را پس‌بدهند و خانه‌هارا بسازند والااجازه داده‌شود پنجهزار سوار وپیاده ازکلیائی جمع‌شده‌ایم‌بکرمانشاه آمده تلافی‌خواهیم نمود.

دوشنبه ۲۹ رجب ۲۷ ـ مسترمك‌دوال‌قونسول انگلیس مأمور کرنشاه‌باتشریفات لازمه (ارسال‌کالسکه ویدك ازطرف‌کارگذاری) واستقبال نمایندگان ایالت و کارگذاری واردشد . این قونسول مدتها در محمره مأموریت داشته است[1] .

پنجشنبه دوم شعبان‌المعظم ۱۳۲۷ ـ عصر قونسول‌انگلیس برسم معمول‌باکالسکه وسواره که از طرف حکومت بقونسولخانه فرستاده شده بود باتفاق میرزاعلی‌اکبرخان منشی قونسولگری خدمت ظهیرالدوله مشرف شدند.

شب در دارالحکومه جشن منعقد وآذین بسته‌بودند مردم با بلیط داخل میشدند. پول بلیطرا برای مصارف مجروحین مجاهدین جمع کرده‌اند بطهران به انجمن اخوت بفرستد .

بانی این‌کار حضرت آقای ظهیرالدوله است.

یکشنبه پنجم شعبان ۲۷ ـ از طهران کاغذداشتم وضع آنجارا منظم نوشته‌بودند. ولی از بعضی‌اشخاص معتبر ومحترم به بهانه ووسائل مبلغ‌ها وجوه گرفته‌اند باسم اعانه وازپاره‌ای‌هم‌در خیال بوده‌اندبگیرندعلی‌الظاهر باسم اعانه که در باطن جریمه است.

عزیمت وکلای کرمانشاه

یکشنبه ۱۹ شعبان ۲۷ ـ شب برای وداع با جناب معاضدالملك (معاون کارگذاری) که وکیل کرمانشاه شده عازم طهران هستند رفتم جمعی از قبیل جناب آقای امام‌جمعه وغیره بودند.

فردا با دونفر وکیل‌دیگر جناب‌آقاسیدحسن ونواب‌والا ابوالقاسم‌ـ میرزا روانه طهران خواهندشد.

سه‌شنبه ۲۱ شعبان ۲۷ ـ طرف صبح خبر آوردند علی‌اکبرخان معاون‌الرعایابرادر معین‌الرعایا با چندنفر بتلگرافخانه وارد ومتحصن شده‌اند . ورود او بشهر اسباب هیجان مردم وانقلاب شهرگردید . بدارالحکومه رفتم . حضرت ظهیرالدوله حکمران‌همچو صلاح دیدند که حضرت والا محتشم‌الدوله جناب خبیرالسلطان رئیس تلگراف و بنده و حاجی ابراهیم‌خان وفرخ‌خان ایلخانی بمنزل جناب ظهیرالملك که جمعی از اهل شهرآنجا اجتماع کرده‌اند برویم .

دیدم آنها خروج معاون‌الرعایا را ازشهر میخواهند در مراجعت مراتب‌رابحضرت حکمران بیان‌کردیم . از قرار فرمایش ایشان جنابان ظهیرالملك و اعظم‌الدوله و امیر

۱ـ زن نامبرده از اهالی‌محمره بود و شهرت داشت مسلمان شده ـ نگارنده.

مقتدر هرسه بطهران احضارشده‌اند. دکان‌ها را بسته‌اند و شهر بدون جهت انقلاب پیداکرده‌است .

چهارشنبه ۲۲ شعبان ۲۷ - انقلاب شهر باقی وبازار و دکان‌ها بسته است .

انقلاب‌شهر

ازجناب آقای آقامحمدمهدی مجتهد وجناب ظهیرالملك وشاهزاده محتشم‌الدوله پیغام آوردند ماها مشغول زحمت واصلاح کار شهر هستیم شما چراراحت نشسته وخودرا کنارکشیده‌اید زود بیائید . با وجودیکه خیلی کار داشتم همه را گذاشته بمنزل جناب حاجی ظهیرالملك که آقایان آنجا جمع بودند رفتم . معلوم شد قرارداده‌اند سرکار شاهزاده محتشم‌الدوله وجناب خبیرالسلطان رئیس تلگراف وجناب‌آقاسیدحسن‌اجاق وبنده چهارنفری بطاق‌بستان رفته حسین‌خان معین‌الرعایارا که‌باجمعی از خوانین‌کلیائی آنجا آمده‌اند اطمینان داده‌بشهر بیاوریم . هرچهارنفر درشگه نشسته به‌طان بستان رفتیم دیدیم جمعی از خوانین کلیائی با سوار زیاد همراه معین‌الرعایا و رئیس‌التجار آمده‌اند و معین‌الرعایارا وکیل در انجمن ولایتی قرار داده‌اند . بعداز مذاکرات زیاد معین‌الرعایارا راضی‌کرده روانه شدیم ونوشته اطمینانی‌هم شاهزاده محتشم‌الدوله بمعین‌الرعایا دادند . خبیرالسلطان بنده وآقا سیدحسن هم مهرکردیم .

در بین راه محتشم‌الدوله محض احتیاط همچو صلاح دیدند که معین‌الرعا با آقا سیدحسن در وکیلیه بمانند ما سه‌نفری بشهربیائیم دوباره محتشم‌الدوله بایك‌نفردیگر برگشته معین‌الرعایارا وارد شهرکنند.

جناب آقاسیدحسن بامعین‌الرعایا درقهوه‌خانهٔ وکیلیه ماندند ما سه‌نفر بشهرآمدیم خدمت حضرت آقای ظهیرالدوله‌رسیده مشغول مذاکره شدیم. محتشم‌الدوله بمنزل‌جناب ظهیرالملك، خبیرالسلطان بتلگرافخانه و بنده تا مغرب خدمت حکمران بودم بعد بمنزل آمدم .

پنجشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۲۷ - قبل ازظهر بعزم منزل جناب حاجی ظهیرالملك بیرون آمدم بین راه گفتند که ایشان با بعضی آقایان در انجمن ولایتی هستند حضرت حکمران (ظهیرالدوله) هم آنجا تشریف برده‌اند آقای معین‌الرعایاراآنجا برده‌اند . حقیر هم برخاسته بعزم رفتن منزل جناب حاجی ظهیرالملك روانه شدیم . مجلس مرکب از آقایان محترم واهالی شهر منعقدشد.

صلح

جناب آقای آقامحمد مهدی مجتهد و جناب حاجی‌آخوند نطقی صلح‌آمیز فرمودند. و بنای آشتی و صلح شد طرفین که یکی

ظهیرالملك با معین‌الرعایا

معین‌الرعایا ودیگر قوام‌الرعایا وحاجی‌حسن‌خان کلانتر و حاجی رستم‌بیك بودند وجزء اعظم جناب حاجی ظهیرالملك بود ظاهراً ازکشته‌ها گذشت نموده صلح‌کردند و ورقه‌هم آقای معین‌الکتاب که عبارت از صورت مجلس صلح عمومی باشد نوشته و جناب ظهیرالملك و شاهزاده محتشم‌الدوله بعد سایرین مهر نمودند وقرآن‌مجید آوردند اغلب قسم یادکردند که من‌بعد هیچیك نه‌خودشان ونه اتباعشان اسباب اذیت و شرارت وجنایت نسبت بهم نشوند هرگاه یك‌نفر ازطرفین مرتکب شرارت‌شدبه‌انجمن ایالتی اظهارکرده پس‌از تحقیق واثبات تقصیر هرکس باشد حکومت بمجازات برساند وبموجب قانون هرچه حکم صادر شد در حق مقصر جاری شود.

اغتشاش و راهزنی

شنبه ۲۵ شعبان ۲۷ ـ مذکورشد که جمعی زوار خراسانی رادر نزدیکی نهر قره‌سو لخت کرده‌اند جزء آنها جمعی کابلی و تبعهٔ روس بوده‌اند . ازاین خبر خیلی متأثر شدم که چرا بایداین صفحات باین‌درجه ناامن باشد . دزدها از سوارهای کاکاوند و بالاوند بوده‌اند. خداوند انشاءالله بسزاشان برساند خیلی‌زود که عبرت بگیرند.

یکشنبه ۲۶ شعبان ـ از قرار مذکور در انجمن ولایتی بعضی قرارها گذاشته‌اند که ازبارهائیکه داخل یا خارج شهر میشود از بار قماش ده‌شاهی و غیرقماش پنج‌شاهی بگیرند وبمصرف انجمن بلدی ونظمیه شهر برسانند . جناب معتضدالسلطان‌راهم رئیس نظمیه قرارداده‌اند که از ۲۹ این‌ماه با ده‌نفر سرباز کرندی در شهر بگردند هرکس‌اسلحه همراه داشته باشد بگیرند.

دوشنبه ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ ـ جناب مختارالسلطنه بریاست قشون‌کرمانشاهان وارد و از طرف ایالت جلیله واهل نظام تشریفات بعمل آمد و در دارالحکومه حیاط عرش آئین منزل کرده از ایشان دیدن کردم شخص متواضع ومؤدب سنّ‌میان‌سی‌کمتر یا بیشتر بنظر آمد .

عزیمت محمدعلی‌میرزا باروپا

ازقرارخبرتلگرافی ۲۳ این ماه نواب‌والاشاهزاده‌محمدعلی‌میرزای مخلوع با دونفر نماینده ازطرف دولتین روس و انگلیس عازم و روانهٔ فرنگ شد.

دوشنبه ۱۱ رمضان ۱۳۲۷ ـ امروز روزه خیلی کسل ومبهوتم کرده بود . بعد از افطار میرزاعلی‌اکبرخان منشی قونسولگری

انگلیس وخلیل‌افندی‌آمدند. میرزاعلی‌اکبرخان فرمان‌قونسول جدیدمسترمک‌دوال‌راهمراه داشت نشان‌دادکه ازطرف اعلیحضرت سلطان احمدشاه‌وحضرت عضدالملك نایب‌السلطنه خطاب بجناب اجل ظهیرالدوله حکمران شده‌وعضدالملك مهرنایب‌السلطنه علیرضاقاجار در حاشیه مقابل سطر اول‌برسم‌قدیم‌زده بود ودر وسط سطراول ودوم جای صحه(ملاحظه شد) نوشته‌بود گویا خط اعلیحضرت همایونی بوده پشت فرمان‌راجناب‌اجل مشارالسلطنه رئیس‌کل وزارت خارجه مهرنموده‌بود.

شنبه ۱۶ رمضان ۲۷ ـ نزدیك‌غروب بر حسب دعوت جناب حیدرقلی‌خان سردار افغان بمنزل‌ایشان بافطار مهمان بودم جمعی از آقایان از جمله جنابان آقای آقارحیم و حاجی‌سیدحسن کزازی مجتهد و آقا سید اسمعیل اجاق و جناب حاجی ساعد همایون و میرزاعلی‌اکبرخان منشی قونسول انگلیس بودند . پسر قونسول انگلیس را ندیده بودم بنظر ده‌دوازدمساله آمد اوهم روزه بود افطارکرد . چون‌مادرش ازاهالی‌محمره است.

سه‌شنبه ۲۶ رمضان ۱۳۲۷ ـ ازقرار مسموع جناب اعظم‌الدوله باتفاق پسرشان سردار اجلال وامیر مقتدر (پسرظهیرالملك) و بعضی از اهالی کرمانشاه از قبیل حاجی حسن‌خان کلانتر وحاجی‌رستم‌بیك وقوام‌الرعایا ودیگران بماهیدشت رفته‌اند برای آشتی واصلاح با سردار مظفر (داودخان کلهر) رئیس‌العشایر، جناب معتضدالدوله (پیشکار مالیه) وامین‌الممالك هم رفته‌اند. شایدمابین حسین‌خان‌معین‌الرعایاراهم باحاجی‌حسن‌خان کلانتر وقوام‌الرعایا وغیره اصلاح نموده تجدید عهد وقسم نمایند . گرچه بقول خود اهالی اینجا بعهد و قسم کرمانشاهی هیچ اعتمادی نیست هی‌عهد و پیمان می‌بندند وزود میشکنند . بهمین‌واسطه میانشان اغلب اوقات کدورت ونفاق هست . وازاین‌جهت امنیت در شهر نیست .

از قرار مذکور حضرت والا فرمانفرما از وزارت عدلیه اعظم استعفاداده‌اند.

دوشنبه۳ شوال‌المکرم۱۳۲۷ـ از قراریکه‌شاهزاده‌محمدصادق‌میرزاحشمت‌السلطان مذکور داشتند حضرت ناصرالملك از فرنگ مراجعت و دوروز دیگر بانزلی وارد خواهندشد.

ناهار بمقرب‌الخاقان یزدان‌وردی‌خان موعود بودم چندی‌نفری‌هم‌بودند.

سه‌شنبه ۱۱ شوال۲۷ ـ جناب‌مستطاب‌حجةالاسلام آقاسیدعبدالله بهبهانی‌بااستقبال جمعیت کثیری از اهالی شهر وتشریفات واحترامات‌فائقه عصر بمحل انجمن ولایتی‌که‌از عمارات ایالتی است از عتبات ورودنمودند.

ضیافت شب دوشنبه ۱۷ شوال ۱۳۲۷ ـ بقونسولخانهٔ روس بصرف شام دوستانه موعود بودم دوساعت ازشب گذشته با لباس شب

درقونسولگری روس رفتم جمعی‌هم از فرنگی وغیرفرنگی موعود بودند اسامی مدعوین ازقرار ذیل است که سرمیز نشستند:

نایب رئیس بانك، دکتر انگلیس، قونسول‌انگلیس، خانم‌قونسول روس، حضرت‌ظهیرالدوله حکمران، کارگذار، رئیس‌بانك شاهی، آقای ناصرعلی‌خان‌پسر ظهیرالدوله، رئیس‌گمرك، خانم نایب‌رئیس‌بانك، آقای ظهیر حضور (پسر ظهیرالدوله) دکتر عثمانی در آخرشام‌قونسول روس برخاسته بسلامتی حضرت ظهیرالدوله وفامیلشان شربت نوشید سایرین تأسی کردند حضرت حکمران‌هم جواب دادند مسیومولیتور رئیس گمرك‌هم بزبان فرانسه بمناسبت مجلس نطقی کرد . کارگذارهم بسلامتی قونسول روس وفامیلش شربتی نوشید مجلس بخوشی گذشت .

سه‌شنبه ۱۸ شوال ۲۷ ـ یك‌کتاب موسوم به تاریخ گزیدهٔ فریدون‌ملکم که پرنس فریدون‌خان پسر مرحوم پرنس‌ملکم‌خان از پاریس فرستاده‌بودند بعنوان یادگاررسیدفارسی است‌وخوب کتابی است ·

راهزنی کاکاوندها از قرار اخبار واصله باز کاکاوندها راه را از صحنه تا بیستون و کنگاوررا مغشوش کرده‌اند وراه مسدود شده حتی جلو حضرت حجةالاسلام‌آقاسیدعبدالله‌مجتهدراکه‌عازم طهران‌است گرفته‌بوده‌اند تا اینکه از کنگاور پسر جناب حاجی ساری‌اصلان و از بیستون سالارهمایون‌سوار برده‌حضرت‌آقارا سالماً بکنگاور رسانیده‌اند این اوقات حوالی‌کرمانشاه خیلی مغشوش وناامن است . در تلگرافخانه‌مذکورشد علیه‌عالیه‌ام‌الخاقان‌که عازم‌عتبات عالیه بود در قصرشیرین فوت‌نموده است.

پنجشنبه ۲۰ شوال ۱۳۲۷ ـ جناب‌آقاسیدحسن اجاق بکارگذاری آمدند . صحبت ازاغتشاش ولایت ونزاع ایلات سنجابی و گوران و ناامنی شهرشد . بقدری امروز از بیقاعدگی و پیش‌نرفتن امور بر من سخت و بد گذشت که کمتر روزی اینطور گذرانده بودم .

دوشنبه ۲٤ شوال ۲۷ ـ دکتر صحیه‌عثمانی با میرزا داودخان پسر نصیرالاطباء بکارگذاری آمده در خصوص جنائز محموله بعتبات مذاکره‌شد که‌بیشتر جنازه‌هاراقاچاق میبرند و قریب صدجنازه قاچاق درخانقین ومسیب وجاهای دیگر گرفته وحاملین‌جنائزرا گرفته‌در قرانتین حبس‌وجنائزراهم‌بطویله‌ها ریخته همه متعفن‌شده. نائب‌کارگذاری‌دولت ایران مقیم‌خانقین‌نیزهمین‌مسئله‌را بکارگذاری‌نوشته بود این‌بدکاری‌است‌جنائز را باینطور حمل‌عتبات بکنند·

سلخ شوال ۱۳۲۷ ـ نزدیك غروب بدارالحکومه رفتم جمعی

جنگ بین ایل کلهر و سنجابی

از اعیان واشراف شهر در خدمت حکمران بودند . مذاکرات از جنگ مابین ایل‌های کلهر ، گوران و سنجابی و رفتن بعضی اشخاص محترم شهر برای اصلاح وخواباندن مفسده بود . بعد خبر آوردند داودخان سردار مظفر قلعه‌های وارانجانی‌را که‌محل سکنای صمصام‌الممالك وسنجابی‌ها بود آتش‌زده وسوزانده ساکنین قلعه‌هم قبل‌ازوقت‌قلاع‌را خالی‌کرده رفته‌اند. بواسطهٔ‌این خبررفتن مصلحین موقوف شد .

افتتاح مجلس در طهران

ازقرار خبر تلگرافی فردا که غره‌ذیقعده است سه‌ساعت بغروب مانده مجلس مقدس شورای‌ملی در طهران مفتوح خواهد شد . انشاءالله مبارك‌است.

دوشنبه غره‌ذیقعده ۱۳۲۷ ـ طرف عصر بـا سرکارمحمدحسن‌خان سرتیپ اخوی وفرزندی هاشم‌خان بانجمن ولایتی که جشن افتتاح دارالشورای‌ملی بر پا بود رفتیم . حضرت حکمران (ظهیرالدوله) وطبقات عالی ودانی حضور داشتند.

خطیب برادرجناب‌خطیب‌الملك خطبهٔ خوبی خواند وتلگرافی‌هم که‌ازوزارت‌داخله درباب افتتاح پارلمان بحکومت جلیله‌رسیده‌بود قرائت‌کرد.

شاگردهای مدرسهٔ کرمانشاهان‌هم آمدند خطبه سرودند و دعا بر پایندگی مجلس شورای‌ملی وزنده‌باد اعلیحضرت پادشاه مشروطه‌خواه نموده رفتند.

یکشنبه ۷ ذیقعده ۲۷ ـ این‌اوقات همه‌جای‌این‌ولایت‌مغشوش‌وناامن است حتی‌در میان‌شهر آدم‌لخت‌میکنند.

جناب‌آقای میرزاسالك‌تشریف‌داشتند. یك‌رساله جناب‌میرزاحسین‌خان‌ادیب‌السلطنه نوشته موسوم‌به (جان‌کلام) وبرای جناب‌سالك فرستاده بودند چندصفحه خواندم حقیقة خوب نوشته‌درواقع میشودنصایح‌الملوك برآن‌اسم‌گذاشت این‌رساله را هدیه‌وتقدیم برای اعلیحضرت سلطان احمدشاه نوشته‌اندکه اندرزهای‌حکیمانه در آن‌مندرج‌است.

اردشیرجی

دوشنبه ۸ ذیقعده ۲۷ ـ طرف عصر جناب اردشیرجی رئیس طایفهٔ زردشتی‌های ایران تشریف آوردند . این‌شخص‌محترم از دوستان صحیح حقیر وچندین‌سال است با ایشان دوستی‌وآشنائی دارم. از قراربیاناتشان از طهران آمده ازراه بغداد عازم لندن‌هستند تا عید نوروز در اروپا مانده بعد بطهران مراجعت‌خواهندکرد.

جناب اردشیرجی صاحب ازوضع واستعداد ایرانیهاومملکت ایران بیانات حکیمانه

نموده ومژدهٔ نیک‌بختی وسعادت ایرانیان‌را میداد.

شب‌پنجشنبه ۱۱ ذیقعده ۱۳۲۷ - بر حسب دعوت شاهزاده اسعدالدوله (پسر شاهزاده محتشم‌الدوله) بمنزلشان‌رفتم .

شاهزاده محتشم‌الدوله سردارمحترم ، جناب مختارالسلطنه رئیس قشون ، جناب خبیرالسلطان‌رئیس‌تلگراف، حاجی‌شیخ‌شاپور، آقای‌جلیل‌الدوله وبرادرش معتضدالسلطان شاهزاده اکرم‌الدوله ، آقایان امین‌الوزاره واخویشان امین‌مخصوص ، اسدالله‌خان‌سرور حضور ، اعتمادالتولیه، سرکارسرتیپ‌اخوی وفرزندی‌هاشم‌خان‌هم دعوت‌داشتند.پذیرائی از مدعوین بطور خوب بعمل آمد.

صحبتهای‌متفرقه، ساز (تار)هم سرور حضور خیلی خوب زد . حاجی‌شیخ‌شاپورهم صحبت‌های بامزه نمود[1] .

شاهزاده محتشم‌الدوله سه‌اسکناس ده‌تومانی بحاجی‌شیخ‌شاپور نیاز نمودند. قریب ساعت شش شام‌صرف‌ومجلس‌متفرق‌شد. همانجا مذکورشدحضرت‌آقای ظهیرالدوله‌حکمران بطهران احضارشده‌اند.

شنبه ۱۳ ذیقعده ۲۷ - در تلگرافخانه گفته شد جناب اعظم‌الدوله و شاهزاده محتشم‌الدوله بنا بخواهش انجمن‌ولایتی درکمیسیون‌مخصوص تا تعیین‌حکمران‌مأمورنظم داخلهٔ‌شهر مراقبت نموده در کمیسیون مخصوص‌حضور خواهندداشت.

دوشنبه ۱۵ ذیقعده ۲۷ - جناب اعظم‌الدوله ازطهران مأمور قلع وقمع کاکاوندها شدند وبا سوار ویک‌عراده توپ به‌بیستون رفتند ، آقای فخیم‌السلطنه‌پسراعظم‌الدوله‌هم نایب‌الحکومهٔ‌چمچال‌شدورفت.

اظهارات برادرزادهٔ ستارخان

یکشنبه ۲۱ ذیقعده ۲۷ - از تذکره‌خانه خبر دادند که برادرزادهٔ جناب ستارخان سردار ملی‌آمده تذکره بگیرد بعتبات عالیات‌برود. گفتم بیایدملاقات‌کنم‌آمد . جوان‌بیست‌ساله اسمش محمدحسن‌خان پسرکربلائی غفار برادر ستارخان جوان زیرك وصادقی بنظرآمد. از جنگ اردبیل تعریف میکردکه با سردارملی باردبیل رفته‌بود . ازقراریکه بیان میکرد اگراهل‌اردبیل ازدادن فشنگ و باروت وغیره مضایقه نمیکردند بطرف مقابل که رحیم‌خان چلبیانلو و شاهسونها بودند شکست میدادیم . گفت اول فشنگ یکدانه به پنجقران فروختند وخریدیم بعد ندادند لاعلاج‌شدیم از قلعهٔ اردبیل که

۱- تصور میکنم‌شیخ‌شیپور معروف باشد - نگارنده .

جای سختی است بازحمت بیرون آمده فرارکردیم . بعد از آن شاهسونها بشهر اردبیل داخل‌شده هرچه توانستند در غارت وخرابی وخسارت فروگذار نکردند. همینطور جناب شریف‌الملك کارگذار اردبیل به بنده نوشته‌بودکه شاهسونها بشهر ریخته از بازارها و خانه‌ها باربار قطار دسته‌بدسته‌مال‌بودکه بارکرده میبردند و پاره‌ای‌از خانه‌ها را خراب میکردند . دوسه‌روز وشب کارشان این‌بود. جمعی‌هم بقونسولخانهٔ روس وخانه‌های‌اتباع روس پناهنده شده‌بودند.

جناب شریف‌الملك‌نوشته‌بودند صدمه و خسارتی که باهل‌اردبیل‌رسیده‌بهیچ‌یك از ممالك ایران واردنشده .

بالاخره محمدحسن‌خان گفت وقت فرار از اردبیل پیش‌خود نذر کردم‌که‌اگر از این مهلکه سلامت بیرون‌بیایم بزیارت حضرت‌عباس (ع) مشرف‌شوم.

جمعه سوم ذیحجةالحرام ۱۳۲۷ مطابق ۱۷ دسامبر ۱۹۰۹.

قتل شیخ‌جلیل در سنقر

دوروز قبل خبررسید آقاشیخ‌جلیل مجتهد سنقر را در سنقر مقتول ساخته‌انـد این شیخ در آن صفحـات نافذالکلمه و محترم و متمول بود.

یك‌ساعت از آفتاب گذشته اطلاع دادند حاجی‌عظیم‌خان برادر ستارخان سردارملی بدیدن آمده وعازم عتبات‌عالیات است. ایشان‌راکه‌آدم‌جوان‌سیاه‌چهره خوش‌منظر وایران واسلام دوست‌بنظرآمد ملاقات‌کردم.

جناب عبدالکریم‌بیك‌باش‌شهبندر راکه فردا خیال‌حرکت‌بطهران وازآنجا اسلامبول را داردملاقات‌کردم.

جشن در قونسولگری روس

یکشنبه پنجم ذیحجه ۱۳۲۷ ـ بعدازظهر بمناسبت جشن‌اسم‌گذاری اعلیحضرت امپراطور روسیه با لباس رسمی بقونسولخانهٔ روس رفتم . شاهزاده محتشم‌الدوله‌نایب‌الایاله و مختارالسلطنه رئیس قشون و جمعی از شاهزادگان و صاحبمنصبان بر حسب دعوت حضور داشتند. شب‌هم در قونسولخانه بصرف‌شام موعودبودم . سایر مدعوین بقرار ذیل بودند.

شاهزاده محتشم‌الدوله نایب‌الایاله ، مختارالسلطنه رئیس‌قشون ، سردار اجلال ، قونسول‌انگلیس، رئیس گمرك(مسیومولیتور) ابراهیم‌بیك‌افندی‌نایب‌شهبندر عثمانی، دکتر عثمانی ، مسیوشیندلررئیس بانك شاهنشاهی ، مسیوغاآن وکیل بانك استقراضی . مسیو نیکولسکی قونسول وخانمش صاحب مجلس‌بودند.

پس‌ازصرف شام ومبادلهٔ نطق‌های مرسومه مجلس ختم‌شد.

دوشنبه۱۳ ذیحجه۲۷- برحسب‌دعوت‌سرکاروالاشاهزاده‌محتشم‌الدوله‌نایب‌الایاله برای صرف ناهار بمنزل ایشان‌رفتم‌جمع‌کثیری تشریف‌داشتند.

دعوت از کارپرداز بغداد

چهارشنبه ۱۵ ذیحجه ۲۷ - جمعی از آقایانیکه پریروز درمنزل شاهزاده‌محتشم‌الدوله دعوت داشتند بشرح‌ذیل بکارگذاری‌تشریف آورده ناهار صرف‌کردند.

شاهزاده محتشم‌الدوله با پسرشان اسعدالدوله ، یمین‌الممالك کارپرداز اول‌بغداد بایمین‌حضورومیرزاموسی‌خان، مختارالسلطنه رئیس‌قشون ، میرزاسیدعلی‌قطب ، میرزاسالك جلیل‌الدوله ، نصیردیوان ، خبیرالسلطان رئیس‌تلگراف.

عزیمت ظهیرالدوله

یکشنبه ۱۹ ذیحجه ۲۷ - حضرت آقای ظهیرالدوله حکمران پاکتی‌باکتابی‌که‌امانت‌داده‌بودم‌فرستادند . رقعه‌ای‌که مرقوم‌فرموده بودند رقعهٔ وداع بود معلوم‌شدکه دیشب با آقازاده‌هاآقای ظهیر- حضور وآقای‌ناصرعلی‌خان‌بسمت طهران حرکت فرموده‌اند آقای مصطفی‌خان‌معتضدالسلطان‌هم‌دررکابشان بوده‌اند .

استقبال از نظام‌السلطنه

شنبه ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۷ - قبل‌ازظهر بدارالحکومه رفته باتفاق سرکاروالا شاهزاده محتشم‌الدوله‌نایب‌الایاله وجناب‌معتضدالدوله پیشکار مالیه وسایر اعیان تا پل‌قره‌سو باستقبال حضرت نظام- السلطنه حکمران رفته پیاده‌شدیم . چنددقیقه گذشت حضرت حکمران تشریف‌آورده از اسب پیاده‌نشده سواره ایستادبامستقبلین احوالپرسی واظهار مهربانی نمودند. بعدهمهٔ مستقبلین سوارشده راه افتادیم. در بین راه از طرف قونسولها و شهبندری منشی‌هاشان با سوارهندی و قزاق باستقبال آمدند . جمعیت کثیری از اهل شهر پیاده باستقبال آمده‌بودند.

حضرت حکمران پس‌ازورود بتالار دارالحکومه نطق خوبی‌درنظم‌وامنیت ولایت‌و مجازات اشرار فرموده بعدمردم متفرق شدند.

جمعه دوم محرم‌الحرام ۱۳۲۸ - عصر بدارالایاله رفتم‌که با حضرت‌نظام‌السلطنه حکمران ببازدید قونسولها برویم . پس‌ازسان‌دیدن پلیس‌های تازه که رئیس نظمیه گرفته وفرمایشات‌حضرت حکمران برئیس پلیس‌وکدخداها وافراد پلیس در نظم وامنیت‌شهرسوار شده اول بقونسولخانهٔ روس رفتیم هم‌بازدید وهم‌تبریك سال نو روس‌بعمل‌آمد. درضمن ازمدرسهٔ‌بزرگ امپراطوری در پطرزبورغ که‌آقای میرزامحمدعلی‌خان‌پسربزرگ حضرت

نظام‌السلطنه‌در آنجامشغول تحصیل‌است‌صحبت‌شد. بعد بقونسولخانهٔ انگلیس رفتم.

شنبه سوم محرم ۲۸ - صبح‌جناب‌میرزاحسین‌خان معاون ایالت‌بیازدید آمدند. بعد من خدمت جناب حجةالاسلام آقاشیخ‌محمد پسر مرحوم آقاشیخ‌زین‌العابدین معروف که پریروز ازعتبات آمده وخیال‌عزیمت بطهران‌را داردرفتم.

قبل ازرفتن خدمت حضرت شیخ درمنزل بیکی از آدمها درسر یك‌حرکت بی‌قاعده متغیرشده از حال طبیعی خارج ولفظ رکیکی از دهنم نسبت باوبیرون آمد . بعدملتفت شده خیلی‌پشیمان وبخود ملامت‌کردم گرچه آن‌آدم‌هم خارج‌ازقاعده فضولی‌کرد.

دوشنبه۵محرم۱۳۲۸ - طرف‌عصرازمنزل‌جدیدجناب‌یمین‌الممالك‌به‌تکیهٔ‌معین‌الرعایا رفتم. همان‌تکیه‌ای‌که‌چندماه‌قبل معاندین مشارالیه آتش‌زده خراب کردنددوباره حسینیه‌را ساخته برای تعزیه‌داری دههٔ عاشورادائرکرد . الحق خیلی‌چابکی وزرنگی‌بخرج‌داده.

چهارشنبه ۱٤ محرم ۲۸ - ظاهراً بمناسبت روز مولود خانم قونسول روس شب مسیونیکولسکی قونسول روس دعوتی بشام‌کرده بود . حضرت نظام‌السلطنه حکمران و مختارالسلطنه رئیس قشون سردار اجلال وجمعی از فرنگی‌ها بودند. من بواسطهٔ کسالت پس‌ازشام بمنزل برگشتم.

دارزدن موقرالسلطنه

شنبه ۱۷ محرم ۲۸ - از قرار مذکور موقرالسلطنه پسر جناب ناظم‌السلطنه را پس‌از اثبات تقصیر و استنطاق در دیوانخانهٔ عدلیه در طهران بدارکشیده‌اند امروز جناب نجدالدوله برادر موقرالسلطنه بسمت ریاست عدلیه کرمانشاه واردشد.

امیرتومان سلدوزی

دوشنبه۲۰ محرم ۲۸ - عصر جناب حاجی نجفقلی‌خان‌امیرتومان سلدوزی تشریف آوردند از وضع صفحات آذربایجان و تابع شدن اکراد بدولت‌عثمانی بواسطهٔ هم‌مذهب‌بودن ونفوذعثمانی‌بواسطهٔ هم‌مذهب‌بودن ونفوذ عثمانی‌ها در آنجاها صحبت و اظهار تأسف مینمودند . واقعاً خیلی جای تأسف دارد که چرا دولت ایران‌باید باین‌درجه‌ضعیف‌باشدکه‌چارهٔ‌عشایراکراد ازتبعهٔ خودرا نتواندبکند.

چهارشنبه ۲۱ محرم ۲۸ - سه بغروب جناب رفعت‌بیك‌شهبندر جدید عثمانی‌بالباس رسمی وابراهیم‌بیك‌وکیل‌شهبندربا نشان‌عثمانی و خلیل‌افندی بکارگذاری آمدند . جناب شهبندرآدم خوش‌سیما وسناً سی‌وپنج وچهل سال‌بنظرآمد . قدری با هم‌بزبان‌ترکی‌صحبت کردیم .

سه‌شنبه٤ صفرالمظفر ۱۳۲۸ - پس‌ازصرف چای خدمت‌حضرت نظام‌السلطنه رسیدم

دیدم در شرف حرکت برای قلع وقمع اشرار کاکاوند هستند . عده‌ای بودندموقع حرکت حکومت یك‌تیر توپ انداخته‌شد . بعداز راه‌انداختن وسوارشدن حکمران بالاتفاق‌بمنزل آقای معاون آمدیم .

توقیف اعظم‌الدوله وسرداراجلال

چهارشنبه ۵ صفر ۱۳۲۸ - از قرار مذکور جناب اعظم‌الدوله و سردار اجلال را حضرت حکمران بر حسب امر اولیای دولت توقیف‌نموده‌اند که بطهران روانه کنند.

سه‌شنبه ۱۱ صفر ۲۸ - ازقرارمذکور تلگرافی از وزارت جلیلهٔ داخله بایالت کرمانشاه رسیده‌که‌جناب اعظم‌الدوله وسرداراجلال را تحت‌الحفظ بطهران روانه نمایند . ازحضرت نظام‌السلطنه حکمران‌هم خیلی تمجید و تحسین از طرف اعلیحضرت همایونی واولیای دولت ووکلای ملت شده واختیارات تامه بحضرت نظام‌السلطنه مرحمت شده است .

افتتاح قرائتخانه

سه‌شنبه۲۵ صفر۲۸ - طرف‌عصر برای‌استماع روضه‌بدارالحکومه رفتم . پس‌ازآن باتفاق شاهزاده‌سردار محترم ومعاون حکومت و رئیس‌قشون‌ورئیس‌تلگراف ورئیس نظمیه وجمعی دیگر بقرائتخانه که تازه افتتاح شده و بانی آن جناب آقامیرزاحسین‌خان معاون حکومت است رفتیم . این اولین قرائتخانهٔ عمومی‌است‌که در کرمانشاه بازشده ومدرسهٔ اکابرهم هست هرکس‌میل داشته باشد ازهرطبقه میتواند برود مجانی تحصیل‌کند.

سیل درپاریس

چهارشنبه ۲۶ صفر ۱۳۲۸ - نزدیك غروب مسیومولیتور رئیس گمرك آمد مشغول صحبت‌های متفرقه شدیم از جمله آمدن سیل درپاریس وخرابی وخسارت وارده بآنجا شد . از قراریکه رئیس گمرك‌بموجب روزنامه‌های اروپ تقریرکرد تقریباً هزارمیلیون فرانك ازاین سیل بپاریس خرابی رسیده . همچنین حریقی در اسلامبول درعمارت‌پارلمان واقع وچهل‌میلیون‌فرانك خسارت وارد آمده .

آصف‌الدوله به‌جای رکن‌الدوله حکمران خراسان

از قرار مکتوبی که ازطهران رسیده جناب آصف‌الدوله‌بحکمرانی خراسان معین‌شده وشاهزاده رکن‌الدوله معزول‌شد.

جمعه ۲۸ صفر ۲۸ - عصر چهار بغروب باستقبال حضرت‌نظام‌السلطنه حکمران که برای سرکوبی کاکاوندها رفته بودند تا نزدیك پل‌قره‌سو رفتیم . جمعی ازاعیان وشاهزادگان ورئیس‌نظمیه با پلیس شهر آمده بودند . اهالی شهرهم برای تماشا و

استقبال زیاد آمده بودند. بحمدالله حضرت نظام السلطنه ازاین سفر مظفر ومنصور مراجعت نمودند .

اختلاف رئیس قشون و رئیس نظمیه

جمعه ٦ ربیع الاول ۱۳۲۸ - برحسب دعوت بمنزل معاون حکومت رفتم معلوم شد برای گفتگوی رئیس قشون ورئیس نظمیه است که باید رسیدگی شود . رئیس عدلیه آقای نجدالدوله و آقای خبیرالسلطان رئیس تلگراف هم حضور داشتند . آقای رئیس نظمیه ورئیس قشون هم بودند.

حرف رئیس نظمیه این بود چون نظم شهر بامن است اگر خلاف نظم شود من مسئولم لهذا ازهر کس خلاف نظم بروز کند چه سرباز چه توپچی باید تنبیه شود . رئیس قشون اظهار داشت اداره قشونی نیز سپرده بمن است اگر تقصیری از آنها سربزند تنبیه آنها بامن است لاغیر . سربازی که روزی یك عباسی جیره داشته باشد نمیتوان اورا بهتر ازاین منظم نگاهداشت . من استعفای خودرا بطهران نوشته ام منتظر جوابم.

هردو رئیس در اظهارات خود بی حق نبودند . مجلس تا قریب ظهر طول کشید . یکشنبه ۸ ربیع الاول ۲۸ - شب عده ای از اجزاء حکومتی وروسای ادارت درکارگذاری دعوت داشتند جناب حاج مبین السلطنه وآقای میرزاسالك هم بودند.

مهمان عوضی

یك دفعه دیدم شخص ناجوری باکلاه وکلاغی کردی بیمقدمه وارد شد . پس از تحقیق معلوم شد اسمش احتشام الکتاب است وپیشکار داودخان کلهر سردار مظفر ایلخانی است . سبب آمدن اواین شد که یك نفر رفته بود احتشام الحکماء را برای دیدن حال حاج مبین السلطنه بیاورد واواشتباهاً احتشام الکتاب را آورده است .

نگرفتن عید بواسطهٔ وجود قشون روس در ایران

دوشنبه ۹ ربیع الاول ۲۸ - سه ساعت ونیم بغروب آفتاب تحویل برج حمل شد اول سال ترکی وعیدنوروز عجم است . طرف صبح حضرت حجة الاسلام آقای آقاشیخ محمدتقی مجتهد ببازدیدتشریف آوردند بعضی صحبتها شد من جمله تلگرافی از علما وتجار طهران رسیده که عیدگرفته نشود بواسطهٔ اینکه قشون روس بدون جهت از خاك ایران بیرون نمیرود و توقف کرده ملت ایران نباید با این حال عید بگیرند بتمام ولایات هم اینطور تلگراف شده عید را موقوف دارند .

سه شنبه ۱۰ ربیع الاول - اول سال نو ایرانیان است ولی بواسطهٔ تلگراف دیروز

که ازطهران رسید علما واعیان واهالی اینجا محض موافقت با سایر ولایات عیدنگرفتند حتی حضرت حکمران نیز بسلام معمولی ننشستند.

بنده‌هم در منزل‌نشسته بیرون‌نرفتم ولی‌درحالیکه منتظر نبودم عده‌ای بدیدن‌آمدند (شاهزاده محتشم‌الدوله ، حشمت‌السلطان ، میرزاسالك ، شاهزاده محمدباقرمیرزا مسیومولیتور رئیس‌گمرك ، وکیل‌باشی شهبندر، ارفع‌الممالك ، جلیل الدوله وغیره).

شنبه ۱٤ ربیع الاول ۱۳۲۸ - طرف عصر خدمت حضرت نظام‌السلطنه حکمران رسیدم . آقای آقاسیداکبرشاه اشرف‌الواعظین بعد آقای خبیرالسلطان رئیس تلگراف و آقای معتضدالدوله آمدند .

تلگراف سرداراسعد وزیر داخله ودادن اختیارات تام بنظام‌السلطنه

تلگرافی از حضرت وزیر داخله سردار اسعد برای ایالت رسیده بود دادند خوانده شد. واقعاً تلگرافی بودکه خیلی‌کم دیده شده همچو تلگرافی بحکام صادر شودخلاصه‌اش این‌بودکه (مختاریت تامه از طرف دولت و مجلس شورای ملی دارید که هرکس در کرمانشاه ازهرطبقه مصدر فساد وشرارت باشد تنبیه و سیاست و تبعیدکنید . این اوقات بعضی شهرتهای اراجیف در کرمانشاه شایع شده منع مراسم عید نوروزرا بتأویلات سخیف تعبیر میکنند وشما ساکت نشسته درکشف مایهٔ فساد اقدامی نکرده‌اید صریح میگویم این مسائل‌را جداً تعقیب نموده هرکس مصدر اشتهارات اراجیف شده بگیریدوفوراً سیاست ، نفی و مقیدکنید . هیچ والی مقتدریرا دولت باندازهٔ شخص‌شمااقتدار واختیار نداده هرچه بگوئید وبکنید نزد دولت وملت‌ممضی ومعتبراست) تلگراف خیلی مفصل بود.

پنجشنبه ۱۹ ربیع‌الاول - از طهران نوشته بودند سه‌نفر از وزرای کابینه استعفا داده‌اند (مشیرالدوله وزیر عدلیه - وثوق‌الدوله وزیر مالیه - صنیع‌الدوله وزیر معارف) در مجلس شورای‌ملی از هرسه‌وزیر سبب استعفارا خواسته‌اند هنوز قبول یا عدم قبول استعفا معلوم نشده .

شنبه ۲۱ ربیع‌الاول - عصر به تلگرافخانه رفتم آقای معتضدالدوله و شاهزاده محمدباقرمیرزا آمدند.

آقای محمدباقرمیرزا اظهار داشتند در عدلیه به نزاع مابین پسران جناب میرزا سالك وپلیس‌ها با حضورآقای‌میرزاسالك ورئیس نظمیه وچندنفراز رؤسای ادارات‌رسیدگی شد ومعین گردید پلیس‌هاکه مدعی بودند پسران آقای میرزاسالك سر آنهارا شکسته‌اند

سر خودرا تیغ زده‌اند وتقصیر پلیس‌هاثابت‌شد . رئیس‌نظمیه پلیس‌هارا تنبیه‌کرد و از میرزا سالك معذرت خواستند.

چهارشنبه ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ - در منزل جناب حاجی‌سیدحسن میرعبدالباقی بصرف ناهار موعود بودم جناب حاج‌عزالممالك را با جمعی دعوت نموده بودند . از جمله آقایان نجدالدوله رئیس عدلیه یمن‌الملك ، شاهزاده‌محمدباقرمیرزا و محسن‌میرزا ومیرزای بهجت‌وادیب دزفولی‌که همراه‌حاج عزالممالك آمده‌اند . جناب حاج‌عزالممالك ومیرزای بهجت وآقای ادیب دزفولی که وکلای عربستان بودند دوشنبه سلخ‌ماه روانهٔ طهران شدند.

دوشنبه ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ - در منزل لامبرمولیتور با جناب میرزاحسین‌خان معاون حکومت بصرف ناهارموعودبودیم. متفقاً پنج‌از دسته‌گذشته‌رفتیم.

مسیودلکروا مفتش گمرك مسیوبرنار رئیس پست‌خانه و مسیوغاآن وکیل بانك استقراضی‌هم بودند.

رئیس‌گمرك این‌مهمانی وداع بود داد خیال دارد چهارپنج‌ماه بفرنگ برود . از قراریکه مسیومولتیوریان‌کرد خاکستر سیگار برای فرش ولباس پشمی که موریانه نزد خوب است.

تحصن سربازان‌در قونسولگری روس

پنجشنبه ۱۰ ربیع‌الثانی - مذکورشد که سربازان کرند و همدانی که در این شهر ساخلوهستند اجتماعاً بقونسولخانهٔ روس رفته‌اند بجهت‌جیره ومواجبشان پناهنده شده‌اند . ازاین‌خبر متأسف شدم. ازقرارمذکورازاجزاء ایالت‌ودیگران بقونسولخانه رفته‌سربازهارا بیرون آورده‌اند.

گفتند عباس‌خان چناری‌که سردارناصر حکمران همدان با استعداد رفته‌بود دستگیرکند در حالیکه محصور بود فرارکرده‌است.

دوشنبه ۱٤ ربیع‌الثانی - عصر بدارالحکومه رفتم درخدمت حضرت نظام‌السلطنه کالسکه‌نشسته ببازدید مسیولینوفسکی نایب‌قونسول‌روس رفتیم‌که درباغ منصورالسلطنه منزل دارد . قونسول انگلیس‌هم آنجا بود . شب اعتضادلشگر و یزدان‌وردی‌خان در کارگذاری بودند.

چهارشنبه ۱٦ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ - باتفاق جناب میرزاحسین‌خان معاون حکومت که بکارگذاری آمدند با لباس نیم‌رسمی محض تبریك جشن جلوس اعلیحضرت سلطان محمدخان خامس بشهبندرخانه رفتم بعد حضرت حکمران وعدهٔ دیگری آمدند.

مستر شیندلر مدیر بانك شاهنشاهی با مستر کافی نایب‌رئیس بکارگذاری آمدند از قراریکه اظهار داشتند در نزدیکی قمشه اصفهان عده‌ای‌اشرار سوار بسر قونسول انگلیس که از اصفهان بشیرازمیرفته‌ریخته‌اندقونسول‌فرارکرده‌چندسوارهندی‌همراه‌داشته دونفر از آنها کشته میشوند.

حملهٔ‌اشرار درنزدیکی قمشه بقونسول انگلیس

پنجشنبه ۱۷ ربیع‌الثانی - دیروز در دارالحکومه مجلسی منعقد شده بود در مسئلهٔ استقراض داخله برای دولت و حضرت نظام‌السلطنه‌حکمران‌نطقی‌فرمود . ده‌هزارتومان بعنوان‌استقراض قول داده‌اند بدهند عجالتاً ده‌هزار تومان هم از اهالی کرمانشاه گفته‌اندبدهند.

استقراض برای دولت

شنبه ۱۹ ربیع‌الثانی - در منزل بکارهای مرجوعه بکارگذاری مشغول بودم . ازجمله موضوع‌دختر یهودیه‌ای‌که بخانهٔ جناب آقای امام‌جمعه رفته ومسلمان‌شده . اسم دختر تفاحه بود . پدر دختر موشی‌مریم‌خان عرضحالی بشهبندری داد که دخترم بعضی طلاآلات از خانه‌ام برده ودر خانهٔ آقای امام‌جمعه متحصن شده از شهبندری بکارگذاری نوشته دختر را خواسته بودند استنطاق نمایند. پس ازمذاکرات وردوبدل‌شدن مراسلات باایالت جلیله وآقای امام‌جمعه تفاحه‌را از خانهٔ جناب‌امام‌جمعه یك‌نفر مأمور حکومت و میرزامهدی‌خان از طرف آقای امام بکارگذاری آوردند و از کارگذاری هم یك‌نفر همراه آنهانموده دختررا بشهبندرخانه بردند استنطاق‌شود.

قضیهٔ مسلمان‌شدن دختریهودی

شنبه ۲۶ ربیع‌الثانی ۲۸ - طرف عصر پاکتی از قونسولگری انگلیس رسید که حاکی از خبر فوت اعلیحضرت ادوارد هفتم پادشاه انگلستان و امپراطور هندوستان بود . پادشاه سلیم‌النفس خیرخواه وصلح‌طلب بود. اوقاتیکه درلندن در سفارت ایران‌بودم مکرر در ضیافت‌های سلطنتی وسلام دیده بودم . تقریباً هفتادسال در دنیا زندگانی کردند.

فوت ادواردهفتم پادشاه انگلیس

دوشنبه ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ - عصر در خدمت حضرت نظام السلطنه حکمران‌و جناب معاون حکومت کالسکه نشسته بقونسولخانهٔ انگلیس برای‌مراسم‌تعزیت فوت اعلیحضرت ادوارد هفتم پادشاه انگلستان رفته پس‌از ادای مراسم بیرون آمده سواره به اردو رفتیم صاحبمنصبان سرباز و سوار صف‌کشیده و موزیکانچیان سلام نظامی بجا

آوردند . حضرت حکمران ومعاون تشریف بردند حقیر با شاهزاده سالار نظام‌رئیس‌قشون بچادر معین‌السلطنه رفته پس از صرف چای بشهر مراجعت‌شد.

چهارشنبه غرهٔ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸ و ۲۱ ثور (اردیبهشت) ـ امروز بمنزل جدید (خانهٔ آقای معاضدالملك وکیل‌کرمانشاه) ورود نموده و علاقه را از منزل اولی (خانهٔ رئیس‌التجار) که محلهٔ سرتپه مشهور است بمحل فیض‌آباد منتقل‌کردم . تا خواست‌الهی جلت قدرته چه‌باشد . این منزل وسیعتر وجامعتر از منزل اولی است جمعی از دوستان برای تبریك منزل جدید آمدند.

امتحان شاگردان مدرسهٔ حقوق

دوشنبه ٦ جمادی الاولی ـ بنابدعوت بمدرسهٔ حقوق‌کرمانشاهان رفتم که شاگردها امتحان بدهند جمعی ازآقایان بودند. یك‌طبقه از شاگردهای ابتدائی آمدند خوب امتحان دادند وبعدکه بطبقهٔ دیگر رسید بنای باران و تگرك آمدن گذاشت گرچه در مطبعه (مطبعه وصل‌بمدرسه‌بود) زیر سقف بودیم ولی بارندگی بطوری شدت‌کرد که حیاط مدرسه را آب گرفت ومجلس‌را برهم‌زد . از حیاط نشد بیرون بیائیم به‌پشت بامها رفته و از حیاط همسایه‌ها پائین آمدیم.

سه‌شنبه ۷ جمادی‌الاولی ۱۳۲۸ ـ آقای معین‌السلطنه آمده اظهارداشتندکه جناب آقای احتشام‌الدوله امروز قبل‌ازظهر وارد خواهندشد.

بحضرت ایالت اطلاع دادم که تشریفات‌را از قبیل فرستادن کالسکه و سوارقدغن نمایند .

معین‌السلطنه‌وفرزندی هاشم‌خان بابعضی از صاحبمنصبان‌فوج‌منصور باستقبال‌رفتند. آقای احتشام‌الدوله یك‌سر بدارالحکومه‌بعد بدلگشارفتند . جناب احتشام‌الدوله ازعراق عرب وآزادی آن‌صفحات بیاناتی فرمودند که خیلی خوش گذشته بطوریکه بعدازچهارماه دوباره بزیارت عتبات عالیه خواهم‌رفت .

تحصن عباسخان چناری یاغی‌معروف

بعدازمراجعت بمنزل‌گفتند عباس‌خان چناری‌آمده باصطبل‌حکومت پناهنده شده است .

چهارشنبه ۸ جمادی‌الاولی ۲۸ - قبل‌ازظهر جناب میرزاسالك بعدجناب‌شریعتمدارآقای آقامحمدمهدی‌مجتهدباتفاق‌برادراعزشان آقای‌آقامحمود تشریف آوردند.

در این‌بین‌فراش‌پست‌کاغذهائی آورد از جمله جناب پرنس‌فریدون ملکم‌خان‌منتظم‌السلطنه یك‌قطعه‌عکس خودشان را محض یادگار فرستاده بودند خیلی

مسرور شدم حضرت‌آقای آقامحمدمهدی‌هم عکس‌را دیدند. عکس مرحوم پرنس‌ملکم‌خان ناظم‌الدوله را خواستند . دو آلبوم داشتم آوردم دیدند . بعضی عکسهای دیگر از قبیل پرنس‌بیسمارك‌معروف‌صدراعظم‌آلمان‌ولردسالیسبوری‌صدراعظم‌انگلیس‌وبعضی ازسلاطین‌را ملاحظه فرمودند خیلی صحبتهای سیاسی بمیان آمد تا وقت غذا رسید خواهش‌کردم غذا میل‌بفرمایند اجابت نموده صرف غذا شد بعد تشریف بردند.

چهارشنبه ۲۲ جمادی‌الاولی - با جناب میرزا سالك باحوالپرسی آقـای حاج‌مبین‌السلطنه که‌از اسب افتاده وپایش صدمه دیده واز آنجا بدیدن آقای رئیس نظمیه و بعد بتلگرافخانه رفتم . سرهنگ قزاق **آقای‌رضاخان** (رضاشاه‌فقید)هم بود.

پنجشنبه ۲۳ جمادی الاولی - دوساعت بغروب مانده باتفاق محمدحسن‌خان سرتیپ اخوی سواره بگردش‌دلگشا وسراب‌همت‌رفتیم. در سراب‌همت کربلائی‌محمدحسن رعیت آنجا بواسطهٔ سابقه‌ای‌که داشت مارا بباغ خود برد وتعارف بعمل آورد .

درختی که‌نادرشاه کاشته

یك‌درخت توت بسیارکهن بود کربلائی حسن گفت‌میگویندمشهور است این درخت در عهد نادرشاه نشانده‌شده یعنی وقتیکه‌نادرشاه از کرمانشاه عبور وبجنگ روم (عثمانی) میرفته دراین زمین افتاده‌ناهار خورده ونهال این درخت توت را نشانده رفته است . الله‌یعلم .

دوشنبه ۲۷ جمادی‌الاولی ۲۸ - قبل‌ازظهر آقـای معین‌السلطنه آمد بـاتفاق باحوالپرسی شاهزاده محتشم‌الدوله‌رفتیم که پایشان رگ‌برگ شده ورم‌کرده زالو انداخته بود. قدری نشسته بمنزل برگشتم غذا صرف شد تا عصر معین‌السلطنه بدارالحکومه و حقیر باستماع روضه بخانهٔ جناب شریعتمآب‌آقاشیخ‌هادی مجتهد رفتم .

قتل امین‌الملك

سه‌شنبه ۲۸ جمادی‌الاولی ۲۸ - پست طهران وارد دوسه‌کاغذاز طهران ومشهد داشتم.

درکاغذ طهران کشته‌شدن امین‌الملك پسر میرزا سلطانعلی‌خان که وزیر دربار بود نوشته‌بودند . باین‌ترتیب که دوسه‌نفر بخانهٔ اومیروند میگویند ازمجلس شورای‌ملی آمده‌ایم با اوکار داریم امین‌الملك‌بیرون‌میآیددر دالان حضرات‌را ملاقات وکاغذی ازآنها میگیردومشغول خواندن میشود یك‌دفعه سه‌نفر با ماوزر باوشلیك‌کرده فرار مینمایند.

فقرهٔ دیگر سه‌نفر بکلاس درس مترجم‌الممالك وارد ومطالبهٔ پنجهزارتومان‌مینمایند میگوید ندارم ماوزرنشان میدهند که اگر ندهی میکشیم. ازشاگردهازیردست آنهامیزنند

غوغا میشود وسه‌نفر فرارمیکنند.

غائلهٔ داراب‌میرزا

از قرار مذکورداراب‌میرزانام ازاولاد بهمن‌میرزا ازقفقازیه‌بزنجان آمده چندنفر قزاق همراهش بود . بعضی از اوباش را دورخود جمع نموده‌بود که زنجان را شلوق نماید . حتی تامیدان‌حکومتی هم وارد میشود . حکمران حالیه محمدصالح‌خان آصف‌الدوله جمعی فرستاد ازداراب‌میرزا جلوگیری‌مینماید . طرفین‌جنگ میکنند چندنفری ازدوطرف کشته‌میشود . طرف حکمران غالب‌آمده ومهاجمین‌را ازشهر خارج نموده چندنفری‌راهم دستگیر میکنند.

شنبه سوم جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۲۸ - عصر خدمت حضرت حکمران رسیدم معلوم شد مسترناکس‌قونسول موقت انگلیس کـه دیروز وارد شده بود امروز خدمت حضرت نظام‌السلطنه رسیده است.

صحبت ازدزدزدن بمسیوغاآن وکیل بانك استقراضی بودکه نزدیك گردنه بیدسرخ چندنفر پیاده رسیده درکمال احترام لخت‌کرده‌اند . پسرآقای ارفع‌الممالك منشی‌قونسول روس‌وپسرمسیوبرناردی‌رئیس‌پست کرمانشاهان‌وکردستان‌هم‌همراه مسیوغاآن‌بوده‌اندآنهارا هم‌لخت‌کرده‌اند هنوز اثری‌ازدزدپیدانشده‌است .

پنجشنبه ۸ جمادی‌الاخرهٔ ۲۸ - مذکـور شد حاجی‌حسن‌خان کلانتر و قلیخان که در دارالحکومه محبوس بودند آنهارا بدلگشا برده‌اند که بطهران بفرستند یا همراه خود (حضرت حکمران) بسرحد ببرند دونفرازاشرار که‌یکی‌پاشاخان‌نام و یکی‌دیگررا در شهر دستگیر وحبس‌نمودند.

جمعه ۹ جمادی‌الاخره - طرف صبح آقای‌جعفرقلی‌خان سردارزادهٔ افغان‌آمد کاری داشت بعضی صحبتهای متفرقه‌هم بمیان‌آمد جعفرقلی‌خان از امنیت حالیه کرمانشاه خیلی متشکر وبحضرت نظام‌السلطنه حکمران از روی‌صدق دعا میکرد که امسال وضع کرمانشاه نسبت به‌سال‌گذشته چقدرهافرق‌کرده وآن هرج ومرج‌بحمدالله باین امنیت‌ونظم‌مبدل‌شده. عصر برای استماع روضه وموعظه بمنزل جناب آقای آقاشیخ‌هادی رفتم . جناب آقای ظهیرالعلماء آقاشیخ‌مرتضی اخوی ایشان‌موعظه نموده روضه خواندند بعد آقای اشرف‌الذاکرین سیداکبرشاه وعظ کرده وروضه خواند ایشانهم از امنیت کرمانشاه تحسین کرد بحضرت‌حکمران خیلی‌دعاکرد مردم‌آمین‌گفتند .

یکشنبه ۱۱ جمادی‌الاخره - دوکتابچه دستورالعمل‌کرمانشاهان‌که‌برای حکام‌سلف نوشته‌شده‌بود یکی برای‌مرحوم امیرنظام‌گروسی ودیگر برای‌جناب‌امیرافخم‌همدانی‌بجهت

حضرت حکمران فرستادم ملاحظه واعاده نمایند.

دیشب نزدیك سحر در عالم رؤیا دیدم یك لوحهٔ بزرگی که چهارچوب‌هم داشت مثل زیارت‌نامه که در اماکن مشرفه میآویزند دست‌یك‌نفراست که بعضی مداخلات روس وانگلیس را در ایران نوشته و یك‌لوحهٔ دیگرهم نظیرهمان دیده شد که از طرف دولت آلمان آورده‌اند که آلمان‌هم میخواهدمثل انگلیس وروس در امور ایران مداخله‌وشرکت داشته‌باشد . در عالم‌خواب همینقدر فهمیدم وبیدارشدم تا چه‌پیش‌آید وخواب‌حقیر تعبیر واثری داشته‌باشد یا خیر خدا عالم است.

عصر دوشنبه ازمنزل آقای ارفع‌الممالك بدیدن‌آقای محمودخان سرتیپ‌رئیس‌امنیه که دوسه‌روز است وارد و در منزل میرزاعلی‌خان سرتیپ‌قراسواران‌باشی منزل‌کرده رفتم اوراآدم شجاع وباغیرت ومعقولی دیدم. راه‌های همدان ملایر تویسرکان وکرمانشاهان سپردهٔ ایشان است باید سواربگذارد راه‌هارا ازدزد ودغل امن ومحفوظ نگاهدارد مدتی‌در همدان‌بود آدم وطن‌دوستی است.

جمعه ۱۶ جمادی‌الاخره ـ عصر باتفاق آقای میرزاحسین‌خان نایب‌الایاله از شهبندرخانه به دلگشا خدمت حضرت حکمران (نظام‌السلطنه) رفتم جمعی ازشاهزادگان آقایان و رؤسا واعیان‌هم دعوت شده بودند بطوریکه دیگر در اطاق جائی برای نشستن باقی نماند .

در خصوص آمدن داودخان سردار مظفر به‌ماهیدشت و متواری‌شدن‌رعایای بیچاره دراین‌سرمحصول صحبت‌شد. ابتدا حضرت‌حکمران فرمودند:

من جزفراهم‌آوردن آسودگی عموم اهل ولایت قصدی‌ندارم و درکرمانشاه آب و ملك وعلاقه وباکسی غرض ودشمنی ندارم ومقصودم اینست نگذارم اشخاص زوردار بر ضعفا وبیچارگان تعدی نمایند ولی‌خودتان‌که اهل این‌ولایت هستید پنهانی برای اجرای اغراض‌شخصی‌داودخان‌رادعوت‌میکنید سرب‌وباروت‌برای اومیفرستیدراهنمائی مینمائید و اسباب خسارت رعیت بیچاره میشود.

بعدازفضل خدا حکومت از شماها کمك نمیخواهد و خود بر دفع او قادرست ولی شما بعدازاین ترك این‌کارا بکنید .

همه اجماعاً اظهارکمال تشکر از حضرت حکمران نمودند که پس از ورود حضرت اشرف امنیت وآسایش‌دیده شبها آسوده میخوابیم ، آخرالامر قرارشدفردا همهٔ‌حضار در انجمن‌ولایتی حاضر شده بالاجماع کاغذی بداودخان سردار مظفر بنویسند بفرستند که از ماهیدشت برود وبیش‌ازاین اسباب زحمت مردم نشود .

امین‌الممالك وآقاسیدحسن‌اجاق ومعین‌الرعایا میانجی وواسطه شده‌اند میان ایالت

جلیله وداودخان میروند ومیآیند تا کنون بجائی منتهی‌نشده است.

جنگ بین‌ایل سنجابی وکلهر

چهارشنبه ۲۰ جمادی‌الثانیهٔ ۱۳۲۸ - دیروزبعدازظهرخبرآوردند مابین‌کلهروسنجابی یعنی داودخان و علی‌اکبرخان پسر صمصام‌الممالك جنگ اتفاق‌افتاده‌و حضرت حکمران‌هم با عده‌ای‌سوار از دلگشا بسمت ماهیدشت حرکت فرموده‌اند.

عصر بدلگشا رفتم در این بین خبر آوردند که حضرت آقای نظام‌السلطنه مراجعت‌فرمودند . بعدازچند دقیقه فرمودند اجازه میدهید حمام بروم چون خسته و گردآلودبودند .

معلوم شد در این‌جنگ بواسطهٔ بی‌احتیاطی وبعضی ملاحظات دیگر در ظاهر پسر صمصام‌الممالك مغلوب‌وچندنفرازطرفین مقتول ومجروح‌شده‌اند علت‌عمدهٔ‌شکست‌این‌طرف بواسطهٔ فرار سوارهای کلیائی بود.

گفتندسالارهمایون از این طرف تیر خورده اما مهلك‌نیست امروز عصرنیز بدلگشا رفته خدمت حضرت حکمران رسیدم پس‌ازچنددقیقه رؤسای سوار کلیائی شرفیاب شدند . بواسطهٔ فرار ازجنگ دیروز مورد بی‌مرحمتی شده حکم‌بزنجیروحبس حضرات‌شد.

پنجشنبه ۲۲ جمادی‌الثانیه - ازقرار تلگرافاتی که ازطهران رسیده خلع‌داودخان از حکومت کلهر و نصب‌محمدعلی‌خان‌راکه سابقاً حاکم کلهر بوده و وزارت جلیله داخله باختیارحضرت حکمران گذاشته‌اند.

استعفای سپهدار و سرداراسعد

چهارشنبه ٦ رجب ۱۳۲۸ - ازقرار مشهور حضرتین‌سپهداراعظم وسردار اسعد ازوزارت داخله وزارت جنگ استعفا داده‌اند و وکیل ملت شده‌اند.

جمعه ۸ رجب ۲۸ - دوساعت بغروب مانده از منزل شاهزاده محتشم‌الدوله باتفاق ایشان و جناب آقاشیخ‌هادی، مجتهد و معتضدالدوله پیشکار مالیه و خبیرالسلطان رئیس تلگراف برای اطمینان‌دادن بداودخان سردارمظفر بچشمه سفید رفتیم.

داودخان‌را آنجاملاقات‌کردیم جمعیتی قریب سیصدسوار با تفنگ واسلحه همراهش بود . درباغی سایهٔ درخت فرش‌انداخته‌بودند همه نشستیم عنوان مطلب‌وحرکت حضرت حکمران شد.

داودخان حاضر بحرکت بود ولی اطرافیانش مانع بودند او قدری دهن‌بین است . مذاکرات طول‌کشید و دیروقت‌شد آخرالامر متعذر بدیرشدن وقت شد و امروز آمدن

موکول بفرداشدکه‌فرداهمین‌اشخاص بروند داودخان‌را بیاورند .

امروز قبل ازطلوع آفتاب سعدی‌بیك شهبندر تازهٔ عثمانی وارد و زحمت فرزندی هاشم‌خان که با یدك باستقبال رفته‌بود وهمچنین زحمت بیست‌نفر سوار وقزاق که‌ازطرف ایالت جلیله رفته‌بودند بهدر رفت .

آوردن داودخان کلهر به‌شهر

شنبه۹ رجب ۲۸ - بنا بقرار دیروزی اشخاص محترم دیروزرفته داودخان را اطمینان داده خدمت حضرت نظام‌السلطنه حکمران آورده شرفیابی حاصل گردیدمرخص‌شده‌است.

قتل آقاسیدعبدالله بهبهانی

یکشنبه ۱۰ رجب ۲۸ - وقت مغرب جناب آقای مغاون‌حکومت بکارگذاری تشریف‌آورده‌مشغول صحبت شدیم . دراین‌بین گفتند شخصی‌ازطرف‌انجمن‌ولایتی‌آمده‌با جناب‌آقای‌معاون‌کارلازمی‌دارد. آقای معاون باطاق دیگر تشریف برده بعد معلوم شد تلگرافی از مجلس مقدس شورای ملی بانجمن‌ولایتی رسیده مفادش اینست که شب‌شنبه‌نهم سه‌نفرخدانشناس بمنزل‌حجةالاسلام آقای‌سیدعبدالله بهبهانی رفته وبضرب گلوله آن‌جناب‌را شهیدساخته امروز مجلس شورای‌ملی بواسطهٔ وقوع این‌مصیبت رسم‌عزاداری بعمل آورده تعطیل نموده‌مشغول اقدامات وتعاقب‌قاتلین میباشند.

قتل یك‌سرباز بوسیلهٔ قزاقهای قونسولخانهٔ روس

یکشنبه ۱۷ رجب ۱۳۲۸ - چهار بغروب بدلگشا رفته خدمت حضرت حکمران رسیدم . اوقاتشان بواسطهٔ قتل یك‌سربازکرندی که دیشب نزدیك صبح در باغ قونسولگری روس قزاقها بضرب چهارگلوله مقتول ساخته بودند خیلی تلخ بود اگر جزئی‌غفلتی شده‌بود فوج‌کرندهمگی هجوم برده قزاقهارا کشته وقونسولخانه را تاراج مینمودند وکار بجای بدی منتهی‌میشد . مواظبت اجزاء ومأمورین ایالت قونسول‌را محافظت نمود سرباز مقتول را برده دفن‌کردند.

یادی از اوضاع گذشتهٔ خراسان

دوشنبه ۱۸ رجب ۲۸ - حاجی‌حسن‌خان کلانتر و برادرزاده‌اش قلی‌خان‌که مدتی درحبس حکومت‌بودند امروزمرخص‌شدند.

عصری بمنزل سرکار والا شاهزاده منتصرالملك خراسانی رفتم تقریباً یکساعت صحبت از زمان گذشته و وقایع خراسان‌وتراکمه وولایت مرحوم فریدون‌میرزا فرمانفرما ومرحوم‌سلطان‌مرادمیرزا

حسام‌السلطنه وفتح هرات‌وشکست‌قشون ایران درمرو بواسطهٔ نفاق وضدیت‌حشمت‌الدوله با میرزا محمد قوام‌الدوله‌که وزیر بود واستیلای روس‌درترکستان وغیره و از دست‌رفتن خاك ورعیت وایلات تراکمه متعلق بایران صحبت‌شد.

سه‌شنبه ۱۹ رجب ۲۸- نزدیك‌غروب به‌تلگرافخانه رفته جناب آقای‌خبیرالسلطان را ملاقات کردم . از اخبار تازه پرسیدم جواب دادند که وزرای کابینهٔ جدید اینطور معرفی شدند.

کابینهٔ جدید

جناب اشرف مستوفی‌الممالك رئیس‌الوزراء ـ شاهزاده فرمانفرما وزیر داخله ـ جناب حسینقلی‌خان نواب وزیر خارجه ـ جناب آقای‌حکیم‌الملك وزیرمالیه ـ جناب آقای قوام‌السلطنه‌وزیرجنگ شاهزاده‌اسدالله‌میرزاوزیر پست و تلگراف ـ جناب دبیرالملك وزیر عدلیه.

تا از این‌کابینهٔ جدید چه نتایج بروزکند وتا چه‌وقت دوام‌کند.

ارسال خلعت عبا ازطرف آیةالله خراسانی برای نظام‌السلطنه

جمعه ۲۲ رجب ۱۳۲۸ ـ دیشب تلگراف رسمی از جناب آقای میرزامحمدعلی‌خان‌وزیرزاده‌که فعلا معاون کل‌وزارت‌امورخارجه دروزیرامورخارجه‌شدن‌حضرت حسینقلی‌خان‌نواب‌است‌رسید خیلی مسرور شدم . زیرا قریب ۲۸ سال است که با معظم‌له دوستی و روابط دارم در اینمدت جز محبت و مهربانی هیچ‌بدی ندیدم خداکند از عهدهٔ اداره کردن وزارت خارجه با این وضع حالیه برآید .

از قرار مذکور یك‌ثوب‌عبا ازطرف حضرت آیةالله خراسانی‌برسم خلعت برای حضرت نظام‌السلطنه حکمران بوسیلهٔ جناب شمس‌المحققین‌فرستاده شده‌وعصر امروز با حضور اغلب آقایان‌علماء ومحترمین خلعت‌مبارك‌را پوشیده‌اند.

بنده بواسطهٔ درد کمر نتوانستم بخلعت‌پوشان بروم فرزندی‌هاشم‌خان و مسعود وبرادرش رفتند.

شنبه ۲۳ رجب ۲۸ ـ دوساعت از روزگذشته بدارالحکومه رفتم . تلگرافی از وزارت خارجه رسیده‌بود راجع بقتل‌سربازکرندی که قزاق روسی کشته‌بود . برخلاف واقع سفارت روس‌بموجب راپرت قونسول مقیم کرمانشاه شرحی بوزارت‌خارجه شکایت کرده بودکه قونسولگری روس درخطر است وکرمانشاه ناامن‌شده‌وسربازها بقونسولخانه

تیرانداخته‌اند و تأمین قونسولگری روس‌را خواسته‌بودند . درصورتیکه ابداً بی‌نظمی در این‌شهر نبوده ونیست . تلگراف را بنظر حکمران رساندم فرستادند ارفع‌الممالك منشی قونسولگری آمد تفصیل تلگراف بایشان بیان‌شد که چرا قونسول برخلاف واقع راپرت بسفارت داده در صورتیکه‌حکومت‌همه‌قسم اقدامات‌درحفظ‌قونسول‌وقزاق‌ها وقونسولخانه نموده‌اند قرارشد ارفع‌الممالك برود تفصیل‌رابقونسول‌ابلاغ‌نماید.

ازقرار مذکور حاجی‌حسین وکیل‌زینگررا که‌چرخ‌خیاطی‌فروش است بحکم‌حکومت رضای‌وکیل و محمدعلی گنل که تازه جزو ادارهٔ نظمیه شده‌اند و از اشرارند بطور بد کتك‌زنان بدارالحکومه برده‌اند . بطوریکه میگویند این دونفر با حاجی‌حسین سابقهٔ عنادی داشته‌اند.

خلعت رئیس‌نظمیه

سه‌شنبه ۲۶ رجب ۲۸ - طرف صبح‌بموجب قراردادبتلگرافخانه رفتم حضرت والا محتشم‌الدوله با رئیس قشون تشریف آوردند بالاتفاق بمنزل جناب‌آقای معاون حکومت‌رفتیم . آقای رئیس نظمیه (که چندروز قبل‌استعفا داده‌بود و اورا دیروز بصرف‌نظر کردن از استعفا قبولاندیم) ازطرف ایالت جلیله بایك‌پالتو ترمهٔ‌کشمیری وشمسه‌دارمخلع گردید متفقاً اورا خدمت حضرت نظام‌السلطنه بردیم اظهار التفات وروبوسی فرمودند. پس‌ازآن آقای رئیس‌نظمیه‌را بادارهٔ‌نظمیه‌آورده مجدداًبسر کارآمد. موزیك نواختندشربت وشیرینی ومیوه صرف شد . اهل‌شهرهم‌برای تبریك می‌آمدند.

پنجشنبه ۲۸ رجب ۲۸ - از صبح تا غروب منزل بودم بواسطهٔ انقلاب احوال فرزندی مسعود حالم پریشان بود هیچ حواس نداشتم . حضرت نظام‌السلطنه بشهر تشریف آورده‌اند حال رفتن‌خدمتشان نبود. عصر مداح آمد مدح‌خواند ذکر مصیبت‌کرد و رفت .

شنبه‌سلخ رجب ۲۸ - صبح بدارالحکومه به حیاط انجمن‌ولایتی‌رفتم جمع کثیری‌از آقایان شاهزادگان‌ورؤسای‌اصناف‌آمده بودنددر باب‌بی‌آبی شهروخانه‌ها گفتگو کرده‌قراری بگذارند از آنجا خدمت حضرت نظام‌السلطنه حکمران رفتم و تا بعدازظهر بودم میرزا قهرمان کرمانشاهی قصیده‌ای‌سروده بوداجازه‌خواست‌بیایدبخواند. حضرت حکمران مایل نبودند بخواهش شاهزاده محتشم‌الدوله وسایرین اجازه دادند آمد خواند و حقیقاً خوب قصیده سروده‌بود حضار مجلس همه‌تمجید کردند. بعدازصرف‌غذا بمنزل‌برگشتم.

نزدیك‌غروب‌شاهزاده‌سردارمحترم (محتشم‌الدوله) پیغام‌داده بودند من‌به‌تلگرافخانه رفتم شماهم اگر کاری ندارید بیائیدحقیرهم رفتم مغرب شد. شاهزاده فرمود برویم‌پشت

بام استهلال (رؤیت هلال) کنیم رفتیم رؤیت هلال ماه شعبان شد . شاهزاده سالارنظام رئیس قشون و آقای خبیرالسلطان‌هم آمـدنـد رؤیت هلال نمودند . انشاءالله بر همه مبارك است .

نزاع بین مجاهدین و مأموران دولت

پنجشنبه پنجم شعبان ۱۳۲۸ - ازقراریکه در دارالحکومه مذاکره شد در طهران نزاعی مابین‌مجاهدینی که خودرا بسته بستارخان سردار ملی نموده‌بودند در خصوص ترك اسلحه بامأمورین‌دولت وملت واقع شده مجاهدین مغلوب وترك‌اسلحه‌کرده‌اند.

جمعه۶ شعبان۲۸ - آقای حیدرخان پسر جناب آقای‌افتخارالولاة ازکردستان وارد وکاغذی آورده‌بود وضع کردستان‌را منظم تعریف میکرد حضرت امیرنظام‌حکمران آن‌صفحات را خوب امن ومنظم کرده است .

عصر بدلگشا خدمت حضرت نظام‌السلطنه رسیدم . تلگرافی ازوزارت جلیله‌خارجه رسیده‌بود که تفصیل‌متمردین (مجاهدین)راکه ازترك اسلحه تمردکرده بحکم‌دولت‌ومجلس وآیات‌الله نجف مجاهدین‌را محصور بعد ازسه‌ساعت جنگ مجاهدین‌را مغلوب‌وخلع اسلحه کرده ۳۵۰ نفر دستگیر بادارهٔ نظمیه فرستاده‌شده‌اند.

مالیات و حرج کرمانشاه

شنبه ۷ شعبان‌المعظم ۱۳۲۸ - بر حسب دعوت بانجمن ولایتی رفتم . جمعی از آقایان علماء ، شاهزادگان واعیان بودند معلوم شد این دعوت برای مطلب آقای معتضدالدوله رئیس مالیه است که بانجمن ولایتی متظلم است باین‌مضمون که یکصدهزارتومان وکسری‌اصلا وفرعاًمالیات دیوانی کرمانشاه است وامسال‌دویست هزارتومان خرج معین‌کرده ودارند ازرئیس‌مالیه مطالبه مینمایند محل این صدهزارتومان کجا است وازکجا داده خواهدشد . قرارشد مسئله‌راانجمن‌ولایتی بمجلس مقدس تلگراف نموده تکلیف خواهد.

سه‌شنبه ۱۰ شعبان ۲۸ - چندروز است که زوار عتبات عالیات از ولایات مختلف مثل هرسال می‌آیند . چیزی‌که امسال فرق کرده هریك از زوار باید از کدخدا یا رئیس نظمیهٔ آن ولایت تعرفه بیاورد تذکره بگیرد باید هریك از زوار سوارهٔ مرد یك قران پول تذکرهٔ ایران ، یازده‌قران پول امضاء شهبندری عثمانی و یـك‌قران پول تعرفه برئیس نظمیه بدهد.

چـهـارشنبه ۱۱ شعبان ۲۸ - بعضی کاغذها بـوسیلـه پست رسید .

تفصیل جنگ مجاهدین و دولتی‌ها

ازجمله واقعهٔ جنگ اول شعبان مابین مأمورین دولت ومتمردین ملت (مجاهدین) در پارك‌مرحوم اتابك امین‌السلطان اتفاق افتاد بود نوشته بودند . از قرار ورقه‌ای که در ادارهٔ روزنامهٔ شرق چاپ شده‌بود باعث این‌هنگامه وتمرد مجاهدین ازامر مجلس‌مقدس و وزرای دولت معزالسلطان برادرزادهٔ سردار منصور که سردار محیی مشهوراست بوده. هرقدر ستارخان سردار ملی‌هم‌بمجاهدین اصرار در ترك اسلحه میکند قبول نمیکنند آخر منجر بجنگ میشود . مجاهدین همه در پارك اتابك جمع و سنگربندی کرده از دوساعت بغروب مانده یکشنبه غرهٔ شعبان تا سه‌ساعت از شب گذشته‌مشغول جنگ بوده‌اند . اول یك‌صاحبمنصب بختیاری حسام‌نظام مقتول میشود . بعدازطرفین خیلی‌کشته شده ازمتمردین سی‌نفر ولی ازطرف قشون‌دولتی معلوم نشده چندنفر کشته شده است . بعد از مغلوب شدن مجاهدین و گرفتن اسلحه بقوهٔ قهریه معزالسلطان سرکردهٔ مجاهدین بسفارت‌عثمانی پناهنده‌شده‌است. (پای‌ستارخان تیر میخورد) .

جمعه ۲۷ شعبان ۱۳۲۸ - روز مولود اعلیحضرت اقدس سلطان احمد شاه است که بمبارکی داخل ۱٤ سال‌میشوند . دهم سنبله است. عصردر دلگشاجشن‌این‌عیدمنعقدو حضرب نظام‌السلطنه حکمران با لباس تمام‌رسمی برای پذیرائی مأمورین خارجه ورؤسای ادارات حاضر شده بودند. حقیرهم بالباس رسمی‌رفتم مأمورین‌خارجه جز قونسول‌انگلیس که عزدار ومعذرت خواسته‌بود همهٔ مأمورین آمدند تبریك گفتند .

دعوت خلیل‌افندی

شنبه ۲۸ شعبان ۲۸ - یکساعت و نیم از شب گذشته بدعوت خلیل‌افندی‌کاتب شهبندری بهمراهی جناب معاون حکومت بخانهٔ خلیل‌افندی رفتیم . دیدیم سعدی‌بیك شهبندر با ابراهم‌بیك وکیل شهبندرهم آنجا هستند . جناب معاون با سعدی‌بیك بفرانسه تکلم میکردند ولی سعدی‌بیك با حقیر ترکی‌عثمانی حرف میزد . ساز وآواز ومطرب‌کرمانشاهی بود تا نزدیك ساعت شش‌ازشب گذشته بودیم . بیشتر صحبت از اتحاد دولتین ایران و عثمانی واتفاق‌اسلامیان واستقلال مشروطه بود مخصوصاً سعدی‌بیك خیلی اظهار میل بمشروطه وقوت آن مینمودند.

دوشنبه‌سلخ شعبان ۲۸ - صبح‌بدارالحکومه‌رفتم گفتگوی مقتول‌شدن‌میرزاحسین‌خان دفتردار ادارهٔ ثلثه بود.

مستشارالحکماء وئیس‌ادارهٔ‌ثلثه دیشب‌بدون مقدمه رولوربه‌پیشانی‌میرزاحسین‌خان

مقتول خالی میکند وبیچاره فوراً برو افتاده ترك‌حیات میکند.

شاهزاده محمدباقرمیرزا معاون عدلیه از اجزاء اداره و خدمتکاران مستشارالحکاء سئوالات نموده در آخر خود مستشارالحکماء را آوردند تحقیقات نمودند و اقرار نموده است .

اغتشاش و ناامنی راه‌ها

پنجشنبه ۳ رمضان‌المبارك ۱۳۲۸ (۸ سپتامبر ۱۹۱۰) - در دارالحکومه از اغتشاش وناامنی راه وشرارت الوار و سواران خزل متعلق بضرغام‌السلطان پسر نامدارخان‌خزلی و عباس‌خان چناری مذاکره میشد.

درگردنهٔ بیدسرخ‌وصحنه خیلی مال‌التجاره برده‌اند ونزدیك‌کنگاور هم زوار را لخت کرده‌اند خلاصه راه خیلی ناامن شده . چندماه نبودکه این ولایت امن‌بوده باز مغشوش شده حکومت جلیله در صدد جلوگیری‌وفرستادن سوار وسرباز وتوپ به صحنه وهرسین هستند .

چندین‌نفر از تجار بیچاره بتلگرافخانه‌جمع‌شده‌بودند. موافق تلگرافی که ازکنگاور وصحنه رسیده‌قریب ششصدبارمال‌التجارهٔ آنهارا از یك فرسخی‌کنگاور باین‌طرف دزدبرده که مال‌خارجه وداخله هردو بوده‌است[1].

چهارشنبه ۲۳ رمضان ـ امروز ازاطباء کسی نیامد عصر بعد ازسه‌هفته‌بمنزل‌جناب جلیل‌الدوله حمام رفتم. حمام سرخانه خیلی پاکیزه وباسلیقه‌ساخته‌شده فرزندی مسعودهم همراه بود . وقت رفتن وبرگشتن الاغ سوارشدم . خیلی بزحمت رفتم وآمدم[2].

۱ـ از ششم‌تا ۲۲ رمضان پدرم مریض وبستری بوده‌اند نوع‌مرض‌ازنوشته‌هاشان درست معلوم نیست گذشته ازکسالت مزاجی کمردرد وپادردهم داشته‌اند.

معالجشان اول نصیرالاطباء (پدر معاضدالملك) بوده و دواهائی که میداده ممزج یا مسهل ویا حب و معالجات قدیمی بوده . چون کسالت طولانی شده احتشام‌الحکماء طبیب حکومت ولقمان‌السلطان برسم طب جدید معالجات کرده‌اند که دوای مهم آن (بودوردوپوتاس) یا ایودوردوپوتاسیوم بوده است.

۲ـ درآن‌اوقات آقایان‌هرجا میرفتند با اسب‌وجلودار میرفتندوخانم‌ها باالاغ‌سواری که پالان آن خیلی مزین وروی آن روپالانی مخمل یا ترمه بود وافسار و یراق‌گل‌های نقره داشت ـ مؤلف.

فوت عضدالملك

از قراریکه مذکورشد نایب‌السلطنه (عضدالملك) در این روزها برحمت ایزدی‌پیوسته و از زحمات زندگی دنیارسته است. خداش بیامرزد پیرمردوآدم سالمی بود . افواهاً گفتند آقای‌ناصرالملك را میخواهند بجای عضدالملك نایب‌السلطنه نمایند .

چهارشنبه‌غرهٔ شوال‌المکرم ۱۳۲۸ ـ عید سعید فطر وعید بزرگ مسلمین است . سه‌ساعت از روز گذشته با حال نیم‌کسل برای پذیرائی واردین حاضر شدم طرف صبح فرزندی مسعود را که ده‌ساله بود با میرزا اسدالله‌خان نایب کارگذاری فرستادم سعدی‌بیك‌شهبندر عثمانی را دیدن نمودند خودم بواسطهٔ درد پا نتوانستم برروم .

عصرجناب سعدی‌بیك‌شهبندر وابراهیم‌بیك‌وکیل شهبندر وخلیل‌افندی وعده‌ای‌برای دیدن آمدند.

موافق دستورالعمل خلیل‌افندی برای رفع دردپا فرستادم برگ بلك آوردند روی گوشت پا گذاشته محکم پیچیدند شاید انشاءالله‌مفیدشود.

نیابت سلطنت ناصرالملك

پنجشنبه دوم شوال ۲۸ ـ عصر جناب حاجی سیدحسن‌کزازی‌بعد جناب‌آقای آقاسیداسمعیل اجاق‌تشریف آورده فرموددرتلگرافخانه بودم آنجا مذاکره شد که نیابت سلطنت حضرت اشرف ناصرالملك صحت پیداکرده ورسمی‌شده است .

بروز بیماری وبا

یکشنبه ۵ شوال ۲۸ ـ قبل‌ازظهرآقای معین‌السلطنه‌بدیدن‌آمدند از قرار تقریر ایشان خیال رفتن بهمدان دارند فوج همدان که اینجا مأمور بود مرخص‌شد.

ازقرار مذکور حضرت حکمران دوباره بواسطهٔ بروز ناخوشی به‌دلگشا تشریف میبرند . بعضی از شاهزادگان‌هم یعنی فامیل مرحوم عمادالدوله به عمادیه رفته‌اند.

امروز ازجناب خبیرالسلطان رئیس تلگراف که بطهران رفتند از کنگاور تلگراف رسید .

دوشنبه ٦ شوال ۱۳۲۸ ـ ازقراریکه‌میگویندهیچکس‌رااجازهٔورود به‌دلگشانمیدهند مگر گوگرد دود بدهند . دکتر عبدالله‌خان اظهار داشت از همه‌جهت دیروز ۱۷ نفر درکرمانشاه تلف شده‌اند وناخوشی تخفیف یافته است.

جمعه ۱۰ شوال ۲۸ ـ ازکارپردازی خانقین کاغذ رسیدکه در شهربان وقزل‌رباط

وخانقین ناخوشی وبا شیوع دارد قدغن‌شود زوار باین‌سمت حرکت نکنند.

از قرار مشهور ناخوشی در شهر کرمانشاه شیوع‌پیدا کرده روزی ۲۵نفر تلف‌میشوند.

شنبه ۱۱ شوال ۲۸ - ۲۲ میزان - حالم تقریباً مثل دیروز گذشت‌جناب احتشام‌الحکماء حافظ‌الصحه از دلگشا نسخهٔ روغن مالیدنی وحب دیشب فرستادند . حضرت حکمران‌هم با تلفن احوالپرسی واظهار التفات فرمودند.

دوروز است رفتن‌زوار قدغن شده تذکره داده نمیشود ولی زوار اغلب‌بدون‌تذکره رفته ومیروند.

عدهٔ تلفات از وبا بروزی ۴۰ نفر رسیده

دوشنبه ۱۳ شوال - ناخوشی هنوز در شهر هست عدهٔ تلفات تا روزی چهل‌نفر رسیده اغلب مردم از هرطبقه هرکس توانسته بیرونها بدهات‌رفته‌اند. ازقراریکه نوشته‌اند درهمدان‌هم‌ناخوشی بروزکرده است.

پنجشنبه۱۶شوال-امروزباجازهٔحکومت‌قدغن زوار شکست نظمیه تعرفه‌ووکارگذاری‌بزوار تذکره داد.

شب‌ها مردم جمع‌شده سینه میزنند با فریاد یامحمدگویان در کوچه‌ها میگردند . شایدانشاءالله نـاخوشی رفع شود . در اغلب جاها حتی در معبرها روضه‌خوانی بـر پـا کرده‌اند.

روز جمعه آقایان شهر ، جناب آقامحمدمهدی مجتهد و سایرین با جمعیت زیادی از اهالی شهر بمصلی رفته برای رفع ناخوشی وبا تضرع و زاری و توبه و انابه نموده‌اند.

تغییر کابینه

سه‌شنبه ۲۸ شوال ۲۷ - نزدیك غروب بتلگرافخانه رفته راجع به‌تغییر کابینه‌سئوال کردم معلوم شدموضوع‌حقیقت دارد وتلگراف رسمی‌هم‌رسیده است.

وزرای جدید از این قرار در مجلس مقدس شورای ملی معرفی شده‌اند :

شاهزاده عین‌الدوله وزیر عدلیه - جناب آقای صنیع‌الدوله وزیر مالیه ، جناب آقای حسینقلی‌خان نواب وزارت امور خارجه ، شاهزاده فرمانفرما وزیر جنگ ، نواب والا اسدالله‌میرزا وزیر پست وتلگراف و جناب اشرف مستوفی‌الممالك در ریاست وزراء باقی هستند - وزیرمعارف را نفهمیدم تغییرکرده یا خیر .

چهارشنبه ٦ ذیقعدهٔ ۱۳۲۸ - دیروز قریب بیست‌دقیقه با جناب آقای معاضدالدوله رئیس کل تذکره مخابرهٔ حضوری تلگرافی داشتم‌چون تذکره وتمبر هنوز ازطهران‌نرسیده و زوار معطلند .

قبل‌ازظهر جناب‌آقای سیداشرف (سیداکبرشاه) وجناب آقای آقاشمس‌الدین بدیدن آمدند .

معین‌الرعایا با اکبرخان معاون‌الرعایا بدیدن آمدند از قراریکه معین‌الرعایا بیان میکرد در سفر خود که بخزل و لرستان پیش نظرعلی‌خان و غیره رفته بود (برای استرداد اموال منهوبهٔ زوار وتجارکه در حوالی کنگاور سوارهای لر و خزل برده بودند) کم‌وبیش نصف اموال‌را گرفته وبصاحبان‌مال رد کرده است .

نزدیك غروب بدیدن‌جناب لسان‌السلطنه رئیس‌تازهٔ عدلیهٔ کرمانشاه رفتم.

تعدیات ایلات

جمعه ۸ ذیقعدهٔ ۱۳۲۸ - صبح آقای آقاسیدمحمدعلی پسر جناب حاجی سیداسدالله‌تاجر آمد صحبت‌های متفرقه ازوضع کرمانشاه و رفتار وحشیانهٔ ایلات این ولایت از قبیل کلهر، سنجابی، قلخانی وگوران وغیره شد . متعدیتر از همه ایل کلهرراگفتندکه‌هروقت بدهات بمهمانی میروند (یعنی بزور) بهردهی وارد میشوند صاحبخانه ناچار بقدر مقدور از هرجهت پذیرائی از مهمان ناخوانده میکند ولی مهمان ناخوانده وقت رفتن هرچه بدستش بیاید از ظرف وفرش واسباب خانه میبرد و بهیچ چیز ابقاء نمیکنند[1] .

بعد جناب سیداشرف‌الواعظین که بسیداشرف مشهور است با جناب‌آقاجواد ورود نمودند ، پسرهای آقای سیداشرف‌هم آمدند .

در روزنامهٔ حبل‌المتین‌کلکته بتاریخ۱۹ محرم ۱۳۲۸ مقالهٔ سیاست‌الحسینیه‌راکه‌از قول دونفر علمای فرنگ یکی آلمانی ودیگری فرانسوی نقل وترجمه‌شده بود مشغول خواندن شدیم وساعتی لذت روحانی بردیم.

هرکس بخواندخواهد دانست چقدر خوب نوشته‌شده است. غذائی صرف شدوآقایان تشریف بردند.

۱- در وصف‌طایفهٔ کلهر این بیت‌گفته‌شده‌است :

سگ کلهر به از اکابر لر با وجودیکه سگ به‌ازکلهر

حقیرهم به‌تجویز طبیب روغن‌مالی داشتم اطاق دیگر آمده مشغول شدم شایددرد پا رفع شود · یك‌ساعت‌ونیم بغروب مانده سواره تالب‌قره‌سو بگردش رفتم . متجاوز از دوماه بود که سواره بگردش نرفته‌بودم.

دوشنبه ۱۱ ذیقعدهٔ ۲۸ ـ قبل‌ازظهر جناب‌آقای آقامحمود وجناب حاجی‌ملاحسین پیشنمازمشهور بحاجی آخوند تشریف آوردند بعد استاد اسد معمارباشی آمد · بیچاره معمارباشی از ناخوشی وبا خیلی صدمه دیده وپنج‌نفر از خانوادهٔ او ازجمله عیالش‌فوت شده‌اند .

عصر سواره بدلگشا بدیدن حضرت حکمران (نظام‌السلطنه) رفتم متجاوز از دوماه بواسطهٔ ناخوشی‌خودم وجهات‌دیگرایشان‌راندیده‌بودم بجهت طول زمان مهجوری دراول ملاقاف مصافحه فرمودند . اغلب اجزاء حکومتی از دیـدن حقیر اظهار خـوشحالی مینمودند .

سیدمحمدرضا مساوات

چهارشنبه ۱۳ ذیقعدهٔ ۱۳۲۸ ـ عصر فرزندی‌هاشم‌خان درخدمت جناب آقای آقاسیدمحمدرضای مساوات شیرازی وکیل‌آذربایجان از عتبات عالیات مراجعت نمودند · لدی‌الورود جمعی بدیدن ایشان‌تشریف آوردند. از جمله میرزا غفارخان‌که بجهت ریاست نظمیه کرمانشاه‌آمده‌است . سناً جوان ونطاق وتربیت‌شده بنظرآمد.

جمعه ۱۶ ذیقعدهٔ ۱۳۲۸ ـ دوساعت بظهر مانده در خدمت جناب آقای آقاسید محمدرضا بدلگشا خدمت حضرت نظام‌السلطنه رفتم فرزندی‌هاشم‌خان همراه بود آقای نظام‌السلطنه شرحی از حالاتشان ووضع‌کرمانشاه برای جناب آقا بیان کردند و در ضمن فرمودند دیشب از وزارت داخله حکم تلگرافی برای حکمرانی فارس رسیده انشاءالله از طرف بغداد وبوشهر خواهم‌رفت و فردا حاکم‌جدیدکرمانشاه معلوم خواهدشد پارسال در ۱٤ همین‌ماه حضرت نظام‌السلطنه‌بحکومت کرمانشاه منصوب وشاهزاده محتشم‌الدوله راهم نایب‌الحکومه قرار دادند . الحق آقای نظام‌السلطنه در اوایل ورود تا شش‌ماه ولایت‌کرمانشاه‌را خیلی منظم و امن فرمودند ولی در اواخربه‌بعضی جهات رشتهٔ آن‌نظم و امنیت از هم گسیخت ناهار در دلگشا صرف شد روز بعد مشهور شد حضرت والا رکن‌الدوله برای حکومت‌کرمانشاه معین شده‌اند.

سه‌شنبه ۱۹ ذیقعدهٔ ۲۸ ـ صبح باطاق بیرونی آمده خدمت جناب‌آقای مساوات رسیدم ایشان باتفاق فرزندی هاشم‌خان ببازدید آقای آقارحیم رفتند.

طرف عصر بدلگشا خدمت حضرت نظام‌السلطنه رسیدم دیدم عازم رفتن‌شهبندرخانه

هستند . فرمودند باتفاق برویم . متفقاً رفتیم شهبندر پذیرائی کرد ونطق‌های محبت‌آمیز بترکی و فرانسه نمود . از تشریف‌بردن حضرت نظام‌السلطنه از کرمانشاه اظهار تأسف میکرد .

ورودعساکر عثمانی برای حفاظت شهبندر

بعد گفت مسافرین ما امروز وارد شدند معلوم شد ۱۸ نفر سوار عساکر عثمانی بایك‌نفر صاحبمنصب شوکت‌افندی‌نام که‌چندی‌قبل بنابود بکرمانشاه بفرستند روانه کرده‌اند . دونفر از سوارهاهم دم در شهبندرخانه ایستاده سلام نظامی دادند. لباس آنها خوب طرحی بود .

عزیمت نظام‌السلطنه به‌فارس و فوت ظهیرالملك

دوشنبه ۲۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۸ ـ صبح جناب مستطاب آقای مساوات (که چندی‌قبل باتفاق فرزندی هاشم‌خان از عتبات آمده ومنزل‌ما بودند) بسلامتی عازم طهران شدند بعداز وداع با جناب آقا و رفتن ایشان بعزم ملاقات حضرت نظام‌السلطنه بدلگشارفتم . در بین‌راه معلوم شد صبح خیلی زود برای حکومت فارس حرکت کرده‌اند . خبر فوت ظهیرالملك رسید . (ظاهراً در طهران).

پنجشنبه ۲۸ ذیقعدهٔ اول دسامبر ۱۹۱۰ ـ صبح برف شدیدی‌آمد فرزندی هاشم‌خان را برای تشییع جنازهٔ‌میسوواگنر (wagner) رئیس گمرك که چندی مبتلا بمرض ذات‌الریه بود فرستادم بعدازظهر مراجعت کرد . جنازه را برده در باغ قونسولخانهٔ انگلیس دفن‌کرده بودند مأمورین خارجه با رؤسای ادارات حاضر شده بودند.

جنابان میرزاحسین‌خان (معاوق سابق حکومت) حاج مبین‌السلطنه و مهین‌الدوله امروز با دلیجان بسمت عراق عرب حرکت کردند که در شیراز بحضرت نظام‌السلطنه والی‌فارس ملحق شوند.

فخرالتجار پسر حاجی‌آقااحمد همدانی قبالهٔ خانهٔ مرحوم ظهیرالملك واقعه در کربلای‌معلی را آورد که بمبلغ پنجهزار و سیصد تومان خریده بود بمهر کارگذاری برساند .

جمعه ۲۹ ذیقعدهٔ ۱۳۲۸ ـ امروز سالاراشرف آمد تلگرافی نشان‌داد که از قول آقایان وشاهزادگان واعیان کرمانشاه بحضرت والا رکن‌الدوله حکمران جدید کرمانشاه نوشته‌شده بود که در استخلاص اعظم‌الدوله‌وسرداراجلال توسط نموده بودندکه حضرت والا رکن‌الدوله استخلاصشان را فراهم بیاورند . تلگراف را آورده بودند که بنده‌هم

مهرنمایم. گفتم حقیر اهل کرمانشاه نیستم مهرچه‌حاصل‌خواهدداشت خلاصه مهر کردم.

ازقرار مذکور آقایان علما وشاهزادگان واعیان کرمانشاه اجتماعاً طرح اتفاق و اتحاد ریخته باهم تجدید یگانگی کرده‌اند مخالف ومؤالف بخانهٔ همدیگر رفته‌اند. خدا کند ازروی صدق وصفا ومستحکم باشد.

توسل بکاپیتولاسیون

دوشنبه ۲ ذیحجةالحرام ۱۳۲۸ - عصر در کارگذاری مجلس مفصلی‌راجع‌بمطالبات دونفر از تجارایرانی از سه‌نفر اتباع‌عثمانی با حضورچندنفر ازتجارمنعقدشد. سعدی‌بیك کتاب‌قانون‌معاملات عثمانی را همراه آورده اظهار میکرد مکلفم از روی این قانون عمل نمایم لاغیر. وحال آنکه رسم است در هر مملکت قانون‌آن‌مملکت در حق داخله وخارجه باید معمول باشد نه‌قانون ممالك خارجه در داخلهٔیك مملکت. خیلی‌مذاکرات شد تا مغرب طول‌کشید ولی مسئله بجائی منتهی‌نشد.

پنجشنبه ۵ ذیحجهٔ ۲۸ - بقراریکه جناب حاج‌محمدشفیع همدانی که برای تشرف بعتبات آمده‌اند اظهار داشتند محمدخان پسر عباس‌خان چناری معروف را در ده آقای ساعدهمایون بطور بدی کشته و قطعه‌قطعه کرده‌اند و مردم از شر او آسوده شده‌اند. محمدخان‌مقتول اشر ناس ودر آدم‌کشی واذیت مردم خیلی جری وبی‌باك بود.

سه‌شنبه ۱۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۸ - روز عید اضحی‌عیدبزرگ ملت اسلام و روز مبارکی است.

عصر آقای معتصم‌الملك رئیس ادارهٔ ثلثه بعد سعدی‌بیك شهبندر و ابراهیم‌بیك وکیل شهبندر آمدند. پس‌ازآن آقای جلال‌الممالك رئیس عدلیهٔ عربستان واردشد.

مقرب‌الخاقان **رضاخان** سرهنگ‌قزاق (مقصود رضاشاه‌فقید است) هم‌بدیدن‌آمدند. بعدخلیل‌افندی آمد.

یکشنبه ۱۵ ذیحجهٔ ۱۳۲۸ - قبل‌ازظهر برای دیدن حضرت والا حشمت‌السلطان فرزند حضرت والا رکن‌الدوله‌حکمران وجناب آقای امیرالامراء معاون حکومت‌که‌دیروز وارد شدند رفتم. جمعی آمده‌بودند. شاهزاده حشمت‌السلطان‌جوان تقریباً بیست‌ودوسه ساله بنظر آمد. جناب امیرالامراء بین سی‌وپنج تا چهل‌سال باید داشته‌باشند آدم حراف پخته ومجرب دیده شد.

دوشنبه ۱۶ ذیحجهٔ ۲۸ - بمناسبت روز اسم‌گذاری اعلیحضرت امپراطور روس طبق معمول در قونسولخانه مجلس‌جشن‌منعقدبود برای تبریك بالباس‌رسمی‌رفتم ازرؤسای ادارات ومأمورین خارجه جمعی آمده‌بودند. یك‌خوانچه شیرینی که مرسوم است امروز ازکارگذاری بقونسولخانه فرستاده‌شد.

چهارشنبه ۲۵ ذیحجهٔ ۲۸ - امروز شیخ‌علی‌عسکر برادرمعین‌الرعایا اجاره‌نامهٔ طاق بستان وغیره را نویسانده بود آورده بود حقیر وکالتاً از طرف آقای سردارمعتضد مهرکنم مهرکردم بمدت‌سه‌سال هرسالی دوهزاروپانصد تومان که هرسال در سه‌قسط بپردازد.

مجلس مشاورهٔ اداری

جمعه ۲۷ ذیحجهٔ ۲۸ - دیروز عصر سه بغروب بقرار معمول بمجلس مشاورهٔ اداری (که جناب امیرالامراءمعاون حکومت قرار تشکیل آن‌را داده‌اند) بدارالحکومه رفتم . چندمطلب عنوان ومذاکره شد و رأی گرفتند. قضیهٔ نزاع خوانین کلیائی و سنقر بودکه‌بین‌منصورالدوله‌بامنصورالسلطان‌است گرچه‌معین‌الرعایابرای اصلاح رفته‌ظاهراً دعوا راخوابانده وطرفین را ساکت‌کرده ولی این‌اصلاح دوامی‌نخواهد داشت.

امروز تلگرافی از جناب آقای میرزاعلی‌محمدخان وزیرزاده معاون وزارت خارجه رسید که جناب آقای حسینقلی‌خان نواب از وزارت استعفا دادند اینجانب تا معین‌شدن وزیرخارجه کفالت اموررا خواهم‌کرد. تاریخ وزارت جناب نواب را نگاه کردم در ۱۹ رجب ۱۳۲۸ بمسند وزارت نشسته تقریباً پنج‌ماه و ده روز مدت وزارتشان طول‌کشیدو هنوز علت استعفا معلوم نیست.

طرف عصر جناب آقای‌امیرالامراء ببازدید به‌کارگذاری تشریف آورد در مطالب متفرقه صحبت بمیان آمد . جناب آقای معاون میفرمود چهل وچهارسال از عمرم‌گذشته خیلی در زندگی زحمت دیده‌ام.

دوشنبه سلخ ذیحجهٔ ۱۳۲۸ (۲ ژانویهٔ ۱۹۱۱)-

دیروز و امروز باتفاق جناب آقای‌امیرالامراء و معاون حکومت بدیدن قونسول انگلیس وروس وشهبندر عثمانی رفتیم . شهبندر یك‌روزنامهٔ ترکی موسوم بصباح آورد خواند مقاله‌ای از قول فریدبیك که یکی از مبعوثان عثمانی است درج بود . از اتحاد دولتین عثمانی وایران وبرادری وعرق اسلامیت وحمایت ایران شرحی بیان‌کرده‌بود که امروز باید ازهرجهت بایران کمك‌کرد واز تعدیات اجانب محفوظ نمود نطق‌خیلی‌اسلام‌پرورانه نموده بود.

احضار ظل‌السلطان

چهارشنبه ۲ محرم‌الحرام ۱۳۲۹ - عصر بمنزل‌آقای جلیل‌الدوله رفتم از قراریکه مذکور داشت در روزنامهٔ پلیس ایران صورت تلگرافی ازحضرت آیت‌الله خراسانی‌خوانده‌که برای امنیت‌جنوب ایران احضار شاهزاده ظل‌السلطان بایران واجب است.

ازطهران برای استقبال حضرت ناصرالملك برشت رفته‌اند واتومبیل‌هم‌برای‌سواری

ایشان برده‌اند.

نزاع سینه‌زنها با قزاقها

پنجشنبه۳ محرم ۱۳۲۹- در حسینیه جناب آقای آقامحمودبرای استماع روضه رفته بودم خبر رسید یك‌نفر از سینه‌زنها تیرخورده یعنی یك‌نفر مقصر بنام حاجی‌قصاب را قزاقها بحکم حکومت بدارالحکومه میبرده‌اند . او خودرا توی دستهٔ سینه‌زنها میاندازد سینه‌زنها از اوحمایت میکنند واز عقب‌هم چندنفر اشرار بحمایت مقصر میآیند که اورا از دست قزاقها بگیرند طرفین با هم تیر و تفنگ کرده یك‌نفر از سینه‌زنها مقتول میشود یك‌نفرهم از قزاقها تیر خورده که هنوز نمرده بمریضخانه برده‌اند . دونفرهم مجروح شده‌اند نظم شهررا تا ورود حضرت والا حکمران‌بآقای حاجی‌حسن‌خان‌وامین‌الممالك ومعین‌الرعایا سپرده‌اند که جناب آقاسیدحسن هم ناظر باشد .

دوشنبه ١٤ محرم ۲۹ - برای استقبال حضرت والا رکن‌الدوله حکمران نزدیك ظهر باتفاق شاهزاده محتشم‌الدوله وجنابان امیرالامراء معاون وآقای معتضدالدوله رئیس مالیه بکالسگه نشسته تا پل قره‌سو رفتم از اعیان و اشراف شهرهم آمده‌بودند . حضرت والا سه بغروب مانده با کالسگه‌وارد وبهمهٔ مستقبلین اظهارالتفات و احوالپرسی فرموده راه افتادند ونزدیك شهر از کالسگه پیاده شده اسب سوار شدند . ازجناب آقای‌معاون رقعه‌ای‌رسیدکه‌روز چهارشنبه پنج ساعت ازدسته رفته دردارالحکومه سلام منعقد خواهد شد با لباس رسمی‌باید حاضرشد.

چهارشنبه ١٦ محرم ۱۳۲۹ - قبل ازظهر برحسب دعوت بسلام حکومتی حضرت والا شاهزاده‌رکن‌الدوله‌بدارالحکومه رفتم جمعی‌بودند . حضرت والا بتالار تشریف‌آورده سلام منعقدخطیب‌خطبهٔ‌غرائی‌خواند موزیك‌نواختند. حضرت حکمران نسبت بمردم‌اظهار تلطف فرمودند بعد سلام شکست .

توپ‌بستن بخانه‌دزدها در لندن

پنجشنبه ۱۷ محرم ۲۹ - عصر برای معرفی قونسولها ومأمورین خارجی با لباس رسمی بدارالحکومه رفتم .

حضرت‌والا حکمران فرمودند خبرتازه از پوبلینك‌نیوز چه‌دارید ؟ گفتند جناب ناصرالملك در شهر وینه تشریف دارند و اظهار کسالت فرموده آمدنشان بایران باین‌واسطه بتأخیر افتاده محتمل است تشریف بیاورند.

مدیر بانك شاهنشاهی مسیوشیندلر هم اظهار داشت در روزنامه خواندم در لندن

بین‌دزدها و پلیس نزاع شده‌سه‌نفرپلیس مقتول ومجروح شده دزدها فرارکرده هنوزدستگیر نشده وخانه‌های‌آنهارا بتوپ بسته خراب‌کرده‌اند !

نامهٔ ناپلئون‌سوم

در روزنامهٔ پلیس ایران دیدم ترجمه‌نامهٔ ناپلئون سوم‌که در عهد صدارت‌میرزاآقاخان‌نوری به‌ناصرالدین‌شاه نوشته‌خیلی‌خیرخواهانه و برادرانه نوشته شده است . (تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۸۵۸ مطابق ۱۲۷۲ هجری).

دستگیری شهبندر عثمانی و بردن او به‌بغداد

چهارشنبه۲۳ محرم ۲۹- از قراریکه خبررسید عبدالکریم‌بیك‌باش شهبندرعثمانی‌که دوروز بود واردکرمانشاه شده بود بامر سفارت عثمانی چندنفر عسکر سواره‌نظام که اینجا بودند امروزعبدالکریم بیك را در این هوای سرد زمستان برای استنطاق‌وادعای‌پسرهای آقاعبدالرسول‌کازرونی‌به بغداد بردند. دونفرسوار قراسوران‌هم از حکومت جلیله تا سرحد همراه رفتند.

بوسیلهٔ عساکر خودشان

از قرار مذکور این‌موضوع از تحریکات سعدی‌بیك شهبندرموقتی شده‌که چندروز قبل بکردستان رفت واجزاء شهبندری‌هم‌همراهی کرده‌اند.

انجماد رود قره‌سو

شنبه ۲۶ محرم ۱۳۲۹ - طرف صبح آقای میرزاکاظم‌خان رئیس نظمیهٔ جدید با لباس فرم تازه بدیدن‌آمد.

قریب ۲۳ یا ۲٤ سال دارد وجوان تربیت‌شده بنظر آمد . ده ماه در کاشان مأموریت داشته است.

از قرار مذکور چندروز است‌ازشدت‌سرما آب رود قره‌سویخ‌بسته بطوریکه مال با بار از روی‌آن عبور میکند.

عصر جناب مستطاب آقاشیخ‌هادی مجتهد وبرادرشان آقای ظهیرالعلماء و آقای آقاآیت‌الله پسرمرحوم آقاابوالقاسم رئیس‌العلماء (که چندروز قبل‌مرحوم شده است) برسم بازدید تشریف آوردند . پس‌ازتشریف‌بردن آقایان ذبیح‌الملك آمد قدری صحبت‌کرد حقیر از درد کمر و درد پا اظهار دلتنگی نمودم.

معالجهٔ رومانیسم

ذبیح‌الملك از تجربهٔ خود اینطور توصیه معالجه‌کرد اگرعمل‌شود رفع دردرا خواهدکرد.

دوروز پشت‌سرهم‌طرف صبح باندازهٔ پنج‌سیر آب‌غورهٔ صحیح که چند حب قندهم توی آن انداخته نوشیده شود. باین‌خیال هستم

امتحان کنم .

سه‌شنبه ۲۹ محرم ۲۹ - بر حسب اطلاعی که از کارگذاری به‌مأمورین خارجهٔ مقیمین کرمانشاه داده شده‌بود امروزچهارساعت بغروب بدارالحکومه رفتم دیدم ملازمین هنوز حاضرنشده‌بودند مگر **آقای رضاخان سرهنگ قزاق** که حاضر است.

پس‌ازقدری، معطلی حضرت والا حکمران تشریف آوردند وسوار اسب‌شدند حقیرو سرهنگ قزاق وچند سوار خدمتشان بقونسولگری روس و انگلیس و شهبندری عثمانی رفتیم قونسولهای خارجی بالباس‌رسمی پذیرائی‌کردند.

امروز این‌حرکت اجباری مزید بر دردکمر وپاگردید.

سه‌شنبه‌هفتم صفرالمظفر ۱۳۲۹ - هوا بشدت سرد است چندروزقبل بقدر نیم‌ذرع برف بارید . کوچه‌ها بطوری‌یخ‌بسته است‌که عبور خیلی دشوار است.

امروز یك‌پست‌رسیدکه ۱۸ روزه ازطهران بکرمانشاه آمده است.

نزدیك ظهر **رضاخان سرهنگ قزاق** آمد دیدن نمودیم نیم ساعت نشست و رفت .

قتل صنیع‌الدوله

چهارشنبه۸ صفر۲۹ - حیدرقلی‌خان‌پسر آقای ارفع‌الممالك(منشی قونسولگری‌روس) آمداظهار نمود قراولی‌را که همراه من مدرسه آمده بود شاهزاده عبدالحسین‌میرزا پسرشاهزاده سالارنظام رئیس قشون کتك‌زده بوده است .

عصر شاهزاده ابوالفتح میرزا رئیس تلگراف آمد ، دوخبر ناگوار مسموع‌شدیکی کشته‌شدن آقای صنیع‌الدوله وزیر مالیه در طهران دیگر مقتول‌شدن آقای معتمد خاقان حاکم اصفهان خیلی اسباب تأسف‌شد . جناب صنیع‌الدوله شخص خیلی سالم تربیت‌شدهٔ با علمی‌بود .

ورود ناصرالملك

جمعه ۱۰ صفر۲۹ - عصر خدمت حضرت والا شاهزاده حکمران رسیدم . از قضیهٔ قتل بیچاره صنیع‌الدوله و ورود والاحضرت ناصرالملك نایب‌السلطنه بطهران فرمودند که‌شب‌پنجشنبه گذشته به‌سلامتی بطهران وارد شده‌اند .

جناب آقای ممتازالدوله‌هم بریاست مجلس شورای‌ملی‌منصوب‌شده‌اند. یك‌مرتبه‌هم رئیس‌مجلس بودکه در ریاست ایشان مجلس‌را توپ بستند.

تعدی عثمانیها

یکشنبه ۱۹ صفر ۲۹ - جناب آقای منتخب‌الملك کارپرداز بغداد وهمراهان واردشدند .

نسبت به اتباع ایران

از همدان تا کرمانشاه سی‌وچهار روز مسافرتشان طول کشیده و منتهای زحمت‌را در بین راه از هرجهت متحمل شده‌اندکه‌تحریری نیست .

امروز تلگرافی از خانقین بحکومت جلیله رسیده بود بکارگذاری فرستاده‌بودند که عثمانی ها نسبت باتباع ایران نهایت تعدی را مینمایند و میخواهند عنفاً تذکره تبعیت عثمانی بآنها بدهند بعد عسکر بکنند و پول اعانه مطالبه مینمایند . عین‌راپرت‌را بوزارت خارجه مخابره کردم از راپرت خانقین خیلی متأثرشدم.

دوشنبه ۲۰ صفر ۱۳۲۹ (اول‌حوت) دیروز جناب آقای منتخب‌الملك و همراهان (آقایان وثیق‌السلطنه ، معتضدالوزاره و آصف‌الملك) ناهار در کارگذاری صرف فرمودند .

امروز ببازدید حضرت والا محتشم‌الدوله رفتند . جناب منتخب‌الملك درحکومت مرحوم عمادالدوله سفری باتفاق مرحوم ناظم‌الملك باین‌صفحات آمده بودند برای‌تحدید حدود خاك ایران با عثمانی.

قتل حکمران اصفهان

یکشنبه ۲۶ صفر ۱۳۲۹ ـ روزنامهٔ زاینده‌رود اصفهان‌را خواندم تفصیل تیرزدن میرزاعباس‌خان رئیس نظمیه سابق اصفهان‌بجناب آقای‌معتمدخاقان‌حکمران‌اصفهان‌ومقتول‌شدن‌میرزاعبدالرحیم‌خان جوان منسوب آقای معتمدخاقان‌را مفصلا درج کرده. بحمدالله زخم آقای معتمدخاقان‌را بی‌خطر نوشته میرزاعباس‌خان مذکور پس‌ازارتکاب این‌عمل زشت بقونسولخانهٔ روس رفته متحصن‌شده تا چه‌شود و بمجازات برسد یاخیر .

ترك استعمال امتعهٔ روس

شنبه دوم ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ـ ۱۲ حوت ـ از قرار مذکور در انجمن ولایتی ازعلما وشاهزادگان واعیان و تجار اجتماع نموده در ترك استعمال‌امتعهٔ روس مذاکره نموده‌اند. روزنامهٔزاینده‌رود اصفهان نوشته‌بود قونسول روس در اصفهان بچاه افتاده و خفه شده است .

تیراندازی اشرار به نظمیه وتلگراف

دوشنبه ٤ ربیع‌الاول ـ عصر خدمت حضرت والا حکمران رسیدم آقای معاون حکومت‌ورئیس‌نظمیه حضور داشتند معین‌الرعایاهم آمد قدری صحبت ازوضع نظمیه وجسارت اراذل واوباش شهرکه امروز تفنگ به‌نظمیه خالی‌کرده‌اندشد.

ناصرالملك نایب‌السلطنه

تلگراف مفصلی تقریباً سه‌هزارکلمه مشعر به‌بیانات نایب‌السلطنه (ناصرالملك) در مجلس شورای ملی‌بود . حضرت حکمران‌قرائت فرمودند بناشد چاپ شود.

بیانات والاحضرت مبنی برنصایح وتوضیح شرایط وقواعدقانون اساسی درانتخابات وکلا بود که افراد ملت از روی بصیرت وکلای بصیربادیانت انتخاب نمایند . درآخر تلگراف‌هم مراسم تحلیف‌را بجا آورده بودند که در ازدیاد شوکت دولت و ترقی ملت و حفظ حدود مملکت وحقوق افراد ملت بکوشند.

شرارت اشرار در شهر

سه‌شنبه ۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ - شب گذشته از دارالحکومه‌بمنزل برمیگشتم بین راه صدای تفنگ زیاد از شهرشنیده‌شد. در ساعت سه و چهار از شب صدا بیشتر گردید خیلی مردم متوحش شده بودند .

صبح خدمت حضرت حکمران رسیدم آقایان رئیس قشون ، امیر مقتدر وآقای امیرالامراء معاون حکومت حضور داشتند . بعد شاهزاده سردار محترم ورؤسای تلگراف‌و عدلیه ومالیه‌هم آمدند حضرت حکمران به‌آقای رئیس قشون بموجب دستخط حکم فرمودند که بقوهٔ نظامی بروند اشرار را دستگیر یا تبعید نمایند. رئیس قشون عرض‌کردحاضرم اگراجازه بفرمائید بروم بانجمن ولایتی اظهار دارم مطلع باشند حضارهم تصدیق‌کردند بالاتفاق‌بانجمن‌ولایتی رفتیم‌جمعی‌بودند . پس‌از مذاکرات زیاد صلاح بر این دیدند که یك‌نفر ازطرف انجمن ولایتی با دوسه‌نفر اشخاص محترم نزد اشراررفته اتمام حجت نمایند اگر برضایت خودشان‌رفتند فبها والا بقوهٔقهریه بیرونشان نمایند .

سرکار فرخ‌خان ایلخانی وآقای ابوالحسن‌خان ازطرف انجمن ولایتی با دونفردیگر مشخص شده پیش حضرات رفتند بعدازظهر مراجعت کردند وخبرآوردند حضرات‌را روانه کردیم وآنجا ایستادیم تا سوارشده رفتند . عجالتاً فتنه خوابیده تابعد چه شود . ناهاردر دارالحکومه صرف‌شد.

انتصاب‌یفرم‌خان بریاست نظمیه طهران

ازقراریکه حضرت والا فرمودند جناب‌آقای معاون‌الدوله‌بوزارت پست و تلگراف ، مسیو یپرم‌خان بریاست نظمیه منصوب شده‌اند.

سه‌شنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ - پست خط طهران وارد شد از خبرهای تازه اسامی وزرای جدید را اینطور نوشته‌بود:

تشکیل کابینهٔ جدید

سپهداراعظم‌رئیس‌الوزراء ووزیر جنگ ـ مستشارالدوله‌وزیرداخله حاجی محتشم‌السلطنه وزیرخارجه ـ مشیرالدوله وزیر عدلیه ـ مختارالدوله وزیر مالیه ـ معاون‌الدوله وزیر پست و تلگراف و تجارت ـ حکیم‌الملك وزیر معارف.

دستگیری و فرار محمدعلی گنل

چهارشنبه ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ـ اول حمل تنگوزئیل عیدنوروز سلطانی ایرانیان است برسم معمول جمعی از محترمین از همهٔ طبقات بدیدن آمدند جناب مستوفی‌الملك رئیس مالیه عربستان (خوزستان فعلی)هم با معتمد همایون آمدند.

عصر خدمت‌حضرت والا حکمران (رکن‌الدوله) رسیدم زکامسخت شده ازآمدن قونسولهابرای‌تبریك عید معذرت خواستند.

از دارالحکومه بچندجا رفتم . از قرار مذکور محمدعلی‌گنل مشهور را که معروف بشرارت بود بحکم حکومت باگاری پست‌وباقزاق‌تحت‌الحفظ به طهران فرستاده‌اند .

سه‌روزبعد خبر رسید در بین‌راه محمدعلی گنل از فرسفج فرار کرده یعنی‌ظاهربیك نامی که در گاریخانه مستخدم بوده فرارش داده‌است[1] .

حملهٔ اشرار به قونسولگری انگلیس

یکشنبه ۲٤ ربیع الاول ۱۳۲۹ ـ طرف صبح میرزا علی‌اکبرخان منشی قونسول انگلیس آمد تفصیلی از واقعهٔ دیشب بیان‌کردکه جمعی‌اشرار دورقونسولخانه را گرفته که وارد شوند . قراولها خبرشده چندساعت‌باهم تیر وتفنگ میکنند بالاخره اشرار فراری میشوند . حقیرفورآواقعه‌را باطلاع حضرت والا حکمران‌رساندم.

قرارشد بر عدهٔ قراولهای قونسولخانه افزوده و قدغن نمایند ادارهٔ نظمیه خیلی

۱ـ گزارش امروز که مربوط باول سال شمسی است در کتابچه جداگانه باخط من (مسعود فرید) عیناً نقش‌شده وپدرم در حاشیه نوشته‌اند (این صفحه خط فرزندی مسعود است) روز پنجشنبه وجمعه پدرم مشغول دیدوبازدید عید بوده‌اند چون اسامی اشخاصی که آمده وکسانی که پدرم ازآنها دید یا بازدید نموده‌اند در خلال روزنامه برده‌شده از آن صرف‌نظر میکنم . در صفحات بعدروزنامه بعضی روزها قسمتی از روزنامه بخط من است .

مواظبت نماید.

دوشنبه ۲۵ ربیع‌الاول ـ عصر بمنزل آقای معتضدالدوله رئیس مالیه رفتم جمعی از رؤسا و اعیان شهر بودند صحبت از واقعهٔ دیشب و آمدن دزد بخانهٔ محمودخان انتصارنظام وتیرخوردن پسر او وبی‌نظمی‌شهر شد . گفتند مجلس‌خوبی است تلفن‌کنند جناب امیرالامراءمعاون‌حکومت ورئیس‌قشون ورئیس‌نظمیه‌هم بیایند که راجع بنظم شهر قراری داده‌شود.

رئیس نظمیه پنج شرط گفت اگر این‌پنج شرط عمل بیابد نظم وامنیت‌شهررا متعهد می‌شوم .

حضرات قبول‌کردند وقرارنامه‌هم نوشته شد وهمهٔ رؤسا مهرکردند.

خلاصی اعظم‌الدوله وپسرش

پنجشنبه ۲۸ ربیع‌الاول ـ تلگرافاً خبر رسیدکه آقای اعظم‌الدوله هم مرخص‌شده‌اند تقریباً متجاوز ازیکسال درطهران محبوس‌بود. سردار اجلال پسرش چندی‌قبل مستخلص‌گردید.

مراجعت شهبندر عثمانی که‌چندی‌قبل به‌بغداد بردند

شنبه غرهٔ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ ـ طرف‌صبح باتفاق شاهزاده سردار‌ـ محترم بدیدن جناب کریم‌بیك‌باش شهبندر رفتیم که دیروز وارد شده است .

در ۲۳ محرم بدون جهت در آن سرمای سخت مأمورین عثمانی مقیم کرمانشاه اسباب تهمت فراهم آورده مقصرانه تحت‌الحفظ اورا به بغداد بردند . از قرار تقریرباش‌شهبندر ابداً ازوزارت خارجهٔ عثمانی همچو امری نشده بوده است . در رفتن به بغداد بین‌راه از سرما و برف خیلی صدمه‌وسختی دیده‌بود حال بحمدالله سالماً بسرمأموریت خودمعاودت‌کرد.

عصر خدمت حضرت والا شاهزاده حکمران‌رفتم . عبدالکریم بیك‌باش شهبندر با دونفر صاحبمنصبان سوار عثمانی شرفیاب شدند.

دوشنبه سوم ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ـ روز سیزدهٔ نوروز بود بیرون‌نرفتم همه‌را درمنزل بسربردم عصر مسیو مولیتور رئیس‌گمرك بدیدن آمد . امروز شخص قاتلی‌راکه سورچی ارباب‌علی‌عسکرگاریچی بود وچندی‌قبل یك‌نفر قهوه‌چی‌را کشته‌بود پس‌ازتحقیقات‌وثبوت جنایت قصاص نموده در میدان توپخانه بدارکشیدند .

این اولین مجازات‌بودکه در حکمرانی حضرت والا رکن‌الدوله بعمل آمد.

سه‌شنبه ۸ ربیع‌الثانی ۲۹ ـ ۸ آوریل ۱۹۱۱ ـ بعداز ظهر مجلس در

قضیهٔ اتهام شهبندر

کارگذاری منعقد شد برای رفع تهمت که سعدی‌بیك وکیل‌سابق شهبندری نسبت بعبدالکریم‌بیك در فقرهٔ آقاعبدالرسول کازرونی زده بود . آقای‌امیرالامراء معاون‌حکومت و شاهزاده محتشم‌الدوله تشریف آوردند . چندنفر نوکرهای شهبندری حاضرشدند. از آنها سؤال شد در خصوص مضبطه که سعدی‌بیك درست کرده و حضرات فوق‌شهادت داده بودند که آقاعبدالرسول بضرب کریم‌بیك‌باش شهبندری ناخوش‌شده‌بعداز چندروزفوت‌کرده‌ولی‌حضرات کتمان‌کردند که ما نمیدانیم در مضبطه‌چه‌نوشته‌شده‌همینقدر سعدی‌بیك مهرهای مارا گرفته پای مضبطه‌زد ما نوکربودیم ولابد از اطاعت سعدی بیك بودیم همچنین سلمان‌چلبی‌هم آمد از اوهم سئوال شد تفصیل‌راکه میدانست نوشت ومهر کرد معلوم‌شد سعدی‌بیك دسیسه‌کرده وبه‌باش‌شهبندر افترا زده قصدش ماندن‌درکرمانشاه بوده‌وعزل ومقصرکردن‌کریم‌بیك . صورت مجلس‌درکارگذاری نوشته‌شد.

فوت طالب‌اف

یکشنبه ۹ ربیع‌الاخر ۱۳۲۹ - خبر فوت عالم فاضل حاج عبدالرحیم‌نجارزاده (طالب‌اف) مؤلف‌کتاب احمد یا سفینهٔ‌طالبی را در روزنامهٔ ایران‌نو خوانده متأسف شدم . تولدش درتبریز شده بعدبه‌تفلیس رفته واز آنجا بداغستان ودر همان صفحات‌سکنی گرفته ومتوقف شده خیلی وطن‌دوست وترقی‌خواه ملت ودولت ایران بوده تصنیفات‌زیاد وخوب دارد .

ورود یارمحمدخان بکرمانشاه

چهارشنبه ۱۲ ربیع‌الثانی - خبررسید که یارمحمدبیك یا خان کرمانشاهی امروز وارد کرمانشاه شده بانجمن ولایتی رفته . از طهران‌هم حکم تلگرافی بحکومت ورئیس قشون ومعین‌الرعایاشده بود که یارمحمدخان را دستگیر کنند از انجمن بیرون آمده بود سرباز و پلیس خواسته بودند اورا بگیرند دوسه‌تیر رولور خالی کرده سربازها فرارکرده یارمحمدخان‌هم بمنزلش رفته‌بود. از قرار مذکور ازانجمن‌ولایتی وغیره تلگراف توسط بطهران شده تا چه جواب برسد.

یکشنبه ۱۶ ربیع‌الثانی ۲۹ - در دارالحکومه گفته‌شد یارمحمدخان را بر حسب تلگراف حکومت جلیله از طهران عفو و مرخص فرموده‌اند امین‌الممالك آمد از جانب یارمحمدخان خیلی اظهار تشکرکرد.

توقیف

سه‌شنبه۲۲ ربیع‌الثانی- از قرار خبر تلگرافی که از شیراز بانجمن ولایتی کرمانشاه رسیده بود حضرت نظام‌السلطنه والی‌فارس وارد

قوام‌الملك در شیراز

شیراز شده وقوام‌الملك‌را توقیف‌نموده‌اند.

آقاشیخ‌باقر مجتهدهمدانی یك‌نفررا بعنوان حد گردن‌زد

دوشنبه ۲٤ ربیع‌الثانی ـ کاغذهای پست رسید از همدان نوشته بودند جناب حاج‌شیخ‌باقر مجتهد یك‌نفرقاتل را بشهادت جمعی بدست خودگردن‌زده است ، یعنی باعتقاد خود حد شرعی جاری کرده است .

روزچهارشنبه با تلفن خبر دادند دونفر از اشرار یك‌نفرسربازرا با رولور مقتول ساخته وبعد بشهبندرخانه رفته متحصن شدند . قزاق‌وپلیس آنهاراتعاقب کرده‌ازآنجا خودشان‌رابمنزل‌یارمحمدخان که نزدیك بود انداخته‌اند.

شنبه ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ ـ عصردرخدمت حضرت والا حکمران ببازدیدقونسول انگلیس رفتم .

در مراجعت در میدان گاری‌خانه‌که خارج شهر است صدای تیروتفنگ زیاد شنیده شد بطوری‌که تیراندازهاهم دیده میشدند حضرت والا بچندسوارقزاق وغلام‌های‌رفورم‌که همراه بودند فرمودند بروید مرتکبین‌را بگیرید رفتند ولی نگرفتند وآنها فرارکردندگفتند سه‌نفر سواربودند ویك‌پیاده . گمان میکنم قزاق وغلام درگرفتن‌آنها قصورکرده‌اند .

استعفای رکن‌الدوله

یکشنبه غرهٔ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ ـ خبر رسید استعفای حضرت والا رکن‌الدوله ازحکومت‌کرمانشاه قبول وشاهزاده‌محتشم‌الدوله نایب‌الحکومه‌برقرارگردید . حضرت والارکن‌الدوله را بحکومت عربستان مأمور نموده‌اند.

قتل معین‌الرعایا

دوشنبه۲جمادی‌الاول ۲۹ ـ در خدمت جناب آقای آقامحمدمهدی مجتهد بودم خبر آوردند حسین‌خان معین‌الرعایارا تیرزدند . آدم رفت تحقیق‌کرد معلوم شد صدق است . نزدیك دیوان خانه‌جنب جبه‌خانه ازپشت‌بام‌سه‌تیر خالی‌کرده‌بودندبه‌آن‌مرحوم‌خورده‌وکاری بوده‌است. کول‌گرفته بخانه‌اش‌رسانده‌اند بعدازنیم‌ساعت‌جان‌تسلیم‌کرده‌است. خداش‌بیامرزد آدم مصلح‌باتدبیری بوده درکرمانشاه جزء ارکان‌محسوب میشد.

نطق لردکرزن درمجلس

سه‌شنبه دهم جمادی‌الاول۲۹ـ عصر خدمت حضرت والاشاهزاده رکن‌الدوله رسیدم تنها ومشغول روزنامه‌خواندن بودند . ازجمله روزنامهٔ مجلس‌بود فرمودند لردکرزن فرمانفرمای سابق‌هندوستان نطق مفصلی در مجلس لردهای انگلیس درباب ایران‌ودوستی خود

لردها با والاحضرت نایب‌السلطنه‌نمودکه ناصرالملك دوست و رفیق و هم‌درس من بودند درصفات حسنه وکمالات بی‌نظیر است.

در تلگرافخانه مذکور شد وضع اصفهان بواسطهٔ کمیابی‌نان خیلی‌مغشوش‌وبلواشده است. عده‌ای قزاق‌روس وارد همدان‌شده‌اند . (این‌فقره‌صحت نداشت).

پنجشنبه ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ - قبل ازظهر باتفاق شاهزاده محتشم‌الدوله و جناب‌امیرالامراءبقونسولخانهٔ‌انگلیس‌رفته ازواقعهٔ‌گذشته شرارت اشرارنسبت‌بقونسولخانه اظهار تأسف نمودیم . بعدازخداحافظی دکتراحمد امین دکترعثمانی‌راکه چندروز است در قونسولخانه پناهنده شده ملاقات کردیم . متفقاً بدارالحکومه مراجعت کردیم . شاهزاده محتشم‌الدوله نایب‌الحکومه در بارهٔ تلگرافی که از طهران راجع به نظم شهر رسیده دستوراتی دادند از جمله سنگرهائی که مردم درپشت بامها ساخته‌اند خراب‌کنند وهرکس تیراندازی کرد گرفته و بحکومت راپرت بدهند.

سنگ‌اندازی به‌کارگذاری

یکشنبه ۱۵ جمادی‌الاول ۲۹ - شب با جوان سیاح روسی و یك‌خانم‌که دیروزهمراه او آمده و مهمان ما هستند بترکی‌مشغول صحبت بودیم بعدازصرف غذا که تقریباً چهارساعت ازشب‌گذشته بودصدای‌سنگی‌که بحیاط اندرون انداختند شنیده شد . چهارسنگ بفاصله انداختند قراولها با تفنگ به پشت بام رفته سه‌چهارتیر انداختند سنگ انداختن موقوف شد.

سه‌شنبه ۱۷ جمادی‌الاول - بمناسبت‌ورود مسیولوکنت وزیرمختار فرانسه فرزندی هاشم‌خان را بایدك و سوار فرستادم‌سه بغروب وارد ودر قونسولخانهٔ‌روس‌منزل‌کرد.

امشب سه‌شب متوالی است‌که باین‌خانه سنگ میاندازند.

قتل نصرالدوله در شیراز

امروز خبر رسید نصرالدوله پسرمرحوم قوام‌الملك شیرازی را با برادرش قوام‌الملك که تحت‌الحفظ بفرنگ روانه کرده بودند در بین‌راه‌سوار دزد بآنها برخورده زدوخورد کرده نصرالدوله مقتول شده است.

شنبه ۲۱ جمادی‌الاول - با جمعی برای مشایعت حضرت والا رکن‌الدوله حکمران مستعفی تا لب‌قره سو رفتیم . شاهزاده و اجزائشان از رفتن ازکرمانشاه خوشحال بودند .

جناب آقای آقاسیداسمعیل اجاق آمدند. از کبرسن وتحلیل قواشرحی‌فرمودند بعد برای موقوف‌شدن سنگ‌اندازی بحیاط اندرون دعائی نوشته دادند که آن دعارا روبقبله

باخیاطه آویزان نمایند وبا چوب‌دستیشان‌هم دور حیاط را خط‌کشیده و دعا خواندند .
این سنگ‌اندازی اسباب وحشت اهالی خانه شده از قرار مذکور این‌اوقات باغلب خانه‌ها سنگ میاندازند.

ورود مستشاران امریکائی

دوشنبه سلخ جمادی‌الاول ۲۹ ـ بطوریکه در روزنامهٔ ایران نوو روزنامهٔ زاینده‌رود وروزنامهٔ رسمی دولت ایران نوشته بود خبر تازه ورود مستخدمین امریکائی بطهران بود که دولت ایران از دولت اتازونی امریکا خواسته این‌روزها وارد طهران شده‌اند.
امشب ۱۶ شب‌است بحیاط اندرون سنگ میاندازندوهنوزمرتکب معلوم نشده است درصدد نقل‌مکان از این‌خانه (که متعلق به آقای معاضدالملك است) بمنزل آقای میرزافتح‌الله رئیس‌التجار هستم.

سه‌شنبه غرهٔ‌جمادی‌الثانیهٔ ۱۳۲۹ ـ ازقرار خبر تلگرافی حکومت کرمانشاه‌بحضرت آقای سردار معتضد محول شده که در ایام حکومت حضرت والا فرمانفرما (سنهٔ۱۳۲۳) معاون و نایب‌الایاله بودند و عمارت دلگشاراهم‌تعمیر نمودند.

قتل عسکرسلیم

سه‌شنبه ۸ جمادی‌الثانیهٔ ۲۹ ـ عصر خبر آوردند عسکرسلیم (افتخارالرعایا) کشته شده است .
پس‌ازتحقیق معلوم شد در خانهٔ حاجی معین‌التجار این اتفاق‌افتاد باینطورکه عسکرسلیم در خانهٔ حاجی‌معین بود دراین‌بین‌اکبرخان معاون لشگر وارد میشود . بمحض ورود اکبرخان عسکرسلیم تیری باکبرخان خالی میکند تیرش بخطا میرود . بعد آدمهای اکبرخان چندتیر بعسکرسلیم‌خالی کردندکارش تمام میشود .

عصر تنگ بدارالحکومه رفتم جمعی بودند در واقعهٔ عسکرسلیم صحبت میکردند ازقراریکه معلوم شد یکی‌دونفر از آدمهای اکبرخان تیرخورده ویك کلفت‌حاجی‌معین‌هم تیرخورده ومرده است .

چهارشنبه ۹ جمادی‌الثانیه ـ قبل ازظهرحاجی‌افتخارالتجار ومیرزارحیم‌مساح‌باشی آمدند مساح‌باشی‌بعضی‌بیانات دلخراش از حال زار رعایای متواری دهات ماهیدشت و املاك‌خالصه کرد که از تعدیات داودخان کلهر بآنها واردشده که دل‌انسان‌کباب میشد. خداوند منتقم انشاءالله کیفر بدهد.

پنجشنبه ۱۰ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۹ـ در منزل جناب آقای حاج‌آقااکبرمجتهدکاغذی از جناب آقارحیم نشان دادند که دلیل بر اصلاح بین داودخان کلهر سردار مظفر و

شیرخان صمصام‌الممالك سنجابی بود . جناب‌آقای آقا رحیم وهمراهانشان طرفین‌راآشتی داده جنگ ونزاع را موقوف‌کرده‌اند از این مژده تمام اهالی‌کرمانشاه خیلی شادمـان و خوشحال شدند .

از قرار خبر روزنامه ایران نو جناب آقـای پرنس علاء السلطنه برای تبریك تاجگذاری اعلیحضرت ژرژ پنجم پادشاه انگلستان بسمت سفیر فوق‌العاده مأمور لندن شده‌اند .

چوبکاری سارقین

شنبه۱۲جمادی‌الثانیه - طرف عصر بدارلحکومه رفتم دیدم‌جناب امیرالامراء معاون حکومت‌مشغول‌چوبکاری‌سارقین قونسولخانه انگلیس‌است· چندنفررا دستگیرکرده‌اند ولی‌آنطورکه باید راست نگفته واقرار نکرده‌اند . باز سارقین را برده حبس‌کردند .

یکشبه ۱۳ جمادی الثانیه ـ از قرار مذکور طایفهٔ مشهدی کلبی (قوام‌الرعایا) و حاجی رستم بیك (معین‌الاشراف) وقوم قبیله عسکر سلیم مقتول هرسه متفق شده بودند بخانه‌وحسینیه اکبرخان معاون لشگر برادر مرحوم معین‌الرعایا هجوم ببرند از طرف حکومت ممانعت شد · ازقرار مشهور اکبرخان معاون لشگرکه باسوارهایش بیرون شهر رفته در سرفیروزآباد باسوارهای الوار متفق شده چند ده‌را غارت‌کرده‌اند ودوسه‌نفر هم از سادات‌آن دهات مقتول شده‌اند .

دو هفته بعد معاون لشگر بکارگذاری آمده و موضوع غـارت دهات را منسوب بسوارهای لر نظرعلی‌خان‌کرد وگفته‌است من‌هرچه توانستم‌گرفته پس دادم .

سنگ اندازی اجانین

دوشنبه۱٤جمادی‌الثانیه - بقول‌بعضی‌ها،اجانین‌بخانه‌سنگ‌اندازی میکنند و بعضی هم معتقدند (چون یك ماه است مرتباً سنگ میاندازندوبهرتدبیری‌بود متوسل شدیم شاید مرتکب معلوم‌شود ونشد) ناچار فرستادیم میرزا اسمعیل نامی‌که دراین‌عمل‌کارکرده آوردند · او هم فرستاد دونفر غشی (مصروع) آوردند جمعی‌هم بودند . درهمان اطاق‌که بآنجا سنگ میآمد قدری‌کندر دودکردند میرزا اسمعیل بعضی ادعیه خواند ودعا هم نوشته بود بآن دونفر داد زیرکلاهشان‌گذاشتند ویك‌لوحه‌بزرگی که تصویر اجنه در آن رسم شده بود (میگفت چهار تصویر آن از سلاطین اجنه است) آن لوحه را سر یکی ازآن دو نفر گذاشت ویکی از اجانین‌را اسم بردگفت چهار نفراز فراشان حاضر شوندآن مصروع گفت حاضرشدند . میرزا اسمعیل‌گفت بپرسید سنگ‌انداز این‌خانه‌آدم است یا جن‌گفتند جن است .گفت حاضرشان کنید . حاضر کردند سئوال‌کرد

چرا باین‌خانه سنگ میاندازیدآیا صدمه‌یا آزاری بشما رسانده‌اندگفتند صدمه ازاهل‌خانه بما نرسیده وما عروسی داریم باید این اطاق‌را چند روزی خالی بگذارند عروسی‌کنیم . قرار براین شدکه اطاق‌خالی‌گذاشته شودوقدری‌گل و شیرینی وچراغ بچینند . همینطور محض امتحان عمل کردیم . با وجود این شب باز سنگ‌آمد معلوم شد افسانه‌است .

انتقال بخانه رئیس‌التجار

جمعه ۱۸ جمادی الثانیه ۱۳۲۹ ـ بسلامتی و متوکلاعلی‌الله از محله فیض‌آباد وخانه‌آقای معاضدالملك معاون تازه وزارت مالیه (معاون سابق‌کارگذاری ووکیل‌بعدی‌مجلس) بمحله سرتپه بخانهٔ آقا میرزا فتح‌الله رئیس‌التجار نقل مکان و تغییر منزل داده شد این‌محله ازحیث‌آب وهوا ومنظر بمحله فیض‌آباد رجحان دارد .

طرف صبح بدارالحکومه‌خدمت‌جناب‌آقای امیرالامراء معاون‌حکومت رفتم. آقای اعتضادخاقان‌دامادشان‌را روانه‌طهران‌کردند. درضمن‌سوارهائی‌که‌میبایست همراه جمالهای عرب ازخاك‌کرمانشاه‌بطرف‌همدان برونددکنند قرار شده بود هرشتری‌یك‌قران‌حق‌الزحمه ومخارج بسوارها بدهند. ازقرار مذکور ششصد شتربود . پول آوردند سوارهای جمعی صمصام نظام پسرفرخ‌خان ایلخانی همراه شترها رفتندکه ازگردنه بیدسرخ ردکنند .

ورود سالارالدوله بکردستان

یکشنبه ۲۰ جمادی‌الثانیه۱۳۲۹ ـ دیروزآقای مبشر همایون‌رئیس جدیدنظمیه‌کرمانشاه وارد شد ازقرار مشهور جناب سردارمعتضد حکمران‌جدیدکرمانشاه‌بیست‌ودوم ماه‌حرکت‌خواهندکرد . افواهاً گفته میشود سالارالدوله بخاك کردستان یا مراغه وارد شده است .

اغتشاش در داخل وخارج شهر

دوشنبه ۲۱ جمادی‌الثانیه ـ بطوریکه سالار مظفر مذکور داشت از قرارمشهور سالارالدوله به‌بانه‌خاك‌کردستان‌وارد شده وبعضی از اهالی باستقبال او رفته‌اند . صحت وسقم این مطلب درست معلوم نیست .

این روزها بواسطه عدم مجازات، شهر وبیرون مغشوش روزی دوسه‌بلکه چهارنفررا بعمد یاسهو تیر میزنند یعضی‌کشته‌میشوند بعضی را بمریضخانه میبرند .

عزیمت تعرض‌آمیز

شنبه ۲۶ جمادی‌الثانیه ـ چندکاغذ وروزنامه را پست آورد .

خبرفرار سپهدار اعظم و رئیس الوزراء صحت داشت که پنجشنبه گذشته سه بغروب با پسرکوچکشان‌میرزا علی‌اصغرخان‌ازطهران

سپهدار بقزوین واز قزوین برشت رفته‌که ازآنجا بفرنك بروند .

برشت یکشنبه ۲۷ جمادی‌الثانیه - علی‌الطلوع بیدار شدم صدای دهل شنیدم . پرسیدم زدن دهل برای چیست ؟ گفتند دراین شهررسم است هروقت‌کسی میمیرد برای اطلاع مردم دهل میزنند وهمچنین درعروسی‌هم اینکاررا میکنند . ولی این دهل زدن‌گفته شد برای این است‌که یك زنی حامله است ومیخواهد مولودش پسر باشد ونذرکرده‌است . تا عصر صدای‌دهل قطع نشد .

پنشنبه ۲ رجب‌المرجب ۱۳۲۹ - دیشب قریب ساعت شش صدای تفنگ زیاد آمد . بقراریکه‌گفتند دوازده‌نفر اشرار خانهٔ یك‌بقال‌رفته‌هرچه داشته‌برده‌اند یك تیرهم بهمسایه او زده‌اندکه احتمال خطر دارد . دو شب قبل هم یکنفر سید از طایفه مرحوم آقا سیدنورالدین‌راکشتند . فعلاکرمانشاه خیلی هرج ومرج است و هیچ امنیت نیست .

ربودن عبای پیشنماز یکشنبه ۵ رجب ۱۳۲۹ - شنیدم امروز صبح عبای جناب آقای حاجی‌آخوند وپیشنماز را از دوششان برداشتند، همچنین عمامه جناب آقا شمس‌الدین‌را برده‌اند واقعاً بی‌نظمی کرمانشاه بحدکمال رسیده است ازروزی‌که بخانه جدیدآمده‌ایم شبها ازصدای تیر و تفنگ خواب نداریم در آن خانه از سنگ اندازی واین خانه از تفنگ اندازی خواب وراحت حرام شده . تمام اهل شهر بیچاره به درد ناامنی مبتلا شده‌اند . اوضاع مرکز هم هیچ تعریفی ندارد رفتن حضرت سپهدار اعظم وبحران کابینه وزراء اسباب بحران امور تمام ولایات گردیده‌است .

اغتشاش در کرمانشاه جمعه دهم رجب ۲۹ - دیشب اوائل شب صدای چند تیرتفنگ ورولور آمد. صبح معلوم شدکه بجناب اشرف‌الذاکرین چند تیر خالی‌کرده‌اند ولی خطا رفته و یك تیر بپای‌جناب آقای‌آقا جمال که همراه ایشان بود اصابت‌کرده است .

امروزصبح‌هم‌صدای‌تفنگ شنیده‌شد . معلوم‌گردیددوسه ده‌نزدیك قره سورا الوارغارت‌کرده‌اند .

شنبه ۱۱ رجب۲۹ - درکرمانشاه شورش واقع شد . یعنی اشرار واراذل که‌عادت باغتشاش وغوغا دارند بعنوان اینکه ما مشروطه نمیخواهیم اول نظمیه بعدعدلیه پس‌از آن اداره تحدید راغارت‌کردند مردم هم تمام بازار ودکان را بستند وامنیت سلب شد . حکومت هم فعلا تعطیل‌کرد .

عصر بمنزل شاهزاده‌محتشم‌الدوله وازآنجاباتفاق شاهزاده سالار نظام رئیس‌قشون

رفتیم . جمعی بودند . قرار داده‌اند مثل سابق که پلیس نبود (چون اداره نظمیه وپلیس بهم خورده) گزمه‌واعتاس وقراول سرباز بمحلات وبازار بفرستند .

مراجعت سپهدار بطهران

از قراریکه شنیدم حضرت سپهدار اعظم بطهران مراجعت نموده‌اند .

غارت نظمیه و عدلیه

سه‌شنبه ۱٤ رجب ۲۹ - بطوریکه جناب‌آقای امیرالامراء معاون حکومت اظهار میداشتند درروز بلوا مردم شهر ازدحام نموده بدارالحکومه‌آمده‌امنیت میخواسته‌اند آقایان علما جمع بوده‌اند ولی نصایح آنها اثر نبخشیده یك دفعه بنظمیه حمله برده غارت کردند بعد بعدلیه واداره تحدید رفته غارت وخراب‌نمودند .

ورود سالارالدوله بسنندج

جمعه ۱۷ رجب ۱۳۲۹ - دردارالحکومه صحبت ازورودشاهزاده سالارالدوله بسنندج شدکه اهالی آنجا مطیع سالارالدوله شده‌اند وبه‌بعضی رؤسای عشایرهم‌کاغذ فرستاده باردوی اوملحق‌شوند . تلگرافی‌هم‌ازوزارت داخله بمحتشم‌الدوله وامیرالامراء رسیده‌که بسردار معتضد حکمران‌کرمانشاه‌حکم شده‌که پنج‌روزه با استعداد خود را بکرمانشاه برساند واز سالارالدوله جلوگیری نموده امنیت را برقرار نماید .

سورنازن مزاحم باید زیر چوب سورنا بزند

یکشنبه ۱۹ رجب ۲۹ - شاهزاده محتشم‌الدوله نایب‌الحکومه یك نفرسورناچی‌راکه‌ازاول شب تا ساعت‌هفت‌ازشب‌علی‌الاتصال سورنا میزده‌وخواب‌مردم را حرام‌کرده بودچوب‌کاری‌کرد وحکم کرده بود زیر چوب هم باید سورنا بزند وهمینطور کرده بود . گفته شد شاطری ازطرف سالارالدوله‌آمده پاکتی برای قونسول انگلیس وپاکتی برای‌قونسول روس‌آورده بود .

معاون‌حکومت ورئیس‌نظمیه بقونسولگری انگلیس پناهنده شدند

پنجشنبه ۲۳ رجب ۲۹ - خبر رسیدکه جناب امیرالامراءمعاون حکومت با رئیس نظمیه ومنصور نظام بقونسولخانه انگلیس رفته پناهنده شده‌اند .

تلگراف سالارالدوله باهالی شهر

تلگرافات از شاهزاده سالارالدوله از کردستان بعلماء واشراف اینجا رسیده اظهار لطف واحوالپرسی نموده‌اند . بامین‌الممالك هم تلگراف شدکه‌نظم‌شهر بشما سپرده باید مواظبت‌نمائید وتهیه آذوقه هفت‌هزار سوار وده‌هزار تفنگچی ببینید . همین روزها بکرمانشاه حرکت‌خواهد شد.عصربموجب رقعه دوستانه‌قونسول

انگلیس بقونسولخانه رفتم ملاقاتشان کرده جناب امیرالامراء ورئیس نظمیه ومنصورنظام را آنجا دیدم. ازقراریکه آقای امیرالامراء بیان کردند ازطرف صاحبمنصب قزاق نسبت بایشان بی‌احترامی شده واحتمال خطرجانی هم بود باین‌واسطه محض حفظ جان خود این سه نفر بقونسولخانه پناهنده شده‌اند . ازقونسولخانه بمنزل شاهزاده محتشم‌الدوله رفتم جمعی بودند . بعضی تلگرافات دادند خواندم یکی تغییر وزرای کابینه بود .

تغییر کابینه

حضرت سپهداراعظم بتصویب والاحضرت نایب‌السلطنه همینطور معین نموده‌اند :

صمصام‌السلطنه وزیر جنگ ـ قوام‌السلطنه وزیرعدلیه ـ حاجی محتشم‌السلطنه وزیر امور خارجه ـ معاون الدوله وزیر مالیه ـ مشیرالدوله وزیرپست وتلگراف ـ حکیم‌الملك وزیر معارف واوقاف ـ وثوق‌الدوله وزیر داخله ـ حکومت کرمانشاه وکردستان وگروس بسردارظفر وسردار جنگ بختیاری واگذار وحکومت سردارمعتضد برهم خورد . محتشم‌الدوله اظهارنمودند من ازنایب‌الحکومگی استعفا داده‌ام .

آمدن داودخان کلهربامر سالارالدوله

یکشنبه ۲۶رجب ۱۳۲۹ ـ خبرآوردند داودخان کلهرسردارمظفر بقلعه دلگشا نزدیك شهرکرمانشاه وارد وچادر برپاکرده ازقرائن معلوم‌است بتعلیمات حضرت‌والا سالارالدوله آمده وجمعی‌راهمراه آورده منتظر ورود شاهزاده است.

سه شنبه ۲۸ رجب ـ قبل از ظهربدارالحکومه رفتم حضرت والا محتشم‌الدوله در تالار بودند حاجی حسنخان کلانتر وسایرین آمدند درخصوص ترتیبات وتهیه ورود شاهزاده سالارالدوله با حاجی حسن‌خان مذاکره میکردندکه برای‌روز ورود حاضر باشد .

مردم بواسطه سیورسات‌که ازدهات ورعایا بطورسختی مطالبه میکنند شاکی هستند وازترس‌کسی‌نمیتواند تظلم‌بکند .

پنجشنبه غره شعبان‌المعظم ۱۳۲۹ ـ عصر مسیو مولیتور رئیس‌گمرك‌بدیدن آمد. از قراریکه بیان‌نمود شاهزاده سالارالدوله دو روز قبل ازسنندج بطرف کرمانشاه حرکت نموده‌اند .

یك‌نفر کشیش‌کلدانی‌که درکردستان وهمدان رئیس ارامنه است از جانب شاهزاده سالارالدوله پیغامات محبت‌آمیز بمأمورین‌خارجه‌آورده وابلاغ نموده است .

شنبه سوم شعبان ۲۹ ـ از قراریکه مذکور شد قورخانه وذخیره دولتی را بحکم

حضرت‌والاسالارالدوله ، سردار مظفر داوخان‌کلهر فرستاده مهرکرده‌اند .

ورود سالارالدوله بکرمانشاه

یکشنبه ٤شعبان ۲۹ ـ شهرت دادند حضرت‌والا سالارالدوله‌وارد کرمانشاه میشوندواستقبالچی زیادی ازهر طبقه‌بمنظریه رفته‌اند . برای رفتن باستقبال شاهزاده فرستادم از شاهزاده محتشم‌الدوله تکلیف‌خواستم‌جواب دادند هنوز معلوم نشده بعداً اطلاع‌میدهم. بعداز ظهر بدون مقدمه جناب‌امیرالامراء بکارگذاری تشریف آوردند . معلوم‌شد خیال توقف‌درکارگذاری‌را دارند . بعدخبررسید حضرت‌والا شاهزاده سالارالدوله وارد دارالحکومه شده‌اند .

یك‌ساعت از شب گذشته فراش‌آمد اظهارکرد شمارا حضرت والا احضار فرمودند رفتم درحیاط بیدستان خدمتشان رسیدم . شاهزاده محتشم‌الدوله وجناب‌آقای آقا محمود هم بودند . شاهزاده ملبس بلباس کردی جافی بودند خیلی اظهار رأفت والتفات فرمود از اوضاع فرنك وسیاحت‌های خودشان وآبادی و انتظامات ممالك خارجه وخرابی وهرج ومرج ایران بیان فرمودند . بعدازیکساعت بمنزل برگشتم.شد امن‌وامان وصدای تیر و تفنگ هیچ شنیده نشد .

دوشنبه ۵ شعبان ۲۹ ـ درخدمت جناب آقای‌امیرالامراء وصحبتهای شیرینشان‌وقت گذراندم . طرف عصر حضرت والا احضارم فرمودند شاهزاده عمادالدوله هم آمدند یك تلگرافی از جناب حاجی شیخ باقر مجتهد همدانی بحضرت‌والا رسیده بود فرمودندباتفاق عمادالدوله بخوانید ببینید چه‌چیز است . مغرب گذشت خبرآوردند امشب درمیدان‌مشق آتشبازی است و بازارها را هم چراغان کرده‌اند . شاهزاده محتشم‌الدوله آمد بحضرت اقدس عرض‌کرد بتماشای‌آتشبازی بکاخ تشریف بیاورید . تا ختم‌آتشبازی بودیم .

ملاقات شهبندر عثمانی با سالارالدوله

سه‌شنبه ٦ شعبان۱۳۲۹ـعصرحسب‌الاحضار بدارالحکومه‌رفتم. شاهزاده رئیس‌تلگراف تلگرافی‌آورد که‌اهل همدان بحضرت اقدس عرض وتسلیم‌اطاعت‌خودرا شرح‌داده‌بودند.قریب‌دوساعت‌ازشب گذشته عبدالکریم بیك باش شهبندر باتفاق مسیو مکدو کشیش مسیحی‌بکارگذاری‌آمدندمتفقاً باآقای‌امیرالامراءبدارالحکومه‌رفته خدمت‌حضرت‌اقدس مشرف شدیم و درضمن‌کار آقای امیرالامراء قریب‌الاصلاح شد .

چهارشنبه ۷ وپنجشنبه ۸ شعبان ـ هر روز یك‌دفعه بدارالحکومه احضار میشدم . روز پنجشنبه حضرت اقدس درباب ترتیب یك مجلس فرمایشاتی فرمودند که کلیات امور

راجع بآن مجلس شود که رسیدگی و تحقیقات نموده کار راتسویه نمایند . فرمودند یك نظامنانه‌هم برای این‌مجلس نوشته بشود .

جمعه ۹ شعبان- اغلب وقت‌را درمنزل باجناب‌امیرالامراء وواردین بسر برده‌عصر بدارالحکومه رفتم جمعی ازقبیل جناب‌آقای‌آقارحیم‌مجتهد وشاهزاده محتشم‌الدوله وغیره بودند ، درباب مطلب‌مخصوص(نکاح‌صبیه‌عمدةالسلطنه برای‌حضرت اقدس‌بود) فرمایش شد اقدام شود . نواب‌والاعمادالدوله طرف صبح ببازدید تشریف آوردند . از قراریکه فرمودند فعلا ازرفتن بحکومت عربستان (خوزستان) منصرف‌ودرکرمانشاه‌خواهندبود .

شعبه ۱۰ شعبان - جناب‌امیرالامراءمشغول‌مسوده نظامنامه مجلس بودکه پس از ملاحظه حضرت‌اقدس پاك‌نویس شود. عصربدارالحکومه‌رفتم . دراین‌بین مشایخ‌ورؤسای طایفه‌جاف‌مرادی‌جناب‌شیخ‌علاءالدین‌وغیره درخدمت‌حضرت‌والابودند(طریقه‌شان نقشبندی واول سلسله‌آنها شیخ عثمان است) که در رکاب حضرت اقدس آمده‌اند خیلی جنجال‌شد حقیر بیرون‌آمدم .

عروسی سالارالدوله

ازقرار مذکور صبیه شاهزاده عمدةالسلطنه را حضرت اقدس والا سالارالدوله عقدکرد امشب عروسی شد .

چهارشبه ۱٤ شعبان ۱۳۲۹ - قبل از ظهر آقای معین الکتاب بکارگذاری آمد نظامنامه حکومتش را که میرزا علی‌خان نوشته تمام‌کرده بود دادم بردند بنظر حضرت اقدس برسانند .

جمعه ۱٦ شعبان ۲۹ - نزدیك ظهر حضرت اقدس احضار فرمودند رفتم بعضی فرمایشات فرمودند در خصوص نظامنامه مجلس حکومتی وتعیین اجزاء یك ماده هم بر مادههای‌کتابچه افزوده شد .

ورود نمایندگان اهالی‌همدان برای ملاقات سالارالدوله

خبر رسید چند نفر از آقایان همدان از طرف خوانین و اهالی برسالت خدمت حضرت والا وارد کرمانشاه شده در منزل آقای آقاسیدحسن‌اجاق منزل کرده‌اند . بدیدنشان رفتم جناب حاجی میرزاعبدالوهاب پسر مرحوم حاجی میرزا هادی - جناب آقا رضا پسرمرحوم حاجی‌آقا محمد قاضی - حاجی ابوالحسن برادر حاجی محمد شفیع تاجر همدانی‌آمده‌بودند.

یك نفر را بتوپ

شنبه ۱۷ شعبان۲۹ - امروز بحکم حضرت‌اقدس یك نفر راتوپ بستند ویك‌نفررا سر بریدند وگفتند این دو برادربوده‌اند دو نفر را زخم زده‌اند هنوز تقصیرشان بطور تحقیق معلوم نیست .

بسته و یك نفر را سر بریدند

یکشنبه ۱۸ شعبان ـ طرف عصر بدیدن آقا سیدمحمد طباطبائی همدانی‌بحسینیه مرحوم معین‌الرعایا رفتم · قدری از وضع همدان صحبت شد از اردوی طرفین‌وحشت مردم وایستادگی‌حضرت حاج امیر نظام برخلاف میل اهالی‌همدان ومتفرق‌نکردن اردو .

دوشنبه ۱۹ شعبان ـ آقای حاجی علیرضاخان‌گروسی‌درخانه حاجی حسنخان‌کلانتر منزل‌کرد سرباز وسوار وتوپچی‌هم همراه‌آورده ملحق باردوی‌حضرت‌سالارالدوله شود .

عصر از طرف حضرت‌اقدس احضار شدم‌درباب مراسله‌ای‌که میبایست در فقره خلع کارگذاری‌ازکار بقونسولها نوشته شود سئوال نمودند عرض‌کردم مینویسم .

ورود پیش قراولان سالارالدوله بهمدان

سه‌شنبه ۲۰ شعبان ۱۳۲۹ ـ بعداز مغرب‌آقایان همدانی تشریف آورده تا قریب‌دو ساعت از شب‌گذشته بودند . ازقرارتقریرشان همدانیها هم تسلیم شده‌اند واردوی شاهزاده هم‌که معاون لشگر اکبرخان‌وعباسخان نصیرالممالك باشند وارد همدان شدندمختصر زدوخوردی شده ولی‌کسی‌کشته نشده است .

دستگیری ۳ نفر بمب‌انداز

شنبه ۲٤ شعبان ـ سه‌نفر بمب اندارگرفتار (دو نفر ارمنی تبعهٔ عثمانی ویك‌نفر ایرانی) دو نفر اولی در شهبندرخانه وسومی در دارالحکومه حبس شدند ·

یکشنبه۲۵شعبان‌ـقبل ازظهر بـاستقبال‌حضرت‌اشرف والا شاهزاده عضدالسلطان رفتم جمعی از اعیان وشاهزادگان هم آمده‌بودند .

بعدازمغرب حضرت اقدس احضار فرمودند وحقیر را بحضرت والا عضدالسلطان معرفی فرمودند · از قرائن‌کار میخواهند حکومت کرمانشاه را بحضرت

حکومت عضدالسلطان

والا عضدالسلطان برادرشان واگذار و شاهزاده محتشم‌الدوله را هم پیشکار ونایب‌الحکومه قرار دهند .

تلگراف سالارالدوله بمجلس و ایجاد مجلس تحقیق

دوشنبه ۲٦ شعبان ـ این اوقات بواسطه انقلابات واختلال امور خیال شخص متفرق وحواسم پریشان است ابداً میل بکار ندارم و دلتنگم تا چه پیش‌آید ، عصرازطرف حضرت اقدس احضار شدم. شاهزاده تلگرافی بمجلس‌شورای‌ملی بابیانات مؤثر مرقوم داشته بودند قرائت شد . بعد حضرت اقدس بتالار حکومتی‌تشریف‌برده اجزاء مجلس تحقیق‌که تازه ایجاد شده حاضر فرمودند ونطقی‌بیان وبقرآن‌قسم یاد نمودندکه هرگاه احدی از نظامنامه‌مجلس تخلف

نماید مورد مؤاخذه سخت خواهد بود . اجزاء هم قسم یاد نمودند .

عبدالکریم‌بیك‌باش شهبندر بدیدن حضرت والا عضدالسلطان حکمران جدیدآمدند سرکردهٔ سوارعسکرعثمانی‌ویحیی‌بیك‌هم که تازه وارد شده او هم‌همراه باش شهبندربود .

سه‌شنبه ۲۷ شعبان ۱۳۲۹ ـ عصر بدارالحکومه احضار شدم. مسیومولیتور رئیس گمرك وارفع‌الممالك منشی قونسولگری روس وجناب آقای‌آقامحمودهم بودند. حضرت اقدس عکس انداختند آقاشیخ محمدتقی معلم شاگردهای مدرسه علمیه‌را بحضور آورده حضرت اقدس‌اظهار التفات وتشویق به تحصیل فرموده یکصدوپنجاه تومان انعام دادند.

جناب‌امیرالامراء امروزباآقای‌حاج‌معتمدالتولیه بطرف‌عتبات حرکت‌کردند جایشان دراین‌خانه نمایان است .

حرکت سالارالدوله بطرف مرکز وقتل کلبی

چهارشنبه ۲۸ شعبان‌ـ صبح خبررسیدکه حضرت‌اقدس‌سالارالدوله علی‌الطلوع با اردو و ملتزمین رکاب حرکت نمودند . بعد از ساعتی خبرآوردندکلب‌علی‌خان مشهور به قوام‌الرعایارا تیرزده کشته‌اندولی‌قاتل‌معلوم‌نیست ودر تحقیق‌هستند. روزچهارم‌شعبان حضرت اقدس واردکرمانشاه شده وروز ۲۸ خارج شدندکه ۲٤ روز توقفشان دراین‌شهرطول‌کشید .

شنبه غره رمضان‌المبارك ۱۳۲۹ ـ آقای سردار اشرف پسر امیر جنگ والی پشتکوه با سوار و پیاده برای کمك حضرت اقدس سالارالدوله امروز واردکرمانشاه شدکه برود باردو ملحق‌شود .

یکشنبه دوم رمضان ـ مراسله‌ای‌ازکارگذاری راجع بدو نفر تبعه‌عثمانی (که متهم بدرست‌کردن بمب‌بودند) بحکومت نوشته شدکه تحت‌الحفظ بامأمورین حکومت ونایب رستم فراش شهبندری برده ودر خانقین تحویل مأمورین‌عثمانی نمایند .

ازقرار تقریر نایب‌رستم‌که مراجعت‌کرده وگفته ازقلعه سبزی‌که قدری‌دورمیشوند سه‌نفرسوار میایند میگویندآن‌دونفربابی را بحکم‌حضرت اقدس سالارالدوله بایدبکرمانشاه برگردانیم وعنفاً آن‌دونفر تبعه عثمانی را میبرند ومعلوم نیست‌کجا رفته‌اند .

دوشنبه ۳ رمضان ۱۳۲۹ ـ درمنزل بسربردم گاهی بتلاوت قرآن مجید وگاهی بخواندن روزنامه‌های شخصی درسنه ۱۳۱۲ تا ۱۳۱٤ در همدان و توقف طهران وقت گذرانده وبرتغییرات زمانه وبی اعتباری دنیا حیرت کرده عبرت میگرفتم بر عمرگذشته حسرت‌میخوردم . رقعه‌دعوت ازحاجی حسن‌خان‌کلانتر رسیدکه‌حضرت‌اقدس سالارالدوله اورا بلقب‌آصف‌الملکی ملقب فرموده امشب‌را برای صرف شربت‌وشیرینی بمنزل‌ایشان

بروم . دو ساعت از شب گذشته رفتم خیلی جنجال وازدحام بود از اعیان واشراف و شاهزادگان وعلماء وتجار وکسبه آمده بودند ، پادردم که پارسال رمضان عارض شدهنوز باقی است واذیت میکند .

سه‌شنبه ٤ رمضان ـ آقای سردار اشرف پسر امیر جنگ والی پشتکوه سعدی‌بیك وکیل‌باشی خود را ساعت دو ازشب گذشته برای اسب کرنك سواری خودم که‌وعده‌داده بودم اگرلازم دارید بفرستید ببرند فرستاده بود . حقیرهم بقول و وعده خود وفا کرده اسب را فرستادم‌که بعد ایشان‌هم درعوض اسب را هواری بدهند یا ندهند . عجالتاً رفع احتیاج ایشان شد .

ورود سالارالدوله به نهاوند

پنجشنبه ٦ رمضان ـ تلگرافی ازجناب اعتلاءالدوله کارگذارسابق محمره از قصر رسیدکه بحال پریشانی خود را بقصر رسانیده و عازم کرمانشاه هستند .

گفته شدحضرت‌والا سالارالدوله به نهاوند وارد شده واز رفتن بهمدان منصرف شده‌اند . کتاب تاریخ گزیده فریدون ملکم را حضرت والا عضدالسلطان خواستند فرستادم که پس از ملاحظه اعاده فرمایند (دیگر پس ندادند) .

جمعه ٧ رمضان ١٣٢٩ ـ شب‌بمنزل جناب افتخار الولاة‌کردستانی رفتم فرزندی مسعود هم همراه آمد . حالاریاست تجارت اینجا بجناب ایشان راجع است . از اورامان با آقای افتخارالولاة صحبت شد فرمود اورامان دوطایفه است یکی مشهور به اورامان تخت ودیگر اورامان لهون موسوم است . این دو طایفه با هم باصطلاح خونی هستند طایفه لهون خیلی شجاع ورشیدند این اورامانی‌هاکه‌بکرمانشاه‌آمده‌اند ازطایفه لهون و رئیس‌آنها جعفرسلطان است .

واعظ نه ساله

شنبه ٨ رمضان ٢٩ ـ عصر بمسجد جناب‌آقای آقا محمد مهدی مجتهد رفتم‌ازقراراظهارآقای‌آقامحمود اخوی‌ایشان‌حضرت‌اقدس سالارالدوله از نهاوند بطرف بروجرد حرکت‌کرده‌اند . از مسجد بمنزل مراجعت شد بعدازآن جناب‌آقای شیخ محمد گلپایگانی با آیت‌الله شهاب‌الدین پسرشان‌که تقریباً هشت نه‌سال‌دارد واردشدند . از قراریکه شنیدم این آیت‌الله سرمنبر درنطق وموعظه ید طولائی دارد وبهترازمعمرین حرف میزند .

روز بعد برای شنیدن‌وعظ آقای آیت‌الله بمسجد آقا شیخ‌هادی رفتم . آقای‌آیت‌الله هشت نه‌ساله‌گلپایگانی بین‌الصلاتین وعظکرد خیلی‌شمرده حرف زد بیشتر ازآیات‌مبارکه

تفسیر مینمود . حرفهای آیت‌الله از مسائل دینیه وموعظه وروضه مرکب بود با آن‌صغر سن‌خیلی تعریف داشت .

شکست بختیاریها در ملایر

سه‌شنبه ۱۱ رمضان ـ عصر بدارالحکومه خدمت حضرت والا عضدالسلطان رفتم. درآنجامذکورشدجنگ‌مختصری درملایربین کسان‌حاجی‌سیف‌الدوله وامیرمفخم‌که حاکم‌بروجرد و لرستان‌بود اتفاق‌افتاد. دراین بین‌سوارهای‌سردار مظفرداودخان‌کلهر وسردار اکرم نظر علی‌خان و معاون لشگر اکبرخان میرسند . سوارهای بختیاری را مغلوب وچندنفر مقتول و اموالشان را غارت وچند فرسخ تعقیبشان میکنندبلکه پسر امیر مفخم‌نیز کشته میشود . الله یعلم. رئیس تفنگچیان اورامانی‌آمد مرخصی‌گرفت با سپاهش بهمدان برود . رئیس اورامانیها بلباس عربی عبا و چفیه عقال ملبس بود .

دوشنبه ۱۷ رمضان ۱۳۲۹ ـ عصر بعیادت حضرت والا عضدالسلطان که مبتلا بدندان درد هستند رفتم . قدری صحبت از جنگ ملایر مابین بختیاریها و قشون حضرت اقدس سالارالدوله از قبیل سوار کلهر وسنجابی ولرستان و شکست سواران امیر مفخم بختیاری شدکه سواران‌کلهر وسنجابی وغیره غنیمت زیادی‌ازبختیاریها گرفته‌اند .

تلگراف سالارالدوله از ملایر

پنجشنبه ۲۰ رمضان ـ امروز عصر تلگرافی از ملایر از حضرت اقدس سالارالدوله رسید در خصوص رفتن سردار مظفر (داودخان کلهر) وسردار اکرم (نظرعلی‌خان لرستانی) باقشون سوار وپیاده بنزدیکی عراق وفرار امیر مفخم به اشناخور بختیاری خانهٔ‌خود وسردار ظفر بقم وحرکت اردوی سالارالدوله بطرف‌عراق‌وازآنجا بطرف پایتخت .

مراجعت محمدعلی‌شاه

افواهاً مذکور است که محمدعلی شاه مخلوع دوباره بگمش تپه عودت‌کرده است .

بحث‌با باش شهبندر راجع بنفاق‌مسلمانان

یکشنبه ۲۳ رمضان‌ـبعداز افطار جناب‌عبدالکریم بیك‌باش‌شهبندر وارد شد ساعتی نشسته صحبت ازخرابی اسلام و نفاق اسلامیان شد. اگر بیست‌سی‌سال‌اسلام‌بحال حالیه بماند دول‌اروپاملت‌ودول اسلامی‌را ازمیان‌خواهند برد. علت‌بزرگ‌اینست‌که عیسویها علم وثروت واتفاق‌که منشاء ترقیات‌است‌دارندوبدبختانه ما مسلمانها هیچیك از آن‌ها را نداریم سهل است نفاق و بخل وحسد داریم

خداوند انشاءالله اسبابی فراهم بیاورد که نفاق مسلمانان مبدل باتفاق شود . آمین .

چهارشنبه ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ - پس‌از افطار بعضی‌ها آمدند از جمله آقای‌آقا سید مهدی همدانی میگفت همدان منظم است ارزاق فراوان وارزانتر از کرمانشاه است . حضرت والا عمادالدوله حکمران همدان شده . بعضی از دهات همدان را قشون سوار حضرت اقدس سالارالدوله خیلی خرابی رسانده‌اند .

ورود اردوی سالارالدوله بنوبران

پنجشنبه۲۸رمضان - در دارالحکومه شنیده شد اردوی‌والاحضرت سالارالدوله بنوبران ورود نموده‌خیال طهران دارند .

پنجشنبه ٤ شوال‌المکرم۱۳۲۹ - تلگرافی‌از صمدخان شجاع‌الدوله تبریزی‌که بحضرت اقدس سالارالدوله از قروه بنوبران مخابره شده بود واینجا چاپ شده بود اینجا چند نسخه‌آوردند . از قرار آن تلگراف اردوی شجاع‌الدوله اطراف تبریز را محاصره‌کرده‌و شبیخون بقشون ملی زده مبالغی اموال‌غارت‌کرده‌اند . الله یعلم .

شکست اردوی سالارالدوله

چهارشنبه ۱۰ شوال ۲۹ - قبل‌ازظهر جمعی بتفاوت آمده قدری نشسته‌صحبت‌کردند ورفتند . ازقرارمشهور اردوی حضرت‌اقدس درخاك‌ساوه وزرند ازقشون مرکزشکست خورده‌و اغلب قشونی که از کرمانشاه وکردستان وغیره همراه رفته بودندمتفرق شده بعضی‌هم وارد اینجا شده‌اند .

قتل معاون‌الملك

جمعه ۱۲ شوال - خبر آوردند جنازه اکبرخان برادر مرحوم معین‌الرعایاراکه دراین اواخر ازطرف‌شاهزاده سالارالدوله ملقب بمعاون‌الملك شده بود امروز وارد شهر نمودند . مشارالیه در جنگ تیر خورده ودر صحنه فوت شده است.

اغلب سرکرده‌ها وصاحبمنصبان‌کرمانشاهی‌که با اردوی‌حضرت اقدس سالارالدوله رفته‌بودند ازقبیل سردارمظفر داودخان‌کلهر وسایرین امروز وارد کرمانشاه شدند .

شنبه ۱۳ شوال ۱۳۲۹ - طرف صبح خدمت حضرت والا عضد السلطان رسیدم سردار اجلال وامیر مقتدرکه تازه ازسفرآمده بودند حضور داشتند بعد سردار مظفر و صمصام‌الممالك واتباعشان آمدند . حال حضرات از سفربرگشته را مثل قشون شکست خورده افسرده دیدم .

پاکتی از حضرت والا سالارالدوله رسید تاریخش ۱۸ این ماه بود از الشتر وخاوه باین‌مضمون‌که محمدخان اصانلو که‌ازطرف ما مأمور تسخیر ولایت زنجان بوددرچهارم

این ماه وارد واهالی‌آن ولایت بدون زحمت مطیع وتسلیم شده‌اند . الله یعلم .

جنگ عثمانی با ایتالیا

شنبه ۲۰ شوال ـ از قراریکه عبدالکریم بیك باش شهبندر بیان کردند دولت علیه عثمانی بادولت ایطالیا مشغول جنگ هستند و سه‌کشتی جنگی ایتالیا راغرق واسیرکرده وهشت هزار نفر سرباز ایطالیائی را درخشکی عثمانیها بقتل‌رسانده‌اند .

تلگراف هیئت وزیران مبنی برعفو عمومی

دوشنبه ۲۲ شوال ـ صبح برحسب وعده برای اصغای بعضی تلگرافات‌که‌ازطهران بجهت‌آقایان علماء واعیان رسیده بود بمنزل شاهزاده محتشم‌الدوله نایب‌الحکومه رفتم . جمعی‌حضورداشتند تلگرافی‌از هیئت وزرای عظام درجواب تلگراف اهالی‌کرمانشاه راجع بوقعهٔ حضرت والا سالارالدوله و عفو عمومی رسیده بود .

سه‌شنبه ۲۳ شوال ـ پاکتی از حضرت امیر افخم (بلحاظ احتیاط و موقعیت نوشته بودند از شخص محترمی همولایتی و بعد در حاشیه اسم امیر افخم را نوشته‌اند) از ماهیدشت رسید که عازم زیارت‌عتبات بوده‌اند .

پنجشنبه ۲۵ شوال ـ در دارالحکومه مذکور شد مشهور است آقای امیر افخم با سوار زیاد از میان دربند بطرف ماهیدشت عبور نموده‌اند (معلوم میشود چون بـا سالارالدوله همراهی داشته‌اند او بیراهه عازم عتبات شده‌اند) .

درروزنامه چهره‌نماکه در مصر طبع میشود تفصیلی ازانجمن تربیت امریك‌وایران نوشته‌کنفرانسی‌که این انجمن در تالارکتابخانه واشنگتن منعقد کرده بودند شرح داده و ازیك دختر خانم بیست ساله طهرانی (قدسیه خانم) که بزبان انگلیسی در انجمن نطق کرده بود خیلی تمجید نموده بود .

ارجاع نیابت حکومت از تهران به من

شنبه ۲۷ شوال ۱۳۲۹ (۲۸ میزان) ـ تلگرافی از وزارت‌جلیلهٔ داخله به‌بنده رسید که حضرت قوام‌السلطنه وزیر داخله مخابره فرموده بودند . مفادش این بود : (باقتضای اعتمادی‌که بشما هست‌تاورودحکومت‌جدید نیابت‌حکومت‌کرمانشاهان بشما واگذار شد که درکمال دقت مواظب نظم و امنیت شهر باشید و راپرت وقایع را بی‌کم وزیادبدهید) .

حقیر معافیت خود را بچند ملاحظه از این شغل استدعا نمودم که بواسطه وضع حالیه‌وبی‌استعدادی و نبودن قوای انتظامی انجام‌این امر ازعهده فدوی

خارج است ، تلگرافی هم در جواب حضرت سردار ظفر در باب پنجهزار تومان حواله پول خواجه طوماس نوشته دادم بهمدان مخابره نمایند .

اغتشاش وهرج ومرج بواسطه نبودن حاکم

سه‌شنبه غره ذیقعده مطابق ۳۱ میزان (مهرماه) ـ با نبودن حکمران اغلب امور این ولایت در عهده تعویق مانده ومردم در تکلیف متحیرند معلوم نیست چه‌وقت‌حاکم‌خواهندفرستاد. اشرار شروع بشرارت ودزدی وشب بتفنگ اندازی‌کرده‌اند سیم‌تلگراف را از صحنه بکنگاور قریب یك فرسخ بریده‌اند . اگر عنقریب حاکم مقتدر با استعداد نیاید بازمغشوش وهرج‌ومرج‌خواهدشد.

پنجشنبه سوم ذیقعده ـ صبح جناب عبدالکریم‌بیك باش شهبندر آمد تقریباً متجاوز از دو ساعت نشسته صحبت‌های متفرقه مخصوصاً از ضعف اسلام و اسلامیان‌صحبت شد خیلی‌تأسف خوردیم ، تمام روز را درمنزل بسربردم‌ازاخبارگوناگون وناگوارکه همه مبنی برناامنی وانقلاب ولایات بود بی‌اندازه متألم شدم .

جمعه ٤ ذیقعده ـ چهار ساعت از شب گذشته تازه شام صرف شده بود آقای عبدالکریم‌بیك بابش‌شهبندر بدون مقدمه وخبر با میر مشتاقعلی دکتر سوارهای هندی قونسول انگلیس وچندنفر ازعساکرعثمانی وارد شدند . بیاناتی از بی‌نظمی شهر نمودکه اتباع‌عثمانی وحشت دارند باید بآنها تأمین داد . یك نفر از کارگذاری همراه خود برد بخانه‌های اتباع‌عثمانی سرکشی‌نماید . از قراریکه‌آن آدم‌برگشت ومذکور داشت با باش شهبندر بچند خانه تبعه عثمانی رفتیم همه درخواب ودررا بسته بودند بعضی از صاحب خانه‌ها را بیدارکرده بودند هیچ خبری نبوده است .

سرپرست موقت شهر

شنبه۵ ذیقعده ۲۹ـ از قراریکه خبرآوردند شاهزاده‌محتشم‌الدوله برای معالجه‌وتغییرآب‌وهوا بعراق‌عرب‌وزیارت عتبات باخانواده رفته‌اند ،ودیگرگفتندآقایان واعیان شهربرای‌انتظام بلد درخانهٔ جناب‌آقای آقا رحیم مجتهد جمع‌شده رأی داده‌اند که فرخ‌خان ایلخانی‌که پیرمرد وصاحب طایفه وبالنسبه بی‌غرض‌است‌مراقبت نظم شهر باشد .

یکشنبه ٦ ذیقعده ـ طرف عصر مسیومولیتور رئیس‌گمرك‌آمد واظهارنمود سالارـ همایون ازطرف حضرت والا سالارالدوله آمده حکمی‌ابراز نموده‌که وجوه‌گمرك بایشان داده شود . من با نبودن‌پست‌وتلگراف درتکلیف خود متحیرم‌گفتم این‌روزهااغلب‌مردم درکرمانشاه همین حالت را دارند .

دوشنبه ۷ ذیقعده ـ قبل‌ازظهر بدیدن سرکارفرخ‌خان ایلخانی نایب‌الحکومهٔ‌موقتی بدارالحکومه رفتم . ایلخانی آدم درویش‌مسلك‌خوش‌مشربی است به‌حقیر گفت این باررا باصرار بگردنم گذاشتند، گفتم برای رفاهیت مردم و امنیت عیب ندارد متحمل زحمت باشید زیراکه عادت بجز خدمت خلق نیست.

غارت دهات بوسیلهٔ سوارهای پسروالی پشتکوه

شنبه ۱۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ ـ قبل‌ازظهر مشغول کارهای مرجوعه بودم چه‌فایده‌که با انقلابات وهرج و مرج حالیه وپیش‌نرفتن‌کار و تحکمات مأمورین خارجه بطوری از زندگی متنفر شده‌ام که حد ندارد .

ازقرارمذکور امان‌الله‌خان پسر یاغی‌وطاغی امیرجنگ‌والی‌پشتکوه قریب سه‌هزار سوار وپیادهٔ چریك همراه دارد و دهات را هرچه دارند غارت میکنند . ازاینطرف‌هم سوارهای جعفرقلی‌خان که در سلیمانیه هستند و هردو بامر حضرت والا سالارالدوله آمده‌اند.

شنبه ۱۹ ذیقعده ـ از قرار مذکور پریروز جمعیت زیادی از هرطبقهٔ کرمانشاه بعزم زیارت عتبات حرکت نموده‌اند . بیشترمردم از بدی وضع ولایت فرار میکنند.

امروزعصرآقای‌ارفع‌الممالك‌منشی‌قونسولگری روس‌وآقای‌میرزاعلی‌اکبرخان منشی قونسولگری انگلیس هردو از طرف قونسولها برای کارگذاری پیغام آورده بودند که از قرارمذکور آقای سرداراجلال با آقای فرخ‌خان ایلخانی در تدارك جنگ باهم‌هستند اگر حقیقت داشته‌باشد ما پرتست میکنیم . هر خسارت مالی وصدمهٔ جانی باتباع ما برسد مسئول سردار اجلال‌وفرخ‌خان ایلخانی خواهندبود .

بنده‌هم یك‌نفر پیش سردار اجلال وایلخانی فرستادم که هرکدام شخصی بفرستندکه پیغام قونسول‌هارا بتوسط آنها بفرستم . آقای نصیردیوان را آقای ایلخانی و آقای نظام‌دیوان را سرکار سردار اجلال‌فرستادند. بعضی حرف‌هاهم (علاوه برپیغام‌قونسول‌ها) از روی خیرخواهی ازطرف خودم به‌نصیردیوان ونظام‌دیوان گفتم . آقایان‌سرداراجلال و ایلخانی با جمعی اعیان در خانهٔ حاجی‌حسن‌خان‌کلانتر حضور داشته‌اند پیغامات را ابلاغ کرده‌بودند وجواب آوردند که ابداً جنگ با هم نداریم اگرخیال‌جنگ‌داشتیم چرا دریك‌جاجمع میشدیم...

یکشنبه ۲۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ ـ روز چون شب تار ظلمانی گذشت هرساعتی در کرمانشاه یك‌رنگ دیگر پیدا میکند . قلوب مردم متزلزل حواس پریشان ومعلوم نیست

سرها بکدام بالین است .

امروزچند تلگراف از طهران‌ازوزارتین خارجه وداخله‌رسید باین‌معنی که‌بیست‌روز قبل ازطهران بهمدان مخابره شده و بواسطهٔ خرابی سیم بتوسط قاصد از همدان باینجا فرستاده‌اند در یك‌تلگراف وزارت داخله بنده‌را کارگذار ونایب‌الحکومه خطاب فرموده وحال‌آنکه بیست‌روزقبل تلگرافاً بملاحظاتی از نیابت حکومت‌کرمانشاه استعفا دادم‌معلوم میشود آن تلگراف نرسیده بهرحال بقدری هوش وحواس پریشان است که نمیدانم چطور روزنامه بنویسم .

اغلب مردم بواسطهٔ ناامنی بعتبات میروند

سه‌شنبه ۲۲ ذیقعدهٔ ۲۹ ـ دیروز صبح سرکارفرخ‌خان ایلخانی نایب‌الحکومه بکارگذاری‌آمد نیم‌ساعتی دربالاخانهٔ خلوت‌نشسته گفتگوی محرمانه کردیم .

محمودنام‌صارم‌الرعایاشریرنامی‌شهر که برادرزاده حاجی‌رستم‌بیك بود ازقرار مذکور فتح‌الایاله پسر سالارهمایون عبوراً تیرش‌زده و مقتول‌شده‌است.

مکتوبی از آقای سرداراجلال رسید که ناچار از رفتن ازاین شهر بعتبات است . اغلب مردم اینجا عازم عتبات عالیات شده و میشوند .

جمعه ۲۵ ذیقعده ـ ازقرار تقریر زواری‌که ازهمدان آمده‌اند وضع آنجا مغشوش است وبختیاری‌ها در همدان بمردم اذیت وتعدی میکنند و پول زور میگیرند و خرابی رسانده‌اند.

اعتراض مأموران خارجی بواسطهٔ متوقف‌شدن پست

شنبه ۲۶ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ ـ نماینده‌های قونسول روس و انگلیس امروز پیغام آوردند که بیشتر از این نمیتوانیم در توقف پست تأمل کنیم وپروتست میکنیم . گفتم باسرکار ایلخانی دیروز مذاکره کرده‌ام قرارشد این‌دوسه روز پست را راه بیاندازند .

خبر تازه‌ای‌که اسباب رفع‌نگرانی‌حقیرشد ورود غیرمنتظره‌فرزندی مسعود وخانم والده‌اش از سفر همدان که تقریباً دوماه و دمروز طـول کشید و بحمدالله در این اغتشاش راهها بسلامت وارد شدند.

یکشنبه ۲۷ ذیقدهٔ۲۹ ـ طرف صبح جناب‌باش شهبندر بادوسه‌نفر تبعه‌عثمانی‌آمدند

یکی دو ساعت صحبتهای متفرقه کردیم . از قراریکه بیان میکرد دولت عثمانی‌شکست بزرگی بدولت ایطالیا داده و حالا سایر دول خیال دارند میانشان صلح بدهند و اهل ایطالیا بردولتشان‌شورش کرده‌اندکه چرا اقدام بجنگ با عثمانی کرده و مبالغی‌خسارت جانی ومالی برمملکت ایطالیا واردآمده‌است .

شکست مجدد قوای‌سالارالدوله

سه‌شنبه ۲۹ ذیقعده ۲۹ ـ خبر تازه که مشهور شده جنگی است نزدیك بروجرد مابین‌بختیاریها و کسان سالارالدوله واقع وطرف سالارالدوله مغلوب شده‌اند .

فرار سالارالدوله بخرم‌آباد

پنجشنبه غره ذیحجه ۱۳۲۹ ـ از قرار مذکور،امان‌الله خان پسر والی پشتکوه از دلگشا با سوارهایش رفته است .
روز شنبه هم جناب میرزا سالك مکتوبی نشان‌دادکه دلیل‌برفرار شاهزاده سالارالدوله با شیخه رئیس ایل دیرکوند بخرم‌آبادبود.

یکشنبه ۱۱ ذیحجه مطابق دهم قوس ۱۳۲۹ ـ چهار ساعت بغروب مانده خداوند پسری بفرزندی هاشم‌خان عنایت‌فرمودانشاءالله صالح وخوشبخت باشد.

طرف صبح بدیدن جناب اعظم‌الدوله که ازطهران از گرفتاریهای‌سخت‌طولانی خلاص و دیشب وارد شده‌اند رفتم، فرزندی هاشم‌خان باستقبال جناب سعاد بیك‌شهبندر جدید عثمانی رفته بود برگشت .

حکومت اعظم‌الدوله

سه‌شنبه ۱۳ ذیحجه ـ رقعه‌ای از جناب اعظم‌الدوله رسیدکه از اولیای دولت علیه حکمی صادر و مأموریتی بعهدهٔ من واگذار شده که باید عموم مردم قرائت نمایند شما هم که مأمور رسمی هستید در مجلس حضور داشته باشید .

عصر سه شهبندر بکارگذاری آمدند : عبدالکریم بیك شهبندر معزول ـ سعاد بیك باش شهبندر جدید و ناظم بیك شهبندر معزول کردستان .

دو بغروب مانده بمنزل جناب اعظم‌الدوله رفتم جمعی بودند تلگراف حضرت صمصام‌السلطنه را خطاب باعظم‌الدوله خواندم که انتظام شهر و امنیت حول وحوش را باعظم‌الدوله راجع نموده‌اند تا نزدیك غروب آنجا بودم یك دفعه صدای تیر و تفنگ زیادی شنیده شد گفتند نزدیك میدان توپخانه بحاجی رستم بیك و مهدی نام مشهورتیر انداختند ولی‌تیرخطاکرده محمدعلی‌گنل تیرخورده‌است. اشخاصی‌که درخانه اعظم‌الدوله بودند بطور احتیاط از راه دور بمنزلشان مراجعت کردند .

جنگ بین اعظم‌الدوله و فرخ‌خان ایلخانی

چهارشنبه ۱۴ ذیحجه ۲۹ - بعدازظهر خبر آوردند بین جناب اعظم‌الدوله و فرخ‌خان ایلخانی جنگ درگرفت . متصل صدای تیر تفنگ و چند تیر توپ آمد . از قراریکه جناب اعظم‌الدوله بکارگذاری نوشته بودند اول ازطرف فرخ خان ایلخانی به تیراندازی سبقت شده . ازقرار مذکور توپ‌بخانهٔ مرحوم ظهیرالملك و اعظم‌الدوله بسته‌اند و خراب شده و هنوز عدهٔ مقتول و مجروح طرفین معلوم نیست . خاطرم‌میآید دو سال قبل در دعوای مرحوم معین‌الرعایا با حاجی رستم‌بیك و مرحوم کلبی و سایرین که مرحوم ظهیرالملك هم برضد معین‌الرعایا بودند آنوقت ظهیرالملك حاکم بود ببعضی خانه‌های مردم از قبیل خانه معین‌الرعایا و میرزا فتح‌الله رئیس‌التجار توپ بستند . دنیا دار مکافات است توپ بخانه مردم بستند بخانهٔ خودشان توپ بسته شد ، وضع کرمانشاه روز بروز مغشوشتر و ناامنتر میشود .

پنجشنبه ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۹ - شهر باز درانقلاب و اغتشاش باقی‌است و طرفین مشغول سنگربندی و تفنگ اندازی هستند . چندین کاغذ به آقایان شهر نوشتم که اقدامی در اصلاح نموده طرفین را نصیحت نمایند بعضی‌ها عذر آوردند در میان آقایان جناب آقای امام جمعه و جناب حاجی آخوند حاضر شدند بروند . بقونسول‌هاو شهبندری هم نوشتم هریك نماینده بفرستند با نمایندهٔ کارگذاری بروند جناب اعظم‌الدوله و ایلخانی را ببینند که ترك نزاع نمایند .

جمعه ۱۶ ذیحجه - هنوزنایرهٔ جنگ وتوپ وتفنگ‌اندازی بین جناب اعظم‌الدوله و فرخ خان ایلخانی مشتعل است نصیحت و توسط احدی مثمر نشده . چند نفرمرد وزن در حین عبور از کوچه غفلتاً تیر خورده مقتول شده‌اند .

شنبه ۱۷ ذیحجه - بواسطهٔ درد شدید پا بستری‌شده نتوانستم بیرون‌بروم‌حتی سعاد بیك وعبدالکریم بیك باش شهبندر وجناب حاج میرزا حسن مجتهد همدانی وحاجی صدر اخویشان که برای تشرف بعتبات تشریف آوردند باکمال خجلت معذرت خواستم. مشغول کاغذنویسی بجناب اعظم‌الدوله وآقای فرخ خان ایلخانی برای ترك جنگ‌بودم و نوشتم که مامورین خارجه پروتست کرده‌اند ولی بهیچیك اثر نکرده است .

ادامهٔ جنگ

یکشنبه ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۹ - روز عید سعید غدیر است ولی افسوس‌که این جنگ و نزاع اعظم‌الدوله و فرخ خان ایلخانی شهر را پرآشوب وعید را براهالی شهر حرام‌کرده . هنوزصدای

تیر تفنگ گوش را کر میکند . چندگلوله‌هم بکارگذاری‌افتاد در نزدیکی اینجا خانهٔ‌حاج صرافباشی مرحوم را سنگرکرده‌اند . شش شبانه روز است که جنگ شروع شده . عبور و مرور درکوچه‌ها محل خطر است .

سه‌شنبه ۲۰ ذیحجه ۱۹ قوس ۱۳۲۹ ـ درد پا باقی و نتوانستم بیرون بروم . نزاع و جنگ و شلیك تفنگ برقرار است . اهل بازار و کسبه تمام اسباب دکانها را بخانه میبرند . عابرین را هرکس گیرشان بیاید لخت میکنند .

از قراریکه شهرت دارد حضرت والا سالارالدوله این دو روزه وارد کرمانشاه خواهد شد .

چهارشنبه ۲۱ ذیحجه ـ بطوریکه میگویند عدهٔ سوار پایروند و کرد از طرف سالارالدوله وارد شهر شده و شاهزاده هم خواهد آمد . امروز از عصر باین‌طرف صدای تیر تفنگ موقوف‌شده‌گویا بواسطهٔ خبر ورود شاهزاده‌است اعظم‌الدوله هم عقب‌نشسته تا شاهزاده با او چه معامله نماید .

پناهندگی اعظم‌الدوله و همراهان درقونسولگری انگلیس

پنجشنبه ۲۲ ذیحجه ۲۹ ـ فرستادم جناب آقای آقا سید اسمعیل اجاق و جناب میرزا سالك و جناب آقا سید حسین مداح برای اسم‌گذاری مولود تازه پسر فرزندی هاشم خان تشریف آوردند بحکم استخاره و کلام‌الله مجید اسم مولود ناصر و کنیه‌اش ابوالحسن شد .

از جناب مستر مکدوال قونسول انگلیس مراسلهٔ رسمی رسیدکه دیشب‌چهارازشب‌گذشته اعظم‌الدولـه باهمراهانش‌اکرم‌الدوله و میرزا ابوالحسن خان و حاجی رستم‌بیك معین‌الاشراف بقونسولخانه آمدند متحصن‌شدند و من بملاحظه رفع نزاع و ترك دعوا آنها را پذیرفتم .

ورود مجدد سالارالدوله

جمعه۲۳ذیحجه۲۹ ـ خبر تازه ورود موکب حضرت والاشاهزاده سالارالدوله بکرمانشاه است .

اظهارات سالارالدوله

شنبه ۲٤ ذیحجـه ۱۳۲۹ ـ قبـل از ظهر با پای لنگ بزحمت بدارالحکومه رفته خدمت حضرت اقدس سالارالدوله رسیدم . قدری از خرابی ایران و وضع مغشوش کارها فرمودند تاکی این مملکت هرج و مرج باشد . عرض کردم از بدبختی اهالی‌است. بعد جمعی از آقایان شرفیاب شدند و حقیر مرخص شدم .

یکشنبه ۲۵ ذیحجه - امروز حضرت اقدس عایدی‌تذکره‌را مطالبه و۴۳۲تومان حکماً گرفتند . پاکتی از دکتر جلیل خان از ژنو رسید مختصری از حال جناب پرنس فریدون خان ملکم نوشته بودند که بامریکا رفته در واشنگتن و بیکارند .

فوت آیة‌الله ملامحمدکاظم خراسانی

سه‌شنبه ۲۸ ذیحجه ۲۹ ـ خبر تازه که امروز شنیده شد فوت مرحمت‌مآب آقای آخوند ملا محمدکاظم‌خراسانی‌بودکه در بیستم اینماه بمرض فجعه برحمت ایزدی پیوسته‌اند .

چهارشنبه ۲۸ ذیحجه ـ هرسال رسم بود این اوقات قونسول روس جشن اسم‌گذاری اعلیحضرت امپراطور روس را منعقد و از حکمران و شاهزادگان و مامورین رسمی بصرف شام دعوت میکرد امسال نمیدانم بچه ملاحظه این جشن را موقوف کرد .

دعوت شهبندرهای عثمانی در کارگذاری

شب را جنابان سعاد بیك باش شهبندر جدید عبدالکریم بیك‌باش شهبندر عتیق و ناظم بیك شهبندر معزول سنندج و انور بیك مدعی‌العموم محکمهٔ شهبندری‌که تازه آمده درکارگذاری موعود بودند تشریف آورده سر میز شام صرف نموده چهار از شب گذشته رفتند . مهمانی دوستانه بودبمناسبت رفتن عبدالکریم‌بیك از کرمانشاه .

پنجشنبه ۲۹ ذیحجه ـ بنا باحضار حضرت اقدس سالارالدوله‌عصربدارالحکومه رفتم . دندانشان درد میکرد . در این بین نظرعلی خان سردار اکرم لرستانی وارد شد . حقیر هم میبایست با شاهزاده احتشام‌الدوله عوض حضرت اقدس بقونسولخانهٔ انگلیس بروم بازدید نمایند . باتفاق بقونسولخانه رفتیم. از قرار مذکور حضرات پناهندگان که رئیسشان اعظم‌الدوله است هنوز در قونسولخانه هستند ودر مذاکره اصلاح کار وبیرون آمدن میباشند .

فوت فرخ‌خان ایلخانی

جمعه سلخ ذیحجه ۱۳۲۹ - خبر آوردند فرخ‌خان ایلخانی‌دیشب غفلتاً مرحوم شده خدا بیامرزد آدم سلیم‌النفس درویش مسلکی بود عاقبت بخیر شد که آخر عمر در حکمرانی‌کرمانشاه با عزت و احترام تشییع جنازه‌اش نمودند .

شنبه‌غرهٔ‌محرم‌الحرام ۱۳۳۰ - ۲۳ دسامبر۱۹۱۱ـ عصری‌بمسجد مرحوم‌حاجی شهبازخان رفتم که جنازهٔ مرحوم فرخ خان ایلخانی‌را امانت گذاشته‌اند یك سوره قرآن خواندم ثوابش را بروح آن مرحوم نثار کردم . جز یك نفر قاری کسی ندیدم گفتند از

اولاد وکسان مرحوم ایلخانی کسی سراغ جنازه نرفته . همین است وقتی شخصی مرد از شاه و گدا، عالی و دانی بجز عمل آن شخص‌هیچکس با او نخواهد بود .

چهارشنبه ۵ محرم ۱۳۳۰ - برحسب دستور حضرت‌اقدس سالارالدوله باتفاق جناب آقای آقا محمود راجع بکارهای اعظم‌الدوله بقونسولخانهٔ انگلیس رفتیم .

اول آقای مکدوال قونسول را ملاقات و بعد درخصوص آقای اعظم‌الدوله و سایر متخصصین‌مذاکره نموده بناشد ایشان‌را ببینیم . جناب آقا محمود پیغامات حضرت اقدس را بیان نمودند . اعظم‌الدوله هم جواب دادند . نتیجهٔ مذاکرات این شد که ما در شهر وبیرون شهر از اهل کرمانشاه ایمن‌نیستیم خطر جانی داریم بگذارید چندروزی اینجا بمانیم . قونسول گفتند تفصیل را بسفارت تلگراف میکنند ببینند چه‌جواب میآید. درمراجعت ازقونسولخانه‌جناب‌آقای‌آقامحمودمراتب را بحضرت‌اقدس‌عرض کردند. ایشان هم مراسله‌ای‌بقونسول نوشتند تلگراف را بنویسند بدهند بکنگاور فرستاده شود از آنجا مخابره نمایند (سیم تلگراف تا آنجا دایر نموده) .

غارت‌خانه میرزاعلی‌خان

چهاشنبه ۱۲ محرم ۱۳۳۰ - ازقرار مذکور بحکم حضرت‌اقدس سالارالدولـه دیشب اول شب‌عده‌ای ازسوارهـای‌الوار و اکراد بخانه‌میرزاعلی‌خان‌قراسوران باشی رفته هرچه گندم وجو و کاه ویونجه داشته‌برده و خیلی خرابی رسانده‌اند . باین جهت اغلب اهل شهر متوحش و مضطرب شده‌اند .

پنجشنبه ۱۳ محرم ۳۰ - نزدیك غروب عبدالکریم بیك باش شهبندر ساعتی آمد یکساعت‌نشست صحبت‌های متفرقه بمیان آمد . ازجمله اخباریکه درروزنامه‌خوانده هیجان مسلمانان هندوستان برضد دولت انگلیس و جمع کردن اعانـه برای این کار نقل میکرد . همچنین شورش اهالی چین بردولت چین و قفقازیها برضد دولت روس و جنگ ایطالیا با عثمانی در طرابلس که هنوز باقی است .

مذاکره کشیدن خط‌آهن از آستارا به بندرعباس

دوشنبه ۱۷ محرم ۱۳۳۰ - عصر مستر مکدوال‌قونسول‌انگلیس بامیرزا علی‌اکبر خان منشی قونسولگری ببازدید روزاول‌سالشان که دیدن‌کرده‌بودم آمدند . ازقراریکه‌قونسول بیان‌کردانگلیسها با روسها مذاکره کرده‌اند که از بادکوبه و آستاراخط‌آهن‌بکشند تا بندرعباس که خط‌آهن روس بهندوستان نزدیك شود و انگلیس با فرانسه متعهد شده‌اند این کار را انجام بدهند .

چهارشنبه ۱۹ محرم ۱۳۳۰ - امروز جناب‌آقای‌آقا محمدمهدی مجتهد وجناب آقای حاجی میرزا محمد واعظ همدانی که بقصد زیارت بکرمانشاه آمده‌اند وجمعی‌دیگر بصرف ناهار در کارگذاری موعود بودند تشریف آوردند .

شنبه ۲۲ محرم ۱۳۳۰ - از قراری که شهرت داده‌اند حضرت امیرافخم با دو پسرشان آقایان احتشام‌الدوله و حسام‌الملك و آقای سید اشرف‌را باشاهزاده‌عضدالسلطان از عتبات عالیات باسلامبول برده‌اند هنوز علت معلوم نیست .

بطوریکه صحبت‌کردند در قورخانهٔ‌کرمانشاه هیچ چیز باقی نمانده هرچه اسلحه و باروت و سرب و چادر و ملبوس بوده برده‌اند .

پنجشنبه ۲۷ محرم - بعد از ظهر حضرت اقدس سالارالدوله احضارم فرمودند رفتم . فرمودند یك مسوده در باب امتیازات بخارجه ... و استقراض بنویسم . نوشتم دادم معین‌الکتاب که‌تازه عمادالسلطنه شده بنویسد .

اصلاح روابط ایران با روسیه

شنبه ۲۹ محرم - دیروز طرف صبح آقای ارفع‌الممالك منشی قونسولگری روس سواد تلگرافی از وزارت داخله نشان داد و اصلاح دولت علیه ایران با دولت بهیه روس را که هفتم محرم تاریخ داشت مشعر بود .

امروز صبح که از خواب بیدار شدم دیدم بی‌اغراق یك ذرع‌که قدری از متر بیشتر است برف باریده . همچو برفی کمتر دیده شده است .

واقعه دار زدن ثقةالاسلام در تبریز

شنبه ۷ صفر ۱۳۳۰-۷ دلو- حاجی عبدالحمید تبریزی با یك نفر سید برای گرفتن تذکره آمدند از وضع ملال‌انگیز آنصفحات و ورود قشون روس و تعدیات آنها براهالی تبریز و دارکشیدن جناب ثقةالاسلام و شش نفر معروفین‌آنجا را نقل کرد خیلی‌متألم شدم این‌واقعات در ماه محرم روی‌داده معلوم نیست عاقبت‌ایران بکجا خواهد انجامید .

پنجشنبه ۱۲ صفر- عصر میرزا ابراهیم خان‌که از طایفهٔ حاجی‌زادها است‌آمد و از وضع قدیم کرمانشاه صحبت کرد . در خصوص کشته شدن حاجی علی خان شکوئی حاکم کرمانشاه در کرند . این واقعه در -هد مرحوم محمد شاه اتفاق افتاده است .

ورود ۷۵ نفر قزاق روس

دوشنبه ۱۶ صفر ۱۳۳۰ - ازقرار مذکور نظرعلی‌خان لرستانی سردار اکرم وامان‌الله‌خان پسر والی پشتکوه مرخص شده از کرمانشاه رفتند .

امروز ۷۵ نفر قزاق روسی بادکتر قونسولخانه وارد کرمانشاه‌شدند .

ورود یارمحمدخان

پنجشنبه ۱۹ صفر ـ نیم ساعت بطلوع صبح مانده صدای شلیك تفنگ شنیده شد · میگویند ازطرف دولت سوار ومجاهدتاکنگاور و بیستون آمده‌اند از این طرف هم سوار جلو رفته معلوم شد یارمحمدخان کرمانشاهی با عده‌ای مجاهد شبانه وارد شهر شده روزصدای شلیك‌بلند بودگفتند چند نفر هم‌کشته شده‌اند .

فرار سالارالدوله

جمعه ۲۰ صفر ـ صبح خبرآوردند سالارالدوله دیشب باتابعان خود از کرمانشاه رفتند یارمحمدخان بامجاهدین غالب آمده دارـ الحکومه‌را تصرف کردند اعظم‌الدوله و همراهان درقونسولخانه انگلیس متحصن بودند مجاهدین و غیره رفته با احترام بیرون آورده بدارالحکومه برده‌اند . حقیر هم محض دیدن بدیوانخانه رفته اعظم‌الدوله و یارمحمدخان‌را ملاقات کردم . خیلی جنجال بود .

اعدام‌عده‌ای بوسیله مجاهدین

ازمجاهدین بخانه آقای آقا محمود رفته شرف‌الملك‌کردستانی که آنجا منزل‌داشته‌بادونفرمقتول‌ونعش‌آنهارا بیرون‌کوچه‌انداخته‌اند حاج رستم‌خان سرهنگ‌فوج‌زنگنه وبرادرش‌راهم آورده تیرباران کردند . ازقرار مذکورنه نفررا بقتل رسانده‌اند آقایان آقا رحیم مجتهد و آقای آقا محمود وآقا سید رضای قمی پیشنمـاز را هم بدیوانخانه برده توقیف‌نموده‌اندکه استنطاق نمایند .

اوضاع شهر و اداراتی‌که بود از قبیل عدلیه ونظمیه ومالیه و تحدید تریاك حتی تلگرافخانه وپستخانه همه بهم‌خورده آثاری نمانده میخواهند مجدداً احداث‌نمایند این تغییرات همه‌اسباب زحمت‌وخسارت بیچاره مردم است هرفرقه‌که روی‌کاربیاید بطرف مقابل وطرفداران آن ببهانه وغرض شخصی اذیت وضرر میرساند ·

حقاً یاباطلا ، شخص درتکلیف خود متحیراست ونمیداند چطورزندگی نماید .

هنوز ازطرف شاهزاده فرمانفرما حکمران اینجا معین نشده وکارها بایارمحمد خان است رئیس نظمیه هم میگویند صیادالسلطنه است که همراه مجاهدین آمده .

مختصریارمحمدخان درفتح کرمانشاه جلادت‌وهنربخرج دادوشاهزاده‌سالارالدوله هم درفراروکم جرئتی هنرنمود.

یکشنبه ۲۲ صفر ۱۳۳۰ - دیشب جناب افتخارالولاة بدون مقدمه باشب کلاه مضطربانه آمده اظهار داشت خیال دارند منزل من ریخته غارت کنند ومرا بگیرند اگر میتوانید علاجی کنید. شب ایشان‌را نگاهداشتم‌وصبح تفصیل‌را بجانب اعظم‌الدوله‌نوشته سفارش‌نامه خواستم بادونفر سواربرند بخاك‌کردستان برسانند .

اعدام آقای آقامحمود

دوشنبه ۲۳ صفر ۱۳۳۰ - صبح خبرآوردند آقای آقامحمودبرادر جناب آقای آقامحمد مهدی مجتهدرا بعد از استنطاق علی‌الطلوع درمیدان توپخانه بدارش‌کشیده‌اند .

روزرا درمنزل بسر بردم . آقـای میرزا علی اکبرخـان منشی قونسولگری انگلیس‌آمد درباب میرزااسدالله خان نایب‌کارگذاری‌که میخواستند باداره نظمیه احضار واستنطاقش‌کنند صحبت‌کردیم . میرزا اسدالله‌خان سه چهار روز است بواسطه واهمه‌ای که دارد شبانه روز درکارگذاری مقیم است

بازرسی کیف سالارالدوله

جمعه ۲۷ صفر-حسب‌الاحضار رسمی قبل ازظهربانك شاهنشاهی رفتم‌قونسول انگلیس هم آنجا بود . اعظم‌الدوله واعتلاءالدوله بایارمحمدخان سردار آمدند کیفی ازسالارالدوله دربانك بودباز کردند اسبابش‌را نگاه کردمسیاهه نمود دوباره درکیف گذاشته‌لاك ومهرکردند قونسول انگلیس ومن هم مهرکردیم دربانك‌گذاشته شد .

یکشنبه ۲۹ صفر ۱۳۳۰ - قبل ازظهر خبررسید ازسوارهای متمردین‌کرمانشاه آمده دورشهررا گرفته‌اند . چند سوارمجاهد بیرون رفته نزاعی‌کرده ازطرفین چند نفر مقتول شد . ازجمله مهدی پهلوان رضا مشهورکه ازاشرار بودکشته شده است وجمعی ازشراوآسوده شدند . بعد سوارهای متمرد رفتند .

سه شنبه غره ربیع‌الاول ۱۳۳۰ - آقای اعتلاءالدوله رئیس قشون‌را دراطاق نظام وآقایان اعظم‌الدوله ویارمحمدخان سرداررا دردارالحکومه ملاقات‌کردم . مشغول تنظیم امورشهر ودرتهیه وتدارك دفاع بودند .

حمله قوای سالارالدوله بشهر کرمانشاه

پنجشنبه سوم‌ربیع‌الاول-وضع کرمانشاه‌تغییرکرد. ازطرف شاهزاده سالارالدوله عشایر وایلات که همراه بودند از چند طرف هجوم آورده شهررا تصرف‌کردند . باین تفصیل که بین اعوان وانصار شاهزاده‌سالارالدوله مرکب از سواران وپیادگان عشایر کلهر و سنجابی وگوران وقلخانی وبعضی از اهالی شهرکه همراهش فرار

کرده بودند باسردار یارمحمدخان ومجاهدین واعظم‌الدوله و غیره جنگ واقع شد یعنی سواران وپیادگان سالارالدوله بطرف شهر حمله آورده داخل شهر شدند جنگ مغلوبه شد و هرچه توانستند از خانه‌ها و دکاکین غارت کردند . حتی کلهرها بکارگذاری هم هجوم آورده سالار جنگ پسر سردار مظفر آمده بود گفتند میخواهم اینجا را سنگربکنیم هرچه ابا و امتناع شد قبول نشد با وجودیکه سالار جنگ مرا شناخت و بهمراهانش قدغن کرد با اینجا کاری نداشته باشید چندان گوش ندادند ولی بعد از اصرار و ابرام بیرون رفتند.

غارت‌بعضی خانه‌ها و دکاکین

بعد معلوم شد از بالاخانهٔسردار یك جفت قالیچهٔخوب و یکدانه رومیزی گلدوزی و پرده را برده‌اند . و در و شیشه های آنجا را هم شکسته‌اند . حتی از اندرون هم مقداری‌لباس برده‌اند . خلاصه‌خیلی‌بد وضعی‌شده‌وامنیت‌جانی‌ومالی سلب‌گردیده است .

خانهٔ اکرم‌الدوله راکه نزدیك کارگذاری بودغارت کردند . اسب‌های مرا هم باسم اکرم‌الدوله بیرون آوردند ببرند حسنخان معاون‌الملك برادر مرحوم معین‌الرعایا آدم فرستاد و مانع شد والا برده بودند . معلوم نیست چند خانه و دکان غارت کردند وچند نفراز طرفین کشته شد . درصورتیکه باکارگذارخانه این‌معامله را بکنند باسایرین پناه برخدا . خرابی و هرج و مرج ازهرجهت‌کامل‌بود . وحشی‌های‌عشایر وکرمانشاهی مثل سباع درنده هرچه میخواستند کردند .

مراجعت سالارالدوله و قتل وغارت درشهر

جمعه ٤ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ ـ حضرت والا شاهزاده سالارالدوله‌با سوار زیاد بعد از ظهر وارد کرمانشاه شده بدارالحکومه رفتند. رفتن و برگشتنشان پانزده روز طول کشید . یارمحمدخان سردار و اعظم‌الدوله و همراهانشان شبانه فرار کردند و معلوم نیست کدام‌طرف رفته‌اند .

شنبه پنجم ربیع‌الاول ۳۰ ـ قبل ازظهر بدارالحکومه رفته‌خدمت حضرت والا رسیدم خیلی خسته ولی از فتح و تصرف کرمانشاه‌مسرور بودند وسجدهٔ شکر بجا آوردند . ولی از غارت خانه‌های مردم و دکاکین وکسبه‌اظهار پریشانی مینمودند .

اعدام اعتلاءالدوله

از قرار خبرهای واصله چند نفر از مجاهدین طرف یارمحمدخان را دستگیر کرده‌اند از جمله اعتلاءالدوله و چند نفر دیگر . اعتلاءالدوله را حکم بدارش نمودند . حقیر هرچه شفاعت‌کردم قبول نشد . سرنوشت آن بیچاره اینطور مقدر بود که از

کارگذاری محمره معزول بشود و بیاید درکرمانشاه چند ماه بماند چندی درقونسولخانهٔ انگلیس با اعظم‌الدوله متحصن شود بعد یارمحمدخان با مجاهدین بیایند حضرات را از قونسولخانه بیرون آورده اعظم‌الدوله را سرکار بیاورند و اعتلاءالدوله رئیس کمیسیون فوق‌العاده و رئیس قشون بشود ده پانزده روز بگذرد بعد حضرت والا سالارالدوله با قشون حمله آورده شهر را مسخر نماید و اعتلاءالدوله را بدار بکشند ۱ . شخص از این تغییرات مات ومبهوت است .

اعدام مجاهدین

یکشنبه ٦ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ ـ اغلب وقت با صحبت‌جناب حاج معتمدالتولیهٔ قمی که اینجا منزل دارند میگذرد .

از قرار مذکور دوازده نفرازمجاهدین وغیرهم‌را که دستگیر شده بودند دار کشیده مقتول ساخته‌اند . از جمله شیخ محمود بروجردی · وضع هنوز منظم نیست و دکان و بازار بسته یعنی چیزی باقی نگذاشته‌اندکه دکان بازکنند .

دوشنبه ۷ ربیع‌الاول ـ بعضی کاغذهای پست از طهران وغیره رسید که تاریخ آنها اواخر محرم و ماه صفر بود . هیئت وزرای‌کابینه سست و مجلس شورای‌ملی‌عجالتاً تعطیل و چند نفرصاحبمنصب روس وارد طهران شده و سالدات هم وارد خواهد شد میخواهند در طهران هم مثل تبریز و رشت از مردم خلع اسلحه‌کرده امنیت‌برقرارکنند.

دار زدن اعظم‌الدوله و پسرش

سه‌شنبه ۸ربیع‌الاول ـ از قراریکه خبر آوردند اعظم الدوله و پسرش فخیم‌السلطنه را که‌کردستانیها گرفته و آورده بودندبدار زده‌اند ۲ .

اعظم‌الدوله دوسال‌درطهران‌محبوس‌بود مرخص‌شده‌بکرمانشاه‌آمد . بعدازورود با فرخ خان ایلخانی که از طرف سالارالدوله نایب‌الحکومه بود هشت نه روز در شهر جنگ کرد اسباب تلف چندین نفر گردید . بعد از مغلوب شدن با جمعی بقونسولگری انگلیس پناهنده شدند دوماه دراینجا ماندند ، حضرت‌والا سالارالدوله چندین دفعه‌اطمینان دادند بیرون بیایند نیامدند .

تااینکه‌یارمحمدخان‌باعده‌ای مجاهدآمد حضرات را ازقونسولخانه بیرون‌آورده بعمارت حکومتی برد و پانزده روز بحکمرانی مشغول شدند و ادارهٔ نظمیه ترتیب‌دادند

۱-نامبرده را در میدان توپخانه بدرخت بسته تیرباران کردند ـ نگارنده

۲-قبل از اینکه آنها را بطرز فجیعی بدار بزنند در موقع گرفتاری آنها را با شمشیر و تبر بسختی مجروح نموده بودند. ـ نگارنده

از آنطرف حضرت والا لشگر ازعشایر و ایلات وشهری جمع کرده یك دفعه بشهرحمله نمودند . حضرات تاب مقاومت نیاورده فرار کردند . بعد از فرار بعضی دستگیروبعضی مقتول وبعضی مفقود واعظم‌الدوله‌وفخیم‌السلطنه‌و اعتلاءالدوله و عده‌ای را دارکشیده تیرباران نمودند . ازاین‌تغییرات حیرت‌آمیز دنیا شخص مات و مبهوت است دراین‌مدت هیجده روز چقدر نفوس تلف و چقدر خانه و دکاکین غارت شد ۱.

چهارشنبه ۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ - قبل ازظهر آقا شیخ علی عسگر برادرمرحوم معین‌الرعایا آمد شرحی از تعدیات سوارهای کلهر وغیره‌بخانه‌های مردم بیان کرد حتی مابین داود خان سردار مظفر که حالا امیراعظم میگویند با حسنخان معاون‌الملك برادر مرحوم معین‌الرعایا درسر این کار بهم خورده وبعرض شاهزاده هم رسیده حالا میخواهند آشتیشان بدهند .

بعد ازظهر حضرت‌اقدس احضارم فرمودند بعضی فرمایشات راجع‌بعطاءالله‌خان

---

۱ - نگارنده (مسعود فرید) در آن موقع ۱۲ ساله و بواسطهٔ اهمیت حوادث صحنه‌های‌هول‌انگیزی درخاطره‌ام باقی‌ماند . مرحوم‌پدرم بملاحظاتی‌باختصار کوشیده‌واز جزئیات‌وقایع‌وانگیزه‌های‌اشخاص خودداری کرده‌اند وچون منظورمنعکس‌نمودن‌نوشته‌های ایشان است چیزی از خودم‌اضافه نمیکنم فقط برای روشن شدن چند نکته‌که ایشان‌اشاره نموده‌اند لازم میدانم توضیح مختصری بدهم .

باید باین نکتهٔ مهم که از خلال نوشته‌های این روزنامه پیدااست اشاره‌کنم: مرحوم پدرم بواسطهٔ سلامت نفس مفرط و جنبهٔ خیرخواهی‌که داشتند درآن‌ایام پرغوغا مورد اطمینان طرفین بودند و بواسطهٔ موقعیت باریکی که داشتند ناچاربمیانه روی و مماشات بوده و از این روش حتی‌المقدور استفادهٔ شایانی در رفع تعدیات ز عدهٔ زیادی نمودند . شاهزاده سالارالدوله هم بواسطهٔ اطلاع براین خصیصهٔ پدرم اعتماد عجیبی‌باو پیدا کرده بود و حتی ایشان را وادار کرده بود غذای او را مرحومه والدام در قابلمه ممهوری هرروز بدارالحکومه بفرستد و این عمل تا چندی پس از ازدواج او با شاهزاده خانم دختر عمدةالسلطنه (که این ازدواج نیز بااصرار شاهزاده بوسیلهٔ مادرم برگرفت) ادامه داشت. البته‌این لطف شاهزاده علاوه‌براینکه‌موجب استخلاص عده‌ای‌گردد باعث عفو برادرم مرحوم میرزا هاشم خان که درآن زمان و بعداً جزو احرار و آزادیخواهان بود گردید .

پالیزی سالارالسلطان (پسر وکیل السفارهٔ کرمانشاهی) تبعهٔ عثمانی فرمودند که باید بمباشر شهبندر نوشته شود از شهر تبعیدش کنند .

پنجشنبه ۱۰ ربیع‌الاول ـ درمنزل سر بردم جناب حاجی‌معتمدالتولیهٔ قمی‌هم‌بودند اغلب اخبار ناگوار از ریختن بخانهٔ بیچاره و غارت کردن و خواستن پول ازآنهامیرسید و اسباب تأسف میشد شفاعت و توسط هم بجائی نمیرسد براحوال آن شهر باید گریست که فریادرس را ندانند کیست.

یك دختر فرانسوی از سالارالدوله اجازهٔ تأسیس مدرسه‌دخترانه میخواهد

دوشنبه ۱٤ ربیع‌الاول ۱۳۳۰ ـ قبل از ظهر باتفاق جناب میرزا سالك خـدمت حضرت اقدس سالارالدوله شرفیاب شدیم . عصر مادموازل پریر فرانسوی باابراهیم نام موسوی آمدمیخواهد مدرسه برای دخترها باز کند واز حضرت اقدس اجازه خواسته حضرت اشرف بحقیر دستخط فرموده که گفتگو کـرده ترتیب و قرارش را داده بعد حکم و اجـازه بازکردن مدرسه دخترها داده شود . اگر این کار سربگیرد خوب کاری است . گرچه‌ازبدبختی برای پسرها درکرمانشاه مدرسه نیست وهمه‌ول وویلان میگردند و هیچکس در فکر این کار واجب نیست .

سه‌شنبه ۱۱ ربیع‌الاول ـ صبح در خصوص معلمهٔ فرانسوی برای باز کـردن مدرسهٔ دخترانه خدمت حضرت اقدس رسیده قرار شد عصر خود معلمـه را بحضور برده ببینند و ترتیب مدرسه‌را بدانند آنوقت اجازه‌بدهند . عصرمعلمه آمدباتفاق‌بدارالحکومه رفتیم‌حضرت‌اقدس‌بزبان فرانسه بامعلمه‌گفتگو وسئوالات فرمودند قرارشد برای دختران ارامنه و موسویها مدرسه دایر کند . این معلمه را مسیو نیکولسکی قونسول روس از پطرزبورغ برای اطفال خود خواسته آورده چهار پنج ماه هم در خانهٔ مشارالیه مانده پس ازآن بمدرسهٔ آلیانس رفته چندی آنجا معلمه بوده حالا بیکار شده میخواهد خودش مدرسه باز کند و دخترهای این شهر را تربیت کند . همچو خیال کرده ایران هم مثل فرنگستان در فکر تربیت و تحصیل اطفالشان هستند ولی بیچاره غافل از اینکه ایرانیها ابداً در این‌فکر نیستند . ز عشق تا بصبوری هزار فرسنگ است .

هرخانه باید از ۵ تا ۵۰ تومان

یکشنبه ۲۰ ربیع‌الاول ـ امروز گفتنداعلانی بدیوارهاچسبانیده‌اند که اهالی هرخانه‌ای از پنج الی پنجاه تومان باید برای مخـارج اردو بدهند . با این حال پریشان نمیدانم مردم چه خواهند کرد

مخارج اردو را بپردازد

وچطور پول خواهند داد .

سه‌شنبه ۲۲ ربیع‌الاول ـ قبل‌ازظهر امروز حضرت‌اقدس فرمودند از آنجا که کمال اعتماد را بشمادارم‌جناب‌آقای آقا رحیم مجتهد هست یك نفر از تجار امین هم هست (حاجی ملك محمد) باید در مجلس عدلیه بانهایت دقت بدون غرض بعرایض مردم رسیدگی نمایند که رفع ظلم از مردم شده احقاق حق بعمل آید .

باطاق دیگر رفته با جناب آقا رحیم و حاجی ملك محمد هم آمد دو سه ساعت نشستیم بعد بمنزل برگشتیم .

ایجاد عدالتخانه

چهارشنبه۲۳ربیع‌الاول ۱۳۳۰ - صبح وعصر بعدالتخانهٔ‌کرمانشاه رفتم جناب‌آقای‌آقا رحیم وآقای حاج ملك محمد هم آمدندجمعی از تجار وکسبه وغیره هم آمدند از جمله باقرخان اعظم‌السلطنه (خان لره مشهور) رئیس ایل‌کاکاوند . در باب مواظبت راه از پل قره‌سو تا گردنهٔ بید سرخ که باو سپرده شده است خیلی سفارش و تأکید شد و تعهد کرد که مراقبت نموده بمسافرین و عابرین اذیت نرسانده پول سلامت رو نگیرند.

شنبه ۲۶ ربیع‌الاول ـ شاهزاده احتشام‌الدوله بطرف بروجرد و لرستان مأمور شده رفتند ازقرارمذکورحکومت ولایات ثلث‌که عبارت ازملایر،تویسرکان ونهاوندباشد از طرف والاحضرت سالارالدوله بایشان محول شده است .

پنجشنبه غرهٔ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ و اول سال سیچقان ئیل و عید نوروز ایرانی است طرف‌صبح بعضی اشخاص متفرقه بدیدن‌آمدند . حقیر هم بدیدن جناب آقای‌آقاشیخ هادی مجتهد و ازآنجا بدارالحکومه رفتم . حضرت اقدس بواسطهٔ‌کسالت بیرون نیامدند باطاق نزدیك تالار رفتم شاهزادگان وخوانین و اعیان آمده بودند امین حضرت‌ازجانب حضرت اقدس آمده بحضرات اظهار مهربانی نمود .

ورود ۳۰ نفر عساکر عثمانی

یکشنبه ٤ ربیع‌الثانی ـ دوروز قبل قریب سی نفر عسکر ازبغداد بکرمانشاه وارد شد که‌باعساکر پیش پنجاه نفر شدند ظاهراً باسم حفاظت‌اتباع دولت عثمانی‌آمده‌اند ولی‌درباطن‌نمیدانم‌مقصودشان چیست ؟

پنجشنبه ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ ـ قریب هزار نفر سوار کردستانی از مریوان و اورامان با رئیسشان شیخ علی نام وارد کرمانشاه شدند .

چهارشنبه ۱٤ ربیع‌الثانی ـ دیروز حسنخان معاون‌الملك حضرت اقدس رابطاق‌ـ بستان بصرف ناهار دعوت کرده بود حقیر هم‌موعود بودم بواسطهٔ دردپا نتوانستم‌بروم.

علی‌الرسم قبل از ظهر و عصر بمجلس موسوم بعدالتخانه رفتم اعضاء هم‌آمده بودند بقدر مقدور بامور متظلمین رسیدگی شد . پیش از ظهر با جناب آقای آقا رحیم حضور حضرت‌اقدس رفتیم بعضی‌مطالب عرض‌شد ازجمله **گرفتن‌اعانه‌ازمردم‌موقوف** و از عدالتخانه اعلان این مطلب بعموم شد .

یکشنبه ۱۸ربیع‌الثانی‌ـ نزدیك‌ظهرحضرت‌اقدس با سوار زیادعازم ماهیدشت و هارون‌آباد شدند و مقصودشان از این مسافرت ملاقات امیر جنگ والی پشتکوه و متفق نمودن رؤسای عشایر و ایلات است . از قرار مذکور مهمان امیراعظم داود خان حاکم کلهر خواهند بود .

عصر بدارالحکومه رفتم . نظم شهر را به آقای محمود خان پسرمرحوم فرخ خان ایلخانی و سالار مظفر سپرده‌اند آقـای نصیر دیوان کردستانی و آقای امام‌جمعه کردستان هم با ایلخانی خواهند بود . در واقع حضرات را قوهٔ مجریـه عدالتخانه قرار داده‌اند .

(از ۱۸ع۲ تا۱۵ ج۱ خبر تازه‌ای‌نبودکه از روزنامه استخراج شود در ظرف این مدت که سالارالدوله خارج از کرمانشاه بوده پدرم با دو نفر عضو دیگر عدالتخانه مشغول رسیدگی به تظلمات مردم بوده‌اند.)

جمعه ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۰ ـ طرف‌صبح بدلگشا رفتم جمعی آمدند. معلوم شد که حضرت اقدس سالارالدوله وارد دلگشا خواهند شد . سالار مظفر عمارت دلگشا را خوب تعمیر کرده. ایلخانی برای واردین ناهار تهیه دیده‌است .

جمعی ازاهالی شهر، آقای نصیردیوان کردستانی وامام‌جمعه‌کردستان وسایرین با سوارها باستقبال رفتند . نزدیك ظهر حضرت اقدس بعمارت دلگشا وارد و بهمه اظهار مرحمت فرمودند .

قتل میرزا علی جان

شنبه ۱٦ جمادی‌الاول ۱۳۳۰ واقعه تازه تیر انداختن میرزاعلی جان‌برادر آقای معتضدالدوله بمحمدعلی‌گنل که محمدعلی‌سلطان شده بود و همچنین محمد علی گنل بمیرزا علی جان درخانه‌حاجی آقا ولی‌است تیر محمدعلی‌گنل کاری بود و میرزا علی جان فوت شد ولی محمدعلی گنل از دستش تیر خورده وکاری نشده است مفاداللهم اشغل‌الظالمین بالظالمین در اینجا وارد است .

سه‌شنبه ۱۹ جمادی‌الاول ـ وقت عصر دو سه نفر تبعهٔ انگلیس و آمریکا که سیاح بودند آمدند شب در عمارت حکومتی بصرف شربت و شام موعود بودم . معلوم شد برای اسم گـذاری شاهزاده نصرت‌الدین میرزا است کـه خداوند از صبیهٔ شاهزاده عمدةالسلطنه بوالاحضرت شاهزاده سالارالدوله عطا فرموده (این‌پسر بعداً فوت شد) از آقایان علما و شاهزادگان عده‌ای بودند . سالار مظفر هم میزبان‌بود .

کشته شدن پیرم خان و شکست پیش قراولان قوای دولتی

پنجشنبه ۲۱ جمادی‌الاول ـ عصر بعدالتخانه رفتم. سالار مظفر خبر آورد که پیش‌قراولان سردار مجلل‌که عبدالباقی خان وغیره باشند در شورجه (مابین همدان و کردستان) پیش‌قراولان شاهزاده فرمانفرما را شکست داده و قریب پنجاه‌نفر مقتول و زخمی‌نموده دو سه عراده توپ از آنها گرفته‌اند (پیرم خان معروف در این جنگ کشته شد .)

شنبه ۲۳ جمادی‌الاول ـ شب گذشته مجلس‌جشن عروسی‌حیدرقلی خان پسرآقای ارفع‌الممالك منشی قونسولگری روس باصبیهٔ مرحوم آقای آقا محمود(که ماه قبل مجاهدین اورا دار زدند) در منزل داماد برپا و عده‌ای از علماء و شاهزادگان دعوت داشتند رفتم ـ امشب نیز ازخارجی‌ها دعوت کرده بود . ساز وآواز و مطرب و آتش‌بازی هم بود .

دادن نسخهٔ ندای‌عدالت بسالارالدوله

چهارشنبه ۲۷ جمادی‌الاول ـ یکشنبه گذشته جناب آقای‌آقارحیم باتفاق آقای عمادالسلطنه پیش داود خـان امیراعظم رفتند برای اصلاح نزاع مابیـن کلهر و قلخانی و گورانی و سنجابـی . طرف صبح در دلگشا خدمت حضرت اقدس سالارالدوله رسیدم . بعضی فرمایشات ازنداشتن‌آدم‌کاری‌نمودند . نسخهٔ ندای‌عدالت که از تحریرات مرحوم میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله نزد حقیر بود برای حضرت اقدس فرستادم .

عصر مستر استد کشیش آمریکائی بدیدن آمد . یك بنائی در کرمانشاه احداث کرده میخواهد خانه و مریضخانه وغیره بسازد .

شنبه سلخ جمادی‌الاول ـ صبح و عصر علی‌الرسم بعـدالتخانه رفتم بامور و تظلمات مردم‌حتی‌المقدور رسیدگی شد. ازجمله جناب سلطان‌العلماء پسرمرحوم امام‌جمعه از استاد احمد خان تفنگ‌ساز ادعائی داشت مذاکراتی نمودند . کارهای متفرقه هم زیاد بود . جناب آقای آقا رحیم که از اعضاء عدالتخانه است چنـد روز است بیرون شهر

رفته هنوز برنگشته . حاج ملك محمد صبح میآید عصر نمیآید .

دوشنبه‌دوم‌جمادی‌الثانیه ۱۳۳۰ ـ صبح‌بدلگشا رفته حضور حضرت‌اقدس‌رسیدم بعضی فرمایشات فرمودند . مراسله‌ای هم بقونسولگری انگلیس درخصوص تحصن چند نفر مجاهد نوشته شد که آنها را اطمینان داده خارج کنند .

پنجشنبه ۵ جمادی‌الثانیه ـ دردارالحکومه دستخطی ازحضرت‌اقدس‌سالارالدوله دیدم‌که شاهزاده مظفرالسلطنه‌را نایب‌الحکومه و اسعدالدوله‌را معاونشان قرار داده‌اند.

دوشنبه ۱۰ جمادی‌الثانیه ـ امیراعظم داودخان‌کلهر با سوار خودطرف‌بیستون و صحنه حرکت واز دلگشا رفت . صمصام‌الملك رئیس ایل سنجابی‌را هم دردلگشا دیدم.

شکست‌قوای سالارالدوله در صحنه و فرار او به پشتکوه

چهارشنبه ۱۲ جمادی‌الثانیه ۱۳۳۰ ـ خبر تازه شکست داودخان امیراعظم‌کلهر ازاردوی شاهزاده‌فرمانفرما مابین صحنه وبیستون در گرگوند چمچال و رفتن حضرت والا شاهزاده سالارالدوله از دلگشا بطرف پشتکوه و تغییر وضع کرمانشاه است . تا بعد چه پیش آید بیچاره اهل کرمانشاه در تزلزل ووحشت هستند . جمعی در قونسولخانهٔ انگلیس متحصن‌شده‌اند . ازمعروفین‌جناب آقای آقا رحیم مجتهد و نصیردیوان هستند . گفتند عبدالله خان بیگلربیگی کرمانشاه که مدتی علیل بود مرحوم شد .

ورود شاهزاده فرمانفرما با اردو بکرمانشاه

پنجشنبه ۱۳ جمادی‌الثانیه مطابق ۹ جوزا (خرداد) ـ حضرت‌والا فرمانفرما با فتح و نصرت وبا اردو بکرمانشاه وارد شد . طرف عصر در تالار حکومتی جلوس وجمیع اعیان وشاهزادگان وغیره شرفیاب وموردالتفات و رأفت‌شدند بحقیر هم خیلی‌اظهارمرحمت فرمودند. از ملتزمین جناب ضیاءالسلطان پسرحضرت سرداراسعد سرکرده سوار بختیاری و حسینقلی خان سرتیپ سوار قزاق حضور داشتند . حضرت والا پیر شده‌اند بحقیر هم فرمودند فلانی پیر شده‌ای . قونسولهای روس و انگلیس و شهبندری عثمانی هم نمایندگان‌خود را برای تبریك فرستاده بودند .

رؤسای اردوی دولتی

جمعه ۱٤ جمادی‌الثانیه ـ قبل از ظهر برای‌دیدن رؤسای اردو و خوانین بختیاری بدلگشا رفتم فرزندی هاشم‌خان هم همراه بود. اسامی‌رؤسا ازین‌قراراست: شهاب‌السلطنه‌بختیاری، ضیاءالسلطان، میرزا سید کاظم‌خان رئیس سوار ژاندارم ، مسیوگری‌خان رئیس سوار، یارمحمدخان رئیس مجاهدین .

عصر بدارالحکومه رفته از میرزاصادق خان معین‌الممالك که باسیصد چهارصد سرباز فوج‌فدوی بااردوآمده‌بودديدن‌کردم. شاهزاده‌محمدولی‌میرزاسومین‌پسرحضرت‌والا را هم که تقریباً بیست سال دارند ملاقات کردم .

کشته شدن داودخان کلهر امیراعظم

گفتنـد نعش داودخان کلهر کـه امیراعظم شده و در جنگ تیر خورده بود در قریهٔ شیان که از قراء کلهر است بخاك سپردند. از قرار مذکور بسکه از طفیل وجود او خسارت و اذیت بمـردم رسیده از این واقعه خوشحال و شادند .

شنبه ۱۵ جمادی‌الثانیه ۱۳۳۰ - سه بغروب برای پـذیرائی و معرفی مأمورین خارجه درحضور حضرت والا فرمانفرما بدارالحکومه‌رفتم. قونسول‌های روس و انگلیس و شهبندر عثمانی آمدند . مسیو نیکولسکی قونسول روس درحکمرانی دفعهٔ قبل حضرت والا فرمانفرما قونسول بود و سابقه داشتند . حضرت والا از تفصیل جنگ بین راه و غلبه برطرف مقابل شرحی بیان فرمودند .

عدالتخانه‌که زمان‌حضرت‌والا سالارالدوله دایربودبهم‌خورد. ازقراریکه‌مذکور شد عوض آن اطاق تحقیق دایر کرده‌اند .

یکشنبه ۲۳ جمادی‌الثانیه - عصر بمنزل‌آقای مدحت‌الممالك رئیس قشون‌جدید رفتم (ایشان هشت سال در اسلامبول تحصیل کرده و دیپلم گرفته وتقریباً سی وپنجسال دارد) بعد باتفاق میرزا عبدالله خان بدیدن حسینقلی خان میرپنج قزاق و رضاخان (رضا شاه‌فقید) سرتیپ‌قزاق‌رفتیم . مذکورشد حضرت‌امیرافخم باپسرهاشان‌آقایان‌احتشام‌الدوله و حسام‌الملك از پشتکوه با پسر والی پشتکوه امیر جنگ همین دو روزه وارد کرمانشاه خواهند شد .

پنجشنبه ۲۷ جمادی‌الثانیه ـ طرف صبح حسینقلی خان سرتیپ اول و رضا خان سرتیپ دوم قزاق ببازدید آمدند . بعد یارمحمدخان سردار مجاهدین باچند نفر ازاتباع خود آمد و صحبت از وضع حالیه و اختلاف و نفاق مردم شد .

ورود امیرافخم

جمعه ۲۸ جمادی‌الثانیه ـ طرف صبح جناب مدحت‌الممالك رئیس قشون و نـواب والا محمدصـادق میرزا بدیدن آمدنـد . خبر آوردنـد کـه حضرت امیرافخم طرف عصر وارد میشوند . فرزندی هاشم خان منزل جناب ارفع‌الممالك موعـود بود نوشتم از آنجا باستقبال برود .

چهار ساعت بغروب بدارالحکومه وارد شدند. بدیدنشان رفتم دیدم با حضرت والا فرمانفرما نشسته‌اند با امیرافخم مصاحبه بعمل آمد از دیدارشان خیلی مسرور شدم . در این مسافرت خیلی زحمات کشیده‌اند .

سه‌شنبه ۲ رجب‌المرجب ۱۳۳۰- صبح **رضاخان** سرتیپ‌قزاق آمد درباب‌سند ۱۳۰۰ تومان خواجه طوماس مسیحی‌که شعبانعلی سلطان قزاق‌داده باید خواجه‌طوماس از عهده برآید یا جواب حسابی بگوید مذاکره شد .

شنبه ٦ رجب ـ نزدیك غروب بدارالحکومه رفته خدمت حضرت امیرافخم رسیدم آقای سید محمد طباطبائی همدانی هم آنجا بودند با جناب احتشام‌الدوله سردار عازم همدان خواهند شد . امروز کاغذ زیادی از پست رسید . از قراریکه نوشته بودند کارگذاری کرمانشاه به آقای معاضدالملك وکیل سابق کرمانشاه واگذار شده است .

دوشنبه ۸ رجب ـ در خدمت حضرت امیرافخم بازدید قونسول‌انگلیس‌رفتیم در آنجا جناب آقای آقا رحیم و آقای سید اشرف را که در آنجا متحصن هستند ملاقات کردیم چندنفر دیگر هم بودندآقای امیرافخم بحضرات متحصنین دلداری دارند. (آقای امیرافخم پنجشنبه ۱۱ بطرف همدان حرکت کردند) .

سه‌شنبه ١٦ رجب - بدارالایاله رفته جناب آقای سهام‌الدوله معاون ایالت را ملاقات و باتفاق ایشان بمنزل خوانین بختیاری‌آقای‌شهاب‌السلطنه و ضیاءالسلطان‌رفتیم. مسیو گری‌خان رئیس اردو وسالار منصورمیرزا غفارخان‌قزوینی وجمعی دیگر از رؤسای مجاهدین آنجا بودند . علی‌اکبر خان سالار مقتدر سنجابی هم آمد . ازقرارمذکور دیروز سیصد نفر از ایل کاکاوند سوار و پیاده در حاجی‌آباد سه فرسخی شهر بقافله حمله کرده مبلغ زیادی مال‌التجاره برده ویك‌نفر سکاری را هم کشته‌اند حضرت‌والا فرمانفرما برؤسای خوانین بختیاری و مجاهدین دستور دادند در تنبیه ودفع اشرار اقدام نمایند . پس از تحقیق معلوم شد این عده کاکاوند از طایفهٔ بالاوند بوده‌اند .

شنبه ۲۰ رجب ۱۳۳۰ - خبر آوردند دونفر ازاشرار طایفهٔ بالاوندکه دیروز دستگیر شده بکرمانشاه آورده بودند بحکم ایالت جلیله هردو را تیرباران کرده‌اند .

دوشنبه ۲۲ رجب ـ از قرار مذکور سوارهای بختیاری و مجاهد و قزاق که برای تنبیه و قلع و قمع اشرار رفته بودند امروز با فتح وفیروزی بشهر مراجعت‌نموده غارت زیادی از مال و حیوان آورده‌اند . نمیدانم از کاکاوندها است یا ازمال رعیت‌های بیچاره دهات .

پنجشنبه ۲۵ رجب ـ دیروز در دارالحکومه از قاصدی که گرفتار شده بود

استنطاق بعمل آمد معلوم شد ازطرف شاهزاده سالارالدوله ونظرعلی خان لرستانی بوده است .

خبر رسید آقایان سردار اجلال و امیرمقتدر و خانوادهٔ مرحوم ظهیرالملك که در عتبات بودند با تشریفات و استقبالچی زیاد از سواران بختیاری ومجاهدین وغیره وارد شدند .

فاتحهٔ اعظم‌الدوله

جمعه ۲۶ رجب - قبل از ظهر بخانهٔ مرحوم حاج ظهیرالملك بمجلس فاتحهٔ مرحوم اعظم‌الدوله وجوان مرگ فخیم‌السلطنه(که در ۸ ربیع‌الاول بوسیلهٔ سالارالدوله اعدام شدند) رفتم . مجلس فاتحه‌راکه درتالاربزرگ‌بود آقایان سردار اجلال‌پسراعظم‌الدوله و امیر مقتدر پسر مرحوم ظهیرالملك منعقد کرده بودند مردم از همه طبقات بفاتحه می‌آمدند .

تالار را بعد از خرابی ندیده بودم هیچ در وپیکر وارسی نداشت . در حکومت مرحوم ظهیرالملك چه مبلها و چه بساطی داشت چه ضیافت‌ها و مجالس در آن برپا بود !... واقعاً امروز عبرت کردم . فاعتبروا یا اولی‌الابصار .

فوت میرزا سالك

شنبه ۵ شعبان‌المعظم ۱۳۳۰ - طرف صبح خبر حزن‌انگیز فوت میرزا سالك رسید خیلی محزونم ساخت زیراکه اغلب مونسم‌بود مرد بزرگوار با محبت ساده و واقعاً سالك راه حقیقت بود شب گذشته لبیك حق را اجابت و مرغ روحش بشاخسار جنان پرواز نمود و از زحمت زندگی و دنیا راحت شد نزدیك بهفتاد مرحله زندگانی را طی کرده بود رحمةالله علیه .

از ابیات میرزا سالك

من کلام مرحوم میرزا سالك‌که در ایام حیات برای حقیر فرستاده بود (٤ صفر ۱۳۳۰) :

بعد هفتاد واند سال‌که عمر — سپری شد بحق و یا باطل
با بسی‌خلق‌عالم از ره‌صدق — ره سپردم ز عالم و جاهل
زانهمه خلق‌کت بعرض‌رسید — بجز از چند مرد صاحبدل
من ندیدم حقیقتی در کس — گرچه بودند بخرد و فاضل
برخی اندر ره صفای سفیه — لیك در درس شیطنت کامل
جمله غرق بحارکبرو غرور — هوشیار خود از خدا غافل
زمن این پند ازپسر بنیوش — که بود مغز و بی‌غش وغل

راستی پیشه کن مگوی دروغ | یار نیکان شو ازبدان بگسل
هرچه خواهی زصحبت نیکان | میشود از برای تو حاصل
وه چه خوش گفت سید سرمد | کس نبندد بمال دنیا دل
جیفه باشد مزخرف دنیا | غیرسگ نیست جیفه رامایل
گیرم از مملکت شدی چیپال | یا به ثروت همی شدی هرقل
سالك ازجیفه وطمع بگسل | بو که لطف حقت شود شامل
گوشه گیر و درقناعت کوش | کارآسان مکن بخودمشکل
کنج عزلت گزین ودل خوش باش | دروثاق خان مکن منزل

بقیه ۵ شعبان ۱۳۳۰ - امروز ایلخانی پسر مرحوم فرخ خان ایلخانی و حاج حسن خان کلانتر و آقای نصیردیوان بااتباع وکسانشان بتوسط صمصام الممالك وخدامروت خان باجازه واطمینان ایالت جلیله واردکرمانشاه شدند ، چندی درخارج شهر وبعضی درعتبات وبعضی همراه شاهزاده سالارالدوله بودند .

سه شنبه ۸ شعبان ۳۰ - اول اسد (مرداد) ۲۳ جولای ۱۹۱۲ - جشن مشروطیت دولت عثمانی در شهبندرخانه منعقد بود ، حضرت والا شاهزاده فرمانفرما والی، حضرت والا محمد ولی میرزا مدحت الممالك رئیس قشون، سهام الدوله معاون ایالت غرب، قونسولهای انگلیس و روس ومدیربانك شاهنشاهی وعده‌ای دیگربرای تبریك آمدند موزیك مخصوص ایالت جلیله هم مینواختند .

قبل ازظهر ملاحسین هلیلانی آمد پاکتی از جناب ظهیرالعلماء آورد که جوف آن پاکتی از امیرجنگ والی پشتوه و پسروالی سردار اشرف بود . بعه ازیکسال عوض اسب‌سواری ممتازکه بسردار اشرف داده بودم میبایست اسب خوبی بفرستند یك قاطر مفلوك بی‌جل وافسار فرستاده بود . میخواستم پس بدهم شایسته ندیدم ازخانواده والی پشتکوه هیچ همچوانتظاری نداشتم . دراین معامله‌هم زیان دیدم وهم امتحان خوبی کرده درجه‌فتوت خانواده والی پشتکوه‌را خوب دانستم .

جمعه ۱۸ شعبان - عصرکامل بیك باش شهبندر عثمانی بدیدن آمد بعد سواره به‌عیادت شاهزاده محتشم الدوله رفتم ، این شب‌ها فرزندی مسعود ازتاریخ ایران تألیف سرجان ملکم میخواند ازجمله عهد سلطنت مرحوم کریم‌خان زندکه درسنه ۱۱۹٤ هجری بوده آن اوقات اغلب امرا وامرا زادگان که منسوبان کریم‌خان بودند اغلب‌را ازچشم نابینا میکردند . واقعاً درآن زمان مردم خیلی وحشی و سبع ومثل حیوان درنده بودند.

یکشنبه ۱۷ شعبان ۱۳۳۰ - دیشب بمناسبت ولادت اعلیحضرت سلطان احمد شاه درمیدان توپخانه آتش‌بازی بود . امروزازقرار تقویم ایرانی اعلیحضرت داخل‌سال پانزده میشوند (تولدشان در۲۷ شعبان ۱۳۱۵ بوده است) .

اردوی‌بختیاری ومجاهدکه چندی قبل‌بطرف صحنه رفته بودند دیروزبکرمانشاه برگشتندکه باایالت جلیله بکردستان بروند .

ورود کارگذار جدید

سه شنبه ۲۹ شعبان - دوساعت از روز رفته آقای معاضدالملك کارگذار جدید بدون مقدمه بدیدن آمد از دیدارشان مسرور شدم معلوم شد دیشب باتفاق آقای معتضدالدوله وارد شده‌اند . تا نزدیك غروب‌اینجا بود مردم هم بدیدن ایشان میآمدند . امروز حضرت والا فرمانفرما والی با اردو بطرف کردستان عزیمت مینمایند .

پنجشنبه غره رمضان المبارك مطابق ۲٤ اسد - این رمضان پنجم است که حقیر درکرمانشاه بسمت‌کارگذاری مأمور بودم واین رمضان منفصل شدم وآقای میرزا اسمعیل‌خان معاضدالملك مأمور کارگذاری اینجا شد . درسفراول حقیر بسمت معاونت کارگذاری دروزارت خارجه مرحوم میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله حکم صادر نمودم آنوقت ادیب‌الحکماء لقب داشتند . امیدوارم ترقیات عالیه بکنند .

روزرمضان کارها همه درتعطیل و تعویق است حقیرهم درخیال تهیه وتدارك حرکت هستم .

مراجعت یارمحمدخان بکرمانشاه

دوشنبه ۵ رمضان ۱۳۳۰ - صبح حاج علی‌گماشته بعضی اخبار گفت . بعد میرزا اسدالله‌خان همان اخباررا بیان‌کرد . مذکور شدبعضی ازمجاهدین وبختیاریها بشهر برگشته‌اند پس ازتحقیق معلوم شد بختیاریها نبوده دوسه دسته از مجاهدین آمده‌اند و سردسته‌آنان یارمحمدخان وحسینقلی‌خان سرتیپ قزاق ومسیب خان تبریزی است . هنوزمعلوم نیست بچه خیال برگشته‌اند . بعد از ورودشان عقب جناب سهام‌الدوله معاون ایالت وآقای مدحت‌الممالك رئیس قشون بعد معین‌الممالك سرتیپ فوج فدوی فرستاده‌بوده‌اند . شب هرسه برگشتند آقای سهام‌الدوله‌بدارالحکومه رئیس‌قشون بشهبندرخانه و معین‌الممالك باین منزل وارد شد. چند نفرصاحبمنصبان‌فوج فدوی هم شب‌را درکارگذاری بودند . برگشتن سواران مجاهد بشهرودخالت رؤسای آنها بامور حکومتی قدری اسباب سستی‌کارها گردیده است .

پنجشنبه۸ وجمعه ۹ رمضان ۱۳۳۰ - جناب سهام‌الدوله باسعید دیوان بمنزل آقای سردار اجلال رفته ودیوانخانه حکومت‌را تخلیه‌کرده‌اند (بحکم مجاهدین) حالیه امور شهر هرج ومرج است تاچه شود .

یکشنبه ۱۱ رمضان - همه خیال من درتهیه سفر وحرکت است معلوم نیست چند روزباید معطل بود وتاکی راه‌ها امن خواهد شد ورد زبانم نجاتاً منك یاسیدالکریم نجنا وخلصنا بحق بسم‌الله الرحمن الرحیم است . تاکی مقدرباشد ازاین ولایت پرآشوب خلاص شوم .

در روزنامه‌های خود دیدم‌که اوائل ماه رمضان ۱۳۲۶ باین شهروارد شده‌ام کـه تا حال پنج سال قمـری است . در این مـدت چه انقلابـات و تغییرات دیـده‌ام خدا دانا است دراین مأموریت دوم برخلاف خوشی سفراول که سه سال ونیم متوقف بودم بدگذشت درهرحال شاکرم .

دخالت مجاهدین برضد ایالت

دوشنبه ۱۲ رمضان۱۳۳۰ - هنوزمجاهدین برضد ایالت‌دردخالت بامور حکومتی باقی و تکلیف مردم فلك زده غیرمعلوم است . آقای معین‌الممالك با صاحبمنصبـان فوج فدوی هم مثل مردم سرگردان ودراین منزل هستند .

معاون حکومت وچند نفر درشهبندری

چهارشنبه۱٤ رمضان - صبح گفتندآقای معین‌الممالك که‌ازدیشب ازاینجا بشهبندرخانه‌بدیدن‌آقای‌سهام‌الدوله ورئیس قشون‌رفته‌بود همانجا متوقف‌شد ومراجعت نکرد ایشانهم ملحق بمعاون ایالت ورئیس قشون‌گردید .

متحصن شده‌اند

پس ازافطار بشهبندرخانه رفتم فرزندی مسعودرا هم همراه‌بردم آقای سعادبیك باش شهبندررا ملاقات کردم . آقایان متحصنین‌را هم دیدم‌شهبندرخانه‌فعلا مأمن‌ایرانی‌ها شده‌است . مجاهدین هنوز بهمه امور شهروحکومت دخالت‌دارندازقرارمذکورجنس دیوانی‌راکه درانباربوده‌فرستاده تصرف‌کرده میفروشند . زحمت وتلاش دو ماهه حضرت ایالت غرب همه بهدررفت. گویا خداوند نمیخواهد هنوز این ولایت منظم وامن بشود خدا اهالی این صفحه‌را برخرابی خودشان میگمارد . العیاذ بالله استغفرالله خداوند هیچوقت بدمخلوق خودرا نمیخواهد هرچه هست از جهالت خودمان نتیجه اعمال است‌که راجع بصاحبان عمل میشود .

جمعه ۱۶ رمضان - قبل‌ازظهر پاکتی ازدارالحکومه آقای سردار

نامه سالارالدوله خطاب بیارمحمدخان

یارمحمدخان فرستاده بود که ازحضرت والا شاهزاده سالارالدوله خطاب بحقیربود خوانده بدیوانخانه رفتم دیدم یارمحمدخان و حسینقلی‌خان سرتیب ومسیب خان رؤسای مجاهدین وبعضی از کرمانشاهی‌ها (جناب حاج‌آقا ولی وشاهزاده اسعدالدوله‌وغیره) نشسته‌اند درگفتگوی نظم شهر و اجرای اوامر شاهزاده سالارالدوله که این دو روزه بکرمانشاه وارد خواهند شد. ساعتی صحبت کرده مجلس متفرق شد حقیر هم بمنزل برگشتم.

یکشنبه ۱۸ رمضان ۱۳۳۰ - طرف عصر یك نفر مجاهد ازطرف یارمحمدخان آمد که زحمت کشیده مرا ملاقات کنید. بفاصلهٔ چند دقیقه حسین خان خیاط باشی که حال معاون یارمحمد خان است آمد اظهار کرد مقصود از زحمت این بود که برحسب دستخط حضرت اقدس سالارالدوله بروید مسیو مولیتور را ملاقات نموده مراتب لطف حضرت اقدس را بایشان ابلاغ بلکه برود گمرکخانه را باز کند.

حقیر با معاون رفتم رئیس گمرك را دیدم گفت فرمایشات حضرت اقدس را پس از ورود موکب مبارکشان بکرمانشاه اطاعت میکنم.

تحصن سردار اجلال وامیرمقتدر در قونسولگری انگلیس

بعد از افطار برحسب وعده بمنزل میرزا علی‌اکبرخان منشی قونسولگری انگلیس رفتم آنجا مذکور شد که سردار اجلال بقونسولخانهٔ انگلیس رفته متحصن شده‌اند. مشهور است فردا پس‌فردا حضرت اقدس سالارالدوله وارد کرمانشاه خواهند شد در این صورت وضع این ولایت باز تغییر خواهد کرد.

این تغنیرات حیرت‌آمیز واقعاً محل خیلی تعجب و تحیر است من‌جمله موافقت حضرت والا شاهزاده سالارالدوله با مجاهدین خصوصاً با یارمحمدخان ازممتنعات بنظر میآید و غیرممکن حالا متحدشده دست حضرت والا فرمانفرما ایالت‌غرب را از کرمانشاه کوتاه کرده حالیه درکرمانشاه حکمرانی میکند.

پناهنده شدن معاضدالملك کارگذار در شهبندری

دوشنبه ۱۹ رمضان - از قراریکه میرزا اسدالله خان بیان کرد آقای معاضدالملك کارگذار جدید هم بشهبندرخانه رفته و آقای معتضدالدوله بقونسولخانهٔ انگلیس‌متحصن‌شده اینها بواسطهٔ ورود حضرت اقدس سالارالدوله است.

ورودسالارالدوله بکرمانشاه سه‌شنبه ۲۰ رمضان ۱۰ سنبله - خبر آوردند حضرت اقدس سالارالدوله شب گذشته وارد دارالحکومه شدند . دوازدهم جمادی‌الثانیه از دلگشا تشریف برده امروز مراجعت فرمودند رفتن ومراجعتشان متجاوزاز سه ماه طول کشید . حضرت والا فرمانفرما دراین‌مدت اینجا فرمانفرما بودند وحالا درکردستان تشریف دارند .

چهارشنبه ۲۱ رمضان ۱۳۳۰ - قبل‌ازظهرحضرت‌اقدس‌احضارم‌کردند شرفیاب شدم قونسول انگلیس راجع بمجادله آدم‌های علی‌آقا یاور با فراش قونسولگری نوشته بود .

مقصود حضرت اقدس مداخله حقیر بامرکارگذاری بود عرض‌کردم بواسطه‌علت مزاج معفوم بدارید مورد قبول واقع نشد دراین بین یارمحمدخان آمد وازنزاع دیشب مسبوق بود حضرت اقدس شاهزاده محمدباقرمیرزا فرمودند بقونسول نوشته شود طرفین دراین‌باب درکارگذاری حاضر شوند رسیدگی بعمل آید هرطرف مقصرشد تنبیه شود .

شنبه ۲٤ رمضان - قبل ازظهرخودرا مشغول تلاوت‌قران مجید نموده‌مخصوصاً سوره مبارکه یوسف که احسن‌القصص است قرائت کردم چون تنها وفرید بودم باکمال تأنی ودقت خوانده حقیقتاً حظ روحانی بردم وحالی‌کردم خداوند توفیق عنایت‌کند که همینطور باحواس جمع قران بخوانیم .

عزیمت یارمحمد خان‌ومجاهدین بطرف‌کردستان چهارشنبه ۲۸رمضان -ازقرارمذکورسرداریارمحمدخان بامجاهدین وغیره بطرف کردستان رفته‌اند که از اردوی شاهزاده فرمانفرما جلوگیری نمایند حضرت اقدس سالارالدوله هم باجمعیت خود از عقب بآنها ملحق خواهد شد .

حرکت سالارالدوله بطرف‌کردستان پنجشنبه ۲۹ رمضان - قبل ازظهر خبرآوردند که حضرت اقدس سالارالدوله هم دیشب بااردو بسمت کردستان حرکت نمودند که بیار محمدخان ومجاهدین ملحق شوند حالا درکجا وچه نقطه تلاقی فریقین وجنگ واقع شود وغلبه باکدام‌طرف‌باشدباید منتظر خبرشد . فعلا حواس مردم پریشان واهل شهرمضطربند .

جمعه غره شوال ۱۳۳۰ وعید فطرازاعیاد بزرگ مسلمین است - قبل ازظهر از جناب آقای سید اسمعیل اجاق و عصر از جناب آقای آقا شیخ هادی مجتهد دیدن‌کردم بعد بشهبندرخانه رفته جناب سعاد بیك باش شهبندر را ملاقات و تبریك گفتم . در ضمن

آقایان متحصنین جناب سهام الدوله معاون ایالت ، مدحت الممالك رئیس قشون معاضدالملك کارگذار ، معین الممالك سرتیب فوج فدوی و سعید دیوان را مختصراً ملاقات کردم .

ورود شاهزاده فرمانفرما بکرمانشاه

شنبه دوم شوال ـ قبل از ظهر خبر رسید که وضع شهر باز بهم خورد و دکانها را بستند. دوره حضرت اقدس سالارالدوله بسر رسید و دوره حضرت والا فرمانفرما روی کار آمد . باینطور که جناب‌آقای سهام‌الدوله معاون ایالت و رئیس قشون و سایرین که در شهبندرخانه متحصن بودند همه بیرون آمده بدارالحکومه رفتند و مشغول حکمرانی هستند نقاره خانه زدند و چند تیرتوپ شلیك کردند . از قرینه شکست سالارالدوله و فتح فرمانفرما معلوم ولی هنوز کیفیت و تفصیل مشخص نشده است .

از قرارمعلوم اردوی حضرت‌والا فرمانفرما باجمعیت حضرت اقدس‌سالارالدوله هیچ تصادف نکرده‌اند که مصاف بدهند . سالارالدوله معلوم نیست بکدام سمت رفته . اردوی دولتی در رکاب فرمانفرما بشهر آمده‌اند.

دوشنبه چهارم شوال ـ طرف صبح بقصد دارالایاله رفتم بین راه باجناب آقای امام جمعه تصادف شد متفقاً خدمت حضرت ایالت شرفیاب شدیم اظهار تفقد فرمودند دیروز که اردوی دولتی وارد شد از قرار مذکور باز چند ده که سر راه بوده مال و حیوانشان را چاپیده آورده بقیمت نازل فروخته‌اند.

فوت شاهزاده محتشم الدوله

طرف عصر خبر آوردند که شاهزاده محتشم‌الدوله مرحوم شده است .

پنجشنبه ۷ شوال ـ مذکور شد بختیاریها و مجاهدین ازکرمانشاه رفتند ولی معلوم نیست بکجا ؟

جمعه ۸ شوال ۱۳۳۰ ـ گفتند جمعی از آقایان و اعیان چون‌اول جمعه فوت مرحوم محتشم‌الدوله بوده بالاجماع بمسجد مرحوم عمادالدوله که جنازه آنمرحوم در یك حجره آن امانت گذاشته شده بود رفته فاتحه خوانده روضه استماع نموده‌اند حقیر هم بمسجد رفته فاتحه خواندم .

از قرار مذکور بختیاریها و مجاهدین باهالی شهر خیلی اذیت و

اذیت مجاهدین و بختیاریها بمردم شهر

خسارت رسانده‌اند دیروز هم کـه از اینجا رفته بودند در سر پل قرمسو اتراق کرده امروز از اینجا به بیستون و بعضی به سیاه‌بید رفته‌اند چهار پنج نفر هـم از بختیاریها گفتند بـه شهبندر خانه متحصن شده‌اند جناب مشیر دیوان کردستانی را از قـرار مذکور هشتاد هزار تومان نقـد جریمه در کردستان گرفته و بکرمانشاه آورده بودند مشارالیه را با شاهزاده مظفرالسلطنه پسر مرحوم منصورالسلطنه همراه خود برده‌اند .

شنبه ۹ شوال - مشهور است که حضرت اقدس سالار الدوله بکردستان ورود نموده‌اند بختیاریها گفتند بحاجی‌آباد و بیستون رفته‌اند. از وضع حالیه کسی سردرنمیآورد که چه خبر است مگر تاخت و تاز و غارت رعیت بیچاره و گرفتن پول و بس .

یکشنبه ۱۰ شوال ـ اسباب و اثاث البت را جمع‌آوری و باربندی‌کرده معطل مال و سکاری هستیم که هنوز بدست نیامده .

سه‌شنبه ۱۲ شوال ـ مثل دیروز در تهیه و فراهم آوردن لوازم سفر و وداع با آشنایان و دوستان بودم . قبل از ظهر از مسیو نیکولسکی قونسول روس و مستر مکدوال قونسول انگلیس خدا حافظی کرده و در مراجعت بمنزل کارتی برای سعاد بیك باش شهبندر فرستادم . عصر جناب بـاش شهبندر با خلیل افندی آمدند اظهار مهربانی کرده و از مفارقت اظهار تأسف نمودند.

بعد باتفاق میرزا عبدالله خان مستوفی بدارالایاله رفته ازحضرت والا شاهزاده فرمانفرما اجازه مرخصی گرفته با آقایان سهام الدوله معاون ، معاضدالملك و مدحت‌الممالك رئیس قشون و جناب امام جمعه و نصیر دیوان مراسم تودیع بعمل آمد .

عزیمت از کرمانشاه بهمدان

چهارشنبه ۱۳ شوال ۱۳۳۰ ـ (ازامروزتا آخرماه شوال روزنامه مرحوم پدرم بخط نگارنده این سطور است) .

بعون‌الله تعالی با علاقه از کرمانشاهان بهمدان حرکت شد ولی خیلی بسختی مال کرایه دست آمد و خیلی‌گران (خروار تبریز شانزده تومان و هرمالی هشت تومان . تقریباً دویست و پنجاه تومان کرایه شد) .

دراین مأموریت سفر دوم بکارگذاری‌کرمانشاه چهارسال توقف حقیرطول‌کشید و اغلب انقلاب و آشوب بود هیچ آسوده نبودیم حضرت والا شاهزاده فرمانفرما والی حکم فرموده ده سوار از طایفه زوله که رئیسشان عینعلی خان است همراه ما تابیستون

بیابند . بحمدالله سلامت وارد بیستون شدیم اماچه‌بیستونی خیلی خراب و آبادانی‌نیست. بهزار زحمت منزل خرابه‌ای پیدا شد فرودآمدیم . از کرمانشاه تا بیستون هشت ساعت سواره آمدیم . دربیستون سالارلشگربرادرسالارمؤید نایب‌الحکومه بیستون بدیدن آمد.

پنجشنبه ۱٤ شوال ـ نیم‌ساعت از آفتاب‌گذشته عازم صحنه شدیم . سوارهای زوله‌ای‌که حسب‌الامرحکومت جلیله همراه بودند مختصرانعامی بآنها داده مرخص شدند آقای سالار لشگر باده سوار تا نادر آباد که حد ایشان است همراه آمدند از آنجا خدا حافظی کرده رفتند . از نادر آباد باین طرف که حراستش با فتح‌الایاله بود دو نفر تا سمنگان که ده حاجی افتخارالتجار است آمدند . از سمنگان باین طرف کسی نیامد . در یکی دوجا دیدم قراسوران ها ایستاده ازمکاریها پول میگرفتند . از مال های مکاری‌که حامل بنهٔ حقیر بوده چیزی نگرفتند .

سمنگان ده خوبی است ولی ازتطاول قشون خراب شده است . درحوالی‌گاکیه شتر زیادی در صحرا دیده شد میچرند . در نزدیکی باراندازشان دیدم همه جمال عرب هستند از بغداد آمده‌اند . پس از تحقیقات معلوم شد چهار هزار و پانصد بار شتر دارند و دراینجا معطل سوار مستحفظ هستندکه آنهارا ازگردنه بیدسرخ بگذرانند . ازبیستون تا صحنه درپنج ساعت آمدیم . تقریباً چهار فرسخ سنگین است .

جمعه ۱۵ شوال ۱۳۳۰ ـ در صحنه در کاوانسرا منزل کرده شب را بروز آوردیم . علی‌اشرف خان رئیس تلگراف بدیدن آمد پسر مرحوم فرخ خان ایلخانی هم وارد صحنه شد چون نظم راه تاگردنه بید سرخ با ایشان است ، آمد این جمال ها را از گردنه بیدسرخ بگذراند بلکه تا همدان برساند .

بهرحال صبح جمعه نیم ساعت از آفتاب‌گذشته با هزار زحمت باروبنه را بار کردند و براه افتادیم . درسرگردنه بیدسرخ که خطرگاه است آقای ایلخانی را دیدم با سوار زیاد مشغول راه انداختن جمال ها بود . در همان سرگردنه شرحی در نظم راه و فقره جمال ها بحضرت والا شاهزاده فرمانفرما ایالت غرب نوشتم . با ایلخانی وداع کرده روانه شدیم . دستجات شتر (قریب ۵۰۰۰) صحرا را سیاه کرده بود . پنج ساعت بغروب مانده واردکنگاور شده از اینکه از محل خطر بسلامت عبورکردیم شکرخدا را بجا آوردیم . اینجا مذکور شد خوانین بختیاری و مجاهدین که چندی درکنگاور اقامت داشتند بسمت اسدآباد و همدان رفته‌اند از صحنه تاکنگاور پنج فرسخ است . درکنگاور در کاروانسرا منزل کردیم . جناب حاجی ساری اصلان حاکم کنگاور و مبشر همایون رئیس تلگراف و رئیس پست بدیدن آمدند .

تحصن عده‌ای از اعیان کرمانشاه درقونسولگری ها

شنبه ۱۶ شوال ۱۳۳۰ ـ بواسطه خستگی خودم و همراهان و ملاحظه حال مال های بنه امروز را درکنگاور لنگ کردم ناهار را جناب حاجی ساری اصلان دعوت نموده بودند رفته پس از صرف غذا دوساعت آنجا گذراندم . مذکور شد اغلب تجار و اعیان کرمانشاه بقونسولخانه ها متحصن شده‌اند . در منزل جناب ساری اصلان خبر دادند شاهزاده مظفرالسلطنه را که بختیاریها و رؤسای مجاهدین از کرمانشاه تحت‌الحفظ آورده به اسد آباد برده بودند دوهزاروپانصد تومان از ایشان گرفته مرخص‌نموده‌اند خیلی مسرور شدم‌که شخص نجیب بی‌تقصیری خلاص شده . از قرار مذکور در این چند روزه که مظفرالسلطنه در توقیف بختیاریها و مجاهدین بود خیلی سخت گذشته است .

تصادف با اردوی بختیاریها

یکشنبه ۱۷ شوال ـ یکساعت بطلوع آفتاب مانده بعون‌الله از کنگاور حرکت شد جناب ساری اصلان پنج نفرسوار تا دوفرسخی و از آنجا تا پل شکسته چهارسوار همراه نمودند . ازپل شکسته باین طرف سوارهای‌بختیاری‌که اردوی دولتی باشد نمودار شدند تقریباً هزارسواربابنه و توپ و قورخانه تصادف و عبور نمودند. جناب ضیاء السلطان پسر حضرت سردار اسعد و شاهزاده مظفرالسلطنه و دوسه نفر دیگر درکالسکه‌بودند عبوراً ملاقات مختصری شد. ساعت پنج بغروب خسته و مانده باسدآباد رسیدیم بمنزل کثیفی‌وارد شدیم. نزدیك‌غروب‌آقای‌انتصارالدوله حاکم‌اسدآباد دیدن‌آمدند بعد آقای سالارمکرم گوسفند و مرغ از جنت‌آباد فرستاده بودند با دونفر سوار تاهمدان همراه بیایند . ازکنگاور باسدآباد شش فرسخ سنگین است .

دوشنبه ۱۸ شوال ـ نیم ساعت بطلوع آفتاب مانده از اسدآباد حرکت شد.

در پائین گردنه بشتر های جمال ها تصادف کرده قدری معطل شدیم بعد سوارهائی که همراه بودند از راه دیگری راهنمائی نموده از قطار شترها جدا شدیم . تقریباً عبور ازگردنه اسدآباد دوساعت طول‌کشید. شش ساعت بغروب مانده بزاغه وارد و درقلعه‌آقای‌علیخان مبین‌السلطنه منزل‌کردیم. اما چه قلعه‌ای؟چند سال است خودشان طهران رفته‌اند خیلی خراب شده .

ورود بهمدان

سه‌شنبه ۱۹ شوال ۱۳۳۰ ـ بعد از طلوع آفتاب از زاغه روانه شده چهار ساعت از روز رفته سلامت وارد همدان شدیم . جناب عنایت الملك باتفاق آقای محمد حسن خان سرتیب اخوی تا بیرون شهر استقبال‌آمده بودند . متفقاً بمنزل جناب عنایت‌الملك

فرود آمدیم . اول جناب میرزا بزرگ خان بدیدن آمدند عصر جمعی از آقایان دوستان بدیدن تشریف آوردند . ازجمله :

آقای صفاء الدوله ـ آقای امام جمعه ـ آقای شریعتمدار ـ آقای میرزا ابوطالب خان ـ آقای ضیاء الاطباء ـ اختبارالسلطنه رئیس‌تلگراف ـ حاجی سیدمحمدعلی صدرالذاکرین-حاجی سیدعلی واخویشان وکیل‌الدوله‌آقای سعیدالممالك - غلامحسین‌خان سرهنگ‌پسرمرحوم‌ذوالریاستین ـ قوام‌الممالك ـ حاجی شیخ‌اسدالله - آقای بشارت‌الملك ـ فریدالسلطان ـ حاجی عبادالله خان سرهنگ ـ آقای شجاع السلطان - حاجی شیخ‌تقی و برادرشان حاجی‌علی‌اکبر ـ جناب مظفرالملك‌حکمران ـ جناب‌آقای مهدیخان امیرتومان شاهزاده مشکوة الملك ـ سه روز و سه شب در منزل جناب عنایت الملك توقف شد که خانه ما را میرزا مهدی خان منشی‌باشی‌تخلیه نماید . دراین‌ایام توقف‌آقای عنایت‌الملك منتهای زحمت را متحمل شده و از واردین پذیرائی نمودند .

جمعه ۲۲ شوال ـ دیروز خانه تخلیه شد و امروز عصر بخانه خودمان منتقل شدیم ولی خیلی تعمیرات لازم دارد خانه اجاره دادن جز خرابی ثمری ندارد[1] .

اخباریکه درخلال این چند روز ذکرشده بود بقرار زیر است :

جنگ یار محمد خان در کرمانشاه با اردوی دولتی و کشته شدن نامبرده

یکشنبه ۲۱ شوال ـ از قراریکه خبر رسید جنگی‌درکرمانشاه بین یارمحمد خان مجاهد و اردوی دولتی واقع و یار محمد خـان کشته شده است یعنی یار محمد خان حمله بشهر برده بعد از فتح شکست خورده وکشته شده‌است (بطوریکه‌بعداً شنیده شد درموقع حمله ازمیدان توپخانه بدیوان خانه حکومتی بوسیله تیری‌که از سنگر شلیك کرده‌اند بقتل رسیده)

سه شنبه ۲۶ شوال ـ مذکور شد مجاهدین که جلو حضرت والا سالار الدوله بطرف کردستان رفته بودند مراجعت بشهرکرده‌اند .

پنجشنبه ۲۸ شوال ـ درمنـزل آقای سید محمد طباطبائی اعلانی دیدم که راجع بکشته شدن یار محمد خان مجاهد در ۲۳ شوال درکرمانشاه و فتح‌اردوی دولتی و رشادت سنجابی ها در آن جنگ چاپ کرده‌اند.

شنبه سلخ شوال ـ درمنزل آقای عنایت‌الملك صحبت شد شاهزاده سالارالدوله

پدرم تا آخر ماه شوال بدید و بازدید دوستان و آشنایان مشغول بوده‌انـد که از ذکر تفصیل‌آن صرف نظر میشود فقط بعنوان یادآوری اسامی عده‌ای‌از دوستانشان در یادداشت ۱۹ شوال اکتفا شد.

بسرد رود وارد و از آنجا بطرف طهران یا زنجان رفته هنوز محقق نیست کدام طرف رفته است .

شنبه هفتم‌ذیقعده ۱۳۳۰ ـ چهار ساعت و بیست دقیقه بغروب مانده بعزم دیدن حضرت حاج امیرنظام به‌لتکاه‌رفتم ازهمدان تا لتکاه سه فرسنگ و نیم مسافت است . در بین راه با آقای محتاجعلی خان اجلال الممالك‌که بشورین بفاتحه‌خوانی میرفتند تصادف و از دیدارشان مسرور شدم . حین ورود حضرت امیر نظام روبوسی و اظهار ملاطفت فرموده شب را در لتکاه ماندم شاهزاده محمد ولی میرزا پسر حضرت والا فرمانفرما هم تشریف داشتند .

بیانات حاج امیر نظام راجع بجنگ شورجه

شب حضرت حاج امیر نظام از جنگ سولجـه (شورجه) با عبدالباقی خان‌که ازاعوان شاهزاده سالارالدوله بود بیان فرموده که شاهزاده فرمانفرما و حاج امیر نظام در آن جنگ بوده‌اند حقیقتاً درآن جنگ سخت خدا حافظ فرمانفرما و حاج امیرنظام بود (درهمان جنگ مسیو یفرم یا یپرم خان کشته شد) امیرنظام میفرمود در شب تاریك راه پرخطـر یك دقیقه از شاهزاده منفك نمیشدم تا اینکه به پرلوك ده شریف خان شجاع الملك خدا بنده لو رسیده راحت شدیم.

مراجعت بختیاریها از کرمانشاه

پنجشنبه ۱۲ ذیقعده ـ طرف صبح خبر دادند سوارهای بختیاری که مامورکرمانشاه بودند مراجعت‌کرده وارد همدان شدند و بهر خانه که خواستند وارد شده منزل نمودند . تا با صاحب خانه چطور سلوك نمایند[1] .

شنبه ۱٤ ذیقعده ۱۳۳۰ ـ عصـر بازدید آقـای افتخارالملك (پسر مرحـوم ذوالریاستین) رفتم در آنجا مذکور شد حاجی میرزا سیدکاظم خان مجاهد را در قلعه حکومت توقیف‌کردند درصورتیکه خوانین بختیاری آنجا مهمان بودند . ازقرار مذکور بحکم تلگرافی طهران توقیفش نموده به نظمیه سپرده‌اند . این تدبیر حکومت را مردم تمجید میکنند .

۱ـ سال گذشته پس از شکست سالارالدوله و ورود بختیاریها بهمدان در شورین خانه امیر افخم را که خانواده صد ساله و اثاثیه زیادی داشت تاراج و خراب کردند و امیر افخم با فرزندانشان آقایان احتشام الدوله و حسام الملك فراراً ازبیراهه و کرمانشاه بعتبات رفتند و پس از صدمات زیاد اخیراً بطوریکه در روزنامه قید شده مراجعت نمودند ـ نگارنده .

یکشنبه ۱۵ ذیقعده ـ عصر ببازدید جناب صدرالذاکرین رفتم .

سرگذشت مسعودی

کتابی دیدم بنام (سرگذشت مسعودی) که شاهزاده ظل‌السلطان سرگذشت خود را از بدو عمر ۱۲۶۶ الی ۱۳۲۳ نوشته و چاپ کرده است هیچ ندیده بودم .

سه‌شنبه ۲۴ ذیقعده - بواسطه درد پا و کمر بیرون نرفتم گیجی سر و ضعف قلب هم مزید برعلت شده است . دوائی کـه میرزا مهدیخان بدیع الملك فرستاده بود شروع باستعمال کردم .

عزیمت مجاهدین و بختیاریها از همدان

جمعه ۲۷ ذیقعده ـ عصرجناب‌آقای سعید الممالك تشریف‌آوردند. ازقرار مذکور سوار های بختیاری که رئیسشان آقای شهاب ـ السلطنه و ضیاء السلطان پسر حضـرت سردار اسعد بودنـد از همدان حرکت کردند و همچنین مجاهدین که رئیسشان‌مسیو گری- خان بوده رفتند و اهالـی همـدان از رفتن حضرات خندان و شادند . آقای مشیردیوان کردستانی را هم همراه بطهران بردند.

دیگ جوش

شنبه ۲۸ ذیقعده مطابق ۱۷عقرب (آبان) و۹ اکتبرفرنگی۱۹۱۲ صبح‌از میرزا بزرگ خان رقعه دعوت رسید بخانه حاجی‌درویشی حسین پسرمرحوم درویش غلامحسین بدیگ جوش درویش رفتم. جمعی موعود بودند از همه طبقات از آقایان و اعیان و دراویش و غیره ولی اطاق هر طبقه علیحده بود . آقای عزیزخان پسرقونسول انگلیس‌هم (مسترمکدوال‌که از کرمانشاه آمده) با حاجی سید علی وکیل الدوله آمده بود . جناب آقای امام جمعه تشریف آورده باطاق آقایان رفتند . آقای معین السلطنه رئیس کابینه حکومتی و مجیرالملك هم آمدند. دراویش چند نفر مدح خواندند در آخر خود درویش حسین که مباشر دیگ جوش بود مدح مطلوبی خواند . اسامی سرسلسله دراویش را اسم برد و دعا کرد باینطور که قبل از ذکر اسم نو ظهور . . . . . میگفت تا دعا ختم شد .

دیگ جوش هم عبارت از آبگوشت و ماست و پنیر و دوغ و خربزه و ترشی و نان بود .

در بین راه مسترهاکس کشیش امریکائی را بادکتر فانك عبوراً دیدم تعارف بجا آوردم . ازقراریکه درمحل دیگ جوش بیان شد دیشب سه ساعت ازشب گذشته میرزا سیدکاظم خان مجاهد راکه بطهران میبرده‌اند دربین‌راه‌کشته شده و جنازه‌اش را آورده‌اند همدان دفن کرده‌اند .

شنبه ٦ ذیحجه ۱۳۳۰ مطابق ۲۵ عقرب (آذر) ۱۷ اکتبر ۱۹۱۲ - شب را جناب آقای عنایت‌الملك (معاون حکومت) مهمانی مرکب از ایرانی و فرنگی داشت فرزندی هاشم خان را فرستاده بودند که ترتیبات مهمانی را بدهد .

از مهمانها حضرت مظفرالملك حکمران، منصورالدوله و مسیو حبیب مدیر مدرسه آلیانس بودند.

چهارشنبه دهم ذیحجه - جناب آقای عنایت‌الملك معاون حکومت (داماد خانم والده فرزندی مسعود) فرستاده دعوتم کرده بودند که جنابان میرزا محمد علی خان رئیس مالیه همدان (مشهور بکلوب و بعد فرزین) و آقای مخبر همایون مفتش مالیه هم اینجا تشریف دارند شما هم تشریف بیاورید باهم غذا صرف‌کنیم رفتم ساعتی باهم نشسته صحبت‌های متفرقه شد تا بعد از ظهرآقای احتشام‌السلطان رئیس نظمیه هم تشریف‌آورد.

دوشنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۳۰ - دیروز بمجلس عقد صبیه آقای معین السلطنه رئیس کابینه حکومتی برای آقای حسن آقا پسر مرحوم منتصرالملك دعوت داشتم مجلس عقد مفصلی بود حضرت مظفرالملك حکمران هم بودند .

جناب آقای اجلال الممالك دومین پسر حضرت حاج امیر نظام باین منزل خودشان تشریف‌آورده ناهار روز و شام شب را باجمعی اینجا صرف نمودند. جناب‌آقای عنایت‌الملك هم تشریف داشته بیشتر پذیرائیشان دربیرونی بعهده فرزندی هاشم‌خان‌بود.

شب چهارشنبه هم ضیافت مشابهی درمنزل جناب آقای عنایت‌الملك بود حقیر ساعت سه و نیم بمنزل مراجعت کردم . منصور دیوان که در علم موسیقی صاحب هنر است درخدمت آقای مظفرالملك آمد. شاهزاده عبدالحسین میرزا پسر مرحوم شیخ حسن میرزا و آقای فریدالسلطان و جمعی دیگر هم بودند .

مهمانی حسام الملك در شورین

چهارشنبه ۱۵ محرم الحرام ۱۳۳۱ - ناهار را در شورین مهمان جناب آقای حسام الملك بودم . جناب مظفرالملك حکمران با جمعی دیگر از قبیل شاهزاده اختبار السلطنه رئیس تلگراف آقای میرزا محمد علی خان (کلوب) رئیس مالیه ، آقای معتمدالوزرا مفتش مالیه ، آقای‌عنایت‌الملك معاون حکومت‌آقای مؤیدالممالك آقایان منصورالدوله و معین‌السلطنه رئیس نظمیه پست و غیره بودند .

ناهار کلانی تهیه دیده بودند . دراین بین سلطان‌الشعرا وارد شد برای هریك از حضار دو سه شعر بالبدیهه گفت . حضرت حکمران دائره‌کشیدند هرنفر دو سه تومان و چهارتومان و خودشان ده تومان (متجاوز ازپنجاه‌تومان‌پول نقد) برای سلطان الشعرا جمع و تسلیم شد .

در روز پنجشنبه ۱۶ این مهمانی در منزل آقای مسعود الملك پیشکار آقای امیر افخم تجدید شد و اشخاص دیگری‌ازقبیل‌آقایان مکرم‌الملك ، بدیع‌الممالك ، تکران خان پسر اعزازالسلطان طاطاوس خان ، حاجی وکیل‌الرعایا حاجی حسین آقا تاجر اضافه شدند . درضمن عمل اجاره املاك حضرت امیرافخم با طاطاوس خان فسخ شد .

در دنباله این دو ضیافت مهمانی دوره در منزل میرزا رضا خان (جمعه ۱۷) منزل آقای عبدالعلی خان منصورالدوله (شنبه ۱۸) در دارالحکومه (دوشنبه ۲۰) محمد خان میر پنج پیشکار آقای بهاء الملك (جمعه ۲٤) ادامه یافته است . جای افسوس است که درهمچو مجامع محترم هیچ یك کلمه از امور زندگی مملکت و ترقی آن زده نمیشود و درمهمانی ها رقابت بخرج میدهند . روز جمعه ۱۷ در منـزل میرزا رضا خان یك مسئله عنوان شد و آن ساختن یك مهمانخانه درباغ عنایت‌الملك بود که ده هزار تومان مصارف آن تخمین شد و بصد سهم قسمت نمودند و اسامی صاحبان سهام هم نوشته شد (ولی بعداً سرنگرفت)

یکشنبه ۱۹ محرم ۱۳۳۱ ـ ناهار درمنزل‌آقای‌آقا فضل‌الله شریعتمدار که نسبت خویشی دارند موعود بودم با سرکار محمد حسن خان اخوی رفتم . حاجی درویش که آدم نطاق و زیرکی است و برای مردم وکالت میکند درآنجا ملاقات شد . خیلی باآقای شریعتمدار از فقر و فاقه ضعفا صحبت‌کرده حقوقی برای رعایت حال آنها بیان شد اگر انشاء الله متمولین اقدام بکنند .

شنبه ۲۵ محرم ـ امروزدرمنزل جناب شریعت‌مآب آقای‌حاج‌آقائی با اهل‌بیت بصرف ناهار موعود بودیم . حضرات دراندرون و حقیر دربیرون نشستیم . جناب حاج شیخ اسدالله هم بودند . فرستادیم فرزندی مسعود با یوسف خان پسرآقای عنایت‌الملك آمدند با مهـدی پسرکوچك آقای حاج آقائی و آقا تقی پسر حاج شیخ اسدالله تقریباً هم سن بودند . قدری باهم فرانسه حرف زدند . (بمدرسه آلیانس میروند)

جمعه دوم صفرالمظفر ۱۳۳۱ ـ عصر بخانه آقای حاج شیخ تقی پسر مرحوم حاجی عبدالباقی رفتم دیدم جمعی از آقایان از قبیل جناب آقای شریعتمدار کبابیانی آقای حاج حسین قاضی و حاجی‌شیخ اسدالله و حاجی وکیل‌الرعایا و حاج محمد شفیع و جناب سعیدالممالك هستند . درخصوص ترتیب دادن اعانه بفقرا مذاکره مینمایند. هرکدام یك رأی دادند ولی درعلنی‌دادن اعانه بفقرا ، ازلباس و خوراك و وجه نقد همه متفق‌الرأی شدند . تشخیص فقرا را هم درهر محله شخص محترم و معتمدی معین نمودند.

یکشنبه ۱۱ صفر ـ واقعه تازه جز خبر تسلیم شدن شاهزاده سالارالدوله

اصلاح با سالارالدوله

نبود . شهرت دارد با دولتیان اصلاح کرده‌اند که دیگر از جنگ و جدال و خونریزی دست بکشند .

دوشنبه ۱۲ صفر ـ آقای سلطان المداحین یا لسان‌الملة (پسر آقا سید اکبرشاه) کرمانشاهی وارد شد چندی بود ندیده بودم . از مسافرت خود در خدمت جناب شیخ الرئیس برشت و قزوین و اسلامبول تعریف کرد و از جنگ عثمانی بابلغار و صرب و یونان و رومانیا و آوردن سلطان عبدالحمید مخلوع از سالونیك باسلامبول بیان نمود .

تغییر کابینه

خبر تغییر کابینه وزراء درتهران تلگرافاً رسیدکه برحسب تلگراف، والا حضرت نایب السلطنه اینطور تغییر داده‌اند . علاء السلطنه رئیس الوزراء ، عین‌الدوله وزیرداخله، وثوق‌الدوله وزیرخارجه قوام السلطنه وزیر مالیه ، ممتازالدوله وزیر عدلیه ، مشیرالدوله وزیر معارف و اوقاف مستوفی الممالك وزیر جنگ ، مؤتمن‌الملك وزیر تجارت ، مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف .

قیمت گندم

شنبه ۱۷ صفر ـ برای یومیه منزل گندم از آقای فریدالسلطان همسایه از قرار خرواری ۲۷ تومان خریدم . نان یك من دو قران و یکعباسی است .

جمعه ۲۳ صفر ـ صبح باتفاق آقای میرزا بزرگ خان بدیدن شاهزاده محمد‌رحیم‌میرزا اعظم‌السلطنه ازاجزاء بانك استقراضی و نایب قونسول روس رفتیم . شاهزاده از اولاد مرحوم بهمن میرزا است .

پنجشنبه ۲۹ صفر ۱۳۳۱ ـ عصر بنابودمسترهاکس کشیش امریکائی (که سابقه‌قدیمی بااودارم) بادکتر فانك بیایند، دکترفانك آمد ولی مسترهاکس نیامد. بادکترصحبت‌های خوب ازهمه قبیل‌شد . دکتر گفت مسترشوستر که‌مستشارمالیه ایران شد و دولتین روس‌وانگلیس بملاحظه نگرانند بماند و برخلاف میل دولتین حرکت میکرد و رفت کتابی در خصوص ایران نوشته اسمش را « اختناق ایران » گذاشته است .

دکتر فانك آلبوم عکس های دوستان و معروفین را که جمع کرده بودم تماشا کرد . ازجمله عکس عالم فاضل پروفسور برون انگلیسی بود که محض یادگار درشهر کمبریج سال ۱۹۰۰ مسیحی بحقیرداده و بخط فارسی زیرآن نوشته است.

پنجشنبه ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ـ مذکورشد امرور دربانك استقراضی و آژانس قونسول روس بواسطه اسم گذاری اعلیحضرت امپراطوری روس در منزل خود جشن و

پذیرائی داشتند و مأمورین دولتی و اعیان و ارکان شهر و تجار برای تبریك رفته‌اند ازقراریکه شاهزاده اختبارالسلطنه رئیس تلگراف فرمود این جشن قرن سوم سلطنت فامیل اعلیحضرت امپراطور حالیه روسیه بوده است .

مأموریت کارگذاری همدان

دوشنبه غره ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ (مطابق ۲۰ حوت و دهم مارس ۱۹۱۳) - پاکتی ازحکومت بانضمام سواد تلگراف که‌کارگذاری همدان بشما تفویض شده تبریك میگویم که بموجب تلگراف وزارت جلیله داخله مهر و نوشتجات‌کارگذاری را که موقتاً بشما تحویل داده شده بود تفویض کارگذار کنید . ۲۰ حوت ۱۳۳۱

سواد تلگراف : حکومت همدان، آقای میرزا محمد علی خان فریدالملك کارگذار سابق کرمانشاهان ازطرف وزارت امور خارجه بسمت کارگذاری همدان انتخاب شده‌اند اینك برای اطلاع شما مینویسم که مهر و نوشتجات کارگذاری راکه موقتاً بشما تحویل داده شده بود بمشارالیه تفویض نموده و درپیشرفت امورکارگذاری کمال تقویت و مساعدت را مرعی‌دارید ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ (کابینه‌حکومت‌همدان معین‌السلطنه) مهذب‌الممالك منشی باشی حکومت ازطرف حضرت مظفرالملك حکمران‌آمد پیغام تبریك را تبلیغ‌نمود.

پنجشنبه ٤ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ - قبل از ظهر حضرت مظفرالملك حکمران و شاهزاده اختبارالسلطنه رئیس تلگراف و آقای مؤید الممالك و آقای عنایت‌الملك معاون حکومت بدیدن و تبریك تشریف آوردند .

جمعه ۵ ربیع‌الثانی - بواسطه‌کسالت طبق دستور دکترفانك عمل‌کردم . جمعی برای تبریك آمدند .

یکشنبه ۷ ربیع‌الثانی - حالم بهتر شده‌گیجی سروسستی پا تخفیف یافته - صبح بیرونی آمده بعضی ازآقایان بدیدن و تبریك تشریف آوردند . ازجمله آقای بدیع‌الممالك و آقای میرزا محمد علی خان مشهور به آقا زاده تعرفه آوردندکه حقیرتصدیق بنویسم و نایب اول کارگذاری همدان هم از قراریکه مذکور داشت ایشان را قرار داده‌اند.

سه‌شنبه ۹ ربیع‌الثانی - قبل از ظهر مسیوآلفون نایب مدرسه آلیانس با میرزا منحم بدیدن و تبریك آمدند . پس از تعارفات در خصوص مشاجره میرزا حیم که یك وقتی شاگرد مدرسه آلیانس و با توپچی ها گفتگو داشت مذاکره نمودند . مسیوآلفون جوان و عجول است گفتم دوستانه اصلاح میشود .

چهارشنبه ۱۰ ربیع‌الثانی‌مطابق ۲۹ حوت- قراراست فردا مجلسی‌درکارگذاری تشکیل شود. برای‌گفتگوی‌نایب‌مدرسه آلیانس با صاحبمنصبان توپچی درباب میرزاحیم که یك وقت شاگرد مدرسهٔ آلیانس بود.

درمعنی گفتگو میان مدرسه آلیانس و مدرسه تأیید است که هردو یهودی هستند منتها درمدرسه تأیید اطفال یهودیهائی هستندکه نسبت طایفه بهائی بآنها میدهند . طایفه کلیمی با این طایفه مخالف و ضدند .

جمعه ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ - اول حمل و روزعید ملی ایرانیان است شاهزاده اختبارالسلطنه رئیس تلگراف قبل ازتحویل شمس ببرج حمل تشریف‌آوردند باتفاق برای دیدن بعضی از آقایان رفتیم آقای عنایت‌الملك معاون حکومت هم ملحق شدند .

افتتاح اداره معارف

عصر درحکومت موعود بودیم. روزجشن افتتاح معارف و دیدن شاگردان مدارس بود شاگرد های چند مدرسه آمدند مشق کردند. از اعیان شهر و مأمورین خارجه نیز بودند . حضرت حکمران مظفرالملك ترتیبات صحیح داده بودند . اغلب شاگردان مدرسه با لباس یك جور بودند از جمله شاگردان مدرسه آلیانس و مدرسه تأیید .

جشن استر و مردخای

یکشنبه ۱٤ ربیع‌الثانی ـ قبل ازظهرجمعی ازآقایان تشریف آورده تبریك گفتند. قبل ازظهرآقای عنایت‌الملك و بعدآقای‌مظفرالملك حکمران تشریف آوردند برحب دعوت باتفاق جماعت کلیمی بمسجد بزرگشان که جشن مذهبی برپاکرده بودند رفتیم . جشن استر و مردخای و هامان‌کشان‌بود . از علماء و اعیان‌شهر هم‌دعوت‌کرده خوب آئین‌بسته بودند . دو سه نفر نطقی کردند دکتر داود و میرزا منحم تفصیل واقعه را گفتند .

سه‌شنبه ۱٦ ربیع‌الثانی- دیروزجناب سعیدبیك‌شهبندر باتوفیق بیك‌کاتب‌عثمانی هایقاز افندی تاجر باشی و معتمد دیوان منشی‌باشی فارسی بدیدن آمدند . بعد چند نفر آمدند . امروز قبل ازظهرچندجا بازدید رفتم . عصرآقایان صفاء الدوله ، صدیق‌الاشراف جناب حاجی میرزا حسن مجتهد ، حضرت والا مشکوة الملك ، مسیو حبیب مدیر سابق مدرسه آلیانس باچند نفر فرنگی و مستر ادوارد رئیس قالی بافی آمدند .

تنبیه توپچی‌ها که بشاگرد مدرسه بی احترامی نموده بودند

پنجشنبه ۱۸ ربیع‌الثانی - عصرراجع بگفتگوی نایب‌رئیس مدرسه آلیانس با مدیر مدرسه تأیید و توپچی ها بدارالحکومه رفتم . مسیو حبیب و مسیوآلفون نایب مدیرهم حاضر شدند. توپچی‌ها که بشاگرد مدرسه‌بی‌احترامی‌نموده بودند حکومت امر فرمودند حضوراً به سه پایه بستند چند تازیانه زدند و بعد بخشیدند . وکیل‌الدوله وکیل قونسولگری انگلیس‌هم حضورداشت. ترضیه خاطرمسیوآلفون بعمل‌آمد قرارشد بسفارت فرانسه بطهران تلگراف‌کنند وآقای‌حکمران

هم بوزارت داخله و خارجه تلگراف نمایند .

شنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ - بازمعتکف اندرون و حال‌نقاهت باقی‌است. صبح جناب آقای میرزا محمد خان رئیس مالیه بعیادت تشریف آوردند نیم ساعتی نشسته باداره رفتندحقیر هم مشغول تحریرپست تهران شدم . دربیکاری هم‌بمرور روزنامه های یومیه خودم ازسنه ۱۳۱۲ الی ۲۱ مشغول و ازعمرگذشته عبرت میبردم وگاهی‌دیوان حکیم عمر خیام را میخواندم . ازجمله این رباعی است :

خواهی که تو را رتبت اسرار رسد — مپسند که کس را ز تو آزار رسد
ازمرگ میندیش و غم رزق مخور — کین هردو بوقت خویش ناچار رسد

دوشنبه ۲۹ ربیع‌الثانی - امروز بحمدالله حالم بهتر است ولی برفتن بدعوت مسیو آلفن نایب رئیس مدرسه آلیانس مقتضی نشد و نرفتم . نزدیك غروب چند نفر بعیادت آمدند .

گرانی ارزاق و پریشانی مردم

عصر روز سه‌شنبه آقای مؤیدالممالك تشریف آوردند از گرانی نان و ارزاق و سختی وضع و پریشانی مردم صحبت کرده تأسف میخوردیم مگرخداوند تفضل و ترحم فرماید[1] .

مدرسه آلیانس

چهارشنبه غره جمادی‌الاول ۱۳۳۱ - عصربرحسب قرار باتفاق آقای عنایت‌الملك ببازدید مسیوآلفن نایب رئیس مدرسه آلیانس رفتم از مدرسه بازدید کردیم واقعاً مدرسه عالی بطرز فرنگ ساخته‌اند در همدان ممتاز است از قرار مشهور پسران و دختران کلیمی خوب تحصیل میکنند . گرچه مدرسه آمریکائی ها هم بد نیست خصوصاً درعلم طب چند نفر را در همدان خوب ترقی داده‌اند .

جمعه سوم جمادی‌الاول - درمنزل آقای مکرم‌الملك مذکور شد حضرت حاج امیرنظام بشهر و دارالحکومه وارد شده‌اند . خدمت ایشان رسیده مصافحه عید نوروز بعمل آمد . عصربرحسب قرارداد و دعوت حضرت حاج امیرنظام درباب عمل نان شهر بدارالحکومه رفتم که مجلسی از آقایان و اعیان شهر تشکیل داده بودند . جمعیت از همه طبقات زیاد بود. حضرت حاج‌امیرنظام نطق مفصلی فرموده بعد راجع به تصمیمات از حضار رأی گرفتند .

۱- قسمت عمده مطالب روز نامه یومیه پدرم مربوط بامور کارگذاری و دعاوی مردم است یادید و باز دید های مکرر که‌از ذکر آنها صرف نظر نموده و فقط مطالب جالب یا بمنظور معرفی اشخاص در مجالس یا ضیافت ها ذکری بعمل میاید

چهارشنبه ۸ جمادی‌الاول - قبل ازظهر بعیادت آقای سعیدالممالك و از آنجا خدمت آقای مظفرالملك حکمران رسیدم . فرمود دیشب مسیو دوفوسا[1] فرانسوی رئیس‌حفریات ایران‌بدارالحکومه وارد شد . اگرمیل دارید باتفاق‌بدیدن سعید بیك شهبندربرویم. باتفاق رفتیم شهبندر را دیدن‌کردیم. شهبندر پسر شش‌هفت ساله شیرینی داشت باسم منیربیك بود .

پروفسور دوفوسا رئیس حفریات همدان

یکشنبه ۱۹ جمادی‌الاول ۷ ثور - عصرباتفاق آقای مظفرالملك حکمران برای تبریك بشهبندری عثمانی رفتیم . گندم رو بارزانی است خرواری سی تومان بلکه بیشتر رسیده بود حالا گندم دارها دلشان خون است که‌چرا گندم را درسی‌وچهل‌تومان نفروختند

قرارداد حفریات

جمعه ۲٤ جمادی‌الاول ۱۳۳۱ - عصرپروفسوردوفوسافرانسوی رئیس حفریات با آقای دکتر اسمعیل خان که از طهران آمده‌اند بدیدن تشریف آوردند ساعتی نشستند قدری صحبت از قرار داد حفریات شد و قرارداد را آقای دکتراسمعیل‌خان بحقیر نشان داد که آنچه از حفریات بیرون بیاید شش قسمت بشود نصفش‌مال پروفسور دوفوسا و از سه قسمت باقی مانده دوقسمت مال صاحب زمین و یك قسمت مال دولت‌باشد . مخارج هم با مسیودوفوسا است[1] .

یکشنبه ۲٦ جمادی‌الاول - عصر با فرزندی هاشم خان بمنزل هیلدبراند (رئیس شرکت فرش) ببازدید مسیو دوفوسا رفتیم . دکتر اسمعیل خان هم با میرزا تقی خان (رئیس معارف‌کرمانشاه) آمدند. باپروفسوردوفوسا مدتی‌بانگلیسی ازوضع ایران صحبت شد . حفریات از تپه های قرخلر (اولو تپه) و عربلو را (ملکی پدرم و خویشان) بموجب قرارداد علیحده این حقیر وکالتاً واگذار بمسیو دوفوسا رئیس حفریات نمودم با اطلاع دکتر اسمعیل خان مأمور دولت ایران و حکومت جلیله کار بکند تا چه بیرون بیاید . (آنچه بخاطر دارم دراین زمینه عملی انجام نشد - نگارنده[2])

1- Du Foussat

۲- (بطوریکه نگارنده این سطور در خاطر دارم هیئت فرانسوی حفریات دامنه داری در نقاط مختلف همدان مخصوصاً سرقلعه و تپه سنگ شیر و تپه مصلی بعمل آوردند . میگفتند آثار قابل توجهی بدست آوردند از جمله لوح طلا که ظاهراً مربوط به بنای قلعه و درموزه ایران باستان است و بعضی ته ستونهای سنگی . در آن زمان مشهور بود که برای حفاری کامل همدان که محل اکباتان قدیم است بدولت پیشنهاد کرده بودند تمام شهررا حفاری نمایند و بجای‌شهرفعلی شهر تازه‌ای درشمال شهربسازند و دولت قبول نکرده بود.

جمعه ۲ جمادی‌الاخرهٔ ۱۳۳۱ - ۱۹ ثور (اردیبهشت) - برحب دعوت‌حضرت حکمران با فرزندی هاشم خان بعمارت باغ بیرون شهر آقای حاج محمد نراقی تاجر رفتم . جمعی ازمحترمین بودند . ازجمله آقایان حسام الملك ، عنایت الملك ، اختیار - السلطنه رئیس‌تلگراف ، منصورالدوله ، آقای اسمعیل‌خان ، مؤیدالممالك، بدیع‌الممالك.

دوشنبه ۵ جمادی الاخرهٔ ۱۳۳۱ - آقای حسام الملك درشورین بصرف ناهار دعوت‌کرده بودند آقای مظفرالملك حکمران و جمعی دیگرتشریف داشتنند . عصرمسیو دوفوسا رئیس حفریات با یك نفر فرنگی کـه رفیقش بود آمـد و بقصر قجر رفتند ظاهراً میخواهندآنجا منزل‌کنند . تلگرافی توسط کارگذاری بحکومت رسیدکه مستر مك مری رئیس شعبه بانك شاهنشاهی را سفارت انگلیس بسمت ویس قونسول موقتی در همدان معرفی کرد .

یکشنبه ۱۱ جمادی الثانیه - شاهزاده اعظم‌السلطنه نماینده آژانس قونسولگری روس برای رسیدگی بامور مربوط باتباع روس آمدند . دراین بین گفتند مسیو حبیب و مسیوآلفن مدیر ونایب رئیس مدرسه آلیانس میخواهند شاهزاده را ملاقات کنند چون اطاق بالا جمعیت زیاد بود درپائین منتظر شاهزاده هستند . شاهزاده حضرات را ملاقات نموده برگشت گفتند مسیو لدز آلمانی‌دوا فروش که چند سال درهمدان کسب میکرد و صاحب مکنت شده بود بمرض حصبه فوت شده چون فرنگی است خواهش میکنند محل مخصوصی معین شودکه مسیو لدز را دفن‌کنند و من بعد هم هر فرنگی درهمدان بمیرد درآن محل دفن شود . شاهزاده خواهش آنها را پذیرفته بود .

پنجشنبه ۱۵ جمادی الثانیه - نزدیك غروب بتلگرافخانه رفتم یك صاحبمنصب ژاندارم آمد معلوم شد با رئیس ژاندارمری و مخبرالسلطنه حکمران فارس بشیراز رفته بودازشیراز ببوشهر و از بوشهر بعتبات مشرف شده ازکرمانشاه بهمدان‌آمده بطهران خواهد رفت‌از قراریکه کاپیتان میگفت طرف فارس منظم بود . رسماً تلگراف مخابره نموده‌اند که آقای دبیر افخم بمعاونت حکومت همدان مأمور شده است .

پنجشنبه ۲۲ جمادی الثانیه ۱۳۳۱ - تلگرافی ازتهران از آقای مشاورالممالك معاون وزارت خارجه رسید که جناب وزیر (وثوق الدوله) موقتاً برای معالجه باروپا تشریف بردند درغیاب ایشان کفالت وزارت امور خارجه را میکنم .

جشن در قونسولخانهٔ انگلیس

سه‌شنبه ۲۷ جمادی الثانیه - قبل از ظهر آقای دبیر افخم معاون حکومت ببازدید بکارگذاری تشریف آورد . عصر برای تبریك روزتولد اعلیحضرت پادشاه‌انگلیس و امپراطورهندوستان برحسب دعوت بقونسولخانه انگلیس واقع در منزل مسترمك مری مدیر

بانگ شاهنشاهی و ویس قونسول انگلیس رفتم ازشام که موعود بودم معذرت خواستم. مسترمك مری شخص خوش محاوره‌ای است سه سال‌است درهمدان و سیزده سال است بایران آمده فارسی خوب حرف میزند .

یکشنبه سوم رجب ۱۳۳۱ ـ قبل از ظهر شاهزاده اعظم‌السلطنه با چند نفراز اتباع روس (یعنی اتباع ایران که‌خود را درحمایت‌دولت‌روس داخل‌کرده‌اند) بکارگذاری آمدند . مذاکرات تا قریب ظهر طول کشید .

سه‌شنبه ۱۹ رجب ۱۳۳۱ ـ این اوقات حرکات طی‌الارضی شاهزاده سالار ـ الدوله مشهور است. ظاهراً خیال‌کردستان دارد . فعلا درگلباغی (بین‌کردستان‌وگروس) میان ایل گلباغی است تا بعد چه پیش آید . ازطهران عده‌ای سوار قزاق و غیره مأمور تعاقب شاهزاده سالاالدوله شده‌اند .

جمعه ۲۲ رجب ـ چهارصد سوارقزاق سواره و پیاده وارد و درخارج ازشهر اردو زدند که با حضرت والا ظفرالسلطنه حکمران کردستان بکردستان بروند . آقای مظفرالملك حکمران و ازطرف قونسولگری روس تاکانتور باستقبال صاحبمنصبان قزاق رفته بودند . (عده‌ای از صاحبمنصبان روس بوده‌اند)

یکشنبه ۸ شعبان ۱۳۳۱ ـ امروز عصر دو نفر مادموازل (دختر خانم های معلمه درمدرسه آلیانس) آمده‌اندرون رفتند . ازقراریکه‌بخانم والده فرزندی مسعودگفته بودند مسعود خوب امتحان داده و میدهد .

دوشنبه ۹ شعبان ـ دوساعت بغروب مانده باتفاق‌آقای میرزا بزرگ خان سواره بسنگستان دیدن جناب‌آقای عنایت‌السلطنه‌که تازه ازطهران وارد شده و مأمورکردستانند رفتیم . پنجسال بود ایشان را ندیده بودم و از دیدارشان قلباً مسرور شدم شب را هم در سنگستان ماندیم. دراین مدت پنج سال آقای عنایت‌السلطنه سه مرتبه باروپا مسافرت نموده اغلب ممالك فرنگ را سیر و سیاحت نموده‌اند . صبح روز بعد ازسنگستان بقصر قجر رفتیم پروفسور دوفوسافرانسوی رئیس حفریات ودکتر اسمعیل خان را دیدن‌کردیم . از آنجا بشورین رفتیم و فرستادیم ازسرکار علیه منیرالدوله (خانم حضرت امیرافخم) احوالپرسی کردند . آژانس قونسول روس درعمارت نظامیه باغ شورین منزل‌کرده است صرف شربت کرده روانه شدیم .

عروسی پسر منتصرالملك

جمعه ۱۳ شعبان ـ بی‌مقدمه بباغ آقای عنایت‌الملك رفتم که جمعه و روز تعطیل‌را درآنجابگذرانم‌آقای معززالسلطان‌کردستانی را ملاقات کردم .

عصر ازشهر کاغذرسید که شاهزاده عبدالجواد میرزا بشیرالسلطان معاون حکومت کردستان ازطهران بمنزل حقیر وارد شده‌اند باهزاران شوق سوارشده بشهرآمدم خدمتشان رسیدم و خیلی مشعوف شدم . زیرا چند سال بود ازحالشان بی‌خبربودم دیدار ومصافحه با شاهزاده روحم را تازه کرد . نزدیك غروب بسنگستان تشریف بردند . شب برحسب دعوت بعروسی آقای حسن آقا پسرمرحوم منتصرالملك باصبیه آقای معین السلطنه رفتم جمعی ازجمله حضرت امیر افخم و آقای مظفرالملك حکمران دبیرافخم معاون حکومت، شاهزاده اعظم‌السلطنه و حاجی بشارت‌الملك تشریف داشتند .

مدرسه نصرت

چهارشنبه ۱۸ شعبان ۱۳۳۱ ـ قبل‌ازظهر مسیودوفوسارئیس‌حفریات همدان با مهمانش کنت آمدند . چون بشهبندرخانه موعود بودم موضوع را بمسیو دوفوساگفتم ایشان گفتند ما هم میآئیم. باتفاق رفتیم جناب‌سعید بیك و توفیق بیك پذیرائی کردند . بعد حضرت‌آقای‌مظفرالملك حکمران و عده‌ای دیگر آمدند . مدیر مدرسه نصرت هم شاگردهای مدرسه را با لباس یك جور و منظم آورد خطابه‌ای مبنی بر تبریك و تهنیت روز اعلان مشروطیت دولت عثمانی‌قرائت کرد خطابه هم عربی بود و هم فرانسه .

جشن فارغ‌التحصیلی شاگردان مدرسه آلیانس

جمعه ۲۰ شعبان ـ قبل ازظهر بجشن فارغ‌التحصیلی مدرسه‌آلیانس دعوت داشتم رفتم جمعی از اکابر و اعیان شهر و خارجی ها حضور داشتند . حضرت امیر افخم و آقای مظفرالملك حکمران و از آقایان علما جناب آقای شریعتمدار و غیره تشریف داشتند . ازشاگرد های کلاس اول شش نفر پسر و سه نفر دختر آمده به فرانسه و فارسی نطق‌کردند . آقای سعید بیك شهبندر عثمانی هم بمناسبت اینکه دختر و پسرشان در این مدرسه درس میخوانند با توفیق بیك آمده بود.

از مدرسه برحسب دعوت بمنزل آقای حاجی حسین حاجی ملا رسول بعروسی پسرش رفتم حضرت امیر افخم و حکمران وعده‌ای‌بودند . بساط عروسی موجود و برسم قدیم مطرب و رقاص هم بود که حالا متروك شده است .

شکایت اهالی از مظفرالملك

سه‌شنبه ۲٤ شعبان ـ ازقرارمذکور آقایان شهراجماعاً ازحکومت حالیه (آقای مظفرالملك) بطهران شکایت کرده‌اند تانتیجه چه‌شود.

چهارشنبه ۲۵ شعبان ـ بمناسبت‌ولادت اعلیحضرت‌سلطان احمدشاه در دارالحکومه جشنی منعقد بود رفتم و به آقای مظفرالملك تبریك گفتم .

طرف عصر خبر رسید که حکمران را حضرت والا فرمانفرما بکرمانشاه احضار فرموده‌اند .

دوشنبه ۱۵ رمضان ۱۳۳۱ - سه ساعت ازشب گذشته بتلگرافخانه رفتم دیدم شاهزاده‌اختبارالسلطنه باجمعی از قبیل‌اعظم‌السلطنه، حاجی محمد نراقی و برهان‌المتکلمین مشغول صحبت هستند . موضوع‌صحبت بیشتر راجع به‌آقای مظفرالملك حاکم مخلوع بود.

تعیین سالار لشکر بسمت حکومت همدان

بعد تلگرافی از وزارت داخله خوانده شد مبنی‌برحکمرانی‌حضرت والا شاهزاده عباس میرزا (سالار لشکر) فرزند حضرت فرمانفرما والی ایالت غرب‌که عنقریب ازتبریزعازم همدان خواهند بود.

پنجشنبه ۱۸ رمضان - اول شب فرزندی هاشم خان با مسعود برادرش همراه اسد خان همشیره زاده و خانعلی خان محض تغییر آب وهوا بقرخلررفتندکه چند روز مانده مراجعت‌کنند [۱] .

تلف شدن عده‌ای‌که برای گرفتن اعانه آمده بودند

یکشنبه ۲۱ رمضان ۱۳۳۱ (اول سنبله) - ازقرار مذکور آقای حاج محمد نراقی تاجر معروف خواسته بود روز ۲۱ رمضان کار ثوابی بکند بجمعی از فقرا نفر به نفر گوشت و نانی بدهدکه اطعام مساکین‌کرده باشد فقرا خبردارمیشوند جمعیت فقرا هزارها بکاروانسرای‌گلشن جمع میشوند ازقضا فقرا درگرفتن‌قبض‌گوشت و نان هجوم‌آورده میخواسته‌اند ازدروازه‌بیرون بیایند عده‌ای زن

۱- قرخلر که مرحوم پدرم ذکر کرده‌اند یکی از دهاتی بود که از مرحوم عبدالحسین خان جد اعلی بارث رسیده بود و ما در آن سهیم بودیم . درآن ده قلعه‌ای روی بلندی واقع و در اطراف آن خانه هائی وجود داشت که بنی اعمام و خویشان در آنها سکنا داشتند . (بعداً بموقع ذکر خواهم کرد که این عمارات را در جنك بین‌الملل اول روسها غارت و خراب کردند) . بااینکه شصت سال از آن تاریخ گذشته خاطرهٔ‌آن شب را که از همدان با اسب عازم قرخلر شدیم کاملا درنظر دارم . درآن تاریخ سیزده ساله بودم و اسب سواری در شب مهتاب خیلی بمن لذت داد . در آن چند روز که در قرخلر بودیم خیلی خوش گذشت و مهمان بنی اعمام بودیم . یك نفر از خویشان هم بنام آقا میرزا آقا برادر علی خان حیدر خان خیلی بذله‌گو و خوش مزه بود و همه را مشغول میکرد . روز ها بعد از ظهر درهمدان جلوقلعه تعزیه خوانی بودکه البته بزبان ترکی و باصطلاح آن روز ها شبیه درمیآوردند .

و مرد زیر پای مردم مانده پایمال و خفه میشوند از قراریکه گفتند ۲۶ نفر زن و مرد تلف شده‌اند .

چهارشنبه غره شوال المکرم ۱۳۳۱ - بمناسبت عید فطر بعضی جا ها دیدن رفتم من‌جمله دیدن سعید بیك شهبندرعثمانی نامبرده هم با تاجرباشی‌عثمانی ببازدیدآمد. طرف عصربتلگرافخانه رفتم . درآنجا یك مقصری‌که پدر خود را اذیت‌کرده بودآوردند. (پسر زال خان غلام پست) در این اثنا آقای دبیر افخم نایب الحکومه وارد شد . مقصر خود را از بالا خانهٔ تلگرافخانه که چهار پنج ذرع ارتفاع داشت پائین انداخت و فرارکرد. او راگرفته آوردند آقای‌نایب‌الحکومه مقصر را تنبیه‌کرده به نظمیه فرستادند

سه‌شنبه ۷ شوال- صبح تا باغچه‌آقای عنایت‌الملك‌همسایه‌رفتم دراین‌بین‌ادیب شاعر آمد که بقول خودش نود سال متجاوز دارد ولی بنیه‌اش خوب است . از مرحوم میرزا ابوالقاسم ذوالریاستین جد آقای عنایت‌الملك و از مرحوم حاجی ذوالریاستین بدیع‌الزمان نقل‌کرده شاعری بدیهه گو است‌گوشش قدری سنگین است.

از وزارت خارجه تلگراف رسید که آقای جلیل الملك سه روز است از طهران بکارگذاری کرمانشاه حرکت کرده است .

روز بعد آقای جلیل الملك اخوی آقای وحید الملك بمنزل آقای میرزا محمد- علی خان رئیس مالیه وارد شدند .

جمعه ۲٤ شوال ۱۳۳۱ - آقای جلیل الملك کارگذار کرمانشاه که مدتی‌است در همدان بلاتکلیف هستند تشریف آورده صحبت های متفرقه مربوط باین دوره و زمان میکردیم. آقای جلیل الملك تاعصرتشریف داشت و برای‌گذراندن وقت بافرزندی مسعود شطرنج بازی کردند .

امتحان شاگردان مدرسه نصرت

دوشنبه ۵ ذیقعده ۱۳۳۱ - عصربرحسب دعوت بمدرسه نصرت رفتم . جمعی‌حضورداشتند از جمله‌آقای دبیرافخم معاون حکومت جنابان‌حاجی‌میرزا حسین و حاجی حسین قاضی‌آقایان میرزا محمد- علی خان رئیس مالیه و جلیل الملك . ازشاگرد های کلاس های دوم تا ششم امتحان نمودند مثلا خواندن سوره حمد و قل‌هوالله بعد جغرافی و حساب و علم‌الاشیاء. آقای جلیل‌الملك از بعضی شاگردان سئوال کردند بدجواب ندادند ژیمناستیك هم بازی‌کردند. برای مدرسه اعانه خواستند بعضی در کاغذ نوشتند بدهند آقای نظام الملك نقد دادند. عطاءالله خان مدیرمدرسه نصرت واقعاً خوب مواظب شاگرد ها و نظم مدرسه است و تشویق دارد . آقای فریدالدوله رئیس معارف

و اوقاف که تازه از طهران آمده و از مؤسسین مدرسه نصرت است حضور داشت .

جمعه ۹ دیقعده ـ آقای دکتر اسمعیل خان که برای نظارت حفریات همدان آمده بود برای وداع و مسافرت بطهران آمد (بامسیو دوفوسا رئیس حفریات) .

ازقراریکه دکتراسمعیل خان مذکور داشته دراین چندماه‌که درهمدان واطراف بامخارج گزاف کارکرده‌اند هیچ چیز قابلی دست نیامده و چیز آنتیك پیدا نشده مبلغ کلی ضرر کرده‌اند .

ورود سالارالدوله باقونسول روس بهمدان

ازقراریکه خبرآوردند امروز حضرت والا شاهزاده سالارالدوله با قونسول روس و رئیس قزاق ازکرمانشاه وارد همدان شدند و در قونسولخانه روس منزل کرده‌اند . روز یکشنبه ۱۱ باتفاق رئیس قزاقها از همدان رفتند .

مجلس عقد میرزا نصرالله‌خان پسر آقای مساعدالملك

جمعه ۱۶ ذیقعده ۱۳۳۱ - ۲٤ میزان (مهرماه) ـ عصر بدعوت آقای مساعد الملك بمجلس عقـد منزل آقای افتخار الملك رفتم مجلس عقد صبیه آقای افتخارالملك برای آقای میرزا نصرالله خان فرزند آقای مساعدالملك (یعنی دختر عمو برای پسر عمو) رفتم از جمله علما و اعیان بودند از جمله آقایان حاجی میرزا حسن مجتهد ، آقا علی شریعتمدار ، آقا موسی برادر شریعتمدار با آقا رضا ، آقا محمد آقا اسمعیل ، آقا عـلی ، حاجی میرزا حسین ، مشکوة الملك ، حسینقلی میرزا حشمت‌السلطنه ، مؤید الممالك ، سعید الممالك ، میرزا محمد علی‌خان برادرمؤیدالممالك، محمد خان میرپنج تفریجانی و دیگران حضور داشتند ادیب شاعرقصیده‌ای‌که‌گفته بود خواند . صیغه عقد نکاح را آقایان حاجی میرزا حسن و آقای شریعتمدار جاری کردند .

پنجشنبه ۲۲ ذیقعده ـ دراین سه چهار روزه بواسطه ورود و پذیرائی شاهزاده عبدالجواد میرزا بشیرالدوله مجال روزنامه نویسی نداشتم . ازجمله روز چهارشنبه در خدمتشان با آقای مؤید الممالك و آقای حاج محمد نراقی به لتگاه خدمت حضرت‌آقای حاج امیرنظام رفتیم یك شب و روز پنجشنبه را ماندیم . آقای بشیرالدوله ازآنجا وداع کردند بطرف قزوین وطهران رفتند . آقایان‌مؤیدالممالك و حاج محمد نراقی با حضرت آقای امیر نظام کار داشتند یعنی معامله قریه داوه را برای ایشان انجام داده بودند .

یکساعت بغروب پنجشنبه‌ازلتکاه بیرون‌آمدیم . قریب سه ساعت از شب جمعه‌گذشته وارد شهر شده از تاریکی وبدی‌کوچه ها از خانه حاجی درویش که اول شهر واقع است چراغی‌گرفته بزحمت زیاد با احتیاط تمام بحمدالله وارد خانه شدیم . از نبودن بلدیه درهمدان باگرفتن پول نواقل از مردم در بین راه با آقای مؤیدالممالك و حاجی محمد صحبت کرده تأسف میخوردیم که چرا باید اهل این بلد باین درجه بی‌حس باشند که با وجود دانستن و فهمیدن این مطلب و لزوم ساختن کوچه ها و چراغ‌گذاشتن ابداً دنبال این‌کار واجب نروند و حرف نزنند و ساکت باشند .

تاریکی شهر و نبودن بلدیه

دوشنبه ۲۶ ذیقعده ۱۳۳۱ - شب آقای مساعدالملك و جمعی در این منزل بصرف شام موعود بودند . ازجمله آقایان سعیدالممالك ، میرزا محمد علی خان پیشکار مالیه ، جلیل‌الملك و میرزا نصرالله خان پسرآقای مساعدالملك و آقا رضا پسر آقای آقا زاده که هردو تازه داماد بودند .

سه‌شنبه ۱۱ ذیحجه ۱۳۳۱ (۱۹ عقرب و ۱۱ نوامبر۱۹۱۳)- فرزندی هاشم خان را باستقبال مستر کوهن قونسول انگلیس تا بیرون شهر فرستادم این اول قونسول انگلیس است که از لندن مأمور همدان شده است .

استقبال از قونسول انگلیس

چهارشنبه ۱۲ - قبل ازظهرسعیدبیك شهبندر باتوفیق بیك ببازدید عید قربان آمدند . عصر بالباس رسمی بدیدن مستر کوهن قونسول انگلیس‌رفتم. شاهزاده اختبار السلطنه رئیس تلگراف ، آقای میرزا محمد علی خان (کلوب) رئیس مالیه و فریدالدوله رئیس معارف و انتظام الملك رئیس نظمیه و فرزین بعدی هم آمدند و معرفی شدند .

دوشنبه ۱۷ ذیحجه - یکساعت‌بغروب‌مانده‌حضرت‌والاعباس‌میرزا سالار لشگر بحکمرانی همدان وارد شدند . جناب ساعد السلطنه از لتکاه در خدمتشان آمده بودند .

ورود سالار لشگر حاکم همدان

سه‌شنبه ۱۸ ذیحجه - بمناسبت عید از پیش ازظهر تا عصرخدمت حضرت والا حکمران بودیم جمعی از همه طبقات آمدند ازجمله کاپیتان قزاقها باچندنفرصاحبمنصب و دسته‌ای ازقزاقها نیزآمدند خوب مشق کردند حضرت حکمران صدتومان انعام بقزاقها دادند . پلیس و قراسوران هم آمده از حضور عبور کردند . بعد از اتمام سلام بالا خانه رفته غذای سر میز صرف شد .

شنبه ۲۲ ذیحجه ـ نزدیك غروب بدیدن آقای مساعدالملك رفتم قدری ازطبع روزنامه صحبت شدکه خوب است درهمدان هم یك روزنامه چاپ شود . آقا میرزا سید محمد یوسف زاده رامیگویند برای مدیریت روزنامه خوب‌است شخص بااطلاع و با علمی‌است.

مذاکرهٔ دائرکردن یك روزنامه در همدان با یوسف زاده

چهارشنبه ۲۶ ذیحجه ۱۳۳۱ ـ صبح جنـاب آقای سید محمد مشهور به یوسف زاده آمدند درباب دایر کردن یك روزنامه در همدان صحبت شد بلکه انشاءالله بشود دایرنمود .

شنبه ۲۹ ذیحجه ـ درباغچه آقای میرزا غلامحسین خان مستوفی آقای میرزا ابوطالب خان بصرف ناهار عروسی پسرشان احتشام نظام دعوت نموده بودند رفتم جمعی حضور داشتند . وضع غذا خوردن ما ایرانی ها چندان تعریفی ندارد یعنی دو زانو نشستن دور سفره خـم شدن و تمام غذا ها را یك دفعه در سفره چیدن و چند دست بیك غذا بردن خوب نیست . از روی انصاف وضع غذا خوردن اروپائیها بهتر است .

دوشنبه ۲ محرم‌الحرام ۱۳۳۲ ـ عصرآقای جلیل‌الملك (که چندی قبل بسمت کارگذاری‌کرمانشاه معین شده بود و مدتی است بهمدان آمده و بلاتکلیف بود) تشریف آورد از وزارت امور خارجه تلگرافی رسیده بعد از مدتی تکلیفشان را معین و مأمور کمیسری سرحدی عربستان عراق نموده‌اند که با اعضاء کمیسری که از طهران بهمدان میآیند متفقاً بمحمره بروند . از آنجا تا سرپل ذهـاب رفته و با کمیسرهای دیگر که از عثمانی و روس و انگلیس‌خواهندآمد تحدید حدود خاك دولتین ایران و عثمانی رانموده علامت بگذارند .

جمعه ٦ محرم ـ قبل‌از ظهر بمسجد مرحوم ذوالریاستین باستماع روضه و موعظه رفتم جناب برهان المتکلمین موعظه خوبی نمود خلاصه‌اش این بود بعد ازمرك سه چیز برای انسان باقی خواهد ماند مثل از اینکه نمرده و زنده است. اول علم است‌که بواسطه آن‌علم مردم فواید ببرند . دوم‌آثار و بناهای خیراست مثل پل و مدرسه و مریضخانه یا درخت کاشتن و یا احداث قنات . سوم اولاد صالـح یادگار بگذارد کـه اعمال خیر از او صادر شود . بقول شیخ سعدی علیه‌الرحمه :

مواعظ برهان المتکلمین

سعدیا مرد نکو نام نمیرد هرگز　　مرده آنست که نامش بنکوئی‌نبرند

یکشنبه ۸ محرم ۱۳۳۲ ـ پیش از ظهر بمسجد مرحوم ذوالریاستین باستماع روضه رفتم.آقای‌آقا محمد اسمعیل نام مشهورسئوالی‌ازحقیر کرددرباب بساط روضه‌خوانی

و عزاداری و واقعه کربلاکه مقصود چیست ؟ گفتم مسئله بزرگی سئوال کردید جواب آن مفصل است باین مختصر نمیشود در سیاست الحسینیه اشاره مجملی شده است .

چهارشنبه ۱۱ محرم ـ مشغول تهیه راه انداختن فرزندی هاشم‌خان به طهران بودم‌که یکساعت و نیم بغروب مانده بارفیق راه‌که از اجزاء گمرك‌کردستان بودکالسکه نشسته رفتند .

دوشنبه ۱۶ محرم ـ دیروز عصر مجلسی درکارگذاری برای تحقیقات اختلاف بین اداره تحدید تریاك و مشهدی همت تبعهٔ روس باعملجات تریاك مال او تشکیل شد شاهزاده اعظم‌السلطنه نماینده قونسولگری‌روس ، آقای میرزا محمد علی خان رئیس‌مالیه و اوانس خان رئیس تحدید و اشخاص متنازعین حاضر و استنطاق بعمل آمد . مجلس تا چهار از شب گذشته طول کشید و بقیه کار موکول بمجلس ثانوی شد .

قبل از ظهرامروز بدارالحکومه رفتم . اعضاء کمیسیون‌سرحدی آقایان منصور-السلطنه،سالارمظفر، میرزاعبدالرزاق خان مهندس، یك نفردکتر، جلیل الملك‌که درهمدان ملحق شد و دو سه نفر دیگر هم بودند ساعت پنج بغروب مانده حرکت کردند . شاهزاده حکمران، حقیرو شاهزاده رئیس تلگراف را برای صرف ناهار نگاه داشتند .

صحبت با میرزا محمد علی‌خان کلوب رئیس مالیه

جمعه ۲۷ محرم ـ قبل از ظهر بمنزل آقای میرزا محمد علی‌خان (فرزین) پیشکار مالیه رفتم . تنها و تعطیل‌کرده بودند . دوبدو نشسته صحبت حال بمیان آمد . از وضع قدیم و جدید ایران از عهد ناصرالدین شاه و وضع حالیه و تغییر اوضاع حرف میزدیم که خیلی آن زمان با زمان حالیه فرق کرده است صحبت طولانی شد . از مرحوم سید جمال الدین اسد آبادی و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله صحبت نموده از عقب ماندن ایران و ایرانیان از تمدن و ترقی‌دنیا افسوس خوردیم . پس از آن صرف غذا نموده دو سه ساعتی که خالی از اغیار با آقای پیشکار مالیه بودم خیلی خوش گذشت .

چهارشنبه ۲ صفرالمظفر ۱۳۳۲ ـ مثل هرروز مشغول انجام‌کارهای‌کارگذاری بودم . مذکور شد حضرت حاج امیرنظام دیروز عصر بدارالحکومه وارد شده و جناب آقای مظفرالملك حکمران ولایات ثلاثه و جناب‌آقای ساعدالسلطنه درخدمتشان بوده‌اند برای دیدن ایشان بدارالحکومه رفتم . شاهزاده منوچهر میرزا و مصباح السلطان را هم که بخانه آقای انتظام الملك وارد شده‌اند و مأمورکردستان هستند ملاقات کردم .

شنبه ۲۶ صفر ـ عصر بمنزل جناب آقای حاج میرزا حسن مجتهد باستماع روضه رفتم غروب بمنزل برگشته باسرکار محمد حسن خان سرتیب اخوی و فرزندی مسعود دراطاق بیرونی بودیم غفلتاً صدای مهیبی مثل صدای توپ شنیدیم و مثل زلزله اطاق تکان خورد . معلوم شد اطاقی که امسال تازه ساخته بودیم تمام خراب و تیر ها پائین آمده است . خداوند بخودم خیلی ترحم فرموده همانجائی که نشسته بودم پس از پا شدن ازاطاق مجاورکه خراب شده بودآوار زیادی ریخت . باشنیدن این صدای بزرك همسایه ها آمدند خرابی را تماشا کردند . دو اسب و یك الاغ که درطویله بود چندان صدمه ندیده زنده ماندند .

پنجشنبه ۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۲-۹ دلو (بهمن) ـ دیروز برحسب وعده بدیدن ویس قونسول انگلیس که از قزوین مراجعت کرده رفتم از آمدن دو دفعه دزد بمنزلش تعریف کرد دراین بین مسترهاکس و دکتر فانك امریکائی آمدند .

شب جمعه برحسب دعوت حضرت والاشاهزاده سالارلشگرحکمران بصرف شام موعود بودم آژانس قونسول روس و کلنل قزاقها و مستر مك مری رئیس بانك شاهی و رؤسای ادارات هم موعود بودند . ساعت هفت‌شب برگشتم شام سرمیزمرتب ومنظم بود . بسلامی یکدیگر شربت نوشیدند .

دوشنبه ۱۳ ربیع‌الاول ـ طرف‌عصرباآقای برهان قمی‌بتلگرافخانه رفتم حضرت حاج امیر نظام تشریف داشتند . حضرت والا شاهزاده سالار لشگر حکمران هم تشریف داشتند . حضرت حاج امیر نظام از وضع قدیم مرحوم عبدالحسین خان جد حقیر برای شاهزاده بیان میفرمودندکه شخص باسلیقه وباسفره بود ترتیب‌زندگانی منظمی‌داشته[1] .

جمعه ۱۷ ربیع‌الاول ـ بمناسبت عید مولود حضرت خاتم‌الانبیاء (ص) صبح باتفاق سرکار محمد حسن خان سرتیب اخوی و فرزندی مسعود خدمت حضرت حاج امیرنظام رسیده بود بدارالحکومه رفتم. دیدم عده زیادی ازرؤسای ادارات و غیره‌هستند از داخله و خارجه ، ماژور تورل رئیس ژاندارمری، صاحبمنصب قزاق ، رئیس مالیه ، رئیس تلگراف و آقای ساعدالسلطنه . سلام مختصر درمحل‌حکومتی‌بعمل آمد

۱ـ درآن اوقات و حتی بعد از آن تلگرافخانه مهمترین ادارات و پاطوق رؤسا و اعیان شهربود . علت هم این بودکه‌رئیس تلگراف نقش مهمی‌دردادن‌گزارش ها بمرکز و کسب دستور داشت و مردم هرتقاضائی داشتند بتلگرافخانه مراجعه میکردند حتی حکومت شهر ازرئیس تلگراف باصطلاح حساب میبرد ـ نگارنده

تلگراف ناصرالملك نایب السلطنه

تگرافی‌ازوالا حضرت نایب السلطنه حسب‌الامر حکمران، شاهزاده اختبار السلطنه رئیس تلگراف قرائت نمودند مفادش این بود که درماه شعبان نیابت سلطنت این جانب‌منقضی و اعلیحضرت‌سلطان احمد شاه به تخت سلطنت جلوس و تاج کیانی برسر خواهند گذاشت . مجلس سنا و مجلس شوری افتتاح خواهد شد . وزارت جلیله داخله شرایط و تفصیلات را بحکام ولایات و ایالات اطلاع خواهد داد .

درمراجعت دیدم درتلگرافخانه و جلوآن بساط آتش بازی و آذین بندی است.

نمونه یك محاکمه درکارگذاری

سه‌شنبه ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۲ - عصری خبر دادند دو نفر صاحبمنصب ژاندارمری برای دیدن آمده‌اند . بیرونی رفتم دیدم اکبرمیرزا (قهرمانی) و یك نفر جوان دیگر عزیزالله خان (سرلشگر ضرغام بعدی) سلطان ژاندارمری هستند . بعد ازتعارف گفتند دوساعت بغروب مانده قراراست نماینده آژانس قونسولگری روس بیاید کارگذاری یك نفر سورچی باسوار ژاندارم حرفشان شده استنطاق شوند در موعد نیامدند یك ساعت‌بغروب آژانس قونسول روس خودش باتفاق‌اعظم‌السلطنه آمدند از این مسئله هیچ مسبوق نبودم. بالاخره هردو استنطاق شدند اسم ژاندارم علی آقا و سورچی عباسقلی حسین آبادی بود . تا یکساعت و نیم ازشب گذشته مجلس طول‌کشید و مطلب قابل اعتنائی نبود .

سه‌شنبه ۲۸ ربیع‌الاول - قبل از ظهر بدیدن شاهزاده حشمت‌السلطنه که تازه از طهران وارد شده رفتم . از وضع مرکز مختصری صحبت شد خلاصه‌اش اینست که هنوز بازار رشوه درکار است یعنی حکومت ولایات در معرض بیع و شری است وقس علیهذا فعلل و تفعلل .

جمعه غره ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ - ناهار درمنزل آقای عنایت الملك موعود بودم آقایان ساعد السلطنه و جناب حاجی حسین و پسرشان آقا سیف‌الدین هم آنجا بودند .

عصر خبر دادند سعید بیك شهبندر عثمانی که بکردستان رفته بود با شاهزاده منوچهرمیرزا و مصباح السلطان‌کمیسری‌که ازطهران مأمور تحقیقات و رسیدگی‌به‌یغمای گمرك کردستان و نزاع تبعه عثمانی با ایرانی بود مراجعت‌کرده‌اند .

جمعه ۸ ربیع‌الثانی - امروزبرحسب‌دعوت بمنزل شاهزاده حشمت‌السلطنه رفتم اسامی مدعوین از این قرار بود : حضرت حاج امیرنظام ، حضرت والا شاهزاده سالار لشگر حکمران ، آقای غلامعلی خان حسام‌الملك ، آقای منصورعلی خان ساعد السلطنه

آقای آقا سید محمود رئیس عـدلیه ، آقای محمد امین خان مکرم الملك ، آقای تقی انتظام الممالك رئیس نظمیه، آقای سعید الممالك ، آقای برهان المتکلمین واعظ .

نرسیدن حقوق

دوشنبه ۱۱ ربیع‌الثانی ـ درمنزل‌حتی‌المقدوربکارهای‌راجعه‌بکار-گذاری رسیدگی کردم ولی مثلی است مشهور نوکر بی حقوق و مواجب تاج سر آقا است . بطوریکه باید دلسوزی و خدمت نمیکند چنانکه سال بآخر رسیده یکقران مواجب و حقوق بحقیر نرسیده است . میگویند بودجه وزارت امورخارجه ازتصویب‌هیئت وزرای عظام نگذشته وتابودجه نگذرد مواجب داده نمیشود. اما بعضی ادارات بطور استثناء مواجب میگیرند قضیه یك بام و دو هواست .

شنبه ۱۶ ربیع‌الثانی ـ صبح خواستم از حضرت والا سالار لشگر حکمران که بیست روزه عازم کرمانشاه هستند دیدن کنم گفتند صبح زود تشریف برده‌اند .

الله قلی خان گماشته بعضی اشیاء و اسباب منزل برای فرزندی هاشم خان که اخیراً از طرف خزانه مأمور کرمانشاه شده برد که خودش هم آنجا بماند .

یکشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ ـ اول حمل بارس‌ئیل و سال جدید یا نوروز ملی ایران است صبح بدیدن جناب آقا سید محمود رئیس عدلیه رفتم . درمراجعت بعضی از آقایان و دوستان بدیدن عید تشریف آوردنـد . پیش از ظهـر ویس قونسول انگلیس بعد آقای مکرم الملك و برزوخان یاور آمدند . بعد از ظهر سعید بیك شهبندر با توفیق بیك و تاجرباشی عثمانی و آژانس قونسول روس باشاهزاده اعظم‌السلطنه ، شاهزاده‌رضا و شاهزاده عبدالحسین میرزا معاون نظمیه تشریف آوردند ازتجارهم خیلی آمدند . عصر بزحمت بدارالحکومه رفته از آقای میرزا حسین معاون حکومت دیدن کردم در این بین پالکونیك و محمد آقا نایب قزاقها آمدند[1] .

چهارشنبه ٤ جمادی‌الاول ۱۳۳۲ ـ اغلب روز را درمنزل گذرانیده بکارهای راجعه کارگذاری بودم در ضمن درگذران و زندگی روزگار که اسباب ملالت وکسالت است فکر میکردم . شاید دراین عدالت هم حکمتی است که عقل من قاصر است .

۱ـ از این تاریخ ببعد بواسطه‌کسالت روحی و جسمی‌دررسم‌الخط پدرم و اداء جملات بتدریج نقیصه هایی بوجود آمده که محسوس است ولی چون منظورذکرمطالب و معرفی اشخاص و وقایع آنزمان است بدرج خلاصه آن ها ادامه میدهم

پنجشنبه ۵ جمادی‌الاول ـ باتفاق آقای آقا زاده معاون و فریدالسلطان همسایه بحیاط بزرگ مجاور قلعه بهمن میرزائی رفتیم تماشا کردیم چه بنای محکم عالی بوده خراب شده است .

آقای رئیس مالیه‌تعرفه بنده را که بطهران فرستاده بودند برگشته‌بود پس‌دادند باز حواله مواجب رکابی و مقرری‌کارگذاری را موکول بگذشتن بودجه وزارت خارجه از تصویب هیئت وزراء نموده بودند . چنانکه چند سال است حقوق اجزاء وزارت خارجه باین واسطه بتعویق افتاده است .

سه‌شنبه ۱۰ جمادی الاول ۱۳۳۲ ـ صبح شنیدم آقای میرزا محمد علی خان رئیس مالیه موقتاً با **اتوموبیل** بطهران مسافرت نموده‌اند . بعضی‌ها هم‌تاکانتوربمشایعت رفته‌اند .

چهارشنبه ۱۱ جمادی‌الاول ـ قریب غروب آقای ضیاءالاطباء آمدقدری صحبت کردیم ازجمله مسئله بلدیه شهر و تنظیف کوچه ها و آب حمام ها . قرار دادیم کاغذی بجناب آقای رئیس مالیه که بطهران رفته‌اند بنویسیم که ازوجه نواقل دولت قراربدهد صرف بلدیه شود که کوچه های شهر باین کثافت و ناهمواری نباشد .

چهارشنبه غره رجب ۱۳۳۲ - عصر بعضی ها بکارگذاری آمدند ازجمله آقای میرزا فضل‌الله خان منشی ویس قونسول انگلیس در خصوص ادعای از عمویش آقای عنایت‌الملك که جداً باید ملك را بتصرف بدهند .

جمعه ۳ رجب ـ طرف عصرشورین رفته‌خدمت حضرت آقای امیرافخم رسیدم که مدتی درقروه تشریف داشتند . سعید بیك شهبندر باتوفیق‌بیك ومنیرافندی پسرشهبندر و بعد اعظم‌السلطنه آمدند باتفاق آقای معین‌السلطنه عصر بشهر برگشته و بدیدن دکتر میرزا سعید که ازفرنك برگشته بود رفتم . از تغییرات وضع لندن و آبادی آنجا تعریف میکرد . چراغهای گاز حالا همه چراغ برق شده است .

دوشنبه ۲۷ رجب‌ـاول‌سرطان ـ روزولادت اعلیحضرت پادشاه انگلستان است برای تبریك بالباس‌رسمی بویس قونسولگری انگلیس‌که درباغ فقیره است رفتم . شاهزاده حکمران و رؤسای ادارات هم آمدند .

رئیس مالیه فرنگی‌راکه تازه باآقای میرزا محمد علی خان رئیس‌مالیه سابق‌آمده دیدم (سه روز قبل خانمش درشورین مهمانی بشام ازحکومت جلیله و رؤسای دوائردولتی کرده بود .) نامبرده مسیو کرتهو و بلژیکی بود

سه‌شنبه ۲۸ رجب ۱۳۳۲ - شب جناب‌آقای میرزا حسین‌خان معاون حکومت و آقایان یزدان وردی خان و مؤید السلطان موعود بودند . پس از صرف شام تشریف بردند . اگرچه مهمانی خودمانی بود ولـی حال ضیافت و پذیرائـی هیچ دربنده باقی نمانده است .

پنجشنبه غره شعبان المعظم ۱۳۳۲ - ٤ سرطان - اخذ آراء در همدان تمام شده‌اکثریت‌آراء اول بحضرت‌حاج امیرنظام‌دوم بجناب‌آقای میرزا محمد علی‌خان (فرزین) رئیس مالیه سوم جناب حاجی شیخ اسدالله داده شده است .

معالجات چند دکتر

جمعه دوم شعبان - چهار ساعت بغروب دکتر فانك امریکائی و دکترمیرزا سعید (کردستانی) برای سوزن زدن ببازوی من آمدند و اسباب کار را آوردند . یك نفر بنام دکتر رایت امریکائی هم که مهمان مستر هاکس بود آمد . دکتر اسرائیل هم بود . بازوی چپم را سوزن زدند برای مرضی‌که دارم . دکترسعیدگفت یکسال است دوای این مرض را تازه در فرنك پیدا کرده‌اند تا حال این معالجه را کسی در ایران نکرده است این اول دفعه است که دربنده امتحان کردند . انشاءالله مفید خواهد بود .

یکشنبه ۱۱ شعبان - دیروزفرزندی هاشم خان ازکرمانشاه وارد شد . بواسطه کسالت و انژکسیون و فصدکردن بیرون نیامدم . دوشنبه هم بدست راست سوزن زدند و از دست چپ قریب یك گیلاس خون گرفتند و خون را در میان یخ گذاشتند که ۲٤ ساعت بماند .

سه‌شنبه ۱۳ شعبان - طرف عصر دکتر فانك بعد دکتر سعید آمدند . قریب یکساعت درپشت (چهاربند) هی‌سوزن زدند خونی‌که دیروزگرفته میان یخ‌گذاشته بودند از آن خون زلال تزریق‌کردند خیلی زحمت دیدم شب هم هیچ نخوابیده راحت نکردم. ازقراریکه شنیدم اعتبارنامه وکالت حضرت حاج امیرنظام ازمرکز رسیده درشرف حرکت بطهران هستند .

یکشنبه ۱۸ شعبان ۱۳۳۲ - این انژکسیونها که در حقیر عمل شده از دست راست و چپ و چهاربند و فصدکردن هنوز فایده و اثری نبخشیده مگر آنکه از حرکت باز داشته درخانه معتکف نموده است . خود را ناچار بخواندن و نوشتن نموده‌ام.

جشن تاجگذاری سلطان احمدشاه

شنبه ۲٤ الی چهارشنبه ۲۸ ـ مشغول تهیه جشن تاجگذاری اعلیحضرت سلطان احمدشاه ودعوت مأمورین خارجه مقیم همدان بودم . سه‌شنبه ۲۷ بحکومت بشام دعوت داشتم با کمال زحمت رفتم . ضیافت شایانی بود متجاوز از بیست نفرسرمیز شام نشسته بودند . موزیك و مطرب و آتشبازی هم بود .

درکارگذاری نیز آذین بسته شده مثل سایر ادارات دو شب مردم بیایند بروند شربت و شیرینی صرف نموده تبریك تاجگذاری بگویند .

شنبه ۲۹ شعبان ـ دیشب جشن تاجگذاری درکارگذاری بخوشی ختم شد سعید بیك شهبندر و توفیق بیك بعد آژانس قونسول روس و اول شب آقایان اجلال‌الممالك و ساعدالسلطنه و رئیس تلگراف و جمعی آمدند مطرب همدانی هم بود .

یکشنبه ۹ رمضان ۱۳۳۲ ـ عصرنزدیك بغروب شاهزاده اعظم السلطنه باتفاق آقای سردار اجلال کرمانشاهی (پسر مرحوم اعظم الدوله) بکارگذاری آمدند. سردار اجلال برای‌بازدیدآمده بود. قدری‌نشسته‌رفتند اعظم السلطنه قباله‌ای‌نشان دادکه سردار اجلال املاك واقعهٔ دینور کرمانشاه خود را پیش بانك استقراضی روس بیع شرط گذاشته نقداً پول بانك را بپردازد سردار اجلال هم اعتراف کرد .

رسالهٔ مجذوبعلی شاه

دوشنبه ۱۷ رمضان ـ رساله‌ای از مرحوم حاجی محمد جعفر (مجذوبعلی شاه) کبودراهنگی یا بیوك‌آبادی دست آورده بودم خواستم خودم استفاده‌کنم نشد دادم فرزندی مسعودبنویسد و از مطالب عالیه آن‌که راجع به تزکیهٔ نفس و تهذیب اخلاق است شاید یاد بگیرد و شروع‌کرد بنوشتن بلکه انشاءالله تمام کند .

دوشنبه ۲٤ رمضان ـ فرزندی هاشم خان در مراجعت بکرمانشاه بسر شغل خود در اداره مالیه و ماندن در همدان پیش من درکارگذاری اینجا مردد است بعضی رفتن بکرمانشاه سرخدمت را صلاح میدانند و برخی ماندن اینجا و کمك کردن بمن را میپسندند . درهرجا باشد انسان باید کارکند و درفکر زندگی خود باشد در دنیا هرکسی درفکر زندگانی خودش است .

پنجشنبه ۲۷ رمضان ۲۸ اسد ـ نصف شب گذشته بود فرزندی هاشم خان بسلامتی چاپاری عازم کرمانشاه شد که بسر خدمت خود برود . آمد از پدرش وداع‌کرد و رفت خدا همراهش و از خطر مصون باد مسعود برادرش با نوکر ها تا چاپارخانه بمشایعتش رفتند .

المقدر کائن :

هزار نقش برآرد زمـانه و نبود　　یکی چنانکه درآئینهٔ تصور ما است

سفر فرزندی هاشم نزدیك شد . ازمنزل تا چاپارخانه رفت بعد ازدوسه ساعت مراجعت کرد یعنی آقای مؤید السلطان همچو صلاح دیده بود که هاشم خان ترك سفر کرمانشاه کند وکرد تا چه مقدر باشد .

جمعه ۲۸ رمضان ـ محض امتحان سواره با اسب تا مجیدیه رفتم . دوساعت بغروب مانده کسوف شد و آفتاب گرفت .

اعتماد الدوله

یکشنبه غرهٔ شوال ۱۳۳۲ ـ بمناسبت عید فطرخدمت آقای حاج میرزاحسن مجتهد و آقای آقا سیدعلی شریعتمدار بعدآقای‌شریف ـ الملك رسیده بمنزل آقای شجاع السلطان رفتم . برای صرف غذا نگاهم داشتند . بعد باتفاق ایشان با درشگه بآبشینه خـدمت جناب آقای یحیی خـان اعتماد الدوله پسر مرحوم بهاء الملك که تازه از طهران آمده‌اند رسیدیم . حقیقتاً آقای اعتماد الدوله در معقولیت و انسانیت افراط کرده و خیلی بمرحوم بهاء الملك شباهت دارند . از آبشینه بقصر قجر رفته از سعید بیك شهبندر دیدن کردیم .

دوشنبه ۲ شوال ـ دیروز حضرت والا شاهزاده فرمانفرما از کرمانشاه بهمدان وارد و در دارالحکومه منزل کرده‌اند . قبل از ظهر خدمتشان رسیدم اظهار مرحمت فرمودند . از پیری وشکستگی صحبت شد فرمودند برای همه‌کس پیری و در آخرمرگ هست نباید از پیری تأسف خورد . عده‌ای بدیدن حضرت‌والا آمدند .

کابینه جدید

پنجشنبه ۵ شوال ـ درکابینه جدید حضرت مستوفی‌الممالك رئیس الوزراء و وزیر داخله ـ حضرت علاء السلطنه وزیر امورخارجه و آقای ذکاء الملك وزیر عدلیه شده‌اند .

سه‌شنبه ۱۷ شوال ـ ویس قونسول انگلیس باسب دوانی کـه در راه شورین برگزار میشد دعوت کرده بود بواسطه درد پا نتوانستم بروم فرزندی هاشـم خـان رفت بقراریکه میگفت اسب ژاندارمری پیش برده . عصر حضرت ضیاء الملك با شاهزاده رضـا ببازدید تشریف آوردند .

پنجشنبه سلخ شوال ـ طرف صبح آقای میرزا باقر قوام السادات آمد پس از معطلی زیاد فرزندی مسعود را درس جامع‌عباسی (مسائل شرعیه) داد جناب آقای شیخ محمد واعظ باحوالپرسی تشریف آورده بودند .

سه‌شنبه غره ذیقعده ۱۳۳۲ - ۳۰ سنبله - عصری بنابوددرکارگذاری مجلسی راجع به املاك حضرت مهدیخان امیرتومان که دراجاره تبعه روس وارامنه‌ایرانی است منعقد شود موقوف شد . غفلتاً خود حضرت امیرتومان باتفاق آقای‌ضیاء الاطباء و آقای محمد ابراهیم خان پسر آقای امیر تومان سرافرازم فرمودند .

سه‌شنبه ۸ ذیقعده - عمری به بطالت‌گذشت بیشتربحیرت و حیرانی باید صابر و شاکر بود پائینتر و پست‌تر از خود را دید .

دوشنبه ۲۱ ذیقعده - ۱۹ میزان - عصر حضرت آقای امیر افخم بکار گذاری تشریف آوردند . شاهزاده اختبار السلطنه‌رئیس‌تلگراف، جناب تویسرگانی، میرزا مطهر، مسعودالملك و معین دیوان منشی باشی هم بودند .

این روزها عروسی میرزا غلامعلی خان پسر میرزا مهدی خان منشی باشی با صبیه قوام همایون کرد خوردی است.

اعلان بی‌طرفی ایران

شنبه ۱۸ ذیحجه ۱۳۳۲ - حسب‌الامر وزارت جلیله امورخارجه اعلانی ازطرف دولت‌علیه بمأمورین رسمی مقیم همدان دربیطرفی دولت علیه در جنك دول اروپا تهیه و بویس قونسول انگلیس اگنت روس و شهبندر عثمانی ازکارگذاری فرستاده شد.

دوشنبه ۲۰ ذیحجه - ویس قونسول انگلیس از قول آقا خان محلاتی اعلانی را که درهندوستان برای مسلمانان نشر داده بود و وزیر مختار انگلیس بویس قونسول همدان تلگراف‌کرده یك نسخه بکارگذاری فرستاده بود .

پنجشنبه سلخ ذیحجه ۱۳۳۲ - امروز دکتر اسرائیل آمد و برای معالجه پای من استعمال چرخ الماس را تجویز کرد تا چه اثر ببخشد .

فتوحات عثمانی در قفقازیه

شنبه دوم محرم ۱۳۳۳ - سفیر عثمانی از طهران تلگرافی راجع بفتوحات عثمانی درقفقازیه و سایر نقاط و شکست قوای انگلیس را بشهبندرهمدان فرستاده بودکه ازشهبندری بکارگذاری‌آوردند. روز یکشنبه فرزندی هاشم خان خبرآورد که جنابان بصیرالسلطنه و موفق السلطنه وارد همدان و درمنزل‌آقای مؤید الممالك منزل کرده‌اند . خیال رفتن به سنندج را دارند .

یکشنبه ۱۰ محرم عاشورا - قریب ظهر بروضه خانه میراسدالله مشیر رفتم در بین راه بدسته قمه زنها برخوردم که بحکومت میرفتند . از امامزاده یحیی عبور کردم آنجا هم دسته های مختلف میآمد .

افتتاح دوره سوم مجلس

پنجشنبه ۲۱ محرم ـ بطوریکه روزنامه های طهران نوشته بودند در ۱۶ محرم اعلیحضرت سلطان احمد شاه مجلس شورای ملی را افتتاح فرموده‌اند . این دفعه دوره سوم مجلس است .

یکشنبه ۲۳ صفر ـ افواهی‌شنیدم قشون عثمانی بطوردوستانه وارد تبریز شده است .

سه‌شنبه ۲۵ صفر ـ آقای عنایت‌الله خان عموزاده‌آمده بود معامله دوثلث شعیر قرخلر را با فرزندی مسعود خان در صد تومان تمام کرد . عصر بفاتحه صبیه آقای آقا موسی قاضی بمسجد رفتم .

چهارشنبه ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ـ عصر بیرونی رفتم مجلس تشکیل شده بود برای محاسبه آقای میرزا مهدی خان منشی‌باشی مرحوم ناصرالملك باتکران خان (پسر اعزاز السلطان وکیل بانك شاهنشاهی) طرفین حاضر شده بودند . استنطاق شدند محمد رضا خان منشی نوشت هاشم خان هم بود . میرزا نصرالله خان منشی و نماینده ویس قونسول انگلیس حضور داشت موقوف بروز پنجم سه ساعت بظهر مانده شد که باسناد طرفین رسیدگی شود .

عروسی بصیر دیوان

آقای بصیر دیوان (سپهبد زاهدی) همسایه امروز عروس آورد. یك دفعه هم لوازم عروسی را حاضر نمودند و در خصوص مهر معامله شان نشد و سرنگرفت . این دفعه دوم سرگرفت .

یکشنبه ۶ ربیع‌الثانی ۱۲۳۳ ـ ۲ برج حوت ـ نزدیك غروب بتلگرافخانه رفته خدمت شاهزاده اختبار السلطنه رئیس رسیدم .

نجاری منزل قوام‌السلطنه

دراین بین میرزاکاظم خان بانك استقراضی‌که تازه ازتهران آمده اظهار داشت شخص نجاری از قوام السلطنه هفتادو دوهزارتومان پول نجاری طلب دارد و مطالبه مینمود ببینید چقدر باید بنائی کرده باشدکه هفتاد و دوهزارتومان پول نجاری بشود.

ازقراریکه شنیدم کابینه وزراء هم تغییرکرده است و حضرت والا عین‌الدوله وزیر داخله شده‌اند علاء السلطنه وزیر معارف و اوقاف ـ صاحب اختیار وزیر جنك ـ معاون الدوله وزیر امور خارجه ـ محتشم السلطنه وزیرمالیه ـ مخبرالسلطنه وزیرعدلیه مهندس الممالك وزیر فوائد عامه ـ شهاب‌الدوله وزیر پست و تلگراف . وضع طهران منظم و همه اجناس فراوان بوده است .

آقای مظفرالملك ازحکومت ملایرمعزول و امروز بطهران حرکت کرده است (روز ۱۳ حرکت کرد)

انتصاب محمد حسن میرزا ولیعهد بفرمانفرمائی آذربایجان

پنجشنبه ۱۰ ربیع‌الثانی ـ بطوریکه روزنامه‌نوشته‌بود والاحضرت ولیعهد (محمد حسن میرزا) بفرمانفرمائی آذربایجان منصوب و حرکت کرده‌اند .

ماژور محمد تقی خان کلنل پسیان معروف بعدی

یکشنبه ۱۳ ربیع‌الثانی ـ شب فرزندی هاشم خان مهمان داشت از جمله مهمانها ماژور محمد تقی خان رئیس ژاندارمری (کلنل پسیان معروف) و آقای عنایت‌الملك وغیره بودند . ماژورشخص باعلم و فضلی‌است . حقیرهم یکی دو ساعت بامهمانها نشستم. حالا برعکس سابق ازمهمانی رفتن و مهمان داشتن متأذی هستم اوائل بمهمانی مایل و شایق بودم .

تغییر کابینه

پنجشنبه غره جمادی الاول ۱۳۳۳ ـ روزنامه اتحـاد همدان را آوردند خبرتازه تغییر کابینه وزراء بود. مشیرالدوله رئیس‌الوزراء مستشارالدوله وزیر داخله ـ مخبرالسلطنه وزیر جنك ـ معاون‌الدوله وزیر امور خارجه ـ ذکاء الملك وزیر عدلیه ـ نصرالملك وزیر پست و تلگراف مشارالسلطنه وزیر مالیه ـ حکیم الملك وزیر معارف .

دوشنبه ۵ جمادی الاول ۱۳۳۳ ـ اول حمل فصل بهار و عید نوروز است . از صبح تاغروب مشغول دیدن آقایان و بزرگان و پذیرائیشان بودم . چهاربغروب بالباس رسمی بدارالحکومه رفته خدمت حضرت والا شاهزاده سالارلشگر حکمران رسیدم . بعد بمنزل برگشتم وازعده‌ای من‌جمله مسترمکمری ویس قونسول انگلیس، دکتر فانك ،مستر هاکس و مستر الین پذیرائی کردم .

سه‌شنبه ٦ جمادی الاول ـ صبح بیرونی رفتم مشغول پذیرائی واردین بودم . شاهزاده مشکوة الملك با صدر الاشراف بعد مسیو النکاوه مدیر مدرسه آلیانس بااجزاء آمدند . عصر هم آقای معین السلطنه و ماژور محمد تقی خان (کلنل پسیان معروف) بدیع الحکماء با برادرش میرزا یعقوب خان و نایب صدر آمدند .

روزبعد هم عده‌ای بدیدن آمدند . فرزندی هاشم خان بکانتور بمشایعت آقای سردار یحیی حاکم کردستان و آقایان نصیرالسلطنه و موفق السلطنه رفت .

سه‌شنبه ۲۷ جمادی الاول ـ گفتند امروز قونسول دولت آلمان وارد همدان میشود (معلوم شد خودش درکرمانشاه است بعد خواهد آمد) .

اغتشاش درکرمانشاه

جمعه غره جمادی الثانیه ۱۳۳۳ ـ اخبار اراجیف خیلی‌زیاد است از قبیل اغتشاش کرمانشاه و آمدن قونسول آلمان برای اولین بار بهمدان .

شنبه ۲ جمادی الثانیه ـ فرزندی هاشم خان بهمراهی آژانس قونسول روس باستقبال قونسول روس مقیم‌کرمانشاه رفت. قونسولهای آلمان و اطریش هم این دو روزه بهمدان خواهند آمد .

دوشنبه ٤ جمادی الثانیه ـ دیروز فرزندی هاشم خان باستقبال مستر کاون قونسول انگلیس که از کرمانشاه مراجعت کرده رفت .

عصر مسیو غاآن رئیس بانك استقراضی روس درکرمانشاه دیدن آمد از قراری که معلوم است هرکس درکرمانشاه تبعه روس یا انگلیس است محض احتیاط ازکرمانشاه خارج میشود . فرزندی هاشم خان باستقبال مستر مکدوال قونسول انگلیس درکرمانشاه رفت و با علاقه (اهل و عیال) وارد همدان شد .

اولین قونسول آلمان درهمدان

جمعه ۱۵ جمادی‌الثانیه ۱۳۳۳ ـ گفتند مسیو وبر رئیس کمپانی آلمانی میخواهد ازطرف دولت آلمان برق نصب کند ولی هنوز از وزارت خارجه خبری نرسیده تکلیف کارگذاری معلوم نیست.

تغییر کابینه

یکشنبه جمادی‌الثانیه ـ ازقراریکه ازحکومت‌اطلاع دادندکابینه باینطور تغییر کرده است . عین‌الدوله رئیس الوزراء ـ شاهزاده فرمانفرما وزیر داخله ـ حاج‌امیرنظام وزیرمالیه - سردارمنصور وزیر عدلیه ـ حاجی محتشم‌السلطنه وزیر خارجه ـ حکیم‌الملك وزیر پست و تلگراف و فوائد عامه و معارف ـ وزارت جنك باخود شاهزاده عین‌الدوله است .

تلگرافی از وزارت خارجه راجع بمأموریت قونسول تازه آلمان رسید .

سه‌شنبه ۲٦ جمادی‌الثانیه ـ دیشب ماژور محمد تقی خان رئیس ژاندارمری و مسیو وبر آلمانی تا سه از شب گذشته درکارگذاری با هاشم خان بودند .

شناسائی قونسول آلمان

جمعه ۲۹ جمادی‌الثانیه ـ ۲۳ ثور ـ صبح جناب‌آقای شیخ‌الاسلام اندرون آمدند بعد من بیرونی رفتم بعضی ها آمدند . از جمله ماژور محمد تقی خان بعد مسیو وبر قونسول آلمان امروز از وزارت خارجه تلگراف رسیدکه ویس قونسول‌آلمان را بشناسید.

شنبه سلخ جمادی‌الثانیه ـ طرف صبح سرکارمنیرالدوله (خانم‌حضرت‌امیرافخم)

بدیدن باندرون آمدند عصر هم خانواده مستر مکدوال قونسول انگلیس از کرمانشاه آمدند (مسلمان و اهل محمره است) برای بازدید خانم آمدند .

انتصاب آقا زاده معاون کارگذاری بسمت کارگذار

سه‌شنبه ۳ رجب مطابق ۲۷ ثور(اردیبهشت) ـ فرزندی‌هاشم‌خان تلگرافی از طهران نشان داد که آقای آقا زاده معاون‌کارگذاری توسط آقای حاج میرزا عبدالوهاب مخابره‌کرده بود حیرت‌کردم (راجع بمأموریت خودش بکارگذاری همدان) . خبر فوت خانم بدرالحاجیه والده آقایان ذوالریاستین و عنایت‌الملك در کربلا رسید .

ورود چند قزاق روس بهمدان

یکشنبه ۸ رجب ـ ورود چند نفر قزاق روس بهمدان و هیجان مردم را تلگرافاً بوزارت خارجه راپرت دادم .

حبس اجلال‌الممالك پسر حاج امیر نظام بدستور ایشان

جمعه ۱۳ رجب ـ از قرار مذکور برحسب حکم حضرت حاج امیر نظام وزیر مالیه ، مأمورین ژاندارم آقای اجلال الممالك (پسرشان) ر ادرسنگستان حبس نموده‌اند[1] .

یکشنبه ۱۵ رجب ـ فرزندی هاشم خان مذکور داشت آقای آقا زاده (معاون کارگذاری) امروز وارد میشود از خلت آباد تلفن کرد . تقریباً پنج ماه قبل از همدان با عمامه رفت حالا با کلاه برگشته میگویند کارگذار همدان شده انشاءالله مبارك است . فرزندی هاشم خان تابیرون شهر استقبال رفت .

پنجشنبه ۱۹ رجب ـ برحسب دعوت ویس قونسول انگلیس بجشن ولادت اعلیحضرت ژرژ پنجم پادشاه انگلیس (بالباس رسمی) رفتم مأمورین خارجه و حضرت والا شاهزاده سالارلشگر حکمران هم آمدند .

جمعه ۲۰ رجب ـ تلگراف وزارت خارجه در انفصال حقیر و برقراری آقای میر محمد علی خان آقا زاده درکارگذاری همدان رسید تکلیف معلوم شد .

فوت محمد حسن خان سرتیپ

جمعه ۲۷ رجب ۱۳۳۳ ـ آقا علی صبح آمد خبر داد که شب گذشته محمد حسن خان سرتیپ اخوی دارفانی را بدرود گفت خدا میداند حقیر چه حالی شدم . راجع بکفن و دفن او گفتم هرطورمیدانید بکنید باجمعی زیاد بامامزاده یحیی‌برده دفنش‌کردند

۱ـ آنچه بیاد دارم این اقدام درنتیجه دخالت آقای اجلال الممالك در دهات پدرشان و اخذ پول بدون اجازه ایشان بعمل آمد - نگارنده

روز بعد بزحمتی بمسجد بفاتحه مرحوم اخوی رفتم جمعی آمدند حضرت والا سالار ـ لشگر حکمران تشریف آوردند و دستور برچیدن ختم را دادند.

بمباران کرند بوسیله عثمانی ها

جمعه ۱۹ شعبان - ۱۰ سرطان ۱۳۳۳ هجری - ازقراریکه آقای میرزا علی اکبر خان کرمانشاهی اظهار میداشت . حسین رؤف رئیس قوای عثمانی، کرند را بمباران‌کرد و ازهیجان اهل‌کرمانشاه و جنك با حسین رؤف و رفتن بعضی از علماء برای اصلاح صحبت میکرد.

شنبه ۲۷ شعبان - روز عید ولادت اعلیحضرت سلطان احمد شاه است دیشب در ادارات خصوصاً حکومت جشن منعقد بود . از کارگذاری آقای آقا زاده کارگذار و فرزندی هاشم خان اخوی شام درحکومت موعود بودند . شهبندر عثمانی و قونسول آلمان هر دو دعوت داشته‌اند .

عزیمت از همدان بقرخلر

دوشنبه غره ذیحجه ۱۳۳۳ - ۱۸ میزان - هوا مساعد صبح برحسب استخاره از کلام الله مجید با خانم والده مسعود از شهر همدان حرکت‌کرده بعد ازظهر بقرخلر رسیدیم . تقریباً هفت سال بیشتر یا کمتر بود هیچ بقرخلر نیامده بودم جز فتحعلی خان همشیره زاده و فضل‌الله خان بنی عم‌کسی‌نبود. بعد آقای عنایت‌الله خان و سایربنی اعمام عبدالله خان ، علی اکبرخان ، نورالله خان ، نصرت‌الله خان ، آقا شیخ عباسعلی آمدند و بعد رعایا آمدند[1] .

چهارشنبه ۱۰ ذیحجه روز عید اضحی (قربان) ۲۷ میزان است مزاجاً بدنیستم بالنسبه زنده بوضع‌های تغییرپذیر خیلی‌حیرت میکنم . باید من‌هم همه چیزم را اگربتوانم تغییر بدهم و الا متحمل بشوم و بکشم همه چیز را . خوانین و خواتین همه آمدند عید دیدن کردند .

شنبه ۲۰ ذیحجه - ٦ عقرب - هوا باقتضای فصل معتدل است مزاج حقیر هم مثل همیشه با خیالات گوناگون متزلزلم تا چه بروز کند و پیش آید . فوضت امری الی خالقی - رضیت بما قسم اللهلی . امیدوارم این حال را زود بحقیر عنایت نماید . حالاکه به تنهائی و بی‌کاری میگذرد نه اهل حالی نه کمالی فرد و فریدم .

۱ـ نگارنده چون مدرسه میرفتم درشهرمنزل اخوی‌ماندم بطورنمونه دو فقره از گزارشات یومیه پدرم را در ایام توقف در ده که نمایش وضع روحی او بوده است ذکر میکنم

سه‌شنبه ۱۵ محرم ۱۳۳٤ - ۳۰ عقرب (آبان) گفتند درهمدان جنگی بین قزاقها و سوارهای تجهیز شده بوسیله آلمان ها و ژاندارم واقع شده است[1] .

پنجشنبه غره صفر ۱۳۳٤ - ۱۵ قوس - خبر رسید جنك با روسها درگرفته و این طرف شکست خورده است .

جمعه ۲ صفر - دیشب صدای شلیك‌توپ آمد ده پانزده تیر بعدقطع شد درانتظار ورود قشون روس هستند .

خلعت پوشان امیر افخم

شنبه ۳ صفر ـ سوار روس آمده از قرخلر عبور میکند با کسی کار ندارند .

جمعه ۱٦ رجب ـ در شورین خلعت پوشان حضرت امیر افخم حکمران است .

پنجشنبه ٦ شعبان ـ میگویند آقای سپهبدی کارگذارجدید همدان واردشده است.

فوت حاج امیر نظام

یکشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۳٤ خبر حزن انگیز مرحوم شدن حاجی امیر نظام (بدنبال سکته ناقص ۲۷ جمادی الثانیه) رسید .

چهارشنبه ۲٦ شعبان ۱۳۳٤ ۷ سرطان (تیر) میگویند سوارروس خیلی از طرف کرمانشاه آمده بقزوین رفته و باز هم میآیند[2] .

۱ـ تفصیل این جنك و زد و خوردهای بعدی‌را درخاتمه ازیادداشت‌های خودم شرح خواهم داد ـ نگارنده

۲ـ از این تاریخ ببعد واقعه مهمی درآخرین روزنامه پدرم بچشم نمیخوردکه ذکرشود . ایشان از اول ذیحجه ۱۳۳۳ تا اواخر صفر ۱۳۳٤ درقریه قرخلر بسربرد بعد بواسطه ورود قشون روس بشهرهمدان بمنزل مرحوم برادرم منتقل شدند و ازمنزل اخوی در ۲۲ رمضان ۱۳۳٤ بمنزل متعلق به آقای عنایت‌الملك نقل مکان کردیم . برادرم (مرحوم هاشم خان) موقعیکه احرار یعنی دموکراتها بواسطه پیشروی روسها با قوای عثمانی مهاجرت کردند همراه آنها تا بغداد رفتند و مجدداً در موقع عقب نشینی روسها اوائل ذیقعده ۳٤ باقوای عثمانی و نظام السلطنه بهمدان مراجعت نمودند . در آنموقع وضع مزاجی پدرم فوق‌العاده بد بود و بالاخره درنتیجه‌کسالت ممتد در ۸ ذیحجه ۱۳۳٤ مرحوم شدند .

بطوریکه ازمندرجات روزنامه‌های اخیرمرحوم پدرم برمیآیدازاواسط مأموریت دوم خود درکرمانشاه (۱۳۲۸) در نتیجه کسالت جسمی که مهمترین آن درد کمر و پا

بقیه پاورقی در صفحه ٤٤۸ ←

شمه‌ای از رویداد های مربوط بجنك اول بین‌الملل در صفحات غرب ایران

بعد از ورود دولت عثمانی بجنگ درکنار متحدین (آلمان و اطریش) تدریجاً تحریکات عوامل آلمانی خصوصاً واسموس معروف و قونسول ها و ایادی آنها برضد متفقین درشمال و غرب و جنوب ایران شروع شد .

(روماتیسم) و ناملایمات روحی ناشی از هرج و مرج اوضاع و اغتشاشات کرمانشاه و غائله سالارالدوله (که درمتن آن واقع شده بود) و همچنین بی‌ترتیبی‌کارها و بدی وضع مالـی و نرسیدن حقوق خیلی فرسوده و ناتوان شده و آن وضعیت تا مراجعت بهمدان (۱۳۳۰) ادامه یافته و بلکه شدت کرده است . کشیده شدن دامنه جنك اول بایران و وقایع ناگوار مربوط به آن مزید برعلت گردید . بنحویکه در اواخر عمر (بین ۱۳۳۱ تا ۱۳۳٤) روحیه خود را ازدست داده و باوجود این همیشه حالت تسلیم و رضا بمشیت الهی را حفظ کرده و پیوسته شاکر بوده‌اند . این مراتب را درخلال یا خاتمه گزارش روزانه با عبارات مختلف‌منعکس‌کرده‌اند . بطوریکه قبلا هم اشاره‌کردم این‌حالت در خط وانشاء ایشان مؤثرواقع‌گردیده و وقایع مهم را اختصاراً وتااندازه‌ای مبهم ذکرکرده‌اند.

محض نمونه یك صفحه از روزنامه های ایشان را درموقع سلامت و یك صفحه دیگر را که درموقع کسالت شدید و اواخر عمر نوشته اند ضمیمه میکنم تا فرق فاحش آن دو معلوم شود .

بعلل فوق بوقایع جنك اول بین‌الملل در ایران خصوصاً غرب فقط اشاره مختصری شده درصورتیکه حائـز اهمیت زیادی است . برای اینکه این واقعه مهم تا اندازه‌ای روشن شود نقاط اساسی آن را ازروی یادداشت های خودم اجمالا برای تکمیل رویداد های آن قسمت از زمان که مربوط به روزنامه پدرم است مینگارم .

(ماه نومبر فرنگی ۱۸۸۴)

(۴) جناب ناظم الدوله محض امتحان چند کلمه زبان انگلیسی با من تکلم فرمودند (۵) گاه فاکس دی بود باز در ازل و طفال لندن مثل پارسال امسال متوالی بطورهای مضحک ساخته در کوچها میگردانیدند این قصه در پنجم هر ماه نومبر در لندن بعینه مثل نهم ربیع الاول در ایران . (۶) هوای لندن قبل از ظهر بسیار دودمان مثل دود غلیظ بود بطوریکه در خانها و دکانها چراغ روشن کردند بعد طرف عصر هوا قدری بهتر شد کاغذی از سرکار میرزا عبدالله خان از طهران نمی رسید کاغذی به اخوی مهرحسن خان و به آقا میرزا حسن سررشته دار تلگرافخانه نوشته بهمدان فرستادم یک روز نامه مقصد لندن نیوز موسوم است برای حاجی میرزا مهرخان بطهران فرستادم . (۷) بعادت یومیه بسفارت علیه رفته و بمنزل برگشتم (مستر فاشتر) رئیس اداره حلقه پوستخانه لندن فوت شد از قرار مشهور شخص بسیار با علم و تدبیر بود و در سن بیست و یک سالگی از چشم نابینا شده و در سن پنجاه و ده درگذشت پدرش از قراریکه میگویند الآن زنده و ۹۳ سال دارد . (۸) هوای لندن خوش گذشت . (۹) در سفارت ثبت بعض تلغرافات را نوشتم من جمله یک تلغراف تقصیرات جناب ناظم الدوله با جناب لارد دوفرین فرمانفرمای جدید هندوستان مجمع از تقریرات فرمانفرمای معظم الیه از اقرار است در گفته عثمانیها احمق هستند حالا دیگر جای هیچ امید از جنس عثمانی باقی نمانده و کار آنها گذشته است اما جنس ایرانیها از اولین جنس دنیا است و ما ملل فرنگستان از جنس ایرانی هستیم از جمله غرایب تاریخ اینست در عموم طوایف قدیم محو شدند در میان آنهمه انقلابات دنیا هنوز ایران در قدرت خوانی باقی و استعداد همه جور ترقی را دارد ولی آبادی و ترقی ایران موقوف بر این است در اولین دولت علیه یک حرکتی کنند رابطه و تجارت مملکت خودشان را با ممالک فرنگستان وسعت بدهند . (۱۰) بتماشای کبکبه و جلال حاکم جدید لندن رفتم در بزبان انگلیسی همچو زنی را لارد میرشو میگویند رسم حکومت لندن اینست که هر سال باید حاکم شهر عوض بشود و عوض میکنند و متداول است که روز اول حکومت حاکم جدید باید از عمارت گلد هال حرکت کند و تمام جلال و تشریفات سلطنتی را برای او قرار بدهند و با آن شوکت و عظمت دولتی و ملتی از کوچها و معابر عامه شهر عبور بدهند

یک صفحه از روزنامه‌های خط فریدالملک که درلندن نوشته شده

آخرین صفحه یادداشت‌های روزانه مرحوم فریدالملک

بطوریکه ملاحظه میشود بواسطه کسالت ممتد، لرزش‌دست وپریشانی حواس یادداشت‌ها بطور اشاره خیلی موجز ونا مرتب نوشته شده است. شگفتی دراینست که‌آخرین سطرتاریخ فوتش‌را (هشتم ذیحجه الحرام ۱۳۳٤) ذکرنموده وچیزی درمقابل‌آن نوشته نشده است درصورتیکه‌چند روز قبل ازدرگذشت‌درحال اغماء بود وبدیهی‌یست درآن وضع نه تنها قادربنوشتن نبوده بلکه توانائی تکلم را نیزنداشت.

این وقایع از اوائل سال ۱۳۳۳ هجری آغاز گردید . درجمادی‌الاول ۱۳۳۳ آلمانها شخصی را بنام وبر که مدیر یك شرکت فرش بود برای اولین بار در همدان قونسول تعیین کردند . شهبندر یا قونسول عثمانی هم سعید بیك نام داشت .

نمایندگان متحدین (آلمان و عثمانی) درتمام‌مملکت و بیشتردرصفحات غرب بفعالیت پرداختند . حزب دموکرات که باروسها و انگلیسها مخالف بود با کمك مالی که ازطرف‌آلمانها میشد عده‌ای را مسلح نمودند و قوای ژاندارمری‌راکه درهمدان‌تحت ریاست کلنل‌محمد تقی خان پسیان معروف بود بطرف خود جلب کردند . در آن زمان عده‌ای قزاق ایرانی (وشایدهم عده‌ای روس)برای حفاظت قونسولگری روس‌آمده‌بودند.

جنگ تپه مصلی

بخاطر دارم درشب سه‌شنبه ۱۵ محرم ۱۳۳٤ (۳۰ آبان ماه) صدای شلیك شدید تفنگ و رگبار مسلسل اهالی همدان را از خواب بیدار کرد . صبح معلوم شد افراد مسلح و مجاهدین حزب دموکرات و ژاندارم ها به تپه مصلی که در دست قزاقها بود حمله کرده و پس ازدادن چند نفر تلفات آن را متصرف شده‌اند و قونسول روس تحت حمایت قزاقها بطرف قزوین رفت .

مهاجرت عده‌ای‌ازهمدان

درهمان ایام‌سربازان روس‌بطرف‌تهران‌رفتند . و عده‌ای ازوکلای مجلس و افراد حزب دموکرات از پایتخت خارج و بطرف غرب آمدند . حتی سلطان احمد شاه در صدد حرکت به اصفهان بود ولی سفرای روس و انگلیس تأمین داده و مانع شدند.

تشکیل حکومت ایران آزاد درکرمانشاه

عده مهاجرین به مرحوم نظام السلطنه مافی‌که حکومت لرستان را داشت پیوسته و بکرمانشاه آمدند و درآنجا حکومت ایران آزاد را تشکیل دادند . ریاست این حکومت با نظام السلطنه و ازجمله وزراءآن سلیمان میرزا ، حاج عزالممالك‌اردلان، سمیعی ومیرزا محمد علی خان فرزین بودند .

جنگ آوج وعقب نشینی ایرانی ها

عده قشون روس که بفرماندهی ژنرال باراتف از قزوین بطرف همدان میآمدند درآوج بین آنها و مجاهدین و ژاندارم ها جنگی درگرفت (۲-۱ صفر ۱۳۳٤) و ایرانی ها عقب نشینی نموده همدان را تخلیه و پل کوریجان را که در ۳۵ کیلومتری همدان بود برای جلوگیری ازعبور قوای روس خراب و بطرف‌کرمانشاه حرکت کردند .

وحشت و اضطراب زیادی براهالی همدان مستولی شد .

ورود قشون روس بهمدان

مرحوم امیرافخم که حاکم همدان بود مرحوم عنایت الملك را برای مذاکره با پیش قراولان قوای روس بجاده قزوین فرستادکه موقع ورودصدمه‌باهالی‌نرسانند . عده‌ای‌ازوجوه اهالی وروحانیون به بیرون شهر باستقبال روسها رفته و برسم دیرین نان و نمك همراه بردند .

روسها در تعقیب ایرانی ها تا مرز غرب رفته و درآنجا با قوای عثمانی مواجه شدند . رفتار روسها چه در شهر و چه در دهات بد بود و غالباً مزاحم مردم میشدند در شهر هرچه خانه بزرك و خوب بود تصرف میکردند. ما ناچار شدیم منزل را باداره نظمیه که درآن موقع سلطان حسن خان افسر ژاندارم (سرلشگر بقائی بعدی) ریاست آن را داشت باجاره بدهیم .

حمله قوای عثمانی بروسها و عقب نشینی آنها

روسها تا تابستان ۱۳۳٤ درغرب مستقر بودند . پس از تصرف کوت‌العماره‌ازطرف‌قوای‌عثمانی‌واسارت‌ژنرال (تونشند) انگلیسی‌با ۱۳ هزارنفرافسر وافراد قوای ایرانی و هیئت دولت موقت‌که در بغداد بودند باهمراهی قوای عثمانی تحت فرماندهی علی احسان بیك (بعد پاشا شد) بطرف ایران حرکت‌کرده پس از چند جنگ سخت در پاطاق و گردنه بید سرخ و وارد آوردن تلفات بسیار سنگین بقوای روس اواسط تابستان ۱۳۳٤ هجری بهمدان وارد شدند .

ورود قوای عثمانی بهمدان

اهالی استقبال شایانی از قوای عثمانی‌کردند و روسها بطرف آوج عقب نشستند . رفتارعثمانی‌ها بالنسبه بد نبود ولی باوجودکمك آلمانها وضع مالی آنها خوب نبود در مقابل اجناسی‌که‌میخریدند اسکناس میدادندکه ارزش نداشت . خط‌جنگی‌متخاصمین بین‌همدان و آوج بود و گاهگاهی زد و خوردی بین آنها رخ میداد بعد ازمراجعت ازکرمانشاه روسها خیلی بدهات خسارت وارد میکردند . من جمله قریه قرخلر که در خط جبهه‌واقع شده بود و ملکی ما و خویشاوندان بود .

بمناسبت اینکه مرحوم هاشم خان اخوی و اسد خان قرائی (عمه زاده) دربین قوای ایرانی مخالف متفقین بودند روسها عمارات قدیمی مالکین را بکلی‌ویران ساخته و عده‌ای از خویشان‌راباسارت‌بقزوین بردند که بعد از مدتی بوسیله مرحوم امیرنظام (حسینقلی خان) مستخلص شدند .

عثمانیها درزمان توقف خود درهمدان خیلی از اهالی‌تحبیب میکردند . دریکی از اعیاد مذهبی (تصور میکنم ولادت حضرت رسول) علی احسان پاشا فرمانده قوا با عده‌ای‌ازافسران‌عثمانی بمسجد جامع آمد . عده زیادی از اهالی درمسجد حضور داشتند قراء ترك قرائت قرآن میکردند و بسته های شیرینی بین مردم تقسیم شد . مرحوم برهان المتکلمین که از وعاظ معروف و ضمناً درحزب دموکرات بود غالباً با خطابه‌های هیجان انگیز خود درمنابر پایداری درمقابل متفقین را توصیه میکرد .

عقب نشینی عثمانی ها و ورود قوای انگلیس

قوای عثمانی تااواسط سال ۱۳۳۵درصفحه غرب بودند . تااینکه قوای تازه انگلیس برای جبران شکست‌کوت‌العماره بطرف بغداد حمله‌کردند و ژنرال مود Maude معروف بغداد را تصرف کرد . ترك ها ناچار بعقب نشینی شدند و روسها بدنبال آنها شتافتند .

در همان اوان (۱۹۱۷) انقلاب روسیه شروع شد و شیرازه انتظام قوای روس از هم گسست و بین قشون کمیته های انقلابی تشکیل شد . انگلیس ها که وضع را چنان دیدند قوای کافی انگلیس و هندی برای جانشینی قوای روس بایران فرستادند .

روسها با بی‌نظمی بطرف روسیه رهسپار شدند و انگلیس ها در تعقیب آنها تا بندرپهلوی و بعد هم بیادکوبه رفتند .

در دنبال این قشونکشی و خرابی های وارده قحطی وحشتناکی بروز کرد که عده زیادی چه در شهر و چه در دهات بهلاکت رسیدند . در این بین بیماری مهیب (آنفلوآنزای اسپانیائی) معروف‌که میلیونهادر اروپا قربانی‌گرفت‌در ایران بروز کرد و عده زیادی از بقایای قحطی زدگان را از بین برد بطوریکه بعضی از دهات بکلی خالی ازسکنه شد و بقیه منظره رقت انگیزی داشتند .

بطوریکه قبلا ذکر شد توضیحات فوق برای تشریح وقایعی است که مرحوم پدرم در روزنامه خودشان بواسطه کسالت مختصراً بدانها اشاره کرده یا اساساً ذکری از این روی دادهای مهم نموده‌اند بمنظور تکمیل مندرجات کتاب چند صفحه تحت عنوان (توضیح پایان کتاب) بنظر خوانندگان گرامی میرسد :

توضیح پایان کتاب

قاعدتاً این توضیح میبایستی درمقدمه داده‌شودولی چون مدتی است مقدمه بچاپ رسیده ناچار در پایان درج میشود .

بطوریکه خوانندگان گرامی درمقدمه کتاب ملاحظه فرموده‌اند مطالب مندرجه ازبین مطالب ده جلد روزنامه شخصی پدرم که جنبه تاریخی ، اجتماعی و سیاسی داشته یا نمایشگر آداب و رسوم و عادات زمان بود انتخاب گردیده است . چنانچه بنظر میرسد اسامی زیادی در ضمن کتاب ذکر شده برای شناسائی شخصیت‌های وقت است و بمنزله تذکره میباشد .

گرچه پدرم دربیان وقایع و رویدادها بایجاز و اختصار پرداخته وکمتر اظهار نظرنموده ولی در ذکر رؤس مسائل کوتاهی نکرده وسلسله متوالی مورخ وقایع استنتاج را برای علاقمندان میسر میسازد .

موضوعهای گوناگون درشئون مختلف بطورپراکنده باذکرتاریخ ضمن یادداشتها نوشته شده‌ولی بعضی نکات واصطلاحات که برای مردم آن زمان عادی وآشنا بود ممکن است برای مردم امروز یا فردا نا آشنا وشایدنا مفهوم باشد و بهمین جهته مبادرت بنوشتن این سطور نمودم . باآنکه اوضاع ایران در دهه سوم قرن ۱٤ هجری (انتخاب این بخش از زمان بدین لحاظ است که رسوم قدیم در اوائل آن متداول و رسوم جدیددر اواخر آن شروع گردید) که مقارن انقلابات و مشروطیت است از هرحیث دستخوش دگرگونی گردید مدتها سنن گذشته یا لااقل قسمت مهمی از آن پابرجا ماند . چون افراد جامعه کنونی غالباً واقف بسنن ازبین رفته نیستند با استفاده از یادداشتهای این کتاب وخاطرات خودم توضیحاتی در زمینه این سنن و نظامات آن زمان میدهم .

بدیهی است این توضیحات بیشتر مربوط بصفحه غرب خصوصاً کرمانشاه وهمدان است که طفولیت وایام شباب را درآنجا گذرانده‌ام خواهدبود » البته این سنن کم و بیش با سنن متداوله در سایر نقاط کشور مشابهت داشت . در اوائل دهه که مورد بحث است نظام استبداد و در اواخرآن اسماً نظام مشروطه برقرار بود .

وضع سازمان اداری : بطورکلی در رژیم استبداد تمام اختیارات در دست حکام

و ولات متمرکز بوده و وظائف ادارت امروزی را بوسیله عمال ومأموران خود بااختیار مطلق و مطابق میل‌و سلیقه خود انجام میدادند .

مثلا داروغه بجای رئیس‌شهربانی‌وشهرداری بوظائف محدودخود اقدام‌میکرد. مأموران داروغه اعطاس نام داشتندکه مأمور حفاظت وقائم مقام پلیس درشب‌ها بودند. ساعات عبور و مرور در شب محدود بود و موقعیکه طبل (بگیرو ببند) نواخته میشد هیچ‌کس جز با داشتن (اسم شب) حق خروج ازمنزل را نداشت . دعاوی غالباًبوسیله حکام شرع یا بطور کدخدامنشی بوسیله عمال حاکم حل و فصل میشد . مرسوم بود از طرفین دعوا ده یك و ده نیم وصول‌میکردند . البته حق‌وحساب مأموران اجرا (فراشان) که (قلق) نامیده میشد از حق رسمی خارج بود . اجراء تنبیه و سیاست از مختصات حکام بود .

تنبیهات مهم از قبیل کوش ، دست یا سربریدن و یا دم توپ گذاشتن بوسیله میرغضبان که لباس سرخ می‌پوشیدند انجام میگرفت .

در محبس پای زندانیان را قبل ازمشروطیت (حتی تا مدتی بعد) کندمیکردند (خلیلی) بکندهائی اطلاق میشدکه پای چند نفر را در آن میگذاشتند .

معمولا بگردن مجرمین زنجیر میبستند .

فقط رئیس تلگراف و پست وگمرك از حوزه حاکم خارج بودند . چون رئیس تلگراف گزارش‌ها را بمرکز میداد خیلی طرف توجه حکام بود و حتی اگر حاکم خیلی مقتدر نبوداز اوحساب میبرد . پست‌وگمرك بوسیله بلژیکی‌ها ومأموران‌آنها اداره‌میشد.

تامین راهها وجاده‌ها با افراد (قراسوران) بودودربعضی نقاط‌که راه از قلمرو یك ایل میگذشت امنیت جاده برئیس ایل سپرده میشد .

روحانیان فوق‌العاده مورد احترام و اعتناء بعضی‌ها خیلی مقتدر و صاحب نفوذ بودند . عمل آقا شیخ باقر مجتهد همدانی را که در صفحه ۳۶۸ کتاب ذکر شده شاهد مثال بیاورم . نامبرده یك نفر قاتل را در ملا عام بدست خودگردن زد و حد شرعی را جاری ساخت . دخالت آنها در امور اجتماعی و سیاست زیاد بود . دخالت ملاکاظم خراسانی ، آقای سیدعبداله بهبهانی و آقای سید محمد طباطبائی در پیشرفت مشروطیت وحاج شیخ‌فضل‌اله را در پشتیبانی استبداد میتوان بطور نمونه ذکرکرد .

مقرراتی که در بالا ذکرشد شامل اتباع ایران بود . اتباع خارجه بواسطه (کاپیتولاسیون) یا حق قضاوت قونسولها مشمول نبودند . کارگذاری‌ها در شهرهای بزرگ وسرحدی از طرف‌وزارت امورخارجه مأموریت داشتندباحضور نماینده قونسولها بدعاوی اتباع خارجه نسبت باتباع ایران یا بالعکس رسیدگی کنند . در کرمانشاه

قونسولگری روس وانگلیس و شهبندری عثمانی وجود داشت . پس‌از الغاء کاپیتولاسیون بوسیله رضاشاه کبیر دربعضی ازشهرها قونسول وجود داردولی مأموریت آنها صرفاً سیاسی و اقتصادی است اما درآن زمان خصوصاً پس‌از انتقاد قرارداد تقسیم ایران بمناطق نفوذ انگلیس‌وایران (۱۹۰۷) قونسولهای خارجی‌بعنوان حفظ منافع اتباع خود (بعضی از ایرانیها خود را تحت‌الحمایه قرارداده بودند) در اموردا‌خلی دخالت میکردند و اعمال قدرت مینمودند . کارگذار علاوه بر رسیدگی بکارهای اتباع بیگانه بامور اقلیت‌های مذهبی‌هم میرسید .

مقررات خاصی برای این رسیدگی نبود . اصحاب دعوی بکارگذاری مراجعه میکردند و عمل‌آنها از طریق کدخدامنشی وصلح ومصالحه خاتمه داده میشد و هریك از متداعیین بعنوان ده یك و ده نیم میزان دعوی حقی میپرداختند . این مبالغ کمك کارگذار بوده چون مقرری ناچیز کاوگذاری کفایت مخارج سنگین را نمیکرد زیرا در آن اوقات مهمانخانه درکرمانشاه وجود نداشت وکارگذارقهرآمیزبان دوستان ، آشنایان ومأموران دولت بودکه برای زیارت یاعبوراً ازکرمانشاه میگذشتند بود .

کارگذاری‌کرمانشاه علاوه بروظائف فوق مرکز صدور تذکره زوار عتبات بود وازاین لحاظ خیلی اهمیت‌داشت زیرا زوار ازتمام نقاط ایران‌برای‌گرفتن تذکره بکرمانشاه میآمدند . در نظردارم نزدیك ایام زیارتی (محرم - صفر ـ اعیاد) دستجات بزرگ زوار در حالیکه پیشاپیش آنها (چاوش) اشعارمذهبی میخواند دستجمعی‌بکارگذاری میآمدند.

در ایام اغتشاش قونسول انگلیس یك عده سوار نظام هندی ، قونسول روس‌یك عده قزاق روس وشهبندر عثمانی عسکربرای حفاظف قونسولگری داشتند . حرکت‌حکام وشخصیت‌ها ازجمله کارگذار درشهرتشریفات‌خاصی داشت . اغلب سواره بجائی میرفتند. یك نفرجلودارکه معمولا میرآخور بود با اسب درجلو و دو یا چندنفر سوار ملازم هم در دنبال حرکت میکردند . حکام اگر پیاده براه بیافتادند درجلو آنها عده شاطر وفراش و درعقب ملازمین بودند .

در مواقع رسمی‌یا استقبال وبدرقه برای احترام یك‌یا چندیدك درجلومیکشیدند یدك عبارت ازسواری بوده‌که اسب دیگری را بدون راکب بدنبال خود میکشید . روی این اسب پارچه ماهوت قلابدوزی که از رشت میاوردند انداخته میشد . در جلو جنازه اشخاصی متعین و در ایام عزا داری محرم جلو دستجات عده زیادی یدك متعلق باعیان شهر حرکت میکرد .

تعلیم و تربیت ـ مکتب خانه‌های معدود تنها وسیله تعلیم عمومی بود . در مکتب شاگردان روی زمین مینشستند . اعیان واشخاص مرفه برای اولاد خود معلم

سرخانه میآوردند . پس‌از اعلام مشروطیت دومدرسه درکرمانشاه دائر شدولی در غائله سالارالدوله بعلت اغتشاشات هر دوبسته‌شد . فقط مدرسه‌آلیانس اسرائیلی در کرمانشاه و تهران ومدرسه امریکائی درتهران (که میسیون مذهبی امریکائی تأسیس کرده بودند) مدارسی جدید بؤدندکه اولی دروس را بزبان فرانسه و دومی بزبان انگلیس میآموختند. زبان فارسی و عربی فقط ازلحاظ زبان تدریس میشد .

بزبان عربی اهمیت زیادی داده میشد . نگارنده درسن۱۲ سالگی‌کتاب جامع - القدمات را که شامل جزوه‌ای از منطق بود تمام‌کرد :

باطفال پس‌از آشنائی کافی بخط وخواندن عمه جزو کـه جزوه‌ای از قرآن و نصاب‌الصبیان‌که لغات عربی درآن باترکیب معانی فارسی بصورت شعر تنظیم شده بود تدریس میشد .

خلاف کاریهای شاگردان را در مکتب‌خانه ومدرسه بوسیله چوب وفلك تنبیه میکردندپس‌ازخاتمه درس مرسوم بود لله‌ها میآمدندوبچها را بمنزل میبردند و در اوقات تعطیل لله‌ها بچهائی‌که باهم دوستی خانوادگی داشتند جمع کرده برای گردش بباغات خارج شهر میبردند هربچه‌که درمنزل شیطنت‌کرده بود بوسیله لله‌ها تنبیه میشد .

پسرهای‌مأموران عالیرتبه دولت لباس رسمی (سرداری بایقه مغزی‌یا یراق‌دار وکلاه باشیرخورشید طلا) میپوشیدند .

ورزش منحصر بزورخانه بود (تقریباً بوضعی که ورزشگاه‌های باستانی کنونی دارند) ولی معمولا لوطی‌ها و داش مشدی‌ها مشتریان زورخانه بودند .

لباس معمول در آن زمان

لباس مردان ـ درکرمانشاه لباس مردم عادی‌وکسبه عبارت از شب‌کلاهی‌بود که دورآن (کلاغی) میبستند . قبائی‌که بکمرآن شال‌کم‌وبیش پهن بسته میشد در زیر کمرچین میپوشیدند . بعضی اشخاص باتاسی‌بعشایر یك‌نوع‌کلاه نمدی موسوم به (گگو) بسرگذاشته و کلاغی بطرزخاصی دورآن میپیچیدند ، این‌کلاه در قسمت پائین قالب‌سر و در بالاگشاد بود . این اشخاص روی قبا شال پهن داشتند و سرداری و شلوار گشاد میپوشیدند - لباس مأموران دولت واشخاص متجدداعیان عبارت بود ازکلاه نمد یاپوست ستره (قبای‌کوتاه) باکمربند یا جلیقه وشلوار .

کسانی‌که باخارجی‌هاسروکارداشتندوباصطلاح مستفرنگ بودند بجای سرداری ردنگت میپوشیدند . لباس عشایر و ایلات مختلف متمایز بـود و نمونه‌های آن هنوز باتغیراتی باقی است جالبتر ازهمه لباس ایل سبحانی بودکهٔ قبائی بلند داشتند و روی‌آن

جلیقه قلابدوزی یا (پستك) میپوشیدند . آستین‌پیراهنشان‌باندازه بلندبودکه دور بازوی خود میپیچیدند یا پشت‌گردن گره میزدند .

اعیان ومتفذین همیشه‌باچندنفرافرادمسلح حرکت‌میکردند . اغلب‌مردم‌بواسطه نا امنی و اختلافاتی‌که باهم داشتند مسلح بودند . نوع سلاح ابتدا تفنگ‌های قدیمی با گلوله سربی وبعدتفنگ‌های سه‌تیروپنج‌تیرباگلوله باصطلاح ورشوبود . هفت‌تیر وماوزر را که د، تیرمیگفتند بکمرمیبستند .

درهمدان لباس‌کسبه قباوارخالق (نوعی‌کت بی‌آستین) یالباده و وکلاه پوستی (باپارچه شبیه پوست) بود ، بعضی از تجارعمامه (شیرشکری) که پارچه آن دارای گل‌های زرد بود بسرمیگذاشتند . مأموران دولت و اعیان سرداری باستره یاجلیقه دربر میکردند . پوشیدن عبا روی لباس تـا موقـع عوض شدن کلاه (زمان رضاشاه فقید) متداول بود .

لباس زنان ـ لباس‌داخلی زنهای شهری‌بطورکلی عبارت بود از یل (نوعی کت کوتاه یقه بسته‌که ازجلو دکمه داشت) ، شلیطه (شبیه مینی‌ژوپ چین‌دار) شلوار سیاه‌تنگ ، چارقد (نوعی روسری بزرك‌ازپارچه سفیدونازك که زیوگلو سنجاق میزدند) وچادر نماز خانم‌های متجدد وجوان درابتدا شلوارکش و زیرشلیطه تنبان فنر میپوشیدند (میگویندناصرالدین‌شاه درسفر اروپا ازلباس بالرین‌ها خوشش‌آمده و تنبان فنر را بعنوان سوقات برای زنهای خود آورد) ولی بعد پیراهن بلند که زنهای ارمنی میدوختند مـد شد . هنوز لوازم آرایش خارجی متداول نشده بود . زنها وسمه به ابرومیکشیدند و از سرخاب وسفید آب استفاده میکردند .

برای آرایش مو گیسوان را با فنرجلو سرلوله میکردند و روی آن شانه‌های مخصوصی میزدند . زنهای عادی علاوه برچادر سیاه که برسرمیکردند (چاقچور) هم میپوشیدند ولی متجددین آن را به نیم چاقچورکه تا زیرزانو بود تبدیل‌کردند جلوچادر را با حاشیه‌های گلدار و مشبك تزئین مینمودند . بمنظور پوشیدن صورت در کرمانشاه (پیچه) عمومیت‌داشت ولی دوسایر شهرها جزطبقه مرفه‌بقیه (روبند) میزدند . پیچه نقابی بودکه با موی اسب میبافند وروبند نقاب بلند سفیدی بود که قسمت جلو چشمها را مشبك میکردند .

زینت‌آلات خانم‌ها در آن ایام معمولا عبارت بـود از کوشواره ، سینه ریز ، گلوبند، دستبند ، سرکیس ، کرمك وپاحلیله طلا .

سرکیس ماهی‌های کوچك طلا بودکه با حلقه وقیطان بمنتهاالیه‌کیس‌های بافته میآویختند کرمك و پاحلیله را بمچ پا میبستند .

ایلات کرمانشاه

ایلات وعشایر مهم کرمانشاه عبارت بودند از :

ایل کلهر که عده آنها بیشتر ازسایرین و رئیسشان داودخان سردار مظفر بوده باسالارالدوله همکاری داشت و در جنگ کشته شد . اسم او کراراً در این کتاب ذکرشده است ایل سنجابی درآن‌زمان تحت ریاست شیرخان صمصام‌الممالك قرار داشت . نامبرده چند پسرداشت یکی از آنها علی‌اکبرخان سردار مقتدر بود . با مهاجرین درجنگ اول همکاری میکرد ایل گوران (در حوالی کرند) ایل قلخانی (درحوالی سرپل ذهاب) و ایل کاکاوند (درحوالی هرسین) اهمیت کمتری‌داشتند . افراد دوایل اخیر غالباًبسرقت وچپاول مشغول وباعث ناامنی راهها بودند .

هریك از رؤسای‌ایلات یا پسران آنها با یکی ازخانواده‌های سرشناس کرمانشاه نسبت‌داشتند باین معنی‌که اعیان شهر برای ازدیاد نفوذ و قدرت یا حفظ املاك خود برؤسای ایلات دختر میدادند و در مقابل آنها بمنظور اینکه در شهر دست داشته باشند با خانوادهای معروف شهری وصلت میکردند . مثلا یکی از دختران شاهزاده محمدباقر میرزا دولتدار عروس شیرخان سنجابی ، دختربرادرش همسرسالارمنصور رئیس ایل‌گوران بود وسالار اشرف پسر ظهیرالملك دختر خود را به پسر والی پشتکوه داده بود .

رسوم و عادات ـ بعضی از رسوم و عادات زمان مورد بحث اکنون‌متروك و برخی بصورتی باقی است . مثلا جشن (ختنه سورانی) که سابقاً بـه تفصیل گرفته میشد اکنون عمل بطور ساده در مطب دکتر انجام میگیرد .

پاره‌ای از مراسم عقد وعروسی از بین رفته و بقیه باتغیراتی بجای مانده است مثلا رسمی‌که در صفحه ۸۶ کتاب ذکر شده‌و مربوط بسال ۱۳۰۵ هجری است در زمانی که راجع بآن بحث میکنیم معمول نبود . بنابراین در اینجا نسبت بپاره از مراسم که از بین‌رفته اشاره‌میکنیم . سابقاً عروسی‌هاخیلی‌مفصل بودواحیاناً هفت روز بطول‌میانجامید و هرروزبکاری‌اختصاص داشت : (حنابندان - بنداندختن صورت عروس - حمام‌رفتن ، بزك‌که بوسیله مشاطه انجام میشد ـ خلعت پوشان . . .) . درشب‌عروسی عده ازمنزل داماد برای بردن عروس بخانه او میآمدند . چون شهر توسعه فعلی را نداشت بیشتر عروس‌را با بدرقه عده زیادی از اقوام و دوستان طرفین پیاده بمنزل داماد میبردند روی چادر عروس پارچه ابریشمی سفیدی بنام دواق میانداختند که سر وصورت و قسمتی از بدن او را میپوشانید بطوریکه جائی را نمیدید و (ینگه)ها دو بازوی او را گرفته در راه رفتن کمکش میکردند . دور سر عروس رشته‌ای از الیاف طلائـی کـه (گیله) نام داشت میآویختند . در جلو عروس دو ردیف لاله دار و فانوس‌کش حرکت میکرد . در

پیشاپیش مداح با صدای رسا اشعار مذهبی میخواندکه ترجیع (آن نادعلیاً علیاً یا علی) بود . در نزدیکی منزل داماد در حالیکه طرفین‌اودونفر باسم (ساق دوش) و(سلدوش) بودند باستقبال عروس میآمد و سیبی حواله سرعروس میکرد . (بقیه مراسم از قبیل قربانی گوسفند و دست بدست دادن عروس و داماد و غیره هنوز باقی است .

یکی دیگر از مراسم برگزاری عید عمر یا باصطلاح عمرکشان‌بودکه‌مدتهااست متروك شده این مراسم در نهم یا دهم ربیع‌الاول هر سال که تاریخ قتل عمربن خطاب محسوب میشد بعمل میآمد . خانواده‌های متعصب هریك بفراخور حال خود جشن برپا نموده و از عده دعوت بروضه عمر میکردند . تشریفات از این قرار بود : هیکلی را با چوب وپنبه و پارچه درست‌کرده و با سرگین گوسفندان تزئین میکردند . بساط شیرینی و تنقلات چیده میشد . مدعوبین پس‌ازشنیدن روضه عمرکه عبارت از اشعار مضحك بود وبوسیله اشخاص مخصوصی خوانده میشد بدست زدن و شادی میپرداختند . بعد روی هیکل نفت ریخته آن را آتش میزدند و آتش‌بازی میکردند ، غیراز شیرینی‌های معمولی برای تفریح‌نقل‌های مخصوصی‌که متحوی پشگل‌گوسفدبود درست میکردند و بمدعوین عرضه مینمودند . اشخاصی‌که نفهمیده از نقل‌ها در دهان میگذاشتند مورد مسخره‌سایرین قرار میگرفتند .

تشریفات عزاداری که اکنون و از مدتها قبل با قرائت قرآن ظرف دو ساعت خاتمه مییابد سابقاً یك هفته و حداقل سه روز طول میکشید .

درکرمانشاه عزاداری جنبه خاصی داشت . درمرك اعیان و ملاکین رسم براین بود که برای تشییع جنازه عده زیادی از رعایای زن و مرد متوفی با اسبی که کتل نامیده میشد شیون‌کنان بشهر آمده جنازه ارباب را مشایعت میکردند . اکرمیت لباس رسمی داشت آن را روی اسب‌کتل میآنداختند و زنها گیس خود را بریده اطراف زین آویخته با فریاد یك نواخت (وای وای) صورت خود را میخراشیدند .

درمجلس فاتحه زنانه تازه‌واردین را با آهنك وای وای و خراشیدن صورت استقبال میکردند . (شاید هنوز این رسم درپاره طبقات کرمانشاه باقی باشد) مردها در تشییع جنازه بکلاه خود گل میمالیدند و در مجلس فاتحه کلاه را بر زمین زده با مشت بسر خود میکوفتند .

در عزاداری محرم روضه خوانی و تعزیه خوانی و تشکیل دستجات سینه زن و زنجیرزن و تیغ زن مانند سایرنقاط ایران معمول بود . لوازمی‌که در آن زمان و چندی بعد همراه دستجات سینه زن بود از قبیل (یدك ، عماری حجله ـ نعش ـ سرهای روی نیزه ـ اسرا و غیره) و تیغ زدن مدتی است متروك شده .

بخاطر دارم درهمدان یك روزعاشورا که مصادف با زمستان بود برای اینکه شهید غرقه بخونی را نمایش دهند مردی را با لباس پاره پاره در یك خانچه فلزی قرار داده ودرون خانچه مقداری مایع قرمز رنك ریخته بودند و آن مرد باصطلاح در خون خود میغلطید . چون زمستان و ممکن بود آب یخ کند یك نفر منقلی را زیر خانچه گرفته بود .

درکرمانشاهمراسمعزاداری مفصلترو با شکوهتربودبعضی از اعیانروضهخوانی را درتکایایخودشان انجام میدادند . تکایا را با جار وچهل چراغ ولالههای زیادتزئین میکردند . تکیه حسینخان معینالرعایا بین سایر تکایا ممتاز بوده . بطوریکه میگفتند در ایران نظیر نداشت ، وسعت بنای سرپوشیده آن متجاوز از دو هزار متر بودکهتمام دیوارهابطرزجالبی آئینهکاری شده وگویهای بزرکبلوری رنگارنك ازسقف آویخته شده بود . در قسمت بالای تکیه بعرض بنا و بارتفاع زیادی روی پلهها جارو شمعدان و چراغ قرارمیدادند . در دهه اول ماه محرم بسینهزنهایمحلی وعده زیادی ازمردم پلو داده میشد . پس از آینکه تکیه را آتش زدند (تفصیل درکتاب هست) بچهها بمناسبت اینکه دیگرپلوی داده نمیشدتصنیفی بکردی ساخته بودندکه یك بیت آن در نظرم هست.

(پلو تمام بیبرا ـ باوك حسینخان درآ (یعنی برادر دیگر پلو تمام شده پدر حسینخان بیرون درآید)تکیه عبدالله خان بیگلربیگی و حاج سیدنیز جالب بود . اهالی کرمانشاه نسبت بحاجی سید ارادت میورزیدند ولی بیندسته سینه زن حاجی سید (محله فیض آباد) و سینه زنهای معین الرعایا (محله برزه دماغ) اختلاف بود و معمولا هر سال روز عاشوراکه دستجات باصطلاخ خودشان برای (بریدن قتل) بسرقبرآقا (قبرستان عمومی) میرفتند آنجا دو دسته بزد و خورد میپرداختند . بدین ترتیب که عماریها را پرازچوبوچماق و قمه میکردند همینکه دو دسته بهم میرسیدند موضوعی را بهانهکرده بهم میریختند ومشغول زد وخورد میشدند .

نظیر این اتفاق در همدان رخ میداد یعنی سینه زنهای دو محله که یکی اسم حیدری ودیگری نعمتی برای خود انتخاب کرده بودند روز عاشورا بجان هم میافتادند و برای اینکار تپه مصلی را (که اکنون درآنجامشغول ساختن دانشگاه بوعلی هستند) در نظر گرفته بودند علامت نعمتیها بیل وعلامت حیدریها طوق بود .

یکی از رسوم روز عاشورا این بود که دسته تیغ زنها جلو زندان رفته و از حکومت آزادی زندانیان را میخواستند و اینقدر جلوحکومتی (شاه حسین وای حسین) کویان قمههای خود را بحرکت درآورده وگاهی بر فرق خود میزدندکه متصدیان ناچار میشدند چند نفر را که جرم مهمی نداشتند تسلیم آنها کند ، بدیهی است قبلا احتیاطات

لازمه ازطرف‌مأمورین بعمل میآمد و زندانیانی را که نمیخواستند آزادکند بمحل دیگری انتقال میدادند .

در کرمانشاه دستجات قبل از رفتن (سر قبر آقا) بمیدان توپخانه و دیوانخانه (مقر حکومتی) میرفتند و حاکم بسر دسته‌ها خلعت میداد .

در همدان دستجات بامزاده یحیی و شاهزاده حسین میرفتند .

تجارت و اقتصاد ـ وضع‌بازرگانی درآن زمان بواسطه‌انقلابات پیاپی رونقی نداشت تجارت قسمت شمال وغرب‌ایران بیشتر باروسیه وجنوب با انگلستان وهندوستان بود صادرات بروسیه معمولا برنج وخشك‌بار وارداتاز روسیه نفت‌بادکوبه‌قند ، چای ، پارچه ، بلور آلات و فلزات بود بواسطه نـا امنی بعضی از تجار خود راتحت حمایت روسیه قرارداده وپسوند (اف) را بنام خانوادگی خود اضافه میکردند .واردات جنوب عبارت‌بودازپارچه ، شکر ، ادویه‌جات واجناس خرازی قسمتی از واردات از طریق عراق که آنوقت تحت حکومت عثمانی بود بکرمانشاه میامد . در کرمانشاه عده تجار کلیمی بغدادی ابتدا معدود و تدریجاً افزایش‌یافت . درشهبندری‌کرمانشاه یك نفربعنوان‌تاجر ـ باشی بود که نمایندگی بازرگانی راداشت .

ارتباط و حمل و نقل ـ پست بوسیله چاپار که سوار اسب بود یا قاصد حمل‌میشددرآن‌زمان مسافرت‌های عادی بطورکلی با اسب ، قاطر و الاغ سواری صورت میگرفت . خانمها سوارکجاوه وخدمه زن سوار پالکی میشدند . بواسطه بدی وضع‌جاده خیلی کم از کالسکه و درشکه استفاده میشدوفقط مورداستفاده بعضی از اعیان ومأمورین عالیرتبه دولت قرار میگرفت .

مال‌التجاره بوسیله کاروانهای قاطر وشتر حمل میشد ، مقصود از (جمال)که در چندجای‌کتاب اشاره شده شتربان‌های عرب است .

در همدان قریهٔ است بنام مریانج کـه قطارهای قاطر برای کرایه درآنجا زیاد بوده . هرکس میخواست‌مسافرت نموده‌یا باری حمل‌کند نزد (مکاری) یعنی صاحب‌قاطر میرفت وعده لازم قاطرکرایه میکرد .

سر وگردن قاطرها را بامنگوله‌های رنگا رنگ‌وزنگ‌های کوچك زینت میدادند و زنگهای بزرك‌را بطرفین پالان میآویختند . موقع حرکت قافله زیر و بم زنگها آهنك مخصوصی ایجاد میکرد .

صبح زود قافله براه میافتاد وپس‌از طی پنج شش فرسخ راه بمنزل میرسد درهر منزل‌کاروانسرائی برای گذراندن شب‌وجود داشت ولی وضع‌آنها بسیارکثیف و ناراحت بود .گاهی‌قافله دچار راهزن میشد. خودم یك‌باردرگردنه بیدسرخ (بین‌کنگاوروصحنه) ناظر صحنه بودم ولی دزدان بگرفتن مبلغی پول از قافله سالار قناعت کردند .

مسعود فرید

وضع خواربار ، لوازم زندگی و مزدها

برای مقایسه‌قیمت‌های زمان مورد بحث ونرخ‌های کنونی جدول‌زیر را نسبت بپاره‌ای از اجناس از روی صورت خرج زمان پدرم تنظیم کرده‌ام بطوریکه ملاحظه میشود تفاوت بسیار فاحش است .

سال ۱۳۲۵ قمری درکرمانشاه		سال۱۳۹۵ قمری درتهران	
		نرخ رسمی	نرخ‌غیررسمی
نوع جنس	قران	ریال	ریال
گندم هرخروار	٤٠ تا ٥٠	٣٥٠٠	٥٠٠٠
نان یك من	٠/٤٠	٤٥	
قند »	٥/٧٥	٩٠	تقریباً
چای رومی یك‌بسته	٥		١٢٠ تا ٤٠٠ »
برنج صدری یك ن	٥/٢٥	١٣٠	١٨٠ تا ٢٧٠ »
روغن »	٧/٥٠		٩٠٠ »
نفت‌رومی »	٢/٢٠	٨	
هیزم بار الاغ (٢٥من)	٢/٢٥		٢٠٠
شیرینی یك من	٨تا١٠		١٨٠ تا٧٥٠
آجیل »	١١		٤٥٠ تا٩٠٠
زعفران یك مثقال	١/٢٠		١٥٠
ماهوت زرعی	٢٢		(پارچه‌مرغوب) داخلی(٥٠٠-١٢٠٠ خارجی(١٠٠٠-٢٠٠٠)
پیراهن ١ دانه	١٠		٤٠٠-١٥٠٠
کلاه نمد »	١٠		(کلاه خارجی) ٦٠٠-٢٠٠٠
کفش اعلا جفتی	٣٠		١٥٠٠-٣٠٠
پول حمام ٢ نفر	٣		٥٠-١٥٠
سلمانی عادی	٨		٥٠-٥٠٠
مواجب نوکر درماه	١٥ تا ٢٠		٣٠٠٠-٦٠٠٠
مزد بنا روزی	٤ تا٥		٦٠٠-١٠٠٠
» عمله »	١/٥ تا ١		٢٠٠-٣٠٠
اجاره خانه درماه	١٣٥		٢٠/٠٠٠-٦٠/٠٠٠
مشتمل‌بربیرونی-اندرونی - حیاط‌طویله)			

فهرست اسامی خاص

الف

آباده ۱۲۰-۱۲۳
ابراهیم بیك ۳۵۳
ابراهیم بیك افندی ۳۳٤-۳۳٦-۳۵۸
ابراهیم صراف (حاجی میرزا ۱۲۹
ابراهیم موسی ۳۹۸
ابراهیم وکیل ۱۰۰-۱۰۱
اب سرد ۱٤۹
آبشینه ۲٤۹-٤٤۰
ابن بابویه ۲۸۱
ابوالحسن (حاجی) ۸۹-۹۱-۱۰۸-۱۱۰
ابوالحسن ۳۷۷
ابوالحسن خان (میرزا) ۳۱۹-۳۹٤-٤۰۹
ابوالفتح خان زند ۱۲۹
ابوالفتح میرزا ۳٦۲
ابوالفتح میرزا (رئیس تلفن رشت) ۵
ابوالقاسم نوری ۳۱۷
ابوالقاسم میرزا ۳۳۵
ابوتراب (حاجی) ۱٤٤
ابوطالب خان (میرزا) ٤۱۵-٤۳۲
ابوقیس ۱٦۷
اتابك (بامین السلطان مراجعه شود)
اتازونی (ایالات متحدهٔ امریکا) ۳۷۰

الف

اتریش (یا اطریش) ۱۸-۳۷-۳۹-۵۱-۷۳-۲۰۳-۲٦۳-۲۷۲
اتحاد (روزنامه) ٤٤۳
آجرلو ۲۵۲
اجلال الممالك (محتاجعلی خان) ۱۹۸-۵٦-۲۵۵-۲٦۰-٦٦-۲٦۵-٤۱٦-٤۱۸-٤۳۹-٤٤۵
احتشام الدوله (خانلر میرزا) ۱٤۵-۱۵۳-۱٦۵
احتشام الدوله (پسر امیر افخم) ۲۰۱-۲٤۸-۳٤۲-۳۹۲-٤۰۳-٤۰٤-٤۱٦
احتشام الدوله (شاهزاده) ۳۹۰-۳۹۹
احتشام الحکماء ۳۳۸-۳۵۲-۳۵٤
احتشام السلطنه (ابراهیم میرزا پسر خانلر میرزا) ۱۵۳-۱٦٦
احتشام السلطنه ۲۰۲-۲۷۸-۲۸۰-۲۸۲-۲۸۸-۲۸۹ تا ۲۹۲-۲۹۵
احتشام السلطان ٤۱۸
احتشام الملك ۲٤٦
احتشام الممالك (علی محمد میرزا) ۱٤٤-۱٤۵-۱۷۱
احتشام الکتاب ۳۳۸

احتشام‌لشکر ۳۲۵
احمد امین (دکتر) ۳۶۹
احمد بیك ۲۱۰-۲۱۴-۲۱۷-۳۰۷ -
۳۱۳-۳۱۵
احمدخان ۱۷۷-۱۷۸-۱۸۴-۱۸۷
احمد (حاجی‌میرزا) ۸۹-۹۴
احمد خان تفنگ‌ساز (استاد) ۴۰۱
احمدخان (سلطان‌فوج‌فدوی) ۱۵۹
احمدخان(کارپرداز بوشهر) ۱۳۳
احمدخان (نایب قونسول طرابزون) ۸۱
احمدکرمانی(حاجی‌میرزا)۲۸-۲۸۲-۲۸۹
احمد میرزا (سلطان‌احمدشاه) ۲۵۵-
۲۶/۳۲۵-۳۳۰-۳۳۲-۳۵۱-۴۰۷-
۴۲۷-۴۳۵-۴۳۹-۴۴۲-۴۴۶
احمد وشتکی(حاجی سید) ۲۹۴
احمد همدانی(حاجی‌آقا) ۳۵۷-۳۷۹
اختبارالسلطنه ۴۱۵-۴۱۸-۴۲۱-۴۲۲-
۴۲۵-۴۲۸-۴۳۱-۴۳۵-۴۴۱/۲
اختناق ایران ۴۲۰
اخوان صفا ۲۰۱
اخوند (حاجی) ملاحسین ۳۲۶-۳۲۸
آدلیناپتی(مادام) ۴۷
ادوارد هفتم ۱۲-۲۰۲-۲۳۴--۲۴۴-
۳۰۷-۳۴۱
ادواردز(مستر) ۴۲۲
ادوارد لاید ۲۹
ادیب‌الحکماء (معاضدالملك‌بعدی) ۲۰۹-
۲۱۰-۲۱۵/۱۶-۳۰۵-۳۰۸/۹-۴۰۷
ادیب‌السلطنه (میرزاحسین‌خان) ۲۰۶-
۲۵۰-۲۵۴-۲۷۵-۲۷۹-۲۸۰/۸۱-

۲۹۴-۳۰۲-۳۱۷-۳۳۲
ادیب دزفولی ۳۴۰
ادیب شاعر ۴۲۹
ادیب‌الممالك ۲۷۷
ادیب‌کرمانی ۲۲۲
آذربایجان ۸۲-۱۰۷-۱۹۹-۲۲۷-
۲۷۸- ۲۸۴- ۲۹۰- ۲۹۵ تا ۲۹۷-
۳۱۱-۳۳۶-۴۴۳
اراك (عراق) ۱۱۶-۱۳۲-۱۳۳/۳۴-
۱۵۵
ارباب (آقاباقر) ۴
ارباب (محمدعلی) ۲۷۶
اردشیرجی ۲۷۷
اردبیل‌الشریعه ۲۵۶
اردبیل (جنگ) ۳۳۳
اردکانی(حاجی‌تقی) ۳۳۹
ارتین پاشا ۱۳۶
ارلزکورت ۱۸۳-۱۸۶
آرلکس ۲۳۷
ارمنستان ۷۲
ارفع‌الممالك ۳۱۸-۳۳۹-۳۴۴/۴۵-
۳۴۹-۳۶۲-۳۷۹-۳۸۵-۳۹۲-۴۰۱-
۴۰۳
اروپا ۲-۱۱-۲۲-۳۵-۶۶-۶۹-۷۲-
۷۴-۷۶-۱۳۰-۱۷۷-۲۰۵
اروپا ، (هتل) ۸۲
ارومیه ۲۸۲-۳۰۴
ازرك ۱۶۷-۱۶۸
ازرق (ازرك)
استارا ۶-۲۳۳-۱۹۳-۲۶۳

استارا (خط‌آهن) ۲۹۱
استانبول یا اسلامبول ۱۷-۳۱/۳۳-
۵۶-۵۸-۷۰-۷۴-۷۸-۸۰-۸۱-
۱۳۶-۱۷۲-۱۹۴-۳۲۰-۳۳۴-
۳۳۷-۳۹۲
اسلامبول(بغاز) یا (بسفر) ۳۵-۳۶-۴۳
اسپانیا ۷۱-۱۸۲-۲۷۱
استد (مستر) ۴۰۱
استرمردخا ۴۲۲
استراباد ۷۲-۱۶۳
استوارد ۳۱
استیس (مستر) ۲۲۷
اسدآباد ۴۱۳/۱۴
اسدخان (میرزا) ۲۵۸
اسدالله‌خان(قرائی)۲۵۲-۴۲۸
اسدالله‌خان (میرزا) ۲۱۳-۲۱۵-
۳۱۹-۳۹۴-۴۰۹
اسدالله میرزا ۳۴۸-۳۵۴
اسدالله (حاجی‌شیخ) ۲۱۸-۲۱۹-۴۱۵-
۴۱۹-۴۳۸
اسدالله (حاجی‌سید) ۲۲۷
اسدالله تاجر (آقاسید) ۲۵۵
اسدالدوله (پسرمحتشم‌الدوله) ۳۱۳ تا
۳۱۵-۳۳۲-۳۳۵-۴۰۲-۴۰۹
اسکات ۴۸
اسکات (دکتر) ۲۱۹
اسکاتلند ۲۰
اسکار (پرنس) ۷۰-۷۲-۷۷
اسرائیل (دکتر) ۴۳۸-۴۴۱
اسلامیه (مدرسه) ۲۲۷

الف

اسکندرخان (برادرملکم‌خان) ۴-۱۲-
۲۱-۲۳-۲۵-۲۸-۲۹-۳۱-۳۴-۳۶-
۳۷-۴۱-۴۳-۶۸/۹-۵۶
اسکندرخان سرتیپ ۸۳
اسمعیل اجاق(سید) ۲۲۸-۳۳۰-۳۴۵-
۳۵۳-۳۶۹-۳۷۷-۳۸۹-۴۱۰
اسمعیل پاشا ۱۶
اسمعیل(حاجی) ۱۲۲
اسمعیل(میرزا) جنی ۳۷۱
اسمعیل‌خان(دکتر) ۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۳۰
اسمعیل‌خان (برادر مستشارالملک) ۱۲۹
اسمعیل‌خان (میرزا) ۶۵
اسمعیل سرباز ۹۱-۱۰۱-۱۰۲
اسمعیل(میرزا) تاجرباشی ۳۳۹
اسمعیل (میرزا) ۸۴
اسمعیل (میرزا) (حیرت) ۲۳
اسمعیل صفوی(شاه) ۱۵۸
اسمعیلیه ۱۸۰
اسیا ۱۲-۱۳-۴۲-۱۸۱
اسیای وسطی ۷۴
اشرف‌الحاجیه ۲۳۹
اشرف‌الواعظین(سیداکبرشاه) ۳۳۹-۳۴۴
۳۵۵
اشجع‌الملک ۳۲۵
آشنا خور ۳۸۱
اصانلو(محمدخان) ۳۸۲
آصف‌الدوله (محمدصالح‌خان ۳۴-۳۷-
۱۹۸-۲۰۴-۲۸۳-۲۹۴-۳۰۲-۳۳۷
آصف‌السلطنه ۲۵۶-۳۰۲
آصف‌الملک ۳۶۳

آصف‌الملك (حاجی‌حسن‌خان کلانتر) ۳۷۹
آصف‌الوزاره ۲۹۶
اصفهان ۳۶۹-۳۰۰-۳۱۱
اصله (قریه) ۲۵۲
اعتضادالدوله ۸٤
اعتضادالسلطنه (شیخعلی‌خان) ۱۱۸
اعتضاد خاقان ۳۷۱
اعتضاد دیوان(کردستانی) ۲٤٤-۲٤٦
اعتضاد لشگر ۳٤۰
اعتلاءالدوله ۳۸۰-۳۹٤-۳۹۵/٦
اعتمادالتولیه ۳۳۳
اعتمادالتجار(آقاحسین) ۱۸۳-۱۸٤-۱۸٦
اعتماالدوله (یحی خان) ٤۳
اعتمادالسلطنه (پسرمصطفی‌قلی‌جان) ٤۳
اعتمادحضرت ۱۳۸
اعزازالسلطان (شاهزاده) ۲۷٤
اعزازالسلطان (قرابطخان) ۲٤۹-٤۱۹-
٤٤۲
اعظم‌الدوله(زنگنه) ۲۳٦-۲۳۸-۲٤٦-
۳۰٦-۳۰۷-۳۱۳/۱٤-۳۱۷/۱۸-
۳۲٤-۳۲۷-۳۳۰-۳۳۳-۳۳۷-۳۵۷
۳٦٦-۳۸۷-۳۸۸/۹-۳۹۱-۳۹۳ تا
۳۹۷-٤۰۵
اعظم‌السلطنه(محمدرحیم‌میرزا) ۲۵۵-٤۲۰
۸/۷/٤۲٦-٤۳۳-٤۳۵-تا ٤۳۷-٤۳۹
اعظم‌السلطنه(باقرخان خان‌لره) ۳۹۹
اعیان (مجلس) ۱٦
افتخارالتجار ۲٤۰-۳۷۰-٤۱۳-٤۱٦-
٤۳۰-
افتخارالملك ۱۷۰-۱۷۱-۲۵۵

افتخارالولاة (خسروخان) ۱۳۵-۳۵۰
۳۸۰-۳۹٤
۲۱۰-۲۱٤-۲۱٦-۲۲۸-۲۳۳-۲۳۸
افخم‌السلطنه ۲۱٤-۲۲۳
افغانستان ۲۳-۲۵-۳۱-۵۵-۷۱/۲
افریقا ۲۳-۱۸۱
افرینه ۱٤۹
اقائی (حاجی) ۱۹۹-۱۹/۲۱۸-٤۱۹
اقاخان سرتیپ
اقاخان (میرزا) ۲۷٤
اقاخان (میرزا) صدر اعظم ۲۱۸-/۳٦۱
اقاخان(میرزا) نایب‌الحکومه همدان ۲
اقاخان‌کرمانی (میرزا) ۲۹۹
اقاخان محلاتی ۱۲/۱۸٦-٤٤۱
اقابخش(عبدالعظیم میرزا) ۲۳۹
اقازاده(میرمحمدعلی‌خان)فندرسکی ٤۲۱-
٤۲۲-٤۳۷-٤٤۵-٤٤۷
اقبال‌الدوله ۳۰۲
اقبال‌الملك ۱۳۷
آق تپه ۱۱۵
آق دره ۲۵۳
اقیانوس اتلانتیك (اطلس) ۱۸۲
اقیانوس (روزنامه) ۲۹۷
اکباتان ٤۲٤
اکبر(حاجی‌آقا) ۳۷۰
اکبرخان(معاون‌الرعایا) ۳۲۱-۳۲۷-۳۸۲
اکبر میرزا ۲۰۹-۲۱۰
اکبرمیرزا (قهرمانی) ٤۳۵
اکبرشاه(سید)اشرف‌الواعظین ۳۳۹-۳٤٤-
۳۵۵-۳۷۳-۳۹۲-٤۰٤-۳۱۷

الف

اکرم‌الدوله ۲۳۶-۳۱۷-۳۳۳-۳۸۹-۳۹۵
اکسیوزیسیون (نمایشگاه) سلامتی ۱۵
« « ماهی ۱۵
« « هندیها ۱۸۸
اکستر ٦٤
اکسفورد ١٤
البانی (مادام) ۲۹-٤۷-٤۹
البرت (قصر) ۳۳
البرت ویکتوریا ۲۲
البرت هال ۷٤
الجزیره ۳۳-٦۸-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲
الحمراء (تماشاخانه) ۳۷-۵۲
الشتر ۳۸۲
آل کثیر ۱۵٤
الکسی (پرنس) ۲۲۲
الکساندر (هتل) ٦۱
الکساندر سوم ۷۱-۱۳۱
الکساندر (حکمران بلغارستان) ۳٦
الکساندرف ۱۸۹
الف‌لیل ۵۸
الفونس دوازدهم ۳۵
الفن (مسیو) ٤۲۱-٤۲۳-٤۲۵
المان ١٤-۱۷-۳۵-۳۷-۳۹-٤٦-۵۱-۵۸-٦۲-۷۱-۷۳-۷۵/٦-۷۸-۱۷۵-۱۷۹-۱۸۷-۲۰۳-۲۷٦-۲۸۹-٤٤٤-٤٤۸
الماسیه (خیابان) ۲۰۵
الهام ۲۳٦
الیانس (مدرسه) ۲۲۷-۳۱٤

الف

الیزابت (ملکه) ۲۰-٦۰
الوند ١٤٤
النکاوه (مسیو) ٤٤۳
الین گریس ٦۵
ام‌الخاقان ۲۹٦-۳۳۱
امامزاده‌هاشم (راه رشت) ۱۹٤-۱۹۵-۲٦۱
امپریال انستیتو ٦۳
امام‌قلی میرزا (امیرتومان) ۲۹۵
امامزاده یحیی ٤٤۱-٤٤۵
امام‌جمعه (تهران) ۳۰۷
امام‌جمعه خوئی ۲۹۰-۲۹۱
امام‌جمعه دزفول ۱۵۲
امام‌جمعه کرمانشاه (سلطان‌العلماء) ۲۰۹ - ۲۱۰/۱۳ - ۲۲٦ - ۲۳۰-۲۳۱/۲-۲۳٦- ٤٤ ۲-۳۱۲- ۳۱٦-۳۲۷-۳۸۸-٤۱۱-٤۱۲-٤۰۰
امام‌جمعه‌فارس(شیخ‌یحیی)۱۲۹-۱۳۱
امام‌جمعه همدان ٤۱۵-٤۱۷
امان‌الله‌خان (سرهنگ) ۱٤۵
امان‌الله‌خان میرپنج ۱۱٦
امان‌الله‌خان (پسروالی‌پشتکوه) ۳۸۵-۳۸۷-۳۹۲
امیله (دکتر) ٤۹
امریکا ۸-۳۷-۳۹- ٤٦- ٤۷-٦۹-۸۱-۱۸۲
امریکائی (مدرسه) ۲۲۷
امیراعظم ۲۷۹
امیراعظم(داودخان‌کلهر) ۳۹۷-٤۰۰-٤۰۱/۳

امیرافخم (حسین‌خان) ۲۴۱
امیرافخم (زین‌العابدین خان) ۲۳۶-
۲۳۸- ۴۲۰-۲۴۱/۶- ۲۵۰-۲۵۸-
۳۰۲- ۳۸۳ - ۳۹۲- ۴۰۳- ۴۰۴-
۴۱۶- ۴۱۹- ۴۲۷- ۴۳۷ - ۴۴۱-
۴۴۷
امیرالامراء ۳۵۹ - ۳۶۰ - ۳۶۴-
۳۶۶/۷ - ۳۶۹ - ۳۷۱/۲ - ۳۷۴-
۳۷۵/۷-۳۷۹
امیربهادر ۲۹۸-۳۰۰-۳۰۲
امیرتومان (عبداله خان بعداً امیرنظام
مراجعه شود) ۲۷۷-۲۹۷-۳۰۲-
۳۰۴
امیرتومان (مهدی‌خان-برادرناصرالملک)
۲۶۷-۴۱۵-۴۴۱
امیرجنگ(بامیربهادرمراجعه‌شود) ۲۸۶
امیرجنگ(والی پشتکوه) ۳۸۰-۳۸۵-
۴۰۰-۴۰۳-۴۰۶
امیرزاده‌خانم (دخترحسین‌خان امیرافخم)
۲۴۱
امیرقلی خان بختیاری ۱۶۸-۱۷۱-
۱۶۷
امیرخان سردار ۱۹۸-۲۰۰
امیرعلی‌خان بختیاری ۱۶۶
امیرکبیر(میرزاتقی‌خان) فراهانی ۱۱۶
امیرکبیر (نایب‌السلطنه کامران میرزا)
۴۳۸
امیرمفخم بختیاری ۲۷۴
امیرمقتدر (پسر ظهیرالملک) ۳۳۰-
۳۸۲-۴۰۵

امیرنظام گروسی(حسنعلی‌خان) ۱۳۳/۴-
۱۹۹-۳۴۴
امیرنظام (عبداله خان که سابق القاب
ساعدالسلطنه، سرداراکرم، امیرتومان
داشت ۴۳-۱۱۳-۱۱۸- ۱۲۱/۲-
۱۲۵ - ۱۳۱- ۱۳۴- ۱۴۹- ۱۵۲-
۱۵۶/۷-۱۶۱- ۱۶۳- ۱۶۸- ۱۷۰-
۱۷۲/۳- ۲۷۷-۲۹۷-۳۵۰- ۳۷۸-
۴۱۶- ۴۱۸- ۴۲۳ - ۴۳۰- ۴۳۳-
۴۳۴/۵-۴۳۸-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۷
امیرنظام (حسینقلی‌خان) ساعدالسلطنه و
سردار اکرم سابق) ۱۱۸ - ۱۲۲-
۱۴۳ - ۱۴۹- ۱۵۱- ۱۵۳- ۱۶۴-
۱۷۰-۱۷۳-۱۷۵-۱۷۶
امیریه ۲۰۵
امین اصناف ۲۳۲
امین‌الدوله (میرزاعلی خان) ۷-۱۵-
۱۷- ۴۷- ۸۳- ۱۶۴- ۱۸۳- ۱۸۵-
۱۸۷-۲۲۰-۲۵۶
امین‌الرعایا (آقایوسف) ۱۱۴- ۱۳۴-
۲۰۱
امین‌السلطان (میرزا علی‌اصغر خان)
۱۰۷-۱۰۸- ۱۱۴/۱۱- ۱۳۷-۱۳۸-
۱۴۱- ۲۱۳-۲۵۶/۷- ۲۶۰- ۲۸۰-
۲۷۰-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷/۸
امین‌السلطان (پارك) ۳۵۱
امین‌الشریعه بروجردی ۲۰۲
امین‌الضرب (حاجی محمدحسن)
امین‌الضرب (حاجی محمدحسین) ۳۰۲
امین‌الملك ۱۸۵-۲۹۸-۳۰۰-۳۴۳

امین‌الممالك ۲۱۶-۲۳۲-۲۳۶-۳۱۶-
۳۰۶- ۳۱۹-۳۲۴/۵- ۳۳۰- ۳۴۵-
۳۶۰-۳۶۷-۳۷۴
امین‌الوزاره ۳۳۳
امین خاقان (محمدخان) ۸۹-۹۲
امین دیوان (محمدعلی‌خان) ۵
امین خلوت ۱۹۸
امین مخصوص ۳۳۳
امین‌نظام (صادق‌خان) ۲۷۶
انتخاب دیوان ۲۰۹
انتصارالملك ۱۳۴-۲۰۱-۳۵۵
انتصارنظام (محمودخان) ۳۶۵
انتظام‌السلطنه انتصارالدوله ۴۱۴
انتظام‌الممالك(تقی) ۴۲۹-۴۳۱-۴۳۳-
۴۳۶
انتظام‌الواعظین ۲۰۲
انجمن اخوت ۳۲۷
انجمن اصلاح ۲۹۲
انجمن تربیت ایران و امریکا ۳۸۳
انجمن دانش ۶۶
انجمن حسن‌آباد ۲۷۸
انجمن خدمت ۲۷۹
انجمن اکباتان ۲۸۵-۲۹۰-۲۹۲-
۲۹۳-۲۹۸
انجمن عراقیان ۲۶۰
انجمن عرب و عجم ۲۷۷
انجمن شاه‌آباد ۲۹۳
انجمن مرکزی ۲۷۹
انجمن مسجد جامع ۲۹۴

انجمن ایالتی کرمانشاه ۳۱۹ - ۳۲۶-
۳۲۹-۳۳۰- ۳۳۲/۳- ۳۴۷- ۳۴۹-
۳۵۰-۳۶۳/۴
انجمن ولایتی رشت و قزوین ۳۱۶
اندیمشك (صالح‌آباد)
انزلی (بندر) ۵-۶-۴۲- ۱۹۲-۱۹۳-
۱۹۵-۲۶۲-۲۷۴
انگلیس یا انگلستان (شامل‌کشور ، سفیر
قونسول و قونسولگری) ۲-۷-۸-
۱۱-۱۲-۱۶-۱۴-۲۰-۳۹-۴۴-۴۹-
۵۳-۵۴-۵۹-۶۱-۶۲-۶۴-۶۶- ۷۰-
۷۲-۷۷- ۱۶۰- ۱۶۵- ۱۶۹- ۱۷۰-
۱۷۲-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۸-۱۸۷-۱۸۴-
۲۰۲-۲۲۱-۲۲۴-۲۳۵-۲۴۴-۲۶۵-
۲۸۱-۲۸۶-۲۰۴- ۲۱۴/۱۵-۲۴۳-
۲۴۴-۲۸۹-۳۲۵-۳۴۱-۳۵۱-۳۵۷-
۳۶۸-۳۷۴- ۳۸۴- ۳۹۰/۱- ۳۹۳-
۳۹۶-۴۰۲-۴۰۴-۴۰۹-۴۱۰-۴۲۲-
۴۲۵-۴۳۱-۴۳۴-۴۴۱
انگلیس و روس (دولتین) ۳۲۲-۳۲۹-
۳۴۵-۳۵۹-۳۶۲-۳۸۶-۴۰۲-۴۰۳-
۴۰۶-۴۲۰
انور افندی ۲۰۶
انوربیک ۳۹۰
اوانس‌خان ۴۳۳
اودسا (بندر) ۵۳
اورامان ۳۸۰-۳۹۹
اولدشان ۶۳
اولمپیا (تماشاخانه) ۵۶-۶۸
اولوتپه ۴۲۴

الف

اوغلان قلعه‌سی ۱۱۵
آوه (اوج) ۱۹۷-۱۹۶
اهلی شیرازی ۱۲۸
اهواز ۱۵۸-۱۵۹-۱۶۶
اهرام مصر ۷۹
ایت‌اله ۳۶۱
ایت‌اله شهاب‌الدین ۳۸۰
ایران (کشتی) ۱۶۹
ایران ۲-۵-۶-۸-۹-۱۴-۱۱-۲۴-۲۶-
۲۷-۳۰-۳۱-۳۳-۴۴-۴۶-۴۷-۵۱-
۵۴-۵۵-۵۷-۵۹- ۶۳- ۶۵-۷۰-۷۲-
۷۸-۸۲-۸۴- ۸۶-۸۸- ۱۰۷-۱۱۱-
۱۱۶-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۸- ۱۳۴-۱۳۸-
۱۳۹-۱۴۲-۱۴۵-۱۵۳-۱۵۵-۱۵۷-
۱۵۹-۱۶۲-۱۶۳- ۱۶۵-۱۶۷- ۱۶۹-
۱۷۰-۱۷۳-۱۷۵-۱۷۷- ۱۷۸-۱۸۷-
۱۸۶-۱۸۸- ۱۸۹-۱۹۲- ۱۹۳-۲۱۳-
۲۲۶-۲۲۹-۲۴۴-۲۵۱-۲۵۹-۲۶۲-
۲۶۵-۲۶۹-۲۷۰- ۲۷۱-۲۷۴-۲۷۶-
۲۷۷- ۲۸۱- ۲۸۲ - ۲۸۴- ۲۸۵/۶-
۲۸۸-۲۹۱- ۲۹۶-۲۹۷- ۳۱۱-۳۲۳-
۳۲۲-۳۴۵-۳۴۸-۳۵۱- ۳۵۹-۳۸۹-
۳۹۸-۴۲۴-۴۳۳
ایران باستان (موزه) ۴۲۴
ایران‌نو (روزانه) ۳۷۰-۳۷۱
ایزدخواست ۱۲۰
ایست بورن ۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵/۶
ایطالیا (ایتالیا) ۱۹-۲۲-۳۴-۵۷-۶۴-
۷۲-۷۴-۷۵
ایطالیا هتل ۶

الف

ایطالیا وترکیه (جنگ) ۳۸۳
ایوان‌کی ۱۰۱-۲۰۳
ایلخانی (حسنعلی‌خان)
ایلخانی (محمدعلی‌خان)
ایلخانی (فرخ‌خان)
ایلان‌داشی ۲۵۱

ب

بابابیگ (میرزاآقا) ۸۲
بابل ۱۵۸
بادکوبه ۶-۸- ۴۲- ۸۲- ۱۰۷- ۱۹۲-
۱۹۳-۲۳۰-۲۶۲-۲۶۳-۲۷۲
باطوم ۷۸-۸۱-۸۲-۲۷۴
باغ ارم ۱۲۰
باغ تخت ۱۶۳
باغ شاه ۲۰۵-۲۰۶
باغ شیخ ۱۲۱
باقر (سعدالسلطنه) ۸۳
باقر تاجر اصفهانی (حاجی) ۱۴۴
باقرخان (میرزا) ۱۹۴
باقرمیرزا دولتداد(محمد) ۲۲۸-۲۴۰-
۳۱۹-۳۱۴- ۴۱۰- ۴۵۲- ۳۳۹/۴۰-
۳۲۶-۳۱۴
باقر همدانی (حاجی شیخ) ۳۶۸-۳۷۶
بالتیك (دریای) ۲۳۱
بالکان (جنگ) ۴۲۰
بانک استقراضی ۳۳۴-۳۴۰-۳۴۳-
۳۳۹-۴۴۴
بانک انگلند ۳۵-۱۸۶
بانک شاهنشاهی ۲۰۵-۲۱۴-۲۲۷-
۲۴۹-۳۳۴-۳۴۱-۳۹۴- ۴۰۶-۴۲۵-
۴۲۶

ب

بانک عثمانی ۴۳
بانك ملی ۲۵۰
بالاوند (ایل) ۳۲۹-۴۰۴
بانو عظمی ۱۱۷-۳۰۱
باواریا ۴۶
باوی ۱۵۸-۱۶۰
بایزیدآقا ۲۹۰
ببرالذاکرین (حسینعلی شوشتری)
بحرین ۱۷۴
بختیاری ۱۵۲-۱۵۸-۱۶۲-۱۶۸
بدرالحاجیه ۴۴۵
بدیع‌الحکماء (مهدی‌خان) ۴۴۳
بدیع‌السلطان ۲۵۶
بدیع‌الملك ۴۱۷-۴۱۹-۴۲۱-۴۲۵
برانتین ۱۸۵
براون (پرفسور ادوارد) ۳۴-۳۱-۴۶-
۴۸-۵۹-۱۸۵-۴۲۰
برتن (کاپیتن) ۱۵۵
برزوخان (سلطان) ۱۴۳-۴۳۶
برسی (لرد) ۵۴
برلین ۱۷-۲۲-۲۷-۵۸-۷۲-۷۳-
۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹
برمه ۳۵
برنارد ۷۷-۳۴۴
برنج‌زار ۱۵۰
برهان‌المتکلمین ۴۲۸-۴۳۲-۴۳۶
برهان قمی ۴۳۴
برهان‌الحقیقه ۲۲۴
بریتیش اینديا (کمپانی) ۱۷۲-۱۷۳
بریتیش میوزیم (موزه بریتانیا) ۳۳

ب

بزرگ‌خان (میرزا) ۲۰۱-۲۰۸-۲۳۹-
۲۴۵/۶-۴۱۷-۴۲۰-۴۲۶
بزرگ (حاج‌میرزا) ۱۲۸
بسطام ۲۸۴
بسفر (بفاز) ۸۱
بشارت‌السلطان ۲۰۸
بشارت‌الملك ۴۱۵-۴۲۷
بشیرالدوله ۲۹۹-۳۰۰
بشیرالسلطان (عبدالجواد میرزا) ۴۲۷-
۴۳۰
بصره ۲۴۶
بصیردیوان (بعداً سپهبد زاهدی) ۴۴۲
بغداد ۲۱۷-۳۲۵-۳۳۵-۳۹۹
بقاءالملك ۲۸۰
بکتاشیه ۸۱
(بکینگهام (قصر) ۱۳-۴۸-۵۹-۶۲-
۲۸-۲۹-۴۶-۷۵
بلارود ۱۴۸-۱۵۱
بلدیه طهران ۲۹۷
بلژیك ۲۳۲-۳۹
بلغارستان ۳۵-۳۶
بلقیس خانم ۲۴۱
بلوچ ۱۷۵
بلوچستان ۱۹۹/۸
بلیطن ۱۵۵-۱۵۷
بمبئی ۲۳-۶۵-۷۴-۱۷۵
بنان‌الملك (رضاخان) ۱۲۲
بندر اختر ۱۷۴
بندربستانی ۱۷۴
بندر تونیك ۱۷۴

ب

بندر خارك ۱۷٤
بندر خان ۱۷٤
بندر دیر ۱۷٤
بندر سوقو ۱۷٤
بندر سیالو ۱۷٤
بندر شاهی ۱۷٤
بندعباس ۱۷٤-۱۷۵
بندر طاهری ۱۷٤
بندر لنگه ۱۷۳-۱۷٤
بندر معشور ۱۵٤
بندر ناصری ۱۵٤-۱٦۰-۱٦۲-۱٦٤
۱٦۷-۱٦۸
بندقیر ۱۵۷-۱۵۸
بندمیزان ۱۵٤
بنی‌طرف (طائفه) ۱۵٦-۱۵۷-۱٦۱-۱٦۲
۱٦٤-۱٦۷
بنی‌کعب (طائفه) ۱٦۵
بوادبولونی ٦۹
بورگنی (کشتی) ۱۸٦
بورن‌موث ۷۲
بوبوك‌آباد ۸۵
بوسه عذرا ۲۹۱
بوشهر ۲۱٤-۱۷۵-۱۷۰-۱٦۲
بولونی ۵۳
بون‌تان ۲۱۲-۲۱٤
بهاءالدین (آقا) ۳۱٤
بهاءالدین(میرزا)(بعداً مساعدالملك) ۱۳۷
بهاءالملك (اول) ٤٤۰
بهاءالملك (علیرضا خان) ٤۱۹-۳۰۰-
۲۵۵-۲۰۱-۲۵۲-۲۵٤

ب

بهارستان ۲۷٦-۲۷۹-۲۸۰-۲۸٤-
۲۸۷-۳۰۱
بهجت‌الملك ۲۱۱-۲۱۲-۳۲٤
بهجت (میرزا) ۳٤۰
بهرام‌خان ۱۰۱-۱۰۵
بهمن میرزا ۱٤-۲۰۱-۲۰۰-۳٤٤-٤۲۰
بیبران ۲۰۸
بی‌بی‌زبیده ۱۳۹
بی‌تریس ۱۳-۲۱-۳۱-۳۸
بیدسرخ (گردنه) ۳۵۲-۳۷۲-۳۹۹-
٤۱۳
بیزه‌رود ۳۱٦
بیستون ۲۰۹-۲۱۸-۲٤٦-۳۰٤-۳۳۳-
۳۹۲-٤۰۲-٤۱۱-٤۱۲
بیسمارك ۳٤۳-۷۳-۱۷-۱۸۸-۱۸۷
بیشاپ ۵۸
بیفورت (کاپیتن) ۳٤-۳٦-۳۸-۳۹
بیگلربیگی (عبدالله‌خان) ۳۰۸
بیگلربیگی (کاروانسرا) ۳۱۳
بینش (تخلص فریدالملك) ۷۹

پ

پاچنار ۱۹۵
پاچینه ٤
پارادایس هتل ۱۸۵
پاریس ۷۷-۷٤-٦۱/٤-٥٦-۵۳-٤۹-
۹-۷-۳۳-۱٦۳-۸۸-۸۰
پاریس (کشتی) ۷۸
پاسکویچ (مارشال) ۱۹۰
پاشاخان ۳٤٤
پاله‌رویال ۵۰

پ

پرتسموت ۲۳۳
پرتغال ۱۸۲-۱۷۵
پرسپولیس (کشتی) ۱۷۵
پرلوك ۴۱۶
پروس ۵۱-۱۸
پرپیر (مادموازل) ۳۹۸
پستانچی ۱۷۶
پست ایران ۲۲۰
پست (هتل) ۲۶۴
پشتکوه ۴۰۲-۴۰۳-۱۵
پطرزبورغ ۲۱۳-۲۳۰-۲۸۱-۳۹۸
پطروفسك ۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲/۳-۲۶۳
پل‌زال ۱۵۰
پل‌شکسته ۴۱۴-۱۴۸-۱۴۹
پلنگ‌آباد ۲۵۳
پلیس ایران (روزنامه) ۳۵۹-۳۶۱
پمبروك کالج ۱۸۵
پمبروك (کنتس‌اف) ۱۸۵
پنتلاریا (جزیره) ۱۸۰
پنجده ۲۴
پورت ابراهام ۱۷۹
پورت آرتور ۲۲۱-۲۲۹
پورت سعید ۱۸۰
پولند (لهستان) ۱۹۰
پولیان (تئاتر) ۶۴
پیر ۵۴
پیربازار ۱۹۳-۲۶۲-۵
پیرزاده (حاجی) ۲۰-۶۳
پیك ۸۴
پیکادلی ۳۰-۳۹-۵۹

ت

تئاتر (روزنامه) ۱۸۵-۱۸۷-۲۹۶
تاجرباشی عثمانی ۴۳۶
تاریخ ایران ۴۰۶
تاریخ ایران (سرجان‌ملکم) ۲۳
تاریخ بهادری ۱۵۹
تاریخ گزیده ۳۸۰
تاگانروك ۱۹۱
تامسن ۲۴-۳۹
تایمز (روزنامه) ۱۸۵-۱۸۷
تبت ۲۲۴
تبریز ۴-۶-۳۱-۴۲-۴۴-۹۴-۱۰۷-
۱۴۴-۲۶۵-۲۸۲-۳۱۴-۳۱۸-۳۸۲-
۳۹۲-۳۹۶-۴۴۲
تجریش ۲۷۷
تخت جمشید ۱۳۳
تخت مرمر ۱۳۹
تذکره شوشتر ۱۵۵
تربیت (روزنامه) ۲۲۴-۲۵۷-۲۸۱
تربیت (کتاب) ۱۲۴
ترکستان ۸-۷۲-۷۳-۳۴۸
ترکمن ۱۲۸
ترکمن‌چای (معاهده) ۱۶۹
تروکادرو ۱۸۵
تریب‌لی (مادام) ۲۹-۴۷
تفاحه ۳۴۱
تفرود ۳۵۲
تفلیس ۱۸۹-۷۲
تقی‌اف (حاجی زین‌العابدین) ۲۶۲
تقی‌خان (پسر ایلخانی) ۲۰۵-۲۵۷-
۲۷۷-۲۹۲

ت

تقی‌خان سرتیپ ۱۲٤
تقی‌خان(سلطان فوج فدوی) ۱٦۳
تقی‌خان (میر) ۱٤۸
تقی‌خان (میرزا) ٤۲٤
تقی‌خان (همشیره‌زاده ایلخانی) ۱٤۸
تقی‌خان (میرزاسید) ۲۰۰
تقی‌خان (میرزا) منشی‌باشی ۲۰۱
تقی‌خان (برادر نویسنده خاطرات) ۲۰٤-۲۰۷
تقی‌زاده (سیدحسن) ۲۷۹
تقی وزیر (میرزا) ۵
تقی (حاجی‌شیخ) ٤۱۵
تقی همدانی (حاج‌شیخ) ۱٤۰
تقی مجتهد (آقاشیخ) ۳۳۸
تقی (آقا) پسر حاج شیخ اسدالله ٤۱۹
تقی‌خان ۵۹-٤/۸۳-۱۲۳
تك‌تك‌آب ۱۵۰-۱۵۱
تکیه دولت ۲۵٦
تمجیدالملك ۲۹٦
تنگ‌چشمك ۱۳۷-۱٤۸
تنگ زاهد ۱٤٦
تنگ سرخ ۱۳۰
توپ‌خانه‌تهران (میدان) ۲۰۵-۲۸٦-۲۸۷-۲۹۸
توپ‌خانه کرمانشاه (میدان) ۲٤٤-۲٤٦-۲۱۳-۳۲٦
تورل (ماژور) ٤۳٤
توسو (مادام) ۲۵
توفیق‌بیگ
توفیق‌پاشا ۱٦

ت

تومانسکی ۱۲۸
تویسرکان ۱۳٤
تویلری ۷۹
تیمورلنگ ۱۲٤
تهران ۱-۲-٤-٦-۱۳-۱۷-۱۹-۲۱-۳۱-۳۵-۳۷-۳۹-٤۳-٤۵-٤۷-٤۹-۵۳-۵۵-۵۷-۵۹-٦٦-٦۷-۷۳-۷٦-۸۳-۸۵-۸۷-۹۱-۹۳-۹۷-۹۹-۱۰۲/۳-۱۰٦-۱۱۰-۱۱۳/۱٤-۱۱۹-۱۲۵-۱۲۷-۱۳۱-۱۳٦-۱٤۰-۱۵۵-۱٦۲-۲۸٦-۳۰۹
تهران (ارك) ۲۰-۸۸
تهران‌نو ۲۰۵
تیکران خان ٤٤۲
تیمز (رود) ۳۲-٤۸

ث

ثقةالاسلام ۳۹۲
ثقةالملك ۲۰٦-۲۵٤-۲۵٦
ثقةالوزاره (احمدخان) ۳۰٦

ج

جابرخان نصرت‌الملك (حاجی) (پدر شیخ خزعل) ۱٦۹
جاجرود ۷٤
جاسم (پسر شیخ خزعل) ۱٦۹
جاسك ۵۷-۱۷٤-۱۷۵
جاف‌مرادی (ایل) ۳۷۷
جام (تربت) ۵٦
جامع عباسی ٤٤۰
جامع (مسجد) ۲۲٦
جان‌کلام (نوشته) ۳۳۲

ج

جاوه ٦٤
جبارخان (حاجی) ١٦٥
جبل‌طارق ١٨٢
جراحی ١٥٤
جعفر ١٣٥
جعفر (سید) ١٠٠-١٠١
جعفرخان (حاکم و شیخ فلاحیه) ١٥٤
جعفر شیرازی (سید) ٢٩٠
جعفر سلطان ٣٨٠
جعفرقلی‌خان ٣٨٥
جعفرقلی‌خان افغان (سردارزاده) ٣٤٤
جعفرقلی‌خان قجر ١٦٦
جعفرقلی‌خان (نایب) ٩١-٩٥-٩٧-١٠٨
جعفر کلیددار ٩٨
جلاءالملك ١٤٣-٢٠٨
جلال (سید) ٢١٥
جلال‌الدوله ٢٩٩-٣٠٠
جلال‌الدین (پسر میرزاحسین‌شریف) ٧٤
جلال‌الممالك ٢٢٨-٣٥٨
جلفای تبریز ٣١٤
جلیل‌خان (دکتر) ٣٨٩
جلیل (شیخ) ٣٣٤
جلیل (میرزا) ٨٢
جلیل‌الدوله ٣٣٥-٣٥٢-٣٥٩
جلیل‌الملك ٤٣١-٤٣٢-٤٢٣
جمال (آقا) ٣٧٣
جمال‌الدین اسدآبادی (سید) ٨٨-٩٣-
١١١-٢٤٦-٤٣٣
جمال واعظ (سید) ٢٩٥
جمالی (صفات‌الله) ١١١

ج

جمشید (ارباب) ١٧٣-٢٥٣
جمشیدخان سرتیپ ١٢١
جمشیدآباد ٢٥٣
جناب تویسرکانی ٤٤١
جنت‌آباد ٤١٤
جنگ اول جهانی ٤٤١
جنگ بالکان ٤٢٠
جنگ‌روس وژاپن ٢١٧-٢١٩-٢٢١-
٢٢٤-٢٢٦-٢٣٠-٢٣١-٢٣٣
جنگ همدان ٤٤٧
جنوا ٢٦٧
جوادآقا تاجرتبریزی ١٨٧
جوادخان سرهنگ (میرزا) ١١٧-١٢٤-
١٣٦-١٤٢
جواد (شیخ) ٥
جواد مجتهد تبریزی (حاجی میرزا) ١٠٧
جواد خان (میرزا) ١٩٤
جهاندار علی‌خان (میر) ٦٥
جهانشاه خان افشار ١٠٥-١٠٦
جهانشاه‌خان (امیرتومان) ١٤٥
جهانگیرخان (میرزا) ٢٨١-٢٨٥-٣٠١

چ

چال‌سیاه ١١٨
چالان‌چولان ١٤٥-١٤٦
چاناق‌قلعه ٨٠
چشمه سفید ٣٤٦
چرچیل ٥٩-٦١-٧٧-٢١٤
چلیپانلو (رحیم‌خان) ٣٣٣
چمچمال (بلوك) ٤٠٢
چندا (کشتی) ١٧٢-١٧٣-١٧٥/٦

چ

چنگیزخان ۷

چوتاش ۲۴۷-۷۰

چهارلنگ ۱۶۵

چهره‌نما (روزنامه) ۳۸۳

چهل‌تن ۱۲۴

چیزول ۱۱

چین ۷-۸-۱۷-۲۲-۶۱-۱۳۰-۱۷۹-۳۹۱

ح

حاجی‌آباد ۴۰۴

حاجی‌آخوند ۲۴۱-۳۵۶-۳۷۳-۳۸۸

حاجی‌آخوند رستم‌آبادی ۲۸۷

حاجی‌آقا (حسینیه) ۲۱۵-۲۳۰-۲۳۱

حاجی‌آقا (میرزا) ۱۴۳

حاجی‌خان ۳۷-۴۰-۴۱-۴۴-۴۶-۴۸-۵۹-۶۱

حاجی‌سلطان ۱۵۰

حافظیه ۱۲۲-۱۲۴

حافظ (حاجی)

حافظ افندی ۸۰

حافظ ۱۲۲-۱۲۴-۱۲۶

حافظ (کتاب) ۵۸-۶۰

حبشه ۲۲

حبل‌المتین ۲۸۱-۲۹۰-۳۵۵

حبیب اصفهانی(میرزا) ۱۶۸

حبیب (مسیو) ۴۲۲-۴۲۵

حبیب‌الله‌خان ۱-۸۵

حبیب‌الله‌خان ۲۱۳

حبیب‌الله(حاجی‌سید) ۲۲۷

حبیب‌الله‌خان (حاجی) ۱۹۷

ح

حزب لیبرال ۱۶-۳۷-۳۹-۴۶-۴۹

حزب محافظه کار ۲۶-۳۷-۴۹

حسام‌السلطنه(ابوالنصر میرزا) ۵۷-۶۱-۶۴-۸۳-۹۷-۱۰۰-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۵-۱۰۷-۲۵۹

حسام‌السلطنه(سلطان مراد میرزا) ۱۲۱-۳۴۷

حسام‌السلطان ۲۵۵

حسام‌الملك(زین‌العابدین‌خان) (بعداً امیرافخم) ۷۰-۱۳۳-۱۳۵-۱۳۷-۱۴۰-۱۷۰-۱۷۱-۱۹۹-۲۰۸-۲۳۶

حسام‌الملك (غلامعلی خان) پسر امیرافخم ۲۳۷/۸- ۲۴۲- ۲۴۵- ۳۹۲- ۴۰۳-۴۱۶-۴۱۸-۴۲۵-۴۳۵

حسام‌نظام ۳۵۱

حسن ع (امام) ۱۴۷

حسن اجاق (سید) ۳۰۶-۳۲۴-۳۲۸-۳۳۱-۳۶۰

حسن‌آباد (خمین) ۱۱۷

حسن‌آباد ۲۵۴

حسن‌السلطنه ۲۷۱

حسن‌آقا (بعداً سرتیپ خلیل‌پور)

حسن بیگ ۱۰۰-۱۰۱-۱۰۴

حسن(میرزا) ۱۰۰

حسن‌شیرازی مجتهد (حاجی‌میرزا) ۱۱۱-۱۳۳

حسن‌خان سرتیپ (محمد) ۱۹۷-۲۳۸-۳۰۴

ح

حسن‌خان (مشهور به خدا) ۱۳۵
حسن‌خان (مشهور به گدا) ۱۴۶
حسن‌خان (برادرزاده ستارخان) (محمد) ۳۳۳/۴
حسن‌خان (حاجی میرزا) ۲۹۹
حسن‌خان قراسوران‌باشی (محمد) ۲۰۷
حسن شاه (قطب‌الدوله) ۲۰۲-۲۵۶-۲۵۹-۳۰۲
حسن‌خان کلانتر (حاجی) ۲۱۲-۲۳۲-۳۲۹-۳۳۰-۳۴۴-۳۴۷-۳۶۰-۳۷۵-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۵-۴۰۶
حسن میرزا (شیخ) ۲۳۹-۴۱۸
حسن (مشهدی) ۳۲۱
حسن‌خان (میرزا) ۲۰۹
حسن‌علی خان (پسر ضیاءالملك) ۲۴۹-۲۶۵
حسن‌علی میرزا (فرمانفرما) ۲۰۳
حسن کزازی (سید) ۳۰۸-۳۲۷-۳۳۰-۳۵۳-۳۰۵
حسن همدانی (حاجی‌میرزا) ۳۸۸-۴۲۲-۴۳۰-۴۳۴-۴۴۰
حسن‌خان یاور ۲۴۷
حسنی
حسین ع (امام) ۸۲-۸۳
حسین‌آقا تاجر (حاجی) ۴۱۹
حسین (شاهزاده) قزوین ۹۷
حسین (حاجی) پسر حاج ملارسول ۴۲۷
حسین (حاجی میرزا) ۴۲۹-۴۳۰-۴۳۵
حسین حکیم‌باشی (سید) ۵۰-۵۳-۸۳
حسین خان (میرزا) معاون ایالت ۱۲-

ح

۲۳-۲۰۸-۳۳۶-۳۳۷-۳۴۰-۳۴۵-۳۴۷/۸
حسین‌خان (میرزا) دفتردار اداره‌ثلثه ۳۵۱
حسین‌خان تلگرافچی (سید) ۳۱۲
حسین‌خان خیاط‌باشی ۴۰۹
حسین‌خان سرتیپ مهاجرانی ۱۳۱
حسین‌خان (پسرنظام‌السلطنه) ۱۲۱-۲۹۴
حسین‌خان (کارپرداز طرابزون) ۳۳
حسین‌خان (میرزا)سرهنگ‌تلگرافخانه ۱۷۰
حسین (شیخ) پسر شیخ‌علی ۱۰۰
حسین‌علی‌خان‌شوشتری‌ببرالـذاکرین(میرزا) ۱۴۵-۱۵۶-۱۵۵
حسین‌علی‌خان نواب ۳۷-۴۰-۴۱-۴۴-۴۶-۴۸-۵۹-۶۱
حسین رئوف (فرمانده عثمانی) ۴۴۶
حسین فهمی پاشا ۲۲
حسین قاضی (حاجی‌آقا) ۴۱۹-۴۲۹
حسین کبابیانی (آقا) ۱۹۸
حسین مداح (سید) ۳۸۹
حسین (مشهدی) ۹۰-۹۱
حسین (سید) از علمای دزفول ۱۵۲
حسین (ملا) ۲۲۷-۳۵۶
حسین میرزا (محمد) پسر فرمانفرما ۲۹۹-۲۳۱
حسین نجفی (شیخ) ۲۳۹-۲۵۶
حسینقلی‌خان (ژنرال قونسول بمبئی) ۴۵
حسینقلی‌خان سرتیپ قزاق ۴۰۲-۴۰۷-۴۰۹
حسینقلی‌خان نواب ۲۴-۵۲-۵۹-۱۲۱
حسینقلی (آقا) تارزن معروف ۲۷۹

ح

حسین وکیل زینگر (حاجی) ۳۴۹
حسین هلیلانی (ملا) ۴۰۶
حسینی ۱۱۸
حسینی (کشتی) ۱۷۵
حسینیه دزفول ۱۵۱
حسینیه معین‌الرعایا ۳۲۱-۳۲۲-۳۲۶-۳۳۶-۳۷۷
حشمت‌الدوله ۱۱۷-۳۴۸-۴۴۳-۴۴۴
حشمت‌الدوله (حمزه میرزا) ۱۴۴-۱۶۵-۱۶۶
حشمت‌السلطان (فرزند حشمت‌الدوله) ۱۴۴-۱۴۵
حشمت‌السلطان (محمدصادق‌میرزا) ۳۳۹-۳۵۸
حشمت‌السلطنه (حسینقلی میرزا) ۴۳۰-۴۳۵
حشمت لشکر ۲۵۵-۲۷۵
حصار (قریه) ۱۹۶
حصار سفید ۲۰۹
حصارك ۴-۹۰-۱۰۹-۲۶۰
حمص (دکتر) ۲۲۷
حکیم (میرزا عبدالله) ۸۹-۹۰-۹۴-۹۹-۱۰۰-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۷
حکیم‌الملك ۲۰۰-۳۶۵-۳۷۵
حکیم‌الممالك ۱۸۸
حکیموف ۳۱-۷۴
حمدالله مستوفی قزوینی ۵۹
حمیدبیگ افندی ۵۹
حمزه میرزا (پیشکار شیخ خزعل) ۱۶۰-۱۶۱-۱۶۴-۱۶۸-۱۶۹

ح

حنیفه سلطان ۱۴۳
حوض سلطان ۱۳۶
حیدرآباد ۶۰
حیدرخان ۲۹۶-۴۵۰
حیدرخان سرتیپ ۲۴۶
حیدرعلیخان خدابنده‌لو ۱۴۳
حیدرعلی (مشهدی) ۲۰۳
حیدرعلی‌خان نواب ۱۲۲
حیدرعلی(میرزا) ۸۹-۹۴-۲۹۳
حیدرقلی‌خان (سردار افغان) ۳۱۷-۳۳۰
حیدرقلی‌خان (پسر ارفع‌الممالك) ۳۶۲-۴۰۱
حیدرمیرزا (دکتر) ۱۶۳
حیرت (میرزا) ۲۳

خ

خارکف ۱۹۰-۱۹۱
خان‌حزه ۱۲۰
خان‌کرکره ۱۲۰
خانعلی‌خان ۴۲۸
خانقین ۳۰۵-۳۳۱-۳۵۳-۳۶۳-۳۷۹
خان‌والده ۸۱
خبیرالسلطان (بعداً خبیر معظم) ۳۱۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۳۲-۳۳۵-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۶-۳۴۸-۳۵۰-۳۵۳
خان‌لره ۳۹۹
خداداد (حاجی) ۱۴۴
خداقلی سلطان ۹۹-۱۰۱-۱۰۴
خداکرم (سرباز) ۱۰۳
خداکرم خان بختیاری ۱۶۸
خدامروت‌خان ۴۰۶

د

خراسان ۱۵-۳۱-۳۴-۳۷-۵۵-۵۶-۶۴-۱۰۳-۳۴۷-۳۱۱-۳۴۷-۳۱۱-۱۶۳

خراسانی (ملامحمدکاظم آیت‌الله) ۳۴۸-۳۵۹

خرزان (گردنه) ۴

خرطوم ۲۲-۵۱

خرقان ۱۹۶

خرم‌آباد ۱۴۲-۱۴۶-۱۴۸

خزر (دریای) ۱۸

خزعل (شیخ) ۱۵۴-۱۵۸-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۴-۱۷۲-۱۶۶

خزل (ایل) ۳۵۵

خسروخان دیرکوند ۱۴۸

خطیب‌الملك ۳۳۲

خطیب‌الممالك ۲۲۳

خفاجیه ۱۶۱-۱۶۷

خلیج فارس ۳۱۲

خلیفه‌کندی ۸۴

خلیل افندی ۳۳۰-۳۳۶-۳۵۳-۳۵۸-۳۱۷-۴۱۲

خلیل سرکشیك (میرزا) ۲۵۴

خمسه ۲-۱۰۵-۱۰۶-۲۷۷

خمین ۱۱۷

خنداب ۱۱۷-۱۱۸

خوزستان ۱۴۰-۱۴۲-۱۴۴-۱۴۷/۸-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۵-۱۶۰-۱۶۴-۱۶۶-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۱-۱۷۲

د

داراب میرزا ۳۴۴

د

دارالفنون ۷۰-۱۳۸

داردانل ۸۰

داریوش ۲۴۶

دالاوه ۱۱۸

داش‌اتان ۱۹۶

داق‌داق‌آباد ۱۹۷-۲۰۸

دانش‌افندی ۲۲۷

دانك ۱۰۷

دانمارك ۵۹

داود (دکتر) ۴۲۲

داودخان (پسر نصیرالاطباء) ۳۳۱

داودخان (کلهر) ۲۲۰-۳۱۱-۳۳۸-۳۴۶-۳۴۷-۳۷۰-۳۸۱-۳۰۵

داوه (قریه) ۴۳۰

دبیرافخم ۴۲۷-۴۲۹-۴۲۵

دبیرالملك ۱۹۸-۲۰۰

دبیرالممالك (اسمعیل خان) ۱۸۸-۱۸۹

دبیرمخصوص ۲۵۵

دربار ایران ۲۹۸

درجزین ۲۴۹-۲۵۲

دروازه قران ۱۲۴

دروازه قزوین ۲۰۵-۲۸۰

دروازه قبرآقا (بروجرد) ۱۴۴

درویش (حاجی) ۴۱۷-۴۱۹-۴۳۱

درویش غلامحسین ۴۱۷

دریابیگی ۳۱۲

دریای انگلستان ۱۸۲

دریای سرخ ۱۷۹-۱۸۰

دریای مدیترانه ۱۸۰-۱۸۲

دریای هند ۱۷۹

د

دزفول ۱۴۸-۱۵۰-۱۵۳-۱۵۶-۱۵۸-۱۶۰-۱۶۲-۱۶۶

دزفول (رود) ۱۵۲-۱۵۷

دستجرد ۸۵

دحلا ۱۵۴

دلکروا (مسیو) ۳۴۰

دلگشا (باغ) ۲۳۰-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۸-۲۴۳-۳۴۲-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۷-۳۷۰-۴۰۲

دوخان ۲۰۸-۲۵۲

دورلین (تماشاخانه) ۳۴-۵۸-۷۰

دوریخی ۱۴۸

دوست‌علی‌خان ۸۵-۸۶

دوست‌محمدخان (سردار) ۱۲

دوشنبه بازار ۱۹۴

دوشان‌تپه ۱۰۹

دوفرین (لرد) ۱۹

دوفوسا (مسیو) ۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۳۰

دوك‌اف‌ادین‌برو ۲۷

دولت‌آباد (ملایر)

دومرگان ۱۶۲-۱۶۳-۳۱۸

دومودوسلا ۲۶۷

دون (رود) ۱۹۱

دول (بارون) ۲۱۲

دوور ۴۹-۵۳-۶۱

دهچال ۱۱۵-۱۱۶

دهبید ۱۲۰

دهدوان ۲۰۸

دهملا ۱۵۸

د

دهق ۱۱۸

دیرکوند ۱۴۸-۲۲۸-۲۳۲

دیزآباد ۱۱۶-۱۳۳

دیلی‌تلگراف (روزنامه) ۱۸۶

ذ

ذوالریاستین (میرزا ابوالقاسم) ۴۲۹

ذوالریاستین (بدیع‌الزمان) ۲-۸۴-۴۲۹

ذوالریاستین (جعفرخان) ۴۴۵-۲۵۱-۲۰۱

ذوالفقار ۵۵

ذبیح‌الملك ۳۶۱

ذکاءالملك (میرزاحسین فروغی) ۲۰۵-۲۵۷-۲۷۹-۲۸۱

ذکاء لملك‌دوم(محمدعلی‌خان‌فروغی) ۲۸۹-۲۹۴-۳۰۳-۴۴۳

ر

رابینو (مسیو) ۴۱۲-۱۵/۲۱۴-۲۱۷-۲۲۷-۲۳۱-۲۷۴

رازان ۱۴۶

رازکردان ۱۱۶

راغب افندی ۲۱۵-۲۱۷

رالین (مستر) ۲۲۸-۲۲۹

رالینسون (سرهنری) ۳۱

رام‌هرمز ۱۵۸

رانسون ۷۱

راه‌آهن تهران (حضرت عبدالعظیم) ۴۵-۱۳۸

راه‌آهن ایران ۳۷-۳۹-۴۱-۴۴-۴۷-۵۹

رئیس‌التجار (میرزا فتح‌الله) ۲۱۵-۳۲۲-۳۲۱-۳۲۳-۳۲۶-۳۲۸-۳۴۱-۳۷۰-۳۷۲-۳۸۸

ر

رئیس‌العلماء (آقاابوالقاسم) ۲۱۲-۲۱۵-۲۷۷-۳۱۲-۳۰۸-۳۶۱
رایت (دکتر) ۴۳۸
رایل (آکادمی) ۱۵
رباط‌کریم ۲۰۷
رجبعلی جراح شوشتری (ملا) ۱۶۲
رحیم مجتهد (آقا) ۲۰۹-۲۱۰-۲۳۱-۳۱۲-۳۳۰-۳۵۶-۳۰۵- ۳۷۰-۳۷۱-۳۷۷-۳۸۴-۳۹۳-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱/۲-۴۰۴
رحیم‌آباد ۲۰۷
رحیم جدیدالاسلام (میرزا) ۱۴۰
رحیم مساحباشی (میرزا) ۳۷۰
رحیم (میرزا) پسر سعدالسلطنه ۹۷
رحیم سررشته‌دار (میرزا) ۱۷۳
رژی (کمپانی) ۹۶
رزن ۱۹۷
رستم‌آباد (رودبار) ۵-۱۹۵-۲۵۸-۲۶۱
رستم پاشا ۳۶
رستم بیگ (حاجی) معین‌الاشراف ۳۲۹-۳۳۰-۳۷۱-۳۸۶- ۳۸۷-۳۸۸/۹
رستم‌خان (حاجی) ۳۹۳
رستم سلطان ۹۸-۹۹-۱۰۴
رستم وکیل ۹۸-۹۹
رسمی (روزنامه) ۳۷۰
رسول افغانی ۱۱۴
رشت ۲-۵-۸۲-۱۰۶-۱۷۲-۱۹۴/۵-۱۹۷-۳۹۶
رشدیه (مدرسه) ۲۲۰
رضا (آقا) پسر حاج‌آقامحمد قاضی ۳۷۷

ر

رضا (ع) (امام) ۱۳-۲۲۰-۲۵۹
رضا (فندرسکی) (آقا) ۴۳۱
رضا (شاهزاده) ۴۳۶-۴۴۰
رضا قمی(سید) ۳۹۳
رضا (حاجی‌آقا) ۲۴۱
رضاکرمانی (میرزا) ۸۸-۸۹-۹۱-۱۰۴ - ۱۰۵-۱۱۰-۱۱۲-۱۳۸/۹-۲۹۳
رضا منجم(میرزا) ۲۴۶
رضا مقدس (سید) ۸۵۴
رضاخان(شاه فقید) ۳۵۸-۳۶۲-۴۰۴-۴۰۳
رضاخان سرتیپ رازانی ۱۴۶
رضاخان عرب ۱۲۰
رضاخان(داماد بنان‌الملك) ۱۲۲
رضاخان سکوند ۱۴۶
رضاخان(میرزا) ۳۵-۲۷۴-۴۱۹
رضا وکیل ۳۴۹
رضاقلی‌خان ۲۸۲
رضاقلی(نایب) ۹۷
رضوان(کتاب) ۲۹۹
رضی‌الملك ۳۲۱-۳۲۲-۳۲۵-۳۲۰
رفعت بیك ۳۳۶
رکن‌الدوله(رئیس مجلس) ۴۶-۶۴-۱۱۴-۱۱۹-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۸-۱۳۱-۳۵۷-۳۶۰-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۸-۳۶۹
رکن‌الدوله(محمدتقی میرزا) ۲۰۳
رم ۶۴-۲۶۸-۲۶۹
رمله ۱۶۰-۱۶۱
روچیلد ۴۴
روح‌القوافین ۲۵۷

ر

رودبار ۵-۱۹۵

روزنامه اختر ۳۱-۳۲-۸۰

روزنامه استاندارد ۱۷-۴۶-۷۶

روزنامه ابونظار ۸۸

« ایران ۲۶-۷۰

« اطلاع ۴۹

« تایمز ۶۴-۷۳

« دیلی نیوز ۱۹-۲۷

« شرف ۴۶-۵۶

« قانون ۸۸

« فرهنگ ۱۲۴

روزولت ۲۳۳

روزبری(لرد) ۳۹-۴۴-۴۶

روس ـ روسیه ۸-۱۲-۱۴-۱۵-۱۸-۲۳-
۲۵-۳۳-۳۷-۷۱-۷۳-۷۷/۸-۸۱-
۱۲۸-۱۳۱-۱۴۴-۱۸۹-۱۹۰-۲/
۱۹۱-۱۹۵-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۶-
۲۳۲-۲۳۵-۲۳۶-۲۶۱-۲۸۱-
۲۸۹-۲۹۵-۳۲۶-۳۵۸-۳۴۰-
۳۴۱-۳۲۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-
۳۶۳-۳۷۴-۳۹۰-۳۹۱/۲-۳۹۶
۴۲۵-۴۳۰-۴۴۷

روس وانگلیس ۳۴۵-۳۵۹-۳۶۲-۳۸۶-
۴۰۲-۴۰۳-۴۰۶-۴۲۰

روستوف ۱۹۱-۲۶۳-۲۷۳

روك (مسیو) ۲۲۳

رویتر(ژولیوس) ۴۴

ز

زاغه ۴۱۴

ز

زالوا ۱۹۱

زاینده رود ۱۱۸

« « (روزنامه) ۳۷۰

زرق ۸۴

زرقان ۱۲۰

زرگنده ۳۲۶

زرند ۳۸۲

زنجان ۲/۵۷-۸۵-۱۰۶-۱۰۷-۳۴۴

زنگبار ۱۷۵

زندیه ۷۲

زنگنه(فوج) ۳۹۳

زوله طایفه) ۴۱۲

زیگمان سوم ۱۹۰

زین‌العابدین(شیخ) ۳۳۶

زین‌العابدین(حاجی‌میرزا) ۲۴۱

زین‌دارباشی ۲۰۰

ژ

ژاپن ۴۸-۵۴-۱۳۰-۲۱۶

ژاردن دوپاری ۷۹

ژوکه ۱۶۲

ژنو ۲۶۵

ژرژ پنجم ۳۷۱-۴۴۵

س

ساخالین ۲۳۳

سارك ۶

ساروق ۱۱۶-۱۳۳

ساری‌اصلان(حاجی) ۲۴۷-۳۳۱-۴۱۳-
۴۱۴

ساعدالدوله(میرزاحبیب‌الله‌خان‌تنکابنی)۱۱۶

س

ساعدالسلطنه (عبدالله‌خان) ۱ (پدر)

ساعدالسلطنه(حسینقلی‌خان) ۲

(پسراول عبدالله‌خان)

ساعدالسلطنه(منصورعلی‌خان)۳

(پسرسوم‌عبدالله‌خان)

۱ - ۱۳۰-۱۳۱

۲ - ۱۷۷-۱۷۸-۱۸۰-۱۸۳/۷-۲۵۵-

۲۶-۲۵۶

۳ - ۴۳۱-۴۳۳/۴-۴۳۵-۴۳۹

ساعدالملك ۲۵۵

ساعد همایون ۲۳۸-۲۴۷-۳۳۰-۳۵۸-

۳۲۵-۳۵۸-۳۵۹

ساکسنی کاردن ۱۹۰

سالار اقبال ۳۰۶-۳۲۳-۳۰۵

سالار اشرف(یحیی‌خان) ۳۱۳-۳۱۴-۳۵۷

سالارالدوله۲۶۷-۲۷۴-۲۷۷-۳۷۴تا۳۸۵-

۳۸۹تا۳۹۰تا۴۰۳-۴۰۵/۶-۴۰۹-۳۸۷

تا ۴۱۲-۴۱۵/۱۶-۴۱۹-۴۲۶-

۴۳۰-۴۴۷

سالارالسلطان(پسرفوام) ۲۹۴

سالار جنگ ۳۹۵

سالار محتشم ۳۰۷

سالار مقتدر(علی‌اکبرخان‌سنجابی) ۴۰۴

سالار مظفر ۳۷۲-۴۰۰/۱-۴۳۳

سالار متصور ۲۲۷-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱/۲-

۲۳۴

سالار منصور(میرزا غفارخان‌قزوینی) ۴۰۴

سالارنامه ۲۲۳

س

سالار نظام(ایرج‌میرزا) ۲۰۹-۲۱۳-۲۳۶-

۳۵۰-۳۴۲-۳۴۳-۳۷۳

سالارلشکر(عباس‌میرزا) ۴۲۸-۴۳۱-۴۳۴-

۴۳۵-۴۴۳-۴۴۵-۴۶۶

سالارلشکر(سردارمؤید) ۴۱۳

سالارمؤید ۴۱۳

سالار مکرم ۴۱۴

سالار همایون ۳۳۱-۳۴۵-۳۸۴-۳۸۶

سالك(میرزا) ۲۳۰-۲۳۷-۲۴۶-۳۰۸-

۳۰۹-۳۱۴-۳۱۷-۳۳۲-۳۳۵-۳۳۸-

۳۳۹-۳۴۰-۳۴۳-۳۸۷-۳۸۹-۳۹۸-

۴۰۵

سالونیك ۳۱۴-۳۲۰-۴۲۰

سالیسبوری(لرد) ۲۹-۳۱-۴۹-۵۷-۵۸

۶۰-۶۳-۷۱-۷۵-۳۴۳

سامسون(کشتی) ۸۱

سامن(ملایر) ۱۴۳

سان‌رمو ۷۲

ساوجبلاغ (تهران) ۴

ساوجبلاغ(مهاباد)۲۷۷-۲۸۲-۲۸۶-۲۹۱-

۲۹۲

ساوه ۸۴-۳۸۲

ساوه (دریاچه) ۷۶-۱۳۶

سبزوار ۱۰۳

سپهبدی ۴۴۷

سپهدار(یوسف گرجی) ۱۱۶

سپهدار(محمدولی‌خان) ۲۷۷-۳۱۶-۳۲۰

ستارخان(سردارملی) ۳۳۳-۳۵۰-۳۵۱

۳۲۳-۳۴۶-۳۶۵-۳۷۲/۳-۳۷۵

س

سراب حلواپزان ۱۴۵-۱۴۶
» حاجی علی‌خان ۲۴۲
» زارن ۱۴۵
» زاغه ۱۴۶-۱۴۷
» سعید ۲۴۲
» همت ۲۴۲
سراج‌السلطان ۲۷۹
سرای (قریه) ۲۰۸
سرتپه (محله) ۳۴۱
سرپل ذهاب ۴۳۲
سرتیپ (محمدحسن‌خان) ۳۰۹-۳۱۵-
۳۱۹-۳۲۳-۳۳۲/۳-۳۴۳-۴۱۴
۴۳۴-۴۴۵
سرجان ملکم ۴۰۶
سرخس ۴۳
سردار اجلال(بعدا امیرکل‌شد) ۲۲۵-۳۱۳
-۳۳۰-۳۳۴-۳۳۶/۷-۳۵۷-۳۶۶-
۴۰۹-۴۰۸-۴۰۵-۳۸۵/۶-۳۸۲
۳۰۷-۴۳۹
سردار اسعد (علی‌قلی‌خان) ۳۳۹-۳۴۶
۳۱۹-۳۲۳-۴۱۷
سردار افخم(آقابالاخان) ۳۰۲-۳۰۹
سرداراکرم(عبدالله‌خان‌امیرنظام‌بعدی)۱۷۸-
-۱۸۳-۱۹۷-۲۴۵-۲۵۴-۲۵۵-
۲۵۶/۷-۲۵۹/۶۰-۲۶۵-۲۷۵/۶
سرداراکرم(منصورعلی‌خان مراجعه شود)
سردار اکرم (نظرعلی‌خان) ۳۸۱
سردار اشرف ۳۷۹-۳۸۰-۴۰۶
سردارمعتضد(سالارمنصورسابق)۲۷۸-۲۹۱-
۳۷۰-۳۷۲-۳۷۴-۳۷۵

س

سردار مؤید (ظفرالدوله) ۲۵۷
سردارمنصور ۲۵۶-۲۹۹-۳۰۰-۳۴۴-
۳۵۱
سردار مظفر (بختیاری) ۳۷۵-۳۸۱-۳۸۴
سردار محترم(محتشم‌الدوله) ۳۰۷-۳۳۷-
۳۶۴-۳۶۶
سردار جنگ ۳۷۵
سردار ظفر بختیاری ۳۸۱-۳۸۴
سردار مظفر (داوودخان‌کلهر) ۳۱۶-۳۰۶-
-۴۰۰-۳۳۲-۳۳۰-۳۲۴/۵-۳۲۳-
۳۹۵-۳۸۲-۳۷۵/۶
سردار مجلل ۴۰۱
سردار محبی ۳۵۱-۴۴۳
سردار ناصر ۳۴۰
سردرود ۴۱۶
سرگذشت مسودی ۴۱۷
سرگل ۱۴۸-۱۵۰
سرفیروزآباد ۳۷۱
سرور (اسدالله‌خان) ۳۳۳
سرین سراب ۲۴۲
سدی(مسیو) ۲۲۷
سسکس ۵۳
سعادبیک ۳۸۷-۳۸۸-۳۹۰-
۴۱۲-۴۱۰-۴۰۸
سعدالدوله ۲۵۷-۲۷۶-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰
۲۸۶-۳۰۹-۳۱۶/۱۷-۳۰۷
سعدالسلطنه(باقر) ۸۹-۹۸-۱۰۱-۱۰۳-
۱۰۸-۱۰۹-۱۱۳-۲۸۸
سعدالملك ۱۲۱-۲۵۵-۲۸۱

سعدی ۱۲۴-۱۲۹-۴۳۲
سعدی(آب) ۱۲۶-۱۲۹
سعدی بیگ ۳۵۳-۳۵۸-۳۶۱-۳۶۷-
۴۲۲-۴۲۴-۴۲۷-۴۳۱-۴۳۵-۴۳۶-
۴۳۷-۴۳۹-۴۴۰
سعیدخان(میرزا) ۲۹۶
سعید (شیخ) ۲۱۱-۲۴۸-۲۵۰
سعیدالاطباء ۲۸۱
سعیدالسلطان ۲۱۰-۲۱۴-۲۱۷
سعیدالملك ۱۲۱
سعیدالممالك ۲۴۸-۲۵۱-۲۵۲-۴۱۵-
۶۱۷-۴۱۹-۴۲۴-۴۲۸-۴۳۰-
۴۳۱-۴۳۶
سعید(دکتر) ۴۳۷-۴۳۸
سعید بیگ ۳۴۷-۳۵۱
سمید دیوان ۲۰۸-۴۱۱
سفیدرود ۱۹۵/۴
سفینه طالبی ۳۶۷
سگوند (ایل) ۱۴۶-۱۴۷-۱۷۱
سلطان‌آباد(اراك)
سلطان‌الذاکرین(میرزااحمددزفولی) ۱۵۵
سلطان‌الشعراء ۴۱۸
سلطان‌المداحین ۲۵۶-۴۲۰
سلطان‌خانم(زوجه‌ملکم‌خان) ۴۴-۵۵-۷۳
سلطان‌العلماء ۴۰۱-۳۰۵
سلطانعلی‌خان سرهنگ ۱۲۷
سلطانیه ۱۶۵
سلطانعلی‌خان(میرزا) ۳۴۳
سلمان چلبی ۳۶۷

سلطنت‌آباد (شمیران) ۳۱۹-۳۲۵
سلیمان ۱۹۸
سلیمان صفوی(شاه) ۱۱۸
سلیمانیه ۲۲۹-۲۳۱-۲۳۴-۲۴۰-۳۰۴
سماع حضور(میرزا حبیب سنتوری) ۲۱۰
سمنگان ۴۱۳
سن(کشتی) ۵۴
سن‌پل ۲۶۹
سن‌پیر(کلیسا) ۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹
سن‌ژرمن ۷۸
سنت‌اندرو کلاك ۴۸
سنت‌جانز(کلیسا) ۱۰
سنت‌ونتر(مدرسه) ۱۸۴
سنت‌جیمز(قصر) ۱۲-۲۴-۲۷-۳۰-۳۹-
۵۷-۶۰-۶۵-۷۱-۷۲
سنت لئورد ۵۳-۵۴
سنت‌لی ۲۹
سنجابی(ایل) ۳۳۱-۳۳۲-۳۴۶-۳۵۵-۳۹۴
سند(رود) ۷۲
سنگ شیر ۴۲۴
سنگستان ۱۱۴-۲۰۱-۲۷/۴۲۶
سنگلج ۲۸۶
سنقرکلیائی ۳۲۶-۳۵۹
سنندج ۷۵/۳۷۴
سوئد ۷۰-۷۲-۷۵-۷۷
سواستوپول ۳۳
سودان ۱۲-۳۱-۲۳-۳۴
سوئز (بندر) ۱۷۹
سوئز(کانال) ۱۷۸-۱۷۹

س

سورمق ۱۲۰
سوسن تقی (قریه) ۲۵۳
سوری (ایل) ۲۰۳
سون‌اکس (کلیسا) ۱۸
سویس ۲۶۵
سهام‌الدوله ۱۱۹-۴۰۴-۴۰۶-۴۰۷/۸-۴۱۱/۱۲
سهام‌السلطان ۲۹۶
سهام‌الملك (مهدیقلی میرزا) ۱۲۰-۱۳۹-۲۷۴
سهبان (شیخ) ۱۶۱
سهراب (شاهنامه) ۱۶۲
سهرابخان دیرکوند ۱۴۸
سهرابچی‌خان ۶۵
سهم‌السلطان ۲۷۹-۲۸۱-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵
سیاح (حاجی) ۸۶-۸۷-۸۸-۹۰-۹۵-۹۷-۱۰۳-۱۰۸-۱۱۰-۱۱۲
سیاح (حاجی) (خاطرات) ۸۶-۸۷
سیاح (همایون) ۱۰۳
سیاسة‌الحسینیه ۴۳۳
سیام ۲۶۶
سیاه (دریای) ۸۱
سیاه‌بید ۴۱۱
سیبا ۳۵
سیتی‌لین (کشتی) ۱۷۸
سیرانوادا (کوه) ۱۸۲
سیدالشهداء ۲۲۹-۲۴۶-۳۰۸
سید (حاجی) ۳۱۱-۳۱۹
سید حسن (قریه) ۱۵۷

س

سید خلف (حاجی) ۱۵۸
سیدعلی (قریه) ۱۶۰
سیسیل (جزیره) ۳۰۸
سیدعلی طالقانی (قریه) ۱۶۱
سیف‌الدوله (حاجی) ۱۳۵-۱۴۳-۲۵۸-۲۷۵-۳۸۱
سیف‌الدین (شیخ) ۲۵۸
سیف‌السادات نعمت ۱۵۴-۱۵۹-۱۶۱
سیف‌السلطنه ۱۳۷
سیف‌اله میرزا ۲۱۶
سیف‌الله (آقا) معروف به آقاسیفی ۴۳۵
سیگو ۱۷۴
سیلاخور پائین ۱۴۵-۱۴۶
سیوند ۱۲۰

ش

شاپ ۵۸
شاپشال‌خان (قدیم‌السلطان) ۲۹۸-۳۰۰
شاه‌آباد (تهران) ۸۹-۱۰۹-۲۶۰
شاه‌چراغ ۱۲۷
شاهپور ساسانی ۱۵۳
شاهرخ میرزا ۱۴۷
شاهرود ۱۰۳-۲۸۴
شاهسون ۲۵۳-۳۳۳/۴
شاهمراد میرزا ۲۱۰-۲۱۶-۲۳۱-۲۳۳-۲۶۲
شاهمرادخان (چهاردولی) ۱۳۵
شاهنامه ۲۲۳
شاهو (رود) ۲۲۶
شجاع‌السلطان (حسین‌خان) ۲۰۱-۲۰۹-۲۱۹-۲۲۸-۳۱۵-۴۱۵-۴۴۰

ش

شجاع‌الدوله (صمدخان) ۳۸۲
شجاع‌الملك (شریف‌خان) ۴۱۶
شوراه ۱۱۶
شرف (روزنامه) ۲۹۷-۳۵۱
شرف‌جهان ۱۲۴
شرف‌الملك کردستانی
شریعتمدار مجتهد گیلانی(حاج‌ملاصادق) ۵
شریعتمدار همدانی (آقاسیدعلی) ۴۱۵-
۴۱۹-۴۲۷-۴۳۰-۴۴۰
شریف (میرزاحسین) ۷۴-۷۸/۹
شریف‌الملك همدانی ۸۴-۱۳۵-۱۴۰-
۱۹۸-۲۰۲-۲۴۸-۴۴۰
شریف‌الملك تبریزی ۲۴۵
شریف‌الملك کردستانی ۳۹۳
شط‌العرب ۱۵۴-۱۵۸-۱۶۰-۱۶۶-۱۶۹-۱۷۰
شعاع‌السلطنه (ملك منصورمیرزا) ۱۹۳-
۲۰۰-۲۰۵-۲۰۶-۲۹۰-۳۰۲
شعبانعلی سلطان ۴۰۴
شکوه‌السلطنه ۲۳۱
شکوه‌الملك (محمدمهدی میرزا) ۱۳۵
شمس‌الدین (آقا) ۳۵۵-۳۷۳
شمس‌الدین بیک ۲۰۶-۲۸۷
شمس‌العماره رشت ۵
شمس‌المحققین ۳۴۸
شمعون ۳۶۸
شمیران ۳۴-۵۵-۱۰۳
شفیع (حاجی محمد) ۲۵۱
شفیع صدراعظم (میرزا) ۲۰۴
شفیع‌خان سرتیپ ۱۳۱

ش

شفیع‌خان ویانی ۲۵۱
شورجه ۴۱۶
شورین ۱۱۴-۱۳۵-۱۹۹-۲۰۱-۲۴۸-
۲۵۰-۴۱۸-۴۲۶-۴۴۷
شوستر (مستر) ۴۲۰
شوش ۷۸-۱۶۳-۲۱۸
شوشتر ۱/۱۵۰-۱۵۳-۱۵۸-۱۶۰-
۱۶۲-۱۶۵-۱۶۷
شولکستان ۱۲۰
شوکت افندی ۳۵۷
شون‌برون (قصر) ۲۷۲-۲۷۳
شهاب‌الدوله ۴۴۲
شهاب‌السلطنه ۴۰۴-۴۱۷
شهبازخان (حاجی) ۳۹۰
شهبازخان (مسجد) ۲۲۷
شهربان ۳۵۳
شهنشاه (خرم‌آباد) ۱۴۷-۱۴۸
شیان ۴۰۳
شیخ‌الاسلام قزوین (حاجی میرزا مسعود)
۲۳۱-۲۴۰-۳۱۷
شیخ‌الاسلام کرمانشاه ۲۳۷
شیخ‌الاسلام همدان ۲۰۲-۲۴۱-۴۴۲
شیخ‌الرئیس ۲۵۶-۲۷۹-۳۰۱-۴۲۰
شیخعلی‌خان ۲۴۶
شیخ حسن میرزا ۱۳۵-۲۰۱
شیخ شیپور ۱۳۹-۳۳۳
شیخ مذکورخان ۱۷۴
شیخه ۳۸۷
شیراز ۵۹-۱۱۳/۱۴-۱۱۸-۱۲۰-۱۲۷-
۱۳۰-۱۳۳-۱۳۹-۲۸۴-۳۱۱

ش

شیرعلی‌خان سرهنگ ۱
شیرعلی‌خان ۸۵
شیلات ۱۹۳
شیندلر (مسیو) ۳۳۴-۳۴۱-۳۶۰
شیروان ۱۶۶

ص

صاحب اختیار ۳۰۲-۴۴۲
صاحب دیوان ۸۸
صاحب‌دیوان (میرزا فتحعلی) ۱۲۰-۱۲۹
صاحبقرانیه ۲۴۴
صاحبقرانیه (محمره) ۱۶۹-۱۷۱
صاحب نسق(حاجی) ۲۵۴
صادق‌خان(میرزا) ۱۵۰
صادق‌خان یاور قورخانه ۱۶۱
صادقخان ۲۱۸
صادق خان (ناظر ظهیرالدوله) ۳۳۶
صادق‌خان سرتیپ ۱۱۷-۱۲۲-۱۲۴-۱۵۱-۱۵۳-۱۵۶
صادق تاجرکاشانی(آقا محمد) ۱۸۶
صادق میرزا ۱۷۸
صارم‌الدوله ۷۲-۱۱۷
صارم‌الدوله(سرتیپ) ۱۱۹
صارم‌الرعایا (محمود) ۳۸۶
صالح‌آباد (اندیمشک) ۱۵۱
صالح(آقامحمد) ۳۰۵/۸-۳۱۲
صالح(سید) ۲۱۹
صالح عرب(سید) ۲۹۹
صالح معدل(سید) ۲۳۹
صباح (وزنامه) ۳۵۹

ص

صحنة ۲۴۶-۳۳۸-۳۵۲-۴۰۲-۴۱۳-۳۰۸
صدر ۲۰۹
صدرآباد ۲۰۷
صدر همدانی(حاجی) ۲۱۹-۳۸۸
صدر (میرزا یونس) ۸۴
صدر اصفهانی(میرزاعلی‌خان) ۱۴۴
صدرالاشراف ۴۴۳
صدرالذاکرین(حاجی‌سید محمدعلی) ۴۱۷
صدرالسلطنه(حسینقلی‌خان)۱۹۶-۲۷۵-۲۵۶
صدرالمعالی ۲۹۱-۲۹۲-۲۹۴
صدیق‌الاشراف ۴۲۲
صدیق‌الحرم ۲۳۸
صدیق‌الملك ۸۴
صرافباشی(حاجی) ۳۸۹
صرخان (شیخ) ۱۵۴
صربستان ۳۶-۷۷
صفائیه ۲۴۸
صفاءالدوله ۴۱۵-۴۲۲
صفویه ۷۲-۱۸-۱۱۷
صمدخان ۸۶
صمدخان(شجاع‌الدوله) ۳۸۲
صمصام‌السلطان (خان‌باباخان) ۲۱۷-۳۰۶
صمصام‌السلطنه ۳۸۵-۳۸۷
صمصام‌الملك(ذوالفقارخان) ۱۱۶-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۹-۱۵۳-۱۶۵-۱۷۱
صمصام‌الممالك ۳۳۲-۳۴۶-۳۷۱-۳۸۲-۴۰۲-۴۰۶
صمصام‌نظام ۳۷۲
صنعان(شیخ) ۱۲۴

ص

صنیع‌الدوله ۲۵۶-۲۵۷-۲۸۲-۲۸۳-
۳۵۴-۳۰۰-۲۹۷-۲۹۴-۲۸۸-
۳۶۲

صنیع‌الممالك ۲۶۰

صولت نظام ۲۹۲

صوراسرافیل ۲۸۱-۲۸۵

صیادالسلطنه ۲۷۷-۳۹۳

ض

ضیاء(اقا) ۱۱۶

ضیاءالحکماء ۲۰۴

ضیاءالاطباء ۴۳۷-۴۴۱

ضیاءلشکر ۲۸۴

ضیاءالملك(حاجی‌علی‌خان) ۱۶۵

ضیاءالملك ۱۱۴-۱۱۵-۱۳۵-۱۳۷-۲۰۱-
۲۴۹-۱/۲۵۰-۲۵۶-۲۶۵-۲۷۶—
۲۸۹-۲۹۶-۳۰۴-۴۴۰

ضیاءالسلطان(لشکرنویس) ۱۹۹-۴۰۴-
۴۱۴-۴۱۷-

ضرغام‌لدوله (جوانمیر) ۳۰۶

ضرغام‌السلطان ۳۵۲

ط

طاس‌بندی ۱۴۲-۱۴۳

طاطاوس‌خان ۴۱۹

طاق‌بستان ۳۲۸-۳۵۹-۴۰۰

طالب‌اف(عبدالرحیم) ۳۶۷

طاهر(مدیرروزنامه اختر)(اقا) ۸۰

طاهرخان سرتیپ ۱۲۹-۱۵۱-۱۶۰-۱۶۳-
۱۶۵-۱۶۸

طاهرخان یاور ۱۱۴-۱۱۷

ط

طرابزان ۳۳-۸۱-۱۳۶

طعمه‌خان(مولا) ۱۵۴-۱۶۷

طولوزان(دکتر) ۱۸۹

طوماس(خواجه) ۳۸۴-۴۰۴

طهران ۱۹۸-۲۰۶-۲۵۱-۲۷۷-۲۷۹-
۳۹۶-۳۲۵-۳۲۴-۳۳۰-۳۱۹

ظ

ظاهربیگ ۳۶۵

ظفرالسلطنه ۲۰۰-۲۶۱-۲۷۷-۲۸۸-
۲۸۹-۴۲۶

ظفرالدوله (سردار مؤید) ۲۷۵

ظفرالممالك ۲۵۷

ظفرنامه ۵۹

ظل‌السلطان ۲-۱۱-۶۸-۱۱۷-۱۱۶-
۱۱۹-۱۴۷-۱۶۶-۲۵۷-۲۷۷-۲۹۴-
۲۹۵-۳۰۱-۳۵۹-۴۱۷

ظهیرالاسلام (امام‌جمعه) ۲۱۵

ظهیرالعلماء ۳۴۴-۳۶۱-۴۰۶

ظهیرالدوله ۲۹۳-۳۰۱-۳۱۸-۳۱۹-
۳۲۰-۳۵/۳۴-۳۲-۳۱-۳۳۰-۲۸-۲۷-
۲۶-۲۵-۳۲۴

ظهیرالدوله ۲۰۶-۲۴۱-۲۴۸-۲۵۱-
۲۵۴-۲۹۱

ظهیرالملك ۲۱۰-۲۲۲-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۹-
۲۴۰-۲۴۱-۲۴۶/۲۴۵- ۳۰۴- ۳۰۹-
۱۹/۱۷/۱۶/۱۳/۱۲/۳۱۱ -
۲۹/۲۸/۲۷/۲۵/۲۴/۲۲/۲۱/۳۲۰-
۳۵۷-۳۸۸

ظهیرالممالك ۲۴۸

ظهیر حضور ۳۳۱-۳۳۵

ظ

ظهیر همایون ۲۶۰

ع

عاشقلو ۱

عالی‌قاپو (قزوین) ۹۰

عبادالله‌خان سرهنگ ۴۱۵

عباس‌خان (حاجی) ۸۴

عباس‌کبیر (شاه) ۵-۶-۱۷۴-۱۷۵

عباسعلی (حاجی‌شیخ) ۸۱

عباس‌خان چناری ۱۳۵-۳۴۲-۳۵۲-۳۵۸

عباس مکاری (سید) ۱۴۹

عباس (حضرت) ۳۳۴

عباس دوم (شاه) ۳۵۳

عباس‌آقا (تبریزی) ۲۷۸-۲۸۰

عباس میرزا (نایب‌السلطنه) ۲۰۳

عباس‌خان جودکی ۱۴۸

عباس‌علی (شیخ) ۴۴۶

عباسقلی میرزا ۲۶۲-۲۱۷

عباسیان ۱۵۸

عبدالباقر مجتهد (آقا) ۵

عبدالباقی (حاجی) ۲۴۷-۴۱۹

عبدالباقی (سیدحسن میر) ۳۴۰

عبدالباقی‌خان ۴۰۱-۴۱۶

عبدالجواد میرزا ۱۹۹-۲۰۰

عبدالحسین (حاج شیخ) ۳۲۲-۳۲۳

عبدالحسین‌خان ۴۲۸-۴۳۴

عبدالحسین‌خان امیرتومان ۱۳۴

عبدالحسین‌خان ناظر ۲۰۴

عبدالحسین لاری (سید) ۳۱۲

ع

عبدالحسین میرزا (بعداً عنایت‌السلطنه) ۳۶۲-۴۱۸-۴۳۶

عبدالحسین واعظ (حاجی) ۲۲۶

عبدالمجید بهبهانی (میرزا) ۱۶۸-۱۶۹-۳۲۰-۴۲۰

عبدالحمید تبریزی (حاجی) ۳۹۲

عبدالحمیدخان (سلطان) ۲۳۲-۲۳۵-۳۲۰-۴۲۰-۲۴۵-۳۱۴-۳۱۵-

عبدالخالق‌خان (میرزا) ۲-۵۶-۲۵۸

عبدالرحمن‌خان ۲۰۸

عبدالرحمن (سید) ۱۵۲

عبدالرحیم (شیخ) ۲۲۶

عبدالرحیم خان (میرزا) ۳۶۳

عبدالرحیم نجارزاده (طالب‌اف) ۳۶۷

عبدالرحیم وکیل‌السفاره (حاجی) ۲۰۹-۲۱۵-۲۲۲-۲۳۹

عبدالرزاق خان مهندس ۴۳۳

عبدالرسول هندی (حاجی) ۲۲

عبدالرسول کازرونی ۳۶۱-۳۶۷

عبدالعظیم (حضرت) ۴۵-۸۴-۸۸-۱۳۷-۱۳۹-۱۴۰-۲۰۷- ۲۵۴-۲۶۴-۳۱۱

عبدالعظیم (آقامیرزا) ۱۱۵

عبدالعظیم سررشته‌دار (میرزا) ۱۳۱

عبدالعظیم میرزا (آقابخش) ۲۳۸

عبدالغفارخان (میرزا) ۱۸۶

عبدالکریم بیگ ۹- ۲۳۸- ۲۳۳-۳۱۹-۳۳۴-۳۶۱- ۳۶۵-۳۶۷-۳۷۱-۳۷۶-۳۷۹-۳۸۱/۲- ۳۸۴-۳۷۸/۸-۲۱۷-۲۲۲-۲۳۰-۲۳۳-۳۹۰/۱

ع

عبدالکریم درویش خراسانی(میرزا) ۱۳۹
عبدالکریم طبیب تهرانی (میرزا) ۷۹
عبدالله‌خان ۱۰۳-۱۱۴
عبدالله‌خان والی گیلان ۵
عبدالله‌خان امیرنظام (بامیرنظام‌مراجعه‌شود)
عبدالله‌خان والی ۸۸-۱۰۸
عبدالله صراف (حاجی میرزا) ۱۲۳
عبدالله (ملا) ۱۴۰
عبدالله‌خان سلطان ۱۴۳
عبدالله‌خان (مولا) والی‌هویزه ۱۵۴-۱۶۷
عبدالله (نقاش) ۲۰۳
عبدالله‌خان فراشباشی (بیگلربیگی) ۲۳۲-۲۳۳-۴۰۲
عبدالله (حاجی‌ملا) ۲۵۶
عبدالله بهبهانی(آقاسید) مجتهد ۲۵۷-۲۸۰-۲۸۷-۲۹۰-۲۹۲-۳۰۱-۳۳۰-۳۳۱-۳۴۷
عبدالله‌خان امیرتومان (حاجی) ۲۸۷
عبدالله‌خان (کریمی) ۴۴۶
عبدالله (میرزا) ۲۷۹
عبدالله طبیب (میرزا) ۲۸۱-۲۹۲
عبدالله زاده ۲۹۶
عبدالله خان (میرزا) ۴۰۳
عبدالله‌خان مستوفی (میرزا) ۴۱۲
عبدالله مازندرانی (ملا)
عبدالله‌خان (دکتر) ۲۱۶-۲۳۸-۳۵۳
عبدالمجید بهبهانی (میرزا)
عبدالمجید (آقاسید) ۲۰۲
عبدالمهدی (برادرزاده مهدی‌سودانی) ۳۲

ع

عبدالوهاب (حاجی میرزا) ۲۴۱-۳۷۷-۴۴۵
عبودخان (شیخ) ۱۵۴-۱۵۸-۱۶۰-۱۶۸
عبید زاکانی ۶۷
عثمانی ۱۵-۱۶-۲۰-۲۲-۳۳-۳۶-۳۷-۴۵-۴۶-۵۸-۵۹-۸۱-۱۷۰-۱۷۲-۱۷۴-۱۷۵-۲۰۴-۲۰۶-۲۱۱-۲۳۷-۲۸۲-۲۹۱/۲-۳۰۴-۳۱۵-۳۱۹-۳۳۶-۳۴۳-۳۵۰/۵۱-۳۵۷-۳۵۹-۳۶۲/۳-۳۶۶-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۳/۴-۳۸۷-۳۹۱-۳۹۹-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۶-۴۲۰-۴۲۷-۴۴۱/۲-۴۴۶-۴۴۸
عدالت‌خانه (مجلس) ۲۴۴
عدالت‌خانه کرمانشاه ۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۳
عدالت‌خانه ملی ۲۴۸
عدن ۱۷۹
عدن (تئاتر) ۵۲
عراق ۳۸۱-۴۳۲
عراق عرب ۷۲-۱۵۸-۱۶۸-۲۶۰-۳۱۴-۳۵۷-۳۱۱-۳۸۴
عربلو ۸۴-۸۵-۱۹۸-۲۴۹-۴۲۴
عربستان ۱۷۹-۲۰۱-۲۰۴-۳۶۸
عزالدوله (حکمرنن همدان) ۱-۲۶-۸۳
عزالملك ۱۳۰
عزالممالك (حاجی) ۳۴۰
عزب‌دفتر ۲۰۸

ع

عزت‌السلطنه ۲۲۸
عزیزخان ۴۱۷
عزیزالسلطان (ملیجك) ۲۹۶
عزیزالله‌خان ۲۵۲
عزیرالله‌خان (سلطان) بعداً سرلشکر ضرغام ۴۳۵
عزیز مسیحی ۳۱۴
عساکره ۱۶۷
عسکرسلیم (افتخارالرعایا) ۳۷۰
عشرت‌آباد ۲۷۷
عشق‌آباد ۱۲۸
عضدالدوله (حکمران همدان) ۸۴-۱۱۴-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۴۰
عضدالسلطان ۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰/۱/۲-۳۹۲
عضدالملك ۲۷۶-۲۹۰-۲۹۸-۳۲۴-۳۳۰-۳۵۳
عطاءالدوله (حاجی عبدالحسین‌خان) ۱۳۰
عطاءالله‌خان ۴۲۹
عطاءالله‌خان پالیزی (سالارالسلطان) ۳۹۷
عطاقلی‌بیگ ۶۱
عظیم‌خان (حاجی) برادرستارخان ۳۳۴
علاءالدین (شیخ) ۳۷۷
علاءالدوله ۸۴-۲۳۴-۲۵۰-۲۷۶-۲۸۰-۲۸۶-۲۸۷-۲۹۹-۳۰۰
علاءالسلطنه ۱۸۳تا۱۸۷-۲۵۴-۲۵۶تا۲۸۰-۲۸۲-۳۰۰-۳۷۱-۴۲۰-۴۴۰-۳۰۷-۴۴۲
علاء (حسین) ۱۸۴
علاء (محمد) ۱۸۴

ع

علاءالملك ۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲
علاءالوزاره ۳۰۴
علم‌الهدی ۲۲۶
علی ابن‌ابی‌طالب (ع) ۳۰-۱۰۴-۱۱۴-۱۱۵-۱۲۲-۲۱۲
علی (حاجی سید) ۲۳۱-۴۱۵
علی تاجر (حاجی سید) ۳۲۶
علی‌کلیددار (حاجی‌شیخ) ۲۱۶-۲۳۸
علی(شیح) ۲۸۳-۳۹۹
علی پسر آقا ابراهیم(آقا) ۴۳۰
علی‌آقا (یاور) ۴۱۰
علی (شیخ)گماشته شیخ خزعل ۱۶۰
علی(شیخ) سوارکار ۱۶۰
علی(کربلایی)
علی‌خان حیدرخان ۴۲۸
علی مترجم (میرزا) ۱۷۶
علی‌آقا یزدی(سید) ۲۸۷
علی‌آقا مجتهد(آقا) مشهوربعلی‌جان ۲۲۶-۳۰۵
علی‌جان (میرزا) برادر معتضدالدوله ۴۰۰
علی‌خان (میرزا) ۳۷۷-۳۹۱
علی‌آقا ۲۵-۲۹-۳۳-۳۷
علی‌آقا (پسر حاج‌آقا محمد) ۱۲۶
علی‌خان کردخوردی(میرزا) ۱۱۵-۱۴۳
علی‌خان (میرزا سید) ۲۰۳
علی‌خان سرتیپ (میرزا) ۱۱۵-۳۴۵
علی‌خان شکوئی(حاجی‌میرزا) ۳۹۲
علی‌خان (نایب‌الحکومه ساوه) ۸۴
علی‌خان میرپنج اسدآبادی ۱۳۴-۱۳۵

ع

علی (امامزاده سید) ۱۲۰
علی‌اشرف خان ۴۱۳
علی‌اصغرخان(میرزا)امین‌السلطان اتابك
۲۹۲-۲۷۵-۲۳۶-۲۰۶-۲۰۰
علی‌اکبر تاجر(میرزا) ۱۳۰
علی‌اکبر (حاجی‌ملا) ۸۹-۹۱-۲۰۷-۱۱۰
علی‌اکبر شیرازی (حاجی‌سید) ۱۱۱-۱۱۲
علی‌اکبر مجتهد(حاجی‌سید) ۱۳۱
علی‌اکبر مجتهد (حاجی‌آقا) ۳۱۶
علی‌اکبر ایزدی(حاجی) ۴۱۵
علی‌اکبر تاجر شیرازی ۱۸۴
علی‌اکبر خان (بیگلربیگی(۵
علی‌اکبرخان(برادرخداقلی‌سلطان) ۹۹
علی‌اکبرخان(مشهور به‌ناپلئون) ۱۲۷
علی‌اکبرخان (میرزا) منشی قونکول‌انگلیسی
-۳۲۱/۲۲-۳۱۳-۳۰۷/۸-۳۰۵-۲۳۷
۳۲۵-۳۲۷-۳۲۹/۳۰-۳۶۵-۳۸۵
۳۹۱-۳۹۴-۴۰۹-۴۴۶
علی‌اکبرخان(میرزا) کارگذار ناصری ۱۵۹
علی اکبرخان (میرزا) سرهنگ تلگرافخانه
۲۴۷-۸۲
علی‌اکبر (مامورعدلیه) ۳۰۹
علی‌اکبرخان سنجابی ۳۴۶
علی‌اکبرخان (کریمی) ۴۴۶
علی‌بابا ۵۸
علی‌بیك شیرازی ۱۳۵
علیرضاخان سرتیپ ۱۲۴-۱۲۹-۱۹۴
علیرضاخان گروسی (حاجی) ۳۷۸
علیرضا (حاجی) ۲۰۴
علی‌عسکر (شیخ) ۳۵۹-۳۹۷

ع

علی‌عسکر ارباب ۳۶۶
علی‌قلی‌خان سرتیپ ۱۱۷
علی‌کرم‌سلطان ۱۰۳-۱۰۵
علی‌محمدخان (همشیره‌زاده ایلخانی) ۴
علی‌محمدخان سرهنگ ۱۴۳
علی‌محمدخان (میرزا) ۲۷۴
علی‌محمدخان (وزیرزاده) ۳۴۸-۳۵۹
علی‌محمد تاجرهمدانی (حاجی) ۲۱۷
علی‌نقی‌خان ۱۲۰
علی‌نقی (حاجی میرزا) ۲۲۰
عمادالدوله ۳۵۳-۳۶۳-۴۱۱
عمادالدوله (مسجد) ۲۲۴-۲۲۶-۲۳۱
عمادالدوله (دوم) ۳۷۶-۳۷۷-۳۸۲
عمادالسلطان ۲۱۷-۱۴۷-۳۰۵
عمادالسلطنه ۳۹۲-۴۰۱
عمادیه ۳۵۳
عمدةالسلطنه ۳۷۷-۳۹۷-۴۰۱
عمرخیام ۴۲۳
عم شیروان ۱۱۸
عمیدالسلطان ۲۳۴-۲۷۷-۲۸۷-۲۵۵-
۲۵۶-۲۵۹
عمیدالوزاره ۱۶۹-۱۷۰
عنایت‌الله‌خان ۸۵-۲۵۱-۴۴۲-۴۴۷
عنایت‌السلطنه (محمدباقرخان) ۲۰۲-
۱۷۱-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۴-۲۵۵-۲۵۶-
۲۵۸-۲۶۰-۲۷۷/۹-۲۷۸-۲۸۳-۲۸۵-
۲۹۰-۲۹۲/۳-۲۹۶-۲۹۸
عنایت‌السلطنه (عبدالحسین میرزا) ۴۲۶
عنایت‌الملك ۲۰۸-۲۳۶-۲۳۷-۴۱۳-
۴۱۵ - ۴۱۸- ۴۱۹- ۲۳/۲۲/۴۲۱ -

ع

۴۲۵/۲۶- ۴۲۸-۴۳۵- ۴۳۷- ۴۴۳-
۴۴۵-۴۴۷
عنایت‌الله‌خان ۷۳
عنایت‌الله‌خان ۶۶
عیسی(حضرت) ۱۰-۱۵-۲۵-۳۵-۳۸-
۴۰-۴۳
عیسی‌خان (کارگذار تبریز) ۴-۶
عیسی وزیر (میرزا) ۱۰۳
عین‌آباد ۲۴۹-۲۰۸-۱۹۷-۳۱۴
عین‌الدوله ۲۰۱-۲۱۹-۲۴۲-۳۰۲-
۳۵۴-۴۲۰-۴۴۲-۴۴۴
عین‌الملك ۱۲۵-۱۲۷-۱۳۰
عین‌علیخان ۴۱۲

غ

غاآن (مسیو) ۳۳۴-۳۴۰-۳۴۴-۴۴۴
غارت یهودیها ۳۱۲
غفارخان (میرزا) ۳۵۶
غلامحسین‌خان (احتشام‌الدوله دوم) ۲۴۸
غلامحسین خان سرهنگ (پسر ذوالریاستین)
۴۱۵
غلامحسین‌خان (نوه نظام‌السلطنه) ۳۰۳
غلامعلی‌خان (پسرمنشی‌باشی‌همدانی) ۴۴۱
غلامعلی‌خان میرپنج ۱۷۰-۱۷۱
غلامرضا (استاد) جناب ۲۲۰
غفار (کربلائی) پدر ستارخان ۳۳۳
غلغلی (چشمه) ۲۰۳

ف

فائو ۱۷۲
فاخرالدوله
فارس (خلیج) ۱۸-۴۷-۱۵۸-۱۷۴

ف

فارس ۳۱-۵۷-۷۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۲۰-
۱۲۱-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۸-۱۳۱/۲-۱۵۸-
۱۶۲-۱۶۵-۱۷۴/۵-۳۵۶-۴۲۵
فاضل‌خان ۱۴۶
فاطمهٔ زهرا (ع) ۳۱۷
فالون (بارون) ۲۳۰
فانك (دکتر) ۴۱۷-۴۲۰-۴۲۱-۴۳۴-
۴۳۸-۴۴۳
فاوی (کشتی) ۱۷۳
فتح‌الایاله ۳۸۶-۴۱۲
فتح‌السلطان ۲۱۷
فتح‌الله‌یوف ۱۹۲
فتح‌الملك ۱۲۱
فتح‌علی‌خان ۸۵
فتحعلی‌خان یاور ۲۴۹-۲۵۲-۳۴۷
فتحعلی‌شاه ۲۳-۱۴۴-۲۰۳-۲۵۳
فخرالتجار ۳۵۷
فخرالسادات ۲۹۱
فخرالملك ۱۳۷-۱۴۲
فخیم‌السلطنه ۳۰۷-۳۳۳-۳۹۶-۴۰۵
فراموش‌خانه ۲۹۹
فرانسه ۷-۹-۱۱-۱۶-۳۳-۳۷-۳۹-۴۱-
۴۹-۵۱-۵۵-۵۷- ۶۶-۶۷- ۷۸-۷۹-
۸۱-۱۶۲- ۱۷۵- ۱۷۶- ۱۸۰- ۱۸۷-
۱۸۸-۲۳۲-۲۸۹-۲۰۴-۳۹۱-۴۲۲
فراهان ۱۱۶
فرج‌الله‌خان (میرزا) ۸۹-۹۱-۹۳
فرج‌الله‌خان ۲۹۳
فرح‌آباد ۲۹۴
فرخ‌خان ایلچی ۲۶۹

فرخ‌خان ایلخانی ۲۱۷-۲۲۸-۳۷۲-
۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۸-۳۹۰-۳۹۶
فردریك سوم امپراتور آلمان ۷۵
فرسفج ۳۶۵
فرگسن (مستر) ۲۱۰
فرمانفرما (عبدالحسین میرزا) ۲۰۹-
۱۱/۱۲/۲۱۰-۲۱۴-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۲-
۲۲۸-۲۲۹-۲۳۱تا۲۳۶-۲۵۰-۲۵۷/۸
۲۷۴-۲۷۶/۸/۷- ۲۸۲- ۲۸۶-۲۹۰-
۲۹۱- ۲۹۵-۳۰۳- ۳۲۴-۳۳۰- ۳۴۸-
۲۵۴ - ۳۷۰- ۳۹۳ - ۴۰۱/۳/۲ -
۴۰۶/۷-۴۰۹/۱۰/۱۱
فرمانفرما (فریدون میرزا) ۳۴۷
فروغی (محمدحسین) ۷۷-۸۴-۱۱۲
فرید (مسعود) ۲۰۲
فریدالدوله ۴۲۹-۴۳۱
فریدالسلطان ۴۱۵-۴۱۸-۴۲۰-۴۳۷
فریدالملك ۱-۶۸-۷۹-۹۱-۱۰۱-۱۰۳-
۱۰۴-۱۱۱-۱۱۲-۱۳۷- ۱۸۳-۲۰۱-
۲۰۶-۲۴۱- ۲۴۶-۲۵۰- ۲۵۸-۳۲۳-
۴۲۱
فریدالملك (لقب سابق ابوالقاسم خان ناصرالملك)
فریدبیگ ۳۵۹
فریدون‌خان (پسر ملکم‌خان) ۵۵-۵۶-
۳۸۹-۳۸۰
فریدون زردشتی ۲۸۹
فریق‌پاشا ۲۸۲-۲۹۱
فستق (بلوك) ۲۵۲
فسیجان ۲۴۷

فضل‌خان (میر) ۱۵۴
فضل‌الدین (میرزا) جناب ۲۱۵
فضل‌الله (حاجی‌شیخ) ۲۵۵-۲۸۷-۲۸۹-
۳۰۸
فضل‌الله‌خان ۱۹۷
فضل‌الله‌خان ۲۵۲
فضل‌الله خان میرپنج ۱۱۴
فضل‌الله (آقا) شریعتمدار ۴۱۹
فضل‌الله‌خان ۳۴۷
فضلعلی‌خان یاور ۸۵-۸۶-۱۳۷
فقیره (باغ) ۴۳۷
فلاحیه ۱۵۴-۱۵۸-۱۶۵-۱۶۷
فلشینك ۱۸۷
فلك‌الافلاك ۱۴۷
فلورانس ۷۳
فؤادبیك ۳۰۴
فوج پشتکوه ۱۴۵
فوج‌خلج ۱۴۸
فوج‌خوی ۱۲۲
فوج درجزین ۱۲۵
فوج فراهان ۱۱۶
فوج فدوی ۱۱۳/۱۴-۱۲۰-۱۲۲-
۱۲۷-۱۳۰-۱۴۵-۱۵۳- ۱۵۶-۱۵۹-
۱۶۳-۱۶۶-۱۷۳-۴۰۳-۴۰۸
فوج قزوین ۱۱۳
فوج کزاز ۱۴۴-۱۴۵
فوج کمره ۱۴۵
فوج مخبران ۱۳۰-۱۳۱
فورتیسکیو ۲۰
فوش‌مری ۴۸

ف

فیرلی (مستر) ۲۲۷-۲۲۹
فیصل سلطان مسقط (سید) ۱۷۵
فیض الله‌خان دربنه‌ی ۱۱۱-۱۱۲
فیض‌آباد ۳۴۲-۳۷۲
فیلیه ۱۶۹-۱۷۱
فین(مستر) قونسول‌انگلیس ۵۵-۵۹-۶۳
فین کاشان (باغ) ۱۱۶

ق

قائم (ع) (حضرت) ۱۶۵
قائم‌مقام (میرزاعلی) ۱۱۶
قاجاریه ۷۲
قاسم ۵۸
قاسم‌آباد ۲۰۷
قاسم‌اف(یوسف) ۲۶۳
قاسم‌آقا (امیرتومان) ۳۱۷
قاسم میرزا ۲۰۹
قدسیه‌خانم ۳۸۳
قران ۲۸۳-۲۴۶-۱۰۲-۱۲۴-۱۲۹-
۴۱۰-۳۷۸-۳۱۹-۲۹۱-۲۸۸
قرائت‌خانه ۳۳۷
قرخبلاغ ۲۰۲-۱۹۶
قرخلر ۸۵/۱-۱۳۵-۱۹۷-۴۲۴-۴۲۸-
۲۹۰-۱۹۷-۱۴۶-۴۴۷-۴۴۲
قروه ۳۸۲-۴۳۷
قره چای ۱۱۶-۲۵۳
قره‌دای ۲۵۲
قره‌سو (پل)۲۲۹-۲۱۳-۳۰۵-۳۱۸-۳۲۹
۳۳۵-۳۳۷-۳۶۰-۳۹۹-۴۱۱
قریه سادات ۱۶۱-۱۶۴-۱۶۶
قزاق روس ۳۹۲

ق

قزقلعه‌سی ۱۱۵
قزل‌رباط ۳۵۳
قزوین ۴-۴۴-۵۵-۶۷-۸۳-۸۶-۸۷-۸۹
۹۱-۹۴-۹۷-۱۰۱-۱۰۳-۱۰۸-۱۱۰
۱۱۳-۱۱۷-۱۳۴--۱۹۵-۱۹۷-۱۹۶-
۲۶۱-۳۱۶
قزوین(ارك) ۹۴
قزوین (حبس) ۲۹۳-۲۹۶
قشلاق ۴-۹-۱۰۹-۲۶۱
قشم ۱۷۴
قصاب(حاجی) ۳۶۰
قصر شیرین ۳۳۱
قصر قجر ۴۲۵-۲۴۸
قضبان(شیخ) ۱۷۴
قطب(سیدعلی) ۳۳۵
قطب‌الدوله (حسن‌شاه) ۳۰۲
قطور ۱۵
قفقاز ۷۲-۱۷۲-۳۴۴-۴۴۱-۲۳۰-۱۹۳
قلعه‌سر ۴۲۴
قلعه بهمن میرزا ۴۳۷
قلعه پرتقال ۱۷۵
قلعه دختر ۱۱۵
قلعه رزن ۱۴۸-۱۵۰-۱۵۱
قلعه سبزی ۳۷۹
قلعه حلاسل ۱۵۳-۱۵۵/۶
قلعه‌شور ۱۱۹
قلعه محمدعلی‌خان ۱۳۶
قلعه‌کهنه ۱۴۰-۲۰۱
قلی مشهدی) ۳۰۸
قلی‌خان ۳۴۴-۳۴۷

ق

قلخانی(ایل) ۳۵۵-۳۹۴-۴۰۱
قم ۷۶-۱۰۷-۱۱۵-۱۳۶-۲۴۳-۲۵۳
قمشه ۱۱۹-۳۴۱
قوام‌آباد ۱۲۰
قوام (حاجی) ۱۲۱
قوام‌الدوله (پدرمعتمدالدوله) ۱۲۵
قوام‌الدوله (میرزاعباس‌خان) ۴۶-۶۴-۷۵-۷۶-۸۳-۸۴-۱۹۸-۲۵۶-۲۷۸
قوام‌الدوله (میرزا محمد) ۳۴۸
قوم‌الرعایا (کلبی) ۳۲۹-۳۷۱
قوم‌السادات (سیدباقر) ۲۰۲-۲۵۰-۲۵۱-۴۴۰
قوام‌السلطنه ۳۴۸-۳۷۵-۳۸۳-۴۲۰-۴۴۲
قوام‌الملك(میرزاعلی‌محمدخان) ۱۲۲-۲۹۴-۳۶۸-۳۶۹
قوام‌الممالك ۴۱۵
قوام‌لشکر ۱۲۱-۱۲۹
قوام همایون ۴۴۱
قوقه ۱۱۷
قنبرعلی خان ۱۴۳
قنبرعلیخان (پسرکریم‌خان سرهنگ) ۱۴۳
قونسولگری روس (کرمانشاه) ۳۱۳-۳۱۸-۳۲۰-۳۳۰-۳۳۴/۵/۶
قهرمان (میرزا) ۳۴۹
قیس (کیش)
قیطریه ۲۷۵-۲۷۶

ک

کاپیتول ۲۶۹
کاپیتولاسیون ۳۵۸-۲۶۹
کارا کالا ۲۶۹
کاردول ۴۰-۵۰-۵۵
کارنو ۶۷
کارون ۱۵۱-۱۵۴-۱۵۷-۱۶۰-۱۶۸-۱۷۰
کارون (کشتی) ۱۶۰-۱۶۸
کاشان ۵۰-۷۴
کاشف (محمدمیرزا) ۷۹
کاشف‌السلطنه ۲۷۶-۲۹۷
کاظم‌خان (میرزا) ۳۶۱
کاظم خراسانی (ملامحمد) ۳۱۱-۳۸۹
کاظم‌خان (میرزا) ۳۶۱-۴۴۲
کاظم‌خان (میرزاسید) ۴۰۲-۴۱۶-۴۱۷
کاظم‌خان سگوند ۱۴۶
کاظم‌خان ۱۱۴
کاظم‌یزدی (سید) ۳۱۱
کاظمین ۲۱۸
کاف(کاپیتن) ۲۲۱/۲۲-۲۳۴/۳۵-۲۳۷
کاکاوند (ایل) ۳۱۷-۳۲۹-۳۳۱-۳۳۳-۳۳۷-۳۳۹-۴۰۴-۳۰۸
کاله ۴۹-۵۳
کامران میرزا (نایب‌السلطنه) ۲۰۰
کامرانیه ۸۸
کامل‌بیگ ۴۰۶
کانتور ۴۲۶
کاون (مستر) ۴۴۴
کاون گاردن ۲۱-۴۸
کبابیان ۱۴۰
کبودراهنگ ۸۵-۷۶-۱۹۷
کبوده ۲۳۰-۲۴۵-۳۱۴

کتابچه اساسی ۲۱
کتابچهٔ اصول ۱۶-۱۷-۲۰-۲۱
کنل وارسی ۶۰-۶۱
کراچی ۱۷۲-۱۷۳-۱۷۶-۱۸۳-۱۷۷-۱۷۸-۱۸۹
کراس (کاپیتن) ۲۴۵
کربلا ۹۴-۱۳۸-۲۱۸-۴۳۳
کرتهو (مسیو) ۴۳۷
کرج (پل) ۳۲۰
کرخه (رود) ۱۶۱-۱۶۵-۱۶۸
کردخورد ۱۱۵
کردستان ۲-۷۰-۱۳۴-۱۳۵-۱۴۰-۲۰۲-۳۷۴-۳۸۲-۴۰۷-۴۱۰-۴۱۲-۴۱۵-۴۳۵
کرگانه (نهر) ۱۴۷
کرمان ۱۹۹-۲۲۲-۲۳۵-۲۵۰
کرمانشاه ۷۰-۱۳۳-۱۳۴-۲۰۶/۷-۲۰۹/۱۰-۲۳۳-۲۳۵-۲۴۲-۲۴۵-۲۴۶-۲۵۳-۲۶۹-۳۱۱-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۳/۲۴-۳۲۶-۳۲۹-۳۳۱-۳۳۹-۳۴۱-۳۴۴-۳۴۵-۳۵۰-۳۵۴-۳۷۶-۳۸۳-۳۸۵/۶-۳۸۸/۸۹-۳۹۱/۹۲/۹۴/۹۵-۳۹۸-۴۰۱-۴۱۴/۱۵-۴۲۹-۴۳۹-۴۴۴-۴۴۷/۸
کرند ۳۴۰-۳۴۷-۴۴۶
کمره ۱۱۷
کره ۱۴۴-۲۱۵
کریمخان زند ۱۲۴/۱۲۹-۴۰۶
کریم صراف (حاجی میرزا) ۱۳۰
کریمخان (میرزا) ۶۵-۷۵

کریمخان سرهنگ ۱۴۳
کریمبیگ (بعبدالکریم بیك مراجعه شود) ۱۲/۱۱/۲۱۰-۳۶۵
کرسف ۱۶
کرون هتل ۱۸
کسینگن ۵۱
کشك ۲۰۷
کلبی (مشهدی کلبعلیخان) ۳۷۱-۳۷۹-۳۸۸
کلارندن (کوچه) ۱۱
کلاه فرنگی (شیراز) ۱۲۱
کلنگانه ۱۴۶
کلهر (ایل) ۲۲۰-۳۲۴-۳۳۲-۳۴۵-۳۰۵-۳۵۵-۳۹۴-۳۹۷-۴۰۱-۴۰۳
کلیفتن (لرد) ۵۴
کلیم (ابوطالب) ۲۴۰
کمالالدین (سید) ۳۰۸-۳۱۴-۳۱۸-۳۲۶
کمالالملك ۲۰۵
کمالالوزاره ۲۱۰-۲۱۵
کمبریج ۱۸۵-۴۲۰
کمنده ۹۰-۱۰۹
کمیسری سرحدی ۴۳۲
کمسیون سرحدی ۴۳۳
کناوه ۱۲۰
کنتینانتال (هتل) ۲۶۴-۲۶۵
کنتربوری ۶۲
کنزینگتون ۱۸۳
کنی (حاجی ملاعلی) ۸۳
کندل (ناخدا) ۱۷۲-۱۷۳-۱۷۶

ک

کنگان ۱۷٤
کنگاور ۹/۲۰۸-۲٤٦-۳۵۲-۳۳۱-۳۵٤-۳۹۱-۳۹۲-٤۱۳
کوچك‌خان (میرزا) ۲۳۷
کویر ۳۲
کوخ ۱۸۷
کوراپاتکین (ژنرال) ۲۲۱-۲۲٤-۲۲٦
کوروکی (ژنرال) ۲۲۱
کوریجان ۱۳۵-۱۹۷-۲۰۸
کوشك نصرت ۱۳٦-۲۵٤
کوك (مدیر مدرسه) ۱۸۳-۱۸٤
کولیزه ۲٦۹
کومر (دکتر) ۲٦٦
کوهی ۱۲۰
کوندج (کونده) ٤/۲٦۱
کوینزبورو (بندر) ۱۸۷
کوهرنگ ۱۵۸
کهریزك ۲۲۰-۲۵٤
کهن (مستر) ٤۳۱
کهکدان ٤٤/۱٤۳
کهدم ۵-۲٦۱
کهکیلویه ۱۵۸
کیت ٤۰
کیش (جزیره) ۱۷٤
کیف ۱۹۰-۱۹۱
کیوکاردن (باغ) ۳۲-۷۳
کیومرث ۲۲۲

گ

گاریبالدی ۱۹۹-۲٦۸
گاکیه ۱۹۹-٤۱۳

گ

گال (پرنس‌دو) ۵۵
گاماسب ۲۳۲
گاوخانه ۱۱۵
گراندهتل ۲۷۱
گردنه رازان ۱٤٦
گردنه شهنشاه ۱٤۷
گردنه کیالان ۱٤۸-۱۵۰
گرزن (لرد) ۳٦۸
گرنویل (لرد) ۱٦-۲۷-۲۹
گری‌خان ٤۰٤-٤۱۷
گریو ۵۱
گریوی ٦۷
گلادستون ۱٦-۲۷-۲۹-۳۰-۳۸-٤۸-۱۸٤
گلاسکو ۱۷۳
گلباغی ٤۲٦
گلپایگان ۱۱۷-۱۱۸
گلستان ۲٦-۲٦-۳۱-۳۳-٤۲-٤۵-٤۹
گلستان (عمارت) ۲۰٦
گلشن (سرای) ٤۲۸
گمش‌تپه ۳۸۱
گنبد (قریه) ۱۱۵-۱٤۲
گندجین (قریه) ۲۰۸
گنل (محمدعلی) ۳٤۹-۳٦۵-۳۸۷-٤۰۰
گوردون (ژنرال) ۲۲-۵۱
گوران (ایل) ۲/۳۳۱-۳۵۵-۳۹٤-٤۰۱-
گیلان ۵-۸۳-۲٦۱-۳۱۱
گیلدهال ۱۹
گیلی ۱۱۷
گیوم ۵۸-۷۱

ل

لار ۲۰۲-۲۰۳
لارستان ۱۷۵
لاسلت ۲۰-۴۸
لامبر ۱۶۲
لایك‌ولی ۶۳
لتکاه ۱۳۳-۱۳۵-۱۴۱-۱۹۷-۲۰۸-
۴۳۱
لتیان ۲۰۳
لدز (مسیو) ۴۲۵
لرستان ۱۴۰-۱۴۴-۱۴۶-۱۴۸-۱۵۵-
۱۵۸-۱۷۱-۳۵۵
لسان‌السلطنه ۳۵۵
لسان‌الملة(آقا لسان‌پسرسیداکبرشاه) ۴۲۰
لسپس (فردیناند) ۱۷۹
لشت‌نشا ۲۲۰
لقمان‌السلطان ۲۴۲-۳۵۲
لمیزدان ۱۵
لنج ۱۶۰
لنزدون‌رود ۲۰
لنکران (کشتی) ۲۶۲
لنکران ۱۹۳
لندن ۲-۴-۶-۷-۱۰-۱۱-۱۵-۲۷-
۳۱-۳۲-۳۴-۳۷-۴۰- ۴۲-۴۶-۴۸-
۵۰-۵۸-۶۰-۶۴-۶۹- ۷۲-۷۴-۷۸-
۸۳-۸۸- ۹۲- ۱۰۱/۲-۱۲۲- ۱۷۳-
۸۳-۱۸۴-۱۸۶-۱۸۸-۱۹۲-۳۶۱
لواسان ۲۰۳
لوزان ۶۵-۲۶۴
لوشان ۴
لوگزامبورك (باغ) ۵۱-۵۲

ل

لوور (موزه) ۵۱
لوور (هتل) ۴۹-۵۱
لوهاور (بندر) ۱۸۶
لیااولائك ۲۲۴-۲۲۶
لیبرال (حزب) ۱۸۴
لیتوفسکی (مسیو) ۳۴۰
لیستر (مستر) ۱۹۲
لیمینگتن ۶۰
لیورپول ۶۷-۱۷۶-۱۷۸-۱۸۲

م

مارسی (بندر) ۸۰-۲۲۰
مازندران ۲-۵۴-۱۴۷
مالك‌ماهون ۱۸۹-۱۹۰
مالتا (جزیره) ۱۸۰
مانك (میس) ۷۲
ماهنیان ۱۹۷
ماهیدشت ۳۳۰-۳۴۵-۳۷۰-۳۸۳-۴۰۰
مبشرالدوله ۲۵۵-۲۵۸-۲۵۹
مبصرالسلطنه ۲۴۱-۲۴۲-۲۴۵-۲۴۶-
۲۴۷-۳۰۲
مبین‌السلطنه (علی‌خان) ۳۴۳-۳۷۵-
۴۱۴
مبشرهمایون ۳۷۲-۴۱۳
متحدین (آلمان و اطریش) ۴۴۸
مترجم‌الممالك ۲۷۱-۳۴۳
متولی‌باشی (حاجی) ۲۵۴
مجاهدین ۳۵۰-۳۵۱-۳۹۶-۴۱۱-۴۱۷
مجدالممالك ۲۵۱
مجلس ستا ۳۲۳-۴۳۵
مجلس (روزنامه) ۲۵۰-۳۶۸

م

مجلس‌شورای‌ملی ۲۴۹-۲/۲۵۱-۲۵۶-
۲۵۸-۲۵۹-۲۷۶-۲۷۸- ۲۸۰-۲۸۲-
۲۸۴-۲۸۷- ۲۸۹- ۲۹۰/۹۱- ۲۹۳-
۲۹۵-۳۰۱-۳۱۸-۳۲۳- ۳۳۲-۳۳۹-
۳۴۰-۳۴۳-۳۴۷-۳۵۱- ۳۵۴-۳۶۲-
۳۴۶-۳۷۸-۳۷۸-۴۳۵-۴۴۲
مجلل‌الدوله ۲۵۸-۲۵۹
مجلل‌السلطنه ۲۹۶
مجمع انسانیت ۲۹۵
مجموعه‌المعاهده بین‌الملل ۱۶۹
محلات ۱۰۳
مجیدیه ۴۴۰
مجیرالسلطنه ۲۵۵-۲۸۱
مجیرالملك ۲۱۷-۲۲۸-۴۱۷
محافظه‌کار (حزب) مراجعه شود
محاوی (شیخ) ۱۶۷
محتاجعلی‌خان (اجلال‌الممالك) ۲۶۷
محتشم‌الدوله ۲۰۹-۲۱۰-۲۳۱-۲۳۲-
۲۳۹/۴۰ - ۲۴۱ - ۲۴۵ - ۳۰۵ -
۳۱۳/۱۴/۱۵-۳۲۷/۲۸/۲۹-۳۳۴/۳۵-
۳۳۹-۳۴۳-۳۴۶-۳۴۹- ۳۵۶-۳۶۰-
۳۶۳ - ۳۶۷/۶۸/۶۹ - ۳۷۳/۴/۵ -
۳۷۷/۷۸-۳۸۳/۸۴-۴۰۶-۴۱۱
محتشم‌السلطان (سالار محتشم) ۲۱۱-
۲۳۰-۲۳۲-۲۳۶-۲۳۹-۳۰۷
محتشم‌السلطنه ۲۵۵ - ۲۷۵ - ۲۷۶-
۲۸۳-۳۰۰-۳۰۳-۳۶۵- ۳۷۵-۴۴۲-
۴۴۴
محتشم‌الملك ۱۹۵
محسن میرزا (دولتداد) ۳۰۰-۲۰۲-
۲۱۷-۲۴۳-۳۴۰

م

محسن‌خان (میرزا) ۲۹۴
محسن میرزا (میرپنج) ۲۴۹-۲۵۱
محسن بسطام (حاجی‌سید) ۲۱۱
محسن مجتهد (حاجی‌آقا) ۱۱۶
محمدمیرزا (عضو سفارت پاریس) ۵۰-
۵۳-۷۸-۷۹
محمد (ص) (حضرت) مصطفی ۷۶-
۲۱۲-۲۹۹
محمد بروجردی (حاجی‌آقا) ۱۴۴
محمد (حاجی‌آقا) شیرازی ۱۲۶
محمد (سید) زنجانی (مجتهد) ۳۱۴
محمد (شیخ) ۳۳۶
محمد معمارباشی (استاد) ۳۱۹
محمد کیاه‌خوار (سید) ۱۵۵
محمد مسیو (ملا) ۶۱
محمد پسرآقا اسمعیل (آقا) ۴۳۰
محمد واعظ همدانی (حاجی میرزا) ۳۹۲
محمد واعظ (شیخ) ۴۴۰
محمدولی‌خان ۲۰۲
محمدولی‌میرزا(پسرفرمانفرما) ۴۰۳-۴۰۶
محمدابراهیم‌خان (پسرامیرتومان) ۴۴۱
محمداسمعیل (آقا) ۴۳۲
محمدامین‌خان سرهنگ ۱۴۳
محمدباقر اصطهباناتی (شیخ) ۲۹۵
محمدتقی (شیخ) ۳۷۹
محمدتقی‌خان پسیان (ماژور) ۴۴۳-۴۴۴
محمدتقی‌خان بختیاری ۱۶۵
محمداسمعیل فراش ۹۲-۹۴
محمد پیشنماز(آقا) ۲۲۶
محمدشاه قاجار ۲۶-۱۱۷-۱۵۸-۳۹۲

محمدجعفر مجذوبعلی شاه (حاجی) ۴۳۹
محمدجعفر (امامزاده) ۱۱۹
محمدشمس (حاجی) ۲۴۱
محمدشفیع(حاجی) همدانی ۱۴۳-۱۴۴-
۱۴۶-۳۵۸-۳۷۷-۴۱۹
محمد دکتر (میرزا) ۲۱۶
محمدطاهر (مدیرروزنامه‌اختر) ۸۰-۸۱
محمدطباطبائی (آقاسید) ۲۵۷-۲۸۷-
۲۹۰-۳۰۱
محمدطباطبائی (سید) همدانی ۳۷۸-
۴۰۴-۴۱۵
محمدقاضی (حاجی آقا) ۳۷۷
محمدطاهر(شیخ) ۱۵۲-۱۵۵-۱۵۶
محمد کرمانشاهی (میرزا) ۲۹۹
محمد گلپایگانی (شیخ) ۳۸۰
محمدخان (حاجی میرزا) ۴۲
محمدخان (حاجی) ۲-۱۲-۲۱
محمدخان (نایب دوم) ۶۱
محمدخان حاجیلو ۱
محمدخان میرپنج ۴۱۹-۴۳۰
محمدخان (حاجی) ۶۴
محمدخان (عموزاده والی گیلان) ۵
محمدخان ۱۵۲-۳۵۸
محمدخان (نایب آجودان‌باشی) ۱۳۵
محمدخان (کارگذار ناصری) ۱۶۲
محمدخان منشی باشی (میرزا) ۲۰۰-
۲۰۱-۲۰۸
محمدنراقی (حاجی) ۴۲۵-۴۲۸-۴۳۰
محمدخان (سلطان) خامس ۳۱۴-۳۴۰
محمدحسن‌خان سرتیپ ۵۵-۱۲۰-۱۴۱-
۲۴۹-۲۵۴

محمدحسین میرزا (والاحضرت) ۴۴۳
محمدحسن (شیخ)انصاری ۱۵۲
محمدحسن (شیخ) برادر شیخ‌طاهر ۱۵۲
محمدحسین‌خان (قراگزلو عاشغلو) ۲۰۴
محمدحسین میرزا ۴-۸۳
محمدحسین‌خان سرهنگ ۲۵۲-۲۵۴
محمدحسین میرزا افغانی ۲۲۰
محمدرضاخان ۴۴۲
محمدرضا (وزیر همدان) ۱۴۰
محمدعلی‌خان فریدالملک (بفریدالملک‌مراجعه
شود)
محمدعلی‌خان (از متمولین هند) ۵۹
محمدعلی‌خان (سفیرایران درپاریس) ۷۷
محمدعلی‌خان (میرزا) ۴۳۰
محمدعلی‌خان(فروغی)(ذکاءالملک) ۲۸۱-
۲۸۲
محمدعلی‌خان (قلعه) ۲۵۴
محمدعلی‌خان (پسر نظام‌السلنه) ۳۳۵
محمدعلی‌خان (کلهر) ۳۴۶
محمدعلی‌خان‌کلوب (فرزین) میرزا ۴۱۸-
۴۲۳-۴۲۹-۴۳۱/۲/۳-۴۳۷/۸-
محمدعلی صدرالذاکرین (حاجی‌سید) ۴۱۵
محمدعلی‌خان وزیرزاده ۳۴۸
محمدعلی میرحمزه (میر) ۱۲۷
محمدعلی میرزا دولتشاه ۱۵۴
محمدعلی صراف (حاجی) ۲۱۷-۲۲۳
محمدعلی مظلوم (میرزا) ۲۲۶
محمدعلی‌شاه ۲۵۲-۲۵۵-۲۷۰/۱-
۲۷۶-۲۸۳-۲۸۴ - ۲۸۶/۷- ۲۸۹ -
۲۹۶-۳۰۰-۳۱۶-۳۱۸-۳۲۳-۳۲۴-
۳۲۶-۳۲۹-۳۸۱

م

محمدعلی واعظ (میرزا) ۲۲۶
محمدعلی (سید) ۳۵۵
محمدصادق میرزا (دولتداد) ۳۱۹-۴۰۳
محمد صدرالدین ۳۹
محمدعلی‌خان ایلخانی ۱۲۱
محمدقلی لشکرنویس ۱۲۹
محمدمهدی (حاجی) ۱۳۱
محمدمهدی (حاجی‌آقا) مجتهد ۳۲۰-
۳۲۱-۳۲۶-۳۲۸-۳۴۲-۳۵۴-۳۶۸-
۳۸۰-۳۹۲-۳۹۴
محمدمهدی میرزا ۲-۸۴
محمدهادی (حاجی) ۱۴۳-۱۴۶
محمره ۱۵۴-۱۵۶-۱۵۸-۱۶۰-۱۶۲-
۱۶۵-۱۶۶-۱۶۸-۱۷۰-۱۷۲/۳-
۱۷۸-۱۸۳-۳۲۷-۳۳۰-۴۳۲
محمودخان میرپنج ۲۰۴-۲۰۸
محمودخان(حاجی میرزا) ۲۱۶-۲۱۹-
۲۲۲-۲۲۳
محمود (آقای‌آقا) مجتهد ۲۱۵-۳۴۲-
۳۵۶-۳۶۰-۳۷۹-۳۸۰-۳۹۱-۳۹۳-
۳۹۴-۳۷۶
محمد بروجردی (شیخ) ۳۹۶
محمود (آقاسید) ۴۳۶
محمودخان (پسر ایلخانی) ۴۰۰
محمودخان سرتیپ ۳۴۵
مخبرالدوله ۲۵۷-۳۰۰
مخبرالسلطنه ۲۵۸-۲۸۲-۲۸۶-۲۸۸-
۲۹۳-۲۹۴-۲۹۶-۴۴۳-۴۴۲-۴۲۵
مخبرالملك ۲۸۷-۲۹۵
مخبرهمایون ۴۱۸

م

مختارالدوله ۳۶۵
مختارالسلطنه ۳۲۹-۳۲۲-۳۳۴-۳۳۵/۶
مدحت‌الممالك ۲۹۲-۴۰۳-۴۰۶-۴۰۷-
۴۱۱/۱۲
مدرسهٔ دارالفنون ۲۸۲-۲۹۷
مدرسهٔ عملیه ۳۷۹
مدرسهٔ علوم سیاسی ۲۵۷-۲۸۱
مدرسهٔ الیانس ۳۰۳-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۱-
۴۲۲/۳-۴۲۵/۶-۴۲۷-۴۴۳
مدرسهٔ امریکائی ۴۲۳
مدرس ۱۷۶
مدرسهٔ امپراطوری پطرزبورغ ۳۳۵
مدرسهٔ تائید ۴۲۲
مدرسهٔ مروی ۲۸۹
مدرسهٔ نصرت ۴۲۷-۴۲۹-۴۳۰
مدیرالملك (باغ) ۳۰۹
مدیترانه (دریای) ۸۰
مرات‌السلطان ۲۱۷-۲۵۶-۲۵۹
مرادبیك ۸۴
مرتضی (شیخ) ۳۴۴
مرتضی انصاری (شیخ) ۱۵۲
مرکوری (کشتی) ۲۶۳
مرمر (کاخ) ۲۸۸
مریضخانه ۲۳۸
مریوان ۳۹۹
مرو ۱۲
مری (ملکه) ۲۰
مریم (حضرت) ۲۵
مزدغان ۲۵۲
مزرعه ۴

م

مسارژی (کمپانی) ۷۸-۸۰-۸۱
مساعدالملك (آقابهاءالدین) ۲۸۹-۲۹۸-
۳۰۳-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲
مساوات (سید محمدرضا) ۳۵۶-۳۵۷
مستشارالایاله ۳۱۸
مستشارالحکماء ۳۵۱-۳۵۲
مستشارالدوله (یوسف خان) ۴۲-۹۴-
۹۵-۹۷/۸-۳۰۵-۳۶۵-۴۲۰-۴۴۳
مستشار (میرزاعلی‌خان) ۶۱
مستشارالملك ۱۲۹-۱۳۹
مستشارالوزاره ۲۶۰
مستشارنظام ۱۲۹
مستوفی(میرزارضا) ۱۵۱-۱۵۲-۱۶۴-
۱۷۱
مستوفی (میرزا سید محمدعلی‌خان) ۱۴۳
مستوفی گیلانی (میرزا طاهر) ۴-۱۵۲
مستوفی (میرزا محمدعلی‌خان) ۱۵۲-
۱۶۲-۱۶۸
مستوفی (غلامحسین‌خان) ۴۳۲
مستوفی (میرزاعلی) همدان ۲۱۲
مستوفی‌الملك ۳۶۵
مستوفی‌الممالك (میرزایوسف) ۱۶-۴۳
مستوفی‌الممالك (میرزا حسن) ۴۳-۲۷۷-
۲۸۲-۳۰۰-۳۱۶-۳۴۸-۳۵۴-۴۲۱-
۴۴۰
مسجد وکیل‌الدوله (کرمانشاه) ۳۰۸
مسجد جامع کرمانشاه ۳۱۹
مسجد جامع همدان ۳۱۸
مسجد سپه‌سالار ۲۸۳-۳۸۷-۲۹۱-۳۰۰

م

مسجد شاه ۲۹۷
مسجد شاه بروجرد ۱۴۴
مسجد ناصری ۲۸۳-۲۹۱
مسجد ذوالریاستین ۴۳۲
مسعود (فرید) ۲۰۲-۲۰۸-۲۱۸-۲۴۰-
۳۵۲-۳۵۳-۳۶۵-۳۸۰-۳۸۶-۴۰۶-
۴۰۸-۱۹/۴۱۸ - ۲۹/۴۲۸- ۴۳۴ -
۴۳۹-۴۴۰-۴۴۲/۴۷
مسعودالدوله (حاجی) ۲۰۱
مسعودالملك ۴۱۹-۴۴۱
مسیب (شهری در عراق) ۳۳۱
مسیب‌خان تبریزی ۴۰۷-۴۰۹
مسکو ۵۱-۲۳۰
مسقط ۱۷۵-۱۷۶
مسیح (عیسی) ۲۰۸
مشارالسلطنه(اسدالله)۲۵۵-۳۲۴-۳۳۰-۴۴۳
مشاورالملك (میرزامحمودخان) ۲۱۵-
۲۱۸-۲۱۹-۲۹۷
مشاورالممالك ۴۲۵
مشکی (ایستگاه)
مشتاقعلی (میر) ۳۸۴
مشکوةالملك ۱۹۸-۴۱۵-۴۲۲-۴۳۰-
۴۴۳
مشکوةالممالك (حاجی میرزا محمدخان)
۲۵۶
مشهد ۱۲-۶۶-۷۲-۱۱۵-۱۳۸-
۲۹۲-۳۱۹
مشهد مرغاب ۱۲۰
مشیر (میرزا اسدالله) ۸۴-۴۴۱

م

مشیرالتجار ۲۱۱
مشیرالدوله حاجی محسن‌خان ۱۳۷
مشیرالدوله (یحیی‌خان) ۴۱-۴۷-۶۴
مشیرالدوله(میرزا نصرالله‌خان) ۲۰۰-۲۰۴-
۲۸۲-۲۰۵/۶-۲۸۷/۸-۲۹۳-۲۹۵-۲۹۸-
۳۱۶-۳۰۰-۳۶۵-۳۷۰-۴۰۷-۴۲۰-۴۴۳
مشیرالسلطنه ۱۲۹-۲۳۰-۲۷۵-۲۷۸-۲۸۰
۳۰۰-۳۰۴-۳۱۵
مشیرالملک‌میرزانصرالله‌خان(مشیرالدولهٔ‌بعدی)
۱۲۱-۱۹۸-۲۵۶-۲۷۸
مشیرحضور(ناصرالملک‌بعدی) ابوالقاسم‌خان
مشیر دیوان ۲۴۶-۲۷۶-۴۱۱-۴۱۷
مصباح‌الملک ۴۳۳-۴۳۵
مصدق‌السلطنه ۲۵۸-۲۹۵-۲۹۶
مصدق‌الملک ۲۵۹
مصر ۱۲-۱۶-۲۲-۲۳-۳۳/۴-۶۴-۷۱
۷۹-۱۲۲-۱۷۹
مصطفی خان (میرزا) ۲۸۸
مصطفی‌خان‌سرتیپ ۱۰۲-۱۰۵-۱۲۹
مصلی(کرمانشاه) ۳۵۴
مصلی(تپه درهمدان) ۲۴۱
مطلب (مولا) ۱۶۷
مطرح ۱۷۵
مظفرالدین‌شاه ۱۳۸-۱۳۹-۱۵۶-۱۷۸-
۲۰۰-۲۰۱-۲۰۵-۲۰۹-۲۱۱-۲۲۲
۲۳۰/۱/۲-۲۳۴-۲۴۴-۲۴۹-
۲۵۲-۲۷۹-۲۸۵
مظفرالدوله(سرتیف) ۱۰۶

م

مظفرالسلطنه ۱۹۹-۲۴۰-۴۰۲-۴۱۱-
۴۱۴
مظفرالملک (محسن‌خان) ۱۴۷-۱۶۶-
۱۹۸-۱۹۹-۲۲۸-۲۵۷-۲۸۱-۲۹۱-۳۰۴
مظفرالملک ۴۱۵-۴۱۸-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۴-
۴۲۵/۶-۴۲۷-۴۳۳-۴۴۳
مظفر نظام ۲۲۳
مظفریه ۱۶۸
مظهر(میرزا) ۴۴۱
معاون‌الملک(محمدعلی‌خان) ۶۱-۶۴-۸۳
معاون‌الرعایا (اکبرخان) ۳۵۵
معاون‌الملک (اکبرخان)۳۸۲-۳۸۵-۳۹۵-
۴۰۰-۳۹۷
معاون لشکر(اکبرخان) ۳۷۰-۳۷۸-۳۸۱
معاضدالدوله ۳۵۴
معاضدالملک (ادیب‌الحکماء سابق) ۳۱۷-
۳۱۸-۳۲۷-۳۴۲-۳۵۲-۳۷۲-۴۰۴-
۴۰۷-۴۰۹-۴۱۱-۴۱۲
معاون‌الدوله ۳۶۴-۳۶۵-۳۷۵-۴۳-/۴۴۲
معتصم‌السلطنه ۲۹۳
معتصم‌الملک ۳۵۸
معتضدالدوله ۳۰۸-۳۱۴-۳۳۰-۳۳۵-
۳۳۹-۳۴۶-۳۵۰-۳۶۰-۳۶۶-۴۰۷-۴۰۹
معتضدالسلطان۳۲۵-۳۲۹-۳۳۳-۳۳۵
معتضدالوزاره ۳۶۳
معتضد دفتر ۲۲۸-۲۳۰-۲۳۲-۲۳۳
معتمدالتولیه(حاجی) ۳۷۹-۳۹۶-۳۶۸
معتمدالدوله(عبدالوهاب‌خان) ۲۰۴
معتمدالدوله(اویس‌میرزا)۱۰۵-۱۰۶-۱۲۶-
۱۲۷-۱۲۹

م

معتمدالدوله (منوچهرخان)۵/۱۵۸-۱۶۵
معتمدالدوله(فرهادمیرزا)۱۲۵-۱۲۷-۱۶۵-
۱۷٤
معتمدالملك ۲۹٦
معتمدالسلطان(رضاقلی‌خان‌عراقی (۲٤۰
معتمدخاقان ۳٦۲-۳٦۳
معتمددیوان(حسین‌خان گواری) ۲۹٤-۲۹۵
معتمد همایون ۳٦۵-٤۲۲
معتمدالوزاره (میرزا حسنعلی) ۸۰-٤۱۸
معتمدنظام (محمدباقرخان) ۱۳۵-۱۳۷
معتمدی (عمارت) ۵
معدل‌السلطنه ۲۹۸
معزالسلطنه (شیخ‌خزعل) ۱۵۹-۱٦۰-
۱٦۸
معزالسلطان ۲۳۲
معززالممالك ۲۹۱
معمارباشی (استاد اسدالله) ۳۵٦
معززالسلطان ۲٤۸-۲۵۵-٤۲٦
معصوم‌خان وزیر خارجه (میرزا) ۳۳
معصوم خان (میرزا) (قونسول بادکوبه)
٦-۸۲
معصومه (حضرت) ۱۱۵
معیرالممالك ۲۰۳-۲۰٦
معین‌الرعایا (حسین‌خان) ۲۱۲-۲۱٦-
۲۳۰-۲۳۱- ۲٤۱/۲ - ۳۱۷- ۳۱۹-
۲۳/۲۲/۲۱/۳۲۰-۳۲٦-۳۰/۲۹/۳۲۸-
۳٤۵- ۳۵۵ - ۳۵۹ - ۳٦۰- ۳٦۳ -
۳٦۸/۳٦۷-۳۷۱-۳۸۸-۳۹۵
معین‌الاسلام (حاجی سیداحمد) ۲۹۵
معین‌خلوت ۲۵۹

م

معین‌الاشراف (حاجی‌رستم‌بیگ) ۳۷۱-
۳۸۹
معین حضرت ۳۰۲
معین‌الکتاب ۳۲۹-۳۷۷-۳۹۲-۳۹٦
معین‌الشریعه ۱۲۸-۱۳۰
معین دیوان ٤٤۱
معین‌نظام ۸۸-۸۹
معین‌الملك ۲۷-۳۳-٦٤-۸۰
معین‌السلطنه ۳٤۳-۳٤۲-۳۵۳-٤۱۷-
٤۱۸-٤۲۱-٤۲۷-٤۳۷
معین‌الممالك (میرزا صادق‌خان) ۲۰۱-
٤۰۳-٤۰۷-٤۰۸
معین‌الوزاره (حسین علاء) ۲۵۷-۲۷۸-
۲۷۵
معینیه (باغ) ۲۵۸
مغرورخان (خواجه) ۳۰۲
مفتاح‌الملك ۳۰۰
مفاخرالملك ۲۹۸
مفتاح‌السلطنه ۲۵۵-۲۵٦
مفتح‌الدوله (طاهرخان سرتیپ) ۲۰۸-
۲٤۹-۲۵۱
مفتح‌الملك ۲۵۵
مفخم‌الدوله ۲۷۲
مقتدرنظام ۳۰۲
مقتدرالسلطان ۲۳۲
مقدم (طایفه) ۱٦۷
مقرب‌السلطنه ۳۰۳-۳۰٤
مقصودبیك (قمشه) ۱۱۹-۱۲۰
ملك‌دو ۳۷٦
مکلین ۷۲-۲۳۷

م

مکدوال (مستر) ۱۶۹-۳۲۷-۳۳۰-
۳۸۹-۴۱۲-۴۱۷-۴۴۴-۴۴۵
مکرم‌الملك (محمدامین خان) ۴۱۹-
۴۲۳-۴۳۶
مکلین ۲۳۷
مك‌مری (مستر) ۴۲۵-۴۲۶-۴۴۳
مکه ۹۵-۱۰۹-۲۱۳
ملایر ۱۳۳-۱۴۲-۳۸۱
ملك‌خانم ۸۵
ملك‌آرا (حاکم قزوینی) ۴
ملك‌آباد ۲۵۳
ملك‌التجار بوشهری (حاجی محمدمهدی)
۱۷۳-۱۷۷-۱۸۳
ملك‌التجار ۹۷
ملك‌الشعرا (میرزا فتحعلی‌خان) ۲۰۴
ملك‌المتکلمین ۲۷۹-۲۹۳-۲۹۵-۳۰۱
ملکم‌خان (ناظم‌الدوله) پرنس ۱۸۷-
۱۸۹-۲۶۶-۲۶۸-۲۷۳- ۲۷۶-۲۸۵-
۲۹۴-۲۹۷-۲۹۹-۳۰۲-۳۳۱-۴۰۱-
۴۳۳
ملکم (سرجان) ۲۳-۲۰۴
ملکم (فریدون) پرنس ۳۳۱
ملاآقائی ۱۲۳
ملك محمد (حاجی) ۳۹۹-۴۰۲
ملا (ده) ۱۹۶
ملاحسین (حاجی آخوند) ۳۲۶
ملاعلی (دره) ۱۹۶
ملامیران (آسیاب) ۳۰۷
ملیجك (عزیزالسلطان) ۹۰-۹۱-۱۱۰
ممتازالدوله ۲۹۶-۳۶۲

م

ممتازالسلطنه ۲۰۴-۲۰۵
ممتازالممالك ۲۷۱
ممتحن‌الدوله ۲۷۱-۲۸۰
ممتحن‌السلطنه ۲۷۶-۲۷۸-۲۸۰-۲۹۵
منتخب‌الملك ۳۶۲-۳۶۳
منتصرالملك (خراسانی) ۳۴۷
منتصرالملك (همدانی) ۱۲۷-۲۰۰-
۲۰۱-۲۰۸-۴۱۸-۴۲۷
منتظم‌السلطنه (فریدون‌ملکم) ۲۶۰-
۳۰۲-۳۴۲
منتظم‌الحکماء (میرزا مهدی خان)
۲۷۹
منجیل ۴-۱۹۵-۱۹۶-۲۶۱
مندرآباد ۲۰۸-۲۴۷
مندلج ۲۶۱
منحم (میرزا) ۴۲۱-۴۲۲
منچوری ۲۲۴
منشی (خواجه) ۲۲۷
منشورالملك ۲۵۹
منصور (فوج) ۳۴۲
منصورالدوله (مهدیخان) ۱۳۰-۱۳۱
منصورالدوله (عبدالعلی خان) ۲۵۰-
۳۵۹-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۵
منصورالسلطنه احمدخان ۱۴۶
منصورالسلطنه(شاهزاده) ۲۱۰-۲۱۴-
۲۲۳-۲۲۴-۴۱۱-۳۴۰-۴۳۳
منصورالسلطان ۳۵۹
منصورالممالك ۲۷۴
منصوردیوان ۴۱۸
منصورنظام ۳۷۴-۳۷۵

م

منصورعلی‌خان (ساعدالسلطنه و سرداراکرم بعدی) ۱۹۷-۲۶۰-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷
منطق‌الملك ۲۹۲
منظریهٔ قم ۱۳۶
منظریهٔ کرمانشاه ۱۶۸-۲۱۳-۲۵۴-۳۷۶
منوچهر میرزا ۳۵-۴۳۳
منیشه (شیخ) ۱۶۱-۱۶۲
منیر بیگ ۴۲۴-۴۳۷
منیرالدوله ۴۲۶-۴۴۴
مؤتمن‌الملك (میرزاسعیدخان) ۱۲-۱۳
مؤتمن‌الملك ۲۵۸-۲۸۲-۲۹۴-۲۹۵-۳۰۰-۳۱۶-۴۲۰
مؤدب‌الملك ۲۸۱
مؤیدالدوله (ابوالفتح میرزا) ۲ ۱۸۸-۲۸۱-۲۵۸
مؤیدالسلطنه (میرزا احمدخان) ۱۳۴-
موسی‌خان (میرزا) ۳۳۵
موسی برادر شریعتمدار (آقا) ۴۳۰
موسی قاضی (آقا) ۴۴۲
موسوروث پاشا ۱۶-۲۲
مؤیدالسلطنه (میرزا رضاخان) ۲۹۴
مؤیدالسلطان ۴۳۸-۴۴۰
مؤیدالملك ۶۳-۶۴
مؤیدالوزاره ۲۱۷
مؤیدالممالك ۴۱۸-۴۲۱-۴۲۳-۴۳۰-۴۳۱-۴۴۱
موزه بریتانیا ۳۳-۵۹
موزه تاریخ طبیعی ۲۸-۲۹
موزه تروکادرو ۵۱
موزه کنزینگتن ۲۸

م

موزه گرون ۵۰-۷۸
موزه لوور ۵۰-۷۸-۷۹
موزه مادام توسو ۲۵
موزه مومی پاریس ۵۱
موزه مومی لندن ۵۱
موسی‌کاظم (ع) (امام) ۱۱۹-۱۲۰
موسی (حضرت) ۲۰
موسی‌خان ۸۵
موسی‌خان (پسر ایلخانی) ۳۵
موش (مستر) ۲۲۷
موشه مریم‌خان ۳۴۱
موفق‌السلطنه ۲۶۰-۴۱۹-۴۴۳
موفق‌السلطان ۲۶۰
موقرالدوله ۲۵۵-۲۵۹-۳۰۲
موقرالسلطنه ۲۷۹-۲۹۸-۳۳۶
موکا ۱۷۹
موکدن ۲۲۴-۲۲۹
مولیتور (مسیو) ۲۱۵-۲۲۷-۲۲۹-۳۱۱-۳۳۱-۳۳۴-۳۳۷-۳۳۹-۳۴۰-۳۶۶-۳۷۵-۳۷۹-۳۸۴-۴۰۹
مونك (میس) ۷۷
مونترو ۲۶۵-۲۶۶
مهد علیا ۲۴۰
مهدی (میرزاسید) ۸۴
مهدی بروجردی (حاجی‌آقا)
مهدی‌خان فراشباشی ۱۴۳-۱۷۱
مهدی‌خان (شیخ) ۲۰۹
مهدی (حاجی شیخ) ۲۵۵
مهدی‌خان امیرتومان (برادر ناصرالملك) ۲۵۲-۲۶۵

م

مهدی‌خان منشی‌باشی (میرزا) ۲۵۶-
۲۵۷/۸-۲۸۸-۲۹۹-۳۰۲-۴۴۱/۲
مهدی خزانه (حاجی میرزا) ۳۰۲
مهدی‌خان (میرزا) ۳۴۱
مهدی سووانی ۱۲-۲۱-۲۲-۲۵-۳۲-۵۱
مهدی پهلوان رضا ۳۹۴
مهدی همدانی (سید) ۳۸۲
مهندس‌الممالك ۲۸۲-۲۸۳-۴۲۰-۴۴۲
میرزا مهدی‌خان ۶۵-۶۷-۷۵
مهدی (حاجی‌آقا) ۱۴۴
مهدیقلی‌خان ۸۵
مهدیقلی میرزا ۱۲۱
مهرعلی‌خان‌سرتیپ سگوند ۱۴۷-۱۷۱
مهرعلی‌خان ۸۵
مهیار ۲۰۷
مهرآباد ۲۰۵
مهین‌الدوله ۳۵۷
میاناب ۱۵۵-۱۵۷
میان‌جوب ۴
میانج ۳۴
میان دربند ۳۸۳
میان‌دوآب ۲۸۶-۲۹۰-۲۹۵
میدان توپخانه (کرمانشاه) ۳۶۶-
۳۸۷-۳۹۴-۴۰۷-۴۱۵
میرزاآقا ۴۲۸
میزان‌المعرفه ۲۲۴
میکائیل خان (برادر ملکم‌خان) ۱۲-
۱۳-۲۲/۳-۲۵- ۲۶- ۲۸- ۳۰- ۳۲-

م

۳۶-۴۷- ۴۹-۵۳- ۵۵/۶- ۵۸-۶۲-
۶۴-۷۰-۸۱-۷۴-۷۷
میکادو ۴۳۳
میمنه (رود) ۲۵۲
می (میس) ۲۵-۶۰
میلان (پادشاصرب) ۲۲۰

ن

ناپلئون‌بناپارت ۵۰-۵۱- ۲۸۸-۲۶۸-
۲۷۲/۳
ناپلئون سوم ۳۶۱
نایتنگ‌هیل گیت ۳۳
نادرآباد ۴۱۳
نادرشاه ۳۴۳
نادعلی‌خان ۸۵-۱۲۴-۱۴۰-۱۸۳-
۲۱۰-۲۱۳-۲۱۵-/۱۹/۱۸/۲۱۶۱۷-
۲۲۸-۲۳۱-۲۳۸-۲۴۷- ۳۱۴-۳۱۵-
۳۱۶
نارمنت‌کورت ۵۴
ناصر (فرید) ۳۸۹
ناصرالدین شاه ۱-۲-۵-۲۰-۳۵-۸۳-
۸۷-۱۰۳-۱۱۱- ۱۲۲-۱۳۷- ۱۳۹-
۱۶۵-۲۲۰-۲۲۳-۲۸۱- ۲۹۳-۳۶۱-
۴۳۳
ناصرالسلطنه (حاجی) ۱۱۴-۲۵۵-
۲۷۵-۳۰۲
ناصرالملك (ابوالقاسم خان) ۱۴-۲۲-
۷۰-۱۳۷-۱۹۴- ۲۰۰- ۲۳۴-۲۴۵-
۲۷۴- ۲۸۰- ۲۸۲/۳- ۲۸۶- ۲۸۷-
۳۱۶-۳۳۰-۳۵۳-۳۵۹- ۳۶۰-۳۶۲-
۳۶۴-۳۶۹-۴۴۲

ن

ناصرالملك (محمودخان) ۱۳-۲۰-۲۲-
۲۶-۴۱-۷۰
ناصرالدوله (فرمانفرما) ۱۱۵-۱۱۶-
۲۲۸-۲۷۴
ناصرالممالك ۲۷۶
ناصرالوزاره ۳۰۰
ناصرشاه (برادرزاده آقاخان محلاتی) ۱۲
ناصرعلی‌خان (پسر طهیرالدوله) ۳۲۵-
۳۳۱-۳۳۵
ناصری (بندر) (اهواز) ۱۶۰-۱۶۱-۱۶۴
ناصری (سد) ۱۶۱-۱۶۷-۱۶۸
ناصری (کشتی) ۱۶۹-۱۷۲
ناظم‌الدوله (پرنس ملکم‌خان) ۲-۹-۱۱-
۲۴-۲۶-۳۲-۳۵-۳۷-۳۹- ۴۵-۴۷-
۵۱/۲-۵۵-۶۳-۶۵-۷۷-۸۲-۸۸-۹۲-
۲۶۶/۷-۲۶۹- ۲۷۰- ۲۷۱/۲-۲۷۵-
۳۴۳
ناظم‌الاطباء ۱۲۸
ناظم‌السلطنه ۲۷۹-۳۳۶
ناظم‌الملك ۳۶۳
ناظم‌بیگ ۳۸۷-۳۹۰
ناظم خلوت ۱۴۷/۸-۱۵۰
ناکس (مستر) ۳۴۴
نامدارخان ۳۵۲
نامداران (میر) ۱۴۸
ناول‌پارك ۱۸
نایب‌السلطنه (عضدالملك) ۳۱۵-۳۳۱-
۳۳۵

ن

نایب‌السلطنه (کامران میرزا) ۱-۱۱-
۸۷-۹۲-۹۴-۹۵-۹۷-۹۸-۱۰۲-۱۰۵-
۱۰۸-۱۱۰-۱۱۳-۱۳۰-۱۳۶-۲۰۳
نایب رستم ۳۷۹
نایب صدر ۴۴۳
نبیل‌الملك ۲۹۸
نجدالدوله ۳۳۶-۳۳۷-۳۴۰
نجدالمك ۳۴۰
نجف ۱۳۸
نجفقلی‌خان امیرتومان ۳۳۶
نجم‌الدوله ۲۸۲
ندای عدالت (روزنامه) ۴۱۰
ندای وطن (روزنامه) ۲۹۰-۲۹۶
ندیم‌السلطان (شاپشال‌خان) ۲۹۸
نرماند ۶۴
نشر (قریه) ۱۳۱
نصرالله (حاجی سید) ۲۹۰
نصرالله‌خان (سید) ۱۳۵
نصرالله (حاجی(میرزا) ۱۴۰-۲۵۰
نصرالله خان پیران (میرزا) ۴۳۰-۴۳۱-
۴۴۲-۴۳۷
نصرالله‌خان (میرزا) ۲۹۳
نصرالله‌خان(میرزا) برادر زن صاحب‌دیوان)
۸۸-۸۹-۹۱-۹۳-۹۹-۱۰۷
نصرالله میرزا ۲۴-۲۵-۳۴-۳۷
نصرالدوله ۳۶۹

نصرالملك (وزير پست وتلگراف) ٤٤٣
نصرالملك(سركرده فوج) ١٠٥-١٠٩-١١٠
نصرت‌الدوله (فيروز ميرزا) ٢-٢٢٩-٢٣٣-٢٣٤-٣٠٣
نصرت‌الدوله (عبدالحسين ميرزا) ٣١
نصرت‌الله‌خان (مرادى) ٤٤٧
نصرت‌الله ميرزا (نصرت‌السلطان) ٣١١
نصرت‌الملك (حاجى جابرخان) ٦-١٦٥-١٦٩
نصرت‌الملك (سردار تيمورى) ١٣٨
نصرت‌الممالك ٢٠٠-٢٠١-٢٠٨
نصرت خاقان (پسر باحتشام‌الدوله) بعداً نصرت‌الملك ٢٤٨
نصرت پاشا ٤٦
نصوحى بيگ ٣٠٤
نصيرالاطباء ٢٢٠-٣٠٩-٣٥٢
نصيرالسلطنه ٢٧٥-٣٠٣-٤٤١-٤٤٣
نصيرالملك (حسنعلى‌خان) ١٢٠-١٢٣-١٢٧
نصيرالممالك ٣٧٨
نصيرديوان ٣١٤-٣٣٥-٣٨٥-٤٠٢-٤٠٦-٤١٢
نصيرديوان كردستانى ٤٠٠
نصيرلشكر ٢٠٠
نظام‌السلطان ٢٥٦
نظام‌السلنه (حسينقلى‌خان) ١١٤-١١٩-١٢١-١٢٢-١٢٥-١٢٧-١٤١-١٥٣-١٥٩-١٦١-١٦٦-١٦٩-١٧٠-١٧٤-١٨٣-١٨٦-٢٥٥-٢٥٧-٢٨٨-٢٩٤

٢٩٥-٢٩٦-٢٩٧-٣٠٣-٣٣٥-٣٣٧-٣٣٨/٣٩ - ٣٤٠/٤١ — ٣٤٤/٤٥ - ٥٠ / ٤٩ / ٤٨ / ٤٧ / ٣٤٦-٣٥١-٣٥٦/٥٧-٣٦٧-٤٤٧
نظام ديوان ٣٨٥
نظامى گنجوى ١٢٨
نظرآقا(سفير ايران درفرانسه) ٥١-٧٨
نظرعلى‌خان (سردار اكرم) ٣٥٥-٣٧١-٣٨١-٣٩٠-٣٩٢-٤٠٥
نقيب (سيد) ٢٧٩-٣٠٢
نگارستان ٢٠٣-٢٠٤
نمايشگاه اختراعات
» امريكا ٦٢
» انگليس ٧٥
» ايطاليا ٧٤-٧٥-٧٧
» دانمارك ٧٥
» گل و ميوه ٦٤
» مستعمرات انگليس ٤٥
» ژاپن ٢٤-٤٢
» صحت ١٧-١٨
» هند ٤١-٤٥
ننه‌خانم ٢١٩
نواب (حسينقلى‌خان) ١٨٣-١٨٥-١٨٦-١٨٧-٢٩٤-٣٠٠-٣٤٨-٣٥٤-٣٥٩
نواب (حسينعلى‌خان) ١٨٥-١٨٦-١٨٧
» رشتى (ميرزا عبدالله خان) ١٩٣
» عيسى‌خان ٢٥٩

ن

نوتردام (کلیسا) ۵۰
نورالدین (سید) ۳۷۳
نورالهخان (قرخلوی) ٤٤۷
نوبران ۱-۸٤- ۱۳٦- ۲۰۰- ۲۰۸-
۲۵۲-۲۵۳-۳۸۲
نوح ۳۱۰
نورعلیخان ۲٦۰-۲٦٦/۷/۸-۲۷۰-
۲۷۱-۲۷۳/٤-۲۹۰-۲۹۳
نورمحمدخان (سردار افغان) ۲۱۷
نوز (مسیو) ۲۵٦
نهاوند ۳۸۰
نهرهاشم ۱۵٤-۱٦۰-۱٦۱
نیاگارا ۷٤
نیرالدوله ۲۹۵-۳۰۲
نیس ۵۷
نیشر ۱۱۵
نیرالملك ۲۸۸-۲۸۲-۲۹۷
نیشابور ۱۰۳
نیمن (کشتی) ۸۰
نیل (کشتی) ۱۷۱
نیکولسکی ۲۱۳-۲۱٤-۲۱۷/۱۸-
۲۲۲- ۲۲۷- ۲۳٤- ۲۳۷/۳۸-۲٤٤-
۲٤۵-۳۳٤-۳۳٦- ۳۹۸- ۴۰۳-٤۱۲
نیوان (قریه) ۱۱۷
نیکی ۱۹٦
نیویورك ۱۸۲-۱۸٦

و

واتسن (مستر) ۱۱٤
واثق‌السلطنه ۲۱۸

و

واحدبیگ ۲۳۷-۲۳۹
وارطان ۷۳-۸۱
وارویك ٦۰
وارویك (ارل‌اف) ۷۰-۷۱-۷٦
واشنگتن (کتابخانه) ۲۸۳
وافلار ۲۳۰-۲۳٤-۲۳۸
واگنر (مسیو) ۳۵۷
والریا ۲۹
والی پشتکوه ۳۷۹
وایت (جزیره) ۳۱-۱۸۵
وبا (مرض) (درایران وعران) ۲۱۸-
۲۲۱-۲۲٤-۳۵۳
وبر (قونسول‌المال در همدان) ٤٤٤
وثوق‌الدوله (حسن‌وثوق) ۱۳۰-۳۷۵-
٤۲۰-٤۲۵
وثوق‌الممالك ۲۱۱-۲۲۳-۳۲۲-۳۲٦
وثیق‌السلطنه ۳٦۳
وحیدالملك ۲٦۰-٤۲۹
ورچه ۱۱۷
ورسای ۲۰۱
ورسنج ۱۹٦
ورشو ۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۲۳۰
وزیر اکرم ۲٦۲
وزیردفتر (هدایت‌الله) ٤٦-۲٤٦
وزیر مخصوص ۲۵۵-۲۵۸
وزیرنظام ۸۸-۲۷٦-۲۹۳
وزیرهمایون ۲۸۸
وستجولا (رودخانه) ۱۹۰
وستمینستر (کلیسا) ۲٦-٦۱

و

وست‌مینستر محله ۲۶
وکیل (مسجد) ۱۳۱
وکیل‌التجار (حاجی محمدعلی) ۱۵۴
وکیل‌الرعایا (حاجی شیخ‌تقی) ۲۹۳-۴۱۹
وکیل‌الدوله (حاجی) ۳۰۲
وکیل‌الدوله‌همدانی(حاجی‌سیدعلی) ۴۱۷-۴۲۲
وکیل‌الدوله (یا وکیل‌السفاره) کرمانشاهی ۳۹۸
وکیل‌الملك ۲۵۵
وکیل‌الدوله (مسجد) ۳۰۸
وکیل لشکر ۳۴
وکیلیه ۳۲۸
ولادیوستك ۲۳۰
ولاچسکی ۲۶۳-۶۶۴-۲۷۳
ولایات ثلاث ۳۹۹
ولی (حاجی‌آقا) ۲۳۲
ولی (حاجی) ۴۰۹
ولی‌خان ۱۱۴
وندیك ۶۷۲
وو ۲۶۵
وودوارد ۵۳
ویت ۱۵۹
ویس (اهواز) ۱۵۸-۱۵۹
ویکتوریا (ملکه) ۸-۱۴-۱۸-۳۸-۴۱-۴۶-۴۸-۵۱-۵۷-۶۰-۶۳-۶۵-۶۸-۷۱-۷۳-۷۵-۷۶-۲۰۲
ویکتوریا استیشن (ایستگاه) ۱۸۷

و

ویکتوریا (ایستگاه) درلندن ۲۴-۴۹-۵۳-۶۱-۶۴-۷۷
ویکسان ۶۰
ویلابورگز (رم) ۲۶۸
ویلاپنچیا (رم) ۲۶۸
ویلاهومبرت (رم) ۲۶۸
ویلیام کانکرر (فاتح) ۵۳
ویلیام(دکتر) ۲۲۲-۲۲۸-۲۳۴-۲۳۷
ویلیام واتسن (شرکت) ۱۸۳
ویلهلم دوم ۱۸۸
ویلهلم = (گیوم) = ویلیام
ویندزر (قصر) ۲۹-۶۳
وینستون (سفیرآمریکا) ۳۹
ویند (وین) ۵۳-۲۶۳-۲۶۴-۲۷۰-۲۷۲-۲۷۴

ه

هادی (حاجی میرزا هادی) ۵۹-۲۴۱-۳۷۷
هادی (آقاشیخ) مجتهد ۲۰۹-۲۲۶-۲۳۷-۳۰۸- ۳۲۶-۳۴۴/۳۴۳- ۳۶۱-۳۴۶-۳۸۰-۳۹۹-۴۰۱
هادی‌خان (میرزا) ۲۱۵-۲۳۰
هاردی ۲۸
هاردینك (سر) ۲۱۴
هارون‌آباد ۴۰۰
هاشم (امامزاده) رشت ۵
هاشم‌خان سرهنگ ۱۴۵
هاشم‌خان (فرید) ۱۰۱-۱۰۲-۲۰۷-۲۱۰-۲۱۹-۲۲۸-۲۳۷- ۳۰۹-۳۱۶-

ه

۳۱۹ - ۳۳۲/۳۳- ۳۴۲- ۳۴۷/۴۸-
۳۵۶/۵۷-۳۶۰- ۳۶۹-۳۸۷- ۳۸۹-
۳۹۷-۴۰۲/۳-۴۱۸-۴۲۵/۴۲۴-۴۲۸-
۴۳۱-۴۳۳-۴۳۶-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۱-
۴۴۳-۴۴۵-۴۴۷

هاکس (مستر) ۴۶-۴۸-۸۴-۱۱۴-
۴۱۷-۴۲۰-۴۳۴-۴۴۳

هاکوپیان ۲۱۹

هامان‌کشان ۴۲۲

هانری (شاهزاده) ۲۱-۳۱

هاوائی ۶۲

هایدپارک ۲۳-۶۵-۱۸۶

هدایت (آقامیرزا) ۸۴

هایقاز افندی ۴۲۲

هداوند (ایل) ۲۰۳

هرتس (کمپانی) ۱۶۰

هرمز (کره) یا هرمزان ۱۷۴-۱۷۵

هرزویل ۱۹۵

هرسین ۳۵۲

هستینگز ۵۳-۵۴

هس (پرنسس‌آف) ۱۴

هفت‌تن ۱۲۴

هلند ۱۷۵-۱۸۷

همایون‌خان ۲۹۳

همپن‌کورت ۴۸

همت (مشهدی) ۴۳۳

همدان ۱-۲-۱۴-۲۶-۴۶-۵۵-۸۴-
۱۰۱-۱۰۳- ۱۱۳/۱۴ - ۱۳۰/۳۱ -
۱۳۳-۱۳۵-۱۳۷-۱۳۹- ۱۴۰-۱۴۲-

ه

۱۴۴- ۱۴۶- ۱۵۱- ۱۷۰/۱- ۲۶۷-
۱۹۶/۷/۸/۹ - ۱۹۴- ۲۰۰ - ۲۹۳-
۲۰۸-۲۵۱-۳۰۴-۳۵۴- ۳۵۹-۳۷۶-
۳۷۷-۳۸۲-۴۱۲-۴۴۸

هند (دریای) ۱۷۲

هندل ۲۹

هندوستان ۱۸-۳۵-۴۱-۴۵-۴۷-۵۴-
۵۹-۶۰- ۶۵- ۶۸-۷۱- ۷۴- ۱۱۴-
۱۵۵-۱۷۰-۱۷۴- ۱۸۰-۱۸۸- ۲۰۲
۵۲۱-۳۹۱

هندوستان (ستاره) ۶۸

هندرسن ۱۲

هندیجان ۱۵۴

هوارت (کاپیتن) ۳۰۷-۳۰۸

هوگو (ویکتور) ۲۰۵

هویزه ۱۵۴-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۶۱-
۱۶۶-۱۶۸-۲۴۲

هیپودرم ۵۲-۵۶-۷۸

هیلدبراند (مسیو) ۴۲۴

ی

یارمحمدخان ۳۶۷/۸-۳۹۲-۳۹۴-
۳۹۵/۶- ۳۶۷- ۴۰۲- ۴۰۳- ۴۰۷-
۴۰۹/۱۰-۴۱۵

یپرم‌خان ۴۰۱-۴۱۶-۳۶۴

یحیی‌بیگ ۳۷۹

یعقوب (حاجی‌آقا) مجتهدبروجردی ۱۴۴

یزدان‌وردیخان ۳۳۰-۳۴۰-۴۳۸

یورت خانلرخانی ۲۰۲

یعقوب (میرزا) ۱۴۰

ی

یعقوب‌خان (دکتر) ۴۴۳
یوروپ (هتل) ۱۸۹
یمین‌السلطان ۲۴۱
یمین‌الممالك ۲۳۹-۲۶۰-۳۳۵-۳۳۶-۳۴۰
یمین حضور ۳۳۵
یمین‌نظام (خدادادخان) ۱۹۷
ینگی امام ۴-۹۰-۱۰۹-۲۶۱

ی

ینگی دنیا ۱۱
یوسف‌خان(پسرعنایت‌الملك) ۴۱۹
یوسف (حاجی‌ملا) ۸۵
یوسف‌زاده (سید محمد) ۴۳۲
یوسف‌خان (صندوقدارباشی) ۱۴۳
یوسفعلی بروجردی ۱۴۳
یونان ۴۵
یهودیها (دروازه) ۲۳۶

فهرست زبدهٔ مطالب

برای سهولت دستیابی بمسائل و رویدادهای مندرج درکتاب ، وقایع قابل ملاحظه‌ای‌که در هرروز اتفاق افتاده با عنوان درشت درمتن نمایان شده است . چون فهرست تمام این عناوین مفصل ، و مسائل بالنسبه عادی با مطالب قابل توجه آمیخته میشد فهرست فشرده‌ای شامل عناوین کلی و رویدادهائی‌که جالب و برجسته میرسید تنظیم گردید :

صفحه	موضوع
۱	مقدمه
٤	اولین سفر نویسندهٔ خاطرات بلندن همراه پرنس ملکم‌خان (۱۲۹۹ قمری)
۷	اقامت در لندن
۹	کیفیت تحصیل در فرنگستان ـ عید میلاد مسیح ـ مراسم اول ژانویه
۱۰	مراسم ازدواج در کلیسا
۱۱	زندگی در پانسیون ـ اظهارات ملکم‌خان راجع بقوانین فرانسه و انگلیس
۱۲	جنگ درسودان ـ اشغال مرو بوسیلهٔ روسها ـ شکست قوای انگلیس ازمهدی سودانی ـ فوت میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه‌انگلیس
۱۳	اظهارات ملکم‌خان راجع به‌نشر علوم وخط جدید ـ انتصاب ناصرالملک‌بوزارت خارجه ـ سلام در قصر سلطنتی
۱٤	گفته ملکم‌خان راجع به تحصیلات خودش
۱۵	مقایسهٔ زنان ایرانی با زنان انگلیسی ـ عقاید وزرای انگلیس‌راجع بایران
۱٦	صدارت میرزا یوسف‌خان مستوفی‌الممالک ـ اجتماع مردم برعلیه مجلس لردها نوشتهٔ تمامیت ایران
۱۷	ارسال کتابچه اصول برای امین‌الدوله ـ وبا در فرانسه ـ نزاع فرانسه و چین اعزام اولین سفیر از آلمان بایران

صفحه	موضوع
۱۸	راه‌آهن ایران
۱۹	اظهارات فرمانفرمای هندوستان راجع بعثمانی وایران ـ تشریفات انتصاب شهردار لندن ـ اظهارات ملکم‌خان راجع باختلاف مسلمانان وعیسویان
۲۰	امر ناصرالدین‌شاه ببررسی کتابچهٔ اصول
۲۱	جنگ انگلیس با مهدی سودانی
۲۲	قتل ژنرال گوردون و سقوط خرطوم
۲۴	جنگ افغانها با روسها ـ ملاقات پروفسور براون ـ گلستان بخط جدید
۲۶	جمعیت لندن ـ کلیسای وست مینستر ـ محاسن خط جدید ملکمی
۲۷	سلام ولیعهد در قصر سنت‌جیمز
۲۸	ضیافت بال سلطنتی
۲۹	صدارت لرد سالیسبوری ـ کنسرت سلطنتی
۳۰	ضیافت در خانهٔ صدراعظم ـ بی‌تکلفی و سادگی وزراء ـ خودخواهی انگلیسها
۳۲	اتمام چاپ گلستان بخط جدید ملکمی ـ فوت مهدی سودانی ـ باغ وحش لندن کیوگاردن (باغ نباتات)
۳۳	موزهٔ بریتانیا ـ قصر آلبرت
۳۴	شورش خراسان برضد آصف‌الدوله
۳۵	شورش بلغارها ـ طفولیت ملکم‌خان
۳۶	جنگ صرب و بلغار ـ شکست صربی‌ها
۳۷	راه‌آهن ایران ـ شورش خراسان
۳۹	قبولی ساختمان راه‌آهن ـ شورش کارگران در لندن
۴۱	سلام ملکهٔ ویکتوریا ـ اظهارات ملکم‌خان راجع بتوانین کلیسا ـ عزل ناصرالملک و نصب مشیرالدله بوزارت خارجه
۴۲	تلگراف تشویق ناصرالدین شاه بملکم‌خان راجع براه‌آهن
۴۳	فوت میرزا یوسف مستوفی‌الممالک
۴۴	اظهارات ملکم‌خان راجع بایجاد شرکتها ـ امتیاز راه‌آهن به بارون رویتر
۴۵	امتیاز راه‌آهن شاهزاده عبدالعظیم
۴۶	جنگ عثمانی بایونان ـ اخباری ازایران ـ شایعهٔ ساختمان راه‌آهن بوسیلهٔ آمریکائیها
۴۷	سال پنجاهم سلطنت ملکه ویکتوریا
۴۸	تهیه غذای ایرانی برای پروفسور براون ـ قصر همپتن کورت ـ حق‌القدم دکتر

صفحه	موضوع
۴۹	روش اطباء در معالجه ـ عزیمت بپاریس با ملکم‌خان
۵۰/۵۳	گردش درپاریس: کلیسای‌نتردام ـ موزه لوور ـ پاله‌رویال ـ موزه‌گرون ـ طاق ظفر ـ موزه‌تروکادرو ـ ضرابخانه ـ تئاترعدن‌اپرا ـ میدان‌سوارکاری ـ اکواریوم عزیمت ملکم‌خان به آلمان
۵۳	ورود ملکم به طهران
۵۵	تدوین کتاب لغت
۵۶	مراجعت ملکم‌خان
۵۷	سفارت‌فوق‌العاده‌حسام‌السلطنه‌بلندن ـ اظهارات‌ملکم‌خان‌راجع‌بقواعدآبادی‌کشور
۵۸	چاپ کتاب حافظ بخط جدید
۶۰	جشن مولود ملکه ویکتوریا ـ قلعه وارویك
۶۲	مراسم درکلیسای وست مینستر بمناسبت پنجاهمین سال سلطنت ویکتوریا
۶۴	مراجعت حسام‌السلطنه ـ عزل مشیرالدوله ـ قصر بلور
۶۵	اظهارات ملکم‌خان راجع بعقائد علمای مسیحی ـ اکادمی فرانسه ـ تسلیم‌سردار ایوب خان افغانی بانگلیسها ـ سفر شاه به اروپا ـ اظهارات ملکم خان راجع بانتظام مملکت
۶۷	استعفای رئیس جمهوری فرانسه
۶۹	بعضی نصایح و نکات اجتماعی از ملکم‌خان
۷۰	فوت محمودخان ناصرالملك ـ انتصاب حسام‌الملك بحکومت کردستان
۷۱	نظرات ملکم‌خان راجع بپول ـ فوت ویلهلم اول قیصر آلمان
۷۲	تشییع قیصر ـ فوت صارم‌الدوله
۷۳	استیلای روسیه در آسیای وسطی ـ تجمل خانهای انگلیس ـ اظهارات‌ملکم‌خان راجع بروش تربیت در اروپا
۷۵	اعطاء امنیت جانی و مالی بایرانیان
۷۶	فوت فردریك اول امپراطور آلمان
۷۷	حرکت نویسندهٔ خاطرات از لندن بپاریس و ملاقات نظرآقا سفیر ایران
۷۹	عروس در پاریس
۸۰	از مارسی‌به استانبول
۸۱	فرقهٔ بکتاشیه ـ از استانبول به‌باطوم
۸۲	بادکوبه ـ عزاداری در بادکوبه

صفحه	موضوع
۸۳	شرفیابی بحضور ناصرالدین شاه
۸٤	حرکت بهمدان ـ عضدالدوله حاکم همدان
۸۷	گرفتاری نویسندهٔ خاطرات و حبس قزوینی
۸۸/۱۱۰	کیفیت حبس اقتباس از خاطرات حاج سیاح محلاتی
۱۱۱	نامهٔ سید جمال‌الدین‌اسدآبادی بمیرزای شیرازی
۱۱۳	آزادی از حبس قزوین و عزیمت بطهران
۱۱٤	عزیمت بهمدان
۱۱۵	سفر شیراز
۱۲۰	قلع و قمع رضاخان عرب
۱۲۲/۲٤	وضع قبر حافظ - باغ تخت ـ بارندگی شدید ـ چهل تن وهفت‌تن ـ دروازه‌قران
۱۲۵	خلعت‌پوشان نظام‌السلنه ـ حکومت رکن‌الدوله
۱۲۷	راز و نیاز بدرگاه خالق بی‌نیاز
۱۲۸	وضع بقعه شیخ سعدی
۱۳۰	گرانی اجناس ـ شیوع تب نوبه ـ جنگ چین و ژاپن
۱۳۱	خلعت‌پوشان رکن‌الدوله ـ فوت‌امپراطور روس ـ مشاجره دوپیشنماز ـ مراجعت از شیراز بهمدان
۱۳۲	توصیفی از شیراز و مردم‌آن
۱۳۳	فوت میرزای شیرازی ـ حکومت امیرنظام گروسی
۱۳۵	خلعت‌پوشان عضدالدوله ـ غائله عباس‌خان چناری
۱۳٦	انقلاب ترکیه
۱۳۷	قتل ناصرالدین شاه
۱۳۹	جلوس‌مظفرالدین‌شاه‌ـ اعدام‌میرزارضای‌کرمانی‌ـ شیخ‌شیپور ـ عزیمت‌نویسنده‌بهمدان
۱٤۰	اغتشاش در همدان ـ کشتن شیخ تقی درکردستان ـ بریدن سر میرزا یعقوب
۱٤۱	معافیت امین‌السلطان از صدارت
۱٤۲	سفر نویسنده خاطرات بخوزستان ـ توصیفی ازشهرهای مختلف خوزستان
۱۷۲	سفر سوم نویسنده بلندن - ذکر نقاط مسیر ـ بنادرخلیج فارس ـ اقیانوس هند ـ دریای سرخ ـ مدیترانه
۱۸۳/۵	لندن ـ ایست‌بورن ـ کمبریج ـ ملاقات پروفسور براون

صفحه	موضوع
۱۸۷	مراجعت از راه فرانسه ، آلمان ، لهستان و روسیه
۱۹۸	فوت حاجی محسن‌خان مشیرالدوله
۱۹۹	شورش اهالی همدان علیه مظفرالملك ـ فوت امیرنظام گروسی ـ گرانی اجناس
۲۰۰	سقوط جسم آسمانی ـ حرکت مظفرالدین شاه به اروپا
۲۰۱	اخوان صفاء ـ سوء قصد بمظفرالدین شاه
۲۰۲	فوت ملکه ویکتوریا ـ سفر لار درتهران
۲۰۵	ذکاءالملك و کمال‌الملك ـ مراجعت مظفرالدین شاه از اروپا
۲۰۷	عزیمت نویسنده خاطرات بمأموریت کارگذاری کرمانشاه
۲۱۱	نمونه از یك محاکمه در کارگذاری
۲۱۲	مولود شاه و خلعت‌پوشان فرمانفرما و عده دیگر
۲۱۳	استعفای اتابك ـ ورود اولین قونسول روس بکرمانشاه
۲۱۶/۱۷	جنگ روس وژاپن
۲۱۸	مرض وبا در عتبات وکرمانشاه
۲۲۰	فوت میرزاعلی‌خان امین‌الدوله
۲۲۱	ورود اولین قونسول انگلیس بکرمانشاه ـ شیوع وبا در طهران و ولایات
۲۲۴/۲۵	شکست بزرگ قشون روس از ژاپن
۲۲۷	نمونه‌ای از دخالت مأمورین خارجی
۲۲۹	عزیمت فرمانفرما بلرستان ـ تصرف موکدن بوسیلهٔ ژاپنی‌ها
۲۳۰	جنگ‌بین‌مسلمانان و ارامنه دربادکوبه ـ حرکت‌شاه باروپا ـ گرانی‌وسختی‌معیشت
۲۳۲	سوء قصد بسلطان عبدالحمید
۲۳۳	صلح روس و ژاپن
۲۳۴	مراجعت مظفرالدین شاه از اروپا ـ وزارت مالیه ناصرالملك
۲۳۵/۶	اغتشاش و شورش در روسیه ـ انتصاب امیرافخم بحکومت کرمانشاه
۲۳۷	دخالت خارجیان در امور ایران
۲۳۹	آقا بخش (مرشد) ـ فوت محتشم‌السلطان
۲۴۱	انتصاب ظهیرالدوله بحکومت همدان ـ نزاع سینه‌زنها
۲۴۲	عزیمت علماء از طهران ـ عزل عین‌الدوله
۲۴۴	تلگراف مظفرالدین راجع به تشکیل عدالت‌خانه
۲۴۶	مراجعت نویسندهٔ خاطرات بهمدان

صفحه	موضوع
۲٤۸	بنای عدالتخانه بوسیلهٔ ظهیرالدوله
۲۵۱	تصویب نظامنامهٔ مجلس ـ اولین انتخابات ا عزیمت نویسنده بطهران
۲۵۲	فوت مظفرالدین شاه و جلوس محمدعلی شاه
۲۵۵	ولایت‌عهدی سلطان احمد میرزا
۲۵۷	عزل ظل‌السلطان ـ استعفای مشیرالدوله
۲٦۰/۵	سفر چهارم نویسندهٔ خاطرات به اروپا شرح مسافرت از راه بادکوبه بسویس
۲٦٦	جنگ دولتیان‌باملیون در تبریز
۲٦۷	مراجعت نویسنده از سویس برم و ملاقات پرنس ملکم‌خان و گردش
۲۷۰	دل‌تنگی وگله های پرنس ملکله خان و پیغام‌های او
۲۷۱/٤	مراجعت نویسنده بایران از راه اطریش و روسیه
۲۷۵	آوردن سالاالدوله بطهران
۲۷۷	تجاوز عثمانی‌ها درآذربایجان ـ تقسیمات قشون ایران ـ عفوسالارالدوله
۲۷۸	قتل اتابك ـ تغییر وزراء
۲۷۹	فوت میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله ـ تحصن اعضاء انجمن مرکزی
۲۸۰	عزل سعدالدوله ـ چهلم عباس‌آقا قاتل اتابك
۲۸۱	قرارداد روس و انگلیس راجع بایران ـ فوت ذکاءالملك (حسین) فروغی
۲۸۲	تجاوز عثمانی‌ها درآذربایجان ـ تغییر کابینه
۲۸۳	اغتشاش درشیراز و استرآباد
۲۸٤	قسم‌نامه و خطابه محمدعلی شاه درمجلس
۲۸٦	استعفاء وزراء ـ اجتماع‌درتوپخانه‌ـتشددمحمدعلی‌شاه بوزراء وتبعیدناصرالملك
۲۸۷	اجتماع طرفداران شاه ومشروطه‌خواهان
۲۸۹	واسطه شدن وزارء مختار
۲۹۰	محاصره فرمانفرما در ساوجبلاغ وتصرف آن‌شهر بوسیله قشون عثوانی
۲۹۳	گذاشتن شمع در ٤۱ منبر
۲۹٤	تغییر بعضی از وزراء ـ سوء قصد بمحمد علی شاه ـ اظهار اطاعت اکراد
۲۹۵	استعفاء کابینه و احتشام‌السلطنه از ریاست مجلس
۲۹۸	رفتن محمدعلی شاه بباغ شاه و انقلاب شهر ـ تغییر بعضی از وزراء ـ اجتماع انجمن‌ها در مسجد سپه‌سالار ـ بستن بازار
۳۰۱	توپ بستن مجلس و خانه مخالفین ـ اعدام صوراسرافیل و ملك‌المتکلمین

صفحه	موضوع
۳۰۲	تعیین احکام جدید ـ فوت پرنس ملکم‌خان
۳۰٤	صدارت مشیرالسلطنه ـ عزیمت نویسنده خاطرات بماموریت دوم کرمانشاه
۳۰۵	اعلان‌انتخابات جدید ـ اغتشاش درکرمانشاه و جنك اهالی باسوارهای کلهر
۱۰۷	تبدیل‌مشروطه به مستبده
۳۰۸	زلزله هولناك در ایطالیا
۳۰۹	قتل‌آقابالا خان ـ اغشاش در ولایات
۳۱۱	جشن ضد استبداد درتهران وولایات
۳۱۲	غارت‌یهودیها بوسیله‌اهالی کرمانشاه
۳۱٤	جشن‌آزادیخواهان در ترکیه ـ خلع سلطان عبدالحمید
۳۱۵	انتخاب سلطان محمدخان بسلطنت عثمانی
۳۱٦	ورود سیدعبدالله بهبهانی بکرمانشاه ـ کابینه جدید ـ تلگراف سپهدار بشاه
۳۱۷	دارزدن‌قاسم‌آقا امیرتومان ـ استعفای ظهیرالملك وانتصاب ظهیرالدوله بحکومت کرمانشاه
۳۱۹	انتخاب هیئت نظار ـ حرکت سردار اسعد و سپهدار بطهران
۳۲۰	جنگ قراقها با آزادیخواهان ـ زد وخورد بین ظهترالملك و معین‌الرعایا
۳۲۳	استعفای ظهیرالدوله ـ خلع محمدعلی‌شاه و انتخاب سلطان احمدشاه
۳۲۵	جنگ اهالی کرمانشاه باکلهرها ـ جلوس احمد شاه ـ افتتاح انجمن ولایتی
۳۲۸	انقلاب درکرمانشاه
۳۲۹	عزیمت محمدعلی میرزا به اروپا
۳۳۲	افتتاح مجلس در تهران ـ جنك بین ایل کلهر و سنجابی
۳۳۵	عزیمت ظهیرالدوله و ورود نظام‌السلطنه
۳۳٦	دار زدن موقرالسلطنه
۳۳۷	توقیف اعظم‌الدوله و سردار اجلال
۳٤۰	تحصن سربازان در قونسولگری روس
۳٤۱	فوت پادشاه انگلیس ـ استقراض دولت
۳٤۳	درختی که نادرشاه کاشته ـ قتل امین‌الملك
۳٤٤	غائله داراب میرزا
۳٤٦	استعفای سپهدار و سردار اسعد
۳٦۷	قتل سید عبدالله بهبهانی

صفحه	موضوع
۳۴۸	کابینه جدید
۳۵۰/۵۱	جنگ بین مجاهدین ودولتی‌ها
۳۵۲	اغتشاش و ناامنی راه‌ها
۳۵۳	فوت عضدالملك ـ نیابت سلطنت ناصرالملك ـ بروز بیماری وبا
۳۵۴	تغییر کابینه
۳۵۷	ورود عساکر عثمانی بکرمانشاه برای حفاظت شهبندری ـ عزیمت نظام‌السلطنه بفارس ـ فوت ظهیرالملك
۳۵۸	توسل بکاپیتولاسیون
۳۶۰	نزاع سینه‌زنها با قزاقها ـ توپ بستن بخانه دزدها در لندن
۳۶۲	قتل صنیع‌الدوله ـ ورود ناصرالملك ـ تعدیات عثمانی‌ها
۳۶۳	قتل حکمران اصفهان ـ ترك استعمال امتعه روس
۳۶۴	تشکیل کابینه جدید
۳۶۷	فوت طالب‌اف ـ ورود یارمحمدخان بکرمانشاه
۳۶۸	توقیف قوام‌الملك در شیراز ـ آقاشیخ باقر مجتهد همدانی یك نفر را گردن زد ـ استعفای رکن‌الدوله ـ قتل معین‌الرعایا
۳۶۹	سنگ‌اندازی بکارگذاری ـ قتل نصرالدوله در شیراز
۳۷۰	ورود مستشاران آمریکائی ـ قتل عسکر سلیم
۳۷۲/۳	ورود سالارالدوله بکردستان ـ اغتشاش در داخل و خارج کرمانشاه
۳۷۴	مراجعت سپهدار بطهران ـ غارت ادارهٔ نظمیه‌وعدلیه ـ ورودسالارالدوله‌بسنندج ـ پناهندگی معاون حکومت و رئیس نظمیه در قونسولگری انگلیس
۳۷۵	تغییر کابینه
۳۷۶/۷	ورود سالارالدوله بکرمانشاه
۳۷۸	پیش‌قراولان‌سالارالدوله‌درهمدان ـ دستگیری‌سه‌بمب‌انداز ـ حکومت‌عضدالسلطان ـ ایجاد مجلس تحقیق
۳۷۹	حرکت سالارالدوله بطرف طهران ـ قتل کلبی (کلب‌علی‌خان)
۳۸۰	ورود سالارالدوله به نهاوند ـ واعظ نه ساله
۳۸۱	شکست بختیاریها در ملایر ـ مراجعت محمدعلی شاه
۳۸۲	اردوی سالارالدوله در نوبران وشکست او
۳۸۳	جنگ عثمانی با ایتالیا

صفحه	موضوع

۳۸٤ اغتشاش و هرج و مرج در کرمانشاه

۳۸۵ غارت دهات بوسیله سوارهای والی پشتکوه

۳۸۷ شکست مجدد قوای سالارالدوله و فرار او بخرم‌آباد ـ حکومت اعظم‌الدوله

۳۸۸ جنگ اعظم‌الدوله با ایلخانی

۳۸۹ پناهندگی اعظم‌الدوله و همراهان در قونسولگری انگلیس ـ ورود مجدد سالارالدوله بکرمانشاه

۳۹۱ مذاکره خط‌آهن آستارا ـ بندرعباس

۳۹۲ دار زدن ثقةالاسلام در تبریز ـ ورود قزاقان روس بآنجا

۳۹۳ ورود یارمحمدخان بکرمانشاه ـ فرار سالارالدوله ـ اعدام عده‌ای بوسیلهٔ مجاهدین

۳۹٤ اعدام آقامحمود مجتهد ـ حمله قوای سالارالدوله بکرمانشاه

۳۹۵/٦ مراجعت سالارالدوله و قتل وغارت درکرمانشاه ـ اعدام اعتلاءالدوله وعده‌ای از مجاهدین ـ دار زدن اعظم‌الدوله و فخیم‌السلطنه پسرش

۳۹۹ ایجاد عدالتخانه ـ ورود عده‌ای عساکر عثمانی بکرمانشاه

٤۰۱ کشته شدن یفرم‌خان

٤۰۲/۳ شکست سالارالدوله در صحنه و فرار به پشتکوه ورود فرمانفرما بکرمانشاه ـ کشته شدن داودخان کلهر (سردار مظفر)

٤۰۵ فوت میرزا سالك ـ ابیات او

٤۰۷ ورود کارگذار جدید (معاضدالملك) ـ مراجعت یارمحمدخان بکرمانشاه

٤۰۸ دخالت مجاهدین برضد ایالت ـ معاون و حکومت چند نفر در شهبندری

٤۰۹ تحصن سردار اجلال و امیرمقتدر در قونسولگری انگلیس

٤۱۰/۱۱ ورود سالارالدوله بکرمانشاه ـ عزیمت یارمحمدخان و مجاهدین بکردستان ـ حرکت سالارالدوله بکردستان ـ ورود فرمانفرما بکرمانشاه ـ فوت‌محتشم‌الدوله

٤۱۲ مراجعت نویسندهٔ خاطرات همدان

٤۱٤/۱۷ پناهندگی عده‌ای از اعیان کرمانشاه در قونسولگری ـ کشته شدن‌یارمحمدخان ـ شرح جنگ شورجه ـ مراجعت بختیاریها از کرمانشاه

٤۱۷ دیگ جوش

٤۲۰ اصلاح با سالارالدوله ـ تغییر کابینه

٤۲۱ مأموریت کارگذاری همدان

صفحه	موضوع
۴۲۳	گرانی ارزاق و پریشانی مردم
۴۲۴	پرفسور دوفوسا و حفریات همدان
۴۳۰	ورود سالارالدوله باقونسول روس بهمدان
۴۳۱	ورود سالار لشکر حاکم همدان
۴۳۵	نمونه یك محاکمه درکارگذاری همدان
۴۳۹	جشن تاجگذاری سلطان احمد شاه
۴۴۰	کابینه جدید
۴۴۱	اعلان بی‌طرفی ایران ـ فتوحات قوای عثمانی در قفقاز
۴۴۲	افتتاح دوره سوم مجلس
۴۴۳	ماژور محمدتقی خان پسیان ـ تغییر کابینه
۴۴۶	بمباران کرند بوسیلهٔ عثمانی‌ها
۴۴۷	خلعت پوشان امیر افخم ـ فوت امیرنظام
۴۴۹	جنگ تپهٔ مصلی ـ مهاجرت عده‌ای از همدان - تشکیل حکومت ایران‌آزاد در کرمانشاه ـ جنگ آوج با روسها و عقب‌نشینی ایرانیها
۴۵۰	ورود قشون‌روس‌بهمدان ـ حمله‌عثمانی‌ها بقوای‌روس ـ ورودعثمانی‌ها به‌همدان
۴۵۱	عقب‌نشینی عثمانی‌ها ـ ورود قوای انگلیس
۴۵۲	توضیح پایان‌کتاب ـ (اوضاع‌اجتماعی درسال‌های۱۳۲۰تا ۱۳۳۰)قمری- توضیح سازمان اداری
۴۵۴	تعلیم و تربیت
۴۵۵	لباس معمول درآن زمان
۴۵۷	ایلات کرمانشاه ـ بعضی رسوم و عادات
۴۶۰	تجارت و اقتصاد ـ وسائل ارتباط و حمل و نقل

ناصرالدین شاه روی پله تخت طاوس (بصفحه ۵۰۸ مراجعه شود)

ناصرالدین شاه بین‌عده ازرجال درلندن (بصفحه ۵۰۸ مراجعه شود)

عکسی ازناصرالدین شاه درلندن ـ ازراست بچپ صف‌اول: اولین نفرمیرزاعلی‌اصغرخان اتابك ـ نفرسوم پرنس ملکم‌خان وزیرمختار ـ آخرین نفر ادوارد هفتم ولیعهد انگلیس

(بصفحه ۵۰۸ مراجعه شود)

عکسی ازناصرالدین‌شاه دراواخرقرن ۱۳ هجری

(بصفحه ۵۰۸ مراجعه شود)

پرنس ملکم‌خان درجوانی وسفارت لندن

پرنس ملکم خان درایام پیری

(بصفحهٔ ۵۰۶ مراجعه شود)

حاجی ایلخانی و عیسی خان پسرش

میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان (اتابك) با عده‌از رجال

(بصفحه ٤٦٧ مراجعه شود)

شاهزاده ابوالنصر میرزا حسام‌السلطنه (نفر وسط) که در راس هیئتی برای حضور در جشن امپراتوری ملکه ویکتوریا بلندن رفته.

(بصفحه ٤٧٥ مراجعه شود)

ملکه ویکتوریا دربین اعضاء خانواده سلطنتی انگلیس

(بصفحه ۵۱۲ مراجعه شود)

اسقف وعده ازکشیشان کلیسای معروف وست مینستر لندن

(بصفحه ۵۱۱ مراجعه شود)

لیدی ددلی از نجبای انگلیس

کنتس اسپنسر
زن فرمانفرمای ایرلند

پروفسور ادوارد برون

(بصفحه ۴۷۰ مراجعه شود)

لرد سالیسبوری
صدراعظم انگلیس

(بصفحه ۴۸۲ مراجعه‌شود)

ادوارد هفتم ولیعهد انگلستان

(بصفحه ٤٦٣ مراجعه شود)

ملکه ویکتوریا امپراتریس بریتانیا و هندوستان

(بصفحه ٥١٢ مراجعه شود)

سه دختر ملکه ویکتوریا

(بصفحه ۵۱۲ مراجعه شود)

دونفر ازدختران ملکه ویکتوریا

(بصفحه ۵۱۲ مراجعه شود)

حسینعلی‌خان نواب شیرازی
۱۳۰٤ هجری قمری
بصفحه ٤٧٦ مراجعه شود

حاجی‌میرزاحسین‌خان ژنرال
قونسول‌طرابزونبصفحه٤٧٦مراجعه‌شود

محمد میرزا قاجارقواناو
عضوسفارت ایران درپاریس
(درلباس درویشی)

اوانس‌خان عضوسفارت لندن
بصفحه ٤٦٨ مراجعه شود

عکس میرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدین شاه در محبس قزوین
(این عکس موقعی است که درشرف آزادی اززندان بود.)
(صفحه ۴۸۰ مراجعه شود)

رضاخان معین الوزاره قونسول تفلیس (۱۳۰۸)

(بصفحه ۵۰۵ مراجعه شود)

عبداله خان امیرنظام که قبلا القاب ساعدالسلطنه ،
سردار اکرم وامیرتومان را داشت

(بصفحه ۴۹۸ مراجعه شود)

عنایت السلطنه برادر انتصار الملک
«بعداً ملقب به امیر معتمد شد»
(بصفحه ۵۱۲ مراجعه شود)

(نفر ایستاده» بهاء الملک قراگزلو
(بصفحه ۵۶۷ مراجعه شود)

محتاجعلی خان جلال الممالک پسر عبدالله خان
امیر نظام موقع تحصیل درسویس «بعد ملقب
بامیر ارفع شد» بصفحه ۴۶۲ مراجعه شود

محمود خان عنایت الملک «پیران»
«بصفحه ۴۹۲ مراجعه شود»

حسینقلی‌خان پسرعبداله‌خان‌موقع تحصیل در انگلستان «ابتدا لقب ساعدالسلطنه‌بعدامیرنظام را داشت «بصفحه۳۶۷مراجعه شود»

حسینقلی‌خان امیرنظام‌دوم«دراواخرعمر»

عکسی‌که درمحبس قزوین برداشته شده «درحدود سال ۱۳۱۰ قمری» عکس وسط متعلق بمیرزا محمد علی خان فریدالملك نویسنده خاطرات است «بصفحه ۸۷ مراجعه شود»

منصورعلی‌خان سعدالسلطنه
«پسر عبداله‌خان امیرنظام موقع تحصیل
درسویس» بعدلقب سردار اکرم راداشت

حسینعلی‌خان نواب
(بصفحه ٤٦٣ مراجعه شود)

عبدالحسین خان ناصر السلطنه
(بصفحه ٤٧٥ مراجعه شود)

عباسقلی خان نواب

حاجی شیخ باقر همدانی وجمعی ازمجاهدین زمان مشروطیت
(بصفحه ٤٦٩مراجعه شود)

جمعی از مجاهدین درتبریز

میرزا آقاخان کرمانی

(درتبریز اعدام شد)

(بصفحه ٤٨٤ مراجعه شود)

میرزا حسن خان خبیرالملك

(درتبریز اعدام شد)

شیخ احمد روحی

(درتبریز اعدام شد)

(بصفحه ٥٠٨ مراجعه شود)

حاجی میرزا ابراهیم آقا وکیل تبریز

(اعدام شد)

میرزاجهانگیرخان شیرازی
مدیرصور اسرافیل (اعدام شد)

(بصفحه ٤٧٤ و ٤٨٨ مراجعه شود)

ملك‌المتکلمین واعظ معروف
(اعدام شد)

عکسی ازستارخان سردارملی

(بصفحه ٥١٢ مراجعه شود)

آقا سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی
(دربروجرد بامر شاه کشته شد)

(بصفحه ٤٧٤ مراجعه شود)

محمد ولی خان سپهدار اعظم

(بصفحه ۴۸۲ مراجعه‌شود)

حاجی علی قلی‌خان سردار اسعدبختیاری

(بصفحه۴۸۳ مراجعه شود)

معزالسلطان (سردار محیی)

(بصفحه۴۸۳ مراجعه شود)

یفرم خان رئیس مجاهدین ارمنی که درجنگ‌های آزادی خواهی شرکت کرد ودر همدان طی جنگ باقوای سالارالدوله کشته شد

(بصفحه۵۱۳ مراجعه شود)

امیر بهادر

(بصفحه ٤٦٧مراجعه‌شود)

شیخ فضل‌اله نوری

(بصفحه ٤٩٤ مراجعه شود)

شاه‌شاه خان (ندیم السطان)

(بصفحه٤٨٥ مراجعه شود)

سعدالدوله

(بصفحهٔ ٤٨٣ مراجعه شود)

حسین‌خان امیرفویان پسر نصرت‌الملک

(بصفحه ۴۶۷ مراجعه شود)

زین‌العابدین خان امیرافخم پسر
حسین‌خان امیر

(بصفحه ۴۶۷ مراجعه شود)

غلامعلی خان حسام‌الملک پسر امیرافخم

(بصفحه ۴۷۵ مراجعه شود)

غلامرضاخان احتشام‌الدوله پسر امیرافخم
وداماد مظفرالدین شاه

(بصفحه ۴۶۲ مراجعه شود)

فضل الله خان انتصار الملك (قراگزلو)

(بصفحه ٤٦٨ مراجعه شود)

ظل السلطان (مسعود میرزا)

(بصفحه ۴۸۸ مراجعه شود)

سالار الدوله قاجار پسر مظفر الدین شاه

(ابوالفتح میرزا)

نایب السلطنه (کامران میرزا)

(بصفحه ۵۰۹ مراجعه شود)

سلطان احمدشاه قاجار درموقع جلوس
بتخت سلطنت (بصفحه ٤٦٣ مراجعه شود)

عضدالملك نایب السلطنه
(بصفحه ٥٩١ و ٥٠٩ مراجعه شود)

محمدعلی شاه قاجار
(بصفحه ٥٠١ مراجعه شود)

ابوالقاسم خان ناصرالملك قراگزلو
نایب السلطنه
(بصفحه ٥١٢ مراجعه شود)

حاجی ظهیرالملك حاکم کرمانشاه ورئیس فوج زنگنه (در موقع سان این فوج)

(بصفحه ۴۹۸ مراجعه شود)

ضیافت درباغ ظهیرالملك درکرمانشاه ـ ازراست بچپ: نفرسوم قنسول روس ـ چهارم امیرافخم حکمران ـ دونفر آخر حسام الملك پسرامیر افخم ـ فریدالملك کارگذار

پررفسور ادوارد برون ایران شناس معروف درجوانی
(این عکس را ادواردبراون با خط خودش بپدرم اهداء کرده‌است)
(بصفحه ۴۷۰ مراجعه شود)

آلفونس دوازدهم پادشاه اسپانیا و ملکه

(بصفحه ٤٦٦مراجعه شود)

پادشاه وملکه سوئد با پرنس اوسکار وپسرشان

(بصفحه ٤٨٤ مراجعه شود)

ویلهلم (یا گیوم) اول امپراتور آلمان با فردریك اول (نفر وسط ایستاده) پسرش که بعدامپراتورشد. نفراول دست راست ویلهلم دوم (نواده ویلهلم اول) امپراتور معروف در جنك اول جهانی. طفلی که جلو امپراتور ایستاده کرون‌پرینس پسر ویلهلم دوم است که ولیعهد اوشد. پرنس‌بیستمارك صدراعظم مشهور درمقابل امپراتور ایستاده است .

(بصفحه ٤٩٨ مراجعه شود)

پرنس بیسمارك صدراعظم معروف آلمان

(بصفحه ٤٧١ مراجعه شود)

گیوم یا ویلهلم اول امپراتورآلمان

(بصفحه ٤٩٨ مراجعه شود)

ژنرال باراتف فرمانده قوای اعزامی روسیه تزاری بایران درجنك
بین‌المللی اول (این‌عکس درخانه یکی ازرجال درهمدان برداشته شده)

ژنرال علی احسان پاشا فرمانده قوای عثمانی در ایران (نفرنشسته)
که با ژنرال باراتف طرف مبارزه بود (بصفحات ۴۴۹/۵۱ مراجعه شود)

(بصفحه ٤٤٩ و ٥١٠ مراجعه شود)

اعضاء کابینه دولت ایران آزاد

که در جنك بین المللی اول پس از ورود قشون روس بایران در غرب تشکیل و بعدازعقب نشینی قوای عثمانی ازایران مهاجرت کردند.

از راست بچپ : حاجی عزالممالك اردلان ، میرزا محمد علی خان کلوب (فرزین) میرزا حسین‌خان ادیب السلطنه (سمیعی) ، نظام السلطنه مافی (نخست وزیر) مدرس ، پسرنظام‌السلطنه، صوراسرافیل

ماژور محمد تقی‌خان پسیان (بعداً کلنل شد) وبا قوای ملی همکاری داشت

(بصفحه٤٤٩ مراجعه شود)

دست راست نشسته: محمدهاشم‌خان پسر فریدالملک
دست چپ : مسعود فرید (درسن ۱۲ سالگی)
(بصفحه ۵۰۳ مراجعه شود)

نفراول دست راست: ادیب‌السلطنه
نفراول دست چپ: نادعلی‌خان برادرفریدالملک
(بصفحه ۵۰۸ مراجعه شود)

ازراست بچپ: غلامحسین‌خان احتشام‌الدوله (پسر احتشام الدوله و نواده امیرافخم) مسعود فرید
(این عکس اخیراً گرفته شده)

هو

از رم ۳۰ مه

فریدجان من فدایت شوم دیروز کاغذ شمارا بیك روح تازه زیارت کـردم . از قبر بیرون میایم کاغذهای شما باید همه رسیده باشند اما حالت خواندن نداشته‌ام این چندروزه خیلی بهتر هستم در این ماه مه یك شرح آخری بحضرات وزراء و وکلا نوشته‌ام آن شرح را ازوزارت جلیله بخواهید و بدهید بیك مطبع معتبر چاپ بکند بی‌غلط .

این‌شرح‌مختصر آخرین‌دوای‌دولت ایران‌است جویاباشیدکه دوستان یك جهة و عزیزمن چه میگویند از این طرح تازه یاکلید نجات‌ایران خواهدبود یافتوای شما همه. تاخدا چه‌مقدر فرموده باشد .

قربان فرید ملکم

(آخرین مرقومه پرنس ملکم خان نظام‌الـدوله است‌که از از رم پایتخت ایطالیا مرقوم داشته .

بتاریخ ۳۰ ماه مه ۱۹۰۸ سحر

[illegible]

[illegible] رسیده باشد [illegible] خواهان داشته‌ام [illegible] ۲۱ مه [illegible]

[illegible] حضرات [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

Le 30 mai [illegible]

از پاریس ۳۱ مه ۱۸۹۸

جناب فریدالملك فدایت شوم جواب شما را دیر مینویسم اما والله تقصیر ندارم نمیدانید چه‌قدر خسته و چه حد مشغول و چه‌قدر گرفتاریها دارم الان هم این چندکلمه را بهزار زحمت مینویسم . از لقب شما واز این اظهار مرحمتی که حضرت صدارت عظمی در حق شما فرمود از حد تصور مشعوف‌شدم حقیقتاً فرید زمانه هستید اگر درایران چندنفری بدرستی بغیرت و نجابت و دولتخواهی شما پیدا میشدند حالت تا باینجا نمیرسید . از ایران بی‌خبر هستم حضرت صدراعظم شرحی‌نوشته بودند ازجناب جلالتماب اجل اکرم ناظم‌الممالك هیچ‌خبری نمیرسد. باید سببی داشته باشدکه من نمیدانم . من‌وقتی‌ناظم‌الممالك بودم درسی‌سال نتوانستم یك دهی‌را درایران‌نظم بدهم حالا ببینم حضرت اسکندرکل‌ممالك راچطور نظم‌خواهد داد معلوم نیست کی بتوانم ازپاریس حرکت‌کنم شماسعی‌کنید زودتر باینجاتشریف بیاورید نوشته بودیدبعد ازاین‌سفرلندن‌هیچ‌دلخوشی ندارم‌چرا ! شما منتظرتحریرات من‌نباشید هرقدر بتوانید زود زود ومفصل بنویسید. همه اهل خانه علی‌الاتصال از شما صحبت میدارند وبشوق قلبی‌منتظر مقدم‌شما هستند زیاد فدای فریدالملك

ملکم

50.Boulevard Maillot

اعلام

لوزان ۱۹۰۷

بحضور جنابان ترقی پروران ایران عرض میشود بعضی از اصحاب ذوق پارهٔ از افکار پژمرده مرا در مطبوعات جدید احیا میفرمایند درضمن منتهای تشکر دو کلمه توضیح لازم شده است . دراین پنجاه شصت سال متجاوز از دویست رساله بعشق ترقی ایران نوشته‌ام اغلب محرمانه بحضور شاه شهید و باقی را همه مستقیماً باولیای دولت تقدیم کرده‌ام. چون بدون‌حضورمؤلف یك‌کتابچه نوظهورمتشکل‌است بی‌غلط طبع بشرد باکمال تأسف می‌بینم‌آنچه از تحریرات بنده منتشر شده مملو از سهو و خطا است عنوانها همه منقلب ، مطالب همه مقدم و مؤخر ، آنچـه در اول جوانی محض تفنن نوشته‌ام با تحریرات دولتی‌مخلوط، بعضی صفحات ناقص بعضی دیگر بسهو قلم مغایر مقصود اصلی . ازآن جمله فصل مسمی برساله غیبی اگرچه بعضی ازجمله‌های آن شبیه افکار بنده است ولـکن آن فصل ازمن نیست.

دیگرکتابچه غیبی‌که چهل سال قبل اسامی‌کل تحریرات وتغییرات‌آن اهام شد هیچ درمیان نیست . لهذا امروز دراین‌عالم غربت دربستر بیماری از مکرمت دوستان حقایق شناس استدعا مینمایم‌که هیچیك ازتحریرات بنده را منتشر نفرمایند درصورتی‌که خط وامضای من برآن ثابت باشد وآنوقت هم به‌تحقیق مشخص نمایندکه درچه‌تاریخ و درچه موقع نوشته شده . عموم تحریرات من درپیش وزراء وبزرگان موجود و محفوظ است اگر اولاد حقایق‌شناس ایران‌طالب انتشار افکار این بنده بی‌مقدار باشند مخصوصاً عرض‌خواهم‌کردکه نسخ صحیح را ازکجا جویا بشوند .

ازنـگارشات سابق‌آنچه معلوم وثابت‌است فقط چهل وپنجاه نمره جریده قانون است البته در نظر هست‌که قیمت هرنمره در اول یك لیره بود بعد خیلی‌گرانتر شد و رسید بیك ذره شعود وحالا دوشرط دیگر برآن قیمت‌گزاف میافزایم اولا از اولاد ارشد ایران که طالب طبع این رسائل بیمقدار شده‌اند این تمنا را دارم که بیك توجه‌کریمانه مواظب باشندکه در الفاظ ومضامین رسائل هیچ سهو وغلطی باقی نماند واستدعای آخر این است‌که در ابتدای تحریرات بنده طبع این اعلام حاضر را بذل عفو خطایای این‌بنده حق پرست بفرمایند .

جان نثار ایران زنده

نظام‌الدوله

ملـکم

اصل را به‌هاشم‌آقا ربیع‌زاده دادم درمنزل خودم
باحضور جناب دبیرالسلطان وجناب مشارالملك
۲۵ رمضان ۱۳۲۵

Lausanne 1921

۱۱۰۰

بحضور جناب ترقی پرور ایران عرض میشود بعضی از اصحاب ذوق پاره‌ای از اشعار پژمرده ملا [illegible]

احیا میکرده‌اند در ضمن مذاکره دوکلمه توضیح لازم شده است . در این پانزده سال اشتیاق از حریت عالم

بعشق ترقی ایران نوشته‌ام غالب محرمانه بحضور رسانیده‌اند و بقیه را مستقیماً باین حریت تقدیم کرده‌ام

حین حضور مؤلف یک کتابچه نوشته در شکل است با خط طبع شده بکلمات تاتی و بسیاری از تحریرات

بنده مشتمل شده . عنوانها و خطابات عنوانها منتخب مطالب هر مقدمه و مؤخر آنچه در اول جواب مختصر نوشته

نوشته‌ام با تحریرات و تغییر مخلوط بعضی صفحات ناقص بعض دیگر بهوقع مغایر مقصود اصلی از آنجمله

فصل متمم برسالهٔ مبین اگرچه بعضی از جملات آن شبیه افکار بنده است ولیکن آن فصل از مرحوم

دیگر کتابچه مبین که چهل سال قبل بسالهای تحریرات و تغییرات آن ایام شده هیچ در میان نیست

لهذا امروز در این عالم غربت در بستر بیماری از حکومت ستان حقایق شناس استدعا مینمایم هیچیک از تحریرات

بنده را منتشر ننمایند که در صورت هر خط و مضامین بر آن ثابت نیست و آنوقت هم بتحقیق منتهی فرمایند

که در چه تاریخ و در چه موقع نوشته شده عموم تحریرات بنده در شش ورق در زمان موجود و محفوظ است

اگر امناء حقایق شناس ایران طالب انتشار افکار این بنده باشند مخصوصاً عرض خواهم کرد

نسخ صحیح را از کجا جویا شوند .

از نگارشات سابق آنچه معلوم و ثابت است فقط چهل پاره مزه جریده قانون است و آنهم در نظر

و قیمت هر نمره در اول یک لیره بود بعد خیلی گران تر شد و رسید بیک ذهب شعور و حالا

و بشرط دیر بر آن قیمت گزاف می‌افزایم اولاً از اولیاء دارالشورای ایران طالب طبع این کتاب

بعقد در شد از این تقاضا را دارم در یک توجه کریمانه مواظب باشند که در الفاظ و مضامین

رسائل هیچ تغییر و خلطی باقی نماند و استدعای آخر این است که در ابتدای تحریرات بنده

طبع مبین اعلام حضور را بذیل عفو خطای این بنده حق پرست بفرمایند

جان نثار ایران زنده

نظام الدوله

صحت را [illegible]

از لوزان (سویس) ۱۰ اوت ۱۹۰۷

فریدجان من‌فدایت شوم کاغذ اول‌آن محب عزیز رسید چون‌کسی را هنوز ندیده بودید منتظر مشروح دیگر شدم . پریروز پاکت دوم مورخه ۲۰ ژویه مفصلتر زیارت شد اما در حینی‌که میخواستم جواب بنویسم اخبار ایران‌آمد سرومغز مرا چنان مشوش‌کردکه هیچ حالت حرف ندارم وقوعات اداری و افلاس خزانه و انقلاب تمام اوضاع مدتهااست‌که برهرکوری روشن بود وباز معلوم‌است‌که آنچه بکنند بدتر خواهد شد . زیراکه این‌دنیای تازه دواها وتدابیر دیگر لازم‌دارد و اولیای ما هنوز معتقدکهنه خبطهای خود هستند . حالا از ضربتهای پی درپی آنقدر خسته و متنفر شده‌ام‌که حالت هیچ‌کار ندارم انشاءالله بعد از اینکه مطالب قدری روشن شد . به‌تفصیل‌حرف خواهم زد . اگر پول و شعور باقی نمانده باشد شما را زود روانه خواهند کرد اگر حرکت ممکن نشود اقلا به تفصیل مرا از وقوعاتی که البته ظهور خواهد کرد مطلع نمائید . حضرت اتابك را دیده‌اید ؟ جناب سعدالدوله را ببینید و بمن حالی‌کنیدکه در چه خیال هستند من‌هم با حضرات خیلی‌حرفها خواهم‌داشت‌که پس‌از وصول اخبار طهران خواهم نوشت . نوآب اشرف والا فرمانفرما مأمور تبریز شد انشاءالله موفق خواهد شد پول نیست چه خواهد کرد . درد اینجا است‌که همه این امراض‌که دستی براین بیچاره دولت جمع آمده‌اند دواهای سهل و مجرب‌دارند اما کج است آن معجزه شعوربخش‌که بتواند یك حرف‌صحیح بمغز وزرای همه‌دان‌فرو ببرد باری خیلی زود اخبار صحیح بمن برسانید مطلب عمده علی‌العجاله اینست‌که بهمه آقایان دوستان روان‌بخش‌که میدانید از قول‌من نهایت ارادت و اشتیاق و امتنان را عرضه بدارید . اینقدر خوب مینویسند که هرکلمه آن قوت روح من میشود قدرت معانی بیشتر از این نمیشود ومن در حیرت هستم‌که از کی و باین زودی افکار ایران تا به این درجات بالا رفت اسم کسی را ذکر نمیکنم بعد خودم جداگانه مشروح روح خودرا عرض خواهم کرد .

چند روز است در لوزان (سویس) هتل ویندسور غرق دردهای ایام هستم تا ببینم‌کی میرسد یا چه‌خواهد نوشت یقین دارم‌که اگر بتوانند شمارا خواهندفرستاد .

فدوی فرید ملکم

le 10 Août 1907. Lausanne

Hotel Windsor Pension

Lausanne Suisse

هو

ژنو ۲۲ اوت ۱۹۰۳

جناب‌فرید فدایت‌شوم مراسله مورخه دویم جولای درملك سویس و در شهر ژنو مایه سرورقلب شد . یقین داشتم فضائل هنرپرور حضرت ایالت پناهی قدر صفات حمیده و کمالات نادرهٔ شما را خیلی زود تقدیر خواهندفرمود. یك‌خواهش مخصوص‌من‌اینست‌که‌آنی ازشرایط خدمتگزاری درخدمت چنان وجود بزرگواری غافل نشوید. دوماه است‌که ازرم بیرون آمده‌ام و بعد از ده‌روز میروم بپاریس آدرس من درپاریس این است .... انشاءالله از راهی‌که مناسب باشد زیاد خواهد نوشت .

اوضاع ایران آنست‌که میبینید اوقاتم ازوقوعات واقعه وازمخاطرات خارجه بی‌اندازه تلخ‌است ولی ازاین‌مقام بعید چه میتوان‌کرد . این‌پاکت را از رم بیروت و بغداد میفرستم تا بفهمم چه طورخواهد رسید . جناب مستطاب مشیرالدوله درجواب تأکیدات من چندکلمه درخصوص جناب شما مرقوم فرموده‌اند عیناً در جوف مطالعه خواهد شد . از جناب شیخ‌الملك هیچ خبری‌ندارم همینقدر شنیدم‌که عروسی‌کرده است انشاءالله مبارك‌است. ازحضور اخوان جناب شما درآنجا امیدوارم دایره امور شما رونقی خواهد داشت از قول من سلام‌محبانه‌برسانید. از عیال مرحوم‌ناظم‌الممالك آنچه بتوانید باز مرا بی‌خبر نگذارید واین‌فقره را درست مشروحاً بمن بنویسید بخان خانان چه مواجب ، چه اسم و رسم دادند و همچنین بوالده او که بدانم بچه‌القاب وبه‌کی بنویسم خوب وبطور روشن بمن حالی‌کند زیراکه هنوز درست نمیفهمم این مظلوم‌که فرزند من است و بوالده او چه التفات کردنده وچه‌میدهند زیاد زحمتی‌ندارم بجزاینکه منتظرتحریرات‌مفصل جناب شما هستم مخلص شما

ملکم

22 Août 1903

Suisse

genève

جناب فرید دوست

متاسفم از اینکه دیروز در ژنو بودم و شما را ندیدم

به سوء تفاهم شد یقین داشتم فقط بنده در حضرت اب شاهی در صفت جمعه کلمات نادره نمایند

نمایند و تقدیر خلوت در معنی یک خواهش خصوصی بود نه از شرایط که مکتوبی در مدت جنابعالی

بنداد نمی شد. خواهش داشتم بیرون آمدم و بعد از ده روز میروم پاریس آدرس من

در پاریس است 2, rue Pierre-Charron. 2. Paris

آنست که از سویس در مدت زیاد خیلی دوست اوضاع ایران است می شنید اگر تم از

دقوعات داخله و در مخابرات خارجه یا اطلاع نیست ولیکن از این مقام بعید چه میتوان کرد

اینکه بکنت را از سویس به بروت و بغداد میفرستم تا بفهمم چه طور خلاصه رسید جناب مستشار

در جواب تلگرافی که در خصوص جناب شما مرقوم فرموده اید بعد در جواب مطالعه خواهم نمود.

بعد از دیدن بی مطالعه کنید زیرا که منظور در مسئله مهم و مطلوب و فرند فرانسه و بوالده او

به انضمام کلمه وجه بدهند زیاده زحمتی ندارم بجز اینکه خاطر تحریرات معصومی جناب شما هستم

معصوم

هو

از رم ۲۰ مه ۱۹۰٤

فریدجان فدایت شوم از اینکه احوالات خانم محترم والده خان خانان را بآن‌دلسوزی‌مینویسید ازجناب‌شما هزارتشکر دارم. دلم ازسختی حالت ایشان‌کباب است .

حیف‌که نمیتوان بزبان آورد حالت چه‌قدر در فرنگستان سخت شده است. در ایران خیال میکنندکه ما بفرنگستان آمده‌ایم‌که مداخل بکنم و عیال واقوام نگاه داریم دیگر نمیتوانند تصورکنندکه سفارت جای مخارج است نه‌جای مداخل جمیع سفرای آبرومند از سفارت مقروض برمیگردند وزرای بزرگ فرنگستان عموماً فقیر هستند هرکس مداخل میخواهد پی تجارت وکسب دیگر میرود وصاحب‌کرورهامیشود اما نوکری دیوان شاید اسباب افتخار شود اغلب حکماً مایه فقر و محرومی میشود . این حرفها میدانم زیاد است. خیلی میخواستم فریدون را بطهران بفرستم وخان‌خانان را بفرنگستان بیاورم ممکن نشد بازهم در این فکر و این کوشش هستم در این عالم پیری وخستگی زیاد نه ازبرای خودم بلکه از برای‌کسان دست به بعضی‌کارها زدم‌که شاید مصدر خیری بشود و خیلی امیدوارم‌که بجائی برسند آنوقت البته آنچه میسر شود همه صرف عزیزان من‌که از آنجمله بازماندگان آن برادرکه عزیزتر ازجان من بود خواهد شد علی ـ العجاله همه امید من درمرحمت خود دولت است و چنانکه مکرر نوشته‌ام ایندفعه بهرنوع‌اصرار وتظلم‌جدیت به‌اولیاء طهران‌خواهم‌نوشت. انشاءالله این دفعه لازمه مرحمت را خواهند فرمود حیف‌که طهران هیچکس‌را ندارم که موکل کارهای آن بیچارگان قراردهم ازجانب شما باز خواهش میکنم که مرا همیشه اوقات از حالشان خبر دهید تاانشاءالله از یك‌طرفی گشایش بشود باقی فدای همه آن عزیزان .

ملکم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

رم - ۲۸ مه ۱۹۰۳

جناب فرید فدایت شوم مراسله ششم صفر دومژده فرح‌بخش‌آورد. یکی مأموریت جدید شما و یکی انتخاب محل مأموریت‌که گویا از قلب من خبر داشتند . از برای من بهتر ازاینجا مأموریت نمیشود. خیلی میل داشتم‌که باز بفرنگستان بیائید اما تقدیر بهتر از آنچه من امید داشتم مساعدت‌کرد. ازتفصیل‌خبر ندارید. مختصر اینکه روح‌من درکرمانشاهان است . این دفعه چیزی نمی‌نویسم بعلت اینکه نمیدانم این پاکت چه‌طور خواهد رسید روز اول بمن بنویسیدکه کاغذ را بچه‌راه باید فرستاد از تبریز یا ازطهران یا ازبغداد یا از محمره علی‌العجاله باید خدمت حضرت والا فرمان‌فرما فدوی صرف و نایب بنده باشید . از جانب من و هم از جانب خودت نهایت جانفشانی را تکلیف قلبی بدانید .

ازسلامتی واز احوالات شخصی بندگان آنحضرت باید مرا خیلی‌زود مطلع‌نمائیدکه من‌هم‌بدانم ازکدام راه سفارش‌جناب شما وعرایض‌مخصوصم بفرستم‌این‌دفعه همینقدرعرض‌بکنید روحم‌وقلبم‌همیشه درخدمت‌ایشان‌بوده تا بعد خودم باقی را عرض کنم . در باب جناب شما همانطور که میدانید بجناب مستطاب مشیرالدوله شرحی نوشتم نه درورقه علیحده مخصوصاً در بیان مطالب محرمانه دولتی‌که بنظر انور شاهنشاهی و به لحاظ حضرت اتابك و بخاطر خود جناب مشیرالدوله مؤثر و بموقع برسد . دور نیست تمام اوراق را بکسی نشان ندهند اگر فقط آن مضامینی که متعلق بشما است بخواهند بجناب شما بنمایند خواهید دیدکه قلم مألوف قدر واوصاف وخزانه معقولیت ومحبت‌شمارا فراموش نکرده است.

بعداز چندروز ازاینجا میروم بسویس وبعد بپاریس باقی‌را نمینویسم تا نوشتجات شما چشم وقلب مرا روشن سازد ـ مخلص شما .

ملکم

نامه فریدون خان پسر ملکم خان به پدرم (این نامه اغلاط املائی دارد که اصلاح شده).

سفارت ایرات در رم ۱۴ مه ۱۹۰۸

قربانت شوم خدا میداند بچه‌اندازه خجلم از اینکه در جواب مرقومه شریف که قبلا متشکر شدم و در ماه فوریه زیارت شد معطل کردم ولی انشاءالله امیدوارم که مرا خواهید بخشید چون دراین چندماه آخر اینقدر گرفتار شدم و حواسم اینقدر پریشان که ممکن نبود تاحال جواب بدهم .

اینکه مرقوم فرموده بودید جواب کاغذهای که از رم به‌بنده نوشته بودید نیز بی‌جواب مانده جای‌خیلی تعجب‌است وهزار افسوس راکه بمحض رسیدن دستخط مبارك فوراً جواب نوشته خلاصه امیدوارم که مزاج دوست عزیزمحترم من درکمال خوشی و صحت باشد وخواهش مخصوص میکنم هیچ وقت مرا فراموش نکنید ومن هم همیشه فکر جنابعالی هستم همانطوریکه مرقوم فرمودید یك‌دنیا افسوس بودکه ازعدم مساعدت بخت وقتیکه در رم تشریف داشتید بنده آنجا نبودم .

اگر از حال‌وکاربنده بخواهید همان‌طورکه عرض‌شده در این چندماه حواس‌بنده در نهایت پریشانی بود از یك طرف (طلاق واقعه!) اسباب بی‌اندازه غصه من بود از طرف دیگر جناب اشرف نظام‌الدوله خیلی ناخوش بود واز برای تاج این همه مصائب میبینم‌که اوضاع وطن ما هرروز بدتر میشود امان امان ای‌جناب‌فریدالملك دوست عزیز من آخر چه خواهد شد بوطن عزیز ما چه خواهد شد .

الحمدلله حال پدرم امروز خیلی بهتر شده است مرقوم فرموده بودید که بعضی ازآقایان ایرانی‌که در پاریس بوده‌اند و بطهران مراجعت‌کرده‌اند بیان نموده‌اندکه من‌از پدرم دلتنگ شده‌ام و قهرکرده‌ام اگر چند وقت قبل یك‌قدری کدورت میان بنده و ایشان بود وحال بحمداله بکلی رفع‌شده است و متصل نزد ایشان هستم .

فدای وجود مبارك فریدون

Legation de Perse
Rome.
14 Mai 1908

قربانت گردم خدا میداند به چه اندازه خجل دارم از اینکه در جواب
مرقوم شریف شما قلبی متشکر شدم و در ماه [illegible] زیارت شما عالی کردم
انشاء الله امیدوارم که مرا جوینده بخشید چون در این چند ماه اخیر این قدری
گرفتار شدم و خواستم این قدر پریشان شما نباشم تا حال جواب بدهم.
اینکه مرقوم فرموده بودید که جواب کاغذی که از Rome به بنده نوشته بودید
نیز بی جواب مانده جای خیلی تعجب است و هزار افسوس زیرا که محض رسیدن
دستخط مبارک فوراً جواب نوشتم. خلاصه امیدوارم که مزاج شما عزیز
محترم من در کمال خوشی و صحتی باشد و خواهش مخصوصی میکنم هیچ
وقت مرا فراموش نکنید و من هم همیشه فکر جنابعالی هستم همان طوریکه
مرقوم فرموده بودید یک دنیا افسوس بوده از عدم مساعدت بخت
وقتیکه در Rome تشریف داشتید بنده آنجا نبودم.
اگر از حال و کار بنده بخواهید همان طور شما عرض شده در این چند ماه

حواسی بنده را در نهایت پریشانی بود از یک طرف طلاق دادن اسباب بی اندازه غصه می بود
از طرف دیگر جناب اشرف نظام الدوله خیلی و خیلی ناخوشی بود و از برای تاج این هر مصایب
میبینم و وضع اوضاع وطن ماه بر روز بدتر میشود امان امان ای جناب فریدون ملک
است غیر من آخر چه خواسته شد به وطن عزیز ما چه خواسته شد.
الحمدلله حال پدرم امروز خیلی بهتر شده است. مرحوم فرموده بودید از اقایان
ایرانی در پاریس بوده و مراجعت به طهران کرده بیان نموده بودید من از پدرم دلتنگ
شدم و فهمیدم اگر چه چند وقت قبل یک قدری [illegible] بود حیات ایشان و
بنده هم حالا الحمدلله بحالی رفع شده است و متصل نزد ایشان هستم.

فدای وجود مبارک
فریدون
2

لوزان ۲ اکتبر ۱۹۰۷

فریدجان من‌فدایت شوم احوالم خوب‌نیست در رخت‌خواب هستم کاغذهای شمارسید انشاءالله بعدجواب مینویسم دیروز یك‌جلد کلیات ملکم رسید خیلی ممنون هستم تحریرات قدیم وجدید مرا قابل انتشار دانسته‌اند ولیکن خیلی غلط و بی‌ترتیب بعضی از مقاله‌ها بکلی تغییر یافته‌است مثلا رساله غیبیه هیچ بکار من نمیآید جای‌تعجب نیست درآنجاها اگر تحریرات بی‌حضور مؤلف چاپ شود مملو اشتباه میشود و مطالب و مقالات من که چاپ شده هیچ بهمدیگر ربط ندارد شما را بخدا پس‌از هزار قسم تشکر از دوستان‌که مباشر انتشار شده‌اند از جانب من خواهش و التماس بکنیدکه بدون تصدیق و امضای من چیزی از من چاپ نکنند و یکی دیگر درست اعلام کنیدکه مقصود مداخل من نیست و تصور نکنندکه میخواهم دکان خودفروشی بازبکنم قیمت تحریرات چنانکه درصفحات قوانین‌من اعلام‌شده یك‌ذره شعور و فهم‌کافی است وزیر علوم کیست .

بجنابان سعدالدوله و احتشام‌السلطنه و صنیع‌الدوله در هفته قبل کاغذهای مختصر نوشته‌ام بپرسید رسیده‌اند یا نه بیش از این حالت تحریر ندارم نمیدانید ...

مرا بچه دریای نکبت غرق کرده‌اند هرقدر بتوانید زیاد بنویسید و بمن حالی نمائیدکه درحق شما بکدام یك ازدوستان من‌کاغذ تأکید بنویسم عذر سکوت من در خدمت همه دوستان محترم برعهده محبت فرید است .

ملکم

A. TRUB & CIA. LITHOGRAPHY & PRINT.

علی‌العجاله بهزار درد والم مختصراً عرض میکنم که وضع‌ایران چه در داخل وچه در خارج بمقامی رسیده‌که دولتخواهان با بصیرت باید در عزا باشند و نمیفهمم حضرت نواب والاکه بصد ربط طبیعی و دولتی‌که از ارکان ناگزیر سلطنت هستید چرا دراین ایام بحران از استان اقدس همایونی اینطور دور نشسته‌اید . وقت است‌که جمع متعینین سلطنت یکدل ویك جهة بردور بندگان اقدس شاهنشاه روحنا فداه جمع بشوند و این‌کشتی‌راکه محققاً برشرف غرق‌شدن است نجات بدهند . و این خلاصی هنوز ممکن است اشکال عمده فهمیدن حقیقت مطلب است .

از صفای عقیده و از حسن اهتمامات ذات اقدس شاهنشاهی هیچ تردیدی ندارم وازطرف دیگر یقین‌دارم‌که حالا حضرت اتابك‌که در سرعت ادراك ودر قدرت چاره‌سازی عدیل ندارد بیش از هرکس محتاج وجویای همدستی‌رجال هنرمندشده است والان بحکم عقل و دین وبصد دلیل دیگر واجب شده است‌که جمع بزرگان و ارباب شعور ایران اغراض پست را بوقت دیگر بگذارند وبا تمام هستی خود بجهة استقلال دولت دراستان همایون حاضر جانفشانی باشند واگر فرضاً حضور حضرت نواب والا در طهران مشکل باشد پس‌از همان مقامی‌که دارید اقلا به‌نصیحت وتأکید والتماس محرك باشندکه شاید بزرگان ایران چه در ولایات و چه درطهران به هم واحد مجاهد خلاصی سلطنت ایران باشند زیراکه محققاً و یقیناً همه‌چیز ایران بالاتر از آنچه تصور شود درخطر است .

اگر چه همه این مطالب را مستقیماً بطهران مینویسم اما خواهش دارم این عریضه را الان بسوزانید زیراکه میدانم‌اگر بدست بعضی رنود بدبین بیفتد دلیل‌هزارغرض سفیهانه قرار خواهند داد وکسی نخواهد بود به‌آن دردمندها بگوید ای نامردهای بی‌دین ملکم چهل سال قبل ازجمیع نعمات دولتی داخله وخارجه سیرکرده وحالا مدتی است بهرزبان فریاد میکندکه دیگر هیچ تمنا وتوقعی از هیچکس ندارد در این‌آخرسن دیگرکدام غرض و مرض ! بلی هنوز یك غرضی کلی دارد اینست‌که در زمان حیات او این دولت دوسه هزارسال دنیا را بااسم ورسم خود مملوکرد باین وضع رسوائی و باین ننك ابدی تمام شود . منادی صادق

ملکم

علی‌الحساب هزار درود و الم مختصراً عرض میکنم که وضع ایران چه در داخله و چه در خارج
بقدری رسیده که همه نجوا کنان بالصریح باید در عزا باشند و سهم حضرت والا
که بضبط طبیعی و حق از ارکان ناگزیر سلطنت است چه در این ایام
بحران از استان اقدس همایونی بظهور رسیده است و آن که جمیع تمشیت
سلطنت یکدل و یکجهت به دور نزدیکان اقدس است روح فرا جمع نشده
و این کشتی را که محققاً بشرف غرق شدن است نجات بدهد
و این خلاصی هنوز ممکن است اشکال عمده بر فهمیدن حقیقت مطلب است
از صفای عقیده و از حسن اهتمامات ذات اقدس شاهانه هیچ تردیدی ندارم
و از طرف دیگر یقین دارم که حالا حضرت آقا که در سرعت ادراک و در قوت
چاره‌سازی عدیل ندارد بیش از هر کس محتاج رجال هوشمند و شجاع است
و لازم است که بحکم عقل و دین و بصد دلیل دیگر واجب شده است که جمیع بزرگان و ارباب
شعور ایران اغراض نفسانی را بوقت دیگر گذارند و با تمام همت و جهد استقلال
دولت در استان همایون حاضر جان‌فشانی باشند و اگر فرضاً حضور
حضرت نواب والا در طهران ممکن نباشد پس از همان مقامی که دارند اقدام بتمشیت
و تاکید و التماس محرک باشند که سایر بزرگان ایران چه در ولایات
و چه در طهران به هم واحد مجاهد خلاصی سلطنت ایران باشند زیرا که محققاً
و یقیناً همه چیز ایران بالاتر از آنچه تصور بشود در خطر است
اگرچه همه این مطالب را مستقیماً بطهران می‌نویسم اما خواهش دارم این عریضه را

از سویس ۲۷ اوت ۱۹۰۷

فدای فریدالدهر پاکت ۷ اوت که خیلی منتظرش بودم از رم باینجا(لوزان) رسید پریشانی امور ایران حالت حرفی نگذاشته است مصائب اطراف خیلی بیشتر از آن است که درطهران تصور میکنند . میگویند حضرت اتابك استعفا کرده است و سایر وزراء هم درکار استعفا هستند . چه فایده از مسند وزارت استعفاکردن خیلی صحیح اما ازمجلس وکلا استعفاکردن منتهای نامردی است . باید ایستادگفت حرف حالی کرد و کار را پیش برد . تقصیر وزرای ما اینست که نمیتوانند بفهمندکه امراض حالیه دولت همه دواهای معین و مجرب دارند باید از روی عقیده و ایمان صحیح پی‌دوا رفت ما محققاً بیش‌از سایر دول آدمهای عاقل داریم اگریکی از این عقلا بقدر صد یك عقل خودعلم میداشت همه کارها درست میشد .

دوستان ما متصل ازمن‌دوا میخواهند من‌هم ازطرف‌خود امدادی که‌میخواستم این بودکه اقلا شمارا نسخه نویس دواهای موجود قرار بدهند . دراین فقره هم عاجز ماندند. بی‌نهایت خسته ومتغیرهستم ومصمم شده‌ام‌که مسائل را مستقیماً بخود مجلس وکلا رجوع نمایم چند فصل روشن بقوتی که بتوانم متوالیاً بمجلس خواهم نوشت.

بهریك از دوستان من اخلاص صمیمی‌مرا برسانید جناب سعدالدوله چه‌وقت ناخوشی پیداکرده است انشاءالله احوالشان خوب است هیچ حقی نداردکه ازمجلس‌وکلا قهر و دوری بکند . ایران چنان وجودی را لازم دارد . هیچ نمیدانم کاغذهای من بحضرات آقایان میرسد یانه . بخود جناب شما چندکلمه نوشتم‌که اقلا بدانید آدرس‌من در لوزان است .

بیش‌از این حالت حرف ندارم قوانین را چرا این‌طورها نامناسب چاپ میکنند گلستان واصلاحاتی‌که دارد معطل داشتند آخر چه شد . اگر اولیای ما اینقدر همت ندارندکه شما را بفرستند شما اقلا ازفرستادن کاغذهای واجب‌کوتاهی نکنید افق ایران ازهر سمت بطوری تاریك میشودکه‌گاهی یك قلم دوست‌کبریت یك عالم روشنائی‌است.

ملکم

Lausanne, 1 Août 1907

Hotel Mikindsez Kessler

[illegible] بارک ۷ اوت در خیابان [illegible] در هتل [illegible] به Lausanne

رسیدم. [illegible] است. مصیبت اطراف خیابان بیشتر از آن است

که [illegible] نمیتوانند حضور [illegible] استغفا کنند است و سایر وزرا هم که استغفا نکرده

بودند. [illegible] وزرای مستعفی [illegible] صحیح [illegible] که استغفا کردن [illegible]

[illegible] و گفت [illegible] پیش برد. تقصیر وزرای [illegible] بفهمند

و [illegible] وزرا [illegible] بدهند [illegible] عقیده داریم صحیح [illegible]

[illegible] بیش از سایر دول [illegible] داریم [illegible] عقیده بقدر [illegible]

[illegible] است [illegible] شد. [illegible] از طرف [illegible]

[illegible] خواستم [illegible] واقعه [illegible] نویس [illegible] قرار [illegible]

[illegible] خسته و [illegible] شده [illegible] بعلت [illegible]

بنده که هست [illegible] اعوانش [illegible] است هیچ حق ندارند در مجلس [illegible] تمرد [illegible]

ایران [illegible] هیچ [illegible] ندارند. هیچ نمیدانم [illegible] اقدامی [illegible]

[illegible] از آنها چه [illegible] واقعه [illegible]

[illegible] Lausanne در adresse [illegible]

[illegible] قوانین [illegible] بکنند. [illegible] و [illegible]

[illegible] اضافه [illegible] از [illegible] بعهده [illegible] شاه [illegible]

در فرنگی [illegible] بکنند. [illegible] ایران [illegible] مثل [illegible]

[illegible]

پاریس ۱۸ نوامبر ۱۹۰۱

جناب فریدالدهر فدایت شوم ناخوشی طولانی و بی‌درمان برادر عزیز من روزگار مرا سیاه‌کرده بود از فوت او جمیع دردهای روح من به من چنان هجوم‌کردند که حقیقتاً در این روزها مرده پوسیده بوده‌ام دنیا درنظرم معدوم شده است واله هیچیك از تحریرات طهران را در این باب نتوانسته‌ام بخوانم لندن بودم و امروز بعد از دو ساعت روانه ایتالیا هستم بی‌آنکه بدانم‌کجا میروم و چطور میروم در این دم‌آخر بهزار زحمت جسمانی و روحانی این دوکلمه را مینویسم .

جواب عیال‌آن مرحوم و نورچشمی خان‌خانان را در رم مینویسم هزارتومان را بدو قسط از رم خواهم فرستاد اما نمیدانم باسم که برات را به بانك بفرستم باسم خان‌خانان یا عیال آن مرحوم در این باب راهی باید پیدا بکنم . سفارش بازماندگان آنمرحوم‌را چندکلمه دیوانه‌وار بطهران‌نوشته‌ام انشاءالله بی‌اثر نخواهدبود منتظر هستم ببینم چه‌کرده‌اند تا بعد من هم از آن‌رو حرف بزنم معلوم است‌که آنچه ممکن باشد خواهم‌کرد وهمچنین در باب‌کارهای خود جناب شمامنتظر هستم‌که بعداز ورود بطهران با شما چه کرده‌اند از ورود موکب همایون بطهران هنوز هیچ خبر ندارم معلوم است کارها خیلی توی درهم ومشغله وگرفتاریهای حضرت اتابك اعظم خارج از قوه انسانی خواهد بود. حالا از شما خواهش دارم خیلی‌زود مرا مطلع بسازیدکه در چه‌حال هستید و بخصوص از برای اصلاح حالت خودکار شما چه‌نوع اقدامات چه‌نوع تأکیدات باید کرد من خودم نیز در حق شما یك خیال شخصی دارم‌که نمیخواهم حالا بنویسم درست بفهمم اوضاع طهران به‌چه میزان‌است چیزی‌که محقق است اینست‌که هم حضرت‌اشرف اتابك اعظم و هم جناب مستطاب مشیرالدوله مرا از التفات و توجه خود ، همیشه بی‌مضایقه قبول فرموده‌اند و یقین‌دارم‌که استدعا و التماس و اصرار مرا در حق شما و درحق بازماندگان آن مرحوم بتوجه‌کریمانه قبول خواهند فرمود دوست ومخلص شما.

ملکم

2.RUE PIERRE CHARRON

از رم ۹ ژانویه ۱۹۰۸

فدای فرید اخبار ایران این روزها بطوری مغشوش رسید که نمیدانم چه نوشتم وچه خواندم اینقدر میدانم که ازشما کاغذهای متعددی رسید و از من هم کاغذهای متعدد بدوستان فرستاده شد . امروز صبح در روزنامه‌ها میخوانم که سعدالدوله دوباره بطهران برگشت مگر کجا بود. احتشام‌السلطنه کجاست جواب کاغذهای مرا چرا نمینویسند. این دستگاه تازه هنوز نفهمیده است که امروز یکی از اولین تکالیف دولت‌داری است که بهر نوع مواظبت هر روز اخبار آراسته و قابل اعتنا بفرنگستان بفرستند و من هنوز بطور یقین اسامی وزرای ما را نمیدانم میشنوم که حامی شما ودوست دائمی من حضرت نظام‌السلطنه جزء دایره وزرا شده است خیلی خوشوقت میشدم کفایت وتجربه‌های کامل ایشان در امور ایران وذوق ومعرفت آقامیرزا حسین‌خان نظام درعلوم خارجه وجود کاملی ترکیب میکند که من بیش از هرکس خواهان دوام آن هستم . انگلیسها چندان ممنون نیستند اصلاح آن سهل خواهد بود. شمارا بخدا ازاحوال وافکار ومعاونت ومخالفت هریك از وزرا بتفصیل مرا مطلع سازید که بفهمم چه تصویب برسانم و چه مخالفت رفع نمایم . فراموش نکنید هریك از وزرای ما را که اغلب دوست قلبی و جانی من هستند بتازگی درست بمن بشناسانید و همچنین آن دوستان اطراف که حسن وفا ونجابت فطرت خود مرا از زمین تا آسمان ممنون ساخته‌اند و من درسکوت خود خجل مانده‌ام درست حالی نمائید که بیك اعلان مفصل مراتب تشکرات خود را بایشان خواهم رسانید وانشاء الله همت این وزرای تازه که محل امید ایرانی واقع شده‌اند فرید مرا بمن خواهند رساند .

بعد ازاین بهتر آنست که تحریرات خودرا از راه کرمانشاهان وبغداد وبیروت بفرستید زودتر و بی‌علت‌تر خواهد رسید .

فریدون این روزها اوقات مرا تلخ کرده است با زنش میانه‌شان بهم‌خورده است و میخواهد طلاق بدهد . همه‌خانه بجناب شما سلام وافر دارند .

فراموش نکنم که مکرر استعفا کرده‌ام از طهران از راه محبت جواب نمیدهند انشاءالله مرا دیوانه نخواهند کرد زیرا که واقعاً بقای من بااین حالت سفارت‌داری دولت ما محال شده است .

ملکم

[illegible]

۲۸ جمادی الاولی
۱۳۳۰

جناب فریدالملک بموجب این خط مبارک نرخ گندم
از دست مدعی حق مزارع آنرا مقید نمائید شما این مسئله را
بتدکین و جماعت بخباز و علاف اعلان نمائید که مردم
تکلیف خود را دانسته گندم خود را صاف نموده بمعرض
فروش برسانند بجهات تهیه امور بخبازخانه فراهم شود

۱۳۲۹

۱۵ قوس

۳۴

[illegible]

[illegible]

مسعود فرید گردآورنده خاطرات و نویسنده
توضیحات آخر کتاب